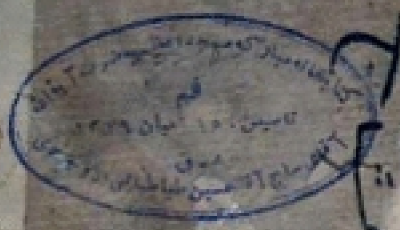




این کتاب مکارم الا



بسم الله الرحمن الرحیم

…رواهر جود سپاس ونفایس لآلی شکر بیقیاس نثار بارگاه…

…مکارم اخلاق عباد اثری از آثار فیض جود اوست ومحاسن

…کمال خلایق شمه از لطف نامحدود وداد کریمی که نوع انسان را مخ…

…ت اتصاف بصفات حسنه واکتساب اخلاق مستحسنه ساخ…

…تابعان وپیروان حضرت رسالت پناه محمدی از بنوید قل ان…

…ی یحببکم الله بنواخت جلت آلاؤه وعمت…

وتحف تحیات نامیات بر سید کائنات…

…لعلی خلق عظیم نکته ایست از کمال…

…لاق بنده از جلال صفات او…

…سالمین صدرنشین صفه…

…طفا بدر علی…

قدر ذلك الهدى محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم وعترته الطیبین

الطاهرین خصوصا امیر المؤمنین وامام المتقین سید الوصیین

ویعسوب الدین خاتم کتاب وصایت خاتمه صحیفه ولایت مظهر

غرایب ومظهر عجایب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات الله و

سلامه علیه … ضمایر صافیه ارباب بصیرت وبصایر صحیحه

زاکیه اصحاب فطنت پوشیده ومخفی نماند که تا سالکان مسالک شریعت

…سالکان مسالک طریقت وحقیقت را بعد از اعتصام بحبل متین

قرآن مجید وفرقان حمید هیچ مستمسکی رفیعتر از اخبار حضرت

رسالت ووسیلتی منیع تر از آثار آن منبع جاه وجلالت نیست …

حق سبحانه وتعالی در هر قرنی از قرون جماعتی از امت محمد را

بعد از این سعادت فایز گردانید که اقوال وافعال واخلاق وجمیع

منسوبات آنحضرت را در سلک جمع وعقد ضبط کشیده تصانیف

متعدده در معرض ظهور جلوه داده اند از جمله کتاب مکارم الاخلاق

است که از بدایع مصنفات افضل المتقدمین واکمل المتاخرین شیخ

الاسلام والمسلمین رضی الملة والدین ابی نصر الحسن بن ابی علی

الفضل بن حسن الطبرسیست نور الله مرقده وبرد مضجعه که مشتمل

است بر مکارم اخلاق ومحاسن آداب آنحضرت وانچه امت را بآن امر

کرده اند وفی الواقع مثل آن کتابی درین باب مؤلف نشده ونزد

خواص وعوام دلپذیر است بلکه کافه انام را از دانستن آن ناگزیر

جون کتاب مذکور ببلغت فصحویه در سلك تألیف
وعقد تصنیف درآمده اکثر اهل فرس از استفاده واستفاضه
آن محرومند وعموم فایده آن معدوم در اثنای ایام سلطنت واعوام
خلافت حضرت شاه دین پناه ستاره [illegible] احتجاب سپهر عزت
وجاه مسند نشین بارگاه السلطان ابد الله ظل الله اختر برج
شهریاری دُر درج بختیاری صاحب سریر کشورگیر خلاصه اولاد
سید البشر مجدد مذهب حق ائمه اثنا عشر سلطان [illegible] قوان
سلیمان مکان گیتی ستان مالك رقاب الامم [illegible]
العرب والعجم [illegible] اساطین السلاطین فی الافاق [illegible]
الخواقین بالارشاد والاستحقاق مروج الشریعة المطهرة المصطفویة
مبین الطریقة القویمة المرتضویة حافظ بلاد اسلام المسلمین معز
السلطنة والخلافة والسیادة والدین المؤید من عند الله الغازی
فی سبیل الله سلطان شاه طهماسب بن السلطان شاه اسمعیل الحسینی
اید الله قوایم سریر السلطنة والخلافة بوجوده واید ارکان الدولة
والجلالة بفیض جوده اشارت بشارت ومثال بی مثال حضرت
[illegible]یوان رفعت مریخ صولت مشتری طلعت خورشید منزلت دین پرور
عدالت گستر ممهد قواعد ایالت وبختیاری مشید مراسم عدالت
وکامکاری امیر الامراء وعون الضعفاء والفقراء مرجع الاکابر و
الاعالی ملجاء الافاضل والموالی مظهر الطاف حضرت اله مصداق

مقال تخلقوا باخلاق الله [illegible] سمی نبی خان محمد کزو خراسان بود
رشك خلد برین ممالك مدار عدالت شعار پناه جهان بنده شاه
دین فقیر قلیل البضاعت وحقیر عدیم الاستطاعت نصیر الدین
محمد بن عبد الکریم الانصاری الاسترابادی غفر الله له ولوالدیه
بخاطر رسید که کتاب مذکور را بلغت فارسی ترجمه کند بنوعی که
عرایس ابکار مفهومات ومعانی از نقاب الفاظ وعبارات عربی
جلوه نماید وپرده خفاف اختفا از عارض ظهور رخسار وضوح
[illegible] کرده وآنحضرت همچنانچه بنامی نامی واسم سامی حضرت
رسالت پناهی موسوم است بمکارم اخلاق ومحاسن اداب واوصاف
حمیدی را اکتساب فرموده بدان نیز متصف ومنعوت باشد وبمیامن
[illegible] سایر امت محمد خواص وعوام عوام از خواص فضایل وعموم
فواید آن محظوظ وبهره مند گردند چند این کمینه را قدرت ارتکاب
این امر خطیر وقوت باین شغل کبیر نبود بحکم المامور معذور
ممتثلا لامر العالی استعانت از حضرت سید المرسلین وحضرات ائمه
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین استمداد نموده دران شروع
کرد واین ترجمه را محاسن الاداب نام نهاد ملتمس از مکارم اخلاق
ناظرین وناظرین مکارم الاخلاق آنکه بنظر اصلاح دران دیده اگر بر
ذلل وقصوری مطلع شوند قلم عفو بران کشیده راقم را معذور دارند
مسؤل از حضرت ملك متعال آنکه توفیق اتمام کرامت کند وحضرت

اسیر وسایر مومنان را باین ترجمه منتفع ومستفیض گرداند وبگرداناد

این ترجمه را ذخیره از برای مسترجم یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ اِنَّهُ

وَلِیُّ ذٰلِكَ وَمَا تَوْفِیقِی اِلَّا بِاللهِ وَهُوَ حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ

آغاز کتاب محاسن الآداب بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

ابتدا میکنیم بنام خدای سزای پرستش نیک بخشنده بر خلق بوجود

وحیات بخشاینده بر ایشان ببقا ومحافظت از آفات هرچه که از ازل

تا ابد موجود ومعلوم بود وخواه بود جمله مران خدایرا که مسمی

وموصوفست بهمه اسما وصفات کمال آن خدائی که یکیست بذات

ویگانه است بصفات بی نیاز است از همه واواست پناه ونیاز مندان

وحاجتمندان نزاد کسی او را وزاده نشد از کسی ونیست ونبوده مر او را

همتا ودرود بر محمد که بنده ورسول برگزیده اواست که فرستاد

او را بتمام آفریدگان مژده دهد مر مومنان ومطیعانرا به بهشت

ورحمت خدایتعالی وبیم کند مر کافران وعاصیانرا از دوزخ

وعقوبت او وخواننده مر بندگانرا به پرستش خدای تعالی بفرمان

وتوفیق او ودلیل ظاهر بر وجود او بر اهل بیت او که پیشوایان راه

راه شد وبه پی روی ایشان از ظلمت وتاریکی جهالت وضلالت

نجات میتوان یافت همچنانکه در تاریکی وظلمت شب بچراغ نور دهنده

راه بمقصود میتوان برد آنچنان اهل بیتی که خدای تعالی دور گردانیده است

از ایشان هر چیز را که منکر وناشایسته باشد ومعصوم وپاک گردانیده

است ایشانرا از جمیع گناهان وسلام بر کسی باد که متابعت کرد راه

راست را اما بعد از حمد خدا وصلوات بر رسول وآل او بدرستی که

حق سبحانه وتعالی چونکه گردانید پیروی حضرت پیغمبر را کلید

خشنودی خود وراه بسوی بهشت چنانکه گفته است لَقَدْ کَانَ لَکُمْ

فِی رَسُولِ اللهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ یعنی بدرستی که شما را رسول خدا پیشوای

نیکواست لِمَنْ کَانَ یَرْجُوا اللهَ وَالْیَوْمَ الْآخِرَ یعنی هر کسی که امید میدارد

ثواب خدای تعالی ونعمتهای آخرت وگردانید متابعت آنحضرت را

وپیروی کردن سنت او وآنچه از او روایت کنند سبب محبت ووسیله رحمت

خود چنانکه گفته است قُلْ اِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللهُ

یعنی بگوی ای محمد اگر دوست میدارید شما خدایتعالی را متابعت کنید مرا تا دوست

دارد شما را خدایتعالی باعث شد این رستگاری عظیم بجمع کردن این کتاب

مشتمل باشد بر اخلاق کریمه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

وآداب حسنه آنحضرت وآنچه امر فرموده است بآن امت را پس گفت آنحضرت

که اِنَّمَا بُعِثْتُ لِاُتَمِّمَ مَکَارِمَ الْاَخْلَاقِ یعنی خدای تعالی مرا فرستاده است

به بندگان برای آنکه تمام گردانم مکارم اخلاق را که به پیغمبران دیگر

تمام نشده وجمع کردن کتاب مذکور بجهت آنست که دانستن هر چیز

مقدم است بر عمل کردن بآن چیز پس یافتم در کلام حضرت امیر المومنین

که مشتمل است بر حقیقت روش پیغمبران وآل برگزیدن ودور بودن

بتمامی از مردمان ومتوجه شدن بخدای تعالی در حالت امید وترس

وقطع نظر کردن از دنیا و زینت او و توجه کردن باحوال آخرت وامیر
المؤمنین علی علیه السلام خاص کردانیدن است از میان پیغمبران پیغمبر ما
صر بکمال این سیرت وروش و مبالغه و ترغیب کرده است مارا بآن
کردن بآنحضرت بعد از کلام طویل هرکسی را که دعوی دروغ میکرد که
امید میدارد بخدای بحق خدا که دروغ میکوید چیست حال او که ظاهر
نمیشود امید او در عمل او و هرکه امید میدارد از خدای تعالی بهشت را
وکناه میکند پس امید او در عمل او ظاهر نمیشود و هر ترسی که هست
محقق ومعلوم است مکر ترس از خدای تعالی بدرستی که این معلوم
نیست که زیرا که اکر ترس بنده از خدا تعالی محقق میبود مرتکب معاصی
نمیشد امید میدارد بنده از خدا تعالی امر بزرک که آن بهشت است
ونعمتهای آخرت وامید میدارد از بندکان چیزی بی اعتبار که آن
امور دنیوی است وبا وجود این صرف میکند بسیاری از مال خود را و
خدمت میکند بنده را تا آنکه بمطلوب خود برسد و عبادت نمیکند
پروردکار را و تصدق نمیکند اندکی از مال خود تا آنکه بمطلوب بزرک
خود برسد پس چیست حال خدا تعالی جل ثناؤه که تقصیر کرده میشود
بآواز آنچه کرده میشود بر بندکان او آیا می ترسی که باشی در امید داشتن
خود از خدای تعالی کاذب و دروغ کوی یا نمیدانی خدا تعالی را محل
امید و همچنین کسی اکر ترسد از بنده از بندکان خدا تعالی میدهد باو
از ترس خود آن چیزی که نمیدهد پروردکار خود را پس ترسیدن

آنکس از بندکان ظاهر میشود و ترسیدن او از آفریننده ایشان ظاهر
نمیشود و همچنین هرکه دنیا در چشم او بزرک است و وقعی دارد در دل
اختیار میکند و برمیکزیند دنیا را بر خدای تعالی و متوجه دنیا میشود
و میکردد بندهٔ دنیا و بدرستی که رسول خدای تعالی کافیست مر ترا
در مقتدا بودن و دلیلست مر ترا در مذمت دنیا و عیب او و بسیاری
رسوائیها و بدیهای او زیرا که آنحضرت متوجه دنیا و زینتهای او نشد
وحق تعالی دنیا و آرایشهای او را بآنحضرت نداد و بغیر آنحضرت داد
واکر خواهی بکویم بعضی از حالات حضرت موسی کلیم الله چون کفتند
رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ یعنی پروردکارا بدرستی آنچه فرو
فرستادی بمن محتاجم بآن بحق خدا که طلب نکرد حضرت موسی از خدا تعالی
چیزی مکر نانی که بخورد و سبزی کیاه مینمود از تنکی پوست شکم
مبارک بجهة لاغری و کم کوشتی واکر خواهی ثنیه از احوال حضرت
داود ع بیان کنم بدرستی که زنبیل می بافت از برک خرما بدست خود
ومیکفت بهمنشینان و مصاحبان خود که آیا کدام یک از شما میفروشد
این زنبیل را از برای من و میخورد قرص جو از بهای آن اکر خواهی بکویم
از حال عیسی بدرستی که سنک را بالین خود ساختی و جامهٔ درشت پوشیدی
ونان خورش او کرسنکی بود و چراغ او در شب ماه بود و سایه و پناه او و میوه
و ریحان او آنچه از زمین میروئید از برای حیوانات و نبود او را زنی
که در فتنه اندازد او را و نه فرزندی که اندوهکین کند او را و نه

که مشغول کرداند او را و نیز طمعی که حقیر کند او را مرکب او هردو پاپر
او بود و خدمتکار او هردو دستهای او پس اقتدا کن به پیغمبر خود که
او پیشواست هرکسی را که پیروی او کند و دوستترین بندگان نزد خدای
تعالی کسی است که پیروی پیغمبر خود کند و اقتدا کند و متابعت نماید
سنت او را و آنچه از او روایت کنند و آنحضرت رغبت نکرد بدنیا و
نظر نکرد بدنیا و خالی و تهی بود از دنیا و گرسنه ترین اهل دنیا بود پس
عرض کرده شد دنیا برو قبول نکرد دانست که خدای تعالی دشمن و حقیر
و صغیر داشت دنیا را پس او نیز دشمن داشت دنیا را اعتبار نکرد و
و متوجه او نشد و اگر نبودی در ما هیچ گناهی که دوست ما چیزی را که
دشمن داشت خدای تعالی آنرا و تعظیم کردن و بزرگ داشتن ما
چیزی را که دشمن داشت خدای تعالی اعتبار نکرد آنرا هر آینه همین
بس میبود در مخالفت کردن بخدای تعالی خلاف فرمان و امر او کرده
بدرستی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم طعام میخورد
بر زمین بی سفره و بیخوان و می نشست همچو نشستن بندگان و میدوخت
بدست خود نعلین خود را و پیوند میکرد بدست مبارک خود جامه خود را
و بر دراز گوش برهنه سوار میشد و گاهی ردیف خود میساخت
کسی را بود پرده بر در خانه آنحضرت و دران پرده صورتها بود آنحضرت
گفت بیکی از زنان خود که ای فلانه دور کن این پرده را از پیش چشم
من بدرستی که چون نظر میکنم درین پرده بیاد می آید مراد دنیا و آرایشها

و پس آنحضرت اعراض کرد از دنیا بدل خود و دور کرد یاد دنیا را
از نفس خود و دوست داشت که غایب باشد زینت دنیا از چشم او تا متوجه
دنیا و زینتهای او نشود و اعتقاد نکند دنیا را سرای قرار پس بیرون
کرد دنیا و زینتهای او را از نفس خود و غایب کردانید او را از چشم
خود و همچنین هرکه دشمن میدارد چیزی را دشمن میدارد نظر
کردن و یاد کردن آن چیز را و بدرستی که رسول خداست دلالت
کننده و راه نماینده است ترا بر بدیها و عیبهای دنیا زیرا که گرسنه بود
در دنیا با خاصان خود و باز گرفته شد از و آرایشها و زینتهای دنیا
با وجود بسیاری قرب و منزلت او بخدای تعالی پس باید که فکر کند عاقل
که خدای تعالی اکرام کرد محمد را باین که نداد دنیا و زینتهای دنیا را باو
یا اهانت کرد و حقیر داشت او را پس اگر گوید که اهانت کرد بحق خدای
که دروغ گفته باشد و اگر گوید که اکرام کرد محمد را پس باید که بداند
که خدای تعالی اهانت کرد و حقیر داشت غیر او را زیرا که بگسترانید دنیا را
از برای غیر او و دور کردانید او را از نزدیک ترین مردمان بخود
پس باید که اقتدا و پیروی کند اقتدا کننده به پیغمبر خود و متابعت
نماید اثر او را و اگر پیروی نکند پیغمبر خود را ایمن نباشد از هلاکت
بدرستی که خدای تعالی کردانیده است محمد صلی الله علیه و آله را نشان
و علامت قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمان است و بعد از و پیغمبری
نخواهد بود که به پیروی او ایمن باشد از هلاکت و آنحضرت صلی الله

علیه واله بشارت دهنده است به بهشت و بیم کننده است بعقو[illegible]
وباوجود این علو مرتبه از دنیا کرسنه رفت و رسید باخرت [illegible]
وبی عیب و ننهاد سنکی بالای سنکی و خانه و منزل و عمارت بنا نکرد
تا انکه از دنیا برفت واجابت کرد خواننده پروردکار خود را پس
خدایتعالی را چه منت عظیم است بر ما که انعام کرد بما بپیشوا و [illegible]
چون محمد که متابعت و پیروی او کنیم و حضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلام میفرماید که بحق خدایی که چندان پیوند کردم [illegible]
خود را که شرم داشتم از پیوند کننده آن کفت مرا کسی که چرا نمی[illegible]
این جامه را کفتم باو که دور شو از من بدرستی که صباح ستایش
میکنند قوم شب رفتن را و معنی این سخن ظاهر است که اکثر شب رفتن
مشقت تمام دارد و در هنکام رفتن ستایش نمیکنند اما صباح
که بمنزل رسیدن ستایش شب رفتن را میکنند همچنین انکه حضرت امیر
المؤمنین ع میکوید از پیوند کردن بجامه اکرچه در دنیا مشقتی دارد
ستایش نمیکنند آنرا اما چون بمنزل اخرت برسند ستایش خواهند
کرد و خواهند کفت کاشکی ما هم این عمل میکردیم تا الحال فراغت
میداشتیم پس این خطبه که روایت کرده شد از امیر المؤمنین ع
کافیست بطریق اجماع در مقصود ما که پیروی کردن حضرت [illegible]
صلی الله علیه واله سبب نجاتست و ما ذکر میکنیم بتفصیل بکار[illegible]
اخلاق را که مخصوص انحضرتست در جمیع احوال و اعمال او [illegible]

وبرخواستن وسفر و حضر و خوردن و آشامیدن و جمیع انچه روایت
کرده شده است از انحضرت و حضرات ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین در احوال مردمان بر سبیل عموم و سوال میکنیم
از خدایتعالی که توفیق کرامت کند در تمام شدن این کتاب بدرستی
که حق سبحانه و تعالی بر هرچه میخواهد قادر است و آسان کرداننده
دشوار بر و سهل و آسانست و کردانیدم این کتاب را دوازده باب
فهرست بابها باب اول در صفات ظاهری و باطنی
انحضرت رسالت پناهی صلی الله علیه واله وسلم و باقی حالات انحضرت
و درین باب پنج فصل است فصل اول در صفات ظاهری
و باطنی انحضرت و روش انحضرت با همنشینان فصل دوم
در بیان بعضی از حالات و اخلاق انحضرت منقولست از کتاب شرف
النبی و غیر آن فصل سیوم در صفت اخلاق انحضرت در طعام
خوردن فصل چهارم در صفت اخلاق انحضرت در اشامیدن
فصل پنجم در بیان مجملی در باقی احوال انحضرت باب دوم
در اداب پاک کردانیدن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و سرمه
کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن و درین باب سه فصل
است فصل اول در اداب پاک کردانیدن بدن و لباس و بوی
خوش بکار بردن و مانند آن فصل دوم در سرمه کشیدن
و روغن مالیدن فصل سیوم در مسواک کردن باب سیوم

باب سیم در آداب حمام رفتن وانچه متعلق است بان
ودرین باب شش فصل است فصل اول در کیفیت در آمدن بحمام
فصل دوم در پوشیدن عورت در حمام فصل سیم
در مالیدن خشت و روغن زیتون و آرد وغیر آن در بدن فصل
چهارم در تراشیدن سر وموی زهار و زیر بغل فصل پنجم
در شستن سر بخطمی و سدر فصل ششم در نوره مالیدن باب
چهارم در آداب ناخن گرفتن و شارب گرفتن و سر شانه کردن و
ونظر در آینه کردن و حجامت کردن ودرین باب چهار فصل است
فصل اول در ناخن گرفتن فصل دوم در شارب گرفتن و گرد ساختن
محاسن ونظر در آینه کردن وآنچه متعلق است بآن فصل سیم
در شانه کردن وانچه متعلق است بآن فصل چهارم در حجامت کردن
باب پنجم در آداب رنگ کردن محاسن وزینت کردن وآنچه
متعلق است بآنها ودرین باب شش فصل است فصل اول
در فضیلت وثواب رنگ کردن محاسن وترغیب کردن در آن فصل دوم
در سیاه کردن محاسن وغیر آن فصل سیوم در رنگ کردن محاسن
وغیر آن و رنگ دست زنان را فصل چهارم در کراهیت رنگ کردن
جنب وحایض ودر کراهیت پیوند کردن موی زنان را فصل پنجم
در انگشتری وانچه متعلق است بآن فصل ششم در زینت کردن
زنان بزیور وانچه بر سر دست میکنند از طلا آلات وغیر آن باب ششم

در آداب لباس ومنزل وانچه متعلق است بآن هر دو ودرین باب ده
فصل است فصل اول در تجمل در لباس وکیفیت پوشیدن آن
فصل دوم در بلند گرفتن جامه از زمین وپاک کردن آن فصل سیوم
در پوشیدن انواع لباس واختلاف رنگهای آن فصل چهارم
در پوشیدن جامهٔ ابریشمی و ردا وازار وغیر آن فصل پنجم
در تکبر کردن بجهة پوشیدن لباس وتواضع وفروتنی نمودن فصل ششم
در کراهیت لباس شهرت ونکتهٔ چند در لباس فصل هفتم
در عمامه وطاقیه وغیر آن فصل هشتم در پوشیدن موزه ونعلین
فصل نهم در خانه ومنزل وانچه جایز است از آن وانچه متعلق است
فصل دهم
بیان در زینت کردن خانه ومتاع خانه وفرشها وفروتنی در آنها باب هفتم
در آداب چیز خوردن وآشامیدن وانچه متعلق است بآن هر دو ودرین
باب سیزده فصل است فصل اول در فضیلت وثواب طعام دادن
ونیکوئی کردن و روزه سنت داشتن فصل دوم در آداب دست
شستن فصل سیوم در آداب طعام خوردن وانچه متعلق است بآن
فصل چهارم در آداب آشامیدن وانچه متعلق است بان فصل پنجم
در آداب خلال کردن فصل ششم در فضیلت نان فصل هفتم
در نفع آبها فصل هشتم در گوشتها وانچه متعلق است بان فصل نهم
در شیرینی ها فصل دهم در میوها فصل یازدهم در سبزیها
فصل دوازدهم دوازدهم در حبوبات فصل سیزدهم در طعامهای

نادر باب هشتم در آداب نکاح وانچه متعلق است بان و درین باب
ده فصلست فصل اول در رغبت کردن بنکاح و زن مبارک و شوم
فصل دوم در اصناف زنان و اخلاق ایشان فصل سیوم
در مناسبت زن و شوهر بایکدیگر و نکتهٔ چند در نکاح فصل چهارم
در آداب زنان و مباشرت کردن و غیر آن فصل پنجم در حق شوهر
بر زن و زن بر شوهر فصل ششم در فرزندان وانچه متعلق است
بایشان فصل هفتم در عقیقه وانچه متعلق است بآن فصل هشتم
در ختنه کردن وانچه متعلق است بان فصل نهم در خصلتهای بد
که متعلق است بزنان فصل دهم در چیزهای نادر که متعلق است
بنکاح باب نهم در آداب سفر وانچه متعلق است بآن و درین باب
هشت فصلست فصل اول در سفر و در بیان اوقاتی که سفر
کردن خوبست و اوقاتی که سفر کردن بد است فصل دوم در افتتاح
کردن سفر بصدقه و غیر آن فصل سیوم در بیانی که آنچه سنت است
بجای آوردن آن نزد بیرون رفتن فصل چهارم در اخلاق نیکو
در سفر فصل پنجم در نگاه داشتن متاع خود در سفر و استـ
کردن و حاجت طلبیدن فصل ششم در آداب راه رفتن و کراهت
تنهائی در سفر و دعاهای که در سفر باید خواند فصل هفتم
در رعایت کردن مرکب و حق او بر صاحب فصل هشتم در چیزهای
نادر که در سفر میباشد باب دهم در آداب دعاها وانچه

متعلق است بآن و درین باب پنج فصلست فصل اول در فضیلت
دعا و کیفیت آن فصل دوم در بیان دعاهائی که اختیار کرده
شده است در روز و شب فصل سیوم در ذکر حق تعالی و صلوة
بر نبی و آل او و استغفار و گریه کردن فصل چهارم در نمازهای
[illegible]ر فصل پنجم در دعائی نادر باب یازدهم در آداب مریض
[illegible] او وانچه متعلق است بآن هر دو و درین باب پنج فصلست
[illegible]ول در آداب مریض و عیادت و علاج او فصل دوم
[illegible]ردن بقران از برای جمیع مرضها فصل سیوم
[illegible]ا کردن بصدقه و دعا و نماز از برای جمیع مرضها
فصل چهارم در افسونها و تعویذها از برای تمام مرضها فصل پنجم
در بیان حرزها که لایق است باین کتاب باب دوازدهم در چیزهای
نادر که درین کتاب است و درین باب هفت فصلست فصل اول
در ذکر حقوقی که حضرت امام زین العابدین ذکر کرده است
فصل دوم در ذکر بعضی چیزهای که نهی فرموده است حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم ازان فصل سیوم در وصیت
حضرت پیغمبر امیر المؤمنین علی علیه السلام را فصل چهارم
در پند دادن رسول خدا صلی الله علیه واله ابن مسعود رضی الله
عنه را فصل پنجم در وصیت رسول خدا صلی الله علیه واله
ابوذر غفاری رضی الله عنه را فصل ششم در اختیارات

... منقول از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فصل ...
در ختم کتاب ... امیر المؤمنین علی باب اول در صفا[ت]
ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر و ... و درین باب
پنج فصلست فصل اول در صفات ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله و روش آنحضرت با همنشینان روایت کرده
است محمد بن ابراهیم بن اسحق الطالقانی در کتاب خود از جماعتی
معتمد و راست گویند و ایشان روایت کرده اند که گفت
امام حسن علیه السلام که پرسیدم خال خود هند [illegible]
از صورت و شکل حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم و خال
من مردی بود نیکو وصف کننده و من آرزو داشتم که صفت کند
برای من بعضی از حلیهٔ آنحضرت را که بدانم و حفظ کنم آنرا پس گفت
خال من که بود رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم عظیم و بزرگ
در دلها و چشمها روی مبارکش میدرخشید همچون درخشیدن
ماه بشب چهارده و آنحضرت درازتر از میان بالا و کوتاه تر از
بلند بالا بود و سر مبارکش بزرگ و مویش نه جعد بود و نه
کشیده وقتی که موی سر آنحضرت بخود دو بخش میشد میگذاشت
بهمان طریق و درین حال در میگذشت بهمان طریق و درین حال
در میگذشت از نرمهٔ گوش و اگر بخود دو بخش نمیشد و آنحضرت
جمع میکرد و در هم می پیچید او را در نمیگذشت از نرمهٔ گوش زیاد

بدن مبارکش درخشنده و نورانی بود پیشانی مبارکش پهن
بود و ابروانش باریک و خمدار و تمام و کشیده بود و پیوسته
نبود در میان دو ابرو رگی داشت که در وقت غضب پر میشد
بینی آنحضرت کشیده و بلند بود و طرف بینی که نزدیک بابرو است
باریک بود که کسی فکر و تأمل نمیکرد دران گمان میبرد که پشت بینی
مبارکش بلنداست محاسن آنحضرت انبوه بود و روی انورش هموار بود
سیاههٔ چشمش سخت سیاه و سفیدی بغایت سفید بود دهانش فراخ
و دندانهایش سفید و آبدار و گشاده بود از سینه تا شکم آنحضرت
خطی باریک از موی کشیده بود و گردنش گویا گردن صورتی از
نقرهٔ خام ریخته درخشنده و سفید در غایت اعتدال و نهایت
در حسن و جمال اعضایش معتدل و متناسب و بزرگ و درهم
بسته بود سینه و شکم اش هم راست بود و سینه اش پهن
بود دوشهایش ازهم دور بود و استخوانش بزرگ بود هرگاه آنحضرت
برهنه شدی بدنش سفید و نورانی بود از سر سینه تا نافش
خط باریک از موی کشیده بود سینه و شکمش موی نداشت
غیر موی باریک دستهایش از مرفق تا سر دست و دوشها و بالا
نه اش موی بسیار داشت استخوان سر دست آن حق پرست دراز
بود و کف دست فیاض اش گشاده و استخوان بازویش دراز بود
و دستها و پاهایش پرگوشت بود و انگشتان هایش دراز بود و ...

قدمش برداشته بود بوجهی که درحالت که راه رفتی بزمین
پشت پایش نرم وهموار بودي بحیثیتي که زود از آنجا درمي کذ
ودرحالت راه رفتن پاها را درست از زمین برداشتي ومیل بپیش
کردي وقدمها را بر زمین نهادي برفتي ونرمي واز یکدیکر دو
نهادي وتند رفتي کویا که از بالا بر شیب آمدي وهرکاه متوجه
شدي بتمام بدن خود متوجه شدي چشم خود را خوابانیدي و
باطراف وجوانب نشدي نظر در زمین بیش فرمودي که در آسما
نظر در چیزها در کوشه چشم کردی درحالت رفتن پیش داشتی
اصحاب را وخود در عقب ایشان رفتي وپیش کرفتی سلام کسی را که
ملاقات کردي حضرت امام حسن علیه السلام فرمود که کفتم هند
بن ابي خاله را که صفت کن از براي من سخن کردن حضرت پیغمبر
کفت هند بن ابي خاله که بود رسول خدا صلی الله علیه واله حزین
واندوهناك بجهت امت دایم الفکر در امور آخرت ونبود مر او را
بجهت طاعت وعبادت بغیر حاجت سخن بسیار نکفتی بیشتر اوقا
خاموش بودي افتتاح سخن وختم آن بکوشه لب کردی تکلم کردي
بکلامي که لفظ اندك ومعنی بسیار داشت سخن را چنان روشن کفتی
که حاضران همه میدانستند که آنحضرت چه میکوید زیادتی ونقص
در سخن آنحضرت نبود وخوشخلق بود وجفا کنندگان واهانت کنند
بزرك داشت نعمت را اگرچه اندك بودي ومذمت ... هیچ

وعیب نکردی ومدح نکفتی مزه هیچ خوردنی را درغضب نیاوردي
آنحضرت را امور دنیوي پس هرکاه کسی بکسی ظلم کردي آنحضرت
درغضب شدي بوجهی که هیچ کس آنحضرت را نشناختی وهیچ چیز تسکین
ندادي غضب آنحضرت را تا آنکه انتقام کشیدي از ظالم واز براي نفس
خود درغضب نشدي وانتقام نکشیدی ووقتی که اشارت کردي
بچیزي بتمام دست خود اشارت کردي وکاهی که تعجب کردي دست
خود را کردانیدی ووقت سخن کردن اشارت بدست خود کردي پس
باطن انکشت بزرك دست چپ را بر کف دست راست زدي ووقتی که
درغضب شدي اعراض نمودي وروي کردانیدي ومبالغه کردي
درغضب وکاهی که فرح داشتی خوابانیدي بیشتر خنده آنحضرت تبسم
بود ودرین حالت ظاهر شدي دندانهاي آنحضرت مثل ژاله در
سفیدي وصفا کفت حضرت امام حسن علیه السلام که پوشیده داشتم
این اوصاف را از امام حسین علیه السلام زماني وبعد از آن کفتم بامام
حسین علیه السلام پس یافتم او را که پیش از من پرسیده بود این او
از هند بن ابي هاله وپرسیده بود از پدر خود صلوات الله علیه
واله از کیفیت بودن حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله در خانه خود
بیرون خانه واز نشستن وشکل آنحضرت درحالت نشستن وهیچ
چیز از آنها فرو کذاشت نکرده بود وکفت حسین بن علی ع که پرسیدم
از پدر خود که حضرت پیغمبر وقتی که در خانه میرفت چکار میکرد

چشم خود

صافرا

گفت امیر المؤمنین علی ع که هرگاه حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
بمنزل خود رفتی اوقات خود را بر سه قسم ساختی قسمی بطاعت خدای
تعالی صرف کردی وقسمی بمعاشرت اهل خود پرداختی وقسمی مهمات
خاصه خود ساختی وآن قسم که تعلق بنفس آنحضرت داشت قسمت کردی
میان خود ومیان مردمان پس خاص وعام نزد آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم می آمدند وفایده میگرفتند وپنهان نداشتی از ایشان
هیچ چیز را وبود از سیرت آنحضرت که اختیار کردی اهل فضل را در
اذن دادن بمنزل خود وفایده رسانیدی بایشان بقدر فضل ودانش
ایشان در دین پس بعضی از ایشان یك حاجت داشتی وبعضی دو حاجت
وبعضی حاجتها پس آنحضرت مشغول شدی بایشان ومشغول ساختی
ایشانرا دران چیز که صلاح ایشان وامت دران بود وسوال کردی از ایشان
واخبار کردی ایشانرا بچیزی که لایق وسزاوار بود مر ایشانرا ومیفرمود
آنحضرت هر کسی را که حاضر است در مجلس من آنچه میشنود باید که بغایب
برساند ومیفرمود که برسانید بمن حاجت آنکس را که استطاعت
وقدرت ندارد که برساند بمن حاجت خود را بدرستی که آنکس که
برساند بسلطانی حاجت کسی را که استطاعت وقدرت ندارد که
برساند حاجت خود را بسلطانی ثابت ومحکم گرداند خدای تعالی قدمهای
او را در روز قیامت بر پل صراط ذکر کرده نمیشد نزد آنحضرت مگر
حاجت آنکسی که استطاعت رسانیدن حاجت خود میکردند بآنحضرت

نداشت وقبول نمیکرد آنحضرت از کسی غیر آنرا می آمدن مردمان
نزد آنحضرت وطلب حاجت خود میکردند وبیرون نمیرفتند مگر
آنکه بمطلوب خود میرسیدند وعلم ودانش اقتباس میکردند از انوار
نبوت وبیرون میرفتند راه نما ودانا گفت حضرت امام حسین ع
که پرسیدم از پدر خود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
در حالتی که بیرون بود از خانه چکار میکرد حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام گفت رسول خدا نگاه میداشت زبان خود را مگر در
چیزیکه ضرورت داشتی امت را بیکدیگر الفت دادی ومصاحبت
ومؤانست فرمودی وایشانرا از یکدیگر متفرق نساختی واکرام و
تعظیم کردی بزرگ هر قوم را واورا والی ساختی بر ایشان وترسانیدی
از عذاب خدای تعالی وخود را نگاه داشتی از ایشان بی آنکه روی
خود را درهم کشد وکج خلقی نماید وچون یکی از اصحاب غایب بودی
پرسش وجست وجوی او نمودی وپرسیدی که احوال مردمان از
مردمان پس نیك را نیك داشتی وتقویت فرمودی وبد را بد داشتی
وبی اعتبار گذاشتی احوال آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مختلف
نبود بلکه بریك منوال ودر حد اعتدال بود غافل نشدی از اصلاح
مردمان از ترس آنکه ایشان غافل شوند یا میل کنند وبگردند از
حق تعالی در هر حال اسباب جمیع عبادات نزد آنحضرت مهیا بودی
تقصیر نکردی ودر نگذشتی از حق آنهایی که نزدیك آنحضرت بودند

بهترين امت بودند و فاضلترين مردمان نزد آنحضرت انكسانى
بودند كه مواسات و معاونت ايشان مؤمنانرا بهتر بود كفت حضرت
امام حسين عليه السلام كه پرسيدم پدر خودرا از كيفيت نشستن
حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم امير المؤمنين عليه السلام كفت
كه رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم ننشستى و برنخواستى مكر بذكر
خدايتعالى و وطن نساختى جارا و نهى فرمودى امت را از وطن ساختن
جاها و چون پرسيدى بقومى بنشستى جاى كه مجلس با آنحضرت
منتهى كشتى و امر فرمود امت را باين و اديى هر يك از همنشينان
خود را انچه درخور او بودى كمان نبردى همنشين آنحضرت نشسته
بايستادى بجهة حاجت آنحضرت صبر كردى تا انكس برفتى و آنكسى كه
طلب حاجتى كردى از آنحضرت حاجت اورا برآوردى يا جوابى از
روى رفق و مرحمت كفتى لطف و مرحمت آنحضرت بهمه مردمان
بنوعى بود كه كويا پدر ايشان بود و همه مردمان در حق نزد آنحضرت
يكسان بودند مجلس مجلس حيا و علم و صبر و امانت بود در مجلس
آنحضرت آواز بلند شدى و ظاهر نشدى در مجلس شريفش چيزهاى
حرام و اكر از كسى در مجلس آنحضرت امر ناخوش واقع شدى در جاى
ديكر مذكور نشدى و شايع نكشتى اهل مجلس آنحضرت رعايت تعادل
ميكردند و با يكديكر موافق بودند و تفضل ايشان بر يكديكر در مجلس
آنحضرت بتقوى بود نه بچيز ديكر و با يكديكر تواضع و فروتنى مينمودند

تعظيم ميكردند در مجلس شريفش پيرانرا و ترحم برخوردان ميكردند
و اختيار ميكردند حاجت را و محافظت و رعايت احوال غريبان
ميكردند كفت حضرت امام حسين عم كه پرسيدم از پدر خود كه چكونه
بود سيرت و روش حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم
با همنشينان امير المؤمنين عليه السلام فرمود كه رسول خدا صلعم
دايم كشاده رو بودند و خوش خلق و ملايم بود درشت خو و بلند
آواز و دشنام دهنده و عيب كننده و مدح كننده نبود تغافل كردى
از انچه نخواستى و نا اميد نساختى كسى را از انچيز و آنحضرت سه چيز را
ترك كرده بود و دور داشته بود از نفس خود جدل كردن و بسيار
كفتن و انچيز را كه نخواستى و ترك كرده بود نسبت بمردمان سه چيز بود
مذمت هيچكس را سرزنش نكردى و ظاهر نكردى عيب كسى را و آنحضرت
سخن نكفتى مكر در چيزيكه اميد ثواب داشتى و وقتى كه انحضرت سخن
كفتى اهل مجلس خاموش ميشدند و سر خود را در پيش مى انكندند
كه كويا بر سر ايشان مرغان نشسته اند و كاهى كه انحضرت خاموش
شدى اهل مجلس سخن ميكفتند و نزاع و جدل در سخن نميكردند
چون كسى نزد آنحضرت سخن كردى اهل مجلس تمام خاموش ميشدند
تا آن كس از سخن فارغ شدى سخن ايشان نزد آنحضرت مثل سخن اول
ايشان بود يعنى آنحضرت در آخر مجلس نيز كوش بسخنان ايشان ميكرد ملول
نميشد همچنانكه در اول مجلس خنده كردى از انچه اهل مجلس ميخنديدند

و تعجب نمودي از ایشان انچه تعجب مینمودند و از غرایب جفا که بآن
حضرت رسیدی بجهة سخن کردن و چیزی پرسیدن صبر فرمودی
تا انکه اصحاب انکس وا از مجلس آنحضرت بیرون میبردند و
آنحضرت میگفت باصحاب خود که بر بینید کسی را که طلب حاجتی
کند یاری کنید او را و سعی نمایید در بر آوردن حاجت او و قبول
نمودی ستایش را که زیاده از مرتبه آنحضرت بودی بلکه ثنا
که در خور و لایق آنحضرت بودی قبول نمودی و قطع نکردی سخن
کسی را مگر انکه از حد در گذشتی پس منع کردی آن کس را از سخن کردن
یا از مجلس برخواستن گفت حضرت امام حسین علیه السلام که پرسید
پدر خود را که کیفیت خاموشی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و
آله و سلم امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که در خاموشی چهار
فایده بود حلم و عذر و تفکر و تقدیر اما تقدیر آن بود که هر کس
برابر نظر کردی و سخنان همه کس را برابر استماع نمودی اما فکر کردن
آنحضرت در چیزی بود که میماند که آن امور آخرت و علوم است
و در چیزی که فانی میشود که آن بعضی امور ضروری دینویست
و جمع شده بود در آن حضرت حلم و صبر پس در غضب نیاوردی
و سبک نکردانیدی آنحضرت را هیچ چیز و جمع شده بود و آنحضرت را
حذر در چهار چیز فرا گرفتن چیزهای نیکو تا مردمان اقتدا کنند
بآنحضرت و ترک کردن چیزهای قبیح تا دیگران باز ایستند از آنها

و جهد کردن و فکر کردن در چیزی که بصلاح آورد امت را و سعی
کردن در چیزهای دنیا و آخرت امت **فصل اول** در بیان بعضی
از احوال و صفات معنوی حضرت رسالت پناهی منقول از کتاب
شرف النبي و غیر آن **در بیان** تواضع و حیای حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و اله روایت است از انس مالك که گفت که رسول خدا پرسش
میکرد بیماران را و از عقب آن جنازه میرفت و اگر مملوك آن حضرت را
بطعامی میطلبید قبول میکرد و بر دراز گوش سوار میشد و در
روز جنگ حنین که با کفار بنی قریظه و بني النضیر جنگ میکرد و بر
دراز گوش سوار بود که افسار و بالان آن از لیف خرما بود و هم
روایتست از انس مالك که گفت هیچ شخص نزد اصحاب رسول الله
دوست تر نبوده از رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون میدیدند
آنحضرت را بر نمیخواستند بتعظیم آنحضرت بجهة انکه میدانستند که
آنحضرت را بد می آید روایتست از ابن عباس که گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر زمین می نشست و بر زمین چیزی
میخورد و خود علف میداد گوسفندانرا روایتست از انس مالك که گفت
که حضرت پیغمبر گذشت بر جماعت کودکان و بر ایشان سلام کرد
و حال انکه بشتاب میرفت و روایتست از اسماء بنت یزید که گفت
که حضرت پیغمبر گذشت بر جماعتی زنان و سلام کرد بر ایشان و
روایتست از ابن مسعود که گفت که آمد مردی نزد آنحضرت و

سخن گفت بآن حضرت واز هیبت آنحضرت بلرزه در آمد آنحضرت
گفت بآن مرد که مترس که من بادشاهی نیستم پسر زنی ام که گوشت
قاق میخورد و روایتست از ابی ذر غفاري که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه واله درمیان اصحاب می نشست و غریبی که می آمد
نمیدانست که آن حضرت کدامست تا انکه میپرسید التماس کردیم
از انحضرت که بسازد براي خود جائی که اگر بیاید غریبی بنزد آنحضرت
بشناسد انحضرت را پس قبول فرمود و بنا کردیم صفه از گل و آنحضرت
بر انجا می نشست و ما بر دو جانب او می نشستیم روایتست که پرسیدند
از عایشه که حضرت پیغمبر چکار میکرد چون در خانهٔ خود تنها می بود
عایشه گفت که میدوخت جامه و نعلین خود را و میکرد انچه میکنند
مردان با اهل خانه وهم روایتست از عایشه که گفت که دوسترین
کارها نزد آنحضرت چیزي دوختن بود و منقولست از کتاب نبوت
که گفت ابو عبدالله که گذشت بحضرت پیغمبر زنی بیشرمی و آنحضرت
نشسته بود وطعام میخورد آن زن گفت یا محمد تو چیز میخوري مثل خوردن
بندکان و می نشینی مانند نشستن ایشان آنحضرت فرمود واي برتو
اي زن کدام بنده از من بنده تراست آن زن گفت یك لقمه از ان طعام
که میخوري بمن ده آنحضرت یك لقمه از ان طعام باو داد آن زن گفت
بحق آنخدائی که نمیخواهم مگر آن لقمه را که در دهان تواست آنحضرت لقمه
که در دهان داشت بیرون آورده بآن زن داد آن زن آن لقمه را

خورد و حضرت امام میفرماید که ببرکت آن لقمه صفت بیشرمی
از ان زن برطرف شد و هرگز بیشرمی نکرد تا از دنیا برفت وروایتست از
انس مالك که گفت که خدمت کردم حضرت پیغمبر را ده سال و در مدت ده
هر کار که کردم هرگز نگفت آنحضرت بمن که چرا این کار کردي و
هرگز هیچ کاري را عیب نکرد وهم روایتست از انس مالك که گفت ده
سال با آنحضرت بودم و هر بوي خوش که در دنیا هست بوئیدم هیچ
بوي خوش مثل بوي آنحضرت نبود و چون با یکی از اصحاب ایستادی
بر نگشتی تا انکس برگشتی و چون یکی از اصحاب دست آنحضرت را گرفتی
دست خود را نکشیدي تا انکس دست خود را بکشیدی و چون
با جماعتی نشستی زانوهاي آنحضرت پیش از زانوهاي ایشان نبودي
وهرگز پیش از انکه اهل مجلس برخیزند بر نمیخواست وهم روایتست
از انس مالك که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم
براهي میرفت از عقب آنحضرت اعرابي آمد و رداي آنحضرت را
محکم میکشید تا انکه دیدم که اثر کرده بود کنارهٔ ردا بر گردن آنحضرت
از محکم کشیدن و گفت یا محمد امر فرماي تا از مال خدا که نزد تست چیزي بمن
بدهند آنحضرت روي باو کرد و در خنده شد و امر کرد که باو چیزي
بدهند از مال خدا تعالی و روایتست از ابي سعید خدري که گفت
که هیچ کس هیچ چیز از ان حضرت نطلبیدي مگر انکه بدادی از غایت
شرمي که داشت وهم روایتست از ابي سعید که حیا و شرم حضرت

پیغمبر بیشتر بود از حیا و شرم دختران بکر و چون آنحضرت
چیزی را مکروه داشتی از روی او معلوم شدی و روایت است از ابن
مسعود که گفت که حضرت پیغمبر فرمود که مرسانیدی چیزی بدی
بمن از اصحاب من بدرستی که من دوست نمیدارم که بیرون آیم
از خانه بسوی شما و سلیم الصدر باشم یعنی خاطر سینه من بهر کس
صافی باشد و از هیچکس رنجی نداشته باشم صفت جود آنحضرت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله روایتست که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشنده ترین مردمان بود و
از بزرگترین قبیلها بود هر کس با آنحضرت اختلاط میکرد و قدر و منزلت
آنحضرت را میدانست دوست میداشت آنحضرت را و منقولست از
کتاب النبوه که گفت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هرچه حضرت حق سبحانه و تعالی امر کرده است مرا
بآن من بجای آوردم و هرچه من علی را بآن امر کرده ام علی آنرا بجای
می آورد امر کرده است خدای تعالی مرا بسخاوت و نیکوئی کردن
و نهی کرده است مرا از بخیلی کردن و جفا کردن و نیست هیچ چیز بدتر بنزد
خدای تعالی از بخیلی کردن و بدخلقی نمودن بدرستی که بدخلقی ضایع
و فاسد میکرداند عمل را همچنانکه گل ضایع میکند عسل را و روایتست
که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام چون وصف کردی رسول
خدا صلی الله علیه و آله گفتی که رسول خدا بخشنده ترین و بجرأت ترین

و راست گوترین و بوفاترین و خوش خلق ترین مردمان بود و
قبیله آنحضرت بزرگترین قبیلها بود هر کس اول مرتبه آنحضرت
بدیدی بترسیدی از هیبت آنحضرت و چون با آنحضرت اختلاط
کردی و بشناختی دوست داشتی گفتی ندیدم هیچکس مثل آنحضرت
نه پیش از وی و نه بعد از وی روایتست از ابن عباس که گفت که
مسلمانان نظر با ابوسفیان نمیکردند و با او نمی نشستند ابوسفیان
بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله سه
مدعا دارم میخواهم قبول فرمائی یکی آنکه حبیبه که دختر منست و
خوش شکل ترین زنان عرب است بعقد نکاح خود در آوری حضرت
پیغمبر فرمود که چنین باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست
کاتب خود سازی آنحضرت فرمود که چنین باشد دیگر آنکه امر
کنی مرا که با کافران جنگ کنم همچنانکه با مسلمانان جنگ کردم آنحضرت
فرمود که چنین باشد ابن رمیل که یکی از راویان حدیث است گفته
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ یک از این مدعیات
ابوسفیان را تجویز نمی کرد و روا نمی داشت اگر او نمی طلبید و چون طلب
کرد آنحضرت قبول فرمود زیرا که عادت آنحضرت آن بود که هر کس
از آنحضرت چیزی التماس میکرد قبول میفرمود و روایتست که مردی
نزد آنحضرت آمد و چیزی طلبید آن حضرت هیچ نداشت فرمود
که چیزی نزد من نیست اما هر چیز میخواهی بخری بهای آن بمن حواله

کن هرکاه چیزي بدست آید اداکنم عمر حاضر بود کفت یا رسول الله
تکلیف نکرده است خدای تعالی بر تو چیزیرا که قادر نیستی بر آن یعنی
چرا خودرا بتکلیف می اندازي و باین طریق باین شخص چیزي
میدهی آنحضرت را سخن عمر بسیار بد آمد انمرد سایل کفت یا رسول
الله چیزی بده و مترس ازانکه خدای تعالی ترا درویش کند پس
رسول خدا صلی الله علیه واله بخندید درآمد و خوشحال شد از سخن
آنشخص چنانچه اثر خوشحالی از روي آنحضرت معلوم شد فصل
در شجاعت
حضرت رسالت پناهی روایتست از امیر المومنین علی علیه
السلام کفت که در روز جنک بدر پناه میکرفتیم ما بحضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله و آنحضرت نزدیک تر بود بدشمنان ما و
دران روز آنحضرت از همه بیشتر جنک کرد با کافران وهم روایتست
از امیر المومنین علی که کفت در روز جنک چون جنک بسیار
میشد و لشکرها بهم میرسیدند ما پناه بردیم برسول و هیچکس
از آنحضرت نزدیک تر نبود بدشمن و روایتست از انس مالک
که کفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم دلیرتر و خوبتر
و بخشنده تر بود از همه مردمان و یک شبي بحوالی مدینه بعضی
از کفار آمدند و مردم مدینه چون خبر یافتند در فریاد شدند
و مدد طلبیدند جمعی دیکر از مردم مدینه متوجه آنجماعت
شدند بهمان طرفی که او از ایشان می آمد و چون حضرت پیغمبر

صلی الله علیه واله وسلم خبر یافت اسب ابی طلحه حاضر بود و آن اسپی
بود بغایت کاهل و کند رو فی الحال آنحضرت بران اسپ سوار
شد و شمشیر خودرا حمائل کرد و از آنجماعت که متوجه شده
بودند درکذشت و بآن جماعت که در فریاد آمده بودند رسید
و میکفت بایشان که مترسید و فریاد مکنید و فرمود که این اسب
دریا است یعنی در غایت قوت و تندي است فصل در بیان رحم و غضب حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله روایت است از ابن عمر که کفت که حضرت
رسالت پناهي از روي او معلوم میشد چون خوشحال شدي بمرتبه
روي آنحضرت در غایت درخشندکی شدي بمرتبه که دیوارها روشن
میشد از پرتو روي آنحضرت و چون در غضب شدي رنک
و روي آنحضرت تیره شدي و روایتست از کعب بن مالک که کفت
که چون چیزی حضرت پیغمبر را خوشحال ساختی روي آنحضرت
درخشنده شدي چو ماه شب چهارده و روایتست از امیر المومنین
علی علیه السلام که کفت که چون رسول خدا صلی الله علیه واله چیزی
که آنرا دوست داشتی میفرمود که الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات
یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که بد نعمت او تمام میشود و کمال می یابد
چیزهاي نیکو و روایتست از عبد الله مسعود که کفت مقداد
اسود که چون رسول خدا در غضب شدی روي آنحضرت سرخ
شدي حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله با امت
در رفق آنحضرت
روایت است از انس

مالك که کفت چون یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم سه روز
بخدمت نرسیدی آنحضرت احوالش برسیدی اکر در سفر بودی
دعا فرمودی برای او واکر در حضر بودی بدیدن او رفتی و
اکر مریض بودی بعیادت او رفتی روایتست از جابر بن عبدالله
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بیست ویک جنک بنفس نفیس
خود با کفار کرد ومن در نوزده جنک حاضر بودم ودر دو جنک
حاضر نبودم یک شبی از شبها که با آنحضرت بودم در بعضی غزوات
شتر من مانده شد وبسینه در آمد ورسول خدا صلی الله علیه
واله در عقب مردمان بود وردیف میساخت ضعیف را ودعا
میکرد برای مردمان پس رسید بمن ومن میکفتم ای فریاد رس
امت ما را شتری بی قوت وضعیف است آنحضرت کفت کیست این کفتم
منم جابر پدر ومادر من فدای تو باد یا رسول الله آنحضرت کفت چیست
حال تو کفتم شتر من مانده شد آنحضرت فرمود که با تو عصای
هست کفتم بلی پس بزد شتر مرا بان عصا وبرانکیخت شتر را وپای
خود بر دست شتر نهاد وکفت سوار شو سوار شدم ورفتم با آنحضرت
وشتر من پیش از شتر آنحضرت میرفت وآنحضرت طلب استغفار و
آمرزش کرد از برای من در انشب بیست وپنج نوبت پس کفت مرا پدر
تو چند فرزند کذاشته است بغیر تو کفتم هفت دختر کذاشته است
کفت از پدر قرض مانده است کفتم بلی کفت وقتی که بیایم بمدینه مقاطعه

کن با قرضخواهان پدر خود واکر ابا کنند وقبول ننمایند مقاطعه را
چون وقت خرما بریدن شود دانا کردان مرا وآنحضرت میکفت
ای جابر نکاح کرده وزن خواسته کفتم بلی کفت بکر یا بکه وصلت کرده
کفتم بفلانه دختر فلان که زن بیوه بود در مدینه آنحضرت کفت
چرا زن نخواستی که باهم بازی کنید کفتم یا رسول الله خواهران
من هیچ کاری نمیتوانند کرد نخواستم که بیارم نزد ایشان زنی که
هیچ نتواند کرد وکفتم این زن بیوه بهتر است برای جمع کردن کارها
آنحضرت کفت خوب کرده پس کفت ای جابر شتری خود را بچند
خریده کفتم بوزن دویست درهم از طلا آنحضرت کفت میخریم ما
شتر ترا چون آنحضرت بمدینه رسید شتر را بخدمت آن حضرت
بردم فرمود که ای بلال بهای شتر را باو بده که بقرض بدهد
وبوزن صد وبیست درهم از طلا زیاده کن وشتر را باو بده پس
آنحضرت کفت آیا مقاطعه کردی بقرضخواهان پدر خود کفتم نه یا
رسول الله کفت آیا آنمقدار چیزی مانده از پدر تو که وفا کند بقرض
او کفتم نه کفت چون برسد وقت خرما بریدن اعلام کن مرا چون
وقت خرما بریدن رسید اعلام کردم آنحضرت را آنحضرت آمد ودعا
کرد برای ما وما بریدیم خرما را پس وفا کرد خرما بهمه قرضخواهان
وقرض ایشان ادا شد وباقی ماند برای ما آنمقدار که دایم میبریدیم
وحاصل میکردیم وبیشتر از آن پس کفت رسول خدا که بردارید خر

وکیل مکنید پس بر میداشتیم و میخوردیم از آن خرما مدتی و در روایتست
از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
هرگاه سخن میکرد یا میپرسید از چیزی سه بار میگفت تا مردم
بفهمند و روایتست از ابن عمر که مردی ندا کرد حضرت پیغمبر را
باینطریق که یا رسول الله آنحضرت در جواب او گفت لبیک و روایت
کرده است زید ابن ثابت که هرگاه مینشستیم نزد حضرت پیغمبر اگر
سخن آخرت کردیم انحضرت اتفاق میکرد با ما و اگر سخن دنیا
می کردیم آنحضرت موافقت مینمود با ما و اگر ذکر طعام و شراب
میکردیم موافقت میکرد با ما بهر اینها که مذکور شد روایت میکنم
از رسول خدا و روایتست از ابی الحمیا که گفت متابعت کردم
حضرت پیغمبر را پیش از انکه آنحضرت مبعوث شود پس و
عده کردم با انحضرت که فلان روز و در فلان جا شما را ملازمت
خواهم کرد و فراموش کردم آنروز و روز دیگر و در روز سیوم
آمدم گفت آنحضرت که ای جوان در مشقت انداختی مرا سه روز
است که من اینجا ساکنم و روایتست از جریر بن عبد الله که گفت که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله درآمد بخانه از خانهای خود پس
آنخانه پر شد از مردم و جای کسی دیگر نماند پس من درآمدم و چون
جای نبود برگشتم و در بیرون خانه نشستم چون دید آنحضرت مرا
که بیرون خانه بر زمین نشستم جامهٔ خود را درهم پیچید و پیش من

انداخت و گفت بر بالای این جامه بنشین من جامهٔ آنحضرت را
گرفتم بروی خود مالیدم و بوسیدم و روایتست از سلمان
فارسی که گفت رفتم نزد رسول خدا و آنحضرت تکیه کرده بود
بر بالشی انداخت آن بالش را بجانب من و گفت ای سلمان هر مسلمانی
که بیاید نزد او مسلمان دیگر پس بیندازد بالش را بجهة اکرام برادر
مومن البته او را خدای تعالی بیامرزد **مزاح و خنده کردن** حضرت
پیغمبر روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که من مزاح
میکنم و نمیگویم در مزاح مگر سخن حقی و روایتست که مردی پرسید
از ابن عباس که آیا حضرت پیغمبر مزاح میکرد و روایتست از
حسن ابن علی علیه السلام که گفت که پرسیدم خال خود هند را از
صفت رسول خدا گفت هند که وقتی حضرت پیغمبر در غضب شدی
اعراض کردی و روی گردانیدی و مبالغه کردی در غضب و گاهی که
فرح داشتی میخوابانیدی چشم خود را بیشتر خنده آنحضرت تبسم بودی
و در حالت خنده کردن ظاهر شدی دندانهای آنحضرت مثل ژاله
در سفیدی و صفا و روایتست از انس مالک که گفت دیدم رسول
خدا صلی الله علیه و اله و سلم را که تبسم کرد تا انکه دندانهای وی ظاهر
شدی و روایتست از ابی درداء که گفت که چون حضرت پیغمبر سخن
کردی تبسم نمودی در حالت سخن کردن و روایتست از یونس
شیبانی که گفت که از من پرسید ابو عبد الله که چگونه است مزاح

ابن عباس گفت بلی
مزاح میکرد

کردن بعضی از شما با بعضی کفتم کم است ابو عبد الله کفت چنین مکنید
زیرا که مزاح کردن بایکدیکر از حسن و خلق است و خوشحال کردن
بسبب مزاح کردن برادر مومن را و حضرت پیغمبر مزاح میکرد
با مردم و قصدش آن بود که آنکس خوشحال شود **در کریه** حضرت
پیغمبر روایتست از انس مالك که کفت که دیدم ابراهیم پسر رسول
خدا را در حالت نزع و آنحضرت میکریست و میکفت چشم اشك
میریزد و دل محزون و اندوهناك است و نمیکویم مکر آنچیزیرا
که راضیست پروردکار بآن و ما بجهة تو ای ابراهیم محزون و غمناکیم
و روایتست از خالد بن سلمه مخزومی که کفت که چون زخم خورد زید
بن حارثه رفت رسول خدا بخانه او و چون دختر او دید رسول خدا را
آغاز کریه کرد پس آنحضرت باواز بلند کریست یکی از اصحاب بآنحضرت
کفت که سبب این نوع کریستن چه بود یا رسول الله آنحضرت کفت که
سبب این شوق دوست است بدوست **در رفتار** آنحضرت روایتست
از امیر المؤمنین علیه السلام که کفت که رسول خدا در وقت رفتن
میل به پیش کردی و پاها را درست از زمین برداشتی کویا از بالا
به شیب آمدی ندیدم مثل آنحضرت نه پیش از آن حضرت و نه بعد
از آن حضرت و روایتست از جابر که کفت که رسول خدا وقتی که بیرون آمدی
از منزل و بجای رفتی اصحاب در پیش آنحضرت میرفتند و عقب آنحضرت
برای فرشتها میکذاشتند و روایت است از ابن عباس که کفت که

رسول

رسول خدا وقتی که راه رفتی معلوم شدی از رفتار آنحضرت که
نیست رفتن او همچون رفتن کسی که کاهل باشد و روایتست از انس
که کفت وقتی که می آمدیم بخدمت حضرت پیغمبر می نشستیم
حلقه و روایتست که رسول خدا وقتی که سوار بود نمیکذاشت کسی را
که پیاده با او برود تا آنکه آنکس را سوار میکرد با خود و اکر آنکس ابا
میکرد از سوار شدن با آنحضرت میکفت آنحضرت بآنکس که پیشتر
از من برو و در یاب مرا جائی که میخواهی و روایتست که طلب کردند
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را قومی از اهل مدینه بجهة
طعامی که برای آنحضرت پخته بودند و آنحضرت اجابت فرمود
دعوت ایشانرا پس در راه شخصی دیکر همراه ایشان شد چون بنزدیك
خانه آن قوم رسیدند آنحضرت کفت بآنمرد که در راه شده بودن
که قوم ترا نخواندند بنشین تا بکویم بقوم بودن ترا و طلب رخصت کنیم از ایشان
برای تو **در نشستن آنحضرت** و اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
منقولست از کتاب النبوه که کفت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که مصافحه نکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی هرکز که دست
خود را از دست آنکس کشیده باشد تا آنکه آنکس دست خود را از دست
آنحضرت میکشید و هرکس بآنحضرت حاجتی داشتی یا سخن کفتی
آنحضرت بر نکشتی تا آنکس باز کشتی و نزاع نمیکرد آنحضرت در سخن
کسی تا آنکه آنکس خاموش شدی و هرکز کسی ندید که آنحضرت پای

و پنج کس از اصحاب آنحضرت

خود را پیش کسی دراز کرده باشد و عوض نمیکردند با آنحضرت
دو چیز را مگر انکه اختیار میکرد انچیز را که مشقت آن زیاده بودی
و یاری نمیکرد نفس را و انتقام نکشیدی بجهة ظلمی که بر انحضرت
واقع شدی تا انکه از ان ظالم امری حرامی صادر شدی این هنگام
غضب آنحضرت برای خدا بودی در مقام انتقام شدی و هرگز
تکیه زده چیزی نخوردی در مدت عمر و هیچ چیز از انحضرت طلب
ننمودند که گفته باشد نه و هرگز حاجت هیچ کس را رد نکردی
بلکه حاجت او را بر آوردی یا جوابی از روی مرحمت و ملایمت گفتی
و نماز آنحضرت سبکتر بود از نماز مردمان دیگر با انکه تمام انچه
معتبر بود در نماز بجای آوردی و خطبهٔ آنحضرت کوتاه تر بود
از خطبهٔ مردمان دیگر و سخن بیفایده در سخنان آنحضرت نبود هرگاه
آنحضرت متوجه شدی ببوی آنحضرت متوجه جای شدی میدانستند
توجه آنحضرت را هرگاه آنحضرت طعام خوردی با قومی پیش از ایشان
بنیاد طعام خوردن کردی و بعد از همه دست از طعام باز کشیدی
و هرگاه طعام خوردی از پیش خود خوردی و اندک اندک آب خوردی
نه بسیار و آنحضرت بدست راست و دست چپ آنحضرت برای غیر
اینها بود از بدن و دوست میداشت که ابتدا بجانب راست کند در
در جامه و نعلین پوشیدن و شانه کردن و هرگاه دعا کردی و
وقتی که سخن کردی یک سخن را سه بار گفتی و هرگاه اذن طلبیدی بجهة

سه بار دعا کردی

در

در آمدن در خانهٔ کسی سه بار اذن طلبیدی ~~بجهة در آمدن در~~
خانهٔ کسی و سخنان آنحضرت ظاهر بود بمرتبه که هر کس که شنیدی
دانستی و فهمیدی و وقتی که سخن کردی نور ظاهر شدی میان
دندانهای پیش از آن حضرت و هرگاه کسی آنحضرت را دیدی
گمان بردی که میان دندانهای پیش آنحضرت گشاده است و حال
انکه گشاده نبود و نظر آنحضرت بچیزها بگوشهٔ چشم بود و نگفتی
بکسی سخن که انکس را بد آید از ان سخن و وقتی که راه رفتی چنان رفتی
که گویا از بالا بشیب آمدی و آنحضرت میگفت باصحاب که بهترین
شما انکسانند که خلق ایشان بهتر باشد و هیچ خوردنی را عیب نکردی
و مدح نگفتی و نزاع نمیکردند اصحاب نزد آنحضرت در سخن و کسی که
صفت کردی آنحضرت را گفتی که ندیدم بچشم خود مثل آنحضرت نه پیش
از و و نه بعد از و و روایتست از ابی عبدالله که گفت که رسول خدا
وقتی که میدیدند در شب تاریک نوری از انحضرت ظاهر شدی
که گویا پارهٔ از ماه بود و روایتست از ابی عبدالله ع که گفت جبرئیل
فرود آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و گفت که بدرستی
که حق سبحانه و تعالی بتو سلام میرساند و میگوید که سنگ ریزهٔ
رود خانهٔ مکه را از برای تو طلا کنم حضرت سه بار نظر کرد بسوی آسمان
و گفت نمیخواهم ای پروردگار من لیکن میخواهم که یکروز سیر باشم
تا حمد گویم ترا و روزی گرسنه باشم که تا طلب چیزی کنم از تو هم

روایتست از ابي عبدالله که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله
مید و شید شیر بز یرا که در خانهٔ آنحضرت بود و هم روایتست
از ابي عبدالله علیه السلام که کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که نیستیم من که عار آید مرا سواری دراز کوش پالان دار
و طعام خوردن در روی زمین با بندکان و چیزی بدست خود
بسایل دادن و روایتست از جابر بن عبدالله که کفت که در رسول
خدا چند خصلت بود یکی انکه آنحضرت هر راهی که رفتی و کسی در عقب
آنحضرت رفتی دانستی که انحضرت باین راه رفته است از بوی خوش
آنحضرت دیکر انکه هیچ سنکی و درختی نکذشتی مکر انکه آن سنک و درخت
آنحضرت را سجده کردی و روایتست از ثابت بن انس مالك که کفت که
رنکی رسول خدا سفید و روشن و درخشنده بود همچو رنك مروارید
خوش آب و نبوئیدم هیچ مشك و عنبری که خوشبوتر باشد از بوی
آنحضرت و مس نکردم هیچ جامهٔ دیبا و ابریشمین را که نرم بوده باشد
از دست آنحضرت و نماز آنحضرت سبکتر بود از نماز همه مردمان با انکه
انچه معتبر بود در نماز تمام بجای می آوردی و روایتست از جریر بن
عبدالله که کفت که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث
شد به پیغمبری آمدم نزد آنحضرت تا بیعت کنم آنحضرت کفت ای جریر
بچکار آمدی کفت امدم که مسلمان شوم بدست تو یا رسول الله
آنحضرت انداخت ردای خود را برای من بجهة انکه بنشینم بر ان پس

متوجه شد باصحاب و کفت که هرکاه بزرك قومی نزد شما بیاید کرام
کنید او را و روایتست از ابي عبدالله علیه السلام که کفت که رسول
خدا وعده کرد مردی بموضع معین و کفت من اینجا اکنم تا تو بیائی
بجهة آفتاب بآنحضرت مشقت رسید بعضی از اصحاب کفتند یا رسول الله
کاشکی بسایه پناه بردی آنحضرت فرمود که من اینجا وعده کرده ام
چون بجای دیکر روم و روایتست از عایشه که کفت کفتم بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا رسول الله هرکاه بخلاجای میروی
و بیرون می آئی و من در عقب تو میروم هیچ بول و غایتی نمی بینم بلکه
بوی مشك میشنوم آنحضرت کفت که ای عایشه ما که پیغمبرانیم
مثل اهل بهشتیم هر فضله که از ما جدا میشود زمین آنرا فرو میبرد و
و روایتست از ابن عباس که کفت که عمر که نزد رسول خدا صلی الله
علیه و اله آمد و آنحضرت بر روی حصیری تکیه فرموده بود و اثر
حصیر در پهلوی مبارك آنحضرت ظاهر شده بود عمر کفت یا رسول الله
کاشکی فرشی می انداختی آنحضرت کفت چکار است مرا با دنیا نیست مثل
من و مثل دنیا مکر همچون ناکسی که سوار باشد و میرفته باشد و
روز تابستان پس سایه کیرد در زیر درختی ساعت از روز و بعد
ازان برود و بکذارد آن سایه را و هم روایتست از ابن عباس که کفت
که رسول خدا وفات کرد و زره آنحضرت کرو بود نزد مردی از یهود
بسی صاع جو که کرفته بود برای معیشت عیال خود و روایتست از ابي

را فع که گفت که شنیدم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله میگفت
که هر گاه شما فرزند خود را محمد نام کنید باو نا خوشی مکنید و مزید
او را به برکت خانه که در و محمد نام باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله و امر کردن اصحاب در آداب نشستن روایتست که طفل صغیر را
نزد حضرت پیغمبر می آوردند که دعا کند برای او و یا نام نهد او را آنحضرت
میگرفت آن طفل را و در کنار خود می نهاد بجهة اکرام اهل آن طفل
و گاهی بول میکرد آن صغیر در کنار آنحضرت بس فریاد بکردند بعضی
که بی بدند آنحضرت میگفت که قطع مکنید بول صبی را و بگذارید که
بول را تمام کند پس آنحضرت فارغ میشد از دعا کردن برای آن طفل یا
از نام نهادن و به سبب این اهل آن طفل خوشحال میشدند و برایشان
ظاهر نمیشد که آنحضرت ایذا یافته باشد از بول آن طفل و چون اهل
آن طفل از خدمت آن سرور بر میگشتند آنحضرت جامه خود را میشست
و روایتست که آمد مردی بمسجد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و آنحضرت تنها نشسته بود پس دور شد از جای خود و آن شخص و آن
شخص را جا داد و آنشخص گفت یا رسول الله جا کشاده است آنحضرت
گفت که حق مسلمانان بر مسلمان آنست که چون ببیند مسلمانی را که
میخواهد که نزد او بنشیند دور شود از جای خود برای او و او را جای
دهد و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که انکسی
دوست میدارد که مردم برای او برخیزند و تعظیم کنند جای او در

دوزخ است و گفت رسول خدا صلی الله ع واله با اصحاب که برمخیزید
برای یکدیگر همچنانکه عجمان بر میخیزند بعضی برای بعضی و باکی نیست
اگر حرکت کنید از جای خود و کسی را در میان خود جای دهید و منقول است
از کتاب محاسن که ابو عبد الله گفت که هر گاه رسول خدا بمنزل
می آمد می نشست در پایین مجلس و روایتست از ابی عبد الله که گفت
که رسول خدا با اصحاب گفت که وقتی برخیزید مجلسی باید که بنشینید
انجا که مجلس باو منتهی شود و هم روایت است از ابی عبد الله که گفت
که رسول خدا با اصحاب گفت وقتی که برخیزید از مجلس باید که سلام
کنید اهل مجلس را بدرستی که نیست سلام اول سزاوارتر از سلام دوم
و هم روایتست از ابی عبد الله که گفت که رسول خدا با اصحاب گفت که
وقتی که برخیزید یکی از شما از مجلسی که بیرون رود و باز بیاید
اولی آنست که همانجا که نشسته بود بنشیند و روایتست که حضرت
پیغمبر با اصحاب گفت که بدهید حق مجالس را کسی پرسید که یا رسول
الله حق مجالس کدامست آنحضرت فرمود که حق مجالس آنست که بپوشید
چشمهای خود را و جواب سلام بگوید و راه نماید نابینا یان را و امر
کنید بمعروف و نهی کنید از منکر و روایتست از ابی امامه که گفت رسول
خدا می نشست باینطریق که کفهای پای خود را راست میداشت
و هر دو دست خود را پیش هر دو ساق خود می آورد پس بیکدست
محکم میگرفت ساق دست دیگر را و منقولست از کتاب محاسن که حضرت پیغمبر

سر نوع می نشست یکنوع بطریقی که مذکور شد و دیگر آنکه دو زانو
می نشست و یکپا را بالای پای ساق دیگر می نهاد و ندیدند آن
حضرت را که هرگز چهار زانو نشسته باشد دو زانو می نشست و
تکیه نمی کرد در وقت فصل سیم در وقت صفت اخلاق حضرت پیغمبر
در طعام خوردن منقولست از کتاب موالید الصادقین که حضرت
پیغمبر میخورد از همه اصناف طعامها و طعام میخورد در روی زمین
و بر آن چیزیکه مسلمانان طعام میخورند و میخورد آنچه خدایتعالی
حلال کرده است بدو و با اهل خود و خدمتکاران خود و با انگشت
دعوت کردی آنحضرت از مسلمانان مگر وقتی که مهمانی برسیدی
آن هنگام طعام میخورد با مهمان و دوستترین طعامها نزد آنحضرت طعامی
بود که با جماعت میخورد و روایتست که روزی گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که اصحاب نزد آنحضرت حاضر بودند که
اللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ لِلَّذِينَ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ یعنی
بارخدایا طلب میکنیم از تو فضل و رحمت ترا آنچنان فضل و رحمتی که
مالک نیست آن هر دو را غیر تو در میان دعا خواندن شخصی گوسفند
بریانی بر سبیل هدیه نزد آنحضرت آورد آنحضرت با اصحاب گفت بگیرید
این را که از فضل خدای تعالی بما رسیده است و ما انتظار رحمت او میکنیم
و روایتست که هرگاه خوان طعام پیش آنحضرت می نهادند میگفت
بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعْمَةَ الْجَنَّةِ

یعنی

یعنی بارخدایا بگردان این خوان طعام را نعمتی شکر گفته شده که
برسد بسبب آن نعمت بهشت بما و بسیار بود که وقتی که آنحضرت
می نشست بطعام خوردن از پیش خود طعام میخورد و جمع میکرد
زانوها و قدمهای خود را همچنانکه کسی نماز گذار می نشیند یعنی
دو زانو می نشست اما یکزانو را بر بالای زانوی دیگر می نهاد و
قدم را بر بالای قدم دیگر و میگفت که من بنده ام از بندگان
خدایتعالی طعام میخورم همچنانکه بندگان طعام میخورند و من می
نشینم همچنانکه ایشان می نشینند و روایتست از ابی عبدالله ع
که گفت که چیزی نخورد رسول خدا تکیه کرده از آن زمان که
فرستاد خدایتعالی آنحضرت را به پیغمبری تا آنکه از دنیا برفت بجهت
تواضع خدای تعالی و روایتست که آنحضرت هرگاه دست خود را
بر طعام نهادی گفتی بِسْمِ اللهِ بَارَكَ لَنَا فِيمَا رَزَقْنَاهُ وَعَلَيْكَ
خَلَفُهُ یعنی خدایا برکت ده ما را در آن چیزی که روزی ما کردی
و بر تو است که بعد از آن بما چیزی خوبی بدهی مصنف کتاب مکارم
میگوید که منقولست از کتابی که جمع کرده است پدر من که امام
جعفر صادق ع روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که
رسول خدا صلی الله و آله وقتی که روزه گشودی گفتی اللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا
وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ
وَبَقِيَ الْأَجْرُ یعنی بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بروزی تو افطار کردیم

بتول کن این روزه را رفت تشنکی وترشد رکها وباقی ماند اجر
وهم روایتست از امام جعفر صادق که کفت که رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم طعام خورد ونزد قومی کفت أَفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُونَ
واکل طعامکم الابرار یعنی افطار کردند نزد شما روزه داران وخوردند
طعام شما را نیکان وآنحضرت کفت دعای روزه دار مستجاب میشود
ونزد افطار کردن او وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
افطار میکرد بخرما واکر شکر مییافت افطار میکرد بآن وروایتست
از امام جعفر صادق علیه السلم که کفت که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم افطار میکرد بشیرینی واکر شیرینی نمی یافت افطار
میکرد بآبی نه سرد بود ونه کرم ومیکفت این آب پاک میکند جکر
ومعده را وخوشبو میکرداند دهن را وقوت میدهد دندانها
وتن میکند روشنائی چشم را ومی برد کناهان را وتسکین میدهد
رکها را وحرکت میکند صفرا را که غالب باشد وقطع میکند بلغم را
ومی نشاند حرارت معده را ومی برد درد سر را وروایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله نمیخورد طعام کرم را تا آنکه خنک میشد و
میکفت که خدای تعالی طعام نکرد ما را بآتش بدرستی که طعام کرم
نکرد بی برکتست پس خنک کنید وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم طعام میخورد بسم الله میکفت وبر سه انکشت
طعام میخورد واز پیش خود میخورد واز پیش غیر خود نمیخورد وطعامی

که نزد آنحضرت می آوردند پیش از همه کس شروع در طعام خوردن
میکرد وبعد از آن قوم شروع در طعام خوردن میکردند وبیشتر
بر سر انکشت طعام میخورد انکشت بزرک وانکشت شهادت وانکشت
میانه وکاهی بچهار انکشت انکشت نیز طعام میخورد وکاهی بتمام دست
طعام میخورد وبدو انکشت طعام نمیخورد ومیکفت که طعام خوردن
بدو انکشت فعل شیطانیست وروایتست که روزی بعضی از اصحاب
برای رسول خدا پالوده آوردند آنحضرت میل کرد بآن پالوده
وکفت از چه چیز است این ای عبد الله آنکس کفت پدر وما در من
فدای تو باد یا رسول الله روغن وعسل را در دیک میکنیم ودیک را
بر بالای آتش می کذاریم وبجوش می آوریم ومیکیریم مغز کندم را
وقتی که آرد کرده باشند ومی اندازیم او را درمیان روغن وعسل
وآمیخته می سازیم آنها را بایکدیکر تا آنکه پخته شود پس می آید بروجهی
که بینی آنحضرت کفت که این طعام خوبیست وروایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله آرد جوی ناپخته را نان می پخت ومیخورد وشوربا
می پخت ومیخورد وهم اینها را رسول الله صلی الله علیه وآله میل میفرمود
ودر کتاب روضة الواعظین واقعست که کفت عیص ابن قاسم
که کفتم بامام جعفر صادق که حدیث روایت میکنند از پدر تو واین
حدیث اینست که حضرت پیغمبر ص هرکز نان کندم سیر نخورد وآیا این
حدیث صحیحست حضرت امام کفت که این حدیث صحیح نیست بلکه حضرت

و نان جو سیر نخورد
و گفت عایشه رسول
خدا هرگز نان جو
نخورد

پیغمبر هرگز نان بجو لصير نخورد و چیزی نخورد بر خوان تا انکه
از دنیا رحلت کرد و نان تنك نخورد تا انکه از دنیا برفت و گفت
عایشه که همیشه دنیا بر ما دشوار بود و اوقات ما بعسرت میگذشت
تا انکه قبض روح آنحضرت شد دنیای ما بسیار شد و منقولست
از کتاب النبوة که گفت ابو عبد الله علیه السلم که همیشه طعام رسول
خدا از جو بود تا انکه بجوار رحمت پیوست و روایتست از انس که گفت
که رسول خدا صـ قبول میکرد دعوت بنده را و ردیف میساخت
او را و می نهاد طعام خود را بر روی زمین و میخورد خیار را با خرمای
تر و با نمك نیز میخورد و دوسترین میوها نزد انحضرت خربزه و انگور
بود و میخورد خربزه را با نان و گاهی خربزه را با شکر میخورد و گاهی
با خرمای تر میخورد و درین حال یاری میجست بهر دو دست و روایتست
که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته بود و خرمای تر
میخورد بدست راست و خسته خرمارا نگاه میداشت بدست چپ
و نمی انداخت بر زمین گوسفندی نزدیك آنحضرت میگذشت آنحضرت
اشارت کرد بآن گوسفند بخستهای که در دست آنحضرت بود گوسفند
نزدیك آنحضرت آمد و از دست چپ آنحضرت آن خستهارا میخورد و
آنحضرت بدست راست خود خرمای تر میخورد و خسته را بدست چپ
می انداخت برای آن گوسفند تا انکه آنحضرت فارغ شد از خرما خوردن
و این هنگام آن گوسفند بازگشت و روایتست که رسول خدا

وقتي

وقتی که روزه داشتی افطار کردی بخرمای تر و وقتی که خرمای تر
بود و گاهی انگور دانه دانه خوردی و گاهی خوشه انگور را در دهن
و کشیدی تا انکه میدیدند که فرو می آمد آب انگور در محاسن آنحضرت
همچون فرود آمدن مروارید و روایتست که حضرت پیغمبر میخورد هم
طعامی را که از مسکه و خرمای ساختند و میخوردند خرما را و آب
بر بالای آن می آشامید و بیشتر طعام آنحضرت خرما و آب بود و خرما را
در شیر آغشته میکرد و میخورد و نام میکرد شیر و خرما را الطیبین یعنی
دو چیز بهتر میخورد و شوربای که از آرد جو می پختند با پیه گداخته و
روایتست که حضرت پیغمبر هریسه را بیشتر میخورد و شب میخورد و سحر میخورد
و نوبتی جبرئیل ع آورد هریسه را برای آنحضرت از بهشت آنحضرت در سحر
میخورد در خانه خود آنچه مردمان میخوردند یعنی مقید بتکلیف نبود و
هرچه میسر بود میل میفرمود و آنحضرت میخورد گوشت پخته را بی نان و
میخورد و میخورد گوشت قاق را تنها و گاهی با نان نیز میخورد و دوسترین
طعام آنحضرت گوشت بود و میگفت که گوشت زیاده میکند قوت دیدن
و شنیدن را و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم
که گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر میطلبیدم از پروردگار
خود که هر روز طعام کند مرا هر آینه میکرد حضرت پیغمبر میخورد [illegible]
با کدو و دوست میداشت کدو را و میگفت که درخت برادرم یونس
است و آن حضرت میداشت کدو را بر میچید کدو را از ظرفی که در آن طعام

میخوردند وآنحضرت میخورد مرغ خانگی را وکوشت شکاری را وکوشت
مرغی را که صید بکردند وآنحضرت نمیخورد کوشت صید وخود صید
نمیکرد ودوست میداشت که صید کنند وکوشت صید را پخته برای او
بیارند یا ناپخته بیارند وچون ناپخته می آوردند امر میکرد به پختن
آن ومیل میفرمود وآنحضرت هرگاه کوشت میخورد سر خود را بزیر
انداخت وکوشت بر میداشت وبر پیش دهن خود می آورد وبدندان
میکرفت ومیخورد وآنحضرت میخورد نان وروغن را ودوست میداشت
دست وشانهٔ کوسفند را از نان خورشها سرکه را دوست میداشت
واز سبزیها کاسنی وبادروج وکرنب را دوست میداشت وبادروج
نوعی از ریحانست وآنحضرت نمیخورد سیر وپیاز وکندنا را نمیخورد
سیلا که در وقتا فیر بود وقفا فیر انجیریست که باقی میماند از درخت
مانند صمغ در شکم زنبور ومی اندازد آنرا زنبور در عسل بعد از خوردن
آن عسل باقی میماند بوی آن چیز در دهن ومذمت نمیکرد آنحضرت
هیچ طعامی را هرگز هرگاه طعامی آنحضرت را خوش می آمد میل میفرمود و
هرگاه کراهت میداشت حرام نمیکردانید بر غیر خود ودشمن نمیداشت
آنکس را بر آن چیز وآنحضرت بعد از طعام خوردن انکشت خود را
میمالید وبدهان خود میبرد ومیکفت که برکت در طعام آخر کاسه
است وآنحضرت چون فارغ میشد از طعام خوردن انکشتانی که بآن طعام
خورده بود بدهان خود می برد تا آنکه پاک میکردانید انکشتها را وبا

نمیکرد

نمیکرد دست خود را بر رومال ومانند آن تا آنکه انکشتها را یکیک
بدهان میبرد وپاک میساخت ومیکفت که کسی نمیداند که برکت
در کدام انکشت است وآنحضرت میخورد تکرکرا ومیطلبید از اصحاب
واصحاب بر میچیدند آنرا برای آنحضرت ومیل میفرمود آنحضرت ومیکفت
که ژاله میبرد خورهٔ دندانها را وآنحضرت میشست دستهای خود را
بعد از طعام خوردن انقدار که پاک میشد ونمیماند بوی که خورده
بود ودر دست آنحضرت هرگاه نان وکوشت خوردی دست خود را پاک
شستی ومسح کردی روی خود را باآبی که در دست آنحضرت هرگاه نان
وکوشت خوردی دست خود را پاک شستی ومسح کردی روی خود را
باآبی که در دست آنحضرت مانده بوده وآن تنها چیزی نمیخورد تا ممکن
بود وروایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم کفت
باصحاب که آیا خبر دهم شما را به بدترین شما اصحاب کفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت کفت که بدترین شما آنکس است که تنها چیزی میخورد ومیزند
بندهٔ خود را ومنع میکند یاری وبخشش خود را از مردمان

فصل چهارم

در صفت اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در آشامیدن
روایتست که رسول خدا صلی الله واله وسلم وقتی که آب خوردی ابتدا
به بسم الله کردی وبعد از آن ظرف آبرا بر دهن نهادی ویکنوبت
یا دو نوبت فرو بردی وبعد از آن آبرا از دهن برداشتی وحمد کفتی خدا
تعالی را وبعد از آن بسم الله کفتی وآبرا دهن نهادی وبعد از آب

خوردن حمد کفتی و در مرتبه سوم نیز بسم الله کفتی و آنخوردی و بعد
از آن حمد کفتی خدایتعالی را و آنحضرت می مکید آبرا و آب بسیار بیکبار
فرو نمی برد و میکفت که درد جکر می آید از فرو بردن آب بسیار بیکبار
و آنحضرت نفس نمیزد در ظرف وقتی که آب میخورد پس اکر میخواست
که نفس زند ظرف را دور میکرد از دهن خود و نفس میزد و کاهی آنحضرت
می آشامید بیکبار تا آنکه فارغ میشد و آب میخورد از قدحهای شیشه
که می آوردند از شام و آب میخورد از ظرفی که از پوست میساختند
و از ظرفی سفالی نیز آب میخوردند و از هر دو دست خود نیز آب میخورد
باین کیفیت که آبرا در دستهای خود میریخت و میخورد و میکفت که
هیچ ظرفی پاکتر از دست نیست و آب میخورد از دهن مشك و مطهره
و بر نمیکردانید دهن مشك که از آنجا آب خورد و میکفت این نوع آبخوردن
بد بوی میسازد مشك را و آنحضرت آب میخورد سواره و کاهی می ایستاده
و از مشك یا سبو یا مطهره آب میخورد و در هر ظرفی که می یافت و به
دو دست خود نیز آب میخورد و آنحضرت نیز می آشامید آبی را که بر
شیر دوشیده بودند و کاهی تلخانرا در میان آب میکرد و می
آشامید و دوسترین شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین بود و در
روایتی واقعست که دوسترین شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین خنك
بود و آنحضرت می آشامید آبرا برابر بالای عسل و نان را در آب ترید میکرد
و میخورد و آنحضرت میکفت که بهترین شربتها در دنیا و آخرت آبست و کفت

انس

انس مالك که بود رسول خدا را صلی الله علیه و آله شربتی که افطار
میکرد بآن و شربتی دیکر که سحر می آشامید آنرا و کاهی هر دو یکی بود
و کاهی شربت آنحضرت نان بود که در آب ترید میکرد و روایتست از
انس که کفت که یکشب مهیا کردم برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم شربتی آن حضرت دیر آمد و من کمان بردم که بعضی از
اصحاب آنحضرت را دعوت کردند و خوردم آن شربت را که برای آنحضرت
مهیا کرده بودم آنحضرت بعد از خفتن بیك ساعت آمد پرسیدم
از بعضی که با آن حضرت بودند که آیا حضرت پیغمبر افطار کرد در جای
یا کسی دعوت کرد آنحضرت را آنکسی که کفت نی پس شبی بر و نیاوردم
نمیدانند آنشب را غیر خدایتعالی از غم این که آنحضرت شربت را طلب نماید
از من و نیابد و آنشب کرسنه باشد و روزش روزه دارد و آنحضرت
نطلبید آن شربت را و ذکر آن هم نکرد تا این ساعت و روایتست که
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ظرفی آوردند که در آن شیر
بود ابن عباس بجانب راست آنحضرت نشسته بود و خالد بن ولید بجانب
چپ آنحضرت آشامید از آن شیر و کفت عبد الله عباس را که این
شربت از تست آیا رخصت میدهی که این شربت را بدهم بخالد بن ولید
ابن عباس کفت نی بحق خدا که نمیدهم نیم خورده رسول بکسی دیکر پس ابن
عباس کرفت قدح را و آشامید آن شربت را و روایتست که ابن خولی نزد
حضرت پیغمبر ظرفی آورد که در و عسل و شیر بود آنحضرت ابا کرد

از آشامیدن آن و گفت دو شربت را یکی ساختند و چیزی که در دو
ظرف می بایست کرد در یکظرف کردید پس آنحضرت گفت که حرام نمیکردانم
این را ولیکن کراهت میدارم فخر را و حساب روز قیامت را بزیادتی
دنیا و دوست میدارم تواضع و فروتنی را بدرستی که آنکس که تواضع
کند برای خدای مرتبهٔ او را در صفت اخلاق حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در بوی خوش بکار بردن و روغن
مالیدن و پوشیدن جامه و غیر آن فصل پنجم در صفت سر شستن حضرت
رسالت پناه صلعم روایتست که حضرت پیغمبر صلعم چون سر و محاسن خود را
شستی باب سدر شستی در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
دوست میداشت روغن مالیدن را و مکروه میداشت ژولیدگی
مو را و میگفت که روغن مالیدن می برد غم و اندوه را و آنحضرت
روغن میمالید همه اصناف روغنها و چون آنحضرت روغن مالیدی
ابتدا بسر مبارك خود کردی و دیگر محاسن خود را روغن مالیدی و میگفت
سر را پیش از محاسن روغن میمالید و آنحضرت بیشتر روغن بنفشه مالیدی
و میگفت که روغن بنفشه بهترین روغن ماست و آنحضرت چون روغن مالیدی
ابتدا کردی با بروهای خود و بعد از آن شارب خود را روغن
مالیدی و بعد از آن روغن را در بینی خود ریختی و بوئیدی و بعد از
سر خود را روغن مالیدی و آنحضرت روغن مالیدی ابروهای خود را

بجهت درد سر و روغن مالیدی شارب خود را بغیر روغن محاسن
یعنی بجهت شارب خود علیحده روغن بر میداشت و اکتفا نمود بهمان
روغن که در محاسن مالیده بود در بیان فرو گذاشتن رسول
خدا صلی الله علیه و آله موی خود را روایتست که حضرت پیغمبر صلعم
شانه کردی فرو گذاشتی موی سر خود را بشانه و فرو میگذاشتند
موی سر آنحضرت را زنان آنحضرت متعهد شانه کردن آنحضرت بودند
وقتی که آنحضرت شانه میکرد سر و محاسن خود را میگرفتند زنان
آنحضرت آن موئی که جدا میشد در وقت شانه کردن و بر میداشتند
و نگاه میداشتند و میگویند که موی آن حضرت در دست مردم است
از آن موهاست که اما موی سر آنحضرت که تراشیده بود در وقت حج
و عمره جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گرفت آن موها و برد باسمان
و بود بسیار بود که آنحضرت محاسن خود را روزی دو بار شانه کردی
و آنحضرت چون شانه میکرد و می نهاد شانه را در زیر بالش خود و میگفت
که شانه کردن می برد وبا را و آنحضرت چون محاسن خود را شانه کردی
شیب محاسن خود را چهل نوبت شانه کردی و بالای آن را هفت
نوبت و میفرمود که شانه کردن زیاده میکند ذهن و قطع میکند
بلغم را در بیان بوی خوش بکار بردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله روایتست که رسول خدا مشك بکار می برد آنمقدار که ظاهر
می شد درخشندگی در فرق مبارك آنحضرت و آنحضرت ذکور طیب بکار

می برد و مراد از ذکر طیب مشک و عنبر است و روایتست که زنان آنحضرت
بوی خوش بدست خود بآنحضرت میمالیدند و آنحضرت بخور میکرد بعود
قماری بوی خوشیست که از جانب هند می آورند و روایتست که رسول
خدا را میشناختند در شب تاریک پیش از آنکه ببینند و از بوی خوش
بیشتر بود از خرج بود آن حضرت بطعام و گفت امام محمد باقر علیه
السلام که رسول خدا را سه خصلت بود که در غیر آنحضرت نبود یکی
آنحضرت را سایه نبود و دیگر آنکه آنحضرت هر راهی که رفتی و کسی بآن راه
رفتی بعد از دو روز یا سه روز دانستی که آنحضرت باین راه رفته است
از بوی خوش آنحضرت و دیگر آنکه نگذشت هیچ سنگی و درختی مگر که
آن سنگ و درخت آنحضرت را سجده کردی و هیچ بوی خوش بآنحضرت
عرض نمیکردند مگر آنکه خوشبو ساختی خود را بآن و میگفت که بوی آن
خوبست و برداشتن این سبک و آسانست و اگر خوشبو نمیساخت خود را
بآن بوی خوش می نهاد انگشت خود را بآن و بعد از آن انگشت مبارک
خود را بر زبان خود می نهاد و آنحضرت میگفت که لذت من در زنان و بوی
خوش است و روشنی چشم من در نماز و روزه است و آنحضرت وقتی که
میخواست که از خانه بیرون آید و متوجه بیرون آمدن میشد پس
از آنکه از خانه بیرون آید میدانستند اصحاب که آنحضرت میخواهد که از
خانه بیرون آید بجهت بوی خوش آنحضرت و آنحضرت بوی خوش بکار می
برد در هر روز جمعه و اگر بوی خوش نمی یافت و میسر نمیشد میکرد

مجمر بعضی از زنان خود و آنرا تر می ساخت بآب و میمالید آنرا بدست
و روی خود بجهت خوشبو که دران مجمر بودی در میان سرمه کشیدن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم سرمه بکشید در چشم راست خود سه میل و در چشم چپ
خود دو میل و می گفت آنکسی که خواهد سه بار سرمه بکشد و هر گاه خواهد
بکشد و اگر کسی کمتر از سه نوبت یا زیاده سرمه بکشد باکی نیست و
گاهی بودی که آنحضرت سرمه کشیدی در روزی که روزه داشتی
و آنحضرت را سرمه دان بود که سرمه میکشید بآن شب و سرمه آن سنگ
اصفهانی بود در میان نظر کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در آینه روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر کردی در آینه
و فرو گذاشتی موی خود را و شانه کردی و گاهی در آب نظر کردی و
موی خود را راست کردی و آنحضرت زینت کردی خود را بجهت اصحاب
زیاده بر زینت دادن بجهت اهل خود و آنحضرت این مضمون را گفت بعایشه
در وقتی که عایشه در حجره خود دید آنحضرت را نظر میکرد در ظرفی که
دران آب بود و راست میکرد موی خود را و میخواست که بیرون رود بنزد
اصحاب گفت عایشه بآنحضرت که پدر و مادر من فدای تو باد نظر در
ظرف آب میکنی و موی خود را راست میکنی و حال آنکه تو رسول خدائی
و بهترین خلق آنحضرت فرمود که خدای تعالی دوست میدارد از بنده خود
که چون خواهد که بیرون رود و بسوی برادران خود راست کند و زینت

د داری

در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

روایتست که هرگاه کسی از رسول خدا روغن میمالید خود را و آنحضرت
جدا نمیساخت از خود و در سفر شیشهٔ روغن و سرمه دان و مقراض
و آینه و مسواک و شانه را و روایتست که در سفر با آن حضرت می بود
ریسمان و سوزن و مصحف و تسمه که میدوخت بآن ریسمان جامهٔ
خود را و پیوند میکرد بآن تسمه نعلین خود را و آنحضرت چون مر
کردی عرضاً مسواک کردی

در بیان لباس حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله روایتست که رسول خدا صلعم می پوشید شمله را
و لنگ نیز میساخت آنرا و می پوشید گلیم پشمین را و آنرا نیز لنگ میساخت
و آن گلیم آنحضرت را خوب مینمود بجهت سیاهی آن گلیم بر سفیدی آنچه
ظاهر بود از ساقها و قدمهای آنحضرت و روایتست که آنحضرت از دنیا
رحلت فرمود از و گلیم ماند که در قبیله بنی عبد الاشهل یافته بودند
که آنحضرت بپوشید آنرا و گاه که آنحضرت نماز میکرد و با مردمان
و لباس آنحضرت شمله بود که طرفهای آنرا بر میان دو شانه خود می

در بیان عمامه و طاقیه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می پوشید

طاقیه با دستار و دستار بی طاقیه و آنحضرت برطله می پوشید و برطله
نوعیست از طاقیه و می پوشید طاقیهای سفید مصری و یمنی و می پوشید
طاقیها را که گوشها داشت و در وقت جنگ بعضی از آن طاقیها را از طیلسان
سبز بود و گاهی برمیداشت طاقیه خود را و در پیش خود می نهاد و نماز می

بجهت آنکه اگر کسی از پیش نماز بگذرد مکروه نباشد و آنحضرت بسیار بود
که دستار بچین سیاه بر سر می بست و در سفر بی تحت الحنک و گاه بود که
آنحضرت را نبود دستار محکم می بست سربند را بر سر خود یا بر پیشانی خود
محکم بستن سربند عادت آنحضرت بود و بسیار آنحضرت را باین طریق
میدیدند و آنحضرت را دستاری بود که بر سر می بست که آنرا سحاب میگفتند
آن دستار را بامیر المؤمنین علی علیه السلام بخشید و گاهی امیر المؤمنین
آن دستار را بر سر می نهاد و از خانه بیرون می آمد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله در آن وقت باصحاب میگفت که نزد شما آمد علی
در سحاب یعنی با دستاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله بآنحضرت
بخشیده بود و گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله جبهٔ ابریشم و دستاری
ابریشم پوشید و بیرون رفت و خطبه خواند برای مردمان بر منبر و
ندیدم هیچ چیز از چیزهایی که خدا تعالی آفریده است که بهتر از آن حضرت
در این لباس

در بیان جامه پوشیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه

و آله روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم چون
جامهٔ نو پوشیدی گفتی الحمد لله الذی کسانی ما یواری عورتی و اتجمل
به فی الناس یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که پوشید عورت مرا
و تجمل میکنم باین جامه در میان مردمان و آنحضرت چون جامه را بیرون
کردی اول از جانب چپ بیرون کردی و چون جامهٔ نو پوشیدی حمد
گفتی خدا تعالی را و بعد از آن طلب کردی مسکینی را و جامهٔ کهنه را باو

نادي وبعد از آن کفتی که هر مسلمانی که از براي رضاي خدا بپوشاند
مسلمان دیکر از جامهاي کهنهٔ خود را در امان خدا باشد مادام که
پوشیده باشد آن مسلمان آن جامه را خواه آنکسی که جامه داده است زنده
باشد وخواه مرده وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله چون جامهٔ نو پوشیدی
وبایستادي پیش از آنکه از خانه بیرون رود کفتی اللهم بك استترت
وإلیك توجهت وبك اعتصمت وعلیك توکلت اللهم انت
ثقتي انت رجائي اللهم اکفني ما اهمني وما لا اهتم به وما انت
اعلم به مني عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غیرك اللهم زودني
التقوی واغفر لي ذنبي ووجهني للخیر حیث ما توجهت وبعد
که این دعا را خواندي متوجه حاجت خود شدي وآنحضرت را دو جامه
بود مخصوص روز جمعه بغیر از آن جامها که در غیر جمعه پوشیدی
وآنحضرت را خرقه ومندیلی بود که خشك میکرد روي خود را بطرف
ردائی که با آن حضرت بود

در بیان انکشتري حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
وآله انکشتری نقره در انکشت میکرد که نکین آن فولاد بود که بطریق هدیه
فرستاده بود براي آنحضرت معاذ جبل ودران انکشتري نقش کرده
محمد رسول الله وآنحضرت انکشتري خود را در دست راست میکرد وبعد
از آن نقل میکرد بدست چپ وآخرین انکشتري که در دست آنحضرت بود
وآن حضرت از دنیا رحلت فرمود انکشترین نقره بود ودران انکشترین

از وضو وکاه بود که بآنحضرت مندیل نبود پس خشك میکرد روي خود را

نکین آن

نقش

نقش کرده بودند که محمد رسول الله وآنحضرت انکشتري را در انکشت
میکرد همچنانکه مردمان در انکشت میکنند وآنحضرت استنجا میکرد
بدست چپ وانکشتري در همان دست آنحضرت مي بود وروایتست که انکشتري
همیشه در دست راست آنحضرت بود تا وقتی که از دنیا رحلت فرمود
وآنحضرت کاهی که انکشتري خود را در انکشت میانه خود میکرد که بند دوم
پهلوي انکشت بزرك است که آنرا انکشت شهادت میکویند وآنحضرت
کاهی بیرون مي آمد نزد اصحاب ودر انکشتري خود ریسمانی بسته بود تا
بیاد آورد باین ریسمان چیزي را وآنحضرت مهر میکرد بانکشتري خود
بر کتابتی که بکسی میفرستاد ومي کفت که مهر بر کتابت نکاه میدارد آنرا
از تهمت

در بیان نعلین حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مي پوشید
نعلینی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مي پوشید نعلین را بند والی نعلین دیکر را
بان مي بست ونعلین آنحضرت باریك میان بود واز نزدیك پاشنه
هموار بود وبلندی نداشت وبسیار مي پوشید نعلین را که از دباغت
کرده میدوختند وآنحضرت چون نعلین پوشیدي ابتدا به پاي راست
کردی وچون بیرون کردی ابتدا به پاي چپ کردي وامر میکرد به پوشیدن
هر دو نعلین وبترك کردن هر دو بجهة آنکه مکروه میداشت که کسی
یك نعلین بپوشد ودیکري را نپوشد وآنحضرت موزهاي پوشید از هر نوع

در بیان فراش حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایتست که
جامهٔ خواب رسول صلعم در وقت رفتن از دنیا فراش کهنه بود که در

وادی القری ساخته بودند و پر بود از پشم شتر و بعضی گفته اند که
درازی آن دو گز یا نزدیک بآن بود و پهنای آن یک گز و یک وجب بود
روایت است از امیر المؤمنین علیه السلام که جامهٔ خواب رسول خدا
یکنوع گلیمی بود که آنرا می پوشید و بالش آنحضرت پوستی که پر کرده
بودند از لیف خرما و روایتست که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که یک شبی آن گلیم را دو ته کردم و در زیر حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم انداختم چون صباح شد آنحضرت فرمود که منع کرد مرا
در این شب این جامهٔ خواب از نماز و بعد ازان فرمود که یک ته
کنند آن گلیم را روایتست که حضرت رسول صلعم علیه واله را جامهٔ خواب
بود از پوست که پر ساخته بودند آنرا از لیف خرما و آنحضرت را گلیمی
بود که فراش خود میساخت هرجا که میرفت و گاهی دو ته میکرد آنرا
و آنحضرت بسیار از اوقات بالین خود میساخت بالشی را که از پوست
بود و پر کرده بودند آنرا از لیف خرما می نشست بران و آنحضرت را
قطیفهٔ بود که در فدک بافته بودند می پوشید آنرا و فروتنی مینمود
آنحضرت را قطیفهٔ مصری بود و آنحضرت را بساطی موی بود که بران
نشست و گاهی بران نماز میگذارد دربیان خواب کردن آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله روایتست که حضرت رسالت پناه بر حصیری خواب
میکرد و در زیر آنحضرت غیر ازان حصیر چیزی نبود و آنحضرت چون میخواست
که خواب کند مسواک میکرد و بعد ازان بجامهٔ خواب میرفت و آنحضرت چون جای میکرد

بجامه خواب بر پهلوی راست میخوابید و دست راست خود را در زیر
روی راست می نهاد و این دعا میخواند که اَللّٰهُمَّ قِنِی عَذَابَکَ یَوْمَ
تَبْعَثُ عِبَادَکَ یعنی بار خدایا نگاه دار مرا از عذاب خود در روزی
که بر می انگیزی بندگان خود را دربیان دعائی که رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم نزد آمدن بخوابگاه میخواند روایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله دعاهای بسیار در وقت خوابیدن
میخواند از جمله آنها این دعاست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ بِمُعَافَاتِکَ
مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوْذُ بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْکَ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی لَا اَسْتَطِیْعُ اَنْ اَبْلُغَ فِی الثَّنَاءِ عَلَیْکَ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنْتَ کَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی
نَفْسِکَ و آنحضرت در وقت خوابیدن این نیز میخواند که بِسْمِ اللهِ
اَمُوْتُ وَاَحْیَا وَاِلَی اللهِ الْمَصِیْرُ اَللّٰهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی
وَاَدِّ عَنِّی اَمَانَتِی انچه حضرت رسالت پناه میگفت نزد خوابیدن
روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم آیة الکرسی میخواند
نزد خواب کردن و میگفت که آمد بمن جبرئیل علیه السلام و گفت ای
محمد بدرستی که عفریتی از جن میخواهد که بتو ضرری برساند در وقتی
که در خواب باشی بر تو باد که آیة الکرسی بخوانی در وقت خوابیدن
انچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بجای می آورد و در وقت
بیدار شدن از خواب روایتست که گفت ابو جعفر که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم هرگاه که از خواب بیدار میشد سجده میکرد حضرت حق سبحانه را

و روایتست که حضرت پیغمبر هرگاه خواب میکرد مسواك نزد او
حاضر می بود چون بر میخواست از خواب ابتدا بمسواك میکرد و گفت حضرت
رسالت پناه که امر کرده است خدایتعالی مرا بمسواك کردن و مبالغه
نموده است تا آنکه میترسم که واجب شود بر من و از جمله دعاها
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواند در وقت بیدار شدن
از خواب این بود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحْيَانِي بَعْدَ مَوْتِي اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ شَكُورٌ و این دعا نیز میخواند که اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذَا
الْيَوْمِ وَنُورِهِ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتِهِ وَطُهُورِهِ وَمُعَافَاتِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ
در بیان روایت مسواك کردن حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله و سلم که مسواك میکرد و هر شب سه نوبت یکنوبت پیش از
خواب کردن و نوبت دیگر وقت برخواستن از خواب بجهة وردی که
داشت در شب و نوبت سیوم پیش از بیرون رفتن بنماز صبح و آنحضرت
مسواك میکرد بچوب درخت اراك و جبرئیل علیه السلام امر کرده بود
آنحضرت را باین و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که مکروه میدارم که شخصی فوت شود و باقی ماند سنتی از سنتهای
رسول خدا صلی الله علیه و آله که بجای نیاورده باشد باب دوم
پاك کردانیدن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و مانند آن
و در بیان فصل اول پاك کردانیدن بدن و لباس روایتست از ابی عبدالله

ع که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که پاك نمائید بآب از بوی
بد بدرستی که خدایتعالی دشمن میدارد از بندگان ناپاکی را روایتست
که گفت ابو عبدالله که شستن جامه می برد غم را و پاکیست از برای
نماز و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با انس که ای انس
بسیار طهارت کن تا زیاده گرداند خدایتعالی عمر ترا اگر قدرت داری
شب و روز بطهارت باشی بدرستی که وقتی که بمیری و بر طهارت
باشی شهید مرده باشی و منقولست از کتاب روضة الواعظین
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام آنکسی که وضو سازد و اعضا
وضو را خشك سازد و بر رومال و مانند آن یکحسنه دارد و آنکسی که
وضو سازد و اعضای وضو را خشك نکند تا آنکه بخود خشك شود
سی حسنه دارد و روایتست از علی بن اسباط که گفت شنیده ام از ابی
الحسن علیه السلام که می گفت که چهار خصلت از اخلاق پیغمبرانست
بوی خوش بکار بردن و پاکیزه بودن و نوره کردن و بسیار جماع
کردن روایتست بوی خوش بکار بردن روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که بوی خوش قوت میدهد دل را و منقولست
از کتاب امالی شیخ ابی جعفر طوسی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر
صادق علیه علیه السلام که خدایتعالی دوست میدارد و شکل خوب
و تجمل را و زینت را و مکروه میدارد سختی را و بر سختی داشتن خود را و
هرگاه خدایتعالی انعام کند به بندهٔ خود نعمتی دوست میدارد که اثر آن

نعمت دین شود بران بنده مردی پرسید از امام جعفر صادق
علیه السلام که چگونه اثر آن بر بنده دیده میشود حضرت امام فرمود
که جامهٔ پاک بپوشد و بوی خوش بکار برد و خانهٔ خود را بگچ سفید
کند و جاروب کند در سرای خود را تا آنکه چراغ روشن کردن پیش
از فرو رفتن آفتاب درویشی را میبرد و زیاده میکند روزی را و
روایتست که گفت ابی عبدالله علیه السلام که چهار چیز از سنتهای
پیغمبران مرسلست مسواک کردن و خضاب بستن و بوی خوش بکار بردن
و دوست داشتن زنان و روایتست که گفت ابو عبدالله که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوی خوش بکار میبرد در هر جمعه و اگر بوی
خوش نمی یافت معجر بعضی از زنان خود را و آب میزد بران و بروی
خود می مالید و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که رسول خدا فرمود که نرسیدم از دنیا مگر بزنان و بوی خوش و
روایتست که گفت ابی عبدالله بکسی که آنچه صرف میکنی در بوی خوش
اسراف نیست و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون
بیارند بنزد شما باید که بوی کنید آنرا و بنهید بر چشمهای خود بدرستی
که ریحان از بهشت است و منقولست از کتاب روضة الواعظین که
گفت ملک جنی که دادم بابی عبدالله علیه السلام ریحانی آنحضرت گرفت
آنرا و بوسید آنرا و بر چشم خود نهاد و گفت که آنکسی که بگیرد ریحانی را و
ببوید و بنهد و بر چشم خود و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد

هنوز آن ریحان در دست او باشد و آمرزیده شود و روایتست که
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که وقتی که بدهید شما به
برادر مؤمن خود ریحانی را باید که رد نکند آن ریحان را بدرستی که
ریحان از بهشت است و منقولست از صحیفة الرضا که امام رضا علیه السلام
روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت کرده
اند که گفت امیر المؤمنین صلوة الله علیه و آله که بوی خوش تعویذ
است و نظر کردن بسبزه تعویذ است و سواری تعویذ است و روایتست
که گفت امام رضا علیه السلام که مردمان میدانستند جای امام جعفر
صادق علیه السلام را در مسجد به بوی خوش آنجا و موضع سجده
او و گفت امام رضا علیه السلام که از اخلاق بزرگان و پیغمبران بوی
خوش بکار بردنست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که دو رکعت
نماز با بوی خوش بکار بردن فاضلترست از هفتاد رکعت نماز که بی
بوی خوش بگذارند و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که سه چیز سنت پیغمبرانست نوره کردن و بوی خوش بکار بردن و بسیار
جماع کردن بازنان و روایتست که پرسیدند از ابا عبدالله و ابا الحسن را
علیه السلام از حال مردی که رد میکند بوی خوش را ایشان گفتند
آنکسی که رد میکند بوی خوش را رد کرده میشود کرامت از او و رد
میکند کرامت را از خود مگر کسی که بی عقل باشد و روایتست که گفت
ابو عبدالله که بوی خوش در شارب بکار بردن از اخلاق پیغمبران و

وغسل تعویذ است

بگذارند

کرامًا کاتبین است و مراد از کاتبین آن دو فرشته اند که موکل آدمی
اند و روایتست که گفت امام رضا علیه السلام که علی بن الحسین
صلوة الله علیهم ظرفی داشت که می آویخت آنرا از پهلوی خود و در ان ظرف
مشک بود یعنی میخواست که بیرون رود می پوشید جامهای خود را و می
گرفت آن ظرف را و بوی خوش بیرون می آورد از ان ظرف و میمالید بر روی
خود و منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است صاحب
از جده خود و جده او زنی بود که بسیار می پرسیدند از و احوال امام
رضا علیه السلم را که گفت بیاد ندارم از احوال امام رضا علیه السلم
چیزی غیر اینکه میدیدم که بخور میکرد بعود هندی و استعمال میکرد
بعد از ان گلاب و مشک را و منقولست از مسموعات سید ناصح الدین
ابو البرکات که رسول خدا صلی الله علیه و آله که بر شما باد که استعمال
کنید عود هندی را بدرستی که در و هفت نوع شفا است و بهترین بوهای
خوش مشک است و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که خرج رسول خدا
ببوی خوش بیشتر بود از خرج طعام و گفت رسول خدا با امیر المومنین
علی علیه السلام که یا علی بر تو باد که بوی خوش بکار بری در هر جمعه که
این سنت منست و خدای تعالی مینویسد از برای تو حسنات مادام که
بوی خوش از تو می آید و روایتست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله باید که کسی هر روز چیزی از بوی خوش بکار برد و اگر میسر نشود
یکروز در میان اینکار کند و اگر میسر نشود باید که در هر جمعه بوی خوش

بکار برد و روایتست که گفت رسول خدا که هر زنی که بوی خوش بکار
برد و بعد از ان از خانه بیرون رود لعنت کرده شود تا آنکه باز گردد
روایت خوش بوی کردن بخور روایتست که گفت مرازم که رفتم
با ابو الحسن ع بحمام چون بیرون آمد و بجامه کن آمد مجمری طلبید
و بوی خوش بخور کرد و گفت که بوی خوش بکار کنید برای مرازم مرازم
میگوید که پرسیدم که اگر کسی دیگر خواهد که بگیرد نصیب خود از بوی
خوش بگیرد حضرت امام جعفر علیه السلم گفت آری بگیرد و روایتست
که گفت ابو عبد الله علیه السلم که باید که بخور کنید برای جامه خود
وقتی که قدرت داشته باشید و روایت کرده است عمر بن مامون از دختر
خود و دختر او زوجه امام حسن علیه السلم بود که دختر من گفت
که طلبید ابن زبیر امام حسن را بجهة طعامی که برای عروسی مهیا ساخته
بود آنحضرت رفت بضیافت او و روزه داشت ابن زبیر گفت با آنحضرت
که چون روزه داری تحفه روزه داران برای تو بیاورم پس روغن آورد و محاسن
مبارک آنحضرت را روغن مالید و بخور کرد جامه او را و آنحضرت گفت هر که
روزه داشته باشد شانه کردن محاسن و بخور کردن جامه روایت کرده
است ابو عبد الله از پدران خود علیه السلم که گفت رسول خدا که بوی
خوش زنان آنست که ظاهر شود رنگ او و مخفی باشد بوی او و بوی خوش
مردان آنست که مخفی باشد رنگ او و ظاهر باشد بوی او تا اینجا از این باب
اختیار کرده شده است از کتاب لباس که منسوبست بعیاشی رحمة الله علیه

در بیان گل و گلاب منقولست از کتاب طب الائمه که گفت حسن
بن منذر که چون حضرت پیغمبر را باسمان بردند زمین حزین واندو
شد از مفارقت آنحضرت و رویانید کبر را و چون آنحضرت مراجعت
فرمود بزمین زمین خوشحال شد و رویانید گل سرخ را پس انکسی که میخواهد
دریابد بوی آنحضرت را باید کببوید گل سرخ را و در حدیث دیگر واقع
شده که چون حضرت پیغمبر باسمان رفت و عرق کرد و عرق آنحضرت بر زمین
چکید و رویانید زمین از عرق آنحضرت گل سرخ را و آنحضرت گفت که انکسی
میخواهد که دریابد بوی مرا باید که ببوید گل سرخ را و منقولست از
کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که گل سفید مخلوق شده است از عرق من در شب معراج و گل سرخ از عرق
جبرئیل علیه السلام و گل زرد از عرق براق و روایتست که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که گلاب گل سفید زیاده میکند تازگی رو
و می برد درویشی را و روایت کرده است ابوحمزه ثمالی که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که بمالد گلاب بر روی خود نرسد باو
آن روز سختی و درویشی و انکسی که خواهد گلاب بمالد باید که گلاب بر روی
و بهر دو دست خود بمالد و صلوة بر نبی و آل او علیهم السلام بفرستد و روایتست
که گفت امام حسن علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
داد گل سرخ را بمن بهر دو دست خود گفت این سید ریحان دنیا و آخرتست
در بیان نرگس روایتست از حسن بن منذر که رسول خدا صلی

الله علیه و آله فرمود که در بوئیدن نرگس و روغن او فضایل بسیار است
و چون افروخت نمرود آتش را برای حضرت ابراهیم علیه السلام گردانید
خدا تعالی آن آتش را بر ابراهیم خنک و رویانید در آن آتش نرگس را و اصل
نرگس از آن گلست که رویانیده است خدا تعالی در آن زمان در بیان
مرزنگوش روایتست از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بر شما
باد که مرزنگوش را بوی کنید بدرستی که نیکو است برای گرفتگی دماغ
و روایتست که گفت انس که هر ریحانی که میدادند بحضرت رسول بخدا
بوئید و رد میکردند الا مرزنگوش را و روایتست که گفت امام موسی کا
ظم علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خوب ریحان بهشت
مرزنگوش که میروید در زیر ساق عرش آب او شفای چشم است
فصل ۲ در سرمه کشیدن و روغن مالیدن در بیان
سرمه کشیدن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امام محمد
باقر علیه السلام که سرمه کشیدن میرویاند مژه چشم را و تیز میکند
بصر را و یاری میدهد بسیاری بسجود کردن و روایتست که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که اعرابی آمد نزد حضرت پیغمبر که نام او قلیب بود
و چشمهای او آب میزد آنحضرت گفت بان اعرابی که از چشمهای تو آب
میزند ای قلیب بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه سر چین چشم است
و منقولست از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که مسواک کردن جلا میدهد چشم را و سرمه کشیدن می برد بوی دهن را

روایتست که گفت امام رضا علیه السلم که هر کسی که چشم او ضعیف
شود باید که هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست وسه
میل در چشم چپ بدرستی که سرمه رویاند موی مژه را وجلا میدهد
چشم را ونفع میدهد خدا یتعالی بیک سرمه کشیدن تا سی سال و روایتست
که گفت امام رضا علیه السلم که انکسی که ایمان دارد بخدا وبروز
قیامت باید که سرمه بکشد و نیز گفت امام رضا علیه السلم شیخی
که بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه جلا میدهد چشم را
ومیرویاند مژهای چشم را وخوشبو میکند دهن را و زیاده
میکند قوت جماع را و نیز گفت امام رضا علیه السلم که انکسی که چشم
او ضعیف باشد باید که هفت میل سرمه بکشد وقت خواب گردد
چهار میل در چشم راست وسه در چشم چپ وروایت است که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که سرمه کشیدن میرویاند مژه را وبر
طرف میکند آب زدن چشم را وخوش مزه میکند آب دهن را وجلا
میدهد چشم را و نیز گفت امام جعفر صادق که سرمه کشیدن زیاده
میکند قوت جماع را و نیز گفت که سرمه کشیدن خوشبو میکند
دهن را و نیز گفت که سرمه کشیدن در شب خوشبو میکند دهن
ومنفعت او می ماند تا چهل روز روایتست که امام جعفر صادق
علیه السلم بیشتر در شب سرمه میکشید وسه میل در هر چشمی و
روایتست امام جعفر صادق علیه السلم که سرمه کشیدن در محاذ

امانت

امانت از نز ولاب در چشم ومنقولست از کتاب لباس که گفت امام
جعفر صادق علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله سرمه
میکشید وقتی که میخواست خواب کند وروایت کرده ابن فضال
که حسن بن جهم نمود بمن میلی از آهن وگفت که این میل از ابی الحسن است
واو سرمه کشید بآن میل ومن نیز سرمه کشیدم بآن میل روایت
کرده است نادر الخادم که گفت ابو الحسن علیه السلم ببعضی از انکسانی
که همراه او بودند که سرمه بکش عرض کرد که دوست نمیدارم زینت را
در منزل خود آنحضرت فرمود که بترس از خدا وسرمه بکش ودست
مدار از سرمه کشیدن وگفت رسول خدا صلی الله علیه واله که انکسی که
سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد انکسی که این
کار کرده است وانکسی که این کار نکند بر و چیزی نیست وروایت کرده
است امام جعفر صادق علیه السلم از پدران خود که گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه
کشیدن او طاق باشد وانکسی که استنجا کند باید که عدد استنجا
کردن او طاق باشد وانکسی که استخاره میکند بخدا باید که عدد استخاره
کردن او طاق باشد وروایتست که امام جعفر صادق علیه السلم
گفت که بر شما باد که سرمه بکشید بدرستی که سرمه کشیدن
خوشبو میکند دهن را وبر شما باد که مسواک کنید بلغم را از دماغ فرو
می آرد پس جلا میدهد چشم را وهر گاه سرمه کشد بلغم میرود پس

نکو کرده است

بخور کند بوی خوش را باید که عدد بخور کردن او طاق

بعد سستی که مسواک کردن جلا میدهد چشم را و حضرت [illegible] زیرا که هر گاه که کسی مسواک کند

خوشبو میکند دهن را دعای که در وقت سرمه کشیدن باید خواند
اینست اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد وأن تجعل النور في
بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة
في نفسي والسعة في رزقي والشكر أبداً ما أبقيتني در بیان روغن مالیدن
منقولست از کتب شیخ سعید ابی جعفر بن بابویه که گفت امام جعفر
علیه السلام که هرگاه بریزی روغن را بر دست خود بگوید اللهم
إني أسألك الزين والزينة في الدنيا وأعوذ بك من الشين والشناءة
في الدنيا والآخرة و نیز گفت امام جعفر صادق علیه که روغن نرم
میکند پوست بدن را و قوت میدهد دماغ را و آسان میگرداند
مجاری آبرا و می برد درویشی را و درخشنده میکند رنگ بدن را و نیز
گفت هر که مسلمانی را روغن بمالد بنویسد خدا تعالی برای او بعدد
هر موی یک نوری در روز قیامت و نیز گفت که روغن مالیده
می برد سختی و مشقت را و نیز گفت که روغن بنفشه بهترین روغنها
و روایتست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در وصیتی
که امیر المؤمنین علی علیه السلام را کرده بود یا علی بخور روغن زیتون
را و بمال بر بدن خود بدرستی که آنکسی که بخورد روغن زیتون را و
بمالد بر بدن خود نزدیک نشود او را شیطان چهل روز و روایتست
که امیر المؤمنین علی علیه السلام که روغن بنفشه بکار برید بدرستی
که او خنک است در تابستان و گرم است در زمستان و نیز گفت که رسول

خدا صلی الله علیه وآله فرمود که فضل روغن بنفشه بر روغنهای
دیگر همچو فضل اسلام است بر باقی ادیان و روایتست که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که روغن بمالید یکروز در میان و وسمه
بکشید بعد دو طاق **فصل سیوم** در مسواک کردن منقولست از
کتاب من لا یحضره الفقیه که رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت
که همیشه جبرئیل علیه السلام وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه
ترسیدم که دندانهای من سوده شوند یا بریزند که میراث خواهد
برد و همیشه وصیت میکرد مرا برعایت حال مملوک تا آنکه گمان بردم
که تعیین خواهد کرد برای مملوک که مدتی که آزاد شود بعد از آن
مدتی و روایتست که گفت امام موسی کاظم علیه السلام که خوردن
اشنان میگدازاند بدن را و خشت پخته مالیدن کهنه و بی صفا میکند
بدن را و مسواک کردن در آبخانه بدبو میکند دهن را و روایتست که
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که مسواک کردن زیاده میکند
فصاحت و نیز گفت که وقتی که روزه دارید مسواک کنید در صباح
و مسواک مکنید در آخر روز بدرستی که روزه داری که خشک باشد
لبهای او در آخر روز نوری در میان دو چشم او خواهد بود در روز
قیامت و نیز گفت که خوب مسواک است مسواکی که از چوب زیتون
باشد زیرا که زیتون درخت مبارکیست و مسواک کردن بزیتون
می برد تباهی دندانرا و چوب زیتون مسواک من و مسواک پیغمبرانست

که پیش از من بوده‌اند و نیز گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران
مرسل ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و جماع کردن و مسواک
کردن و روایت است که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است بوی خوش بکار بردن
و مسواک کردن و نعلین پوشیدن و منقولست از کتاب روضة
الواعظین که گفت ابو الحسن علیه السلام که احتیاج دارد شیعه
ما بچهار چیز سجاده که نماز کند بر آن و انگشتری که در انگشت کند
و مسواکی که مسواک کند بآن و تسبیحی که از خاک قبر ابی عبد الله
الحسین که در آن سی و سه دانه باشد هرگاه بگرداند آن تسبیح را
و ذکر خدا تعالی بگوید بنویسد خدا تعالی بعد هر دانه چهل حسنه
از برای او و هرگاه بگرداند تسبیح را از روی سهو و عبث و ذکر خدا نگوید
بنویسد خدا تعالی برای او بعد هر دانه بیست حسنه و روایتست
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی که کرد حضرت امیر المؤمنین
را که یا علی بر تو باد که مسواک کنی نزد هر وضو و نیز گفت که مسواک
کردن جزو وضو است و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون مردمان در آمدند در دین گروه گروه قبیلهٔ ازمین آمدند
که آن قبیله را ازدی میگفتند رقت قلب ایشان بیش از همه مردمان بود
دهن ایشان خوشبوتر بود از دهن مردمان دیگر شخصی گفت یا رسول الله
رقت قلب ایشان بیشتر است پس چرا دهن ایشان خوشبوتر است آنحضرت گفت

بجهة آنکه ایشان مسواک میکردند پیش از آنکه اسلام آورند و نیز
گفت امام جعفر صادق علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
بسیار مسواک میکرد و مسواک کردن واجب نیست پس ضرر نمیکند
ترا ترک آن در بعضی از روزها و باکی نیست که مسواک کند روزه دار
در ماه رمضان در هر وقت از روز که خواهد و همچنین باکی نیست که
مسواک کردن روزه دار کسی را که احرام بسته باشد برای حج و مکروه است
مسواک کردن در حمام بجهة آنکه موجب وباء دندانها است و روایتست
که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلم فرمودند که دو رکعت
نماز بمسواک فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک و گفت امام محمد
باقر علیه السلم بکسی که وا مگذار مسواک کردن را در هر دو سه روز
اگر چه یکبار مسواک را در دهن کنی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که سرمه بکشید بعدد طاق و مسواک کنید بطریق عرض و روایتست
که امام جعفر صادق علیه السلم مسواک کردن را ترک کرد پیش از آنکه از
دنیا برود بدو سال و این بنابر آن بود که دندانهای مبارک او ضعیف
شده بود و روایتست که پرسید علی ابن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر
علیه السلم از حال مردی که مسواک میکرد بانگشت خود وقتی که بر میخواست
بنماز شب و او قادر بود بر مسواک کردن آنحضرت گفت که اگر می ترسید
که صبح شود باکی نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر
در مشقت نمی افتادند امت من هر آینه امر میکردم ایشان را بمسواک

کردن نزد هر وضو و هر نمازي و روايتست كه خانهٔ كعبه شكايت
كرد بخدايتعالى از بوي بدي كه ميرسيد باو از نفس مشركان خداي
تعالى وحي كرد بخانهٔ كعبه و كفت قرار كير اي كعبه بدرستي كه تبديل
كنم اين قوم را بقومي كه پاكي نمايند بشاخهاي درخت جون پيغمبري
فرستاد حق تعالى محمد را فرود آمد بر آنحضرت جبرئيل و آورد مسواك
و خلال را و كفت امام جعفر صادق عليه السلم كه در مسواك كردن
دوازده خصلتست كه سنت پيغمبرانست كه پاك ميكند دهن را و
جلا مي دهد چشم را و خشنود ميكند خدايتعالى را و سفيد ميكند
دندانها را و ميبرد تباهي دندانرا و سفيد و محكم ميكند كوشت
بن دندانرا و اشتهاي طعام مي آورد و مي برد بلغم را و زياده ميكند
حفظ را و مضاعف ميكرداند حسناترا و خوشحال ميكرداند فرشتها را
و روايتست كه امام رضا عليه السلم را خريطه بود كه در وي پنج مسواك
بود و نوشته بود بر هر مسواكي نام ~~مسواك~~ نمازي از نمازهاي پنج كانه
كه مسواك ميكرد بآن نزد آن نماز و منقولست از كتاب طب الائمه
كه امام رضا عليه السلم كفت كه مسواك كردن روشن ميكند چشم
و ميروياند موي را و ميبرد آب زدن چشم را و مذكور است در وصيت
حضرت پيغمبر صلى الله عليه و آله امير المؤمنين على عليه السلام را كه
يا على بر تو باد كه مسواك كني و اكر قدرت داري كم نكني مسواك كردن
را بدرستي كه هر نمازي كه بكذاري بمسواك فاضلتر است از چهل روز

نمازي كه بكذاري بي مسواك و منقولست از كتاب لباس كه از ابي
نصير عياشي راست كه روايت كرده است ابو جميله كه كفت ابو عبد الله
كه فرود آمد جبرئيل و آورد خلال و مسواك و حجامت را روايت كرده است
ابو عبد الله از پدران خود كه كفت رسول خدا صلى الله عليه و آله كه پاك
كردانيد راه قرآنرا اصحاب كفتند يا رسول الله جيست راه قرآن آنحضرت كفت دهنهاي
شما اصحاب كفتند بچه چيز پاك كنيم آنحضرت فرمود بمسواك و نيز كفت
كه پاك كنيد دهنهاي خود را بمسواك بدرستي كه دهن شما راه تسبيح است
و منقولست از كتاب تهذيب الاحكام كه كفت ابو عبد الله عليه السلام
كه خوردن اشنان ميكدازاند بدن را و خشت پخته ماليدن در بدن
و بي صفا ميكند بدنرا و مسواك كردن [illegible] بد بو نميكند دهن را و خشنودي خدا
تعالى است و سنت پيغمبرانست و خوشبو كنندهٔ دهن است و روايتست
كه كفت ابو عبد الله كه مسواك كردن در آنجا نه بوي دهن مي آورد و
روايت است از امام جعفر صادق عليه السلم از پدر خود عليه السلم
و پدر او روايت كرده است كه كفت امير المؤمنين على عليه السلم كه سه چيز
كه بلغم را ميبرد و حفظ را زياده ميكند كه مسواك كردن و روزه داشتن
و قرآن خواندن **باب سيم** در آداب حمام رفتن و آنچه متعلق
است بآن و درين باب شش فصل است **فصل اول** در كيفيت در آمدن بحمام و
منقولست از كتاب من لا يحضره الفقيه كه روايت كرده است محمد بن حمران
كه كفت امام جعفر صادق عليه السلم كه چون در آيي بحمام در وقتي

و روايتست كه كفت امير المؤمنين عليه السلام كه مسواك كردن [illegible]

که میکنی جامهٔ خود را بگو که اللهم انزع عنی ربقة النفاق وثبتنی
علی الایمان وهرگاه در آئی در اول حمام بگو که اللهم انی اعوذ بک من شر
نفسی واستعیذ بک من اذاه ووقتی که در آئی بخانهٔ دوم بگو
اللهم اذهب عنی الرجس النجس وطهر جسدی وقلبی وبردار آب
گرم وبریز بر میان سر خود وبر هر دو پای خود واگر می توانی
از آب گرم جرعهٔ بخور بدرستی که پاک میکند مثانه را وساعتی
درنگ کن در خانهٔ دوم وچون در آئی بخانهٔ سیوم بگو نعوذ بالله من النار
ونسأله الجنة وبگو این را تا وقت بیرون رفتن از گرمخانه وبپرهیز
از خوردن آب خنک وفقاع در حمام بدرستی که فاسد میکند
معده را وآب خنک ضعیف میکند بدن را وآب خنک بر پاهای خود بریز
در وقت بیرون آمدن از حمام بدرستی که آب خنک ریختن بر پا در
وقت بیرون آمدن از حمام میکشد درد را از بدن وچون بیرون
آئی از حمام وبپوشی لباس خود را بگو که اللهم البسنی التقوی وجنبنی الردی
چون این کار کنی که گفته شد ایمن میشوی از هر دردی وباکی نیست قرآن
خواندن در حمام مادام که تحریر نکنی ولنگ داشته باشی وروایتست
که پرسید محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام که آیا منع میکرد
امیر المؤمنین علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمام وقتی که کسی برهنه
بودی پس وقتی که کسی لنگ بسته باشد باکی نیست وگفت علی بن
یقطین با امام موسی کاظم علیه السلام که در حمام قرآن میخوانم وجماع میکنم

ایا قصوری دارد آنحضرت گفت باکی نیست وروایتست که گفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام که خوب خانه ایست حمام زیرا که بیاد می آید
در وآتش دوزخ ومی برد چرک را ونیز گفت که بد خانه ایست حمام
زیرا که میدرد ستر را ومی برد شرم وحیا را وگفت امام جعفر صادق
علیه السلام که بد خانه ایست حمام زیرا که میدرد ستر را وظاهر
میسازد عورت را وخوب خانه ایست حمام زیرا که بیاد می آورد حرارت
جهنم را وآزادیست که کسی فرزند خود را با خود بحمام نبرد تا نظر
در عورت او نکند وروایتست که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله
که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی وبروز قیامت باید که زن
خود را بحمام نفرستد ونیز گفت که منع میکنم زنان امت خود را از
حمام رفتن وگفت امام موسی کاظم علیه السلام که زینهار بحمام مرو بعد
ومنقولست از کتاب محاسن که گفت ابو عبدالله علیه السلام ناشتا
که بحمام مرو مگر وقتی که در اندرون تو چیزی باشد که چیزی باشد
که بنشاند حرارت معده را وچیزی خوردن وجماع بعد از آن به حمام
رفتن بحمام قوت میدهد بدن را وبحمام مرو وقتی که طعام بسیار
خورده باشی ونیز گفت باکی نیست قرآن خواندن در حمام وقتی که از
برای خدا باشد واراده نکرده باشد که بر بیند آواز چگونه باشد
در حمام وروایتست که گفت ابو یعقوب که پرسیدم از ابی عبدالله
که اگر برهنه باشد کسی وقت آب ریختن عورات او بر بینند وآب

برو بریزند وا و به پیند عورت مردمانرا قصوری دارد آنحضرت
کفت پدر من مکروه میداشت این را از همه کس و کفت امام جعفر
صادق ع باید که بر پشت نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت
خوابیدن در حمام میکدازد پیه کرده را روایتست که بیرون آمد
امام جعفر صادق علیه السلام از حمام و جامه پوشید و عمامه
بر سر نهاد و کفت که ترک نکرده ام عمامه بر سر نهادن را وقتی که
بیرون آمدن از حمام در زمستان و تابستان و کفت امام موسی
علیه السلم که حمام رفتن یکروز در میان بسیار میکرداند کوشت
بدن را و هر روز بحمام رفتن میکدازاند پیه کرده را و کفت عبد الرحمن
بن مسلم که بودم در حمام در خانهٔ میان پس درآمد امام موسی
علیه السلام و لنک بسته بود بر بالای نوره کفت السلام علیکم و من
جواب سلام کفتم و رفتم در خانهٔ که درو حوض بود غسل کردم
و بیرون رفتم و روایتست که کفت امام رضا علیه السلم اکر کسی بشوید
پاهای خودرا و بعد از ان بیرون آمدن از حمام باکی نیست و اکر نشوید
هم باکی نیست و روایتست که بیرون آمد امام علیه السلام از حمام
پس کفت با آنحضرت مردی که طاب استحمامك یعنی خوش باد بکرم
شستن تو آنحضرت کفت ای مرد لئیم چکار داری باست اینجا آنمرد
کفت طاب حمامك یعنی خوش باد حمام تو آنحضرت کفت وقتی که خوش
باشد حمام پس چیست بدن آنمرد کفت فطاب حمیمك آنحضرت کفت

واي بر تو نمیدانی که حمیم عرق را میکویند آنمرد کفت یا امام چه بکویم
آنحضرت کفت که بکو طاب ما طهر منك وطهر ما طاب منك یعنی خوش
باد بدن تو و خوش کفت امام جعفر صادق علیه السلم که چون بیرون
آمده باشی از حمام و بکوید برادر مومن که طاب حمامك بکو مر
اورا که انعم الله بالك یعنی خوش کرداند خدایتعالی دل ترا و کفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که درد سه است و دوا نیز سه است
اما درد خونست و صفرا و بلغم و دوای خون حجامتست و دوای
بلغم حمام و دوای صفرا راه رفتن و کفت امام جعفر صادق علیه
السلم که سه چیز است که فربه میسازد بدن آدمی را و سه چیز است
که لاغر میسازد اما چون آن چیزها که فربه میسازد مداومت
حمام و بوییدن بوی خوش و پوشیدن جامهٔ نرم و اما آن
چیزها که لاغر میسازد مداومت خوردن تخم مرغ است و ماهی و هر روز
بحمام رفتن بدرستی که اکر کسی هر روز بحمام رود کم میشود کوشت بدن
او و کفت امام محمد باقر علیه السلم که آب حمام باکی نیست باو یعنی نجس
نیست وقتی که اورا ماده بوده باشد که کر باشد یا زیاده و مراد باب
حمام آن آبیست که در حوضهای خورد است که کمتر از کر باشد و کفت
داود بن سرحان که کفتم بابی عبد الله که چه میکویی در آب حمام آنحضرت
کفت که او مثل آب روانست و مراد آنحضرت آن آب حمامیست که اورا
ماده بوده باشد و کفت محمد بن مسلم که کفتم بابی عبد الله که غسل

میکند جنب و غیر جنب در حمام آیا غسل بکنم از آب او آنحضرت گفت
که غسل بکن باکی نیست که غسل کند جنب از آب حمام محمد بن مسلم گفت
که غسل کردم از آب حمام و بعد از آن شستم پای خود را مگر بجهة آنکه
گل چسبیده بود بر پاهای من و گفت زراره که دیدم امام محمد باقر
علیه السلام را که بیرون آمد از حمام و رفت همچنانکه بود و پاهای
خود را نشست و نماز گذارد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بشوئید پاهای خود را بعد از آنکه از حمام بیرون آمدید بدرستی
که شستن پا بعد از بیرون آمدن از حمام می برد دردنیم سر را و وقت
بیرون آمدن از حمام عمامه بر سر بنهید و روایت کرده است محمد
بن موسی که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که بیرون
می آمدند از حمام عمامه بر سر می نهادند در زمستان و تابستان و
می گفتند که عمامه بر سر نهادن در وقت بیرون آمدن از حمام امانست
از درد سر و روایتست که چون کسی در آید بحمام و حرارت برو غلبه
کند باید که آب خنک بر خود بریزد تا حرارت او تسکین یابد و منقولست
از کتاب طب الائمه که بگیرید ناخن خود را روز سه شنبه و حجامت کنید
روز چهارشنبه و بحمام روید روز پنجشنبه و بهترین بوهای خوش
بکار برید روز جمعه و منقولست از کتاب لباس که گفت سعدان
بن مسلم که آمد نزد ما امیر المؤمنین علی علیه السلام و ما در حمام بودیم
سلام کردم من برخاستم و شرط خدمت بجای آوردم و غسل کردم و

بیرون رفتم و روایت کرده حنان بن سدیر از پدر خود که گفت که
در آمدم من و پدر و جد و عم بحمام مدینه مردی در جامه کن حمام بود
گفت شما از کدام قومید گفتیم ما از اهل عراقیم گفت از کدام شهر عراق گفتیم از
اهل کوفه ایم گفت خوش آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام
و چه چیز است که باز میدارد شما را از لنگ بستن بدرستی که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که دیدن عورت مسلمان بر مسلمان حرامست پس عمو
کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و هر کدام از ما یکپاره گرفتیم و لنگ
کردیم چون بیرون آمدیم از حمام پرسیدیم که آن مرد که بود گفتند
امام زین العابدین علیه السلام و پسر او امام محمد باقر علیه السلام
با او بود **فصل دوم** در بیان پوشیدن عورت منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که
ایمان دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید که در نیاید بحمام مگر آنکه
لنگ بسته باشد و منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از در
آمدن باب روان بی لنگ و گفت بدرستی که در آب جماعتی ساکنند و
روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وقتی که برهنه شوید شیطان
بشما نظر میکند در شما پس بپوشانید خود را و روایت که گفت ابو عبد
الله علیه السلام که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
از در آمدن مردان بحمام بی لنگ و روایت کرده است امام محمد باقر

وطی میکند

علیه السّلم که سعید بن عبد الملك در می آمد بحمام با کنیزان خود
امیر المؤمنین علی علیه السّلم کفت که باکی نیست وقتی که او و کنیزان
او لنك بسته باشند و برهنه نباشند همچون خران که بعضی نظر
میکنند بعورت بعضی و روایت است که امام جعفر صادق علیه
السّلم کفت که مکروه است نظر کردن بعورت مسلمانان امّا نظر
کردن بعورت کسی که مسلمان نباشد مانند نظر کردنست بعورت
دراز کوش و نیز کفت باید که کسی نظر نکند بعورت برادر مؤمن
در حمام و اکر مخالف او باشد در مذهب باکی نیست و نیز کفت که ران
داخل عورت نیست و روایتست که کفت ابو بصیر که کفتم با بو عبد الله
که آیا جایز است که مرد برهنه غسل کند آنحضرت کفت که وقتی که او را
هیچکس نبیند باکی نیست و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام الابواب که کفت
حذیفه منصور که کفتم بابی عبد الله علیه السّلم که مردان میکویند که
عورت مومن بر مومن حرامست آنحضرت کفت که چنین نیست که مردان
بران رفته اند و کمان برده اند و مراد بعورت مومن آنست که چیزی
ناخوشی از مؤمن واقع شود یا سخنی بکوید که عیب کنند او را کسی آنچیز
یا آن سخن را حفظ کند بجهة انکه آن مؤمن را سرزنش کنند بان روزی
و روایتست که کفت عبد الله بن سنان که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السّلم این حدیثی را که عورت مؤمن بر مؤمن حرامست آنحضرت
کفت بلی چنین است کفتم مراد من بعورت مؤمن پس و پیش است آنحضرت

کفت

کفت که چنین است که تو کمان برده بلکه فاش کردن سرّ مؤمن بر
مؤمن حرامست و روایت کرده است زید شحام که کفت ابو عبد الله
علیه السّلم که مراد از ین حدیث که عورت مؤمن بر مؤمن حرامست این
نیست که برهنه شود مومن و دیده شود عورت او بلکه مراد آنست
که خوار داری مومن را یا عیب کنی او را فصل سیوم در بیان مالیدن
خشت پخته و روغن زیتون و آرد و غیر اینها در بدن و منقولست
از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت امیر المؤمنین علی که باید بر پشت
نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت خوابیدن بحمام میکداز اند پیه کرده را
و باید که نمالید خشت پخته را بپای خود بجهة انکه جذام می آورد
و کفت امام جعفر صادق علیه السّلم که نمالد خشت پخته را در بدن
خود که برص می آورد و نمالد فوطه را که لنك کرده بر روی خود زیرا که
می برد صفا و طراوت روی را و روایتست که کل مصر و خشت پخته شام را
که برص و جذام می آورد و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حذر کنید از خشت پخته بر بدن مالیدن که بدن را کهنه و بی طراوت
میکند و بر شما باد که کیسه بر بدن بمالید و کفت امام رضا علیه
السلام که باکی نیست که بمالید در حمام تلخان و آرد و سبوس را در بدن
خود و باکی نیست که بمالد کسی در بدن خود آردی را که ترکرده باشند
بروغن مالیدن زیتون و اسراف نیست در ان چیزی که نفع میدهد
بدن را و اسراف آنست که کسی مال خود تلف کند و ضرر رسد بر بدن

او وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست که بمالد کسی
خلوق را در بدن خود در حمام و بمالد بر دست خود بجهة شکافی که خلوق
آنرا دوا میکند و خلوق نوعیست از بوی خوش و سنت نیست بکار بردن
خلوق دایم و همچنین سنت نیست که خلوق را بنوعی بمالد که اثر او بر
ظاهر باشد و منقولست از کتاب لباس که گفت ابو الحسن در شان
مردی که نوره باکی نیست این کار کردن و روایت کرده است ابو الصباح
بعضی از اصحاب خود که پرسیدند از ابی عبد الله که ما در راه مکه بودیم
و اراده احرام کردیم و نبود با ما سبوسی که بعد از نوره بر بدن بمالیم
و آرد طلبیدیم بر بدن خود مالیدیم پس رسید بما بجهة این چیز که خدا
بآن دانا تر است گفت ابو عبد الله که انچیز اسرافست گفتم بلی آنحضرت گفت
که اسراف نیست در چیزی که اصلاح بدن میکند و بسیار است که ما
میکنیم من که آرد بختر را تر کنند بروغن زیتون و میمالند در بدن خود
و اسراف آنست که مال تلف و ضرر بر بدن رسد و گفتم تنگی بر معیشت
کدام است گفت خوردن نان و نمک حال انکه قادر باشی بر غیر آن گفتم میانه
روی در معیشت کدامست گفت خوردن نان با گوشت یا با شیر یا با غیر
یعنی هر بار یکی از اینها را با نان بخورد و روایتست که گفتند نزد ابو الحسن
که مردی نوره مالیده بود و آرد را تر کرده بود و میمالید بر بدن خود
بعد از نوره تا بوی نوره را ببرد آنحضرت گفت که باکی نیست اینکار کردن

فصل چهارم

و تراشیدن سر و زهار و زیر بغل منقولست از کتاب

من لا یحضره الفقیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله که گفت بمردی که
بتراش سر خود را که زیاده میشود جمال تو وگفت امام جعفر صادق
علیه السلام که سر تراشیدن در غیر حج و عمره عقوبتست مر دشمنان
شما را و جمال و زینتست مر شما را پس گفت آنحضرت که بیرون میروند
دشمنان شما از دین همچنانکه بیرون میرود تیر از کمان و علامت
ایشان آنست که سر میتراشند و روغن نمیمالند و منقولست از کتاب
نوادر الحکمه که روایت کرده امام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام و ایشان روایت کرده اند که گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که میتراشید سر طفلانرا با ینطریق که بعضی از سر ایشان
بتراشید و بعضی را بگذارید و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام
که گفت ابو عبد الله علیه السلام که نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم طفلی آوردند که آنحضرت دعا کند برای او و موی بر گرد سر آن
طفل گذاشته بودند آنحضرت دعا نکرد و فرمود که تراشیدن سر آن
طفل را و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر کرد
بتراشیدن موی شکم و روایتست که گفت امام محمد باقر علیه السلام
که ختنه کرد رسول خدا صلی الله علیه و سلم امام حسن و امام حسین را
در روز هفتم از ولادت ایشان و سر ایشانرا تراشید در همان روز و نقره
صدقه کرد بوزن موی سر ایشان و عقیقه کرد برای ایشان در آن
روز بدایه داد ران گوسفند را و روایتست که چون کسی خواهد که

سر خود را بتراشد باید که ابتدا کند به پیشانی و بگوید بسم الله و با
لله علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم
القیمة و چون فارغ شود از سر تراشیدن باید که بگوید اللهم زینی
بالتقوی و جنبنی الردی و منقولست از کتاب طب الائمه که امام جعفر
صادق علیه السلم گفت که در هر هفته سر باید تراشید و در هر پانزده
روز نوره می باید کرد منقولست از کتاب لباس که گفت امام رضا
علیه السلم که سه چیز است که هر که بداند فایده آنرا دست باز نمی دارد
از آن گرفتن موی و نکاح زنان و بالا گرفتن جامه و نیز گفت که سه
چیز است از سنتهای پیغمبران بوی خوش بکار بردن و نکاح
گرفتن موی و بسیار جماع کردن و روایت کرده است عمر بن عثمان که
گفت کسی با امام رضا علیه السلام که مردمان گمان می برند که سر تراشیدن
در غیر منی است آنحضرت گفت سبحان الله پدر من وقتی که باز گشت
از حج و رسید بملك خود که در بیرون مدینه بود در نیامد بمدینه
تا آنکه سر خود را تراشید و روایتست که پرسیدند از امام جعفر
صادق علیه السلام از گذاشتن موی سر که دراز شود آنحضرت گفت
که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میتراشیدند موی
سر را و نمیگذاشتند که دراز شود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گرفتن موی بینی نیکو میگرداند روی را و گفت حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم آنکس که ایمان دارد بخدا تعالی و بروز قیامت باید

موی زهار را نگذارد زیاده از چهل روز و حلال نیست زنی را که
ایمان داشته باشد بخدا تعالی و بروز قیامت که بگذارد موی
زهار را زیاده از بیست روز گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که آنکسی ایمان دارد بخدا و بروز قیامت باید که نگذارد موی زهار را
زیاده از هفت روز و ترك نکند نوره کردن را بیشتر از یکماه و آنکسی
که ترك کند بیشتر از یکماه ~~وانکسی که ترك نه~~ نماز او درست نیست و
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و السلم باید که مرد و زن بتراشند
موی شکم را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود خدای
تعالی بابراهیم علیه السلم که پاکی بجهت نمای آنحضرت موی زهار را
تراشید و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلم نوره میمالید
زیر بغل خود در حمام و میگفت که کندن موی زیر بغل ضعیف و بیقوت
میکند کتفها را و سست و ضعیف میکند چشم را و گفت آنحضرت که
تراشیدن موی زیر بغل فاضلتر و بهتر است از نا تراشیدن و روایت
کرده است زراره که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کندن
موی زیر بغل فاضلتر است از تراشیدن او و نوره کردن از هر دو بهتر
است و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که کندن موی زیر بغل می
برد بوی بد را و پاك کننده است و از جمله سنتها است که امر کرده با آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که باید که نگذارید موی زیر بغل را که دراز
شود بدستی که شیطان در آنجا پنهان میشود و باکی نیست که جنب نوره

کند زیراکه زیاده میکند پاکی را و کفت امام جعفر صادق علیه السلام

که میان نوح و ابراهیم علیهم السلم هزار سال فاصله بود

شریعت ابراهیم علیه السلم توحید و اخلاص و برطرف کردن شریکان

خدایتعالی بود و مردمان مخلوق شده اند بر شریعت ابراهیم علیه

السلام و شریعت ابراهیم دین و اسلام و عهد کرفت خدایتعالی بر ابراهیم

علیه السلام که پرستش نکند غیر او را و شریك نکرداند باو هیچ را

و امر کرد ابراهیم را بنماز و امر معروف و نهی منکر و حکم نکرد برو

احکام فرض میراث را و زیاده کرد در دین او ختنه کردن و شارب کرفتن

و موی زیر بغل کندن و ناخن کرفتن و تراشیدن زهار و امر کرد

او را به بنای خانه کعبه و حج و مناسك حج و اینها همه که مذکور شد

اسلام شریعت ابراهیم علیه السلام است و نیز کفت امام جعفر صادق

علیه السلم که خدایتعالی فرمود با ابراهیم علیه السلام که پاکی نمای

شارب خود را کرفت باز خدایتعالی امر کرد به پاکی آنحضرت تراشید

موی زهار را باز امر کرد به پاکی آنحضرت ختنه کرد **فصل پنجم**

در شستن سر بخطمی و سدر منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه

که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن سر بخطمی می برد

درویشی را و زیاده میکند روزی را و نیز کفت که شستن سر بخطمی

هر جمعه روز امانست از برص و دیوانکی و نیز کفت که شستن سر بخطمی

تعویذ است و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که شستن سر بخطمی

میبرد چرك را و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

روزی غمناك بود جبرئیل علیه السلم کفت با آنحضرت که بشو سر خود را

بسدر و آن سدر که حضرت سر خود را شست از سدرة المنتهی بود

و کفت امام موسی علیه السلم که شستن سر بسدر زیاده میکند

روزی را و کفت امام جعفر صادق علیه السلم که بشوئید سر خود را

به برك سدر که دور میکرداند خدایتعالی از و سه چیز را وسوسه

شیطان را هفتاد روز و انکسی که دور باشد از وسوسه شیطان هفتاد

روز پس کناه از و در وجود نمی آید و انکسی که کناه نمیکند به بهشت میرود

و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت امام جعفر صادق

علیه السلم که انکسی که بکیرد شارب را و ناخن و بشوید سر خود را

بخطمی در روز جمعه حکم آن دارد که بنده آزاد کرده باشد و منقولست

از کتاب طب الائمة که کفت امیر المؤمنین علیه السلم در وصیتی که

کردم نزد ابی جعفر علیه السلم از چرکی که در سر من بود آنحضرت

کفت که بکوب سدر را و بکیر آب آنرا و نیك بیامیز آنرا بسر که خوب آنقدر

که میخواهی و بشوی بآن سر و محاسن خود را هر قومی که چون ترا هست چنین

کنی خلاص میشوی از چرك **فصل ششم** در نوره مالیدن منقولست

از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که

انکسی که میخواهد نوره کند باید که بکیرد اندکی از نوره و بر سر بینی

خود بمالد و بکوید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امر بالنوره بدرستی

بدرستی که چون چنین کند نوره نمیسوزاند بدن را و روایتست که
انکسی که بنشیند در وقتی که نوره مالیده باشد در بدن خود خوف
فتق است برو و منقولست از کتاب کافی که کفت حکم بن عتیبه که دیدم امام
جعفر صادق علیه السلام را که حنا بر ناخنهای خود میمالید کفت
یا حکم چه میکوئی در حق این کفتم چه توانم کفت و حال انکه تو میکوئی
این کار را نزد جوانان انکار میکند کفت ای حکم هرکاه نوره بناخنها
رسد تغییر میدهد ناخنها را چنانکه میماند بناخنهای مرده باکی نیست
تغیر دادن ناخنها بحنا و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
که انکس که نوره بنهد و بعد از نوره حنا بمالد بر بدن خود ایمن کرداند
خدا یتعالی از سه چیز جذام و برص و خوره باو تا نوره کردن و حنا
مالیدن بار دیکر و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که نوره مکنید
روز چهارشنبه بدرستی که روز چهارشنبه روز نحس و قصوری دایم
باقی ایام و روایتست که نوره کردن در روز جمعه برص می آرد و کفت
امام رضا علیه السلام که هرکه نوره کند در روز جمعه برص بیدا کند
باید که ملامت نکند مکر خود را و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حنا مالیدن بعد از نوره امانست از جذام و برص منقولست از کتاب
روضه که کفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم که برص می آورد
نوره کردن در روز جمعه و روز چهارشنبه و وضو ساختن و غسل کردن
بآبی که از آفتاب کرم شده باشد و چیزی خوردن در وقتی که جنب باشد

محاسن

و جماع کردن با زن خود در وقت حیض و چیز خوردن در حالتی که
سیر باشد و منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که دور
کیند موی را از بدن خود بدرستی که موی نجس است و مراد مبالغه
است در پاکی و منقولست از کتاب محاسن که انکسی که نوره کند و بعد
از نوره حنا بمالد از سر تا بقدم برطرف کند خدا یتعالی درویشی را و
منقولست از کتاب لباس که امام جعفر صادق علیه السلام نوره میکرد
در حمام چون بزهار میرسید میکفت بانکسی که نوره میمالید
و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام بحمام در می آمد و نوره
میمالید زیر بغل را اکر موی داشت و روایتست که کاهی بعضی از خدمتکاران
امام جعفر صادق علیه السلام تمام بدن آنحضرت را نوره میمالیدند
و کفت از خط که آمدم نزد امام جعفر صادق علیه السلام بجهت حاجتی
پس یافتم آنحضرت را در حمام که نوره مالیده بود کفتم حاجتی خود را با نحضرت
کفت تو نوره نمیکنی کفتم دیروز نوره کرده ام کفت نوره کن که نوره پاک
کننده است و روایتست که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین
علی علیه السلام که وقتی که نوره میمالید زهار را خود نوره میمالید و کفت
لیث المرادی که پرسیدم امام جعفر صادق علیه السلام را از نوره کردن
جنب کفت باکی نیست و کفت امام رضا علیه السلام که چهار چیز از اخلاق
پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن و تراشیدن موی و نوره کردن و بسیار
جماع کردن

باب چهارم

در کرفتن ناخن و شارب و کرد ساختن محاسن

وسر شانه کردن وفرو کذاشتن موي ونظر کردن در آینه وحجامت

کردن ودرین باب جهار فصل است فصل اول در ناخن کرفتن منقولست از کتاب

لباس که کفت سلیمان بن خالد که کفتم بابي عبد الله علیه السلام که آیا

ناخن را در هر روز جمعه بکیرم کفت بکیر اکر دراز شده باشد وکفت محمد

بن بکر که کفتم بابي الحسن علیه السلام که اصحاب ما میکویند که میباید که

کرفتن شارب وناخن را در جمعه آنحضرت کفت سبحان الله بکیر اکر

میخواهي در باقي روزها وکفت امام جعفر صادق علیه السلام

که کرفتن ناخن وشارب وشستن سر بخطمي میبرد درویشي را وزیاده

میکند روزي را وروایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم

السلام که حضرت پیغمبر کفت آنکسی که بکیرد ناخن خود را در روز

جمعه بیرون کند خداي از سر انکشتان درد را وداخل کرداند شفا را

وکفت ابو عبد الله که کرفتن ناخن وشارب امانست ونیز کفت ابو عبد الله که کفت پیغمبر

صلی الله علیه واله که انکسی که بکیرد ناخن خود را در روز جمعه وهرکاه

ناخن کوتاه باشد بخراشد او را بدرستي که نمیرسد بتو جذام وبرص

ومنقولست از کتاب محاسن که کفت حسن بن العلا که کفتم بابي عبد الله

که جیست ثواب انکس که بکیرد شارب وناخن خود را هر روز جمعه

آنحضرت کفت که همیشه پاك باشد تا جمعه دیکر وروایت کرده است

ابو کمیس که کفت مردي که کفتم بعبد الله بن حسن که بیاموز بمن جیزي

در طلب روزي عبد الله الحسن کفت که بکو اللهم تول امري ولا

در روز جمعه اکر نخواهي

نول غیرك انمرد کفت که اعلام کردم این را بابي عبد الله انحضرت کفت

که آیا تعلیم کنم ترا بجهة طلب روزي جیزي که فایده آن زیاده ازین

باشد کفتم بلي کفت بکیر شارب خود را وناخن خود را در هر جمعه و

کفت خلف که دید مرا ابو الحسن علیه السلام ومن درد چشم داشتم

کفت آیا بیاموزم ترا جیزي که هرکاه بجاي آوري چشم تو درد نکند

کفتم بلي کفت بکیر ناخن را هر روز پنجشنبه کفت جنین کردم چشم من دیکر

درد نکرد وکفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله

فرمود که هرکسی که بکیرد ناخن وشارب خود را روز شنبه وپنجشنبه

عافیت یابد از درد دندان ودرد چشم وکفت ابو جعفر علیه السلام

که هرکه بکیرد ناخن وشارب خود را هر روز جمعه ودر محل کرفتن

بکوید بسم الله وبالله علی سنت رسول الله محمد وال محمد

نیفتد از وناخن وموي مکر انکه بنویسد خدا تعالی براي او بعدد

هریك ثواب آزادي بنده وبیمار نشود مکر بیماري که دران بمیرد و

روایتست که کفت ابو عبد الله علیه السلام بمردان که بکیرید ناخن خود را

وکفت بزنان که بکذارید ناخن خود را بدرستي که ناخن زینت میدهد

شما را ومنقولست از کتاب طب الائمه که کفت ابو عبد الله که انکسی که

بکیرد ناخن خود را روز جهارشنبه وابتدا کند بانکشت خورد دست راست

وختم کند بانکشت دست چپ ایمن شود از درد چشم وکفت امام محمد

باقر علیه السلام که انکسی که بکیرد ناخن خود را روز جمعه باید که ابتدا

کند بانکشت خورد دست چپ وختم کند بانکشت دست راست وکفت
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی بکیرد ناخن خود را
روز پنجشنبه که یک ناخن خود را بکذارد تا روز جمعه بکیرد دور کرداند
خدا یتعالی ازو درویشی و منقولست از کتاب فردوس که الاخبار
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که هر کسی که خواهد که
امان یابد از درویشی و درد چشم و برص و دیوانکی باید که بکیرد
ناخن خود را روز پنجشنبه بعد از عصر و ابتدا کند بانکشت خورد دست
چپ و منقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه
السلام که وحی نیامد بحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چند
کسی کفت بانحضرت که وحی برطرف شد از تو یا رسول الله آن حضرت
کفت که چون وحی برطرف نشود از من و حال انکه شما ناخن نمیکیرید
و بوی بد را از خود دور نمیکنید و کفت امام محمد باقر علیه السلام
که کرفتن ناخن بجهة اینست که ناخن خوابکاه شیطانست و درازی ناخن
فراموشی می آرد و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله بمردان که بکیرید
ناخن خود را و بزنا کفت که بکذارید ناخن خود را بدرستی که ناخن
زینت دهنده است شما و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون
کسی موی و ناخن خود را بکیرد باید که دفن کند و این سنت است و
و منقولست از کتاب محاسن که سنتی است یعنی سنت موکداست و روایتست
که از جمله سنتها است دفن کردن موی و ناخن و خون و روایتست

سلم را

که پرسید ابا الحسن علیه السلام از حال مردی که میکرد موی
و ناخن خود را و برمی خیزد بنماز بی انکه بیفشاند موی و ناخنها را
از جامهٔ خود آنحضرت کفت که باکی نیست و کفت ابو عبدالله علیه السلام
که انکسی که بکیرد ناخن و شارب خود را روز جمعه و بکوید بسم الله
و بالله و علی سنت رسول الله واله بدهد خدا یتعالی باو بعدد هر ناخنی
که بیفتد از و ثواب آزادی بندهٔ از فرزندان اسمعیل علیه السلام
و روایتست که علی بن الحسین علیه السلام چون میتراشید سر خود را
در منی میفرمود که دفن کنند آن موی را **فصل دوم** دربیان
کرفتن شارب و کرد ساختن محاسن و نظر کردن موی سفید و غیر آن
دربیان کرفتن شارب منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که کرفتن شارب از جمعه تا جمعه
امانست از جذام و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله کفت آنحضرت
که انکسی که نکیرد شارب خود را از ما نیست و نیز کفت که نیک بکیرید
شارب خود را و بکذارید محاسن خود را و موافقت مکنید یهود را
و نیز کفت که مجوس میکیرند محاسن خود را و میکذارند شارب
خود را و ما میکیریم شارب خود را و میکذاریم محاسن خود را و همچنین
باید وقتی که میکیرد و کسی شارب خود را باید که بکوید بسم الله
و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه واله منقولست از کتاب
محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که کرفتن شارب

سنت است و روایتیست از سکونی که رسول خدا صلی الله علیه واله که
گفت از جمله سنتها آنست که بگیرد کسی شارب خود را تا آنکه برسد
بکناره لب و روایتیست که عبدالله بن عثمان دید است اباعبدالله
علیه السلام را که گرفته شارب خود را تا آنجا که شارب میروید

در بیان گرفتن محاسن و گرد ساختن آن و روایتیست که نظر کرد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بمردی محاسن درازی و گفت
این چه چیزاست که اشکال اصلاح کند محاسن خود را این سخن رسید بآنمرد
و آنمرد اصلاح کرد محاسن خود را و گفت بآنکسی که اصلاح میکرد محاسن
آنحضرت را که گرد ساز محاسن مرا و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
بشخصی که بگیر بدست خود محاسن خود را و ببر آنچه زیاده است از یک
مشت و منقولست از کتاب محاسن که گفت علی بن جعفر که پرسیدم
برادر خود را از حال مردی که اصلاح میکرد محاسن خود را آنحضرت گفت
که اگر بگیرد از عارض خود باکی نیست اما باید که از پیش محاسن چیزی
نگیرد و روایتیست که گفت سدیر الصیرفی که دیدم امام جعفر صادق
علیه السلام را که میگرفت موی عارض خود را و روایتیست که گفت
حسن زیات که دیدم امام جعفر صادق علیه السلام را که سبک میساخت
محاسن خود را و گفت ابوعبدالله علیه السلام که آنکسی که زیاده باشد
محاسن او از یک قبضه در آتش دوزخ است و نیز گفت از سعادت
مردی سبک بودن محاسن اوست و نیز گفت که آزموده میشود عقل

مرد در سه چیز در درازی محاسن او و در نقش انگشتری او و
در کنیت روایت کرده است ابوایوب از محمد که گفت که دیدم که
سرتراش اصلاح میکرد ابی جعفر را آنحضرت گفت که گرد ساز محاسن مرا

در بیان سفیدی موی منقولست از کتاب که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله که سفیدی موی پیش سر مبارکست و
وسفیدی در عارض دلیل سخاوتست و در گیسوها علامت شجاعت
و در ریش سر شوم است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آمد
مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم آنحضرت دید که
سفیدی در محاسن آنمرد گفت سفیدی در محاسن نور است و آنکسی که
یکموی او سفید شود در اسلام نوری باشد ورا در روز قیامت
و گفت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت ابراهیم دید صباحی در محاسن
خود یکموی سفید پس گفت الحمد لله الذی بلغنی هذا المبلغ ولم اعص
الله طرفة عین یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که رسانید مرا باین
سن و عاصی نشدم خدایرا مقدار یک چشم برهم زدن و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که موی مردمان سفید نمیشد حضرت
ابراهیم دید موی سفید در محاسن خود گفت بارخدایا این چه چیز است
حق تعالی گفت که این وقار و آهستگی است حضرت ابراهیم علیه السلام
گفت بارخدایا زیاده گردان وقار مرا و نیز گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که موی سفید

نوراست پس مکیند آنرا ومنقولست از کتاب محاسن که کفت ابو
عبدالله ع که باکی نیست بریدن موي سفید راکه آمیخته است بموي
سیاه وبرکندن او امّا بریدن او نزد من دوست تر است از برکندن
او و روایتست که کفت ابو عبدالله علیه السّلم که امیرالمؤمنین علي
علیه السّلم مکروه نمیداشت موي سفید را ومکروه میداشت کندن
آنرا در ان فرو کذاشتن موی روایتست از ابا عبدالله ع
که حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم منع میکرد ازد وبار شانه
کردن دریکروز ونیز روایتست از ابي عبدالله که حضرت فرو میکذاشت
موي خود را وبیشتر در وقت فرو کذاشتن موی نظر در آب میکرد
وموی را تر میساخت باب در بیان نظر کردن در آئینه منقولست
از کتاب نجات که انکسی که نظر در آئینه کند باید که بکیرد آئینه را بدست
چپ وبسم الله بکوید ودست راست خود را بر میان سر خود
بنهد وفرو آورد بروي خود بکیرد محاسن خود را ونظر کند در آئینه
وبکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي بَشَرًا سَوِيًّا وَزَانِي وَلَمْ يَشِنِّي وَفَضَّلَنِي
عَلَی كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْاِسْلَامِ وَرَضِيَتَهُ لِي دِيْنًا
پس هرکاه بنهد آئینه بر دست خود باید که بکوید اَللّٰهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا
مِنْ نِعَمِكَ وَجَعَلْنَا لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وکفت حضرت پیغمبر صلّی
الله علیه وآله در وصیتي که کرد با میرالمؤمنین علی علیه السّلام
که یا علي چو نظر کني در آئینه بکو اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي

ورزقي وروایتست که امام جعفر صادق علیه السّلم در وقت
نظر کردن آئینه بکو اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خلقي ورزقي
وروایتست که امام جعفر صادق علیه السّلم این دعا میخواند اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي خلقني فَاَحْسَنَ خَلْقِي وَصَوَّرَنِي فاحسن صُوْرَتِي اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الذي زَانَ مِنِّي ماشان من غيري واکرمني بالاسلام در شانه
کردن سر ومحاسن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که پرسیدند
امام علیه السّلام را از تفسیر قول خدا تعالی که خُذُوا زِيْنَتَكُمْ
عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ انحضرت کفت که از جملهٔ زینت نزد هر مسجد شانه
کردنست وآن مسجد نزد هر نمازي ومعنی آیه اینست که ای بني آدم
فرا کیرید وبپوشید نیکو ترین وپاکیزه ترین لباسهای خود را در هر
مسجدي نزد هر نمازي وکفت امام جعفر صادق در تفسیر قول
خدا تعالی خُذُوا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ زینت شانه کردنست
بدرستی که شانه کردن زیاده میکند روزي را ونیکو میکرداند موي را
وبر می آورد حاجت را وزیاده میکند قوت پشت را ومی برد بلغم را
ونیز کفت که شانه کردن سر میبرد وبا را وشانه کردن محاسن محکم
میکند دندانها را وکفت امام موسی کاظم که شانه کني محاسن وسر را
بکذران شانه را بر سینهٔ خود بدرستي که میبرد غم ووبا را وکفت امام
جعفر صادق علیه السّلام که انکسی که شانه کند محاسن خود را هفتاد
بار بشمرد که بشمرد ونزدیك نشود شیطان علیه اللعنه اورا چهل روز ومنقولست

وشانه کنید محاسن خو

زکتاب روضة الواعظین که رسول خدا صلی الله علیه وآله شانه
میکرد زیر محاسن خود چهل بار و بالای محاسن هفت بار و میگفت این
کار کردن زیاده میکند ذهن را و میبرد بلغم را و روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که انکسی که بگذراند شانه را بر سر و محاسن
و سینه خود هفت بار نزدیک نشود باو دردی هرگز و نیز گفت که آنکسی
که ایستاده شانه کند قرض بسیار شود اورا و گفت امام موسی کاظم
علیه السلام که شانه کنید بشانه عاج بدرستی که میبرد وبا را و عاج
استخوان فیل است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شانه کردن
می برد تب را و نیز گفت که باکی نیست که شانه دان و سرمه دان و روغن دان
از عاج باشد و نیز گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود
که موی نیکو از پوششها نیست که خدا تعالی داده است پس گرامی
دارید اورا و نیز گفت که انکسی که موی سر بگذارد باید که نیکو نگه
دارد اورا یا بتراشد و گفت که انکسی که موی سر بگذارد و دو بخش نکند
اورا خدای تعالی دو بخش کند موی اورا باره از آتش دوزخ و روایت
که موی سر حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله تا نرمه گوش بود
و نمیرسید بمرتبه که دو بخش توان کرد و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که دور کنید موها را از بدن خود بدرستی که موی بغل
و مراد مبالغه است در پاکیزه گی و منقولست از کتاب ایوب بن حر
گفت که پرسیدم از ابی عبدالله که آیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

وسلم دو بخش میکرد موی سر خود را گفت نه و موی سر رسول
صلی الله علیه وآله وقتی دراز میشد تا نرمه گوش میرسید و روایت
کرده است عمرو ابن ثابت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که مردمان گمان میبرند سنت است چنین گمان مردمان گمان میبرند
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله موی سر خود را دو بخش میکرد
حضرت امام علیه السلام که حضرت پیغمبر موی سر خود را دو
بخش نکرد و پیغمبران دیگر موی سر خود را نمی گذاشتند و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که شانه مکن در حمام بدرستی که
ضعیف میکند در حمام موی را و روایت کرده است یزید بن
مسلم که گفت ابو عبدالله علیه السلام که شانه کردن می برد درویشی
و درد را و نیز روایت کرده است که گفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله که شانه کردن میبرد وبا را و روغن مالیدن میبرد سختی را
و گفت ابو عبدالله علیه السلام که گذرانیدن بر سینه میبرد غم را و
گفت عبدالله بن سلیمان که پرسیدم از عبدالله از استعمال عاج آنحضرت
گفت که باکی نیست و مرا شانه ایست از عاج و گفت قاسم بن ولید که پرسیدم
از ابا عبدالله علیه السلام از شانه و روغن دان که از عاج باشد آنحضرت
گفت که باکی نیست و روایتست که ابو عبدالله مکروه میداشت که روغن
بمالند از روغن دان نقره گوفت و شانه نیز چنین است و گفت محمد بن
عیسی که پرسیدم ابا جعفر علیه السلام را از ظرف طلا و نقره آن

حضرت مکروه میداشت آنرا که روایت کرده اند بعضی اصحاب ما که نزد
ابوالحسن علیه السلام آیینه نقره پوشی آنحضرت کفتند بدرستی
که بود آن آینه را حلقه نقره وکفت که چون عباس را ختنه میکردند
ساختند برای او چوب نقره پوشی مقدار ده درهم پس عباس امر
کرد بشکستن آن و کفت ابوجعفر علیه السلام که باکی نیست که با
شامد کسی از قدح نقره کوفت وقتی که دور دارد دهن خود را از موضع
نقره و منقولست از کتاب نجات که کفت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که وقتی خواهید که شانه کنید پس باید که بکیرید شانه
را بدست راست خود و نشسته باشید و بنهید شانه را بر میان سر
خود و شانه کنید پیش سر را و بکویید اَللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلیٰ اَعْقَابِي
وَاصْرِفْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَتَرُدَّنِي عَلیٰ عَقِبِي
پس شانه کنید ابروهای خود را و بکویید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدیٰ
پس شانه کنید محاسن را از بالا و بکذرانید شانه را بر سینه خود
و بکویید هر دو حال اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ
الصُّدُورِ و وسوسة الشيطان پس مشغول شوید بشانه کردن
موی و ابتدا کنید از شیب محاسن و سوره انا انزلناه تا آخر بخوانید
وکفت یحیی بن حماد بن سلیمان بن یحیی که امام رضا علیه السلام لباسی
جامه پوشید برای آنکه سوار شود و بخانه مامون رود و من در
میان خدمتکاران آنحضرت بودم آنحضرت شانه طلب نمود و شانه

میکرد

میکرد و کفت ای یحیی خبر داد مرا پدر من از پدران خود علیهم
السلام که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که بکذراند
شانه را بر سر و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود او را
هیچ دردی و منقولست از کتاب طب الائمه که کفت ابوالحسن عسکری
علیه السلام که شانه کردن بعاج میرویاند موی سر را و دور میکند
کرم را از دماغ و فرو می نشاند صفرا را و پاک میکند کوشت بن
دندانرا و کفت امام رضا علیه السلام که ایستاده شانه مکن که
ضعف دل می آورد و نشسته شانه بکن بدرستی که نشسته شانه
کردن قوت میدهد دل را و فربه میکند پوست بدن را و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که سر شانه کردن می برد بلغم را و شانه
کردن ابرو امانست از جذام و شانه کردن عارض محکم میکند دندانها
و روایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام از سر تراشیدن
کفت نیکوست و روایت کرده ابن عباس که کفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که شانه کردن محاسن در عقب هر وضو می برد
درویشی را و کفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که ایستاده شانه
کردن درویشی می آورد و نیز کفت که چون خواهی که شانه کنی محاسن
خود را از شیب بالا چهل بار و سوره انا انزلنا بخواند و از بالا بشیب
هفت بار و سوره والعادیات بخواند پس بکو اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي
الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ

شانه کن

در حجامت کردن منقولست از کتاب طب الائمة که کفت امام جعفر
صادق که بسیاری خون را سه علامت است جوشش بدن وخارش
بدن وحرکتی که در بدن ظاهر شود که بدان ماند که جنبندۀ
بر تن میرود وروایتست که بسیاری خواب نیز علامت بسیاری
خونست وروایتست که جون یکی از اهل منزل امام جعفر صادق
علیه السلم بیمار شدی آنحضرت میکفت باهل منزل که نظر کنید
در روی او پس اکر میکفتند که از صفراست ومیفرمود که آب بدهند
واکر میکفتند که روی او سرخست میکفت که از خونست ومیکفت
که او را حجامت کنید وروایت کرده اند ائمۀ معصومین علیهم السلام
که کفت امیر المؤمنین ع که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که حجامت کنید بدرستی که بسیار باشد که خون غالب شود
وانکسی را بکشد وروایت کرده است انصاری که بسیار بود که امام
رضا علیه السلم را خون غلبه میکرد در میان شب وکفت امام جعفر
صادق علیه السلم که اکر خواهد که حجامت کند کسی که روزه داشته
باشد در غیر ماه رمضان باید که حجامت نکند مکر انکه خون غالب
شود فاما ما که اهل بیتیم حجامت کردن ما در ماه رمضان ودر شب باشد
وحجامت کردن ما در روز یکشنبه می باشد وحجامت کردن دوستان
وموالیان ما در روز دوشنبه میباشد وکفت ابو عبد الله که
حجامت بناشتا باید کرد ونیز کفت که بحجام مروید در حالت سیری

وحجامت مکنید تا انکه جیزی نخورید بدرستی که حجامت کردن
بعد از جیزی خوردن میکشد خون را از رکهای او وآسان تر است
واین بیرون آمدن خون وزیاده قوة میدهد بدن را وکفت امام
موسی علیه السلم که حجامت بعد از جیزی خوردن می باید کرد
بجهة انکه جون کسی سیر شود بعد ازان بحجامت کند خون جمع میشود
ودرد بیرون بیرون میرود وجون حجامت بیش از جیزی خوردن
خون بیرون میرود ودرد می ماند وکفت زید شحام که بودم نزد
ابی عبد الله علیه السلم پس حجام طلبید وکفت بحجام که بشوی
شیشه را که بان حجامت میکنی ومشغول بحجامت کردن شو وانار
طلبید وخورد وجون فارغ از حجامت شد انار دیکر طلبید وخورد
وکفت انار خوردن بعد از حجامت تسکین میدهد صفرا را وکفت
ابو عبد الله علیه السلام بمردی از اصحاب خود که جون خواهی که
حجامت کنی از شیشه که بان حجامت میکنی بکو بیش از انکه فارغ شوی
در حالتی که خون میرفته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
اَعُوذُ بِاللهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي هٰذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ
پس کفت که جون بخوانی این دعا را خیر بسیار جمع شود ترا وخیر
بسیار جمع میباید کرد زیرا که خدای تعالی در کتاب خود میکوید وَ
لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ یعنی
من غیب میدانستم خیر بسیار جمع میکردم از مال ومنفعت وفتح و

غنیمت و بدی بمن نمیرسید از فقر و مرض و رنج و هزیمت و روایتست
از ابی بصیر که کفت ابو جعفر علیه السلام که چه چیز میخورید شما بعد
از حجامت کفتم که کاسنی و سرکه کفت که باکی نیست و کفت که ابو عبد
الله علیه السلام حجامت کرد و کفت کنیزک خود را که بیار برای من
شکر و کفت شکر بعد از حجامت باز میکرداند خون تازه را و زیاده میکند قوت را
و روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که کفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله که هر کس که کفت خواهد که حجامت کند باید که روز یکشنبه
کند و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که حجامت کردن در روز
یکشنبه شفاست از هر دردی و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام
بقومی که حجامت میکردند کفت که چه بود شما را که تعجیل کردید در
حجامت کردن کاشکی تاخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه بدرستی که
حجامت کردن درین وقت فرو می آورد درد را از بدن و کفت امام
جعفر صادق که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حجامت میکرد
در روز دوشنبه بعد از عصر و روایتست از ابی سعید خدری که
کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که حجامت کند روز
سه شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست و یکم شفا می یابد از دردهای
تمام سال و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که حجامت کنید
روز پنجشنبه دهم ماه و هفدهم و بیست و یکم تا غالب نشود بر شما
و نکشد شما را و روایتست که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و

وسلم از حجامت کردن در روز چهارشنبه وقتی که آفتاب در برج
عقرب باشد و روایت کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که انکسی که حجامت کند
در روز چهارشنبه برص پیدا کند باید که ملامت نکند مکر خود را
و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که جبرئیل
فرود آمد بر من و کفت که حجامت کن و کفت که روز چهارشنبه
روز نحسی است و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که
حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخر ماه درد از بدن او بیرون
رود و کفت مفضل بن عمر که رفتم نزد امام جعفر صادق علیه السلام
و او حجامت میکرد در روز جمعه کفت بحجام که آیا خواندی آیت
الکرسی را و منع کرد از حجامت کردن بعد از زوال در روز جمعه
و کفت ابو الحسن علیه السلام که ترک مکن حجامت کردن را در روز
هفتم از حزیران و حزیران نام ماهیست از ماههای رومی پس اکر
میسر نشود در روز هفتم باید که حجامت کنی در روز چهاردهم
و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که آیة الکرسی بخوان و هر
خواهی حجامت کن و کفت شعیب عرقوفی که رفتم نزد ابی الحسن ع
و او حجامت میکرد در روز چهارشنبه کفتم که روز چهارشنبه

روزیست که مردمان میکویند که هرکه درین روز حجامت کند
برص بیدا میکند آنحضرت کفت این حال کسی است که آبستن شده باشد
مادر او بأو در حالت حیض وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که هرکاه
خون غالب شود میکشد آدمی را وهرکاه شما خواهید که حجامت
کنید باید که آخر روز حجامت کنید ومنقولست از کتاب فردوس
که کفت انس که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که حجامت
کردن برنهار دواست وبرسیري دردست ودر هفتم ودهم ماه
شفا است ودر روز سه شنبه صحت بدنست وروایتست که حضرت
فرمود که وصیت کرد مرا جبریل بحجامت کردن تا آنکه کمان بردم
که ناچار است از حجامت کردن وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که حجامت کردن در روز یکشنبه شفا است از هفت چیز دیوانگی
وجذام وبرص وخواب ودرد دندان وتاریکی چشم ودرد سر و
روایتست از انس که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که حجامت می افزاید عقل وحافظه را ونیز کفت که حجامت کردن
در نقره فراموشي مي آورد ونقره مغاك پس سر است وکفت انس که
حجامت کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سر خود وهر دو
کتف وپس سر را ونام کرد یکی ازین حجامتها را نافعه یعنی فایده دهنده
ودیکری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده وسیم را منقذه یعنی رهاننده
از مرض وروایتست که حجامت سر منقذه است وحجامت مغاك

پس

... باید که حجامت کنید ... خون غالب شود

پس سر مغیثه است وحجامت میانه دوشانه نافعه است وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله اشارت
بدست خود بسر خود وکفت بر شما باد که حجامت مغیثه بکنید بدرستی
که نفع میدهد دیوانکی وبرص وجذام وخوره ودرد دندان را
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون طفل چهار ماهکی
برسد حجامت کنید در هر ماه مغاك پس سر او را بدرستی که کم
میشود لعاب دهن او وفرو می آید حرارت از سر وبدن او وکفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله که درد سر است ودوا نیز سه ولکن
درد صفرا وبلغم وخون سر است دواي خون حجامتست ودواي
صفرا بادیه رفتن ودواي بلغم حمام وکفت معاویه ابن حکم که ابو
جعفر علیه السلام طلبید طبیبي را وفصد کرد رکی را از کف دست خود وکفت
محسن الوشاء که شکایت کردم نزد ابي عبدالله علیه السلام که بیا
شامید کاشم را از درد بهم کاه وکاشم کیاهیست وروایتست که شکایت
کرد مردي نزد امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن آنحضرت
کفت که سه بار حجامت کن باشد پاهاي خود را سر نوبت که خلاص
میشوي وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که شکایت کرد
بعضی از مردمان نزد ابي الحسن علیه السلام از بیماري جرب آنحضرت
کفت که جرب از بخار جکر است بر وفصد کن ۵ از پاي راست خود را
وبکیر دو درهم بادام روغن شیرین ودر آب کشنیز بریز وبخور و

وبه پرهیز از ماهی وسر که آنمرد چنین کرد وخلاص شد وگفت
فضل بن عمر که شکایت کردم نزد ابی عبدالله علیه السلام از جرب
وحرارت آنحضرت گفت که بر تو باد که فصد کنی از رگ میان این دست
چنین کردم ورفت از من آن تشویش وروایتست که شکایت کرد
نزد ابی عبدالله از خارش بدن آنحضرت گفت با آنمرد که آشامیدی
دوا را آنمرد گفت بلی آنحضرت گفت فصد کردی آنمرد گفت بلی فصد
کردم وفایده نیافتم آنحضرت گفت که حجامت کن پاهای خود را سر
نوبت در میان پی ساق وکعب چنین کرد آن مرد ورفت از و آن
تشویش

در آداب رنگ کردن وزینت دادن وانگشتری

وانچه متعلق بآنها ودرین باب شش فصل است فصل اول در ترغیب برنگ
کردن وفضل آن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت رسول
خدا صلی الله علیه وآله وسلم که رنگ کنید محاسن خود را بحنا بدرستی
که جلا میدهد چشم را ومیرویاند موی را وخوشبو میکند دهن را
وآرمیده میشوند زنان وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حنا میبرد بوی ناخوش را که از آدمی آید در وقت عرق کردن و
طراوت میدهد روی را وخوشبو میکند دهن را ونیکو میکرداند فر
زند را وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که باکی نیست رنگ کردن
محاسن بهر رنگ که باشد ونیز گفت که مردی آمد نزد رسول خدا
که زرد کرده بود محاسن خود را آنحضرت گفت با وچه نیکو است این

رنگ

رنگ بعد از آن شخص آمد نزد آنحضرت ورنگ کرده بود محاسن
خود بحنا آنحضرت تبسم فرمود وگفت که این رنگ نیکوتر است
از آن رنگ وبعد از آن همان شخص آمد نزد آنحضرت ومحاسن خود را
سیاه کرده بود آنحضرت خندید وگفت این رنگ از آن هر دو رنگ
بهتر است وگفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یکدرهم که صرف شود در راه خدا ودر رنگ کردن چهارده
فایده دارد می برد باد را از گوش وجلا میدهد چشم را وملایم
میسازد دماغ را وخوشبو میکند دهن را ومحکم میکند بن دندانها را
ومیبرد مرض را وکم میکند وسوسهٔ شیطانرا وخوشحال میشوند
بسبب آن فرشتها وشاد میشوند مؤمنان وخشمناک میشوند کافران
ورنگ کردن زینت وخوشبوئی است وشرم میکند از و منکر و
نکیر وعذاب نمیکنند ورا در قبر وروایتست از شخصی یمانی که
که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که دوسترین رنگها نزد خدای تعالی
رنگیست که بسیار سیاه باشد ومنقولست از کتاب لباس که گفت
وردان مداهی که رفتم در نزد ابی الحسن علیه السلام
واو رنگ میکرد محاسن خود را گفتم فدای تو گردم رنگ میکنی گفت
بلی در رنگ کردن اجر وثوابی هست آیا نمیدانی که خود را زینت دادن
زیاده میکند پرهیز کاری زنانرا خوش نمی آید که تو بی زینت باشی
وگفت ابو الحسن دوم علیه السلام که سلیمان علیه السلام را هزار

زن بود در قصر سیصد از آن جمله کابین داشتند و هفتصد کنیز
بودند و سلیمان علیه السلام در هر شبانروزی پیش همه ایشان میرفت

در بیان رنگ سیاه منقولست از کتاب لباس ابی
نضر عیاشی که گفت ابو عبد الله علیه السلام که آمد مردی نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله آنحضرت سفیدی در محاسن آنشخص
دید گفت این نور است و انکسی که موی او سفید شود در اسلام
آن سفیدی مر او را نور خواهد بود در روز قیامت و همان شخص
رنگ کرد محاسن خود را بحنا و بعد از آن آمد بخدمت آنحضرت چون
دید آنحضرت ~~چون دید آنحضرت~~ که آنشخص محاسن خود را سیاه کرده
و بخدمت آنحضرت آمد آنحضرت گفت که نور و اسلام و ایمان و دوستی
زنان و ترس در دلهای دشمنان است و روایت کرده است ابن
فضال که گفت حسن بن جهم که رفتم نزد ابی الحسن و او محاسن خود را
سیاه میکرد گفتم فدای تو گردم محاسن خود را سیاه میکنی گفت
در رنگ کردن اجر و حسنه هست بدرستی که رنگ کردن محاسن
و خود را زینت دادن زیاده میکند پرهیزکاری زنانرا بجهت آنکه شوهران
ایشان خود را زینت ندادند برای ایشان و گفت ابو عبد الله علیه
السلام که امام حسین علیه السلام سر خود را رنگ میکرد بوسمه
و میکشود سر خود را و نزد ما چیزی بود که آنحضرت میپیچید بآن
سر خود را و گفت که سیاه کردن محاسن موجب ترسیدن دشمنان

وخوشحالی زنانست و روایت کرده است جابر که گفت ابو جعفر
علیه السلام که جماعتی آمدند نزد امام زین العابدین علیه
السلام و دیدند که آنحضرت محاسن خود را سیاه کرده است پرسیدند
که محاسن چون است آنحضرت دست بر محاسن خود کشید و گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اصحاب خود را در جنگی
از جنگها که محاسن خود را سیاه کنید تا آنکه قوت یابید
بسبب این و غالب شوید بر مشرکان و کافران و گفت ابو جعفر که
زنان دوست میدارند که زینت کند مرد همچنانکه مرد دوست
میدارد که زنان به بینند زینت را در رو

سیاه کردن

در رنگ
کردن بحنا و وسمه و به زردی و رنگ کردن زنان دست خود را
منقولست از کتاب لباس که گفت حلبی که پرسیدم ابا عبد الله علیه السلام
را از رنگ کردن آنحضرت گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و
سلم و امام حسین علیه السلم و ابو جعفر علیه السلم که رنگ کرده
اند بوسمه و گفت معویة بن عمار که دیدم که ابو جعفر علیه
السلم رنگ کرده بود بحنا و گفت ابو الصباح که دیدم اثر حنا در
هر دو دست ابو جعفر علیه السلام و گفت محمد بن مؤذن که ابو
عبد الله علیه السلم رنگ زرد کرده بود و محاسن خود را بخطمی و حنا
و نیز گفت که حنا موی را بسیار سفید میکند و زیاده میکند
طراوت روی را و روایت کرده است عبد الله مسکان که گفت حسن

زیات که مردی از اهل بصره مصاحب من بود و من همیشه صفت
میکردم برای او ابا جعفر علیه السلام را پس من و آن مرد رفتیم بمکه
و مناسك حج بجای آوردیم و متوجه مدینه شدیم چون بمدینه
رسیدیم رفتیم نزد ابی جعفر علیه السلام و آن در خانه آراسته
نشسته بود و بر بالای او چادر شب کلکونی بود و رنك کرده بود
بود محاسن خود را و سرمه کشیده بود و اصلاح کرده بود محاسن
خود را مصاحب من نکاه کرد بآن حضرت و بخاند و چیزی در دل او
کذشت چون برخواستیم آنحضرت کفت که ای حسن چون فردا شود
تو با مصاحب خود هر دو نزد من بیائید چون فردا شد کفتم بمصاحب
خود که بیا برویم نزد آنحضرت کفت مصاحب که تو برو و مرا بکذار
کفتم سبحان الله آیا نکفت آنحضرت که تو با مصاحب خود هر دو
باهم بیائید باز مصاحب من کفت که تو برو و مرا بکذار بحق خدای
که از وجد انشدم تا او را همراه خود بردم نزد آنحضرت پس آنحضرت
در خانه نشسته بود که در آنخانه نبود مکر بوریای پس بیرون
آمد و جامهٔ درشت پوشیده بود کرد آلود پس متوجه ما شد و کفت
که انخانه که دیروز دیدید که من در انخانه بودم آنخانه از زن من
بود و از من نبود و دیروز نوبت آن بود و او زینت کرده بود و
بود بر من که زینت کنم برای او همچنانکه او زینت کرده بود برای من
واین خانه که امروز در وی خانه منست چیزی در دل خود مکذران

ای بصری پس کفت آنشخص که از بصره بود که فدای تو کردم پیش
ازین چیزی در خاطر من میکذشت اما حالا خدای تعالی آنچیز را
از خاطر من بیرون برد و منقولست از کتاب محاسن که کفت
اسمعیل بن یوشع که کفتم بامام رضا علیه السلام که من زنی جوانی
دارم و خون حیض او برطرف شده است آنحضرت کفت که بفرمان
که سری خود را رنك کند بحنا بدرستی که خون حیض باز میکردد
چنین کردم بازکشت بآن زن خون حیض و کفت ابو الحسن عم که در
رنك کردن سه خصلت است مهیا شدن برای جنك و دوستی است
بزنان و زیاده کردن انس در جماع و کفت جسن جهم که کفتم بامام رضا
علیه السلام که آیا رنك کردی تو کفت رنك کردن بحنا و وسمه آیا نمیدانی
که در رنك کردن اجر و ثوابی هست بدرستی که زن دوست میدارد
بهبیند از تو مثل انچه دوست میداری که تو از وی ببینی از لباسهای
فاخر و زینت کردن بدرستی که بیرون رفتن زنان از پرهیزکاری و
فسق کردن و بیرون بردن ایشان را از پرهیزکاری مکر کم زینت کردن
شوهران و کفت امام رضا علیه السلام که خبر داد مرا پدر من از پدران
خود علیهم السلام که زنان بنی اسرائیل بیرون رفتند از پرهیزکاری
و فسق و فجور کردند بجهة انکه شوهران ایشان کم زینت بودند و
آنحضرت کفت که زنان دوست میدارند از تو مثل انچه تو دوست
میداری از ایشان و کفت ابو عبد الله که رنکها و محاسن سنتاست

وروایت کرده است عبد الله بن عثمان که کفت حسن بن زیارة
که رفتیم روزی نزد ابی الحسن واو در خانهٔ آراسته بود دیکر روز
بعد ازان رفتیم واو در خانهٔ بود که در انجا نبود مکر بوریای پس
بیرون آمد وجامهٔ درشت پوشیده بود وکفت آن خانهٔ که دیروز
دیدی خانهٔ من نبود خانهٔ زن من بود ودیروز نوبت آن زن
بود وروایت کرده است محمد بن مسلم که کفت امام محمد باقر یا امام
جعفر صادق علیهم السلام که سزاوار نیست زن راکه دست او
خالی باشد از رنک باید که دست خود را حنا بمالد واکرچه پیر باشد
ومنقولست از کتاب فردوس که کفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم که سید ریحان بهشت حنا است وآنکسی که رنک کرده باشد
بحنا مثل کسی است که شهید شده باشد در راه خدا واو نیز کفت که
حنا رنک اهل اسلام است زینت میدهد مومن را ومی برد درد سر را
وجلا میدهد چشم را وزیاده میکند قوت جماع را ویکحسنه که
باحنا بوده باشد برابر ده حسنه است که بی حنا بوده باشد و
یکدرهم که بحنا صرف شود برابر هفتصد درهم است که در راه خدا
صرف شود وکفت مولای نبی صلی الله علیه وآله که برشما باد که رنک
کنید به سید رنکها بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را ونیکو
میکرداند بدنرا وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که فاضلترین چیزهای که تغییر دهند بآن سفیدی مو را حنا است

وسمه وروایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام که کفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که رنک کنید بحنا بدرستی که
می افزاید جوانی وجمال وقوت جماع وحسن را وتفاخر میکنند
بایشان فرشتها ویکدرهم که صرف شود در راه خدا برابر هفتصد
درهم است که یکدرهم که صرف شود در رنک برابر هفت هزار درهم
است وهرکاه کسی بمیرد واو را در قبر نهند ومنکر ونکیر بیایند
چون نکاه کنند که او را رنک کرده است نکیر بکوید که بیرون
می رویم از قبر که ما را برو رنکی نیست جعفر بن محمد ازید را خود
علیهم السلم که رسول خدا صلی الله علیه وآله رخصت داد که زنان
سرخود را سیاه کنند وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که رسول
خدا صلی الله علیه وآله فرمود زنان شوهر دار راکه رنک کنند اما
شوهر دار زینت کند برای شوهر خود واما غیر شوهر دار زینت کند
بجهة آنکه دست او بدست مردان نماند ونیز کفت امام جعفر صادق علیه السلم
که رنک کنند زنان در حالت نفاس باکی نیست ونیز کفت که امیر المومنین
ع که منع کرد از رنک کردن موی حوالی سر وپیشانی واز نکار بستن

در بیان کراهیت رنک کردن جنب وحایض وروایتی آمده است در
ترک کردن وکراهیت پیوند کردن موی منقولست از کتاب لباس
که کفت امام رضا علیه السلم که مکروه است رنک کردن مرد را در حالت
که جنب باشد ونیز کفت که انکسی که رنک کند جنب باشد یا انکه جنب

وغیر شوهر دار

رنده

شود در حالت رنگ کردن ایمن نیست رسانیدن شیطان باو و گفت امام
جعفر صادق علیه السلم که رنگ مکن در حالتی که جنب باشی و جنب
مشو در حالتی که رنگ میکنی و رنگ مکن در حالتی که حایض باشی
بدرستی که شیطان حاضر میشود نزد حایض و روایت کرده است
حنان بن سدیر از پدر خود که گفت که رفتیم من و پدر و جد و عم
بحمام مدینه و مردی بود در جامه کن بود پرسید که شما چه طایفه
اید گفتیم از اهل عراقیم گفت از کدام عراق گفتیم از اهل کوفه گفت خوش
آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام و چه چیز است که منع
میکند شما را از لنگ بستن بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که دیدن عورت مرد مسلمان بر مسلمان حرامست پس عم من
کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و هر کدام ما یک پاره لنگ کردیم و در
آمدیم بحمام و رفتیم بگرم خانه و در گرم خانه بودیم که شخصی آمد
و متوجه جد من شد و گفت ای پیر چرا رنگ نکردی محاسن خود را
جد من گفت دریافتم آنکسی را که بهتر از تو و من بود و او رنگ نکرده
بود محاسن خود را آنحضرت در غضب شد ازین سخن تا آنکه یافتیم
غضب او را و گفت که کیست آنکس که بهتر از من و تو باشد جد من گفت
که دریافتم علی بن ابی طالب را و او رنگ نکرده بود آنحضرت سر خود را
در پیش انداخت و عرق ریخت از جبین مبارک او و گفت راست و درست
گفتی بعد از آن گفت ای پیر اگر میخواهی که رنگ کنی رنگ کن بدرستی که

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ کرده او بهتر از امیر المؤمنین
بود و اگر میخواهی رنگ مکن و اقتدا کن با میر المؤمنین علی علیه السلم
و چون بیرون آمدیم پرسیدیم که آنمرد که بود گفتند که امام زین
العابدین علیه السلم و پسر او امام محمد باقر علیه السلم بود و گفت
سلیمان بن هرون العجلی که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلم که
رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ کرده بود محاسن خود را گفت نه
و امیر المؤمنین علیه السلام نیز رنگ نکرده بود و لیکن پدر جد
من رنگ کرده بودند پس اگر رنگ کنی نیکو است و اگر رنگ نکنی نیکوست
و گفت حریز بن محمد که پرسیدم ابا جعفر علیه السلم را از رنگ کردن
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ میکرد و این موی آنحضرت
که نزد ماست و گفت حفص اعور که پرسیدم ابا عبد الله علیه السلم
را از رنگ کردن سر و محاسن گفت که سنت است گفتم امیر المؤمنین
علی علیه السلم رنگ نکرده بود بجهت آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که زود باشد رنگین شود بخون
این باین یعنی محاسن مبارک امیر المؤمنین زود باشد که رنگین شود
بخون او و گفت ابو عبد الله علیه که ترک رنگ کردن درویشی می آورد
کراهیت پیوند کردن موی گفت سلیمان بن خالد که گفتم بیکی از ائمه
علیه السلم که آیا پیوند کردن زنی موها را بگیسوی خود مکروهست
آنحضرت گفت اگر پشم باشد یا از موی خودش مکروه نیست و مکروه

است که پیوند کند از موی غیر خود و کفت عمار ساباطی که کفتم بابی
عبدالله علیه السلم که مردمان روایت میکنند که رسول خدا
صلی الله علیه واله لعنت کرده است پیوند کننده و پیوند کرده شده را
کفت بلی کفتم آیا لعنت کرده است آن زنی را که شانه کند و پیوند کند
مو را بکیسوی خود کفت باکی نیست ازین کفتم این کیست پیوند کننده
و پیوند کرده شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم ایشان را
لعنت کرده است کفت زنی که زنا کند و زنی که قوادی کند و کفت
ابو بصیر که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلم از کندن موی پیشانی
که زنان میکنند بجهت زینت برای شوهر خود و از کندن موی روی
و از پیوند کردن پشم بکیسو و مانند آن آنحضرت کفت که باکی نیست بهمه
اینها و روایت کرده است محمد که کفت یونس که باکی نیست پیوند کیسو و قتی
که اکر پیوند میکنند بکیسو پشم باشد اما باید که پیوند نکنند موی را
بمو زیرا که مومیت است و روایت کرده ابو عبدالله علیه السلم
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که حلال نیست زنرا که
در محل حیض بکند موی پیشانی و بنا کوش را در بیان
انکشتری در انکشت کردن و کراهیت آن منقولست از کتاب لباس که کفت
ابو الحسن علیه السلم که قیمت کردند انکشتری ابی عبد الله را پس
کرفت آنرا پدر من بهفت دینار و کفت عبدالله بن سنان که پرسیدم
از ابی عبدالله علیه السلم که انکشتری رسول خدا صلی الله علیه واله

بجز

چه چیز بود کفت از نقره بود و پرسیدند بعضی از اصحاب ما
از ابی عبدالله عم که انکشتری رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
از چه چیز بود و در زیر وی چه نقش کرده بودند محمد رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که پاک نمیکرداند خدا تعالی دستی را که
انکشتری آهن بوده باشد و روایت کرده ابو عبدالله علیه السلام
از پدر خود که کفت امیر المومنین علی عم که امر کرد رسول خدا ما
ما را بهفت چیز و نهی کرد از هفت چیز انچه که نهی کرد از انکشتری
و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و نشستن بر زینی که بر وی بالش سرخ
باشد و از زنک ارغوانی و از ابریشم و از دیبای نرم بستر و امر کرد
و انچه که امر کرد به پرسیدن بیمار و در عقب جنازه رفتن و آشکار کردن
اسلام و یاری دادن مظلوم و قبول دعوت کردن و سوکند خود را
راست کردن و یرحمک الله کفتن کسی را که عطسه کند و روایت کرده
ابو عبدالله عم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم کفت با امیر المومنین
علی علیه السلام که یا علی بپرهیز از انکشتری طلا در دست کردن
بدرستی که این زینت تست در بهشت و کفت امیر المومنین علی علیه السلم
که منع کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم از انکشتری طلا
در انکشت کردن و نمیکویم که منع کرد شما را ازین و کفت داود بن
سرحان که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلم را از طلا که زینت
میکنند بآن طفلانرا آنحضرت کفت که پدر من زینت کرد فرزند و زنان

کفتم انکشتری یکمنی بود کفت نه و روایت کرده است سکونی که کفت ابو عبدالله علیه السلم که رسول خدا ص

خود را بطلا و نقره و باکی نیست بآن و روایت کرده است محمد بن
از پدران خود علیهم السلام که روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم انکشتري طلا در دست کرده بود و مردمان نظر میکردند بآن
وآنحضرت دست خود را بآن انکشت نهاد که انکشتري در و بود و باز
کشت بمنزل خود و انداخت آن انکشتري را و منقولست از کتاب طب
الائمة که امام موسی علیه السلام روایت کرده است از پدر خود که
منع کرده است که در انکشت کنند انکشتري را که نکینش بجاذي باشد
و بجاذي مهره ایست وآنحضرت کفت که زید بن علي در روزي کشته شد
در انکشت او اینچنین انکشتري بود و روایت است که امیر المؤمنین چهار
انکشتري داشت انکشتري که نکین او از یاقوت سبز بود در انکشت
میکرد بجهة بزرکی و شرف و انکشتري که نکین او عقیق سرخ بود در
انکشت میکرد بجهة حرز و نکاه داشتن او را از بلا و انکشتري که
نکینش فیروزه بود در انکشت میکرد بجهة یافتن ظفر بر دشمن و انکشتري
که نکین او آهن چیني بود در انکشت میکرد بجهة قوت و منع کرد آنحضرت
شیعه خود را از انکه انکشتري آهن در انکشت کنند و کفت بآنحضرت در
وقتی که وصیت میکرد اصحاب خود را که انکسی که انکشتري او از اسماء
الله نقش کرده باشند باید که در وقت استنجا کردن از دست چپ بیرون
آورد و در دست راست کند و کفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
وانکشتري عقیق در دست کنند بدرستی که نمیرسد بشما غمی که مادام

که آن انکشتري در دست شما باشد و نیز کفت که انکشتري عقیق
در انکشت کنید بدرستی که جبرئیل علیه السلام آورد عقیق را بمن از
بهشت و کفت یا محمد انکشتري در دست خود کن و بفرما امت خود را
که انکشتري عقیق در دست خود کنند نکین انکشتري منقولست
از کتاب لباس که کفت حسین بن عبد الله که پرسیدم یکی از ائمه را
که نکین که از سنک زمرد باشد در انکشت میتوان کرد کفت بلی اما
هرکاه خواهند که وضو سازند باید که از دست خود بیرون کنند
و کفت احمد بن محمد که دیدم یکي از ائمه علیه السلام که در دست او
عقیق انکشتري بود کفت بمن که چکونه می بیني این انکشتري را و بیرون
آورد از دست خود و کفت که نظر کن باین انکشتري پس نظر کردم و
کفتم که چه نیکوست این انکشتري کفت همیشه از خداي تعالی بمن نعمت
میرسد از ان زمان که این انکشتري در دست منست و خدای تعالی
مشفق ساخت مرا درین انکشتري پس هرکاه میخواهم وضو سازم او را
از انکشت بیرون میکنم بدرستی که شبی رفتم بطواف خانه کعبه در
میان طواف بودم که شفقت برین انکشتري باعث شد که او را
از انکشت بیرون آوردم و در کف خود نهادم پس ناکاه از دست من
افتاد برخواستم که بجویم او را شخصی آمد و کفت چرا برخواستی کفتم
انکشتري من افتاد آن شخص دست خود را بر زمین زد و کفت بکیر انکشتري
خود را از و روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام که کفت رسول خدا

بی کرم انکشتري خود را

که در انکشت کردن انکشتري که نکین او یاقوت باشد درویشي را
میبرد و انکسی که در انکشت کند انکشتري که نکین او عقیق باشد
زود بر آورده میشود حاجتا و به نیکوئي منقولست از کتاب طب الائمه
که روایت کرده است معاذ که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که انکسی که در انکشت کند انکشتري که نکین او عقیق باشد خاتمه
کار او امن و امان باشد و کفت ابو عبد الله علیه السلام که در انکشت
کنید انکشتري که نکین او عقیق باشد و عقیق اول کوهیست که اقرار
کرده است بخدا یتعالی و به پیغمبر محمد صلی الله علیه واله وسلم و بوصی
بودن امیر المؤمنین علی علیه السلام و عقیق از کوهیست که در وسخن کفته
است خدا یتعالی با موسی علیه السلام و کسی که نکین انکشتري او عقیق
باشد در انکشت کند و نماز کند چهل درجه ثواب بیشتر دارد از نماز
کسی که غیر عقیق از جواهر انواع کند در انکشت کند و کفت سلیمان بن
اعمش که بودم با امام جعفر صادق علیه السلام بر در خانه ابي جعفر
منصور دوانقی پس بیرون آمد شخصی از پیش منصور که او را تازیانه
زده بودند آنحضرت کفت بمن که اي سلیمان نظر کن در نکین انکشتري
او کفتم یا بن رسول الله نکین انکشتري او عقیق نیست آنحضرت کفت اي
سلیمان اکر نکین انکشتري او عقیق می بود او را تازیانه نمی زدند کفتم
یا بن رسول الله زیاده کردان فایدۀ عقیق را براي من کفت عقیق امانست
از بریدن آن دست که عقیق در واست کفتم یا بن رسول الله زیاده

کردان

درد بیت و

کردان بیان کفت عقیق امانست از خون ریختن کسی که عقیق در دست
اوست کفتم زیاده کردان آنرا کفت خدا یتعالی دوست میدارد بردا شتن
شود بسوي او در دعا دستی که در و نکین عقیق باشد کفتم زیاده
کردان بیان کفت بسیار عجیب از دستی که در و نکین عقیق باشد
جکونه خالی باشد از طلا و نقره کفتم زیاده کردان بیان کفت عقیق
امانست از درویشی و حرز است از جمیع بلاها کفتم که نقل کنم اینها را
که فرمودید از جد شما امام حسین علیه السلام که او روایت کرده
است از امیر المؤمنین علی علیه السلام کفت بلي و کفت منقولست از کتاب
ثواب الاعمال که روایت کرده است امام رضا علیه السلام که کفت ابو عبد
الله علیه السلام که کفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که در انکشت
کند انکشتري که نکین او عقیق باشد هرکز درویش نمیشود بر آورده
حاجت او بنیکوترین وجهی و کفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که در انکشت کنید انکشتري که نکین او عقیق باشد تا خدا یتعالی
زیاده کند برکت شما را و ایمن باشید از جمیع بلاها و روایت کرده
است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که شکایت کرد مردي
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم از راه زنان که غارت
کرده بودند او را آنحضرت کفت چرا انکشتري عقیق در دست نکردي
بدرستی که عقیق نکاه دارد از همه بدیها و کفت ابو جعفر علیه السلام
که انکسی که در انکشت کند انکشتري عقیق همیشه با و نیکوئي رسد

مادام که آن انگشتری در دست او باشد همیشه خدای تعالی او را
نگاه دارد و گفت عبدالرحمن قصیر که فرستاد خاکی بسوی مردی
از آل ابوطالب بجهة گناهی که کرده بود و او را طلبید آن شخص گذشت
بابی عبدالله علیه السلام آنحضرت که انگشتری عقیق با و برسانید پس
رسانید انگشتری عقیق را با آن شخص هیچ مکروهی باو نرسید و گفت
عبدالمؤمن انصاری که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که
که درویش و محتاج نمی شود دستی که در وانگشتری بود که نگین او
فیروزه باشد و گفت علی بن مهزیار که رفتم نزد ابی الحسن موسی
بن جعفر علیهم السلام دیدم در دست آنحضرت انگشتری که نگین او
فیروزه بود و نقش کرده بود برو الله الملک و من همیشه نظر میکردم
بران انگشتری آنحضرت گفت چیست ترا که نظر میکنی این سنگی جبرئیل
بهدیه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بهشت آورد و
آن حضرت آنرا با امیرالمؤمنین علی علیه السلام داد پس گفت میدانی که
چه چیز است نام این گفتم فیروزه است گفت این نام اوست بفارسی
و گفت نام او را بعربی میدانی گفتم نه گفت نام او بعربی ظفر است و گفت
امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در انگشت کنید انگشتری که نگین او
جزع یمانی باشد بدرستی که باز میدارد کید شیطان را و جزع یمانی
مهره است سیاه و سفید و گفت ابوعبدالله که نگینی است بلور
از کتاب الرضا که امام رضا علیه السلام روایت کرده است از پدران

علیه السلام روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که در انگشت کنید انگشتری که
نگین او از زبرجد باشد بدرستی که کسی که این انگشتری در دست
کند همه کارها برو آسان شود گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که انگشتری زمرد در انگشت کردن می برد درویشی را و گفت که
آنکسی که در انگشت کند انگشتری که نگین او یاقوت زرد باشد
درویش نشود در بیان نقش نگین انگشتری منقولست از
بیاس که گفت ابوعبدالله علیه السلام که نقش نگین انگشتری حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محمد رسول الله بود و نقش نگین انگشتری
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و نقش نگین
انگشتری حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام الله الملک بود و نقش
نگین ابی جعفر العزة لله بود و روایت کرده است محمد بن عیسی از
صفوان که گفت که آوردند نزد ما انگشتری ابی عبدالله را و نقش نگین
او انت ثقتی فاعصمنی من خلقک بود و روایتست از ابراهیم بن عبدالحمید
مثل این و گفت که آوردند نزد ما انگشتری ابی الحسن را و نقش نگین او
حسبی الله بود و در پائین نوشته صورت برگ گلی بود و در بالا نوشته
صورت برگ گلی بود و در بالای نوشته صورت هلالی بود و روایت کرده
است امام جعفر صادق ع از پدر خود علیهم السلام که نگین انگشتری
حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از نقره بود و نقش او این بود

که نعم القادر الله وکفت حسن بن خالد که کفتم بابي الحسن دوم ع
که روایت کرده شده است بما در حدیث که نقش نکین حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم محمد رسول الله بود وآنحضرت کفت که روایت
صحیح است پس کفت بمن میدانی که نقش نکین آدم علیه السلام چه چیز
بود کفتم نه کفت لا اله الا الله محمد رسول الله بود وکفت بمن که حق تعالی
وحی کرد بنوح علیه السلام که وقتی تو وانکسی که بتو ایمان آورده اند
کشتی بنشینند هزار بار لا اله الا الله بکویید وبعد از آن حاجت خود را
از من طلب کنید چون نوح علیه السلام در کشتی نشست وبادبان
کشیدند باد تند برخواست ونوح علیه السلام ترسید از غرق شدن
بجهة اضطراب کشتی وکفت که اکر من هزار بار لا اله الا الله میکویم
میترسم که کشتی غرق شود پیش از انکه فارغ شوم پس مضمون لا اله
الا الله بزبان سریانی اداکرد ایضا هو هو هو یا باری اتقن پس کشتی
قرار کرفت وبسلامت داشت خدا تعالی نوح را پس کفت نوح علیه
السلام که بدرستی که کلامی که من وآن کسی که با منست بنجات یافتیم
بسبب آن غرق شدن سزاوار انست که آنرا نقش نکین کنم وآن انکشتری
را از خود جدا نکنم کفت حسین بن خالد که کفتم بابي الحسن علیه السلام
که چیست معنی سخن نوح آنحضرت کفت که این سخن نوح بزبان سریانیست
ومعنی وبعربی هزار مرتبه لا اله الا الله بالله اصلح است وکفت ابو
الحسن علیه السلام که نقش نکین ابراهیم علیه السلام شش کلمه

بود که آورد جبرئیل علیه السلام وقتی که در منجنیق نهادند پس
کفت جبرئیل که ای ابراهیم خدا تعالی بتو سلام میرساند ومیکوید
که خوشحال باش که هیچ باکی نیست ترا وفرمود جبرئیل علیه السلام
بابراهیم علیه السلام با ابراهیم که آن انکشتری که در نکین او این
شش کلمه را نقش کرده بودند در انکشت خود کند چون آن انکشتری
را در انکشت کرد خدا تعالی بر وخنک کردانید آن آتش را وآن شش
کلمه اینست لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله اسندت
ظهري الی الله وفوضت امري الی الله لا حول ولا قوة الا بالله
این بود نقش نکین ابراهیم ع ونقش نکین سلیمان علیه السلام اینست که سبحان
الله من الجم الجن بکلماته ونقش نکین موسی علیه السلام دو کلمه بود
که از توریت بیرون آورده بود وآن دو کلمه اینست اصبر تؤجر
صدق تنج ونقش نکین عیسی علیه السلام این بود دو کلمه از انجیل بیرون
آورده بود اینست طوبی لعبد ذکر الله من اجله والویل لعبد نسی الله
من اجله وروایت کرده است حسین بن خالد که کفت ابو الحسن
دوم علیه السلام که نقش نکین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و
سلم محمد رسول الله بود ونقش نکین حضرت امیر المومنین علی
الله الملک بود ونقش نکین حضرت امام حسن علیه السلام العزة
لله بود ونقش نکین امام جعفر صادق علیه السلام الله ولیی وعصمتی
من خلقی ونقش نکین ابو الحسن اول حسبی الله بود ونقش نکین ابی

الحسن دوم ماشاء الله لا قوة الا بالله بود وکفت حسین بن خالد
که ابوالحسن دوم دست دراز کرد بجانب من وکفت که نقش نگین
انکشتري من وانکشتري ابي جعفر دوم علیه السلام حسبي الله
حافظي بود وهم بود نقش نگین ابی الحسن سیوم عم الملك لله بود
وکفت عبدالله بن سنان که پرسیدم ازابي عبدالله که آیا مکروه است
در انکشت کردن انکشتری که نام خدایتعالی باشد وبآبخانه رفتن
وجنب شدن در وقتی که این انکشتري در انکشت باشد آنحضرت
کفت نه ونقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم محمد رسول
الله بود ونقش نگین ابي جعفر علیه السلام العزته لله بود ونگین
امیرالمؤمنین علی عم که آن نگین از آهن چیني سفید صافی بود واو
در انکشت میکرد وآن انکشتري را در جنکها نزد سختیها اخر نقش
کرده بودند بر وو در هفت سطر اینست اَعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ لا اله
اِلّا اللهُ وَلِکُلِّ کَرْبٍ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ وَلِکُلِّ مُصِیبَةٍ نازِلَةٍ
حَسْبِيَ اللهُ وَلِکُلِّ ذَنْبٍ وَکَبِیرَةٍ اِستَغفِرُ اللهَ وَلِکُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فارِجٍ
ماشاءَ اللهُ وَلِکُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ الحمدُ لِلّهِ وما بِعَلِيِّ ابنِ ابي طالبٍ
من نعم الله فمن الله وکفت اسمعیل بن موسی که انکشتري جد من امام
جعفر صادق علیه السلام تمام او از نقره بود ونقش نگین او این بود که
یا ثقتی فناشر جمیع خلقك در وقتی که پدر من با برادر خود عبدالله
بن جعفر قسمت میراث میکردند قمت آن انکشتري به پنجاه دینار رسید

در نگین او

و نقش نگین امیرالمؤمنین علی عم الملك لله بود

بجهة زیاده کردن پدر من قیمت انرا پس قبول کرد پدر من آن انکشتري را
به پنجاه دینار وکفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که انکس که نقش
نگین او ماشاء الله لاحول ولا قوة الا بالله استغفر الله باشد اورا
ثواب بسیار خواهد بود وکفت امام محمد باقر علیه السلام که انکس که
نقش نگین او آیتي از قرآن باشد خدایتعالی اورا بیا موزد ونیز کفت
که نقش نگین قاسم وَرَبُّكَ فَكَبِّرْ بود وروایت کرده است امام رضا
از جد خود امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که بود نقش نگین
پدر من امام محمد باقر علیه السلام اظن بالله حسن وبالنبي المؤتمن
وبالنبي ذي المنن وبالحسن والحسین وکفت محمد بن عیسی که موفق
نزد ابي جعفر دوم بود ونمود بمن انکشتري که در دست او بود و
کفت که می شناسی این انکشتري را کفتم میدانم که نقشی دارد اما نمیدانم
که این نقش چه چیز است وچه صورت است پس معلوم شد که تمام آن
انکشتري از نقره بود ونگین او مدور بود بران نگین نقش کرده بودند
حسبی الله ودر بالاي آن نقش صورت هلالی بود ودر پایین آن نقش
صورت کلی بود کفتم باو که از کیست این انکشتري ابوالحسن است پس کفتم
باو که چکونه در دست تو افتاد کفت وقتی که اورا وفات نزدیك
شد این انکشتري را بمن داد وکفت این انکشتري را از دست خود
بیرون مکن مکر برای علي نقی علیه السلام وبکسی مده این انکشتري را
مکر به پسر من علی نقی علیه السلام در رسان کیفیت انکشتري در

انکشت کردن منقولست از کتاب لباس که کفت پرسیدم ابا
عبدالله علیه السلام را از انکشتری در دست راست کردن و کفتم
که من دیدم بنی هاشم را که انکشتری در دست راست میکردند،
آنحضرت کفت که پدر من انکشتری در دست راست میکرد و پدر من فاضل
ترین قریش و داناترین و پرهیزکارترین ایشان بود و کفت حسین بن
خالد که کفتم با بی الحسن دوم که روایت کرده اند بما در حدیث که
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم استنجا میکرد و انکشتری در
انکشت بود امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز چنین میکرد و نقش
نکین حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم محمد رسول الله بود کفت
ابوالحسن دوم علیه السلام که این روایت صحیح است کفتم ما را سزاوار
هست که چنین کنیم کفت نه بجهت آنکه ایشان انکشتری را در دست راست
میکردند و شما در دست چپ میکنید پس خاموش شدم و روایت
کرده است ابن القداح از امام جعفر صادق علیه السلام که روایت
کرده است امام محمد باقر علیه السلام که امیر المؤمنین علی
علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام از پدر خود و پدر
او روایت کرده است از پدر خود علیه السلام که کفت امام حسن و
امام حسین علیه السلام که کفت کاهی انکشتری در دست چپ میکردند
و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم میکفت که منع میکنم امت خود را از ینکه انکشتری در انکشت

شهادت و انکشت میانه کنند که می باید خواند در وقت انکشتری در
انکشت کردن اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة
و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
نکینی که نیکو است از برای دفع هر بیماری منقولست از کتاب طب الائمة
که نقش میکرد در اول جمعه از ماه رمضان بر نکینی که از آهن چینی
باشد این صورت را در دو سطر کعسلهون لا اهی لا الا الاول بالله
زینت کردن زنان به معجر و زیور و آنچه مکروهست
ایشان را منقولست از کتاب لباس که روایت کرده است فضل که کفت
ابو جعفر علیه السلام که حضرت فاطمه علیها السلام سیده زنان بهشت
است و معجر او تا میان بازوی او بود و بیرون نکرد ابو جعفر علیه
السلام ازین حکم کسی را یعنی می باید که معجر همه زنان اینچنین باشد
و کفت ابو عبدالله که نیکو نیست که زن مسلمان بپوشد معجر و
پیراهن که نمایان باشد چیزی از بدن او و روایت است از ابی جعفر
علیه السلام مثل این روایت و روایت کرده است محمد بن مسلم از
امام جعفر صادق ع که پرسیدم از زیور طلا مر زنان را آنحضرت
کفت باکی نیست و سزاوار نیست زنان را که بی زیور باشند و اکرچه آن زیور
کردن بند باشد و سزاوار نیست زنان را که دست او خالی باشد از رنک
و اکرچه مالیدن دست باشد بحنا و اکرچه آن زن پیر باشد
آنچه زنان در دست میکنند از طلا و غیر آن روایت کرده است زراره

در زینت کردن زنان زیور و آنچه در سر و دست میکنند و غیر آنها

امام محمد باقر [illegible]

که کفت ابو جعفر علیه السّلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
وقتی که میخواست سفر کند وداع میکرد از اهل بیت خود انکسی را
که میخواست واخر انکسانیکه آنحضرت وداع میکرد حضرت فاطمه
علیه السّلم بود پس توجه آنحضرت بسفر از خانهٔ حضرت فاطمه علیها
السّلم بود وهرکاه آنحضرت باز میکشت از سفر اوّل بخانهٔ حضرت فاطمه
میرفت پس سفر کرد ورسیده بود بامیر المومنین علی علیه السّلام
در سفر چیزی از غنیمت وامیر المؤمنین علی علیه السّلم انچیز بحضرت
فاطمه علیها السّلم داد وبیرون رفت بسفر همراه حضرت صلی الله عم
حضرت فاطمه ازان مال غنیمت که امیر المؤمنین علی علیه السّلام
باو داده بود ودستینهٔ ساخت از نقره وپردهٔ خرید وبرد رخانهٔ
خود آویخت جون حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم از سفر باز
کشت درآمد بمسجد وبعد ازان متوجه خانهٔ حضرت فاطمه شد
همچنانکه عادت آنحضرت بود وحضرت فاطمه جون دید آنحضرت را
شادان برخواست ومتوجه آنحضرت شد از روی شوق وشفقت آنحضرت
نظر کرد در هر دو دست حضرت فاطمه علیها السّلام دستینها از نقره
دید وبرد رخانهٔ او پردهٔ آویخته دید نشست واز روی غضب نظر
کرد بحضرت فاطمه علیها السّلم بعد ازان آنحضرت برخواست وبیرون
رفت حضرت فاطمه کریست واندوهکین شد وکفت که پدر من هرکز
این نوع کاری نکرده بود پیش ازین نسبت بمن پس حضرت فاطمه طلبید

نوبت آنحضرت

امام حسن وامام حسین علیهما السّلم را وبرداشت پرده را از در
خانهٔ خود وبیرون کرد دستینها را از دست خود ودستینها را
بیکی داد وپرده را بدیکری وکفت بایشان که بروید نزد پدر
من وسلام من برسانید وبکویید آنحضرت را که فاطمه میکوید که
بعد از انکه شما بسفر رفته بودید کاری غیر ازین نکردم وهرچه میخواهید
بکنید باین پرده ودستینها پس امام حسن وامام حسین علیه
السّلم آمدند وکفتند بآنحضرت هرچه حضرت فاطمه کفته بود آنحضرت
بوسید ایشانرا ودست در کردن ایشان کرد وایشانرا
درکنار خود نشاند وبعد ازان فرمود که دستینها را شکستند وقطعه
قطعه کردند وطلبید اصحاب صفه را که طایفهٔ از مهاجرین بودند
که ایشانرا خانهٔ ومنزلی ومالی نبود وقسمت کرد آنرا بایشان وبعد
ازان طلبید مردی از اهل صفه را که برهنه بود وستر پوشی نداشت
واین پرده را باآنشخص داد آن پرده دراز بود وپهنا نداشت پس آن
مرد مقدار لنکی برداشت وباقی را آنحضرت قسمت کرد بر اصحاب صفه
وبهریك مقدار لنکی داد وبعد ازان فرمود زنانرا که سر خود را از
رکوع وسجود بر ندارند پیش ازانکه مردان بردارند واین حکم بجهة
آن بود که لنك اصحاب صفه کوتاه بود هرکاه رکوع وسجود میکردند
عورت ایشان ظاهر میشد از پس پشت ایشان پس سنت شد که
زنان سر خود را از رکوع وسجود بر ندارند پیش از مردان وبعد

وبعد ازان حضرت کفت خدایتعالی رحمت کرد بر فاطمه وخدایتعالی
خواهد پوشانید اورا بسبب این پرده از جامهای بهشت وزیور
خواهد داد از زیورهای بهشت بسبب این دستینه وکفت امام
موسی کاظم علیه السلم که رسول خدا نزد حضرت فاطمه علیها السلام
آمد ودر کردن حضرت فاطمه کردن بندی بود آنحضرت اعراض کرد
از حضرت فاطمه برید آن کردن بند را و دور انداخت آنحضرت خشنود
کشت وکفت ای فاطمه تو از منی بعد ازان سائلی آمد وچیزی طلبید
حضرت فاطمه آن کردن بند را بآن سائل داد

در آوردن طلا با دندان غیری بجای دندان شکسته یا افتاده

کفت که پرسیدم
اباعبدالله از دندان پیش که شکسته باشد وجدا شده باشد آیا
محکم کرد آنرا بطلا واکر افتاده باشد بجای او دندان کوسفند میتوان
نهاد کفت بلی واکر خواهد که بجای دندان دندان کوسفند ذبح
کرده باشند ومضمون این حدیث را عبدالله بن سنان نیز ابا
عبدالله علیه السلم روایت کرد وکفت زراره پرسید که پدر من
اباعبدالله را ومن حاضر بودم از حال مردی که دندان او افتاده بود
که آیا میتوان که دندان آدمی مرده را بجای او بنهد آنحضرت کفت که باکی
نیست

دربیان لباس ومنزل وانچه متعلقست بآن

مرد ودرین باب ده فصلست وانچه مذکور است درین باب اختیار کرده
از کتاب لباس مکرانده که ذکر خواهیم کرد در محل خودش

دربیان تجمل ولباس وکیفیت پوشیدن آن ودعای که می باید خواند
در وقت پوشیدن لباس

تجمل لباس

کفت ابوعبدالله
علیه السلام که چون امیر المؤمنین علی علیه السلام فرستاد ابن عباس
رضی الله را بسوی خوارج فرستاد ابن عباس رضی الله پوشید بهترین
جامهای خود را وبهترین بوی خوش بکار برد وبهترین مرکبهای خود
سوار شد ورفت سوی ایشان با ایشان جنک کرد پس خوارج کفتند ابن
عباس را که تو بهترین مردمانی وآمدی نزد ما ولباس متکبران ومرکبهای
ایشان ابن عباس رضی الله خواند بر ایشان این آیت را که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ
اللهِ الَّتِي اخرج لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بکوای محمد که حرام
کرده است آرایش که خدایتعالی مقرر فرموده یعنی جامهای رنکارنک
وآرایش که مخصوص قدرت بیرون آورده برای بندکان خود از نباتات چون کتان
وپنبه از حیوانات چون پشم وحریر واز معادن که حرام کرده است
روزیهای حلال لذیذ را از خوردنی وآشامیدنی پس کفت ای ابن عباس
لباسهای خوب بپوش وتجمل کن بآن بدرستی که خدایتعالی نیکوست
ودوست میدارد نیکانرا ومی باید که این لباس از وجه حلال باشد
وکفت اسحق بن عمار که پرسید یکی از ائمه علیه السلام را از حال مردی
که مالدار باشد وجامهای بسیار وپیراهن بسیار داشته باشد وتجمل
کند بآن که آیا این شخص مسرفست آن حضرت کفت که خدایتعالی میکوید
لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ یعنی باید که نفقه دهد خداوند از فراخی و

توانگری از غنای خود یعنی بقدر توانائی خویش صرف می باید کرد
و روایت کرده است ابو عبدالله از پدر خود علیه السلام که کفت
امیر المومنین علی علیه السلام که روغن مالیدن آشکارا میکند تو[نکری را]
و جامه آشکارا میکند جمال را و نیکوئی کردن بندکان خود خوار
میکرداند دشمنان را و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدر خود علیه السلام که مردی بر در خانهٔ پیغمبر صلی الله علیه و آله
آمد و رخصت طلبید که در آید آنحضرت خواست که بیرون آید جهة
دیدن آنکس در حجرهٔ آنحضرت ظرفی پر آبی بود آنحضرت ایستاد و نظر
کرد در آن ظرف و اصلاح کرد محاسن خود را و بعد از آن بیرون رفت
و چون باز کشت و در آمد بخانهٔ عایشه کفت با آن حضرت که یا رسول
الله تو بهترین فرزند آدمی و رسول پروردکار عالمی چون ایستادی
و نظر کردی در ظرف آب و اصلاح کردی محاسن و موی سر خود را
آنحضرت کفت ای عایشه خدا یتعالی دوست میدارد که هرکاه بیرون
رود بندهٔ مومن بنزد برادر مومن زینت کند خود را و تجمل کند بلباس
کفت ابو الحسن علیه السلام که زینت کردن برای زنان زیاده میکند
پرهیزکاری ایشانرا لباس نیکو کفت سفیان ثوری که کفتم با ابی
عبدالله علیه السلام روایت میکنی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه
لباس درشت می پوشید و تو لباس خوب میپوشی آنحضرت کفت وای
بر تو بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه السلام در زمان عسرت و دشو[اری]

بود وقتی که در زمان وسعتی باشد نیکان زمان سزاوارترند
بچیزهای خوب و روایت کرده است امام حسن عسکری علیه السلام
که کفت امام رضا علیه السلام که حضرت یوسف علیه السلام دیبا
می پوشید و لنک زربفت می بست و بر تخت می نشست و عدالت
میکرد در روایت است که امام زین العابدین علیه السلام دو جامه
می پوشید که خریده بودند آن دو جامه را برای او به پانصد دینار
یا به پانصد درهم و می پوشید در زمستان جامهای کجینهٔ علماد
و می فروخت در تابستان آن جامه را به پنجاه دینار و تصدق میکرد
بهای آنرا و کفت عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام که کفت
که من در طواف بودم که مردی کشید جامهٔ مرا چون متوجه شدم
عباد بصری بود کفت ای جعفر بن محمد می پوشی مثل این جامه را و حال
آنکه تو بجای امیر المومنین علی علیه السلام در زمانی بود که نیکو بود
او را پوشیدن آنجامه در آن زمان و اکر آن نوع لباس درین زمان
بپوشم مردمان میکویند که اینکس ریا میکند مثل عباد و کفت امیر
المومنین علی علیه السلام که باید زینت کند برای برادر مومن وقتی
که بیاید شما همچنانکه زینت میکنید برای غریبی که دوست میدارید
که ببیند آن غریب شما را در بهترین صورتی و کفت ابو خداش المهری
که آمد نزد ما در بصره غلام امام رضا علیه السلام که نام او عبید
بود و کفت که آمدند طایفه از اهل خراسان نزد ابی الحسن علیه السلام

یکی از شما

وگفتند باو که مردمان منکر نداین لباس را که پوشیدن انحضرت
گفت بایشان که یوسف علیه السلام پیغمبر بود و پدر وجد او نیز
پیغمبر بودند و دیبا می پوشید ولنگ زربفت می بست و می نشست
بجای آل فرعون و مرتبهٔ او پست نشدنزد خدا یتعالی و عدالت میکرد
و واجبست بر امام که وقتی که حکم کند و عدل کند و هرگاه وعده
کند وفا کند و هر وقت سخن گوید راست گوید و خدا یتعالی حرام
گردانیده است حرام را خواه کم و خواه بسیار و روایت کرده است
محمد بن عیسی که گفت یکی از ائمه علیهم السلام که آنهائی که مشقت میکشند
از دوستان من دوست میدارند که بر نفس خود بر نهند و لباس درشت
بپوشند و زمان اقتضای آن نمیکند بسیاری جامه روایت
است که گفت اسحق بن عمار که گفتم بابی عبدالله که آیا می تواند بود که
مومنی را ده پیرهن باشد گفت بلی گفتم بیست میتواند بود گفت بلی اسراف نیست
و اسراف آنست که جامه که بآن تجمل میکنی همیشه بپوشی آنرا و روایت
کرده است ابو اسحق از ابی عبدالله علیه السلام مثل این و گفت که گفتم
بابی عبدالله علیه السلام که آیا میتواند بود مومن را صد هزار
جامه گفت بلی و گفت اسحق بن عمار که گفتم بامام موسی علیه السلام
که آیا اگر مردی ده پیرهن داشته باشد اسرافست گفت نه بلکه هم
بسیار داشتن نگاه میدارد جامه را لیکن اسراف آنست که بپوشی
جامهٔ خود را در جای که پاک نباشد دعای که در جا

حلال گردانیده است
حلال را خواه کم باشد
خواه بسیار

پوشیدن می باید خواند گفت معاویه بن عمار که ابو عبدالله علیه
السلام در وقت جامه پوشیدن این دعا بخواند اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثَوْبَ یُمْنٍ و برکة اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ
وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِی وَاَتَجَمَّلُ
بِهِ فِی النَّاسِ و گفت ابو عبدالله علیه السلام که آنکسی که خواهد جامهٔ
نو بپوشد باید که سی و شش نوبت انا انزلنا بخواند چون تَنَزَّلُ
الْمَلٰئِکَةُ رسد اندکی آبی بردارد و بیفشاند بعضی از آن آب را بر جامه و بعد
از آن بپوشد و دو رکعت نماز بگذارد و این دعا نیز بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ وَاُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَاُصَلِّی فِیهِ
لِرَبِّی و حمد بگوید خدا یتعالی را پس هرگاه چنین کند همیشه فراخ روزی
باشد تا آنکه آن جامه کهنه شود و روایتست که پرسیدند از ابی جعفر
علیه السلام که چون شخصی جامهٔ نو بپوشد چه دعا بخواند گفت باید که
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثَوْبَ یُمْنٍ و تقوی و برکة اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا
بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُکْرِ نِعْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مَا اُوَارِی بِهِ
عَوْرَتِی وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ و منقولست از کتاب زهد امیر المومنین
علی علیه السلام صالح ارزق روایت کرده است از جد خود بدانکه
که گفت که ندیدم هرگز مردی که روی پرهیزکاری او در دنیا
بیشتر باشد و قسمت کردن آن بسویت بیشتر باشد از امیر المومنین

علی علیه السلام بحق خدا که آنحضرت دو جامه هرگز نپوشید
تا آنکه از دنیا رحلت کرد و نمی پوشیدند دران زمان دو جامه
مکو مردم فرود و گفت علی ابن ابی ربیعه که دیدم در بدن
امیر المومنین علی علیه السلم جامها گفتم که چیست آنحضرت گفت کلام
جامه پوشند ترا است عورت ترا و خشک کنند ترا است عرق را ازین
جامه و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام که گفت امیر المومنین علی علیه السلم که آنکسی که
قناعت کند از دنیا بانچه کافی باشد او را اندک چیزی کافیست در
دنیا او را و آنکسی که قانع نباشد از دنیا بانچه کفایت کند او را و گفت
عبد الاعلی مولای آل سام که گفتم بابی عبد الله علیه السلام
که مردمان میگویند که مال تو بسیار است آنحضرت گفت بد نمی
آید مرا این سخن بدرستی که امیر المومنین علی علیه السلم گذشت
روزی بجماعت مردمان از قریش و پیرهنی پوشیده بود که بسیار
پاره پاره بود آنجماعت گفتند که علی را مالی نیست آنحضرت شنید این سخن را
پس فرمود آنکسی را که مال او را بصدقه میداد که جمع کند خرمای
او را و هیچ کس از ان خرما ندهد و بفروشد و بهای آنرا نقد کند آنکس
چنین کرد و آنرا نزد آنحضرت برد آنحضرت آن زرها را بجای خرما نهاد و گفت
بآن کس که هرگاه خرما نهاد و گفت بآن کس حـ طلب کنم بالا رو و بزن
پای خود را بآن زر بطریقی که گویا که تو قصد آن زر نکردی تا آنکه پراکنده

شود بعد از آن آنحضرت آنجماعت را طلبید و بعد از آن خرما آن مرد
رفت و پای خود را بآن زرها زد و پراکنده شد و بعد از آن آنحضرت
آنجماعت را طلبید و بعد از آن خرما طلبید آن مرد رفت و پای خود را
بران زرها زد و پراکنده ساخت آن زرها را آنجماعت گفتند این زرد
است یا ابوالحسن آنحضرت گفت که این مال کسی است که گمان شما این بود
که او را مالی نیست چون آنجماعت بیرون رفتند آنحضرت گفتند باصحاب
خود که هر اهل بیتی که من بفرستم این زرها را شما رسانید بایشان پس
گفت ابو عبد الله علیه السلم که دوست نمیدارم که بگویند مردمان
غیر این را و گفت مختار تمار که شب بروز آوردم در مسجد کوفه
و لانانی که میگرفتم از بقالی که از اهل بصره بود و روزی بیرون
رفتم پس آواز کرد مرا مردی و گفت لنگ خود را بالا کش بدرستی که
جامه تو پاک تر میماند و تقوی و پرهیزکاری تو زیاده میشود پرسیدم
که کیست این مرد گفتند که امیر المومنین علی علیه السلام است پس در
عقب آنحضرت رفتم و او متوجه بود به بازار شتر چون بآن
بازار رسید ایستاد و گفت آنجماعت بازرگانان سوگند دروغ مخورید
بدرستی که سوگند دروغ کم میکند متاع را و میبرد برکت را و بعد
از ان از انجا درگذشت و به بازار خرما فروشان رسید پس کنیزکی
میگریست نزد خرما فروشی آنحضرت گفت بآن کنیزک که چیست ترا
آن کنیزک گفت که بنده مردم و ایشان یک درم دادند بمن و فرستادند

که برای ایشان خرما بخرم و چون خرما خریدم و نزد ایشان بردم
قبول نکردند باز آوردم خرما را نزد خرما فروش وا و قبول نمیکند آن
حضرت کفت بخرما فروش که بکیر این خرما را و زر کنیز را باو بده،
خرما فروش قبول نکرد و کسی کفت بخرما فروش که این علی ابن ابی طالب
است پس خرما فروش کرفت خرما را و زر بکنیز باز داد و کفت که نشناختم
ترا یا امیر المومنین عفو کن مرا پس آنحضرت کفت ای جماعت بازرکانان
بترسید از خدای تعالی و نیکو کردانید خرید و فروخت خود را تا آمرزیده
شوید ما و شما را و بعد از آن آنحضرت از آنجا کذشت و باران شد پس
نزدیک خانه رسید و اذن طلبید که بآنخانه در آید صاحب خانه رخصت
نداد و آنحضرت را دور کرد آنحضرت بقنبر کفت که بیرون آر صاحب خانه را
و تازیانه بزن قنبر چنین کرد بعد از آن آن حضرت کفت بصاحب منزل
که ترا بجهة آن نزدم که مرا بخانه خود راه ندادی ولیکن بجهة آن زدم که
مسلمان ضعیفی را منع نکنی از خانه خود بعد از آن آنجا هم کذشت و آمد
ببازار کرباس فروشان پس رسید بمردی که داغ داشت و کفت آیا نزد
تو دو جامه هست که بهای آن پنج درهم باشد آنمرد برجست و کفت یا
امیر المومنین نزد من هست آنچه تو میخواهی چون آنحضرت را آنمرد شناخت
آنحضرت از و در کذشت و رسید بغلامی و کفت ای غلام نزد تو جامه
هست که بهای آن پنج درهم باشد غلام کفت بلی آنحضرت دو جامه خرید
از آن غلام یکی را بدو درهم آنجامه را که بسه درهم خریده بود بقنبر داد

یکی را بسه درهم

کفت

قنبر کفت یا امیر المومنین تو باین جامه سزاوارتری بجهة آنکه تو بر
بالای منبر کفت میروی و خطبه میخوانی آنحضرت فرمود که ای قنبر
تو جوانی و ترا حرص جوانی هست و من شرم میدارم از پروردکار
خود که تفضیل جویم بر تو و جامه بهتر را بپوشم و من شنیدم از رسول خدا
صلی الله علیه و آله که میکفت که آنچه شما می پوشید بندکان خود را
بپوشانید و از آنچه خود میخورید بایشان بدهید چون امیر المومنین
علی علیه السلام آن جامه را پوشید دست خود را دراز کرد آستین
جامه درازتر بود از انکشتان آنحضرت کفت بآن غلام که این زیادتی را
ببر آنغلام زیادتی را برید و کفت بیار که بدوزم آستین ترا آنحضرت
کفت که بکذار که همچنان باشد بدرستی که دنیا زودتر میکذرد از این
چیزها متوجه نمیباید شد و کفت ابو بصیر که شنیدم از ابی جعفر
علیه السلم پیرهنی خرید بچهار درهم و پوشید آنرا و دست دراز کرد
و آستین درازتر بود از انکشتان آنحضرت کفت بخیاط که مقراض بیار
خیاط مقراض آورد آنحضرت برید آستین پیرهن را تا سر انکشتان و
بعد از آن این دعا خواند الحمد لله الذی کسانی من الریاش ما استر به
عورتی و اتجمل به فی الناس اللهم اجعل ثوب یمن و برکة اسعی فیه
لمرضاتک عمری و اعمر فیه مساجدک و بعد از آن که شنیدم از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که جامه نو بپوشد و این دعا
بخواند خدای تعالی او را بیامرزد که منقولست از کتاب نجات

را

که میکفت که امیر المومنین علی علیه السلام ۴

کناهان

که می باید خواند در وقت پوشیدن زیر جامه اینست اللهم استر
عورتی وآمن روعتی واعف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
ولا له الی ذلک وصولا فیصنع الی المکاید ویهیجنی لارتکاب محارمک
و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلم که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که پیغمبران علیه السلام پیش از زیر جامه می پوشیدند
و روایتست که زیر جامه را استاده رو بقبله و روی بمردان نمی باید
پوشید و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که امیر المؤمنین علی
علیه السلم روزی غمگین شد پس گفت این غم از کجا آمد نمی دانم که
نشسته باشم بر آستانه در و رفته باشم در میان گوسفندان و ایستاده
زیر جامه پوشیده باشم و دست و روی خود را بدامن خود خشک
کرده باشم و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که جامه
پوشید و وضو کیید ابتدا بجانب راست کیند و روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلم که امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که
هرگاه بپوشاند خدا یتعالی مومنی را جامه نو باید که وضو کند و دو
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت فاتحه و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه
بخواند و بعد از آن حمد بگوید خدا یتعالی را که بپوشانید عورت او را
و زینت داد او را در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا
بالله بدرستی که چون چنین کند تا که این جامه پوشیده باشد گناه
نکند و از برای او بعدد هر رشته که درین جامه است فرشته طلب

پیرهن را

آمرزش و رحمت کند و گفت ابو عبد الله وقتی که وضو کنید یا چیزی
بیاشامید یا طعامی بیاشامید یا طعامی که بخورید یا چیزی بپوشید
و هر کاری که کیند سزاوار انست که بسم الله بگوید و اگر نگوید شیطان
شریک شما میشود دران کار و روایتست که آنکسی که بگیرد قدحی را
و در و آب کند و بران آب سی و پنج نوبت بخواند انا انزلنا و آن آب را
بیفشاند بر جامه نو و بعد از ان بپوشد آن جامه را همیشه فراخ روزی
باشد تا آن جامه کهنه شود و روایتست که امام رضا علیه السلام در
جامه پوشیدن ابتدا بدست راست میکرد و هرگاه جامه نو میپوشید
قدحی آب میطلبید و بران ده نوبت انا انزلنا و ده نوبت قل هو الله احد
و ده نوبت قل یا ایها الکافرون میخواند و آن آب را بران جامه
می پاشید و گفت آنکسی که چنین کند همیشه در فراخی و خوشحالی باشد
مادام از ان جامه رشته باقی باشد و گفت زراره که شنیدم از ابی
جعفر علیه السلام که میگفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام درم او
خرید پیرهن درشتی بچهار درم و آستینها از او ببرید تا رسید بسر انگشتان
و کوتاه ساخت آن پیرهن را تا نصف ساق چون پوشید حمد و ثنای
خدا یتعالی بجای آورد و روایت کرده است ابن عباس رضی الله عنه
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که لنگ ننماید
باید که زیر جامه بپوشد و آنکسی که نعلین نیابد باید که موزه بپوشد
در بیان بالا کشیدن جامه و پاک نگاه داشتن آن

و بعد از ان می پوشید انچه را

و روایت کرده است اسحق بن عمار که کفت ابو عبدالله علیه السلام که
کمترین اسراف آنست که بهترین ندآبیرا که مانع باشد در ظرف و جامهٔ
تجمل را همیشه بپوشند و نریزند از ندخستهٔ خرما را و روایت کرده است
اسحق بن عمار که کفت ابو عبدالله علیه السلام که اسراف آنست که جامهٔ تجمل
خود را همیشه بپوشی و روایت کرده حسن بن علی یقطین که کفت ابو
جعفر علیه السلام که بالا کشیدن جامه راحت جامه است و بیشتر میماند
و نیز کفت که جامهٔ پاکیزه خوار میکرداند دشمن را و روغن مالیدن
می برد سختی را و سر شانه کردن میبرد وبا را و محاسن شانه کردن
محکم میکرداند دندانرا و روایت کرده است ابو جعفر علیه السلام
که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام شستن جامه غم و اندوه را
می برد و پاک کنندهٔ است برای نماز و خدای تعالی فرمود وَثِيَابَكَ
فَطَهِّرْ یعنی جامهای خود را پاک کردان امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که مراد از پاک کردانیدن آنست که جامه را بالا کشند و روایت
کرده ابو جعفر از پدر خود علیهما السلام که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که آنکسی که جامه بپوشد باید که پاک نکاه
دارد جامه را و کفت ابو جعفر علیه السلام که قول خدای تعالی که ثِيَابَكَ
فَطَهِّرْ این معنی دارد که جامهای خود را بالا کیر و بر زمین مکش و
نیز کفت که قول خدای تعالی وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ این معنی دارد که جامهای
خود را کوتاه کن **فصل سیم** دربیان پوشیدن انواع لباس و اختلاف

رنکهای ان **دربیان** پوشیدن جامهٔ سفید روایت کرده است
ابو عبدالله علیه السلام که کفت امیر المؤمنین علیه السلام که بپوشید
جامهٔ که از پنبه باشد بدرستی که این لباس رسول خدا صلی الله ع
واله و لباس ماست و نمی پوشیم ما که اهل بیتیم جامهٔ را که از پشم و مو
ساخته باشند مکر بجهة علی و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
خدا تعالی جمیل است و دوست میدارد جمال را و دوست میدارد که
ببیند اثر نعمت خود را بر بندهٔ خود و کفت ابو عبدالله علیه السلام که
کتان لباس پیغمبرانست علیهم السلام و روایت کرده است جابر از ابی جعفر
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که نیست
از لباس شما چیزی بهتر از جامهٔ سفید پس بپوشید آنرا و کفن بآن
کنید ۲
مردهای خود را **دربیان** پوشیدن لباس سیاه روایت کرده
است سلیمان رشید از پدر خود که کفت که دیدم ابو الحسن را ع
که ردای سیاه و ردای کبود بر دوش خود انداخته بود و کفت ابو
طیبان الحسینی که آمد نزد ما امیر المؤمنین علی علیه السلام و ما در
صحن مسجد بودیم و او خمیصه پوشیده بود و خمیصه جامهٔ سیاه
چهار کوشه است که دو علم دارد و کفت حسین بن مختار که کفتم بابی
عبدالله علیه السلام که آیا احرام میتوان بست در جامهٔ سیاه کفت جایز
نیست احرام بستن در جامهٔ سیاه و کفن کردن میت را بآن **دربیان**
پوشیدن لباس زرد و زعفرانی کفت ابو طیبان الحسینی که آمد

نزد ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام وما در صحن مسجد بودیم
واو لنک زردی بسته وخمیصه سیاه ونعلین پوشیده بود
ودر دست او نیم نیزه بود وکفت زراره که بیرون آمد جعفر علیه السلام
که نماز کذارد بر بعضی از اطفال وپوشیده بود جبه ودستار و
مطرفی که هریک از کجینه زرد بود ومطرف ردائیست که از خز وابریشم
یافته باشند بروعلمها منقش باشد وکفت ابوعبدالله که هیچ چیز
نیکوتر نیست بر کعبه از چادر یکپاره از شک وهموار که بزعفران رنک کرده
باشند　　پوشیدن لباس که بکل کازیره رنک کرده باشند کفت
عبدالله بن عطا که دیدم که ابوجعفر علیه السلام بالاپوشی سرخی سیر
رنک پوشیده بود وازو رنکین شده بود بدن مبارک آنحضرت کفتم چه
چیز است این حضرت کفت که بالاپوش پوشیده بود که بکل کازیره رنک
کرده بودند ومیان دو دوش وکردن آنحضرت از ان رنکین شده بود
نظر کردم بآن بالاپوش آنحضرت کفت ای حکیم چه میکویی در حق بالاپوش
کفتم ما عیب میکنیم جوان بالغی را که مثل این کار کند چه کویم وحال آنکه
تو برخود پوشیده آنحضرت کفت این حکم که حرام کرده است زینت
که خدای تعالی داده است به بندکان خود وروزی وروزی حلال
ای حکیم من کدخدا شده ام وکسی که نو کدخدا شود میباید که زینت کند
خود را وکفت ابوجعفر علیه السلام که همیشه بکراهیت میپوشم جامه
سیر رنک را مکر در عروسی وکفت مالک که رفتم نزد ابی جعفر وانحضرت

بالاپوشی پوشیده بود که بسیار سرخ بود وقتی که درآمدم نزد
آنحضرت تبسم کردم کفت آنحضرت که دانستم که چرا خندیدی بجهة این
بالاپوش که پوشیده ام خندیدی بدرستی که ثقیفه بزور پوشانید
این بالاپوش را بمن وثقیفه زوجه آنحضرت بود بعد از ان آنحضرت کفت
که نماز نمیکذاریم درین جامه باید که شما هم نکنید در جامه سرخ
پس رفتم نزد آنحضرت بعد ازین واقعه بچند روز احوال ثقیفه پرسیدم
آنحضرت کفت که او را طلاق دادم بجهة آنکه وقتی با او خلوت کرده بودم
معلوم شد که او دشمن امیرالمؤمنین است ونتوانستم که نکاه دارم
او را وحال آنکه دشمن آنحضرت باشد وکفت بن عنیر که دیدم که
ابوجعفر لنک سرخ بسته بود پس نیز نظر کردم در و کفت ای ابو محمد
پوشیدن این باکی نیست وبعد از ان این آیه را که خواند قُلْ مَنْ حَرَّمَ
زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بکو ای محمد که
که حرام کرده است آرایشی که خدا تعالی مقرر فرموده یعنی جامهای
رنکارنک آن آرایشی که بمحض قدرت بیرون آورد برای بندکان خود
از نباتات چون کتان وپنبه واز حیوانات چون پشم وحریر واز
معادن که حرام کرده است روزی حلال را از خوردنی وآشامیدنی
در بیان پوشیدن لباس کلکلون وعدسی وکبود وسبز
کفت حسن بن زیات که دیدم که دیدیم که ابوجعفر علیه السلام
بالاپوشی کلکونی پوشیده بود وکفت محمد بن علی که دیدم که ابوالحسن

علیه السلام جامهٔ عدسی پوشیده بود و روایت کرده است سلیمان
بن رشید از پدر خود که گفت که دیدم که بر دوش ابی الحسن ع
ردای کبودی و گفت ابو العلا که دیدم ابو عبد الله علیه السلام جامهٔ
سبزی پوشیده بود در وقتی که احرام حج بسته بود و گفت ابان
بن تغلب که رفتم نزد ابی عبد الله در روز آخر ماه رمضان بعد از
عصر و چون جبرئیل متوجه آسمان شد آنحضرت طلب کرد فاطمه را چون
فاطمه هر گاه می شنید که آنحضرت او را طلب کرده قبول میکرد پس حضرت
فاطمه علیه السلام رفت نزد آنحضرت و برو فوطهٔ بود که نصف آنرا بر
میان بسته بود و نصف دیگر را بر سر خود انداخته بود آنحضرت کس
بفاطمه که طلب کن امیر المؤمنین علی علیه السلام را پس آنحضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام را بدست راست خود نشاند و بعد از آن دست امیر المؤمنین
را گرفت و در کنار خود نهاد حضرت فاطمه را بر دست چپ خود نشاند
و دست او را گرفت و در کنار خود نهاد و بعد از آن با امیر المؤمنین و
حضرت فاطمه گفت که آیا خبر دهم بشما آنچه خبر داد بمن جبرئیل گفت بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت که جبرئیل بمن خبر داد که من از جانب راست عرش
خواهم بود در روز قیامت و خدا تعالی دو جامه خواهد پوشانید
مرا که یکی سبز باشد و دیگر سرخ و تو ای فاطمه نیز از جانب راست
عرش خواهی بود و خدا تعالی بتو دو جامه خواهد پوشانید یکی سبز و یکی
سرخ ابان بن تغلب میگوید که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که فدا

حضرت فاطمه را با امیر المؤمنین علی علیه السلام را

تو کردم بدرستی که دشمنان کراهت میدارند جامهٔ سرخ را آنحضرت
گفت ای ابان خدا تعالی چون حضرت عیسی علیه السلام را بآسمان برد
او را ببهشت بردند که در و هفتاد غرفه بود و دو جامه باو پوشانید
یکی سبز و دیگری گلگلون گفتم فدای تو کردم خبر ده مرا بمثل این
از قرآن حضرت گفت که ای ابان خدا تعالی میگوید فَإِذَا السَّمَاءُ فَكَانَتْ
وَرْدَةً كَالدِّهَانِ یعنی وقتی آسمان شکافته شود برای فرود آمدن
فرشتگان پس برنگ گل سرخ گردد مانند ادیم سرخ **فصل چهارم**
در بیان پوشیدن جامهٔ خز و جلد و غیر آن **در بیان** پوشیدن
خز و خز حیوانیست که در دریا می باشد و از موی او جامه میبافند
و چنین را نیز خز میگویند و گفت عبد الله بن سلیمان که شنیدم از ابی
عبد الله علیه السلام که میگفت که امام زین علیه السلام سرما زود در
می یافت و او میخرید جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم چون زمستان
بیرون رفت میفروخت آنرا و بهای آنرا تصدق میکرد و هیچ جامه
خود نمیفروخت غیر خز گفت قتیبه بن محمد که گفتم بابی عبد الله که ما
پوشیم جامهٔ خز را و تار آن ابریشم است آنحضرت گفت باکی نیست پوشیدن
جامهٔ ابریشمی وقتی که با ابریشم چیزی دیگر باشد و روایتست که سید
شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام و آنحضرت جامهٔ خز پوشیده
بود که تار آن ابریشم بود و گفت با آنحضرت که ما می پوشیم این لنگ بر
بریها و پشم او میته است و بر برجای بعضی از مردمند آنحضرت که در پشم

انشقت

العابدین

روح نمی باشد اما نمی بینی پشم را میبرند و میفروشند و آن حیوان زنده است و روایت کرده است امام حسن عسکری علیه السلام که کفت امام علی نقی علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام دو جامه میپوشید در تابستان که خریده بودند برای آنحضرت آن هر دو را بپانصد درهم و می پوشید در زمستان ردای از خز و میفروخت در تابستان آنرا بپنجاه دینار و تصدق میکرد بهای آنرا و روایت کرده است از محمد بن مسعود که کفت ابو عبد الله علیه که پدر من می پوشید جامهٔ خز که بپانصد درهم میخرید هر کاه یکسال بران جامه میکذشت تصدق میکرد آنجامه را کفت بآنحضرت که کاشکی آنجامه را میفروختی و بهای آن را تصدق میکردی آنحضرت کفت که چون بفروشم جامه را که دران نماز کذارده ام و کفت عبد الرحمن ابن حجاج که پرسید مردی از ابا عبد الله از پوست خز و من حاضر بودم آنحضرت کفت باکی نیست بپوشیدن آن مرد کفت که فدای تو کردم خز در شهر ما میباشد و او سک آبی است که از آب بیرون می آید آنحضرت کفت هر کاه از آب بیرون می آمد آنحضرت کفت زنده می ماند در خشکی آن مرد کفت نی آنحضرت کفت باکی نیست و منقولست از کتاب زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام در صحن مسجد بود امام حسین علیه السلام پیراهن خز پوشیده بود تا آخر روایت در ینمقام آنست که پوشیدن جامهٔ خز جایز است و روایت از عمر و یا از عمر بن نجم

کما ازینجا کذشت غرض از نقل این [illegible]

السکونی

السکونی که کفت آورده اند نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام اسب دهقانی را که آنحضرت سوار شود چون آنحضرت پای خود را در رکاب نهاد کفت بسم الله چون دست خود را بر زین نهاد دست آنحضرت لغزید آنحضرت کفت که آیا میان این زین دیباست شخص کفت بلی آنحضرت سوار نشد چون دانست که دیباست در بیان پوشیدن جامهای مصری که در وابریشم باشد و غیر آن روایت از داود بن سرحان که کفت ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله و آله و سلم از پوشیدن جامهای مصری که در وابریشم باشد و انکشتری طلا در انکشت کردن و سوار شدن بر زینی که بر و بالش سرخ باشد و قرآن خواندن در رکوع و نمیکویم که منع کرد شما را از ینها فصل پنجم در بیان تکبر کردن بجهة پوشیدن لباسها کفت عبد الله بن هلال که فرمود مرا ابو عبد الله که بخرم برای او فوطه که لنک کند کفتم بآنحضرت که نمی یابم مکر فوطه کشادی آنحضرت کفت که ببر از ان فوطه و بدوز کنار آنرا پس کفت آنحضرت که پدر من کفت که انچه از جامه در کذرد از کعبین جای او در دوزخ است و روایت کرده است عبد الله بن هلال از ابی عبد الله مثل این که کذشت و کفت انچه در کذرد از کعبین از دو جامه در دوزخ است و کفت ابو اسحق السبیعی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بپوش لنک تا نصف ساق یا تا کعبین و بپرهیز از فرو کذاشتن لنک

آنقدر که بکذرد از کعبین بدرستی که فرو کذاشتن لنك از تکبر است
و خدایتعالی دوست نمیدارد تکبر را و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
علیه واله وسلم که فرو کذاشتن در زیر جامه و پیرهن و دستاری
باشد و آنکسی که بکشد یکی از ینها را بر زمین یا از روی تکبر نظر
نکند خدایتعالی با و در روز قیامت و منقولست از کتاب زهد
امیر المومنین علی علیه السلم که کفت ابو مطر که امیر المومنین علی علیه
السلم روزی کذشت بمن و پسر عم من زد مرا بچوب یا بذرة و کفت
کش جامهٔ خود را یا لنك خود را تا سوده نشود بجهة کشیدن بر زمین
بس کفت پسر عم من که کیست اینکس که میزند پسر عم مرا امیر المومنین
علی علیه السلم کفت که من می کویم که بالا کش جامهٔ خود را یا لنك خود
تا سوده بر زمین پس آنحضرت کفت بقنبر که چرا حمایت نکردی مرا
این شخص حمایت کرد پسر عم خود را و روایتاست از جابر که کفت ابو
جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که
فرمود بوی بهشت را در می یابند از هزار ساله راه و در نمی یابد بوی
بهشت را کسی که بکشد لنك خود را بر زمین از روی تکبر و بزرکواری
زیرا که لایق نیست مکر حق تعالی را که پروردکار عالم و عالمیانست و کفت
ابو عبدالله علیه السلم که حق تعالی دشمن میدارد کسی را که تکبر کند و
فرو کذارد لنك خود را آنمقدار که از کعبین بکذرد و کسی را که رو
دهد متاع خود را بو کند و روایت کرده است ابو عبدالله از پدر خود

که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که سرکش اند که سخن
نمیکوید خدایتعالی با یشان در روز قیامت و پاك نمیکرداند ایشانرا
از غلطهای بد که کرده اند و مر ایشانراست عذاب دردناك یکی آنکه
فرو کذارد دامن خود را از روی عظمت و بزرکی دیکر آنکس که
مدح کوید متاع خود را سیم آنکه اظهار محبت و صفای خاطر کند
و دلش پر از عداوت و کینه باشد و نیز روایت کرده است ابو
عبدالله از پدر خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
فرمود که موقتی که تغافل کنند امت من بکسی که از ایشان سوال کند و
فرو کذارند موهای خود را و راه روند از روی تکبر سوکند میخورد
خدایتعالی بعزت و جلال خود که بترسانم بعضی از آن امت را از بعضی
و نیز روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلم از پدر خود که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که آنکسی که راه رود از روی
تکبر لعنت کند زمین او را و روایت است از بشیر نبال که روزی در مسجد
بودم با ابو جعفر علیه السلام پس کذشت بر ما مردی سیاهی که دو
حله پوشیده بود یکی را لنك کرده بود و دیکری را ردا و از روی
تکبر میرفت آنحضرت کفت بمن که این مرد جبار است از جملهٔ چیزهای
که وصیت کرده است حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله ابا ذر غفاری
رحمه الله علیه را اینست که ای ابو ذر بیشتر کسانیکه بدوزخ میروند

متکبر اند مردی گفت یا رسول الله آیا هیچ کس باشد که از تکبر خلاص
شود آنحضرت گفت بلی آنکس که پشمینه پوشد و دراز گوش سوار
شود و گوسفندی بدوشد و با مسکینا و با درویشان بنشیند از
تکبر خلاص شود ای اباذر آنکسی که جامهٔ خود را بکشد بر زمین
از روی تکبر نظر نکند خدا تعالی در روز قیامت ای اباذر ازار مرد
تا نصف ساق او می باید و باکی نیست اگر تا میان ساق و کعب باشد
وانچه پایین تر است از کعب در آتش دوزخ خواهد بود ای ابوذر
آنکسی که کوتاه کند جامهٔ خود را برای رضا خدا خلاص میشود از
تکبر در بیان تواضع کردن در لباس گفت ابو عبدالله علیه السلام
که امام زین العابدین علیه روزی از خانه بیرون آمد و جامهای
نیکو پوشیده بود زود باز گشت و بمنزل خود در رفت و گفت بکنیز
که جامهای که بیشتر پوشیده بودم بمن ده که چون من با این جامهای
نیکو راه رفتم گویا که علی بن الحسین نبوادم و روایتست که هر گاه امام
زین العابدین علیه السلام راه رفتی سر خود را در پیش می انداخت
و نمی جنبانید و کتفهای خود را نیز نمی جنبانید و گفت ابو عبدالله علیه
که هر گاه کسی جامهٔ نرم پوشیده بود در وقت وفات دامن آنرا گز
کردم دوازده وجب بود و آستینهای او دو وجب بود و میانه
او شش وجب بود و گفت ابو جعفر علیه السلام بجماعتی که صحا

السلام

بپوشیم که

شما امیر المؤمنین علی علیه السلام دو پیرهن درشتی می خرید و
بعد از آن می گفت بغلام خود که هر کدام را می خواهی بردار غلام
بر میداشت و دیگری را آنحضرت می پوشید و هر گاه آستین پیرهن
از سر انگشتان در میگذشت میبرید زیادتی را و اگر از کف دست
در میگذشت و از سر انگشتان در نمیگذشت میگذاشت آنرا بحال
خود و گفت زراره که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام که میگفت
که امیر المؤمنین علی علیه السلام خرید در عراق پیرهن درشتی
بچهار درهم و برید آستینهای آنرا تا برابر سر انگشتان و آن پیرهن
تا نصف ساق آنحضرت بود چون پوشید آن پیرهن را حمد و ثنای
حق تعالی گفت و فرمود که آیا بنمایم اینجامه را آستینهای آن سر
بود و درازی آن شش وجب بود و منقولست از کتاب زهد حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که روایت کرده است اصبغ بن نباته که
رفتیم ما با امیر المؤمنین علی علیه السلام تا آنکه ببازار خرمافروشان
رسیدیم آنحضرت گفت با اهل بازار که بو یکدیگر مریزید خرما را که
از یکنوع نیستند و بعد از آن از آنجا گذشت و ببازار برده فروشان
رسید و گفت مفروشید از انواع ماهی جری و مار ماهی و طافی را
جری و مار ماهی نوعیست از ماهی که فلوس ندارد و طافی ماهی
است که در آب مرده باشد و بعد از آن از آنجا گذشت و رسید بدارین
و دارین نام محله ایست در بحرین و دو جامه خریداری کرد از مردی

شما گفتم بلی

ان جامه را

وستان آن سه وجب

بخورید بجهة وطو کرد
کنیزان من به او بعد از
از آنجا گذشت تا آنکه
رسید ببازار ماهی فروشان
وگفت با ایشان

وقنبر بالحضرت بود آن مرد گفت یا امیر المؤمنین چون آنحضرت دانست
که آنمرد شناخت او را باز گشت وان دو جامه نخرید و رفت تا آنکه
رسید بغلامی و گفت بآن غلام که دو جامه بمن بفروش آن
غلام مضایقه کرد در بهای جامه تا آنکه بهای هر دو جامه را بهفت
درهم رسانید یک جامه را بچهار درهم خرید و دیگری را بسه درهم
پس آنحضرت گفت بقنبر که یکی ازین دو جامه را اختیار کن قنبر برداشت
آنجامه را که بچهار درهم خریده بود و آنحضرت پوشید آنجامه
آنجامه را که بسه درهم خریده بود و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي
مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي خَلْقِهِ و بعد از آن آمد بمسجد کبیر
پس توده کرده پاره ریگ را و پشت خود را بآن ریگ نهاد پس آمد
پدر آن غلام که آنحضرت جامه از وخریده بود و گفت که پسر من ترا
نشناخت یا امیر المؤمنین و دو درهم سود کرده است از بهای آن دو
جامه که بشما فروخته است بگیر آن دو درهم را آنحضرت گفت که نمیگیرم
بجهة آنکه مبالغه و مضایقه کردیم در خرید و فروخت و هر دو بآن
بها راضی شدیم و گفت ابو سعده که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه
بیرون آمد از مصر نزدیک او رفتم و سلام کردم بر او آنحضرت دست
مرا گرفت و رفت تا بدار فرات و آنجا خرید پیرهن درشتی بسه درهم
یا بچهار درهم و پوشید آنرا و آستین پیرهن برابر دست آنحضرت
بود و گفت وشیکه که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه السلام را

بربالای ناف بسته بود و آن لنگ تا نصف ساق آنحضرت بود
و در دست آن حضرت دره بود و میگردید در بازار و میگفت
که بترسید از خدای تعالی و کم مفروشید و نصیحت میکرد مردما
بر وجهی که گویا تعلیم میکرد طفلان را و گفت مجمع که امیر المؤمنین
علی بیرون آورد شمشیر خود را و گفت که کیست که بگیرد این شمشیر را
و اگر مرا پیرهن می بود در گرو نمیکردم شمشیر را پس شمشیر را
بسه درهم در گرو کرد و پیرهن کرباسی خرید که آستین آن پیرهن
تا نصف ساق بوده است و درازی آن تا نصف ساق پای آنحضرت
بود و گفت عبد الله بن ابی الهذیل که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه
را که پیرهن پوشیده بود که هرگاه میکشید طرف آستین بناخن
آنحضرت میرسید و هرگاه میگذاشت تا سر دست آنحضرت بود و روایت
کرده است ابو الاشعث العبری که از پدر خود که گفت که دیدم امیر
المؤمنین علی علیه السلام که روز جمعه غسل کرده در آب فرات و بعد
از آن خرید پیرهن کرباسی بسه درهم و نماز جمعه گذارد با مردمان در آن
پیرهن و نه دوخته بودند گریبان آن پیرهن را و روایت کرده است سالم
بن مکرم که گفت ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه
السلام سه جامه خرید بیکدینار عبارت از یکمثقال طلاست پیرهن
که تا بالای کعب آنحضرت بود و لنگ تا نصف ساق بود و ردائی که از
پیش تا سینه بود و از پس تا نشستگاه و پوشید آنجامها را و بعد از آن حمد

وثنا میکفت خدایتعالی را تا انکه بمنزل خود درآمد پس کفت ابو عبد
الله علیه السلام که این لباسیست که سزاوار است که بپوشیم ما اما
نمیتوانیم پوشید درین زمان بجهة انکه اکر بپوشیم مردمان میکویند
که دیوانه است بجهة ریا پوشیده است وهرکاه صاحب الزمان علیه
السلام ظهور کند این نوع لباس خواهد داشت وکفت هشام بن سالم
که شنیدم از ابی عبدالله که میکفت که در راه مکه برفیقان
خود که هرکاه فرود می آیید بمنزلی باید که بپوشید جامه کهنه یا جامه
درشت خود را بدرستی که هرکس که فرود آید بوادی مکه در دل او
هیچ کبر وتکبر نباشد خدایتعالی بیامرزد او را عبدالله بن یعفور
پرسید از ابی عبدالله علیه السلام که حد کبر چیست آنحضرت کفت که
حد آنست که کسی نظر کند بخود وقتی که جامه خوب پوشیده باشد و
خواهند که مردمان ببینند آنجامه را در بدن او وبعد از ان آنحضرت
خواند این آیه را که بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ
یعنی آدمی بر انچه در نفس اوست داناست باید که انچه داند بدست
نکند وروایتست از ابن سنان که کفت ابو عبدالله علیه السلام
که بود بدر مرا دو جامه درشتی که در ان نماز می کذارد وهرکاه
میخواست که از خدایتعالی حاجتی بطلبد آن دو جامه را می پوشید و
طلب حاجت میکرد **در بیان** پیوند کردن جامه روایتست از طلحه
بن زید که کفت ابو عبدالله علیه السلام که روزی امیر المؤمنین علی

کبر

علیه

علیه السلام خطبه خواند وپوشیده بود لنکی که از کرباس درشتی بود
که پیوند کرده بودند آنرا به پشمینه کسی کفت باآنحضرت که این چه چیز است
آنحضرت کفت که پوشیدن این جامه موجب تواضع وفروتنی است
وما بجهة آن پوشیده ایم آن جامه را که مومنان متابعت وپیروی
ما کنند وروایتست که چون عبدالله بن عباس بازکشت از بصره وآورد
مالی ودرآمد بکوفه ودریافت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را
در بازار آنحضرت ایستاده بود ومنادی میکرد بنفس خود ومیکفت
ای جماعت مردمان انکسی که بدانیم ما که بعد ازین وزجری ودیباج و
طافی ومار ماهی میفروشد میزنیم او را باین دره ودیباج ومارماهی
نوعیست از ماهی که فلوس ندارد وطافی ماهیست که در آب مرده باشد
ابن عباس کفت سلام کردم بر آنحضرت پس آنحضرت جواب سلام من داد وکفت
ای ابن عباس جمع کردی مال را کفتم یا امیر المؤمنین نزدیک من آی و
مرحبا کوی مرا که مال آوردم بعد از ان آنشخص آمد نزد آنحضرت وبا
آنشخص شمشیری بود که آنحضرت باو داده بود که بفروشد آنشخص کفت
کیست که این شمشیر را بهفت درهم بخرد آنحضرت کفت که اکر مرا در بیت
المال مسلمانان بهای مسواکی میبود نمیفروختم این شمشیر را پس بفروخت
بهفت درهم وپیرهنی خرید بچهار درهم که کریبان آنرا فراویزی بود ودو
درهم را تصدق کرد وبیک درهم سه روز مهمانی کرد مرا وکفت یزید بن
شریک که روزی امیر المؤمنین علی علیه السلام شمشیر خود را بیرون آورد

آنشخص

وگفت کیست که بخرد شمشیر مرا واگر مرا بهای لنگی می بود نمیفروختم
این شمشیر را وگفت فضل بن کثیر که دیدم ابو عبدالله علیه السلام که
جامهٔ کهنه پوشیده بود که پیوند داشت نظر کردم بسوی آنحضرت گفت
بمن آن حضرت که چه نظر میکنی بمن نظر کن که درین کتاب که اینجاست
نظر کردم دران کتاب نوشته بود که جامهٔ نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد
وروایتست که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام لنگی کهنه پوشیده بود
که پیوند کرده بودند آنرا کسی گفت که چیست این آنحضرت گفت که پوشیدن
این جامه موجب تواضع وفروتنی است وخوار میکند نفس را ومن
بجهت آن می پوشیم این جامه را که مؤمنان متابعت ما نمایند در بیان
پوشیدن جامهای میانه گفت معاویة بن وهب که گفتم بابی عبدالله
علیه السلام که مردی بود که مال بسیار داشت وجامهای نیکو می
پوشید واورا اسباب بود وبعد ازان مال او تلف شد وحال او متغیر
گشت ونمیخواست که دشمنان خوشحالی کنند وبمشقت اسباب خوب
بهم میرسانید آنحضرت گفت باید که نفقه کند انکسی که مال دارد بقدر
وسع خود وانکسی که تنک روزیست باید که نفقه کند ازان چیزی که خدا
باو داده است بقدر حال خود ومشقت نکشد در بهم رسانیدن اسباب
در بیان پوشیدن جامهٔ پشمینه وجامهٔ درشت گفت محمد بن کثیر که
دیدم که ابو عبدالله علیه السلام جبهٔ پشمینه بود میان دو پیرهن
درشتی گفتم این چیست آنحضرت گفت که دیدم پدر خود را که پوشیده بود

جبهٔ پشمینه باین طریق وماهر گاه میخواهیم که نماز کنیم میپوشیم درشت
ترین جامهای خود را وگفت معمر بن خلاد که شنیدم از امام رضا
علیه السلام که بحق خدای که اگر مرتکب امر خلافت میشدیم دایم طعام
نیکو نمی خوردیم ودایم جامهٔ نیکو نمی پوشیدیم وهمیشه براحت وخوشی
نمی بودیم وگفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در وصیتی که
کرده است اباذر غفاری را که ای اباذر بدرستی که لباس درشت
می پوشیم ومی نشینم بر روی زمین ومی لیسم انگشتان خود را در وقت
طعام خوردن وسوار میشوم بر دراز گوش بی زین وکسی را ردیف خود
می سازم پس انکسی نخواهد سنت مرا ومتابعت من نکند از دوستان
ومحبان من نیست ای ابوذر گاهی جامهای درشت بپوش وگاهی جامهای
نرم ونازک تا انکه فخر راه نیابد بتو ومنقولست از امالی شیخ ابی
جعفر بن بابویه رحمه الله که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
فرموده است که پنج چیز را نمیگذارم تا وقتی که از دنیا رحلت کنم
تا انکه اینها سنت باشد بعد از من چیزها خوردن بر زمین با بندگان
وسوار شدن بادراز گوش پالان دار گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که بپوشید جامهٔ پشمینه را وسیر مخورید بدرستی که این
جزویست از پیغمبری ونیز گفت که جامهٔ پشمینه وجامهٔ کوتاه بپوشید
وسیر مخورید تا مرتبهٔ شما بلند شود ومنقولست از کتاب محاسن
که ذکر کرده اند نزد ابی عبدالله علیه السلام که راهبی گفته است که لباس

مو پشمینه شبیه تر است بلباس اهل مصیبت آنحضرت گفت کدام مصیبت
بزرگتر است از مصیبت و منقولست از کتاب فردوس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که بر شما باد که لباس پشمینه
بپوشید تا بیابید حلاوت ایمان را و چیزی کم بخورید تا آنکه در
معروف و مشهور شوید و بدرستی که نظر در لباس پشمینه موجب
تفکر است و تفکر سبب حکمتست و حکمت روان میشود در دل انسان
مانند خون **فصل ششم** در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در
لباس **در بیان** لباس شهرت گفت ابو عبد الله علیه السلام که کافیست
مرد را در رسوائی این که بپوشد لباسی یا سوار شود اسپی که موجب
شهرت او شود و روایتست که عباد بن کثیر البصری نزد ابی عبد الله
آمد و لباس شهرت پوشیده بود آنحضرت گفت ای عباد چه جامه است
که پوشیده عباد گفت یا ابا عبد الله عیب میکنی مرا بجهت پوشیدن این
جامه آنحضرت گفت بلی زیرا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که آنکسی که لباس شهرت بپوشد در دنیا بپوشاند خدا
او را لباس خواری در روز قیامت گفت عباد که خبر داد ترا باین
حدیث آنحضرت گفت ای عباد شك در این سخن داری بحق خدای که
خبر داد مرا باین حدیث پدران من از رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که نیست چیزی دشمن تر نزد
خدا تعالی از پوشیدن لباس شهرت و روایتست از حضرت امیر المومنین

علی

که جامه نو را در آب فرو

علی علیه السلام می فرمود میبردند و بعد از آن میپوشیدند
در بیان پوشیدن قناع و قناع روپاك بزرگیست که مردان بزرگ
می اندازند گفت عبد الله بن وضاح که دیدم امام موسی علیه السلام
را که نشسته بود در پس خانه کعبه و قناع بر سر خود انداخته بود
و بیرون آورده بود گوشهای خود را از آن و گفت ابو عبد الله ع
که پوشیدن قناع در شب زینت است و گفت عبد الله بن ولید بن
صبیح که درخواست کرد از من شهاب بن عبد ربه که طلب رخصت
کنم برای او که درآید نزد ابی عبد الله علیه السلام رفتم نزد آنحضرت
و طلب رخصت کردم و آوردم او را نزد آنحضرت و طلب رخصت
کردیم و او بر سر خود قناع داشت و آوردم بالشی و انداختم برای او
و او بر آن بالش نشست آنحضرت گفت باو که بر بیند از قناع خود را
ای شهاب بدرستی که قناع در شب زینت است و در روز خواری
و مذلتست **در بیان** حمایل کردن روایت است که مردی حمایل کرده
بود لنگی را بر بالای پیرهن یکی از ائمه معصومین علیه السلام فرمود
که چنین مکن بدرستی که این تکبر است و گفت محمد بن مسلم که ابو
جعفر علیه السلام مکروه میداشت که حمایل کنند لنگ را بر بالای
پیرهن و گفت این کار متکبران است و گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که منع می کنم امت خود را از اشتمال

همانست که لنك را بردوش خود اندازند و هر دو طرف انرا از زیر بغل
بیرون آرند و هر دو را بریك کتف اندازند و نیز گفت که رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم فرمود که منع میکنم امت خود را از کشودن
بندهای قبا و از برهنه کردن رانها در میان پوشیدن لباس بجز
منقولست از کتاب مجمع البیان که گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که آمد رسول خدا صلی الله علیه وسلم نزد حضرت فاطمه علیها السلم
جامه پوشیده بود از پشم و بدست خود آرد میکرد و شیر میداد
فرزند خود را انحضرت چون فاطمه را چنان دید بگریه درآمد و گفت
ای دختر من زود باشد که تلخی دنیا بشیرینی آخرت مبدل شود بدرستی
که فرستاده است خدا تعالی در شان من این آیه را وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ
رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا یعنی زود باشد که بخشد پروردگار تو
کمال نفس و مرتبهٔ عالی ترا پس خشنود یعنی چندان عطا آرزانی فرماید
که کویی بس است و راضی شدم و منقولست از کتاب عیون الاخبار
که گفت ابن ابی عباد که امام رضا علیه السلم در تابستان بر حصیر می نشست
و در زمستان بر پلاس و جامهای درشت میپوشید و هرگاه بیرون
می آمد برای مردمان جامهای زینت می پوشید در میان تشبّه مردان
بزنان در لباس روایت کرده سماعة بن مهران که مردی جامهٔ خود را
بر زمین میکشید ابو عبد الله و ابو الحسن علیهما السلم با مردی گفتند که

حضرت م

مکروه میداریم ما که شبیه شوی بزنان و روایت کرده آبو عبد الله
از پدران خود علیهم السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
منع میکرد مردمان را که مشابه شوند بزنان در لباس و منع میکرد
زنان را که مشابه شوند بمردان در لباس و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم که بهترین جوانان انست که خود را مشابه سازد به
پیران و بدترین پیران آنست که خود را مشابه سازد بجوانان در بیان
پوستین سنجاب و غیر آن گفت یونس بن یعقوب که رفتم نزد ابی
عبد الله علیه السلم و انحضرت بیمار بود و در خرگاهی بود و قبای پوشیده
بود و بر بالای خود چیزی پوشیده بود و پیش انحضرت تفادی بود که
در و ریحان بود و جبهٔ خز پوشیده بود که نه کهنه بود و نه تنك و بر بالای
خود لحاف پوست روباه پوشیده بود و دست راست انحضرت ظاهر
بود گفتم باو که فدای تو کردم چه میکویی در پوست روباه انحضرت گفت
این از برای پوشش است نه از برای نماز و گفت سماعة بن مهران که پرسیدم
ابا عبد الله و ابا الحسن علیهما السلم را از گوشت درندها و پوست ایشان
گفتند که گوشت درنده خواه مرغ باشد و خواه غیر مرغ مکروه میدانیم
اما پوست ایشان را میتوان بر بالای زین انداخت و سوار شد و بر پوشید
پوست درنده را که نماز گذارید در ان و گفت عبد الله بن سنان که
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلم که میگفت که به تحفه آوردند برای
پدر من پوستینی بطریق جبه از عراق و هرگاه میخواست که نماز گذاردی

پوشیدن م

طغاری

کندو می انداخت م

آنرا و نیز میکفت که آنچه بیارند برای تو از پوستهای یعنی نماز بکذار
دران و میرس ازان و روایتست که پرسید نمازرا امام رضا علیه السلم
از پوست روباه و سنجاب و سمور آنحضرت کفت که دیدم پدر خود را
که سنجاب پوشیده بود در نماز و منع کرد مارا از پوشیدن پوست
روباه و سمور در نماز فصل هفتم دربیان پوشیدن عمامه و مانند آن
دربیان پوشیدن عمامه کفت سکونی که ابو عبد الله علیه السلم
روایت کرده است از پدران خود علیهم السلم که کفت که رسول خدا
که عمامه افسر عربست هرکاه عمامه را بنهند از سر خود بر دارد خدای
تعالی عزت را از ایشان و نیز کفت که عمامه بر سر بنهید تا زیاده شود حلم
شما و کفت ابو اسحق که پدر من نمود علی ابن ابی طالب علیه السلم را بمن و آن
حضرت خطبه میخواند و لنکی بسته بود و ردای بر دوش انداخته بود
و عمامه بر سر داشت و کفت اسمعیل بن همام که ابو الحسن علیه السلم فرمود
که مراد از مسومین که در قول خدای تعالی واقع است که یمددکم ربکم
بخمسة الاف من الملائکة مسومین فرشتکانند که خدای تعالی
بمدد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد ایشان عمامه
بر سر داشتند و معنی آیه اینست که مدد میکند شما را پروردکار شما
به پنجهزار سوار فرشتکان که نشان کنندکانند که خدای خود را و این
عادت مستمره است میان مبارزان که در روز جنک علامتی بر خود
یا بر مرکب خود می بندند و آن روز فرشتکان خود را نشان کرده بودند

بعمامهای

بعمامهای سفید و طرفهای آن میان دو کتف فرو کذاشته و روایت
است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عمامه بر خود بست و علاقه
از پیش و پس کذاشت و جبرئیل نیز چنین کرد و کفت معاویه بن عمار
که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلم که میکفت که در آمد رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حرم کعبه روزی که در آمده بود
بمکه و عمامه سیاهی بر سر داشت و سلاح بسته بود بعد ازان
بیرون رفت از مکه بجانب حنین بجنک کافران چون فارغ شد
از جنک رسید بموضعی که آنرا اوطاس میکویند و بقیه کافران
که آنجا مانده بودند بقتل آوردند و چون از جنک ایشان فارغ شدند
و رسیدند بموضعی که آنرا جعرانه میکویند دران موضع قسمت
کرد میان مسلمانان غنیمتی را که کرفته بودند و بعد ازان احرام بست
و در آمد بمکه و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که دو رکعت
نماز که با عمامه بکذارند فاضلتر است از چهار رکعت نماز که بی عمامه بکذارند
و کفت ابو جعفر علیه السلام که فرشتکان که بمدد رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم آمده بودند در روز جنک بدر عمامهای سفید بر
سر داشتند و علاقهای کذاشته بودند و کفت عبد الله بن سلیمان که
بودم با پدر خود در مسجد پس در آمد امام زین العابدین علیه السلم
دران مسجد و من نشناختم او را و او عمامه سیاهی بر سر داشت و از
هر دو طرف آن عمامه علاقه کذاشته بود در میان دو دوش خود

خود پرسیدم از مردی که نزدیک من نشسته بود که کیست این پیر
آنمرد گفت که چیست ترا که نپرسیدی از هیچکس از کسان که باین مسجد
در آمدند غیر این پیر گفتم که ندیدم هیچکس را از کسانی که درین مسجد
در آمدند که صورت ایشان بهتر باشد از صورت این پیر از جهت آن
پرسیدم آنمرد گفت که امام زین العابدین است در بیان کیفیت
عمامه بر سر بستن روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام از پدر خود
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم عمامه بر سر امیر
المؤمنین علی علیه السلام بست بدست مبارک خود و علاقه از پیش رو
گذاشت و علاقه پس را کوتاه تر کرد از علاقه پیش بمقدار چهار انگشت
بعد از ان آنحضرت گفت با میر المؤمنین علی علیه السلام که بنشین پس
من کن امیر المؤمنین علی علیه السلام چنین کرد بعد از ان گفت رو بمن
من کن چنین کرد بعد از ان آنحضرت گفت که چنین است عمامهای فرشتگان
و گفت ابو الحسن علیه السلام که کسی که بسفر رود عمامه بر سر داشته باشد
و از ان عمامه تحت الحنک بسته باشد و من ضامنم دزد مال او را نبرد
و غرق نشود بدریا و نسوزد و منقولست از کتاب نجات که در وقت
عمامه بر سر بستن این دعا باید خواند اینست که اللهم سومني بسيما
الايمان وتوجني بتاج الكرامة وقلدني حبل الاسلام ولا تخلع ربقة
الايمان من عنقي و باید که عمامه را ایستاده بر سر ببندد و تحت الحنک
نیز ببندد در بیان طاقیها گفت محمد بن علی که دیدم ابو الحسن

را که طاقیه بر سر داشت که آستر آن سمور بود و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم می پوشید طاقیه
سفید مصری و می پوشید در جنگ طاقیه دو گوشه که گوشهای
آنحضرت را می پوشید و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه
السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
می پوشید از طاقیها طاقیه یمنی سفید و مصری و طاقیه که دو گوش
داشت در جنگ می پوشید و عمامه آنحضرت را سحاب میگفتند و
آنحضرت را طاقیه درازی بود که بر سر می نهاد و روایت است
که پرسید از امام رضا علیه السلام از مردیکه برطله پوشیده بود و
برطله نوعی از طاقیه است آنحضرت گفت که بود ابا عبد الله علیه السلام را
طاقیه که سایه میکرد بر رو او را از آفتاب نگاه میداشت و گفت
یزید بن خلیفه که دید مرا ابو عبد الله علیه السلام که طواف میکردم گرد
خانه کعبه و من برطله بر سر داشتم گفت بمن که میپوش این طاقیه را و مچه
که طواف میکنی بدرستی که این لباس یهود است و گفت حسن بن مختار
که امیر المؤمنین علیه السلام بمن گفت که برای من طاقیه بدوز و می باید
که آن طاقیه بسیار رنگین نباشد بدرستی که سیدی مثل من نمی
پوشد طاقیه را که بسیار رنگین باشد فصل هشتم در بیان
پوشیدن موزه و نعلین و روایت کرده نادر الخادم که امام رضا ع
با نخانه میرفت با موزه کوچکی و روایت کرده است ابو الصباح که گفت

ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام در سفری بود
و عادت آنحضرت این بود که در سفر شبگیر میکرد پس وقتی که میخواست
که شبگیر کند پس پوشید جامهٔ خود را چون فارغ شد از جامه پوشیدن
یک موزهٔ خود را بر داشت و بپوشید میخواست که موزهٔ دیگر را بر دارد
که ناگاه مرغی فرود آمد از آسمان و زد خود را بر آن موزه و گرفت
آن موزه را امیر المؤمنین علی علیه السلام در عقب آن مرغ رفت که بگیرد
آن موزه را آن مرغ سبقت گرفت و متوجه آسمان شد و میکردید
تا صباح چون صباح شد موزه را انداخت و از موزه ماری بیرون آمد
و منقول است از مسموعات سید ناصح الدین ابی البرکات که گفت ابو
که پوشیدن موزه زیاده میکند قوة چشم را و گفت امام جعفر
موزه زیاده میکند قوة چشم را و گفت امام جعفر علیه السلام که مداومت
کردن بپوشیدن موزه امان است از جذام کسی گفت که در زمستان یا
بستان آنحضرت گفت در زمستان و تابستان و گفت ابو الجارود
که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام که آنحضرت گفت بمن که آیا نمی دانی
موزهٔ سرخ را متکبران و کردن کشان می پوشند و موزه سفید را
پادشاهان می پوشند و موزهٔ سیاه سنت ما و سنت بنی هاشم است
و نیز گفت که خدمت ابی عبد الله علیه بودم در راه مکه و آنحضرت موزه
سرخ پوشیده بود گفتم یا بن رسول الله تو خبر نداری بمن که موزهٔ سرخ
متکبران میپوشند آنحضرت گفت که در سفر باکی نیست بد رستی که موزه

سرخ ...

91

سرخ و ... است برای آب و گل اما در غیر سفر پوشیدن او خوب نیست
و روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام از پدر خود گفت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکس که نعلین میخرد باید که نو
بخرد و گفت ابو عبد الله علیه السلام که وقتی که رسول خدا صلی
میخواست که نعلین بپوشد مردی برخواست و نعلین را پیش پای آنحضرت
نهاد آنحضرت در حق آن مرد دعا کرد و گفت اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَبْدَكَ
تَقَرَّبَ اِلَيْكَ فَقَرِّبْهُ یعنی بار خدایا بندهٔ تو نزدیکی جست بتو پس نزدیک
گردان او را بخود و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
مضمضه کرد و ریخت آب را از دهن خود مردی برجست و گرفت آن آب را و
خورد آنحضرت در حق آنکس دعا کرد و گفت اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَبْدَكَ يُحِبُّ
اِلَيْكَ فَاَحِبَّهُ یعنی بار خدایا بندهٔ تو دوستی نمود بتو پس دوست دار او را
و نیز گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که نو ساختن نعلین
نگاه دارندهٔ بدنست و یاری دهندهٔ نماز و پاکیزگیست و نیز گفت در تفسیر
قول خدای تعالی فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى نعلینی که حضرت
موسی علیه السلام پوشیده بود از پوست دراز گوش بود و معنی آیت اینست
که بکن ای موسی نعلین خود را بد رستی که تو در وادی مقدسی روایت
کرد
انکه پوشیدن نعلین میان باریک پاشنه دار سنت است
گفت صباح الحذای که آورد نزد من حلبی نعلین و گفت نعلین مثل این نعلین
برای من مهیا کن بد رستی که این نعلین رسول خدا است صلی الله علیه و آله

وسلم گفتیم باو که این نعلین از کجا بدست تو افتاد گفت که ابو عبدالله
علیه السلام گفت بمن که آیا بنمایم بتو نعلین رسول خدا را گفتیم بلی پس بیرون
آورد این نعلین گفتیم بربخش این را بمن گفت از تو باشد گفت صباح که مهیا
ساختم برای حلبی نعلینی مثل آن نعلین و برای اصحاب خود نیز مثل آن
مهیا ساختم گفت ابو احمد که من دیدم ان نعلین را و میان باریک بود
و پاشنه داشت و گفت ابو جعفر علیه السلم که دشمن میدارم مردیرا که
نعلین او پاشنه نداشته باشد و گفت صباح الحذای که مهیا ساختم
نعلین برای ابی عبدالله علیه السلام مثل آن نعلینی که فرستاده بود بنزد من
و آن نعلین باریک میان بود از میان تا پاشنه و گفت منهال که بودم نزد
ابی عبدالله علیه السلم و پوشیده بودم نعلین هموار را آنحضرت گفت
نعلین یهود است بر گرد از ین نوع نعلین و کارد بگیر و باریک ساز میان آنرا
و گفت علی الشاوی که دید ابو الحسن علیه السلم مرا که من پوشیده بودم
نعلینی که باریک میان نبود گفت ای علی تو کی یهود شدی **در بیان**
کراهیت بستن بند نعلین روایتست که ابو عبدالله علیه السلام مکروه
میداشت بستن بند نعلین را و روایتست که ابو عبدالله علیه السلام گرفت
نعلین بعضی را و گشود بند آنرا و گفت اول کسی که بند نعلین را بست شیطان
بود **در بیان** کیفیت پوشیدن نعلین گفت ابو جعفر علیه السلام که سنت
است که در محل نعلین پوشیدن ابتدا به پای راست کنند و در محل کندن
ابتدا به پای چپ کنند و منقولست از کتاب نجات که موزه و نعلین را نشسته

منهال

می باید پوشید در وقت پوشیدن این دعا بخواند که بسم الله اللهم
صل علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الاخرة و ثبتهما علی الصراط
یوم تزل فیه الاقدام و هرگاه بکند موزه را و نعلین را باید که [illegible]
بکند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی
اللهم ثبتهما علی صراطک و لا تزلهما عن صراطک السوی و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که مراد از زینتی که در قول خدای تعالی
است خذوا زینتکم عند کل مسجد نعلین و انگشتریست و معنی آیه اینست
که بگیرید ای بنی آدم زینتی خود را در هر نمازی و نیز گفت که پاک گردانید
نعلین خود را از نجاست نزد در آمدن بمسجد **در بیان** بند نعلین وقتی
که گسسته شود گفت یعقوب سراج که رفتیم ما با ابا عبدالله و میخواست
که تعزیت بگوید عبدالله بن الحسن را بجهت آنکه پسر او یا دختر او فوت شده
بود پس گسسته شد بند نعلین آنحضرت بعضی از سر در مان کندند نعلین
خود را و گشودند بند آنرا و با آنحضرت دادند آنحضرت گرفت آنرا و چون
رسید باهل تعزیت گفت که صاحب مصیبت اولیست بصبر کردن در مصیبت
و گفت ابو عبدالله علیه السلام آنکسی که پیوند کند گریبان خود را و پینه زند
نعلین خود را و بردارد متاع خود را خلاص میشود از تکبر **در بیان**
راه رفتن بیک نعل و یک موزه گفت ابو عبدالله که امیر المؤمنین علی علیه
السلام یک لنگه نعل پوشیده بود و راه میرفت و اصلاح میکرد نعل دیگر را
و گفت ابو جعفر که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که

عبدالله

ایستاده آب بیاشامد یا بیک نعل راه رود پس وسوسه کند او را
جدا نشود شیطان از و مکر وقتی که خدا خواهد در بیان کندن نعلین
و موزه وقتی که می نشیند کفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بکنید نعلین را بدرستی که کندن نعلین
را بدرستی نکواست و راحت قدمهااست و منقولست از کتاب طب الائمه
در بیان موزه و نعلین که کفت ابو عبدالله علیه السلام که انکسی که
نعلین زرد بپوشد کهنه نشود آن نعلین تا آنکه مالی باو برسد و این ایه را تلاوت
که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ یعنی از بس که زرد باشد نکوست
خوشحال می سازد ناظران را و کفت ابو عبدالله علیه السلام که انکسی که
بپوشد نعلین زردی همیشه خوشحال باشد تا آنکه آن نعلین کهنه شود
و کفت سنان بن سدید که رفتم نزد ابو عبدالله پوشیده بودم
نعلین سیاهی آنحضرت کفت ترا که نعلین سیاه پوشیدی آیا نمیدانی
که درو سه خصلتست کفتم کدامست کفت ضعیف میسازد چشم را و سست
میکند ذکر را و زیاده کند غم را و با وجود این لباس متکبرانست و بر تو باد
نعلین زرد پوشی بدرستی که درو سه خصلتست کفتم کدام است
کفت تیز میکند چشم را و محکم میسازد ذکر را و می برد غم را و با وجود
لباس پیغمبرانست و کفت ابو عبدالله علیه السلام که پوشیدن موزه و
نعلین زرد سنتست و نیز کفت که پوشیدن موزه می افزاید قوت
چشم را و کفت ابوالحسن العسکری علیه السلام که انکسی که ریش شود

سند

پای او از موزه و نعلین باید که بکیرد پاره کل از دیوار و نرم کند
آنرا و بعد از آن بساید بآب دهن بر سنکی و بر آن جراحت بنهد میرود
آن جراحت **فصل** در بیان خانه و منزل و آنچه جایز است
از آن و آنچه جایز نیست و آنچه متعلق است بآن در بیان منزل کشاده
و غیر آن روایتست از هشام بن الحکم که کفت ابو عبدالله علیه السلام
که از نیک بختی است کشادگی منزل روایتست که پرسید مرد ابا الحسن
علیه السلام را از بهترین عیشهای دنیا کفت بهترین عیشها کشادگی
منزلست روایتست که پرسید مرد ابا الحسن علیه السلام و بسیاری دوستان
و کفت ابوالحسن علیه السلام که عیش در کشادگی منزلست و در بسیاری
خدمتکاری و کفت معمر بن خلاد که ابوالحسن علیه السلام خرید منزلی
و امر کرد غلام خود را که برو بآن منزل و کفت که این منزل تست آن
غلام کفت که باجازت دادی این منزل را بمن آنحضرت کفت که اکر پدر
تو احق بود سزاوار اینست که تو هم مثل او باشی و کفت که روایت کرده
است ابو جعفر علیه السلام از پدر خود که کفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم که از سعادت مرد است که زن صالح و منزل کشاده
و مرکب خوب و فرزند صالح داشته باشد روایت کرده ابو عبدالله ع
از پدران خود علیهم السلام که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که منزلرا
شرفیست و شرف او اینست که میان سرای او کشاده باشد و ساکنان
او صالح باشند منزل را برکتیست و برکت او اینست که جای نشست کاه او

ونیز کفت که راحتیت موصن را در کشادی منزل

سکنی

کت

نیکو باشد و وسعت داشته باشد میان سرای او و همسایهٔ خوب
داشته باشد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که از سعادت
مرد است که نیکو باشد که جای نشستِ او و وسعت داشته باشد در
سرای او و پاکیزه باشد آنجا نیز او و گفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم که چهار چیز از نیک بختی است و چهار چیز از بدبختی است
اما آن چهار چیز که نیک بختی است زن صالح و منزل گشاده و همسایه
نیک و مرکب خوب واما آن چهار چیز که بدبختی است همسایهٔ بد است
و زن نافرمان بردار و منزل تنگ و مرکب بد و نیز گفت که مومن
نیست بنده که ایمن نباشد همسایه‌اش از بدی او و نیز گفت که حرمت
همسایه می‌باید داشت همچون حرمت مادر و پدر خود در بیان
مقدار بلندی سقف خانه روایت کرد محمد بن مسلم که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که ای محمد باید که بلندی خانهٔ تو هفت گز باشد و
آنچه از آن بلندتر است جای شیطانست به درستی که شیطان نه در آسمان
و نه در زمین است بلکه ایشان در هوا ساکنند و نیز گفت که بلندی
خانه می‌باید که هفت گز باشد و هشت گز و آنچه بلند تر از این است
جای شیطانست و نیز گفت که آنچه بلندتر است از ده گز از سقف خانه
جای شیاطین است و نیز گفت که هرگاه بلندی خانه بیشتر از هشت گز
باشد آیة الکرسی در آنجا نیز بنویسید و گفت عبد الله بن سنان که
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که آنچه بلند تر باشد از

هفت گز از سقف خانه جای شیطانست و روایت کرده است ابو
عبد الله علیه السلام از پدران خود علیه السلام که مردی از انصار
شکایت کرد نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله از سراهایی که در
گرد سرای او بود آنحضرت گفت که بلند کن خانهٔ خود را آنقدر که میتوانی
و سوال کن از خدا تعالی که گشاده کند خانهٔ ترا و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که آنکسی بنا کند خانه که بلندتر از هشت گز باشد شیطان
جا میکند در آنچه زیاده است از هشت گز و واجبست که در آن خانه
آیة الکرسی بنویسید تا شیطان در و جا نگیرد و نیز گفت که هر بنائی که
بلند تر باشد از هشت گز منادی ندا میکند از آسمان و میگوید که
تا کجا میخواهی که بلندتر کنی خانهٔ خود را ای فاسق و منقولست از کتاب
جوامع الجامع که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که هر خانه
که بنا کند کسی و بالست بر صاحب آن خانه مگر خانهٔ که ضروری باشد

جامع الجوامع

فصل دوم آنچه سنت نزد بنا کردن منزل روایت کرده است ابو عبد
الله
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم که آنکسی که بنا کند منزلی باید که میشی بکشد و گوشت آنرا
به درویشان و فقیران تصدق کند و بگوید اَللّهمَّ اَدْحَرْ عَنّي وَعَنْ اَهْلي
وَوَلَدي مَرَدَةَ الجِنِّ وَالشَّياطين وَبارِكْ لي فيهِ بِنُزُولي به درستی که چون
این کار بکند خدا تعالی میدهد باو آنچه طلب کرده است در بیان
اسراف کردن در بنا گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر بنای که زیاده

از کفایت باشد و بالست بر صاحب آن بنا در روز قیامت و نیز کفت
که آن کسی که کسب کند مایه که حلال نباشد صرف شود در آب و کل
در بیان جارو کردن منزل کفت ابو عبدالله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جاروب کنید در
سرای خود را و مشابهت مجوئید بیهود و کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که شستن ظرف و جاروب کردن در سرا می افزاید
روزی را وقتی که در آمدن بخانه کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه بیرون
میرفت از خانه در تابستان روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفت و وقتی
که میخواست که بخانه در آید در زمستان بجهة سرما روز جمعه در می آمد
و کفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون تابستان
میشد شب جمعه از خانه بیرون میرفت چون زمستان میشد شب
جمعه بخانه در می آمد در بیان بستن در سرا و خانه و غیر آن کفت
سماعة بن مهران که پرسیده شد از ابی عبدالله علیه السلام یا از ابی الحسن
علیه السلام از بستن درها و سرنکون نهادن ظرفها و کشتن چراغ
آنحضرت کفت که ببند در خانه را بدرستی که شیطان میکشاید در
بسته را و بکش چراغ را تا موش نسوزاند خانه ترا و سرنکون بنه
ظرف را بدرستی که بر نمی دارد آن ظرف را و کفت رسول خدا صلی الله
علیه و اله و سلم که مکذارید آتش را [illegible] در خانه خود وقتی که میخوابید

شیطان

وکفت

و کفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم کفت بکشید چراغ را در وقت خواب تا موش نسوزاند خانه شما را
و آنچه در خانه شما است در بیان چیزی که تعلق بمنزل دارد روایت است
که آمد مردی و شکایت کرد نزد ابی جعفر علیه السلام و کفت از اذیتی که میکنند
جن مارا از منزلهای ما آنحضرت کفت که بکردانید سقف خانه خود را
هفت کز و نکاه دارید کبوتر را بر اطراف منزل خود آنمرد کفت چنین کردیم
پس هیچ مکروهی ندیدیم و کفت ابو داود البرقی که دیدم کبوتری از
زیر تخت ابی عبدالله علیه السلام بیرون آمد کفتم فدای تو کردم یا ابن
رسول الله برای تو بیارم بهدیه کبوتری چندی که نزد ماست و دور نکت
و آواز خوبی دارد و خوب می سراید آنحضرت کفت که آن کبوترها که
تو داری از جمله مسوخانند هرگاه کبوتر نکاه میداری مثل این کبوتر
نکاه دار بدرستی که این بقیه کبوتر اسمعیل است و منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم از تنهائی آنحضرت کفت که یک جفت کبوتر نکاه دار
در خانه خود و کفت امیر المومنین علیه السلام که از صدای کبوتر
میکریزند جنیان و نیز کفت که پرهیز کاری کنید در آنچه خدای
تعالی بشما داده است و بر مالهای عجم خود پرسیدند از آنحضرت
که عجم کدامست کفت که کوسفند و کربه و کبوتر و مانند آنها و منقولست
از کتاب فردوس که کفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

مبرد هفتاد ونوع
... شی را ...
حضرت فرمود که
نکاه داشتن کوسفند

وسلم فرمود که نکاه داشتن کوسفند در خانه برکتست وسه کو
برکت تمام است ونیز کفت که کوسفند از چهارپایان بهشت است وکفت
ابوعبدالله علیه السلام که هر مومنی که در منزلش بزی شیر دار باشد
پاک میشوند اهل آن منزل وبرکت نازل میشود بر ایشان پس اکر
دو بز باشد پاک میشوند هر روز دو بار سردی کفت چکونه پاک
میشوند آنحضرت کفت میکویند بایشان که بُورِکَ عَلَیکُم وَطِبتُم
مَاتابَ اِدامِکُم یعنی برکت دهاد خدایتعالی شما را وخوش باد حال
شما مادام که خوش باشد نان خورش شما ونیز کفت که زنی عذاب
کرده شد بجهة انکه کربه را بسته بود تا وقتی که آن کربه از تشنکی مرد
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که منع میکنند فرشته دو کرا
از جا کرفتن در خانهای شما ونیز کفت که شب مروید بکرفتن مرغهای که
آشیانه خود اند بدرستی که شب امانت ایشانرا وامان بودن از جهة آنکه
اینست که کردانیده است خدایتعالی شب را بر مرغان ومنقولست از
کتاب طب الائمة که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که نکاه
دارید در خانهای خود کوسفند دست آموز را بدرستی که مشغول
میشود بآن شیطان ومتوجه طفلان شما نمیشود وکفت ابوجعفر علیه
السلام که هر که دوست میدارد ما را که اهل بیت پیغمبریم باید که دوست
دارد کبوتر را وکفت ابوالحسن علیه السلام که سزاوار نیست که خالی باشد
خانه شما از کربه وکبوتر وخروس بدرستی که این سه چیز معمور می

سازد

سازد خانه را پس اکر با خروس ماکیان باشد باکی نیست کسی را که کرا
نداشته باشد از نکاهداشتن ماکیان وکفت امام رضا علیه السلام که
در خروس سه خصلت است از خصلتهای پیغمبران علیهم السلام که شناختن
اوقات نماز وغیرت وشجاعت وسخاوت وبسیار جماع کردن وکفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که هرکاه آواز خروس بشنوید بدانید
که آن خروس فرشته را دیده است پس در این وقت طلب حاجت خود کنید
از خدایتعالی وهرکاه آواز کوش بشنوید بدانید که شیطان را دیده است
وروایتست از انس که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که خروس
سفید دوست منست ودشمن او دشمن خداست واو نکاه میدارد صاحب
خود را وهفت سرای را که شریک او باشد وروایت است که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم که بهروز می آورد با خروس در خانه وکفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که مرغ خانکی کوسفند درویشان
است منست ونیز کفت که دشنام مدهید خروس را بدرستی که او دوست
ست منست ومن دوست اویم ودشمن او دشمن منست بحق خدای که
فرستاد مرا بحق که اکر بدانند بنی آدم انچیزیرا که در خلقت خروس است
هرآینه بخرد برند کوشت او را بطلا ونقره بدرستی که خروس دور میکند
طایفه از جن را که بند اند ونیز کفت که انکسی که نکاه دارد خروس سفیدی
در منزل خود نکاه داشته میشود از شر سه طایفه کافر وکاهن وساحر
ومنقولست از کتاب روضة الواعظین که کفت امام محمد باقر علیه السلام

که خدای تعالی آفریده است خروس سفیدی که گردن او در زیر عرش
است و پاهای او تا طبقهٔ هفتم از زمین و یک پر او تا آفتاب بر آمدنست و
یک پر او تا آفتاب فرو رفتن این خروسها آواز نمیکنند تا او آواز نکند
و پس هرگاه آواز میکند بر هم میزند بالهای خود را و میگوید سبحان الله
العظیم الذی لیس کمثله شیء یعنی پاک و منزه است خدای بزرگ
و نیست مثل او هیچ چیز پس خدای تعالی جواب میگوید که آنکسی که سوگند
دروغ میخورد بمن ایمان نیاورده است بآخر این خروس میگوید و
گفت جعفری که دیدم در خانهٔ ابو الحسن علیه السلام یک جفت کبوتر را
اما کبوتر نر سبز بود و کبوتر ماده سیاه و دیدم که آنحضرت نان ریزه
میکرد برای آن کبوترها و میگفت که اینها حرکت میکنند و انیس اند و بلا
ایشان دور میکند جانوریرا که از زمین بیرون می آیند و گفت ابو عبد
الله علیه السلام که نبود هیچ خانهٔ پیغمبری مگر آنکه در آن خانه کبوتر
باشد جنیان بآن کبوتر بازی میکنند از اطفال نزا [illegible] زینت کرده
خانه و فرشها و فروتنی نمودن در آنها گفت عبد الله بن عطا که رفتم
نزد ابی جعفر علیه السلام پس دیدم که در منزل او متاعها بر هم چیده بود
و بعضی درهم ریخته بود و بساطها و بالشها بود گفتم چیست این آنحضرت گفت
که متاع زنانست و روایت کرده است جابر بن عبد الله که گفت امام
محمد باقر علیه السلام که جماعتی آمدند نزد امام حسین علیه السلام و گفتند
یا ابن رسول الله چیزهای مکروه در منزل تو می بینیم و آنچه در منزل آنحضرت

دبرم

دیده بودند بساطی و بالشها بود آنحضرت گفت که ما نکاح میکنیم زنانرا
و کابین ایشانرا بایشان میدهیم و ایشان هرچه میخواهند میخرند اینها که
شما دیدید هیچ کدام از ما نیست و روایتست از جابر که گفت ابو جعفر
علیه السلام که چون نکاح کرد حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
حضرت فاطمه را بساط خانهٔ ریگ بود و فرش ایشان پوست میش بود که
دباغت نکرده بودند و بر آن مشک کهنه کلیمی پوشیده بودند و گفت
حسین بن نعیم که گفت شنیدم که ابو عبد الله علیه السلام میگفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه را بامیر المؤمنین علی علیه السلام
داد و پوشش حضرت فاطمه کلیمی بود و فرش آنحضرت پوست میشی بود و بالش
او پوست بود که پر کرده بودند از لیف خرما و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که فرش امیر المؤمنین ع و حضرت فاطمه پوست میش بود که دباغت نکرده
بودند و ایشان بر میگردانیدند آن پوست را و میخوابیدند بر موی او
در کتاب موالید الصادقین آورده است که گفت محمد بن ابراهیم الطالقانی
که کسی خبر داد بمن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عزلت اختیار
کرد از زنان خود دو ماه و رفت در غرفهٔ مسجد نشست عمر نزد آنحضرت آمد
و در خانهٔ آنحضرت پوستی بود که دباغت نکرده بودند آنرا و بوی بد
میکرد و در آنخانه برگ درختی بود که بآن دباغت میکنند پوست را و آنحضرت
خوابیده بود بر حصیری و آنحصیر اثر کرده بود در پهلوی آنحضرت عمر دریافت
بوی آن پوست را و گفت یا رسول الله این چه بوست آنحضرت گفت که ای عمر این

و بالش ایشان پر بود از
لیف خرما و نصب کرده بودند
چوبی و مشک را بر آن نهاده
بودند ۱۲

متاع کاینست که زندگانی میکنند در دنیا چون نشست آنحضرت عمر دید
که اثر کرده است حصیری در پهلوی مبارک آنحضرت عمر گفت که من گواهی
میدهم که تو رسول خدائی و بزرگترین ما نزد خدای تعالی از قیصر و کسری
وایشان در دنیا این همه اسباب دنیوی داشته باشند و تو بر حصیری
و حصیر اثر کرده باشد در پهلوی تو آنحضرت گفت نعم که آیا راضی نیستی
که از ایشان باشد دنیا و آخرت از ما و گفت فضل که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که تختی در او طلا باشد میتوان نگاه داشت در خانه آنحضرت
گفت اگر طلا باشد نه و اگر باب طلا نقش کرده باشند باکی نیست و گفت
حلبی که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که برخواستم که نماز کنم و پیش
من بالشی بود که در او صورت مرغان بود پس فرمودم که تغییر دادند
سر آن صورت ها را و آن صورتها را گردانیدند بصورت درختی و نیز گفت که شیطان
بیشتر قصد آدمی میکند وقتی که آدمی تنها باشد و گفت ابو الحسن علیه السلام
آمدند جماعتی نزد ابی جعفر و او بر بساطی نشسته بود که در او صورتها
بود پرسیدند که این چیست گفت که میخواستم که بر بخشم این بساط را
و گفت محمد بن مسلم که ابو جعفر علیه السلام فرمود که باکی نیست نقش
کردن صورتها در خانه در وقتی که تغییر داده شود آن صورت بر وجهی
که موافق صورت اصلی نباشد و نیز گفت که پرسیدم از ابی عبد الله علیه
علیه السلام که مراد چیست از تماثیل که در قول خدای تعالی است که یعملون
له ما یشاء من محاریب و تماثیل آنحضرت گفت که آن تماثیل صورت آدمی

بنود

نبود اما صورت درخت و مانند آن بود و معنی آیه اینست که عمل
میکردند جنیان برای حضرت سلیمان علیه السلام آنچه میخواست
از محرابها و صورتها است و گفت ابو بصیر که گفتم با بی عبد الله علیه السلام
که می اندازند برای ما بالشهای که در او صورتها است و فراموش سا
آن بالشها را آنحضرت گفت که باکی نیست نشستن و راه رفتن بر بساط
و فراشی که در او صورت باشد آنچه مکروه هست آنست که صورت بکشند
بر دیوار یا بر تخت و منقولست از کتاب زهد حضرت امیر المومنین ع
که روایت عقیل بن عبد الرحمن خولانی که عمه من زوجه عقیل بن ابی
طالب بود پس رفتم نزد امیر المومنین علی علیه السلام بکوفه و آنحضرت نشسته بود
بر پلاس کهنه که بر بالای دراز گوش می اندازند پس رفتم نزد زوجه
آنحضرت که از قبیله بنی تمیم بود و گفتم با او که وای بر تو بدرستی که خانه
تو پر از متاع است و امیر المومنین علی علیه السلام نشسته است بر چنان
پلاس کهنه آن زن گفت که ملامت مکن مرا بحق خدا که امیر المومنین نمی
بیند هیچ چیزی خوبی را مگر آنکه میکرد و می اندازد در بیت المال و روایت
کرده است شریک بن عبد الله از شیخی و آن شیخ روایت کرده است از مادر
خود که گفت که دیده زنان امیر المومنین علی علیه السلام را در زیر فراشی
او یا در میان فراش او **باب هفتم** در بیان خوردن و آشامیدن
و آنچه متعلق است بآن و درین باب سیزده فصل است **فصل اول**
در بیان فضیلت طعام دادن و نیکوئی کردن و روزه سنت داشتن

منقولست ازکتاب من لا یحضره الفقیه که کفت حق تعالی که وَمَا اَنفَقتُم
مِن شَیءٍ فَهُوَ یُخلِفُهُ وَهُوَ خَیرُ الرَّازِقِینَ یعنی انچه نفقه میکنید شما در راه
خدا عوض میدهد خدایتعالی شما را واو بهترین روزي دهندها است
ومدح کرده است خدایتعالی در نفقه کردن کسی را که چیزی اندك داشته
باشد ونفقه کند وکفته است که وَیُؤثِرُونَ عَلَی اَنفُسِهِم وَلَو کَانَ بِهِم
خَصَاصَةٌ وَمَن یُوقَ شُحَّ نَفسِهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ المُفلِحُونَ یعنی انکسانی که
اختیار میکنند دیکرانرا برخود در دادن چیزها که نزد ایشانست اکرچه
احتیاج داشته باشند بانچیزها وانکسانیکه نکاه دارند نفس خودرا از
بخیلی پس ایشان رستکاانند وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که
ایمان نیاورده است بخدایتعالی انکسی که پوشیده باشد وبرادر مومن
او برهنه باشد وبعد از ان خواندن این آیه را که وَیُؤثِرُونَ عَلَی اَنفُسِهِم
وَلَو کَانَ بِهِم خَصَاصَةٌ ومعنی این آیه از پیش کذشت ونیز کفت که
انکسی که بیقین میداند که خدایتعالی عوض میدهد آنرا که نفقه میکند
سخی میشود ونفس او در نفقه کردن وروایتست که شنید امیر المومنین
علیه السلام مردی را که بخیل عذرا وبقبول نزدیکتراست از عذر ظالم
انحضرت کفت که دروغ میکوئی بدرستی که کاه هست که ظالم توبه کند و
استغفار میکند وانچه بظلم کرفته است بصاحبانش میدهد وکسی که بخیلست
زکوة وصدقه نمیدهد وصله رحم بجا نمي آرد ومهمانی نمیکند ودر راه خدا
ونیکوئی نمیکند وحرامست بهشت بر بخیل وکفت امام جعفر صادق علیه

ونفقه نمیکند

السلام

السلام که انچه نجات میدهد از آتش دوزخ طعام دادنست وبرهمه
کس سلام کردن ونماز شب کذاردن وقتی که مردم درخواب باشند و
نیز کفت که اکر مردي خرج کند در طعامي هزار درهم وازان طعام
بخورد مردی مومنی که اسراف نکرده باشد وکفت رسول خدا صلی
الله علیه واله وسلم که انکسی که ایمان دارد بخدایتعالی وبروز قیامت
بباید که اکرام کند مهمان خودرا وانکسی که ایمان دارد بخدایتعالی و
بروز قیامت باید که سخنی چیزی بکوید یا خاموش باشد ونیز کفت
که باید که لازم نکرداند کسی بر مهمان چیزیرا که دشوار باشد بدو وکفت
امیر المومنین علی علیه السلام که اول عملی که ابتدا بان میکنند در روز قیامت
بثواب دادن تصدق است وکفت امام محمد باقر علیه السلام که خدایتعالی
دوست میدارد آب دادن تشنه را وانکسی که آب دهد از چهارپایان وغیر
آن خدایتعالی اورا در سایه عرش پناه دهد در روزی که هیچ سایه نباشد
مکر سایه عرش وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که آب دهد
تشنه را که آب یافت شود همچنانست که بنده آزاد کرده باشد وانکسی که
آب دهد تشنه را که یافت نشود همچنانست که زنده کرده باشد نفسی را
وانکسی که زنده کند نفسی را همچنانست که زنده کرده باشد تمام مردم را
ونیز کفت که جمله دوسترین عملها نزد خدایتعالی سیر کردانیدن مومن
است وبردن غم او وادا کردن قرض او وکفت امام موسی علیه السلام
که انکسی نتواند ملاقات کند بما باید که ملاقات کند بشیعه ما که فقیر

آب ۲

باشند وانکسی که نتواند که زیارت کند قبر ما را باید که زیارت کند قبر
ما را باید که زیارت کند قبر مؤمن وبرادران صالح ما را وکفت ابو
عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود
که یکدینار صدقه دادن ده ثواب دارد ویکدینار قرض دادن هجده
ثواب دارد ونیکوئی کردن بابرادران مومن بیست حسنه دارد ونیز
کفت که خدایتعالی فرموده است که هرچیزی که هست تعیین کرده ام که دیگری
که بکیرد آنرا مکر صدقه بدرستی که من بدست خود میکیرم آنرا تا انکه
اکر مردی تصدق کند بیك خرما یا بنصف خرما تربیت میکنم آنرا چنان
که تربیت میکنند کسی که کره اسب خود را یا فرزند خود را که از شیر کرفته
باشند پس میشود آن صدقه در روز قیامت برابر کوه احد ویزرکتر
ازان ونیز کفت که خدایتعالی دوست میدارد طعام دادن را در راه خدا
وبرکت در خانه که طعام میدهند برای خدا زودتر در می آید از کارد
در کوهان شتر وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که اول کسی که
بهشت میرود وبحوض کوثر میرسد نیکوئی است وانکسی که نیکوئی
کرده است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر مومنی که نیکوئی
کند به برادر مومن خود پس آن نیکوئی را برسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم کرده است ونیز کفت که نیکوئی همچو نام خود نیکوست ونیست
چیزی فاضلتر از نیکوئی مکر ثواب آن ومراد از نیکوئی ثوابست ونیست
چنین که هرکه دوست دارد که نیکوئی کند بمردمان نیکوئی کند ونیت

ودوست میدارد
انکسی را که طعام میدهد
در راه خدا

که هرکه رغبت کند در نیکوئی کردن

بچنین

که هرکه قادر باشد بران ونیست چنین که هرکه قادر باشد بران ونیت
چنین که هرکه قادر باشد برای نیکوئی کردن توفیق یابد بر نیکوئی
پس هرکاه جمع شود رغبت وقدرت وتوفیق این هنکام تمام میشود
سعادت ونیکبختی طالب را وانچه مطلوب اوست ونیز کفت که نیکوئی
بصلاح نمی اید مکر بسه خصلت خورد شمردن آن وپنهان داشتن آن
وتعجیل کردن دران بدرستی که چون خورد شماری نیکوئی را بزرک
میشود نزد انکسی که باو نیکوئی کردی وهرکاه پنهان داشتی تمام کردی
اورا وهرکاه تعجیل کردی در نیکوئی کوارنده ساختی آنرا بران کس واکر
نیکوئی این سه خصلت نداشته باشد نیست ونابود کردد ونیز کفت که
هرکاه میخواهی که بدانی که کسی بدبختست یا نیك بخت به بین که نیکوئی
به که میکند پس اکر نیکوئی بکسی میکند که سزاوار نیکوئیست بدانکه اورا
نزد خدایتعالی چیزی هست ونیز کفت که بهترین شما سخی ترین شماست
وبدترین شما بخیل ترین شماست واز ایمان خالص است نیکوئی کردن
به برادر مومن وسعی کردن در حاجتهای ایشان ونیز کفت اکر جوان
بخشنده که کناه بسیار داشته نزدیکتر است نزد خدایتعالی از پیر عابدی
که بخیل باشد وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که انکسی ادا کند
آن چیزیرا که واجب کردانیده است خدایتعالی برو پس او سخی
ترین مردمانست ونیز کفت که نیست ونابود نمیکند هیچ چیز اسلام را
چون بخل وبعد ازان کفت که بخل نرم نرم میرود وسرایت میکند در

ونیت جنبی که هرکه
رغبت کند در نیکوئی
کردن قادر باشد بران
ونیت جنبی که

باشد

ادمي واورا بر چيزهاي بد ميدارد همچون نرم رفتن مورچه وبغل
شاخها دارد همچو شاخ کرز ونيز کفت که يك تر نان بصدقه دادن بهتر
است از عبادت کسي لاغرشدن باشد از عبادت کردن وکفت امام محمد باقر
عليه السلام که نيکويي کردن وصدقه دادن مي برد درويشي را وزياده
ميکند عمر را ودفع ميکند هفتاد نوع مردن بد را وکفت ابو عبدالله
عليه السلام که صدقه دادن بدست خود نکاه ميدارد کسي را از مردن
بد ودفع ميکند هفتاد نوع بلا را وخلاص ميکند از نزاع هفتاد شيطان
که هر کدام از انها وسوسه ميکنند اورا که طاعت نکند وحضرت پيغمبر صلي الله
عليه واله وسلم کفت که صدقه دادن پنهاني مينشاند غضب پروردکار را
وکفت امير المومنين علي عليه السلام که پيروي کنيد سخن رسول خدا صلي الله
عليه واله وسلم را بدرستي که انحضرت کفته است که هر کسي که بکشايد بر خود
در سوال وطلب بکشايد خدا بر وي يك در فقر ودرويشي وکفت امام جعفر
صادق عليه السلام که هر بنده کدا وسوال از کسي کند بحاجت نميرد تا انکه محتاج
کرداند خدايتعالي اورا وثابت اورا بجهة انکه اين سوال در آتش دوزخ ونيز
کفت که مردي بحضرت پيغمبر صلي الله عليه واله وسلم کفت که يا رسول الله
تعليم کن مرا چيزيکه هر کاه بکني آنرا دوست دارد خدايتعالي واهل زمين اورا
انحضرت کفت که رغبت کن در انچه نزد خدايتعالي است تا انکه دوست دارد خدا
تعالي ترا ورغبت مکن در انچه نزد مردمانست تا دوست دارند مردمان ترا
وکفت امام محمد باقر عليه السلام که اکر بدانند مردمان که چه مقدار بلاست

کرد اند

سوال کردن هرکز هيچکس از هيچکس سوال نکنند واکر سخني بدانند که چه
نيکواست بخشند کي رد نکند هيچکس سوال هيچکس را وروايتست که امام
زين العابدين عليه السلام روزي که روزه ميداشت ميفرمود که
دران روز کوسفندي بکشند وپاره پاره کنند اعضاي آن کوسفند را
وبپزند چون شب ميشد نزديك ديك مي آمد تا انکه درمي يافت بوي
شوربا را وروزه نميکشود با آن طعام وميکفت که قدحها بيارند
وپر کنند وبراي فلان جماعت ببرند وبعد از ان نان وخرما ميطلبيد
وبآن روزه ميکشود وکفت حضرت پيغمبر صلي الله عليه واله وسلم که
مومن نيست انکسي که شب سير باشد وهمسايه او کرسنه باشد وکفت
امام جعفر صادق عليه السلام که انکسي که بکشايد روزه روزه دار را
اورا ثواب مثل ان روزه دار است وکفت رسول خدا صلي الله عليه واله
که هر که بکشايد روزه مومني را بجهة اين نزد خدايتعالي ثواب آزادي
بنده است وميامرزد خدايتعالي کناهان کذشته اورا کسي کفت يا رسول الله
همه ما قادر نيستيم که بکشائيم روزه روزه دار را انحضرت کفت که حق
تعالي کريمست ميدهد اين ثواب را بانکسي که بکشايد روزه روزه دار را
باندك شيري يا شربت آبي يا بخرماي چندي وقادر نباشد بر زياده
ازين وکفت امام رضا عليه السلام که روزه برادر مومن کشودن
فاضلتر است از روزه داشتن وکفت رسول خدا صلي الله عليه واله وسلم
باصحاب خود که آيا خبر دهم شما را بچيزيکه اکر بکنند انچيز را دور شود

وقدحي

شیطان از شما همچنانکه دور است مشرق از مغرب اصحاب گفتند
بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که روزه داشتن سیاه میکند روی
شیطانرا و صدقه میشکند پشت شیطانرا و دوستی کردن برای خدا
و یاری کردن کسی را بر عمل صالح بیخ و بنیاد میکند شیطانرا و استغفار
کردن قطع میکند رگ دل شیطانرا و هلاک میسازد او را و بعد از آن
آنحضرت گفت که هر چیزیرا زکاتیست و زکاة بدن روزه داشتن است و
نیز گفت که روزه دار در عبادتست و اگر چه در خواب باشد بر فراش خود
مادام که غیبت نکند مسلمانیرا و نیز گفت که خدایتعالی فرموده است
که روزه داشتن برای منست و من جزا میدهم روزه دار را بجهت روزه
داشتن و روزه دار را دو فرح یکی در محل افطار کردن و در محل ملاقات
بحق تعالی و بحق آنکسی که نفس محمد در قبضهٔ قدرت اوست که بوی دهن
روزه دار نزد خدایتعالی از بوی مشک بهتر است و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اوایل پیغمبری
بعضی اوقات روزه میداشت بر وجهی که مردمان میگفتند که دایم روزه
خواهد داشت و گاهی روزه نمیداشت بر وجهی که میگفتند که دیگر روزه
نخواهد داشت و بعد از آن یکروز روزه میداشت و یکروز روزه نمیداشت
و بعد از آن روز دوشنبه و پنجشنبه روزه میداشت و بعد از آن باین
قرار داد که از ماهی سه روز روزه دارد پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه
میان ماه و پنجشنبه آخر ماه و میگفت که هر که اینچنین روزه دارد همچنان

که همه عمر روزه داشته باشد و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که هر
سه روزه بدارید از ماهی باید که جدل و نزاع نکنید بکسی و شتاب
نکنید بسوگند خوردن بخدایتعالی و اگر کسی نسبت بشما جفائی کند از روی
نادانی از وی تحمل کنید و گفت امیر المومنین علی علیه السلم که یکماه روزه
داشتن از صبر است و سه روز روزه داشتن از هر ماهی مثل روزه داشتن
تمام عمر است بدرستی که خدایتعالی میگوید که مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ
عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هر که یک نیکوئی کند مر او راده نیکوئیست پس سه روز
روزه داشتن تمام ماه است پس سه روز روزه داشتن تمام عمر است
و روایتست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام را از کسی که سه
روز روزه ندارد از هر ماهی بجهت آنکه دشوار باشد بر روزه داشتن که
آیا بدل دارد این روزه گفت بلی بدل او هر روز یکمد طعام بدهد و
و گفت امیر المومنین علی علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که یکروز روزهٔ سنت بدارد خدایتعالی او را ببهشت ببرد
و گفت ابو عبد الله علیه السلم که افطار کردن در منزل برادر مومن
فاضلتر است هفتاد بار یا نود بار از روزه داشتن و نیز گفت که هر که
نزد برادر مومن بیاید و روزه دار باشد و آن برادر او را مهمانی کند
و او افطار کند نزد آن برادر مومن و نگوید که روزه دارم و منت نهد
بر آن برادر بنویسد خدایتعالی برای او ثواب روزهٔ یکساله و روایتست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که افطار میکرد میگفت

روزه ٣

از هر ماهی روزه داشتن ٣

اللهم لك صمت وعلى رزقك افطرت **فصل دوم** در آداب دست
شستن منقولست از کتاب من لایحضره الفقیه و غیر آن که کفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم که انکسی که میخواهد که بسیار شود خیر او
باید که دست خود را بشوید نزد حاضر شدن طعام و نیز کفت که جمع
کنید آب دست شستن را تا جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را و نیز کفت
که دست شستن را جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را و نیز کفت که دست
شستن پیش از طعام می برد درویشی را و بعد از طعام خوردن میبرد
دیوانکی را و صحت میدهد چشم را و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که انکسی که بشوید دست خود را پیش از طعام برکت میدهد خدای تعالی
او را در اول طعام و آخر طعام و بفراغت میکذراند مادامی که زنده است
و عافیت می یابد از رحمتی که در بدن اوست و نیز کفت که بکیرید بدندان
خود سعد را بدرستی که خوشبو میکرداند دهن را و زیاده میکند قوة باه را
و سعد کیاهیست خوشبو و نیز کفت که انکسی که بشوید دست خود را
پیش از طعام خوردن باید که خشك نکند برومال و مانند آن بدرستی که
همیشه در طعام برکتست مادام که دست تراست و کفت حضرت پیغمبر صلعم
وقتی که طعام خورید باید که پاك نکنید دست خود را بدستمال تا انکه
بلیسید دست خود را و نیز کفت که باید که پیش از طعام خوردن اول صاحب
منزل دست بشوید و بعد از ان کسی که بجانب راست اوست و بعد از طعام
ابتدا کند از انکسی که برجانب چپ صاحب منزلست بدرستی که صاحب منزل

خوردن و بعد از طعام نیز

سزاوارتر است بصبر کردن بر بوی طعام و دست خود را پاك کند بعد
از دست شستن بدستمال و مانند آن و روایتست که امام جعفر
صادق علیه السلام پاك کرد دست خود را از طعام پیش از دست شستن
مالید دست خود را بر سر و روی خود پیش از انکه پاك کند بدستمال و
کفت اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ و کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که دست شستن پیش از طعام و بعد از
طعام می برد درویشی را همچنانکه دم آهنکران میبرد کثافت آهن و بفراغت
میکذراند مادامی که زنده است و فرشتکان طلب آمرزش میکنند برای
انکس که می لیسد انکشتان خود را در آخر طعام و روایتست که امام
جعفر صادق علیه السلام مکروه میداشت نزد دست شستن برداشتن
طشت را پیش از انکه پر شود و چون پر میشد آب آنرا میریختند و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که انکسی که دوست میدارد که بسیار شود
خیر او در منزل او باید که دست خود را بشوید پیش از طعام و بعد از
طعام بدرستی که انکسی که چنین کند بفراغت بکذراند مادامی که زنده است
و عافیت یابد از رحمتی که در بدن اوست و نیز کفت که وقتی که دست
خود را بشوید بعد از طعام باید که بمالید بر چشمهای خود دست تر را
بدرستی که امانست از درد چشم و کفت صفوان الجمال که ما بودیم نزد ابی
عبدالله که خوان طعام آوردند پس خادم آمد و آب دست و انحضرت دست
شست و خادم خواست که مندیل بانحضرت بدهد که دست خود را خشك

آوردم

کند آنحضرت قبول نکرد وکفت ما دست خود را بشستیم از نجمه که دست
مانع باشد در وقت طعام خوردن وکفت ابو عبد الله علیه السلام
که دست شستن پیش از طعام میبرد درویشی را و زیاده میکند روزی را
ومنقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت ابو جعفر علیه السلام
که دست شستن پیش از طعام می برد درویشی را وکفت یونس که
یکنوبتی ابو الحسن علیه السلام بمنزل من آمد چون حاضر شد طشتی آوردند
آنحضرت دست بشوید وآنحضرت در مجلس بود کفت بمن که ابتدا کن بکسی
که در جانب راست تواست چون یکی دست شست خواست غلام که بردارد
طشت را آنحضرت کفت که بکذار طشت را تا دیکران هم دست بشویند و
کفت مدرکه دیدم ابو الحسن علیه السلام را وقتی که دست میشست
بعد از طعام دست خود را بدستمال خشک میکرد ودر کتاب معالید
الصادقین آورده است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم چون
که وقتی فارغ میشد از دست شستن بعد از طعام میمالید دست تر را
بر روی خود ومیکفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدانا وَاَطْعَمَنا وَسَقانا وَکُلّ
بِنائٍ صالِحٍ اَوْلانا **فصل سیوم** در آداب چیزی خوردن وانچه
متعلق است بآن منقولست از کتاب طب الائمه که کفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یاد کنید خدا یتعالی را نزد طعام خوردن وسخنان بیهوده
مکوئید وقت طعام خوردن بدرستی که طعام نعمتی است از نعمتهای خدای
تعالی وواجبست بر شما حمد وشکر کفتن بر نعمتهای تعالی ونیکو عمل کنید

وبعد از طعام

وبعد از طعام

خدای

بانعمت پیش از آنکه فارغ میشوید از نعمت بدرستی که نعمت چون بر
طرف کواهی میدهد بر صاحب خود بآن عمل که با خود کرده است ونیز
کفت که وقتی که بنشینید بطعام خوردن باید که بنشینید همچون نشستن
وطعام بخورید بر روی زمین وچهار زانو منشینید بدرستی که خدای
تعالی دشمن میدارد چهار زانو نشستن را وخشم میکند برکسی که چهار
زانو می نشیند وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار مکث کنید
در طعام خوردن بدرستی که این ساعتی است که حساب نمیشود از
عمر شما ومنقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که کفت امام حسن
علیه السلام که در طعام دوازده خصلت است که واجبست بر هر مسلمانی
که بداند آنها را چهار از آن خصلتها واجبست وچهار سنت وچهار ادب اما
انچه واجبست شناختن آنست که این نعمت از خدا یتعالی است وراضی شدن
انچه خدا یتعالی باو داده است وبسم الله کفتن است پیش از طعام وشکر
کردن است بعد از طعام واما آن چهار که سنت است دست شستن است
پیش از طعام وشستن بر جانب چپ وطعام خوردن بسه انکشت ولیسیدن
انکشتان اما انچه ادبست طعام خوردنست از پیش خود ولقمه خورد برداشتن
وبسیار خائیدن وکم نظر کردن در رویهای مردمان وقت طعام خوردن
وکفت عمرو بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر بمدینه ودر پیش آنحضرت جوانی
بود وآنحضرت طعام میخورد پرسیدم که چه عمل می باید کرد با خوان طعام

شود

بندها

آنحضرت کفت که هرکاه خوان بنهی بسم الله بکو وهرکاه بر داری حمد
بکو خدایتعالی را وبخور از کرد خوان اینست آن عملی که باید کرد بخوان
طعام وکفت محمد بن ولید که طعام خوردم نزد ابی جعفر تا آنکه فارغ
شدم از طعام خوردن وخوانرا بر داشتند پس میخواست غلام که آنچه بخته
بود از طعام بر زمین بر دارد آنحضرت کفت که آنچه در صحرا بیفتد از طعام
بکذار واکر چه ران کوسفندی باشد وآنچه در خانه بیفتد پی روی کن
وبر دار آنرا وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آنکسی که بیابد
ریزه طعام یا خرمائی وبخورد آنرا هنوز آنچیز در شکم او باشد که خدا
بیامرزد او را وروایتست که امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم با میر المؤمنین
علی علیه السلام که یا علی در وقت طعام خوردن ابتدا کن بنمک بدرستی که
در وی شفا است از هفتاد درد که از جمله آنها دیوانکی وجذام ودرد حلق
ودرد دندان ودرد شکم است وکفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که سه بار انکشت بنمک زدن وخوردن پیش از
طعام وبعد از طعام خوردن دور میکند از بنی آدم هفتاد ودو نوع بلا
که از جمله آن بلاها دیوانکی وجذام وبرص است وکفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که ابتدا کنید بنمک در طعام خوردن پس اکر مردمان بدانند
که چه خاصیتها است در نمک اختیار کنند نمک را وبکذارند تریاک فاروق
را وکفت ابو عبد الله علیه السلام که ما ابتدا میکنیم بنمک در طعام خوردن

کار

وختم میکنیم بر سرکه وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که خوب نان خورشیت سرکه ومحتاج نمیشوند اهل خانه که در آن خانه
سرکه باشد وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که هرکاه مائده بنهند چهار فرشته در کرد او ورد
می آیند پس وقتی که بنده بسم الله بکوید آن فرشتها میکویند
بشیطان که بیرون رو ای فاسق که دستی نیست ترا بر اهل این طعام
وهرکاه فارغ شوند از طعام خوردن بکویند الحمد لله فرشتکان میکویند
که این قومی اند که خدایتعالی نعمت داد بایشان وایشان شکر آن نعمت
کفتند وهرکاه بنده بسم الله نکوید آن فرشتها میکویند بشیطان
که ای فاسق نزدیک شو طعام بخور بایشان وهرکاه خوان طعام بر
داشتند وحمد نکفتند خدایتعالی را آن فرشتها میکویند که این قومی
اند که خدایتعالی بایشان نعمت داد وایشان فراموش کردند از بی
بهره کاری خود وشکر آن نعمت نکفتند وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله با میر المؤمنین علی ع که یا علی هرکاه طعام میخوری بسم الله
بکو وبعد از آن شروع کن در طعام خوردن وچون فارغ شدی از
طعام خوردن الحمد لله بکو که آن دو فرشته که موکل تواند حسنات
مینویسند برای تو تا وقتی که طعام تمام شود وکفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که هر که بسم الله بکوید نزد طعام خوردن من ضامنم
که آن طعام او را ضرر نکند ابن الکوا کفت که یا امیر المؤمنین دوش طعام

بخوردم و بسم الله گفتم وضرر کرد آن طعام مرا آنحضرت گفت

چند نوع طعام خوردی و بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی نگفتی از جهة

ضرر یافتی ای لیثم و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی چند نوع

طعام نزد او حاضر شود و او فراموش کند بسم الله علی اوله و آخره

و نیز گفت که هرگز طعام در معدهٔ من فاسد نشد بجهة آنکه هرگاه طعام

خوردم ابتدا ببسم الله کردم و چون فارغ شدم از طعام الحمد لله

گفتم و نیز گفت که وقتی که کسی سیر شد نفس طغیان میکند پس باید که

کسی آنقدر طعام نخورد که سیر شود و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام

به پسر خود امام حسن علیه السلام که ای پسر من هر لقمه که از طعام

بخوری خواه گرم و خواه سرد و هر شربتی و جرعه که بیاشامی باید که پیش

از آن بگوئی اللهم انی اسألك فی اکلی و شربی السلامة من وکه و القوة

به علی طاعتك و ذکرك و شکرك فیما بقیة فی بدنی و ان تشجعنی

بقوتها علی عبادتك و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتك بدرستی

که اگر این کار بکنی ایمن میشوی از مشقت و سختی و در روایتست که چون

خوان طعام را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می نهادند میگفت

اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة و در روایتست که حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که دست خود بر طعام می نهاد میگفت

بسم الله بارك لنا فیما رزقتنا و علیك خلفه و در روایتست که حضرت

امام زین العابدین علیه السلام چون طعام میخورد می گفت الحمد لله الذی

کفتی را نزد خوردن
هر یک از آن طعام ها
چون بیادت آید باید که
بگوید بسم الله

اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل

الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و گفت امام محمد باقر علیه السلام که سلیمان

علیه السلام وقتی که فارغ میشد از طعام خوردن میگفت اللهم اکثرت

و اطیبت فزد و اشبعت و ارویت فهنه و روایتست که امام جعفر

صادق علیه السلام وقتی که طعام میخورد میگفت الحمد لله اطعمنا

فی جایعین و سقانا فی ظامئین و کسانا فی عارین و هدانا فی ضالین

و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و اخدمنا فی عانین و فضلنا علی

کثیر من العالمین و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

که وقتی که برداشته شود خوان طعام بگو الحمد لله رب العالمین

اللهم اجعلها نعمة مشکورة و منقولست از کتاب نجات که وقتی که

طعام خوردن میباید خواند این دعا را که الحمد لله الذی یطعم

و لا یطعم و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه اللهم لك

الحمد علی ما رزقتنی من طعام و ادام فی یسر و عافیة من غیر کد

منی و لا مشقة بسم الله خیر الاسماء رب الارض و السماء بسم الله

الذی لا یضر مع اسمه داء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

و هو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره و اعذنی

من شره و امتعنی بنفعه و سلمنی من ضرره دیگر که نزد فارغ

از طعام میباید خواند الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی و سقانی فارونی

و صاننی و حمانی الحمد لله عرفنی البرکة و الیمن بما اصبته و برکته

منه اللهم اجعله هنیئاً مریئاً ولا وبیاً ولا دویاً وابقنی بعده سویاً
قائماً بشکرك محافظاً علی طاعتك وارزقنی رزقاً داراً واعفنی عفواً
قاراً واجعلنی ناسکاً باراً واجعل ما یتعلقانی فی المعاد مبتهجاً
برحمتك یا ارحم الراحمین ومنقولست از کتاب بصائر که روایت
کرده است محمد بن جعفر العاصم از پدر خود وپدر او روایت کرده
است از پدر خود که گفت که حج کردم وبا من جماعتی از یاران من بودند
پس آمدیم بحوالی مدینه وقصد کردیم که جای فرود آییم پس استقبال
کرد ما را غلام امام موسی علیه السلام وسوار بود برد راز گوش سبز واز
عقب ما طعام آوردند وما فرود آمدیم در نخلستان وآنحضرت آمد
وفرود آمد در آن منزل وفرمود که طشت وآفتابه آوردند که دست
بشویند آنحضرت اول هر دو دست خود را شست وفرمود گردانید طشت را
بجانب راست آنحضرت تا آنکه رسید با آخر آن مجلس وبعد از آن گردانیدند
طشت را بجانب چپ آنحضرت تا آنکه رسید بآخر مجلس وبعد از آن نمک
آوردند وآنحضرت ابتدا بنمك کرد وگفت بسم الله الرحمن الرحیم
بگوئید وطعام بخورید وبعد از آن بدرستی که این طعامیست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دوست میداشت وبعد از آن فرمود که سر که
وروغن زیتون آوردند وگفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید
وبخورید بدرستی که فاطمه دوست میداشت این طعام را وبعد از آن
فرمود که سکباج آوردند وگفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید

طعام ۳

وبخورید بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه السلام دوست میداشت
این طعام را وسکباج قلیه ترشیست که از سرکه وگوشت وپیاز وادویه
حاره می پزند وبعد از آن فرمود که گوشت بریانی که در روبادنجان
بود آوردند وگفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید
بدرستی که امام حسن علیه السلام دوست میداشت این طعام را و
بعد از آن فرمود که دوغ ترشی آوردند که در وی نان ترید کرده
بودند وگفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید بدرستی که امام
حسین ع دوست میداشت این طعام را وبعد از آن فرمود که گوشت
پخته آوردند وگفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید که امام
زین العابدین علیه السلام دوست میداشت این طعام را وبعد از آن
فرمود که پهلوی گوشت آوردند که با دار وهای گرم پخته بودند وگفت
بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید که امام محمد باقر
دوست میداشت این طعام را وبعد از آن فرمود که خاگینه آوردند وگفت
بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید که دوست میداشت
امام جعفر صادق علیه السلام این طعام را وبعد از آن حلوا آوردند وگفت
بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید وبخورید بدرستی که من دوست میدارم این را
وبعد از آن فرمود که خوان طعام برداشتند پس خواست که یکی از ما برچیند
انچه ریخته بود از خوان طعام آنحضرت منع کرد وگفت که انچه در خانها
می افتد از خوان طعام برمی باید داشت اما در مثل اینجا که صحراست انچه

ویر

در چیند

مي افتد از خوان طعام براى مرغان وحيوانات مي بايد كذاشت وبعد
فرمود كه خلال آوردند وكفت كه طريق خلال كردن آنست كه اول
بكردانيد زبان خود را در دهن خود آنچه جدا شود بزبان فرو بريد وآنچه
جدا نشود بزبان بخلال بكنيد وبيرون آوريد از دهن وبيندازيد
وبعد از آن طشت وآب دست شستن طلبيد واول انكسى كه بجانب چپ
آنحضرت نشسته بودند دست شست تا آخر مجلس از جانب چپ دست شستند
وبعد از آن انكسى كه بجانب راست آنحضرت نشسته بود دست شست
پس تا آخر مجلس از دست راست دست شستند وبعد از آن آنحضرت كفت
اي عاصم شما چكونه بايكديكر آميزش ونيكويي ميكنيد عاصم كفت نيكو
ترين وجهي آنحضرت كفت كه اكر يكي از شما در محل تنكي بمنزل برادر مؤمن
خود بيايد وبكويد كه كيسه زر را بيرون آورند وانكس بردارد انكيسه را
وآن مقدار از زر كه احتياج دارد بردارد آيا آن برادر مؤمن را بد
مي آيد كفت عاصم كه آري آنحضرت كفت كه آميزش شما نيست بر نيكوترين
وجهي ومنقولست از كتاب طب الائمه كه كفت ابو عبد الله عليه السلام كه چيزي
مخوريد در وقت راه رفتن مكر آنكه ضرورت باشد وكفت عمر بن ابي
شعبه كه ديدم ابا عبد الله عليه السلام كه تكيه كرده چيزي ميخورد وكفت كه
رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم تكيه كرده چيزي نخورد تا آنكه از دنيا
رحلت فرمود وكفت امير المؤمنين علي عليه السلم كه هرچه مي افتد از خوان
طعام بدرستى كه دروشفا است از هر دردي هرانكسى را كه طلب شفا كند

بان ومنقولست از كتاب فردوس كه كفت انس كه حضرت پيغمبر ص
فرمود كه انكسى كه بخورد آنچه از خوان طعام بفراغت بكذراند مادام
كه زندكاني كند وعافيت يابد از جذام فرزندان او وكفت حضرت پيغمبر ص
كه ياد كردن طعام را مي برد بركت طعام را وروايتست كه ديد حضرت پيغمبر
صلى الله عليه واله وسلم ابو ايوب انصاري را كه بر مي چيد آنچه از خوان طعام
ريخته بود آنحضرت كفت كه بركت ست مر ترا ابو ايوب كفت كه اكر غير من اين
كار بكند بركتست او را آنحضرت كفت بلي انكسى كه اين كار كند كه تو كردي
آنچه در حق تو كفتم در حق او نيز هست وآنحضرت كفت كه انكسى كه اين
كار بكند نكاه دارد خداي تعالى او را از ديوانكى وجذام وبرص وفرزند
آب وبيعقلى وكفت عالم آل محمد كه آن امام محمد باقر است كه سه چيز است
كه حساب نميكنند آنرا بر مؤمن طعامي كه بخورد واز وجه حلال و
جامه كه بپوشد از وجه حلال وزن صالحه كه ياري كند او را واو محفوظ
ماند بسبب آن زن دين او وكفت امير المؤمنين علي عليه السلام كه
بكذاريد طعام كرم را كه سرد شود تا باساني توان خورد بدرستي كه
نزد رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم طعام كرم آوردند آنحضرت
كفت بكذاريد كه سرد شود تا باساني توان خورد بدرستي كه خداي
تعالى آتش را طعام نكرده ما را وبركت در طعام سرد است ودر طعام
كرم بركت نيست وكفت حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم كه انكسي كه
بليسد كاسه را صلوات فرستند فرشتها ودعا ميكنند كه تا روزي او

فراخ میشود و بنویسند برای او حسنات بسیار و نیز کفت که انکه
طعام بخورد وقتی که معده او خالی باشد و نیکو بخاید طعام را و ترک
کند طعام خوردن را هنوز میل داشته باشد و نکاه ندارد و غایط را
وقتی که تقاضا شود بیمار نشود مکر بیماری موت و کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که هرکاه می آوردند برای حضرت پیغمبر میوه نو
باوه آنحضرت می بوسید آنرا و بر چشم خود می نهاد و میکفت اللهم
اریتنا اولها فی عافیة فارنا اخرها فی عافیة یعنی بار خدایا نمودی
بمن اول این میوه را بعافیت پس بنما اخر او را بعافیت و نیز کفت که سزا
وار نیست خواب کردن مر کسی را که بسیار پیر باشد مکر انکه سیر باشد
بدرستی که پیری که سیر است بفراغت تر خواب میکند و خوشبوتر
میشود دهن او و کفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که عجبست از
کسی که خود را نکاه میدارد از ترس بیماری و در رد که چون نکاه
میدارد از کناه از آتش دوزخ و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام
که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که بطلبند شما را بطعام
باید که ببرید فرزند خود را همراه خود بدرستی که اکر چنین نکنید انچه
میخورید حرامست و بمنزله عاصی و کناهکار میروید و نیز کفت که رسول
خدا فرمود که انکسی که بیشتر آروغ زند بجهة بسیار طعام خوردن
او بیشتر خواهد بود در روز قیامت و نیز کفت که وقتی که حاضر شود
خوان طعام نزد جماعتی یکی از آن جماعت بسم الله بکوید کافیست از همه

ونیز

و نیز کفت وقتی که خوان طعام نهاده شود بسم الله بکوید و وقتی
که طعام میخوری بکو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان طعام
برداشته شود الحمد لله بکوید و نیز کفت که هرکاه چند رنک طعام
حاضر شود بسم الله بکوید نزد خوردن هر طعامی راوی کوید که کفتم
که اکر فراموش کنم چکونه است آنحضرت کفت هرکاه بیاد تو آید بکو
بسم الله علی اوله و آخره و کفت امام رضا علیه السلام که هرکاه طعام بخوری
بعد از انکه فارغ شوی از طعام خوردن باید که بر پشت بیفتی و پای راست را
بر بالای پای چپ نهی و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار پر
خوردن مکروهست و نیز کفت که انکسی بخورد طعامی که او را نطلبیده
باشند بآن طعام پاره از آتش است و منقولست از کتاب زهد حضرت امیر
المؤمنین که روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلام که کفت امیر المؤمنین
علیه السلام که نکاه دارید خود را از کناه که هیچ چیز سخت تر و شنیع تر
از کناه نیست و محروم نمیشود کسی از روزی مکر از کناه و کناه سبب خود
و اندوه و مصیبت و نکبت میشود چنانکه خدای تعالی فرموده است که و ما
اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر یعنی آنچه مصیبتی
که بشما میرسد بجهة کسب شماست و حال انکه خدای تعالی عفو میکند
بسیاری از کناهان شما را و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بسیار
یاد کنید خدای تعالی را وقت طعام خوردن و نافرمانی مکنید بدرستی
که طعام نعمتی است از نعمتهای خدای تعالی و نیکو عمل کنید بنعمت پیش از انکه

از مید دادن خود علیه ال

فارغ شوید از نعمت بدرستی که نعمت چون برطرف شود کواهی دهد
بر صاحب خود بآن عملی که کرده است با او وآنکسی که خشنود باشد
خدایتعالی از و باید کی از عمل و بپرهیزید از تقصیر کردن در عمل با خد
نخورید در محل که حسرت خوردن فایده ندهد و هرگاه بدو رسید
بدشمن در جنگ کم سخن کنید و بسیار یاد کنید خدایتعالی را و پشت بد
مکنید و مکریزید تا خدایتعالی غضب نکند بر شما و مستوجب غضب
خدایتعالی نشوید وآنکسی که خواهد که بداند که چکونه است قدر و
منزلت او نزد خدایتعالی نزد او در محل گناه کردن پس همچنانست منزلت
او نزد خدایتعالی و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت مردک
بن عبید که کفتم با مام جعفر صادق علیه السلام که اکر مردی بکذرد بر
زراعتی جایز است که خوشه از آن زراعت تصرف کند آنحضرت کفت نی کفتم
خوشه چه چیز است که جایز نباشد تصرف کردن آن آنحضرت کفت که اکر
هرکس بکذرد بر زراعتی و خوشه بکیرد باقی نمی ماند از آن زراعت چیزی
و منقولست از کتاب که جمع کرده است پدر من در آداب که کفت فضل
بن یونس که روزی من در سر منزل خود بودم خادم من آمد و کفت
که بر در سرای مردیست که کنیت او ابو الحسن است و نام او موسی بن جعفر
کفتم ای غلام اکر اینمرد آنکس است که من کمان می بردم تو آزادی قربة الی الله
پس پیش رفتم آنکس بود که من کمان بردم کفتم فرود آی ای سید من
آنحضرت فرود آمد در مجلس خواستم آنحضرت را در صدر مجلس بنشانم

ازخدایتعالی باید که
از روزی خشنود
منشود خدایتعالی

کفت

کفت ای فضل صاحب منزل سزاوارتر است بصدر مجلس مکر آنکه در میان
قوم مردی از بنی هاشم پس کفتم که فدای تو کردم تو که از بنی هاشمی
چون نشست کفتم فدای تو کردانند خدایتعالی مرا حاضر شده است
طعامی بر آن اصحاب اکر میخواهی بیارم آنحضرت کفت ای فضل مردمان
میکویند که این طعامیست که بجز بهره رسیده است و مکروه میدارند
خوردن این طعام را اما نزد من قصور ندارد پس فرمودم غلام را
که طشت آورد و نزدیک آنحضرت رفت آنحضرت کفت الحمد لله الذی
لکل شیء حدا یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که تعیین کرده برای
هر چیزی حدی و فایده کفتم فدای تو کردم فایده دست شستن چیست
آنحضرت کفت که فایده دست شستن پیش از طعام آنست که ابتدا کند باد
صاحب منزل تا آنکه خوشحال شوند مهمانان چون نهاد پیش آنحضرت
طشت را آنحضرت کفت بسم الله چون طشت را برداشت آنحضرت حمد
و ثنا کفت خدایرا و بعد از آن خوان طعام آورد کفتم چیست فایده این
آنحضرت کفت که بسم الله کفتن وقتی که بنهند خوان طعام را و حمد کفتن
خدایتعالی وقتی که بردارند خوان را و بعد از آن خلال آورد کفتم که
فایده خلال کردن چیست آنحضرت کفت که شکستن سر خلال تا آنکه
کوشت بن دندان را خونین نکند پس کوزه آب آورد کفتم که فایده
آب خوردن چیست آنحضرت کفت که فایده آنست که از پیش دستر و
از آنجا که شکسته باشد آب نخورند بدرستی که این هر دو جا نشستن

باشد

شیطانست وهرکاه خواهی که آب بخوری بسم الله بکو وچون فارغ
شوی از آب خوردن حمد وثنا بکو خدای تعالی را وچون فارغ شوی
از طعام خوردن ای فضل میباید که صاحب خانه بعد از همه دست بشوید
آنحضرت فرمود که خلیفه فرموده است که تو ده هزار درهم بفلان جماعت
بدهی ومن میخواهم که این مبلغ را نقد بایشان بفرستی کفتم فدای تو
شوم کردم اکر این از دست من بیرون رود باز بمن نخواهد رسید آنحضرت
کفت که تو نقد بفرست بایشان که بایشان نخواهد رسید واکر برسد
بتو عود خواهد کرد انشاء الله تعالی وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که یا رسول الله ما طعام میخوریم وسیر نمیشویم آنحضرت
کفت که شما جدا جدا طعام میخورید بجهة آن سیر نمیشوید یکجا جمع
شوید در طعام خوردن وبسم الله بکوئید تا خدای تعالی شما را برکت
دهد وکفت ابن عمر که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هرکاه
خوان طعام پیش کسی بیارند باید که از پیش خود بخورد واز پیش انکه
با او طعام میخورد نخورد واز میان طعام نخورد بدرستی که برکت از
میان طعام است ونباید که کسی با کسی طعام میخورد خجل میشود وشاید که
هنوز سیر نشده باشد وکفت انس که رسول خدا صلی الله علیه واله طعام
نخورد بر خوان ونه در پیاله خورد ونان تنک نخورد کسی کفت با انس که
بر چه چیز طعام میخورد آنحضرت انس کفت بر سفره ومنقولست از کتاب
روضة الواعظین که روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام که کفت

ابو جعفر که شبی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بودم
من آروغ میزدم بجهة انکه طعام بسیار خورده بودم آنحضرت کفت طعام
کمتر خور بدرستی که انها که سیرترند در دنیا کرسنه تر خواهند بود
در روز قیامت وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نور
حکمت در دوستی مسکینان ودر رویشان است ودر نزدیکی بایشان ونیز
کفت که باید که نمیرانید دلهای خود را بر بسیار خوردن طعام وآب
بدرستی که دلها میمیرند بجهة بسیاری طعام وآب همچنانکه زراعتها
ضایع میشود بجهة بسیاری آب ونیز کفت که سیر مخورید بدرستی که
نمیماند نور معرفت در دلهای شما وانکسی که شب بروز آورد ونماز کذارد
واندرون او خالی باشد از طعام شب بروز می آورند حور عین در کرد او
وروایت است که پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که چه
چیزاست که بیشتر مردم را نزاید ودوزخ میبرد آنحضرت کفت شکم وفرج
ونیز آنحضرت کفت که انکسی که طعام حلال میخورد می ایستد بر سر او فرشته
در وقت طعام خوردن واستغفار میکند برای او تا انکه فارغ از طعام
خوردن ونیز کفت که هرکاه کسی لقمهٔ حرامی بخورد لعنت میکند بر او همه
فرشتهٔ که در آسمان وزمین است وما دامی که آن لقمه در اندرون
وست حق تعالی باو نظر نکند وانکسی که لقمهٔ از حرام بخورد سزاوار
بغضب خدای تعالی واکر توبه کند خدای تعالی قبول میکند توبهٔ او را
واکر بی توبه بمیرد دوزخ سزاوار تراست باو فصل چهارم در آداب

شرب وانچه متعلق است بآن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم کفت که ظرف طلا ونقره متاع جماعتی
که یقین ایشان بخدا تعالی درست نیست وکفت امام محمد باقر علیه
السلام که چیزی مخورید در ظرف طلا ونقره وروایتست که ابو عبدالله مکروه
میداشت در ظرف نقره وقدح نقره کوفت ومکروه میداشت که روغن
بمالند از روغن دان نقره کوفت وشانه کنند بشانه نقره کوفت واکر
ناچار باشد از آشامیدن قدح نقره کوفت باید که دور کرداند دهن
از موضع نقره وروایتست که ابو عبدالله علیه السلام آب طلبید برای
آنحضرت قدحی از رویی آوردند که در وآب بود پس کفتند بعضی از اهل
مجلس که بعضی که عباد بصری مکروه میدارد آبخوردن از قدحی که از
رویی باشد آنحضرت کفت که از وی بپرسید که این قدح از طلاست یا نقره
که مکروه آبخوردن را ودر روایتست که پرسیدند امام جعفر صادق
علیه السلام را از آب خوردن بیکدم آنحضرت کفت انکسی که بتو آب میدهد
اکر بنده تست بسه دم آبخورد واکر آزادست بیکدم بخور ودر روایتی
دیکر آمده است واین روایت صحیح است که آنحضرت کفت که بسه دم آبخوردن
بهتر است از یکدم وآنحضرت مکروه میداشت آب خوردن را بطریق شتر
دعائی که می باید خواند بعد از آب خوردن الحمد لله الذي منزل الماء
من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام که آمدند نزد پدر من جماعتی وکفتند

میداری

که فرموده که هر چیزی را حدیست کفت پدر من که بلی بعد از ان آبی
طلبید که ایشان بخورند کفتند یا ابا جعفر کوزه هم چیزیست از ان چیزها
که حد دارد کفت بلی کفت حدا وچیست کفت حد او اینست که آب بخوری
از میان لب کوزه وذکر خدا تعالی بکویی وبسه دم آب بخوری وهر دم
آبی که بخوری حمد خدا تعالی بکویی الحمد لله الذي سقانا ماء عذبا
ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبي وروایتی دیکر واقع شده است آن
دعا را که کذشت می باید خواند یا این دعا که اللهم سقاني فاروانی
واعطاني فارضاني وعافاني فکفاني اللهم اجعلني ممن تسقیه في
المعاد من حوض محمد صلی الله علیه واله وتسعد بموافقته برحمتک یا ارحم
الراحمین وکفت عبدالله بن مسعود که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
بسه دم آب میخورد وپیش از هر دم بسم الله میکفت وبعد از هر دم شکر
خدا تعالی را وکفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم نهی کرده
از ایستاده آب خوردن ایستاده طعام خوردن چون آنحضرت کفت که
ایستاده طعام خوردن بدتر است از ایستاده آب خوردن ونیز کفت انس که
آنحضرت ایستاده آب خورد ودر روایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق
علیه السلام که طعم آب چیست آنحضرت کفت که طعم آب زندکانیست وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام باید که بسه دم آب بخورید ودر هر دم
شکر بکویید اول شکر بکویید برای آب خوردن ودوم بجهة راندن
شیطان وسیوم بجهة شفای آب در اندرون شما وکفت ابن عباس

ها
حل ۲
کفتم ۲

که دیدم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آب خورد بدو دم
و روایتست که پرسیدند از امام موسی علیه السلام که چیست حد ظرف
که از و آب میخورند آنحضرت گفت که حد او آنست که آب نخورند از موضع
شکسته اگر شکسته باشد بدرستی که جای نشستن شیطانست پس
وقتی که آب میخوری بسم الله بگو و چون فارغ شوی از آب خوردن
حمد بگو خدای تعالی را و گفت عمرو بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر علیه
السلام بمدینه و در پیش آنحضرت کوزه نهاده بود گفتم با آنحضرت که حد
کوزه چیست گفت حد کوزه آنست که آب بخوری از میان لب کوزه و
بسم الله بگوئی و هرگاه کوزه را از دهن باز داری حمد بگوئی خدای تعالی
و بپرهیز از آب خوردن از نزدیک دسته کوزه بدرستی که جای
نشستن شیطانست و گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که
وقتی که بیفتد مگس در ظرف شما بدرستی که فرو برید تمام او را
در ظرف بدرستی که در یک بال او درد است و در بال دیگر شفا است
و مگس فرو می برد در ظرف آن بال را که درد است پس باید که فرو
برید همه او را و بعد از آن او را بیرون اندازید

فصل پنجم در بیان

در آداب خلال کردن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت
وهب بن عبد ربه که دیدم که اباعبدالله علیه السلام خلال میکرد
نظر کردم با و آنحضرت گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
خلال میکرد و دهن آنحضرت خوشبو بود بجهت خلال کردن و در روایتی

باید که ۲

دیگر

دیگر واقعست که از حق مهمان آنست که مهیا و آماده کند برای او خلال
و گفت ابو عبدالله علیه السلام که آنچه بزبان بیرون آوری از میان
دندانها فرو بر و آنچه از خلال بیرون آوری بینداز آنرا و گفت فضل
بن یونس که پرسیدم امام موسی علیه السلام را از طریق خلال کردن
آنحضرت گفت که طریق خلال کردن آنحضرت آنست که بشکنی سر خلال را
تا آنکه خونین نکند گوشت بن دندانرا و گفت امام جعفر صادق علیه
السلام که سرمه کشیدن خوشبو میکند دهن را و خلال کردن زیاده
میکند روزی را منقولست از کتاب فردوس که گفت سعد بن معاذ
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که گفت که پاک گردانیدن دهن خود را
بخلال بدرستی که دهن شما مسکن دو فرشته است که موکل شمایند
و نیک و بد شما را می نویسند و سیاهی آن دو فرشته آب دهن شماست
و قلم ایشان خلال است و بدترین چیزها نزد آن دو فرشته طعامیست که
در میان دندانها می ماند و منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت
امیر المؤمنین که خلال کردن بچوب گز درویشی می آورد و منقولست
از کتاب طب الائمه که گفت امام رضا علیه السلام که خلال مکنید بچوب
انار و بچوب ریحان بدرستی که در حرکت می آورد رگ جذام را و نیز گفت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم خلال میکرد بهر چه میرسید مگر
برگ درخت خرما و نی و گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که

رحمت کناد خدا تعالی از امت من انکسانی را که خلال میکنند در وقت
وضو ساختن و بعد از طعام خوردن و کفت امام موسی علیه السلام
که ندا میکند ندا کننده از آسمان و میگوید اللّهُمَّ بارِكْ فِي الْخَلّالِينَ وَ
الْمُتَخَلِّلِينَ یعنی بارخدایا برکت ده انکسانی را که در خانهٔ ایشان سرکه باشد
و انکسانی را که خلال میکنند و سرکه بمنزلهٔ مرد صالحست که دعا
میکند برای اهل خانه ببرکت و کفت امام موسی علیه السلام که خلال
جبرئیل آورد برای حضرت پیغمبر با سوکند و کواه از آسمان و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
خلال کردن بعد از طعام موجب صحت دهن و دندانهاست و می افزاید
روزی را و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که کفت امام حسین علیه السلام
که امیر المومنین علیه السلام میفرمود ما را که بعد از خلال آب بخوریم تا
انکه سه بار مضمضه کنیم و روایت کرده است محمد بن الحسن الدّاری که
کفت بکی از ائمه که انکسی خلال کند به نی حاجت او بر آورده نمیشود
تا هفت روز و کفت امام جعفر صادق که خلال مکنید به نی و اکر ناچار
باشد پوست نی را بکنید و بعد از ان خلال کنید و روایت است که
منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خلال کردن بچوب انار و نی
و کفت که این هر دو حرکت می آورند رگ خوره را و کفت امام موسی

علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خلال
کنید بدرستی که نیست هیچ بدتر نزد فرشتها از ین که ببینند در میان
دندانهای بنده طعام را و روایتست از انس که کفت رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم که چه نیکواست از امت من انکسی که خلال میکند و کفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که استنجا کند پس انکسی که
چنین کند نیکو کرده است و انکسی که چنین نکند باکی نیست و انکسی که سرمه
کشد باید که بعدد طاق سرمه کشد پس انکسی که چنین کند نیکو کرده
است و انکسی که چنین نکند باکی نیست و انکسی که طعام بخورد و خلال
کند و انچه بخلال بیرون آید از میان دندانها باید که نخورد آنرا و انچه
بکرداندن زبان بیرون آید باید که فرو برد آنرا مصنف کتاب
مکارم الاخلاق میکوید که انتخاب کردم آنرا باینموضع بر ترتیبی
که مذکور خواهد شد **فصل ششم** در بیان روایاتی که
واقع شده است در نان کفت امیر المومنین علی علیه السلام که اکرام
کنید نان را بدرستی که خدا تعالی فرو فرستاده است برای نان برکتها
از آسمان پرسیدند از انحضرت که چیست اکرام نان کفت هر کاه نان
حاضر شود انتظار چیزی دیکر نبرید و روایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم این دعا میکرد که اللّهُمَّ بارِكْ لَنا فِي الْخُبْزِ
وَلا تُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ یعنی بارخدایا برکت ده مرا در نان و جدائی
میفکن میان ما و نان و کفت انحضرت که اکر نان نمی بود نماز کردن و روزه

باید که بعدد طاق

و بیرون آورده است
برای نان برکتها
زمین

داشتن و ادا نمی توانستیم کرد انچه خدا تعالی بر ما واجب کرده است و
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که اکرام کنید نان را بدرستی که نان
مخلوق شده است در میان عرش و زمین و نیز گفت که بنای بدن آدمی
بر نانست **در بیان** نان جو گفت امام جعفر صادق علیه السلام که قوت
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از جو بود و حلوای آنحضرت خرما
بود و نان خورش او روغن زیتون بود و گفت ابو الحسن علیه السلام
که فضل نان جو بر نان گندم همچو فضل ما است که اهل بیتیم بر باقی مردمان
و جمیع پیغمبران دعا کردند برای خورنده نان جو و طلب برکت کردند
برای او و هر کسی که نان بخورد بیرون رود هر دردی که در اندرون
اوست و نان قوت پیغمبران علیهم السلام است و طعام نیکانست و نمیخواهد
خدا تعالی که بگرداند قوت پیغمبران را قوت بدبختان و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که اگر در چیزی دیگر غیر از جو شفا بیشتر می بود نمیگردانید
خدا تعالی جو را قوت پیغمبران علیهم السلام **در بیان** نان
برنج گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هیچ چیز نفع دهنده تر از
برنج نیست کسی را که میل داشته باشد بدرستی که برنج میکشد درد را
از اندرون و نیز گفت که خوب روایتیست برنج خنك و دود هیچ دردی
و مضرتی نیست و روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود
علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که بهترین طعام
دنیا و آخرت گوشت و برنج است و روایت کرده است ابن ابی نافع که گفت

یکی

یکی از ائمه که نیست چیزی نفع دهنده تر از برنج نیست هیچ چیز که
نماند از شکم شب تا صباح مگر نان برنج **در بیان** نان کاورس گفت
ابو عبد الله علیه السلام که نیست در کاورس ثقلی یا شیر نرم تر و فایده
دهنده تر است از معده

فصل هفتم در بیان فوائد آبها

گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین شربتهای اهل بهشت
آبست و گفت ابو طیفور المطیب که رفتم نزد ابو الحسن ماضی علیه السلام
و منع کردم او را از آب خوردن آنحضرت گفت که باکی نیست آب خوردن
بدرستی که آب هضم میکند طعام را در معده و می برد صفرا را و فرو
می نشاند حرارت را و گفت یاسر خادم که امام رضا علیه السلام فرمود
که باکی نیست بسیار آب خوردن در طعام و بعد از آن آنحضرت هر دو
دست خود را بپهلوی هم آورد و گفت اگر مردی اینقدر طعام بخورد و
آب نخورد بر بالای او نیکو هضم نمیشود آن طعام در شکم او **در بیان**
آب زمزم گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آب زمزم شفا است
از همه دردی و امانست از هر ترسی **گفت** آب ناودان خانه
کعبه گفت صارم که بیمار شد مردی از اصحاب ما تا آنکه نزدیک شد
بمردن پس ملاقات کردم ابا عبد الله را آنحضرت گفت ای صارم چه شد
حال آنکه فلان کس که بیمار بود گفتم فدای تو گردم نزدیک شده است
بمردن آنحضرت گفت که اگر من بجای تو می بودم و باو آب ناودان کعبه
همی دادم که بخورد و صارم گفت بعد از آنکه آنحضرت فرمود که باو آن

المطیب

می نشاند غضب را
می افزاید عقل را

بیمار آب ناودان بود متوجه شدیم که آب از ناودان بیاوریم هرچند
طلب کردیم نیافتیم در وقت طلب کردن ابری پیدا شد و رعد و
برق شد ... گرفت و باران بارید ... رفتم نزد بعضی از کسانی که
در مسجد حرام بودند و یکدرم دادم و یک قدح آب ناودان گرفتم
و آوردم و بآن بیمار دادم و از پیش او دور نشدم تا آنکه خوردن
آب را با تلخان و خلاص شد از بیماری **در بیان** آب باران گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که بیاشامید آب بارانرا بدرستی که پاک
میگرداند بدن را و دفع میکند بیماریهارا و خدایتعالی فرموده است
که وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ
الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی فرو
فرستاد خدایتعالی از طرف آسمان آبی تا پاک گرداند شما بدان آب
از حدث و جنابت و ببرد از شما وسوسهٔ شیطانرا و ببندد بر دلهای
شما امیدواری بلطف حضرت باری و برای آنکه ثابت و محکم گرداند
باران قدمهای شما را در معرکه جنگ **در بیان** آب فرات گفت
خالد بن جریر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که اگر من نزد شما
می بودم هر روزی می آمدم بفرات و بآن آب غسل میکردم و میخوردم
هر روز یک انار سوراء و سوراء نام موضعی است در عراق عرب
در بیان آب نیل مصر گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که آب
نیل مصر می راند دلها و مشوش سر خود را بکل مصر بدرستی که

ماءً

بدان ۳

بیمار

بیمار می سازد اینکس را **در بیان** آب سرد گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که آب سرد بریزید بر کسی که تب داشته باشد بدرستی که
مینشاند حرارت تب را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
آب سرد مینشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و هضم
میکند طعام را در معده و می برد تب را و منقولست از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم
السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام در تفسیر قول خدای
تعالی ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ که مراد از نعیم خرمای تر
و آب سرد است و معنی آیه اینست که پس هر آینه شما پرسیده خواهید
شد در روز قیامت بوقت محاسبه از نعمتهایی که خدایتعالی بشما داده
است در دنیا **در بیان** آب جوشیده روایتست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که آب جوشیده فایده میدهد همه مرضها را
و هیچ ضرر نمیرساند و نیز گفت که هرگاه بحمام درآیید باید که سه کف
آب گرم بخورید بدرستی که می افزاید طراوت رو را و می برد الم
و درد از بدن آدمی و گفت امام رضا علیه السلام که آب گرم وقتی
که هفت جوش بزند و او را بظرف دیگر بریزند میبرد تب را و قوت
میدهد ساق و قدم را **در بیان** منع کردن از بسیار آب
خوردن گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار آب مخورید

آب سرد ۲

از ظرف ۴

بد رستی که بسیار آب خوردن ماده دردیست واکر مردمان کم
آبخورند هر آینه صحیح می باشند بدنهای ایشان وروایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وقتی که چیزی میخورد آب کم
میخورد کسی کفت یا رسول الله شما کم آب میخورید آنحضرت کفت که کم
آب خوردن کوارنده تراست طعام را **در بیان** ایستاده آبخوردن
کفت امام محمد باقر علیه السلام که ایستاده آبخوردن کوارنده تر
و بهتراست وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که ایستاده آبخوردن
در روز هضم میکند طعام را و در شب زرد آب میشود وانکسی که
در شب آب بخورد بکوید سه نوبت که عَلَیْكَ السَّلامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ
وَمَاءِ الْفُرَاتِ ضرر نکند او را در شب آب خوردن **در بیان** منع
کردن از فرو بردن آب بیکبار وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که بر مکید آب را وفرو مبرید آب بسیار بیکبار بد رستی که درد جکر
می آورد وروایت است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منع کرد
از فرو بردن آب بسیار بیکبار وکفت که آبرا دو بار یا سه بار می باید
خورد **فصل هشتم** در بیان کوشتها وانچه متعلق است بآن
منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که ذکر کرده شد کوشت و پیه نزد رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم آنحضرت کفت هر پاره کوشت و پیه که در

معده واقع شود شفا می آورد ودردی می برد وکفت امام رضا علیه
السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که وقتی که
طعام بپزند بسیار کنید شوربا را بد رستی که شوربای کوشت
همون حکم کوشت دارد وبفرستید برای همسایها واکر کوشت نرسد
بایشان شوربا بفرستید وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
کوشت بهترین نعمتهای دنیا وآخرتست وکفت زراره که طعام
باکوشت خوردم با ابوجعفر علیه السلام حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم فرمود ما که جماعت پیغمبرانیم دوست میداریم کوشت
وکفتادیم که کفتم با امام جعفر صادق علیه السلام که رسیده است
بمن که خدا یتعالی دشمن میدارد دلی را که دوست میدارد کوشت
آنحضرت کفت مراد از دلی که دوست میدارد کوشت را خانه ایست
که در و مردمان کوشت میخورند یعنی غیبت مردمان میکنند
وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم دوست میداشت کوشت را
وکفت انکسی که چهل روز کوشت نخورد کج خلق میشود وانکسی که
کج خلق شود او را کوشت بدهید تا بخورد که نیکو خلق شود وانکسی که
پیه بخورد می برد درد از بدن او بمقدار پیه که خورده است
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین کوشتها کوشت پشت
است **در بیان** خوردن کوشت باشیر کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که انکسی که ضعف دل یا ضعف بدن داشته باشد

ودرپیش آنحضرت

باید که گوشت میش با شیر بخورد و منقولست از کتاب زهد امیر
المؤمنین علی علیه السلام که گفت عقیبة بن علقمه که رفتم نزد
امیر المؤمنین علی علیه السلام دوغی ترشی بود که ایذا یافتم از بوی
ترش آن و پاره نان خشکی بود گفتم با امیر المؤمنین آیا میخوری این
دوغ ترش و این نان خشک را آنحضرت گفت بمن که یا ابا الجنوب
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میخورد نان خشک تر ازین نان
و می پوشید لباس درشت ازین لباس که من پوشیده ام و حذر
نمیکنم من از آنچه کرده است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنرا
از ترس آنکه در روز قیامت باو نرسم و گفت امیر المؤمنین علی
پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد نزد خدای تعالی از ضعف و بی قوتی
امت خود خدای تعالی فرمود بآن پیغمبر که بگوید امت خود را که
گوشت با شیر بخورند چنین کردند پس ظاهر شد قوت در بدن ایشان
در بیان خوردن پیه گفت ابو الحسن علیه السلام که گوشت میرویاند
گوشت بدن آدمی را و آنکسی که یک لقمه پیه بخورد و بیرون میرود
درد از اندرون او بمقدار آن پیه که خورده است و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام مراد از پیه پی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم فرموده است که آنکسی که لقمه پیه بخورد بیرون می رود درد
از اندرون او بمقدار آن پیه و آن پیه گاو است و نیز گفت که [illegible]
کردند جهودان برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آنکسی

برو چهل روز بگذرد و گوشت نخورد باید که قرض کند و گوشت
بخورد و بر خدای تعالی لازمست که ادا کند قرض او را و نیز گفت که مردم
میگویند که آنکسی سه روز گوشت نخورد کج خلق میشود دروغ میگویند
بلکه آنکسی که چهل روز گوشت نخورد کج خلق میشود در بیان
گوشت میش گفت سعد بن سعد که گفتم با بو الحسن علیه السلام که اهل بیت
من گوشت میش نمیخورند آنحضرت گفت چرا گفتم که میگویند گوشت میش
درحرکت می آورد صفرا را و درد سر می آورد و در حرکت می آورد جمیع
دردها را آنحضرت گفت ای سعد اگر میدانست خدای تعالی که چیزی
بهتر از میش هست آنرا فدای اسمعیل میساخت در بیان
گوشت گاو گفت ابو عبد الله علیه السلام که گوشت گاو میبرد برص را و نیز
گفت که شیر گاو دواست و پیه او شفا است و گوشت او درد است و گفت
ابو جعفر علیه السلام که شکایت کردند بنی اسرائیل نزد حضرت موسی علیه
السلام از برص و آنحضرت شکایت کرد نزد خدای تعالی ازین مرض ایشان
پس وحی کرد خدای تعالی بحضرت موسی که بفرما ایشانرا که گوشت گاو
با چغندر بخورند و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که در گوسفند
ده چیز است که نمی باید خورد سرگین و خون و مغز مهرهای پشت و
گردن و سپرز و غدود و ذکر و خصیتین و زهدان و فرج و رگ
گردن و نیز گفت که ده چیز از مرده پاکست شاخ و سم و استخوان و
دندان و پنیرمایه و شیر و موی و پشم و پر و تخم مرغ و منقولست

از کتاب فردوس که گفت معاد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
که بر شما باد که گوشت شتر بخورید بدرستی که بدرستی که نمیخورد
گوشت شتر را مگر مؤمنی که مخالف یهود باشد و یهود دشمن خدای
تعالی است در بیان گوشت شتر گفت ابراهیم بن السمان که یکی از ائمه
فرمود که از تمامی اسلام دوست داشتن گوشت شتر است در بیان
گوشت قاق گفت ابو عبدالله علیه السلام که سه چیز خراب میکند بدن را
و گاه باشد که بکشد آدمی را خوردن گوشت قاق که بدبو شده باشد
و هر روز بحمام رفتن و جماع کردن به پیر زالان و زیاده کرده است
سه چیز ابو اسحق در روایت خود جماع کردن را در حال امتلا در بیان
مرغ خانگی گفت جابر بن عبدالله که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که مالداران را که گوسفند نگاه دارند در بیان
گوشت کبک بدهید بکسی که تب داشته باشد بدرستی که گوشت کبک
قوة میدهد ساق را و می برد تب را در بیان گوشت قطاه و
قطاه نام مرغیست و در بعضی از مواضع او را سغرود میگویند گفت
علی بن مهزیار که طعام میخوردم با ابو جعفر علیه السلام پس قطاه آوردند
آنحضرت گفت که این مرغ مبارکیست و آنحضرت دوست میداشت این
مرغ را و میگفت که کسی یرقان داشته باشد این را بریان کنید و با و
بدهید که بخورد در بیان گوشت حباری و حباری نام مرغیست
گفت ابو الحسن علیه السلام که باکی نیست خوردن گوشت حباری بدرستی که

نکواست برای تغییر بواسیر و درد پشت و زیاده میکند قوة جماع را
در بیان گوشت دراج گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
که آنکسی که دل او درد کند و غم بسیار داشته باشد باید که گوشت
دراج بخورد و گفت ابو عبدالله علیه السلام وقتی که اندوهگین
شوند و سبب آنرا ندانند باید که گوشت دراج بخورند بدرستی
که گوشت دراج می برد غم و اندوه را و گفت رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم آنکسی که میخواهد که خشم او کم شود باید که گوشت دراج
بخورد در بیان گوشت ماهی گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خوردن ماهی نسل می آورد و نسل مرضیست که میگدازد بدن را و میکاهد
و نیز گفت که خوردن ماهی تازه میگدازاند بدن را و نیز گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که ماهی میخورد این دعا میخواند
اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَبْدِلْ لَنَا خَيْرًا مِنْهُ و گفت حمیری که نوشتم
بابی محمد کتابتی و شکایت کردم که مرا خون و صفرا غالب شده است
هرگاه حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اگر تاخیر میکنم در حجامت
خون ضرر میکند چه میفرمائی آنحضرت نوشت بمن که حجامت کن و در عقب
حجامت ماهی تازه بخور پس عاده کردم این سؤال را باز آنحضرت نوشت
که حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه بخور و آب و نمک بخور
چنین کردم صحت و عافیت یافتم و بعد از آن غذای من این بود در بیان
ماهی سقنقور گفت احمد بن اسحق که نوشتم بابی محمد علیه السلام کتابتی

این سوال را

وپرسیدم از ماهی سقنقور که داخل میکنند در دوای باه که قوت
جماع را زیاده کند واو چنگ و دم دارد که آیا جایز است که بخورند
آنرا آنحضرت نوشت بمن که اگر فلوس دارد باکی نیست خوردن آن در
بیان ملخ گفت ابو جعفر علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام
میگفت که ملخ و ماهی حلالست و ماهی که در آب بمیرد حرامست و نیز
گفت ابو جعفر علیه السلام که ماهی و ملخ حلالست در بیان افسون
ملخ گفت ابو الحسن علیه السلام که چون ملخ بسیار شود و ضرر رساند
پراکنده شوید و تکبیر بگوئید و روایتست که چنین کردند ملخ رفت
در بیان تخم مرغ گفت علی بن محمد اشیم که شکایت کردم نزد امام
رضا علیه السلام که از کم هضم طعام آنحضرت گفت که زرده تخم مرغ
بخور چنین کردم و فایده یافتم و گفت ابو عبد الله علیه السلام انکه را
که فرزند نشود باید که بسیار تخم مرغ بخورد و گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام یکی از پیغمبران نزد خدا تعالی شکایت کرد از کمی نسل در امت
خود پس امر کرد خدا تعالی آن پیغمبر را که بفرماید بامت خود که نان با تخم
مرغ بخورند در بیان هریسه گفت امام محمد باقر علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم شکایت کرد نزد پروردگار خود از درد
پشت حق تعالی امر کرد که هریسه بخورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که جبریل عم فرود آمد و امر کرد بخوردن هریسه که پشت
من محکم شود و من قوت عبادت پروردگار پیدا کنم در بیان

شدن ۳

مثلثه گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اگر چیزی می
رهانید کسی را از مردن مثلثه می بود پرسیدند که یا رسول الله
مثلثه چه چیز است آنحضرت گفت که آرد است که با شیر میپزند و
گفت امام جعفر صادق علیه السلام بولید بن صبیح که چه طعام
بعیال خود میدهی در زمستان ولید بن صبیح که گوشت میدهم
آنحضرت گفت که اگر گوشت نباشد چه میدهی گفت روغن میدهم
آنحضرت گفت چرا کوکب نمیدهی بدرستی که کوکب زیاده قوة بدن را میکند
و مراد از کوکب مثلثه است طعامیست و طریق پختن او آنست که یک
بخش او برنج و یک بخش او نخود و باقلا و غیر آن را بگیرند و همه را بکوبند
و شوروای بپزند و هر صباح بخورند در بیان کله گفت علی بن
سلیمان که کله گوسفندی میخوردیم نزد امام رضا علیه السلام
آنحضرت تلخان طلبید گفتم من سیر شدم آنحضرت گفت اندک تلخان بخور
که هضم میکند کله را و تلخان دوای کله است و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که کله موضع ذبح است و نزدیک تراست بچرا و دور
تراست از ضرر در بیان کباب گفت یونس بن بکر که امام رضا علیه
گفت بمن که چیست ترا که رنگ تو زرد شده است گفتم که تب مرا ضعیف
و زرد ساخته است آنحضرت گفت که گوشت بخور گوشت خوردم و
بعد از یکهفته دید مرا رنگم زرد بود آنحضرت گفت بتو نگفتم که گوشت
بخور گفتم از آن زمان تا که فرمودی غیر از گوشت چیزی دیگر نخوردم آنحضرت

گفت ۳

گفت که چگونه خوردی گوشت را گفتم که پختم و خوردم گفت کباب
کن و بخور بعد از یکهفته مرا طلبید و رنگ و روی من سرخ شده
بود گفت بمن که چنین می باید کرد **در بیان** مرغ و تخم مرغ که
حلالست گفت زراره که پرسیدم از ابی جعفر علیه السلام که کدام
مرغی را می توان گفت و کدام را نمیتوان خورد آنحضرت گفت که بخور
آن مرغرا که بال برهم میزند در پریدن و مخور مرغیرا که بال
برهم نمیزند و بال خود را راست نگاه دارد در وقت پریدن گفتم
تخم مرغ یافته میشود در نیستانها چه حکم دارد گفت که آن تخم که
هر دو طرف او یکسانست مخور و آنچه طرفین او مختلف باشد و یکطرف
او باریک تر باشد از طرف دیگر بخور آنرا گفتم مرغی که در آب می
باشد کدام حلالست و کدام حرام آنحضرت گفت که آنچه چینه دان
دارد حلالست و آنچه چینه دان ندارد حرامست و در دیگر واقع
شده است که اگر مرغ در وقت پریدن بال برهم زدن او بیشتر باشد
از بال راست نگاه داشتن حلالست و اگر بال برهم نزدن او بیشتر
باشد از برهم زدن حرامست و نمی توان خورد از مرغی که در آب
می باشد آن مرغی را که چینه دان و خار داشته باشد و نمی تواند
خورد آنچه او را نه چینه دان و نه خار باشد **در بیان** اشکنه
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر شما باد که اشکنه بخورید
بدرستی که نمی یابم چیزی که موافق تر باشد بمزاج آدمی از اشکنه

خوردم

حدیث م

فصل نهم در باب شیرینیها گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم که هرگاه شیرینی پیش شما بنهند بخورید و رد مکنید **در
بیان** عسل گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا صلی الله
علیه و آله وسلم دوست میداشت عسل را و نیز گفت که بر شما
باد که طلب شفا کنید از عسل و قرآن و نیز گفت که خوردن عسل
شفاست از همه دردها بدرستی که خدای تعالی فرموده است که
يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ
یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبور آن عسل با مر الهی بطریق لعاب
عسلی که مختلفاست رنگهای آن زیرا که بعضی سفید است و بعضی
زرد و بعضی سرخ و در آن عسل شفاست مردمانرا و گفت ابو
الحسن علیه السلام که انکسی که کم شود آب منی او را نفع میدهد
شیر با عسل و در روایتی واقعست که شیر او را نفع میدهد و گفت
ابو عبدالله علیه السلام که هیچ چیز مثل عسل شفا نمیدهد مردمانرا
و منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم فرمود که انکسی در ماهی یکبار عسل بخورد از آنچه که در
قرآن واقعست که عسل شفا میدهد و خدای تعالی عافیت میدهد
او را از هفتاد و هفت درد و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم فرمود که انکسی که میخواهد که قوت حافظه او زیاده شود
باید که عسل بخورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که خو

شیرینی است عسل که قوت میدهد دل را و میبرد خنکی سینه را
و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که قران خواندن و عسل و شیر زیاده میکند حفظ را و میبرد
بلغم را و گفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که اگر در چیزی شفا باشد در نیش حجام است یا در
شربت عسل و روایت کرده است برقی که یکی از اصحاب گفت که
زنی بمن ریسمانی داد که خود رشته بود و گفت ببر این ریسمان را
بمکه تا آنکه جامه کعبه را باین ریسمان بدوزند و من نخواستم
که بدهم آنرا بجادمان زیرا که میشناختم ایشان را و میدانستم که
این کار نخواهند کرد چون رسیدم بمدینه نزد ابی جعفر و گفتم
فدای تو گردم زنی بمن ریسمانی داده است و حکایت کردم برای
آنحضرت آنچه آن زن گفته بود آنحضرت گفت از بهای آن ریسمان عسل
و زعفران بخر و بگیر اندکی از تربت امام حسین و خمیر کن باب باران و در
پاره عسل بریزه و بخش کن بشیعها تا دوا کنند بآن بیماران خود را
و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که در عسل شفا است از هر دردی
و ضرری نیست درو و کم میکند بلغم را و جلا میدهد دل را و گفت
امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود
خدای تعالی گردانیده است برکت را در عسل و درو شفا است از

گفتم

درد

١٢٢

دردها و دعای به برکت کرده اند هفتاد پیغمبر برای عسل
و منقولست از کتاب فردوس که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پنج چیز میبرد فرا
و زیاده میکند حفظ را و می برد بلغم را مسواک کردن و روزه داشتن
و قرآن خواندن و عسل و شیر خوردن دربیان تربت امام حسین
علیه السلام که او گفت ابو عبد الله عم که تربت امام حسین علیه السلام
شفا است از هر دردی و اگر چه آنخاک را از جا بردارند یک میل
دور باشد از قبر آنحضرت و یک میل و یک بخش بعد از سر بخش فرسخ
است و نیز گفت که خاک تربت امام حسین علیه السلام شفا است از هر دردی
پس وقتی که بر میدارید آن خاک را بگوید بسم الله اللهم
اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر و نیز گفت که خاک تربت امام حسین علیه السلام
شکست و مبارکست و آنکسی که بخورد آنرا از شیعه ما شفا یابد از
هر دردی و آنکسی که بخورد او را از دشمنان ما میگدازد همچنانکه
دنبه میگدازد پس هرگاه بخورید از خاک تربت امام حسین بگوئید اللهم
اسئلك بحق الملك الذي قبضها و بحق النبي الذي خزنها و بحق الوصي
الذي هو فيها ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تجعله شفاء من كل
داء و عافية من كل بلاء و امانا و امنا من كل خوف برحمتك يا ارحم الراحمين
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و نیز بگوید اللهم انی

موشی را

خاکی

خاکی

أَشْهَدُ أَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَةُ وَلِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّهَا
شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلِي
بِرَحْمَتِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَا قِيلَ فِيهِمْ وَفِيهَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ وَصَدَقَ
الْمُرْسَلُونَ   وروایتست که پرسیدند از ابی عبد الله که بعضی
مردمان میکیرند تربت امام حسین علیه السلام و نفع می یابند و بعضی
میکیرند نفع نمی یابند آنحضرت کفت که بحق آنخدائی که غیر از و خدا
نیست که نمیکیرد کسی خاک تربت امام حسین را بقصد اینکه نفع دهد
خدایتعالی او را مکر آنکه نفع می یابد و نیز پرسیدند از آنحضرت
از کیفیت خاک تربت امام حسین آنحضرت کفت که هرکاه خواهید که بخورید
تربت امام حسین را باید که بکیرید مقدار یک نخود از تربت بر انکشتان
و ببوسید آنرا و بر هر دو چشم خود بنهید و بمالید بر تمامی اعضای
خود و بکوئید اللّهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ فِيهَا وَتَوَلَّى فِيهَا
وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْحَافِّينَ
إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَبُرْءًا مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَحِرْزًا مِمَّا أَخَافُ
وَأَحْذَرُ و بعد از ان بخورید آن تربت را و روایتست که ابو عبد الله ع
نزد خوردن خاک تربت امام حسین علیه السلام میکفت بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
اللّهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ
فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي يَسْكُنُ فِيهِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ اجْعَلْهُ لِي
شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا وَكَذَا و جرعه از آب بعد از ان میخورد و میکفت

اللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ   و کفت ابو عبد الله علیه السلام که در خاک تربت امام
حسین علیه السلام شفا است از هر دردی و او دوای اکبر است و روا
که پرسیدند از ابی عبد الله که آیا حلالست خوردن کل ارمنی که میکیرند
برای کسی که عضو او شکسته باشد و اسهال داشته باشد آنحضرت
کفت که باکی نیست خوردن او اما کل ذو القرنین و امام حسین ع
بهتر است از کل ارمنی و کفت ابو عبد الله علیه السلام که حرام است بمن
کوشت خوک و آنکسی که کل بخورد و بمیرد نماز نمیکذارم برو مکر خاک
تربت امام حسین علیه السلام بخورد بجهت میلی که باکل دارد چیزی
نیست کفت امام جعفر صادق علیه السلام که نیست چیزی
دوست تر نزد من از شکر و نیز کفت در بیماری بعضی از اصحاب خود
که چرا نمیخوری انجیری که مبارکست یکی از اصحاب کفت که فدای تو کردم
انجیر کدام است آنحضرت کفت شکر کفتم شکر کدام است کفت شکر سلیمانی
و روایتست که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق ع از دردی آنحضرت
کفت که هرکاه جا کنی در فراش خود پاره شکر بخور آنمرد کفت پاره
شکر خوردم خلاص شدم از ان درد و کفت علی بن یقطین که شنیدم
از ابو الحسن ع که میکفت که انکسی که دو پاره شکر بخورد وقت
خواب کردن شفا می یابد از هر دردی مکر مرک و کفت ابو الحسن علیه السلام
که اکر هزار درهم داشته باشد و پس همه را شکر بخورد اسراف نکرده

ونیز گفت که می باید گرفت برای تب ده درهم شکر را شربت می باید
کرد و با آب سرد و می باید خورد بر ناهار و گفت که سه چیز است ضرر
نمیکند انگور رازقی و نیشکر و سیب و نیز گفت که نیشکر میگشاید
سدّه‌ها و هیچ دردی و بدی در و نیست در بیان خرما گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که خرما بخورید بدرستی که در و
شفا است از دردها و گفت محمد بن اسحق که آنکسی که خرما بخورد
و بجهة آنکه رسول صلی الله علیه و آله و سلم با آن میل داشت ضرر نکند
او را و گفت ابو عبدالله که عجوه مادر خرماها است و عجوه خرمائیست
در مدینه و نیز گفت که عجوه از بهشت است و در و شفا است از سحر و نیز
گفت که آنکسی که هر روز بر ناهار هفت خرما عجوه بخورد ضرر نرساند
با و زهر و سحر و شیطان و عالیه نام موضعیست در مدینه و گفت آنکسی
که پنج خرما بخورد بکشد کرمها را از اندرون او است و گفت که پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که هر صباح هفت خرما بخورد ضرر
نکند او را زهر و سحر و نیز گفت که در ان خانه که خرما نباشد اهل آن خانه گرسنه اند
و گفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
بخورید خرما را بر ناهار بدرستی که میکشد کرم معده را و نیز فرمود
که جبرئیل فرمود که آمد بمن آورد برنی را از بهشت و برنی نوعیست
از خرمای خوب و نیز گفت که بفرمائید زنان آبستن را که خرما
بخورند که در ان ماه که بزاید که فرزند او خوش خلق و پرهیزکار میشود

از خرماء عالیه

و نیز گفت که بر شما باد که خرمای برنی بخورید بدرستی که میبرد
ماندگی را و بر طرف میکند خستگی را و سیر میگرداند گرسنه را
و در و هفتاد و دو نوع شفا است و منقول است از صحیفة الرضا که
روایت کرده امام رضا از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم هرگاه خرما میخورد هسته خرما را بر پشت دست خود
مینهاد و می انداخت و گفت امام رضا علیه السلام که آنکسی خرمای برنی
بر ناهار فالج او بر طرف میشود و گفت ابو عبدالله علیه السلام که بفرمائید
زنان خود را که خرمای برنی بخورند در نفاس تا آنکه فرزندان شما صاحب
جمال شوند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که در خرمای
برنی نه خصلت است قوی میکند پشت را و قطع میکند شیطان را و هضم
میکند طعام را و خوشبو میکند دهن را و زیاده میکند شنوائی
و بینائی را و نزدیک میگرداند بخدای تعالی و دور میگرداند از شیطان
و زیاده میکند قوت جماع را درد را میبرد و نیز گفت که هرگاه شیرینی
نزد شما بنهند بخورید و رد مکنید آنرا و روایتست که دوست‌ترین
شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین خنک بود و نیز گفت آنحضرت
که من دوست میدارم کسی را که دوست میدارد خرما را و روایت
کرده است امام حسین علیه السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که روزه میداشت بخرما روزه میگشود
در بیان پالوده روایتست که نزد امام حسین علیه السلام مرغی

بخورد

وقت

پالوده راعیب میکرد آنحضرت کفت که آرد کندم را با عسل و روغن
خالص عیب نمیکند هیچ مسلمانی فصل دهم دربیان میوه ها منقولست
از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که رسول خدا وقتی که میوهٔ نو میدید می بوسید و بر چشم خود
می نهاد و بعد از ان میکفت اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة وکفت
ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که
میوه بخورد و ابتدا میکند به بسم الله الرحمن الرحیم ضرر نکند
آن میوه او را و نیز آنحضرت فرمود که چون حضرت آدم صفی بیرون رفت
از بهشت توشه داد خدایتعالی او را از میوه هاي بهشت و تعلیم کرد او را
صنعت هر چیزی پس میوه هاي شما از میوه هاي بهشت است لیکن این
میوه ها تغیر می یابد و میوه هاي بهشت تغییر نمي یابد دربیان
انار کفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که هیچ اناري مکر آنکه در و دانهٔ از انار بهشت هست
پس هر کاه دانهٔ از انار بیفتد بردارید هر جا که بیفتد و داخل نمیشود
این دانه در معدهٔ مسلمانی مکر آنکه نورانی میکرداند آن معده را
چهل صباح و روایتست که امام جعفر صادق انار میخورد در هر شب
جمعه و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام که کفت امیر
المؤمنین علی علیه که بخورید انار را با پیه و بدرستی که پاک میکند
معده را و هر دانهٔ از انار که قرار کیرد در معدهٔ مسلمانی نورانی

نیست

میکرداند

میکرداند آن معده را و دور میکند شیطانرا و وسوسه او را
تا چهل صباح و روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر
کاه انار میخورد رومالی در زیر انار می انداخت پرسیدند آنحضرت را
چرا چنین میکنید کفت که در انار دانهاي از انار بهشت هست
کسی کفت یا امیر المؤمنین یهودي و نصراني غیر ایشان از کافران
انار میخورند باید که ایشان به بهشت روند آنحضرت کفت که هر
کاه که ایشان انار میخورند خدایتعالی میفرستد فرشته که آن
دانه که از بهشت است بیارد از ان انار تا ایشان نخورند آن دانه را
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که پنج میوه از میوه هاي بهشت
در دنیا است انار ملیسي و سیب سفسانی و سیب شاملی است و نیز
کفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر مومنی که بخورد اناری را
بالتمام می برد خدایتعالی وسوسهٔ شیطانرا از دل او یکسال
وانکسی که خدایتعالی وسوسهٔ شیطانرا یکسال ببرد کناه نکند و
آنکس که کناه نکند به بهشت می رود و نیز کفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که انار بهترین میوه هاست وانکسی که یک
انار بخورد در غضب می آورد شیطانرا چهل صباح و روایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر کاه انار میخورد کسی را شریک
خود نمي ساخت و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدر خود علیه السلام که کفت علی ابن الحسین علیه السلام که آنکسی که

یك انار بخورید در روز جمعه نورانی شود دل ایشان جهل صباح
و دور میشود از ایشان وسوسهٔ شیطان وانکسی که دور دارد از وسوسهٔ
شیطان عاصی نشود وانکسی که عاصی نشود بهشت می رود وکفت حارث
کنیز صفیه که دیدم امیر المؤمنین علی علیه السلام را که انار میخورد و
بر میچید هر دانه را که می افتاد از انار وکفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه السلام که میکفت که
انکسی که یك انار را تمام بخورد نورانی میکرداند خدای تعالی دل
او را جهل صباح روشن وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که آفرید خدای تعالی ادم و خرما و انکور و انار را از یك کل و روایت
کرده است ابو سعید الخدری از امام رضا علیه السلام وانحضرت روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که کفت رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم که انار بخورید بدرستی که دانهٔ اناری که واقع شود
در معده نورانی میسازد دل را و کنك میکرداند شیطان را بدرستیکه
منقولست از شیخ ابو جعفر طوسی که بفرمایید اطفال خود را که انار
بخورند بدرستی که زودتر بسخن می آیند در بیان بهی کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که بهی بخورید بدرستی که قوت میدهد
دل را و دلیر میکند پی دل را و نیز کفت که بهی بخورید بدرستی که در او
سه خصلت است پرسیدند که کدام است آنحضرت فرمود که قوت
میدهد دل را و سخی میکند بخیل را و دلیر میکند بید دل را و نیز کفت

که بهی بخورید که جلا میدهد دل را و نیز کفت که بهی بخورید
و تحفه بیکدیکر بدهید بدرستی که چشم را جلا میدهد و دوستی
پیدا میکند در دل و بفرمایید زنان آبستن را که بهی بخورند
بدرستی که نیکو میکرداند فرزندان شما را و در روایتی واقع شده
است که نیکو میکرداند خلق فرزندان شما را وکفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که به قوت وحیات دل است و دلیری میکند بید دل را
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که بهی بخورد
ظاهر کرداند خدای تعالی حکمت را بر زبان او جهل صباح و نیز کفت که
بوی به بوی پیغمبرانست وکفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم که بهی را بر نهار بخورید وکفت امام رضا علیه السلام که بهی
آوردند برای حضرت پیغمبر آنحضرت زد یکدست خود را بر بهی و پاره
کرد آن به را و آنحضرت دوست میداشت بهی را پس بخورد آن به را و داد
بانکسان که حاضر بودند از اصحاب و بعد از آن کفت که بر شما باد که بهی
بخورید به درستی که بهی می افزاید عقل را وکفت امام جعفر صادق علیه
السلام که انکس که بهی بخورد بر نهار تازه و نیکو میشود روی او
و منقولست از کتاب جامع ابی جعفر اشعری که کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خدای تعالی نفرستاد پیغمبری مکر آنکه در هر
دو دست یا در یك دست او بهی بود و نیز کفت که بوی پیغمبران
بوی بهی است و بوی خرما عین بوی حور است و بوی فرشته بوی کل سرخ

ونفرستاد خدای تعالی پیغمبری مگر انکه بوی بهی می آمد وگفت امام
محمد باقر علیه السلام که به میبرد غم واندوه را و روایتست که امام
جعفر صادق علیه السلام نظر کرد بر پسر خود پس گفت که میتواند دانست
که من بهی خورده ام وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که به بخورید بدرستی که جلا میدهد دلرا ونفرستاد خدای تعالی
پیغمبری مگر انکه داد باو بهی از بهشت پس زیاده شد دران قوت پیغمبر
را قوت چهل مرد بجهت آن به ونیز گفت که به بخورید بدرستی که
زیاده میکند ذهن را و می برد اندوه دلرا ونیکو میکرداند فرزند را
ونیز گفت هر که سه روز بر نهار بهی بخورد جلا پیدا میکند ذهن او
و پر نور شود اندرون او از حکمت وعلم ونگاه داشته شود از
مکر شیطان در بیان سیب گفت سلیمان بن وستو بر که رفتم
نزد ابی عبدالله و در پیش آنحضرت سیب سبزی بود گفتم فدای تو
گردم چه چیز است این گفت ای سلیمان شب تب کرده بودم کسی فرستادم
این سیب را برای من که بخوردم تا فرو نشاند حرارت را و خنک کند
اندرون را و ببرد تب را و در حدیث واقع شده است که سیب
فراموشی می آورد بجهت انکه در معده چسپندگی ونرمی ورطوبتی
پیدا میشود وروایت کرده است امام موسی از پدران خود علیهم
که فرمودند که ما اهل بیت پیغمبرایم مداوا نمی کنیم تب را مگر بریختن
آب سرد وخوردن سیب وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله

وسلم که سیب بخورید بر نهار بدرستی که قوت میدهد معده را
وگفت امام رضا علیه السلام که سیب نفع میدهد چند چیز را
سحر وزهر ودیوانگی وبلغمی که عارض میشود وهیچ چیز زودتر
از سیب منفعت نمیدهد وگفت زیاد العبدی که رفتم بمدینه و
وبا من برادر من بود که سیف نام داشت واز بینی مردمان
خون بسیار میرفت وبعضی از مردمانرا دو روز خون از
بینی میرفت ومیمردند پس بازگشتم بمنزل خود وخون از بینی
برادر من سیف روان شده بود وخون بسیار میرفت پس
رفتم نزد ابی عبدالله وگفتم وحال برادر خود را بآنحضرت گفت
آنحضرت که ای زیاد ببرادر خود سیب بده که بخورد چون سیب
خورد خون ایستاد در بیان انجیر گفت ابو ذر غفاری که
هدیه آوردند برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم طبق انجیری
آنحضرت گفت باصحاب که انجیر بخورید پس اگر میگفتم که میوه از
بهشت فرود آمده است این میوه را میگفتم بجهت آنکه این میوه
ایست که هسته ندارد پس بخورید این میوه را ابدا که میبرد بواسیر را
ونفع میدهد نقرس را وگفت امام رضا علیه السلام که انجیر می
برد بوی دهن را ومحکم میکرداند استخوانرا ومی برد دردرا
وبا وجود انجیر را احتیاج بدوای دیگر نیست ودر حدیث واقع
شده است که انکسی که میخواهد که رقت پیدا کند دل او باید که

...رست نماید خوردن انجیر و گفت کعب که رسول خدا فرمود
که بخورید انجیر تر و خشک را بدرستی که زیاده میکند قوت جماع
و می برد بواسیر را و نفع میدهد نقرس را و ابرده را و ابرده
علتی است که از غلبهٔ سرما پیدا میشود در بیان انکور گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که نوح علیه السلام شکایت کرد بخدای
تعالی از غم پس وحی کرد خدای تعالی باو که انکور سیاه بخور بدرستی
که غم را می برد و نیز گفت که شکایت پیغمبری از پیغمبران بخدای
تعالی پس وحی آمد باو از جانب خدای تعالی که انکور بخور و نیز
گفت که دو چیز است که بهر دو دست می باید خورد انکور و انار
و منقولست از کتاب فردوس که گفت عایشه که رسول فرمود که
بهترین خوردنیها نانست و بهترین میوها انکور و نیز آنحضرت
فرمود که آفرید خدای تعالی درخت خرما و انار و انکور را از گل
زیاده مانده بود از گل آدم علیه السلام و منقولست از صحیفة الرضا
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم فرمود که انکور دانه دانه بخورید بدرستی که گوارنده است و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که بهار امت من انکور و خر
بزه است و روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم
السلام که امیر المومنین علیه السلام انکور با نان میخورد و نیز روایت
کرده است امام رضا علیه السلام باین اسناد که امیر المومنین علی علیه السلام

فرمود که انکور نان خورش و میوه و طعام و شیرینی است و نیز
گفت امام رضا علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام دوست
میداشت انکور را و کنیزی برای آنحضرت خوشهٔ انکوری آورد پیش
آنحضرت نهاد سایلی آمد و چیزی طلبید آنحضرت فرمود که آن
انکور را بسایل دادند پس رفت کنیزی که از آنحضرت فرزندی داشت
و خرید آن انکور را از آن سایل و آورد پیش آنحضرت نهاد پس سایل بار
دیکر آمد آنحضرت فرمود که آن انکور را بآن سایل دادند پس سه نوبت
چنین شد و در مرتبهٔ چهارم سایل نیامد و آنحضرت انکور را خورد
در بیان امرود گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که امرود جلا
میدهد دلرا و تسکین میدهد درد اندرون را باذن خدای تعالی
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امرود پاک میکند معده را
و قوت میدهد و به نیز قوت میدهد معده را در بیان
آلوی سیاه گفت زیاد العبدی که رفتم نزد امام رضا علیه السلام
در وقتی که آلوی سیاه و در پیش آنحضرت ظرفی بود که در او آلوی
سیاه بود آنحضرت گفت که حرارت بر من غالب شده است و آلوی سیاه
می نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و آلوی خشک سیاه
تسکین میدهد خون و درد را باذن خدای تعالی در بیان مویز
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که هر روز بر ناهار
بیست و یک مویز سرخ بخورد بیمار نشود مگر بیماری موت و گفت

امیر المؤمنین علی علیه السلام که انکسی که پست و یک مویز سرخ
بخورد نه بیند در بدن خود هیچ مکروهی و نیز گفت که مویز
قوت میدهد دل را و می برد بیماری را و می نشاند حرارت و خوشبو
میکرداند دهن را و منقولست از املای شیخ ابی جعفر طوسی که در
روایتی واقعست که می برد غم را و خوشبو میکرداند نفس را و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که بر شما باد که مویز بخورید
بدرستی که تسکین میدهد صفرا را و می برد بلغم را و صحت میدهد
بدن را و نیکو میکرداند خلق را و محکم میکند پی را و میبرد بیماری را
در بیان عناب گفت امیر المؤمنین علی علیه که عناب میبرد تب را و گفت
ابو الحبیب که چشم من سفید شده بود هیچ چیز نمی دیدم شبی امیر
المؤمنین علی علیه السلام را در خواب دیدم و گفتم ای سیدی
است بچشم من علتی که می بینی آنحضرت گفت بگیر عناب را و بکوب
و در چشم بکش پس گرفتم عناب را و کوفتم با خستها و در چشم
کشیدم پس تاریکی از چشم من بدر رفت و چشم من صحت یافت و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که فضل عناب در میوهای دیگر
همچون فضل ماست بر باقی دیگر مردمان در بیان سنجد منقولست
از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام که گفت امام زین العابدین علیه السلام که آمد
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام

وامیر

و امیر المؤمنین علی علیه السلام تب داشت آنحضرت فرمود
که یا علی سنجد بخور و گفت بکر که شنیده ام از ابی عبد الله علیه السلام
که می گفت که گوشت سنجد میرویاند گوشت را و استخوان او
میرویاند استخوان را و پوست او میرویاند پوست را و با وجود این
گرم میکند کرده را و پاک میکند معده را و ایمن میکرداند از
بواسیر و از جنس بول و قوت میدهد ساق را و برطرف میکند جذام را
باذن خدای تعالی فصل یازدهم در بیان سبزیها روایتست
که سبز کنید خوان طعام را به سبزیها و در روایتی واقعست که زینت دهید
خوان طعام را بسبزیها بدرستی که دور میکند شیطان را با آنکه
که بسم الله بگوئید و گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر چیزی را
زینتی است و زینت خوان سبزیست و گفت احمد بن هارون که رفتم
نزد امام رضا علیه السلام آنحضرت طعام طلبید و بران خوان
سبزی نبود آنحضرت دست خود را از خوان کشید و گفت ای غلام
نمی دانی که من طعام نمی خورم بر خوانی که برو سبزی نباشد برو
سبزی بیار غلام رفت و سبزی آورد و بعد از ان آنحضرت دست
دراز کرد و طعام خورد و من با آنحضرت طعام خوردم در بیان
کدو گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کدو زیاده میکند قوت دماغ را
و گفت امام حسین علیه السلام که رسول خدا فرمود که کدو بخورید
بدرستی که اگر درختی بهتر از کدو می بود خدای تعالی آن را می رویانید

برای برادر من یونس و هرگاه شوروائی بر پزند باید که کدو بسیار
در و بکنید بدرستی که کدو زیاده میکند قوت دماغ و عقل را
و منقولست از صحیفة الرضا از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که وقتی که طعام بکنید بدرستی که
کدو زیاده میکند قوت دماغ و عقل را و منقولست از صحیفة الرضا که
روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که طعام بر پزید کدو
بسیار در طعام بکنید بدرستی که کدو خوشحال میسازد دلهای
کین را و روایت است که خیاطی حضرت پیغمبر را دعوت کرد و برای
آنحضرت طعام آورد که کدو در و بود با چربی گفت انس که دیدم
که آنحضرت میخورد کدو را و میجست آنرا از کاسه و گفت انس که دوست
میداشتم کدو را از آن زمانی که دیدم آنحضرت او را دوست میداشت
و گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست میداشت
کدو را و بر میچید از کاسه و روایتست که حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم را دعوت کردند و برای آنحضرت طعامی آوردند
که در و کدو بود آنحضرت میجست کدو را و میخورد

در بیان

کاسنی گفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که شب بخورد
کاسنی و اندرون او هفت برگ کاسنی باشد ایمن باشد از قولنج در آن
شب و نیز گفت که انکسی که میخواهد مال و فرزندان او بسیار شود باید
که کاسنی بسیار بخورد بدرستی که هر صباح ریخته میشود بر کاسنی
قطره از بهشت پس هرگاه کاسنی میخورید میفشانید او را و نیز گفت
که پدر من منع میکرد ما را از فشاندن کاسنی و نیز گفت که انکسی که
کاسنی بخورد و در روز جمعه پیش از نماز به بهشت میرود و گفت
امام رضا علیه السلام که کاسنی شفا است از هر درد و نیست درد و دردی
در اندرون آدمی مگر آنکه کاسنی میبرد آنرا و روایتست که بعضی
از خدمتکاران امام رضا علیه السلام را تب و درد سر بود میرود
و روایتست از سیاری که گفت یکی از ائمه معصومین علیهم السلام
که کاسنی بخورید بدرستی که زیاده میکند طراوت و تازگی را و نیکو
میگرداند فرزند را و کرم و تر است و کسی که کاسنی بخورد پس
بسیار حاصل شود او را و منقولست از کتاب فردوس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که کاسنی بخورد و خواب
کند اثر نکند در و سحر و زهر و نزدیک نشود او را مار و عقرب
و هیچ گزنده و گفت انس که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که کاسنی از بهشت است

در بیان

کندنا گفت امام محمد باقر
علیه السلام ما که اهل بیتیم میخوریم سیر و پیاز و کندنا را و گفت
موسی بن بکیر که شکایت کرد غلام ابو الحسن علیه السلام از سپرز
گفت آنحضرت که سه روز کندنا بخورید چنین کرد خونی که از سپرز
آدمی آمد ایستاد و صحت یافت و روایتست که حضرت امیر المؤمنین

امیر المؤمنین علی علیه السلام کندنا را با نمک نیم کوفته میخورد
وگفت ابو عبد الله علیه السلام که هر چیزی را مهتری هست و مهتر
سبزیها کندنا است وگفت امام محمد باقر علیه السلام که در کندنا
چهار خصلت است می برد باد را و خوشبو میکند دهن را و قطع میکند
بواسیر را و ایمن میگرداند از جذام کسی را که مداومت کند بخوردن
آن وگفت موسی بن بکر که آمدم نزد ابی الحسن علیه السلام آنحضرت
گفت بمن که رنگ و روی تو زرد شده است کندنا بخور کند نا خوردم
و صحت یافتم وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که فضل کندنا بر باقی سبزیها همچون فضل نانست بر باقی چیزها

در بیان بادرنج بویه امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علیه السلام که ذکر کرده اند
بادرنج بویه را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آنحضرت
فرمود که بادرنج بویه تره منست و تره پیغمبران که از من پیشتر بوده الله
و من دوست میدارم آنرا و میخورم و او در بهشت روییده است و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا دوست میداشت
بادرنج بویه را و گفت ابو عبد الله علیه السلام که بادرنج بویه تره
پیغمبرانست و در وهشت خصلتست گوارا میکند طعام را و می گشاید
سدها را و خوشبو میکند دهن را و اشتهای طعام می آورد و صاف
میکند خون را و ایمن میکرداند از جذام و هر گاه قرار گیرد در اندرون

آدمی

آدمی بر طرف میکند همه دردها را و زینت میدهند اهل بهشت
بادرنج بویه خوانهای طعام خود را و نیز گفت که رسول خدا فرمود
که بادرنج بویه تره خوبیست گویا که بینم او را که در بهشت روییده
و تره بیتزک تره بدیست گویا که می بینم او را که در دوزخ روییده است
وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که در شب
بادرنج بویه بخورد امر میکند خدای تعالی فرشتها را که حسنات
برای او بنویسند تا صباح وگفت ایوب بن نوح که خبر داد بمن کسی که
حاضر بود بر مایده امیر المؤمنین علی علیه السلام که آنحضرت باد
رنج بویه طلبید و گفت که من دوست میدارم که ابتدا به بادرنج
بویه کنم در طعام خوردن بدرستی که میکشاید سدها را و می آورد
اشتهای طعام را و می برد سل را و وقتی که افتتاح باو میکنیم باکی ندارم
از طعامی که بعد از و میخورم بدرستی که نمی ترسم از درد و سختی بعد
از و و آنحضرت چون فارغ شد از طعام خوردن بادرنج بویه طلبید و
خورد و بمن داد و گفت بادرنج بویه خوردن بعد از طعام گوارا میکند
طعامی را که پیش از و خورده است و اشتهای طعام می آورد و نقل میبرد
و خوشبو میکند آروغ دهن را **در بیان** خرفه گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که نروییده است بر روی زمین تره که فایده او
بیشتر باشد و شریفتر باشد از خرفه و خرفه تره حضرت فاطمه علیها السلام
است و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که بر شما باد که

خرفه بخورید بدرستی که اگر چیزی زیاده کند عقل را خرفه خواهد بود

در بیان تره تیزک گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
انکسی تره تیزک بخورد در شب در حرکت می آرد جذام را از بینی او و نیز
گفت که خوردن تره تیزک در شب برص می آورد **در بیان** کرفس گفت
امام حسین علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
فرمود در وصیتی که کرد بامیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی
کرفس تره الیاس و یوشع بن یونس علیه السلام است و نیز آنحضرت فرمود
که کرفس تره پیغمبرانست و روایتیست که طعام خضر و الیاس علیهم
السلام کرفس و کماتست و کمات گیاهیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
واله وسلم که عجوه از بهشت است و در و شفاست از زهر و عجوه نوعیست از
خرما و کمات از نعمتهای خدایتعالی است و آب او شفاست چشم را

در بیان سداب گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که سداب نیکواست برای درد گوش و گفت امام رضا علیه السلام که
سداب می افزاید عقل را اما پراکنده میکند آب منی را و در روایتیست از کتاب
فردوس که گفت عایشه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که
انکسی که سداب بخورد و خواب کند ایمن شود از درد و بلا و سختی و ذات
الجنب جغندر گفت امام رضا علیه السلام که بر شما باد که جغندر بخورید
روئیده است در کنار بهشت و در و شفاست از هر درد ها و محکم میکند پیه
و فرو می نشاند حرارت خون را و غلیظ میکند استخوانها را و اگر دست

گناه کاران باو نمیرسید یک از و چنان می شد که می پوشید دریا
راوی میگوید که گفتم فدای تو گردم جغندر دوست ترین ترهاست
نزد من آنحضرت گفت که حمد میگویم خدایتعالی را بر شناخت تو
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن جغندر ایمن
می سازد از جذام و نیز گفت که خدای برطرف گردانید جذام را
بجهة جغندر و گفت امام رضا علیه السلام که جغندر بخورید
و بیماران خود بدهید بدرستی که در و شفاست و هیچ دردی نیست
در و نیست و خواب می آورد بیمار را و نیز گفت که جغندر میکند
رگ جذام را و هیچ چیز نفع دهنده تر نیست کسی را علت سرسام
داشته باشد از برگ جغندر و نیز گفت باید که خالی نباشد اندرون
شما از طعام و آب که بخورید و جماع مکنید مگر آنکه میل بسیار بجماع
شود و خوب تره ایست جغندر **در بیان** شلغم گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که بر شما باد که شلغم بخورید و در هر صباح
و پنهان دارید فایده آنرا مگر از کسی که سزاوار باشد بآن بدرستیکه
نیست هیچکس مگر آنکه رگ جذام دارد پس برطرف سازید آن رگ را
بخوردن شلغم **در بیان** ترب منقولست از کتاب فردوس
که گفت ابن مسعود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود
که وقتی که ترب بخورید و خواهید که در نیابید بوی او را باید که
یاد کنید مرا در اول شکستن او و منقولست از کتاب فردوس که گفت

ابن حسنان سدیر با بو عبد الله علیه السلام طعام میخوردم بسر داد
بمن ترتی وکفت بخورید که دو سه خصلتست برک او میبرد بادرا
ومغزا ومیراند بول را و بیخ او قطع میکند بلغمرا ومنقولست از امالی
شیخ ابو جعفر طوسی که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بیخ ترب
یسکند بلغم را و هضم میکند طعامرا و برکها و میراند بول را **در بیان**
سیر کفت امام محمد باقر علیه السلام ما که اهل بیتیم سیر وپیاز وکندنا
میخوریم وروایتست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام
از خوردن سیر آنحضرت کفت که خوردن سیر باکی نیست وقتی که
پخته باشد ولیکن اکر سیر بخورید ومداوا کنید باو بدرستی که
در وشفا است از هشتاد درد وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که یا علی سیر بخور واکر من
سخن نمیکردم با فرشتکان هر آینه سیر میخوردم ونیز کفت امیر المؤمنین
که نیکو نیست خوردن سیر مکر آنکه پخته باشد **در بیان** پیاز کفت
امام محمد باقر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود
که هر کاه در آئید بشهری پیاز آن شهر بخورید بدرستی که دور میکند
از شما وبارا وروایت است که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه
السلام را از خوردن پیاز آنحضرت کفت باکی نیست خوردن پیاز وقتی
پخته باشد وباکی نیست که مداوا کنید بسیر هر کاه سیر بخورید بمسجد
مروید وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که پیاز میبرد تعب ودشواری

ومحکم

ومحکم میکند پی را وزیاده طراوت وتازکی را ومیبرد تب را ونیز
کفت که پیاز خوشبو میکند دهن را ومحکم میکند کوشت بن دندانرا
وزیاده میکند قوت جماع را **در بیان** کاهو کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که بر تو باد که کاهو بخوری بدرستی که کم میکند
خونرا وکفت امیر المومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم فرمود که کاهو بخورید بدرستی که خواب می آورد و
هضم میکند طعام را **در بیان** باقلی کفت انس که پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که طعام عیسی علیه السلام باقلی بود تا آنکه اورا
باسمان بردند وچیزی دیکر نخورد ومنقولست از کتاب فردوس
که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که هر که خواهد که
باقله بخورد باید که با پوست بخورد وکفت امام رضا علیه السلام که
باقله زیاده میکند مغز ساقها وخون را ونیز کفت که بخورید باقله را
با پوست او بدرستی که پاک میکند معده را وکفت امام جعفر صادق
علیه السلام که باقله با پوست بخورید بدرستی که زیاده میکند مغز ساقها
وقوت وخون را ونیز کفت که باقله میبرد درد را و درد دیده روی
نیست **در بیان** بادنجان کفت امام جعفر صادق علیه السلام که
بادنجان نیکوست سودا وصفرا را وکفت ابو الحسن سیم بعضی خدمتکاران
خود را که بسیار با دنجان بخورید بدرستی که کرم است در وقت
حرارت وسرد است و در وقت برودت ومعتدل است در تمام اوقات

میکند

وقت

میدهد دماغ

و نیکوات در همه حال و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر شما
باد که بورانی بادنجان بخورید که در و شفااست و ایمن میکرداند از
برص و بخورید بادنجان را که بروغن زیتون پخته باشند و منقولست
از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که بادنجان
بخورید بدرستی که دیدم درخت بادنجان را در بهشت گواهی داد
بخدا یتعالی و به پیغمبر و بولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام پس
هر کس بادنجان بخورد بقصد آنکه درد دست درد شود و هر کس
بقصد دوا بخورد دوا شود و گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که بسیار بادنجان بخورید در وقت خرما
بدرستی که در و شفااست از هر دردی و زیاده میکند تازگی و طراوت
روی را و می افزاید آب پشت را و نیز گفت که شخصی گفت که نزد امام زین
العابدین بادنجان بود که بریان کرده بودند آنرا بروغن زیتون
و چشم آنحضرت درد میکرد و از آن بادنجان میخورد و حال آنکه او کرم
است آنحضرت گفت که خاموش بدرستی که پدر من روایت کرده
است از جد من علیه السلام که بادنجان از زمین نیکو نیست برای هر
چیزی در بیان کذر گفت داود بن فرقد که رفتم نزد ابی عبد الله
علیه السلام و در پیش آنحضرت کذر بود پس داد بمن کذری و گفت بخور
گفتم دندان ندارم گفت آیا کنیزی نداری گفتم دارم گفت بفرما که بپزد
کذر را برای تو و بخور بدرستی که کرم میکند گرده را و محکم میکند

ونکوست م

ذکر را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کذر ایمن میکرداند
از قولنج و بواسیر و قوت جماع را زیاده میکند در بیان خربزه
منقولست از کتاب فردوس که گفت امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت
پیغمبر فرمود که خربزه بخورید بدرستی که آب او رحمت و شیرینی
او از شیرینی بهشتاست و روایتست که خربزه را از بهشت آورده اند
پس هر کسی که یک لقمه خربزه بخورد بنویسد خدایتعالی هفتاد
هزار حسنه و محو کند از نامه اعمال او هفتاد هزار گناه و بلند کرداند
مرتبه او را هفتاد هزار درجه و گفت امام موسی علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم خربزه را با شکر میخورد و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خوردن خربزه در ناهار فالج می آورد و گفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام که خربزه از زمین نیکو نیست و هیچ درد و
سختی در و نیست و نیز گفت که در خربزه ده خصلتست طعامست و
آب و میوه و ریحان و نان خورش و شیرینی و اشنان و خطمی و تره و
دواست یعنی خربزه اینها میکند و مراد باین که خربزه اشنان و خطمی است
آنست که پاک و ملایم میسازد اندرون آدم را و منقولست از کتاب
روضه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خربزه بخورید بدرستی
که در و ده خصلت جمع شده است از زمین نیکواست و دردی
و سختی در و نیست و طعام و آب و میوه و ریحان و اشنان و نان خورش است
و زیاده میکند قوت جماع را و پاک میکند مثانه را و میراند بول را

و با خرما نخورند

است

و در حدیث دیگر واقع شده است که میگداز اند ریگ مثانه را و منقولست از امام رضا علیه السلام این بیت در باب خربزه

اهدٰی لنا الایام بطیخة کذلک قال المصطفی المجتبی محمد جدی علیه السلام

ماء و حلوا و ریحانة فاکهة حرض طعام ادام تنقی المثانة و تصفی

الوجود تطیب النکهة عشر تمام یعنی هدیه داده است پروردگار

خربزه را بما از زمین و از بهشت و در خربزه چند صفت بزرگ است

و من می شمرم آن صفتها را بنظم و چنین گفته است مصطفی و مجتبی

که جد منست که خربزه آب و شیرینی و ریحان و میوه و اشنان و

طعام و نان خورش است و پاک میکند مثانه را و صفا میدهد

رو را و خوشبو میکند دهن را و گفت امام رضا علیه السلام که خوردن خربزه

بر نهار فالج می آورد و در روایتی واقع شده است که قولنج

می آورد **در بیان** خیار گفت امام جعفر علیه السلام که رسول خدا

میخورد خیار را با نمک و نیز گفت که وقتی که خواهید که خیار بخورید

از پایین او بخورید بدرستی که برکت در وی بیشتر است **در بیان**

سیاه دانه گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در سیاه دانه

شفاست از هر دردی مگر مرگ را راوی گوید که گفتم چکار کنم با وی آنحضرت

گفت که بگیر بیست و یک دانه از آن و آنرا در پارچه به بند و یک شب در

آب بنه چون صباح شود در سوراخ بینی راست دو چکان و در سوراخ

چپ یک قطره گفت سعد که هر روز سیاه دانه شفاست از هر دردی

نظره ۴

و رسول خدا دوست میداشت سیاه دانه را کسی گفت با امام

جعفر صادق علیه السلام که مردمان گمان میبرند که آن دانه

سیاهی که حضرت پیغمبر دوست میداشت سپند است آنحضرت گفت

سپند نیست سیاه دانه است پس اگر پایم نزد اصحاب پیغمبر و

بگویم که بیارید برای من دانه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

دوست میداشت آنرا هر آینه بیرون می آورند برای من سیاه دانه

و گفت محمد بن ذریح که گفتم با بی عبدالله که اندرون من درد میکند

و نفخی دارد آنحضرت گفت که چرا سیاه دانه نمیخوری بدرستی که در وی

شفاست از هر دردی و گفت فضل که شکایت کردم نزد ابی عبدالله ع

که من در وقت بول کردن تشویش می یابم آنحضرت گفت که سیاه دانه

بخورید در آخر شب و گفت ابو عبدالله که در سیاه دانه شفاست

از هر دردی بدرستی که میخوریم او را بجهة تب و درد سر و درد چشم

و درد شکم و هر دردی که ما را عارض میشود خدا تعالی شفا میدهد

ما را از آن درد بجهة خوردن سیاه دانه **در بیان** سپند گفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که نروئیده است از سپند هیچ

شاخی و برگی و شکوفه مگر آنکه فرشته موکل است با نهها تا آنکه برسد

بکسی یا خشک شود و بریزد بدرستی که و شاخ او تعویذ است و در دانه او

شفاست از هفتاد و دو درد و گفت محمد بن الحکم که شکایت کرد

پیغمبری بخدا تعالی از بیدلی امت خود بس وحی کرد خدا تعالی با آن

بیان ۳

اصل ۳

پیغمبر که بفرمان امت خود را که سپند بخورند و در روایتی واقع
شده است که بفرمان امت خود را که آب سپند زیاده میکند
شجاعت را و روایتیست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام
را از سپند و کندر آنحضرت گفت که سپند حرکت نمیکند بیخ او و هر بیخی
و بالا نمیرود شاخ او باسمان مگر آنکه موکل ساخته است خدای تعالی
بآن فرشته را تا آنکه خشک شود و بریزد یا بکسی برسد که شیطان
دور میشود از هفتاد سرای که در حوالی آن سرای باشد که در
سپند است و در سپند شفا است از هفتاد مرض که آسان ترین آن
مرضها جذام است پس نگاه دارید سپند را و اما کندر نیز برگزیده
پیغمبرانست و از وطلب یاری میکرد مریم علیه السلام و هیچ دودی
زود تر باسمان نمیرود از دود سپند و دود و دور میکند شیطان را
و دفع میکند آفت را پس باید که نگاه دارید ورا

فصل دوازدهم

در بیان حبوبات

در بیان ماش روایتیست که پرسیدند بعضی از اصحاب
امام رضا علیه السلام را از علاج بهق آنحضرت فرمود که آنکسی که بهق
دارد باید شوربای از ماش بپزد و بخورد و طعام او این باشد
راوی میگوید که من این مرض داشتم چند روز چنین کردم و عافیت
یافتم و گفتم امام رضا علیه السلام که بگیر ماش تر را و بکوب او را
و بگیر آب او را بر نهار بخور و طلا کن بر موضعی که بهق دارد راوی
میگوید که چنین کردم و عافیت یافتم

با بر کشی

در بیان حلبه گفت رسول

خدا

خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بر شما باد که حلبه بخورید و اگر
بدانند امت من که چه فایده است در حلبه ایشان را هر آینه مداوا
کنند بآن و اگرچه بوزن او طلا باید داد

در بیان نان خواه روایتیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نان خواه و سعتر
و سیاه دانه طلبید و خورد و آنحضرت نان خواه میخورد وقتی
که سفید مانند تخم مرغ و ماست و طعام ثقیل میخورد و آنحضرت
نان خواه با نمک نیم کوفته می آمیخت و پیش از طعام میخورد و میگفت
که باکی ندارم از خوردن هیچ چیز هرگاه که خورده ام این ترکیب را
و میگفت که این ترکیب قوت میدهد معده را و می برد بلغم را و
ایمن میسازد از لقوه

خوردنی

در بیان نخود روایتیست نزد امام
جعفر صادق علیه السلام ذکر کرده اند نخود را آنحضرت گفت
که نیکو است برای درد پشت

در بیان عدس روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود در جای نماز خود که عبدالله
بن تیهان نزد آنحضرت آمد و گفت یا رسول الله من با تو بسیار نشستم و
چیزی بسیار از تو بشنیدم و هیچ رقت پیدا نکرد دل من و هیچ آب
از چشم من روان نشد آنحضرت گفت که ای ابن تیهان بر تو باد که
عدس بخوری بدرستی که نرم میسازد دل را و روان میکند آب چشم را
و میبرد کبر را و عدس طعام نیکانست و منقول است از صحیفة الرضا که

از پدران خود علیه السلام

روایت کرده است امام رضا علیه السلام گفت حضرت پیغمبر که بر
شما باد که عدس بخورید بدرستی که مبارکست و پاکیزه و نرم
میکند دلرا و روان میسازد آب چشم را و دعا ببرکت کرده

وزود

اند برای عدس هفتاد پیغمبر و منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران نزد
خدای تعالی از سخت دلی قوم خود حق تعالی وحی کرد بان پیغمبر
در حالتی که برجای نماز خود نشسته بود که بفرما قوم خودرا که
عدس بخورند بدرستی که نرم میکند دلرا و میریزد اشک را و می
برد تکبر را و نیکانست و منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده

طعام

است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم که بر شما باد که عدس بخورید بدرستی
که عدس مبارکست و پاکیزه است و نرم میکند دلرا و بسیار میسازد
اشک را و دعای به برکت کرده اند از برای او هفتاد پیغمبر که آخر ایشان
حضرت عیسی بود **در بیان** سنا گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا فرمود که بر شما باد که سنا بخورید و
مداوا کنید بان بدرستی که اگر چیزی دفع میکرد مرگ را سنا می بود
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اگر بدانند مردمان
که فایده سنا را یکمثقال سنا را بدو مثقال طلا بخرند و سنا ایمن میکرداند
از بهق و برص و جذام و دیوانگی و فالج و لقوه و آنحضرت گفته که

بکرید

بکرید سنا را با مویز سرخ که دانه او را جدا کرده باشند با هلیله
کابلی و زرد و سیاه و وزن همه برابر باشد و اینها را باهم ترکیب کنند بقدر

انبهام

مقدار سه درهم بخورید و این ترکیب بهترین دواهاست **در بیان**
اسفیوش گفت امام جعفر صادق علیه السلام انگسی را که تب شود
و بیاشامد در همان شب دو درهم اسفیوش یا سه درهم ایمن
شود از برسام در ان مرض **فصل سیزدهم در بیان** طعامهای نادر
و غیر آن پنیر و جوز گفت امام جعفر صادق علیه السلام در پنیر

دربیان

و جوز شفا است گاهی که باهم باشند و هرگاه جدا باشند در
هریک دردیست و نیز گفت که پنیر بعد از طعام هضم میکند طعام
و اشتهای طعام می آورد و نیز گفت که خوردن جوز در وقتی که
هوا بسیار گرم باشد در حرکت می آورد جراحت را در بدن و در
زمستان گرم میکند گرده را و دفع میکند خشکی را **در بیان**
نمک گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در وصیتی که کرد امیر
المؤمنین علی علیه السلام که یا علی ابتدا کن بنمک در طعام خوردن
و ختم کن بان بدرستی که در نمک شفا است از هفتاد درد که از جمله
دیوانگی و جذام و برص و درد دندان و درد شکم و درد حلق است
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که انگسی که نمک بپاشد
بر اول لقمه از طعام خود برود جوشش روی او و در روایتست که
پرسیدم امام رضا علیه السلام را از اصحاب خود که کدام نان خوش

بهتراست بعضی کفتند کوشت و بعضی کفتند روغن و بعضی کفتند
روغن زیتون آنحضرت کفت نمک و کفت امام رضا علیه السلام
که بیرون رفتیم از منزل خود و رفتیم بموضعی که ما را بود و فراموش
کرد غلام نمک را پس نفع نیافتیم از هیچ خوردنی تا آنکه برکشتیم و
منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است عایشه که کفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که انکسی نمک بخورد پیش از
هر چیز و بعد از هر چیزی دفع کند خدایتعالی از و سیصد و سی
نوع بلا را که آسان ترین آن بلاها جذام باشد و روایتست از
انس که کفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم که انکسی سرکه
بخورد بایستد فرشته بر سر او و استغفار کند برای او تا وقتی
که فارغ شود از سرکه خوردن و نیز کفت که نمک و آب و دیک
از اسباب خانه است که مردمان یکدیکر را بآن یاری کنند و منع
آن نشاید کرد **در بیان** سرکه روایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و اله و سلم نزد ام سلمه رفت ام سلمه نزد آنحضرت پاره نان
آورد آنحضرت کفت که آیا نزد شما نان خورشی هست ام سلمه کفت یا
رسول الله نزد من بغیر سرکه نیست آنحضرت کفت خوب نان خورشیست
و بی نان خورش نمیشوند اهل خانه که در آنخانه سرکه باشد و کفت
امام جعفر صادق علیه السلام ما که اهل بیتیم ابتدا بسرکه میکنیم در وقت
طعام خوردن همچنانکه مردمان ابتدا بنمک میکنند بدرستی که سرکه

قوت میدهد عقل را و نیز کفت که خوب نان خورشیست سرکه
و میشکند صفرا را و زنده میکند دلها را و نیز کفت که بر تو باد که سرکه
انکور بخوری بدرستی که هر کرم که در اندرون تست میکشد
و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که خوب نان خورشیست
سرکه بار خدایا برکت ده در سرکه بدرستی که نان خورش پیغمبرانست
که پیش از من بوده اند و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود که کفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که بخورید سرکه انکوری را که بقصد سرکه انداخته
اید و مخورید سرکه را که بقصد شراب انداخته اید و بعد از آن
سرکه ساخته اند **در بیان** آبکامه کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت یوسف علیه السلام وقتی که در زندان محبوس
بود شکایت کرد بخدایتعالی از نان تهی خوردن و طلب کرد از خدایتعالی
نان خورشی و نان خشک بسیار نزد او جمع شده بود پس خدایتعالی
فرمود که نان خشکی را در ظرفی کند و آب و نمک بر وی ریزد یوسف علیه
السلام چنین کرد آبکامه شد و آنرا نان خورش نان خود ساخت **در بیان**
روغن زیتون منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود که کفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم که بر شما باد
که روغن زیتون بخورید بدرستی که می کشاید چرک و میبرد جراحت را و
میبرد بلغم را و محکم میکند پی را و میبرد ماندکی را و نیکو میسازد خلق را

وخوشبو میکند نفس را و می برد غم را و کفت امام رضا علیه السلام
که خوب طعامی است روغن زیتون خوشبو میکند دهن را و می برد بلغم
و صاف میسازد رنک را و محکم میکند پی را و می برد درد را و می نشاند غضب را و کفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در وصیتی که کرد با امیر المومنین علی علیه السلام
که یا علی روغن زیتون بخور و بمال بر بدن خود بدرستی که انکسی که روغن
زیتون بخورد و بمالد بر بدن خود نزدیک نشود او را شیطان تا چهل
روز و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که بخورید روغن زیتون را و بمالید بر بدن خود بدرستیکه
زیتون از درخت مبارک است و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که روغن زیتون روغن نیکان و طعام ایشانست **در بیان** سعتر
و نان خواه و نمک و جوز کفت امام جعفر صادق علیه السلام که چهار چیز
است که روشن میکند چشم را و فایده میکند و ضرر نمیکند کسی پرسید
که آن چهار چیز است کدام آنحضرت کفت که سعتر و نمک است هرکاه با هم
باشند و نانخواه و جوز است وقتی که با هم باشند انکس میکوید که کفتم که
هرکاه این چهار با هم جمع شوند چه فایده دارد آنحضرت کفت که نانخواه
و جوز میبرند بواسیر و باد را و نیکو میکردانند رنک را و صلاح میدهند
معده را و کرم میکنند کرده را و سعتر و نمک می برند باد را از دل و می
کشایند سده را و میسوزانند بلغم را و میرانند بول را و خوشبو میکنند
دهن را و نرم میکنند معده را و دور میکنند از دهن بوی بد را

و محکم میکنند ذکر را و کفت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که شفا دو است هر دردیرا و دوا نمیکند و هرو
جستن او را هیچ مثل ثفا بعضی کفته اند که ثفا نانخواه است و بعضی کفته
اند خردل است و بعضی کفته اند که تخم تره تیزک است **در بیان** سعد
و سعد کیاهیست خوشبو کفت ابراهیم بن نظام که مرا دزدان زدند
و در دهن من پالوده کرم ریختند تا آنکه پخته شد دهن من و
بعد از ان دهن مرا پر برف کردند پس دندانهای من افتاد شبی در
خواب دیدم امام رضا علیه السلام را و شکایت کردم بآنحضرت از پی
دندانهای آنحضرت کفت که سعد بکار بر بدرستی که دندانهای تو بیرون
می آید چون آنحضرت متوجه خراسان شد خبر رسید بمن که بجانب
ما خواهد آمد استقبال کردم آنحضرت را و بر و سلام کردم و حال
خود را برو عرض کردم و خواب که دیده بودم کفتم آنحضرت کفت که
من در بیداری نیز میفرمایم که سعد بکار بر پس بکار بردم و دندا
من بیرون آمد بهمان طریق که بود **در بیان** اشنان روایتست
که امام محمد باقر علیه السلام هرکاه دست و روی خود را می شست
با اشنان پاره از اشنان در دهن خود میکرد می جنبانید و میریخت
و میکفت که اشنان چیزی بدیست بوی دهن می آورد و رنک را
زرد میکند و زانوها را سست میکند و من دوست نمیدارم آنرا
در بیان تلخان کفت مردی بابی عبدالله فرزندی که ما را

نهای

میشود بعضی از ایشان ضعیف و علت ناک می باشند آنحضرت گفت
که تلخان بدهید که بخورند بدرستی که تلخان محکم میکند استخوانرا
و میرویاند گوشت را و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر طوسی که گفت
امام زین العابدین علیه السلام که کسی که تب داشته باشد تلخانرا
بشوید بیامیزید و از ظرفی بظرفی دیگر بریزید و سه نوبت باو بدهید
که بخورد بدرستی که تب گرم را می برد و این عمل را وحی کرده است خدای
تعالی و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که فاضلترین چیزها که روزه
دارد در سحر بخورد تلخان با خرما است و گفت امام رضا علیه السلام
که هرگاه بشوئید تلخانرا هفت بار و او را از ظرفی بظرفی بریزید تب را
می برد و قوت میدهد ساق و قدمها را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که تلخانرا بشوئید و بعد از آن بکسی که تب داشته باشد
آنمقدار بدهید که سیر شود و نیز گفت که فاضلترین چیزهائی
که در سحر روزه دار بخورد تلخان و خرما است و گفته اند که فرزندان
خود را تلخان بدهید در حال طفلی بدرستی که تلخان می رویاند گوشت را
و محکم میکند استخوانرا و نیز گفت که آنکسی که چهل روز تلخان بخورد
پر قوت میشود پای او **در بیان تلخان** جو روایتست که پرسید
سیف تمار را از ابا عبدالله علیه السلام از علاج شخصی که بیمار بود آنحضرت
گفت که تلخان جو را بآب بیامیز و باو بده که بخورد بدرستی که شفا می یابد
و جو غذای بیمارانست سیف تمار گفت که تلخان جو یکبار دادم بآن بیمار

شفا یافت **در بیان** تلخان کاورس گفت ابن کثیر که اسهال داشتم
و ابو عبدالله فرمود که بیامیز تلخان کاورس را بآب زیره و بخور چنین
کردم اسهال برطرف شد و عافیت یافتم **در بیان** تلخان سیب گفت احمد
بن یزید که هرگاه بگزد کسی را ماری یا عقربی تلخان سیب را بآب بیامیزید
و باو بدهید که بخورد و گفت ابن بکیر که از من بینی خون میرفت پرسیدم
ابا عبدالله را از علاج آن گفت که تلخان سیب را بآب بیامیز و بخور
چنین کردم خون ایستاد **در بیان** تلخان عدس گفت امام جعفر
علیه السلام که تلخان عدس می برد تشنگی را و قوت میدهد معده را
و در و شفا است از هفتاد درد و می نشاند حرارت را و خنک میکند
اندرونرا و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه بسفر
میرفت تلخان عدس را از خود جدا نمیکرد و هرگاه خون غالب میشد
خدمتکاران را میگفت که تلخان عدس را بآب بیامیزید و بخورید
بدرستی که تسکین میدهد خون را و مینشاند حرارترا و روایتست
که کنیز علی بن مهزیار را خون حیض دایم می آمد و نمی ایستاد تا آنکه نزدیک
شد بمردن ابو جعفر علیه السلام فرمود که تلخان عدس را بآب بیامیزید و
باو بدهید که بخورد دادند باو خون ایستاد **در بیان**
شیر گفت امام حسن ع که هرگاه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
شیر میخورد میگفت اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه یعنی بار خدایا
برکت ده ما را در شیر و زیاده کردان شیر را برای ما و گفت رسول خدا

صلی الله علیه واله وسلم که خرما و شیر بهترند از چیزهای دیگر و روایت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هر گاه شیر میخورد مضمضه
میکرد و میگفت شیر را چربی هست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم وقتی که شیر بیاشامید مضمضه کنید بدرستی که
شیر را چربی هست و روایتست که مردی گفت با امام جعفر صادق
علیه السلام که من شیر خوردم و ضرر کرد مرا آنحضرت گفت که شیر
ضرر نمیکند هرگز اما تو با شیر چیزی دیگر خوردی و آنچیز ترا ضرر کرده است
و تو گمان میبری که شیر ترا ضرر کرده است و گفت امیر المومنین علی علیه
السلام که شیر گاو دواست و پرسیدند از امیر المومنین علی علیه السلام
که آیا بول گاو را میتوان خورد آنحضرت گفت که اگر احتیاج داشته باشند
که بآن مداوا کنند باکی نیست خوردن و گفت جعفری که شنیدم که
شیخ ابو الحسن علیه السلام میگفت که بول شتر بهتر است از شیر
او و گردانیده است خدای تعالی شفا در شیر شتر و گفت یحیی بن عبد الله
که طعام میخورد با ابو عبد الله چند پیاله خوردی آوردند و آنحضرت
بدست خود اشارت کرد بیکی از آن پیالها و گفت که این ماس چکیده است
که از شیر خر ساخته اند برای بیماری که نزد ما است هر کس میخواهد
بخورد و هر کس نمیخواهد نخورد و روایتست که پرسیدند از ابی عبد الله
علیه السلام که آیا جایز است که بول خر ماده بخورند آنحضرت گفت باکی نیست
دربیان خاییدن مصطکی منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت

پیغمبر صلی الله علیه واله که بزنان آبستن مصطکی که بخورند بدرستی که
زیاده میکند عقل طفل را و نیز گفت که نیست دودی که بالا رود باسمان
مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند مصطکی را مگر آنکه دور
شوند جنیان از آنخانه و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که خاییدن
مصطکی محکم میکند دندانرا و میبرد بلغم را و بوی دهن را و گفت
امام رضا علیه السلام که بسیار مصطکی بخایید و نگاه دارید و دوست
میدارم من خاییدن مصطکی را بدرستی که میبرد بلغم را و پاک
میکند معده را و زیاده میکند عقل طفل را و نیز گفت که نیست دودی
که بالا رود باسمان مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند
مصطکی را مگر آنکه دور شوند جنیان از آنخانه ~~و گفت امیر المومنین~~
~~علی علیه السلام که خاییدن مصطکی محکم میکند دندانرا و میبرد~~
~~بلغم را و بوی دهن را و گفت امام رضا علیه السلام که بسیار مصطکی~~
~~بخایید و نگاه دارید و دوست میدارم من خاییدن مصطکی را بدرستی~~
~~که میبرد بلغم معده را و پاک میکند~~ [illegible] و میگوارند طعام را و نیز
گفت که بدهید بزنان آبستن مصطکی را تا بخورند پس اگر در شکم
ایشان پسر باشد آن پسر دانا و خوش فهم و دلیر میشود و اگر دختر باشد
خوش خلق و خوب صورت میشود و بزرگ میشود سرین او و عزیز
میشود نزد شوهر خود دربیان طعام شب خوردن گفت امیر
المومنین علی علیه السلام که پیغمبران طعام شب را بعد از وقت نماز خفتن

بدل
و در هیچ خانه دود نکنند
مصطکی را مگر آنکه

بخورند پس مگذارید شب چیزی خوردن را بدرستی که شب چیزی
ناخوردن خراب میکند بدن را و گفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم که انکسی که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و شب یکشنبه
و دوشنبه پی در پی برود از و قوتی که تا چهل روز بان قوت نیاید
و گفت ابو الحسن علیه السلام که ترک مکن شب چیزی خوردن را و اگر
پاره نانی باشد و گفت که شب چیزی خوردن قوت بدن را و نیکوست
برای جماع و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که ترک میکنید شب
خوردن را در یک شب رگی در بدن او که بقوت نیاید در بیان
گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که سه چیز است که فربه میکند و از جنس خوردنی نیست و سه چیز است
لاغر میکند آدمی را و از جنس خوردنی نیست و دو چیز است که فایده
همه چیز را و ضرر نمیکند هیچ را اما سه چیز که از جنس خوردنی نیست و
لاغر میکند گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما است و در حدیث دیگر
واقع شده است که جوز لاغر میکند و در حدیث دیگر واقع شده است که
کنجاره لاغر میکند و آن دو چیز که نفع میدهند همه چیز را و ضرر
نمیکند شکر و نار است

باب بیست و سیم

در آداب نکاح و انچه
متعلق است بآن و درین باب ده فصلست و انچه مذکور است درین باب
منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه مگر بعضی از روایات که ذکر خواهیم
کرد که از کتاب من لا یحضره الفقیه نیست

فصل اول

در ترغیب کردن
بنکاح و در بیان زن با میمنت و زن شوم گفت ابو جعفر علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که سه چیز منع میکند
مؤمن را از نکاح کردن پس اگر نکاح کند امید هست که خدا تعالی روزی
کند فرزندی که لا اله الا الله بگوید و نیز آنحضرت فرمود که انکسی که نکاح
کند نگاه داشته میشود نصف دین او پس باید که پرهیزکاری کند جهة
حفظ دیگر و نیز فرمود که نیست بنائی در اسلام که دوست تر باشد
که عمل کند بسنت من و آن نکاح است و نیز فرمود که انکسی که تواند نکاح
کرد و نکند از امت من نیست و نیز فرمود که طلب کنید روزی را از خدای
تعالی بسبب نکاح و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که
ترک نکاح کند از ترس درویشی بدرستی که گمان بد دارد بپروردگار
خود زیرا که خدای تعالی فرموده است که إن یکونوا فقراء یغنهم الله
من فضله یعنی انها که نکاح میکنند اگر فقیر باشند خدا تعالی غنی
میگرداند ایشانرا بفضل و کرم خود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم فرمود که ای جوان نکاح کن و بپرهیز از زنا بدرستی که زنا
میبرد ایمانرا از دل تو و نیز گفت که نکاح کنید زنانرا بدرستی که بسبب
ایشان مال پیدا میشود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر
المؤمنین علی علیه السلام فرمود که فاضلترین جمع کردن میان دو چیز
است که جمع کنند میان دو کس بنکاح تا جمع کند خدا تعالی میان ایشان
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نکاح کنید بدرستی که من

میخواهم که امت من بیشتر باشند از امت پیغمبران دیگر روز قیامت
تا انکه طفلی که از شکم مادر افتاده باشد می آید خشمناک بر در بهشت
پس خواهند باو که در آیی بهشت انطفل خواهد کفت که در نمی آیم
به بهشت تا انکه پدر و مادر من پیش از من در آیند و نیز کفت آنحضرت
که دو رکعت نماز که مرد کتخدا بکذارد فاضلتر است از عمل مرد عزب
که تمام شب بیدار باشد و نماز کذارد و روز روزه دارد و نیز کفت
که بدترین مرد مان عزب باشند و نیز کفت که ای کروه جوانان از شما انکه
استطاعت ندارد باید که پیوسته روزه دارد بدرستی که روزه داشتن
شهوت را کم میکند و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که دو رکعت
نماز که مرد کتخدا بکذارد فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز که مرد عزب
بکذارد و کفت ابو الحسن علیه السلام که آمد مردی نزد پدر من پس کفت
پدر من باو که کدخدائی نمرد کفت نه پدر من کفت که دوست نمیدارم
که در دنیا باشم و شبی بروز آرم و مرا زن نباشد بعد از ان کفت که
دو رکعت نماز که مرد کتخدا بکذارد فاضلتر است از عمل مردی که تمام
شب نماز کذارد و روز روزه دارد و عزب باشد و نیز کفت ابو الحسن ع
که هر چند دوستی بنده بزنان زیاده شود ایمان او زیاده میشود و نیز
کفت که بیشتر خیر در زنان می باشد یعنی بسبب ایشان خیر بسیار میشود
و نیز کفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که از طلاق عرش در
لرزه می آید و نیز کفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که خدا

کفت م

تعالی دوست نمیدارد مردانی را که زود طلاق و نکاح میکنند و
زنانی را که زود طلب نکاح و طلاق میکنند و نیز کفت که نکاح کنید با اهل
صلاح بدرستی که اخلاق پیغمبران دوست داشتن زنانست و نیز کفت
که سه چیز است که حساب نمی طلبند از مومن در روز قیامت طعامی
که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاری کند او را و نکاه دارد او را
از فسق و نیز کفت که انکسی که ترک نکاح کند از ترس درویشی کمان بد دارد
به پروردکار خود بدرستی که خدایتعالی میفرماید که إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ و معنی این از پیش کذشت ~~وکفت حضرت پیغمبر صلی~~
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که خواهد که ملاقات
کند خدایتعالی را پاک و پاکیزه باید که نکاح کند و کفت امام زین العابدین
که هر که نکاح کند برای رضای خدایتعالی و بجهة صله رحم خدایتعالی
تاج پادشاهی بر سر او بنهد در روز قیامت و کفت حضرت پیغمبر ص
الله علیه و آله و سلم که انکسی که توانکر باشد و نکاح نکند از امت من نیست
روایت کرده است محمد بن حمران از پدر خود که کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که انکسی که نکاح کند و قمر در برج عقرب باشد نیکوئی نبیند از ان نکاح و روایت است
که مکروه هست نکاح کردن در محاق ماه و آن سر آخر ماه است و کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فاضلترین زنان امت من آن زنانند که
صباحت ایشان بیشتر باشد و کابین ایشان کم باشد و کفت ابو عبد الله ع
که زن مبارک آنست که کم باشد مؤنت او و بآسانی بزاید و زن شوم آنست

زن خود را

زود سر اب میکند
و نیز کفت که از اخلا

روزه

که بسیار باشد مؤنت او و بدشواری بزاید و نیز گفت که شومی در سه چیز
باشد در مرکب و زن و سرا اما زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد
و بدشواری بزاید و اما مرکب شوم آنست که بسیار بزینت و آراسته باشد
بدفعل باشد و اما سرای شوم آنست که تنگ باشد و همسایهای بد
داشته باشد و روایتست که زن مبارک آنست که کابین او کم باشد و
زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم که نکاح کنید زنان کبود چشم را بدرستی که در ایشان برکتست و نیز گفت
که شومی در زن و مرکب و سرامی باشد

فصل دوم

در انواع زنان و اخلاق ایشان **در میان** نیکوئی زنان گفت امام
جعفر صادق علیهم السلام که زنان چهار نوع اند یکنوع آنست که یکفرزند
در کنار داشته باشد و دیگری در شکم و نوعی دیگر آنست که خیر بسیار داشته
باشد و شوهر داشته باشد و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد با شوهر
خود و نوع دیگر آنست و گفت معروف کرخی که گفتم بابی عبد الله علیه
السلام که زن من فوت شده است و او موافق من بود و من قصد دارم
که زن دیگر نکاح کنم انحضرت گفت تامل در ان زنی که نفس تو میخواهد
و تو او را شریک خود میسازی در مال و مطلع میسازی بر دین خود و
بر سر و امانت خود بس اگر خوب باشد نکاح کن و اگر البته میخواهی که نکاح کنی
باید که آن بکر باشد و مشهور باشد به نیکی **شعر** الا ان النساء
خلقن بشتی فمنهن الغنیمة والغرام ومنهن الظلام فمن یظفر بصالحهن یظفر

که بدخلق باشند

زن

ومنهن الهلال اذا تجلی

ومن یغبن فلیس له انتقام یعنی بدرستی که زنان مخلوق شده اند
بر چند نوع بعضی از ایشان فایده میرسانند و بعضی نقصان و
بعضی از ایشان مثل ماه نو اند وقتی که تجلی میکنند بر شوهر خود و بعضی
از ایشان کدورت و ملالت شوهر خود میشوند و انکسی که زن صالحه
بنکاح خود در آورد ظفر یافت و انکسی که زن صالحه نیافت پس زیانی
کرد که عوض ندارد و زنان سه نوع اند یکی آنست که بسیار میزاید و
دوست میدارند شوهر خود را و یاری میدهند شوهر را در کار دنیا
و آخرت و ناسازکاری نمیکنند دوم زنی که نمی زایند و جمال هم ندارند
و خوش خلق هم نیستند و یاری نمیکنند شوهر خود را بر نیکوئی
سیم زنی بلند آوازی که دخل کننده در چیزها و طعن کننده که اندکی
نماید در نظر او و قبول نکند چیز اندک را و گفت امیر المومنین علی
علیه السلام که نکاح کن زن کشاده چشم گندم گون بزرگ سرون
میانه بالا را پس اگر زن باین صفت را نکاح کنی و خوش نیاید ترا کابین
آن زن بر منست و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که عقل زنان در جمال ایشانست و جمال
مردان در عقل ایشانست یعنی از زنان جمال مطلوبست نه عقل و از مردان
عقل مطلوبست نه جمال و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و
سلم هر گاه میخواست که نکاح کند زنی را که میفرستاد کسی را تا آن زن را
به بیند و میگفت بانکس که بوی کن گردن او را و بوی کن گردن او خوشبو باشد

آن زن خوشبو است واگر قدم او پر گوشت باشد بزرگست فرج او و
گفت امام زین العابدین که پنج چیز است که هر که یکی از اینها ندارد همیشه
عیشش ناقص است و عقلش کم میشود و دلش فارغ نیست از اندوه
اول صحت بدن دوم وسیوم فراخی در روزی چهارم
انیس موافق کسی گفت که انیس موافق کیست آنحضرت گفت که زن صالح
و فرزند صالح و مصاحب صالح پنجم فراغت و راحت و این خصلتی
است که جمع است در وهمه آن خصلتها و نیز گفت که وقتی که خواهید که
کنید زنی را باید که بپرسید از موی او همچنانکه می پرسید از روی
نکاح
او بدرستی که روی خوب نیز از اسباب جمالست و نیز گفت که بهترین
زنان آنست که خوشبوی باشد واگر طعام دهد بکسی بمحل بدهد واگر
امساک کند بمحل امساک کند پس زنی که این صفت داشته باشد از کار
کنان خدایتعالی است وانکسی که کار خدایتعالی کند ناامید نشود از
رحمتها و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین زنان آنست که
اگر در غضب آورند او را بگوید بشوهر خود که من تابع توام و خواب
نمیکنم تا آنکه راضی شوی از من و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم باصحاب که آیا خبر دهم شما را به بهترین زنان گفتند بلی یا رسول
الله آنحضرت گفت که بهترین زنان آنست که بسیار زاید و دوست دارد
شوهر خود را و عفیف و پرهیزکار باشد و عزیز باشد در میان خویشان
خود و تواضع و فرمان برداری کند شوهر خود را و آراسته کند خود را

برای

برای شوهر خود و نگاه دارد خود را از غیر شوهر خود و بشنود سخن شوهر
خود را و فرمان برداری کند که فایده نمی برد مرد بعد از اسلام چیزی
که فاضلتر باشد از زن مسلمان که خوشحال کرداند شوهر خود را
هرگاه شوهر نظر کند باو و فرمان برداری شوهر کند هرگاه شوهر
باو کاری بفرماید جانب شوهر را نگاه دارد و حفظ نفس و مال
شوهر کند هرگاه شوهر او غایب باشد و روایتست که آمد مردی
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و گفت مرا زنیست که هرگاه
بخانه میروم استقبال میکند مرا و وقتی که از خانه بیرون میروم
مشایعت میکند مرا و هرگاه مرا غمگین می بیند میگوید که بچه جهت
غمگینی اگر بجهة معاش غمگینی بدرستی که غیر تو ضامن روزی تست
اگر بجهة آخرت غمگینی زیاده گرداند خدایتعالی غم ترا آنحضرت با آنمرد گفت
که بشارت ده آن زن را به بهشت و بگو باو که تو یکی از کارکنان خدای
تعالی هستی و ترا در هر روز اجر هفتاد شهید است و روایتست که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که خدایتعالی را کارکنانست و این
زن کارکنیست که از کارکنان خدایتعالی است که او را نصف اجر شهید است
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که زنان نیکو کار اهل دنیا بهتراند
از حور العین و نیز گفت که شجاعت در اهل خراسان است و قوت جماع کردن
در اهل بربر است و سخاوت و حسد در عرب پس اختیار کنید از اینها هر کدام
بهتراند از برای فرزند و نیز گفت که حیا ده بخش است نه در زنانست و یکی

در مردان وهرگاه ختنه کردند زنرا یک جزو از حیای او میرود
وهرگاه نکاح کردند جزوی از حیای او میرود وهرگاه ازاله بکارت شد
جزوی دیگر میرود وهرگاه فرزند زائید جزوی دیگر میرود
وپنج جزو از حیا باقی میماند پس هرگاه فسق وفجور کرد تمام حیای
او میرود اگر پرهیزکاری نمود میماند آن پنج جزو حیا منقولست
از کتاب نوادر الحکمه که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
آنکسی که خواهد کتخدا شود باید که نکاح کند زنی را که کوتاه بالا
باشد ومیان دو شانه او پهن باشد وگندم گون باشد پس اگر محظوظ
نشود از آن زن بر منست کابین او وگفت جابر که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که هرگاه زن نماز بکند پنجگانه خود را وروزه
ماه رمضان روزه دارد وخود را از فسق نگاه دارد وفرمان برداری
شوهر بکند بهشت میرود از هر دری که خواهد وگفت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم که هر زنی که یاری کند شوهر خود را بر حج وجهاد
وطلب علم بدهد خدایتعالی اورا ثواب زن ایوب پیغمبر وگفت امام جعفر
صادق که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که بهترین
زنان امت من آن زنانند که شکل ایشان بهتر باشد وکابین کمتر باشد
در بیان خلقهای بد زنان گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بدترین
دشمنان مومن را زن بد است وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که هیچ خفیف دنیا ناقص عقلی مثل زنان کسی را از راه نمی

برد

برد ونیز گفت که زنان بد زبانند وعیبهای دارند بپوشید عیب
ایشانرا بنگاه داشتن ایشان در خانه وبپوشید بد زبانی ایشانرا
بخاموشی ونیز گفت که اگر زنان نمی بودند هر کس پرستش میکردند
خدایتعالی را البته ~~وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام وگفت~~
امیر المؤمنین علی علیه السلام که در آخر زمان ونزدیک بقیامت
وآن بدترین زنانهاست که ظاهر میشود زنانیکه پوشیده روی
نباشند وبرهنه باشند واظهار زینت خود کنند وفتنه کنند
ومیل کنند بشهوت وشتاب کنند بلذتها وحلال دانند چیزهای حرامرا
پس ایشان دایم در جهنم خواهند بود ومنقولست از کتاب ریاض که
گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که زن بدشکل را که
فرزند شود بهتر است از زن خوش شکل که اورا فرزند نشود ونیز
گفت که بگذارید زن خوش شکل را که فرزند نشود ونکاح کنید زن بدشکلی را
که فرزند شود بدرستیکه میخواهم که امت من بسیار باشند واگرچه این
بسیاری فرزندی باشد که از شکم مادر افتاده باشد ونیز گفت
که زنی که تکلیف کند شوهر خود را بجهة نفقه هر چیزی که طاقت
آن نداشته باشد قبول نکند خدایتعالی توبه آن زنرا از گناهان
ونیکوئی اورا مگر آنکه توبه کند از این کار وطلب کند از شوهر خود
چیزیرا که طاقت آن داشته باشد ونیز گفت که اگر تمام آنچه در زمین
است از طلا ونقره زن بردارد وبخانه شوهر بیارد وبعد از آن سرزنش

کند شوهر خود را روزی از روزها و بگوید که تو کیستی و این مال
از منست باطل میشود عمل او و اگرچه آن زن از جملهٔ عابدترین مردمان
باشد مگر آنکه توبه کند و عذرخواهی شوهر خود نماید و گفت سلیمان
فارسی که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که
زنی که منت نهد بر شوهر خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال
من میخوری اگر تصدق کند امیر المؤمنین علیه علیه السلام که شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که زنی که منت نهد بر شوهر
خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال من میخوری و اگر تصدق
کند تمام مال خود را در راه خدا قبول نکند خدای تعالی صدقه او را مگر آنکه
شوهر از و راضی شود و گفت امیر المؤمنین علیه السلام که شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که میگفت که زنی که دور شود
از شوهر خود بظلم حشر میکنند او را در روز قیامت او را با فرعون
و هامان و قارون و میبرند او را در ته دوزخ مگر آنکه توبه کند
و روایتیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم میگذشت
بر جماعتی از زنان و ایستاد نزد ایشان و گفت ای زنان ندیدم که کم
عقل‌تر و کم دین‌تر از شما که ببرند عقلهای خداوندان عقل را بدتر
که دیدم که بیشتر شما از اهل دوزخند در روز قیامت پس طلب نزدیکی
کنید بخدای تعالی آنقدر که میتوانید گفت زنی از آن زنان گفت که یا
رسول الله کدامست نقصان دین و عقل ما آنحضرت گفت که اما نقصان

تمام مال خود را در راه خدا تصدق کند [illegible]

دین شما آنست که حایض میشوید در آن وقت نماز نمیکنید و روزه
نمیدارید و اما نقصان عقل شما از گواهی شما معلوم میشود بدرستی که
گواهی زن نصف گواهی مردانست و نیز گفت آنحضرت باصحاب که آیا
خبر دهم شما را به بدترین زنان اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت
که بدترین زنان آنست که ذلیل و خوار باشد در میان اهل خود و بزرگی
کند با شوهر خود و خود را عزیز دارد نزد شوهر و فرزند نشود او را
و کینه داشته باشد و پرهیزکاری نکند از چیزی بد و اظهار زینت
کند هرگاه شوهر از و دور باشد و پرهیزکاری نماید در پیش شوهر
خود و سخن شوهر نشنود و اطاعت نکند و هرگاه شوهر خلوت کند با و
نافرمانی کند همچنانکه چارپای بدفعل نمیگذارد که سوار شود و قبول
نکند عذر او و عفو نکند گناه شوهر را و روایتیست که رسول خدا
روزی ایستاده بود و خطبه میخواند پس گفت ای مردمان حذر
کنید از نکاح کردن زنی که بداصل باشد و اگرچه خوش شکل باشد و
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که زن بدشکل که فرزندی
زائیده باشد نزد من بهتر است از زن خوش شکل که فرزند نشود او را
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که نکاح کند مردی
زنی را بجهت مال یا جمال او هیچکدام روزی آن مرد نشود و اگر نکاح کند
آن زن را بجهت دین او خدای تعالی روزی او کند مال و جمال آن زن را
و روایتیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در دعای خود

از شوهر خود

بکفت اللهم انی اعوذ بك من ولد یکون علیّ ربّا ومن مال
یکون علیّ ضیاعًا ومن زوجة تشیبنی قبل اوان مشیبی یعنی بارخدا
پناه میجویم بتو از فرزندی که نافرمانی کند واز مالی که نزمن با فی
ماند چون سرا وباغ ودکان ومانند آن واز زنی که پیر کرداند
مرا پیش ازانکه وقت پیری برسد ومنقولست از کتاب نوادر الحکمة
که کفت حسین بن یسار که نوشتم بابی الحسن علیه السلام که مرا خویشا
وندیست ومیخواهد که من اورا نکاح کنم واو بدخلق است آنحضرت
کفت که نکاح مکن اورا اکر بدخلق باشد ومنقولست از کتاب روضة
الواعظین که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که شکایت کرد
مردی نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام که از زنان خود آنحضرت
برخواست وخطبه خواند پس کفت ای جماعت مردمان فرمان برداری
زنان مکنید بهیچ حال وایمن مباشید ازیشان بر مال خود وواکذارید
بایشان تدبیر عیالان خود را بدرستی که اکر زنان را بکذارید بآنچه
اراده ایشانست کارهای بد میکنند ودر مهلکه می افتند ودر ملکه
از حکم شوهر بدرستی که ما می یابیم که ورع وپرهیزکاری نیست در
ایشان وقتی که محتاج شد نه بچیزی وصبر نیست ایشانرا در وقت
شهوت وکردنکشی ونافرمانی لازم ایشانست واکر پیر باشند
وعجب وتکبر می باشد ایشانرا واکرچه عاجز شوند شکر نمیکنند
نعمت بسیار را هرگاه اندک چیزی ازیشان منع کرده شود وفرا

میکنند

میکنند بدیرا ونکاه میدارند در خاطر وبسیار بهتان میکنند
وکار شیطان میکنند پس نیکوئی کنید بایشان بهر حال وبزبان
خوش بایشان سخن کنید امید هست که افعال وکردار خود را نیکو
سازند **فصل سیم** در بیان مانند بودن زن وشوهر در
اسلام وغیر آن ونکتهٔ چند در نکاح کفت حسن بن یسار که نوشتم
بابی جعفر علیه السلام بجهة مردی که دختر مرا میخواست که نکاح
کند آنحضرت نوشت بمن که آنکسی که میخواهد که دختر شمارا نکاح
کند پس اکر خشنود دید از دین وامانت او را نکاح کنید باو هرکه باشد
واکر نکاح نکنید فتنه وفساد میشود وکفت رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم که من آدمی مثل شمایم زن میخواهم از قوم شما
وزن میدهم بشما مکر فاطمه را بدرستی که نکاح او از آسمان فرود
آمد وروایتیست که نظر کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله و
سلم بفرزندان علی وجعفر صادق علیه السلام که مومنان مثل
یکدیکرند یعنی در نکاح ایمان مرد وزن وکافیست ونیز کفت مردی
که پرهیزکار باشد وقادر باشد بر نفقه باو زن میتواند داد وکفت
حلبی که امام رضا علیه السلام فرمود که نکاح مکنید زنی را که
باشکارا زنا کند ونکاح مکنید بمردی که آشکار زنا کند مکر آنکه بدانید
که ایشان توبه کرده باشند وکفت زراره که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که مراد از مرد وزن زنا کننده ...

امثال ۲

بکفت که دختران ... از ایشان مالست ... وکفت امام جعفر

که واقعست در قول خدای تعالی الزّانی لاینکح الا زانیة او مشرکة
والزّانیة لاینکحها الا زانٍ او مشرکٌ وانکسی که اجرای حدّ زنا
برو کرده باشند یا مشهور باشد بزنا کردن سزاوار نیست کسی را
که باو نکاح کند مکر آنکه معلوم شود که توبه کرده است و
معنی آیه اینست که مرد زنا کننده نکاح نمیکند مکر زن زنا کننده
یا کافره را و زن زنا کننده را در نمیتوان آورد مکر مرد زنا کننده
یا کافر زیرا که غالب آنست که مایل بزنا از عفت مجتنب خواهد
بود و جنسیت علت ضم است و مشاکلت سبب الفت و منقولست
از کتاب تهذیب الاحکام که آمد مردی نزد امام حسن علیه السّلام
و مشورت کرد با آنحضرت بجهة نکاح کردن دختر خود آنحضرت
کفت که نکاح کن دختر خود را بمرد پرهیزکاری بدرستی که اکر دوست
دارد دختر ترا اکرام و تعظیم میکند او را و اکر دوست ندارد ظلم
نیز نمیکند برو و کفت رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلّم
که انکسی که نکاح کند دختر نیکوکاری خود را بمرد فاسقی پس قطع
خویشاوندی کرده میان خود و دختر خود و نیز کفت که انکسی که
شراب بخورد بعد از آنکه خدای تعالی تصریح کرد بحرام بودن آن
سزاوار نیست که باو نکاح کنند اکر از کسی زن بخواهد و روایتست
که نوشت علی بن اسباط بابی جعفر علیه السّلام بجهة دختران خود
که مثل خود نمی یابم که دختران خود را بایشان نکاح کنم و آنحضرت در جواب

و نوشت که نظر مکن در این بدرستی که رسول خدا صلّی الله علیه فرموده که
وقتی که بیاید نزد شما کسی که خشنود باشید از خلق او و طلب نکاح کند
از شما پس نکاح کنید باو و اکر نکاح نکنید فتنه و فساد میشود و روایتست
که پرسید ابو جعفر علیه السّلام که ابی بصیر که وقتی که نکاح میکنید
چکار میکنید ابو بصیر کفت که نمیدانم چکار باید کرد آنحضرت کفت هر گاه
قصد نکاح کنید باید که دو رکعت نماز بگذارید و حمد بکوید خدای
تعالی را و بکوید اللّهمّ انّی ارید ان اتزوّج اللّهمّ فقدّر لی
من النّساء اعفّهنّ فرجا واحسنهنّ خلقا و خلقا واحفظهنّ لی فی
نفسها و مالی واوسعهنّ رزقا واعظمهنّ برکة وفیض لی منها طیّبا
تجعله لی خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی و روایتست که چون حضرت
پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم خواست که خدیجه را از پدر او و
بعضی کفته اند که از عمّ او و بعد از ان این خطبه خواند الحمد لله الّذی
جعلنا من ذرع ابراهیم و ذرّیّت اسمعیل واجعل لنا بیتا محجوبا
وحرما به یجبی الیه ثمرات کلّ شیء وجعلنا الحکّام علی النّاس فی بلدنا
نحن فیه ثمّ انّ ابن اخی محمّد بن عبد الله بن عبد المطّلب لا یوزن برجل
من قریش الا رجح ولا یقاس باحد منهم الا عظم عنه وان کان فی المال
قلّ فانّ المال رزق حایل وظلّ زایل وله فی خدیجة رغبة ولها فیه والصّداق
ما سالتم عاجله وآجله من مالی وله خطر عظیم وشان رفیع ولسان
شافع جسیم پس نکاح کرد خدیجه را برای حضرت پیغمبر صلّی الله علیه

واله وسلم وانحضرت روز دیکر بخدیجه نزدیکی کرد ومعنی خطبه
ت که سپاس وستایش مر خدایرا که کردانید مارا از فرزندان
م وذریه اسماعیل وافرید برای ما خانه کعبه را که مردمان
بکنند وافرید برای ما حرمی که جمع کرده شده است باو منافع
دانیده است مارا بر مردمان در شهری که درومی باشیم پس
رادر من محمد بن عبد الله بن عبد المطلب را نسبت بهر مرد از قریش
ده شود ترجیح دارد بر انکس وقیاس بهریک از قریش که کرده
بزرکتر است از انکس واکرچه مال او کم است بدرستی که مال روزی است
که زود بر طرف میشود وسایه ایست که زایل میشود ومحمد را رغبت
ومیلیست بخدیجه وخدیجه را میلی است باو وکابین هرچه شما میخواهید
الحال وبعد ازین از مال خود میدهم ومحمد را بزرکی وجاه عظیم وشان
رفیع وزبان شفاعت کننده بزرکست ودر روایتست که چون امام رضا
علیه السلام میخواست که نکاح کند دختر مامون را برای خود این خطبه
خواند الحمد لله متمم النعمة برحمته والهادي الى شكره وصلى الله على
محمد خير خلقه الذي جمع فيه من الفضل ما فرقه في الرسل قبله
وجعل تراثه الى من خصه بخلافته وسلم تسليما وهذا امير المومنين
زوجني ابنته على ما فرض الله تعالى للمسلمات على المؤمنين من امساك
بمعروف او تسريح باحسان وبذلت لها من الصداق ما بذله رسول
الله صلى الله عليه واله وسلم لازواجه وهو اثنا عشرة اوقية ونش

على تمام الخمسمائة وقد نحلتها من مالي مائة الف درهم زوجتني
يا امير المؤمنين قال بلى قال قبلت ورضيت ومعني خطبه اينست که
سپاس وستایش مر خدایرا که تمام کردانند نعمتها است بفضل ورحمت
خود وراه نماینده است بسوی شکر خود بجود وبخشش ودرود بر
محمد باد که بهترین خلق خداست که جمع کرده است خدای تعالی در وی جمیع
فضیلتها را که پراکنده کرده است در پیغمبران که پیش از وی بوده
اند وکردانیده است میراث او را حق انکسی که خاص کردانیده است
انکس را بخلافت او وبعد از ان حضرت امام رضا علیه السلام که مامون
نکاح کرد دختر خود را بمن بر ان چیزی که واجب کردانیده است خدای تعالی
بر مردان مومن که بزنان مسلمان چنان سلوک کنند که آن نیکو نکاح
داشتن است یا طلاق دادن به نیکوئی وکردم کابین این آنچه داد رسول
خدا صلى الله عليه واله وسلم بزنان خود دوازده اوقیه وبیست
درهمست که تمام آن پانصد درهم میشود واوقیه چهل درهم است
ونش بیست درهمست ودادم از مال خود صد هزار درهم آیا نکاح میکنی
دختر خود را بمن مامون کفت بلی آنحضرت کفت قبول کردم وراضی شدم
وسنت است که در وقت نکاح کردن خطبه که از امام رضا علیه السلام
منقولست بخوانند بجهة یمن وتبرک وبجهة انکه این خطبه جامع است آنچیزیرا
که در خطبه میباید خواند وآن خطبه اینست الحمد لله الذي حمد في الكتاب
نفسه وافتتح بالحمد كتابه وجعل الحمد اول محل نعمته وآخر جزاء اهل طاعته

وصلى الله على محمد خير البرية وعلى اله ائمة الرحمة ومعادن الحكمة
والحمد لله كان في بيانه الصادق وكتابه الناطق ان من احق الاسباب
بالصلوة واولى الامور بالتقدمة سببًا وحبًا ومهرًا وكان ربك
قديرا وقال وانكحوا الايامى والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا
فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ولو لم يكن في المناكحة
والمصاحرة اية محكمة منزلة ولا سنة متبعة لكان ما جعل الله
فيه من بر القريب وتالف البعيد ما رغب فيه العاقل اللبيت واسارع
اليه الموفق المصيب فاولى الناس بالله من اتبع امره وانفذ حكمه و
امضى قضائه ورجا جزائه ونحن نسال الله ان يعزم لنا ولكم على اوفق
الامور ثم ان فلان بن فلان قد عرفتم مروته وعقله وصلاحه و
نيته وفضله وقد احب شوكتكم وخطب كريمتكم فلانة وبذل لها
من الصداق كذا وشفعوا شافعكم وانكحوا خاطبكم في يسر غير عسر اقول
قولي هذا واستغفر الله لي ولكم وترجمه خطبه اينست كه سپاس و
ستايش مر خدايرا كه حمد گفت در كتاب خود نفس خود در اول كتاب خود
حمد آورد و گردانيد حمد را در اول محل نعمت خود و آخر جزاء اهل
طاعت خود و درود بر محمد باد كه بهترين خلايق است و بر آل او كه ائمه
رحمت و معادن حكمت اند و سپاس و ستايش مر خدايرا كه واقعست
در خبر صادق و كتاب ناطق او چيزي كه دلالت ميكند كه از جمله
سزاوارترين اسبابي كه موجب پيوستن با كسي شود و بهترين امور

برپيش داشتن سببي است كه موجب نسبت شود و امريست كه از عقب او
توانگري حاصل شود پس گفت خداي تعالى وهو الذي خلق من الماء بشرا
فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا يعني خدايتعالى است كه آفريد از آب
حضرت آدم را يعني آبي كه طينت آدم را بآن تخمير كرد يا خلق كرد آدمي را
از آب مني پس گردانيد او را خداوند نسب و پيوند يعني آدمي را دو قسم
كرد ذكور كه نسبت نسب بديشان بود و اناث كه پيوند با ايشان توان
كرد و هست آفريدگار تو كه قادر و توانا بر همه چيز و نيز گفت حق تعالى
وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا
فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم يعني بنكاح در آريد
بي زنان و بي شوهران را يعني مردي كه زن و زني كه بي شوهر است
بعقد كسي كه در آريد و ديگر نكاح كنيد نيكان و شما را از بندگان و كنيزان خود
اگر باشند ايشان درويش و تنگدست غني گردانند خدايتعالى ايشانرا
از فضل و كرم خود و خدايتعالى را بخشايشي وسيع و بسيار است
و داناست باستحقاق فقر او نمي بود در نكاح كردن و دامادي
آنچه از كلام خدايتعالى و سنت پيغمبر هر آئينه عاقلي كه توفيق يافته است براه
راست رغبت و شتاب ميكرد در چيزي كه گردانيده است خدايتعالى
در و نيكوئي با خويشان و الفت با بيگانگان و آنچيز نكاح است پس بهترين
مردمان نزد خدايتعالى آنكسي كه پي روي امر او نمايد و اجرا و امضاي
حكم او نمايد و اميدوار باشد بجزاي او و ما سوال ميكنيم از خدايتعالى

نداردم

الكرم

که اراده کند برای ما و شما بهترین چیزها را پس فلان بن فلان یعنی
نام آن مرد که برای او نکاح میکند و نام پدر او بگوید کسی است که دانسته
آید شما را امروت و عقل و صلاح و نیت و فضل او را بدرستی که دوست داشته
که شریک شما باشد و خواسته است که نکاح کند زنی را از قوم شما
فلانه که بزرگوار یعنی زنی که او را نکاح میکند بگوید و کرده است
کابین او این مبلغ را و مبلغ را بگوید پس قبول شفقت کنید از شما و نکاح
کنید بکسی که طلب نکاح کرده از شما و میگوییم آنچه مذکور شد و طلب
آمرزش میکنم از خدای تعالی برای خود و برای شما و روایتست که در وقتی که
امام محمد تقی علیه السلم دختر مامون را نکاح میکرد برای خود این
خطبه خواند اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي اِقرارًا بِنِعمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخلَاصًا
لِوَحدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَعَلَى الاَصفِيَاءِ مِن عِترَتِهِ
اَمَّا بَعدُ فَقَد كَانَ مِن فَضلِ اللّٰهِ عَلَى الاَنَامِ مِن عِبَادِكُم اَن اَغنَاهُم
بِالحَلَالِ عَنِ الحَرَامِ فَقَالَ سُبحَانَهُ وَانكِحُوا الاَيَامَى مِنكُم وَالصَّالِحِينَ
مِن عِبَادِكُم وَاِمَائِكُم اِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغنِهِمُ اللّٰهُ مِن فَضلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ ثم ان محمد بن علي بن موسى يخطب ام الفضل ابنة عبد الله المامون
وقد بذل لها من الصداق مهر جدته فاطمة بنت محمد رسول الله صلى الله
عليه واله وهو خمسمائة دِرهَمٍ جِيادًا فهل زوجته يا امير المؤمنين
بها على الصداق المذكور فهل قبلت النكاح قال ابو جعفر عليه السلام
نعم قبلت النكاح وَرَضِيتُ بِهِ ترجمه خطبه اینست که سپاس و ستایش مر خدای تعالی

را از جهة اقرار کردن بنعمت او میگوییم که نیست معبودی بحق که
سزاوار پرستش باشد مگر خدای تعالی بجهة اعتقاد بوحدانیت و
یگانگی او و درود بر محمد باد که پیشوا و بهترین خلقانست و بر
عترت او که برگزیدهها خداینند اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول
و آل او بدرستی که از فضل خدای تعالی بر خلقانست که غنی گردانیده
است ایشانرا بسبب حلال از حرام پس گفته است وَاَنكِحُوا الاَيَامَى
مِنكُم وَالصَّالِحِينَ مِن عِبَادِكُم وَاِمَائِكُم اَن يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يغنهم الله من فضله والله وَاسِعٌ عَلِيمٌ و ترجمه این آیه در خطبه
سابق مذکور شد پس محمد بن علی بن موسی نکاح میکند ام الفضل را
که دختر عبد الله مامونست و کابین او را کرده است مقدار کابین
جده خود که فاطمه بنت محمد است کابین حضرت فاطمه پانصد درهم
است خالص بود آیا نکاح میکنی ای مامون دختر خود را با او باین
کابین مامون گفت بلی نکاح کردم یا ابا جعفر دختر خود ام الفضل را
بکابین مذکور آیا تو قبول میکنی نکاح را ابو جعفر گفت بلی قبول
کردم و راضی شدم باین نکاح و گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که انکسی که نکاح کند زنی را و در خاطر او نباشد که کابین آن زن
بدهد پس او نزد خدای تعالی زنا کننده است و گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلم که سزاوارترین شرطهاست که وفا کنند بان چیزیست
که حلال شود بان جماع کردن و سنت محمدی در کابین پانصد درهم است

پس انکسی که زیاده کند بر سنت رد کرده باشد بسنت پس اکر بدهد بزن از
پانصد درهم یکدرهم یا زیاده وبعد ازان دخول کند بان زن نمیرسد
زنرا که بعد ازان چیزی طلب نماید بدرستی که انچه کرفته است از شوهر پیش
از انکه دخول کند شوهر با و همان حاصل اوست و هر چیزی که کردانیده
است زن اورا از کابین خود بس انچه دینست بر شوهر در حال حیات
وبعد از مردن شوهر یا زن وسزاوار انست که وارثان هم طلب نکنند
چیزیرا که زن طلب نکرده است در حال حیوة خود ونکردانیده است
انرا دین بر شوهر خود و هر چیزی که شوهر بزن داده است پیش
از انکه دخول کند بزن وزن راضی شده است بان کابین زن انست
وکردیده است کابین سنت پانصد درهم بجهة انکه خدای تعالی واجب
کردانیده است بر خود که هر مومنی که صد بار بکوید الله اکبر
وصد بار سبحان الله وصد بار لا اله الا الله وصد بار الحمد لله
وصد بار صلوات بفرستد بر پیغمبر وال و بعد ازان اللهم زوجنی
من الحور العین تزویج کند خدای تعالی با و حوری از حوریان بهشت
وبکردانداین تکبیر وتسبیح وتهلیل وتحمید وصلوات را کابین آن حور
عین ووقتی که نکاح کند مردی دختر خود را نیکو نیست که از کابین
دختر خود بخورد ومنقولست از امالی سید ابی طالب که کفت زین
العابدین علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
در محلی که نکاح کرد حضرت فاطمه را با امیر المؤمنین علی علیه السلام

این خطبه خواند الحمد لله المحمود لنعمته المعبود لقدرته المطاع لسلطانه
المرهوب من عذابه المرغوب الیه فیما عنده الینا فذ امره فی السماء
وارضه ثم ان الله عز وجل امرنی ان ازوج فاطمه من علی فقد زوجها
علی اربعمائة مثقال فضة ان رضی بذلک علی ومعنی خطبه اینست
سپاس وستایش مر خدایرا که حمد کفته شده است از جهة قدرت
واطاعت کرده شده است از عذاب او ورغبت کرده شده است در ان
چیزی که نزد اوست وجاریست امر وحکم او در زمین واسمان پس
بدرستی که خدای تعالی فرموده مرا که نکاح کنم فاطمه را بعلی ومن
نکاح کرده ام اورا بچهارصد مثقال نقره اکر راضی شود باین علی
وبعد از خطبه خواندن طبق خرما طلبید وکفت که غارت کنید طبق
خرمارا در غارت کردن امیر المؤمنین در امد وحضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم کفت یا علی ایا دانستی که خدای تعالی فرموده مرا که نکاح
کنم فاطمه را بتو ونکاح کردم بچهارصد مثقال نقره اکر راضی شوی امیر
المؤمنین علی علیه السلام کفت راضی شدم باین از خدا ورسول او وحضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم کفت جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را
ونیک بخت کرداند شما را وحاصل کرداند از شما فرزند بسیاری و
پاکیزه وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که نکاح کردم
ضباعه بنت زبیر بن عبد المطلب را بمقداد تا انکه بدانند که شریفترین
شرافتها شرف اسلام است وکفت جابر انصاری که چون نکاح کردم

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم حضرت فاطمه را بامیر المؤمنین
علی علیه السلم آمد بجمع مردمان از قریش نزد حضرت رسالت
پناهی وکفتند بانحضرت که تو نکاح کردی حضرت فاطمه را بامیر
المؤمنین باندک کابینی آنحضرت کفت که من نکاح نکردم بلکه خدای تعالی
نکاح کرد در شب معراج نزد سدرة المنتهی ووحی کرد خدای تعالی
بسدرة المنتهی که نثار کن سدرة المنتهی نثار کرد در وجواهر وحور
عین وایشان بهدیه دادن آن در وجواهر را وتفاخر میکردند
بآن ومیکفتند این نثار فاطمه بنت محمد است چون شب زفاف شد آنحضرت
فرمود که استر سفید آوردند ودو ته کرد قطیفه را بر بالای آن انداخت
وکفت بحضرت فاطمه که سوار شو وفرمود بسلمان که استر را بکشد
وآنحضرت میراند ودرمیان راه آنحضرت آوازی شنید متوجه شد
دید که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته ومیکائیل را دیدم با هفتاد هزار
فرشته آمدند آنحضرت بایشان کفت که بچکار فرود آمدید بزمین
ایشان کفتند که آمدیم که حضرت فاطمه را نزد امیر المؤمنین علی علیه
السلم بریم وجبرئیل ومیکائیل وفرشتها وحضرت پیغمبر هم تکبیر میکفتند
در راه پس تکبیر کفتند در عروسی از آن شب ماند درمیان مردم
وسنت شد وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که زفاف کنید
در شب وطعام بدهید وقت چاشت **فصل چهارم**
در آداب زفاف ومباشرت کردن وغیر اینها کفت امام جعفر صادق

استی ۳

۷

علیه السلم به بعضی اصحاب خود که هرکاه در شب عروسی بخانه خود
بیاری روی اورا بقبله کن دست بر پیشانی او بنه وبکو که اللهم بامانتک
اخذتها وبکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله
مبارکا سویا ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ودر
روایت دیکر واقعست که این دعا بخواند اللهم علی کتابک تزوجتها
وفی امانتک اخذتها تا آخر دعائی که کذشت بخواند ومنقولست از
کتاب نجات که ائمه علیهم السلم فرمودند که هرکاه زفاف نزدیک
شود سنتست که امر کند زن را که دو رکعت نماز بکذارد وتو بروضو
باشی وقتی که زن بیاید نزد تو سنتست که تو نیز دو رکعت نماز
بکذاری وحمد بکوئی خدایرا وصلوات بر نبی وآل او بفرستی وبکوئی
که اللهم ارزقنی الفها وودها ورضاها بی وارضنی بها واجمع بیننا
باحسن اجتماع وایسر ایتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام وکفت
امام محمد باقر علیه السلم وقتی که خواهی که مباشرت کنی بکو که اللهم
ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان
واجعل عاقبته الی خیر وبسم الله بکو نزد جماع کردن وکفت ابو
سعید خدری که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وصیت
کرد حضرت امیر المؤمنین را وکفت یا علی هرکاه درآید عروس بخانه وقتی
که بنشیند بفرما که بیرون کنند موزه اورا وبشویند پاهای اورا وآن
آبرا برابر دری سرای خود بریز تا نهایت سرا بدرستی که هرکاه چنین

سنت ۳

کنی بیرون می برد خدای تعالی از سرای تو هفتاد هزار نوع درویشی را
و داخل میکرداند هفتاد نوع برکت را در سرای تو و فرو میفرستد
بر تو هفتاد نوع رحمت را و آن رحمت میکردد بر بالای سر عرش تا آنکه
فرود آید و برسد برکت آن رحمت در هر کنجی از خانهٔ تو و ایمن میشود
عروس از دیوانکی و جذام و برص مادام که درین خانه است و منع
کن عروس را در آن هفته که آوردی و را بخانه خود از خوردن چهار
چیز شیر و سرکه و کشنیز تر و سیب ترش پس کفت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام که یا رسول الله از جهت چه منع کنیم از خوردن این
چهار چیز موجب این میشود که آن زن از فرزند نشود و حصیر در کنج
خانه بهتر است از زنی که نزاید پس کفت حضرت امیر المومنین علی علیه
السلام که یا رسول الله چونست که منع میکنی از سرکه خوردن آنحضرت
فرمود که بجهت آنکه وقتی که زن حایض میشود در حالت سرکه خوردن
بتمامی پاک نمیشود و از حیض و کشنیز تر پراکنده میکند خون حیض را
در شکم و دشواری میشود بر آن زن و بعد از آن حضرت فرمود که
یا علی جماع مکن بزن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه بدرستی
که دیوانکی و جذام و جن برو راه می یابد بآن زن و فرزند او یا علی
مجامعت مکن بزن خود بعد از پیشین بدرستی که اکر در آن وقت فرزندی
حاصل شود احول خواهد بود و شیطان خوشحال میشود که آدمی احول
شود یا علی سخن مکن در وقت جماع کردن بدرستی که اکر در آن

وقت

برود

آنحضرت کفت که بجهت آنکه خوردن این چهار چیز

بروز ایدن و سیب ترش برطرف میکند حیض را خون حیض درد میشود

(وقت) فرزندی حاصل شود ایمن نیست از آنکه کنک شود و باید که نظر
نکند کسی بفرج زن که کوری می آورد فرزند را یا علی جماع مکن بزن
خود بشهوت زن دیکری بدرستی که می ترسم که آتش فرود آید از
آسمان و هر دو را بسوزاند یا علی مجامعت مکن بزن خود مکر آنکه
با تو خرقه باشد و با زن نیز خرقه باشد و پاک مکنید هر دو خود را
بیک خرقه بدرستی که این کار کردن سبب دشمنی میشود میان زن
و شوهر و میان ایشان طلاق و جدائی واقع میشود یا علی جماع
مکن بزن خود ایستاده بدرستی که این کار خرانست و اکر فرزندی
حاصل شود بول خواهد کرد در خواب همچون خر هر جا که رسید بول میکند
یا علی جماع مکن در شب عید رمضان بزن خود بدرستی که فرزندی که حاصل
شود شش انکشت خواهد بود یا چهار انکشت یا علی جماع مکن
بزن خود در زیر درخت میوه دار بدرستی که اکر فرزندی حاصل شود
جلاد خواهد بود یا بسیار کشنده یا دانا بر احوال مردم یا علی جماع مکن
بر آفتاب و روشنی را و مکر آنکه پرده باشد و بپوشد شما را از
آفتاب بدرستی که اکر فرزندی حاصل شود همیشه بد و بیشی خواهد بود
تا بمیرد یا علی جماع مکن بزن در میان اذان و اقامت بدرستی که اکر فرزندی حاصل
شود بسیار حریص خواهد بود بر خون ریختن یا علی وقتی که زن آبستن
شود جماع مکن با او مکر آنکه با وضو باشی بدرستی که آن فرزند کور
دل و بخیل بود یا علی جماع مکن بزن خود در نصف شعبان بدرستی که اکر فرزندی

جامه

بزن خود در برا

با وی بزی که

در سختی و

خواهد

حاصل شود شوم رو خواهد بود یا علی جماع مکن وقتی که دو روز
مانده باشد از شعبان تا آخر ماه بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود تمغاجی یا یاری کننده ظالمان و هلاک کننده مردمان بسیار خواهد
بود یا علی جماع مکن بزن خود در پشت بام خانه خود بدرستی که
اگر فرزندی حاصل شود منافق و ریاکار و اهل بدعت خواهد بود
یا علی وقتی که بسفر روی جماع مکن بزن خود در آن شب که بسفر روی
بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود مال خود را صرف خواهد کرد در غیر
حق و خواند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را که
إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ یعنی بدرستی که آنها که اسراف
میکنند برادران شیطانند یعنی مثل ایشانند در شرارت و اتلاف
مال یا علی جماع مکن وقتی که سه روز راه سفر کنی بدرستی که اگر
فرزندی حاصل شود حافظ قران خواهد بود و راضی خواهد بود بآنچه
خدای تعالی روزی او کرده است یا علی جماع کنی بزن خود در شب سه‌شنبه
و خدای تعالی فرزندی بدهد بدرستی که شهادت روزی او خواهد شد
بعد از آنکه ایمان آورده باشد بخدا و رسول او و عذاب نکند
خدای تعالی او را با کافران و دهن او خوشبو خواهد بود و رحیم دل
و بخشنده خواهد بود از غیبت و دروغ و تهمت یا علی اگر جماع کنی
در شب پنجشنبه و فرزندی که حاصل شود بدرستی که آن فرزند حاکمی از
حاکمان یا عالمی از عالمان خواهد بود و اگر جماع کنی در روز پنجشنبه نزد

اکر

و زبان او پاک خواهد بود

زوال

زوال آفتاب و فرزندی که حاصل شود شیطان نزدیک او نیاید تا پیر
شود و خوش فهم باشد و روزی کند خدای تعالی او را سلامت در دین
و دنیا یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی که حاصل شود بدرستی که
فصیح زبان و تیز گفتار خواهد بود و اگر جماع کنی در روز جمعه بعد از عصر
و فرزندی حاصل شود بدرستی که مشهور و معروف و عالم خواهد بود
و اگر در شب جمعه بعد از نماز خفتن جماع کنی امید هست آن زن را فرزندی که
از ابدال باشد انشاء الله تعالی یا علی جماع مکن در اول ساعت از شب بدرستی که
اگر فرزندی حاصل شود ایمن نخواهد بود از آنکه ساحر باشد و اختیار کند دنیا را
بر آخرت یا علی یاد گیر این وصیت مرا همچنین که من یاد گرفتم از جبرئیل ع
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که جماع مکن در اول ماه و میان
ماه و آخر ماه بدرستی ~~بدرستی~~ که هر گاه چنین کند و فرزندی حاصل شود
آن فرزند پیش از ولادت از شکم مادر بیفتد و اگر در وقت ولادت متولد
شود آن فرزند دیوانه شود آیا نمی‌بینی که دیوانها در اول ماه و میان ماه
و آخر ماه دیوانگی ایشان زیاده میشود و نیز گفت مکروه هست جماع
کردن در وقت غروب آفتاب و طلوع آفتاب و نیز گفت جماع مکنید
در کشتی و رو بقبله و پشت بقبله و گفت رسول خدا صلی الله علیه
و سلم که مکروه هست جماع کردن پیش از غسل کردن و اگر جماع کند پیش
از غسل فرزندی که حاصل شود دیوانه باشد باید که ملامت نکند
مگر خود را و نیز گفت که آنکس میخواهد که عمر او دراز شود و بسیار بماند

بزن خود

بعد از احتلام

در دنیا باید که اول صباح چیزی بخورد و نعلین خوب بپوشد
و کم عرض کند و بزنان کم جماع کند و گفت امام جعفر صادق علیه
السلام که هرگاه مجامع کنید و پیش از آنکه فارغ شوید از جماع بگذارید
زن او دست از جماع باز دارید پس اگر آن زن زنگ رسد بلا و هرگاه که خواهید
که جماع کنید با اهل خود باید که پیش از آن با یکدیگر بازی کنید بدرستیکه
که برای جماع کردن بهتر است و نیز گفت که لذت زن زیاده است بر لذت
مرد در جماع کردن بنود و نه مرتبه ولیکن خدای تعالی بزنان حیا
داده است بجهة آن خود را ضبط میکنند و نگاه میدارند و گفت رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم که هرگاه زنی از جای خود برخیزد باید که مردی
بجای او بنشیند تا آنکه سرد شود آنجا و روایتست که حضرت پیغمبر ۲
علیه واله وسلم وصیت کرد امیر المؤمنین علی علیه السلام را و
گفت یا علی سنتست طعام دادن در پنج وقت در وقت عروسی و در وقت ولادت
فرزند و در وقت ختنه کردن و در سرا خریدن و از حج آمدن و گفت
انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چون نکاح میکرد حفصه
را با بعضی دیگر از زنان خود را طعامی داد برای زفاف و الطعام خرما و نان
بود و نیز گفت که رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و آنحضرت
طعام می داد بجهة عروسی و در آن نه نان بود و نه پارچه گوشت کسی گفت
الطعام چه چیز بود انس گفت که نطعها آوردند و انداختند و بعد از آن
خرما و روغن آوردند و خوردند و حال آنکه رسول خدا خرمای

بزن خود ۲

خواهد کرد با آن زنی ۲

بسیار

بسیار نداشت و گفت اهل ابو قلابه که رسول خدا صلی الله علیه
هرگاه نکاح میکرد دختر بکری یکهفته نزد او میبود و هرگاه بنکاح
در می آورد زنی را که بکر نبود سه روز نزد او میبود و منقولست از
کتاب طب الائمه که گفت مردی بابی جعفر علیه السلام که آیا مکروهست
جماع کردن در وقتی از اوقات و اگر چه حلال باشد آنحضرت گفت بلی
مکروهست جماع کردن از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب
و از غروب آفتاب تا غایب شدن شفق و در روزی که آفتاب بگیرد و
در شبی که ماه بگیرد و در روز و شبی باد های سرخ و زرد و سیاه
بوزد و در روز و شبی که زلزله باشد و روایتست که یک شبی ماه
گرفته بود و حضرت رسالت پناه نزد یکی از زنان خود بود آنحضرت
مجامعت نکرد بان زن دران شب چون صباح شد آن زن گفت یا
رسول الله آیا کلفتی داشتی بمن که امشب نزد من مجامعت نکردی آنحضرت
گفت نی ولیکن علامتی ظاهر شد کراهتی داشتم که لذت گیرم درین
شب و حال آنکه تغییر داده است خدای تعالی چند قوم را بانچه کرده
اند چنانچه در کتاب خود گفته است وَإِنْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا
سَحَابٌ مَرْكُومٌ فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ یعنی
اگر ببینند پاره از آسمان را فرود آینده بر سر ایشان گویند از بسیاری
عناد و تکبر که این نه قطعه از آسمانست بلکه این ابریست در هم بسته
و بر هم چسبیده پس ای محمد دست بدار از ایشان و حرب مکن با ایشان

تا وقتی که ببینند معاینهٔ آنروز را که دران روز هلاک شوند از نفخهٔ
اولی و روایتست که شخصی پرسید از امام جعفر صادق علیه السلام که
آیا جایز است که نظر کند بندهٔ بموی زنی که مالک او باشد آنحضرت گفت بلی
نظر بمو و ساق او میتوان کردن و نیز گفت که باکی نیست که نظر کند مرد بموی
زن خود و آن زن برهنه باشد و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که
سنت است مرد را که جماع کند بشب اول ماه رمضان بجهة آنکه خدای تعالی
فرموده است که اُحِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ اِلٰی نِسَائِکُمْ یعنی
حلالست شما را در شب و روز جماع کردن بزنان خود فصل پنجم
در بیان حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر در بیان حق شوهر
بر زن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی صبر کند بر کج
خُلقی زن خود خدای تعالی باو آنمقدار ثواب بدهد که بحضرت داود
داده است بجهة بلایی که باو رسیده بود و آن زنی که صبر کند بر کج خلقی
شوهر خود خدای تعالی باو بدهد مثل ثواب آسیه بنت مزاحم که زن
فرعون علیه اللعنه بود و آن زنی که صبر کند روایت کرده است حسن
بن محبوب از مالک بن عطیه و او روایت کرده است از محمد بن باقر
که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و گفت یا رسول الله
چیست حق شوهر بر زن آنحضرت فرمود که حق شوهر بر زن آنست که
فرمان برداری شوهر خود کند و مخالفت شوهر خود نکند و چیزی از
خانهٔ شوهر بکسی ندهد مگر برخصت او و روزهٔ سنتی ندارد مگر برخصت

مسلم که گفت که امام محمد

او

شتهای آسمان و زمین
و فرشتهای

او و اگر بی رخصت شوهر بیرون رود از خانه لعنت میکنند او را فر
غضب و رحمت تا آنکه باز کردد بخانهٔ خود آن زن گفت یا رسول الله کیست
که حق بیشتر باشد بر زن آنحضرت گفت که شوهر او باز آن زن گفت که آیا
آن مقدار حقی که شوهر را بر منست مرا هم بر او هست آنحضرت گفت نی
و صد و یک آن هم نیست پس آن زن گفت بحق آنکسی که فرستاد ترا بحق
که هرگز شوهر نخواهم کرد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را بزبان قبول نمیکند خدای تعالی توبه و عدل
و عمل نیک او را تا آنکه راضی نشود شوهر خود را و اگرچه روز روزه
دارد و شب عبادت کند و بنده را آزاد کند و اسپهای نیکو بمردم
بدهد که سوار شوند و جهاد کنند و با وجود این کارها چون ایذای
شوهر کند اول کسی که بدوزخ خواهد رفت او خواهد بود و همچنین حال
مرد اگر ظلم کند بر زن خود و نیز گفت هر زنی که مدارا نکند بر شوهر
خود و تکلیف کند او را بچیزیکه او قادر نباشد بر آن چیز و طاقت نداشته
باشد بران قبول نکند خدای تعالی نیکوئی آن زن را و در روز قیامت
که ملاقات کند با خدای تعالی حق تعالی با او در مقام غضب خواهد بود
و روایتست که نکاح کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنی را بامردی
و بعد از آن بعضی چیزها از آنمرد در وجود آمد که آن زن کراهت داشت از او
آن زن شکایت کرد نزد حضرت پیغمبر آنحضرت گفت میخواهی که جدا شوی
از شوهر خود و باشی نزد خدای تعالی بدبوی تر از خر مرده و گفتا بو

عبد الله علیه السلام که هیچ زنی نمیتواند که از مال خود بنده آزاد کند
وصدقه بدهد وبنده را مدبر سازد وچیزی بکسی بخشد ونذر
کند مگر باذن شوهر خود اما در حج وزکوة ونیکوئی با پدر ومادر
وبخشش بخویشان حاجت باذن شوهر نیست وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم که حق مرد بر زن آنست که چراغ روشن کند
برای شوهر خود وطعام بپزد وچون شوهر بخانه در آید استقبال
کند اورا تا پیش در وبگوید بشوهر که خوش آمدی وبجهت دست
شستن طشت وآفتابه ومندیل پیش او بیارد وآب بر دست او
بریزد ومنع نکند شوهر را از نفس خود مگر بجهت علتی وگفت امام
جعفر صادق علیه السلام که قومی آمدند نزد رسول خدا وگفتند
یا رسول الله می بینم که مردمان بعضی سجده میکنند بعضی را آنحضرت
گفت که اگر میفرمودم که کسی سجده کند کسی را میفرمودم که زن سجده
کند شوهر خود را وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اگر زن
یک پستان خود را بپزد ودیگری را کباب کند برای شوهر خود هنوز
ادا نکرده است حق شوهر را وبا وجود این اگر نافرمانی کند شوهر خود را
بیک چشم برهم زدن بیندازد اورا در درک اسفل از دوزخ مگر
آنکه توبه کند وباز گردد ونیز گفت که ادا نمیتواند نمود زن حق خدا
مگر آنکه ادا کند حق شوهر خود را وگفت ابوجعفر علیه السلام که خدا
واجب گردانید بر مردان وزنان جهاد را اما جهاد مرد آنست که بخشند

مال

مال وخون خود را وسعی کنند تا آنکه کشته شوند در راه خدا
وجهاد زن آنست که صبر کند بر ایذای که از شوهر باو برسد ونیز گفت
ونیز گفت که مردی که نجات یافته باشد کمتر است ومراد از تکرار مبالغه
است در کمی ودر حدیث دیگر واقع شده است که جهاد زن نیکوئی
کردنست بشوهر خود ونیز گفت که هر زنی که شب برو بگذرد وشوهر
برو خشمناک باشد بجهت حقی که دارد قبول نیست نماز آن زن تا آنکه
خشنود از و نشود ونیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله و
سلم فرمود که هر زنی که از خانه خود بیرون رود بی رخصت شوهر
خود واجب نیست بر شوهر که نفقه بدهد اورا تا آنکه باز گردد ونیز
گفت که هر زنی که بوی خوش بکار برد برای غیر شوهر خود قبول نیست نما
ز او تا آنکه غسل کند از آن بوی خوش همچنانکه غسل میکند از جنابت و
نیز گفت که هر زنی که برود بغیر منزل شوهر خود بی اذن شوهر
همیشه در لعنت خدا باشد تا باز گردد بخانه خود ونیز گفت که هر
زنی که بگوید بشوهر خود که من هرگز از تو نیکوئی ندیدم باطل
میشود عملهای او وگفت انس که مردی بیرون رفت که جهاد کند و
وصیت کرد بزن خود که از بالاخانه بپایین نیاید تا آمدن او ودر
پایین خانه پدر آن زن میبود پس بیمار شد بخانه پدر کس فرستاد آن
زن بخدمت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم ورخصت طلبید که بعیا
دت پدر خود برود وآنحضرت جواب فرستاد بآن زن که میباید که بتو

از خدا تعالی و فرمان برداری شوهر خود کنی و کفت ابو جعفر علیه السلام
که مردی از انصاریان در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
بیرون رفت از خانه خود بسفری بجهة بعضی مهمات خود و کفت بزن
خود که از خانه خود بیرون نروی تا آمدن من بعد از آن پدر آن زن
بیمار شد آن زن کسی فرستاد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم و کفت شوهر من بسفری رفته است و فرموده است مرا که
از منزل خود بیرون نروم تا او باز کردد و پدر من بیمار شده است
آیا رخصت میدهی مرا که بعیادت پدر خود بروم آنحضرت کفت نی
در خانهٔ خود بنشین و فرمان برداری شوهر خود کن پس پدر آن زن
فوت شد او کسی باز فرستاد بخدمت آنحضرت و کفت یا رسول الله پدر
من فوت شده است رخصت میفرمائی که بروم و برو نماز بکذارم
آنحضرت کفت نی بنشین در خانهٔ خود و فرمان برداری شوهر خود
کن پس دفن کردند پدر آن زن را بعد از آن آنحضرت کس فرستاد نزد
آن زن و کفت که خدا تعالی آمرزید ترا و پدر ترا بجهة آنکه فرمان
برداری شوهر خود کردی و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم که بهترین شما آنکسانند که بهتر سلوک کنند با اهل خود و من
از همه کس بهترم با اهل خود **فصل** در بیان حق زن
بر شوهر کفت ابو جعفر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که وصیت کرد جبرئیل بر غایت احوال زنان را آنکه

کمان

١٦١

کمان بردم که سزاوار نیست طلاق دادن زن مکر آنکه عمل قبیح از و
ظاهر شود و نیز کفت ابو جعفر علیه السلام که آنکسی تحمل کند از زن خود
یک سخن درشت را آزاد کند خدا تعالی او را از آتش دوزخ البته او را
به بهشت برد و بنویسد برای او دویست هزار حسنه و محو کند از
نامهٔ اعمال او دویست هزار کناه و بلند کرداند مرتبهٔ او را دویست هزار
درجه و بنویسد بعدد هر موئی که در بدن اوست عبادت یکساله
و کفت اسحق بن عمار که پرسیدم ابا عبد الله را از حق زن بر شوهر
آنحضرت کفت حق زن بر شوهر آنست که سیر کند شوهر شکم او را و بپوشاند
بدن او را و اکر زن جاهلی کند و نادانی در کذراند از و و بدرستی که
حضرت ابراهیم شکایت کرد نزد خدا تعالی از بدخلقی ساره خدای
تعالی وحی کرد با ابراهیم علیه السلام که زن مثل استخوان پهلوست
اکر راست میکنی او را میشکند و اکر بحال خود میکذاری از و متمتع
و فائده میبری کفت اسحق بن عمار که کفتم بابی عبد الله علیه السلام
که کفته است این سخن را آنحضرت در غضب شد و کفت بحق خدا که
این سخن رسول خداست و نیز کفت اسحق بن عمار که ابا عبد الله را
زنی بود که ایذا میکرد آنحضرت را و آنحضرت در میکذرانید از و و
کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که هر بنده که کسب کند
و نفقه کند بر عیال خود بدهد خدا تعالی او را بعوض هر درهمی
که نفقه کند هفتصد درهم و نیز کفت که بهترین مردمان از امت

منه

من انکسانند که کردن کشی نکنند بر عیال خود و بی روی خاطرها
کنند و رحم کنند برایشان و ظلم نکنند و بعد از ان خواند این آیه را
که اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللهُ بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ وَبِمَا
اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوَالِهِمْ یعنی مردان قیام کننده کانند بکارهای زنان
و قایم بامور معیشت ایشانند بسبب انچیزی که تفضیل کرد خدای
تعالی و افزونی داد بعضی از ایشانرا که مردانند بر بعضی دیگر که
زنانند و گفت امام محمد باقر علیه السلم که انکسی که زنی داشته
باشد و انمقدار پوشش بان زن ندهد که عورت او پوشیده
شود و انمقدار طعام ندهد که پشت خود را راست تواند کرد یعنی
انقدر طعام ندهد که سیر شود واجبست بر امام که تفریق کند
میان ایشان بطلاق و گفت ابو عبد الله علیه السلم در تفسیر
قول خدای تعالی که وَمَنْ قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلْیُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللهُ
که باید نفقه کند بر زن انمقدار که پشت خود را راست تواند کرد
و پوشش بدهد و اگر چنین نکند باید که طلاق بدهد و معنی
آیه اینست که انکسی که تنگ کرده شده است برو روزی او یعنی
فقیر و تنگدست باید که نفقه کند از انچه خدای تعالی باو داده
است و نیز گفت که چون این آیه را که یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَکُمْ
وَاَهْلِیکُمْ نَارًا فرود آمد شخصی از مسلمانان نشسته بود نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در گریه شد و گفت که من

عاجز از نگاهداشتن نفس خود چگونه نگاه دارم عیال خود را پس
در مشقت انداختم ایشانرا حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
گفت کافیست ترا که امر کنی اهل و عیال خود را بانچه امر میکنی از نفس
خود و معنی آیه اینست که ای گروهی که ایمان آورده اید نگاهدارید نفسهای
خود را بترک معاصی و اهل و عیال خود را بموعظه و نصیحت از آتش دوزخ
و نیز گفت که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
بجهة حاجتی آنحضرت گفت بان شاید که تو از مسوّفات باشی ان زن گفت
یا رسول الله مسوّفات کدامست انحضرت گفت مسوّفات زنانی را
گویند که بخواند شوهر ایشانرا بجهة کاری و ایشان تاخیر کنند در ان
کار تا انکه شوهر بخواب رود پس فرشتگان لعنت میکنند بران زنان
تا انکه شوهر ایشان بیدار شود و نیز گفت که رحمت کند خدای تعالی
بنده را که نیکوئی کند بزن خود بدرستی که خدای تعالی اختیار زن را
بشوهر داده است و گردانیده است شوهر را حاکم برو و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که عیال مرد اسیر اوست و دوست ترین
بندگان نزد خدای تعالی انکسانند که نیکوئی کنند با اسیران خود و گفت
امام موسی علیه السلم که عیال مرد اسیر اوست پس انکسی که خدای باو نعمتی داده است
باید که نفقه کند بر عیالان و اسیران خود و اگر چنین نکند زود آن
نعمت برطرف شود و گفت خولی برسول خدا که من بوی خوش بکار میبرم
برای شوهر خود همچون عروسان و می آیم در جامه خواب او و او پشت

ونهی کنی ایشانرا از ...
نهی میکنی از نفس خود ...

بجانب من میکند بعد از آن می‌آیم پیش روی او و روی میگرداند
و گمان میبرم که دشمن میدارد مرا چه میفرمائی یا رسول الله آنحضرت
گفت که بترس از خدا و فرمان برداری شوهر خود کن آن زن گفت
که پس چیست حق من بر او آنحضرت گفت که حق تو بر او آنست که اطعام
کند بتو از آنچه خود میخورد و بپوشاند ترا از آنچه خود میپوشد و طپانچه
بر روی تو نزند و فریاد نکند بر روی تو آن زن گفت که چیست حق
شوهر بر من آنحضرت گفت که حق شوهر بر تو آنست که از خانه بیرون
نروی بی رخصت او و روزهٔ سنت نگیری بی اذن او و تصدق نکنی
از مال او مگر باذن او و اگر خواهد که جماع کند بتو قبول کنی و اگرچه
بالای شتر باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زن
لعبتست پس آنکسی که زن بخواهد باید که نیکو نگاه دارد او را و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلم بمحمد بن حنیفه که ای پسر من هرگاه قوت
پیدا کنی طاعت کن خدا تعالی را و اگر ضعیف و بی قوت شوی ضعیف شو
در معصیت و اگر قدرت داری که نفرمائی بزن خود کارهای که
تعلق بنفس او ندارد چون کارهای که متعلق است بمنزل باو بفرما
بدرستی که جمال او بیشتر باقی میماند و دل او نرم میشود و حال
او خوبتر میشود بدرستی که جمال زن حکم گل دارد در نزاکت و کار
فرمانیست پس مدارا کن باو بهر حال و نیکو گردان صحبت را با او تا آنکه
نیکو شود عیش و زندگانی تو و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که بزن

کید و بترسید از خدا تعالی و جفا مکنید در حق دو ضعیف یعنی
یتیمان و زنان **فصل ششم** در بیان فرزندان و آنچه
متعلق است بایشان **در بیان فضل** فرزندان گفت
سکونی که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرزند صالح ریحانیست
و از ریحانهای بهشت و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که میراث
خدا تعالی از بندهٔ مومن یعنی چیزی که از بندهٔ بماند که خدای
تعالی بآن راضی و خشنود شود فرزند صالح است که استغفار کند برای
پدر خود و نیز گفت که دختران حسنات اند و پسران نعمت و بسبب
حسنات ثواب میدهد خدا تعالی و از نعمت سوال خواهد کرد
در روز قیامت و روایتست که بشارت دادند حضرت پیغمبر را که
که خدا تعالی دختری داده است ترا آنحضرت نظر کرد در روی
اصحاب پس دریافت کراهتی از ایشان گفت چیست شما را دختر ریحانیست
که می‌بوییم او را و روزی او بر خدا تعالی است و منقولست از کتاب
روضه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نیکو فرزندان
دختر صالحه اند کسی که یک دختر داشته باشد خدا تعالی میگرداند
پناه از آتش دوزخ و آنکسی که دو دختر داشته باشد خدا تعالی او را
ببهشت میبرد بسبب ایشان و آنکسی که سه دختر یا سه خواهر داشته
باشد بر طرف میشود از و جهاد و صدقه و گفت حذیفه یمانی که
رسول خدا فرمود که بهترین فرزندان دختراناند و گفت امام رضا

علیه السلم که هرگاه اراده کند خدای تعالی به بنده خود خیری از
دنیا نبرد او را تا آنکه بدهد فرزند صالحی و روایتست که انکسی که
بمیرد و از او فرزند صالحی بماند گویا نمرده است و گفت امام جعفر
صادق علیه السلم که من دختران دارم آنحضرت گفت که شاید
که آرزو داشته باشی و ایشان بمیرند ثواب نخواهی یافت در روز
قیامت و گناه کار خواهی بود در روزی که ملاقات کنی پروردگار
خود و گفت حمزه بن حمران که شخصی در خدمت حضرت پیغمبر ص
بود مردی آمد و با و خبری داد رنگ آنشخص متغیر شد آنحضرت
گفت با آنشخص که تراچه شد آنشخص گفت که در وقتی که از خانه بیرون
می آمدم زن من نزدیک بود که بزاید الحال این مرد آمد و خبر داد
که زن تو دختری زائیده است آنحضرت گفت که زمین بر میدارد این
فرزند را و آسمان سایه میکند برو و خدای تعالی روزی میدهد
او را و او ریحانیست که بوی میکنی او را بعد از آن آنحضرت متوجه
اصحاب شد و گفت انکسی که او را یک دختر باشد پس او گران بار
است و انکسی که او را دو دختر باشد بفریاد او برسید و انکسی را که سه دختر
باشد جهاد و هر مشقتی که باشد از و برداشته میشود و انکسی که
چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا یاری کنید او را ای
بندگان خدا قرض بدهید او را ای بندگان خدا رحم کنید برو
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم که انکسی سه دختر داشته

باشد

باشد یا سه خواهر واجب میشود او را بهشت کسی گفت یا رسول الله اگر
دو باشد همچنین است آنحضرت گفت بلی و نیز گفت که از سعادت مرد
است که حیض نه بیند دختر او در خانه او و نیز گفت که دوست دارید
طفلانرا و رحم کنید بر ایشان و هرگاه چیزی وعده کنید با ایشان
بان وفا کنید بدرستی که ایشان خیال میکنند که شما روزی میدهید
بایشان و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم
نظر کرد بمردی که دو پسر داشت آنمرد یک پسر خود را بوسید و
دیگری را نبوسید آنحضرت گفت چرا یکی را بر دیگری ترجیح دادی
و گفت آنحضرت که همه فرزندان خود برابر نیکوئی کنید همچنانکه میخواهید
که ایشان برابر نیکوئی کنند و روایتست که روزی رسول خدا ص
بوسید امام حسن و امام حسین را اقرع بن حابس حاضر بود گفت
یا رسول الله مرا ده فرزند است و هیچکدام را نبوسیدم آنحضرت گفت
بر من چیزی نیست اگر خدای تعالی بتو رحم و مهربانی نداده باشد
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم که بر فرزندان خود
نام پیغمبران بنهید و بهترین نامها عَبدُالله وَ عَبدُالرَّحمن است
و نیز گفت که حق فرزند بر پدر سه است نام نیکو و تعلیم قرآن و کدخدا
کردن برای او بعد از بلوغ و نیز گفت که بسیار ببوسید فرزندان خود را
بدرستی که شما را بهر بوسه درجه حاصل شود در بهشت که ما بین
هر دو درجه پانصد ساله راه باشد و روایت کرده است امام رضا

از پدران خود علیهم السلم که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم که هر قومی که مشورت کنند وحاضر شوند کسی که محمد نام داشته
باشد یا احمد او را در مشورت خود دخل دهند آن مشورت خیر
خواهد بود ایشانرا وگفت امام رضا علیه السلم که لازم میشود
پدر ومادر را ازنا فرمانی کردن با فرزند بخو لازم میشود فرزند را از
نافرمانی کردن پدر ومادر وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم که بحق آنکسی که فرستاد مرا بخلق که فرزندی که نافرمانی کند
پدر ومادر را نمیرسد باو بوی بهشت وگفت حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلم که بوسیدن فرزند از رحم ومهربانیست وبوسیدن
زن از شهوت وبوسیدن پدر ومادر عبادتست وبوسیدن برادر
مؤمن ازدین است وزیاده کرده است براینها که بوسیدن پادشاه
عادل طاعتست وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که نیکوئی
کردن بفرزند خود مثل نیکوئی کردنست با پدر ومادر خود وگفت
رفاعه که پرسیدم ابو الحسن را از حال مردی که او را پسران باشند
ومادر ایشان یکی نباشد میتوانند تفضیل کرد یکی را بر دیگری آنحضرت
گفت آری باکی نیست بدرستی که پدر من تفضیل کرد مرا بر برادرم
عبدالله وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که از نعمتهای خدا
یتعالی است که فرزند مشابهت داشته باشد بپدر خود ونیز گفت که
خدایتعالی وقتی که میخواهد که آدمی را با فرزند جمع میکند صورت تمام

این را

آدمی

آدمی را وبعد ازان می افزاید او را بصورت یکی از ایشان پس باید که
نگوید کسی بفرزند خود که او که بمن هیچ یک از پدران من نمیماند
وروایتست که پرسید مردی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که چیست ما را که کوشش میکنیم برای فرزندان خود چرا
که کوشش نمیکنند ایشان برای ما آنحضرت گفت که بجهت آنکه ایشان از
شما حاصل شدند نه شما از ایشان وگفت شخصی بامام زین العابدین
علیه السلم که تو نیکوکارترین مردمانی بمادر خود وبا او چیزی نمیخوری
آنحضرت گفت که ترسم که پیشی گیرد دست من بچیزی که پیشی
گرفته است چشمهای او بآن ومن عاصی شوم نزد مادر خود وروا
یتست که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلم که چرا یتیم
گردانید خدایتعالی پیغمبر خود محمد مصطفی صلی الله علیه واله
وسلم را آنحضرت گفت که بجهت آنکه او را طاعت وفرمانبرداری
مخلوقی واجب نباشد وگفت امام جعفر صادق علیه السلم بجهت پسری
که خدا تعالی بان مرد داده بود باینطریق که گفت که مبارک باد ترا
سوار امام حسن علیه السلم گفت که چه دانستی که آن پسر سوار
خواهد بود یا پیاده آنشخص گفت که فدای تو گردم آنحضرت گفت
که بگو به پدر او که شکر کن خدایتعالی را که این پسر را برای تو
بمرتبه کمال برسد وروزی کند ترا نیکوئی او وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم بمردی که با او طفلی بود که چه کس تو است

این طفل آمرزد کفت این پسر منست آنحضرت کفت بر خورداری دهد خدای
تعالی ترا ازو ومنقولست از کتاب نوادر الحکمه که کفت ابن عباس که رسول
خدا فرمود که انکسی که ببازار در آید وچیزی بخرد و بردارد برای عیال
خود همچنانست که صدقه را برداشته باشد و برده باشد برای قومی که
محتاج بوده باشند وباید که آنچیز را اول بدختران بدهد بدرستی که
انکسی خوشحال سازد دختر خود را همچنانست که بندهٔ آزاد کرده باشد از
فرزندان اسمعیل وانکسی که خوشحال سازد پسر خود را همچنانست که
کریسته باشد از ترس خدای تعالی وانکسی که بکرید از ترس خدایتعالی
بهشت میرود وکفت عبدالله بن فضال که شنیدم از ابی عبدالله علیه
السلم یا از ابی جعفر علیه السلم که میکفت که هرکاه که پسر سه ساله شود
بکو باو که هفت بار لا اله الا الله بکوید و بعد ازان بکذار اورا تا
سه سال وهفت ماه وبیست روز برسد بعد ازان بکو که هفت بار
محمد رسول الله بکوید و بعد ازان بکذار که چهار ساله شود پس بکو که
هفت بار بکوید وصلی الله علی محمد وآل محمد و بعد ازان بکذار که
پنج ساله شود پس بپرس ازو که دست راست و دست چپ تو کدامست
اکر دانست بکردان روی اورا بقبله و بکو باو که سجده کن بعد ازان بکذار
که هفت ساله شود پس بکو باو که دستهای خود را بشوید پس هرکاه روی
و دستهای خود را شست بکو که نماز بکذارد و بعد ازان بکذار که نه ساله
شود پس بیاموز باو وضو را و بزن اورا بجهة وضو و بفرما که نماز کند و بزن

اورا

اورا بجهة نماز کذاردن وهرکاه وضو ونماز یاد کرفت می آمرزد خدا
تعالی پدر ومادر را ومنقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر
صادق علیه السلم که از سعادت ونیکبختی مرد است که فرزند او
شبیه باشد باو در صورت وخلق وباقی صفات نیکو وکفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که از نعمتهای خدایتعالی است
بهر مردی که فرزند او شبیه باشد باو وکفت ابو ابراهیم علیه السلم
که پدر من کفت که مرد نیکبخت آنست که نمیرد تا انکه نه بیند فرزند
خود را که ازو حاصل شده باشد وبعد ازان کفت که نموده است
خدایتعالی بمن فرزند مرا واشارت کرد بابی الحسن علیه السلم
وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که بکذار فرزند خود را که بازی
کند تا هفت سال وادب بیاموز اورا تا هفت سال دیکر پس اکر صورت
صلاح پیدا کرد نیکو شد کار او واکر پیدا نکرد خیری نیست درو
ومنقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه السلم
که بکذار طفل خود را تا شش سال وبعد ازان اورا با خود نکاه دار
هفت سال دیکر وتعلیم ادب کن اورا با دب خود پس اکر قبول کرد وصلاح
آمد خوب شد واکر قبول نکرد بکذار اورا وکفت رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم که فرزند هفت سال مهتر است وهفت سال بنده است
وهفت سال وزیر است پس اکر اخلاق او نیکو شد در بیست ویکسالکی
خوب واکر نه بزن اورا بدرستی که تو معذوری نزد خدایتعالی وکفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که ادب کردن فرزندان خود بهتر
از صدقه دادن هر روز بر نیم صاع ونیز گفت که اکرام کنید فرزندان
خود را ونیکو کردانید ادب ایشانرا تا خدا تعالی شما را بیامرزد و
منقولست از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام
که رسول خدا فرمود که وقتی که فرزندان گوشت بخورند دست و دهن
ایشانرا بشوئید بدرستی که می بویند بوی گوشت را وایذا می یابند از
دو فرشته که موکل آدمی اند وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که بگذارید طفل را هفت سال وتعلیم ادب کنید هفت سال وخدمت
بفرمائید هفت سال وتمام میشود قد او در بیست وسه سالگی
وعقل او در سی وپنج سالگی وبعد از ان بتجربه حاصل میکند وگفت امام محمد باقر
علیه السلام که جدا کنید خوابگاه پسران وزنانرا وقتی که پسران ده
ساله شوند بدرستی که شیر سرایت میکند وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که هرگاه نظر کنی به پسری وبه بینی که چشمهای شیرین دارد وگشاده
پیشانیست ورخسار او برآمده است وسلامتست هیأت وصورت
او از عیب وپوستی که ختنه میکنند در انش باشد امیدوار باش از ان پسر که
یمن وبرکت تمام خواهد داشت واگر به بینی پسری که چشمهای او در مغاک
باشد وپیشانی او تنگ باشد ورخسار او فرو رفته باشد وسری بینی او باریک
باشد امید برکت ویمن از و مدار وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
که قد میکشد طفل هر سال مقدار چهار انگشت بانگشتان خودش

ورواي

وروایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که جدا
کنید خوابگاه طفلان خود را وقتی که ده ساله شوند خواه هر دو
پسر باشند وخواه هر دو دختر وخواه یکی دختر باشد ودیگری پسر
وگفت امام جعفر صادق علیه که هرگاه دختر شش ساله شود
بوسه مکنید او را وپسر که هفت ساله شود باید که بوسه نکند زنانرا
ونیز گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام که لمس کردن زن با دختر
خود وقتی که ان دختر شش ساله شده باشد نوعیست از زنا ونیز
روایتست که پرسید احمد بن نعمان از امام جعفر صادق که شش
ساله ایست که میان ما و او خویشی نیست وآن دختر با من میباشد
انحضرت گفت که او را در کنار خود مگیر وبوسه مکن وگفت ابن عمر که
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که جدا کنید خوابگاه
فرزندانرا وقتی که ایشان هفت ساله شوند

در بیان طلب فرزند

منقولست از کتاب محاسن که گفت بکر بن صالح که نوشتم بابی الحسن
دوم که مدت پنج سالست که من اجتناب میکنم از طلب فرزند نمیخواهد
ومیگوید که دشوار است بر من تربیت ونگاه داشتن فرزند بجهة
ناداری میفرماید آنحضرت در جواب نوشت که طلب فرزند کن بدرستی که
خدا تعالی روزی میدهد ومنقولست از کتاب فردوس که گفت ابن
عمر که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که طلب فرزند

بجهة انکه زن من فرزندم

کنید از خدای تعالی بدرستی که فرزند روشنی چشم و ریحان دلست
وبپرهیزید از عجز و فقر وگفت امام زین العابدین ببعضی اصحاب
خود که طلب فرزند هفتاد بار بگوید رب لا تذرنی فردا وانت خیر
الوارثین واجعل لی من لدنک ولیا یرثنی فی حیاتی ویستغفر لی
بعد وفاتی واجعله خلقا سویا ولا تجعل للشیطان فیه نصیبا
اللهم انی استغفرک واتوب الیک انک انت الغفور الرحیم
بدرستی که آنکسی که بسیار بگوید این را خدای تعالی روزی او کند
از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت آنچه میخواهد بدرستی که خدای
تعالی میخواهد که فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل
السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم
جنات ویجعل لکم انهارا یعنی پس گفتم آمرزش طلبید از پروردگار
خود یعنی توبه کنید بدرستی که خدای هست آمرزنده است توبه کنندگانرا
وچون شما توبه کنید بفرستد ابر را بر شما که ببارد پی در پی و مدد
دهد شما را بمالها و پسران یعنی بسیار گرداند اموال و اولاد شما را
و بدهد شما را بوستانهای پر میوه و جاری گرداند برای شما جوهای
آب و منقولست از کتاب طب الائمه که روایت کرده سلیمان
الخوری از شیخ مداینی و او روایت کرده است از زراره که گفته که
ابو جعفر آمد نزد هشام بن الملک و دربان مانع شد و آنحضرت غمگین
شد و هشام بن عبد الملک را دربانی بود که مال بسیار داشت و

فرزند نداشت آنحضرت نزدیک او رفت و گفت که میتوانی مرا برسانی
بنزد هشام تا من تعلیم کنم ترا دعائی که فرزند شود دربان گفت
بلی پس آنحضرت را رسانید نزد هشام و آنحضرت حاجتی که داشت
برآورده شد چون فارغ شد دربان گفت فدای تو کردم دعائی که
گفته بودی بمن کدامست آنحضرت گفت که هر روز صباح و شام
هفتاد بار سبحان الله بگو و ده بار استغفر الله و بعد از آن نه بار
سبحان الله بگوید و بعد از آن بگوید استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین و
یجعل لکم انهارا پس خواند این دعا را دربان هشام و خدای تعالی
او را فرزند بسیار داد و آن دربان بعد از آن بخدمت ابی جعفر
وابی عبد الله علیهم السلام آمد و گفت سلیمان خدری که نکاح کردم
دختر عم خود را و دیر فرزند میشد مرا از و و این دعا را تعلیم کردم
کردم
با او و من نیز خواندم خدای تعالی او را فرزند داد و گمان آن زن چنین
شد که هرگاه خواهد که آبستن شود این دعا را بخواند و تعلیم کرد
زوجه من دعا را بزنانی که ایشانرا فرزند نمیشد پس ایشان این دعا را
خواندند و ایشانرا فرزند بسیار شد و گفت ابو بکر بن حرب البصری
که گفتم بابی عبد الله که من از اهل بیتم که کسی ایشان نمانده و غیر از من
گفت
و مرا فرزندی نیست آنحضرت که سجده کن و در سجده بگو یا رب هب لی
من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا وانت

خیر الوارثین و کاین دعا را خواندم و خدایتعالی دو فرزند داد مرا
یکی علی نام کردم و دیگری را حسین و گفت ابو عبد الله برای طالب
فرزند که هرگاه خواهی که نزدیکی کنی بر زوجه خود بگو وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المومنین وزکریا اذ نادی
ربه رب لا تذرنی فردا خیر الوارثین و نیز گفت که هرگاه زن شما
حامله شود باید که بفرمایید که رو بقبله کند و آیة الکرسی بخواند و دست
بر پهلوی او بزنید و بگویید اللهم قد سمیته محمدا یعنی بار خدایا
این فرزند را محمد نام کردم بدرستی که چون چنین کنید خدایتعالی
آن فرزند را پسر بگرداند پس اگر آن پسر را محمد نام کردید خدایتعالی
زنده میگذارد آن فرزند را و برکت میدهد او را و اگر محمد نام نکردید
خدایتعالی اختیار دارد اگر میخواهد میراند و اگر میخواهد زنده میگذارد
و منقولست از کتاب نوادر الحکمه که آمد نزد ابی عبد الله علیه السلم
گفت یا ابن رسول الله خدایتعالی بمن هشت دختر داده است در عقب
یکدیگر و هرگز پسر نداده است دعا کن که خدایتعالی مرا پسری بدهد
آنحضرت گفت که وقتی که خواهی که نزدیکی کنی بر زوجه خود بنشینی
بجهة جماع کردن بنه دست راست خود را بر جانب راست ناف زن و هفت
نوبت سورة انا انزلنا بخوان و بعد از ان مشغول شو بجماع کردن بدرستی

که چون چنین کنی خدایتعالی بتو پسر میدهد و چون بدانی که زن آبستن
شد هرگاه آن زن در شب از پهلوی بر پهلوی دیگر بگردد دست خود را
بر جانب راست ناف زن بنه و هفت نوبت انا انزلنا بخوان آنمرد گفت
چنین کردم خدایتعالی هفت پسر داد مرا در عقب یکدیگر و بسیاری
از مردمان این کار کردند و خدایتعالی ایشانرا پسران داد و روایت
که امام حسن علیه السلم نزد معاویه از عقب آنحضرت آمد و گفت یا ابن
رسول الله من مال دارم و هیچ فرزند ندارم تعلیم کن مرا چیزی که خدا
تعالی مرا فرزندی بدهد آنحضرت گفت که بر تو باد استغفار کنی پس آن
دربان بسیار استغفار میکرد تا آنکه بسیار بود که در روزی هفت
صد نوبت استغفار میکرد خدایتعالی با وده پسر داد خبر بمعاویه
رسید گفت معاویه بآن دربان که چرا نپرسیدی از امام حسن
علیه السلم که از کجا دانستی که استغفار کردن سبب آن میشود
که خدایتعالی فرزند بدهد آنحضرت نوبت دیگر نزد معاویه کشد
بود آنحضرت گفت که آیا نشنیده آنچه خدایتعالی فرموده است در
قصه هود که یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء
علیکم مدرارا ویزدکم قوة الی قوتکم یعنی ای قوم استغفار
کنید و آمرزش طلبید از پروردگار خود پس بازگردید تا بفرستد
از آسمان بر شما بارانی پیوسته و بیفزاید و بار کند قوتی با قوت شما
یعنی فرزندان دهد شمارا تا مدد شما باشد و در قصه نوح فرموده

فصل هفتم

است که فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم
مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم
انهارا و تفسیر این آیه از پیش کذشت در بیان عقیقه و آنچه متعلق
است بآن کفت عمر بن زید که شنیدم که ابو عبد الله می کفت که هر فرزندی
روز قیامت در کروست بعقیقه خود و عقیقه واجب ترست از
قربانی و نیز کفت ابو عبد الله علیه السلام که هر آدمی در کروست بزکوة
فطر و هر فرزندی در کرو است بعقیقه و کفت عمر بن زید که کفتم بابی عبد الله
که بحق خدای که نمیدانم که پدر من عقیقه کرده است برای من یا نه آنحضرت
کفت که عقیقه کن برای خود و من عقیقه کردم برای خود در آن وقت که
پیر بودم و روایت کرده است علی بن حمزه که یکی از ائمه علیه السلام
است فرمود که عقیقه واجبست وقتی که فرزند متولد شود پس اکر
خواهید که در همان روز نام کنید آن فرزند را بکنید و کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که عقیقه لازم است کسی را که مالدار باشد
و آنکسی که فقیر و محتاج باشد هرکاه مالدار شود عقیقه بکند و اکر
مالدار نشود برو چیزی نیست و اکر عقیقه نکردند برای فرزندی که
و قربانی بکنند برای او کافیست و احتیاج بعقیقه نیست و هر فرزندی
در کروست بعقیقه و نیز کفت که در عقیقه کوسفند نر ذبح می باید کرد
و اکر کوسفند نر یافت نشود هر چه جهة قربانی کافیست و اکر کوسفند
نیابید بره یکساله عقیقه کنید و روایتست که پرسیدند از امام جعفر

صادق علیه السلام که در عقیقه چه چیز ذبح می باید کرد آنحضرت
کفت که در روز هفتم کوسفند یا کاو یا شتر ذبح می باید کرد و بعد از آن
فرزند را نام باید نهاد و سر او را باید تراشید و تصدق می باید کرد
بوزن موی سر او طلا یا نقره و اکر فرزند پسر باشد کوسفند یا کاو
یا شتر عقیقه می باید کرد و روایتست که عقیقه کرد ابوطالب برای آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز هفتم از ولادت آنحضرت
پس طلبید تمام اهل بیت خود را ایشان کفتند که بجهة چه این فرزند را
محمد نام کردی ابوطالب کفت بجهة آنکه حمد میکویند او را اهل آسمان
و مؤمنین و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که چهار یک عقیقه
بدایه میباید داد و اکر دایه نداشته باشد تعلق بمادر دارد بهر که
خواهد بدهد و طعام می باید داد از عقیقه ده مسلمان را و اکر زیاده
از ده کس باشند فاضلتر و بهترست و نیز کفت که وقتی که خواهی ذبح
کنی عقیقه را یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی
للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین ان صلاتی
و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک
امرت و انا من المسلمین اللهم منک و الیک بسم الله و الله اکبر
اللهم تقبل من فلان بن فلان یعنی نام فرزند و پدر او را بکوید
و بعد از آن ذبح کند و منقولست از کتاب طب الائمه که کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که نام کنید فرزند را در روز هفتم از ولادت او

آن فرزند

بکو

کنید

وسر او را بتراشید و بنقره تصدق بوزن موی و عقیقه کنید برای
او یک گوسفندی نری و قطعه قطعه کنید آن گوسفند را و بپزید و
بطلبید جماعتی از مسلمانان را و اگر نپزید و تصدق کنید گوشت آن
گوسفند را باکی نیست و پسر و دختر درین یکسانند و باید که نخورند
ازان عقیقه پدر و مادر آن فرزند و قطعه ازان عقیقه را بدایه
بدهید و اگر دایه مادر و پدر آنفرزند و عیال او باشد ازان
عقیقه چیزی باو نباید داد پس اگر خواهید بخش کنید اعضای آن
گوسفندان را و اگر خواهید بپزید و بخش کنید با نان و شوروا
و بدهید عقیقه را بمومنان و نیز گفت که فرزند وقتی متولد شود
اذان بگوئید در گوش راست و اقامت بگوئید در گوش چپ او و نیز
گفت که هر که چهل روز گوشت نخورد کج خلق میشود و هر که کج خلق
میشود اذان بگوئید در گوش او و منقولست از کتاب آداب که جمع
کرده است پدر من که گفت امام محمد باقر علیه السلام وقتی متولد
شود برای شما فرزندی در روز هفتم عقیقه کنید برای او و نیز گفت
گوسفندی نری بدهید بدایه از عقیقه ران گوسفند و بر کام فرزند
آب فرات بمالید و اذان بگوئید در گوش راست او و اقامت در گوش
چپ او و نام بنهید او را در روز هفتم و بتراشید سر او را و بوزن
موی او تصدق کنید نقره یا طلا بدرستی که خدای تعالی فرو میفرستد
نام او را از آسمان و هر گاه عقیقه را ذبح میکنید بگوئید بسم الله

وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکر
الرزق الله و عصمة بامر الله و معرفة بفضله علینا اهل البیت
پس اگر آنفرزند پسر باشد بگوئید اللهم انت وهبت لنا ذکرا و
انت اعلم بما وهبت ومنك ما اعطیت ولك ما صنعنا فتقبله
منا علی سنتك وسنة رسولك واخسأ عنا الشیطان الرجیم
لك سفك الدماء لا شریك لك الحمد لله رب العالمین و روایت
کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا
عقیقه کرد برای امام حسن و امام حسین علیهم السلام و گوسفندی نری
در روز هفتم از ولادت ایشان و قطعه قطعه کرد آن گوسفند را
واستخوان او را نشکست و فرمود که بپزید آن گوشت را با آب و نمك
و بخورید با نان و بدهید بهمسایه‌ها و گفت حضرت پیغمبر که وقتی که
فرزند متولد شود هفت چیز بجای آوردن سنتست اول نام نهادن
دوم سر تراشیدن سیم تصدق کردن بوزن موی سر او نقره یا طلا
اگر قدرت داشته باشد چهارم عقیقه کردن برای او پنجم زعفران
بر سر او مالیدن ششم ختنه کردن برای او هفتم طعام دادن
همسایه‌ها را ازان عقیقه و نیز گفت بحضرت فاطمه ای فاطمه سوراخ کن
گوش امام حسن و امام حسین را بمخالفت یهود و نیز گفت بحضرت فاطمه که
سر امام حسن و امام حسین را در روز هفتم از ولادت ایشان و تصدق
کند بوزن موی سر ایشان نقره و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله

بتراشد

علیه واله وسلم اذان گفت در گوش امام حسن در روزی که
متولد شد و منقولست از کتاب محاسن که هرگاه امام زین العابدین
را بشارت میدادند بفرزندی که نمی پرسید که آن پسر است یا دختر
یا انکه می پرسید آیا اعضای او درست و بی عیب است پس اگر چنین
میبودی گفتی الحمد لله الذی لم یخلق منی شیء مشوها یعنی سپاس و ثنا
مر خدای را که نیافرید از من چیزی زشت و روایتست که پرسیدند از ابی
عبدالله علیه السلام که سبب تراشیدن سر فرزند چیست آنحضرت گفت
که سبب آنست که پاک شود از موی رحم و روایتست که پرسید علی بن
ابی جعفر برادر خود موسی بن جعفر را که از فرزندی که سر او را تراشیده
باشند و منقولست از کتاب نوادر الحکمة که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که بمالید در کام فرزند خود آب فرات و تربت امام حسین

و امام حسین در روزی که متولد شدند

فصل هشتم

در بیان ختنه کردن و آنچه متعلق است بان گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم که ختنه کردن مردانرا سبب بزرگواری بیشتر
و روایتست که نوشت عبدالله بن جعفر الحمیری با امام حسن عسکری
که روایتست از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم که گفتند ختنه
کنید فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان تا پاک شوند
بدرستی که زمین در ناله می آید از بول کسی که او را ختنه نکرده باشند
چون بول او بزمین برسد و بگوید که نیست مسلمانی که نیکو دانند ختنه

قبیح

در شهر ما

کردن

کردن را و خوب ختنه تواند کرد در روز هفتم و نزد ما حجام یهودی
هست که نیکو میدانند آیا جایز است که یهودی ختنه کند فرزندان
مسلمانانرا یا نه آنحضرت در جواب نوشت که ختنه کنید روز هفتم
فرزندان خود را و مخالفت سنت مکنید و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که هرگاه طفلی را ختنه کنید بگوئید اللهم هذه سنتك
وسنة نبيك صلواتك عليه وآله واتباع مثالك وكتبك
بمشيتك وارادتك وقضائك لامر اردته وقضاء حتمته وامر
انفذته فاذقته حر الحديد في ختانه وحجامته لامر انت اعرف
به اللهم طهره من الذنوب و زد في عمره وادفع الآفات عن بدنه
والاوجاع عن جسمه و زده من الغنى وادفع عنه الفقر فانك
تعلم ولا نعلم و روایتست که امام موسی علیه السلام اشارت کرد
بامام رضا علیه السلام و گفت این فرزند من ختنه کرده متولد
شد و پاک و پاکیزه بود ولیکن پاکی را میگذرانم بر او تا سنت بجای
آورده باشم و پیروی دین ابراهیم کرده باشم و گفت امام موسی
علیه السلام که هر مرد که این دعائی که مذکور شد نخوانده باشد
در وقت ختنه کردن فرزند خود باید که آن دعا را بخواند بران فرزند
پیش از انکه آن فرزند محتلم شود پس اگر نخواند آن دعا را فرزندان
تیغ ایمن شود یعنی بر تیغ کشته نشود و زخمی باو نرسد و منقولست
از کتاب طب الائمه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

که ختنه کنید فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان بدرستی
که موجب پاکیزه کیست وزودتر کوشت میرویید و زمین نجس میشود
چهل روز ببول کسی که ختنه نکرده باشند اورا و کفت امام جعفر
صادق علیه السلم که سوراخ کردن کوش پسر سنتست و ختنه
کردن او روز هفتم سنتست و ختنه کردن زنان موجب بزرکواری
ایشانست و سنت نیست و کدام چیز فاضلترا است از بزرکواری
ومنقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت امام جعفر صادق
علیه السلم که آمدند جمع زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم درمیان ایشان زنی بود که اورا ام حبیبه میکفتند
واو ختنه میکرد دختر انرا چون انحضرت اورا دید کفت ای ام حبیبه
ان عملی که میکردی حالا میکنی ام حبیبه کفت بلی یا رسول الله میکنم
مکر انکه اسوده [حرام] باشد و تو منع کنی مرا انحضرت کفت که حرام
نیست بلکه حلال است پس انحضرت کفت که ای ام حبیبه نزدیک
شو بمن تا تعلیم کنم بتو ختنه کردن دختر انرا ام حبیبه نزدیک
انحضرت رفت انحضرت کفت ای ام حبیبه هرکاه ختنه کنی دختر
از بیخ مبر و اندکی ببر بدرستی که روشن و درخشنده میکند
رو را و قدر و منزلت او نزد شوهر بیشتر میشود و ام حبیبه را
خواهری بود که اورا ام عطیه میکفتند و او مشاطه بود پس انحضرت
متوجه خدمت انحضرت شد و خبر داد با انحضرت انچه خواهر او

اذان م

انحضرت م
بدل
تحفه

با و کفته بود انحضرت کفت ای ام عطیه نزدیک شو بمن چون نزدیک
انحضرت آمد کفت که وقتی که آرایش میکنی دختر انرا روی ایشانرا بخرقه
مشو بدرستی که میبرد طراوت رو را

فصل نهم

درمیان خصلتهای بدیکه متعلق است بزنان روایتست که رسول خدا صلم
هرکاه میخواست که بجنک رود زنان خود را میطلبید و با ایشان مشورت
میکرد و خلاف سخن ایشان میکرد و روایتست که شکایت کرد مردی
نزد امیر المؤمنین علی علیه السلم از زنان خود انحضرت برخواست
وخطبه خواند پس کفت ای کروه مردان فرمان برداری زنان مکنید
بهیچ حال و ایمن مباشید از ایشان بر مال خود و امکذارید ایشانرا تدبیر
کار عیالان خود را بدرستی که اکر زنانرا بکذارید با نچه اراده ایشانست
کارهای بد میکنند و در مهلکه می افتند و در میکذرند از حکم شوهر
خود بدرستی که می یابیم ورع و پرهیزکاری نیست در ایشان وقتی که محتاج
شوند بچیزی و صبر نیست ایشانرا در وقت شهوت و کردن کشی و ناز
لازم ایشانست واکرچه پیر باشند و عجب و تکبری باشد ایشانرا و اکرچه
عاجز شوند شکر نمیکنند نعمت بسیار را هرکاه اندک چیزی از ایشان منع
کرده شود و فراموش میکنند نیکویی را و در خاطر نکاه میدارند
بدی را و فراموش نمیکنند و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی
میکنند و کار شیطان میکنند پس نیکویی کنید با ایشان بهر حال و بزبان
خوش با ایشان سخن کنید امید هست که ایشان افعال و کردار خود را نیکو

سازند وکفت رسول خدا که فرمان برداری زن پشیمانی می‌آرد وروایت
که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زنان سوار بر اسب
شوند وکفت حضرت پیغمبر لعنت کرده است خدا تعالی زنانی را که سوار
شوند وکفت امیر المؤمنین که سوار مکنید زنانرا بر اسپ بدرستی که
شهوت ایشان در حرکت می‌آید ومنقولست از کتاب لباس که روایت
کرده است ابو عبد الله از پدر خود که ذکر کرد رسول خدا زنانرا پس
کفت که پند دهید ایشانرا به نیکوئی پیش از آنکه امر کنند ایشان شما را
به بدی وپناه جوئید بخدا تعالی از شر ایشان وپرحذر باشید از
زنان نیکو وکفت ابو جعفر که مشورت مکنید با زنان در کارهای
پنهان خود وسر خود با ایشان مکوئید وفرمان برداری ایشان مکنید
واکرچه خویش شما باشند بدرستی که زن وقتی که پیر شد خیر او بتمام
میرود وباقی میماند شر او وجمال او میرود وفرزند نمیشود او را وزبان
میشود زبان او ومرد هرگاه پیر شد شر او بتمام میرود وباقی میماند خیر
ومحکم میشود عقل ورای او وکم میشود جهل ونادانی او وکفت امیر المؤمنین
مردی که بتدبیر زن کار کند او ملعونست ونیز کفت که در خلاف کردن
با زنان برکتست وروایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آنکسی که فرمان برداری
زن خود کند خدای تعالی او را در دوزخ اندازد پرسیدند آنحضرت که
فرمان برداری زن کدامست آنحضرت کفت فرمان برداری زن آنست که

او را رخصت دهد که بحمام برود وبعروسی وعیدگاه وتعزیت برود وجامه
تنک بپوشد وکفت ابو جعفر علیه السلام که باید که زن بیرون نرود
بمشایعت ونرود نزد زنان شوهردار واکر پیش دختران بکر رود باک
نیست وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا
فرمود که مکذارید زنانرا که بازی کنند وتعلیم مکنید با ایشان
نوشتن را وبفرمائید که چرخ بریسند وتعلیم کنید ایشانرا سورهٔ
نور ونیز کفت امام جعفر صادق از پدران خود علیهم السلام که کفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم باید که لمس نکنند مردی بمردی
مکر آنکه میان ایشان جامه بوده باشد ودر روایتست که لعنت کرده است
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم مخنثانرا وفرمود که بیرون
کنید ایشانرا از خانهای خود وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
باید که ~~در یک جامه دو زن خواب نکنند~~ مکر آنکه ضرورت باشد وکفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که نباید زنان خود را بایکدیکر
مثل غلام یا روکی مردانست پس هر زنی که چنین کند البته بکشید او را
ونیز کفت باید که در یک جامه خواب نخوابند مکر آنکه ضرورت باشد
پس خواب کند هر یک بزیر جامهٔ خود وبعد از آن یک لحاف بپوشند
وحکم دو زن همچنین است وباید که خواب نکند دختر با پدر وپسر با مادر
خود در یک لحاف ومنقولست از کتاب محاسن که کفت ابو عبد الله
که مراد از ما ظهر که در قول خدا تعالی واقع است که قل انما ربی الفواحش

دو زن در یک جامه خواب نخسبند

ما ظهر منها و ما بطن روی و ساق دست و معنی آیه اینست که بگو
ای محمد که حرام کرده پروردگار من گناهانرا آنچه ظاهر است که آن سرمه
کشیدن و انگشتری در دست کردن است زنانرا و در روایتی دیگر واقع
شده است که آن انگشتری و دستینه است و اینست آنچه ظاهر است
از زینت و باید که ظاهر نکنند زنان زینت خود را که آن گردن بند
و گوشوار و بازوبند و خلخال است و نیز گفت در تفسیر قول خدای
تعالی وَلَا یَعْصِینَكَ فِی مَعْرُوفٍ که مراد از معروف آنست که زنان
در تعزیت گریبان پاره نکنند و طپانچه بر خود نزنند و روی خود را
نخراشند و واویلا نگویند و بر سر قبر نروند و جامه سیاه نکنند
و موی خود را پریشان نکنند و نیز گفت که خدای تعالی فرمود زنانرا
که در تعزیت نوحه نکنند و نخراشند روی و سینه خود را و ننشینند
پیش مردان در آنخانه و نیز گفت که رسول خدا پرسید از اصحاب در
حالتی که امیر المؤمنین علی علیه السلام حاضر بود زنانرا چه چیز بهتر است
هیچکس جوابی نگفت بعد از آن امیر المؤمنین ع بخانه خود آمد و بحضرت
فاطمه گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این نوع سوالی
کرد هیچکس جوابی نگفت حضرت که زنانرا بهتر آنست که مردان نامحرم را
نه بینند و مردان نامحرم ایشانرا نه بینند و بعد از آن امیر المؤمنین علی
نزد حضرت پیغمبر آمد و عرض کرد با آنحضرت که فاطمه چنین گفت آنحضرت
فرمود که فاطمه از منست و گفت ام سلمه که بودم نزد حضرت پیغمبر و میمونه

زوجه

روی

فاطمه فرمودم

زوجه آنحضرت نیز نزد آنحضرت بود پس آمد ابن مکتوم و او
مردی نابینا بود و این وقتی بود که امر شده بود که زنان از مردان
حجاب کنند آنحضرت گفت بما که بپوشید روی خود را گفتیم یا رسول
الله این مرد نابیناست و نمی بیند ما را آنحضرت فرمود که شما خود
نابینا نیستید و می بینید او را

فصل دهم

در بیان چیزهای
نادر که در نکاح می باشد گفت امام جعفر صادق علیه السلم که رسول
خدا باز گشت از جنگی و در آن جنگ بسیاری از مسلمانان شهید شده
بودند پس زنان استقبال کردند آنحضرت را احوال کسان خود
پرسیدند زنی نزدیک آنحضرت رفت و گفت یا رسول الله چه شد
فلانکس آنحضرت گفت که او چه کس تو بود آن زن گفت برادر من بود
آنحضرت گفت که حمد بگو خدای تعالی را و بگو اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ
رَاجِعُونَ بدرستی که او شهید شد پس آن زن چنین کرد و بعد از آن
گفت یا رسول الله فلانکس چه شد آنحضرت گفت که او چه کس تو بود
آن زن گفت که شوهر من بود آنحضرت گفت حمد بگو خدای تعالی را
و بگو اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ بدرستی که او شهید شد پس آن
زن فریاد بر آورد و گفت چه خوار و بیکس شدم آنحضرت گفت که
گمان نمی بردم که زنی شوهر خود را اینمقدار محبت داشته باشد تا این
زنرا دیدم و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که نمازی
که زن تنها بگذارد در خانه فاضلتر است از نمازی که بجماعت بگذارد

خود

به بیست و پنج درجه و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که خدای
تعالی خاص گردانیده است رسول خود را باخلاق نیکو پس امتحان
کنید نفس خود را پس اگر یافت در شما از آن اخلاق حمد بگوید خدای
تعالی را و میل کنید بزیاده کردن آن پس ذکر کرد حضرت امام علیه السلم
از اخلاق نیکو ده چیز را یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و
خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت و روایت
که مذکور شد نزد امام جعفر صادق علیه السلم که چه چیز
شوم است آنحضرت گفت که شومی در سه چیز است زن و چهارپا
و سرا اما زن شوم که کابین او بسیار باشد و فرمان برداری
شوهر نکند و اما چهارپای شوم آنست که بدفعل باشد و نگذارد
که بر او سوار شوند و او را پاک کنند و اما خانه شوم آنست که تنک
و همسایه بد داشته باشد و عیب بسیار داشته باشد و گفت
امام جعفر صادق علیه السلم که کسی بعیسی علیه السلم گفت که
چرا زن نمیخواهی حضرت عیسی گفت که چه میکنم فرزند را بدبخت که
اگر زنده باشد فتنه میکند و اگر بمیرد داند و همچنین بیسازد پدر و
مادر او را روایت کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلم
که ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد و ثواب آنرا
پس زنی گفت یا رسول الله نیست زنان را از جهاد و ثواب او چیزی
آنحضرت که زنان را از وقت آبستن شدن تا زائیدن تا شیر باز گرفتن فرزند

ثواب است برابر ثواب کسی که مهیا شده باشد که جهاد کند در راه خدا
و اگر بمیرند در میان این ایشان را منزلت و ثواب شهید خواهد بود
و گفت امام محمد باقر علیه السلم که امام زین العابدین فرمود که
بیشتر اهل بهشت زنان ضعیف خواهند بود بجهت آنکه میداند خدای
تعالی ضعف ایشان را پس رحم میکند بر ایشان و نیز گفت که امام
زین العابدین در وقت زائیدن زن میگفت که بیرون کنید زنان را
از خانه تا آنکه اول بار نظر نکنند بعورت طفل و گفت معاذ که روایت
کرده است امام جعفر صادق علیهم السلم از پدران خود که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که کراهت دارد خدای تعالی از شما ای امت
من زیاده از بیست خصلت را و منع کرده شما را از آن خصلتها و آن
خصلتها کار عبث کردنست در نماز و نقصان کردن در نماز و خنده
کردن در گورستان و نظر کردن در سراهای مردم و نظر کردن
در فرج زنان زیرا که کوری میآورد و سخن کردن در وقت جماع
زیرا که گنگ میسازد کسی را و خواب کردن پیش از گذاردن نماز خفتن
و سخن کردن بعد از نماز خفتن و غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ
و جماع کردن در زیر آسمان و در آمدن بجوبهای آب بی لنگ زیرا که
در جوبهای آب جماعتی از فرشتگان ساکنند و رفتن بحمام بی لنگ
و سخن کردن میان اذان و اقامت در نماز صبح تا فارغ شدن از نماز
و در کشتی نشستن در وقت طوفان و موج دریا و خواب کردن

دربامي که محرم نداشته باشد تنها خوابیدن و با زن حایض جماع کردن
واکر درین حال فرزندي حاصل شود جذام یا برص می آورد باید که
ملامت نکند مکر خود را و جماع کردن بعد از احتلام و پیش از غسل
کردن واکر فرزندي که حاصل شود جذام داشته باشد باید که ملامت نکند
مکر خود را و سخن کردن با اهل جذام مکروهست مکر آنکه یک کز فاصله
داشته باشد زیرا که انحضرت فرمود که بکریزید از کسی که جذام
داشته باشد همچنانکه از شیر میکریزید و بول کردن بر کنار جوی آب
و حدث کردن در زیر درخت خرما و هر درختی که میوه دهد و
ایستاده بول کردن نعلین پوشیدن و بی چراغ در آمدن در خانه تاریک و
باد کردن بدهن در میان نماز و کفت ابو عبد الله که بیشترین
اهل بهشت زنان ضعیفه اند بجهت آنکه میداند خدا یتعالی ضعف ایشانرا
پس رحم میکند برایشان و کفت اسحاق بن عمار که کفتم بابي عبد الله
که آیا جایز است که نظر کند غلامي که بنده زني بوده باشد بموي این زن
انحضرت کفت بلی جایز است که نظر کند بمو و ساق او و منقولست از کتاب
مجمع البیان که کفت امام جعفر صادق علیه السلم که حضرت پیغمبر
رفت نزد حضرت فاطمه جامه از پشم شتر پوشیده و دستاس میکرد
و شیر میداد فرزند خود را انحضرت چون فاطمه را چنان دید در کریه
شد و کفت ای دختر من تعجیل کن در قبول کردن تلخی دنیا تا آنکه بحلاوت
وشیرینی برسی آخرت بدرستی که خدا یتعالی فرو فرستاده است بر من این

زن خود م

این کار نکند م

و آتش د م

که حضرت فاطمه م

ایرا

۱۷۲

این آیه وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ یعنی زود باشد که بدهد
بتو پروردکار تو در آخرت انقدر چیزي که راضی و خشنود شوي
و منقولست از کتاب لباس که کفت محمد بن اسحق که کفتم بامام رضا ع
که آیا جایز است که مردي را که خصی کرده باشند برود نزد زنان و
آب وضو بایشان بدهد و ببینند موي ایشانرا انحضرت کفت جایز
نیست و روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلم سلام میکرد
بر زنان و کراهیت میداشت که سلام کند بر زن جوان و میکفت که
میترسم که در شکفت می آورد مرا صورت آن زن و کناه حاصل شود
بیشتر از ثواب سلام کردن و روایتست که پرسید ابو بصیر از ابي عبد الله
که آیا جایز است که مصافحه کند مرد با زني که محرم او نباشد انحضرت
کفت که جایز نیست مکر وقتی که جامه آستین حایل دست باشد و روایتست
که پرسید عمار ساباطي از ابي عبد الله علیه السلم که زنان چکونه
سلام کنند هر کاه در ایند نزد مردمان انحضرت کفت که زن بکوید
علیکم السلم و مرد بکوید السلام علیکم و کفت ابو عبد الله که
امیر المؤمنین علی علیه السلم که مردي که موي وي بسیار است
شهوت او کم است و کفت محمد بن اسحق که ابو جعفر فرمود که آیا میداني
که از جهت چه کابین زنان چهار هزار درهم شده است کفتم نمیدانم کفت
بجهت آنکه ام حبیبه که دختر ابو سفیانست و در حبشه می بود چون حضرت
نکاح کرد او را نجاشی که حاکم حبشه بود چهار هزار درهم مهر او فرستاد

مرا

پیغمبر م

پس از پیغمبر است که مردمان کابین چهار هزار درهم میکنند اما اصل
کابین دوازده اوقیه است ونیم وهر اوقیه چهل درهم است وکفت کونی
که امیر المؤمنین علی علیه السلم میکذشت براهی دید که چهار پای را
بر چهارپای دیکر میکشند در میان راه انحضرت رو کردانید کسی
کفت چرا چنین کردی انحضرت کفت که سزاوار نیست که این کار بکنند
مکر در جائی که نه بیند مرد ونه زن وکفت امام جعفر صادق علیه
السلم انکسی که نظر کند بزنی وبر دارد چشم خود را ازان زن واسمان
نکاه کند یا انکه چشم خود را برهم نهد هنوز چشم باز نکرده باشد که
خدایتعالی نکاح کند با وحور عین ونیز کفت که نظر کردن اول مرتبه
بزنان ضرری ندارد ودر مرتبه دوم حرامست ودر مرتبه سیوم
موجب هلاکتست یعنی کناه عظیم دارد وکفت امام محمد باقر علیه
السلام که باکی نیست که نظر کند بموی مادر وخواهر ودختر خود ومنقولست
از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلم از پدران خود
علیهم السلام که کفت امیر المؤمنین که زن را ده عورتست هرکاه شوهر
کرد یک عورت او پوشیده شد وهرکاه مرد تمام عورتهای او پوشیده
شد ومنقولست از کتاب محاسن که کفت ابو عبد الله علیه السلام
که حضرت موسی کفت که بار خدایا کدام عمل فاضلتر است وبهتر نزد تو
حق تعالی فرمود که دوستی اطفال بدرستی که من فریده ام ایشانرا بر
وجهی که اعتقاد دارند بوحدانیت ویکانکی من پس اکر بمیرانم ایشانرا

میبرم

این دانم

میبرم بهشت برحمت خود ونیز منقولست از کتاب محاسن که کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بزرکترین کناهان سه است
وکشتن چهارپای ونه دادن کابین زن ومزد مزدور ومنقولست
از کتاب نوادر الحکمه که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
بسیار مکنید کابین زنانرا تا سبب دشمنی نشود وکفت ابو یعفور
که کفتم با امام جعفر صادق علیه السلام که میخواهم که نکاح کنم
زنی را وپدر ومادر من میخواهند که من دیکری را نکاح کنم انحضرت
کفت نکاح کن آن زن را که تو میخواهی وبکذار آن زن را که پدر و
مادر تو میخواهند وروایت کرده است امام جعفر صادق از
پدران خود علیهم السلم که کفت حضرت پیغمبر که هر زنی که بخشد
کابین خود را بشوهر خود پیش از انکه دخول کند بنویسد خدای
تعالی بعدد هر دینار برای او ثواب آزادی بنده کسی کفت یا
رسول الله چکونه است بخشیدن کابین بعد از دخول آن حضرت کفت
که بخشیدن کابین بعد از دخول دوستی والفت میباشد
وکفت حسین بن مختار که سلمان نکاح کرد زنی را که مالدار
بود پس درآمد بخانه آن زن دید دران فرشها انداخته اند کفت
که خانه شما حرم کعبه است که زینت داده اید ورا وکنیزی دیدکه انکشتری
در انکشت داشت کفت این کنیز از کیست کفتند از زن تست کفت
انکسی که کنیز داشته باشد ودخول نکند با و کنیز زنا کند کناه آن

پیش از انکه بمنی هم باو

وآن کنیزم

کنیز برانکس است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که
انکسی که کنیزي داشته باشد باید که چهل روز یکبار باوی جماع کند
کند ونیز کفت که وقتی مجامعت کند مرد بکنیز خود وبعد ازان
خواهد که مجامعت کند باکنیز دیکر باید که وضو بسازد ونیز
ونیز کفت که امیر المؤمنین علي علیه السلام فرمود که مکذارید
که شیر دهد زني بی عقل طفل شمارا بد رستی که شیر اثر میکند
در طبیعت آن طفل وکفت حضرت پیغمبر که مکذارید که زن
بي عقل شیر دهد فرزند شمارا بد رستی که پرورش مي یابد
بشیر ومنقولست از کتاب فردوس که کفت عمرو بن سلمه که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که خدا یتعالی
چهار ده بخش کرده است نه بخش را بزنان داده است ویک
بخش بمردان واکر چنین نمی بود نمی افتادند زنان در زیر مردان و
همچنانکه مي افتند چهار پایان ماده در زیر چهار پایان نر وکفت
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زنانرا در وقت
آبستن شدن تا زائیدن واز زائیدن تا از شیر باز کردن فرزند
ثوابیست برابر ثواب کسي که مهیا شده باشد براي جهاد کردن
در راه خداي تعالی واکر در میان ان بمیرند ایشانرا ثواب شهید
خواهد بود ونیز کفت که مخنثانرا رحم هست همچون رحم زنان و
لیکن رحم واژکونه است ونیز کفت که هرکاه زن زائید باید که

اول چیزیکه بخورد خرمای تر باشد واکر خرمای تر یافت نشود
خرمای خشك بخورد بدرستی که اکر چیزي بهتر از خرما مي بود خدای
تعالی انرا بمریم میداد و در وقتی که زائید عیسی را وکفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا فرمود که زنا مکنید
بدرستی که لذت نمی یابید از زنان خود وپرهیزکاري کنید تا
انکه پرهیزکاري کنند زنان شما بدرستی که فلان قوم مردان
ایشان زنا کردند پس زنان ایشان نیز زنا کردند وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که حلال نیست زنانرا خواب
کردن تا انکه عرض کند نفس خود را ببدن او وهرکاه چنین کرد عرض
کرد خود را بر شوهر خود وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
که هر مردي که جماع داده باشد حرام کردانیده است خدای تعالی
نشستن را بر دیباي بهشت یعنی ببهشت نخواهد رفت وکفت حضرت
پیغمبر که انکسی که ببوسد پسر را بشهوت خدا یتعالی در روز قیامت ...... بجامی از
آتش دوزخ در دهن او کند وکفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه
السلام که رغبت کند که از روي شهوت با او بازي کند خدای بدهد
باو شهوت زنان وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که خدا یتعالی
کردانیده است شهوت مومنانرا در پشت ایشان وشهوت کافرانرا در
دبر ایشان ونیز کفت که انکسی که نکاح کند دختر نیکه کار خود را
بکسی که شراب میخورد بدرستی که قطع خویشی کرده است میان

خود میان دختر خود و منقولست از کتاب فردوس که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که دوک در دست زن صالحه
همچون نیزه است در دست کسی که پیاده جهاد کند در راه خدا
تعالی و نیز گفت که بفرمائید زنان خود را که چرخ بریسند بدرستیکه
بهتر است ایشانرا و زینت میدهد و گفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود باید که هیچ کار نکنید شما تا آنکه مشورت
کنید بمردی و اگر مردی نیابید باید که مشورت کنید بزنی و آنچه
و آن زن بگوید خلاف آن بکنید بدرستی که در مخالفت کردن
بزنان برکتست و نیز آنحضرت فرمود که خوب مشغولیست چرخ
رشتن زن صالحه را و نیز فرمود که حضرت ابراهیم غیرت داشت
و غیرت من زیاده از واست و خدا تعالی خوار و ذلیل کرداند
مومنی را که غیرت ندارد و گفت امام محمد باقر علیه السلام
که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است بدرستی که زنان
هرگاه غیرت میکنند در غضب میشوند و هرگاه در غضب شدند
کافر میشوند مگر آنکه زنانی که مسلمان باشند و گفت جابر که
امام محمد باقر علیه السلام گفت بمن که خدا تعالی بزنان غیرت
نداد و غیرت را مخصوص مردان گردانید بجهت آنکه خدا تعالی حلال
گردانید چهار زن را و از کنیز آنچه مالک شوند و حلال نگردانید
بر زنان مگر یک شوهر پس اگر زنا فرمائی کند با شوهر خود اندری

نفی م

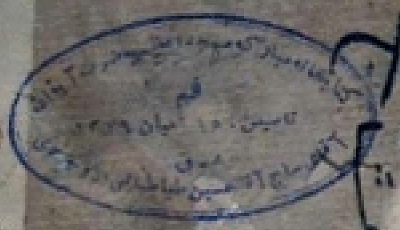
غیرت نزد خدا تعالی زنا کننده است و غیرت میدارند زنان
بدو نافرمائی میکنند شوهر خود را و اما زنان مومن غیرت
ندارند و نافرمائی نمیکنند و گفت محمد بن اسمعیل بن بزیع
که پرسیدم حضرت امام رضا را از روی پوشیدن زنان از مردانی
که خصی کرده باشند ایشانرا آنحضرت گفت که یکنوع امیر فشنده
نزد دختران ابوالحسن علیه السلام و ایشان روی خود را
نمی پوشیدند گفتم آن مردان آزاد بودند گفت نی گفتم اگر آزاد
باشند زنان روی خود را بپوشند گفت نی **باب نهم**
در بیان آداب سفر و آنچه متعلق بآن و درین باب منقولست
از کتاب من لا یحضر الفقیه و از کتاب مجموع که از مصنفات پدر
منست طول الله عمره **فصل اول** در بیان سفر کردن و اوقاتی
که سفر نیکوست و اوقاتی که سفر بد است گفت عمرو بن ابی
المقداد که ابو عبدالله فرمود که مذکور است در حکمت آل
داود که باید که عاقل سفر نکند مگر برای سه چیز برای توشه
راه آخرت و کارسازی معاش و لذت نفس در غیر حرام
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سفر کنید تا صحت
یابید و جهاد کنید تا غنیمت بگیرید و حج کنید تا غنی و مالدار
شوید و نیز گفت که سفر کنید بدرستی که اگر مالی حاصل نکنید
از سفر عقل شما کامل خواهد شد و گفت امیر المومنین علیه السلام

مردان م

از ایشان م

ولایت ام





این کتاب مکارم الا



بسم الله الرحمن الرحیم

...رواهر جود ... لی و نفایس لآلی فکر بیقیاس نثار بارگاه
...کم مکارم اخلاق عباد اثری از آثار فیض جود اوست و محاسن
...کمال خلایق شمه از لطف نامحدود و داد کریمی که نوع انسان را مخ...
...ت اتصاف بصفات حسنه و اکتساب اخلاق مستحسنه ساخ...
...تابعان نبوی روان حضرت رسالت پناه محمدی را بنوید قل ان
...[illegible] یحببکم الله بنواخت جلت آلاؤه و عمت
...و تحف تحیات نامیات بر سید کائنات
...لعلی خلق عظیم نکته ایست از کمال
...لاق بنده از جلال صفات او
...العالمین صدر نشین صفه
...اصطفا بدر علی

قدر ذلک المدیحه مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و عترته الطیبین
الطاهرین خصوصا امیر المؤمنین و امام المتقین سید الوصیین
و یعسوب الدین بحکم کتاب وصایت خاتمه صحیفه ولایت مظهر
غرایب و مظهر عجایب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات الله و
سلامه علیه [illegible] ضمایر صافیه ارباب بصیرت و بصایر [illegible]
زاکیه اصحاب فطنت پوشیده و مخفی نماند که تا سکان مناسک شریعت
...سالکان مسالک طریقت و حقیقت را بعد از اعتصام بحبل متین
قرآن مجید و فرقان حمید هیچ مستمسکی رفیعتر از اخبار حضرت
رسالت و وسیلتی منیع تر از آثار آن منبع جاه و جلالت نیست ...
حق سبحانه و تعالی در هر قرنی از قرون جماعتی از امت محمد را
... در این سعادت فائز گردانید که اقوال و افعال و اخلاق و جمیع
منسوبات آنحضرت را در سلک جمع و عقد ضبط کشیده تصانیف
متعدده در معرض ظهور جلوه داده اند از جمله کتاب مکارم الاخلاق
است که از بدایع مصنفات افضل المتقدمین و اکمل المتاخرین شیخ
الاسلام و المسلمین رضی الملة و الدین ابی نصر الحسن بن ابی علی
الفضل بن حسن الطبرسیست نور الله مرقده و برد مضجعه که مشتمل
است بر مکارم اخلاق و محاسن آداب آنحضرت و آنچه امتثال بآن امر
کرده اند و فی الواقع مثل آن کتابی درین باب مؤلف نشده و نزد
خواص و عوام دلپذیر است بلکه کافه انام را از دانستن آن ناگزیر

چون کتاب مذکور بلغت فصیح عربیه در سلک تألیف
وعقد تصنیف درآمده اکثر اهل فرس از استفاده واستفاضهٔ
آن محروم مند وعموم فایده آن معدوم در ایام سلطنت واعوام
خلافت حضرت شاه دین پناه ستاره [illegible] سپهر عزت
وجاه مسند نشین بارگاه السلطان اید ظل الله اختر برج
شهریاری دُر درج بختیاری صاحب سریر کشورگیر خلاصهٔ اولاد
سید البشر مجدد مذهب حق ائمهٔ اثنا عشر سلطان [illegible] قوان
سلیمان مکان گیتی ستان مالک رقاب الامم [illegible]
العرب والعجم [illegible] اساطین السلاطین فی الآفاق عمدة اعاظم
الخواقین بالارشاد والاستحقاق مروج الشریعة المطهرة المصطفویة
مبین الطریقة القویمة المرتضویة حافظ بلاد اسلام المسلمین معز
السلطنة والخلافة والسیادة والدین المؤید من عند الله الغازی
فی سبیل الله سلطان شاه طهماسب بن السلطان شاه اسمعیل الحسینی
ایده الله قوایم سریر السلطنة والخلافة بوجوده وایدا ارکان الابهة
والجلالة بفیض جوده اشارت بشارت ومثال بی مثال حضرت
نواب رفعت مریخ صولت مشتری طلعت خورشید منزلت دین پرور
عدالت گستر ممهد قواعد ایالت وبختیاری مشید مراسم عدالت
وکامکاری امیر الامراء وعون الضعفاء والفقراء مرجع الاکابر و
الاعالی ملجأ الافاضل والموالی مظهر الطاف حضرت اله مصداق

مقال تخلقوا باخلاق الله تسمر سمی نبی خان محمد کزو خراسان بود
رشک خلد برین ممالک مدار عدالت شعار پناه جهان بنده شاه
دین فقیر قلیل البضاعت وحقیر عدیم الاستطاعت نصیر الدین
محمد بن عبد الکریم الانصاری الاسترابادی غفر الله له ولوالدیه
بخاطر رسید که کتاب مذکور را بلغت فارسی ترجمه کند بنوعی که
عرایس ابکار مفهومات ومعانی از نقاب الفاظ وعبارات عربی
چهره نماید وپردهٔ خفاف اختفا از عارض ظهور ورخسار وضوح
[illegible] گردد وآنحضرت همچنانچه بنامی نامی واسم سامی حضرت
رسالت پناهی موسوم است بمکارم اخلاق ومحاسن اداب واوصاف
حمیدی را اکتساب فرموده بدان نیز متصف ومنعوت باشد وبمیامن
[illegible]لتش سایر امت محمد خواص وعوام عوام از خواص فضایل وعموم
فواید آن محظوظ وبهره مند گردند چند این کمینه را قدرت ارتکاب
این امر خطیر وقوت باین شغل کبیر نبود بحکم المامور ومعذور
ممتثلا للامر العالی استعانت از حضرت سید المرسلین وحضرات ائمه
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین استمداد نموده دران شروع
کرد واین ترجمه را محاسن الاداب نام نهاد ملتمس از مکارم اخلاق
ناظرین وناظرین مکارم الاخلاق انکه بنظر اصلاح دران دیده اگر بر
ذلل وقصوری مطلع شوند قلم عفو بران کشیده راقم را معذور دارند
مسؤل از حضرت ملک متعال انکه توفیق اتمام کرامت کند وحضرت

امیر و سایر مومنان را باین ترجمه منتفع و مستفیض گرداند و بگرداند
این ترجمه را ذخیره از برای مسترجم یوم لا ینفع مال و لا بنون انه
ولی ذلک وما توفیقی الا بالله وهو حسبی الله ونعم الوکیل

آغاز کتاب محاسن الآداب — بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنیم بنام خدای سزای پرستش نیک بخشنده بر خلق بوجود
و حیات بخشاینده بر ایشان ببقا و محافظت از آفات هر چنانکه از ازل
تا ابد موجود و معلوم بود و خواه بود و جمله سران خدای [illegible]
و موصوفست بهمه اسما و صفات کمال آن خدائی که یکیست بذات
و یگانه است بصفات بی نیاز است از همه و او است پناه و نیازمندان
و حاجتمندان نزاده کسی او را و زاده نشد از کسی و نیست و نبوده برای او
همتا و درود بر محمد که بنده و رسول برگزیده او است که فرستاد
او را بتمام آفریدگان مژده دهد مر مومنان و مطیعان را به بهشت
و رحمت خدای تعالی و بیم کند کان مر کافران و عاصیان را از دوزخ
و عقوبت او و خوانند مر بندگان را به پرستش خدای تعالی بفرمان
و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود او و بر اهل بیت او که پیشوایان راه
راست شد و بپیروی ایشان از ظلمت و تاریکی جهالت و ضلالت
نجات میتوان یافت همچنانکه در تاریکی و ظلمت شب بچراغ نور دهنده
راه بمقصود میتوان برد آنچنان اهل بیتی که خدای تعالی دور گردانیده است
از ایشان هر چیزی را که منکر و ناشایسته باشد و معصوم و پاک گردانیده

است ایشانرا از جمیع گناهان و سلام بر کسی باد که متابعت کرد راه
راست را اما بعد از حمد خدا صلوات بر رسول و آل او بدرستی که
حق سبحانه و تعالی چونکه [illegible] پیروی حضرت پیغمبر را کلید
خشنودی خود و [illegible] بوی بهشت چنانکه گفته است لقد کان لکم
فی رسول الله اسوة حسنة یعنی بدرستی که شما را رسول خدا پیشوای
نیکو است لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر یعنی هر کسی که امید میدارد
نعمت خدای تعالی و نعمتهای آخرت و گردانیده متابعت آنحضرت را
و پیروی کردن سنت او و آنچه از او روایت کنند سبب محبت و وسیله رحمت
خود چنانکه گفته است قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله
یعنی بگوی ای محمد اگر دوست میدارید شما خدای تعالی را متابعت کنید مرا تا دوست
دارد شما را خدای تعالی باعث شد این رستگاری عظیم بجمع کردن این کتاب
که مشتمل باشد بر اخلاق کریمه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و آداب حسنه آنحضرت و آنچه امر فرموده است بآن امت را پس گفت آنحضرت
که انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق یعنی خدای تعالی مرا فرستاده است
به بندگان برای آنکه تمام گردانم مکارم اخلاق را که به پیغمبران دیگر
تمام نشده و جمع کردن کتاب مذکور بجهة آنست که دانستن هر چیز
مقدم است بر عمل کردن بآن چیز پس یافتم در کلام حضرت امیر المومنین
که مشتمل است بر حقیقت روش پیغمبران و آل بریدن و دور بودن
بتمامی از مردمان و متوجه شدن بخدای تعالی در حالت امید و ترس

وقطع نظر کردن از دنیا و زینتها و توجه کردن باحوال آخرت و امیر
المؤمنین علی علیه السلام خاص کردانیده است از میان پیغمبران پیغمبر ما
را بکمال این سیرت و روش و مبالغه و ترغیب کرده است ما را باقتدا
کردن بآنحضرت بعد از کلام طویل هر کسی را که دعوی دروغ میکرد که
امید میدارد بخدای بحق خدا که دروغ میکوید چیست حال او که ظاهر
نمیشود امید او در عمل او و هر که امید میدارد از خدای تعالی بهشت را
و کناه میکند پس امید او در عمل او ظاهر نمیشود و هر ترسی که هست
محقق و معلوم است مکر ترس از خدای تعالی بدرستی که این معلوم
نیست که زیرا که اکر ترس بنده از خدا یتعالی محقق میبود مرتکب معاصی
نمیشد امید میدارد بنده از خدا یتعالی امر بزرک که آن بهشت است
و نعمتهای آخرت و امید میدارد از بندکان چیزی بی اعتبار که آن
امور دنیویست و با وجود این صرف میکند بسیاری از مال خود [illegible]
خدمت میکند بنده را تا آنکه بمطلوب خود برسد و عبادت نمیکند
پروردکار را و تصدق نمیکند اندکی از مال خود تا آنکه بمطلوب بزرک
خود برسد پس چیست حال خدا یتعالی جل و ثناءه که تقصیر کرده میشود
بآو از آنچه کرده میشود بر بندکان او آیا می ترسی که باشی در امید داشتن
خود از خدای تعالی کاذب و دروغ کوی یا نمیدانی خدا یتعالی را محل
امید و همچنین کسی اکر ترسد از بنده از بندکان خدا یتعالی میدهد باو
از ترس خود آن چیزی که نمیدهد پروردکار خود را پس ترسیدن

آنکس از بندکان ظاهر میشود و ترسیدن او از آفریننده ایشان ظاهر
نمیشود و همچنین هر که دنیا در چشم او بزرکست و واقعی دارد در دل
اختیار میکند و بر میکزیند دنیا را بر خدای تعالی و متوجه دنیا میشود
و میکردد بندهٔ دنیا و بدرستی که رسول خدای تعالی کافیست مر ترا
در مقتدا بودن و دلیلست مر ترا در مذمت دنیا و عیب او و بسیاری
رسوائیها و بدیهای او زیرا که آنحضرت متوجه دنیا و زینتهای او نشد
و حق تعالی دنیا و آرایشهای او را بآنحضرت نداد و بغیر آنحضرت داد
و اکر خواهی بکویم بعضی از حالات حضرت موسی کلیم الله چون کفتند
رَبِّ اِنّی لِما اَنزَلتَ اِلَیَّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ یعنی پروردکارا بدرستی آنچه فرو
فرستادی بمن محتاجم بآن بحق خدا که طلب نکرد حضرت موسی از خدا یتعالی
چیزی مکر نانی که بخورد و سبزی کیاه مینمود از تنکی پوست شکم
مبارکش بجهة لاغری و کم کوشتی و اکر خواهی شمهٔ از احوال حضرت
داود بیان کنم بدرستی که زنبیل می بافت از برک خرما بدست خود
و میکفت بهمنشینان و مصاحبان خود که آیا کدام یک از شما میفروشد
این زنبیل را از برای من و میخورد قرص جو از بهای آن اکر خواهی بکویم
از حال عیسی بدرستی که سنک را بالین خود ساخته و جامهٔ درشت میپوشید
و نان خورش او کرسنکی بود و چراغ او بشب ماه بود و سایه و پناه او و میوه
و ریحان او آنچه از زمین میروئید از برای حیوانات و نبود او را زنی
که در فتنه اندازد او را و نه فرزندی که اندوهکین کند او را و نه [illegible]

که مشغول کرداند اورا و بنظر طمعی که حقیر کند او را مرکب او هر دو پای
او بود و خدمتکار او هر دو دستهای او پس اقتدا کن به پیغمبر خود که
او پیشواست هر کسی را که پیروی او کند و دوستترین بندکان نزد خدای
تعالی کسی است که پیروی پیغمبر خود کند و اقتدا کند و متابعت نماید
سنت او را و آنچه از او روایت کنند و آنحضرت رغبت نکرد بدنیا و
نظر نکرد بدنیا و خالی و تهی بود از دنیا و کرسنه ترین اهل دنیا بود شکم
عرض کرده شد دنیا برو و قبول نکرد دانست که خدای تعالی دشمن و حقیر
و صغیر داشت دنیا را پس او نیز دشمن داشت دنیا را اعتبار نکرد و
و متوجه او نشد و اکر نبودی در ما هیچ کناهی مکر دوست داشتن چیزی را که
دشمن داشت خدای تعالی آنرا و تعظیم کردن و بزرک داشتن ما
چیزیرا که دشمن داشت خدای تعالی اعتبار نکرد آنرا هر آینه همین
بس میبود در مخالفت کردن بخدای تعالی خلاف فرمان و امر او کرده
بدرستی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم طعام میخورد
بر زمین بی سفره و بی خوان و می نشست همچو نشستن بندکان و میدوخت
بدست خود نعلین خود را و پیوند میکرد بدست مبارک خود جامه خود را
و بر دراز کوش برهنه سوار میشد و کاهی ردیف خود میساخت
کسی را بود پرده بر در خانه آنحضرت و در ان پرده صورتها بود آنحضرت
کفت بیکی از زنان خود که ای فلانه دور کن این پرده را از پیش چشم
من بدرستی که چون نظر میکنم درین پرده بیاد می آید مرا دنیا و آرایشهای

او پس آنحضرت اعراض کرد از دنیا بدل خود و دور کرد یاد دنیا را
از نفس خود و دوست داشت که غایب باشد زینت دنیا از چشم او تا متوجه
دنیا و زینتهای او نشود و اعتقاد نکند دنیا را سرای قرار پس بیرون
کرد دنیا و زینتهای او را از نفس خود و غایب کردانید او را از چشم
خود و همچنین هر که دشمن میدارد چیزیرا دشمن میدارد نظر
کردن و یاد کردن آن چیز را و بدرستی که رسول خداست دلالت
کننده و راه نماینده است ترا بر بدیها و عیبهای دنیا زیرا که کرسنه بود
در دنیا با خاصان خود و باز کرفته شد از و آرایشها و زینتهای دنیا
با وجود بسیاری قرب و منزلت او بخدای تعالی پس باید که فکر کند عاقل
که خدای تعالی اکرام کرد محمد را باین که نداد دنیا و زینتهای دنیا را باو
یا اهانت کرد و حقیر داشت او را پس اکر کوید که اهانت کرد بحق خدای
که دروغ کفته باشد و اکر کوید که اکرام کرد محمد را پس باید که بداند
که خدای تعالی اهانت کرد و حقیر داشت غیر او را زیرا که بکسترانید دنیا را
از برای غیر او و دور کردانید او را از نزدیکترین مردمان بخود
پس باید که اقتدا و پیروی کند اقتدا کننده به پیغمبر خود و متابعت
نماید اثر او را و اکر پیروی نکند پیغمبر خود را ایمن نباشد از هلاکت
بدرستی که خدای تعالی کردانیده است محمد صلی الله علیه و آله را نشان
و علامت قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمان است و بعد از و پیغمبری
نخواهد بود که به پیروی او ایمن باشد از هلاکت و آنحضرت صلی الله

علیه وآله بشارت دهنده است به بهشت وبیم کننده است بعقو
وباوجود این علو مرتبه از دنیا کرسنه رفت ورسید باخرت
وبیعیب ونهاد سنکی بالای سنکی وخانه ومنزل وعمارت بنا نکرد
تا آنکه از دنیا برفت واجابت کرد خواننده پروردکار خود را پس
خدایتعالی را چه منت عظیم است برما که انعام کرد بما بپیشوا وپیغ
چون محمد که متابعت وپیروی او کنیم وحضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلام میفرماید که بحق خدایی که چندان پیوند کردم
خود را که شرم داشتم از پیوند کننده آن کفت مرا کسی که چرا نمی
این جامه را کفتم باو که دور شو از من بدرستی که صباح ستایش
میکنند قوم شب رفتن را ومعنی این سخن ظاهر است که اکثر شب رفتن
مشقت تمام دارد ودر هنکام رفتن ستایش نمیکنند اما صباح
که بمنزل رسیدن ستایش شب رفتن را میکنند همچنین انکه حضرت امیر
المؤمنین ع میکرد از پیوند کردن بجامه اکرچه در دنیا مشقتی دارد
ستایش نمیکنند آنرا اما چون بمنزل اخرت برسند ستایش خواهند
کرد وخواهند کفت کاشکی ما هم این عمل میکردیم تا الحال فراغت
میداشتیم پس این خطبه که روایت کرده شد از امیر المؤمنین ع
کافیست بطریق اجماع در مقصود ما که پیروی کردن حضرت
صلی الله علیه وآله سبب نجاتست وما ذکر میکنیم بتفصیل بکار
اخلاق را که مخصوص آنحضرت است در جمیع احوال واعمال او ونش

وبرخواستن وسفر وحضر وخوردن وآشامیدن وجمیع آنچه روایت
کرده شده است از آنحضرت وحضرات ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین در احوال مردمان بر سبیل عموم وسوال میکنم
از خدایتعالی که توفیق کرامت کند در تمام شدن این کتاب بدرستی
که حق سبحانه وتعالی بر هرچه میخواهد قادر است وآسان کردانیدن
دشوار بر و سهل وآسانست وکردانیدم این کتاب را دوازده باب
فهرست بابها باب اول در صفات ظاهری وباطنی
آنحضرت رسالت پناهی صلی الله علیه واله وسلم وباقی حالات آنحضرت
ودرین باب پنج فصلست فصل اول در صفات ظاهری
وباطنی آنحضرت وروش آنحضرت با همنشینان فصل دوم
در بیان بعضی از حالات واخلاق آنحضرت منقولست از کتاب شرف
النبی وغیر آن فصل سیوم در صفت اخلاق آنحضرت در طعام
خوردن فصل چهارم در صفت اخلاق آنحضرت در آشامیدن
فصل پنجم در بیان مجملی در باقی احوال آنحضرت باب دوم
در آداب پاک کردانیدن بدن ولباس وبوی خوش بکار بردن وسرمه
کشیدن وروغن مالیدن ومسواک کردن ودرین باب سه فصل
است فصل اول در آداب پاک کردانیدن بدن ولباس وبوی
خوش بکار بردن ومانند آن فصل دوم در سرمه کشیدن
وروغن مالیدن فصل سیوم در مسواک کردن باب سیوم

باب سیم در آداب حمام رفتن و آنچه متعلق است بآن
و درین باب شش فصل است فصل اول در کیفیت درآمدن بحمام
فصل دوم در پوشیدن عورت در حمام فصل سیم
در مالیدن خشت و روغن زیتون و آرد و غیرآن در بدن فصل
چهارم در تراشیدن سر و موی زهار و زیر بغل فصل پنجم
در شستن سر بخطمی و سدر فصل ششم در نوره مالیدن باب
چهارم در آداب ناخن گرفتن و شارب گرفتن و سر شانه کردن و
و نظر در آینه کردن و حجامت کردن و درین باب چهار فصل است
فصل اول در ناخن گرفتن فصل دوم در شارب گرفتن و گرد ساختن
محاسن و نظر در آینه کردن و آنچه متعلق است بآن فصل سیم
در شانه کردن و آنچه متعلق است بآن فصل چهارم در حجامت کردن
باب پنجم در آداب رنگ کردن محاسن و زینت کردن و آنچه
متعلق است بآنها و درین باب شش فصل است فصل اول
در فضیلت و ثواب رنگ کردن محاسن و ترغیب کردن در آن فصل دوم
در سیاه کردن محاسن و غیرآن فصل سیم در رنگ کردن محاسن
و غیرآن و رنگ دست زنان را فصل چهارم در کراهیت رنگ کردن
جنب و حایض و در کراهیت پیوند کردن موی زنان را فصل پنجم
در انگشتری و آنچه متعلق است بآن فصل ششم در زینت کردن
زنان بزیور و آنچه بر سر دست میکنند از طلا آلات و غیرآن باب ششم

در آداب لباس و منزل و آنچه متعلق است بآن هردو و درین باب ده
فصل است فصل اول در تجمل در لباس و کیفیت پوشیدن آن
فصل دوم در بلند گرفتن جامه از زمین و پاک کردن آن فصل سیم
در پوشیدن انواع لباس و اختلاف رنگهای آن فصل چهارم
در پوشیدن جامه ابریشمی و ردا و ازار و غیرآن فصل پنجم
در تکبر کردن بجهت پوشیدن لباس و تواضع و فروتنی نمودن فصل ششم
در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در لباس فصل هفتم
در عمامه و طاقیه و غیرآن فصل هشتم در پوشیدن موزه و نعلین
فصل نهم در خانه و منزل و آنچه جایز است از آن و آنچه متعلق است
فصل دهم
بآن در زینت کردن خانه و متاع خانه و فرشها و فروتنی در آنها باب هفتم
در آداب چیز خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن هردو و درین
باب سیزده فصل است فصل اول در فضیلت و ثواب طعام دادن
و نیکوئی کردن و روزه سنت داشتن فصل دوم در آداب دست
شستن فصل سیم در آداب طعام خوردن و آنچه متعلق است بآن
فصل چهارم در آداب آشامیدن و آنچه متعلق است بآن فصل پنجم
در آداب خلال کردن فصل ششم در فضیلت نان فصل هفتم
در نفع آبها فصل هشتم در گوشتها و آنچه متعلق است بآن فصل نهم
در شیرینیها فصل دهم در میوها فصل یازدهم در سبزیها
فصل دوازدهم دوازدهم در حبوبات فصل سیزدهم در طعامهای

نادر باب هشتم در آداب نکاح وانچه متعلق است بان و درین باب
ده فصلست فصل اول در رغبت کردن بنکاح و زن مبارک و شوم
فصل دوم در اصناف زنان و اخلاق ایشان فصل سیوم
در مناسبت زن و شوهر بایکدیگر و نکتهٔ چند در نکاح فصل چهارم
در آداب زنان و مباشرت کردن وغیر آن فصل پنجم در حق شوهر
بر زن و زن بر شوهر فصل ششم در فرزندان وانچه متعلق است
بایشان فصل هفتم در عقیقه وانچه متعلق است بآن فصل هشتم
در ختنه کردن وانچه متعلق است بان فصل نهم در خصلتهای بد
که متعلق است بزنان فصل دهم در چیزهای نادر که متعلق است
بنکاح باب نهم در آداب سفر وانچه متعلق است بآن و درین باب
هشت فصل است فصل اول در سفر و در بیان اوقاتی که سفر
کردن خوبست و اوقاتی که سفر کردن بد است فصل دوم در افتتاح
کردن سفر بصدقه وغیر آن فصل سیوم در بیانی که آنچه سنت است
بجای آوردن آن نزد بیرون رفتن فصل چهارم در اخلاق نیکو
در سفر فصل پنجم در نگاه داشتن متاع خود در سفر و استغ
کردن و حاجت طلبیدن فصل ششم در آداب راه رفتن و کراهت
تنهائی در سفر و دعاهای که در سفر باید خواند فصل هفتم
در رعایت کردن مرکب و حق او بر صاحب فصل هشتم در چیزهای
نادر که در سفر میباشد باب دهم در آداب دعاها وانچه

متعلق است بآن و درین باب پنج فصل است فصل اول در فضیلت
دعا و کیفیت آن فصل دوم در بیان دعاهای که اختیار کرده
شده است در روز و شب فصل سیوم در ذکر حق تعالی و صلوة
بر نبی و آل او و استغفار و گریه کردن فصل چهارم در نمازهای
[illegible] فصل پنجم در دعاهای نادر باب یازدهم در آداب مریض
او وانچه متعلق است بآن هر دو و درین باب پنج فصل است
[illegible]ول در آداب مریض و عیادت و علاج او فصل دوم
[illegible]ردن بقران از برای جمیع مرضها فصل سیوم
[illegible] کردن بصدقه و دعا و نماز از برای جمیع مرضها
فصل چهارم در افسونها و تعویذها از برای تمام مرضها فصل پنجم
در بیان حرزها که لایق است باین کتاب باب دوازدهم در چیزهای
نادر که درین کتاب است و درین باب هفت فصل است فصل اول
در ذکر حقوقی که حضرت امام زین العابدین ذکر کرده است
فصل دوم در ذکر بعضی چیزهای که نهی فرموده است حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم ازان فصل سیوم در وصیت
حضرت پیغمبر امیر المؤمنین علی علیه السلم را فصل چهارم
در پند دادن رسول خدا صلی الله علیه واله ابن مسعود رضی الله
عنه را فصل پنجم در وصیت رسول خدا صلی الله علیه واله
ابوذر غفاری رضی الله عنه را فصل ششم در اختیارات

روو [illegible] منقول از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فصل
در ختم کتاب [illegible] امیر المؤمنین علی باب اول در صفات
ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر و [illegible] و درین باب
پنج فصلست فصل اول در صفات ظاهری و باطنی حضرت
صلی الله علیه وآله و روش آنحضرت با همنشینان روایت کرده
است محمد بن ابراهیم بن اسحق الطالقانی در کتاب خود از جماعتی
معتمد و راست گوید و ایشان روایت کرده اند که گفت
امام حسن علیه السلام که پرسیدم خال خود هند
از صورت و شکل حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و خال
من مردی بود نیکو وصف کننده و من آرزو داشتم که صفت کند
برای من بعضی از حلیهٔ آنحضرت را که بدانم و حفظ کنم آنرا پس گفت
خال من که بود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم عظیم و بزرگ
در دلها و چشمها روی مبارکش میدرخشید همچون درخشیدن
ماه بشب چهارده و آنحضرت درازتر از میان بالا و کوتاه تر از
بلند بالا بود و سر مبارکش بزرگ و مویش نه جعد بود و نه
کشیده وقتی که موی سر آنحضرت بخود دو بخش میشد میگذاشت
بهمان طریق و درین حال درمیگذشت بهمان طریق و درین حال
درمیگذشت از نرمهٔ گوش و اگر بخود دو بخش نمیشد و آنحضرت
جمع میکرد و درهم می پیچید او را درنمیگذشت از نرمهٔ گوش زلف

بدن مبارکش درخشنده و نورانی بود پیشانی مبارکش پهن
بود و ابروانش باریک و خمدار و تمام و کشیده بود و پیوسته
نبود درمیان دو ابرو رگی داشت که در وقت غضب پر میشد
بینی آنحضرت کشیده و بلند بود و طرف بینی که نزدیک با بروست
باریک بود که کسی فکر و تأمل نمیکرد دران گمان میبرد که پشت بینی
مبارکش بلند است محاسن آنحضرت انبوه بود و روی انورش ممدود
سیاه چشمش سخت سیاه و سفیدی بغایت سفید بود دهانش فراخ
و دندانهایش سفید و آبدار و کشاده بود از سینه تا شکم آنحضرت
خطی باریک از موی کشیده بود و گردنش گویا گردن صورتی از
نقرهٔ خام ریخته درخشنده و سفید در غایت اعتدال و نهایت
در حسن و جمال اعضایش معتدل و متناسب و بزرگ و درهم
بسته بود سینه و شکم اش هم راست بود و سینهٔ بیکینه اش پهن
بود دوشهایش از هم دور بود و استخوانش بزرگ بود هرگاه آنحضرت
برهنه شدی بدنش سفید و نورانی بود از سر سینه تا نافش
خط باریک از موی کشیده بود سینه و شکمش موی نداشت
غیر موی باریک دستهایش از مرفق تا سر دست و دوشها و بالا
نه اش موی بسیار داشت استخوان سر دست آن حق پرست دراز
بود و کف دست فیاض اش کشاده و استخوان بازویش دراز بود
و دستها و پاهایش پر گوشت بود و انگشتان هایش دراز بود و ...

قدمش برداشته بود بوجهی که درحالت که راه رفتی بزمین ...

پشت پایش نرم وهموار بودي بحیثيتي که زود ازانجا درمي کذشتی

ودرحالت راه رفتن پاهارا درست از زمین برداشتي ومیل بپیش

کردي وقدمهارا برزمین نهادي برفتي ونرمي وازیکدیکر دور

نهادي وتند رفتي کویاکه از بالا بر شیب آمدي وهرکاه متوجه

شدي بتمام بدن خود متوجه شدي چشم خودرا خوابانیدي و ...

باطراف وجوانب نشدي نظر در زمین بیش فرمودي که در آسمان

نظر در چیزها در کوشه چشم کردی درحالت رفتن پیش داشتی

اصحابرا وخود در عقب ایشان رفتي وپیش کرفتي سلام کسیرا که

ملاقات کردي حضرت امام حسن علیه السلم فرمود که کفتم هند

بن ابي خاله راکه صفت کن ازبراي من سخن کردن حضرت پیغمبر

کفت هند بن ابي خاله که بود رسول خدا صلی الله علیه واله هزین

واندوهناك بجهت امت دایم الفکر در امور آخرت ونبود مراورا

جهت طاعت وعبادت بغیر حاجت سخن بسیار نکفتی بیشتر اوقات

خاموش بودي افتتاح سخن وختم آن بکوشه لب کردی تکلم کردی

بکلامي که لفظ اندك ومعنی بسیار داشت سخن را چنان روشن کفتی

که حاضران همه میدانستند که آنحضرت چه میکوید زیادتی ونقصان

در سخن آنحضرت نبود وخوشخلق بود وجفا کنندن واهانت کننده

بزرك داشت نعمت را اکرچه اندك بودي ومذمت ... هیچ ...

وعیب نکردی ومدح نکفتی مزه هیچ خوردني را درغضب ناوردي

آنحضرت را امور دنیوي پس هرکاه کسی بکسی ظلم کردي آنحضرت

درغضب شدي بوجهی که هیچ کس آنحضرت را نشناختی وهیچ چیز تسکین

ندادي غضب آنحضرت را تا انکه انتقام کشیدي از ظالم واز براي نفس

خود درغضب نشدي وانتقام نکشیدی وقتی که اشارت کردي

بچیزي باتمام دست خود اشارت کردي وکاهی که تعجب کردي دست

خودرا کردانیدی وقت سخن کردن اشارت بدست خود کردي پس

باطن انکشت بزرك دست چپ را برکف دست راست زدي وقتی که

درغضب شدي اعراض نمودي وروي کردانیدي ومبالغه کردي

چشم خود

درغضب وکاهی که فرح داشتی خوابانیدي بیشتر خنده آنحضرت تبسم

بود ودرین حالت ظاهر شدي دندانهاي آنحضرت مثل ژاله در

سفیدي وصفا کفت حضرت امام حسن علیه السلم که پوشیده داشتم

این اوصاف را از امام حسین علیه السلم زماني وبعد از ان کفتم با امام

حسین علیه السلم پس یافتم او را که پیش از من پرسیده بود این او

صافرا

از هند بن ابي هاله وپرسیده بود از پدر خود صلوات الله علیه

واله از کیفیت بودن حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله درخانه خود

بیرون خانه وازنشستن وشکل آنحضرت درحالت نشستن وهیچ

چیز ازینها فروکذاشت نکرده بود وکفت حسین بن علي ع که پرسیدم

از پدر خود که حضرت پیغمبر وقتی که درخانه میرفت چکار میکرد

گفت امیر المؤمنین علی ع که هرگاه حضرت صلی الله علیه واله وسلم
بمنزل خود رفتی اوقات خود را بر سه قسم ساختی قسمی بطاعت خدای
تعالی صرف کردی وقسمی بمعاشرت اهل خود پرداختی وقسمی مهمات
خاصه خود ساختی وانقسم که تعلق بنفس آنحضرت داشت قسمت کردی
میان خود ومیان مردمان پس خاص وعام نزد آنحضرت صلی الله
علیه واله وسلم می آمدند وفایده میگرفتند وپنهان نداشتی از ایشان
هیچ چیز را وبود از سیرت آنحضرت که اختیار کردی اهل فضل را ودر
اذن دادن بمنزل خود وفایده رسانیدی بایشان بقدر فضل ودانش
ایشان در دین پس بعضی از ایشان یک حاجت داشتی وبعضی دو حاجت
وبعضی حاجتها پس آنحضرت مشغول شدی بایشان ومشغول ساختی
ایشانرا در ان چیز که صلاح ایشان وامت در ان بود وسوال کردی از ایشان
واخبار کردی ایشانرا بچیزی که لایق وسزاوار بود مر ایشانرا ومیفرمود
آنحضرت هرکسی را که حاضر است در مجلس من آنچه میشنود باید که بغایب
برساند ومیفرمود که برسانید بمن حاجت آنکس را که استطاعت
وقدرت ندارد که برساند بمن حاجت خود را بدرستی که آنکس که
برساند بسلطانی حاجت کسی را که استطاعت وقدرت ندارد که
برساند حاجت خود را بسلطانی ثابت ومحکم کرداند خدای تعالی قدمهای
او را در روز قیامت بر پل صراط ذکر کرده نمیشد نزد آنحضرت مگر
حاجت آنکسی که استطاعت رسانیدن حاجت خود میکردند بآنحضرت

نداشت وقبول نمیکرد آنحضرت از کسی غیر آنرا می آمدند مردمان
نزد آنحضرت وطلب حاجت خود میکردند وبیرون نمیرفتند مگر
آنکه بمطلوب خود میرسیدند وعلم ودانش اقتباس میکردند از انوار
نبوت وبیرون میرفتند راه نما ودانا گفت حضرت امام حسین ع
که پرسیدم از پدر خود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
در حالتی که بیرون بود از خانه چکار میکرد حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام گفت رسول خدا نگاه میداشت زبان خود را مگر در
چیزیکه ضرورت داشتی امت را بیکدیگر الفت دادی ومصاحبت
وموانست فرمودی وایشانرا از یکدیگر متفرق نساختی واکرام و
تعظیم کردی بزرگ هر قوم را واو را والی ساختی بر ایشان وترسانیدی
از عذاب خدای تعالی وخود را نگاه داشتی از ایشان بی آنکه روی
خود را در هم کشد وکج خلقی نماید وچون یکی از اصحاب غایب بودی
پرسش وجست وجوی او نمودی وپرسیدی که احوال مردمان از
مردمان پس نیک را نیک داشتی وتقویت فرمودی وبد را بد داشتی
وبی اعتبار گذاشتی احوال آنحضرت صلی الله علیه واله وسلم مختلف
نبود بلکه بر یک منوال ودر حد اعتدال بود غافل نشدی از اصلاح
مردمان از ترس آنکه ایشان غافل شوند یا میل کنند وبکردند از
حق تعالی در هر حال اسباب جمیع عبادات نزد آنحضرت مهیا بود
تقصیر نکردی ودر نگذشتی از حق انتهای که نزدیک آنحضرت بودند

بهترین امت بودند و فاضلترین مردمان نزد آنحضرت آنکسانی
بودند که مواسات و معاونت ایشان مومنانرا بهتر بود گفت حضرت
امام حسین علیه السلام که پرسیدم پدر خود را از کیفیت نشستن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم امیر المومنین علیه السلام گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ننشستی و برنخواستی مگر بذکر
خدای تعالی و وطن نساختی جارا و نهی فرمودی امت را از وطن ساختن
جاها و چون پرسیدی بقومی بنشستی جای که مجلس با آنحضرت
منتهی گشتی و امر فرمود امت را باین و ادی هریک از همنشینان
خود را آنچه درخور او بودی گمان نبردی همنشین آنحضرت نشستی
بایستادی بجهة حاجت آنحضرت صبر کردی تا آنکس برفتی و آنکسی که
طلب حاجتی کردی از آنحضرت حاجت او را برآوردی یا جوابی از
روی رفق و مرحمت گفتی لطف و مرحمت آنحضرت بهمه مردمان
بنوعی بود که گویا پدر ایشان بود و همه مردمان در حق نزد آنحضرت
یکسان بودند مجلس مجلس حیا و علم و صبر و امانت بود در مجلس
آنحضرت آواز بلند شدی و ظاهر نشدی در مجلس شریفش چیزی
حرام و اگر از کسی در مجلس آنحضرت امر ناخوش واقع شدی در جای
دیگر مذکور نشدی و شایع نگشتی اهل مجلس آنحضرت رعایت تعادل
میکردند و با یکدیگر موافق بودند و تفضل ایشان بر یکدیگر در مجلس
آنحضرت بتقوی بودند بچیز دیگر و با یکدیگر تواضع و فروتنی مینمودند

تعظیم میکردند در مجلس شریفش پیرانرا و ترحم برخوردان میکردند
و اختیار میکردند حاجت را و محافظت و رعایت احوال غریبان
میکردند گفت حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم از پدر خود که چگونه
بود سیرت و روش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
با همنشینان امیر المومنین علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی
دایم گشاده رو بودند و خوش خلق و ملایم بود درشت خو و بلند
آواز و دشنام دهنده و عیب کننده و مدح کننده نبود تغافل کردی
از آنچه نخواستی و نا امید نساختی کسی را از آنچیز و آنحضرت سه چیز را
ترک کرده بود و دور داشته بود از نفس خود جدل کردن و بسیار
گفتن و آنچیز را که نخواستی و ترک کرده بود نسبت بمردمان سه چیز را
مذمت هیچکس را سرزنش نکردی و ظاهر نکردی عیب کسی را و آنحضرت
سخن نگفتی مگر در چیزیکه امید ثواب داشتی وقتی که آنحضرت سخن
گفتی اهل مجلس خاموش میشدند و سر خود را در پیش می افکندند
که گویا بر سر ایشان مرغان نشسته اند و گاهی که آنحضرت خاموش
شدی اهل مجلس سخن میگفتند و نزاع و جدل در سخن نمیکردند
چون کسی نزد آنحضرت سخن کردی اهل مجلس تمام خاموش میشدند
تا آن کس از سخن فارغ شدی سخن ایشان نزد آنحضرت مثل سخن اول
ایشان بود یعنی آنحضرت در آخر مجلس نیز گوش بسخنان ایشان میکرد ملول
نمیشد همچنانکه در اول مجلس خنده کردی از آنچه اهل مجلس میخندیدند

وتعجب نمودي از ایشان اینچه تعجب مینمودند وازغرایب جفاکه بآن
حضرت رسیدي بجهة سخن کردن وچیزي پرسیدن صبر فرمودي
تا انکه اصحاب انکس وا از مجلس آنحضرت بیرون میبردند و
آنحضرت میکفت باصحاب خود که بر بیند کسی را که طلب حاجتی
کند یاري کنید او را وسعی نمائید در برآوردن حاجت او وقبول
نمودي ستایش را که زیاده از مرتبه آنحضرت بودي بلکه ثنائی
که درخور ولایق آنحضرت بودي قبول نمودي وقطع نکردي سخن
کسی را مکر انکه ازحد درکذشتی پس منع کردي آن کس را از سخن کردن
یا از مجلس برخواستن کفت حضرت امام حسین علیه السّلم که پرسید
پدر خود را که کیفیت خاموشی حضرت پیغمبر صلّی الله علیه واله و
اله وسلم امیر المؤمنین علی علیه السّلم کفت که در خاموشی جهاد
فائده بود حلم وعذر وتفکر وتقدیر اما تقدیر آن بود که هر کس
برابر نظر کردي وسخنان همه کس را برابر استماع نمودي اما فکر کردن
آنحضرت درچیزی بود که میماند که آن امور آخرت وعلوم است
ودرچیزي که فانی میشود که آن بعضی امور ضروري دینویست
وجمع شده بود دران حضرت حلم وصبر پس در غضب نیاوردي
وسبك نکردانیدي آنحضرت را هیچ چیز وجمع شده بود وآنحضرت را
حذر در چهار چیز فرا کرفتن چیزهاي نیکو تا مردمان اقتدا کنند
بآنحضرت وترك کردن چیزهاي قبیح تا دیکران باز ایستند از انها

وجهد کردن وفکر کردن درچیزیکه بصلاح آورد امت را وسعي
کردن درچیزهاي دنیا وآخرت امت **فصل اول** در بیان بعضي
از احوال وصفات معنوی حضرت رسالت پناهي منقول از کتاب
شرف النبي وغیر آن **در بیان** تواضع وحیاي حضرت پیغمبر صلّی الله
علیه واله روایت است از انس مالك که کفت که رسول خدا پرسش
میکرد بیماران را واز عقب آن جنازه میرفت واکر مملوك آن حضرت را
بطعامی میطلبید قبول میکرد وبر درازکوش سوار میشد ودر
روز جنك حنین که باکفار بنی قریظه وبني النضیر جنك میکرد وبر
درازکوش سوار بود که افسار وپالان آن از لیف خرما بود وهم
روایتست از انس مالك که کفت هیچ شخص نزد اصحاب رسول اکرم
دوست تر نبوده از رسول صلّی الله علیه واله وسلم چون میدیدند
آنحضرت را برنمیخواستند بتعظیم آنحضرت بجهة انکه میدانستند که
آنحضرت را بد می آید روایتست از ابن عباس که کفت که رسول
خدا صلّی الله علیه واله وسلم بر زمین مي نشست وبر زمین چیزي
میخورد وخود علف میداد کوسفندانرا روایتست از انس مالك که کفت
که حضرت پیغمبر کذشت بر جماعت کودکان وبرایشان سلام کرد
وحال انکه بشتاب میرفت وروایتست از اسماء بنت یزید که کفت
که حضرت پیغمبر کذشت بر جماعتی زنان وسلام کرد برایشان و
روایتست از ابن مسعود که کفت که آمد مردي نزد آنحضرت و

سخن گفت بآن حضرت واز هیبت آنحضرت بلرزه درآمد آنحضرت
گفت بآن مرد که مترس که من بادشاهی نیستم پس من زنی ام که گوشت
قاق میخورد و روایتست از ابی ذر غفاری که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه واله درمیان اصحاب می نشست و غریبی که می آمد
نمیدانست که آن حضرت کدامست تا انکه میپرسید التماس کردیم
از انحضرت که بسازد برای خود جائی که اگر بیاید غریبی بنزد آنحضرت
بشناسد انحضرت را پس قبول فرمود و بنا کردیم صفه از گل و آنحضرت
بر انجا می نشست و ما بر دو جانب او می نشستیم روایتست که پرسیده
از عایشه که حضرت پیغمبر چکار میکرد و در خانهٔ خود تنها چون می بود
عایشه گفت که میدوخت جامه و نعلین خود را و میکرد انچه میکنند
مردان با اهل خانه و هم روایتست از عایشه که گفت که دوسترین
کارها نزد آنحضرت چیزی دوختن بود و منقولست از کتاب نبوت
که گفت ابو عبدالله که گذشت بحضرت پیغمبر زنی بیشرمی و آنحضرت
نشسته بود و طعام میخورد آن زن گفت یا محمد تو چیز میخوری مثل خوردن
بندگان و می نشینی مانند نشستن ایشان آنحضرت فرمود وای بر تو
ای زن کدام بنده از من بنده تراست آن زن گفت یک لقمه ازان طعام
که میخوری بمن ده آنحضرت یک لقمه ازان طعام باو داد آن زن گفت
بحق آنخدائی که نمیخواهم مگر آن لقمه را که در دهان تواست آنحضرت لقمه
که در دهان داشت بیرون آورده بآن زن داد آن زن آن لقمه را

خورد و حضرت امام میفرماید که ببرکت آن لقمه صفت بیشرمی
ازان زن برطرف شد و هرگز بیشرمی نکرد تا از دنیا برفت و روایتست از
انس مالک که گفت که خدمت کردم حضرت پیغمبر را ده سال و در
هر کار که کردم هرگز نگفت آنحضرت بمن که چرا این کار کردی و
هرگز هیچ کاری مرا عیب نکرد و هم روایتست از انس مالک که گفت ده
سال با آنحضرت بودم و هر بوی خوش که در دنیا هست بوئیدم هیچ
بوی خوش مثل بوی آنحضرت نبود و چون با یکی از اصحاب ایستادی
برنگشتی تا انکس برگشتی و چون یکی از اصحاب دست آنحضرت را گرفتی
دست خود را نکشیدی تا انکس دست خود را بکشیدی و چون
با جماعتی نشستی زانوهای آنحضرت پیش از زانوهای ایشان نبودی
و هرگز پیش از انکه اهل مجلس برخیزند برنمیخواست و هم روایتست
از انس مالک که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله وسلم
براهی میرفت از عقب آنحضرت اعرابی آمد و ردای آنحضرت را
محکم میکشید تا انکه دیدم که اثر کرده بود کنارهٔ ردا بر گردن آنحضرت
از محکم کشیدن و گفت یا محمد امر فرمای تا از مال خدا که نزد تست چیزی بمن
بدهند آنحضرت روی باو کرد و در خنده شد و امر کرد که باو چیزی
بدهند از مال خدایتعالی و روایتست از ابی سعید خدری که گفت
که هیچ کس هیچ چیز ازان حضرت نطلبیدی مگر انکه بدادی از غایت
شرمی که داشت و هم روایتست از ابی سعید که حیا و شرم حضرت

پیغمبر بیشتر بود از حیا و شرم دختران بکر و چون آنحضرت
چیز برا مکروه داشتی از روی او معلوم شدی و روایت است از ابن
مسعود که گفت که حضرت پیغمبر فرمود که مرسانیدی چیزی بد
بمن از اصحاب من بدرستی که من دوست نمیدارم که بیرون آیم
از خانه بسوی شما و سلیم الصدر باشم یعنی خاطر سینه من بهمه کس
صافی باشد و از هیچکس رنجی نداشته باشم حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله روایتست که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشنده ترین مردمان بود و
از بزرگترین قبیلها بود هر کس با آنحضرت اختلاط میکرد و قدر و منزلت
آنحضرت را میدانست دوست میداشت آنحضرت را و منقولست از
کتاب النبوه که گفت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هرچه حضرت حق سبحانه و تعالی امر کرده است مرا
بآن من بجای آوردم و هرچه من علی را بآن امر کرده ام علی آنرا بجای
می آورد امر کرده است خدای تعالی مرا بسخاوت و نیکوئی کردن
و نهی کرده است مرا از بخیلی کردن و جفا کردن و نیست هیچ چیز بدتر بنزد
خدای تعالی از بخیلی کردن و بدخلقی نمودن بدرستی که بدخلقی ضایع
و فاسد میکرداند عمل را همچنانکه کل ضایع میکند عسل را و روایت
که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام چون وصف کردی رسول
خدا صلی الله علیه و آله گفتی که رسول خدا بخشنده ترین و باجرأت ترین

و راست گوترین و با وفاترین و خوش خلق ترین مردمان بود و
قبیله آنحضرت بزرگترین قبیلها بود هر کس اول مرتبه آنحضرت را
بدیدی بترسیدی از هیبت آنحضرت و چون با آنحضرت اختلاط
کردی و بشناختی دوست داشتی گفتی ندیدم هیچکس مثل آنحضرت
نه پیش از او و نه بعد از او روایتست از ابن عباس که گفت که
مسلمانان نظر با بوسفیان نمیکردند و با او نمی نشستند ابوسفیان
بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله سه
مدعا دارم میخواهم قبول فرمائی یکی آنکه حبیبه که دختر منست و
خوش شکل ترین زنان عرب است بعقد نکاح خود درآوری حضرت
پیغمبر فرمود که چنین باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست
کاتب خود سازی آنحضرت فرمود که چنین باشد دیگر آنکه امر
کنی مرا که با کافران جنگ کنم همچنانکه با مسلمانان جنگ کردم آنحضرت
فرمود که چنین باشد ابن رمیل که یکی از راویان حدیث است گفته
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ یک از این مدعیات
ابوسفیان را تجویز نمی کرد و روا نمی داشت اگر او نمی طلبید و چون طلب
کرد آنحضرت قبول فرمود زیرا که عادت آنحضرت آن بود که هر کس
از آنحضرت چیزی التماس میکرد قبول میفرمود و روایتست که مردی
نزد آنحضرت آمد و چیزی طلبید آنحضرت هیچ نداشت فرمود
که چیزی نزد من نیست اما هر چیز میخواهی بخر که بهای آن بمن حواله

کن هرگاه چیزی بدست آید داکنم حاضر بود گفت یا رسول الله
تکلیف نکرده است خدایتعالی بر تو چیزیرا که قادر نیستی بران یعنی
چرا خود را بتکلیف می اندازی و باین طریق باین شخص چیزی
میدهی آنحضرت را سخن عمر بسیار بد آمد انمرد سایل گفت یا رسول
الله چیزی بده و مترس ازانکه خدای تعالی ترا درویش کند پس
رسول خدا صلی الله علیه و آله بخنده در آمد و خوشحال شد از سخن
آنشخص چنانچه اثر خوشحالی از روی آنحضرت معلوم شد
حضرت رسالت پناهی روایتست از امیر المؤمنین علی علیه
السلام گفت که در روز جنگ بدر پناه میگرفتیم بحضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و آنحضرت نزدیکتر بود بدشمنان ما و
دران روز آنحضرت از همه بیشتر جنگ کرد با کافران و هم روایتست
از امیر المؤمنین علی که گفت در روز جنگ چون جنگ بسیار
میشد و لشکرها بهم میرسیدند ما پناه بردیم برسول و هیچکس
از آنحضرت نزدیکتر نبود بدشمن و روایتست از انس مالک
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دلیرتر و خوبتر
و بخشنده تر بود از همه مردمان و یک شبی بحوالی مدینه بعضی
از کفار آمدند و مردم مدینه چون خبر یافتند در فریاد شدند
و مدد طلبیدند جمعی دیگر از مردم مدینه متوجه انجماعت
شدند بهمان طرفی که آواز ایشان می آمد و چون حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله وسلم خبر یافت اسب ابی طلحه حاضر بود و آن اسپی
بود بغایت کاهل و کند رو فی الحال آنحضرت بران اسپ سوار
شد و شمشیر خود را حمایل کرد و از انجماعت که متوجه شده
بودند درگذشت و بآن جماعت که در فریاد آمده بودند رسید
و میگفت بایشان که مترسید و فریاد مکنید و فرمود که این اسب
دریاست یعنی در غایت قوت و تندی است و غضب حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است از ابن عمر که گفت که حضرت
رسالت پناهی از روی او معلوم میشد چون خوشحال شدی بمرتبه
روی آنحضرت در غایت درخشندگی شدی بمرتبهٔ که دیوارها روشن
میشد از پرتو روی آنحضرت و چون در غضب شدی رنگ
و روی آنحضرت تیره شدی و روایتست از کعب بن مالک که گفت
که چون چیزی حضرت پیغمبر را خوشحال ساختی روی آنحضرت
درخشنده شدی چو ماه شب چهارده و روایتست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی
که آنرا دوست داشتی میفرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ
یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که بدنعمت او تمام میشود و کمال می یابد
چیزهای نیکو و روایتست از عبد الله مسعود که گفت مقداد
اسود که چون رسول خدا در غضب شدی روی آنحضرت سرخ
شدی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با امت روایت است از انس

مالك كه كفت چون يكى از اصحاب پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم سه روز
بخدمت آنحضرت نرسيدي آنحضرت احوالش پرسيدي اكر در سفر بودي
دعا فرمودي براي او واكر در حضر بودي بديدن او رفتي و
اكر مريض بودي بعيادت او رفتي روايتست از جابر بن عبد الله
كه كفت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بيست ويك جنك بنفس نفيس
خود باكفار كرد ومن در نوزده جنك حاضر بودم ودر دو جنك
حاضر نبودم يك شبي از شبها كه با آنحضرت بودم در بعضي غزوات
شتر من مانده شد وبسينه در آمد ورسول خدا صلى الله عليه
وآله در عقب مردمان بود ورديف ميساخت ضعيف را ودعا
ميكرد براي مردمان پس رسيد بمن ومن ميكفتم اى فرياد رس
است مارا شتري بي قوت وضعيف است آنحضرت كفت كيست اين كفتم
منم جابر پدر ومادر من فداي تو باد يا رسول الله آنحضرت كفت چيست
حال تو كفتم شتر من مانده شد آنحضرت فرمود كه با تو عصاي
هست كفتم بلي پس بزد شتر مرا بآن عصا وبرانكيخت شتر را از جاي
خود بر دست شتر نهاد وكفت سوار شو سوار شدم ورفتم با آنحضرت
وشتر من پيش از شتر آنحضرت ميرفت وآنحضرت طلب استغفار و
آمرزش كرد از براي من در آنشب بيست وپنج نوبت پس كفت مرا پدر
تو چند فرزند كذاشته است بغير تو كفتم هفت دختر كذاشته است
كفت از پدر قرض مانده است كفتم بلي كفت وقتي كه بيايم بمدينه مقاطعه

كن با قرضخواهان پدر خود واكر ابا كنند وقبول ننمايند مقاطعه را
چون وقت خرما بريدن شود دانا كردان مرا وآنحضرت ميكفت
اي جابر نكاح كردهٔ وزن خواستهٔ كفتم بلي كفت نيكو كردهٔ بكه وصلت كردهٔ
كفتم بفلانه دختر فلان كه زن بيوه بود در مدينه آنحضرت كفت
چرا زن نخواستي كه باهم بازي كرديد كفتم يا رسول الله خواهران
من هيچ كاري نميتوانند كرد نخواستم كه بيارم نزد ايشان زني كه
هيچ نتواند كرد وكفتم اين زن بيوه بهتر است براي جمع كردن كارها
آنحضرت كفت خوب كردهٔ پس كفت اي جابر شتري خود را بچند
خريدهٔ كفتم بوزن دويست درهم از طلا آنحضرت كفت ميخريم ما
شتر ترا چون آنحضرت بمدينه رسيد شتر را بخدمت آن حضرت
بردم فرمود كه اي بلال بهاي شتر را باو بده كه بقرض بدهد
وبوزن صد وبيست درهم از طلا زياده كن وشتر را باو بده پس
آنحضرت كفت كه آيا مقاطعه كردي بقرضخواهان پدر خود كفتم نه يا
رسول الله كفت آيا آنمقدار چيزي مانده از پدر تو كه وفا كند بقرض
او كفتم نه كفت چون برسد وقت خرما بريدن اعلام كن مرا چون
وقت خرما بريدن رسيد اعلام كردم آنحضرت را آنحضرت آمد ودعا
كرد براي ما وما بريديم خرما را پس وفا كرد خرما بهمه قرضخواهان
وقرض ايشان ادا شد وباقي ماند براي ما آنمقدار كه دايم ميبريديم
وحاصل ميكرديم وبيشتر از آن پس كفت رسول خدا كه برداريد خرما

وکیل مکنید پس بر میداشتیم و میخوردیم ازان خرما مدتی و روایتست
از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
هرگاه سخن میکرد یا میپرسید از چیزی سه بار میگفت تا مردم
بفهمند و روایتست از ابن عمر که مردی ندا کرد حضرت پیغمبر را
باین طریق که یا رسول الله آنحضرت در جواب او گفت لبیک و روایت
کرده است زید ابن ثابت که هرگاه مینشستم نزد حضرت پیغمبر اگر
سخن آخرت کردیم آنحضرت اتفاق میکرد با ما و اگر سخن دنیا
می کردیم آنحضرت موافقت مینمود با ما و اگر ذکر طعام و شراب
میکردیم موافقت میکرد با ما همه اینها که مذکور شد روایت میکنم
از رسول خدا و روایتست از ابی الحمیا که گفت متابعت کردم
حضرت پیغمبر را پیش از آنکه آنحضرت مبعوث شود پس و
عده کردم با آنحضرت که فلان روز و در فلان جا شما را ملاقات
خواهم کرد و فراموش کردم آنروز و روز دیگر و در روز سیوم
آمدم گفت آنحضرت که ای جوان در مشقت انداختی مرا سه روز
است که من اینجا ساکنم و روایتست از جریر بن عبدالله که گفت که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در آمد بخانهٔ از خانهای خود پس
آنخانه پر شد از مردم و جای کسی دیگر نماند پس من در آمدم و چون
جای نبود برگشتم و در بیرون خانه نشستم چون دید آنحضرت مرا
که بیرون خانه بر زمین نشستم جامهٔ خود را در هم پیچید و پیش من

انداخت و گفت بر بالای این جامه بنشین من جامهٔ آنحضرت را
گرفتم بروی خود مالیدم و بوسیدم و روایتست از سلمان
فارسی که گفت رفتم نزد رسول خدا و آنحضرت تکیه کرده بود
بر بالشی انداخت آن بالش را بجانب من و گفت ای سلمان هر مسلمانی
که بیاید نزد او مسلمانی دیگر پس بیندازد بالش را بجهة اکرام برادر
مومن البته او را خدای تعالی بیامرزد **مزاح و خنده کردن** حضرت
پیغمبر روایتست که رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت که من مزاح
میکنم و نمیگویم در مزاح مگر سخن حقی و روایتست که مردی پرسید
از ابن عباس که آیا حضرت پیغمبر مزاح میکرد و روایتست از
حسن ابن علی علیه السلام که گفت که پرسیدم خال خود هند را از
صفت رسول خدا گفت هند که وقتی حضرت پیغمبر در غضب شدی
اعراض کردی و روی گردانیدی و مبالغه کردی در غضب و گاهی که
فرح داشتی میخوابانیدی چشم خود را بیشتر خنده آنحضرت تبسم بودی
و در حالت خنده کردن ظاهر شدی دندانهای آنحضرت مثل ژاله
در سفیدی و صفا و روایتست از انس مالک که گفت ندیدم رسول
خدا صلی الله علیه وآله وسلم را که تبسم کند تا آنکه دندانهای وی ظاهر
شدی و روایتست از ابی درداء که گفت که چون حضرت پیغمبر سخن
کردی تبسم نمودی در حالت سخن کردن و روایتست از یونس
شیبانی که گفت که از من پرسید ابو عبدالله که چگونه است مزاح

ابن عباس گفت که مزاح میکرد

کردن بعضی از شما با بعضی گفتم کم است ابو عبد الله گفت چنین مکنید
زیرا که مزاح کردن با یکدیگر از حسن و خلق است و تو خوشحال کردن
بسبب مزاح کردن برادر مومن را و حضرت پیغمبر مزاح میکرد
با مردم و قصدش آن بود که انکس خوشحال شود **در گریه** حضرت
پیغمبر روایتست از انس مالك که گفت که دیدم ابراهیم پسر رسول
خدا را در حالت نزع و آنحضرت میگریست و میگفت چشم اشك
میریزید و دل محزون و اندوهناك است و نمیگویم مگر آنچیزیرا
که راضیست پروردگار بآن و ما بجهة تو ای ابراهیم محزون و غمناکیم
و روایتست از خالد بن سلمه مخزومی که گفت که چون زخم خورد زید
بن حارثه رفت رسول خدا بخانه او و چون دختر او دید رسول خدا را
آغاز گریه کرد پس آنحضرت باواز بلند گریست یکی از اصحاب بانحضرت
گفت که سبب این نوع گریستن چه بود یا رسول الله آنحضرت گفت که
سبب این شوق دوست است بدوست **در رفتار** آنحضرت روایتست
از امیر المؤمنین علیه السلام که گفت که رسول خدا در وقت رفتن
میل به پیش کردی و پاها را درست از زمین برداشتی گویا از بالا
به نشیب آمدی ندیدم مثل آنحضرت نه پیش از آن حضرت و نه بعد
از آن حضرت و روایتست از جابر که گفت که رسول خدا وقتی که بیرون آمدی
از منزل و بجای رفتی اصحاب در پیش آنحضرت میرفتند و عقب آنحضرت
برای فرشتها میگذاشتند و روایت است از ابن عباس که گفت که

رسول

رسول خدا وقتی که راه رفتی معلوم شدی از رفتار آنحضرت که
سست رفتن او همچون رفتن کسی که کاهل باشد و روایتست از انس
که گفت وقتی که می آمدیم بخدمت حضرت پیغمبر می نشستیم
حلقه و روایتست که رسول خدا وقتی که سوار بود نمیگذاشت کسی را
که پیاده با او برود تا آنکه آنکس را سوار میکرد با خود و اگر آنکس ابا
میکرد از سوار شدن با آنحضرت میگفت آنحضرت بآنکس که پیشتر
از من برو و در یاب مرا جائی که میخواهی و روایتست که طلب کردند
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را قومی از اهل مدینه بجهة
طعامی که برای آنحضرت پخته بودند و آنحضرت اجابت فرمود
دعوت ایشانرا پس در راه شخصی دیگر همراه ایشان شد چون بنزدیک
خانه آن قوم رسیدند آنحضرت گفت بآنمرد که در راه با ما شده بود
که قوم ترا نخواندند بنشین تا بگویم ببودن تو و طلب رخصت کنیم از ایشان
برای تو **در نشستن آنحضرت** و اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
منقولست از کتاب النبوه که گفت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که مصافحه نکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی هرگز که دست
خود را از دست آنکس کشیده باشد تا آنکه آنکس دست خود را از دست
آنحضرت میکشید و هر کس با آنحضرت حاجتی داشتی یا سخن گفتی
آنحضرت بر نگشتی تا آنکس باز گشتی و نزاع نمیکرد آنحضرت در سخن
کسی تا آنکه آنکس خاموش شدی و هرگز کسی ندید که آنحضرت پای

و پنج کس از اصحاب آنحضرت

خود را پیش کسی دراز کرده باشد وعوض نمیکردند با نحضرت
دو چیز را مکر انکه اختیار میکرد انچیز را که مشقت آن زیاده بودی
ویاری نمیکرد نفس را وانتقام نکشیدی بجهة ظلمی که بر انحضرت
واقع شدی تا انکه از ان ظالم امری حرامی صادر شدی این هنکام
غضب آنحضرت برای خدا بودی در مقام انتقام شدی وهرکز
تکیه زده چیزی نخوردی در مدت عمر وهیچ چیز از انحضرت طلب
ننمودند که کفته باشد نه وهرکز حاجت هیچ کس را رد نکردی
بلکه حاجت او را بر آوردی یا جوابی از روی مرحمت وملایمت کفتی
ونماز آنحضرت سبکتر بود از نماز مردمان دیکر با انکه تمام تر
معتبر بود در نماز بجای آوردی وخطبهٔ آنحضرت کوتاه تر بود
از خطبهٔ مردمان دیکر وسخن بیفایده در سخنان آنحضرت نبود هر کاه
آنحضرت متوجه شدی بسوی آنحضرت متوجه جایی شدی میدا
توجه آنحضرت را هر کاه آنحضرت طعام خوردی با قومی پیش از ایشان
بنیاد طعام خوردن کردی وبعد از همه دست از طعام باز کشیدی
وهر کاه طعام خوردی از پیش خود خوردی واندک اندک آب خوردی
نه بسیار وآنحضرت بدست راست ودست چپ آنحضرت برای غیر
اینها بود از بدن ودوست میداشت که ابتدا بجانب راست کند در
در جامه ونعلین پوشیدن وشانه کردن وهرکاه دعا کردی و
وقتی که سخن کردی یک سخن را سه بار کفتی وهرکاه اذن طلبیدی بجهة

سه بار دعا کردی

درآمدن در خانهٔ کسی سه بار اذن طلبیدی ~~بجهة درآمدن در~~
~~خانهٔ کسی~~ وسخنان آنحضرت ظاهر بود بمرتبهٔ که هر کس که شنیدی
دانستی وفهمیدی ووقتی که سخن کردی نور ظاهر شدی میان
دندانهای پیش از آن حضرت وهرکاه کسی آنحضرت را دیدی
کمان بردی که میان دندانهای پیش آنحضرت کشاده است وحال
انکه کشاده نبود ونظر آنحضرت بچیزها بکوشهٔ چشم بود ونکفتی
بکسی سخن که انکس را بد آید از ان سخن ووقتی که راه رفتی چنان رفتی
که کویا از بالا بنشیب آمدی وآنحضرت میکفت باصحاب که بهترین
شما انکسانند که خلق ایشان بهتر باشد وهیچ خوردنی را عیب نکردی
ومدح نکفتی ونزاع نمیکردند اصحاب نزد آنحضرت در سخن وکسی که
صفت کردی آنحضرت را کفتی که ندیدم بچشم خود مثل آنحضرت نه پیش
از وونه بعد از و وروایتست از ابی عبد الله که کفت که رسول خدا را
وقتی که میدیدند در شب تاریک نوری از انحضرت ظاهر شدی
که کویا پارهٔ از ماه بود وروایتست از ابی عبد الله ع که کفت که جبرئیل
فرود آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وکفت که بدرستی
که حق سبحانه وتعالی بتو سلام میرساند ومیکوید که سنک ریزه
رود خانهٔ مکه را از برای تو طلا کنم حضرت سه بار نظر کرد بسوی آسمان
وکفت نمیخواهم ای پروردکار من لیکن میخواهم که یکروز سیر باشم
تا حمد کویم ترا وروزی کرسنه باشم که تا طلب چیزی کنم از تو هم

روایتست از ابی عبدالله که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله
میدوشید شیر بز را که در خانهٔ آنحضرت بود و هم روایتست
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله
فرمود که نیستیم من که عار آید مرا سواری دراز گوش پالان دار
و طعام خوردن در روی زمین با بندگان و چیزی بدست خود
بسائل دادن و روایتست از جابر بن عبدالله که گفت که در رسول
خدا چند خصلت بود یکی انکه آنحضرت هر راهی که رفتی و کسی در عقب
آنحضرت رفتی دانستی که انحضرت باین راه رفته است از بوی خوش
آنحضرت دیگر انکه هیچ سنگی و درختی نگذشتی مگر انکه آن سنگ و درخت
آنحضرت را سجده کردی و روایتست از ثابت بن انس مالك که گفت که
رنگی رسول خدا سفید و روشن و درخشنده بود همچو رنگ مروارید
خوش آب و نبوئیدم هیچ مشك و عنبری که خوشبوتر باشد از بوی
آنحضرت و مس نکردم هیچ جامهٔ دیبا و ابریشمین را که نرم بوده باشد
از دست آنحضرت و نماز آنحضرت سبکتر بود از نماز همه مردمان با انکه
انچه معتبر بود در نماز تمام بجای می آوردی و روایتست از جریر بن
عبدالله که گفت که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم مبعوث
شد به پیغمبری آمدم نزد آنحضرت تا بیعت کنم آنحضرت گفت ای جریر
بچکار آمدی گفت امدم که مسلمان شوم بدست تو یا رسول الله
آنحضرت انداخت ردای خود را برای من بجهة انکه بنشینم بران پس

متوجه شد باصحاب و گفت که هرگاه بزرگ قومی نزد شما بیاید گرامی
کنید او را و روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول
خدا وعده کرد مردی بموضع معین و گفت من اینجا سا کنم تا تو بیائی
بجهة آفتاب با آنحضرت مشقت رسید بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله
کاشکی بسایه پناه بردی آنحضرت فرمود که من اینجا وعده کرده ام
چون بجای دیگر روم و روایتست از عایشه که گفت گفتم بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله که یا رسول الله هرگاه بخلاجای میروی
و بیرون می آئی و من در عقب تو میروم هیچ بول و غایتی نمی بینم بلکه
بوی مشك میشنوم آنحضرت گفت که ای عایشه ما که پیغمبرانیم
مثل اهل بهشتیم هر فضله که از ما جدا میشود زمین آنرا فرو میبرد و
و روایتست از ابن عباس که گفت که عمر که نزد رسول خدا صلی الله
علیه واله آمد و آنحضرت بر روی حصیری تکیه فرموده بود و اثر
حصیر در پهلوی مبارك آنحضرت ظاهر شده بود عمر گفت یا رسول الله
کاشکی فرشی می انداختی آنحضرت گفت چکار است مرا با دنیا نیست مثل
من و مثل دنیا مگر همچون با کسی که سوار باشد و میرفته باشد و
روز تابستان پس سایه گیرد در زیر درختی ساعت از روز و بعد
از ان برود و بگذارد آن سایه را و هم روایتست از ابن عباس که گفت
که رسول خدا وفات کرد و زره آنحضرت گرو بود نزد مردی از یهود
بسی صاع جو که گرفته بود برای معیشت عیال خود و روایتست از ابی

رافع که کفت که شنیدم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله میکفت
که هرکاه شما فرزند خود را محمد نام کنید باو ناخوشی مکنید و مزید
او را به برکت خانه که در و محمد نام باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله و امر کردن اصحاب در آداب نشستن روایتست که طفل صغیر را
نزد حضرت پیغمبر می آوردند که دعا کند برای او یا نام نهد او را آنحضرت
میکرفت آن طفل را و در کنار خود می نهاد بجهة اکرام اهل آن طفل
و کاهی بول میکرد آن صغیر در کنار آنحضرت پس فریاد بکردند بعضی
که بدیدند آنحضرت میکفت که قطع مکنید بول صبی را و بکذارید که
بول را تمام کند پس آنحضرت فارغ میشد از دعا کردن برای آن طفل یا
از نام نهادن و به سبب این اهل آن طفل خوشحال میشدند و برایشان
ظاهر نمیشد که آنحضرت ایذا یافته باشد از بول آن طفل و چون اهل
آن طفل از خدمت آن سرور بر میکشتند آنحضرت جامه خود را میشست
و روایتست که آمد مردی بمسجد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله
و آنحضرت تنها نشسته بود پس دور شد از جای خود و آن شخص و آن
شخص را جا داد و آنشخص کفت یا رسول الله جا کشاده است آنحضرت
کفت که حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ببیند مسلمانی را که
میخواهد که نزد او بنشیند دور شود از جای خود برای او و او را جای
دهد و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله کفت که انکسی که
دوست میدارد که مردم برای او برخیزند و تعظیم کنند جای او در

دوزخ است و کفت رسول خدا صلی الله ع واله باصحاب که برمخیزید
برای یکدیکر همچنانکه عجمان برمیخیزند بعضی برای بعضی و باکی نیست
اکر حرکت کنید از جای خود و کسی را در میان خود جای دهید و منقولست
از کتاب محاسن که ابو عبد الله کفت که هرکاه رسول خدا بمنزل
می آمد می نشست در پایین مجلس و روایتست از ابی عبد الله که کفت
که رسول خدا باصحاب کفت که وقتی برخیزید مجلسی باید که بنشینید
انجا که مجلس باو منتهی شود و هم روایت است از ابی عبد الله که کفت
که رسول خدا باصحاب کفت وقتی که برخیزید از مجلس باید که سلام
کنید اهل مجلس را بدرستی که نیست سلام اول سزاوارتر از سلام دوم
و هم روایتست از ابی عبد الله که کفت که رسول خدا باصحاب کفت که
وقتی که برخیزید یکی از شما از مجلسی که بیرون رود و باز بیاید
اولی آنست که همانجا که نشسته بود بنشیند و روایتست که حضرت
پیغمبر باصحاب کفت که بدهد حق مجالس را کسی پرسید که یا رسول
الله حق مجالس کدامست آنحضرت فرمود که حق مجالس آنست که بپوشید
چشمهای خود را و جواب سلام بکوید و راه نماید نابینا یان را و امر
کنید بمعروف و نهی کنید از منکر و روایتست از ابی امامه که کفت رسول
خدا می نشست باینطریق که کفهای پای خود را راست میداشت
و هر دو دست خود را پیش هر دو ساق خود می آورد پس بیکدست
محکم میکرفت ساق دست دیکر را و منقولست از کتاب محاسن که حضرت پیغمبر

سه نوع می نشست یکنوع بطریقی که مذکور شد و دیگر آنکه دو زانو
می نشست و یکپا را بالای پای ساق دیگر می نهاد و ندیدند آن
حضرت را که هرگز چهار زانو نشسته باشد دو زانو می نشست و
تکیه نمی کرد در وقت فصل سیم در وقت [صفت] اخلاق حضرت پیغمبر
در طعام خوردن منقولست از کتاب موالید الصادقین که حضرت
پیغمبر میخورد از همه اصناف طعامها و طعام میخورد در روی زمین
و بر آن چیزیکه مسلمانان طعام میخورند و میخورد آنچه خدای تعالی
حلال کرده است بدو و با اهل خود و خدمتکاران خود و با آنکسی که
دعوت کردی آنحضرت از مسلمانان مگر وقتی که مهمانی برسیدی
آن هنگام طعام میخورد با مهمان و دوست‌ترین طعامها نزد آنحضرت طعامی
بود که با جماعت میخورد و روایتست که روزی گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم وقتی که اصحاب نزد آنحضرت حاضر بودند که
اَللّهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ لِلَّذِينَ لا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ یعنی
بارخدایا طلب میکنیم از تو فضل و رحمت ترا آنچنان فضل و رحمتی که
مالک نیست آن هر دو را غیر تو در میان دعا خواندن شخصی گوسفند
بریانی بر سبیل هدیه نزد آنحضرت آورد آنحضرت باصحاب گفت بگیرید
این را که از فضل خدای تعالی بما رسیده است و ما انتظار رحمت او میکشیم
و روایتست که هرگاه خوان طعام پیش آنحضرت می نهادند میگفت
بِسْمِ اللهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْها نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِها نِعْمَةَ الْجَنَّةِ

یعنی بارخدایا بگردان این خوان طعام را نعمتی شکر گفته شده که
برسد بسبب آن نعمت بهشت بما و بسیار بود که وقتی که آنحضرت
می نشست بطعام خوردن از پیش خود طعام میخورد و جمع میکرد
زانوها و قدمهای خود را همچنانکه کسی نماز میکذارد می نشیند یعنی
دو زانو می نشست اما یک زانو را بر بالای زانوی دیگر می نهاد و
قدم را بر بالای قدم دیگر و میگفت که من بنده ام از بندگان
خدای تعالی طعام میخورم همچنانکه بندگان طعام میخورند و من می
نشینم همچنانکه ایشان می نشینند و روایتست از ابی عبدالله ع
که گفت که چیزی نخورد رسول خدا تکیه کرده از آن زمان که
فرستاد خدای تعالی آنحضرت را به پیغمبری تا آنکه از دنیا برفت بجهة
تواضع خدای تعالی و روایتست که آنحضرت هرگاه دست خود را
بر طعام نهادی گفتی بِسْمِ اللهِ بارَكَ لَنا فِيما رَزَقْناهُ وَعَلَيْكَ
خَلَفُهُ یعنی خدایا برکت ده ما را در آن چیزی که روزی ما کردی
و بر تو است که بعد از آن بما چیزی خوبی بدهی مصنف کتاب مکارم
میگوید که منقولست از کتابی که جمع کرده است پدر من که امام
جعفر صادق ع روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که
رسول خدا صلی الله وآله وقتی که روزه گشودی گفتی اَللّهُمَّ لَكَ صُمْنا
وَعَلى رِزْقِكَ اَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا ذَهَبَ الظَّماءُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ
وَبَقِيَ الْأَجْرُ یعنی بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بروزی تو افطار کردیم

بتول کن این روزه را رفت تشنگی و تر شد رکها و باقی ماند اجر
وهم روایتست از امام جعفر صادق که کفت که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم طعام خورد ونزد قومی کفت اَفطَرَ عِندَکُم الصائمون
واکل طعامکم الابرار یعنی افطار کردند نزد شما روزه داران وخورند
طعام شما را نیکان وآنحضرت کفت دعای روزه دار مستجاب میشود
ونزد افطار کردن او وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
افطار میکرد بخرما واکر شکر میبافت افطار میکرد بآن وروایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم افطار میکرد بشیرینی واکر شیرینی نمی یافت افطار
میکرد بآبی نه سرد بود ونه کرم ومیکفت این آب پاک میکند جکر
ومعده را وخوشبو میکرداند دهن را وقوت میدهد دندانها
وتیز میکند روشنائی چشم را ومی برد کناهانرا وتسکین میدهد
رکها را وحرکت میکند صفرا را که غالب باشد وقطع میکند بلغم را
ومی نشاند حرارت معده را ومی برد درد سر را وروایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله نمیخورد طعام کرم را تا آنکه خنک میشد و
میکفت که خدای تعالی طعام نکرد ما را بآتش بدرستی که طعام کرم
نکرپی برکت است پس خنک کنید وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم طعام میخورد بسم الله میکفت وبر سر انکشت
طعام میخورد واز پیش خود میخورد واز پیش غیر خود نمیخورد وطعامی

که نزد آنحضرت می آوردند پیش از همه کس شروع در طعام خوردن
میکرد وبعد از آن قوم شروع در طعام خوردن میکردند وبسه
بر سر انکشت طعام میخورد انکشت بزرک وانکشت شهادت وانکشت
میانه وکاهی بچهار انکشت انکشت نیز طعام میخورد وکاهی بتمام دست
طعام میخورد وبدو انکشت طعام نمیخورد ومیکفت که طعام خوردن
بدو انکشت فعل شیطانیست وروایتست که روزی بعضی از اصحاب
برای رسول خدا پالوده آوردند آنحضرت میل کرد بآن پالوده
وکفت از چه چیز است این ای عبد الله آنکس کفت بدر و مادر من
فدای تو باد یا رسول الله روغن وعسل را در دیک میکنیم ودیک را
بر بالای آتش می کذاریم وبجوش می آوریم ومیکیریم مغز کندم را
وقتی که آرد کرده باشند ومی اندازیم او را درمیان روغن وعسل
وآمیخته می سازیم آنها را با یکدیکر تا آنکه پخته شود پس می آید بروجهی
که می بینی آنحضرت کفت که این طعام خوبست وروایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله آرد جوی نابیخته را نان می پخت ومیخورد وشوربا
می پخت ومیخورد وهم اینها را رسول الله صلی الله علیه واله میل میفرمود
ودر کتاب روضة الواعظین واقعست که کفت عیص ابن قاسم
که کفتم بامام جعفر صادق که حدیث روایت میکنند از پدر تو واین
حدیث اینست که حضرت پیغمبر ص هرکز نان کندم سیر نخورد وآیا این
حدیث صحیحست حضرت امام کفت که این حدیث صحیح نیست بلکه حضرت

و نان جو سیر نخورد و گفت عایشه رسول خدا هرگز نان جو نخورد

پیغمبر هرگز نان بجو لصیر نخورد و چیزی نخورد بر خوان تا آنکه
از دنیا رحلت کرد و نان تنك نخورد تا آنکه از دنیا برفت و گفت
عایشه که همیشه دنیا بر ما دشوار بود و اوقات ما بعسرت میگذشت
تا آنکه قبض روح آنحضرت شد دنیای ما بسیار شد و منقولست
از کتاب النبوة که گفت ابو عبد الله علیه السلام که همیشه طعام رسول
خدا از جو بود تا آنکه بجوار رحمت پیوست و روایتست از انس که گفت
که رسول خدا ص قبول میکرد دعوت بنده را و ردیف میساخت
او را و می نهاد طعام خود را بر روی زمین و میخورد خیار را با خرما
تر و با نمك نیز میخورد و دوسترین میوها نزد آنحضرت خربزه و انگور
بود و میخورد خربزه را با نان و گاهی خربزه را با شکر میخورد و گاهی
با خرمای تر میخورد و درین حال یاری میجست بهر دو دست و روایتست
که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته بود و خرمای تر
میخورد بدست راست و خسته خرما را نگاه میداشت بدست چپ
و نمی انداخت بر زمین گوسفندی نزدیك آنحضرت میگذشت آنحضرت
اشارت کرد بآن گوسفند بخستهایی که در دست آنحضرت بود گوسفند
نزدیك آنحضرت آمد و از دست چپ آنحضرت آن خستها را میخورد و
آنحضرت بدست راست خود خرمای تر میخورد و خسته را بدست چپ
می انداخت برای آن گوسفند تا آنکه آنحضرت فارغ شد از خرما خوردن
و این هنگام آن گوسفند بازگشت و روایتست که رسول خدا ص

وقتی

وقتی که روزه داشتی افطار کردی بخرمای تر در وقتی که خرمای تر
بود و گاهی انگور دانه دانه خوردی و گاهی خوشهٔ انگور را در دهن
و کشیدی تا آنکه میدیدند که فرو می آمد آب انگور در محاسن آنحضرت
همچون فرود آمدن مروارید و روایتست که حضرت پیغمبر میخورد هم
طعامی را که از مسکه و خرمای ساختند و میخوردند خرما را و آب
بر بالای آن می آشامید و بیشتر طعام آنحضرت خرما و آب بود و خرما را
در شیر آغشته میکرد و میخورد و نام میکرد شیر و خرما را الطیبین یعنی
دو چیز بهتر میخورد و شوربایی که از آرد جو می پختند با پیه گداخته و
روایتست که حضرت پیغمبر هریسه را بیشتر میخورد و شب میخورد و سحر میخورد
و نوبتی جبرئیل ع آورد هریسه را برای آنحضرت از بهشت آنحضرت در سحر
میخورد در خانهٔ خود آنچه مردمان میخوردند یعنی مقید بتکلیف نبود و
هرچه میسر بود میل میفرمود و آنحضرت میخورد گوشت پخته را با نان و
میخورد و میخورد گوشت قاق را تنها و گاهی با نان نیز میخورد و دوسترین
طعام آنحضرت گوشت بود و میگفت که گوشت زیاده میکند قوت دیدن
و شنیدن را و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر میطلبیدم از پروردگار
خود که هر روز طعام کند مرا هر آینه میکرد حضرت پیغمبر میخورد [illegible]
باکدو و دوست میداشت کدو را و میگفت که درخت برادرم یونس
است و آنحضرت میداشت کدو را بر میچید کدو را از ظرفی که در آن طعام

میخوردند و آنحضرت میخورد مرغ خانگی را و گوشت شکاریرا و گوشت
مرغی را که صید بکردند و آنحضرت نمیخرید گوشت صید و خود صید
نمیکرد و دوست میداشت که صید کنند و گوشت صید را پخته برای او
بیارند یا ناپخته بیارند و چون ناپخته می آوردند امر میکرد به پختن
آن و میل میفرمود و آنحضرت هرگاه گوشت میخورد سر خود را در پیش نمی
انداخت و گوشت بر میداشت و به پیش دهن خود می آورد و بدندان
میگرفت و میخورد و آنحضرت میخورد نان و روغن را و دوست میداشت
دست و شانه گوسفند را از نان خورشها سرکه را دوست میداشت
و از سبزیها کاسنی و بادروج و کرنب را دوست میداشت و بادروج
نوعی از ریحانست و آنحضرت نمی خورد سیر و پیاز و گندنا را نمی خورد
عسلی را که در وی مغافیر بود و مغافیر انجیریست که باقی میماند از درخت
مانند صمغ در شکم زنبور و می اندازد آنرا زنبور در عسل بعد از خوردن
آن عسل باقی میماند بوی آن چیز در دهن و مذمت نمیکرد آنحضرت
هیچ طعامیرا هرگز هرگاه طعامی آنحضرت را خوش می آمد میل میفرمود و
هرگاه کراهت میداشت حرام نمیکردانید بر غیر خود و دشمن نمیساخت
آنکس را بر آن چیز و آنحضرت بعد از طعام خوردن انگشت خود را بطرف
میمالید و بدهان خود میبرد و میگفت که برکت در طعام آخر کاسه
است و آنحضرت چون فارغ میشد از طعام خوردن انگشتانی که بآن طعام
خورده بود بدهان خود می برد تا انکه پاک میگردانید انگشتها را و پاک

نمیکرد

نمیکرد دست خود را برومال و مانند آن تا انکه انگشتها را یکیک
بدهان میبرد و پاک میساخت و میگفت که کسی نمی داند که برکت
در کدام انگشت است و آنحضرت میخورد شکر را و میطلبید از اصحاب
و اصحاب بر میچیدند آنرا برای آنحضرت و میل میفرمود آنحضرت و میگفت
که ازاله می برد خوردهٔ دندانها را و آنحضرت می شست دستهای خود را
بعد از طعام خوردن انمقدار که پاک میشد و نمی ماند بوی که خورده
بود و در دست آنحضرت هرگاه نان و گوشت خوردی دست خود را پاک
شستی و مسح کردی روی خود را با آبی که در دست آنحضرت هرگاه نان
و گوشت خوردی دست خود را پاک شستی و مسح کردی روی خود را
با آبی که در دست آنحضرت مانده بود و آن تنها چیزی نمیخورد تا ممکن
بود و روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم گفت
باصحاب که آیا خبر دهم شما را به بدترین شما اصحاب گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت که بدترین شما آنکس است که تنها چیزی میخورد و میزند
بندهٔ خود را و منع میکند یاری و بخشش خود را از مردمان

فصل چهارم

در صفت اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در آشامیدن
روایتست که رسول خدا صلی الله و آله و سلم وقتی که آب خوردی ابتدا
به بسم الله کردی و بعد از ان ظرف آب را بر دهن نهادی و یکنوبت
یا دو نوبت فرو بردی و بعد از ان آب را از دهن برداشتی و حمد گفتی خدای
تعالی را و بعد از ان بسم الله گفتی و آب را دهن نهادی و بعد از آب

خوردن حمد کفتی و در مرتبه سوم نیز بسم الله کفتی و آبخوردی و بعد
ازان حمد کفتی خدایتعالی را و آنحضرت می مکید آبرا و آب بسیار بیکبار
فرو نمی برد و میکفت که درد جکر می آید از فرو بردن آب بسیار بیکبار
و آنحضرت نفس نمیزد در درظرف وقتی که آب میخورد پس اکر میخواست
که نفس زند ظرف را دور میکرد از دهن خود و نفس میزد کاهی آنحضرت
می اشامید بیکبار تا انکه فارغ میشد و آب میخورد از قدحهای شیشه
که می آوردند از شام و آب میخورد از ظرفی که از پوست میساختند
و از ظرفی سفالی نیز آب میخوردند و از هردو دست خود نیز آب میخورد
باین کیفیت که آبرا در دستهای خود میریخت و میخورد و میکفت که
هیچ ظرفی پاك تر از دست نیست و آب میخورد از دهن مشك و مطهره
و بر نمیکردانید دهن مشك که از انجا آب خورد و میکفت این نوع آبخوردن
بد بوی میسازد مشك را و آنحضرت آب میخورد سواره و کاهی می ایستاده
و از مشك یا سبو یا مطهره آب میخورد و در هر ظرفی که می یافت و به
دو دست خود نیز آب میخورد و آنحضرت نیز می آشامید آبی را که بر
شیر دوشیده بودند و کاهی تلخانرا در میان آب میکرد و می
آشامید و دوسترین شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین بود و در
روایتی واقعست که دوسترین شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین خنك
بود و آنحضرت می اشامید آبرا برابر بالای عسل و نان را در آب ترید میکرد
و میخورد و آنحضرت میکفت که بهترین شربتها در دنیا و آخرت آبست و کفت

انس

انس مالك که بود رسول خدا را صلی الله علیه و آله شربتی که افطار
میکرد بآن و شربتی دیکر که سحر می آشامید انرا و کاهی هردو یکی بود
و کاهی شربت آنحضرت نان بود که در آب ترید میکرد و روایتست از
انس که کفت که یکشب مهیا کردم برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم شربتی آن حضرت دیر آمد و من کمان بردم که بعضی از
اصحاب آنحضرت را دعوت کردند و خوردم آن شربت را که برای آنحضرت
مهیا کرده بودم آنحضرت بعد از خفتن بیك ساعت آمد پرسیدم
از بعضی که بآن حضرت بودند که آیا حضرت پیغمبر افطار کرد در جای
یا کسی دعوت کرد آنحضرت را انکسی که کفت نی پس شبی بروز آوردم
نمیدانند آنشب را غیر خدایتعالی از غم این که آنحضرت شربت را طلب نماید
از من و نیابد و آنشب کرسنه باشد و روزش روزه دارد و آنحضرت
نطلبید آن شربت را و ذکر آن هم نکرد تا این ساعت و روایتست که
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ظرفی آوردند که در ان شیر
بود ابن عباس بجانب راست آنحضرت نشسته بود و خالد بن ولید بجانب
چپ آنحضرت اشامید از ان شیر و کفت عبد الله عباس را که این
شربت از تست آیا رخصت میدهی که این شربت را بدهم بخالد بن ولید
ابن عباس کفت نی بحق خدا که نمیدهم نیم خورد رسول بکسی دیکر پس ابن
عباس کرفت قدح را و اشامید آن شربت را و روایتست که ابن خولی نزد
حضرت پیغمبر ظرفی آورد که در و عسل و شیر بود آنحضرت ابا کرد

ازاشامیدن آن وگفت دوشربت رایکی ساختند وچیزی که دردو
ظرف می بایست کرد دریکظرف کردید پس آنحضرت گفت که حرام نمیکردانم
این را ولیکن کراهت میدارم فخر را وحساب روز قیامت را بزیادتی
دنیا ودوست میدارم تواضع وفروتنی را بدرستی که آنکس که تواضع
کند برای خدای مرتبهٔ او را   در صفت اخلاق حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در بوی خوش بکار بردن وروغن
مالیدن وپوشیدن جامه وغیر آن **فصل پنجم در صفت** سرشتن حضرت
رسالت پناه صم روایتست که حضرت پیغمبر صم چون سر ومحاسن خود را
شستی بآب سدر شستی درمیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم روایتست که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
دوست میداشت روغن مالیدن را ومکروه میداشت ژولیدگی
مو را ومیگفت که روغن مالیدن می برد غم واندوه را وآنحضرت
روغن میمالید بهمه اصناف روغنها وچون آنحضرت روغن مالیدی
ابتدا بسر مبارک خود کردی ودیگر محاسن خود را روغن مالیدی ومیگفت
سر را پیش از محاسن روغن میمالید وآنحضرت بیشتر روغن بنفشه مالیدی
ومیگفت که روغن بنفشه بهترین روغن ماست وآنحضرت چون روغن مالیدی
ابتدا کردی بابروهای خود وبعد ازان شارب خود را روغن
مالیدی وبعد ازان روغن را در بینی خود ریختی وبوییدی وبعد ازان
سر خود را روغن مالیدی وآنحضرت روغن مالیدی ابروهای خود را

بجهت دردسر وروغن مالیدی شارب خود را بغیر روغن محاسن
یعنی بجهت شارب خود علیحده روغن بر میداشت واکتفا نمود بهمان
روغن که در محاسن مالیده بود درمیان فروگذاشتن رسول
خدا صلی الله علیه وآله موی خود را روایتست که حضرت پیغمبر صم
شانه کردی فروگذاشتی موی سر خود را بشانه وفرو میگذاشتند
موی سر آنحضرت را زنان آنحضرت متعهد شانه کردن آنحضرت بودند
وقتی که آنحضرت شانه میکرد سر ومحاسن خود را میگرفتند زنان
آنحضرت آنمویی که جدا میشد در وقت شانه کردن وبرمیداشتند
ونگاه میداشتند ومیگویند که موی آنحضرت در دست مردم است
ازان مویهاست که اما موی سر آنحضرت که تراشیده بود در وقت حج
وعمره جبرئیل علیه السلام فرود آمد وگرفت آنموها وبرد بآسمان
وبود بسیار بود که آنحضرت محاسن خود را روزی دوبار شانه کردی
وآنحضرت چون شانه میکرد ومی نهاد شانه را در زیر بالش خود ومیگفت
که شانه کردن می برد وبا را وآنحضرت چون محاسن خود را شانه کردی
شیب محاسن خود را چهل نوبت شانه کردی وبالای آن را هفت
نوبت ومیفرمود که شانه کردن زیاده میکند ذهن وقطع میکند
بلغم را درمیان بوی خوش بکار بردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله روایتست که رسول خدا مشک بکار می برد آنمقدار که ظاهر
می شد درخشندگی در فرق مبارک آنحضرت وآنحضرت ذکور طیب بکار

می بود ومراد از ذکر طیب مشک وعنبر است وروایتست که زنان آنحضرت
بوی خوش بدست خود بآنحضرت میمالیدند وآنحضرت بخور میکرد بعود
قماری بوی خوشیست که از جانب هند می آورند وروایتست که رسول
خدا را میشناختند در شب تاریک پیش از آنکه به بینند واز بوی خوش
بیشتر بود از خرج بود آن حضرت بطعام وگفت امام محمد باقر علیهم
السلم که رسول خدا را سه خصلت بود که در غیر آنحضرت نبود یکی
آنحضرت را سایه نبود ودیگر آنکه آنحضرت بهر راهی که رفتی وکسی بآن راه
رفتی بعد از دو روز یا سه روز دانستی که آنحضرت باین راه رفته است
از بوی خوش آنحضرت ودیگر آنکه نگذشت هیچ سنگی ودرختی مگر که
آن سنگ ودرخت آنحضرت را سجده کردی وهیچ بوی خوش بآنحضرت
عرض نمیکردند مگر آنکه خوشبو ساختی خود را بآن ومیگفت که بوی
خوبست وبرداشتن این سبک وآسانست واگر خوشبو نمیساخت خود را
بآن بوی خوش می نهاد انگشت خود را بآن وبعد از آن انگشت مبارک
خود را بر زبان خود می نهاد وآنحضرت میگفت که لذت من در زنان وبوی
خوش است وروشنی چشم من در نماز وروزه است وآنحضرت وقتی که
میخواست که از خانه بیرون آید ومتوجه بیرون آمدن میشد پس
از آنکه از خانه بیرون آید میدانستند اصحاب که آنحضرت میخواهد که از
خانه بیرون آید بجهة بوی خوش آنحضرت وآنحضرت بوی خوش بکار می
برد در هر روز جمعه واگر بوی خوش نمی یافت ومیسر نمیشد میگرفت

مجمر بعضی از زنان خود وآنرا تر می ساخت بآب ومیمالید آنرا بر دست
وروی خود بجهت خوشبو که در آن مجمر بودی در بیان سرمه کشیدن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایتست که رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم سرمه بکشید در چشم راست خود سه میل ودر چشم چپ
خود دو میل ومی گفت آنکسی که خواهد سه بار سرمه بکشد وهر گاه خواهد
بکشد واگر کسی کمتر از سه نوبت یا زیاده سرمه بکشد باکی نیست و
گاهی بودی که آنحضرت سرمه کشیدی در روزی که روزه داشتی
وآنحضرت را سرمه دان بود که سرمه میکشید بآن شب وسرمه آن سنگ
اصفهانی بود در بیان نظر کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
در آینه روایتست که رسول خدا صلی الله علیه وآله نظر کردی در آینه
وفرو گذاشتی موی خود را وشانه کردی وگاهی در آب نظر کردی و
موی خود را راست کردی وآنحضرت زینت کردی خود را بجهت اصحاب
زیاده بر زینت دادن بجهت اهل خود وآنحضرت این مضمون را گفت بعایشه
در وقتی که عایشه در حجره خود دید آنحضرت را نظر میکرد در ظرفی که
در آن آب بود وراست میکرد موی خود را ومیخواست که بیرون رود بنزد
اصحاب گفت عایشه بآنحضرت که پدر ومادر من فدای تو باد نظر در
ظرف آب میکنی وموی خود را راست میکنی وحال آنکه تو رسول خدائی
وبهترین خلقی آنحضرت فرمود که خدای تعالی دوست میدارد از بنده خود
که چون خواهد که بیرون رود وبسوی برادران خود راست کند وزینت

در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

روایتست که هر گاه کسی آن رسول خدا روغن میمالید خود را و آنحضرت
جدا نمیساخت از خود و در سفر شیشهٔ روغن و سرمه دان و مقراض
و آینه و مسواک و شانه را روایتست که در سفر با آن حضرت می بود
ریسمان و سوزن و مصحف و تسمه که میدوخت بآن ریسمان جامهٔ
خود را و پیوند میکرد بآن تسمه نعلین خود را و آنحضرت چون
کردی عرضاً مسواک کردی — در بیان لباس حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله روایتست که رسول خدا صلعم می پوشید شمله را
و لنک نیز میساخت آنرا و می پوشید کلیم پشمین را و آنرا نیز لنک میساخت
و آن کلیم آنحضرت را خوب مینمود بجهت سیاهی آن کلیم بر سفیدی اندام
ظاهر بود از ساقها و قدمهای آنحضرت و روایتست که آنحضرت از دنیا
رحلت فرمود از و کلیم ماند که در قبیله بنی عبد الاشهل یافته بودند
که آنحضرت میپوشید آنرا و گاه که آنحضرت نماز میکرد و با مردمان
و لباس آنحضرت شمله بود که طرفهای آنرا بر میان دو شانه خود می بست
در بیان عمامه و طاقیه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می پوشید
طاقیه با دستار و دستار بی طاقیه و آنحضرت برطله می پوشید و برطله
نوعیست از طاقیه و می پوشید طاقیهای سفید مصری و یمنی و می پوشید
طاقیها را که گوشها داشت و در وقت جنگ بعضی از آن طاقیها را از طیلسان
سبز بود و گاهی بر میداشت طاقیه خود را و در پیش خود می نهاد و نماز می

کذارد

٣١

بجهت آنکه اگر کسی از پیش نماز بگذرد مکروه نباشد و آنحضرت بسیار بود
که دستار چرکین سیاه بر سر می بست و در سفر بی تحت الحنک و گاه بود که
آنحضرت را نبود دستار که بسر محکم می بست سربند را بر سر خود یا بر پیشانی خود
محکم بستن سربند عادت آنحضرت بود و بسیار آنحضرت را باین طریق
میدیدند و آنحضرت را دستاری بود که بر سر می بست که آنرا سحاب میگفتند
آن دستار را بامیر المؤمنین علی علیه السلام بخشید و گاهی امیر المؤمنین
آن دستار را بر سر می نهاد و از خانه بیرون می آمد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله در آن وقت باصحاب میگفت که نزد شما آمد علی
در سحاب یعنی با دستاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله بآنحضرت
بخشیده بود و گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله جبهٔ از پشم و دستار
از پشم پوشید و بیرون رفت و خطبه خواند برای مردمان بر منبر و
ندیدم هیچ چیز از چیزهای که خدا یتعالی آفریده است که بهتر از آنحضرت
در این لباس — در بیان جامه پوشیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم چون
جامهٔ نو پوشیدی گفتی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا يُوَارِي عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ
بِهِ فِي النَّاسِ یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که پوشید عورت مرا
و تجمل میکنم باین جامه در میان مردمان و آنحضرت چون جامه را بیرون
کردی اول از جانب چپ بیرون کردی و چون جامهٔ نو پوشیدی حمد
گفتی خدا یتعالی را و بعد از آن طلب کردی مسکینی را و جامهٔ کهنه را باو

دادي وبعد ازان کفتی که هر مسلمانی که ازبراي رضاي خدا بپوشاند
مسلمان دیکرا از جامهاي کهنهٔ خود را در امان خدا باشد مادام که
پوشیده باشد آن مسلمان آنجامه را خواه انکسی که جامه داده است زنده
باشد وخواه مرده وحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله چون جامهٔ نو پوشیدی
وبایستادي پیش ازانکه ازخانه بیرون رود کفتی اللهم بك استترت
والیك توجهت وبك اعتصمت وعلیك توكلت اللهم انت
ثقتي انت رجائي اللهم اکفني ما اهمني وما لا اهتم به وما انت
اعلم به مني عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غیرك اللهم زودني
التقوی واغفرلي ذنبي ووجهني للخیر حیث ما توجهت وبعد
که این دعا را خواندي متوجه حاجت خود شدي وآنحضرت را دو جامه
بود مخصوص روز جمعه بغیر ازان جامها که در غیر جمعه پوشیدی
وآنحضرت را خرقه ومندیلی بود که خشك میکرد روی خود را بطرف
ردائی که بآن حضرت بود در بیان انکشتري حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
واله انکشتری نقره در انکشت میکرد که نکین آن فولاد بود که بطریق هدیه
فرستاده بود براي آنحضرت معاذ جبل ودران انکشتري نقش کرده
محمد رسول الله وآنحضرت انکشتري خود را در دست راست میکرد وبعد
ازان نقل میکرد بدست چپ وآخرین انکشتري که در دست آنحضرت بود
وآن حضرت از دنیا رحلت فرمود انکشترین نقره بود ودران انکشترین

نگین آن

نقش کرده بودند که محمد رسول الله وآنحضرت انکشتري را در انکشت
میکرد همچنانکه مردم ما در انکشت میکنند وآنحضرت استنجا میکرد
بدست چپ وانکشتری در همان دست آنحضرت می بود وروایتست که انکشتری
همیشه در دست راست آنحضرت بود تا وقتی که از دنیا رحلت فرمود
وآنحضرت کاهی که انکشتري خود را در انکشت میان خود میکرد که بند دوم
پهلوي انکشت بزرك است که آنرا انکشت شهادت میکویند وآنحضرت
کاهی بیرون می آمد نزد اصحاب ودر انکشتري خود ریسمانی بسته بود تا
بیاد آورد باین ریسمان چیزی را وآنحضرت مهر میکرد بانکشتري خود
بر کتابتی که بکسی میفرستاد ومی کفت که مهر بر کتابت نکاه میدارد آنرا
از تهمت در بیان نعلین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله می پوشید
نعلین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله می پوشید نعلین لبد ولی نعلین دیکر را
بان می بست ونعلین آنحضرت باریك میان بود واز نزدیك پاشنه
هموار بود وبلندی نداشت وبسیار می پوشید نعلین را که از دباغت
کرده میدوختند وآنحضرت چون نعلین پوشیدی ابتدا بپای راست
کردی وچون بیرون کردی ابتدا بپای چپ کردی وامر میکرد بپوشیدن
هر دو نعلین وبترك کردن هر دو بجهت انکه مکروه میداشت که کسی
یك نعلین بپوشد ودیکری را نپوشد وآنحضرت موزهای پوشید از چرم
در بیان فراش حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله روایتست که
جامهٔ خواب رسول صلعم در وقت رفتن از دنیا فراش کهنه بود که در

وادی القری ساخته بودند و پر بود از پشم شتر و بعضی گفته اند که
درازی آن دو گز یا نزدیک بآن بود و پهنای آن یک گز و یک وجب بود
روایت است از امیر المؤمنین علیه السلام که جامه خواب رسول خدا
یکنوع گلیمی بود که انرا می پوشید و بالش آنحضرت پوستی که پر کرده
بودند از لیف خرما و روایتست که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که یک شبی آن گلیم را دو ته کردم و در زیر حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم انداختم چون صباح شد آنحضرت فرمود که منع کردم
در نیمشب این جامه خواب از نماز و بعد از آن فرمود که یک ته
کنند آن گلیم را روایتست که حضرت رسول صلعم علیه واله را جامه خواب
بود از پوست که پر ساخته بودند انرا از لیف خرما و آنحضرت را گلیمی
بود که فراش خود میساخت هرجا که میرفت و گاهی دو ته میکرد آنرا
و آنحضرت بسیار از اوقات بالین خود میساخت بالشی را که از پوست
بود و پر کرده بودند آنرا از لیف خرما می نشست بران و آنحضرت را
قطیفه بود که در فدک بافته بودند می پوشید آنرا و فروتنی مینمود
آنحضرت را قطیفه مصری بود و آنحضرت را بساطی موی بود که بران
نشست و گاهی بران نماز میگذارد در بیان خواب کردن آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله روایتست که حضرت رسالت پناه بر حصیری خواب
میکرد و در زیر آنحضرت غیر از ان حصیر چیزی نبود و آنحضرت چون میخواست
که خواب کند مسواک میکرد و بعد ازان بجامه خواب میرفت و آنحضرت چون جای میکرد

بجامه خواب بر پهلوی راست میخوابید و دست راست خود را در زیر
روی راست می نهاد و این دعا میخواند که اَللّٰهُمَّ قِنِی عَذَابَکَ یَوْمَ
تَبْعَثُ عِبَادَکَ یعنی بار خدایا نگاه دار مرا از عذاب خود در روزی
که برمی انگیزی بندگان خود را در بیان دعائی که رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم نزد آمدن بخوابگاه میخواند روایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله دعاهای بسیار در وقت خوابیدن
میخواند از جمله آنها این دعاست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ بِمُعَافَاتِکَ
مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی لَا اَسْتَطِیعُ اَنْ اَبْلُغَ فِی الثَّنَاءِ عَلَیْکَ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنْتَ کَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی
نَفْسِکَ وآنحضرت در وقت خوابیدن این نیز میخواند که بِسْمِ اللّٰهِ
اَمُوتُ وَاَحْیَا وَاِلَی اللّٰهِ الْمَصِیرُ اَللّٰهُمَّ اٰمِنْ رَوْعَتِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی
وَاَدِّ عَنِّی اَمَانَاتِی آنچه حضرت رسالت پناه میگفت نزد خوابیدن
روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم آیة الکرسی میخواند
نزد خواب کردن و میگفت که آمد بمن جبرئیل علیه السلام و گفت ای
محمد بدرستی که عفریتی از جن میخواهد که بتو ضرری برساند در وقتی
که در خواب باشی بر تو باد که آیة الکرسی بخوانی در وقت خوابیدن
آنچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بجای می آورد و در وقت
بیدار شدن از خواب روایتست که گفت ابوجعفر که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم هرگاه که از خواب بیدار میشد سجده میکرد حضرت حق سبحانه را

و روایتست که حضرت پیغمبر هرگاه خواب میکرد مسواک نزد خود
حاضر می بود چون بر میخواست از خواب ابتدا بمسواک میکرد و گفت حضرت
رسالت پناه که امر کرده است خدای تعالی مرا بمسواک کردن و مبالغه
نموده است تا آنکه میترسم که واجب شود بر من و از جمله دعاها
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواند در وقت بیدار شدن
از خواب این بود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحْيَانِي بَعْدَ مَوْتِي اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ شَكُورٌ و این دعا نیز میخواند که اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذَا
الْيَوْمِ وَنُورَهُ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهُورَهُ وَمُعَافَاتَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ
در بیان مسواک کردن حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله و سلم که مسواک میکرد و هر شب سه نوبت یکنوبت پیش از
خواب کردن و نوبت دیگر وقت بر خواستن از خواب بجهت وردی که
داشت در شب و نوبت سیوم پیش از بیرون رفتن بنماز صبح و آنحضرت
مسواک میکرد بچوب درخت اراک و جبرئیل علیه السلم امر کرده بود
آنحضرت را باین و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که مکروه میدارم که شخصی فوت شود و باقی ماند سنتی از سنتهای
رسول خدا صلعم و آله که بجای نیاورده باشد باب دوم
پاک گردانیدن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و مانند آن
و در وی سه فصل است فصل اول پاک گردانیدن بدن و لباس روایتست از ابی عبدالله

ع که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که پاک نمائید بآب از بوی
بد رستی که خدای تعالی دشمن میدارد از بندگان ناپاکی را روایتست
که گفت ابو عبدالله که شستن جامه می برد غم را و پاکیست از برای
نماز و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با انس که ای انس
بسیار طهارت کن تا زیاده گرداند خدای تعالی عمر ترا اگر قدرت داری
شب و روز بطهارت باشی بدرستی که وقتی که بمیری و بر طهارت
باشی شهید مرده باشی و منقولست از کتاب روضة الواعظین
که گفت امام جعفر صادق علیه السلم آنکسی که وضو سازد و اعضا
وضو را خشک سازد و بر رومال و مانند آن یک حسنه دارد و آنکسی که
وضو سازد و اعضای وضو را خشک نکند تا آنکه بخود خشک شود
سی حسنه دارد و روایتست از علی بن اسباط که گفت شنیدم از ابی
الحسن علیه السلام که می گفت که چهار خصلت از اخلاق پیغمبرانست
بوی خوش بکار بردن و پاکیزه بودن و نوره کردن و بسیار جماع
کردن روایتست بوی خوش بکار بردن روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که بوی خوش قوت میدهد دل را و منقولست
از کتاب امالی شیخ ابی جعفر طوسی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خدای تعالی دوست میدارد و شکل خوب
و تجمل را و زینت را و مکروه میدارد سختی را و بر سختی داشتن خود را و
هرگاه خدای تعالی انعام کند به بنده خود نعمتی دوست میدارد که اثر آن

نعمت دیر شود بران بنده مردی پرسید از امام جعفر صادق
علیه السلم که چگونه اثر آن بر بنده دیده میشود حضرت امام فرمود
که جامهٔ پاک بپوشد و بوی خوش بکار برد و خانهٔ خود را بگچ سفید
کند و جاروب کند در سرای خود را تا آنکه چراغ روشن کردن پیش
از فرو رفتن آفتاب درویشی را میبرد و زیاده میکند روزی را و
روایتست که گفت ابی عبدالله علیه السلام که چهار چیز از سنتهای
پیغمبران مرسلست مسواک کردن و خضاب بستن و بوی خوش بکار بردن
و دوست داشتن زنان و روایتست که گفت ابو عبدالله که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوی خوش بکار میبرد در هر جمعه و اگر بوی
خوش نمی یافت معجر بعضی از زنان خود را و آب میزد بران و بر روی
خود می مالید و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که رسول خدا فرمود که نرسیدم از دنیا مگر بزنان و بوی خوش و
روایتست که گفت ابی عبدالله بکسی که آنچه صرف میکنی در بوی خوش
اسراف نیست و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلم که چون
بیارند بنزد شما باید که بوی کنید آنرا و بنهید بر چشمهای خود بدرستی
که ریحان از بهشت است و منقولست از کتاب روضة الواعظین که
گفت ملک جنی که دادم بابی عبدالله علیه السلم ریحانی آنحضرت گرفت
آنرا و بوسید آنرا و بر چشم خود نهاد و گفت که آنکسی که بگیرد ریحانی را و
ببوید و بنهد و بر چشم خود و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد

هنوز آن ریحان در دست او باشد و آمرزیده شود و روایتست که
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که وقتی که بدهید شما به
برادر مؤمن خود ریحانی را باید که رد نکند آن ریحان را بدرستی که
ریحان از بهشت است و منقولست از صحیفة الرضا که امام رضا علیه السلام
روایت کرده است از پدران خود علیه السلام و ایشان روایت کرده
اند که گفت امیر المؤمنین صلوة الله علیه و آله که بوی خوش تعویذ
است و نظر کردن بسبزه تعویذ است و سواری تعویذ است و روایتست
که گفت امام رضا علیه السلام که مردمان میدانستند جای امام جعفر
صادق علیه السلام را در مسجد به بوی خوش آنجا و موضع سجدهٔ
او و گفت امام رضا علیه السلام که از اخلاق بزرگان و پیغمبران بوی
خوش بکار بردنست و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که دو رکعت
نماز با بوی خوش بکار بردن فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز که بی
بوی خوش بگذارند و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که سه چیز سنت پیغمبرانست نوره کردن و بوی خوش بکار بردن و بسیار
جماع کردن با زنان و روایتست که پرسیدند از ابا عبدالله و ابا الحسن را
علیه السلام از حال مردی که رد میکند بوی خوش را ایشان گفتند
آنکسی که رد میکند بوی خوش را رد کرده میشود کرامت از و و رد
میکند کرامت را از خود مگر کسی که بی عقل باشد و روایتست که گفت
ابو عبدالله که بوی خوش در شارب بکار بردن از اخلاق پیغمبران و

وغسل تعویذ است

بگذارند

كرامًا كاتبين است ومراد از كاتبين آن دو فرشته اند كه موكّل آدمي
اند وروايتست كه كفت امام رضا عليه السّلام كه علي بن الحسين
صلوة الله عليهم ظرفي داشت كه مي آويخت آنرا از پهلوي خود و در ان ظرف
مشك بود يعني ميخواست كه بيرون رود مي پوشيد جامهاي خود را و مي
كرفت آن ظرف را وبوي خوش بيرون مي آورد از ان ظرف ومي ماليد بر روي
خود ومنقولست از كتاب عيون الاخبار كه روايت كرده است صولي
از جدّه خود وجدّه او زني بود كه بسيار مي پرسيدند از و احوال امام
رضا عليه السّلم را كه كفت بياد ندارم از احوال امام رضا عليه السّلم
چيزي غير اينكه ميديدم كه بخور ميكرد بعود هندي واستعمال ميكرد
بعد از ان كلاب ومشك را ومنقولست از مسموعات سيّد ناصح الدين
ابو البركات كه رسول خدا صلّى الله عليه وآله كه بر شما باد كه استعمال
كنيد عود هندي را بدرستي كه در و هفت نوع شفا است وبهترين بويهاي
خوش مشك است وكفت امام جعفر صادق عليه السّلم كه خرج رسول خدا
ببوي خوش بيشتر بود از خرج طعام وكفت رسول خدا با مير المؤمنين
علي عليه السّلام كه يا علي بر تو باد كه بوي خوش بكار بري در هر جمعه كه
اين سنّت منست وخدا يتعالى مينويسد از براي تو حسنات مادام كه
بوي خوش از تو مي آيد وروايتست كه كفت حضرت پيغمبر صلّى الله عليه
وآله بايد كه كسي هر روز چيزي از بوي خوش بكار برد واكر ميسّر نشود
يكروز در ميان اينكار كند واكر ميسّر نشود بايد كه در هر جمعه بوي خوش

بكار برد وروايتست كه كفت رسول خدا كه هر زني كه بوي خوش بكار
برد وبعد از ان از خانه بيرون رود لعنت كرده شود تا انكه باز كردد
روايت خوش بوي كردن بخور روايتست كه كفت مرازم كه رفتم
با ابو الحسن ع بحمّام چون بيرون آمد وبجامه كن آمد مجمري طلبيد
وبوي خوش بخور كرد وكفت كه بوي خوش بكار كنيد براي مرازم ومرازم
ميكويد كه پرسيدم كه اكر كسي ديكر خواهد كه بكيرد نصيب خود از بوي
خوش بكيرد حضرت امام جعفر عليه السّلم كفت آري بكيرد وروايتست
كه كفت ابو عبد الله عليه السّلم كه بايد كه بخور كنيد براي جامه خود
وقتي كه قدرت داشته باشيد وروايت كرده است عمر بن مامون از دختر
خود ودختر او زوجه امام حسن عليه السّلم بود كه دختر من كفت
كه طلبيد ابن زبير امام حسن را بجهة طعامي كه براي عروسي مهيّا ساخته
بود آنحضرت رفت بضيافت او وروزه داشت ابن زبير كفت با آنحضرت
كه چون روزه داري تحفه روزه داران براي تو بياورم پس روغن ومحاسن
مبارك آنحضرت را روغن ماليد وبخور كرد جامه او را وآنحضرت كفت هر كه
روزه داشته باشد شانه كردن محاسن وبخور كردن جامه روايت كرده
است ابو عبد الله از پدران خود عليه السّلم كه كفت رسول خدا كه بوي
خوش زنان آنست كه ظاهر شود رنك او ومخفي باشد بوي او وبوي خوش
مردان آنست كه مخفي باشد رنك او وظاهر باشد بوي او تا اينجا از اين باب
اختيار كرده شده است از كتاب لباس كه منسوبست بعياشي رحمة الله عليه

در بیان گل و گلاب منقولست از کتاب طب الائمه که گفت حسن بن منذر که چون حضرت پیغمبر را باسمان بردند زمین حزین واندوهناک شد از مفارقت آنحضرت و رویانید کبر را و چون آنحضرت مراجعت فرمود بزمین زمین خوشحال شد و رویانید گل سرخ را پس آنکسی که میخواهد دریابد بوی آنحضرت را باید که ببوید گل سرخ را و در حدیث دیگر واقع شده که چون حضرت پیغمبر باسمان رفت و عرق کرد و عرق آنحضرت بر زمین چکید و رویانید زمین از عرق آنحضرت گل سرخ را و آنحضرت گفت که آنکسی که میخواهد که دریابد بوی مرا باید که ببوید گل سرخ را و منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که گل سفید مخلوق شده است از عرق من در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل علیه السلام و گل زرد از عرق براق و روایتست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که گلاب گل سفید زیاده میکند تازگی رو و می برد درویشی را و روایت کرده است ابو حمزه ثمالی که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که آنکسی که بمالد گلاب بر روی خود نرسد باو آنروز سختی و درویشی و آنکسی که خواهد گلاب بمالد باید که گلاب بر دو روی بریزد و بهر دو دست خود بمالد و صلوة بر نبی و آل او علیهم السلام بفرستد و روایتست که گفت امام حسن علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم داد گل سرخ را بمن بهر دو دست خود گفت این سید ریحان دنیا و آخرتست

در بیان نرگس روایتست از حسن بن منذر که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که در بوئیدن نرگس و روغن او فضایل بسیار است و چون افروخت نمرود آتش را برای حضرت ابراهیم علیه السلام که بسوزاند خدا تعالی آن آتش را بر ابراهیم خنک و رویانید در آن آتش نرگس را و اصل نرگس از آن گلست که رویانیده است خدا تعالی در آن زمان

در بیان مرزنگوش روایتست از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که بر شما باد که مرزنگوش را بوی کنید بدرستی که نیکو است برای گرفتگی دماغ و روایتست که گفت انس که هر ریحانی که میدادند بحضرت رسول می بوئید و رد میکرد الا مرزنگوش را و روایتست که گفت امام موسی کاظم علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که خوب ریحان بهشت مرزنگوش که میروید در زیر ساق عرش آب او شفای چشم است

فصل ۲ در سرمه کشیدن و روغن مالیدن در بیان سرمه کشیدن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امام محمد باقر علیه السلام که سرمه کشیدن میرویاند موی مژه چشم را و تیز میکند بصر را و یاری میدهد بسیاری سجده کردن و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلم که اعرابی آمد نزد حضرت پیغمبر که نام او قلیب بود و چشمهای او آب میریخت آنحضرت گفت بآن اعرابی که از چشمهای تو آب میریزد ای قلیب بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه سر چین چشم است و منقولست از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مسواک کردن جلا میدهد چشم را و سرمه کشیدن می برد بوی دهن را

روایتست که گفت امام رضا علیه السلام که هر کسی که چشم او ضعیف
شود باید که هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و سه
میل در چشم چپ بدرستی که سرمه رویاند موی مژه را و جلا میدهد
چشم را و نفع خدا یتعالی ببیك سرمه کشیدن تا سی سال و روایتست
که گفت امام رضا علیه السلام که انکسی که ایمان دارد بخدا و بروز
قیامت باید که سرمه بکشد و نیز گفت امام رضا علیه السلام
که بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی که سرمه جلا میدهد چشم را
و میرویاند مژهای چشم را و خوشبو میکند دهن را و زیاده
میکند قوت جماع را و نیز گفت امام رضا علیه السلام که انکسی که چشم
او ضعیف باشد باید که هفت میل سرمه بکشد وقت خواب کردن
چهار میل در چشم راست و سه در چشم چپ و روایت است که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که سرمه کشیدن میرویاند مژه را و بر
طرف میکند آب زدن چشم را و خوش مزه میکند آب دهن را و جلا
میدهد چشم را و نیز گفت امام جعفر صادق که سرمه کشیدن زیاده
میکند قوت جماع را و نیز گفت که سرمه کشیدن خوشبو میکند
دهن را و نیز گفت که سرمه کشیدن در شب خوشبو میکند دهن
و منفعت او می ماند تا چهل روز روایتست که امام جعفر صادق
علیه السلام بیشتر در شب سرمه میکشید و سه میل در هر چشمی و
روایتست امام جعفر صادق علیه السلام که سرمه کشیدن در محل نوم

امانست از نزول آب در چشم و منقولست از کتاب لباس که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله سرمه
میکشید وقتی که میخواست خواب کند و روایت کرده ابن فضال
که حسن بن جهم نمود بمن میلی از آهن و گفت که این میل از ابی الحسن است
و او سرمه کشید بآن میل و من نیز سرمه کشیدم بآن میل روایت
کرده است نادر الخادم که گفت ابو الحسن علیه السلام ببعضی از کسانی
که همراه او بودند که سرمه بکش عرض کرد که دوست نمیدارم زینت را
در منزل خود آنحضرت فرمود که بترس از خدا و سرمه بکش و دست
مدار از سرمه کشیدن و گفت رسول خدا صلی الله علیه واله که انکسی که
سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد انکسی که این
کار کرده است و انکسی که این کار نکند بر و چیزی نیست و روایت کرده
است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود که گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه
کشیدن او طاق باشد و انکسی که استنجا کند باید که عدد استنجا
کردن او طاق باشد و انکسی که استخاره میکند بخدا باید که عدد استخاره
کردن او طاق باشد و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام
گفت که بر شما باد که سرمه بکشید بدرستی که سرمه کشیدن
خوشبو میکند دهن را و بر شما باد که مسواک کنید بلغم را از دماغ فرو
می آرد پس جلا میدهد چشم را و هر گاه سرمه کشد بلغم میرود پس

نیکو کرده است

بخور کند بوی خوش را باید که
عدد بخور کردن او طاق

بعد سنتی که مسواک کردن
جلا میدهد چشم را و دهن را خوشبو
زیرا که هر گاه کسی مسواک کند

خوشبو میکند دهن را دعایی که در وقت سرمه کشیدن باید خواند
اینست اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد وان تجعل النور فی
بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر ابدا ما ابقیتنی در بیان روغن مالیدن
منقولست از کتب شیخ سعید ابی جعفر بن بابویه که کفت امام جعفر
علیه السلام که هرکاه بریزی روغن را بر دست خود بکوید اللهم
انی اسئلک الزین والزینة فی الدنیا واعوذ بک من الشین والشناة
فی الدنیا والآخرة ونیز کفت امام جعفر صادق علیه که روغن نرم
میکند پوست بدن را و قوت میدهد دماغ را و آسان میکرداند
مجاری آب را و می برد درویشی را و درخشنده میکند رنگ بدن را و نیز
کفت هرکه مسلمانی را روغن بمالد بنویسد خدا تعالی برای او بعدد
هر موی یک نوری در روز قیامت و نیز کفت که روغن مالیدن
می برد سختی و مشقت را و نیز کفت که روغن بنفشه بهترین روغنهاست
و روایتست که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در وصیتی
که امیر المؤمنین علی علیه السلام را کرده بود یا علی بخور روغن زیتون
را و بمال بر بدن خود بدرستی که آنکسی که بخورد روغن زیتون را و
بمالد بر بدن خود نزدیک نشود او را شیطان چهل روز و روایتست
که امیر المؤمنین علی علیه السلام که روغن بنفشه بکار برید بدرستی
که او خنک است در تابستان و کرم است در زمستان و نیز کفت که

خدا صلی الله علیه وآله فرمود که فضل روغن بنفشه بر روغنهای
دیکر همچو فضل اسلام است بر باقی ادیان و روایتست که کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که روغن بمالید یکروز در میان و سرمه
بکشید بعدد طاق فصل سیوم در مسواک کردن منقولست از
کتاب من لا یحضره الفقیه که رسول خدا صلی الله علیه وآله کفت
که همیشه جبرئیل علیه السلام وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه
ترسیدم که دندانهای من سوده شوند یا بریزند که میراث خواهد
برد و همیشه وصیت میکرد مرا برعایت حال مملوک تا آنکه کمان بردم
که تعیین خواهد کرد برای مملوک که مدتی که آزاد شود بعد از آن
مدتی و روایتست که کفت امام موسی کاظم علیه السلام که خوردن
اشنان میکدازاند بدن را و خشت پخته مالیدن کهنه و بی صفا میکند
بدن را و مسواک کردن در آبخانه بدبو میکند دهن را و روایتست که
کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که مسواک کردن زیاده میکند
فصاحت و نیز کفت که وقتی که روزه دارید مسواک کنید در صباح
و مسواک مکنید در آخر روز بدرستی که روزه داری که خشک باشد
لبهای او در آخر روز نوری در میان دو چشم او خواهد بود در روز
قیامت و نیز کفت که خوب مسواک ایست مسواکی که از چوب زیتون
باشد زیرا که زیتون درخت مبارکیست و مسواک کردن بزیتون
می برد تباهی دندانرا و چوب زیتون مسواک من و مسواک پیغمبرانست

که پیش از من بوده اند و نیز گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران
مرسل ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و جماع کردن و مسواک
کردن و روایت است که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است بوی خوش بکار بردن
و مسواک کردن و نعلین پوشیدن و منقول است از کتاب روضة
الواعظین که گفت ابو الحسن علیه السلام که احتیاج دارد شیعه
ما به چهار چیز سجاده که نماز کند بر آن و انگشتری که در انگشت کند
و مسواکی که مسواک کند با آن و تسبیحی که از خاک قبر ابی عبد الله
الحسین که در آن سی و سه دانه باشد هر گاه بگرداند آن تسبیح را
و ذکر خدای تعالی بگوید بنویسد خدای تعالی بعد هر دانه چهل حسنه
از برای او و هر گاه بگرداند تسبیح را از روی سهو و عبث و ذکر خدا نگوید
بنویسد خدای تعالی برای او بعد هر دانه بیست حسنه و روایت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی که کرد حضرت امیر المؤمنین
را که یا علی بر تو باد که مسواک کنی نزد هر وضو و نیز گفت که مسواک
کردن جزو وضو است و روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون مردمان در آمدند در دین گروه گروه قبیله ازدی آمدند
که آن قبیله را ازد می گفتند رقت قلب ایشان بیش از همه مردمان بود
دهن ایشان خوشبوتر بود از دهن مردمان دیگر شخصی گفت یا رسول الله
رقت قلب ایشان بیشتر است پس چرا دهن ایشان خوشبوتر است آنحضرت گفت

بجهة انکه ایشان مسواک میکردند پیش از آنکه اسلام آورند و نیز
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
بسیار مسواک میکرد و مسواک کردن واجب نیست پس ضرر نمیکند
ترک آن در بعضی از روزها و باکی نیست که مسواک کند روزه دار
در ماه رمضان در هر وقت از روز که خواهد و همچنین باکی نیست که
مسواک کردن روزه دار کسی را که احرام بسته باشد برای حج و مکروه است
مسواک کردن در حمام بجهة انکه موجب وبای دندانها است و روایت
که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام فرمودند که دو رکعت
نماز بمسواک فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک و گفت امام محمد
باقر علیه السلام بکسی که وا مگذار مسواک کردن را در هر سه روز
اگر چه یکبار مسواک را در دهن کنی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که سرمه بکشید بعدد طاق و مسواک کنید بطریق عرض و روایت
که امام جعفر صادق علیه السلام مسواک کردن را ترک کرد پیش از انکه از
دنیا برود بدو سال و این بنا بر آن بود که دندانهای مبارک او ضعیف
شده بود و روایتست که پرسید علی ابن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر
علیه السلام از حال مردی که مسواک میکرد بانگشت خود وقتی که بر میخواست
بنماز شب و او قادر بود بر مسواک کردن آنحضرت گفت که اگر می ترسید
که صبح شود باکی نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر
در مشقت نمی افتادند امت من من هر آینه امر میکردم ایشان را بمسواک

کردن نیز دهن وضو و هر نمازی و روایتیست که خانه کعبه شکایت
کرد بخدا تعالی از بوی بدی که میرسید باو از نفس مشرکان خدا
تعالی وحی کرد بخانه کعبه و گفت قرار گیر ای کعبه بدرستی که تبدیل
کنم این قوم را بقومی که پاکی نمایند بشاخهای درخت چون پیغمبری
فرستاد حق تعالی محمد را فرود آمد بر آنحضرت جبرئیل و آورد مسواک
و خلال را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که در مسواک کردن
دوازده خصلت است که سنت پیغمبر است که پاک میکند دهن را و
جلا می دهد چشم را و خشنود میکند خدا تعالی را و سفید میکند
دندانها را و میبرد تباهی دندانها را و سفید و محکم میکند گوشت
بیخ دندانها و اشتهای طعام می آورد و می برد بلغم را و زیاده میکند
حفظ را و مضاعف میکرداند حسنات را و خوشحال میکرداند فرشتها
و روایتیست که امام رضا علیه السلام را خریطه بود که در وی پنج مسواک
بود و نوشته بود بر هر مسواکی نام نمازی از نمازهای پنجگانه
که مسواک میکرد بآن نزد آن نماز و منقولست از کتاب طب الائمه که
که امام رضا علیه السلام گفت که مسواک کردن روشن میکند چشم
و میرویاند موی را و میبرد آب زدن چشم را و مذکور است که روزی
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام را گفت
یا علی بر تو باد که مسواک کنی و اگر قدرت داری کم نکنی مسواک کردن
را بدرستی که هر نمازی که بگذاری بمسواک فاضلتر است از چهل روز

نماز

نمازی که بگذاری بی مسواک و منقولست از کتاب لباس که از ابی
نصیر عیاشی راست که روایت کرده است ابو جمیله که گفت ابو عبدالله
که فرود آمد جبرئیل و آورد خلال و مسواک و حجامت را روایت کرده است
ابو عبدالله از پدران خود که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که پاک
کردانید راه قرآنرا اصحاب گفتند یا رسول الله چیست راه قرآن آنحضرت گفت دهنهای
شما اصحاب گفتند بچه چیز پاک کنیم آنحضرت فرمود بمسواک و نیز گفت
که پاک کنید دهنهای خود را بمسواک بدرستی که دهن شما راه تسبیح است
و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت ابو عبدالله علیه السلام
که خوردن اشنان میکدازاند بدن را و خشت پخته مالیدن در بدن
و بیصفا میکند بدن را و مسواک کردن بد بو نمیکند دهن را و خشنود میکند خدا
تعالی است و سنت پیغمبر است و خوشبو کننده دهن است و روایتیست
که گفت ابو عبدالله که مسواک کردن در آبخانه بوی دهن می آورد و
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود علیه السلام
و پدر را و روایت کرده است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که سه چیز
که بلغم را میبرد و حفظ را زیاده میکند که مسواک کردن و روزه داشتن
و قرآن خواندن **باب سیم** در آداب حمام رفتن و آنچه متعلق
است بآن و درین باب شش است **فصل اول** فصل است در کیفیت در آمدن بحمام و
منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است محمد بن حمران
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون در آیی بحمام در وقتی

و روایتست که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که مسواک کردن [illegible]

که میکنی جامهٔ خود را بگو که اللّهم انزع عنّی ربقة النفاق وثبّتنی
علی الایمان وهرگاه درآئی در اول حمام بگو که اللّهم انّی اعوذ بک من شرّ
نفسی واستعیذ بک من اذاه ووقتی که درائی بخانهٔ دوم بگو
اللّهم اذهب عنّی الرجس النجس وطهّر جسدی وقلبی وبردار آب
گرم وبریز برمیان سر خود وبر هردو پای خود واگر میتوانی
از آب گرم جرعهٔ بخور بدرستی که پاک میکند مثانه را وساعتی
درنگ کن در خانهٔ دوم وچون درآئی بخانه سیوم بگو نعوذ بالله من النار
ونسأله الجنّة وبگو این را تا وقت بیرون رفتن از گرم خانه وبپر
پرهیز از خوردن آب خنک وفقاع در حمام بدرستی که فاسد میکند
معده را وآب خنک ضعیف میکند بدن را وآب خنک بر پاهای خود بریز
در وقت بیرون آمدن از حمام بدرستی که آب خنک ریختن بر پا در
وقت بیرون آمدن از حمام میکشد درد را از بدن وچون بیرون
ائی از حمام وبپوشی لباس خود را بگو که اللّهم البسنی التقوی وجنّبنی الردی
چون این کار کنی که گفته شد ایمن میشوی از هر دردی وباکی نیست قرآن
خواندن در حمام مادام که تحریر نکنی ولنگ داشته باشی وروایت
که پرسید محمّد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلم که آیا منع میکرد
امیر المؤمنین علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمام وقتی که کسی برهنه
بودی پس وقتی که کسی لنگ بسته باشد باکی نیست وگفت علی بن
یقطین با امام موسی کاظم علیه السلم که در حمام قرآن میخوانم وجماع میکنم

آیا قصوری دارد آنحضرت گفت باکی نیست وروایتست که گفت امیر
المؤمنین علی علیه السلم که خوب خانه ایست حمام زیرا که بیاد می آید
در وآتش دوزخ ومی برد چرک را ونیز گفت که بد خانه ایست حمام
زیرا که میدرد ستر را ومی برد شرم وحیا را وگفت امام جعفر صادق
علیه السلم که بد خانه ایست حمام زیرا که میدرد ستر را وظاهر
میسازد عورت را وخوب خانه ایست حمام زیرا که بیاد می آورد حرارت
جهنّم را وآزادیست که کسی فرزند خود را با خود بحمام نبرد تا نظر
در عورت او نکند وروایتست که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله
که آنکسی که ایمان دارد بخدا تعالی وبروز قیامت باید که زن
خود را بحمام نفرستد ونیز گفت که منع میکنم زنان امّت خود را از
حمام رفتن وگفت امام موسی کاظم علیه السلم که زینهار بحمام نرو بعد
ومنقولست از کتاب محاسن که گفت ابو عبد الله علیه السلم ناشتا
که بحمام مرو مگر وقتی که در اندرون تو چیزی باشد
که بنشاند حرارت معده را وچیزی خوردن وبعد از آن بحمام
رفتن بحمام قوت میدهد بدن را وبحمام مرو وقتی که طعام بسیار
خورده باشی ونیز گفت باکی نیست قرآن خواندن در حمام وقتی که از
برای خدا باشد واراده نکرده باشد که بر بیند آواز چگونه باشد
در حمام وروایتست که گفت ابو یعقوب که پرسیدم از ابی عبد الله
که اگر برهنه باشد کسی وقت آب ریختن عورات او بر بینند وآب

برو بریزند و او به بیند عورت مردمانرا قصوری دارد آنحضرت
گفت پدر من مکروه میداشت این را از همه کس و گفت امام جعفر
صادق ع باید که بر پشت نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت
خوابیدن در حمام میگدازد پیه گرده را و روایتست که بیرون آمد
امام جعفر صادق علیه السلام از حمام و جامه پوشید و عمامه
بر سر نهاد و گفت که ترك نکرده ام عمامه بر سر نهادن را وقتی که
بیرون آمدن از حمام در زمستان و تابستان و گفت امام موسی
علیه السلم که حمام رفتن یکروز در میان بسیار میکرداند گوشت
بدن را و هر روز بحمام رفتن میگدازاند پیه گرده را و گفت عبد الرحمن
بن مسلم که بودم در حمام در خانه میان پس در آمد امام موسی
علیه السلام و لنك بسته بود بر بالای نوره گفت السلام علیکم و من
جواب سلام گفتم و رفتم در خانه که درو حوض بود غسل کردم
و بیرون رفتم و روایتست که گفت امام رضا علیه السلم اگر کسی بشوید
پاهای خود را و بعد از ان بیرون آمدن از حمام باکی نیست و اگر نشوید
هم باکی نیست و روایتست که بیرون آمد امام علیه السلام از حمام
پس گفت با آنحضرت مردی که طاب استحمامك یعنی خوش باد بکرم
شستن تو آنحضرت گفت ای مرد لئیم چکار داری بایست اینجا آنمرد
گفت طاب حمامك یعنی خوش باد حمام تو آنحضرت گفت وقتی که خوش
باشد حمام پس چیست بدن آنمرد گفت فطاب حمیمك آنحضرت گفت

وای بر تو نمیدانی که حمیم عرق را میگویند آنمرد گفت یا امام چه بگویم
آنحضرت گفت که بگو طاب ما طهر منك و طهر ما طاب منك یعنی خوش
باد بدن تو و خوش گفت امام جعفر صادق علیه السلم که چون بیرون
آمده باشی از حمام و بگوید برادر مومن که طاب حمامك بگو مر
او را که انعم الله بالك یعنی خوش گرداند خدا تعالی دل ترا و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که درد سه است و دوا نیز سه است
اما درد خونست و صفرا و بلغم و دوای خون حجامتست و دوای
بلغم حمام و دوای صفرا راه رفتن و گفت امام جعفر صادق علیه
السلم که سه چیز است که فربه میسازد بدن آدمی را و سه چیز است
که لاغر میسازد اما چون آن چیزها که فربه میسازد مداومت
حمام و بوییدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم و اما آن
چیزها که لاغر میسازد مداومت خوردن تخم مرغ است و ماهی و هر روز
بحمام رفتن بدرستی که اگر کسی هر روز بحمام رود کم میشود گوشت بدن
او و گفت امام محمد باقر علیه السلم که آب حمام باکی نیست باو یعنی نجس
نیست وقتی که او را ماده بوده باشد که کر باشد یا زیاده و مراد آب
حمام آن آبیست که در حوضهای خورد است که کمتر از کر باشد و گفت
داود بن سرحان که گفتم بابی عبد الله که چه میگویی در آب حمام آنحضرت
گفت که او مثل آب روانست و مراد آنحضرت آن آب حمامیست که او را
ماده بوده باشد و گفت محمد بن مسلم که گفتم بابی عبد الله که غسل

میکند جنب و غیر جنب در حمام آیا غسل بکنم از آب او آنحضرت گفت
که غسل بکن باکی نیست که غسل کند جنب از آب حمام محمد بن مسلم گفت
که غسل کردم از آب حمام و بعد از آن شستم پای خود را مگر بحجت آنکه
گل چسبیده بود بر پاهای من و گفت زراره که دیدم امام محمد باقر
علیه السلام را که بیرون آمد از حمام و رفت همچنانکه بود و پاهای
خود را نشست و نماز گذارد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بشوئید پاهای خود را بعد از آنکه از حمام بیرون آمدید بدرستی
که شستن پا بعد از بیرون آمدن از حمام می برد دردنیم سر را و وقت
بیرون آمدن از حمام عمامه بر سر نهید و روایت کرده است محمد
بن موسی که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که بیرون
می آمدند از حمام عمامه بر سر می نهادند در زمستان و تابستان و
می گفتند که عمامه بر سر نهادن در وقت بیرون آمدن از حمام امان است
از درد سر و روایتست که چون کسی درآید بحمام و حرارت برو غلبه
کند باید که آب خنک بر خود بریزد تا حرارت تسکین یابد و منقول است
از کتاب طب الائمه که بگیرید ناخن خود را روز سه شنبه و حجامت کنید
روز چهارشنبه و بحمام بروید روز پنجشنبه و بهترین بوهای خوش
بکار برید روز جمعه و منقولست از کتاب لباس که گفت سعدان
بن مسلم که نزد ما امیر المؤمنین علی علیه السلام آمد و ما در حمام بودیم آنحضرت
سلام کرد من برخاستم و شرط خدمت بجای آوردم و غسل کردم و

بیرون

بیرون رفتیم و روایت کرده حنان بن سدیر از پدر خود که گفت که
درآمدم من و پدر و جد و عم بحمام مدینه مردی در جامه کن حمام بود
گفت شما از کدام قومید گفتیم ما از اهل عراقیم گفت از کدام شهر عراق گفتیم از
اهل کوفه ایم گفت خوش آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام
و چه چیز است که باز میدارد شما را از لنگ بستن بدرستی که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که دیدن عورت مسلمان حرامست پس عم
کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و هر کدام از ما یکپاره گرفتیم و لنگ
کردیم چون بیرون آمدیم از حمام پرسیدیم که آن مرد که بود گفتند
امام زین العابدین علیه السلام و پسر او امام محمد باقر علیه السلام
با او بود **فصل دوم** در بیان پوشیدن عورت منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی
ایمان دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید که در نیاید بحمام مگر آنکه
لنگ بسته باشد و منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از در
آمدن باب روان بی لنگ و گفت بدرستی که در آب جماعتی ساکنند و
روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وقتی که برهنه شوید شیطان
بشما نظر میکند در شما پس بپوشانید خود را و روایت که گفت ابو عبد
الله علیه السلام که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
از درآمدن مردان بحمام بی لنگ و روایت کرده است امام محمد باقر

وطمع میکند

علیه السلم که سعید بن عبد الملك دری آمد بحمام با کنیزان خود
امیر المؤمنین علی علیه السلم کفت که باکی نیست وقتی که او و کنیزان
او لنك بسته باشند و برهنه نباشند همچون خران که بعضی نظر
میکنند بعورت بعضی و روایت است که امام جعفر صادق علیه
السلم کفت که مکروه است نظر کردن بعورت مسلمانان اما نظر
کردن بعورت کسی که مسلمان نباشد مانند نظر کردنست بعورت
دراز کوش و نیز کفت باید که کسی نظر نکند بعورت برادر مؤمن
در حمام واکر مخالف او باشد در مذهب باکی نیست و نیز کفت که ران
داخل عورت نیست و روایتست که کفت ابو بصیر که کفتم با ابو عبد الله
که آیا جایز است که مرد برهنه غسل کند آنحضرت کفت که وقتی که او را
هیچکس نبیند باکی نیست و منقولست از کتاب تهذیب الابواب که کفت
حذیفه منصور که کفتم بابی عبد الله علیه السلم که مردان میکویند که
عورت مومن بر مومن حرامست آنحضرت کفت که چنین نیست که مردمان
بران رفته اند و کمان برده اند و مراد بعورت مومن آنست که چیزی
ناخوشی از مؤمن واقع شود یا سخنی بکوید که عیب کنند او را کسی آنچیز
یا آن سخن را حفظ کند بجهة آنکه آن مؤمن را سرزنش کنند بآن روزی
و روایتست که کفت عبد الله بن سنان که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلم این حدیثی را که عورت مؤمن بر مؤمن حرامست آنحضرت
کفت بلی چنین است کفتم مراد من بعورت مؤمن پس و پیش است آنحضرت

کفت

کفت که چنین است که تو کمان برده بلکه فاش کردن سر مؤمن بر
مؤمن حرامست و روایت کرده است زید شحام که کفت ابو عبد الله
علیه السلم که مراد از این حدیث که عورت مؤمن بر مؤمن حرامست این
نیست که برهنه شود مومن و دیده شود عورت او بلکه مراد آنست
که خوار داری مومن را یا عیب کنی او را

فصل سیوم

در بیان مالیدن
خشت پخته و روغن زیتون و آرد و غیر اینها در بدن و منقولست
از کتاب من لایحضره الفقیه که کفت امیر المؤمنین علی که باید بر پشت
نخوابید در حمام بدرستی که بر پشت خوابیدن بحمام میکداز اند پیه کرده را
و باید که نمالید خشت پخته را بر پای خود بر جهة آنکه جذام می آورد
و کفت امام جعفر صادق علیه السلم که نمالد خشت پخته را در بدن
خود که برص می آورد و نمالد فوطه را که لنك کرده بر روی خود زیرا که
می برد صفا و طراوت روی را و روایتست که کل مصر و خشت پخته است شام را
که برص و جذام می آورد و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حذر کنید از خشت پخته بر بدن مالیدن که بدن را کهنه و بی طراوت
میکند و بر شما باد که کیسه بر بدن بمالید و کفت امام رضا علیه
السلام که باکی نیست که بمالید در حمام تلخان و آرد و سبوس را در بدن
خود و باکی نیست که بمالد کسی در بدن خود آردی را که ترکرده باشند
بروغن مالیدن زیتون و اسراف نیست در آن چیزی که نفع میدهد
بدن را و اسراف آنست که کسی مال خود تلف کند و ضرر رسد بر بدن

او وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست که بمالد کسی
خلوق را در بدن خود در حمام و بمالد بر دست خود بجهة شکافی که خلوق
آنرا دوا میکند و خلوق نوعیست از بوی خوش و سنت نیست بکار بردن
خلوق دایم و همچنین سنت نیست که خلوق را بنوعی بمالد که اثر او برو
ظاهر باشد و منقولست از کتاب لباس که کفت ابو الحسن در شان
مردی که نوره باکی نیست این کار کردن و روایت کرده است ابو الصباح
بعضی از اصحاب خود که پرسیدند از ابی عبد الله که ما در راه مکه بودیم
و اراده احرام کردیم و نبود با ما سبوسی که بعد از نوره بر بدن بمالیم
و آرد طلبیدیم بر بدن خود مالیدیم پس رسید بما بجهة این چیز که خدا
بان دانا تر است کفت ابو عبد الله که ایچیز اسراف است کفتم بلی آنحضرت کفت
که اسراف نیست در چیزی که اصلاح بدن میکند و بسیار است که کار
میکنم من که آرد بختر را تر کنند بروغن زیتون و میمالند در بدن خود
و اسراف آنست که مال تلف و ضرر بر بدن رسد و کفتم تنکی بر معیشت
کدام است کفت خوردن نان و نمک حال انکه قادر باشی بر غیر آن کفتم میانه
روی در معیشت کدامست کفت خوردن نان با کوشت یا با شیر یا با غیر
یعنی هر بار یکی از اینها را با نان بخورد و روایتست که کفتند نزد ابو الحسن
که مردی نوره مالیده بود و آرد را تر کرده بود و میمالید بر بدن خود
بعد از نوره تا بوی نوره را ببرد آنحضرت کفت که باکی نیست اینکار کردن
فصل چهارم وتراشیدن سر روزها و زیر بغل منقولست از کتاب

من لا یحضره الفقیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله که کفت بمردی که
بتراش سر خود را که زیاده میشود جمال تو وکفت امام جعفر صادق
علیه السلام که سر تراشیدن در غیر حج و عمره عقوبتست مر دشمنان
شما را و جمال و زینتست مر شما را پس کفت آنحضرت که بیرون میروند
دشمنان شما از دین همچنانکه بیرون میرود تیر از کمان و علامت
ایشان آنست که سر میتراشند و روغن نمیمالند و منقولست از کتاب
نوادر الحکمه که روایت کرده امام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام و ایشان روایت کرده اند که کفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که میتراشید سر طفلانرا بابینظر یعنی که بعضی از سر ایشان
بتراشید و بعضی را بکذارید و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام
که کفت ابو عبد الله علیه السلام که نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم طفلی آوردند که آنحضرت دعا کند برای او و موی بر کرد سر آن
طفل کذاشته بودند آنحضرت دعا نکرد و فرمود که تراشیدن سر آن
طفل را و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امر کرد
بتراشیدن موی شکم و روایتست که کفت امام محمد باقر علیه السلام
که ختنه کرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم امام حسن و امام حسین را
در روز هفتم از ولادت ایشان و سر ایشانرا تراشید در همان روز نقره
صدقه کرد بوزن موی سر ایشان و عقیقه کرد برای ایشان دران
روز بدایه داد ران کوسفند را و روایتست که چون کسی خواهد که

سر خود را بتراشد باید که ابتدا کند بر پیشا و بگوید بسم الله و با
لله علی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم
القیمة و چون فارغ شود از سر تراشیدن باید که بگوید اللهم زینی
بالتقوی وجنبنی الردی و منقولست از کتاب طب الائمة که امام جعفر
صادق علیه السلام گفت که در هر هفته سر باید تراشید و در هر پانزده
روز نوره می باید کرد منقولست از کتاب لباس که گفت امام رضا
علیه السلام که سه چیز است که هر که بداند فایده آنرا دست باز نمیدارد
از آن گرفتن موی و نکاح زنان و بالا گرفتن جامه و نیز گفت که سه
چیز است از سنتهای پیغمبران بوی خوش بکار بردن و نکاح
گرفتن موی و بسیار جماع کردن و روایت کرده است عمر بن عثمان که
گفت کسی با امام رضا علیه السلام که گمان می برند مردمان که سر تراشیده
در غیر منی است آنحضرت گفت سبحان الله پدر من وقتی که باز گشت
از حج و رسید بملك خود که در بیرون مدینه بود در بنیا مدینه
تا آنکه سر خود را تراشید و روایتست که پرسیدند از امام جعفر
صادق علیه السلام از گذاشتن موی سر که دراز شود آنحضرت گفت
که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میتراشیدند موی
سر را و نمیگذاشتند که دراز شود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گرفتن موی بینی نیکو میگرداند روی را و گفت حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم آنکسی که ایمان دارد بخدا تعالی و بروز قیامت باید

موی زهار را نگذارد زیاده از چهل روز و حلال نیست زنی را که
ایمان داشته باشد بخدا تعالی و بروز قیامت که بگذارد موی
زهار را زیاده از بیست روز گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنکسی ایمان دارد بخدا و بروز قیامت باید که نگذارد موی زهار را
زیاده از هفت روز و ترك نکند نوره کردن را بیشتر از یکماه و آنکسی
که ترك کند بیشتر از یکماه و آنکسی که ترك کند نماز او درست نیست و
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله والسلام باید که مرد و زن بتراشند
موی شکم را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود خدای
تعالی با براهیم علیه السلام که پاکی بجنت نمای آنحضرت موی زهار را
تراشید و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام نوره میمالید
زیر بغل خود در حمام و میگفت که کندن موی زیر بغل ضعیف و سست
میکند کتفها را و سست و ضعیف میکند چشم را و گفت آنحضرت که
تراشیدن موی زیر بغل فاضلتر و بهتر است از ناتراشیدن و روایت
کرده است زراره که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کندن
موی زیر بغل فاضلتر است از تراشیدن او و نوره کردن از هر دو بهتر
است و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که کندن موی زیر بغل می
برد بوی بد را و پاك کننده است و از جمله سنتها است که امر کرده با آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که باید که نگذارد موی زیر بغل را که دراز
شود بدستی که شیطان در آنجا پنهان میشود و پاکی نیست که جنب نوره

کند زیراکه زیاده میکند پاکی را و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که میان نوح و ابراهیم علیهم السلم هزار سال فاصله بود و
شریعت ابراهیم علیه السلم توحید و اخلاص و برطرف کردن شریکان
خدایتعالی بود و مردمان مخلوق شده اند بر شریعت ابراهیم علیه
السلام و شریعت ابراهیم دین و اسلام و عهد کرفت خدایتعالی بر ابراهیم
علیه السلام که پرستش نکند غیر او را و شریك نکرداند با و هیچ را
و امر کرد ابراهیم را بنماز و امر معروف و نهی منکر و حکم نکرد برو
احکام فرض میراثرا و زیاده کرد در دین او ختنه کردن و شارب کرفتن
و موی زیر بغل کندن و ناخن کرفتن و تراشیدن زهار و امر کرد
او را به بنای خانه کعبه و حج و مناسك حج و اینها همه که مذکور شد
اسلام شریعت ابراهیم علیه السلام است و نیز کفت امام جعفر صادق
علیه السلم که خدایتعالی فرمود بابراهیم علیه السلام که پاکی نمای ابراهیم
شارب خود را کرفت باز خدایتعالی امر کرد بپاکی آنحضرت تراشید
موی زهار را باز امر کرد بپاکی آنحضرت ختنه کرد فصل پنجم
در شستن سر بخطمی و سدر منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه
که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن سر بخطمی می برد
درویشی را و زیاده میکند روزی را و نیز کفت که شستن سر بخطمی
هر روز جمعه امانست از برص و دیوانکی و نیز کفت که شستن سر بخطمی
تعویذ است و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که شستن سر بخطمی

میبرد چرك را و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
روزی غمناك بود جبرئیل علیه السلم کفت بآنحضرت که بشو سر خود را
بسدر و آن سدر که حضرت سر خود را شست از سدرة المنتهی بود
و کفت امام موسی علیه السلم که شستن سر بسدر زیاده میکند
روزی را و کفت امام جعفر صادق علیه السلم که بشوئید سر خود را
ببرك سدر که دور میکرداند خدایتعالی از و سه چیز را وسوسه
شیطان را هفتاد روز و انکسی که دور باشد از وسوسه شیطان هفتاد
روز پس کناه از و در وجود نمی آید و انکسی که کناه نمیکند به بهشت میرود
و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت امام جعفر صادق
علیه السلم که انکسی که بکیرد شارب را و ناخن و بشوید سر خود را
بخطمی در روز جمعه حکم آن دارد که بنده آزاد کرده باشد و منقولست
از کتاب طب الائمه که کفت امیر المؤمنین علیه السلم در وصیتی که
کردم نزد ابی جعفر علیه السلم از چرکی که در سر من بود آنحضرت
کفت که بکوب سدر را و بکیر آب از و نیك بیامیز آنرا بسر که خوب آید
که میخواهی و بشوی بآن سر و محاسن خود را هر قومی که چون تراهست
چنین کنی خلاص میشوی از چرك فصل ششم در نوره مالیدن منقولست
از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که
انکسی که میخواهد نوره کند باید که بکیرد اندکی از نوره و بر سر بینی
خود بمالد و بکوید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امر بالنوره بدستی

و بعد از آن بال بر خود
روغن [illegible] تازه را
[illegible]

بدرستی که چون چنین کند نوره نمیسوزاند بدن را و روایتست که
انکسی که بنشیند در وقتی که نوره مالیده باشد در بدن خود خوف
فتق است برو و منقولست از کتاب که کفت حکم بن عتیبه که دیدم امام
محاسن
جعفر صادق علیه السلام را که حنا بر ناخنهای خود میمالید کفت
یا حکم چه میکوئی در حق این کفتم چه توانم کفت وحال آنکه تو میکنی
این کار را نزد جوانان اینکار میکند کفت ای حکم هرکاه نوره بناخنها
رسد تغییر میدهد ناخنها را چنانکه میماند بناخنهای مرده باکی نیست
تغیر دادن ناخنها بحنا وکفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
که انکس که نوره بنهد و بعد از نوره حنا بمالد بر بدن خود ایمن کرداند
خدا یتعالی از سه چیز جذام و برص و خوره باو تا نوره کردن دیگر یا
مالیدن بار دیکر وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که نوره مکنید
روز چهارشنبه بدرستی که روز چهارشنبه روز نحس و قصوری ندارد
باقی ایام و روایتست که نوره کردن در روز جمعه برص می آرد وکفت
امام رضا علیه السلام که هرکه نوره کند در روز جمعه برص بیند انکند
باید که ملامت نکند مکر خود را وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حنا مالیدن بعد از نوره امانست از جذام و برص منقولست از کتاب
روضه که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که برص می آورد
نوره کردن در روز جمعه و روز چهارشنبه و وضو ساختن و غسل کردن
بآبی که از آفتاب کرم شده باشد وچیزی خوردن در وقتی که جنب باشد

وجماع کردن بازن خود در وقت حیض وچیز خوردن در حالتی که
سیر باشد و منقولست که حضرت امام جعفر رضا علیه السلام که دور
کنید موی را از بدن خود بدرستی که موی نجس است ومراد مبالغه
است در پاکی و منقولست از کتاب محاسن که انکسی که نوره کند و بعد
از نوره حنا بمالد از سر تا بقدم برطرف کند خدایتعالی درویشی را او
منقولست از کتاب لباس که امام جعفر صادق علیه السلام نوره میکرد
در حمام چون بزهار میرسید میکفت بانکسی که نوره میمالید
و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام بحمام در می آمد و نوره
میمالید زیر بغل را کرموی داشت و روایتست که کاهی بعضی از خدمتکاران
امام جعفر صادق علیه السلام تمام بدن آنحضرت را نوره میمالیدند
وکفت ازخط که آمدم نزد امام جعفر صادق علیه السلام بجهت حاجتی
پس یافتم آنحضرت را در حمام که نوره مالیده بود کفتم حاجتی خود را آنحضرت
کفت تو نوره نمیکنی کفتم دیروز نوره کرده ام کفت نوره کن که نوره پاک
کننده است و روایتست که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین
علی علیه السلام که وقتی که نوره میمالید زهار را خود نوره میمالید وکفت
لیث المرادی که پرسیدم امام جعفر صادق علیه السلام را از نوره کردن
جنب کفت باکی نیست وکفت امام رضا علیه السلام که چهار چیز از اخلاق
پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن و تراشیدن موی و نوره کردن و بسیار
جماع کردن

باب چهارم در کرفتن ناخن وشارب وکرد ساختن محاسن

وسر شانه کردن و فرو گذاشتن موی و نظر کردن در آینه و حجامت
کردن و درین باب چهار فصل است فصل اول در ناخن گرفتن منقولست از کتاب
لباس که گفت سلیمان بن خالد که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که آیا
ناخن را در هر روز جمعه بگیرم گفت بگیر اگر دراز شده باشد و گفت موسی
بن بکر که گفتم بابی الحسن علیه السلام که اصحاب ما میگویند که می باید که
گرفتن شارب و ناخن را در جمعه آنحضرت گفت سبحان الله بگیر اگر
میخواهی در باقی روزها و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گرفتن ناخن و شارب و شستن سر بخطمی میبرد درویشی را و زیاده
میکند روزی را و روایت کرده است ابو عبدالله از پدران خود علیهم
السلام که حضرت پیغمبر گفت آنکسی که بگیرد ناخن خود را در روز
جمعه بیرون کند خدای از سر انگشتان درد را و داخل گرداند شفا را
و گفت ابو عبدالله که گرفتن ناخن و شارب امانت و نیز گفت ابو عبدالله که گفت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنکسی که بگیرد ناخن خود را در روز جمعه و هرگاه
ناخن کوتاه باشد بخراشد او را بدرستی که نمیرسد بتو جذام و برص
و منقولست از کتاب محاسن که گفت حسن بن العلا که گفتم بابی عبدالله
که چیست ثواب آنکس که بگیرد شارب و ناخن خود را هر روز جمعه
آنحضرت گفت که همیشه پاک باشد تا جمعه دیگر و روایت کرده است
ابو کمیس که گفت مردی که گفتم بعبدالله بن حسن که بیاموز بمن چیزی
در طلب روزی عبدالله الحسن گفت که بگو اللهم تول امری و لا

در روز جمعه اگر بخواهی

تول غیرك امر د گفت که اعلام کردم این را بابی عبدالله آنحضرت گفت
که آیا تعلیم کنم ترا بجهت طلب روزی چیزی که فایده آن زیاده ازین
باشد گفتم بلی گفت بگیر شارب خود را و ناخن خود را در هر جمعه و
گفت خلف که دید مرا ابو الحسن علیه السلام و من درد چشم داشتم
گفت آیا بیاموزم ترا چیزی که هرگاه بجای آوری چشم تو درد نکند
گفتم بلی گفت بگیر ناخن را هر روز پنجشنبه گفت چنین کردم چشم من دیگر
درد نکرد و گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر کسی که بگیرد ناخن و شارب خود را روز شنبه و پنجشنبه
عافیت یابد از درد دندان و درد چشم و گفت ابو جعفر علیه السلام
که هر که بگیرد ناخن و شارب خود را هر روز جمعه و در محل گرفتن
بگوید بسم الله و بالله علی سنت رسول الله محمد و آل محمد
نیفتد از و ناخن و موی مگر آنکه بنویسد خدا یتعالی برای او بعدد
هر یک ثواب آزادی بنده و بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و
روایتست که گفت ابو عبدالله علیه السلام بمردان که بگیرید ناخن خود را
و گفت بزنان که بگذارید ناخن خود را بدرستی که ناخن زینت میدهد
شما را و منقولست از کتاب طب الائمه که گفت ابو عبدالله که آنکسی که
بگیرد ناخن خود را روز چهارشنبه و ابتدا کند بانگشت خورد دست راست
و ختم کند بانگشت دست چپ ایمن شود از درد چشم و گفت امام محمد
باقر علیه السلام که آنکسی که بگیرد ناخن خود را روز جمعه باید که ابتدا

کند بانکشت خورد دست چپ وختم کند بانکشت دست راست وکفت
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی بکیرد ناخن خود را
روز پنجشنبه که یکناخن خود را بکذارد تا روز جمعه بکیرد دور کرداند
خدایتعالی از و درویشی و منقولست از کتاب فردوس که الاخبار
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که هرکسی که خواهد که
امان یابد از درویشی و درد چشم و برص و دیوانکی باید که بکیرد
ناخن خود را روز پنجشنبه بعد از عصر وابتدا کند بانکشت خورد دست
چپ و منقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه
السلام که وحی نیامد بحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چند روز
کسی کفت بانحضرت که وحی برطرف شد از تو یا رسول الله آن حضرت
کفت که جون وحی برطرف نشود از من وحال انکه شما ناخن نمیکیرید
وبوی بد را از خود دور نمیکنید وکفت امام محمد باقر علیه السلام
که کرفتن ناخن بجهت اینست که ناخن خوابکاه شیطانست و درازی ناخن
فراموشی می آرد وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله بمردان که بکیرید
ناخن خود را و بزنا کفت که بکذارید ناخن خود را بدرستی که ناخن
زینت دهنده است شما را وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که جون
کسی موی وناخن خود را بکیرد باید که دفن کند واین سنت است و
ومنقولست از کتاب محاسن که سنتی است یعنی سنت موکداست وروایتست
که از جملهٔ سنتها است دفن کردن موی وناخن وخون وروایتست

سلیم را

که پرسید ابا الحسن حیم را علیه السلام از حال مردی که میکرد موی
وناخن خود را و برمی خیزید بنماز بی انکه بیفشاند موی وناخنها را
از جامهٔ خود آنحضرت کفت که باکی نیست وکفت ابو عبدالله علیه السلام
که انکسی که بکیرد ناخن وشارب خود را روز جمعه وبکوید بسم الله
وبالله وعلی سنت رسول الله واله بدهد خدایتعالی باو بعدد هر ناخنی
که بیفتد از و ثواب آزادی بندهٔ از فرزندان اسمعیل علیه السلام
وروایتست که علی بن الحسین علیه السلام جون میتراشید سر خود را
در منی میفرمود که دفن کنند آن موی را **فصل دوم** در بیان
کرفتن شارب وکرد ساختن محاسن ونظر کردن موی سفید وغیر آن
در بیان کرفتن شارب منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که کرفتن شارب از جمعه تا جمعه
امانست از جذام وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله کفت آنحضرت
که انکسی که نکیرد شارب خود را از ما نیست ونیز کفت که نیک بکیرید
شارب خود را وبکذارید محاسن خود را وموافقت مکنید یهودانرا
ونیز کفت که مجوس میکیرند محاسن خود را ومیکذارند شارب
خود را وما میکیریم شارب خود را ومیکذاریم محاسن خود را وهمچنین
باید وقتی که میکیرد وکسی شارب خود را باید که بکوید بسم الله
وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه واله منقولست از کتاب
محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که کرفتن شارب

سنت است و روایتست از سکونی که رسول خدا صلی الله علیه واله که
کفت از جمله سنتها آنست که بکیرد کسی شارب خود را تا انکه برسد
بکنارهٔ لب و روایتست که عبدالله بن عثمان دید است ابا عبدالله
علیه السلم مرا که کرفته شارب خود را تا انجا که شارب میروید
در بیان کرفتن محاسن و کرد ساختن آن و روایتست که نظر کرد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بمردی محاسن درازی و کفت
این چه چیز است کاشکی اصلاح کند محاسن خود را این سخن رسید بان مرد
وآنمرد اصلاح کرد محاسن خود را و کفت بانکسی که اصلاح میکرد محاسن
آنحضرت را که کرد ساز محاسن مرا و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
بشخصی که بکیر بدست خود محاسن خود را و ببر انچه زیاده است از یک
مشت و منقولست از کتاب محاسن که کفت علی بن جعفر که پرسیدم
برادر خود را از مردی که اصلاح میکرد محاسن خود را آنحضرت کفت
که اکر بکیرد از عارض خود باکی نیست اما باید که از پیش محاسن چیزی
بکیرد و روایتست که کفت سدیر الصیرفی که دیدم امام جعفر صادق
علیه السلام مرا که میکرفت موی عارض خود را و روایتست که کفت
حسن زیات که دیدم امام جعفر صادق علیه السلام را که سبک میکرد
محاسن خود را و کفت ابو عبدالله علیه السلم که انکسی که زیاده باشد
محاسن او از یکقبضه در آتش دوزخ است و نیز کفت از سعادت
مردی سبک بودن محاسن اوست و نیز کفت که ازموده میشود عقل

مرد در سه چیز در درازی محاسن او و در نقش انکشتری او و
در کنیت روایت کرده است ابو ایوب از محمد که کفت که دیدم که
سر تراش اصلاح میکرد ابی جعفر را آنحضرت کفت که کرد ساز محاسن
در بیان سفیدی موی من قولست از کتاب که کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله که سفیدی موی پیش سر مبارکست و خجسته
و سفیدی در عارض دلیل سخاوتست و در کیسوها علامت شجاعتست
و در ریش سر شوم است و کفت امام جعفر صادق علیه السلم که آمد
مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم آنحضرت دید که
سفیدی در محاسن آنمرد کفت سفیدی در محاسن نور است و انکسی که
یکموی او سفیدی شود در اسلام نوری باشد ورا در روز قیامت
و کفت امام محمد باقر علیه السلم که حضرت ابراهیم دید صباحی در محاسن
خود یکموی سفید پس کفت الحمد لله الذی بلغنی هذا المبلغ و لم اعص
الله طرفة عین یعنی سپاس و ستایش مر خدایرا که رسانید مرا باین
سن و عاصی نشدم خدایرا مقدار یک چشم برهم زدن و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که موی مردمان سفید نمیشد حضرت
ابراهیم دید موی سفید در محاسن خود کفت بار خدایا این چه چیز است
حق تعالی کفت که این وقار و آهستکی است حضرت ابراهیم علیه السلم
کفت بار خدایا زیاده کردان وقار مرا و نیز کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که موی سفید

نوراست پس مکنید آنرا ومنقولست ازکتاب محاسن که کفت ابو
عبدالله ع که باکی نیست بریدن موی سفید راکه آمیخته است بموی
سیاه وبرکندن او اما بریدن او نزد من دوست تراست ازبرکندن
او وروایتست که کفت ابو عبدالله علیه السلم که امیرالمومنین علی
علیه السلم مکروه نمیداشت موی سفیدرا ومکروه میداشت کندن
آنرا در بیان فروکذاشتن موی روایتست ازابا عبدالله ع
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم منع میکرد ازدوبار شانه
کردن دریکروز ونیز روایتست ازابی عبدالله که حضرت فرومیکذاشت
موی خودرا وبیشتر دروقت فروکذاشتن موی نظر درآب میکرد
وموی راتر میساخت بآب در بیان نظر کردن درآینه منقولست
ازکتاب نجات که انکسی که نظر درآینه کند باید که بکیرد آینه را بدست
چپ وبسم الله بکوید ودست راست خود را برمیان سر خود
بنهد وفروآورد بروی خود بکیرد محاسن خود را ونظر کند درآینه
وبکوید الحمد لله الذي خلقني بشرا سويا وزانني ولم يشنّي وفضلني
على كثير من خلقه ومنّ علي بالاسلام ورضيته لي دينا
پس هرکاه بنهد آینه بردست خود باید که بکوید اللهم لا تغير ما بنا
من نعمك وجعلنا لانعمك من الشاكرين وکفت حضرت پیغمبر صلی
الله علیه وآله در وصیتی که کرد بامیرالمومنین علی علیه السلام
که یا علی چون نظر کنی درآینه بکو اللهم كما حسنت خلقي فحسن خلقي

ورزقي وروایتست که امام جعفر صادق علیه السلم دروقت
نظر کردن آینه بکو اللهم كما حسنت خلقي فحسن خلقي ورزقي
وروایتست که امام جعفر صادق علیه السلم این دعا بخواند الحمد
لله الذي خلقني فاحسن خلقي وصورني فاحسن صورتي الحمد
لله الذي زان مني ماشان من غيري واكرمني بالاسلام در شانه
کردن سر ومحاسن منقولست ازکتاب من لا یحضره الفقیه که پرسید
امام علیه السلام را ازتفسیر قول خدای تعالی که خذوا زينتكم
عند كل مسجد آنحضرت کفت که ازجمله زینت نزد هر مسجد شانه
کردنست وآن مسجد نزد هر نمازی ومعنی آیه اینست که ای بنی آدم
فراکیرید وبپوشید نیکوترین وپاکیزه ترین لباسهای خود را در هر
مسجدی نزد هر نمازی وکفت امام جعفر صادق در تفسیر قول
خدای تعالی خذوا زينتكم عند كل مسجد زینت شانه کردنست
بدرستی که شانه کردن زیاده میکند روزی را ونیکو میکرداند موی را
وبرمی آورد حاجت را وزیاده میکند قوت پشت را ومی برد بلغم را
ونیز کفت که شانه کردن سر میبرد وبارا وشانه کردن محاسن محکم
میکند دندانها را وکفت امام موسی کاظم که شانه کنی محاسن وسر را
بکذاری شانه را برسینه خود بدرستی که میبرد غم ووبارا وکفت امام
جعفر صادق علیه السلام که انکسی که شانه کند محاسن خود را هفتاد
بار بشرطی که بشمرد ونزدیک نشود شیطان علیه اللعنه اورا چهل روز ومنقولست

وشانه کند محاسن خود

زکتاب روضة الواعظین که رسول خدا صلی الله علیه وآله شانه
میکرد زیر محاسن خود چهل بار وبالای محاسن هفت بار ومیکفت این
کار کردن زیاده میکند ذهن را ومیبرد بلغم را وروایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که انکسی که بکذراند شانه را بر سر ومحاسن
وسینهٔ خود هفت بار نزدیک نشود باو دردی هرکز ونیز کفت که انکه
که ایستاده شانه کند قرض بسیار شود اورا وکفت امام موسی کاظم
علیه السلام که شانه کنید بشانهٔ عاج بدرستی که میبرد وبا را وعاج
استخوان فیل است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که شانه کردن
می برد تب را ونیز کفت که باکی نیست که شانه دان وسرمه دان وروغن دان
ازعاج باشد ونیز کفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود
که موی نیکو از پوششها نیست که خدای تعالی داده است پس کرامی
دارید اورا ونیز کفت که انکسی که موی سر بکذارد باید که نیکو نکه
دارد اورا یا بتراشد وکفت که انکسی که موی سر بکذارد و دو بخش نکند
اورا خدای تعالی دو بخش کند موی اورا بارهٔ از آتش دوزخ وروایت
که موی سر حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله تا نرمهٔ کوش بود
ونمیرسید بمرتبهٔ که دو بخش توان کرد وکفت امام جعفر صادق
علیه السلام که دور کنید موی را از بدن خود بدرستی که موی نجس
ومراد مبالغه است در پاکیزه کی ومنقولست از کتاب ایوب بن هرون
کفت که پرسیدم از ابی عبدالله که آیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

وسلم دو بخش میکرد موی سر خود را کفتند وموی سر رسول
صلی الله علیه واله وقتی دراز میشد تا نرمهٔ کوش میرسید وروایت
کرده است عمرو ابن ثابت که کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که مردمان کمان میبرند سنت است چنین کفتم مردمان کمان میبرند
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله موی سر خود را دو بخش میکرد
حضرت امام علیه السلام که حضرت پیغمبر موی سر خود را دو
بخش نکرد وپیغمبران دیکر موی سر خود را نمی کذاشتند وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام که شانه مکن در حمام بدرستی که
ضعیف میکند در حمام موی را وروایت کرده است یزید بن
مسلم که کفت ابو عبدالله علیه السلام که شانه کردن می برد درویشی
ودرد را ونیز روایت کرده است که کفت رسول خدا صلی الله علیه
واله که شانه کردن میبرد وبا را وروغن مالیدن میبرد سختی را
وکفت ابو عبدالله علیه السلام که کذرانیدن بر سینه میبرد غم را و
کفت عبدالله بن سلیمان که پرسیدم از عبدالله از استعمال عاج آنحضرت
کفت که باکی نیست ومرا شانه ایست از عاج وکفت قاسم بن ولید که پرسیدم
از ابا عبدالله علیه السلام از شانه وروغن دان که از عاج باشد آنحضرت
کفت که باکی نیست وروایتست که ابو عبدالله مکروه میداشت که روغن
بمالند از روغن دان نقره کوفت وشانه نیز چنین است وکفت محمد بن
عیسی که پرسیدم ابا جعفر علیه السلام را از ظرف طلا ونقره آن

یا نقره

حضرت مکروه میداشت آنرا که روایت کرده اند بعضی اصحاب ما که نزد
ابو الحسن علیه السلام آئینهٔ نقره پوشی آنحضرت کفتند بدرستی
که بود آن آئینه را حلقهٔ نقره وکفت که چون عباس را ختنه میکردند
ساختند برای او چوب نقره پوشی مقدار ده درهم پس عباس امر
کرد بشکستن آنرا وکفت ابو جعفر علیه السلام که باکی نیست که بیا
شامد کسی از قدح نقره کوفت وقتی که دور دارد دهن خود را از موضع
نقره ومنقولست از کتاب نجات که کفت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که وقتی خواهید که شانه کنید پس باید که بکیرید شانه
را بدست راست خود ونشسته باشید وبنهید شانه را بر میان سر
خود وشانه کنید پیش سر را وبکوئید اَللّٰهُمَّ لَاتَرُدَّنِي عَلٰى اَعْقَابِي
وَاصْرِفْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَتَرُدَّنِي عَلٰى عَقِبِي
پس شانه کنید ابروهای خود را وبکوئید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدٰى
پس شانه کنید محاسن را از بالا وبکذرانید شانه را بر سینهٔ خود
وبکوئید هر دو حال اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ
الصُّدُورِ ووسوسة الشیطان پس مشغول شوید بشانه کردن
موی وابتدا کنید از شیب محاسن وسورهٔ انّا انزلناه تا آخر بخوانید
وکفت یحیی بن حماد بن سلیمان بن یحیی که امام رضا علیه السلام روزی
جامه پوشید برای آنکه سوار شود وبخانهٔ مامون رود ومن در
میان خدمتکاران آنحضرت بودم آنحضرت شانه طلب نمود وشانه

میکرد وکفت ای یحیی خبر داد مرا پدر من از پدران خود علیهم
السلام که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که آنکسی که بکذراند
شانه را بر سر ومحاسن وسینهٔ خود هفت بار نزدیک نشود او را
هیچ دردی ومنقولست از کتاب طب الائمه که کفت ابو الحسن عسکری
علیه السلام که شانه کردن بعاج میرویاند موی سر را ودور میکند
کرم را از دماغ وفرو می نشاند صفرا را وپاک میکند کوشت بن
دندانرا وکفت امام رضا علیه السلام که ایستاده شانه مکن که
ضعف دل می آورد ونشسته شانه بکن بدرستی که نشسته شانه
کردن قوت میدهد دلرا وفربه میکند پوست بدن را وکفت امام
جعفر صادق علیه السلام که سر شانه کردن می برد بلغم را وشانه
کردن ابرو امانست از جذام وشانه کردن عارض محکم میکند دندانها
وروایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام از سر ترا
شیدن کفت نیکوست وروایت کرده ابن عباس که کفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که شانه کردن محاسن در عقب هر وضو می برد
درویشی را وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که ایستاده شانه
کردن درویشی می آورد ونیز کفت که چون خواهی که شانه کنی محاسن
خود را از شیب ببالا چهل بار وسورهٔ انا انزلنا بخواند واز بالا بشیب
هفت بار وسورهٔ والعادیات بخواند پس بکو اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي
الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةِ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ

در حجامت کردن منقولست از کتاب طب الائمة که کفت امام جعفر
صادق که بسیاری خون را سه علامت است جوشش بدن وخا
بدن وحرکتی که در بدن ظاهر شود که بدان ماند که جنبنده
بر تن میرود و روایتست که بسیاری خواب نیز علامت بسیاری
خونست و روایتست که جون یکی از اهل منزل امام جعفر صادق
علیه السلم بیمار شدی آنحضرت میکفت باهل منزل که نظر کنید
در روی او پس اکر میکفتند که از صفراست و میفرمود که آب بدهند
واکر میکفتند که روی او سرخست میکفت که از خونست و میکفت
که او را حجامت کنید و روایت کرده اند ائمهٔ معصومین علیهم السلام
که کفت امیر المؤمنین ع که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
فرمود که حجامت کنید بدرستی که بسیار نباشد که خون غالب شود
وانکسی را بکشد و روایت کرده است انصاری که بسیار بود که امام
رضا علیه السلم را خون غلبه میکرد در میان شب و کفت امام جعفر
صادق علیه السلم که اکر خواهد که حجامت کند کسی که روزه داشته
باشد در غیر ماه رمضان باید که حجامت نکند مکر انکه خون غالب
شود فاما ما که اهل بیتیم حجامت کردن ما در ماه رمضان و در شب باشد
وحجامت کردن ما در روز یکشنبه می باشد وحجامت کردن دوستان
و موالیان ما در روز دوشنبه میباشد و کفت ابوعبدالله که
حجامت بناشتا باید کرد و نیز کفت که بحجام مروید در حالت سیری

وحجا

وحجامت مکنید تا انکه جیزی نخورید بدرستی که حجامت کردن
بعد از چیزی خوردن میکشد خون را از رکهای او وآسان تر است
واین بیرون آمدن خون و زیاده قوة میدهد بدنرا و کفت امام
موسی علیه السلم که حجامت بعد از چیزی خوردن می باید کرد
بجهة انکه جون کسی سیر شود بعد از ان حجامت کند خون جمع میشود
و درد بیرون بیرون میرود وجون حجامت پیش از چیزی خوردن
خون بیرون میرود و درد می ماند و کفت زید شحام که بودم نزد
ابی عبدالله علیه السلم پس حجام طلبید و کفت بحجام که بشوی
شیشه را که بان حجامت میکنی و مشغول بحجامت کردن شو وانار
طلبید وخورد وجون فارغ از حجامت شد انار دیکر طلبید وخورد
و کفت انار خوردن بعد از حجامت تسکین میدهد صفرا را و کفت
ابوعبدالله علیه السلام بمردی از اصحاب خود که جون خواهی که
حجامت کنی از شیشه که بان حجامت میکنی بکو پیش از انکه فارغ شوی
درحالتی که خون میرفته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
أَعُوذُ بِاللهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي هٰذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ
پس کفت که جون بخوانی این دعا را خیر بسیار جمع شود ترا وخیر
بسیار جمع میباید کرد زیرا که خدای تعالی در کتاب خود میکوید
لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ یعنی
من غیب میدانستم خیر بسیار جمع میکردم از مال و منفعت و فتح و

غنیمت وبدی بمن نمیرسید از فقر و مرض و رنج و هزیمت و روایت
از ابی بصیر که کفت ابو جعفر علیه السلام که چه چیز میخورید شما بعد
از حجامت کفتم که کاسنی و سرکه کفت که باکی نیست وکفت که ابو عبد
الله علیه السلام حجامت کرد وکفت کنیزک خود را که بیار برای من
شکر وکفت شکر بعد از حجامت باز میکرداند خون تازه را و زیاده میکند قوت را
و روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که کفت رسول خدا صلی الله
علیه واله که هر کس که کفت خواهد که حجامت کند باید که روز شنبه
کند وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که حجامت کردن در روز
یکشنبه شفاست از هر دردی و روایتست که امام جعفر صادق
بقومی که حجامت میکردند کفت که چه بود شما را که تعجیل کردید در
حجامت کردن کاشکی تاخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه بدرستی که
حجامت کردن درین وقت فرو می آورد درد را از بدن وکفت امام
جعفر صادق که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم حجامت میکرد
در روز دوشنبه بعد از عصر و روایتست از ابی سعید خدری که
کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که حجامت کند روز
سه شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست ویکم شفا می یابد از درد
تمام سال وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که حجامت کنید
روز پنجشنبه دهم ماه و هفدهم و بیست و یکم تا غالب نشود بر شما
ونکشد شما را و روایتست که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و

وسلم از حجامت کردن در روز چهارشنبه وقتی که آفتاب در برج
عقرب باشد و روایت کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلام
وایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که انکسی که حجامت کند
در روز چهارشنبه برص پیدا کند باید که ملامت نکند مکر خود را
و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که جبریل
فرود آمد برمن وکفت که حجامت کن وکفت که روز چهارشنبه
روز نحسی است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که
حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخر ماه درد از بدن او بیرون
رود وکفت مفضل بن عمر که رفتم نزد امام جعفر صادق علیه السلام
واو حجامت میکرد در روز جمعه کفت بحجام که آیا خواندی آیت
الکرسی را و منع کرد از حجامت کردن بعد از زوال در روز جمعه
وکفت ابو الحسن علیه السلام که ترک مکن حجامت کردن را در روز
هفتم از حزیران و حزیران نام ماهیست از ماههای رومی پس اکر
میسر نشود در روز هفتم باید که حجامت کنی در روز چهاردهم
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که آیة الکرسی بخوان و هر [margin: کاه]
خواهی حجامت کن وکفت شعیب عرقوفی که رفتم نزد ابی الحسن ع
واو حجامت میکرد در روز چهارشنبه کفتم که روز چهارشنبه

روزیست که مردمان میکویند که هرکه درین روز حجامت کند
برص بیدا میکند آنحضرت کفت این حال کسی است که آبستن شده باشد
مادر او باو در حالت حیض وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که هرکاه
خون غالب شود میکشد آدمی را وهرکاه شما خواهید که حجامت
کنید باید که آخر روز حجامت کنید ومنقولست از کتاب فردوس
که کفت انس که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که حجامت
کردن برنهار دواست وبرسیری دردست ودرهفتم ودهم ماه
شفااست ودر روز سه شنبه صحت بدنست وروایتست که حضرت
فرمود که وصیت کرد مرا جبرئیل بحجامت کردن تا آنکه کمان بردم
که ناچارست از حجامت کردن وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم که حجامت کردن درروز یکشنبه شفااست از هفت چیز دیوانکی
وجذام وبرص وخواب ودرد دندان وتاریکی چشم ودرد سر و
روایتست از انس که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که حجامت می افزاید عقل وحافظه را ونیز کفت که حجامت کردن
در نقره فراموشی می آورد ونقره مغاك پس سر است وکفت انس که
حجامت کرد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم سر خود وهردو
کتف وپس سر را ونام کرد یکی ازین حجامتها را نافعه یعنی فایده دهنده
ودیکری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده وسیم را منقذه یعنی رهاننده
از مرض وروایتست که حجامت سر منقذه است وحجامت مغاك

شما را نباید که حجامت کنید مکر وقتیکه خون غالب شود

پس سر مغیثه است وحجامت میانه دوشانه نافعه است وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله اشارت
بدست خود بسر خود وکفت بر شما باد که حجامت مغیثه بکنید بدرستی
که نفع میدهد دیوانکی وبرص وجذام وخوره ودرد دندان را
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون طفل چهار ماهکی
برسد حجامت کنید در هر ماه مغاك پس سر او را بدرستی که کم
میشود لعاب دهن او وفرو می آید حرارت از سر وبدن او وکفت
رسول خدا صلی الله علیه واله که درد سر است ودوا نیز سر ولما
درد صفرا وبلغم وخون سر است دوای خون حجامتست ودوای
صفرا بیاده رفتن ودوای بلغم حمام وکفت معاویه ابن حکم که ابو
جعفر علیه السلام طلبید طبیبی را وفصد کرد رکی را از کف دست خود وکفت
محسن الوشاء که شکایت کردم نزد ابی عبدالله علیه السلام که بیا
شامید کاشم را در دهن کاه وکاشم کیاهیست وروایتست که شکایت
کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن آنحضرت
کفت که سه بار حجامت کن پاشنه پاهای خود را سر نوبت که خلاص
میشوی وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که شکایت کردند
بعضی از مردمان نزد ابی الحسن علیه السلام از بسیاری جرب آنحضرت
کفت که جرب از بخار جکر است برو فصد کن ه از پای راست خود را
وبکیر دو درهم بادام روغن شیرین ودر آب کشنك بریز وبخور و

و به پرهیز از ماهی و سر که انمرد چنین کرد و خلاص شد و کفت
فضل بن عمر که شکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام از جرب
و حرارت آنحضرت کفت که بر تو باد که فصد کنی از رك میانین دست
چنین کردم و رفت از من آن تشویش و روایتست که شکایت کرد
نزد ابی عبد الله از خارش بدن آنحضرت کفت با آنمرد که آشامیدی
دوا را آنمرد کفت بلی آنحضرت کفت فصد کردی آنمرد کفت بلی فصد
کردم و فایده نیافتم آنحضرت کفت که حجامت کن پاهای خود را سه
نوبت در میان پی ساق و کعب چنین کرد آن مرد و رفت از و آن
تشویش

در آداب رنك کردن و زینت دادن و انکشتری

وانچه متعلق بآنها و درین باب شش فصلست فصل اول در ترغیب برنك
کردن و فضل آن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که رنك کنید محاسن خود را بحنا بدرستی
که جلا میدهد چشم را و میرویاند موی را و خوشبو میکند دهن را
و آرمیده میشوند زنان و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حنا می برد بوی ناخوش را که از آدمی آید در وقت عرق کردن و
طراوت میدهد رو یرا و خوشبو میکند دهن را و نیکو میکرداند فر
زند را و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که باکی نیست رنك کردن
محاسن بهر رنك که باشد و نیز کفت که مردی آمد نزد رسول خدا
که زرد کرده بود محاسن خود را آنحضرت کفت با وجه نیکو استاین

رنك بعد از آن ثانیا شخص آمد نزد آنحضرت و رنك کرده بود محاسن
خود را بحنا آنحضرت تبسم فرمود و کفت که این رنك نیکوتر است
از آن رنك و بعد از آن همان شخص آمد نزد آنحضرت و محاسن خود را
سیاه کرده بود آنحضرت خندید و کفت این رنك از آن هر دو رنك
بهتر است و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یکدرهم که صرف شود در راه خدا و در رنك کردن چهارده
فایده دارد می برد باد را از کوش و جلا میدهد چشم را و ملایم
میسازد دماغ را و خوشبو میکند دهن را و محکم میکند بن دندانرا
و میبرد مرض را و کم میکند وسوسهٔ شیطانرا و خوشحال میشوند
بسبب آن فرشتها و شاد میشوند مؤمنان و خشمناك میشوند کافران
و رنك کردن زینت و خوشبوئی است و شرم میکنند از و منکر و
نکیر و عذاب نمیکنند او را در قبر و روایتست از شخصی یمانی که
که کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که دوسترین رنکها نزد خدا
رنکیست که بسیار سیاه باشد و منقولست از کتاب لباس که کفت
وردان مداهی که رفتم در نزد ابی الحسن علیه السلام
و او رنك میکرد محاسن خود را کفتم فدای تو کردم رنك میکنی کفت
بلی در رنك کردن اجر و ثوابی هست آیا نمیدانی که خود را زینت دادن
زیاده میکند پرهیزکاری زنانرا خوش نمی آید که تو بی زینت باشی
و کفت ابو الحسن دوم علیه السلام که سلیمان علیه السلام را هزار

زن بود در قصر سیصد از ان جمله کابین داشتند وهفتصد کنیز
بودند وسلیمان علیه السلام در هر شبانروزی پیش همه انها میرفت

در بیان رنک سیاه منقولست از کتاب لباس ابی

نضر عیاشی که کفت ابو عبدالله علیه السلام که آمد مردی نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله انحضرت سفیدی در محاسن آنحضرت
دید کفت این نور است وانکسی که موی او سفید شود در اسلام
آن سفیدی مر او را نور خواهد بود در روز قیامت وهمانحضرت
رنک کرد محاسن خود را بحنا وبعد از ان آمد بخدمت آنحضرت چون
دید آنحضرت ~~چون دید انحضرت~~ که آنشخص محاسن خود را سیاه کرده
وبخدمت آنحضرت آمد آنحضرت کفت که نور واسلام وایمان ودوستی
بر زنان وترس در دلهای دشمنان است وروایت کرده است ابن
فضال که کفت حسن بن جهم که رفتم نزد ابی الحسن واو محاسن خود را
سیاه میکرد کفتم فدای تو کردم محاسن خود را سیاه میکنی کفت
در رنک کردن اجر وحسنه هست بدرستی که رنک کردن محاسن
وخود را زینت دادن زیاده میکند پرهیزکاری زنان را بجهت انکه شوهران
ایشان خود را زینت ندادند برای ایشان وکفت ابو عبدالله علیه
السلام که امام حسین علیه السلام سر خود را رنک میکرد بوسمه
ومیکشود سر خود را ونزد ماچری بود که آنحضرت میپیچید بان
سر خود را وکفت که سیاه کردن محاسن موجب ترسیدن دشمنان

وخوشحالی

وخوشحالی زنانست وروایت کرده است جابر که کفت ابو جعفر
علیه السلام که جماعتی آمدند نزد امام زین العابدین علیه
السلام ودیدند که آنحضرت محاسن خود را سیاه کرده است پرسیدند
که محاسن چون است آنحضرت دست بر محاسن خود کشید وکفت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود اصحاب خود را در جنکی
از جنکها که محاسن که محاسن خود را سیاه کنید تا انکه قوت باید
بسبب این وغالب شوید بر مشرکان وکافران وکفت ابو جعفر که
زنان دوست میدارند که زینت کند مرد همچنانکه مرد دوست
میدارد که زنان به بینند زینت را در رو

در رنک کردن بحنا ووسمه وبه زردی ورنک کردن زنان دست خود را

منقولست از کتاب لباس که کفت حلبی که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلام
را از رنک کردن انحضرت کفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و
سلم وامام حسین علیه السلم وابو جعفر علیه السلم که رنک کرده
اند بوسمه وکفت معویه بن عمار که دیدم که ابو جعفر علیه
السلم رنک کرده بود بحنا وکفت ابو الصباح که دیدم اثر حنا در
هر دو دست ابو جعفر علیه السلام وکفت محمد بن مؤذن که ابو
عبدالله علیه السلم رنک نه کرده بود ومحاسن خود را بخطمی وحنا
ونیز کفت که حنا موی را بسیار سفید میکند وزیاده میکند
طراوت روی را وروایت کرده است عبدالله مسکان که کفت حسن

سیاه کردن

زیات که مردی از اهل بصره مصاحب من بود و من همیشه صفت
میکردم برای او ابا جعفر علیه السلم را پس من و آن مرد رفتیم بمکه
و مناسک حج بجای آوردیم و متوجه مدینه شدیم چون بمدینه
رسیدیم رفتیم نزد ابی جعفر علیه السلام و آن در خانه آراسته
نشسته بود و بر بالای او چادر شب گلگونی بود و رنگ کرده بود
بود محاسن خود را و سرمه کشیده بود و اصلاح کرده بود محاسن
خود را مصاحب من نگاه کرد بآن حضرت و بخانه و چیزی در دل او
گذشت چون برخواستیم آنحضرت گفت که ای حسن چون فردا شود
تو با مصاحب خود هر دو نزد من بیائید چون فردا شد گفتم بمصاحب
خود که بیا برویم نزد آنحضرت گفت مصاحب که تو برو و مرا بگذار
گفتم سبحان الله آیا نگفت آنحضرت که تو با مصاحب خود هر دو
باهم بیائید باز مصاحب من گفت که تو برو و مرا بگذار بحق خدای
که از وجد انشدم تا او را همراه خود بردم نزد آنحضرت پس آنحضرت
در خانه نشسته بود که در آنخانه نبود مگر بوریای پس بیرون
آمد و جامهٔ درشت پوشیده بود گرد آلود پس متوجه ما شد و گفت
که انخانه که دیروز دیدید که من در انخانه بودم آنخانه از زن من
بود و از من نبود و دیروز نوبت آن بود و او زینت کرده بود و لازم
بود بر من که زینت کنم برای او همچنانکه او زینت کرده بود برای من
و این خانه که امروز درو خانهٔ منست چیزی در دل خود مگذران

ای بصری پس گفت آنشخص که از بصره بود که فدای تو گردم پیش
ازین چیزی در خاطر من میگذشت اما حالا خدای تعالی آنچیز را
از خاطر من بیرون برد و منقولست از کتاب محاسن که گفت
اسمعیل بن یوشع که گفتم بامام رضا علیه السلم که من زنی جوانی
دارم و خون حیض او بر طرف شده است آنحضرت گفت که بفرمان
که سری خود را رنگ کند بحنا بدرستی که خون حیض باز میگردد
چنین کردم باز گشت بآن زن خون حیض و گفت ابوالحسن عم که در
رنگ کردن سه خصلت است مهیا شدن برای جنگ و دوستی است
بزنان و زیاده کردن آلت در جماع و گفت حسن جهم که گفتم بامام رضا
علیه السلام که آیا رنگ کردی تو گفت رنگ کردن بحنا و وسمه آیا نمیدانی
که در رنگ کردن اجر و ثوابی هست بدرستی که زن دوست میدارد
که ببیند از تو مثل آنچه دوست میداری که تو از و ببینی از لباسهای
فاخر و زینت کردن بدرستی که بیرون رفتن زنان از پرهیزکاری و
فسق کردن و بیرون بردن ایشان را از پرهیزکاری مگر کم زینت کردن
شوهران و گفت امام رضا علیه السلم که خبر داد مرا پدر من از پدران
خود علیهم السلم که زنان بنی اسرائیل بیرون رفتند از پرهیزکاری
و فسق و فجور کردند بجهة آنکه شوهران ایشان کم زینت بودند و
آنحضرت گفت که زنان دوست میدارند از تو مثل آنچه تو دوست
میداری از ایشان و گفت ابو عبدالله که رنگ کردن و محاسن سنت است

وروایت کرده است عبدالله بن عثمان که گفت حسن بن زیاد
که رفتم روزي نزد ابي الحسن واو درخانهٔ آراسته بود دیگر روز
بعد از ان رفتم واو درخانهٔ بود که درانجا نبود مگر بوریای پس
بیرون آمد وجامهٔ درشت پوشیده بود وگفت آن خانهٔ که دیروز
دیدی خانهٔ من نبود خانهٔ زن من بود ودیروز نوبت آن زن
بود وروایت کرده است محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر یا امام
جعفر صادق علیهم السلام که سزاوار نیست زن را که دست او
خالي باشد از رنگ باید که دست خود را حنا بمالد واگرچه پیر باشد
ومنقولست از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که سید ریحان بهشت حنا است وانکسی که رنگ کرده باشد
بحنا مثل کسیست که شهید شده باشد در راه خدا واو نیز گفت که
حنا رنگ اهل اسلام است زینت میدهد مومن را ومي برد دردسر را
وجلا میدهد چشم را وزیاده میکند قوت جماع را ویکحسنه که
باحنا بوده باشد برابر ده حسنه است که بي حنا بوده باشد و
یکدرهم که بحنا صرف شود برابر هفتصد درهم است که در راه خدا
صرف شود وگفت مولاي نبي صلی الله علیه واله که بر شما باد که رنگ
کنید بسید رنگها بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را ونیکو
میگرداند بدن را وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که فاضلترین چیزهاي که تغییر دهند بان سفیدی مو را حنا است

وسمه وروایت کرده است امیرالمومنین علی علیه السلم که گفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که رنگ کنید بحنا بدرستی که
مي افزاید جواني وجمال وقوت جماع وحسن را وتفاخر میکنند
بایشان فرشتها ویکدرهم که صرف شود در راه خدا برابر هفتصد
درهمست که یکدرهم که صرف شود در رنگ برابر هفت هزار درهم
است وهرگاه کسي بمیرد واو را در قبر بنهند ومنکر ونکیر بیایند
چون نگاه کنند که او را رنگ کرده است بیکدیگر بگویند که بیرون
مي رویم از قبر که ما را برو رنگي نیست جعفر بن محمد از پدران خود
علیهم السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله رخصت داد که زنان
سرخود را سیاه کنند وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که رسول
خدا صلی الله علیه واله فرمود زنان شوهردار را که رنگ کنند اما
و غیر شوهردار
شوهردار زینت کند براي شوهر خود واما غیر شوهردار زینت کند
بجهة انکه دست او بدست مردان نماند ونیز گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که رنگ کنند زنان درحالت نفاس باکي نیست ونیز گفت که امیرالمومنین
ع که منع کرد از رنگ کردن موي حوالي سر وپیشاني واز نگاریستن
در بیان کراهیت رنگ کردن جنب وحایض وروایتي آمده است در
ترك کردن وکراهیت پیوند کردن موي منقولست از کتاب لباس
زند
که گفت امام رضا علیه السلم که مکروه است رنگ کردن مرد را درحالت
که جنب باشد ونیز گفت که انکسی که رنگ کند جنب باشد یا انکه جنب

شود در حالت رنگ کردن ایمن نیست رسانیدن شیطان با او و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که رنگ مکن در حالتی که جنب باشی و جنب
مشو در حالتی که رنگ میکنی و رنگ مکن در حالتی که حایض باشی
بدرستی که شیطان حاضر میشود نزد حایض و روایت کرده است
حنان بن سدیر از پدر خود که گفت که رفتیم من و پدر و جد و عمو
بحمام مدینه و مردی بود در جامه کن بود پرسید که شما چه طایفه
اید گفتیم از اهل عراقیم گفت از کدام عراق گفتیم از اهل کوفه گفت خوش
آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام و چه چیز است که منع
میکند شما را از لنگ بستن بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که دیدن عورت مرد مسلمان بر مسلمان حرامست پس عم من
کرباسی پیدا کرد و چهار پاره کرد و هر کدام ما یک پاره لنگ کردیم و در
آمدیم بحمام و رفتیم بگرم خانه و در گرم خانه بودیم که شخصی آمد
و متوجه جد من شد و گفت ای پیر چرا رنگ نکردی محاسن خود را
جد من گفت دریافتم آنکسی را که بهتر از تو و من بود و او رنگ نکرده
بود محاسن خود را آنحضرت در غضب شد ازین سخن تا آنکه یافتیم
غضب او را و گفت که کیست آنکس که بهتر از من و تو باشد جد من گفت
که دریافتم علی بن ابی طالب را و او رنگ نکرده بود آنحضرت سر خود را
در پیش انداخت و عرق ریخت از جبین مبارک او و گفت راست و درست
گفتی بعد از آن گفت ای پیر اگر میخواهی که رنگ کنی رنگ کن بدرستی که

رسول

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ کرد و او بهتر از امیر المؤمنین
بود و اگر میخواهی رنگ مکن و اقتدا کن بامیر المؤمنین علی علیه السلام
و چون بیرون آمدیم پرسیدیم که آن مرد که بود گفتند که امام زین
العابدین علیه السلام و پسر او امام محمد باقر علیه السلام بود و گفت
سلیمان بن هرون العجلی که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ کرده بود محاسن خود را گفت بلی
و امیر المؤمنین علیه السلام نیز رنگ نکرده بود و لیکن پس جد
من رنگ کرده بودند پس اگر رنگ کنی نیکو است و اگر رنگ نکنی نیکو ست
و گفت حریز بن محمد که پرسیدم ابا جعفر علیه السلام را از رنگ کردن
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ میکرد و این موی [illegible]
که نزد ماست و گفت حفص اعور که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلام
را از رنگ کردن سر و محاسن گفت که سنت است گفتم امیر المؤمنین
علی علیه السلام رنگ نکرده بود بجهت آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که زود باشد رنگین شود بخون
این با این یعنی محاسن مبارک امیر المؤمنین زود باشد که رنگین شود
بخون او و گفت ابو عبدالله علیه که ترک رنگ کردن درویشی می آورد
کراهیت پیوند کردن موی گفت سلیمان بن خالد که گفتم بیکی از ائمه
علیه السلام که آیا پیوند کردن زنی موها را بگیسوی خود مکروه است
آنحضرت گفت اگر پشم باشد یا از موی خودش مکروه نیست و مکروه

است که پیوند کند از موی غیر خود وکفت عمار ساباطی که کفتم بابی
عبدالله علیه السلام که مردمان روایت میکنند که رسول خدا
صلی الله علیه واله لعنت کرده است پیوند کننده و پیوند کرده شده را
کفت بلی کفتم آیا لعنت کرده است آن زنی را که شانه کند و پیوند کند
مو را بکیسوی خود کفت باکی نیست ازین کفتم این کیست پیوند کننده
و پیوند کرده شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم ایشانرا
لعنت کرده است کفت زنی که زنا کند و زنی که قوادکی کند وکفت
ابو بصیر که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلام از کندن موی پیشانی
که زنان میکنند بجهت زینت برای شوهر خود واز کندن موی روی
واز پیوند کردن پشم بکیسو و مانند آن آنحضرت کفت که باکی نیست بهمه
اینها و روایت کرده است محمد که کفت یونس که باکی نیست پیوند کیسو و فتح
که اکثر پیوند میکنند بکیسو پشم باشد اما باید که پیوند نکنند موی را
بمو زیرا که مومیت است و روایت کرده ابو عبدالله علیه السلام از پدران خود ع
که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که حلال نیست زنرا که
در محل حیض بکند موی پیشانی و بنا کوش را در بیان
انکشتری در انکشت کردن و کراهیت آن منقولست از کتاب لباس که کفت
ابو الحسن علیه السلام که قیمت کردند انکشتری ابی عبدالله را پس
کرفت آنرا پدر من بهفت دینار و کفت عبدالله بن سنان که پرسیدم
از ابی عبدالله علیه السلام که انکشتری رسول خدا صلی الله علیه واله از

چه چیز

چه چیز بود کفت از نقره بود و پرسیدند بعضی از اصحاب ما
از ابی عبدالله ع که انکشتری رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
از چه چیز بود و در وی چه چیز نقش کرده بودند محمد رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که باک نمیکرداند خدای تعالی دستی را که
انکشتری آهن بوده باشد و روایت کرده ابو عبدالله علیه السلام
از پدر خود که کفت امیر المومنین علی ع که امر کرد رسول خدا
مارا بهفت چیز و نهی کرد از هفت چیز انچه که نهی کرد از انکشتری
و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و نشستن بر زینی که بروی بالش سرخ
باشد و از زنک ارغوانی و از ابریشم و از دیبای نرم بستر و امر کرد
و انچه که امر کرد بپرسیدن بیمار و در عقب جنازه رفتن و آشکار کردن
اسلام و یاری دادن مظلوم و قبول دعوت کردن و سوکند خود را
راست کردن و یرحمک الله کفتن کسی را که عطسه کند و روایت کرده
ابو عبدالله ع که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم کفت با امیر المومنین
علی علیه السلام که یا علی بپرهیز از انکشتری طلا در دست کردن
بدرستی که این زینت تست در بهشت وکفت امیر المومنین علی علیه السلام
که منع کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم از انکشتری طلا
در انکشت کردن و نمیکویم که منع کرد شما را ازین وکفت داود بن
سرحان که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلام را از طلا که زینت
میکنند بآن طفلانرا آنحضرت کفت که پدر من زینت کرد فرزندو زنان

کفتم انکشتری که نقش بود کفت نه و در روایت کرده است سکونی که کفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا ص

خود را بطلا و نقره و باکی نیست بآن و روایت کرده است محمد بن
از پدران خود علیهم السلام که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم انکشتری طلا در دست کرده بود و مردمان نظر میکردند بآن
وآنحضرت دست خود را بآن انکشت نهاد که انکشتری در و بود و باز
کشت بمنزل خود و انداخت آن انکشتری را و منقولست از کتاب طب
الائمه که امام موسی علیه السلام روایت کرده است از پدر خود که
منع کرده است که در انکشت کنند انکشتری را که نکینش بجاذی باشد
و بجاذی مهره ایست و آنحضرت کفت که زید بن علی در روزی کشته شد
در انکشت او اینچنین انکشتری بود و روایت است که امیر المؤمنین چهار
انکشتری داشت انکشتری که نکین او از یاقوت سبز بود در انکشت
میکرد بجهت بزرکی و شرف و انکشتری که نکین او عقیق سرخ بود در
انکشت میکرد بجهت حرز و نکاه داشتن او را از بلا و انکشتری که
نکینش فیروزه بود در انکشت میکرد بجهت یافتن ظفر بر دشمن و انکشتری
که نکین او آهن چینی بود در انکشت میکرد بجهت قوت و منع کرد آنحضرت
شیعه خود را از انکه انکشتری آهن در انکشت کنند و کفت بآنحضرت در
وقتی که وصیت میکرد اصحاب خود را که انکسی که انکشتری او از اسماء
الله نقش کرده باشند باید که در وقت استنجا کردن از دست چپ بیرون
آورد و در دست راست کند و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
وانکشتری عقیق در دست کنید بدرستی که نمیرسد بشما غمی که مادام

که آن انکشتری در دست شما باشد و نیز کفت که انکشتری عقیق
در انکشت کنید بدرستی که جبرئیل علیه السلام آورد عقیق را بمن از
بهشت و کفت یا محمد انکشتری در دست خود کن و بفرما امت خود را
که انکشتری عقیق در دست خود کنند نکین انکشتری منقولست
از کتاب لباس که کفت حسین بن عبد الله که پرسیدم یکی از ائمه را
که نکینی از سنک زمرد باشد در انکشت میتوان کرد کفت بلی اما
هرکاه خواهند که وضو سازند باید که از دست خود بیرون کنند
و کفت احمد بن محمد که دیدم یکی از ائمه علیه السلام که در دست او
عقیق انکشتری بود کفت بمن که چکونه می بینی این انکشتری را و بیرون
آورد از دست خود و کفت که نظر کن باین انکشتری پس نظر کردم و
کفتم که چه نیکوست این انکشتری کفت همیشه از خدای تعالی بمن نعمت
میرسد از ان زمان که این انکشتری در دست منست و خدای تعالی
مشفق ساخت مرا در این انکشتری پس هرکاه میخواهم وضو سازم او را
از انکشت بیرون میکنم بدرستی که شبی رفتم بطواف خانه کعبه در
میان طواف بودم که شفقت بر این انکشتری باعث شد که او را
از انکشت بیرون آوردم و در کف خود نهادم پس ناکاه از دست من
افتاد برخواستم که بجویم او را شخصی آمد و کفت چرا برخواستی کفتم
انکشتری من افتاد آن شخص دست خود را بر زمین زد و کفت بکیر انکشتری
خود را از و روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام که کفت رسول

بی کرم انکشتری خود را

که در انکشت کردن انکشتری که نکین او یاقوت باشد درویشی را
میبرد وانکسی که در انکشت کند انکشتری که نکین او عقیق باشد
زود بر آورده میشود حاجتها و بنیکوئی منقولست از کتاب طب الائمه
که روایت کرده است معاذ که کفت امیر المومنین علی علیه السلام
که انکسی که در انکشت کند انکشتری که نکین او عقیق باشد خاتمهٔ
کار او امن و امان باشد و کفت ابو عبد الله علیه السلام که در انکشت
کنید انکشتری که نکین او عقیق باشد و عقیق اول کوهی است که اقرار
کرده است بخدا یتعالی و به پیغمبر محمد صلی الله علیه واله وسلم و بوصی
بودن امیر المومنین علی علیه السلام و عقیق از کوهیست که در رو سخن کفته
است خدا یتعالی با موسی علیه السلام و کسی که نکین انکشتری او عقیق
باشد در انکشت کند و نماز کند چهل درجه ثواب بیشتر دارد از نماز
کسی که غیر عقیق از جواهر انواع کند در انکشت کند و کفت سلیمان بن
اعمش که بودم با امام جعفر صادق علیه السلام بر در خانهٔ ابی جعفر
منصور دوانقی پس بیرون آمد شخصی از پیش منصور که او را تازیانه
زده بودند آنحضرت کفت بمن که ای سلیمان نظر کن در نکین انکشتری
او کفتم یابن رسول الله نکین انکشتری او عقیق نیست آنحضرت کفت ای
سلیمان اکر نکین انکشتری او عقیق می بود او را تازیانه نمی زدند کفتم
یابن رسول الله زیاده کردان فایدهٔ عقیق را برای من کفت عقیق امانست
از بریدن آن دست که عقیق در واست کفتم یابن رسول الله زیاده

کردان

٤٦

در دست

کردان بیان کفت عقیق امانست از خون ریختن کسی که عقیق در دست
اوست کفتم زیاده کردان آنرا کفت خدا یتعالی دوست میدارد بر داشته
شود بسوی او در دعا دستی که در و نکین عقیق باشد کفتم زیاده
کردان بیان کفت بسیار عجیب از دستی که در و نکین عقیق باشد
چکونه خالی باشد از طلا و نقره کفتم زیاده کردان بیان کفت عقیق
امانست از درویشی و حرز است از جمیع بلاها کفتم که نقل کنم اینها را
که فرمودید از جد شما امام حسین علیه السلام که او روایت کرده
است از امیر المومنین علی علیه السلام کفت بلی و کفت منقولست از کتاب
ثواب الاعمال که روایت کرده است امام رضا علیه السلام که کفت ابو عبد
الله علیه السلام که کفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که در انکشت
کند انکشتری که نکین او عقیق باشد هرکز درویش نمیشود بر آورده
حاجت او بنیکوترین وجهی و کفت حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
که در انکشت کنید انکشتری که نکین او عقیق باشد تا خدا یتعالی
زیاده کند برکت شما را و ایمن باشید از جمیع بلاها و روایت کرده
است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که شکایت کرد مردی
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم از راه زنان که غارت
کرده بودند او را آنحضرت کفت چرا انکشتری عقیق در دست نکردی
بدرستی که عقیق نکاه دارد از همه بدیها و کفت ابو جعفر علیه السلام
که انکسی که در انکشت کند انکشتری عقیق همیشه باو نیکوئی رسد

مادام که آن انکشتری در دست او باشد همیشه خدای تعالی او را
نکاه دارد و کفت عبد الرحمن قصیر که فرستاد حاکمی بسوی مردی
از آل ابو طالب بجهة کناهی که کرده بود و او را طلبید آنشخص کذشت
بابی عبد الله علیه السلام آنحضرت که انکشتری عقیق با و برسانید پس
رسانید انکشتری عقیق را با آنشخص هیچ مکروهی با و نرسید و کفت
عبد المؤمن انصاری که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میکفت
که درویش و محتاج نمی شود دستی که در وانکشتری بود که نکین او
فیروزه باشد و کفت علی بن مهزیار که رفتم نزد ابی الحسن موسی
بن جعفر علیهما السلام دیدم در دست آنحضرت انکشتری که نکین او
فیروزه بود و نقش کرده بود برو اَللّٰهُ الْمُلْكُ و من همیشه نظر میکردم
بران انکشتری آنحضرت کفت چیست تراکه نظر میکنی این سنکی جبرئیل
بهدیه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بهشت آورد و
آن حضرت آنرا با میر المؤمنین علی علیه السلام داد پس کفت میدانی که
چه چیزاست نام این کفتم فیروزه است کفت این نام اوست بفارسی
و کفت نام او را بعربی میدانی کفتم نه کفت نام او بعربی ظفر است و کفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که در انکشت کنید انکشتری که نکین او
جزع یمانی باشد بدرستی که باز میدارد کید شیطانرا و جزع یمانی
مهره است سیاه و سفید و کفت ابو عبد الله که نکینی است بلور معروف
از کتاب الرضا که امام رضا علیه السلم روایت کرده است از پدران خود

محمد علیه السلم روایت کرده است از پدران خود علیهم السلم که کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که در انکشت کنید انکشتری که
نکین او از زبرجد باشد بدرستی که کسی که این انکشتری در دست
کند همه کارها بر و آسان شود کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که انکشتری زمرد در انکشت کردن می برد درویشی را و کفت که
انکسی که در انکشت کند انکشتری که نکین او یاقوت زرد باشد
درویش نشود در بیان نقش نکین انکشتری منقولست از
بناس که کفت ابو عبد الله علیه السلم که نقش نکین انکشتری حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محمد رسول الله بود و نقش نکین انکشتری آدم
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ~~محمد رسول الله بود~~ و نقش نکین
انکشتری حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام الله الملک بود و نقش
نکین ابی جعفر اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و روایت کرده است محمد بن عیسی از
صفوان که کفت که آوردند نزد ما انکشتری ابی عبد الله را و نقش نکین
او انت ثقتی فاعصمنی من خلقك بود و روایتست از ابراهیم بن عبد الحمید
مثل این و کفت که آوردند نزد ما انکشتری ابی الحسن را و نقش نکین او
حسبی الله بود و در پایین نوشته صورت برک کلی بود و در بالا نوشته
صورت برک کلی بود و در بالای نوشته صورت هلالی بود و روایت کرده
است امام جعفر صادق ع از پدر خود علیهم السلام که نکین انکشتری
حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام از نقره بود و نقش وی این بود

که نعم القادر الله وگفت حسن بن خالد که گفتم بابی الحسن دوم ع
که روایت کرده شده است بما در حدیث که نقش نگین حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم محمد رسول الله بود وآنحضرت گفت که روایت
صحیح است پس گفت بمن میدانی که نقش نگین آدم علیه السلام چه چیز
بود گفتم نه گفت لا اله الا الله محمد رسول الله بود وگفت بمن که حق تعالی
وحی کرد بنوح علیه السلام که وقتی تو وانکسی که بتو ایمان آورده در
کشتی بنشیند هزار بار لا اله الا الله بگوئید وبعد از ان حاجت خود را
از من طلب کنید چون نوح علیه السلام در کشتی نشست وبادبان
کشیدند باد تند برخواست ونوح علیه السلام ترسید از غرق شدن
بجهة اضطراب کشتی وگفت که اگر من هزار بار لا اله الا الله میگویم
میترسم که کشتی غرق شود پیش از انکه فارغ شوم پس مضمون لا اله
الا الله بزبان سریانی اداکرد ایضا هو هو هو یا باری اتقن پس کشتی
قرار گرفت وبسلامت داشت خدا تعالی نوح را پس گفت نوح علیه
السلام که بدرستی که کلامی که من وآن کسی که با منست بنجات یافتیم
بسبب آن غرق شدن سزاوار انست که آنرا نقش نگین کنم وآن انگشتری
را از خود جدا نکنم گفت حسین بن خالد که گفتم بابی الحسن علیه السلام
که چیست معنی سخن نوح آنحضرت گفت که این سخن نوح بزبان سریانیست
ومعنی وبعربی هزار مرتبه لا اله الا الله با الله اصلح است وگفت ابو
الحسن علیه السلام که نقش نگین ابراهیم علیه السلام شش کلمه

بود که آورد جبرئیل علیه السلام وقتی که در منجنیق نهادند پس
گفت جبرئیل که ای ابراهیم خدا تعالی بتو سلام میرساند ومیگوید
که خوشحال باش که هیچ باکی نیست ترا وفرمود جبرئیل علیه السلام
بابراهیم علیه السلام بابراهیم که آن انگشتری که در نگین او این
شش کلمه را نقش کرده بودند در انگشت خود کند چون آن انگشتری
را در انگشت کرد خدا تعالی بر وخنک گردانید آن آتش را وآن شش
کلمه اینست لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله اسندت
ظهری الی الله وفوضت امری الی الله لا حول ولا قوة الا بالله
این بود نقش نگین ابراهیم ع ونقش نگین سلیمان علیه السلام اینست سبحان
الله من الجم الجن بکلمته ونقش نگین موسی علیه السلام دو کلمه بود
که از توریت بیرون آورده بود وآن دو کلمه اینست اصبر تؤجر
صدق تنج ونقش نگین عیسی علیه السلام این بود دو کلمه از انجیل بیرون
آورده بود اینست طوبی لعبد ذکر الله من اجله والویل لعبد نسی الله
من اجله وروایت کرده است حسین بن خالد که گفت ابو الحسن
دوم علیه السلام که نقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و
سلم محمد رسول الله بود ونقش نگین حضرت امیر المومنین علی ع
الله الملک بود ونقش نگین حضرت امام حسن علیه السلام العزة
لله بود ونقش نگین امام جعفر صادق علیه السلام الله ولی وعصمتی
من خلقی ونقش نگین ابو الحسن اول حسبی الله بود ونقش نگین ابی

ونقش نگین امام حسین علیه السلام ان الله بالغ امره
نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام
وابو جعفر علیه السلام

الحسن دوم ماشاء الله لا قوة الا بالله بود وکفت حسین بن خالد
که ابوالحسن دوم دست دراز کرد بجانب من وکفت که نقش نکین
انکشتري من وانکشترین ابي جعفر دوم علیه السلم حسبی الله
حافظی بود وهم بود نقش نکین ابی الحسن سیوم عم الملك لله بود
وکفت عبدالله بن سنان که پرسیدم از ابي عبدالله که آیا مکروهست
درانکشت کردن انکشتری که نام خدایتعالی باشد وبآبخانه رفتن
وجنب شدن در وقتی که این انکشتري درانکشت باشد آنحضرت
کفت نه ونقش نکین حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم محمد رسول
الله بود ونقش نکین ابي جعفر علیه السلام العزته لله بود ونکین
امیرالمؤمنین علی عم که آن نکین از آهن چیني سفید صافی بود وانحضرت
درانکشت میکرد وآن انکشتري را در جنکها نزد سختیها اخذ نقش
کرده بودند برو ودرهفت سطر اینست اَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لا اله
اِلّا الله وَلِكُلِّ كَرْبٍ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بالله وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَازِلَةٍ
حَسْبِيَ الله وَلِكُلِّ ذَنْبٍ وَكَبِيرَةٍ اِسْتَغْفِرُ الله وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فَادِحٍ
مَاشَاءَ الله وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ الحمد لله وما بعلي ابن ابي طالب
من نعم الله فمن الله وکفت اسمعیل بن موسی که انکشتري جد من امام
جعفر صادق علیه السلام تمام او از نقره بود ونقش نکین او این بود که
یا ثقتی فنا شر جمیع خلقك در وقتی که پدر من با برادر خود عبدالله
بن جعفر قسمت میراث میکردند قیمت آن انکشتري به پنجاه دینار رسید

در نکین او

و نقش نکین امیر المؤمنین علی عم الملك لله بود

بجهة زیاده کردن پدر من قیمت از این قبول کرد پدر من آن انکشتري
به پنجاه دینار وکفت امیرالمؤمنین علی علیه السلم که انکس که نقش
نکین او ماشاء الله لاحول ولا قوة الا بالله استغفرالله باشد او را
ثواب بسیار خواهد بود وکفت امام محمد باقر علیه السلام که انکس که
نقش نکین او آیتي از قرآن باشد خدایتعالی او را بیامرزد ونیز کفت
که نقش نکین قاسم وَرَبُّكَ فَكَبِّرْ بود وروایت کرده است امام رضا
از جد خود امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که بود نقش نکین
پدر من امام محمد باقر علیه السلام ظنی بالله حَسَنٌ وَبِالنَّبِيِّ المؤتمن
وبالنبي ذي المنن وَبِالْحَسَنِ والحسین وکفت محمد بن عیسی که موفق
نزد ابي جعفر دوم بود ونمود بمن انکشتري که در دست او بود و
کفت که می شناسی این انکشتري را کفتم میدانم که نقشی دارد اما نمیدانم
که این نقش چه چیز است وچه صورت است پس معلوم شد که تمام آن
انکشتري از نقره بود ونکین او مدور بود بران نکین نقش کرده بودند
حسبی الله ودر بالاي آن نقش صورت هلالي بود ودر پایین آن نقش
صورت کلي بود کفتم باو که از کیست این انکشتری ابوالحسن است پس کفتم
باو که چکونه در دست تو افتاد کفت وقتی که او را وفات نزدیك
شد این انکشتری را بمن داد وکفت این انکشتری را از دست خود
بیرون مکن مکر برای علي نقی علیه السلام وبکسی مده این انکشتري را
مکر به پسر من علی نقی علیه السلام در بیان کیفیت انکشتري در

انکشت کردن منقولست از کتاب لباس که کفت بهر که پرسیدم ابا
عبدالله علیه السلام را از انکشتری در دست راست کردن و کفتم
که من دیدم بنی هاشم را که انکشتری در دست راست میکردند،
آنحضرت کفت که پدر من انکشتری در دست راست میکرد و پدر من فاضل
ترین قریش و داناترین و پرهیزکارترین ایشان بود و کفت حسین بن
خالد که کفتم با بی الحسن دوم که روایت کرده اند بما در حدیث که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استنجا میکرد و انکشتری در
انکشتش بود امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز چنین میکرد و نقش
نکین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محمد رسول الله بود کفت
ابوالحسن دوم علیه السلام که این روایت صحیح است کفتم ما را سزاوار
هست که چنین کنیم کفت نه بجهت انکه ایشان انکشتری را در دست راست
میکردند و شما در دست چپ میکنید پس خاموش شدم و روایت
کرده است ابن القداح از امام جعفر صادق علیه السلام که روایت
کرده است امام محمد باقر علیه السلام که امیرالمؤمنین علی
علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام از پدر خود و پدر
او روایت کرده است از پدر خود علیه السلام که کفت امام حسن و
امام حسین علیه السلام که کفت کاهی انکشتری در دست چپ میکردند
و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم میکفت که منع میکنم امت خود را از ین که انکشتری در انکشت

شهادت و انکشت میانه کنند که می باید خواند در وقت انکشتری در
انکشت کردن اللهم سومني بسيماء الايمان وتوجني بتاج الكرامة
وقلدني حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الايمان من عنقي
نکینی که نیکو است از برای دفع هر بیماری منقولست از کتاب طب الائمه
که نقش میکرد در اول جمعه از ماه رمضان بر نکینی که از آهن چینی
باشد این صورت را در دو سطر کعسلهون لا اهی لا الا الا ول باقیه

زینت کردن زنان بمعجر و زیور و آنچه مکروه هست
ایشان را منقولست از کتاب لباس که روایت کرده است فضل که کفت
ابوجعفر علیه السلام که حضرت فاطمه علیها السلام سیده زنان بهشت
است و معجر او تا میان بازوی او بود و بیرون نکرد ابوجعفر علیه
السلام ازین حکم کسی را یعنی می باید که معجر همه زنان اینچنین باشد
و کفت ابوعبدالله که نیکو نیست که زن مسلمان بپوشد معجر و
پیراهن که نمایان باشد چیزی از بدن او و روایت است از ابی جعفر
علیه السلام مثل این روایت و روایت کرده است محمد بن مسلم از
امام جعفر صادق ع که پرسیدم از زیور طلا مر زنان را آنحضرت
کفت باکی نیست و سزاوار نیست زنان را که بی زیور باشند و اکر چه آن زیور
کردن بند باشد و سزاوار نیست زنان را که دست او خالی باشد از رنک
و اکر چه مالیدن دست باشد بحنا و اکر چه آن زن پیر باشد
آنچه زنان در دست میکنند از طلا و غیر آن روایت کرده است زراره

در زینت کردن زنان بزیور و آنچه در دست میکنند و غیر آنها

امام محمد باقر علیه السلام

که کفت ابو جعفر علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
وقتی که میخواست سفر کند وداع میکرد از اهل بیت خود انکسی را
که میخواست واخر انکسانیکه آنحضرت وداع میکرد حضرت فاطمه
علیه السلم بود پس توجه آنحضرت بسفر از خانهٔ حضرت فاطمه علیها
السلم بود وهرکاه آنحضرت باز میکشت از سفر اول بخانهٔ حضرت فاطمه
میرفت پس سفر کرد و رسیده بود بامیر المومنین علی علیه السلام
در سفر چیزی از غنیمت و امیر المؤمنین علی علیه السلم انچیز بحضرت
فاطمه علیها السلم داد و بیرون رفت بسفر همراه حضرت صلی الله عم
حضرت فاطمه ازان مال غنیمت که امیر المؤمنین علی علیه السلام
باو داده بود و دستینهٔ ساخت از نقره و پردهٔ خرید و برد رخانهٔ
خود آویخت چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم از سفر باز
کشت در آمد بمسجد و بعد ازان متوجه خانهٔ حضرت فاطمه شد
همچنانکه عادت آنحضرت بود و حضرت فاطمه چون دید آنحضرت را
شادان برخواست و متوجه آنحضرت شد از روی شوق و شفقت آنحضرت
نظر کرد در هر دو دست حضرت فاطمه علیها السلام دستینهٔ از نقره
دید و بر در خانهٔ او پردهٔ آویخته دید نشست و از روی غضب نظر
کرد بحضرت فاطمه علیها السلم بعد ازان آنحضرت برخواست و بیرون
رفت حضرت فاطمه کریست واندوهکین شد و کفت که پدر من هرکز
این نوع کاری نکرده بود پیش ازین نسبت بمن پس حضرت فاطمه طلبید

نوبت آنحضرت

امام حسن و امام حسین علیهما السلم را و برداشت پرده را از در
خانهٔ خود و بیرون کرد دستینها را از دست خود و دستینها را
بیکی داد و پرده را بدیکری وکفت بایشان که بروید نزد پدر
من و سلام من برسانید و بکوئید آنحضرت را که فاطمه میکوید که
بعد ازانکه شما بسفر رفته بودید کاری غیر ازین نکردم و هرچه بخواهید
بکنید باین پرده و دستینها پس امام حسن و امام حسین علیه
السلم آمدند و کفتند بآنحضرت هرچه حضرت فاطمه کفته بود آنحضرت
بوسید ایشانرا و دست در کردن ایشان کرد وایشانرا
در کنار خود نشاند و بعد ازان فرمود که دستینها را شکستند و قطعه
قطعه کردند و طلبید اصحاب صفه را که طایفهٔ از مهاجرین بودند
که ایشانرا خانهٔ و منزلی ومالی نبود و قسمت کرد آنرا بایشان و بعد
ازان طلبید مردی از اهل صفه را که برهنه بود و ستر پوشی نداشت
واین پرده را بآن شخص داد آن پرده دراز بود و پهنا نداشت پس آن
مرد مقدار لنکی برداشت و باقی را آنحضرت قسمت کرد بر اصحاب صفه
و بهریك مقدار لنکی داد و بعد ازان فرمود زنانرا که سر خود را از
رکوع و سجود بر ندارند پیش ازانکه مردان بردارند واین حکم بجهة
آن بود که لنك اصحاب صفه کوتاه بود هرکاه رکوع و سجود میکردند
عورت ایشان ظاهر میشد از پس پشت ایشان پس سنت شد که
زنان سر خود را از رکوع و سجود بر ندارند پیش از مردان و بعد

وبعد از ان حضرت کفت خدایتعالی رحمت کرد بر فاطمه وخدایتعالی
خواهد پوشانیدا ورا بسبب این پرده از جامهای بهشت وزیور
خواهد دادا ز زیورهای بهشت بسبب این دستینه وکفت امام
موسی کاظم علیه السلم که رسول خدا نزد حضرت فاطمه علیها السلام
آمد ودر کردن حضرت فاطمه کردن بندي بود آنحضرت اعراض کرد
از حضرت فاطمه برید آن کردن بند را ودور انداخت آنحضرت خشنود
کشت وکفت اي فاطمه تو از مني بعد از ان سائلی آمد وچیزي طلبید
حضرت فاطمه آن کردن بند را بآن سائل داد   در آورد طلا
با دندان غیري بجاي دندان شکسته یا افتاده کفت که پرسیدم از
ابا عبد الله از دندان پیش که شکسته باشد وجدا شده باشد آیا
محکم کرد آنرا بطلا واکر افتاده باشد بجاي او دندان کوسفند میتوان
نهاد کفت بلی واکر خواهد که بجاي دندان دندان کوسفند ذبح
کرده باشند ومضمون این حدیث را عبد الله بن سنان نیز ابا
عبد الله علیه السلم روایت کرد وکفت زراره پرسید که پدر من
ابا عبد الله را ومن حاضر بودم از حال مردی که دندان او افتاده بود
که آیا میتوان که دندان آدمی مرده را بجای او بنهد آنحضرت کفت که با
نیست   در بیان لباس ومنزل وانچه متعلقست بآن مردد
ودرین باب ده فصلست وانچه مذکور است درین باب اختیار کرده
از کتاب لباس مکراندکی که ذکر خواهیم کرد در محل خودش

در بیان تجمل ولباس وکیفیت پوشیدن آن ودعای که می باید خواند
در وقت پوشیدن لباس   تجمل لباس کفت ابو عبد الله
علیه السلام که چون امیر المؤمنین علی علیه السلام فرستاد ابن عباس
رضی الله را بسوی خوارج فرستاد ابن عباس رضی الله پوشید بهترین
جامهای خود را وبهترین بوي خوش بکار برد وبهترین مرکبهای خود
سوار شد ورفت سوي ایشان با ایشان جنک کرد پس خوارج کفتند ابن
عباس را که تو بهترین مردمانی وآمدي نزد ما ولباس متکبران ومرکبهای
ایشان ابن عباس رضی الله خواند بر ایشان این آیت را که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ
اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بکواي محمد که حرام
کرده است آرایش که خدایتعالی مقرر فرموده یعنی جامهای رنکارنک
وآرایش که مخصوص قدرت بیرون آورده براي بندکان خود از نباتات چون کتان
وپنبه از حیوانات چون پشم وحریر واز معادن که حرام کرده است
روزیهای حلال لذیذ را از خوردنی وآشامیدني پس کفت اي ابن عباس
لباسهای خوب بپوش وتجمل کن بآن بدرستی که خدایتعالی نیکوست
ودوست میدارد نیکان را ومي باید که این لباس از وجه حلال باشد
وکفت اسحق بن عمار که پرسید یکی از ائمه علیه السلام را از حال مردي
که مالدار باشد وجامهای بسیار وپیراهن بسیار داشته باشد وتجمل
کند بآن که آیا این شخص مسرفست آن حضرت کفت که خدایتعالی میکوید که
لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ میباید که نفقه دهد خداوند از فراخی و

توانکری از غنای خود یعنی بقدر توانائی خویش صرف می باید کرد
و روایت کرده است ابو عبدالله از پدر خود علیه السلام که کفت
امیر المومنین علی علیه السلام که روغن مالیدن آشکارا میکند نو
و جامه آشکارا میکند جمال را و نیکوئی کردن بندکان خود خوار
میکرداند دشمنان را و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدر خود علیه السلام که مردی بر در خانهٔ پیغمبر صلی الله علیه و آله
آمد و رخصت طلبید که در آید آنحضرت خواست که بیرون آید جهة
دیدن انکس در حجرهٔ آنحضرت ظرفی پر آبی بود آنحضرت ایستاد و نظر
کرد دران ظرف و اصلاح کرد محاسن خود را و بعد از ان بیرون رفت
و چون باز کشت و در آمد بخانهٔ عایشه کفت بآن حضرت که یا رسول
الله تو بهترین فرزند آدمی و رسول پروردکار عالمی چون ایستادی
و نظر کردی در ظرف آب و اصلاح کردی محاسن و موی سر خود را
آنحضرت کفت ای عایشه خدا یتعالی دوست میدارد که هرکاه بیرون
رود بندهٔ مومن بنزد برادر مومن زینت کند خود را و تجمل کند بلباس
کفت ابو الحسن علیه السلام که زینت کردن برای زنان زیاده میکند
پرهیزکاری ایشانرا لباس نیکو کفت سفیان ثوری که کفتم با ابی
عبدالله علیه السلام روایت میکنی که حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
لباس درشت می پوشید و تو لباس خوب میپوشی آنحضرت کفت وای
بر تو بد رستی که امیر المومنین علی علیه السلام در زمان عسرت و دشوار

بود وقتی که در زمان وسعت باشد نیکان زمان سزاوارترند
بچیزهای خوب و روایت کرده است امام حسن عسکری علیه السلام
که کفت امام رضا علیه السلام که حضرت یوسف علیه السلام دیبا
می پوشید و لنک زربفت می بست و بر تخت می نشست و عدالت
میکرد و روایت است که امام زین العابدین علیه السلام دو جامه
می پوشید که خریده بودند آن دو جامه را برای او به پانصد دینار
یا به پانصد درهم و می پوشید در زمستان جامهای کجینه علحدا
و می فروخت در تابستان آن جامه را بر پنجاه دینار و تصدق میکرد
بهای آنرا و کفت عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام که کفت
که من در طواف بودم که مردی کشید جامهٔ مرا چون متوجه شدم
عباد بصری بود کفت ای جعفر بن محمد بن می پوشی مثل این جامه را و حال
انکه تو بجای امیر المومنین علی علیه السلام در زمانی بود که نیکو بود
او را پوشیدن آنجامه دران زمان و اکر آن نوع لباس درین زمان
بپوشم مردمان میکویند که اینکس ریا میکند مثل عباد و کفت امیر
المومنین علی علیه السلام که باید زینت کند برای برادر مومن وقتی
که بیاید شما همچنانکه زینت میکنید برای غریبی که دوست میدارید
که به بیند آنغریب شما را در بهترین صورتی و کفت ابو خداش المهری
که آمد نزد ما در بصره غلام امام رضا علیه السلام که نام او عبید
بود و کفت که آمدند طایفهٔ از اهل خراسان نزد ابی الحسن علیه السلام

وکفتند باو که مردمان منکر ند این لباس را که پوشیدن اند انحضرت
کفت بایشان که یوسف علیه السلام پیغمبر بود و پدر و جد او نیز
پیغمبر بودند و دیبا می پوشید ولنك زربفت می بست و می نشست
بجای ال فرعون و مرتبهٔ او پست نشد نزد خدا یتعالی و عدالت میکرد
و واجبست بر امام که وقتی که حکم کند و عدل کند و هرکاه وعده
کند وفا کند و هر وقت سخن کوید راست کوید و خدا یتعالی حرام
کردانیده است حرام را خواه کم و خواه بسیار و روایت کرده است
محمد بن عیسی که کفت یکی از ائمه علیهم السلم که آنهائی که مشقت میکشند
از دوستان من دوست میدارند که بر نعمتیم بر نمند و لباس درشت
بپوشم و زمان اقتضای آن نمیکند بسیاری جامه روایت
است که کفت اسحق بن عمار که کفتم بابی عبدالله که آیا می تواند بود که
مومنی را ده پیرهن باشد کفت بلی کفتم بیست میتواند بود کفت بلی اسراف نیست
و اسراف آنست که جامه که بآن تجمل میکنی همیشه بپوشی آنرا و روایت
کرده است ابو اسحق از ابی عبدالله علیه السلم مثل این و کفت که کفتم
بابی عبدالله علیه السلام که آیا میتواند بود مومن را صد هزار
جامه کفت بلی و کفت اسحق بن عمار که کفتم بامام موسی علیه السلم
که آیا اکر مردی ده پیرهن داشته باشد اسرافست کفت نه بلکه پیرهن
بسیار داشتن نکاه میدارد جامه را لیکن اسراف آنست که بپوشی
جامهٔ خود را در جای که پاک نباشد دعای که در جامه

حلال کردانیده است حلال را خواه کم باشد خواه بسیار

پوشیدن می باید خواند کفت معاویه بن عمار که ابو عبدالله علیه
السلام در وقت جامه پوشیدن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثَوْبَ یُمْنٍ و برکه اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ
وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا اَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ
بِهِ فِي النَّاسِ و کفت ابو عبدالله علیه السلم که انکسی که خواهد جامهٔ
نو بپوشد باید که سی و شش نوبت انا انزلناه بخواند چون تنزل
الملائکه رسد اندکی آبی بردارد و بیفشاند بعض از آن آب را بر جامه و بعد
از آن بپوشد و دو رکعت نماز بکذارد و این دعا نیز بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي رَزَقَنِي مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَاُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاُصَلِّي فِيهِ
لِرَبِّي و حمد بکوید خدا یتعالی را پس هرکاه چنین کند همیشه فراخ روزی
باشد تا آنکه آن جامه کهنه شود و روایتست که پرسیدند از ابی جعفر
علیه السلم که چون شخصی جامهٔ نو بپوشد چه دعا بخواند کفت باید که
بکوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثوب یمن و تقوی و برکة اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا
بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ
عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و منقولست از کتاب زهد امیر المومنین
علی علیه السلام صالح ارزق روایت کرده است از جد خود بدان
که کفت که ندیدم هرکز مردی که روی پرهیزکاری او در دنیا
بیشتر باشد و قسمت کردن آن بسویت بیشتر باشد از امیر المومنین

علی علیه السلام بحق خدا که آنحضرت دو جامه هرگز نپوشید
تا آنکه از دنیا رحلت کرد و نمی پوشیدند دران زمان دو جامه
مگر مردم فرود و گفت علی ابن ابی ربیعه که دیدم در بدن
امیر المؤمنین علی علیه السلام جامها گفتم که چیست آنحضرت گفت کدام
جامه پوشنده تراست عورت و خشک کننده تراست عرق را از بدن
جامه و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که آنکسی که
قناعت کند از دنیا بانچه کافی باشد او را اندک چیزی کافیست در
دنیا او را وانکسی که قانع نباشد از دنیا بانچه کفایت کند او را و گفت
عبد الاعلی مولای آل سام که گفتم بابی عبد الله علیه السلام
که مردمان میگویند که مال تو بسیار است آنحضرت گفت بد می
آید مرا این سخن بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه السلام گذشت
روزی بجماعت مردمان از قریش و پیرهنی پوشیده بود که بسیار
پاره پاره بود انجماعت گفتند که علی را مالی نیست آنحضرت شنید این سخن را
پس فرمود آنکسی را که مال او را بصدقه میداد که جمع کند خرمای
او را و هیچ کس از ان خرما ندهد و بفروشد و بهای آنرا نقد کند انکس
چنین کرد و آنرا نزد آنحضرت برد آنحضرت آن زرها را بجای خرما نهاد و گفت
بان کس که هرگاه خرما نهاد و گفت بان کس من طلب کنم بالا رو و بزن
پای خود را بان زر بطریقی که گویا که تو قصد آن زر نکردی تا آنکه پراکنده

شود

شود بعد از ان آنحضرت انجماعت را طلبید و بعد از ان خرما را آن مرد
رفت و پای خود را بان زرها زد و پراکنده شد و بعد از ان آنحضرت
انجماعت را طلبید و بعد از ان خرما طلبید انمرد رفت و پای خود را
بران زرها زد و پراکنده ساخت آن زرها را انجماعت گفتند این چه زر
است یا ابو الحسن آنحضرت گفت که این مال کسی است که گمان شما این بود
که او را مالی نیست چون انجماعت بیرون رفتند آنحضرت گفتند با صحاب
خود که هر اهل بیتی که من بفرستم این زرها را شما رسانید بایشان پس
گفت ابو عبد الله علیه السلام که دوست نمیدارم که بگویند مردمان
غیر این را و گفت مختار تمار که شب بروز آوردم در مسجد کوفه
و لالانی که میگرفتم از بقالی که از اهل بصره بود و روزی بیرون
رفتم پس آواز کرد مرا مردی و گفت لنگ خود را بالا کش بدرستی که
جامهٔ تو پاک تر میماند و تقوی و پرهیزکاری تو زیاده میشود پرسیدم
که کیست این مرد گفتند که امیر المؤمنین علی علیه السلام است پس در
عقب آنحضرت رفتم و او متوجه بود به بازار شتر چون بان جوی
بازار رسید ایستاد و گفت انجماعت بازرگانان سوگند دروغ مخورید
بدرستی که سوگند دروغ کم میکند متاع را و میبرد برکت را و بعد
از ان از انجا در گذشت و به بازار خرما فروشان رسید پس کنیزکی
میگریست نزد خرما فروشی آنحضرت گفت بان کنیزک که چیست ترا
آن کنیزک گفت که بنده مردمم و ایشان یک درهم دادند بمن و فرستادند

طلبید

که برای ایشان خرما بخرم وچون خرما خریدم ونزد ایشان بردم
قبول نکردند باز آوردم خرما را نزد خرما فروش وا و قبول نمیکند آن
حضرت کفت بخرما فروش که بکیر این خرما را و زر کنیز را باو بده
خرما فروش قبول نکرد وکسی کفت بخرما فروش که این علی ابن ابی طالب
است پس خرما فروش کرفت خرما را و زر کنیز باز داد و کفت که نشناختم
ترا یا امیر المومنین عفو کن مرا پس آنحضرت کفت ای جماعت بازرکانان
بترسید از خدا یتعالی ونیکو کردانید خرید و فروخت خود را تا آمرزیده
شوید ما و شما را و بعد از آن آنحضرت از انجا کذشت و باران شد پس
نزدیک خانه رسید و اذن طلبید که بانخانه در آید صاحب خانه رخصت
نداد و آنحضرت را دور کرد آنحضرت بقنبر کفت که بیرون آر صاحب خانه را
وتازیانه بزن قنبر چنین کرد بعد از آن آن حضرت کفت بصاحب منزل
که ترا بجهة آن نزدم که مرا بخانه خود راه ندادی ولیکن بجهة آن زدم که
مسلمان ضعیفی را منع نکنی از خانه خود بعد از آن از انجا هم کذشت و آمد
ببازار کرباس فروشان پس رسید بمردی که داغ داشت و کفت آیا نزد
تو جامه هست که بهای آن پنج درهم باشد آنمرد بر جست و کفت یا
امیر المومنین نزد من هست انچه تو میخواهی چون آنحضرت را آنمرد شناخت
آنحضرت از و در کذشت و رسید بغلامی و کفت ای غلام نزد تو جامه
هست که بهای آن پنج درهم باشد غلام کفت بلی آنحضرت دو جامه خرید
از ان غلام یکی را بدو درهم انجامه را که بسه درهم خریده بود بقنبر داد

یکی را بسه درهم

کفت

قنبر کفت یا امیر المومنین تو باین جامه سزاوارتری بجهة آنکه تو بر
بالای منبر کفت میروی وخطبه میخوانی آنحضرت فرمود که ای قنبر
تو جوانی و ترا حرص جوانی هست ومن شرم میدارم از پروردکار
خود که تفضل جویم بر تو وجامه بهتر را بپوشم ومن شنیدم از رسول خدا
صلی الله علیه واله که میکفت که انچه شما می پوشید بندکان خود را
بپوشانید و از انچه خود میخورید بایشان بدهید چون امیر المومنین
علی علیه السلام آن جامه را پوشید دست خود دراز کرد آستین
جامه دراز تر بود از انکشتان آنحضرت کفت بآن غلام که این زیادتی
ببر آنغلام زیادتی را برید و کفت بیار که بدوزم آستین ترا آنحضرت
کفت که بکذار که همچنان باشد بدرستی که دنیا زود تر میکذرد از این
چیزها متوجه نمیباید شد و کفت ابو بصیر که شنیدم از ابی جعفر
علیه السلام پیرهنی خرید بچهار درهم و پوشید آنرا و دست دراز کرد
و آستین دراز تر بود از انکشتان آنحضرت کفت بخیاط که مقراض بیار
خیاط مقراض آورد آنحضرت برید آستین پیرهن را تا سر انکشتان و
بعد از ان این دعا خواند الحمد لله الذی کسانی من الریاش ما استر به
عورتی واتجمل به فی الناس اللهم اجعل ثوب یمن وبرکة اسعی فیه
لمرضاتک عمری واعمر فیه مساجدک وبعد از ان که شنیدم از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که جامه نو بپوشد واین دعا
بخواند خدایتعالی او را بیامرزد که منقولست از کتاب نجات

را

که میکفت که امیر
المومنین علی علیه
السلام ۳

کناهان

که می باید خواند در وقت پوشیدن زیر جامه اینست اللهم استر
عورتی وآمن روعتی واعف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
ولا له الی ذلک وصولا فیصنع الی المکاید ویهیجنی لارتکاب محارمک
و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که پیغمبران علیه السلام پیش از زیر جامه می پوشیدند
و روایتست که زیر جامه را استاده روبقبله و روی بمردان نمی باید
پوشید و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین علی
علیه السلام روزی غمگین شد پس گفت این غم از کجا آمد نمی دانم که
نشسته باشم بر آستانهٔ در و رفته باشم در میان گوسفندان و ایستاده
زیر جامه پوشیده باشم و دست و روی خود را بدامن خود خشک
کرده باشم و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که جامه
بپوشید و وضو کنید ابتدا بجانب راست کنید و روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که
هرگاه بپوشاند خدای تعالی مومنی را جامهٔ نو باید که وضو کند و دو
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت فاتحه و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه
بخواند و بعد از آن حمد بگوید خدای تعالی را که بپوشانید عورت او را
و زینت داد او را در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا
بالله بدرستی که چون چنین کند تا که این جامه پوشیده باشد گناه
نکند و از برای او بعدد هر رشته که درین جامه است فرشته طلب

پیرهن را

آمرزش و رحمت کند و گفت ابو عبدالله وقتی که وضو کنید یا چیزی
بیاشامید یا طعامی بیاشامید یا طعامی که بخورید یا چیزی بپوشید
و هر کاری که کنید سزاوار انست که بسم الله بگوئید و اگر نگوئید شیطان
شریک شما میشود در آن کار و روایتست که آنکس که بگیرد قدحی را
و در و آب کند و بران آب سی و پنج نوبت بخواند انا انزلنا و آن آب را
بیفشاند بر جامهٔ نو و بعد از آن بپوشد آن جامه را همیشه فراخ روزی
باشد تا آن جامه کهنه شود و روایتست که امام رضا علیه السلام در
جامه پوشیدن ابتدا بدست راست میکرد و هرگاه جامهٔ نو میپوشید
قدحی آبی میطلبید و بران ده نوبت انا انزلنا و ده نوبت قل هو الله احد
و ده نوبت قل یا ایها الکافرون میخواند و آن آب را بران جامه
می پاشید و گفت آنکسی که چنین کند همیشه در فراخی و خوشحالی باشد
مادام از آن جامه رشته باقی باشد و گفت زراره که شنیدم از ابی
جعفر علیه السلام که میگفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام درعراق
خرید پیرهن درشتی بچهار درهم و آستینهای او را برید تا رسید بسر انگشتان
و کوتاه ساخت آن پیرهن را تا نصف ساق چون پوشید حمد و ثنای
خدای تعالی بجای آورد و روایت کرده است ابن عباس رضی الله عنه
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که لنگ نیابد
باید که زیر جامه بپوشد و آنکسی که نعلین نیابد باید که موزه بپوشد
در بپا بالا کشیدن جامه و پاک نگاه داشتن آن

آن جامه را
و بعد از آن می پوشید

و روایت کرده است اسحق بن عمار که گفت ابوعبدالله علیه السلام که
کمترین اسراف آنست که بریزند آبی را که مانده باشد در ظرف و جامهٔ
تجمل را همیشه بپوشند و نریزند از ند خستهٔ خرما را و روایت کرده است
اسحق بن عمار که گفت ابوعبدالله علیه السلم که اسراف آنست که جامهٔ تجمل
خود را همیشه بپوشی و روایت کرده حسن بن علی یقطین که گفت ابو
جعفر علیه السلم که بالا کشیدن جامه راحت جامه است و بیشتر میماند
و نیز گفت که جامهٔ پاکیزه خوار میکرداند دشمن را و روغن مالیدن
می برد سختی را و سر شانه کردن میبرد وبا را و محاسن شانه کردن
محکم میکرداند دندانرا و روایت کرده است ابوجعفر علیه السلام
که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شستن جامه غم و اندوه را
می برد و پاک کردن است برای نماز و خدای تعالی فرمود وَثِيَابَكَ
فَطَهِّرْ یعنی جامهای خود را پاک کردان امیرالمؤمنین علی علیه السلام
فرمود که مراد از پاک کردانیدن آنست که جامه را بالا کشند و روایت
کرده ابوجعفر از پدر خود علیهما السلم که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که انکسی که جامه بپوشد باید که پاک نگاه
دارد جامه را و گفت ابوجعفر علیه السلم که قول خدای تعالی که وَثِيَابَكَ
فَطَهِّرْ این معنی دارد که جامهای خود را بالا گیر و بر زمین مکش و
نیز گفت که قول خدای تعالی وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ این معنی دارد که جامهای
خود را کوتاه کن فصل سیم دربیان پوشیدن انواع لباس و اختلاف
رنگهای آن دربیان پوشیدن جامهٔ سفید روایت کرده است
ابوعبدالله علیه السلام که گفت امیرالمؤمنین علیه السلم که بپوشید
جامهٔ که از پنبه باشد بدرستی که این لباس رسول خدا صلی الله علیه
و آله و لباس ماست و نمی پوشیم ما که اهل بیتیم جامهٔ را که از پشم و مو
ساخته باشند مگر بجهة علی و گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلم که
خدای تعالی جمیل است و دوست میدارد جمال را و دوست میدارد که ببیند
اثر نعمت خود را بر بندهٔ خود و گفت ابوعبدالله علیه السلم که
کتان لباس پیغمبرانست علیهم السلم و روایت کرده است جابر از ابی جعفر
علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیست
از لباس شما چیزی بهتر از جامهٔ سفید پس بپوشید آنرا و کفن کنید بآن
مردهای خود را دربیان پوشیدن لباس سیاه روایت کرده
است سلیمان رشید از پدر خود که گفت که دیدم ابوالحسن را علیه السلام
که ردای سیاه و ردای کبود بر دوش خود انداخته بود و گفت ابو
طیبان الحسینی که آمدند نزد ما امیرالمؤمنین علی علیه السلم و ما در
صحن مسجد بودیم و او خمیصه پوشیده بود و خمیصه جامهٔ سیاه
چهار گوشه است که دو علم دارد و گفت حسین بن مختار که گفتم بابی
عبدالله علیه السلم که آیا احرام میتوان بست در جامهٔ سیاه گفت جایز
نیست احرام بستن در جامهٔ سیاه و کفن کردن میت را بآن دربیان
پوشیدن لباس زرد و زعفرانی گفت ابوطیبان الحسینی که آمد

نزد ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ما در صحن مسجد بودیم
و او لنک زردی بسته و خمیصه سیاه و نعلین پوشیده بود
و در دست او نیم نیزه بود و کفت زراره که بیرون آمد جعفر علیه السلام
که نماز کذارد بر بعضی از اطفال و پوشیده بود جبه و دستار و
مطرفی که هر یک از کجینه زرد بود و مطرف ردائیست که از خز و ابریشم
بافته باشند بر و علمها منقش باشد و کفت ابو عبدالله که هیچ چیز
نیکوتر نیست بر کعبه از چادر یکپارچه از شک و هموار که بزعفران رنک کرده
باشند

پوشیدن لباس که بکل کاژیره رنک کرده باشند

کفت عبدالله بن عطا که دیدم که ابو جعفر علیه السلام با بالا پوشی سرخی سیر
رنک پوشیده بود و از رنکین شده بود بدن مبارک آنحضرت کفتم چه
چیز است این حضرت کفت که بالا پوش پوشیده بود که بکل کاژیره رنک
کرده بودند و میان دو دوش و کردن آنحضرت از آن رنکین شده بود
نظر کردم با آن بالا پوش آنحضرت کفت ای حکیم چه میکوئی در حق بالا پوش
کفتم ما عیب میکنیم جوان بالغی را که مثل این کار کند چه کوییم و حال آنکه
تو بر خود پوشیده آنحضرت کفت این حکم که حرام کرده است زینت را
که خدایتعالی داده است به بندکان خود و روزی و روزی حلال
ای حکیم من کتخدا شده ام و کسی که نو کتخدا شود میباید که زینت کند
خود را و کفت ابو جعفر علیه السلام که همیشه بکراهیت میپوشم جامه
سیر رنک را مکر در عروسی و کفت مالک که رفتم نزد ابی جعفر و آنحضرت

بالا پوشی پوشیده بود که بسیار سرخ بود وقتی که در آمدم نزد
آنحضرت تبسم کردم کفت آنحضرت که دانستم که چرا خندیدی بجهة این
بالا پوش که پوشیده ام خندیدی بدرستی که ثقیفه بزور پوشانید
این بالا پوش را بمن و ثقیفه زوجه آنحضرت بود بعد از آن آنحضرت کفت
که نماز نمیکذاریم درین جامه باید که شما هم نکنید در جامه سرخ
پس رفتم نزد آنحضرت بعد ازین واقعه بچند روز احوال ثقیفه پرسیدم
آنحضرت کفت که او را طلاق دادم بجهة آنکه وقتی با او خلوت کرده بودم
معلوم شد که او دشمن امیرالمؤمنین است و نتوانستم که نکاه دارم
او را و حال آنکه دشمن آنحضرت باشد و کفت بن عینیه که دیدم که
ابو جعفر لنک سرخ بسته بود پس نیز نظر کردم در و کفت ای ابو محمد
پوشیدن این باکی نیست و بعد از آن این آیه را خواند که قُلْ مَنْ حَرَّمَ
زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بکو ای محمد که
که حرام کرده است آرایشی که خدایتعالی مقرر فرموده یعنی جامهای
رنکارنک آن آرایشی که بمحض قدرت بیرون آورد برای بندکان خود
از نباتات چون کتان و پنبه و از حیوانات چون پشم و حریر و از
معادن که حرام کرده است روزی حلال را نخوردنی و آشامیدنی

در بیان پوشیدن لباس کلکون و عدسی و کبود و سبز

کفت حسن بن زیات که دیدم که دیدم که ابو جعفر علیه السلام
بالا پوشی کلکونی پوشیده بود و کفت محمد بن علی که دیدم که ابوالحسن

علیه السلم جامهٔ عدسی پوشیده بود و روایت کرده است سلیمان
بن رشید از پدر خود که گفت که دیدم که بر دوش ابی الحسن ع
ردای کبودی و گفت ابو العلا که دیدم ابو عبد الله علیه السلام جامهٔ
سبزی پوشیده بود در وقتی که احرام حج بسته بود و گفت ابان
بن تغلب که رفتم نزد ابی عبد الله در روز آخر ماه رمضان بعد از
عصر و چون جبرئیل متوجه آسمان شد آنحضرت طلب کرد فاطمه را و حضرت
فاطمه هر گاه می شنید که آنحضرت او را طلب کرده قبول میکرد پس حضرت
فاطمه علیه السلام رفت نزد آنحضرت و بر و فوطهٔ بود که نصف آن را
میان بسته بود و نصف دیگر را بر سر خود انداخته بود آنحضرت گفت
بفاطمه که طلب کن امیر المؤمنین علی علیه السلام را پس آنحضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلم را بدست راست خود نشاند و بعد از آن دست امیر المؤمنین
را گرفت و در کنار خود نهاد حضرت فاطمه را بر دست چپ خود نشاند
و دست او را گرفت و در کنار خود نهاد و بعد از آن با امیر المؤمنین و
حضرت فاطمه گفت که آیا خبر دهم بشما آنچه خبر داد بمن جبرئیل گفت بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت که جبرئیل بمن خبر داد که من از جانب راست عرش
خواهم بود در روز قیامت و خدایتعالی دو جامه خواهد پوشانید
مرا که یکی سبز باشد و دیگر سرخ و تو ای فاطمه نیز از جانب راست
عرش خواهی بود و خدایتعالی بتو دو جامه خواهد پوشانید یکی سبز و یکی
سرخ ابان بن تغلب میگوید که گفتم بابی عبد الله علیه السلم که فدای

حضرت فاطمه را امیر المؤمنین علی علیه السلام را

تو گردم بدرستی که مردمان کراهت میدارند جامهٔ سرخ را آنحضرت
گفت ای ابان خدایتعالی چون حضرت عیسی علیه السلم را باسمان برد
او را ببهشت بردند که در و هفتاد غرفه بود و دو جامه باو پوشانیدند
یکی سبز و دیگری گلگلون گفتم فدای تو گردم خبر ده مرا بمثل این
از قرآن حضرت گفت که ای ابان خدایتعالی میگوید فَاِذَا السَّمَآءُ فَكَانَتْ
وَرْدَةً كَالدِّهَانِ یعنی وقتی آسمان شکافته شود برای فرود آمدن
فرشتگان پس برنگ گل سرخ گردد و مانند ادیم سرخ **فصل چهارم**
در بیان پوشیدن جامهٔ خز و جلد و غیر آن **در بیان** پوشیدن
خز و خز حیوانیست که در دریا می باشد و از موی او جامه میسازند
و چنین را نیز خز میگویند و گفت عبد الله بن سلیمان که شنیدم از ابی
عبد الله علیه السلم که میگفت که امام زین العابدین علیه السلم سرما زود در
می یافت و او میخرید جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم چون زمستان
بیرون رفت میفروخت آنرا و بهای آنرا تصدق میکرد و هیچ جامه
خود نمیفروخت غیر خز گفت قتیبه بن محمد که گفتم بابی عبد الله که ما
بپوشیم جامهٔ خز را و تار آن ابریشم است آنحضرت گفت باکی نیست پوشیدن
جامهٔ ابریشمی وقتی که با ابریشم چیزی دیگر باشد و روایتست که رسید
شخصی بحضرت امام حسین علیه السلم و آنحضرت جامهٔ خز پوشیده
بود که تار آن ابریشم بود و گفت بآنحضرت که ما می پوشیم این لنگ بر
بر پا و ابریشم او میته است و بر بر جایعمرا از مرد مند آنحضرت که در یشم

الشقّ

العابدین

روح نمی باشد ایا نمی بینی پشم را میبرند و میفروشند و آن حیوان

زنده است و روایت کرده است امام حسن عسکری علیه السلام

که کفت امام علی نقی علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام

دو جامه میپوشید در تابستان که خریده بودند برای آنحضرت

آن هر دو را به پانصد درهم و می پوشید در زمستان ردای از

خز و میفروخت در تابستان آنرا به پنجاه دینار و تصدق میکرد

بهای آنرا و روایت کرده است از محمد بن مسعد که کفت ابو عبد الله

علیه که پدر من می پوشید جامهٔ خز که به پانصد درهم میخرید

هرکاه یکسال بران جامه میکذشت تصدق میکرد انجامه را انحضرت

کفت با انحضرت که کاشکی انجامه را میفروختی و بهای آن را تصدق میکردی

آنحضرت کفت که چون بفروشم جامه را که دران نماز کذارده ام و کفت

عبد الرحمن ابن حجاج که پرسید مردی از ابا عبد الله از پوست خز

و من حاضر بودم آنحضرت کفت باکی نیست پوشیدن آنمرد کفت که

فدای تو کردم خز در شهرها میباشد و سک آبیست که از آب بیرون

می آید آنحضرت کفت هرکاه از آب بیرون می آمد آنحضرت کفت زنده می

ماند در خشکی آنمرد کفت نی آنحضرت کفت باکی نیست و منقولست

از کتاب زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام در صحن مسجد بود امام

حسین علیه السلام پیراهن خز پوشیده بود تا اخر روایت در ینمقام

آنست که پوشیدن جامهٔ خز جایز است و روایت از عمر و یا از عمر بن نجم

السکونی که کفت آورد ند نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام اسب

دهقانی را که آنحضرت سوار شود چون آنحضرت پای خود را در

رکاب نهاد کفت بسم الله چون دست خود را بر زین نهاد دست

آنحضرت لغزید آنحضرت کفت که آیا میان این زین دیباست شخص

کفت بلی آنحضرت سوار نشد چون دانست که دیباست در بیان

پوشیدن جامهای مصری که در روابریشم باشد و غیر آن روایت از

داود بن سرحان که کفت ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی

علیه السلام فرمود که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله و آله و سلم از پوشیدن

جامهای مصری که در روابریشم باشد و انکشتری طلا در انکشت کردن

و سوار شدن بر زینی که بر و بالش سرخ باشد و قرآن خواندن در رکوع

و نمیکویم که منع کرد شما را از ینها **فصل پنجم** در بیان تکبر کردن

بجهة پوشیدن لباسها کفت عبد الله بن هلال که فرمود مرا ابو عبد الله

که بخوم برای او فوطه که لنک کند کفتم با انحضرت که نمی یابم مکر فوطه

کشادی انحضرت کفت که ببر از ان فوطه و بدوز کنار آنرا پس کفت آنحضرت

که پدر من کفت که انچه از جامه در کذرد از کعبین جای او در دوزخ است

و روایت کرده است عبد الله بن هلال از ابی عبد الله مثل این که کذشت

و کفت انچه در کذرد از کعبین از دو جامه در دوزخ است و کفت

ابو اسحق السبیعی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که

بپوش لنک تا نصف ساق یا تا کعبین و بپرهیز از فرو کذاشتن لنک

آنقدر که بکذرد از کعبین بدرستی که فرو کذاشتن لنک از تکبر است
و خدایتعالی دوست نمیدارد تکبر را و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
علیه و آله و سلم که فرو کذاشتن در زیر جامه و پیرهن و دستاری
باشد و آنکسی که بکشد یکی از اینها را بر زمین یا از روی تکبر نظر
نکند خدایتعالی با او در روز قیامت و منقولست از کتاب زهد حسین
امیر المومنین علی علیه السلام که کفت ابو مطر که امیر المومنین علی علیه
السلام روزی کذشت بمن و پسر عم من زد مرا بچوب یا بذرة و کفت بالا
کش جامهٔ خود را یا لنک خود را تا سوده نشود بجهة کشیدن بر زمین
پس کفت پسر عم من که کیست اینکس که میزند پسر عم مرا امیر المومنین
علی علیه السلام کفت که من می کویم که بالا کش جامهٔ خود را یا لنک خود را
تا سوده بزمین پس آنحضرت کفت بقنبر که چرا حمایت نکردی مرا
این شخص حمایت کرد پسر عم خود را و روایتست از جابر که کفت ابو
جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که
فرمود بوی بهشت را در می یابند از هزار ساله راه و در نمی یابد بوی
بهشت را کسی که بکشد لنک خود را بر زمین از روی تکبر و بزرکواری
زیرا که لایق نیست مکر حق تعالی را که پروردکار عالم و عالمیانست و کفت
ابو عبد الله علیه السلام که حق تعالی دشمن میدارد کسی را که تکبر کند و
فرو کذارد لنک خود را آنمقدار که از کعبین بکذرد و کسی را که رو
دهد متاع خود را بسو کند و روایت کرده است ابو عبد الله از پدر خود

که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که سرکش اند که سخن
نمیکوید خدایتعالی با ایشان در روز قیامت و پاک نمیکرداند ایشانرا
از غلطهای بد که کرده اند و مر ایشانراست عذاب دردناک یکی آنکه
فرو کذارد دامن خود را از روی عظمت و بزرکی دیکر آنکس که
مدح کوید متاع خود را سیم آنکه اظهار محبت و صفای خاطر کند
و دلش پر از عداوت و کینه باشد و نیز روایت کرده است ابو
عبد الله از پدر خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که موقتی که تغافل کنند امت من بکسی که از ایشان سوال کند و
فرو کذارند موهای خود را و راه روند از روی تکبر سوکند میخورد
خدایتعالی بعزت و جلال خود که بترسانم بعضی از آن امت را از بعضی
و نیز روایت روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام از پدر خود که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که راه رود از روی
تکبر لعنت کند زمین او را و روایتست از بشیر نبال که روزی در مسجد
بودم با ابو جعفر علیه السلام پس کذشت بر ما مردی سیاهی که دو
حله پوشیده بود یکی را لنک کرده بود و دیکری را ردا و از روی
تکبر میرفت آنحضرت کفت بمن که این مرد جبار است از جملهٔ چیزهای
که وصیت کرده است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ابا ذر غفاری
رحمه الله علیه را اینست که ای ابو ذر بیشتر کسانیکه بدوزخ میروند

متکبر اند مردی کفت یا رسول الله ایا هیچ کس باشد که از تکبر خلاص
شود آنحضرت کفت بلی انکس که پشمینه پوشد ودراز کوش سوار
شود کوسفندی بدوشد وبا مسکینا ویاد روپیشان بنشیند از
تکبر خلاص شود ای اباذر انکسی که جامهٔ خود را بکشد بر زمین
از روی تکبر نظر نکند خدا تعالی در روز قیامت ای اباذر لباس مرد
تا نصف ساق او می باید وباکی نیست اکر تا میان ساق وکعب باشد
وانچه پائین تر است از کعب در آتش دوزخ خواهد بود ای اباذر
انکسی که کوتاه کند جامهٔ خود را برای رضا خدا خلاص میشود از
تکبر **در بیان** تواضع کردن در لباس کفت ابو عبد الله علیه السلام
که امام زین العابدین علیه روزی از خانه بیرون آمد وجامهای
نیکو پوشیده بود زود باز کشت وبمنزل خود در رفت وکفت بکنیز
که جامهای که بیشتر پوشیده بودم بمن ده که چون من با این جامها
نیکو راه رفتم کویا که علی بن الحسین نبوادم و روایتست که هر کاه امام
زین العابدین علیه السلام راه رفتی سر خود را در پیش می انداخت
ونمی جنبانید وکتفهای خود را نیز نمی جنبانید وکفت ابو عبد الله
که هر کاه کسی جامهٔ نرم پوشیده بود در وقت وفات دامن آنرا وی
کردم دوازده وجب بود وآستینهای او دو وجب بود ومیان
او شش وجب بود وکفت ابو جعفر علیه السلام بجماعتی که صاحب

شما امیر المؤمنین علی علیه السلام دو پیرهن درشتی می خرید و
بعد از ان می کفت بغلام خود که هر کدام را می خواهی بردار غلام
بر میداشت ودیکر را آنحضرت می پوشید وهر کاه آستین پیرهن
از سر انکشتان در میکذشت میبرید زیادتی را واکر از کف دست
در میکذشت واز سر انکشتان در نمیکذشت میکذاشت آنرا بحال
خود وکفت زراره که شنیدم از ابی جعفر علیه السلم که میکفت
که امیر المؤمنین علی علیه السلام خرید در عراق پیرهن درشتی
بچهار درهم وبرید آستینهای آنرا تا برابر سر انکشتان وآن پیرهن
تا نصف ساق آنحضرت بود چون پوشید آن پیرهن را حمد وثنای
حق تعالی کفت وفرمود که آیا بنمایم اینجامه را آستینهای آن سه وجب
بود ودرازی آن شش وجب بود ومنقولست از کتاب زهد حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلم که روایت کرده است اصبغ بن بنانه که
رفتیم ما با امیر المؤمنین علی علیه السلم تا آنکه ببازار خرما فروشان
رسیدیم آنحضرت کفت باهل بازار که بر یکدیکر مریزید خرما را که
از یکنوع نیستند وبعد از ان از انجا کذشت وببازار برده فروشان
رسید وکفت مفروشید از انواع ماهی جری ومار ماهی وطافی را
جری ومار ماهی نوعیست از ماهی که فلوس ندارد وطافی ماهی
است که در آب مرده باشد وبعد از ان از انجا کذشت ورسید بدار زرین
ودارین نام محله ایست در بحرین ودو جامه خریداری کرد از مردی

بتما کفتم بلی اس طلب
ان جامه را

وسیان آن سه وجب

برید بجهة وطو کرد
کنیزان من به او بعد از ان
از انجا کذشت تا انکه
رسید ببازار ماهی فروشان
وکفت باینان

السلام

بپوشم که

وقنبر با آنحضرت بود آن مرد گفت یا امیر المؤمنین چون آنحضرت را نشناخت
که آنمرد شناخت او را باز گشت وان دو جامه نخرید و رفت تا آنکه
رسید بغلامی و گفت با آن غلام که دو جامه بمن بفروش آن
غلام مضایقه کرد در بهای جامه تا آنکه بهای هر دو جامه را به هفت
درهم رسانید یك جامه را بچهار درهم خرید و دیگری را بسه درهم
پس آنحضرت گفت بقنبر که یکی ازین دو جامه را اختیار کن قنبر برداشت
آنجامه را که بچهار درهم خریده بود و آنحضرت پوشید آنحضرت بهایش
آنجامه را که بسه درهم خریده بود و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي
مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي خَلْقِهِ و بعد از آن آمد بمسجد کبیر
پس توده کرده پاره دیگر را و پشت خود را بآن ریگ نهاد پس آمد
پدر آن غلام که آنحضرت جامه از و خریده بود و گفت که پسر من ترا
نشناخت یا امیر المؤمنین و دو درهم سود کرده است از بهای آن دو
جامه که بشما فروخته است بگیر آن دو درهم را آنحضرت گفت که نمیگیرم
بجهت آنکه مبالغه و مضایقه کردیم در خرید و فروخت و هر دو با آن
بها راضی شدیم و گفت ابو سعده که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه السلام
بیرون آمد از مصر بنزدیك او رفتم و سلام کردم بر او آنحضرت دست
مرا گرفت و رفت تا بدار فرات و آنجا خرید پیرهن درشتی بسه درهم
یا بچهار درهم و پوشید آنرا و آستین پیرهن برابر دست آنحضرت
بود و گفت و شیکه که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه السلام را

رفت
فرات

بربالا

بربالای ناف بسته بود و آن لنگ تا نصف ساق آنحضرت بود
و در دست آنحضرت دره بود و میگردید در بازار و میگفت
که بترسید از خدای تعالی و کم مفروشید و نصیحت میکرد مردمان
بر وجهی که گویا تعلیم میکرد طفلان را و گفت مجمع که امیر المؤمنین
علی بیرون آورد شمشیر خود را و گفت که کیست که بگیرد این شمشیر را
و اگر مرا پیرهن می بود در گرو نمیکردم شمشیر را پس شمشیر را
بسه درهم در گرو کرد و پیرهن کرباسی خرید که آستین آن پیرهن
تا نصف ساق بوده است و درازی آن تا نصف ساق پای آنحضرت
بود و گفت عبد الله بن ابی الهذیل که دیدم که امیر المؤمنین علی علیه السلام
را که پیرهن پوشیده بود که هرگاه میکشید طرف آستین بناخن
آنحضرت میرسید و هرگاه میگذاشت تا سر دست آنحضرت بود و روایت
کرده است ابو الاشعث العبری که از پدرش که گفت که دیدم امیر
المؤمنین علی علیه السلام که روز جمعه غسل کرده در آب فرات و بعد
از آن خرید پیرهن کرباسی بسه درهم و نماز جمعه گذارد با مردمان و آن
پیرهن و هنوز دوخته بودند گریبان آن پیرهن را و روایت کرده است سالم
بن مکرم که گفت ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه
السلام سه جامه خرید بیکدینار عبارت از یکمثقال طلاست پیرهن
که تا بالای کعب آنحضرت بود و لنگ تا نصف ساق بود و ردائی که از
پیش تا سینه بود و از پس تا نشستگاه و پوشید آنجامها را و بعد از آن حمد

دست
و یکدینار

وثنا میکفت خدایتعالی را تا انکه بمنزل خود درآمد پس کفت ابو عبد
الله علیه السلام که این لباسیست که سزاوار است که بپوشیم ما اما
نمیتوانیم پوشید درین زمان بجهة انکه اکر بپوشیم مردمان میکویند
که دیوانه است بجهة ریا پوشیده است وهرکاه صاحب الزمان علیه
السلام ظهور کند این نوع لباس خواهد داشت وکفت هشام بن سالم
که شنیدم از ابی عبدالله که میکفت که در راه مکه برفیقان
خود که هرکاه فرود می آیید بمنزلی باید که بپوشید جامه کهنه یا جامه
درشت خود را بدرستی که هرکس که فرود آید بوادی مکه در دل او
هیچ کبر وتکبر نباشد خدایتعالی بیامرزد او را عبدالله بن یعفور
پرسید از ابی عبدالله علیه السلام که حد کبر چیست آنحضرت کفت که
حد آنست که کسی نظر کند بخود وقتی که جامه خوب پوشیده باشد و
خواهند که مردمان ببینند آنجامه را در بدن او وبعد از ان آنحضرت
خواند این آیه را که بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ
یعنی آدمی بر انچه در نفس اوست داناست باید که انچه داند بدست
نکند وروایتست از ابن سنان که کفت ابو عبدالله علیه السلام
که بود پدر مرا دو جامه درشتی که دران نماز می کذارد وهرکاه
میخواست که از خدایتعالی حاجتی بطلبد آن دو جامه را می پوشید و
طلب حاجت میکرد در بیان پیوند کردن جامه روایتست از طلحه
بن زید که کفت ابو عبدالله علیه السلام که روزی امیر المومنین علی

کبر

علیه

علیه السلام خطبه خواند وپوشیده بود لنکی که از کرباس درشتی بود
که پیوند کرده بودند آنرا به پشمینه کسی کفت بآنحضرت که این چه چیز است
آنحضرت کفت که پوشیدن این جامه موجب تواضع وفروتنی است
وما بجهة آن پوشیده ایم آن جامه را که مومنان متابعت وپیروی
ما کنند وروایتست که چون عبدالله بن عباس بازکشت از بصره واورد
مالی ودرآمد بکوفه ودریافت حضرت امیر المومنین علی علیه السلام را
در بازار آنحضرت ایستاده بود ومنادی میکرد بنفس خود ومیکفت
ای جماعت مردمان انکسی که بدانیم ما که بعد از این وزجری ودباع و
طافی ومار ماهی میفروشد میزنیم او را باین دره ودباع ومار ماهی
نوعیست از ماهی که فلوس ندارد وطافی ماهیست که در آب مرده باشد
ابن عباس کفت سلام کردم بر آنحضرت پس آنحضرت جواب سلام داد وکفت
ای ابن عباس چه کردی مال را کفتم یا امیر المومنین نزدیک من آی و
مرحبا کوی مرا که مال آوردم بعد از ان آنشخص آمد نزد آنحضرت وبا
آنشخص شمشیری بود که آنحضرت باو داده بود که بفروشد آنشخص کفت
کیست که این شمشیر را بهفت درهم بخرد آنحضرت کفت که اکر مرا در بیت
المال مسلمانان بهای مسواکی میبود نمیفروختم این شمشیر را پس بفروخت
بهفت درهم وپیرهنی خرید بچهار درهم که کریبان آنرا فرا ویزی بود ودو
درهم را تصدق کرد وبیک درهم سه روز مهمانی کرد مرا وکفت یزید بن
شریک که روزی امیر المومنین علی علیه السلام شمشیر خود را بیرون آورد

آنشخص

وگفت کیست که بخرد شمشیر مرا و اگر مرا بهای لنگی می‌بود نمیفروختم
این شمشیر را و گفت فضل بن کثیر که دیدم ابو عبد الله علیه السلام که
جامهٔ کهنه پوشیده بود که پیوند داشت نظر کردم بسوی آنحضرت گفت
بمن آن حضرت که چه نظر میکنی بمن نظر کن که درین کتاب که اینجاست
نظر کردم در آن کتاب نوشته بود که جامهٔ نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد
و روایتست که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام لنگی کهنه پوشیده بود
که پیوند کرده بودند آنرا کسی گفت که چیست این آنحضرت گفت که پوشیدن
این جامه موجب تواضع و فروتنی است و خوار میکند نفس را و ما
بجهت آن می‌پوشیم این جامه را که مؤمنان متابعت ما نمایند در بیان
پوشیدن جامهای میانه گفت معاویة بن وهب که گفتم بابی عبد الله
علیه السلام که مردی بود که مال بسیار داشت و جامهای نیکو می
پوشید و او را اسباب بود و بعد از آن مال او تلف شد و حال او متغیر
گشت و نمیخواست که دشمنان خوشحالی کنند و بمشقت اسباب خوب خود
بهم میرساند آنحضرت گفت باید که نفقه کند آنکسی که مال دارد بقدر
وسع خود و آنکسی که تنگ روزیست باید که نفقه کند از آن چیزی که خدا
باو داده است بقدر حال خود و مشقت نکشد در بهم رسانیدن اسباب
در بیان پوشیدن جامهٔ پشمینه و جامهٔ درشت گفت محمد بن کثیر که
دیدم که ابو عبد الله علیه السلام جبهٔ پشمینه بود میان دو پیرهن
درشتی گفتم این چیست آنحضرت گفت که دیدم پدر خود را که پوشیده بود

جبهٔ پشمینه باین طریق و ما هر گاه میخواهیم که نماز کنیم میپوشیم درشت
ترین جامهای خود را و گفت معمر بن خلاد که شنیدم از امام رضا
علیه السلام که بحق خدای که اگر مرتکب امر خلافت میشدیم دایم طعام
نیکو نمی‌خوردیم و دایم جامهٔ نیکو نمی‌پوشیدیم و همیشه براحت و خوشی
نمی‌بودیم و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی که
کرده است اباذر غفاری را که ای اباذر بدرستی که لباس درشت
می‌پوشیم و می‌نشینم بر روی زمین و میلیسم انگشتان خود را در وقت
طعام خوردن و سوار میشوم بر درازگوش بی زین و کسی را در ردیف خود
می‌سازم پس آنکسی نخواهد سنت مرا و متابعت من نکند از دوستان
و محبان من نیست ای ابوذر گاهی جامهای درشت بپوش و گاهی جامهای
نرم و نازک تا آنکه فخر راه نیابد بتو و منقولست از امالی شیخ ابی
جعفر بن بابویه رحمة الله که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است که پنج چیز را نمیگذارم تا وقتی که از دنیا رحلت کنم
تا آنکه اینها سنت باشد بعد از من چیزها خوردن بر زمین با بندگان
و سوار شدن با درازگوش پالان دار گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم که بپوشید جامهٔ پشمینه را و سیر مخورید بدرستی که این
جزویست از پیغمبری و نیز گفت که جامهٔ پشمینه و جامهٔ کوتاه بپوشید
و سیر مخورید تا مرتبهٔ شما بلند شود و منقولست از کتاب محاسن
که ذکر کرده‌اند نزد ابی عبد الله علیه السلام که راهبی گفته است که لباس

موئینه شبیه تراست بلباس اهل مصیبت آنحضرت گفت کدام مصیبت بزرگتر است از مصیبت و منقولست از کتاب فردوس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم گفت که بر شما باد که لباس پشمینه بپوشید تا بیابید حلاوت ایمان را و چیزی کم بخورید تا آنکه در آخرت معروف و مشهور شوید و بدرستی که نظر در لباس پشمینه موجب تفکر است و تفکر سبب حکمت است و حکمت روان میشود در دل شما مانند خون **فصل ششم** در کراهیت لباس شهرت و نکتهٔ چند بر لباس **در بیان** لباس شهرت گفت ابو عبد الله علیه السلم که کافیست مرد را در رسوائی این که بپوشد لباسی یا سوار شود اسپی که موجب شهرت او شود و روایتست که عباد بن کثیر البصری نزد ابی عبد الله آمد و لباس شهرت پوشیده بود آنحضرت گفت ای عباد چه جامه است که پوشیدهٔ عباد گفت یا ابا عبد الله عیب میکنی مرا بجهة پوشیدن این جامه آنحضرت گفت بلی زیرا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که آنکسی که لباس شهرت بپوشد در دنیا بپوشاند خدایتعالی او را لباس خواری در روز قیامت گفت عباد که خبر داد ترا باین حدیث آنحضرت گفت ای عباد شك در این سخن داری بحق خدایی که خبر داد مرا باین حدیث پدران من از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و گفت امیر المومنین علی علیه السلم که نیست چیزی دشمن تر نزد خدایتعالی از پوشیدن لباس شهرت و روایتست از حضرت امیر المومنین

علی علیه السلام می فرمود میبردند و بعد از آن میپوشیدند **در بیان** پوشیدن قناع و قناع روپاك بزرگیست که مردان بزرگ می اندازند گفت عبد الله بن وضاح که دیدم امام موسی علیه السلم را که نشسته بود در پس خانهٔ کعبه و قناع بر سر خود انداخته بود و بیرون آورده بود گوشهای خود را از آن و گفت ابو عبد الله ع که پوشیدن قناع در شب زینت است و گفت عبد الله بن ولید بن صبیح که درخواست کرد از من شهاب بن عبد ربه که طلب رخصت کنم برای او که درآید نزد ابی عبد الله علیه السلام رفتم نزد آنحضرت و طلب رخصت کردم و آوردم او را نزد آنحضرت و طلب رخصت کردم واو بر سر خود قناع داشت و آوردم بالشی و انداختم برای او و او بر آن بالش نشست آنحضرت گفت باو که برهبینداز قناع خود را ای شهاب بدرستی که قناع در شب زینت است و در روز خواری و مذلتست **در بیان** حمایل کردن روایت است که مردی حمایل کرده بود لنگی را بر بالای پیرهن یکی از ائمهٔ معصومین علیه السلم فرمود که چنین مکن بدرستی که این تکبر است و گفت محمد بن مسلم که ابو جعفر علیه السلم مکروه میداشت که حمایل کنند لنگ را بر بالای پیرهن و گفت این کار متکبرانست و گفت ابو عبد الله علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که منع می کنم امت خود را از شما

صما آنست که لنك را بر دوش خود اندازند وهر دو طرف آنرا از زير بغل
بيرون آرند وهر دو را بر يك كتف اندازند ونيز كفت كه رسول خدا
صلى الله عليه واله وسلم فرمود كه منع ميكنم امت خود را از كشودن
بندهاي قبا واز برهنه كردن رانها در ميان پوشيدن لباس پشمينه
منقولست از كتاب مجمع البيان كه كفت امام جعفر صادق عليه السلم
كه آمد رسول خدا صلى الله عليه وسلم نزد حضرت فاطمه عليها السلم
جامه پوشيده بود از پشم وبدست خود آرد ميكرد وشير ميداد
فرزند خود را آنحضرت چون فاطمه را چنان ديد بكريه در آمد وكفت
اي دختر من زود باشد كه تلخي دنيا بشيريني آخرت مبدل شود بدرستي
كه فرستاده است خداي تعالى در شان من اين آيه را وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ
رَبُّكَ فَتَرْضَى أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا يعني زود باشد كه ببخشد پروردكار تو
كمال نفس ومرتبه عالى ترا پس خشنود يعني چندان عطا آن را فرمايد
كه كوئي بس است وراضي شدم ومنقولست از كتاب عيون الاخبار
كه كفت ابن ابي عباد كه امام رضا عليه السلم در تابستان بر حصير مي نشست
ودر زمستان بر پلاس وجامهاي درشت ميپوشيد وهركاه بيرون
مي آمد براي مردمان جامهاي زينت مي پوشيد در ميان تشبه مردان
بزنان در لباس روايت كرده سماعه بن مهران كه مردي جامه خود را
بر زمين ميكشيد ابو عبد الله وابو الحسن عليهما السلم با مرد كفتند كه

مكروه ميداريم ماكه شابه شوي بزنان وروايت كرده ابو عبد الله
از پدران خود عليهم السلم كه رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم
منع ميكرد مردمان را كه مشابه شوند بزنان در لباس ومنع ميكرد
زنان را كه مشابه شوند بمردان در لباس وكفت حضرت پيغمبر صلى الله
عليه واله وسلم كه بهترين جوانان آنست كه خود را مشابه سازد به
پيران وبدترين پيران آنست كه خود را مشابه سازد بجوانان در پوشيدن
پوستين سنجاب وغير آن كفت يونس بن يعقوب كه رفتم نزد ابي
عبد الله عليه السلم وآنحضرت بيمار بود ودر خركاهي بود وقباي پوشيده
بود وبر بالاي خود چيزي پوشيده بود وپيش آنحضرت تغاري بود كه
در وريحان بود وجبه خز پوشيده بود كه نه كهنه بود ونه تنك وبر بالاي
خود لحاف پوست روباه پوشيده بود ودست راست آنحضرت ظاهر
بود كفتم باو كه فداي تو كردم چه ميكوئي در پوست روباه آنحضرت كفت
اين از براي پوشش است نه از براي نماز وكفت سماعه بن مهران كه پرسيدم
ابا عبد الله وابا الحسن عليهما السلم را از كوشت درندها وپوست ايشان
كفتند كه كوشت درنده خواه مرغ باشد وخواه غير مرغ مكروه ميداريم
اما پوست ايشانرا ميتوان بر بالاي زين انداخت وسوار شد وبر پوشيد
پوست درنده را كه نماز كذارد در آن وكفت عبد الله بن سنان كه
شنيدم از ابي عبد الله عليه السلم كه ميكفت كه بتحفه آوردند براي
پدر من پوستيني بطريق جبه از عراق وهركاه ميخواست كه نماز كذارد مي

پوشیدن ۲ — طغاری ۲ — كندو مي انداخت ۲ — حضرت ۲ — ۸۶

آنرا و نیز میگفت که اینجا بیارند براي تو از پوستهاي یمني نماز بگذار
دران و میپرسن ازان و روایتست که پرسید عمار از امام رضا علیه السلم
از پوست روباه و سنجاب و سمور آنحضرت گفت که دیدم پدر خود را
که سنجاب پوشیده بود در نماز و منع کرد ما را از پوشیدن پوست
روباه و سمور در نماز **فصل هفتم** در بیان پوشیدن عمامه و ما فیه
در بیان پوشیدن عمامه گفت سکوني که ابو عبدالله علیه السلم
روایت کرده است از پدران خود علیهم السلم که گفت که رسول خدا
که عمامه افسر عربست هرگاه عمامه را بنهند از سر خود بر دارد خدای
تعالی عزت را از ایشان و نیز گفت که عمامه بر سر بنهید تا زیاده شود حلم
شما و گفت ابو اسحق که پدر من نمود علي ابن ابي طالب علیه السلم را بمن و آن
حضرت خطبه میخواند و لنگي بسته بود و ردائي بر دوش انداخته بود
و عمامه بر سر داشت و گفت اسمعیل بن همام که ابو الحسن علیه السلم فرمود
که مراد از مسومین که در قول خدایتعالی واقع است که یمددکم ربکم
بخمسة آلاف من الملائکة مسومین فرشتگانند که خدایتعالی
بمدد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد ایشان عمامه
بر سر داشتند و معني آیه اینست که مدد میکند شما را پروردگار شما
به پنجهزار سوار فرشتگان که نشان کنندگانند که خداي خود را و این
عادت مستمره است میان مبارزان که در روز جنگ علامتي بر خود
یا بر مرکب خود می بندند و آن روز فرشتگان خود را نشان کرده بودند

بعمامهاي سفید و طرفهاي آن میان دو کتف فرو گذاشته و روایت
است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عمامه بر خود بست و علاقه
از پیش و پس گذاشت و جبرئیل نیز چنین کرد و گفت معاویة بن عمار
که شنیدم از ابي عبدالله علیه السلم که میگفت که در آمد رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حرم کعبه روزي که در آمده بود
بمکه و عمامه سیاهي بر سر داشت و سلاح بسته بود بعد ازان
بیرون رفت از مکه بجانب حنین بجنگ کافران چون فارغ شد
از جنگ رسید بموضعي که آنرا اوطاس میگویند و بقیه کافران
که آنجا مانده بودند بقتل آوردند و چون از جنگ ایشان فارغ شدند
و رسیدند بموضعي که آنرا جعرانه میگویند دران موضع قسمت
کرد میان مسلمانان غنیمتي را که گرفته بودند و بعد ازان احرام بست
و در آمد بمکه و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که دو
نماز که با عمامه بگذارند فاضلتر است از چهار رکعت نماز که بي عمامه بگذارند
و گفت ابو جعفر علیه السلام که فرشتگان که بمدد رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم آمده بودند در روز جنگ بدر عمامهاي سفید بر
سر داشتند و علاقهاي گذاشته بودند و گفت عبدالله بن سلیمان که
بودم با پدر خود در مسجد پس در آمد امام زین العابدین علیه السلم
دران مسجد و من نشناختم او را و او عمامه سیاهي بر سر داشت و از
هر دو طرف آن عمامه علاقه گذاشته بود در میان دو دوش خود

خود پرسیدم از مردی که نزدیک من نشسته بود که کیست این پیر
آن مرد گفت که چیست ترا که نپرسیدی از هیچکس از کسانی که باین مسجد
درآمدند غیر این پیر گفتم که ندیدم هیچکس را از کسانی که درین مسجد
درآمدند که صورت ایشان بهتر باشد از صورت این پیر ازین جهت
پرسیدم آن مرد گفت که امام زین العابدین است در بیان کیفیت
عمامه بر سر بستن روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلام از پدر
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم عمامه بر سر امیر
المؤمنین علی علیه السلام بست بدست مبارک خود و علاقه از پیش رو
گذاشت و علاقه پس را کوتاه تر کرد از علاقه پیش بمقدار چهار انگشت
بعد از ان آنحضرت گفت بامیر المؤمنین علی علیه السلام که بنشین بجا
من کن امیر المؤمنین علی علیه السلام چنین کرد بعد از ان گفت رو بگردان
من کن چنین کرد بعد از ان آنحضرت گفت که چنین است عمامهای فرشتگان
و گفت ابو الحسن علیه السلام که کسی که بسفر رود عمامه بر سر داشته باشد
و از ان عمامه تحت الحنک بسته باشد و من ضامنم دزد مال او را نبرد
و غرق نشود بدریا و نسوزد و منقولست از کتاب نجات که در وقت
عمامه بر سر بستن این دعا باید خواند اینست که اللهم سومنی بسیما
الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة
الایمان من عنقی و باید که عمامه را ایستاده بر سر ببندد و تحت الحنک
نیز ببندد در بیان طاقیها گفت محمد بن علی که دیدم ابو الحسن

را که طاقیه بر سر داشت که آستر آن سمور بود و گفت ابو عبدالله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم می پوشید طاقیه
سفید مصری و می پوشید در جنگ طاقیه دو گوشه که گوشهای
آنحضرت را می پوشید و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه
السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
می پوشید از طاقیها طاقیه یمنی سفید و مصری و طاقیه که دو گوش
داشت در جنگ می پوشید و عمامه آنحضرت را سحاب میگفتند و
آنحضرت را طاقیه درازی [illegible] بود که بر سر می نهاد و روایت است
که پرسیدند امام رضا علیه السلام از مردی که برطله پوشیده بود و
برطله نوعی از طاقیه است آنحضرت گفت که بود ابا عبدالله علیه السلام را
طاقیه که سایه میکرد بر روی او و از آفتاب نگاه میداشت و گفت
یزید بن خلیفه که دیدم ابو عبدالله علیه السلام که طواف میکرد در گرد
خانه کعبه و من برطله بر سر داشتم گفت بمن که مپوش این طاقیه را [illegible]
که طواف میکنی بدرستی که این لباس یهود است و گفت حسن بن مختار
که امیر المؤمنین علیه السلام بمن گفت که برای من طاقیه بدوز و می باید
که آن طاقیه بسیار رنگین نباشد بدرستی که سیدی مثل من [illegible]
پوشد طاقیه را که بسیار رنگین باشد فصل هشتم در بیان
پوشیدن موزه و نعلین و روایت کرده نادر الخادم که امام رضا
با نخانه میرفت با موزه کوچکی و روایت کرده است ابو الصباح که گفت

ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام در سفری بود
و عادت آنحضرت این بود که در سفر شبگیر میکرد پس وقتی که میخواست
که شبگیر کند پس پوشید جامهٔ خود را چون فارغ شد از جامه پوشیدن
یک موزهٔ خود را برداشت و پوشید میخواست که موزهٔ دیگر را بردارد
که ناگاه مرغی فرود آمد از آسمان و زد خود را بران موزه و گرفت
آن موزه را امیر المؤمنین علی علیه السلام در عقب آن مرغ رفت که بگیرد
آن موزه را آن مرغ سبقت گرفت و متوجه آسمان شد و میگردید در
تا صباح چون صباح شد موزه را انداخت و از موزه ماری بیرون آمد
و منقول است از مسموعات سید ناصح الدین ابی البرکات که گفت ابو
که پوشیدن موزه زیاده میکند قوة چشم را و گفت امام جعفر
موزه زیاده میکند قوة چشم را و گفت امام جعفر علیه السلام که مداومت
کردن بپوشیدن موزه امان است از جذام کسی گفت که در زمستان یا
بستان آنحضرت گفت در زمستان و تابستان و گفت ابو الجارود
که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام که آنحضرت گفت بمن که آیا نمی دانی
موزهٔ سرخ را متکبران و گردن کشان می پوشند و موزه سفید را
پادشاهان می پوشند و موزهٔ سیاه سنت ما و سنت بنی هاشم است
و نیز گفت که خدمت ابی عبد الله علیه بودم در راه مکه و آنحضرت موزه
سرخ پوشیده بود گفتم یا ابن رسول الله تو خبر نداری بمن که موزهٔ سرخ
متکبران میپوشند آنحضرت گفت که در سفر باکی نیست بدرستی که موزه

سرخ

سرخ و نیمه است برای آب و گل اما در غیر سفر پوشیدن او خوب نیست
و روایت کرده است ابو عبد الله علیه السلام از پدر خود گفت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که آنکس که نعلین میخرد باید که نو
بخرد و گفت ابو عبد الله علیه السلام که وقتی که رسول خدا صلی
میخواست که نعلین بپوشد مردی برخواست و نعلین را پیش پای آنحضرت
نهاد آنحضرت در حق آن مرد دعا کرد و گفت اللهم ان عبدک
تقرب الیک فقربه یعنی بارخدایا بندهٔ تو نزدیکی جست بتو پس نزدیک
گردان او را بخود و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
مضمضه کرد و ریخت آب را از دهن خود مردی برجست و گرفت آن آب را و
خورد آنحضرت در حق آنکس دعا کرد و گفت اللهم ان عبدک تحبب
الیک فاحبه یعنی بارخدایا بندهٔ تو دوستی نمود بتو پس دوست دار او را
و نیز گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که نو ساختن نعلین
نگاه داشتن بدنست و یاری دهندهٔ نماز و پاکیزگیست و نیز گفت در تفسیر
قول خدای تعالی فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی نعلینی که حضرت
موسی علیه السلام پوشیده بود از پوست دراز گوش بود و معنی آیه اینست
که بکن ای موسی نعلین خود را بدرستی که تو در وادی مقدسی
روایت کرد انکه پوشیدن نعلین میان باریک پاشنه دار سنت است
گفت صباح الحذای که آورد نزد من جلبی نعلین و گفت نعلین مثل این نعلین
برای من مهیا کن بدرستی که این نعلین رسول خدا است صلی الله علیه و آله

نعلین ۲

وسلم گفتیم باو که این نعلین از کجا بدست تو افتاد گفت که ابو عبدالله
علیه السلم گفت بمن که آیا بنمایم بتو نعلین رسول خدا را گفتیم بلی پس بیرون
آورد این نعلین گفتیم بر بخش این را بمن گفت از تو باشد گفت صباح که مهیا
ساختم برای حلبی نعلینی مثل آن نعلین و برای اصحاب خود نیز مثل آن
مهیا ساختم گفت ابو احمد که من دیدم ان نعلین را و میان باریک بود
و پاشنه داشت و گفت ابو جعفر علیه السلم که دشمن میدارم مردی که
نعلین او پاشنه نداشته باشد و گفت صباح الحذای که مهیا ساختم
نعلین برای ابی عبدالله علیه السلام مثل آن نعلینی که فرستاده بود بنزد من
و آن نعلین باریک میان بود از میان تا پاشنه و گفت منهال که بودم نزد
ابی عبدالله علیه السلم و پوشیده بودم نعلین هموار پس آنحضرت گفت
نعلین یهود است برگرد ازین نوع نعلین و کارد بگیر و باریک ساز میان آنرا
و گفت علی الشاوی که دید ابو الحسن علیه السلم مرا که من پوشیده بودم
نعلینی که باریک میان نبود گفت ای علی تو کی یهود شدی در بیان
کراهیت بستن بند نعلین روایتست که ابو عبدالله علیه السلم مکروه
میداشت بستن بند نعلین را و روایتست که ابو عبدالله علیه السلام گرفت
نعلین بعضی را و کشود بند آنرا و گفت اول کسی که بند نعلین را بست شیطان
بود در بیان کیفیت پوشیدن نعلین گفت ابو جعفر علیه السلام که سنت
است که در محل نعلین پوشیدن ابتدا به پای راست کنند و در محل کندن
ابتدا به پای چپ کنند و منقولست از کتاب نجات که موزه و نعلین را نشسته

منهال

می باید پوشید در وقت پوشیدن این دعا بخواند که بسم الله اللهم
صل علی محمد و آل محمد و وطی قدمی فی الدنیا و الاخرة و ثبتهما علی الصراط
یوم تزل فیه الاقدام و هر گاه بکند موزه را و نعلین را باید که راست
بکند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی
اللهم ثبتهما علی صراطك و لا تزلهما عن صراطك السوی و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که مراد از زینتی که در قول خدای تعالی
است خذوا زینتکم عند کل مسجد نعلین و انگشتریست و معنی آیه اینست
که بگیرید ای بنی آدم زینتی خود را در هر نمازی و نیز گفت که پاك کرداند
نعلین خود را از نجاست نزد در آمدن بمسجد در بیان بند نعلین وقتی
که گسسته شود گفت یعقوب سراج که رفتیم ما با ابا عبدالله و میخواست
که تعزیت بگوید عبدالله بن الحسن را بجهة آنکه پسر او یا دختر او فوت شده
بود پس گسسته شد بند نعلین آنحضرت بعضی از سردمان کندند نعلین
خود را و کشودند بند آنرا و بآنحضرت دادند آنحضرت گرفت آنرا و چون
رسید باهل تعزیت گفت که صاحب مصیبت اولیست بصبر کردن در مصیبت
و گفت ابو عبدالله علیه السلم آنکسی که پیوند کند گریبان خود را و پینه زند
نعلین خود را و بردارد متاع خود را خلاص میشود از تکبر در بیان
راه رفتن بیك نعل و یك موزه گفت ابو عبدالله که امیر المؤمنین علی علیه
السلام یکبار یك نعل پوشیده بود و راه میرفت و اصلاح میکرد نعل دیگر را
و گفت ابو جعفر که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که

عبدالله

ایستاده آب بیاشامد یا بیک نعل راه رود پس وسوسه کند او را
جدا نشود شیطان از و مگر وقتی که خدا خواهد **در بیان** کندن نعلین
و موزه وقتی که می نشیند گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بکنید نعلین را بدرستی که کندن نعلین
را بدرستی نیکو است و راحت قدمها است و منقولست از کتاب طب الائمه
در بیان موزه و نعلین که گفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که
نعلین زرد بپوشد کهنه نشود آن نعلین تا انکه مالی باو برسد و این ایه را خواند
که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ یعنی از بس که زرد باشد رنگ
خوشحال می سازد ناظران را و گفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که
بپوشد نعلین زردی همیشه خوشحال باشد تا انکه آن نعلین کهنه شود
و گفت سنان بن سدید که رفتم نزد ابو عبد الله پوشیده بودم
نعلین سیاهی انحضرت گفت ترا که نعلین سیاه پوشیده ایا نمیدانی
که در وسه خصلتست گفتم کدامست گفت ضعیف میسازد چشم را و سست
میکند ذکر را و زیاده کند غم را و با وجود این لباس متکبرانست و بر تو باد
نعلین زرد بپوشی بدرستی که در وسه خصلتست گفتم کدامست
گفت تیز میکند چشم را و محکم میسازد ذکر را و می برد غم را و با وجود این
لباس پیغمبرانست و گفت ابو عبد الله علیه السلام که پوشیدن موزه و
نعلین زرد سنتست و نیز گفت که پوشیدن موزه می افزاید قوت
چشم را و گفت ابو الحسن العسکری علیه السلام که انکسی که ریش شود

شده

پای او از موزه و نعلین باید که بگیرد بار گل از دیوار و نرم کند
آنرا و بعد از ان بساید باب دهن بر سنگی و بران جراحت بنهد میرود
آن جراحت **فصل** در بیان خانه و منزل و انچه جایز است
از ان و انچه جایز نیست و انچه متعلق است باان **در بیان** منزل گشاده
و غیر آن روایتست از هشام بن الحکم که گفت ابو عبد الله علیه السلام
که از نیک بختی است کشادگی منزل و روایتست که پرسید مرد ابا الحسن
علیه السلام را از بهترین عیشهای دنیا گفت بهترین عیشها کشادگی
منزلست و روایتست که پرسید مرد ابا الحسن علیه السلام و بسیاری دوستان
و گفت ابو الحسن علیه السلام که عیش در کشادگی منزلست و در بسیاری
خدمتکاری و گفت معمر بن خلاد که ابو الحسن علیه السلام خرید منزلی
و امر کرد غلام خود را که برو بان منزل و گفت که این منزل تست آن
غلام گفت که با جازت دادی این منزل را بمن انحضرت گفت که اگر پدر
تو احمق بود سزاوار اینست که تو هم مثل او باشی و گفت که روایت کرده
است ابو جعفر علیه السلام از پدر خود که گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم که از سعادت مرد است که زن صالح و منزل گشاده
و مرکب خوب و فرزند صالح داشته باشد روایت کرده ابو عبد الله
از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که منزل را
شرفیست و شرف او اینست که میان سرای او گشاده باشد و ساکنان
او صالح باشند منزل را برکتیست و بلا او اینست که جای نشست گاه او

و نیز گفت که راحت مومن را در گشادگی منزل

سکونی

کت

نیکو باشد و وسعت داشته باشد میان سرای او و همسایهٔ خوب
داشته باشد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که از سعادت
مرد است که نیکو باشد که جای نشست او و وسعت داشته باشد در
سرای او و پاکیزه باشد آنخانها و گفت رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم که چهار چیز از نیکبختی است و چهار چیز از بدبختی است
اما آن چهار چیز که نیکبختی است زن صالح و منزل گشاده و همسایهٔ
نیک و مرکب خوب و اما آن چهار چیز که بدبختی است همسایهٔ بد
و زن نافرمان بردار و منزل تنگ و مرکب بد و نیز گفت که مومن
نیست بنده که ایمن نباشد همسایه‌اش از بدی او و نیز گفت که حرمت
همسایه میباید داشت همچون حرمت مادر و پدر خود در بیان
مقدار بلندی سقف خانه روایت کرده محمد بن مسلم که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که ای محمد باید که بلندی خانهٔ تو هفت گز باشد و
آنچه از آن بلندتر است جای شیطانست به درستی که شیطان نه در آسمان
و نه در زمین است بلکه ایشان در هوا ساکنند و نیز گفت که بلندی
خانه می باید که هفت گز باشد و هشت گز و آنچه بلندتر ازین است
جای شیطانست و نیز گفت که آنچه بلندتر است از نه گز از سقف خانه
جای شیاطین است و نیز گفت که هرگاه بلندی خانه بیشتر از هشت گز
باشد آیة الکرسی در آنخانه بنویسید و گفت عبد الله بن سنان که
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که آنچه بلندتر باشد از

هفت گز از سقف خانه جای شیطانست و روایت کرده است ابو
عبد الله علیه السلام از پدران خود علیه السلام که مردی از انصار
شکایت کرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از سراهای که در
گرد سرای او بود آنحضرت گفت که بلند کن خانهٔ خود را آنقدر که میتوانی
و سوال کن از خدا تعالی که گشاده کند خانهٔ ترا و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که انکسی بنا کند خانه که بلندتر از هشت گز باشد شیطان
جا میکند در آنچه زیاده است از هشت گز و واجبست که در آن خانه
آیة الکرسی بنویسید تا شیطان در و جا نگیرد و نیز گفت که هر بنائی که
بلندتر باشد از هشت گز منادی ندا میکند از آسمان و میگوید که
تا کجا میخواهی که بلندتر کنی خانهٔ خود را ای فاسق و منقولست از کتاب
جوامع الجامع که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر خانه
که بنا کند کسی وبالست بر صاحب آن خانه مگر خانهٔ که ضروری باشد

جامع الجوامع

فصل در آنچه سنت نزد بنا کردن منزل روایت کرده است ابو عبد
الله
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم که انکسی که بنا کند منزلی باید که میشی بکشد و گوشت آنرا
به درویشان و فقیران تصدق کند و بگوید اللّهمّ ادحر عنّی و عن اهلی
و ولدی مردة الجن و الشیاطین و بارک لی فیه بنزولی بدرستی که چون
این کار بکند خدا تعالی میدهد با آنچه طلب کرده است در بیان
اسراف کردن در بنا گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر بنای که زیاده

از کفایت باشد و بالست بر صاحب آن بنا در روز قیامت و نیز کفت
که آن کسی که کسب کند مایه که حلال نباشد صرف شود در آب و کل
در بیان جاروب کردن منزل کفت ابو عبد الله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که جاروب کنید در
سرای خود را و مشابهت مجویید بیهود و کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که شستن ظرف و جاروب کردن در سرا می افزاید
روزی را وقتی که در آمدن بخانه کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هرگاه بیرون
میرفت از خانه در تابستان روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفت و وقتی
که میخواست که بخانه در آید در زمستان بجهت سرما روز جمعه در می آمد
و کفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چون تابستان
میشد شب جمعه از خانه بیرون میرفت چون زمستان میشد شب
جمعه بخانه در می آمد در بیان بستن در سرا و خانه و غیر آن کفت
سماعه بن مهران که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام یا از ابی الحسن
علیه السلام از بستن درها و سر نکون نهادن ظرفها و کشتن چراغ
آنحضرت کفت که بر بند در خانه را بدرستی که شیطان میکشاید در
بسته را و بکش چراغ را تا موش نسوزاند خانه ترا و سر نکون بنه
ظرف را بدرستی که بر نمی دارد آن ظرف را و کفت رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم که مکذارید آتش را در خانه خود وقتی که میخوابید

شیطان

وکف

و کفت امام رضا علیه السلام علیه که رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم که بکشید چراغ را در وقت خواب تا موش نسوزاند خانه شما را
و آنچه در خانه شما است در بیان چیزی که تعلق بمنزل دارد روایت
که آمد مردی و شکایت کرد نزد ابی جعفر علیه السلام و کفت از او میکند
جن مار را از منزلهای ما آنحضرت کفت که بکردانید سقف خانه خود را
هفت کز و نکاه دارید کبوتر را بر اطراف منزل خود آنمرد کفت چنین کردم
پس هیچ مکروهی ندیدیم و کفت ابو داود البرقی که دیدم کبوتری از
زیر تخت ابی عبد الله علیه السلام بیرون آمد کفتم فدای تو کردم یا ابن
رسول الله برای تو بیارم بهدیه کبوتری چندی که نزد ماست و دور نکست
و آواز خوبی دارد و خوب می سراید آنحضرت کفت که آن کبوترها که
تو داری از جمله مسوخانند هرگاه کبوتر نکاه میداری مثل این کبوتر
نکاه دار بدرستی که این بقیه کبوتر اسمعیل است و منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم از تنهائی آنحضرت کفت که یک جفت کبوتر نکاه دار
در خانه خود و کفت امیر المومنین علیه السلام که از صدای کبوتر
میکریزند جنیان و نیز کفت که پرهیز کاری کنید در آنچه خدای
تعالی بشما داده است و بر مالهای عجم خود پرسیدند از آن حضرت
که عجم کدامست کفت که کوسفند و کربه و کبوتر و مانند آنها و منقولست
از کتاب فردوس که کفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله

وسلم فرمود که نگاه داشتن کوسفند در خانه برکتست وسرکو
برکت تمام است ونیز کفت که کوسفند از چهارپایان بهشتست وکفت
ابوعبدالله علیه السلام که هر مومنی که در منزل او بزشیر داری باشد
پاك میشوند اهل آن منزل وبرکت نازل میشود برایشان پس اکر
دو بز باشد پاك میشوند هر روز دو بار سری کفت چکونه پاك
میشوند آنحضرت کفت میکویند بایشان که بُورِكَ عَلَيكُم وَطِبتُم
وَطَابَ اِدامُكُم یعنی برکت دهاد خدایتعالی شما را وخوش باد حال
شما مادام که خوش باشد نان خورش شما ونیز کفت که زنی عذاب
کرده شد بجهة انکه کربه را بسته بود تا وقتی که آن کربه از تشنکی مرد
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که منع میکند فرشته دو کرا
از جا کرفتن در خانهای شما ونیز کفت که شب مروید بکرفتن مرغهای که
آشیانه خود ند بدرستی که شب امانت ایشانرا وامان بودن از جهة آنکه
اینست که کردانیده است خدایتعالی شب را بر مرغان ومنقولست از
کتاب طب الائمة که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که نگاه
دارید در خانهای خود کوسفند دست آموز را بدرستی که مشغول
میشود بآن شیطان ومتوجه طفلان شما نمیشود وکفت ابوجعفر علیه
السلم هر که دوست میدارد مارا که اهل بیت پیغمبریم باید که دوست
دارد کبوتر را وکفت ابوالحسن علیه السلم که سزاوار نیست که خالی باشد
خانه شما از کربه وکبوتر وخروس بدرستی که این سه چیز معمور می

مبرد هفتاد ونوع
... نبی دانبن
آنحضرت فرمود که
نگاه داشتن کوسفند

سازد خانه را پس اکر با خروس ماکیانی باشد باکی نیست کسی را که کرا
نداشته باشد از نکاهداشتن ماکیان وکفت امام رضا علیه السلام که
در خروس سه خصلت است از خصلتهای پیغمبران علیهم السلام که شناختن
اوقات نماز وغیرت وشجاعت وسخاوت وبسیار جماع کردن وکفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که هرکاه آواز خروس بشنوید بدانید
که آن خروس فرشته را دیده است پس در این وقت طلب حاجت خود کنید
از خدایتعالی وهرکاه آواز کوش بشنوید بدانید که شیطانرا دیده است
وروایتست از انس که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که خروس
سفید دوست منست ودشمن او دشمن خداست واو نگاه میدارد صاحب
خود را وهفت سرای را که شریك او باشد وروایت است که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم که بهروز می آورد با خروس در خانه وکفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که مرغ خانکی کوسفند درویشان
است منست ونیز کفت که دشنام مدهید خروس را بدرستی که او دوست
منست ومن دوست اویم ودشمن او دشمن منست بحق خدای که
فرستاد مرا بحق که اکر بداند بنی آدم انچیز را که در خلقت خروس است
هر آینه بخرد بزر کوشت او را بطلا ونقره بدرستی که خروس دور میکند
طایفه از جن را که بند ند ونیز کفت که انکسی که نکاه دارد خروس سفید
در منزل خود نکاه داشته میشود از شر سه طایفه کافر وکاهن وساحر
ومنقولست از کتاب روضة الواعظین که کفت امام محمد باقر علیه السلم

که خدا تعالی آفرین است خروس سفیدی که گردن او در زیر عرش
است و پایهای او تا طبقهٔ هفتم از زمین و یک پر او تا آفتاب بر آمدنست و
یک پر او تا آفتاب فرو رفتن این خروسها آواز نمیکنند تا او آواز نکند
او پس هر گاه آواز میکند بر هم میزنند بالهای خود را و میگوید سبحان الله
العظیم الذی لیس کمثله شیء یعنی پاک و منزه است خدای بزرگ
و نیست مثل او هیچ چیز پس خدا تعالی جواب میگوید که آنکسی که سوگند
دروغ میخورد بمن ایمان نیاورده است با انچه این خروس میگوید و
گفت جعفری که دیدم در خانهٔ ابو الحسن علیه السلام یک جفت کبوتر را
اما کبوتر سبز بود و کبوتر ماده سیاه و دیدم که آنحضرت نان ریزه
میکرد برای آن کبوترها و میگفت که اینها حرکت میکنند و انیس اند و اولاد
ایشان دور میکند جانوری را که از زمین بیرون می آیند و گفت ابو عبد
الله علیه السلام که نبود هیچ خانهٔ پیغمبری مگر آنکه در ان خانه کبوتر
باشد جنیان بآن کبوتر بازی میکنند از اطفال شما در بیان زینت کردن
خانه و فرشها و فروتنی نمودن در آنها گفت عبد الله بن عطا که رفتم
نزد ابی جعفر علیه السلام پس دیدم که در منزل او متاعها بر هم چیده بود
و بعضی درهم ریخته بود و بساطها و بالشها بود گفتم چیست این آنحضرت گفت
که متاع زنانست و روایت کرده است جابر بن عبد الله که گفت امام
محمد باقر علیه السلام که جماعتی آمدند نزد امام حسین علیه السلام و گفتند
یا بن رسول الله چیزهای مکروه در منزل تو می بینیم و انچه در منزل آنحضرت

دیدن بودند بساطی و بالشها بود آنحضرت گفت که ما نکاح میکنیم زنان را
و کابین ایشانرا بایشان میدهیم و ایشان هرچه میخواهند میخرند اینکه
شما دیدید هیچ کدام از ما نیست و روایتست از جابر که گفت ابو جعفر
علیه السلام که چون نکاح کرد حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
حضرت فاطمه را بساط خانه ریگ بود و فرش ایشان پوست میش بود که
دباغت نکرده بودند و بر ان مشک کهنه کلیمی پوشیده بودند و گفت
حسین بن نعیم که گفت شنیدم که ابو عبد الله علیه السلام میگفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه را بامیر المؤمنین علی علیه السلام
داد و پوشش حضرت فاطمه کلیمی بود و فرش آنحضرت پوست میشی بود و بالش
او پوست بود که پر کرده بودند لیف خرما و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که فرش امیر المومنین و حضرت فاطمه پوست میشی بود که دباغت نکرده
بودند و ایشان بر میگردانیدند آن پوست را و میخوابیدند بر موی او
در کتاب موالید الصادقین آورده است که گفت محمد بن ابراهیم الطالقانی
که کسی خبر داد بمن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عزلت اختیار
کرد از زنان خود دو ماه و رفت در غرفهٔ مسجد نشست عمر نزد آنحضرت آمد
و در خانهٔ آنحضرت پوستی بود که دباغت نکرده بودند آنرا و بوی بد
میکرد و در انخانه برگ درختی بود که بآن دباغت میکنند پوست را و آنحضرت
خوابیده بود بر حصیری و آنحضرت اثر کرده بود در پهلوی آنحضرت عمر دریافت
بوی آن پوست را و گفت یا رسول الله این چه بوست که آنحضرت گفت که ای عمر این

و بالش ایشان پر بود از
لیف خرما پر کرده بود
چرب و مشک و بر ان نهاده
بودند ۲

متاع کسانیست که زندگانی میکنند در دنیا چون نشست آنحضرت عمر دید
که اثر کرده است حصیری در پهلوی مبارک آنحضرت عمر گفت که من گواهی
میدهم که تو رسول خدائی و بزرگترین ما نزد خدای تعالی از قیصر و کسری
وایشان در دنیا این همه اسباب دنیوی داشته باشند و تو بر حصیری
وحصیر اثر کرده باشد در پهلوی تو آنحضرت گفت بعمر که آیا راضی نیستی
که از ایشان باشد دنیا و آخرت از ما و گفت فضل که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که تختی در و طلا باشد میتوان نگاه داشت در خانه آنحضرت
گفت اگر طلا باشد نه و اگر باب طلا نقش کرده باشند باکی نیست و گفت
حلبی که ابو عبد الله علیه السلم فرمود که برخواستم که نماز کنم و پیش روی
من بالشی بود که در و صورت مرغان بود پس فرمودم که تغییر دادند
سر آنصورتها را و آنصورتها گردیدند بصورت درختی و نیز گفت که شیطان
بیشتر قصد آدمی میکند وقتی که آدمی تنها باشد و گفت ابو الحسن علیه السلام
آمدند جماعتی نزد ابی جعفر و او بر بساطی نشسته بود که در و صورتها
بود پرسیدند که این چیست گفت که میخواستم که بر بخشم این بساط را
و گفت محمد بن مسلم که ابو جعفر علیه السلام فرمود که باکی نیست نقش
کردن صورتها در خانه در وقتی که تغیر داده شود آنصورت بروجهی
که موافق صورت اصلی نباشد و نیز گفت که پرسیدم از ابی عبد الله علیه
السلام که مراد چیست از تماثیل که در قول خدای تعالی است که یعملون
له ما یشاء من محاریب و تماثیل آنحضرت گفت که آن تماثیل صورت آدمی

مام

نبود اما صورت درخت و مانند آن بود و معنی آیه اینست که عمل
میکردند جنیان برای حضرت سلیمان علیه السلام انچه میخواست
از محرابها و صورتها است و گفت ابو بصیر که گفتم بابی عبد الله علیه السلام زیر
که می اندازند برای ما بالشهای که در و صورتها است و فراموش ساز
آن بالشها را آنحضرت گفت که باکی نیست نشستن و راه رفتن بر بساط
و فراشی که در و صورت باشد انچه مکروه هست آنست که صورت بکشند
بر دیوار یا بر تخت و منقولست از کتاب زهد حضرت امیر المومنین ع
که روایت عقیل بن عبد الرحمن خولانی که عمه من زوجه عقیل بن ابی
طالب بود پس رفتم نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام بکوفه و آنحضرت نشسته بود
بر پلاس کهنه که بر بالای دراز گوش می اندازند پس رفتم نزد زوجه
آنحضرت که از قبیله بنی تمیم بود و گفتم باو که وای بر تو بدرستی که خانه
تو پر از متاع است و امیر المومنین علی علیه السلام نشسته است بر چنان
پلاس کهنه آن زن گفت که ملامت مکن مرا بحق خدا که امیر المؤمنین نمی
پسندد هیچ چیزی خوبی را مگر آنکه میگرد و می اندازد در بیت المال و روایت
کرده است شریک بن عبد الله از شیخی و آن شیخ روایت کرده است از مادر
خود که گفت که دیده زنان امیر المؤمنین علی علیه السلام را در زیر فراش
او یا در میان فراش او **باب هفتم** در بیان خوردن و آشامیدن
و انچه متعلق است بآن و درین باب سیزده فصلست **فصل اول**
در بیان فضیلت طعام دادن و نیکوئی کردن و روزه سنت داشتن

منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که کفت حق تعالی که وَمَا أَنفَقْتُم
مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ یعنی انچه نفقه میکنید شما در راه
خدا عوض میدهد خدایتعالی شما را و او بهترین روزی دهندهاست
ومدح کرده است خدایتعالی در نفقه کردن کسی را که چیزی اندک داشته
باشد و نفقه کند و کفته است که وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ
خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی انکسانی که
اختیار میکنند دیکرانرا بر خود در دادن چیزها که نزد ایشانست اکرچه
احتیاج داشته باشند بانچیزها وانکسانیکه نکاه دارند نفس خودرا از
بخیلی پس ایشان رستکارانند وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که
ایمان نیاورده است بخدایتعالی انکسی که پوشیده باشد و برادر مومن
او برهنه باشد و بعد ازان خواندن این آیه را که وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ و معنی این آیه از پیش کذشت و نیز کفت که
انکسی که یقین میداند که خدایتعالی عوض میدهد آنرا که نفقه میکند
سخی میشود و نفس او در نفقه کردن و روایتست که شنید امیر المومنین
علیه السلام مردی را که بخیل عذرا و بقبول نزدیکتراست از عذر ظالم
انحضرت کفت که دروغ میکوئی بدرستی که کاه هست که ظالم توبه کند و
استغفار میکند وانچه بظلم کرفته است بصاحبانش میدهد وکسی که بخیل
زکوة و صدقه نمیدهد وصله رحم بجانمی آرد و مهمانی نمیکند در راه خدا
ونیکوئی نمیکند و حرامست بهشت بر بخیل وکفت امام جعفر صادق علیه

ونفقه نمیکند

السلام

السلام که انچه نجات میدهد از آتش دوزخ طعام دادنست و بره‍م
کس سلام کردن و نماز شب کذاردن وقتی که مردم در خواب باشند و
نیز کفت که اکر مردی خرج کند در طعامی هزار درهم وازان طعام
بخورد مردی مومنی که اسراف نکرده باشد وکفت رسول خدا صلی
الله علیه واله وسلم که انکسی که ایمان دارد بخدایتعالی و بروز قیامت
بباید که اکرام کند مهمان خودرا وانکسی که ایمان دارد بخدایتعالی و
بروز قیامت باید که سخنی چیزی بکوید یا خاموش باشد و نیز کفت
که باید که لازم نکرداند کسی بر مهمان چیزیرا که دشوار باشد بدو وکفت
امیر المومنین علی علیه السلام که اول عملی که ابتدا بان میکنند در روز قیامت
بثواب دادن تصدق است وکفت امام محمد باقر علیه السلام که خدایتعالی
دوست میدارد آب دادن تشنه را وانکسی که آب دهد از چهار پایان وغیر
آن خدایتعالی اورا در سایه عرش پناه دهد در روزی که هیچ سایه نباشد
مکر سایه عرش وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که آب دهد
تشنه را که آب یافت شود همچنانست که بنده آزاد کرده باشد وانکسی که
آب دهد تشنه را که یافت نشود همچنانست که زنده کرده باشد نفسی را
وانکسی که زنده کند نفسی را همچنانست که زنده کرده باشد تمام مردم را
و نیز کفت که جمله دوسترین عملها نزد خدایتعالی سیر کردانیدن مومن
است و بردن غم او و ادا کردن قرض او وکفت امام موسی علیه السلام
که انکسی نتواند ملاقات کند بما باید که ملاقات کند بشیعه ما که فقیر

آب ۲

باشند وانکسی که نتواند که زیارت کند قبر ما را باید که زیارت کند قبر

ما را باید که زیارت کند قبر مومن وبرادران صالح ما را وکفت ابو

عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود

که یکدینار صدقه دادن ده ثواب دارد ویکدینار قرض دادن هجده

ثواب دارد ونیکوئی کردن با برادران مومن بیست حسنه دارد ونیز

کفت که خدایتعالی فرموده است که هر چیزی که هست تعیین کرده ام که

که بکیرد آنرا مکر صدقه بدرستی که من بدست خود میکیرم آنرا تا انکه

اکر مردی تصدق کند بیک خرما یا بنصف خرما تربیت میکنم انرا چنا

که تربیت میکنند کسی که کره اسپ خود را یا فرزند خود را که از شیر کرفته

باشند پس میشود آن صدقه در روز قیامت برابر کوه احد ونیز کفت

ازان ونیز کفت که خدایتعالی دوست میدارد طعام دادن را در راه خدا

وبرکت در خانه که طعام میدهند برای خدا زودتر درمی آید از کارد

در کوهان شتر وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که اول کسی که

ببهشت میرود وبحوض کوثر میرسد نیکوئی است وانکسی که نیکوئی

کرده است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر مومنی که نیکوئی

کند ببرادر مومن خود پس آن نیکوئی را برسول خدا صلی الله علیه واله

وسلم کرده است ونیز کفت که نیکوئی همچو نام خود نیکوست ونیست

چیزی فاضلتر از نیکوئی مکر ثواب آن ومراد از نیکوئی ثوابست ونیت

چنین که هر که دوست دارد که نیکوئی کند بمردمان نیکوئی کند ونیت

ودوست میدارد انکسی را که طعام میدهد در راه خدا

که هر که رغبت کند در نیکوئی کردن

بچنین

که هر که قادر باشد بران ونیت ما چنین که هر که قادر باشد بران ونیت

چنین که هر که قادر باشد برای نیکوئی کردن توفیق یابد بر نیکوئی

پس هر کاه جمع شود رغبت وقدرت وتوفیق این هنکام تمام میشود

سعادت ونیکبختی طالب را وانچه مطلوب اوست ونیز کفت که نیکوئی

بصلاح نمی اید مکر بسه خصلت خورد شمردن آن وپنهان داشتن آن

وتعجیل کردن دران بدرستی که چون خورد شماری نیکوئی را بزرک

میشود نزد انکسی که باو نیکوئی کردی وهر کاه پنهان داشتی تمام کردی

او را وهر کاه تعجیل کردی در نیکوئی کوارنده ساختی آنرا بران کس واکر

نیکوئی این سه خصلت نداشته باشد نیست ونابود میکردد ونیز کفت که

هر کاه میخواهی که بدانی که کسی بدبختست یا نیک بخت ببین که نیکوئی

به که میکند پس اکر نیکوئی بکسی میکند که سزاوار نیکو نیست بدانکه او را

نزد خدایتعالی چیزی هست ونیز کفت که بهترین شما سخی ترین شماست

وبدترین شما بخیل ترین شماست واز ایمان خالص است نیکوئی کردن

ببرادر مومن وسعی کردن در حاجتهای ایشان ونیز کفت اکر جوان

بخشنده که کناه بسیار داشته نزدیکتر است نزد خدایتعالی از پیر عابد

که بخیل باشد وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که انکسی ادا کند

آن چیزیرا که واجب کردانیده است خدایتعالی بر وی پس او سخی

ترین مردمانست ونیز کفت که نیست ونابود نمیکند هیچ چیز اسلام را

چون بخل وبعد ازان کفت که بخل نرم نرم میرود وسرایت میکند در

ونیت چنین کرهو که رغبت کند در نیکوئی کردن قادر باشد بران ونیت چنین که

باشد

آدمی و او را بر چیزهای بد میدارد همچون نرم رفتن مورچه و بغل
شاخها دارد همچو شاخ گوز و نیز گفت که یک ترنان بصدقه دادن بهتر
است از عبادت کسی لاغر شدن باشد از عبادت کردن و گفت امام محمد باقر
علیه السلام که نیکویی کردن و صدقه دادن می برد درویشی را و زیاده
میکند عمر را و دفع میکند هفتاد نوع مردن بد را و گفت ابو عبدالله
علیه السلام که صدقه دادن بدست خود نگاه میدارد کسی را از مردن
بد و دفع میکند هفتاد نوع بلا را و خلاص میکند از نزاع هفتاد شیطان
که هر کدام از انها وسوسه میکنند او را که طاعت نکند و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و اله و سلم گفت که صدقه دادن پنهانی مینشاند غضب پروردگار را
و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که پیروی کنید سخن رسول خدا صلی الله
علیه و اله و سلم را بدرستی که آنحضرت گفته است که هر کسی که بگشاید بر خود
در سوال و طلب بگشاید خدا بر وی یک در فقر و درویشی و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که هر بنده گدا و سوال از کسی کند بحاجت نمیرد تا انکه محتاج
کرداند خدایتعالی او را و ثابت او را بجهة انکه این سوال در آتش دوزخ و نیز
کرد انده
گفت که مردی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم گفت که یا رسول الله
تعلیم کن مرا چیزیکه هرگاه بکنی آنرا دوست دارد خدایتعالی و اهل زمین او را
آنحضرت گفت که رغبت کن در انچه نزد خدایتعالی است تا انکه دوست دارد خدا
تعالی ترا و رغبت مکن در انچه نزد مردمانست تا دوست دارند مردمان ترا
و گفت امام محمد باقر علیه السلام که اگر بدانند مردمان که چه مقدار بلاست

سوال کردن هرگز هیچکس از هیچکس سوال نکنند و اگر سخی بدانند که چه
نیکواست بخشندگی رد نکند هیچکس سوال هیچکس را و روایتست که امام
زین العابدین علیه السلام روزی که روزه میداشت میفرمود که
دران روز گوسفندی بکشند و پاره پاره کنند اعضای آن گوسفند را
و بپزند چون شب میشد نزدیک دیگ می آمد تا انکه در می یافت بوی
شوربا ها را و روزه نمیگشود بان طعام و میگفت که قدحها بیارند
وقدحها
و پر کنند و برای فلان جماعت ببرند و بعد از ان نان و خرمای طلبید
و بان روزه میگشود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که
مومن نیست انکسی که شب سیر باشد و همسایه او گرسنه باشد و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که بگشاید روزه روزه دار را
او را ثواب مثل ان روزه دار است و گفت رسول خدا صلی الله علیه و اله
که هر که بگشاید روزه مومنی را بجهة این نزد خدایتعالی ثواب آزادی
بنده است و می آمرزد خدایتعالی گناهان گذشته او را کسی گفت یا رسول الله
همه ما قادر نیستیم که بگشاییم روزه روزه دار را آنحضرت گفت که حق
تعالی کریم است میدهد این ثواب را بانکسی که بگشاید روزه روزه دار را
باندک شیری یا شربت آبی یا بخرمای چندی و قادر نباشد بر زیاده
ازین و گفت امام رضا علیه السلام که روزه برادر مومن گشودن
فاضلتر است از روزه داشتن و گفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم
باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را بچیزیکه اگر بکنند انچیز را دور شود

شیطان از شما همچنانکه دوراست مشرق از مغرب اصحاب گفتند
بلی یارسول الله انحضرت گفت که روزه داشتن سیاه میکند روی
شیطانرا وصدقه میشکند پشت شیطانرا ودوستی کردن برای خدا
ویاری کردن کسی را بر عمل صالح بنیت ونابود میکند شیطانرا واستغفار
کردن قطع میکند رگ دل شیطانرا وهلاك میسازد اورا وبعد ازاه
انحضرت گفت که هرچیزرا زکاتیست وزکاة بدن روزه داشتن است و
نیز گفت که روزه دار در عبادتست واگرچه درخواب باشد برفراش خود
مادام که غیبت نکند مسلمانیرا ونیز گفت که خدایتعالی فرموده است
که روزه داشتن برای منست ومن جزا میدهم روزه دارانرا بجهة روزه
داشتن وروزه دار را دوفرح یکی در محل افطار کردن ودر محل ملاقات
بحق تعالی وبحق انکسی که نفس محمد درقبضهٔ قدرت اوست که بوی دهن
روزه دار نزد خدایتعالی از بوی مشك بهتراست وگفت امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در اوایل پیغمبری
بعضی اوقات روزه میداشت بروجهی که مردمان میگفتند که دایم روزه
خواهد داشت وگاهی روزه نمیداشت بروجهی که میگفتند که دیگر روزه
نخواهد داشت وبعد ازان یکروز روزه میداشت ویکروز روزه نمیداشت
وبعد ازان روز دوشنبه وپنجشنبه روزه میداشت وبعد ازان باین
قرار داد که از ماهی سه روز روزه دارد پنجشنبه اول ماه وچهارشنبه
میان ماه وپنجشنبه اخر ماه ومیگفت که هرکه اینچنین روزه دارد همچنانست

کالم ۱
روزه

که همه عمر روزه داشته باشد وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که هر
سه روزه بدارید از ماهی باید که جدل ونزاع نکنید بکسی وشتاب
نکنید بسوگند خوردن بخدایتعالی واگر کسی نسبت بشما جفائی کند از روی
نادانی از وی تحمل کنید وگفت امیرالمومنین علی علیه السلم که یکماه روزه
داشتن از صبر است وسه روز روزه داشتن از هرماهی مثل روزه داشتن
تمام عمر است بدرستی که خدایتعالی میگوید که مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ
عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هرکه یك نیکوئی کند مراورا ده نیکوئیست پس سه روز
روزه داشتن تمام ماه است پس سه روز روزه داشتن تمام عمر است
وروایتست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام را از کسی که سه
روز روزه ندارد از هرماهی بجهة انکه دشوار باشد بر روزه داشتن که
ایا بدل دارد این روزه گفت بلی بدل او هر روز یکمد طعام بدهد وگفت
وگفت امیرالمومنین علی علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
فرمود که هرکه یکروز روزهٔ سنت بدارد خدایتعالی اورا به بهشت برد
وگفت ابوعبدالله علیه السلم که افطار کردن در منزل برادر مؤمن
فاضلتراست هفتاد بار یا نود بار از روزه داشتن ونیز گفت که هرکه
نزد برادر مؤمن بیاید وروزه دار باشد وان برادر اورا مهمانی کند
واو افطار کند نزد آن برادر مؤمن ونگوید که روزه دارم ومنت ننهد
بران برادر بنویسد خدایتعالی برای او ثواب روزهٔ یکساله وروایتست
که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم وقتی که افطار میکرد میگفت

از هر ماهی را بر
روزه داشتن ۳

اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت **فصل دوم** در آداب دست
شستن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه وغیر آن که گفت حضرت پیغ
صلی الله علیه وآله وسلم که انکسی که میخواهد که بسیار شود خیر او
باید که دست خود را بشوید نزد حاضر شدن طعام ونیز گفت که جمع
کنید آب دست شستن را تا جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را ونیز گفت
که دست شستن را جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را ونیز گفت که دست
شستن پیش از طعام می برد درویشی را وبعد از طعام خوردن میبرد
دیوانگی را وصحت میدهد چشم را وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
که انکسی که بشوید دست خود را پیش از طعام برکت میدهد خدای تعالی
او را در اول طعام وآخر طعام وبفراغت میگذراند مادامی که زنده است
وعافیت می یابد از رحمتی که در بدن اوست ونیز گفت که بگیرید بدندان
خود سعد را بدرستی که خوشبو میگرداند دهن را وزیاده میکند قوة با
وسعد گیاهیست خوشبو ونیز گفت که انکسی که بشوید دست خود را
پیش از طعام خوردن باید که خشک نکند بدستمال ومانند آن بدرستی که
همیشه در طعام برکتست مادام که دست تراست وگفت حضرت پیغمبر ص
وقتی که طعام خورید باید که پاک نکنید دست خود را بدستمال تا آنکه
بلیسید دست خود را ونیز گفت که باید که پیش از طعام خوردن اول صاحب
منزل دست بشوید وبعد از ان کسی که بجانب راست اوست وبعد از طعام
ابتدا کند از انکسی که برجانب چپ صاحب منزلست بدرستی که صاحب منزل

خوردن بعد از طعام

سزاوارتراست بصبر کردن بر بوی طعام ودست خود را پاک کند بعد
از آن دست شستن بدستمال ومانند آن وروایتست که امام جعفر
صادق علیه السلام پاک کرد دست خود را از طعام پیش از دست شستن
مالید دست خود را بر سر وروی خود پیش از انکه پاک کند بدستمال و
گفت اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجوههم قتر ولا ذلة وگفت
امام جعفر صادق علیه السلام که دست شستن پیش از طعام وبعد از
طعام می برد درویشی را همچنانکه دم آهنگران میبرد کثافت آهن وبفراغت
میگذراند مادامی که زنده است وفرشتگان طلب آمرزش میکنند برای
انکس که می لیسد انگشتان خود را در آخر طعام وروایتست که امام
جعفر صادق علیه السلام مکروه میداشت نزد دست شستن برداشتن
طشت را پیش از انکه پر شود وچون پر میشد آب آنرا میریختند وگفت امام
جعفر صادق علیه السلام که انکسی که دوست میدارد که بسیار شود
خیر او در منزل او باید که دست خود را بشوید پیش از طعام وبعد از
طعام بدرستی که انکسی که چنین کند بفراغت بگذراند مادامی که زنده است
وعافیت یابد از رحمتی که در بدن اوست ونیز گفت که وقتی که دست
خود را بشوید بعد از طعام باید که بمالید بر چشمهای خود دست تر را
بدرستی که امانست از درد چشم وگفت صفوان الجمال که ما بودیم نزد ابی
عبد الله که خوان طعام آوردند پس خادم آمد وآب دست وانحضرت دست
شست وخادم خواست که مندیل بانحضرت بدهد که دست خود را خشک

آوردم

کند آنحضرت قبول نکرد و کفت ما دست خود را نشستیم از انچه که دست
ما تر باشد در وقت طعام خوردن و کفت ابو عبد الله علیه السلام
که دست شستن پیش از طعام میبرد درویشی را و زیاده میکند روزی را
و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت ابو جعفر علیه السلام
که دست شستن پیش از طعام می برد درویشی را و کفت یونس که
یکنوبتی ابو الحسن علیه السلام بمنزل من آمد چون حاضر شد طشتی آوردند
آنحضرت دست بشوید و آنحضرت در مجلس بود کفت بمن که ابتدا کن بکسی
که در جانب راست تو است چون یکی دست شست خواست غلام که بردارد
طشت را آنحضرت کفت که بکذار طشت را تا دیکران هم دست بشویند و
کفت مدر که دیدم ابو الحسن علیه السلام را وقتی که دست میشست
بعد از طعام دست خود را بدستمال خشک میکرد و در کتاب معالم
الصادقین آورده است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی
که فارغ میشد از دست شستن بعد از طعام میمالید دست تر را
بر روی خود و میکفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ
بَلَاءٍ صَالِحٍ أَوْلَانَا

فصل سیوم در آداب چیزی خوردن و انچه
متعلق است بآن منقولست از کتاب طب الائمة که کفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یاد کنید خدای تعالی را نزد طعام خوردن و سخنان بیهوده
مکوئید وقت طعام خوردن بدرستی که طعام نعمتی است از نعمتهای خدای
تعالی و واجبست بر شما حمد و شکر کفتن بر نعمتهای تعالی و نیکو عمل کنید

وبعد از طعام
وبعد از طعام
خدای

بانعمت

با نعمت پیش از انکه فارغ میشوید از نعمت بدرستی که نعمت چون بر
طرف کواهی میدهد بر صاحب خود بآن عملی که با خود کرده است و نیز
کفت که وقتی که بنشینید بطعام خوردن باید که بنشینید همچون نشستن بندها
و طعام بخورید بر روی زمین و چهار زانو منشینید بدرستی که خدای
تعالی دشمن میدارد چهار زانو نشستن را و خشم میکند بر کسی که چهار
زانو می نشیند و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار مکث کنید
در طعام خوردن بدرستی که این ساعتی است که حساب نمیشود از
عمر شما و منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که کفت امام حسن
علیه السلام که در مائده دوازده خصلت است که واجبست بر هر مسلمانی
که بداند آنها را چهار از آن خصلتها واجبست و چهار سنت و چهار ادب اما
انچه واجبست شناختن آنست که این نعمت از خدای تعالی است و راضی شدن
بانچه خدای تعالی باو داده است و بسم الله کفتن است پیش از طعام و شکر
کردن است بعد از طعام و اما آن چهار که سنت است دست شستن است
پیش از طعام و نشستن بر جانب چپ و طعام خوردن بسه انکشت و لیسیدن
انکشتان اما انچه ادبست طعام خوردن است از پیش خود و لقمه خرد برداشتن
و بسیار خائیدن و کم نظر کردن در روی مردمان وقت طعام خوردن
و کفت عمرو بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر بمدینه و در پیش آنحضرت خوانی
بود و آنحضرت طعام میخورد پرسیدم که چه عمل می باید کرد با خوان طعام

شود
بندها

آنحضرت کفت که هرکاه خوان بنهی بسم الله بکو و هرکاه برداری حمد
بکو خدایتعالی را و بخور از کرد خوان اینست آن عملی که باید کرد بخوان
طعام و کفت محمد بن ولید که طعام خوردم نزد ابی جعفر تا آنکه فارغ
شدم از طعام خوردن و خوانرا برداشتند پس میخواست غلام که آنچه زیر
بود از طعام بر زمین بردارد آنحضرت کفت که آنچه در صحرا بیفتد از طعام
بکذار و اکرچه ران کوسفندی باشد و آنچه در خانه بیفتد پی روی کن
و بردار آنرا و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که بیابد
ریزه طعام یا خرمائی و بخورد آنرا هنوز آنچیز در شکم او باشد که خدا
بیامرزد او را و روایتست که امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یا علی در وقت طعام خوردن ابتدا کن بنمک بدرستی که
در نمک شفاست از هفتاد درد که از جمله آنها دیوانکی و جذام و درد حلق
و درد دندان و درد شکم است و کفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که سه بار انکشت بنمک زدن و خوردن پیش از
طعام و بعد از طعام خوردن دور میکند از بنی آدم هفتاد و دو نوع بلا
که از جمله آن بلاها دیوانکی و جذام و برص است و کفت امیر المومنین علی
علیه السلام که ابتدا کنید بنمک در طعام خوردن پس اکر مردمان بدانند
که چه خاصیتها است در نمک اختیار کنند نمک را و بکذارند تریاک فاروق
را و کفت ابو عبد الله علیه السلام که ما ابتدا میکنیم بنمک در طعام خوردن

و ختم میکنیم بر سرکه و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که خوب نان خورشیست سرکه و محتاج نمیشوند اهل خانه که در آن خانه
سرکه باشد و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که هرکاه مائده بنهند چهار فرشته در کرد او در
می آیند پس وقتی که بنده بسم الله بکوید آن فرشتها میکویند
بشیطان که بیرون رو ای فاسق که دستی نیست ترا بر اهل این طعام
و هرکاه فارغ شوند از طعام خوردن بکویند الحمد لله فرشتکان میکویند
که این قومی اند که خدایتعالی نعمت داد بایشان و ایشان شکر آن نعمت
کفتند و هرکاه بنده بسم الله نکوید آن فرشتها میکویند بشیطان
که ای فاسق نزدیک شو طعام بخور بایشان و هرکاه خوان طعام بر
داشتند و حمد نکفتند خدایتعالی را آن فرشتها میکویند که این قومی
اند که خدایتعالی بایشان نعمت داد و ایشان فراموش کردند از پر
وردکار خود و شکر آن نعمت نکفتند و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله با امیر المؤمنین علی ع که یا علی هرکاه طعام میخوری بسم الله
بکو و بعد از آن شروع کن در طعام خوردن و چون فارغ شدی از
طعام خوردن الحمد لله بکو که آن دو فرشته که موکل تواند حسنات
مینویسند برای تو تا وقتی که طعام تمام شود و کفت امیر المومنین
علی علیه السلام که هر که بسم الله بکوید نزد طعام خوردن من ضامنم
که آن طعام او را ضرر نکند ابن الکوا کفت که یا امیر المؤمنین دوش طعام

بخوردم و بسم الله نگفتم وضرر کرد آن طعام مرا آنحضرت گفت

چند نوع طعام خوردی و بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی نگفتی ازآنجهت

ضرر یافتی ای لیئم وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی چند نوع

طعام نزد او حاضر شود و او فراموش کند بسم الله علی اوله وآخره

ونیز گفت که هرگز طعام در معده من فاسد نشد بجهت آنکه هرگاه طعام

خوردم ابتدا به بسم الله کردم (گفتم) وچون فارغ شدم از طعام الحمد لله

گفتم ونیز گفت که وقتی که کسی سیر شد نفس طغیان میکند پس باید که

کسی آنقدر طعام نخورد که سیر شود وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام

به پسر خود امام حسن علیه السلام که ای پسر من هر لقمه که از طعام

بخوری خواه گرم وخواه سرد وهر شربتی وجرعه که بیاشامی باید که بعد

از آن بگوئی اللهم انی اسئلك فی اکلی وشربی السلامة من وکه والقوة

به علی طاعتك وذکرك وشکرك فیما بقیة فی بدنی وان تشجعنی

بقوتها علی عبادتك وان تلهمنی حسن التحرز من معصیتك بدرستی

که اگر این کار بکنی ایمن میشوی از مشقت وسختی ودر روایتست که چون

خوان طعام را نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم می نهادند میگفت

اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة ودر روایتست که حضرت

پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وقتی که دست خود بر طعام می نهاد میگفت

بسم الله بارك لنا فیما رزقتنا وعلیك خلفه ودر روایتست که حضرت

امام زین العابدین علیه السلام چون طعام میخورد می گفت الحمد لله الذی

گفتی را نزد خوردن
هر یک از آن طعامها
چون بیادش آید باید که
بگوید بسم الله

اطعمنا وسقانا وکفانا وایدنا وکفانا وایدنا وآوانا وانعم علینا وافضل

الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم وگفت امام محمد باقر علیه السلام که سلیمان

علیه السلام وقتی که فارغ میشد از طعام خوردن میگفت اللهم کثرت

والطیبت فزد واشبعت وارویت فهنه وروایتست که امام جعفر

صادق علیه السلام وقتی که طعام میخورد میگفت الحمد لله اطعمنا

فی جایعین وسقانا فی ظمائین وکسانا فی عارین وهدانا فی ضالین

وحملنا فی راجلین وآوانا فی ضاحین واخدمنا فی عانین وفضلنا علی

کثیر من العالمین وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

که وقتی که برداشته شود خوان طعام بگو الحمد لله رب العالمین

اللهم اجعلها نعمة مشکورة ومنقولست از کتاب نجات که وقتی که

طعام خوردن میباید خواند این دعا را که الحمد لله الذی یطعم

ولا یطعم ویجیر ولا یجار علیه ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لك

الحمد علی ما رزقتنی من طعام وادام فی یسر وعافیة من غیر کد

منی ولا مشقة بسم الله خیر الاسماء رب الارض والسماء بسم الله

بسم الذی لا یضر مع اسمه داء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

وهو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره واعذنی

من شره وامتعنی بنفعه وسلمنی من ضره دیگر که نزد فارغ

از طعام میباید خواند الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی وسقانی فارونی

وصاننی وحمانی الحمد لله عرفنی البرکة والیمن بما اصبته وترکته

الذی

منه اللهم اجعله هنيئا مريئا ولا وبيا ولا دويا وابقني بعده سويا
قائما بشكرك محافظا على طاعتك وارزقني رزقا دارا واغنني غنى
قارا واجعلني ناسكا بارا واجعل ما يتعلقاني في المعاد بهم مجابا
برحمتك يا ارحم الراحمين ومنقولست از كتاب بصائر كه روايت
كرده است محمد بن جعفر العاصم از پدر خود و پدر او روايت كرده
است از پدر خود كه گفت كه حج كردم و با من جماعتي از ياران من بودند
پس آمديم بحوالي مدينه و قصد كرديم كه جاي فرود آييم پس استقبال
كرد ما را غلام امام موسي عليه السلام و سوار بود بر دراز گوش سبز و از
عقب او طعام آوردند و ما فرود آمديم در نخلستان و آنحضرت آمد
و فرود آمد در ان منزل و فرمود كه طشت و آفتابه آوردند كه دست
بشويند آنحضرت اول هر دو دست خود را شست و فرمود كه گردانيدند طشت را
بجانب راست آنحضرت تا آنكه رسيد با آخر آن مجلس و بعد از ان گردانيدند
طشت را بجانب چپ آنحضرت تا آنكه رسيد با آخر مجلس و بعد از ان نمك
آوردند و آنحضرت ابتدا بنمك كرد و گفت بسم الله الرحمن الرحيم
بگوئيد و طعام بخوريد و بعد از ان بدرستي كه اين طعاميست كه حضرت
پيغمبر صلى الله عليه و آله و سلم دوست ميداشت و بعد از ان فرمود كه سركه
و روغن زيتون آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد
و بخوريد بدرستي كه فاطمه دوست ميداشت اين طعام را و بعد از ان
فرمود كه سكباج آوردند و گفت كه بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد

و بخوريد بدرستي كه امير المؤمنين علي عليه السلام دوست ميداشت
اين طعام را و سكباج طعاميست ترشي كه از سركه و گوشت و پياز و ادويه
حاره مي پزند و بعد از ان فرمود كه گوشت برياني كه در روي بادنجان
بود آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد
بدرستي كه امام حسن عليه السلام دوست ميداشت اين طعام را و
بعد از ان فرمود كه دوغ ترشي آوردند كه در روغن نان تريد كرده
بودند و گفت بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد بدرستي كه امام
حسين ع دوست ميداشت اين طعام را و بعد از ان فرمود كه گوشت
پخته آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد كه امام
زين العابدين عليه السلام دوست ميداشت اين طعام را و بعد از ان
فرمود كه پهلوي گوشت آوردند كه با دارو هاي گرم پخته بودند و گفت
بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد كه امام محمد باقر
دوست ميداشت اين طعام را و بعد از ان فرمود كه خاگينه آوردند و گفت
بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد كه دوست ميداشت
امام جعفر صادق عليه السلام اين طعام را و بعد از ان حلوا آوردند و گفت
بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد و بخوريد بدرستي كه من دوست ميدارم اين را
و بعد از ان فرمود كه خوان طعام برداشتند پس خواست كه يكي از ما چند
انجير ريخته بود از خوان طعام آنحضرت منع كرد و گفت كه انچه در خوانها
مي افتد از خوان طعام بر مي بايد داشت اما در مثل اينجا كه صحراست انجير

می افتد از خوان طعام برای مرغان و حیوانات می باید گذاشت و بعد
فرمود که خلال آوردند و گفت که طریق خلال کردن آنست که اوّل
بگرداند زبان خود را در دهن خود انچه جدا شود بزبان فرو برید و انچه
جدا نشود بزبان بخلال بکنید و بیرون آورید از دهن و بیندازید
و بعد از ان طشت و آب دست شستن طلبید و اوّل انکسی که بجانب چپ
آنحضرت نشسته بودند دست شست تا آخر مجلس از جانب چپ دست شست
و بعد از ان انکسی که بجانب راست آنحضرت نشسته بود دست شست
پس تا آخر مجلس از دست راست دست شستند و بعد از ان آنحضرت گفت
ای عاصم شما چگونه با یکدیگر آمیزش و نیکویی میکنید عاصم گفت نیکو
ترین وجهی آنحضرت گفت که اگر یکی از شما در محل تنگی بمنزل برادر مومن
خود بیاید و بگوید که کیسهٔ زر او را بیرون آورند و انکس بردارد از کیسه
و آن مقدار از زر که احتیاج دارد بردارد آیا آن برادر مومن را بد
می آید گفت عاصم که آری آنحضرت گفت که آمیزش شما نیست بر نیکوترین
وجهی و منقولست از کتاب طب الائمه که گفت ابو عبدالله علیه السلام که چیزی
نخورید در وقت راه رفتن مگر آنکه ضرورت باشد و گفت عمر بن ابی
شعبه که دیدم ابا عبدالله علیه السلام که تکیه کرده چیزی میخورد و گفت که
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم تکیه کرده چیزی نخورد تا آنکه از دنیا
رحلت فرمود و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که هرچه می افتد از خوان
طعام بدرستی که درو شفاست از هر دردی هر انکسی را که طلب شفا کند

بان

بان و منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که حضرت پیغمبر ص
فرمود که انکسی که بخورد انچه از خوان طعام بفراغت بگذراند مادام
که زندگانی کند و عافیت یابد از جذام فرزندان و و گفت حضرت پیغمبر ص
که یاد کردن طعام را می برد برکت طعام را و روایتست که دید حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم ابو ایوب انصاری را که بر می چید انچه از خوان طعام
ریخته بود آنحضرت گفت که برکتست مر ترا ابو ایوب گفت که اگر غیر من این
کار بکند برکتست او را آنحضرت گفت بلی انکسی که این کار کند که تو کردی
انچه در حق تو گفتم در حق او نیز هست و آنحضرت گفت که انکسی که این
کار بکند نگاه دارد خدا یتعالی او را از دیوانگی و جذام و برص و فرزند
آب و بیعقلی و گفت عالم آل محمد که آن امام محمد باقر است که سه چیز است
که حساب نمیکنند آنرا بر مومن طعامی که بخورد از وجه حلال و
جامه که بپوشد از وجه حلال و زن صالحه که یاری کند او را و محفوظ
ماند بسبب آن زن دین او و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که
بگذارید طعام گرم را که سرد شود تا بآسانی توان خورد بدرستی که
نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم طعام گرم آوردند آنحضرت
گفت بگذارید که سرد شود تا بآسانی توان خورد بدرستی که خدای
تعالی آتش را طعام نکرده است ما را و برکت در طعام سرد است و در طعام
گرم برکت نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که
بلیسد کاسه را صلوات فرستند فرشتها و دعا میکنند که تا روزی او

فراخ میشود و بنویسند برای او حسنات بسیار و نیز گفت که انکه
طعام بخورد وقتی که معده او خالی باشد و نیکو بخاید طعام را و ترک
کند طعام خوردن را هنوز میل داشته باشد و نگاه ندارد و غایط را
وقتی که تقاضا شود بیمار نشود مگر بیماری موت و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که هرگاه می آوردند برای حضرت پیغمبر میوه نو
با وه آنحضرت می بوسید آنرا و بر چشم خود می نهاد و میگفت اللهم
اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی بار خدایا نمودی
بمن اول این میوه را بعافیت پس بنما آخر او را بعافیت و نیز گفت که ضرر
وار نیست خواب کردن مر کسی را که بسیار پیر باشد مگر انکه سیر باشد
بدرستی که پیری که سیر است بفراغت تر خواب میکند و خوشبوی
میشود دهن او و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که عجبست از
کسی که خود را نگاه میدارد از ترس بیماری و دردی که چون نگاه
میدارد از گناه از آتش دوزخ و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که بطلبند شما را بطعام
باید که ببرید فرزند خود را همراه خود بدرستی که اگر چنین نکنید انچه
میخورید حرامست و بامنزل عاصی و گناهکار میروید و نیز گفت که رسول
خدا فرمود که انکسی که بیشتر آروغ زند بجهة بسیار طعام خوردن که میکند
او بیشتر خواهد بود در روز قیامت و نیز گفت که وقتی که حاضر شود
خوان طعام نزد جماعتی یکی از آن جماعت بسم الله بگوید کافیست از همه

و نیز

و نیز گفت وقتی که خوان طعام نهاده شود بسم الله بگوید و وقتی
که طعام میخوری بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و چون خوان طعام
برداشته شود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید و نیز گفت که هرگاه چند رنگ طعام
حاضر شود بسم الله بگوید نزد خوردن هر طعامی راوی گوید که گفتم
که اگر فراموش کنم چگونه است آنحضرت گفت هرگاه بیاد تو آید بگو
بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و گفت امام رضا علیه السلام که هرگاه طعام بخوری
بعد از انکه فارغ شوی از طعام خوردن باید که بر پشت بیفتی و پای راست را
بر بالای پای چپ بنهی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار
خوردن مکروه هست و نیز گفت که انکسی بخورد طعامی که او را نطلبیده
باشند با آن طعام پاره از آتش است و منقولست از کتاب زهد حضرت امیر
المؤمنین که روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلام که گفت امیر المؤمنین
علیه السلام که نگاه دارید خود را از گناه که هیچ چیز سخت تر و شنیعتر
از گناه نیست و محروم نمیشود کسی از روزی مگر از گناه و گناه سبب خود
واندوه مصیبت و نکبت میشود چنانکه خدای تعالی فرموده است که وَمَا
اَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ یعنی آن مصیبتی
که بشما میرسد بجهة کسب شماست و حال انکه خدای تعالی عفو میکند
بسیاری از گناهان شما را و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بسیار
یاد کنید خدای تعالی را وقت طعام خوردن و نا فرمانی مکنید بدرستی
که طعام نعمتی است از نعمتهای خدای تعالی و نیکو عمل کنید بنعمت پیش از انکه

از پدران خود علیه السلام

فارغ شوید از نعمت بدرستی که نعمت جون برطرف شود کواهی بدهد
برصاحب خود بآن عملی که کرده است باو وانکسی که خشنود باشد
خدایتعالی ازو باندکی از عمل وبپرهیزید از تقصیر کردن در عمل تا حسرت
نخورید در محلی که حسرت خوردن فایده ندهد وهرکاه بدو رسید
بدشمن در جنک کم سخن کنید وبسیار یاد کنید خدایتعالی را وپشت بدشمن
مکنید ومکریزید تا خدایتعالی غضب نکند برشما ومستوجب غضب
خدایتعالی نشوید وانکسی که خواهد که بداند که چکونه است قدر و
منزلت او نزد خدایتعالی نزد او در محل کناه کردن پس همچنانست منزلت
او نزد خدایتعالی ومنقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت مردی
بن عبید که کفتم بامام جعفر صادق علیه السلام که اکر مردی بکذرد بر
زراعتی جایزاست که خوشه از آن زراعت تصرف کند آنحضرت کفت نی کفتم
خوشه چه چیزاست که جایز نباشد تصرف کردن آن آنحضرت کفت که اکر
هرکس بکذرد بر زراعتی وخوشه بکیرد باقی نمی ماند از آن زراعت چیزی
ومنقولست از کتاب که جمع کرده است پدر من در آداب که کفت فضل
بن یونس که روزی من در سر منزل خود بودم خادم من آمد و کفت
که بر در سرای مردیست که کنیت او ابو الحسن است ونام او موسی بن جعفر
کفتم ای غلام اکر اینمرد انکس است که من کمان می بردم تو آزادی قربة الی الله
پس پیش رفتم انکس بود که من کمان بردم کفتم فرود آئی ای سید من
آنحضرت فرود آمد در مجلس خواستم آنحضرت را در صدر مجلس بنشانم

کفت ای فضل صاحب منزل سزاوارتر است بصدر مجلس مکر آنکه در میان
قوم مردی از بنی هاشم پس کفتم که فدای تو کردم تو که از بنی هاشمی
جون نشست کفتم فدای تو کرداند خدایتعالی مرا حاضر شده است
طعامی برای اصحاب اکر میخواهی بیارم آنحضرت کفت ای فضل مردمان
میکویند که این طعامیست که بتجربه رسیده است ومکروه میدارند
خوردن این طعام را اما نزد من قصوری ندارد پس فرمودم غلام را
که طشت آورد ونزدیک آنحضرت رفت آنحضرت کفت اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی
لِکُلِّ شَیءٍ حَدًّا یعنی سپاس وستایش مر خدایرا که تعیین کرده برای
هرچیزی حدی وفایده کفتم فدای تو کردم فایده دست شستن چیست
آنحضرت کفت که فایده دست شستن پیش از طعام آنست که ابتدا کند باد
صاحب منزل تا آنکه خوشحال شوند مهمانان جون نهاد پیش آنحضرت
طشت را آنحضرت کفت بِسمِ اللّٰهِ جون طشت را برداشت آنحضرت حمد
وثنا کفت خدایرا وبعد از آن خوان طعام آورد کفتم جیست فایده این
آنحضرت کفت که بسم الله کفتن وقتی که بنهند خوان طعام را وحمد کفتن
خدایتعالی وقتی که بردارند خوان را وبعد از آن خلال آورد کفتم که
فایده خلال کردن چیست آنحضرت کفت که شکستن سر خلال تا آنکه
کوشت بن دندان را خونین نکند پس کوزه آب آورد کفتم که فایده
آب خوردن جیست آنحضرت کفت که فایده آنست که از پیش دسته و
از آنجا که شکسته باشد آب نخورند بدرستی که این هر دو جا نشستن

ازخدایتعالی باندک
از روزی خشنود
نشود خدایتعالی

شیطانست و هرگاه خواهی که آب بخوری بسم الله بگو و چون فارغ
شوی از آب خوردن حمد و ثنا بگو خدای تعالی را و چون فارغ شوی
از طعام خوردن ای فضل میباید که صاحب خانه بعد از همه دست بشوید
آنحضرت فرمود که خلیفه فرموده است که تو ده هزار درهم بفلان جا
بدهی و من میخواهم که این مبلغ را نقد بایشان بفرستی گفتم فدای تو
تو کردم اگر این از دست من بیرون رود باز بمن نخواهد رسید آنحضرت
گفت که تو نقد بفرست بایشان که بایشان نخواهد رسید و اگر برسد
بتو عود خواهد کرد انشاء الله تعالی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم که یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم آنحضرت
گفت که شما جدا جدا طعام میخورید بجهة آن سیر نمیشوید یکجا جمع
شوید در طعام خوردن و بسم الله بگوئید تا خدای تعالی شما را برکت
دهد و گفت ابن عمر که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که هرگاه
خوان طعام پیش کسی بیارند باید که از پیش خود بخورد و از پیش آنکه
با او طعام میخورد نخورد و از میان طعام نخورد بدرستی که برکت از
میان طعام است و باید که کسی با کسی طعام میخورد خجل میشود و شاید که
هنوز سیر نشده باشد و گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام
نخورد بر خوان و نه در پیاله خورد و نان تنک نخورد کسی گفت با انس که
بر چه چیز طعام میخورد آنحضرت انس گفت بر سفره و منقولست از کتاب
روضة الواعظین که روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت

ابو جعفر که شبی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم
من آروغ میزدم بجهة آنکه طعام بسیار خورده بودم آنحضرت گفت طعام
کمتر خور بدرستی که آنها که سیرترند در دنیا گرسنه‌تر خواهند بود
در روز قیامت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که نور
حکمت در دوستی مسکینان و درویشان است و در نزدیکی بایشان و نیز
گفت که باید که نمیرانید دلهای خود را بر بسیار خوردن طعام و آب
بدرستی که دلها میمیرند بجهة بسیاری طعام و آب همچنانکه زراعتها
ضایع میشود بجهة بسیاری آب و نیز گفت که سیر مخورید بدرستی که
نمی ماند نور معرفت در دلهای شما و آنکسی که شب بروز آورد و نماز گذارد
و اندرون او خالی باشد از طعام شب بروز می آورند حور عین در کنار او
و روایت است که پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که چه
چیز است که بیشتر مردمان را بدوزخ میبرد آنحضرت گفت شکم و فرج
و نیز آنحضرت گفت که آنکسی که طعام حلال میخورد می‌ایستد بر سر او فرشته
در وقت طعام خوردن و استغفار میکند برای او تا آنکه فارغ از طعام
خوردن و نیز گفت که هرگاه کسی لقمه حرامی بخورد لعنت میکند بر او هر
فرشته که در آسمان و زمین است و مادامی که آن لقمه در اندرون
وست حق تعالی باو نظر نکند و آنکسی که لقمه از حرام بخورد سزاوار است
بغضب خدای تعالی و اگر توبه کند خدای تعالی قبول میکند توبه او را
و اگر بی توبه بمیرد دوزخ سزاوارتر است باو **فصل چهارم** در آداب

شرب واینجه متعلق است بآن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم کفت که ظرف طلا و نقره متاع جماعتی است
که بیقین ایشان بخداتعالی درست نیست وکفت امام محمد باقر علیه
السلام که چیزی مخورید در ظرف طلا و نقره روایتست که ابو عبد الله
میداشت در ظرف نقره وقدح نقره کوفت ومکروه میداشت که روغن
بمالند از روغن دان نقره کوفت وشانه کنند بشانه نقره کوفت واکر
ناچار باشد از آشامیدن قدح نقره کوفت باید که دور کرداند دهن خود
از موضع نقره و روایتست که ابو عبد الله علیه السلام آب طلبید برای
آنحضرت قدحی از رویی آوردند که در وآب بود پس کفتند بعضی از اهل
مجلس که ببعضی که عباد بصری مکروه میدارد آبخوردن از قدحی که از
رویی باشد آنحضرت کفت که از وی بپرسید که این قدح از طلاست یا نقره
که مکروه آبخوردن را ودروایتست که پرسیدند امام جعفر صادق
علیه السلام را از آب خوردن بیکدم آنحضرت کفت انکسی که آب میدهد
اکر بنده تست بسه دم آبخورد واکر آزادست بیکدم بخورد ودر روایتی
دیکر آمده است واین روایت صحیح است که آنحضرت کفت که بسه دم آبخوردن
بهتر است از یکدم وآنحضرت مکروه میداشت آبخوردن را بطریق شتر
دعائی که می باید خواند بعد از آبخوردن الحمد لله الذي منزل الماء
من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام که آمدند نزد پدر من جماعتی وکفتند

میداری

که

118

که فرموده که هر چیزی را حدیست کفت پدر من که بلی بعد از ان آبی
طلبید که ایشان بخورند کفتند یا ابا جعفر کوزه هم چیزیست از ان چیزها
که حد دارد کفت بلی کفت حدا وچیست کفت حدا واینست که آب بخوری
از میان لب کوزه وذکر خدا یتعالی بکویی وبسه دم آب بخوری وهر دم
آبی که بخوری حمد خدا یتعالی بکویی الحمد لله الذي سقانا ماء عذبا
ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبي وروایتی دیکر واقع شده است آن
دعا را که کذشت می باید خواند با این دعا که اللهم سقاني فارواني
واعطاني فارضاني وعافاني فکفاني اللهم اجعلني ممن تسقیه في
المعاد من حوض محمد صلی الله علیه واله وتسعده بموافقته برحمتک یا ارحم
الراحمین وکفت عبد الله بن مسعود که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
بسه دم آب میخورد وپیش از هر دم بسم الله میکفت وبعد از هر دم شکر
خدا یتعالی را وکفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم نهی کرد
از ایستاده آب خوردن ایستاده طعام خوردن چونست آنحضرت کفت که
ایستاده طعام خوردن بدتر است از ایستاده آب خوردن ونیز کفت انس که
آنحضرت ایستاده آب خورده وروایتست که پرسیدند از امام جعفر صادق
علیه السلام که طعم آب چیست آنحضرت کفت که طعم آب زندکانیست وکفت
امام جعفر صادق علیه السلام باید که بسه دم آب بخورید ودر هر دم
شکر بکویید اول شکر بکویید برای آب خوردن ودوم بجهت راندن
شیطان وسیوم بجهت شفای آب در اندرون شما وکفت ابن عباس

ها

حل ٢

کفتم ٢

که دیدم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آب خورد بدو دم
و در روایتست که پرسیدند از امام موسی علیه السلم که چیست حد ظرفی
که از و آب میخورند آنحضرت گفت که حد او آنست که آب نخورند از موضع
شکسته اگر شکسته باشد بدرستی که جای نشستن شیطانست پس
وقتی که آب میخوری بسم الله بگو وچون فارغ شوی از آب خوردن
حمد بگو خدای تعالی را وگفت عمرو بن قیس که رفتم نزد ابی جعفر علیه
السلم بمدینه و در پیش آنحضرت کوزه نهاده بود گفتم با آنحضرت که حد
کوزه چیست گفت حد کوزه آنست که آب بخوری از میان لب کوزه و
بسم الله بگوئی و هرگاه کوزه را از دهن باز داری حمد بگوئی خدای تعالی
و بپرهیز از آب خوردن از نزدیک دسته کوزه بدرستی که جای
نشستن شیطانست وگفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که
وقتی که بیفتد مگس در ظرف شما بدرستی که فرو برید تمام او را
در ظرف بدرستی که در یکبال او درد است و در بال دیگر شفا است
ومگس فرو می برد در ظرف آن بال را که در و درد است پس باید که فرو
برید همه او را و بعد از آن او را بیرون اندازید

فصل پنجم در بیان

در آداب خلال کردن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت
وهب بن عبد ربه که دیدم که اباعبدالله علیه السلام خلال میکرد
نظر کردم باو آنحضرت گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
خلال میکرد و دهن آنحضرت خوشبو بود بجهت خلال کردن و در روایتی

دیگر واقعست که از حق مهمان آنست که مهیا و آماده کند برای او خلال
وگفت ابو عبدالله علیه السلام که آنچه بزبان بیرون آوری از میان
دندانها فرو بر و آنچه از خلال بیرون آوری بینداز آنرا وگفت فضل
بن یونس که پرسیدم امام موسی علیه السلام را از طریق خلال کردن
آنحضرت گفت که طریق خلال کردن آنحضرت آنست که بشکنی سر خلال را
تا آنکه خونین نکند گوشت بن دندانرا وگفت امام جعفر صادق علیه
السلام که سرمه کشیدن خوشبو میکند دهن را و خلال کردن زیاده
میکند روزی را منقولست از کتاب فردوس که گفت سعد بن معاذ
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که گفت پاک کنید راه دهن خود را
بخلال بدرستی که دهن شما مسکن دو فرشته است که موکل شمایند
و نیک و بد شما را می نویسند و سیاهی آن دو فرشته آب دهن شماست
و قلم ایشان خلال است و بدترین چیزها نزد آن دو فرشته طعامیست که
در میان دندانها می ماند و منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت
امیر المؤمنین که خلال کردن بچوب گز درویشی می آورد و منقولست
از کتاب طب الائمه که گفت امام رضا علیه السلام که خلال مکنید بچوب
انار و بچوب ریحان بدرستی که در حرکت می آورد رگ جذام را و نیز گفت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم خلال میکرد بهر چه میرسید مگر
برگ درخت خرما و نی وگفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که

رحمت کناد خدای تعالی از امت من انکسانی را که خلال میکنند در وقت
وضو ساختن و بعد از طعام خوردن و گفت امام موسی علیه السلام
که ندا میکند ندا کننده از آسمان و میگوید اللهم بارک فی الخلالین و
المتخللین یعنی بار خدایا برکت ده انکسانی را که در خانهٔ ایشان سرکه باشد
وانکسانی را که خلال میکنند و سرکه بمنزلهٔ مرد صالحست که دعا
میکند برای اهل خانه به برکت و گفت امام موسی علیه السلام که خلال را
جبرئیل آورد برای حضرت پیغمبر با سوکند و گواه از آسمان و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
خلال کردن بعد از طعام موجب صحت دهن و دندانهاست و می افزاید
روزی را و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت امام حسین علیه السلام
که امیر المومنین علیه السلام میفرمود ما را که بعد از خلال آب بخوریم تا
انکه سه بار مضمضه کنیم و روایت کرده است محمد بن الحسن الداری که
گفت یکی از ائمه که انکسی خلال کند به نی حاجت او بر آورده نمیشود
تا هفت روز و گفت امام جعفر صادق که خلال مکنید به نی و اگر ناچار
باشد پوست نی را بکنید و بعد از ان خلال کنید و روایتست که
منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خلال کردن بچوب انار و نی
و گفت که این هر دو حرکت می آورند رگ خوره را و گفت امام موسی

علیه

علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خلال
کنید بدرستی که نیست هیچ بدتر نزد فرشتها از ینکه ببینند در میان
دندانهای بنده طعام را و روایتست از انس که گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم که چه نیکو است از امت من انکسی که خلال میکند و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که استنجا کند پس انکسی که
چنین کند نیکو کرده است و انکسی که چنین نکند باکی نیست و انکسی که سرمه
کشد باید که بعدد طاق سرمه کشد پس انکسی که چنین کند نیکو کرده
است و انکسی که چنین نکند باکی نیست و انکسی که طعام بخورد و خلال
کند و انچه بخلال بیرون آید از میان دندانها باید که نخورد آنرا و انچه
بگرداندن زبان بیرون آید باید که فرو برد آنرا مصنف کتاب
مکارم الاخلاق میگوید که انتخاب کردم آنرا باینموضع بر ترتیبی
که مذکور خواهد شد **فصل ششم** در بیان روایاتی که
واقع شده است در نان گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که اکرام
کنید نان را بدرستی که خدای تعالی فرو فرستاده است برای نان برکتها
از آسمان پرسیدند از آنحضرت که چیست اکرام نان گفت هرگاه نان
حاضر شود انتظار چیزی دیگر نبرید و روایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم این دعا میکرد که اللهم بارک لنا فی الخبز
و لا تفرق بیننا و بینه یعنی بار خدایا برکت ده مرا در نان و جدائی
میفکن میان ما و نان و گفت آنحضرت که اگر نان نمی بود نماز کردن و روزه

باید که بعدد طاق

و بیرون آورده است
برای نان برکتها از
زمین

داشتن وادا نمی توانستیم کرد اینچه خدایتعالی بر ما واجب کرده است و
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که اکرام کنید نان را بدرستی که نان
مخلوق شده است در میان عرش و زمین و نیز گفت که بنای بدن آدمی
بر نانست **در بیان** نان جو گفت امام جعفر صادق علیه السلام که قوت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جو بود و حلوای آنحضرت خرما
بود و نان خورش او روغن زیتون بود و گفت ابو الحسن علیه السلام
که فضل نان جو بر نان گندم همچو فضل ماست که اهل بیتیم بر باقی مردمان
و جمیع پیغمبران دعا کردند برای خورنده نان جو و طلب برکت کردند
برای او و هر کسی که نان بخورد بیرون رود هر دردی که در اندرون
اوست و نان قوت پیغمبران علیهم السلام است و طعام نیکانست و نخواهد
خدایتعالی که بگرداند قوت پیغمبرانرا قوت بدبختان و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که اگر در چیزی دیگر غیر از جو شفا بیشتر می بود نمیگردانید
خدایتعالی جو را قوت پیغمبران علیهم السلام **در بیان** در بیان نان
برنج گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هیچ چیز نفع دهنده تر از
برنج نیست کسی را که میل داشته باشد بدرستی که برنج میکشد درد را
از اندرون و نیز گفت که خوب روایتیست برنج خنک و در روح هیچ درد
و مضرتی نیست و روایت کرده است امام رضا علیهم السلام از پدران خود
علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بهترین طعام
دنیا و آخرت گوشت و برنج است و روایت کرده است ابن ابی نافع که گفت

یکی

یکی از ائمه که نیست چیزی نفع دهنده تر از برنج نیست هیچ چیز که
نماند از شکم شب تا صباح مگر نان برنج **در بیان** نان گاورس گفت
ابو عبدالله علیه السلام که نیست در گاورس ثقلی با شیر نرم تر و نفع
دهنده تر است از معده **فصل هفتم** در بیان فواید آبها
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین شربتهای اهل بهشت
آبست و گفت ابو طیفور المطیب که رفتم نزد ابو الحسن ماضی علیه السلام
و منع کردم او را از آب خوردن آنحضرت گفت که باکی نیست آب خوردن
بدرستی که آب هضم میکند طعام را در معده و می برد صفرا را و فرو
می نشاند حرارت را و گفت یاسر خادم که امام رضا علیه السلام فرمود
که باکی نیست بسیار آب خوردن در طعام و بعد از آن آنحضرت هر دو
دست خود را بپهلوی هم آورد و گفت اگر مردی اینقدر طعام بخورد و
و آب نخورد بر بالای او نیکو هضم نمیشود آن طعام در شکم او **در بیان**
آب زمزم گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آب زمزم شفا است
از همه دردی و امانت از هر ترسی **گفت** آب ناودان خانه
کعبه گفت صارم که بیمار شد مردی از اصحاب ما تا آنکه نزدیک شد
بمردن پس ملاقات کردم ابا عبدالله را آنحضرت گفت ای صارم چه
حال آنکه فلان کس که بیمار بود گفتم فدای تو گردم نزدیک شده است
بمردن آنحضرت گفت که اگر من بجای تو می بودم و با او آب ناودان کعبه
می دادم که بخورد و صارم گفت بعد از آنکه آنحضرت فرمود که با آن

ین

المطیب

می نشاند غضب را
دی افزاید عقل را م

بیمار آب ناودان بدو متوجه شدیم که آب از ناودان بیاوریم هرچند
طلب کردیم نیافتیم در وقت طلب کردن ابری پیدا شد و رعد و
برق شد کفت و باران بارید رفتم نزد بعضی از کسانی که
در مسجد حرام بودند و یکدرم دادم و یک قدح آب ناودان کرفتم
و آوردم و بآن بیمار دادم و از پیش او دور نشدم تا آنکه خوردن
آب را باتمام رسانید و خلاص شد از بیماری **در بیان** آب باران کفت

ماء

امیر المؤمنین علی علیه السلام که بیاشامید آب بارانرا بدرستی که پاک
میکرداند بدن را و دفع میکند بیماریهارا و خدای تعالی فرموده است
که وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ
الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی فرو
فرستاد خدای تعالی از طرف آسمان آبی تا پاک کرداند شما بدان آب
از حدث و جنابت و ببرد از شما وسوسهٔ شیطانرا و ببندد برد لهای
شما امیدواری بلطف حضرت باری و برای آنکه ثابت و محکم کرداند
باران قدمهای شما را در معرکهٔ جنگ **در بیان** آب فرات کفت

بدان

خالد بن جریر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که اکر من نزد شما
می بودم هر روزی می آمدم بفرات و بآن آب غسل میکردم و میخوردم
هر روز یک انار بسوراء و سوراء نام موضعی است در عراق عرب
در بیان آب نیل مصر کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که آب
نیل مصر می میراند دلها را و مشوش میسازد سر خود را بکل مصر بدرستی که

بیمار

۱۱۲

بیمار می سازد اینکس را **در بیان** آب سرد کفت امیر المؤمنین

آب سرد ۲

علی علیه السلام که آب سرد بریزید بر کسی که تب داشته باشد بدرستی که
مینشاند حرارت تب را و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که
آب سرد مینشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و هضم
میکند طعام را در معده و می برد تب را و منقولست از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم
السلام که کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام در تفسیر قول خدای
تعالی ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ که مراد از نعیم خرمای تر
و آب سرد است و معنی آیه اینست که پس هر آینه شما پرسیده خواهید
شد در روز قیامت بوقت محاسبه از نعمتهایی که خدای تعالی بشما داده
است در دنیا **در بیان** آب جوشیده روایتست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که کفت که آب جوشیده فایده میدهد همه مرضها را
و هیچ ضرر نمیرساند و نیز کفت که هر کاه بحمام در آیید باید که سه کف
آب کرم بخورید بدرستی که می افزاید طراوت رو را و می برد الم
و درد از بدن آدمی و کفت امام رضا علیه السلام که آب کرم وقتی

از ظرف ۲

که هفت جوش بزنند و او را بظرف دیکر بریزند میبرد تب را و قوت
میدهد ساق و قدم را **در بیان** منع کردن از بسیار آب
خوردن کفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار آب مخورید

بدرستی که بسیار آب خوردن ماده دردیست و اگر مردمان کم
آب خورند هر آینه صحیح می باشند بدنهای ایشان و روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که چیزی میخورد آب کم
میخورد کسی گفت یا رسول الله شما کم آب میخورید آنحضرت گفت که کم
آب خوردن گوارنده تر است طعام را در بیان ایستاده آب خوردن
گفت امام محمد باقر علیه السلام که ایستاده آب خوردن گوارنده تر
و بهتر است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که ایستاده آب خوردن
در روز هضم میکند طعام را و در شب زرد آب میشود و آنکسی که
در شب آب بخورد بگوید سه نوبت که عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ
وَ مَاءِ الْفُرَاتِ ضرر نکند او را در شب آب خوردن در بیان منع
کردن از فرو بردن آب بیکبار و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که بمکید آب را و فرو مبرید آب بسیار بیکبار بدرستی که درد جگر
می آورد و روایت است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منع کرد
از فرو بردن آب بسیار بیکبار و گفت که آب را دو بار یا سه بار می باید
خورد فصل هشتم در بیان گوشتها و آنچه متعلق است بآن
منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که ذکر کرده شد گوشت و پیه نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنحضرت گفت هر پاره گوشت و پیه که در

معده واقع شد شفا می آورد و درد را می برد و گفت امام رضا علیه
السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که وقتی که
طعام بپزند بسیار کنید شوربا را بدرستی که شوربای گوشت
همون حکم گوشت دارد و بفرستید برای همسایها و اگر گوشت نرسد
بایشان شوربا بفرستید و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
گوشت بهترین نعمتهای دنیا و آخرت است و گفت زراره که طعام
با گوشت خوردم با ابوجعفر علیه السلام حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود ما که جماعت پیغمبرانیم دوست میداریم گوشت
و گفتا دیم که گفتم با امام جعفر صادق علیه السلام که رسیده است
بمن که خدا تعالی دشمن میدارد دلی را که دوست میدارد گوشت
آنحضرت گفت مراد از دلی که دوست میدارد گوشت را خانه ایست
که در و مردمان گوشت میخورند یعنی غیبت مردمان میکنند
و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دوست میداشت گوشت را
و گفت آنکسی که چهل روز گوشت نخورد کج خلق میشود و آنکسی که
کج خلق شود او را گوشت بدهید تا بخورد که نیکو خلق شود و آنکسی که
پیه بخورد می برد درد از بدن او بمقدار پیه که خورده است
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین گوشتها گوشت بز
است در بیان خوردن گوشت با شیر گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که آنکسی که ضعف دل یا ضعف بدن داشته باشد

باید که کوشت میش با شیر بخورد و منقولست از کتاب زهد امیر
المومنین علی علیه السلام که کفت عقیبة بن علقمه که رفتم نزد
امیر المومنین علی علیه السلام دوغی ترشی بود که ایذا یافتم از بوی
ترش آن و پاره نان خشکی بود کفتم بامیر المومنین آیا میخوری این
دوغ ترش و این نان خشک را آنحضرت کفت بمن که یا ابا الجنوب
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم میخورد نان خشکتر ازین نان
و می پوشید لباس درشت ازین لباس که من پوشیده ام و هرکاه
نمیکنم من از انچه کرده است رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم آنرا
از ترس انکه در روز قیامت باو نرسم و کفت امیر المومنین علیه السلام
پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد نزد خدا یتعالی از ضعف و بی قوتی
امت خود خدا یتعالی فرمود بآن پیغمبر که بکوید امت خود را که
کوشت با شیر بخورند چنین کردند پس ظاهر شد قوت در بدن ایشان
در بیان خوردن پیه کفت ابو الحسن علیه السلام که کوشت میرویاند
کوشت بدن آدمی را و انکسی که یک لقمه پیه بخورد و بیرون میرود
درد از اندرون او بمقدار آن پیه که خورده است و کفت امام جعفر
صادق علیه السلام مراد از پیهی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم فرموده است که انکسی که لقمه پیه بخورد بیرون می رود درد
از اندرون او بمقدار آن پیه و آن پیه کاو است و نیز کفت که دو هر آورد
کردند چه بودان برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی

ودر پیش آنحضرت سردست گوسفند را چونکه آنحضرت دوست میداشت سردست را و مکروه میداشت سرو نرا و نیز کفت که رسول خدا ص

بروجهل روز بکذرد و کوشت نخورد باید که قرض کند و کوشت
بخورد و بر خدا یتعالی لازمست که ادا کند قرض اورا و نیز کفت که مردم
میکویند که انکسی سه روز کوشت نخورد کج خلق میشود دروغ میکویند
بلکه انکسی که چهل روز کوشت نخورد کج خلق میشود در بیان
کوشت میش کفت سعد بن سعد که کفتم بابی الحسن علیه السلام که اهل بیت
من کوشت میش نمیخورند آنحضرت کفت چرا کفتم که میکویند کوشت میش
درحرکت می آورد صفرا را و دردسر می آورد و درحرکت می آورد جمیع
دردها را آنحضرت کفت ای سعد اکر میدانست خدا یتعالی که چیزی
بهتر از میش هست آنرا فدای اسمعیل میساخت در بیان
کوشت کاو کفت ابو عبدالله علیه السلام که کوشت کاو میبرد برص را و نیز
کفت که شیر کاو دواست و پیه او شفا است و کوشت او درد است و کفت
ابو جعفر علیه السلام که شکایت کردند بنی اسرائیل نزد حضرت موسی علیه
السلام از برص و آنحضرت شکایت کرد نزد خدای تعالی ازین مرض ایشان
پس وحی کرد خدا یتعالی بحضرت موسی که بفرما ایشانرا که کوشت کاو
با چغندر بخورند و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که در کوسفند
ده چیز است که نمی باید خورد سرکین و خون و مغز مهرهای پشت و
کردن و سپرز و غدود و ذکر و خصیتین و زهدان و فرج و رک
کردن و نیز کفت که ده چیز از مرده پاکست شاخ و سم و استخوان و
دندان و پنیر مایه و شیر و موی و پشم و پر و تخم مرغ و منقولست

از کتاب فردوس که کفت معاذ که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
که بر شما باد که کوشت شتر بخورید بدرستی که بدرستی که نمیخورد
کوشت شتر را مکر مومنی که مخالف یهود باشد و یهود دشمن خدای
تعالی است در بیان کوشت شتر کفت ابراهیم بن السماک که یکی از ایمه
فرمود که از تمامی اسلام دوست داشتن کوشت شتر است در بیان
کوشت قاق کفت ابو عبد الله علیه السلام که سرچین خراب میکند
وکاه باشد که بکشد آدمی را خوردن کوشت قاق که بدبو شده باشد
وهر روز بحمام رفتن وجماع کردن به پیر زالان و زیاده کرده است
سرچیز ابواسحق در روایت خود جماع کردن را در حال امتلا در بیان
مرغ خانکی کفت جابر بن عبد الله که رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم فرمود که مالداران را که کوسفند نکاه دارند در بیان
کوشت کبک بدهید بکسی که تب داشته باشد بدرستی که کوشت کبک
قوة میدهد ساق را و می برد تب را در بیان کوشت قطا و
قطا نام مرغیست و در بعضی از مواضع او را سفرود میکویند کفت
علی بن مهزیار که طعام میخوردم با ابو جعفر علیه السلام پس قطا آوردند
آنحضرت کفت که این مرغ مبارکیست و آنحضرت دوست میداشت این
مرغ را و میکفت که کسی یرقان داشته باشد این را بریان کنید و باو
بدهید که بخورد در بیان کوشت حباری و حباری نام مرغیست
کفت ابو الحسن علیه السلام که باکی نیست خوردن کوشت حباری بدرستی که

عن ابی الحسن علیه السلام

نیکو

نیکو است برای تحفیر بواسیر و درد پشت و زیاده میکند قوة جماع را
در بیان کوشت دراج کفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
که آنکسی که دل او درد کند و غم بسیار داشته باشد باید که کوشت
دراج بخورد و کفت ابو عبد الله علیه السلام وقتی که اندوهکین
شوند و سبب آنرا ندانند باید که کوشت دراج بخورند بدرستی
که کوشت دراج می برد غم واندوه را و کفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم آنکسی که میخواهد که خشم او کم شود باید که کوشت دراج
بخورد در بیان کوشت ماهی کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خوردن ماهی سل می آورد و سل مرضیست که میکاهاند آدمی را
و نیز کفت که خوردن ماهی تازه میکداذاند بدن را و نیز کفت که رسول
خدا صلی الله علیه وآله وسلم وقتی که ماهی میخورد این دعا میخواند
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَاَبْدِلْ لَنَا خَيْرًا مِنْهُ و کفت حمیری که نوشتم
بابی محمد کتابی و شکایت کردم که مرا خون و صفرا غالب شده است
هرکاه حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اکر تاخیر میکنم در حجامت
خون ضرر میکند چه میفرمایی آنحضرت نوشت بمن که حجامت و در عقب
حجامت ماهی تازه بخور پس عاده کردم اینسوال را باز آنحضرت نوشت
که حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه بخور و آب و نمك بخور
چنین کردم صحت و عافیت یافتم و بعد از آن غذای من این بود در بیان
ماهی سقنقور کفت احمد بن اسحق که نوشتم بابی محمد علیه السلام کتابی

کی
این سوال را

وپرسیدم از ماهی سقنقور که داخل میکنند در دوای باه که قوت
جماع را زیاده کند واو چنگ ودم دارد که آیا جایزاست که بخورند
آنرا آنحضرت نوشت بمن که اگر فلوس دارد باکی نیست خوردن آن در
بیان ملخ گفت ابو جعفر علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام
میگفت که ملخ و ماهی حلالست و ماهی که در آب بمیرد حرامست و نیز
گفت ابو جعفر علیه السلام که ماهی و ملخ حلالست در بیان افسون
ملخ گفت ابو الحسن علیه السلام که چون ملخ بسیار شود و ضرر رساند
پراکنده شوید و تکبیر بگوئید و روایتست که چنین کردند ملخ رفت
در بیان تخم مرغ گفت علی بن محمد اشیم که شکایت کردم نزد امام
رضا علیه السلام که از کم هضم طعام آنحضرت گفت که زرده تخم مرغ
بخور چنین کردم و فایده یافتم و گفت ابو عبد الله علیه السلام انکسی را
که فرزند نشود باید که بسیار تخم مرغ بخورد و گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام یکی از پیغمبران نزد خدای تعالی شکایت کرد از کمی نسل در امت
خود پس امر کرد خدای تعالی آن پیغمبر را که بفرماید بامت خود که نان با تخم
مرغ بخورند در بیان هریسه گفت امام محمد باقر علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم شکایت کرد نزد پروردگار خود از درد
پشت حق تعالی امر کرد که هریسه بخورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که جبریل ع فرود آمد و امر کرد بخوردن هریسه که پشت
من محکم شود و من قوت عبادت پروردگار پیدا کنم در بیان

شدن ۳

مثلثه گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اگر چیزی می
رهاند کسی را از مردن مثلثه می بود پرسیدند که یا رسول الله
مثلثه چه چیز است آنحضرت گفت که آرد است که با شیر میپزند و
گفت امام جعفر صادق علیه السلام بولید بن صبیح که چه طعام
بعیال خود میدهی در زمستان ولید بن صبیح که گوشت میدهم
آنحضرت گفت که اگر گوشت نباشد چه میدهی گفت روغن میدهم
آنحضرت گفت چرا کوکب نمیدهی بدرستی که کوکب زیاده قوة بدنرا میکند
و مراد از کوکب مثلثه است و شیخ لعابیست و طریق پختن او انست که یک
بخش او برنج و یک بخش او نخود و باقلا و غیر آن را بگیرند و همه را بکوبند
و شوروای بپزند و هر صباح بخورند در بیان کله گفت علی بن
سلیمان که کله گوسفندی میخوردیم نزد امام رضا علیه السلام
آنحضرت تلخان طلبید گفتم من سیر شدم آنحضرت گفت اندک تلخان بخور
که هضم میکند کله را و تلخان دوای کله است و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که کله موضع ذبح است و نزدیک تر است بچرا و دور
تر است از ضرر در بیان کباب گفت یونس بن بکر که امام رضا علیه
گفت بمن که چیست ترا که رنگ تو زرد شده است گفتم که تب مرا ضعیف
و زرد ساخته است آنحضرت گفت که گوشت بخور گوشت خوردم و
بعد از یکهفته دید مرا رنگم زرد بود آنحضرت گفت بتو نگفتم که گوشت
بخور گفتم از آن زمانکه فرمودی غیر از گوشت چیزی دیگر نخوردم آنحضرت

گفت ۳

گفت که چگونه خوردی گوشت را گفتم که بجوش خوردم گفت کباب
کن و بخور بعد از یک هفته سر اطلبید و رنگ و روی من سرخ شده
بود گفت بمن که چنین می باید کرد **در بیان** مرغ و تخم مرغ که
حلالست گفت زراره که پرسیدم از ابی جعفر علیه السلام که کدام
مرغی را می توان گفت و کدام را نمیتوان خورد آنحضرت گفت که بخور
آن مرغرا که بال برهم میزند در پریدن و مخور مرغیرا که بال
برهم نمیزند و بال خود را راست نگاه دارد در وقت پریدن گفتم
تخم مرغ یافته میشود در بیستانها چه حکم دارد گفت که آن تخم که
هر دو طرفش یکسانست مخور و انچه طرفین او مختلف باشد و یک طرف
او باریک تر باشد از طرف دیگر بخور آنرا گفتم مرغی که در آب می
باشد کدام حلالست و کدام حرام آنحضرت گفت که انچه چینه دان
دارد حلالست و انچه چینه دان ندارد حرامست و در دیگر واقع
شده است که اگر مرغ در وقت پریدن بال برهم زدن او بیشتر باشد
از بال راست نگاه داشتن حلالست و اگر بال برهم نزدن او بیشتر
باشد از برهم زدن حرامست و می توان خورد از مرغی که در آب
می باشد آن مرغی را که چینه دان و خار داشته باشد و نمی توان
خورد انچه او را نه چینه دان و نه خار باشد **در بیان** اشکنه
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر شما باد که اشکنه بخورید
بدرستی که نمی یابم چیزی که موافق تر باشد بمزاج آدمی از اشکنه

خوردم

حدیث ۳

در بیان

١٢١

فصل نهم در باب شیر برنجها گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم که هرگاه شیر برنج پیش شما بنهند بخورید و رد مکنید **در**
بیان عسل گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم دوست میداشت عسل را و نیز گفت که بر شما
باد که طلب شفا کنید از عسل و قرآن و نیز گفت که خوردن عسل
شفاست از همه دردها بدرستی که خدایتعالی فرموده است که
يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ
یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبور آن عسل با مر الهی بطریق لعاب
عسلی که مختلفست رنگهای آن زیرا که بعضی سفیدست و بعضی
زرد و بعضی سرخ و در آن عسل شفاست مردمانرا و گفت ابو
الحسن علیه السلام که انکسی که کم شود آب منی او را نفع میدهد
شیر با عسل و در روایتی واقعست که شیر او را نفع میدهد و گفت
ابو عبد الله علیه السلام که هیچ چیز مثل عسل شفا نمیدهد مردمانرا
و منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که انکسی در ماهی یکبار عسل بخورد از نیجه که در
قرآن واقعست که عسل شفا میدهد و خدایتعالی عافیت میدهد
و را از هفتاد و هفت درد و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که انکسی که میخواهد که قوت حافظه او زیاده شود
باید که عسل بخورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که خو

شیرینی است عسل که قوت میدهد دل را و میبرد خنکی سینه را
و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که قران خواندن و عسل و شیر زیاده میکند حفظ را و میبرد
بلغم را و گفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که اگر در چیزی شفا باشد در نیش حجام است یا در
شربت عسل و روایت کرده است برقی که یکی از اصحاب گفت که
زنی بمن ریسمانی داد که خود رشته بود و گفت ببر این ریسمان را
بمکه تا آنکه جامهٔ کعبه را باین ریسمان بدوزند و من نمیخواستم
که بدهم آنرا بخادمان زیرا که میشناختم ایشان را و میدانستم که
این کار نخواهند کرد چون رسیدم بمدینه نزد ابی جعفر و گفتم
فدای تو گردم زنی بمن ریسمانی داده است و حکایت کردم برای
آنحضرت آنچه آن زن گفته بود آنحضرت گفت از بهای آن ریسمان عسل
و زعفران بخر و بگیر اندکی از تربت امام حسین و خمیر کن باب باران و در
پارهٔ عسل بریزه و بخش کن بشیعها تا دوا کنند بآن بیماران خود را
و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که در عسل شفا است از هر دردی
و ضرری نیست در او و کم میکند بلغم را و جلا میدهد دل را و گفت
امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود
خدای تعالی گردانیده است برکت را در عسل و در او شفا است از

گفتم

درد

100

دردها و دعای به برکت کرده اند هفتاد پیغمبر برای عسل
و منقولست از کتاب فردوس که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پنج چیز میبرد فرا موشی را
و زیاده میکند حفظ را و می برد بلغم را مسواک کردن و روزه داشتن
و قرآن خواندن و عسل و شیر خوردن در بیان تربت امام حسین
علیه السلام که او گفت ابو عبد الله ع که تربت امام حسین علیه السلام
شفا است از هر دردی و اگر چه آنخاکرا از جا بردارند یک میل
دور باشد از قبر آنحضرت و یک میل و یک بخش هدا از سر بخش فرسخ
است و نیز گفت که خاک تربت امام حسین علیه السلام شفا است از هر دردی
پس وقتی که بر میدارید آن خاک را بگوید بسم الله اللهم
اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر و نیز گفت که خاک تربت امام حسین علیه السلام
شکست و مبارکست و آنکسی که بخورد آنرا از شیعهٔ ما شفا یابد از
هر دردی و آنکسی که بخورد او را از دشمنان ما میگدازد همچنانکه
دنبه میگدازد پس هر گاه بخورید از خاک تربت امام حسین بگوئید اللهم
اسئلک بحق الملک الذی قبضها و بحق النبی الذی خزنها و بحق الوصی
الذی هو فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعله شفاء من کل
داء و عافیة من کل بلاء و امانا و امنا من کل خوف برحمتک یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و نیز بگوید اللهم انی

خاک را
خاک را

اشهد ان هذه التربة تربة وليك صلى الله عليه وآله واشهد انها
شفاء من كل داء وامان من كل خوف لمن شئت من خلقك ولي
برحمتك واشهد ان كل ما قيل فيهم وفيها هو الحق من عندك وصدق
المرسلون ورواييست كه پرسيدند از ابي عبدالله كه بعضي
مردمان ميكيرند تربت امام حسين عليه السلام ونفع مي يابند وبعضي
ميكيرند نفع نمي يابند آنحضرت كفت كه بحق آنخدايي كه غير از و خدا
نيست كه نميكيرد كسي خاك تربت امام حسين را بقصد اينكه نفع دهد
خدا يتعالى او را مكر آنكه نفع مي يابد ونيز پرسيدند از آنحضرت
از كيفيت خاك تربت امام حسين آنحضرت كفت كه هركاه خواهيد كه بخوريد
خاك تربت امام حسين را بايد كه بكيريد مقدار يك نخود از تربت بر انكشتان
وببوسيد آنرا وبر هر دو چشم خود بنهيد وبماليد بر تمامي اعضاي
خود وبكوييد اللهم بحق هذه التربة وبحق من حل فيها وثوى فيها
وبحق ابيه وامه واخيه والائمة من ولده وبحق الملائكة الحافين
الا جعلتها شفاء من كل داء وبرء من كل عاهة وحرزا مما اخاف
واحذر وبعد از ان بخوريد آن تربت را وروايتست كه ابو عبدالله ع
نزد خوردن خاك تربت امام حسين عليه السلام ميكفت بسم الله وبالله
اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة ورب النور الذي انزل
فيه ورب الجسد الذي يسكن فيه ورب الملائكة الموكلين اجعله لي
شفاء من داء كذا وكذا وجرعه از آب بعد از ان ميخورد وميكفت

اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء وسقيم
انك على كل قدير وكفت ابو عبدالله عليه السلام كه در خاك تربت امام
حسين عليه السلام شفا است از هر دردي واو دواي اكبر است وروايتست
كه پرسيدند از ابي عبدالله كه آيا حلالست خوردن كل ارمني كه بكيرند
براي كسي كه عضو او شكسته باشد واسهال داشته باشد آنحضرت
كفت كه باكي نيست خوردن او اما كل ذو القرنين وامام حسين ع
بهتر است از كل ارمني وكفت ابو عبدالله عليه السلام كه حرام است همچو
كوشت خوك وآنكسي كه كل بخورد وبميرد نماز نميكذارم برو مكر خاك
تربت امام حسين عليه السلام بخورد بجهت ميلي كه باكل دارد چيزي
بروي نيست [illegible] كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه نيست چيزي
دوست تر نزد من از شكر ونيز كفت در بيماري بعضي از اصحاب خود
كه چرا نميخوري انجيري كه مبارك است يكي از اصحاب كفت كه فداي تو كردم
انجير كدام است آنحضرت كفت شكر كفتم شكر كدام است كفت شكر سليماني
وروايتست كه شكايت كرد مردي نزد امام جعفر صادق از دردي آنحضرت
كفت كه هركاه جا كني در فراش خود پاره شكر بخور آنمرد كفت پاره
شكر خوردم خلاص شدم از ان درد وكفت علي بن يقطين كه شنيدم
از ابو الحسن ع كه ميكفت كه آنكسي كه دو پاره شكر بخورد وقت
خواب كردن شفا مي يابد از هر دردي مكر مردن وكفت ابو الحسن عليه السلام
كه اكر هزار درهم داشته باشد وپس همه را شكر بخورد اسراف نكرده

ونیز گفت که می باید گرفت برای تب ده درهم شکر را شربت می باید
کرد و با آب سرد و می باید خورد بر ناهار و گفت که سه چیز است ضرر
نمیکند انگور رازقی و نیشکر و سیب و نیز گفت که نیشکر میگشاید
سُدّهٔ ها و هیچ دردی و بدی درو نیست **در بیان** خرما گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که خرما بخورید بدرستی که درو
شفا است از دردها و گفت محمد بن اسحق که انکسی که خرما بخورد
و بجهة انکه رسول صلی الله علیه و آله و سلم با آن میل داشت ضرر نکند
اورا و گفت ابو عبد الله که عجوه مادر خرماهاست و عجوه خرمائیست
در مدینه و نیز گفت که عجوه از بهشت است و درو شفاست از سحر و نیز
گفت که انکسی که هر روز بر نهار هفت خرما عجوه بخورد ضرر نرساند
باو زهر و سحر و شیطان و عالیه نام موضعیست در مدینه و گفت انکسی
که پنج خرما بخورد بکشد کرمهارا از اندرون او ست و گفت که پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که هر صباح هفت خرما بخورد ضرر
نکند او را زهر و سحر و نیز گفت که در ان خانه که خرما نباشد اهل آن خانه گرسنه
و گفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
بخورید خرما را بر نهار بدرستی که میکشد کرم معده را و نیز فرمود
که جبرئیل فرمود که آمد بمن آورد برنی را از بهشت و برنی نوعیست
از خرمای خوب و نیز گفت که بفرمائید زن آبستن را که خرما
بخورد که در ان ماه که بزاید که فرزند او خوش خلق و پرهیزکار میشود

ازخرماء عالیه

ونیز گفت که بر شما باد که خرمای برنی بخورید بدرستی که میبرد
ماندگی را و بر طرف میکند خستگی را و سیر میکرداند گرسنه را
و در وی هفتاد و دو نوع شفا است و منقولست از صحیفة الرضا که
روایت کرده امام رضا از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم هر گاه خرما میخورد هستهٔ خرما را بر پشت دست خود
مینهاد و می انداخت و گفت امام رضا علیه السلام که انکسی خرمای برنی
بر نهار بخورد فالج او بر طرف میشود و گفت ابو عبد الله علیه السلام که بفرمائید
زنان خود را که خرمای برنی بخورند در نفاس تا انکه فرزندان صاحب
جمال شوند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که در خرمای
برنی نه خصلت است قوی میکند پشت را و قطع میکند شیطان را و هضم
میکند طعام را و خوشبو میکند دهن را و زیاده میکند شنوائی
و بینائی را و نزدیک میگرداند بخدا تعالی و دور میگرداند از شیطان
و زیاده میکند قوت جماع را و درد را میبرد و نیز گفت که هر گاه شیرینی
نزد شما بنهند بخورید و رد مکنید آنرا و روایتست که دوست ترین
شربتها نزد آنحضرت شربت شیرین خنک بود و نیز گفت آنحضرت
که من دوست میدارم کسی را که دوست میدارد خرما را و روایت
کرده است امام حسین علیه السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که روزه میداشت بخرما روزه میکشود
در بیان پالوده روایتست که نزد امام حسین علیه السلام مرد دیگری

بخورد

وقت

پالوده را عیب میکرد آنحضرت گفت که آرد گندم را با عسل و روغن
خالص عیب نمیکند هیچ مسلمانی فصل دهم در بیان میوه ها منقولست
از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که رسول خدا وقتی که میوهٔ نو میدید می بوسید و بر چشم خود
می نهاد و بعد از آن میگفت اَللّٰهُمَّ کَمَا اَرَیْتَنَا اَوَّلَهَا فِی عَافِیَةٍ وگفت
ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که
میوه بخورد و ابتدا میکند به بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ضرر نکند
آن میوه او را و نیز آنحضرت فرمود که چون حضرت آدم صفی بیرون رفت
از بهشت توشه داد خدایتعالی او را از میوه های بهشت و تعلیم کرد او را
صنعت هر چیزی پس میوه های شما از میوه های بهشت است لیکن این
میوه ها تغیر می یابد و میوه های بهشت تغییر نمی یابد در بیان
انار گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که هیچ اناری مگر آنکه در و دانهٔ از انار بهشت هست
پس هر گاه دانهٔ از انار بیفتد بر دارید هر جا که بیفتد و داخل نمیشود
این دانه در معدهٔ مسلمانی مگر آنکه نورانی میگرداند آن معده را
چهل صباح و روایتست که امام جعفر صادق انار میخورد در هر شب
جمعه و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام که گفت امیر
المؤمنین علی علیه که بخورید انار را با پیه او بدرستیکه پاک میکند
معده را و هر دانهٔ از انار که قرار گیرد در معدهٔ مسلمانی نورانی

میگرداند

نیست

میگرداند آن معده را و دور میکند شیطانرا و وسوسهٔ او را
تا چهل صباح و روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر
گاه انار میخورد رومالی در زیر انار می انداخت پرسیدند آنحضرت را
چرا چنین میکنید گفت که در انار دانهای از انار بهشت هست
کسی گفت یا امیر المؤمنین یهودی و نصرانی و غیر ایشان از کافران
انار میخورند باید که ایشان به بهشت روند آنحضرت گفت که هر
گاه که ایشان انار میخورند خدایتعالی میفرستد فرشته که آن
دانه که از بهشت است بیارد از آن انار تا ایشان نخورند آن دانه را
وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که پنج میوه از میوه های بهشت
در دنیاست انار ملیسی و سیب سفسانی سیب شامی است و نیز
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر مؤمنی که بخورد اناری را
بالتمام می برد خدایتعالی وسوسهٔ شیطانرا از دل او یکسال
و آنکسی که خدایتعالی وسوسهٔ شیطانرا یکسال ببرد گناه نکند و
آنکس که گناه نکند به بهشت می رود و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که انار بهترین میوه هاست و آنکسی که یک
انار بخورد در غضب می آورد شیطانرا چهل صباح و روایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه انار میخورد کسی را شریک
خود نمی ساخت و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدر خود علیه السلام که گفت علی ابن الحسین علیه السلم که آنکسی که

یک انار بخورند در روز جمعه بر نورانی شود دل ایشان جهل صباح
و دور میشود از ایشان وسوسهٔ شیطان وانکسی که دور دارد ازو وسوسهٔ
شیطان عاصی نشود وانکسی که عاصی نشود بهشت می رود وکفت جانم
کنیز صفیه که دیدم امیر المؤمنین علی علیه السلام را که انار میخورد و
بر میچید هر دانهٔ را که می افتاد از انار وکفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه السلام که میکفت که
انکسی که یک انار را تمام بخورد نورانی میکرداند خدای تعالی دل
او را جهل صباح و شب وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که آفرید خدای تعالی ادم و خرما و انکور و انار را از یک کل وروایت
کرده است ابو سعید الخدری از امام رضا علیه السلام وانحضرت روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که کفت رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم که انار بخورید بدرستی که دانهٔ اناری که واقع شود
در معده نورانی میسازد دل را و کنک میکرداند شیطان را بدرستی که
منقولست از شیخ ابو جعفر طوسی که بفرماید اطفال خود را که انار
بخورند بدرستی که زودتر بسخن می آیند در بیان بهی کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که بهی بخورید بدرستی که قوت میدهد
دل را و دلیر میکند بد دل را و نیز کفت که بهی بخورید بدرستی که در او
سه خصلت است پرسیدند که کدام است آنحضرت فرمود که قوت
میدهد دل را و سخی میکند بخیل را و دلیر میکند بد دل را و نیز کفت

که

که بهی بخورید که جلا میدهد دل را و نیز کفت که بهی بخورید
و تحفه بیکدیکر بدهید بدرستی که چشم را جلا میدهد و دوستی
پیدا میکند در دل و بفرماید زنان آبستن را که بهی بخورند
بدرستی که نیکو میکرداند فرزندان شما را و در روایتی واقع شده
است که نیکو میکرداند خلق فرزندان شما را وکفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که بهی قوت و حیات دلست و دلیر میکند بد دل را
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که بهی بخورد
ظاهر کرداند خدای تعالی حکمت را بر زبان او جهل صباح و نیز کفت که
بوی بهی بوی پیغمبرانست وکفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم که بهی را بر نهار بخورید وکفت امام رضا علیه السلام که بهی
آوردند برای حضرت پیغمبر آنحضرت زد یکدست خود را بر بهی و پاره
کرد آن بهی را و آنحضرت دوست میداشت بهی را پس بخورد آن بهی را و داد
بانکسان که حاضر بودند از اصحاب و بعد از ان کفت که بر شما باد که بهی
بخورید بدرستی که صحی افزاید عقل را وکفت امام جعفر صادق علیه
السلام که انکس که بهی بخورد بر نهار تازه و نیکو میشود روی او
و منقولست از کتاب جامع ابی جعفر اشعری که کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خدای تعالی نفرستاد پیغمبری مکر آنکه در هر
دو دست یا در یک دست او بهی بود و نیز کفت که بوی پیغمبران
بوی بهی است و بوی خوشه عنب بوی حورها است و بوی فرشته بوی کل سرخ

است

ونفرستاد خدای تعالی پیغمبری مکر ازو بوی بهی می آمد وکفت امام
محمد باقر علیه السلام که به میبرد غم واندوه را و روایتست که امام
جعفر صادق علیه السلام نظر کرد بر به خود پس کفت که میتوانند دانست
که من بهی خورده ام وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که به بخورید بدرستی که جلا میدهد دل را و نفرستاد خدای تعالی
پیغمبری مکر آنکه داد باو بهی از بهشت پس زیاده شد در آن قوت پیغمبر
را قوت چهل مرد بجهت آن به و نیز کفت که به بخورید بدرستی که
زیاده میکند ذهن را و می برد اندوه دل را و نیکو میکرداند فرزند را
و نیز کفت هر که سه روز بر نهار بهی بخورد جلا بیدا میکند ذهن او
و پر نور شود اندرون او از حکمت و علم و نکاه داشته شود از
مکر شیطان در بیان سیب کفت سلیمان بن وستو بر که رفتم
نزد ابی عبدالله و در پیش آنحضرت سیب سبزی بود کفتم فدای تو
کردم چه چیز است این کفت ای سلیمان شب تب کرده بودم کسی فرستادم
این سیب را برای من که بخورم تا فرو نشاند حرارت را و خنک کند
اندرون را و ببرد تب را و در حدیث واقع شده است که سیب
فراموشی می آورد بجهت آنکه در معده چسبندکی و نرمی و رطوبتی
پیدا میشود و روایت کرده است امام موسی از پدران خود علیهم
که فرمودند که ما اهل بیت پیغمبرایم مداوا نمی کنیم تب را مکر بریختن
آب سرد و خوردن سیب وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

وسلم که سیب بخورید بر نهار بدرستی که قوت میدهد معده را
وکفت امام رضا علیه السلام که سیب نفع میدهد چند چیز را
سم و زهر و دیوانکی و بلغمی که عارض میشود و هیچ چیز زودتر
از سیب منفعت نمیدهد وکفت زیاد العبدی که رفتم بمدینه و
و با من برادر من بود که سیف نام داشت و از بینی مردمان
خون بسیار میرفت و بعضی از مردمان را دو روز خون از
بینی میرفت و میمردند پس باز کشتم بمنزل خود و خون از بینی
برادر من سیف روان شده بود و خون بسیار میرفت پس
رفتم نزد ابی عبدالله وکفتم و حال برادر خود را با آنحضرت کفت
آنحضرت که ای زیاد ببرادر خود سیب بده که بخورد چون سیب
خورد خون ایستاد در بیان انجیر کفت ابوذر غفاری که
هدیه آوردند برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم طبق انجیری
آنحضرت کفت باصحاب که انجیر بخورید پس اکر میکفتم که میوه از
بهشت فرود آمده است این میوه را میکفتم بجهت آنکه این میوه
ایست که هسته ندارد پس بخورید این میوه را که میبرد بواسیر را
و نفع میدهد نقرس را وکفت امام رضا علیه السلام که انجیر می
برد بوی دهن را و محکم میکرداند استخوانها را و می برد دردها را
و با وجود انجیر را احتیاج بدوای دیکر نیست و در حدیث واقع
شده است که انکسی که میخواهد که رقت پیدا کند دل او باید که

...رست نماید جوردن انجیر و کفت کعب که رسول خدا فرمود
که بخورید انجیر تر و خشک را بدرستی که زیاده میکند قوت جماع
و می برد بواسیر را و نفع میدهد نقرس را و ابرده را و ابرده
علتی است که از غلبهٔ سرما پیدا میشود **در بیان** انکور کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که نوح علیه السلام شکایت کرد بخدا
تعالی از غم پس وحی کرد خدای تعالی باو که انکور سیاه بخور بدرستی
که غم را می برد و نیز کفت که شکایت پیغمبری از پیغمبران بخدای
تعالی پس وحی آمد باو از جانب خدای تعالی که انکور بخور و نیز
کفت که دو چیز است که بهر دو دست می باید خورد انکور و انار
و منقولست از کتاب فردوس که کفت عایشه که رسول فرمود که
بهترین خوردنیها نانست و بهترین میوها انکور و نیز آنحضرت
فرمود که آفرید خدای تعالی درخت خرما و انار و انکور را از گل
زیاده مانده بود از گل آدم علیه السلام و منقولست از صحیفة الرضا
که کفت امیر المومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم فرمود که انکور دانه دانه بخورید بدرستی که کوارنده است و کفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که بهار امت من انکور و خر
بزه است و روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم
السلام که امیر المومنین علیه السلام انکور با نان میخورد و نیز روایت
کرده است امام رضا علیه السلام باین اسناد که امیر المومنین علی علیه السلام

فرمود که انکور نان خورش و میوه و طعام و شیرینی است و نیز
کفت امام رضا علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام دوست
میداشت انکور را و کنیزی برای آنحضرت خوشهٔ انکوری آورد بپیش
آورد آنحضرت نهاد سایلی آمد و چیزی طلبید آنحضرت فرمود که آن
انکور را بسایل دادند پس رفت کنیزی که از آنحضرت فرزندی داشت
و خرید آن انکور را از آن سایل و آورد پیش آنحضرت نهاد پس سایل بار
دیکر آمد آنحضرت فرمود که آن انکور را بآن سایل دادند پس سه نوبت
چنین شد و در مرتبهٔ چهارم سایل نیامد و آنحضرت انکور را خورد
در بیان امرود کفت امیر المومنین علی علیه السلام که امرود جلا
میدهد دل را و تسکین میدهد درد اندرون را باذن خدای تعالی
و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که امرود پاک میکند معده را
و قوت میدهد و به نیز قوت میدهد معده را **در بیان**
آلوی سیاه کفت زیاد العبدی که رفتم نزد امام رضا علیه السلام
در وقتی که آلوی سیاه و در پیش آنحضرت ظرفی بود که در و آلوی
سیاه بود آنحضرت کفت که حرارت بر من غالب شده است و آلوی سیاه
می نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و آلوی خشک سیاه
تسکین میدهد خون و درد را باذن خدای تعالی **در بیان** مویز
کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که هر روز بر ناهار
بیست و یک مویز سرخ بخورد بیمار نشود مکر بیماری موت و کفت

امیر المؤمنین علی علیه السلام که انکسی که پست ویک مویز سرخ
بخورد نه بیند در بدن خود هیچ مکروهی و نیز کفت که مویز
قوت میدهد دلرا و می برد بیماریرا و می نشاند حرارت و خوشبو
میکرداند دهن را و منقولست از املای شیخ ابی جعفر طوسی که در
روایتی واقعست که می برد غم را و خوشبو میکرداند نفس را وکفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که بر شما باد که مویز بخورید
بدرستی که تسکین میدهد صفرا را و می برد بلغم را و صحت میدهد
بدنرا و نیکو میکرداند خلق را و محکم میکند پی را و میبرد بیماریرا

در بیان عناب کفت امیر المؤمنین علی علیه که عناب میبرد تب را وکفت
ابو الحبیب که چشم من سفید شده بود هیچ چیز نمی دیدم شبی امیر
المؤمنین علی علیه السلام را در خواب دیدم وکفتم ای سیدی
است بچشم من علتی که می بینی آنحضرت کفت بکیر عناب را و بکوب
و در چشم بکش پس کرفتم عناب را و کوفتم با خستها و در چشم
کشیدیم پس تاریکی از چشم من بدر رفت و چشم من صحت یافت و کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که فضل عناب در میوهای دیکر
همچون فضل ماست بر باقی دیکر مردمان

در بیان سنجد منقولست
از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام که کفت امام زین العابدین علیه السلام که آمد
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام

وامیر

وامیر المؤمنین علی علیه السلام تب داشت آنحضرت فرمود
که یا علی سنجد بخور وکفت بکر که شنیده ام از ابی عبد الله علیه السلام
که میکفت که کوشت سنجد میرویاند کوشت را و استخوان او
میرویاند استخوان را و پوست او میرویاند پوست را و با وجود این
کرم میکند کرده را و پاک میکند معده را و ایمن میکرداند از
بواسیر و از جنس بول و قوت میدهد ساق را و برطرف میکند جذام را
باذن خدای تعالی

فصل یازدهم در بیان سبزیها روایتست
که سبز کنید خوان طعام را به سبزیها و در روایتی واقعست که زینت دهید
خوان طعام را بسبزیها بدرستی که دور میکند شیطانرا کاهی
که بسم الله بکوئید وکفت ابو عبد الله علیه السلام که هر چیزیرا
زینتی است و زینت خوان سبزیست وکفت احمد بن هارون که رفتم
نزد امام رضا علیه السلام آنحضرت طعام طلبید و بران خوان
سبزی نبود آنحضرت دست خود را از خوان کشید وکفت ای غلام
نمیدانی که من طعام نمیخورم بر خوانی که بر و سبزی نباشد برو
سبزی بیار غلام رفت و سبزی آورد و بعد از ان آنحضرت دست
دراز کرد و طعام خورد و من با آنحضرت طعام خوردم

در بیان کدو کفت امام جعفر صادق علیه السلام که کدو زیاده میکند
قوت دماغ را وکفت امام حسین علیه السلام که رسول خدا فرمود که کدو بخورید
بدرستی که اکر درختی بهتر از کدو می بود خدای تعالی آن را می رویانید

برای برادر من یونس و هر کاه شوروائی برپزند باید که کدو بسیار
درو بکنید بدرستی که کدو زیاده میکند قوت دماغ و عقل را
و منقولست از صحیفة الرضا از پدران خود علیهم السلام که کفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که وقتی که طعام بکنید بدرستی که
کدو زیاده میکند قوت دماغ و عقل را و منقولست از صحیفة الرضا که
روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که کفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که طعام برپزید کدو
بسیار در طعام بکنید بدرستی که کدو خوشحال میسازد دلهای
کین را و روایت است که خیاطی حضرت پیغمبر را دعوت کرد و برای
آنحضرت طعام آورد که کدو درو بود با چربی کفت انس که دیدم
که آنحضرت میخورد کدو را و میجست آنرا از کاسه و کفت انس که دوست
میداشتم کدو را از ان زمانی که دیدم آنحضرت او را دوست میداشت
و کفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست میداشت
کدو را و برمیچید از کاسه و روایتست که حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم را دعوت کردند و برای آنحضرت طعامی آوردند
که درو کدو بود آنحضرت میجست کدو را و میخورد در بیان
کاسنی کفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که شب بخوابد
آورد و اندرون او هفت برگ کاسنی باشد ایمن باشد از قولنج در ان
شب و نیز کفت که انکسی که میخواهد مال و فرزندان او بسیار شود باید

که کاسنی بسیار بخورد بدرستی که هر صباح ریخته میشود برکاسنی
قطره از بهشت پس هر کاه کاسنی میخورید میفشانید او را و نیز کفت
که پدر من منع میکرد ما را از فشاندن کاسنی و نیز کفت که انکسی که
کاسنی بخورد و در روز جمعه پیش از نماز به بهشت میرود و کفت
امام رضا علیه السلام که کاسنی شفا است از هر درد و نیست دردی
در اندرون آدمی مکر انکه کاسنی میبرد آنرا و روایتست که بعضی
از خدمتکاران امام رضا علیه السلام را تب و درد سر بود میروید
و روایتست از سیاری که کفت یکی از ائمه معصومین علیهم السلام
که کاسنی بخورید بدرستی که زیاده میکند طراوت و تازکی را و نیکو
میکرداند فرزند را و کرم و تراست و کسی که کاسنی بخورد پس
بسیار حاصل شود او را و منقولست از کتاب فردوس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی که کاسنی بخورد و خواب
کند اثر نکند درو سحر و زهر و نزدیک نشود او را مار و عقرب
و هیچ کزنده و کفت انس که پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود
که کاسنی از بهشت است در بیان کندنا کفت امام محمد باقر
علیه السلام ما که اهل بیتیم میخوریم سیر و پیاز و کندنا را و کفت
موسی بن بکیر که شکایت کرد غلام ابو الحسن علیه السلام از سپرز
کفت آنحضرت که سه روز کندنا بخورید چنین کرد خونی که از سپرز
آدمی آمد ایستاد و صحت یافت و روایتست که حضرت امیر المؤمنین

امیر المؤمنین علی علیه السلام کندنا را با نمک نیم کوفته میخورد
وکفت ابو عبد الله علیه السلام که هر چیز را مهتریست و مهتر
سبزیها کندنا است وکفت امام محمد باقر علیه السلام که در کندنا
چهار خصلت است می برد باد را وخوشبو میکند دهن را وقطع میکند
بواسیر را وایمن میکرداند از جذام کسی را که مداومت کند بخوردن
آن وکفت موسی بن بکر که آمدم نزد ابی الحسن علیه السلام آنحضرت
کفت بمن که رنک وروی تو زرد شده است کندنا بخور کندنا خوردم
و صحت یافتم وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که فضل کندنا بر باقی سبزیها همچون فضل ماست بر باقی چیزها

در بیان بادرنج بویه امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیهم السلام که کفت امیر المؤمنین علیه السلام که ذکر کرده اند
بادرنج بویه را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم آنحضرت
فرمود که بادرنج بویه تره منست وتره پیغمبران که از من پیشتر بوده اند
ومن دوست میدارم آنرا ومیخوردم او ودر بهشت روئیده است وکفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا دوست میداشت
بادرنج بویه را وکفت ابو عبد الله علیه السلام که بادرنج بویه تره
پیغمبرانست ودروهشت خصلتست کوارا میکند طعام را ومی کشاید
سده را وخوشبو میکند دهن را واشتهای طعام می آورد وصاف
میکند خونرا وایمن میکرداند از جذام وهرکاه قرار کیرد در اندرون

آدمی

آدمی بر طرف میکند همه دردها را وزینت میدهند اهل بهشت
بادرنج بویه خوانهای طعام خود را ونیز کفت که رسول خدا فرمود
که بادرنج بویه تره خوبیست کویا که بینم اورا که در بهشت رسته روئیده
وتره تیزک تره بدیست کویا که می بینم اورا که در دوزخ روئیده است
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که انکسی که در شب
بادرنج بویه بخورد امر میکند خدای تعالی فرشتها را که حسنات
برای او بنویسند تا صباح وکفت ایوب بن نوح که خبر داد بمن کسیکه
حاضر بود بر مائده امیر المؤمنین علی علیه السلام که آنحضرت باد
رنج بویه طلبید وکفت که من دوست میدارم که ابتدا به بادرنج
بویه کنم در طعام خوردن بدرستی که میکشاید سده را ومی آورد
اشتهای طعام را ومی برد سل را ووقتی که افتتاح باو میکنیم باکی ندارم
از طعامی که بعد ازو میخورم بدرستی که نمی ترسم از درد وسختی بعد
ازو وآنحضرت چون فارغ شد از طعام خوردن بادرنج بویه طلبید و
خورد وبمن داد وکفت بادرنج بویه خوردن بعد از طعام کوارا میکند
طعامی را که پیش ازو خورده است واشتهای طعام می آورد وثقل میبرد
وخوشبو میکند آروغ دهن را **در بیان** خرفه کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که نروئیده است بر روی زمین تره که فائده او
بیشتر باشد وشریفتر باشد از خرفه وخرفه تره حضرت فاطمه علیها السلام
است ونیز کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که بر شما باد که

خرفه بخوريد بدرستى كه اكر جيزى زيادتي كند عقل را خرفه خواهد بود

در بيان تره تيزك كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه
انكسى تره تيزك بخورد در شب در حركت مي آرد جذام را از بيني او
كفت كه خوردن تره تيزك در شب برص مي آورد در بيان كرفس كفت
امام حسين عليه السلام كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم
فرمود در وصيتي كه كرد باميرالمؤمنين على عليه السلام كه يا على
كرفس تره الياس ويوشع بن يونس عليه السلام است ونيز آنحضرت فرمود
كه كرفس تره پيغمبرانست ودر روايتيست كه طعام خضر والياس عليهم
السلام كرفس وكماتست وكمات كياهيست وكفت حضرت پيغمبر صلى الله
واله وسلم كه عجوه از بهشت است ودرو شفاست از زهر وعجوه نوعيست از
خرما وكمات از نعمتهاي خدا يتعالى است وآب او شفاست چشم را

در بيان سداب كفت حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم
كه سداب نيكواست براي درد كوش وكفت امام رضا عليه السلام كه
سداب مي افزايد عقل را اما پراكنده ميكند آب مني را ودر روايتست از كتاب
فردوس كه كفت عايشه كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله فرموده كه
انكسى كه سداب بخورد وخواب كند ايمن شود از درد وبلا وسختي ذات
الجنب جغندر كفت امام رضا عليه السلام كه بر شما باد كه جغندر بخوريد
روييده است در كنار بهشت ودرو شفاست از هر دردها ومحكم ميكند پيه
وفرو مي نشاند حرارت خون را وغليظ ميكند استخوانها را واكر دست

كاه كاران باو نمير سيد يك از وچنان مى شد كه مي پوشيد در زير دريا
راوى ميكويد كه كفتم فداي تو كردم جغندر دوست ترين ترهاست
نزد من انحضرت كفت كه حمد ميكويم خدا يتعالى را بر شناخت تو
وكفت امام جعفر صادق عليه السلام كه خوردن جغندر ايمن
مي سازد از جذام ونيز كفت كه خداي برطرف كردانيد جذام را
بجهة جغندر وكفت امام رضا عليه السلام كه جغندر بخوريد
وبيماران خود بدهيد بدرستى كه درو شفاست وهيچ دردي بجز
درو نيست وخواب مي آورد بيمار را ونيز كفت كه جغندر ميكند
رك جذام را وهيچ چيز نفع دهنده تر نيست كسي را علت سرسام
داشته باشد از برك جغندر ونيز كفت بايد كه خالي نباشد اندرون
شما از طعام وآب كه بخوريد وجماع مكنيد مكر انكه ميل بسيار بجماع
شود وخوب تره ايست جغندر در بيان شلغم كفت امام
جعفر صادق عليه السلام كه بر شما باد كه شلغم بخوريد ودر هر صباح
وپنهان داريد فايده آنرا مكر از كسي كه سزاوار باشد بان بدرستى
نيست هيچكس مكر انكه رك جذام دارد پس برطرف ميسازد آن رك را
بخوردن شلغم در بيان ترب منقولست از كتاب فردوس
كه كفت ابن مسعود كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم فرمود
كه وقتي كه ترب بخوريد وخواهيد كه در نيابيد بوي او را بايد كه
ياد كنيد مرا در وقت شكستن او ومنقولست از كتاب فردوس كه كفت

ابن حسنان سدیر با بو عبدالله علیه السلام طعام میخوردم بسر داد
بمن ترپی و گفت بخورید که دو سه خصلتست برك او میبرد بادرا
و مغزا و میراند بول را و بیخ و قطع میکند بلغم را و منقولست از امالی
شیخ ابو جعفر طوسی که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بیخ ترپ
میکند بلغم را و هضم میکند طعام را و برك او میراند بول را در بیان
سیر گفت امام محمد باقر علیه السلام ما که اهل بیتیم سیر و پیاز و گندنا
میخوریم و روایتست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام
از خوردن سیر آنحضرت گفت که خوردن سیر باکی نیست وقتی که
پخته باشد ولیکن اگر سیر بخورید و مدا واکنید باو بدرستی که
در و شفا است از هفتاد درد و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یا علی سیر بخور و اگر من
سخن نمیکردم با فرشتگان هرآینه سیر میخوردم و نیز گفت امیر المؤمنین
که نیکو نیست خوردن سیر مگر آنکه پخته باشد در بیان پیاز گفت
امام محمد باقر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که هرگاه درآئید بشهری پیاز آن شهر بخورید بدرستی که دور میکند
از شما وبارا و روایت است که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه
السلام را از خوردن پیاز آنحضرت گفت باکی نیست خوردن پیاز وقتی
پخته باشد و باکی نیست که مداوا کنید بسیر هرگاه سیر بخورید بمسجد
مروید و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که پیاز میبرد تعب و دشواری

باید که بمسجد نروید و منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که سیر نخورید

وعکم

ومحکم میکند پی را و زیاده طراوت و تازگی را و میبرد تب را و نیز
گفت که پیاز خوشبو میکند دهن را و محکم میکند گوشت بن دندانها
و زیاده میکند قوت جماع را در بیان کاهو گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که بر تو باد که کاهو بخوری بدرستی که کم میکند
خون را و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که کاهو بخورید بدرستی که خواب می آورد و
هضم میکند طعام را در بیان باقلی گفت انس که پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که طعام عیسی علیه السلام باقلی بود تا آنکه اورا
باسمان بردند و چیزی دیگر نخورد و منقولست از کتاب فردوس
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هرکه خواهد که
باقله بخورد باید که با پوست بخورد و گفت امام رضا علیه السلام که
باقله زیاده میکند مغز ساقها و خون را و نیز گفت که بخورید باقله را
با پوست او بدرستی که پاك میکند معده را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که باقله با پوست بخورید بدرستی که زیاده میکند مغز ساقها
و قوت و خون را و نیز گفت که باقله میبرد درد را و درد دیده روی
نیست در بیان بادنجان گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
بادنجان نیکوست سودا و صفرا را و گفت ابو الحسن سیم بعضی خدمتکاران
خود را که بسیار بادنجان بخورید بدرستی که گرم است در وقت
حرارت و سرد است و در وقت برودت و معتدل است در تمام اوقات

میکند

وقت

میدهد دماغ

ونیکواست درهمه حال وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که برشما
باد که برای بادنجان بخورید که درو شفااست وایمن میکرداند از
برص وبخورید بادنجان را که بروغن زیتون پخته باشند و منقولست
ازکتاب فردوس که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که بادنجان
بخورید بدرستی که دیدم درخت بادنجان را در بهشت کواهی داد
بخدایتعالی وبه پیغمبر وبولایت امیر المومنین علی علیه السلام پس
هرکس بادنجان بخورد بقصد انکه دردست درد شود وهرکس
بقصد دوا بخورد دوا شود وکفت انس که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که بسیار بادنجان بخورید در وقت خرما
بدرستی که درو شفااست از هر دردی وزیاده میکند تازکی وطراوت
روزا ومی افزاید آب پشت را ونیز کفت که شخصی کفت که نزد امام زین
العابدین بادنجان بود که بریان کرده بودند آنرا بروغن زیتون
وچشم آنحضرت درد میکرد وازان بادنجان میخورد وحال آنکه او کرم
است آنحضرت کفت که خاموش بدرستی که پدر من روایت کرده
است ازجد من علیه السلام که بادنجان از زمین نیکوییست برای هر
چیزی **در بیان** کندر کفت داود بن فرقد که رفتم نزد ابی عبدالله
علیه السلام ودر پیش آنحضرت کندر بود پس داد بمن کندری وکفت بخور
کفتم دندان ندارم کفت آیا کنیزی نداری کفتم دارم کفت بفرما که بخاید
کندر را برای تو وبخور بدرستی که کرم میکند کرده را ومحکم میکند

ذکرا

ذکر را وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که کندر ایمن میکرداند
از قولنج وبواسیر وقوت جماع را زیاده میکند **در بیان خربزه**
منقولست ازکتاب فردوس که کفت امیر المومنین علیه السلام که حضرت
پیغمبر فرمود که خربزه بخورید بدرستی که آب او رحمت وشیرینی
او از شیرینی بهشت است وروایتست که خربزه را از بهشت آورده اند
پس هرکسی که یك لقمه خربزه بخورد بنویسد خدایتعالی هفتاد
هزار حسنه ومحو کند از نامه اعمال او هفتاد هزار کناه وبلند کرداند
مرتبه او را هفتاد هزار درجه وکفت امام موسی علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم خربزه را باشکر میخورد وکفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خوردن خربزه در نهار فالج می آورد وکفت امیر
المومنین علی علیه السلام که خربزه از زمین نیکوییست وهیچ درد و
سختی درو نیست ونیز کفت که در خربزه ده خصلتست طعامست و
آب ومیوه وریحان ونان خورش وشیرینی واشنان وخطمی وتره و
دواست یعنی خربزه اینها میکند ومراد باین که خربزه اشنان وخطمی است
آنست که پاك وملایم میسازد اندرون آدم را ومنقولست ازکتاب
روضه که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که خربزه بخورید بدرستی
که درو ده خصلت جمع شده است اززمین نیکواست ودردی
وسختی درو نیست وطعام وآب ومیوه وریحان واشنان ونان خورش
وزیاده میکند قوت جماع را وپاك میکند مثانه را ومیراند بول را

وباخرما نمیخورد

است

ودر حدیث دیگر واقع شده است که میکدازاند ریگ مثانه را و
منقولست از امام رضا علیه السلام این بیت در باب خربزه
اهدی لنا الایام بطیخة کذلک قال المصطفی المجتبی محمد جدی علیه السلام
ماء وحلواء وریحانة فاکهة حرض طعام ادام تنقی المثانة وتصفی
الوجود تطیب النکهة عشر تمام یعنی هدیه داده است پروردگار
خربزه را بما از زمین و از بهشت و در خربزه چند صفت بزرگ است
و من می شمرم آن صفتها را بنظم وچنین گفته است مصطفی و مجتبی
که جد منست که خربزه آب و شیرینی و ریحان و میوه و اشنان و
طعام و نان خورش است و پاك میکند مثانه را و صفا میدهد
رو را و خوشبو میکند دهن را و گفت امام رضا علیه السلام که خربزه
خوردن بر نهار فالج می آورد و در روایتی واقعشده است که قولنج
می آورد در بیان خیار گفت امام جعفر علیه السلام که رسول خدا
میخورد خیار را با نمك و نیز گفت که وقتی که خواهید که خیار بخورید
از پایین او بخورید بدرستی که برکت در و بیشتر است در بیان
سیاه دانه گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که در سیاه دانه
شفا است از هر دردی مگر مرگ را راوی گوید که گفتم چکار کنم با و آنحضرت
گفت که بگیر بیست و یکدانه از آن و آنرا در پارچه به بند و یك شب در
آب بنه چون صباح شود در سوراخ بینی راست دو چکان و در سوراخ
چپ یکقطره گفت سعد که هر روز سیاه دانه شفا است از هر دردی

ورسول خدا دوست میداشت سیاه دانه را کسی گفت بامام
جعفر صادق علیه السلام که مردمان گمان میبرند که آن دانه
سیاهی که حضرت پیغمبر دوست میداشت سپند است آنحضرت گفت
سپند نیست سیاه دانه است پس اگر پایم نزد اصحاب پیغمبر و
بگویم که بیارید برای من دانه که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
دوست میداشت آنرا هر آینه بیرون می آورند برای من سیاه دانه
وگفت محمد بن ذریح که گفتم بابی عبدالله که اندرون من درد میکند
ونفخ دارد آنحضرت گفت که چرا سیاه دانه نمیخوری بدرستی که در و
شفا است از هر دردی وگفت فضل که شکایت کردم نزد ابی عبدالله
که من در وقت بول کردن تشویش می یابم آنحضرت گفت که سیاه دانه
بخورید در آخر شب وگفت ابو عبدالله که در سیاه دانه شفا است
از هر دردی بدرستی که میخوریم او را بجهة تب و درد سر و درد چشم
ودرد شکم و هر دردی که ما را عارض میشود خدا یتعالی شفا میدهد
ما را از آن درد بجهة خوردن سیاه دانه در بیان سپند گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نروئیده است از سپند هیچ
شاخی و برگی و شکوفه مگر آنکه فرشته موکل است با نها تا آنکه برسد
بکسی یا خشك شود و بریزد بدرستی که وشاخ او تعویذ است و در دانه او
شفا است از هفتاد و دو درد وگفت محمد بن الحکم که شکایت کرد
پیغمبری بخدا یتعالی از بیدلی امت خود بس وحی کرد خدا یتعالی با آن

پیغمبر که بفرمان امت خود را که سپند بخورند و در روایتی واقع
شده است که بفرمان امت خود را که آب سپند زیاده میکند
شجاعت را و روایتیست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام
را از سپند و کندر آنحضرت گفت که سپند حرکت نمیکند بیخ و بن او
و بالا نمیرود شاخ او بآسمان مگر آنکه موکل ساخته است خدای تعالی
بآن فرشته را تا آنکه خشک شود و بریزد یا بکسی برسد که شیطان
دور میشود از هفتاد سرای که در حوالی آن سرای باشد که در
سپند است و در سپند شفا است از هفتاد مرض که آسان ترین آن
مرضها جذام است پس نگاه دارید سپند را و اما کندر نیز برگزیده
پیغمبرانست و از وطلب یاری میکرد مریم علیه السلام و هیچ دودی
زودتر بآسمان نمیرود از دود سپند و دود او دور میکند شیطان را
و دفع میکند آفت را پس باید که نگاه دارید او را فصل دوازدهم
در بیان حبوبات در بیان ماش روایتیست که پرسیدند بعضی از اصحاب
امام رضا علیه السلام را از علاج بهق آنحضرت فرمود که آنکسی که بهق
دارد باید شوربای از ماش بپزد و بخورد و طعام او این باشد
راوی میگوید که من این مرض داشتم چند روز چنین کردم و عافیت
یافتم و گفتم امام رضا علیه السلام که بگیر ماش تر را و بکوب او را
و بگیر آب او را بر بنهار بخور و طلا کن سر موضعی که بهق دارد راوی
میگوید که چنین کردم و عافیت یافتم در بیان حلبه گفت رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بر شما باد که حلبه بخورید و اگر
بدانند امت من که چه فایده است در حلبه ایشان هر آینه مداوا
کنند بآن و اگرچه بوزن او طلا باید داد در بیان نان خواه
روایتیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نان خواه و سعتر
و سیاه دانه طلبید و خورد و آنحضرت نان خواه میخورد وقتی
که سفید مانند تخم مرغ و ماست و طعام ثقیل میخورد و آنحضرت
نان خواه با نمک نیم کوفته می آمیخت و پیش از طعام میخورد و میگفت
که باکی ندارم از خوردن هیچ چیز هرگاه که خورده ام این ترکیب را
و میگفت که این ترکیب قوت میدهد معده را و می برد بلغم را و
ایمن میسازد از لقوه در بیان نخود روایتیست نزد امام
جعفر صادق علیه السلام ذکر کرده اند نخود را آنحضرت گفت
که نیکو است برای درد پشت در بیان عدس روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود در جای نماز خود که عبدالله
بن تیهان نزد آنحضرت آمد و گفت یا رسول الله من با تو بسیار نشستم و
چیزی بسیار از تو بشنیدم و هیچ رقت پیدا نکرد دل من و هیچ آب
از چشم من روان نشد آنحضرت گفت که ای ابن تیهان بر تو باد که
عدس بخوری بدرستی که نرم میسازد دل را و روان میکند آب چشم را
و میبرد کبر را و عدس طعام نیکانست و منقولست از صحیفة الرضا که

از پدران خود علیه السلام

روایت کرده است امام رضا علیه السلام کفت حضرت پیغمبر که بر
شما باد که عدس بخورید بدرستی که مبارکست و پاکیزه و نرم
میکند دلرا و روان میسازد آب چشم را و دعا ببرکت کرده
اند برای عدس هفتاد پیغمبر و منقولست از کتاب فردوس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کفت شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران نزد
خدای تعالی از سخت دلی قوم خود حق تعالی وحی کرد بان پیغمبر
در حالتی که بر جای نماز خود نشسته بود که بفرما قوم خود را که
عدس بخورند بدرستی که نرم میکند دلرا و میریزد اشک را و می
برد تکبر را و نیکانست و منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده
است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که کفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بر شما باد که عدس بخورید بدرستی
که عدس مبارکست و پاکیزه است و نرم میکند دلرا و بسیار میسازد
اشک را و دعای به برکت کرده اند از برای او هفتاد پیغمبر که آخر ایشان
حضرت عیسی بود **در بیان** سنا کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا فرمود که بر شما باد که سنا بخورید و
مداوا کنید با آن بدرستی که اگر چیزی دفع میکرد مرگ را سنا می‌بود
و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که اگر بدانند مردمان
که فایدهٔ سنا را یکمثقال سنا را بدو مثقال طلا بخرند و سنا ایمن میکرد
از بهق و برص و جذام و دیوانکی و فالج و لقوه و آنحضرت کفته که

و زود

طعام

بکوبید

بکوبید سنا را با موین سرخ که دانهٔ او را جدا کرده باشند با هلیله
کابلی و زرد و سیاه و وزن همه برابر باشد و اینها را باهم ترکیب کنید بقدر
مقدار سه درهم بخورید و این ترکیب بهترین دواهاست **در بیان**
اسفیوش کفت امام جعفر صادق علیه السلام انکسی را که تب شود
و بیاشامد در همان شب دو درهم اسفیوش یا سه درهم ایمن
شود از برسام در ان مرض **فصل سیزدهم در بیان** طعامهای نادر
و غیر آن پنیر و جوز کفت امام جعفر صادق علیه السلام در پنیر
و جوز شفا است کاهی که باهم باشند و هر کاه جدا باشند در
هر یک دردیست و نیز کفت که پنیر بعد از طعام هضم میکند طعام
و اشتهای طعام می آورد و نیز کفت که خوردن جوز در وقتی که
هوا بسیار کرم باشد در حرکت می آورد جراحت را در بدن و در
زمستان کرم میکند کرده را و دفع میکند خشکی را **در بیان**
نمک کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی که کرد امیر
المومنین علی علیه السلام که یا علی ابتدا کن بنمک در طعام خوردن
و ختم کن با آن بدرستی که در نمک شفا است از هفتاد درد که از جمله
دیوانکی و جذام و برص و درد دندان و درد شکم و درد حلق است
و کفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که نمک بپاشد
بر اول لقمهٔ از طعام خود برود جوشش روی او و روایتست که
پرسیدم امام رضا علیه السلام را از اصحاب خود که کدام نان خوشتر

ابهام

در بیان

بهتر است بعضی گفتند گوشت و بعضی گفتند روغن و بعضی گفتند
روغن زیتون آنحضرت گفت نمک و گفت امام رضا علیه السلام
که بیرون رفتیم از منزل خود و رفتیم بموضعی که ما را بود و فراموش
کرد غلام نمک را پس نفع نیافتیم از هیچ خوردنی تا آنکه برگشتیم و
منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است عایشه که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که آنکسی نمک بخورد پیش از
هر چیز و بعد از هر چیزی دفع کند خدای تعالی از و سیصد و سی
نوع بلا را که آسان ترین آن بلاها جذام باشد و روایتست از
انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آنکسی سرکه
بخورد بایستد فرشته بر سر او و استغفار کند برای او تا وقتی
که فارغ شود از سرکه خوردن و نیز گفت که نمک و آب و دیگ
از اسباب خانه است که مردمان یکدیگر را با آن یاری کنند و منع
آن نشاید کرد **در بیان** سرکه روایتست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم نزد ام سلمه رفت ام سلمه نزد آنحضرت پاره نان
آورد آنحضرت گفت که آیا نزد شما نان خورشی هست ام سلمه گفت یا
رسول الله نزد من بغیر سرکه نیست آنحضرت گفت خوب نان خورشیست
و بی نان خورش نمیشوند اهل خانه که در آنخانه سرکه باشد و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام ما که اهل بیتیم ابتدا بسرکه میکنیم در وقت
طعام خوردن همچنانکه مردمان ابتدا بنمک میکنند بدرستی که سرکه

قوت

قوت میدهد عقل را و نیز گفت که خوب نان خورشیست سرکه
و میشکند صفرا را و زنده میکند دل را و نیز گفت که بر تو باد که سرکه
انگور بخوری بدرستی که هر کرم که در اندرون تست میکشد
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که خوب نان خورشیست
سرکه بار خدایا برکت ده در سرکه بدرستی که نان خورش پیغمبرانست
که پیش از من بوده اند و منقولست از کتاب صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که بخورید سرکه انگوری را که بقصد سرکه انداخته
اید و مخورید سرکه را که بقصد شراب انداخته اید و بعد از آن
سرکه ساخته اند **در بیان** آبکامه گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت یوسف علیه السلام وقتی که در زندان محبوس
بود شکایت کرد بخدای تعالی از نان تهی خوردن و طلب کرد از خدای تعالی
نان خورشی و نان خشک بسیار نزد او جمع شده بود پس خدای تعالی
فرمود که نان خشکی را در ظرف کند و آب و نمک بر وی ریزد یوسف علیه
السلام چنین کرد آبکامه شد و آنرا نان خورش نان خود ساخت **در بیان**
روغن زیتون منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که بر شما باد
که روغن زیتون بخورید بدرستی که می گشاید چرک و ریم جراحت را و
می برد بلغم را و محکم میکند پی را و می برد ماندگی را و نیکو می سازد خلق را

وخوشبو میکند نفس را و می برد غم را وکفت امام رضا علیه السلام
که خوب طعامی است روغن زیتون خوشبو میکند دهن را و می برد بلغم
و صاف میسازد رنك را ومحکم میکند پی را و می برد درد را و می نشاند غضب را وکفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در وصیتی که کرد با امیر المؤمنین علی علیه السلام
که یا علی روغن زیتون بخور وبمال بر بدن خود بدرستی که انکسی که روغن
زیتون بخورد وبمالد بر بدن خود نزدیك نشود او را شیطان تا چهل
روز وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که بخورید روغن زیتون را وبمالید بر بدن خود بدرستی
زیتون از درخت مبارکست وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که روغن زیتون روغن نیکان وطعام ایشانست **در بیان** سعتر
ونان خواه ونمك وجوز کفت امام جعفر صادق علیه السلام که چهار چیز
است که روشن میکند چشم را وفایده میکند وضرر نمیکند کسی پرسید
که آن چهار چیز است کدام آنحضرت کفت که سعتر ونمکست هر کاه با هم
باشند ونانخواه وجوزست وقتی که با هم باشند انکس میکوید که کفتم که
هر کاه این چهار با هم جمع شوند چه فایده دارد آنحضرت کفت که نانخواه
وجوز میبرند بواسیر و باد را ونیکو میکردانند رنك را وصلاح میدهند
معده را وکرم میکنند کرده را وسعتر ونمك می برند باد را از دل وی
کشایند سده را ومیسوزانند بلغم را ومیرانند بول را وخوشبو میکنند
دهن را ونرم میکنند معده را ودور میکنند از دهن بوی بد را

ومحکم میکنند ذکر را وکفت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که شفا دو است هر دردیرا ودوا نمیکند وبهبود
جستن او را هیچ مثل ثفا بعضی کفته اند که ثفا نانخواه است وبعضی کفته
اند خردلست وبعضی کفته اند که تخم تره تیزکست **در بیان** سعد
وسعد کیاهیست خوشبو کفت ابراهیم بن نظام که مرا دزدان زدند
ودر دهن من پالوده کرم ریختند تا انکه پخته شد دهن من و
بعد از ان دهن مرا پر برف کردند پس دندانهای من افتاد شبی در
خواب دیدم امام رضا علیه السلام را وشکایت کردم بآنحضرت از پی
دندانی آنحضرت کفت که سعد بکار بر بدرستی که دندانهای تو بیرون
می آید چون آنحضرت متوجه خراسان شد خبر رسید بمن که بجانب
ما خواهد آمد استقبال کردم آنحضرت را وبر او سلام کردم وحال
خود را بر او عرض کردم وخواب که دیده بودم کفتم آنحضرت کفت که
من در بیداری نیز میفرمایم که سعد بکار بر پس بکار بردم ودندا[نهای]
من بیرون آمد بهمان طریق که بود **در بیان** اشنان روایت
که امام محمد باقر علیه السلام هر کاه دست وروی خود را می شست
باشنان پارهٔ از اشنان در دهن خود میکرد می جنبانید ومیریخت
ومیکفت که اشنان چیزی بدیست بوی دهن می آورد ورنك را
زرد میکند وزانوها را سست میکند ومن دوست نمیدارم آنرا
در بیان تلخان کفت مردی بابی عبدالله فرزندی که ما را

میشود بعضی از ایشان ضعیف و علتناک می باشند آنحضرت گفت
که تلخان بدهید که بخورند بدرستی که تلخان محکم میکند استخوانرا
و میرویاند گوشت را و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر طوسی که گفت
امام زین العابدین علیه السلام که کسی که تب داشته باشد تلخانرا
بشوید بیامیزید و از ظرفی بظرفی دیگر بریزید و سه نوبت باو بدهید
که بخورد بدرستی که تب گرم را می برد و این عمل را وحی کرده است خدای
تعالی و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که فاضلترین چیزهائی که روزه
دارد در سحر بخورد تلخان با خرما است و گفت امام رضا علیه السلام
که هرگاه بشوئید تلخانرا هفت بار و او را از ظرفی بظرفی بریزید تب را
می برد و قوت میدهد ساق و قدمها را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که تلخانرا بشوئید و بعد از آن بکسی که تب داشته باشد
آنمقدار بدهید که سیر شود و نیز گفت که فاضلترین چیزهائی
که در سحر روزه دار بخورد تلخان و خرما است و گفته اند که فرزندان
خود را تلخان بدهید در حال طفلی بدرستی که تلخان می رویاند گوشت را
و محکم میکند استخوانرا و نیز گفت که آنکسی که چهل روز تلخان بخورد
پر قوت میشود پای او **در بیان تلخان جو** روایتست که پرسید
سیف تمار را از ابا عبدالله علیه السلام از علاج شخصی که بیمار بود آنحضرت
گفت که تلخان جو را با آب بیامیز و باو بده که بخورد بدرستی که شفا می یابد
و جو غذای بیمارانست سیف تمار گفت که تلخان جو یکبار دادم بآن بیمار

شفا یافت **در بیان** تلخان کاورس گفت ابن کثیر که اسهال داشتم
و ابو عبدالله فرمود که بیامیز تلخان کاورس را با آب زیره و بخور چنین
کردم اسهال برطرف شد و عافیت یافتم **در بیان** تلخان سیب گفت احمد
بن یزید که هرگاه بگزد کسی را ماری یا عقربی تلخان سیب را با آب بیامیزید
و باو بدهید که بخورد و گفت ابن بکیر که از من بینی خون میرفت پرسیدم
ابا عبدالله را از علاج آن گفت که تلخان سیب را با آب بیامیز و بخور
چنین کردم خون ایستاد **در بیان** تلخان عدس گفت امام جعفر
علیه السلام که تلخان عدس می برد تشنگی را و قوت میدهد معده را
و در و شفا است از هفتاد درد و می نشاند حرارت را و خنک میکند
اندرونرا و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه بسفر
میرفت تلخان عدس را از خود جدا نمیکرد و هرگاه خون غالب میشد
خدمتکاران را میگفت که تلخان عدس را با آب بیامیزید و بخورید
بدرستی که تسکین میدهد خون را و مینشاند حرارترا و روایتست
که کنیز علی بن مهزیار را خون حیض دایم می آمد و نمی ایستاد تا آنکه نزدیک
شد بمردن ابو جعفر علیه السلام فرمود که تلخان عدس را با آب بیامیزید و
باو بدهید که بخورد دادند باو خون ایستاد **در بیان**
شیر گفت امام حسن ع که هرگاه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
شیر میخورد میگفت اللهم بارك لنا فیه و زدنا منه یعنی بار خدایا
برکت ده ما را در شیر و زیاده گردان شیر را برای ما و گفت رسول خدا

صلی الله علیه واله وسلم که خرما و شیر بهترند از چیز دیگر و روایتست
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هرگاه شیر میخورد مضمضه
میکرد و میگفت شیر را چربی هست وگفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم وقتی که شیر بیاشامید مضمضه کنید بدرستی که
شیر را چربی هست و روایتست که مردی گفت با امام جعفر صادق
علیه السلام که من شیر خوردم وضرر کرد مرا آنحضرت گفت که شیر
ضرر نمیکند هرگز اما تو با شیر چیزی دیگر خوردی و آنچیز ترا ضرر کرده است
و تو گمان میبری که شیر ترا ضرر کرده است وگفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام که شیر گاو دواست و پرسیدند از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که آیا بول گاو را میتوان خورد آنحضرت گفت که اگر احتیاج داشته باشند
که بآن مداوا کنند باکی نیست خوردن وگفت جعفری که شنیدم که
شیخ ابو الحسن علیه السلام میگفت که بول شتر بهتر است از شیر
او و گردانیده است خدای تعالی شفا در شیر شتر وگفت یحیی بن عبد الله
که طعام میخوردیم با ابو عبد الله چند پیاله خورد آوردند و آنحضرت
بدست خود اشارت کرد بیکی از آن پیالها وگفت که این ماس چکیده است
که از شیر خر ساخته اند برای بیماری که نزد ما است هرکس میخواهد
بخورد و هرکس نمیخواهد نخورد و روایتست که پرسیدند از ابی عبد الله
علیه السلام که آیا جایز است که بول خر ماده بخورند آنحضرت گفت باکی نیست
در بیان جائیدن مصطکی منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت

پیغمبر صلی الله علیه واله که بزنان آبستن مصطکی که بخورند بدرستی که
زیاده میکند عقل طفل را و نیز گفت که نیست دودی که بالا رود باسمان
مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند مصطکی را مگر انکه دور
شوند جنیان از انخانه وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که خائیدن
مصطکی محکم میکند دندانرا و می برد بلغم را و بوی دهن را وگفت
امام رضا علیه السلام که بسیار مصطکی بخائید و نگاه دارید و دوست
میدارم من خائیدن مصطکی را بدرستی که میبرد بلغم را و پاك
میکند معده را و زیاده میکند عقل طفل را و نیز گفت که نیست دودی
که بالا رود باسمان مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند
مصطکی را مگر انکه دور شوند جنیان از انخانه ~~وگفت امیر المؤمنین~~
~~علی علیه السلام که خائیدن مصطکی محکم میکند دندانرا و می برد~~
~~بلغم را و بوی دهن را وگفت امام رضا علیه السلام که بسیار مصطکی~~
~~بخائید و نگاه دارید و دوست میدارم من خائیدن مصطکی را بدرستی~~
~~که میبرد بلغم معده را و پاك میکند~~ ... و میگوارند طعام را و نیز
گفت که بدهید بزنان آبستن مصطکی را تا بخورند پس اگر در شکم
ایشان پسر باشد آن پسر دانا و خوش فهم و دلیر میشود و اگر دختر باشد
خوش خلق و خوب صورت میشود و بزرگ میشود سرین او و عزیز
میشود نزد شوهر خود در بیان طعام شب خوردن گفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام که پیغمبران طعام شب را بعد از وقت نماز خفتن

بدل
و در هر خانه کرده بکنند
مصطکی را مگر انکه

بخورند پس مگذارید شب چیزی خوردن را بدرستی که شب چیزی
ناخوردن خراب میکند بدنرا و گفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم که انکسی که ترک کند طعام خوردنرا در شب شنبه و شب یکشنبه
و دوشنبه پی در پی برود از و قوتی که تا چهل روز بان قوت نیاید
و گفت ابو الحسن علیه السلام که ترک مکن شب چیزی خوردن را واگر
پاره نانی باشد و گفت که شب چیزی خوردن قوت بدنرا و نیکوست
برای جماع و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که ترک میکند شب
خوردن را در یک شب رگی در بدن او که بقوت نیاید در بیان
گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که سه چیز است که فربه میکند و از جنس خوردنی نیست و سه چیز است
لاغر میکند آدمی را و از جنس خوردنی نیست و دو چیز است که فایده
همه چیز را و ضرر نمیکند هیچ را اما سه چیز که از جنس خوردنی نیست و
لاغر میکند گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما است و در حدیث دیگر
واقع شده است که جوز لاغر میکند و در حدیث دیگر واقع شده است که
کنجاره لاغر میکند و آن دو چیز که نفع میدهند همه چیز را و ضرر
نمیکند شکر و انار است باب بیست و سیم در آداب نکاح و انچه
متعلق است بآن و درین باب ده فصل است و انچه مذکور است درین باب
منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه مگر بعضی از روایات که ذکر خواهیم
کرد که از کتاب من لا یحضره الفقیه نیست فصل اول در ترغیب کردن

بنکاح و در بیان زن با میمنت و زن شوم گفت ابو جعفر علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که سه چیز منع میکند
مومن را از نکاح کردن پس اگر نکاح کند امید هست که خدا تعالی روزی
کند فرزندی که لا اله الا الله بگوید و نیز آنحضرت فرمود که انکسی که نکاح
کند نگاه داشته میشود نصف دین او پس باید که پرهیزکاری کند جهة
حفظ دیگر و نیز فرمود که نیست بنائی در اسلام که دوست تر باشد
که عمل کند بسنت من و آن نکاح است و نیز فرمود که انکسی که تواند نکاح
کرد و نکند از امت من نیست و نیز فرمود که طلب کنید روزی را از خدای
تعالی بسبب نکاح و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که انکسی که
ترک نکاح کند از ترس درویشی بدرستی که گمان بد دارد بپروردگار
خود زیرا که خدای تعالی فرموده است که ان یکونوا فقراء یغنهم الله
من فضله یعنی انها که نکاح میکنند اگر فقیر باشند خدا تعالی غنی
میگرداند ایشانرا بفضل و کرم خود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم فرمود که ای جوان نکاح کن و بپرهیز از زنا بدرستی که زنا
میبرد ایمانرا از دل تو و نیز گفت که نکاح کنید زنانرا بدرستی که بسبب
ایشان مال پیدا میشود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر
المؤمنین علی علیه السلام فرمود که فاضلترین جمع کردن میان دو چیز
است که جمع کنند میان دو کس بنکاح تا جمع کند خدا تعالی میان ایشان
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نکاح کنید بدرستی که من

میخواهم که امت من بیشتر باشند از امت پیغمبران دیگر روز قیامت
تا آنکه طفلی که از شکم مادر افتاده باشد می آید خشمناک بر در بهشت
پس خواهند باو که در آی به بهشت آن طفل خواهد گفت که در نمی آیم
به بهشت تا آنکه پدر و مادر من پیش از من در آیند و نیز گفت آنحضرت
که دو رکعت نماز که مرد کتخدا بگذارد فاضلتر است از عمل مرد عزب
که تمام شب بیدار باشد و نماز گذارد و روز روزه دارد و نیز گفت
که بدترین مردمان عزبان باشند و نیز گفت که ای گروه جوانان از شما
استطاعت ندارد باید که پیوسته روزه دارد بدرستی که روزه داشتن
شهوت را کم میکند و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که دو رکعت
نماز که مرد کتخدا بگذارد فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز که مرد عزب
بگذارد و گفت ابو الحسن علیه السلام که آمد مردی نزد پدر من پس گفت
پدر من باو که کدخدائی نمیکنی گفت نه پدر من گفت که دوست نمیدارم
که در دنیا باشم و شبی بروز آرم و مرا زن نباشد بعد از آن گفت که
دو رکعت نماز که مرد کتخدا بگذارد فاضلتر است از عمل مردی که تمام
شب نماز گذارد و روز روزه دارد و عزب باشد و نیز گفت ابو الحسن
که هر چند دوستی بنده بزنان زیاده شود ایمان او زیاده میشود و نیز
گفت که بیشتر خیر در زنان می باشد یعنی بسبب ایشان خیر بسیار میشود
و نیز گفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که از طلاق عرش در
لرزه می آید و نیز گفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که خدا

تعالی دوست نمیدارد مردانی را که زود طلاق و نکاح میکنند و
زنانی را که زود طلب نکاح و طلاق میکنند و نیز گفت که نکاح کنید با اهل
صلاح بدرستی که اخلاق پیغمبران دوست داشتن زنانست و نیز گفت
که سه چیز است که حساب نمی طلبند از مؤمن در روز قیامت طعامی
که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاری کند او را و نگاه دارد او را
از فسق و نیز گفت که آنکسی که ترک نکاح کند از ترس درویشی گمان بد دارد
به پروردگار خود بدرستی که خدا تعالی میفرماید که اِن یکونوا فقراء
یُغنهم الله مِن فضلِه و معنی آیه از پیش گذشت ~~و گفت حضرت پیغمبر صلی~~
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که خواهد که ملاقات
کند خدا تعالی را پاک و پاکیزه باید که نکاح کند و گفت امام زین العابدین
که هر که نکاح کند برای رضای خدا تعالی و بجهة صلهٔ رحم خدا تعالی
تاج پادشاهی بر سر او بنهد در روز قیامت و گفت حضرت پیغمبر ص
الله علیه و آله و سلم که آنکسی که توانگر باشد و نکاح نکند از امت من نیست
روایت کرده است محمد بن حمران از پدر خود که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنکسی که نکاح کند و قمر در برج عقرب باشد نیکوئی نبیند از آن نکاح و روایت است
که مکروه است نکاح کردن در محاق ماه و آن سه آخر ماه است و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فاضلترین زنان امت من آن زنانند که
صباحت ایشان بیشتر باشد و کابین ایشان کم باشد و گفت ابو عبد الله ع
که زن مبارک آنست که کم باشد مؤنت او و بآسانی بزاید و زن شوم آنست

زن خوب دارم

زود سرایت میکند

و نیز گفت که از اخلاق

که بسیار باشد مؤنت او و بدشواری بزاید و نیز گفت که شومی در سه چیز
باشد در مرکب و زن و سرا اما زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد
و بدشواری بزاید واما مرکب شوم آنست که بسیار بزینت و آراسته باشد
بدفعل باشد واما سرای شوم آنست که تنگ باشد و همسایهای بد
داشته باشد و روایتست که زن مبارک آنست که کابین او کم باشد و
زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم که نکاح کنید زنان کبود چشم را بدرستی که در ایشان برکتست و نیز گفت
که شومی در زن و مرکب و سرامی باشد **فصل دوم**
در انواع زنان واخلاق ایشان **در میان** نیکویی زنان گفت امام
جعفر صادق علیهم السلام که زنان چهار نوع اند یکنوع آنست که یک فرزند
در کنار داشته باشد و دیگری در شکم و نوعی دیگر آنست که خیر بسیار داشته
باشد و شوهر داشته باشد و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد با شوهر
خود و نوع دیگر آنست و گفت معروف کرخی که گفتم بابی عبدالله علیه
السلام که زن من فوت شده است و او موافق من بود و من قصد دارم
که زن دیگر نکاح کنم آنحضرت گفت تامل در آن زنی که نفس تو میخواهد
و تو او را شریک خود میسازی در مال و مطلع میسازی بر دین خود و
بر سر و امانت خود پس اگر خوب باشد نکاح کن و اگر البته میخواهی که نکاح کنی
باید که آن بکر باشد و مشهور باشد به نیکی **شعر** الا ان النساء
خلقن بشتی فمنهن الغنیمة والغرام ومنهن الظلام فمن یظفر بصالحهن یظفر

که بدخلق باشد ۳

زن ۲

ومنهن الهلال اذا تجلی

ومن یعثر فلیس له انتقام یعنی بدرستی که زنان مخلوق شده اند
بر چند نوع بعضی از ایشان فایده میرسانند و بعضی نقصان و
بعضی از ایشان مثل ماه نو اند وقتی که تجلی میکنند بر شوهر خود و بعضی
از ایشان کدورت و ملالت شوهر خود میشوند و آنکسی که زن صالحه
بنکاح خود در آورد ظفر یافت و آنکسی که زن صالحه نیافت پس زیانی
کرد که عوض ندارد و زنان سه نوع اند یکی آنست که بسیار میزاید و
دوست میدارند شوهر خود را و یاری میدهند شوهر را در کار دنیا
و آخرت و ناسازگاری نمیکنند دوم زنی که نمی زایند و جمال هم ندارند
و خوش خلق هم نیستند و یاری نمیکنند شوهر خود را بر نیکویی
سیم زنی بلند آوازی که دخل کننده در چیزها و طعن کننده که اندک
نماید در نظر او و قبول نکند چیز اندک را و گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که نکاح کن زن گشاده چشم گندم گون بزرگ سرین
میانه بالا را پس اگر زن باین صفت را نکاح کنی و خوش نیاید ترا کابین
آن زن بر منست و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که عقل زنان در جمال ایشانست و جمال
مردان در عقل ایشانست یعنی از زنان جمال مطلوبست نه عقل و از مردان
عقل مطلوبست نه جمال و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و
سلم هرگاه میخواست که نکاح کند زنی را که میفرستاد کسی را تا آن زن را
ببیند و میگفت بآنکس که بویی کن گردن او را و بکن گردن او خوشبو باشد

آن زن خوشبو است و اگر قدم او پر گوشت باشد بزرگست فرج او و
گفت امام زین العابدین که پنج چیز است که هر یکی از ینها ندارد همیشه
عیشش ناقص است و عقل او کم میشود و دل او فارغ نیست از اندوه
اول صحت بدن دوم وسیوم فراخی در روزی چهارم
انیس موافق کسی گفت که انیس موافق کیست آنحضرت گفت که زن صالحه
و فرزند صالح و مصاحب صالح پنجم فراغت و راحت و این خصلتی
است که جمع است در همه آن خصلتها و نیز گفت که وقتی که خواهید که
کنید زنی را باید که بپرسید از موی او همچنانکه می پرسید از روی
او بدرستی که روی خوب نیز از اسباب جمالست و نیز گفت که بهترین
زنان آنست که خوشبوی باشد و اگر طعام دهد بکسی بمحل بدهد و اگر
امساک کند بمحل امساک کند پس زنی که این صفت داشته باشد از کار
کنان خدای تعالی است و آنکسی که کار خدای تعالی کند ناامید نشود از
رحمت او و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین زنان آنست که
اگر در غضب آورند او را بگوید بشوهر خود که من تابع توام و خواب
نمیکنم تا آنکه راضی شوی از من و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم باصحاب که آیا خبر دهم شما را به بهترین زنان گفتند بلی یا رسول
الله آنحضرت گفت که بهترین زنان آنست که بسیار زاید و دوست دارد
شوهر خود را و عفیف و پرهیزکار باشد و عزیز باشد در میان خویشان
خود و تواضع و فرمان برداری کند شوهر خود را و آراسته کند خود را

نکاح

برای

برای شوهر خود و نگاه دارد خود را از غیر شوهر خود و بشنود سخن شوهر
خود را و فرمان برداری کند که فایده نمی برد مرد بعد از اسلام چیزی
که فاضلتر باشد از زن مسلمان که خوشحال گرداند شوهر خود را
هرگاه شوهر نظر کند باو و فرمان برداری شوهر کند هرگاه شوهر
باو کاری بفرماید جانب شوهر را نگاه دارد و حفظ نفس و مال
شوهر کند هرگاه شوهر او غایب باشد و روایتست که آمد مردی
نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و گفت مرا زنیست که هرگاه
بخانه میروم استقبال میکند مرا و وقتی که از خانه بیرون میروم
مشایعت میکند مرا و هرگاه مرا غمگین می بیند میگوید که بچه جهت
غمگینی اگر بجهة معاش غمگینی بدرستی که غیر تو ضامن روزی تست
اگر بجهة آخرت غمگینی زیاده گرداند خدای تعالی غم ترا آنحضرت با آنمرد گفت
که بشارت ده آن زن را به بهشت و بگو باو که تو یکی از کارکنان خدای
تعالی هستی و ترا در هر روز اجر هفتاد شهید است و روایتست که گفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که خدای تعالی را کارکنانست و این
زن کارکنیست که از کارکنان خدای تعالی است که او را نصف اجر شهید است
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که زنان نیکوی اهل دنیا بهتراند
از حور العین و نیز گفت که شجاعت در اهل خراسان است و قوت جماع کردن
در اهل بربر است و سخاوت و حسد در عرب پس اختیار کنید از ینها هر کدام
بهتراند از برای فرزند و نیز گفت که حیا ده بخش است نه در زنانست و یکی

در مردان وهرگاه ختنه کردند زنرا یك جزو از حیای او میرود
وهرگاه نکاح کردند جزوی از حیای او میرود وهرگاه ازاله بکارت شد
جزوی دیگر میرود وهرگاه فرزند زائید جزوی دیگر میرود
وپنج جزو از حیا باقی میماند پس هرگاه فسق وفجور کرد تمام حیای
او میرود اگر پرهیزکاری نمود میماند آن پنج جزو حیا منقولست
از کتاب نوادر الحکمه که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
انکسی که خواهد کدخدا شود باید که نکاح کند زنی را که کوتاه بالا
باشد ومیان دوشانه او پهن باشد وگندم گون باشد پس اگر محظوظ
نشود از آن زن بر منست کابین او وگفت جابر که رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که هرگاه زن نماز بکند پنجگانه خود را وروزه
ماه رمضان روزه دارد وخود را از فسق نگاه دارد وفرمان برداری
شوهر بکند به بهشت میرود از دری که خواهد وگفت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم که هر زنی که یاری کند شوهر خود را بر حج وجهاد
وطلب علم بدهد خدایتعالی اورا ثواب زن ایوب پیغمبر وگفت امام جعفر
صادق که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که بهترین
زنان امت من آن زنانند که شکل ایشان بهتر باشد وکابین کمتر باشد
در بیان خلقهای بد زنان گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بدترین
دشمنان مومن را زن بد است وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که هیچ خفیف دنیا ناقص عقلی مثل زنان کسی را از راه نمی

برد ونیز گفت که زنان بد زبانند وعیبهای دارند بپوشید عیب
ایشانرا بنگاه داشتن ایشان در خانه وبپوشید بد زبانی ایشانرا
بخاموشی ونیز گفت که اگر زنان نمی بودند هر کس پرستش میکردند
خدایتعالی را البته ~~وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام وگفت~~
امیر المؤمنین علی علیه السلام که در آخر زمان ونزدیك بقیامت
وآن بدترین زنانهاست که ظاهر میشود زنانیکه پوشیده روی
نباشند وبرهنه باشند واظهار زینت خود کنند وفتنه کنند
ومیل کنند بشهوت وشتاب کنند بلذتها وحلال دانند چیزهای حرامرا
پس ایشان دایم در جهنم خواهند بود ومنقولست از کتاب ریاض که
گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که زن بدشکل را که
فرزند شود بهتر است از زن خوش شکل که او را فرزند نشود ونیز
گفت که بگذارید زن خوش شکل را که فرزند نشود ونکاح کنید زن بدشکلی را
که فرزند شود بدرستی که میخواهم که امت من بسیار باشند واگر چه این
بسیاری فرزندی باشد که از شکم مادر افتاده باشد ونیز گفت
که زنی که تکلیف کند شوهر خود را بجهة نفقه هر چیزی که طاقت
آن نداشته باشد قبول نکند خدایتعالی توبه آن زنرا از گناهان
ونیکوئی اورا مگر آنکه توبه کند ازین کار وطلب کند از شوهر خود
چیزیرا که طاقت آن داشته باشد ونیز گفت که اگر تمام آنچه در زمین
است از طلا ونقره زن بردارد وبخانه شوهر بیارد وبعد از آن سر نیز

کند شوهر خود را روزی از روزها و بگوید که تو کیستی و این مال
از منت باطل میشود عمل او و اگرچه آن زن از جملهٔ عابدترین مردمان
باشد مگر آنکه توبه کند و عذرخواهی شوهر خود نماید و گفت سلمان
فارسی که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که
زنی که منت نهد بر شوهر خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال
من میخوری اگر تصدق کند امیر المومنین علیه علیه السلام که شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که زنی که منت نهد بر شوهر
خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال من میخوری و اگر تصدق
کند تمام مال خود را در راه خدا قبول نکند خدا تعالی صدقه او را مگر آنکه ر
شوهر از و راضی شود و گفت امیر المومنین علیه السلام که شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که میگفت که زنی دور شود
از شوهر خود بظلم حشر میکنند او را در روز قیامت او را با فرعون
و هامان و قارون و میبرند او را در ته دوزخ مگر آنکه توبه کند
و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم میگذشت
بر جماعتی از زنان وایستاد نزد ایشان و گفت ای زنان ندیدم که کم
عقل تر و کم دین تر از شما که ببرند عقلهای خداوندان عقل را بدستی
که دیدم که بیشتر شما از اهل دوزخند در روز قیامت پس طلب نزدیکی
کنید بخدا تعالی آنقدر را که میتوانید گفت زنی از آن زنان گفت که یا
رسول الله کدامست نقصان دین و عقل ما آنحضرت گفت که اما نقصان

تمام مال خود را در راه خدا قبول نکند
خدا تعالی صدقه او را مگر آنکه ۲
از و راضی شود

دین شما آنست که حایض میشوید در آن وقت نماز نمیکنید و روزه
نمیدارید و اما نقصان عقل شما از گواهی شما معلوم میشود بدرستی که
گواهی زن نصف گواهی مرد است و نیز گفت آنحضرت باصحاب که آیا
خبر دهم شما را به بدترین زنان اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت
که بدترین زنان آنست که ذلیل و خوار باشد در میان اهل خود و بزرگی
کند با شوهر خود و خود را عزیز دارد نزد شوهر و فرزند نشود او را
و کینه داشته باشد و پرهیزکاری نکند از چیزی بد و اظهار زینت
کند هرگاه شوهر از و دور باشد و پرهیزکاری نماید در پیش شوهر
خود و سخن شوهر نشنود و اطاعت نکند و هرگاه شوهر خلوت کند با او
نافرمانی کند همچنانکه چارپای بدفعل نمیگذارد که سوار شود و قبول
نکند عذر او را و عفو نکند گناه شوهر را و روایتست که رسول خدا ص
روزی ایستاده بود و خطبه میخواند پس گفت ای مردمان حذر
کنید از نکاح کردن زنی که بد اصل باشد و اگرچه خوش شکل باشد و
و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که زن بدشکل که فرزندی
زاییده باشد نزد من بهتر است از زن خوش شکل که فرزند نشود او را
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که نکاح کند مردی
زنی را بجهت مال یا جمال او هیچکدام روزی آن مرد نشود و اگر نکاح کند
آن زن را بجهت دین او خدا تعالی روزی او کند مال و جمال آن زن را
و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در دعای خود

از شوهر خود ۲

یکفت اللهم انی اعوذ بك من ولد یکون علیّ ربّا و من مال
یکون علیّ ضیاعًا و من زوجة تشیبنی قبل وان مشیبی یعنی بارخدا
پناه میجویم بتو از فرزندی که نافرمانی کند واز مالی که نزمن با قی
ماند جون سرا و باغ و دکان و مانند آن واز زنی که پیر کرداند
مرا پیش ازانکه وقت پیری برسد و منقولست از کتاب نوادر الحکمة
که کفت حسین بن یسار که نوشتم بابی الحسن علیه السلام که مرا خویشا
وندیست و میخواهد که من اورا نکاح کنم واو بدخلق است آنحضرت
کفت که نکاح مکن اورا اکر بدخلق باشد و منقولست از کتاب روضة
الواعظین که کفت امام جعفر صادق علیه السلام که شکایت کرد
مردی نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام که از زنان خود آنحضرت
برخواست و خطبه خواند پس کفت ای جماعت مردمان فرمان برداری
زنان مکنید بهیچ حال وایمن مباشید ازیشان بر مال خود و وامکذارید
بایشان تدبیر عیالان خود را بدرستی که اکر زنان را بکذارید بآنچه
اراده ایشانست کارهای بد میکنند و در مهلکه می افتند و در ملک تند
از حکم شوهر بدرستی که ما می یابیم که ورع و پرهیزکاری نیست در
ایشان وقتی که محتاج شد نه بچیزی و صبر نیست ایشانرا در وقت
شهوت و کردنکشی و نافرمانی لازم ایشانست و اکرچه پیر باشند
و عجب و تکبر می باشد ایشانرا و اکرچه عاجز شوند شکر نمیکنند
نعمت بسیار را هرکاه اندك چیزی ازیشان منع کرده شود و فرا موش

میکنند

میکنند بدیرا ونکاه میدارند درخاطر و بسیار بهتان میکنند
وکار شیطان میکنند پس نیکوئی کنید بایشان بهر حال و بزبان
خوش بایشان سخن کنید امید هست که افعال کردار خود را نیکو
سازند

فصل سیم در بیان مانند بودن زن و شوهر در اسلام و غیر آن و نکتهٔ چند در نکاح

کفت حسن بن یسار که نوشتم
بابی جعفر علیه السلام بجهة مردی که دختر مرا میخواست که نکاح
کند آنحضرت نوشت بمن که انکسی که میخواهد که دختر شمارا نکاح
کند پس اکر خشنود ید از دین و امانت او را نکاح کنید با و هرکه باشد
و اکر نکاح نکنید فتنه و فساد میشود و کفت رسول خدا صلی الله
علیه واله وسلم که من آدمی مثل شمایم زن میخواهم از قوم شما
و زن میدهم بشما مکر فاطمه را بدرستی که نکاح او از آسمان فرود
آمد و روایتیست که نظر کرد رسول خدا صلی الله علیه واله و
سلم بفرزندان علی و جعفر صادق علیه السلام که مومنان مثل
یکدکرند یعنی در نکاح ایمان مرد و زن وکافیست و نیز کفت مردی
که پرهیزکار باشد و قادر باشد بر نفقه باو زن میتواند داد و کفت
حلبی که امام رضا علیه السلام فرمود که نکاح مکنید زنی را که
باشکارا زنا کند و نکاح مکنید بمردی که آشکار زنا کند مکر انکه بدانید
که ایشان توبه کرده باشند و کفت زراره که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که مراد از مرد و زن زنا کننده ~~را در میتوان کرد مرد~~

امثال ۲

بکفت که دختران ما از پسران ما است و پسران ما از دختران ما است و کفت امام جعفر

که واقعست در قول خدای تعالی الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً
وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وانکسی که اجرای حد زنا
برو کرده باشند یا مشهور باشد بزنا کردن سزاوار نیست کسی را
که باو نکاح کند مگر انکه معلوم شود که توبه کرده است و
معنی اینست که مرد زناکننده نکاح نمیکند مگر زن زناکننده
یا کافره را و زن زناکننده را در نمیتوان آورد مگر مرد زناکننده
یا کافر زیراکه غالب آنست که مایل بزنا از عفت مجتنب خواهد
بود وجنیت علت ضم است ومشاکلت سبب الفت ومنقولست
از کتاب تهذیب الاحکام که امد مردی نزد امام حسن علیه السلام
ومشورت کرد با آنحضرت بجهة نکاح کردن دختر خود آنحضرت
گفت که نکاح کن دختر خود را بمرد پرهیزکاری بدرستی که اگر دوست
دارد دختر ترا اکرام وتعظیم میکند او را واگر دوست ندارد ظلم
نیز نمیکند برو وگفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
که انکسی که نکاح کند دختر نیکوکاری خود را بمرد فاسقی پس قطع
خویشاوندی کرده میان خود ودختر خود ونیز گفت که انکسی که
شراب بخورد بعد از انکه خدای تعالی تصریح کرد بحرام بودن آن
سزاوار نیست که باو نکاح کنند اگر از کسی زن بخواهد وروایتست
که نوشت علی بن اسباط بابی جعفر علیه السلام بجهة دختران خود
که مثل خود نمی یابم که دختران خود را بایشان نکاح کنم وآنحضرت در جواب

ونوشت که نظر مکن درین بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه فرموده که
وقتی که بیاید نزد شما کسی که خشنود باشید از خلق او وطلب نکاح کند
از شما پس نکاح کنید باو واگر نکاح نکنید فتنه وفساد میشود وروایتست
که پرسید ابو جعفر علیه السلام که ابی بصیر که وقتی که نکاح میکنید
چکار میکنید ابو بصیر گفت که نمیدانم چکار میباید کرد آنحضرت گفت هرگاه
قصد نکاح کنید باید که دو رکعت نماز بگذارید وحمد بگوئید خدای
تعالی را وبگوئید اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ اللَّهُمَّ فَقَدِّرْ لِي
مِنَ النِّسَاءِ أَحْسَنَهُنَّ خُلْقاً وَخَلْقاً وَأَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي
نَفْسِهَا وَمَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وأعظمهن بركة وقيض لي منها طيبا
تجعله لي خلفا صالحا في حياتي وبعد موتي وروایتست که چون حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم خواست که خدیجه را از پدر او و
بعضی گفته اند که از عم او وبعد از ان این خطبه خواند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
جَعَلَنَا مِنْ زَرْعِ إِبْرَاهِيمَ وَذُرِّيَّةِ إِسْمَاعِيلَ وَجَعَلَ لَنَا بَيْتاً مَحْجُوباً
وحرما آمنا يجبى اليه ثمرات كل شيء وجعلنا الحكام على الناس في بلدنا
نحن فيه ثم ان ابن اخي محمد بن عبد الله بن عبد المطلب لا يوزن برجل
من قريش الا رجح ولا يقاس باحد منهم الا عظم عنه وان كان في المال
قل فان المال رزق حائل وظل زائل وله في خديجة رغبة والصداق
ما سالتم عاجله وآجله من مالي وله خطر عظيم وشان رفيع ولسان
شافع جسيم پس نکاح کرد خدیجه را برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه

واعفهن

الذي

ولسانه

والّه وسلم وآنحضرت روز دیگر بخدیجه نزدیکی کرد ومعنی خطبه
ت که سپاس وستایش مر خدایرا که کردانید مارا از فرزندان
م وذریه اسماعیل وآفرید برای ما خانهٔ کعبه را که مردمان
بکنند وآفرید برای ما حرمی که جمع کرده شده است باو منافع
دانیده است مارا بر مردمان در شهری که در وی باشیم پس
رادر من محمد بن عبد الله بن عبد المطلب را نسبت بهر مردی از
ده شود ترجیح دارد بر انکس وقیاس بهریك از قریش که کرده
بزرکتر است از انکس واکرچه مال او کم است بدرستی که مال
که زود برطرف میشود وسایه ایست که زایل میشود ومحمد را رغبت
ومیلیست بخدیجه وخدیجه را میلی است باو وکابین هرچه شما میخواهید
الحال وبعد از این از مال خود میدهم ومحمد را بزرکی وجاه عظیم وشانی
رفیع وزبان شفاعت کننده بزرکست وروایتست که چون امام رضا
علیه السلام میخواست که نکاح کند دختر مامون را برای خود این خطبه
خواند الحمد لله متمم النعمة برحمته والهادي الى شكره وصلى الله على
محمد خير خلقه الذي جمع فيه من الفضل ما فرقه في الرسل قبله
وجعل تراثه الى من خصه بخلافته وسلم تسليما وهذا امير المومنين
زوجني ابنته على ما فرض الله تعالى للمسلمات على المؤمنين من امساك
بمعروف او تسريح باحسان وبذلت لها من الصداق ما بذله رسول
الله صلى الله عليه واله وسلم لازواجه وهو اثنا عشرة اوقية ونش

على تمام الخمسمائة وقد نحلتها من مالي مائة الف درهم زوجتني
يا امير المومنين قال بلى قال قبلت ورضيت ومعني خطبه اينست که
سپاس وستایش مر خدایرا که تمام کرداننده نعمتها است بفضل ورحمت
خود وراه نماینده است بسوی شکر خود بجود وبخشش ودرود بر
محمد باد که بهترین خلق خداست که جمع کرده است خدای تعالی در وی جمیع
فضیلتها را که پراکنده کرده است در پیغمبران که پیش از وی بوده
اند وکردانیده است میراث او را حق انکسی که خاص کردانیده است
انکس را بخلافت او وبعد از ان حضرت امام رضا علیه السلام که مامون
نکاح کرد دختر خود را بمن بران جیزی که واجب کردانیده است خدای تعالی
بر مردان مومن که بزنان مسلمان چنان سلوک کنند که آن نیکو نکاح
داشتن است یا طلاق دادن به نیکوئی وکردم کابین این آنچه داد رسول
خدا صلى الله عليه واله وسلم بزنان خود دوازده اوقیه وبیست
درهمست که تمام آن پانصد درهم میشود واوقیه چهل درهم است
ونش بیست درهمست ودادم از مال خود صد هزار درهم آیا نکاح میکنی
دختر خود را بمن مامون کفت بلی آنحضرت کفت قبول کردم وراضی شدم
وسنت است که در وقت نکاح کردن خطبه که از امام رضا علیه السلام
منقولست بخوانند بجهة یمن وتبرک وبجهة انکه این خطبه جامع است آنچیزیرا
که در خطبه میباید خواند وآن خطبه اینست الحمد لله الذي حمد في الكتاب
نفسه وافتتح بالحمد كتابه وجعل الحمد اول محل نعمته وآخر جزاء اهل طاعته

وصلی الله علی محمد خیر البریة وعلی اله ائمة الرحمة ومعادن الحکمة
والحمد لله کان فی بیانه الصادق وکتابه الناطق ان من احق الاسباب
بالصلوة واولی الامور بالتقدمة سببا وحبا ونهرا وکان ربک
قدیرا وقال وانکحوا الایامی والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا
فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم ولو لم یکن فی المناکحة
والمصاهرة آیة محکمة منزلة ولا سنة متبعة لکان ما جعل الله
فیه من بر القریب وتألف البعید ما رغب فیه العاقل اللبیب واسارع
الیه الموفق المصیب فاولی الناس بالله من اتبع امره وانفذ حکمه و
امضی قضائه ورجا جزاءه ونحن نسأل الله ان یعزم لنا ولکم علی اوفق
الامور ثم ان فلان بن فلان قد عرفتم مروته وعقله وصلاحه و
نیته وفضله وقد احب شرکتکم وخطب کریمتکم فلانة وبذل لها
من الصداق کذا وشفعوا شافعکم وانکحوا خاطبکم فی یسر غیر عسر اقول
قولی هذا واستغفر الله لی ولکم وترجمه خطبه اینست که سپاس و
ستایش مر خدایرا که حمد گفت در کتاب خود نفس خود در اول کتاب خود
حمد آورد و گردانید حمد را در اول محل نعمت خود و آخر جزاء اهل
طاعت خود و درود بر محمد باد که بهترین خلایق است و بر آل او که ائمه
رحمت و معادن حکمت اند و سپاس و ستایش مر خدایرا که واقعست
در خبر صادق و کتاب ناطق او چیزی که دلالت میکند که از جمله
سزاوارترین اسبابی که موجب پیوستن با کسی شود و بهترین امور

بر پیش داشتن سببی است که موجب نسبت شود و امریست که از عقب او
توانگری حاصل شود پس گفت خدای تعالی وهو الذی خلق من الماء بشرا
فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا یعنی خدای تعالی است که آفرید از آب
حضرت آدم را یعنی آبی که طینت آدم را بآن تخمیر کرد یا خلق کرد آدمی را
از آب منی پس گردانید او را خداوند نسب و پیوند یعنی آدمی را دو قسم
کرد ذکور که نسبت نسب بدیشان بود و اناث که پیوند با ایشان تو
گیرد و هست آفریدگار تو که قادر و توانا بر همه چیز و نیز گفت حق تعالی
وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا
فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم یعنی بنکاح در آرید
بی زنان و بی شوهران را یعنی مردی که زن و زنی که بی شوهر است
بعقد کسی که در آرید و دیگر نکاح کنید نیکان و تمارا از بندگان و کنیزان خود
اگر باشند ایشان درویش و تنگدست غنی گرداند خدای تعالی ایشانرا
از فضل و کرم خود و خدای تعالی را بخشایشی وسیع و بسیار است
و داناست باستحقاق فقرا و نبی بود در نکاح کردن و دامادی
آیتی از کلام خدای تعالی و سنت پیغمبر هر آینه عاقلی که توفیق یافته است براه
راست رغبت و شتاب میکرد در چیزی که گردانیده است خدای تعالی
در و نیکوئی با خویشان و الفت با بیگانگان و آنچیز نکاح است پس بهترین
مردمان نزد خدای تعالی آنکسی که پی روی امر او نماید و اجرا و امضای
حکم او نماید و امید وار باشد بجزای او و ما سوال میکنیم از خدای تعالی

ندارد م

اکرم

که اراده کند برای ما و شما بهترین چیزها را پس فلان بن فلان یعنی
نام آن مرد که برای او نکاح میکند و نام پدر او بکوید کسی است که دانسته
آید شما را مروت و عقل و صلاح و نیت و فضل او را بدرستی که دوست داشته
که شریك شما باشد و خواسته است که نکاح کند زنی را از قوم شما
فلانه که بزرکوار یعنی زنی که او را نکاح میکند بکوید و کرده است
کابین او این مبلغ را و مبلغ را بکوید پس قبول شفقت کنید از شما و نکاح
کنید بکسی که طلب نکاح کرده از شما و میکویم آنچه مذکور شد و طلب
آمرزش میکنم از خدای تعالی برای خود و برای شما و روایتست که در وقتی که
امام محمد تقی علیه السلام دختر مامون را نکاح میکرد برای خود این
خطبه بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخْلَاصًا
لِوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَعَلَى الْاَصْفِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ
اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَى الْاَنَامِ مِنْ عِبَادِكُمْ اَنْ اَغْنَاهُمْ
بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَانْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ
مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ ثم ان محمد بن علی بن موسی یخطب ام الفضل ابنة عبد الله المامون
وقد بذل لها من الصداق مهر جدته فاطمة بنت محمد رسول الله صلی الله
علیه واله وهو خمسمائة درهم جیادا فهل زوجته یا امیر المؤمنین
بها علی الصداق المذکور فهل قبلت النکاح قال ابو جعفر علیه السلام
نعم قبلت النکاح ورضیت به ترجمه خطبه اینست که سپاس وستایش مر خدای تعالی

را

را ازجهت اقرار کردن بنعمت او میکویم که نیست معبودی بحق که
سزاوار پرستش باشد مکر خدای تعالی ازجهت اعتقاد بوحدانیت و
یکانکی او و درود بر محمد باد که پیشوا و بهترین خلقانست و بر
عترت او که برکزیدها خدایند اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول
و آل او بدرستی که از فضل خدای تعالی بر خلقانست که غنی کردانیده
است ایشان را بسبب حلال از حرام پس کفته است وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى
مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يغنهم الله من فضله والله وَاسِعٌ عَلِيمٌ و ترجمه این آیه در خطبه
سابق مذکور شد پس محمد بن علی بن موسی نکاح میکند ام الفضل را
که دختر عبد الله مامونست و کابین او را کرده است مقدار کابین
جده خود که فاطمه بنت محمد است کابین حضرت فاطمه پانصد درهم
است خالص بود آیا نکاح میکنی ای مامون دختر خود را باو باین
کابین مامون کفت بلی نکاح کردم یا ابا جعفر دختر خود ام الفضل را
بکابین مذکور آیا تو قبول میکنی نکاح را ابو جعفر کفت بلی قبول
کردم و راضی شدم باین نکاح و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنکسی که نکاح کند زنی را و در خاطر او نباشد که کابین آن زن
بدهد پس او نزد خدای تعالی زنا کننده است و کفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که سزاوارترین شرطهاست که وفا کنند بان چیزیست
که حلال شود بان جماع کردن و سنت محمدی در کابین پانصد درهم است

پس انکسی که زیاده کند بر سنت رد کرده باشد بسنت پس اکر بدهد بزن از
پانصد درهم یکدرهم یا زیاده وبعد ازان دخول کند بان زن نمیرسد
زنرا که بعد ازان چیزی طلب نماید بدرستی که انچه کرفته است از شوهر پیش
ازانکه دخول کند شوهر با وهمان حاصل اوست وهرچیزی که کردانیده
است زن اورا از کابین خود پس انچه دینست بر شوهر در حال حیات
وبعد از مردن شوهر یا زن وسزاوار انست که وارثان هم طلب نکنند
چیزیرا که زن طلب نکرده است در حال حیوة خود ونکردانیده است
انرا دین بر شوهر خود وهرچیزی که شوهر بزن داده است پیش
ازانکه دخول کند بزن وزن راضی شده است بان کابین زن انست
وکردیده است کابین سنت پانصد درهم بجهة انکه خدای تعالی واجب
کردانیده است برخود که هر مومنی که صد بار بکوید الله اکبر
وصد بار سبحان الله وصد بار لا اله الا الله وصد بار الحمد لله
وصد بار صلوات بفرستد بر پیغمبر وال و بعد ازان اللهم زوجنی
من الحور العین تزویج کند خدای تعالی با وحوری از حوریان بهشت
وبکردانید این تکبیر وتسبیح وتهلیل وتحمید وصلواترا کابین انحوریه
عین ووقتی که نکاح کند مردی دختر خودرا نیکو نیست که از کابین
دختر خود بخورد ومنقولست از امالی سید ابی طالب که کفت زین
العابدین علیه السلم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
در محلی که نکاح کرد حضرت فاطمهرا با امیر المومنین علی علیه السلم

این خطبه خواند الحمد لله المحمود لنعمته المعبود لقدرته المطاع لسلطانه
المرهوب من عذابه المرغوب الیه فیما عنده الینا فذ امره فی السما
وارضه ثم ان الله عز وجل امرنی ان ازوج فاطمه من علی فقد زوجها
علی اربعمائه مثقال فضة ان رضی بذلک علی ومعنی خطبه اینست
سپاس وستایش مر خدایرا که حمد کفته شده است از جهة قدرتش
واطاعت کرده شده است از عذاب او ورغبت کرده شده است در ان
چیزی که نزد اوست وجاریست امر وحکم او در زمین واسمان پس
بدرستی که خدای تعالی فرموده مرا که نکاح کنم فاطمهرا بعلی ومن
نکاح کرده ام اورا بچهارصد مثقال نقره اکر راضی شود باین علی
وبعد از خطبه خواندن طبق خرما طلبید وکفت که غارت کنید طبق
خرمارا و در غارت کردن امیر المومنین در امد وحضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم کفت یا علی ایا دانستی که خدای تعالی فرموده مرا که نکاح
کنم فاطمهرا بتو ونکاح کردم بچهارصد مثقال نقره اکر راضی شوی امیر
المومنین علی علیه السلم کفت راضی شدم باین از خدا ورسول او وحضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم کفت جمع کند خدای تعالی پریشانی شما
ونیکبخت کرداند شمارا وحاصل کرداند از شما فرزند بسیاری و
پاکیزه وکفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که نکاح کردم
ضباعه بنت زبیر بن عبد المطلب را بمقداد تا انکه بدانند که شرف
شرافتها شرف اسلام است وکفت جابر انصاری که چون نکاح کردم

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم حضرت فاطمه را بامیر المومنین
علی علیه السلم آمد بجمع مردمان از قریش نزد حضرت رسالت
پناهی وگفتند بآنحضرت که تو نکاح کردی حضرت فاطمه را بامیر
المومنین باندک کابینی آنحضرت گفت که من نکاح نکردم بلکه خدای تعالی
نکاح کرد در شب معراج نزد سدرة المنتهی ووحی کرد خدای تعالی
بسدرة المنتهی که نثار کن سدرة المنتهی نثار کرد در وجواهر وحور
عین وایشان بهدیه دادن آن در وجواهر را وتفاخر میکردند
بآن ومیگفتند این نثار فاطمه بنت محمد است چون شب زفاف شد آنحضرت
فرمود که استر سفید آوردند ودوته کرد قطیفه را بر بالای آن انداخت
وگفت بحضرت فاطمه که سوار شو وفرمود بسلمان که استر را بکشد
وآنحضرت میراند ودرمیان راه آنحضرت آوازی شنید متوجه شد
دید که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته ومیکائیل را دیدم با هفتاد هزار
فرشته آمدند آنحضرت بایشان گفت که بچکار فرود آمدید بزمین
ایشان گفتند که آمدیم که حضرت فاطمه را نزد امیر المومنین علی علیه
السلم بریم وجبرئیل ومیکائیل وفرشتها وحضرت پیغمبر همه تکبیر میگفتند
در راه پس تکبیر گفتند در عروسی از آن شب ماند درمیان مردم
وسنت شد وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که زفاف کنید

در شب وطعام بدهید وقت چاشت **فصل چهارم**
در آداب زفاف ومباشرت کردن وغیر آنها گفت امام جعفر صادق

علیه

استر ۲

علیه السلم ببعضی اصحاب خود که هرگاه در شب عروسی بخانه خود
بیاری روی اورا بقبله کن دست بر پیشانی وی بنه وبگو که اللهم بامانتک
اخذتها وبکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله
مبارکا سویا ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ودر
روایت دیگر واقعست که این دعا بخواند اللهم علی کتابک تزوجتها
وفی امانتک اخذتها تا آخر دعائی که گذشت بخواند ومنقولست از
کتاب نجات که ائمه علیهم السلم فرمودند که هرگاه زفاف نزدیک
شود سنتست که امر کند زن را که دو رکعت نماز بگذارد وتو بر وضو
باشی وقتی که زن بیاید نزد تو سنتست که تو نیز دو رکعت نماز
بگذاری وحمد بگوی خدا را وصلوات بر نبی وآل او بفرستی وبگوی
که اللهم ارزقنی الفها وودها ورضاها لی وارضنی بها واجمع بیننا
باحسن اجتماع وایسر ایتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام وگفت
امام محمد باقر علیه السلم وقتی که خواهی که مباشرت کنی بگو که اللهم
ارزقنی ولدا واجعله نقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان
واجعل عاقبته علی خیر وبسم الله بگو نزد جماع کردن وگفت ابو
سعید خدری که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وصیت
کرد حضرت امیر المومنین را وگفت یا علی هرگاه در آید عروس بخانه وقتی
که بنشیند بفرما که بیرون کنند موزه اورا وبشویند پاهای اورا وآن
آب را برابر در سرای خود بریز تا نهایت سرا بدرستی که هرگاه چنین

سنت ۲

کنی بیرون می برد خدا تعالی از سرای تو هفتاد هزار نوع درویشی را
و داخل میکرداند هفتاد نوع برکت زاد در سرای تو و فرو میفرستد
بر تو هفتاد نوع رحمت را و آن رحمت میکرد بر بالای سر عرش تا انکه
فرود آید و برسد برکت آن رحمت در هر کنجی از خانهٔ تو و ایمن میشود
عروس از دیوانکی و جذام و برص مادام که درین خانه است و منع
کن عروس را دران هفته که آورده و را نجانه خود از خوردن چهار
چیز شیر و سرکه و کشنیز تر و سیب ترش پس کفت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلم که یا رسول الله از جهت چه منع کنیم از خوردن این
چهار چیز موجب این میشود که آن زن از فرزند نشود و حصیر در کنج
خانه بهتر است از زنی که نزاید پس کفت حضرت امیر المومنین علی علیه
السلم که یا رسول الله چونست که منع میکنی از سرکه خوردن آنحضرت
فرمود که بجهت انکه وقتی که زن حایض میشود در حالت سرکه خوردن
بتمامی پاک نمیشود و از حیض و کشنیز تر پراکنده میکند خون حیض را
در شکم و دشوار میشود بران زن و بعد از ان حضرت فرموده که
یا علی جماع مکن بزن خود در اول ماه و درمیان ماه و آخر ماه بدرستی
که دیوانکی و جذام و جن برو راه می یابد بآن زن و فرزند او یا علی
مجامعت مکن بزن خود بعد از پیشین بدرستی که اکر دران وقت فرزندی
حاصل شود احول خواهد بود و شیطان خوشحال میشود که آدمی احول
شود یا علی سخن مکن در وقت جماع کردن بدرستی که اکر دران

وقت

فرزندی حاصل شود ایمن نیست از انکه کنک شود و باید که نظر
نکند کسی بفرج زن که کوری می آورد فرزند را یا علی جماع مکن بزن
خود بشهوت زن دیکری بدرستی که می ترسم که آتش فرود آید از
آسمان و هر دو را بسوزاند یا علی بجامعت مکن بزن خود مکر انکه
با تو خرقه باشد و با زن نیز خرقه باشد و پاک مکنید هر دو خود را
بیک خرقه بدرستی که این کار کردن سبب دشمنی میشود میان زن
و شوهر و میان ایشان طلاق و جدائی واقع میشود یا علی جماع
مکن بزن خود ایستاده بدرستی که این کار خرانست و اکر فرزندی
حاصل شود بول خواهد کرد در خواب همچون خر هر جا که رسید بول میکند
یا علی جماع مکن بزن خود در شب عید رمضان بدرستی که فرزندی که حاصل
شود شش انکشت خواهد بود یا چهار انکشت یا علی جماع مکن
بزن خود در زیر درخت میوه دار بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود
جلاد خواهد بود یا بسیار کشنده یا دانا بر احوال مردم یا علی جماع مکن
بر آفتاب و روشنی روز مکر انکه برده باشد و بپوشد شما را از
آفتاب بدرستی که اکر فرزندی حاصل شود همیشه بد و بیشی خواهد بود
تا بمیرد یا علی جماع مکن بزن درمیان اذان و اقامت بدرستی که اکر فرزندی حاصل
شود بسیار حریص خواهد بود بر خون ریختن یا علی وقتی که زن آبستن
شود جماع مکن با او مکر انکه با وضو باشی بدرستی که آن فرزند کور
دل و بخیل بود یا علی جماع مکن بزن خود در نصف شعبان بدرستی که اکر فرزندی

حاصل شود شوم رو خواهد بود یا علی جماع مکن وقتی که دو روز
مانده باشد از شعبان تا آخر ماه بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود تمغاچی یا یاری کننده ظالمان وهلاک کننده مردمان بیک خواهد
بود یا علی جماع مکن بزن خود در پشت بام خانه خود بدرستی که
اگر فرزندی حاصل شود منافق وریاکار واهل بدعت خواهد بود
یا علی وقتی که بسفر روی جماع مکن بزن خود دران شب که بسفر روی
بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود مال خود را صرف خواهد کرد در غیر
حق وخواند رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم این آیه را که
إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ یعنی بدرستی که انها که اسراف
میکنند برادران شیطانند یعنی مثل ایشانند در شرارت واتلاف
مال یا علی جماع مکن وقتی که سه روز راه سفر کنی بدرستی که اگر
فرزندی حاصل شود حافظ قران خواهد بود وراضی خواهد بود بانچه
خدای تعالی روزی او کرده است یا علی جماع کنی بزن خود در شب سه شنبه
و فرزندی بدهد بدرستی که شهادت روزی او خواهد شد
بعد از انکه ایمان آورده باشد بخدا ورسول او وعذاب نکند
خدای تعالی او را با کافران ودهن او خوشبو خواهد بود ورحیم دل
وبخشنده خواهد بود از غیبت ودروغ وتهمت یا علی اگر جماع کنی
در شب پنجشنبه وفرزندی که حاصل شود بدرستی که آن فرزند حاکمی از
حاکمان یا عالمی از عالمان خواهد بود واگر جماع کنی در روز پنجشنبه نزد

زوال

زوال آفتاب وفرزندی که حاصل شود شیطان نزدیک او نیاید تا پیر
شود وخوش فهم باشد وروزی کند خدای تعالی او را سلامت در دین
ودنیا یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه وفرزندی که حاصل شود بدرستی که
فصیح زبان وتیز گفتار خواهد بود واگر جماع کنی در روز جمعه بعد از عصر
وفرزندی حاصل شود بدرستی که مشهور ومعروف خواهد بود در علم
واگر در شب جمعه بعد از نماز خفتن جماع کنی امید هست آن زن را فرزندی که
از ابدال باشد انشاء الله تعالی یا علی جماع مکن در اول ساعت از شب بدرستی که
که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نخواهد بود از انکه ساحر باشد واختیار کند دنیا را
بر آخرت یا علی یاد گیر این وصیت مرا همچنین که من یاد گرفتم از جبرئیل ع
وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که جماع مکن در اول ماه ومیان
ماه وآخر ماه بدرستی که هرگاه چنین کند وفرزندی حاصل شود
آن فرزند پیش از ولادت از شکم مادر بیفتد واگر در وقت ولادت متولد
شود آن فرزند دیوانه شود آیا نمی بینی که دیوانها در اول ماه ومیان ماه
وآخر ماه دیوانگی ایشان زیاده میشود ونیز گفت مکروه هست جماع
کردن در وقت غروب آفتاب وطلوع آفتاب ونیز گفت جماع مکنید
در کشتی ورو بقبله وپشت بقبله وگفت رسول خدا صلی الله علیه
وسلم که مکروه هست جماع کردن پیش از غسل کردن واگر جماع کند پیش
از غسل فرزندی که حاصل شود دیوانه باشد باید که ملامت نکند
مگر خود را نیز گفت که انکسی میخواهد که عمر او دراز شود وبسیار بماند

در دنیا باید که اول صباح چیزی بخورد و نعلین خوب بپوشد
و کم قرض کند و بزنان کم جماع کند و گفت امام جعفر صادق علیه
السلام که هرگاه جماع کنید و پیش از انکه فارغ شوید از جماع بگذارید
زن او دست از جماع باز دارید پس اگر آن زن زنگی رسد بلا او و هرگاه که خواهید
که جماع کنید با اهل خود باید که پیش از ان با یکدیگر بازی کنید بدرستی
که برای جماع کردن بهتر است و نیز گفت که لذت زن زیاده است بر لذت
مرد در جماع کردن نود و نه مرتبه ولیکن خدا تعالی بزنان حیا
داده است بجهت آن خود را ضبط میکنند و نگاه میدارند و گفت رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم که هرگاه زنی از جای خود برخیزد باید که مردی
بجای او بنشیند تا انکه سرد شود انجا و روایتست که حضرت پیغمبر
علیه واله وسلم وصیت کرد امیر المؤمنین علی علیه السلام را و
گفت یا علی سنتست طعام دادن در پنج وقت در وقت عروسی و در وقت ولادت
فرزند و در وقت ختنه کردن و در سرا خریدن و از حج آمدن و گفت
انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چون نکاح میکرد حفصه
را یا بعضی دیگر از زنان خود را طعامی داد برای زفاف و طعام خرما و نان
بود و نیز گفت که رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و آنحضرت
طعام می داد بجهت عروسی و دران نه نان بود و نه پارچه گوشت گفتم کسی
آن طعام چه چیز بود انس گفت که قطعها اوردند و انداختند و بعد از ان
خرما و روغن آوردند و خوردند و حال انکه رسول خدا خرمای

بزن خود
خواهد کرد بان
زنگی

بسیار

بسیار نداشت و گفت اهل ابو قلابه که رسول خدا صلی الله علیه
هرگاه نکاح میکرد دختر بکری یک هفته نزد او میبود و هرگاه بنکاح
در می آورد زنی را که بکر نبود سه روز نزد او میبود و منقولست از
کتاب طب الائمه که گفت مردی بابی جعفر علیه السلام که آیا مکروهست
جماع کردن در وقتی از اوقات و اگرچه حلال باشد آنحضرت گفت بلی
مکروهست جماع کردن از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب
و از غروب آفتاب تا غایب شدن شفق و در روزی که آفتاب بگیرد و
در شبی که ماه بگیرد و در روز و شبی بادهای سرخ وزد و سیاه
بوزد و در روز و شبی که زلزله باشد و روایتست که یک شبی ماه
گرفته بود و حضرت رسالت پناه نزدیکی از زنان خود بود آنحضرت
مجامعت نکرد بان زن دران شب چون صباح شد آن زن گفت یا
رسول الله آیا کلفتی داشتی بمن که امشب نزد من مجامعت نکردی آنحضرت
گفت نی ولیکن علامتی ظاهر شد کراهتی داشتم که لذت گیرم درین
شب و حال انکه تغییر داده است خدای تعالی چند قوم را بانچه کرده
اند چنانچه در کتاب خود گفته است وَإِنْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا
سَحَابٌ مَرْكُومٌ فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ یعنی
اگر ببینند پاره از آسمان را فرود آینده بر سر ایشان گویند از بسیاری
عناد و تکبر که این نه قطعه از آسمانست بلکه این ابریست در هم بسته
و بر هم چسپیده پس ای محمد دست بدار از ایشان و حرب مکن با ایشان

تا وقتی که ببینند معاینهٔ آنروز را که دران روز هلاک شوند از نفخهٔ
اولی و روایتست که شخصی پرسید از امام جعفر صادق علیه السلم که
آیا جایزاست که نظر کند بندهٔ بموی زنی که مالک او باشد آنحضرت کفت بلی
نظر بمو و ساق او میتوان کردن و نیز کفت که باکی نیست که نظر کند مرد بموی
زن خود و آن زن برهنه باشد و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که
سنت است مرد را که جماع کند بشب اول ماه رمضان بجهت آنکه خدای تعالی
فرموده است که اُحِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ اِلَی نِسَائِکُمْ یعنی
حلالست شما را در شب و روز جماع کردن بزنان خود **فصل پنجم**
در بیان حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر **در بیان** حق شوهر
بر زن کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که انکسی صبر کند بر کج
خلقی زن خود خدای تعالی باو آنمقدار ثواب بدهد که بحضرت داود
داده است بجهت بلای که باو رسیده بود و آن زنی که صبر کند بر کج خلقی
شوهر خود خدای تعالی باو بدهد مثل ثواب آسیه بنت مزاحم که زن
فرعون علیه اللعنه بود و آن زنی که صبر کند روایت کرده است حسن
بن محبوب از مالک بن عطیه و او روایت کرده است از محمد بن بن باقر
مسلم که کفت که امام محمد
که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و کفت یا رسول الله
چیست حق شوهر بر زن آنحضرت فرمود که حق شوهر بر زن آنست که
فرمان برداری شوهر خود کند و مخالفت شوهر خود نکند و چیزی از
خانهٔ شوهر بکسی ندهد مکر برخصت او و روزهٔ سنتی ندارد مکر برخصت
او

شتهای آسمان و زمین
و فرشتهای ...

او و اکرچه رخصت شوهر بیرون رود از خانه لعنت میکنند او را فرشتهای
غضب و رحمت تا آنکه باز کردد بخانهٔ خود آن زن کفت یا رسول الله کیست
که حق بیشتر باشد بر زن آنحضرت کفت که شوهر او باز آن زن کفت که آیا
آن مقدار حقی که شوهر را بر منست مرا هم بر او هست آنحضرت کفت نی
و صد و یک آن هم نیست پس آن زن کفت بحق انکسی که فرستاد ترا بحق
که هرکز شوهر نخواهم کرد و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم
که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را بزبان قبول نمیکند خدای تعالی توبه و عمل
و عمل نیک او را تا آنکه راضی سازد شوهر خود را و اکرچه روز روزه
دارد و شب عبادت کند و بنده را آزاد کند و اسبهای نیکو بمردم
بدهد که سوار شوند و جهاد کنند و با وجود این کارها چون ایذای
شوهر کند اول کسی که بدوزخ خواهد رفت او خواهد بود و همچنین حال
مرد اکر ظلم کند بر زن خود و نیز کفت هر زنی که مدارا نکند بر شوهر
خود و تکلیف کند او را بچیزیکه او قادر نباشد بران چیز و طاقت نداشته
باشد بران قبول نکند خدای تعالی نیکوئی آن زن را و در روز قیامت
که ملاقات کند با خدای تعالی حق تعالی با او در مقام غضب خواهد بود
و روایتست که نکاح کرد رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم زنی را با مردی
و بعد از آن بعضی چیزها از انمرد در وجود آمد که آن زن کراهت داشت از او
آن زن شکایت کرد نزد حضرت پیغمبر آنحضرت کفت میخواهی که جدا شوی
از شوهر خود و باشی نزد خدای تعالی بدبوی تر از خر مرده و کفت ابو

عبد الله علیه السلم که هیچ زنی نمیتواند که از مال خود بنده آزاد کند
و صدقه بدهد و بنده را مدبر سازد و چیزی بکسی بخشد و نذر
کند مگر باذن شوهر خود اما در حج و زکوة و نیکوئی با پدر و مادر
و بخشش بخویشان حاجت باذن شوهر نیست و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم که حق مرد بر زن آنست که چراغ روشن کند
برای شوهر خود و طعام بپزد و چون شوهر بخانه در آید استقبال
کند او را تا پیش در و بگوید بشوهر که خوش آمدی و بجهة دست
شستن طشت و آفتابه و مندیل پیش او بیارد و آب بر دست او
بریزد و منع نکند شوهر را از نفس خود مگر بجهة علتی و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که قومی آمدند نزد رسول خدا و گفتند
یا رسول الله می بینم که مردمان بعضی سجده میکنند بعضی را آنحضرت
گفت که اگر میفرمودم که کسی سجده کند کسی را میفرمودم که زن سجده
کند شوهر خود را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که اگر زن
یک پستان خود را بپزد و دیگری را کباب کند برای شوهر خود هنوز
ادا نکرده است حق شوهر را و با وجود این اگر نافرمانی کند شوهر خود را
بیک چشم بر هم زدن بیندازد او را در درک اسفل از دوزخ مگر
آنکه توبه کند و باز گردد و نیز گفت که ادا نمیتواند نمود زن حق خدا تعالی
مگر آنکه ادا کند حق شوهر خود را و گفت ابو جعفر علیه السلم که خدا تعالی
واجب گردانید بر مردان و زنان جهاد را اما جهاد مرد آنست که ببخشد

مال و خون خود را و سعی کنند تا آنکه کشته شوند در راه خدا تعالی
و جهاد زن آنست که صبر کند بر ایذای که از شوهر باو برسد و نیز گفت
و نیز گفت که مردی که نجات یافته باشد کمتر است و مراد از تکرار مبالغه
است در کمی و در حدیث دیگر واقع شده است که جهاد زن نیکوئی
کردنست بشوهر خود و نیز گفت که هر زنی که شب برود بگذرد و شوهر
بر و خشمناک باشد بجهة حقی که دارد قبول نیست نماز آن زن تا آنکه
خشنود از و نشود و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم فرمود که هر زنی که از خانه خود بیرون رود بی رخصت شوهر
خود واجب نیست بر شوهر که نفقه بدهد او را تا آنکه باز گردد و نیز
گفت که هر زنی که بوی خوش بکار برد برای غیر شوهر خود قبول نیست نماز
او تا آنکه غسل کند از آن بوی خوش همچنانکه غسل میکند از جنابت و
نیز گفت که هر زنی که برود بغیر منزل شوهر خود بی اذن شوهر
همیشه در لعنت خدا باشد تا باز گردد بخانه خود و نیز گفت که هر
زنی که بگوید بشوهر خود که من هرگز از تو نیکوئی ندیدم باطل
میشود عملهای او و گفت انس که مردی بیرون رفت که جهاد کند و
وصیت کرد بزن خود که از بالاخانه بپائین نیاید تا آمدن او و در
پائین خانه پدر آن زن میبود پس بیمار شد بخانه پدر کس فرستاد آن
زن بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و رخصت طلبید که بعیادت
پدر خود برود و آنحضرت جواب فرستاد نزد آن زن که میباید که بتو

شود شوهر

آن زن و

از خدا یتعالی و فرمان برداری شوهر خود کنی و گفت ابو جعفر علیه السّلم
که مردی از انصاریان در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
بیرون رفت از خانه خود بسفری بجهة بعضی مهمات خود و گفت بزن
خود که از خانهٔ خود بیرون نروی تا آمدن من بعد از آن پدر آن زن
بیمار شد آن زن کسی فرستاد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم و گفت شوهر من بسفری رفته است و فرموده است مرا که
از منزل خود بیرون نروم تا او باز گردد و پدر من بیمار شده است
آیا رخصت میدهی مرا که بعیادت پدر خود بروم آنحضرت گفت نی
در خانهٔ خود بنشین و فرمان برداری شوهر خود کن پس پدر آن زن
فوت شد او کسی باز فرستاد بخدمت آنحضرت و گفت یا رسول الله پدر
من فوت شده است رخصت میفرمائی که بروم و بر و نماز بگذارم
آنحضرت گفت نی بنشین در خانهٔ خود و فرمان برداری شوهر خود
کن پس دفن کردند پدر آن زن را بعد از ان آنحضرت کس فرستاد نزد
آن زن و گفت که خدا یتعالی آمرزید ترا و پدر ترا بجهة آنکه فرمان
برداری شوهر خود کردی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم که بهترین شما آنکسانند که بهتر سلوک کنند با اهل خود و من
از همه کس بهترم با اهل خود

فصل در بیان حق زن

بر شوهر گفت ابو جعفر علیه السّلم که رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم فرمود که وصیت کرد جبرئیل بر غایت احوال زنان تا آنکه

کمان

کمان بردم که سزاوار نیست طلاق دادن زن مگر آنکه عمل قبیح از و
ظاهر شود و نیز گفت ابو جعفر علیه السّلم که آنکسی تحمل کند از زن خود
یک سخن درشت را آزاد کند خدا یتعالی او را از آتش دوزخ البته او را
به بهشت برد و بنویسد برای او دویست هزار حسنه و محو کند از
نامهٔ اعمال او دویست هزار گناه و بلند گرداند مرتبهٔ او را دویست هزار
درجه و بنویسد بعدد هر موئی که در بدن اوست عبادت یکساله
و گفت اسحق بن عمار که پرسیدم ابا عبد الله را از حق زن بر شوهر
آنحضرت گفت حق زن بر شوهر آنست که سیر کند شکم او را و بپوشاند
بدن او را و اگر زن جاهلی کند و نادانی در گذراند از و و پدرستی که
حضرت ابراهیم شکایت کرد نزد خدا یتعالی از بدخلقی سارة خدای
تعالی وحی کرد با براهیم علیه السّلام که زن مثل استخوان پهلوست
اگر راست میکنی او را میشکند و اگر بحال خود میگذاری از و تمتع
و فائده میبری گفت اسحق بن عمار که گفتم بابی عبد الله علیه السّلم
که گفته است این سخن را آنحضرت در غضب شد و گفت بحق خدا که
این سخن رسول خداست و نیز گفت اسحق بن عمار که ابا عبد الله را
زنی بود که ایذا میکرد آنحضرت را و آنحضرت در میگذرانید از و و
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که هر بنده که کسب کند
و نفقه کند بر عیال خود بدهد خدا یتعالی او را بعوض هر درهمی
که نفقه کند هفتصد درهم و نیز گفت که بهترین مردمان از امت

من انکسانند که گردن کشی نکنند بر عیال خود و پی روی خاطرها
کنند و رحم کنند برایشان و ظلم نکنند و بعد از ان خواند این آیه را
که اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا
اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوَالِهِمْ یعنی مردان قیام کننده کانند بکارهای زنان
و قایم بامور معیشت ایشانند بسبب انچیزی که تفضیل کرد خدای
تعالی و افزونی داد بعضی از ایشانرا که مردانند بر بعضی دیگر که
زنانند و گفت امام محمد باقر علیه السلم که انکسی که زنی داشته
باشد و انمقدار پوشش بان زن ندهد که عورت او پوشیده
شود و انمقدار طعام ندهد که پشت خود را راست تواند کرد یعنی
انقدر طعام ندهد که سیر شود واجبست بر امام که تفریق کند
میان ایشان بطلاق و گفت ابو عبد الله علیه السلم در تفسیر
قول خدا یتعالی که وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللهُ
که باید نفقه کند بر زن انمقدار که پشت خود را راست تواند کرد
و پوشش بدهد و اگر چنین نکند باید که طلاق بدهد و معنی
آیه اینست که انکسی که تنگ کرده شده است برو روزی او یعنی
فقیر و تنگدست باید که نفقه کند از انچه خدا یتعالی باو داده
است و نیز گفت که چون این آیه را که یَا اَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَكُمْ
وَاَهْلِيكُمْ نَارًا فرود آمد شخصی از مسلمانان نشسته بود نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در گریه شد و گفت که من

عاجز

عاجزم از نگاهداشتن نفس خود چگونه نگاه دارم عیال خود را پس
در مشقت انداختم ایشانرا حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
گفت کافیست ترا که امر کنی اهل و عیال خود را بانچه امر میکنی از نفس
خود و معنی آیه اینست که ای گروهی که ایمان آورده اید نگاهدارید نفسهای
خود را بترک معاصی و اهل و عیال خود را بموعظه و نصیحت از آتش دوزخ
و نیز گفت که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
بجهة حاجتی آنحضرت گفت بان شاید که تو از مسوفات باشی ان زن گفت
یا رسول الله مسوفات کدامست انحضرت گفت مسوفات زنانی را
گویند که بخواند شوهر ایشانرا بجهة کاری و ایشان تاخیر کنند در ان
کار تا انکه شوهر بخواب رود پس فرشتگان لعنت میکنند بران زنان
تا انکه شوهر ایشان بیدار شود و نیز گفت که رحمت کند خدا یتعالی
بنده را که نیکوئی کند بزن خود بدرستی که خدا یتعالی اختیار زن را
بشوهر داده است و گردانیده است شوهر را حاکم برو و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که عیال مرد اسیر اوست و دوست ترین
بندگان نزد خدا یتعالی انکسانند که نیکوئی کنند با اسیران خود و گفت
امام موسی علیه السلم که عیال مرد پس انکسی که خدای باو نعمتی داده است
باید که نفقه کند بر عیالان و اسیران خود و اگر چنین نکند زود آن
نعمت برطرف شود و گفت خولی برسول خدا که من بوی خوش بکار می برم
برای شوهر خود همچون عروسان و می آیم در جامه خواب او و او پشت

ونیز گفت ایشانرا از او
نهی میکنی از نفس خود

اسیر اوست ۲

بجانب من میکند بعد از آن میآیم پیش روی او و روی میکرداند از من
و گمان میبرم که دشمن میدارد مرا چه میفرمائی یا رسول الله آنحضرت
گفت که بترس از خدا و فرمان برداری شوهر خود کن آن زن گفت
که پس چیست حق من بر او آنحضرت گفت که حق تو بر او آنست که اطعام
کند بتو از آنچه خود میخورد و بپوشاند ترا از آنچه خود میپوشد و طپانچه
بر روی تو نزند و فریاد نکند بر روی تو آن زن گفت که چیست حق
شوهر بر من آنحضرت گفت که حق شوهر بر تو آنست که از خانه بیرون
نروی بی رخصت او و روزهٔ سنت نگیری بی اذن او و تصدق نکنی
از مال او مگر باذن او و اگر خواهد که جماع کند بتو قبول کنی و اگرچه
بالای شتر باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زن
لعبتست پس آنکسی که زن بخواهد باید که نیکو نگاه دارد او را و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام بمحمد بن حنیفه که ای پسر من هرگاه قوت
پیدا کنی طاعت کن خدا تعالی را و اگر ضعیف و بی قوت شوی ضعیف شو
در معصیت و اگر قدرت داری که نفرمائی بزن خود کارهایی که
تعلق بنفس او ندارد چون کارهایی که متعلق است بمنزل باو بفرما
بدرستی که جمال او بیشتر باقی میماند و دل او نرم میشود و حال
او خوبتر میشود بدرستی که جمال زن حکم گل دارد در نزاکت و کار
فرمانیست پس مدارا کن با او بهر حال و نیکو گردان صحبت را با او تا آنکه
نیکو شود عیش و زندگانی تو و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین

کید و بترسید از خدا تعالی و جفا مکنید در حق دو ضعیف یعنی
یتیمان و زنان

فصل ششم

در بیان فرزندان و آنچه متعلق است بایشان

در بیان فضل فرزندان

گفت سکونی که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرزند صالح ریحانیست
از ریحانهای بهشت و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که میراث
خدا تعالی از بندهٔ مومن یعنی چیزی که از بنده بماند که خدای
تعالی بآن راضی و خشنود شود فرزند صالح است که استغفار کند برای
پدر خود و نیز گفت که دختران حسنات اند و پسران نعمت و بسبب
حسنات ثواب میدهد خدا تعالی و از نعمت سوال خواهد کرد
در روز قیامت و روایتست که بشارت دادند حضرت پیغمبر را که
که خدا تعالی دختری داده است ترا آنحضرت نظر کرد در روی
اصحاب پس دریافت کراهتی از ایشان گفت چیست شما را دختر ریحانیست
که می بویم او را و روزی او بر خدا تعالی است و منقولست از کتاب
روضه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نیکو فرزندند
دختر صالحه آنکسی که یک دختر داشته باشد خدا تعالی میکرداند
پناه از آتش دوزخ و آنکسی که دو دختر داشته باشد خدا تعالی او را
بهشت میبرد بسبب ایشان و آنکسی که سه دختر یا سه خواهر داشته
باشد برطرف میشود از و جهاد و صدقه و گفت حذیفه یمانی که
رسول خدا فرمود که بهترین فرزندان دختران اند و گفت امام رضا

بیت
آن دختر را

علیه السّلم که هرکاه اراده کند خدا یتعالی بر بندهٔ خود خیری از
دنیا نبرد او را تا آنکه بدهد فرزند صالحی و روایتست که انکسی که
بمیرد وازو فرزند صالحی بماند کویا نمرده است و کفت امام جعفر
صادق علیه السّلم که من دختران دارم آنحضرت کفت که شاید
که آرزو داشته باشی وایشان بمیرند ثواب نخواهی یافت در روز
قیامت و کناه کار خواهی بود در روزی که ملاقات کنی پروردکار
خود و کفت حمزه بن حمران که شخصی در خدمت حضرت پیغمبر ص
بود مردی آمد و با وخبری داد رنك آنشخص متغیر شد آنحضرت
کفت با آنشخص که تراچه شد آنشخص کفت که در وقتی که از خانه بیرون
می آمدم زن من نزدیك بود که بزاید الحال این مرد آمد وخبر داد
که زن تو دختری زائیده است آنحضرت کفت که زمین بر میدارد این
فرزند را و آسمان سایه میکند برو و خدا یتعالی روزی میدهد
او را او ریحانیست که بوی میکنی او را بعد از ان آنحضرت متوجه
اصحاب شد و کفت انکسی که او را یکدختر باشد پس اوکران بار
است و انکسی که او را دو دختر باشد بفریاد او برسید و انکسی را سه دختر
باشد جهاد و هر مشقتی که باشد ازو برداشته میشود و انکسی که
چهار دختر داشته باشد ای بندکان خدا یاری کنید او را ای
بندکان خدا قرض بدهید او را ای بندکان خدا رحم کنید برو
و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که انکسی سه دختر داشته

از عوض ایشان و اکر ثوابی از خدود داشته باشی

آ ق م

باشد یا سه خواهر واجب شود او را بهشت کسی کفت یا رسول الله اکر
دو باشد همچنین است آنحضرت کفت بلی و نیز کفت که از سعادت مرد
است که حیض نه بیند دختر او در خانهٔ او و نیز کفت که دوست دارید
طفلانرا و رحم کنید برایشان و هرکاه چیزی وعده کنید بایشان
بان وفا کنید بدرستی که ایشان خیال میکنند که شما روزی میدهید
بایشان و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
نظر کرد بمردی که دو پسر داشت آنمرد یك پسر خود را بوسید و
دیکری را نبوسید آنحضرت کفت چرا یکی را بر دیکری ترجیح دادی
و کفت آنحضرت که بهمهٔ فرزندان خود برابر نیکوئی کنید همچنانکه میخواهید
که ایشان برابر نیکوئی کنند و روایتست که روزی رسول خدا
بوسید امام حسن و امام حسین را اقرع بن حابس حاضر بود کفت
یا رسول الله مرا ده فرزند است و هیچکدام را نبوسیدم آنحضرت کفت
بر من چیزی نیست اکر خدا یتعالی بتو رحم و مهربانی نداده باشد
و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که بر فرزندان خود
نام پیغمبران بنهید و بهترین نامها عَبدُالله وَعَبدُالرَّحمن است
و نیز کفت که حق فرزند بر پدر سه است نام نیکو و تعلیم قرآن و نکاح
کردن برای او بعد از بلوغ و نیز کفت که ببوسید فرزندان خود را
بدرستی که شما را بهر بوسه درجهٔ حاصل شود در بهشت که ما بین
هر دو درجه پانصد ساله راه باشد و روایت کرده است امام رضا

ح

از پدران خود علیهم السلم که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم که هر قومی که مشورت کنند وحاضر شوند کسی که محمد نام داشته
باشد یا احمد او را در مشورت خود دخل دهند آن مشورت خیر
خواهد بود ایشانرا وگفت امام رضا علیه السلم که لازم میشود
پدر ومادر را از نافرمانی کردن با فرزند آنچه لازم میشود فرزند را از
نافرمانی کردن پدر ومادر وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که بحق آنکسی که فرستاد مرا بخلق که فرزندی که نافرمانی کند
پدر ومادر را نمیرسد باو بوی بهشت وگفت حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلم که بوسیدن فرزند از رحم ومهربانیست وبوسیدن
زن از شهوت وبوسیدن پدر ومادر عبادتست وبوسیدن برادر
مؤمن از دین است وزیاده کرده است بر اینها که بوسیدن پادشاه
عادل طاعتست وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که نیکوئی
کردن بفرزند خود مثل نیکوئی کردنست با پدر ومادر خود وگفت
رفاعه که پرسیدم ابو الحسن را از حال مردی که او را پسران باشد
ومادر ایشان یکی نباشد میتواند تفضیل کرد یکی را بر دیگری آنحضرت
گفت آری باکی نیست بدرستی که پدر من تفضیل کرد مرا بر برادر من
عبدالله وگفت امام جعفر صادق علیه السلم که از نعمتهای خدا
یتعالی است که فرزند مشابهت داشته باشد بپدر خود ونیز گفت که
خدایتعالی وقتی که میخواهد که آدمی را بیافریند جمع میکند صورت تمام

آدمی

آئی راس

آدمی را وبعد از آن می‌آفریند او را بصورت یکی از ایشان پس باید که
نگوید کسی بفرزند خود که او که بمن هیچ یک از پدران من نمیماند
وروایتست که پرسید مردی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که چیست ما را که کوشش میکنیم برای فرزندان خود چرا
که کوشش نمیکنند ایشان برای ما آنحضرت گفت که بجهت آنکه ایشان از
شما حاصل شده‌اند نه شما از ایشان وگفت شخصی با امام زین العابدین
علیه السلم که تو نیکوکارترین مردمانی بمادر خود وبا او چیزی نمیخوری
آنحضرت گفت که ترسم که پیشی گیرد دست من بچیزی که پیشی
گرفته است چشمهای او بآن ومن عاصی شوم نزد مادر خود وروا
یتست که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلم که چرا یتیم
گردانید خدایتعالی پیغمبر خود محمد مصطفی صلی الله علیه وآله
وسلم را آنحضرت گفت که بجهت آنکه او را طاعت وفرمان برداری
مخلوقی واجب نباشد وگفت امام جعفر صادق علیه السلم تهنیت پسری
که خدایتعالی بآن مرد داده بود باین طریق که گفت که مبارک باد ترا
سوار امام حسن علیه السلم گفت که چه دانستی که آن پسر سوار
خواهد بود یا پیاده آنشخص گفت که فدای تو گردم آنحضرت گفت
که بگو به پدر او که شکر کن خدایتعالی را که این پسر را برای تو هم
بمرتبه کمال برسد وروزی کند ترا نیکوئی او وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم بمردی که با او طفلی بود که چه کس تو است

این طفل آمرزد گفت این پسر منست آنحضرت گفت بر خوردار ی دهد خدای
تعالی ترا ازو و منقولست از کتاب نوادر الحکمه که گفت ابن عباس که رسول
خدا فرمود که انکس که ببازار در آید و چیزی بخرد و بر دارد و برای عیال
خود ببرد همچنانست که صدقه را بر داشته باشد و برده باشد برای قومی که
محتاج بوده باشند و باید که ابتدا را اول بدختران بدهد بدرستی که
انکس خوشحال سازد دختر خود را همچنانست که بندهٔ آزاد کرده باشد از
فرزندان اسمعیل وانکسی که خوشحال سازد پسر خود را همچنانست که
گریسته باشد از ترس خدای تعالی وانکسی که بگریه از ترس خدای تعالی
بهشت میرود و گفت عبد الله بن فضال که شنیدم از ابی عبد الله علیه
السلم یا از ابی جعفر علیه السلم که میگفت که هرگاه که پسر سه ساله شود
بگو باو که هفت بار لا اله الا الله بگوید و بعد از ان بگذار او را تا
سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد بعد از ان بگو که هفت بار
محمد رسول الله بگوید و بعد از ان بگذار که چهار ساله شود پس بگو که
هفت بار بگوید وصلی الله علی محمد و آل محمد و بعد از ان بگذار که
پنج ساله شود پس بپرس ازو که دست راست و دست چپ تو کدامست
اگر دانست بگردان روی او را بقبله و بگو باو که سجده کن بعد از ان بگذار
که هفت ساله شود پس بگو باو که دستها و روی خود را بشوید پس هرگاه روی
و دستهای خود را شست بگو که نماز بگذارد و بعد از ان بگذار که نه ساله
شود پس بیاموز باو وضو را و بزن او را بجهة وضو و بفرما که نماز کند و بزن

برود

اورا

اورا بجهة نماز گذاردن و هرگاه وضو و نماز یاد گرفت می آمرزد خدای
تعالی پدر و مادر را و منقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر
صادق علیه السلم که از سعادت و نیکبختی مردست که فرزند او
شبیه باشد باو در صورت و خلق و باقی صفات نیکو و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از نعمتهای خدای تعالی
بر مردی که فرزند او شبیه باشد باو و گفت ابو ابراهیم علیه السلم
که پدر من گفت که مرد نیکبخت آنست که نمیرد تا انکه نه بیند فرزند
خود را که ازو حاصل شده باشد و بعد از ان گفت که نموده است
خدای تعالی بمن فرزند مرا و اشارت کرد بابی الحسن علیه السلم
و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که بگذار فرزند خود را که بازی
کند تا هفت سال و ادب بیاموز او را تا هفت سال دیگر پس اگر صورت
صلاح پیدا کرد نیکو شد کار او و اگر پیدا نکرد خیری نیست درو
و منقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که بگذار طفل خود را تا شش سال و بعد از ان او را با خود نگاه دار
هفت سال دیگر و تعلیم ادب کن او را با دب خود پس اگر قبول کرد و صلاح
آمد خوب شد و اگر قبول نکرد بگذار او را و گفت رسول خدا صلی الله
علیه و اله و سلم که فرزند هفت سال مهتر است و هفت سال بنده است
و هفت سال وزیر است پس اگر اخلاق او نیکو شد در بیست و یکسالگی
خوب و اگر نه بزن او را بدرستی که تو معذوری نزد خدای تعالی و گفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که ادب کردن فرزندان خود بهتر
از صدقه دادن هر روز بر نیم صاع و نیز گفت که اکرام کنید فرزندان
خود را و نیکو گردانید ادب ایشانرا تا خدای تعالی شما را بیامرزد و
منقولست از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام
که رسول خدا فرمود که وقتی که فرزندان گوشت بخورند دست و دهن
ایشانرا بشویید بدرستی که می بویند بوی گوشت را و ایذا می یابند از
دو فرشته که موکل آدمی اند و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که بگذارید طفل را هفت سال و تعلیم ادب کنید هفت سال و خدمت
بفرمایند هفت سال و تمام میشود قد او در بیست و سه سالگی
و عقل او در سی و پنج سالگی و بعد از ان بتجربه حاصل میکند و محمد باقر
علیه السلام که جدا کنید خوابگاه پسران و زنانرا وقتی که پسران ده
ساله شوند بدرستی که شیر سرایت میکند و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که هرگاه نظر کنی به پسری و به بینی که چشمهای شیرین دارد و گشاده
پیشانیست و رخسار او برآمده است و سلامتست هیأت و صورت
او از عیب و پوستی که ختنه میکنند در انش باشد امید وار باش از ان بر که
یمن و برکت تمام خواهد داشت و اگر به بینی پسری که چشمهای او در مغاک
باشد و پیشانی او تنگ باشد و رخساره او فرو رفته باشد و سری بینی او باریک
باشد امید برکت و یمن از و مدار و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که قد میکشد طفل هر سال مقدار چهار انگشت بانگشتان خودش

و روا

و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که جدا
کنید خوابگاه طفلان خود را وقتی که ده ساله شوند خواه هر دو
پسر باشند و خواه هر دو دختر و خواه یکی دختر باشد و دیگری پسر
و گفت امام جعفر صادق علیه که هرگاه دختر شش ساله شود
بوسه مکنید او را و پسر که هفت ساله شود باید که بوسه نکنند زنانرا
و نیز گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام که لمس کردن زن با دختر
خود وقتی که ان دختر شش ساله شده باشد نوعیست از زنا و نیز
روایتست که پرسید احمد بن نعمان از امام جعفر صادق که شش
ساله ایست که میان ما و او خویشی نیست و آن دختر با من میباشد
آنحضرت گفت که او را در کنار خود مگیر و بوسه مکن و گفت ابن عمر که
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که جدا کنید خوابگاه
فرزندانرا وقتی که ایشان هفت ساله شوند در بیان طلب فرزند
منقولست از کتاب محاسن که گفت بکر بن صالح که نوشتم بابی الحسن
دوم که مدت پنج سالست که من اجتناب میکنم از طلب فرزند نمیخواهد
و میگوید که دشوار است بر من تربیت و نگاه داشتن فرزند بجهة
ناداری میفرماید آنحضرت در جواب نوشت که طلب فرزند کن بدرستی که
خدای تعالی روزی میدهد و منقولست از کتاب فردوس که گفت ابن
عمر که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که طلب فرزند

بجهة آنکه زن من
فرزند

از کتابهای خارج نمود

کیند از خدای تعالی بدرستی که فرزند روشنی چشم و ریحان دلست
و بپرهیزید از عجز و فقر و گفت امام زین العابدین ببعضی اصحاب
خود که طلب فرزند هفتاد بار بگوید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ
الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي
بَعْدَ وَفَاتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
بدرستی که انکسی که بسیار بگوید این را خدای تعالی روزی او کند
از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت انچه میخواهد بدرستی که خدای
تعالی میخواهد که فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ
السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ
جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا یعنی پس گفتم آمرزش طلبید از پروردگار
خود یعنی توبه کنید بدرستی که خدای هست آمرزنده است توبه کنندگانرا
و چون شما توبه کنید بفرستد ابر را بر شما که بباراند پی در پی و مدد
دهد شما را بمالها و پسران یعنی بسیار گرداند اموال و اولاد شما را
و بدهد شما را بوستانهای پر میوه و جاری گرداند برای شما جویهای
آب و منقولست از کتاب طب الائمه که روایت کرده سلیمان
الخوری از شیخ مداینی و او روایت کرده است از زراره که گفت که
ابو جعفر آمد نزد هشام بن الملک و دربان مانع شد و آنحضرت غمگین
شد و هشام بن عبدالملک را دربانی بود که مال بسیار داشت و

فرزند

فرزند نداشت آنحضرت نزدیک او رفت و گفت که میتوانی مرا برسانی
بنزد هشام تا من تعلیم کنم ترا دعائی که فرزند شود دربان گفت
بلی پس آنحضرت را رسانید نزد هشام و آنحضرت حاجتی که داشت
برآورده شد چون فارغ شد دربان گفت فدای تو گردم دعائی
گفته بودی بمن کدامست آنحضرت گفت که هر روز صباح و شام
هفتاد بار سبحان الله بگو و ده بار استغفر الله و بعد ازان نه بار
سبحان الله بگوید و بعد ازان بگوید أَسْتَغْفِرُهُ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا
يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَ
يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا پس خواند این دعا را دربان هشام و خدای تعالی
او را فرزند بسیار داد و آن دربان بعد ازان بخدمت ابی جعفر
و ابی عبدالله علیهم السلام آمد و گفت سلیمان خدیجی که نکاح کردم
دختر عم خود را و دیر فرزند میشد مرا ازو و این دعا را تعلیم کردم
باو و من نیز خواندم خدای تعالی او را فرزند داد و گمان آن زن چنین
شد که هرگاه خواهد که آبستن شود این دعا را بخواند و تعلیم کرد
زوجهٔ من دعا را بزنانی که ایشان را فرزند نمیشد پس ایشان این دعا را
خواندند و ایشان را فرزند بسیار شد و گفت ابو بکر بن حرب البصری
که گفتم با بی عبدالله که من از اهل بیتم که کسی ایشان نمانده و غیر از من
و مرا فرزندی نیست آنحضرت که سجده کن و در سجده بگو یا رب هب لی
مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ

کردم

گفت

خَيْرُ الْوَارِثِين وكاين دعا را خواندم وخدا يتعالى دو فرزند داد مرا
يكي علي نام كردم وديكري را حُسين وكفت ابو عبد الله براي طالب
فرزند كه هركاه خواهي كه نزديكي كني بر زوجه خود بكو وَذَا النُّونِ
اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰي فِي الظُّلُمَاتِ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
لَه وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا اِذْ نَادٰي
رَبَّه رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ونيز كفت كه هركاه زن شما
حامله شود بايد كه بفرمايد كه رو بقبله كند واية الكرسي بخواند ودست
بر پهلوي او بزنيد وبكوييد اَللّٰهُمَّ قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا يعني بارخدايا
اين فرزند را محمد نام كردم بدرستي كه جون چنين كنند خدا يتعالى
آن فرزند را پسر بكرداند پس اكر آن پسر را محمد نام كردند خدا يتعالى
زنده ميكذارد آن فرزند را وبركت ميدهد اورا واكر محمد نام نكردند
خدا يتعالى اختيار دارد اكر ميخواهد ميراند واكر ميخواهد زنده ميكذارد
ومنقولست از كتاب نوادر الحكمه كه آمد نزد ابي عبد الله عليه السلام
كفت يابن رسول الله خدا يتعالى بمن هشت دختر داده است درعقب
يكديكر وهركز پسر نداده است دعا كن كه خدا يتعالى مرا پسري بدهد
آنحضرت كفت كه وقتي كه خواهي كه نزديكي كني به زوجه خود بنشين
بجهة جماع كردن بنه دست راست خود را برجانب راست ناف زن وهفت
نوبت سوره انا انزلنا بخوان وبعد از ان مشغول شو بجماع كردن بدرستي

آنت
مودي

كه جون چنين كني خدا يتعالى بتو پسر ميدهد وجون بداني كه زن آبستن
شد هركاه آن زن در شب از پهلوي بر پهلوي ديكر بكردد دست خود را
برجانب راست ناف زن بنه وهفت نوبت انا انزلنا بخوان آنمرد كفت
چنين كردم خدا يتعالى هفت پسر داد مرا درعقب يكديكر وبسيار ديكر
از مردمان اين كار كردند وخدا يتعالى ايشانرا پسران داد وروايت
كه امام حسن عليه السلام نزد معاويه از عقب آنحضرت آمد وكفت يابن
رسول الله من مال دارم وهيچ فرزند ندارم تعليم كن مرا چيزي كه خدا
تعالى مرا فرزندي بدهد آنحضرت كفت كه بر تو باد استغفار كني پس آن
دربان بسيار استغفار ميكرد تا آنكه بسيار بود كه در روزي هفتصد
صد نوبت استغفار ميكرد خدا يتعالى با وده پسر داد خبر بمعاويه
رسيد كفت معاويه بآن دربان كه چرا نپرسيدي از امام حسن
عليه السلام كه از كجا دانستي كه استغفار كردن سبب آن ميشود
كه خدا يتعالى فرزند بدهد آنحضرت نوبت ديكر نزد معاويه كفته
بود آنحضرت كفت كه آيا نشنيدة آنچه خدا يتعالى فرموده است در
قصه هود كه وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلٰي قُوَّتِكُمْ يعني اي قوم استغفار
كنيد وآمرزش طلبيد از پروردكار خود پس باز كرديد تا بفرستد
از آسمان بر شما باران پيوسته وبيفزايد وبار كند قوتي با قوت شما
يعني فرزندان دهد شما را تا مدد شما باشد ودر قصه نوح فرموده

امد آن د

فصل هفتم

ات که فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم
مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم
انهارا وتفسیر این آیه از پیش گذشت در بیان عقیقه وانچه متعلق
است بآن گفت عمر بن زید که شنیدم که ابو عبدالله می گفت که هر فرزندی
روز قیامت در گروست بعقیقه خود وعقیقه واجب ترست از
قربانی ونیز گفت ابو عبدالله علیه السلام که هر آدمی در گرو است بزکوة
فطر وهر فرزندی در گرو است بعقیقه وگفت عمر بن زید که گفتم بابی عبدالله
که بحق خدای که نمیدانم که پدر من عقیقه کرده است برای من یا نه آنحضرت
گفت که عقیقه کن برای خود ومن عقیقه کردم برای خود در آن وقت که
پیر بودم و روایت کرده است علی بن حمزه که یکی از ائمه علیه السلام
است فرمود که عقیقه واجبست وقتی که فرزند متولد شود پس اگر
خواهید که در همان روز نام کنید آن فرزند را بکنید وگفت امام جعفر
صادق علیه السلام که عقیقه لازم است کسی را که مالدار باشد
وانکسی که فقیر ومحتاج باشد هرگاه مالدار شود عقیقه بکند واگر
مالدار نشود بر وچیزی نیست واگر عقیقه نکردند برای فرزندی که
وقربانی بکنند برای او کافیست واحتیاج بعقیقه نیست وهر فرزندی
در گروست بعقیقه ونیز گفت که در عقیقه گوسفند نر ذبح می باید کرد
واگر گوسفند نر یافت نشود هر چه جهة قربانی کافیست واگر گوسفند
نیابید بره یکساله عقیقه کنید وروایتست که پرسیدند از امام جعفر

صادق علیه السلام که در عقیقه چه چیز ذبح می باید کرد آنحضرت
گفت که در روز هفتم گوسفند یا گاو یا شتر ذبح می باید کرد وبعد از آن
فرزند را نام باید نهاد وسر او را باید تراشید وتصدق می باید کرد
بوزن موی سر او طلا یا نقره واگر فرزند پسر باشد گوسفند یا گاو
یا شتر عقیقه می باید کرد وروایتست که عقیقه کرد ابو طالب برای آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در روز هفتم از ولادت آنحضرت
پس طلبید تمام اهل بیت خود را ایشان گفتند که بجهة چه این فرزند را
محمد نام کردی ابو طالب گفت بجهة آنکه حمد میگویند او را اهل آسمان
وزمین وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که چهار یک عقیقه
بدایه میباید داد واگر دایه نداشته باشد تعلق بمادر دارد بهر که
خواهد بدهد وطعام می باید داد از عقیقه ده مسلمان را واگر زیاد
از ده کس باشند فاضلتر وبهترست ونیز گفت که وقتی که خواهی ذبح
کنی عقیقه را یا قوم انی بری مما تشرکون انی وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض حنیفا وما انا من المشرکین ان صلاتی
ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک
امرت وانا من المسلمین اللهم منک والیک بسم الله والله اکبر
اللهم تقبل من فلان بن فلان یعنی نام فرزند وپدر او را بگوید
وبعد از آن ذبح کند ومنقولست از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که نام کنید فرزند را در روز هفتم از ولادت او

آن فرزند

بگو

کنید

وسر او را بتراشید و بنقره تصدق بوزن موی و عقیقه کنید برای
او بکوسفندی نری و قطعه قطعه کنید آن کوسفند را و بپزید و
بطلبید جماعتی از مسلمانان را و اگر نپزید و تصدق کنید گوشت آن
کوسفند را باکی نیست و پسر و دختر درین یکسانند و باید که نخورند
ازان عقیقه پدر و مادر آن فرزند و قطعه ازان عقیقه را بدایه
بدهید و اگر دایه مادر و پدر آن فرزند و عیال او باشند ازان
عقیقه چیزی باو نباید داد پس اگر خواهید بخش کنید اعضای آن
کوسفندان را و اگر خواهید بپزید و بخش کنید با نان و شوربا
و بدهید عقیقه را بمومنان و نیز گفت که فرزند وقتی متولد شود
اذان بگویید در گوش راست و اقامت بگویید در گوش چپ او و نیز
گفت که هر که بچهل روز گوشت نخورد کج خلق میشود و هر که کج خلق
میشود اذان بگویید در گوش او و منقولست از کتاب آداب که جمع
کرده است پدر من که گفت امام محمد باقر علیه السلم وقتی متولد
شود برای شما فرزندی در روز هفتم عقیقه کنید برای او و نیز گفت
کوسفندی نری بدهید بدایه از عقیقه ران کوسفند و بر کام فرزند
آب فرات بمالید و اذان بگویید در گوش راست او و اقامت در گوش
چپ او و نام بنهید او را در روز هفتم و بتراشید سر او را و بوزن
موی او تصدق کنید نقره یا طلا بدرستی که خدا یتعالی فرو میفرستد
نام او را از آسمان و هر گاه عقیقه را ذبح میکنید بگویید بسم الله

وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکر
الرزق الله وعصمة بامر الله ومعرفة بفضله علینا اهل البیت
پس اگر آن فرزند پسر باشد بگویید اللهم انت وهبت لنا ذکرا و
انت اعلم بما وهبت ومنک ما اعطیت ولک ما صنعنا فتقبله
منا علی سنتک وسنة رسولک واخسا عنا الشیطان الرجیم
لک سفکت الدماء لا شریک لک الحمد لله رب العالمین و روایت
کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلم که رسول خدا
عقیقه کرد برای امام حسن وامام حسین علیهم السلم و کوسفندی نری
در روز هفتم از ولادت ایشان و قطعه قطعه کرد آن کوسفند را
واستخوان او را نشکست و فرمود که بپزید آن گوشت را بآب و نمک
و بخورید با نان و بدهید بهمسایها و گفت حضرت پیغمبر که وقتی که
فرزند متولد شود هفت چیز بجای آوردن سنتست اول نام نهادن
دوم سر تراشیدن سیم تصدق کردن بوزن موی سر او نقره یا طلا
اگر قدرت داشته باشد چهارم عقیقه کردن برای او پنجم زعفران
بر سر او مالیدن ششم ختنه کردن برای او هفتم طعام دادن
همسایها را ازان عقیقه و نیز گفت بحضرت فاطمه ای فاطمه سوراخ کن
گوش امام حسن و امام حسین را مخالفت یهود و نیز گفت بحضرت فاطمه که
بتراشید
سر امام حسن و امام حسین را در روز هفتم از ولادت ایشان و تصدق
کند بوزن موی سر ایشان نقره و در روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه واله وسلم اذان گفت در گوش امام حسن در روزی که
متولد شد و منقولست از کتاب محاسن که هرگاه امام زین العابدین
را بشارت میدادند بفرزندی که نمی پرسید که آن پسرست یا دختر
یا انکه می پرسید ایا اعضای او درست و بی عیبست پس اگر چنین
میبودی گفتی الحمد لله الذی لم یخلق منی شیٔ مشوها یعنی سپاس و ثنا
مر خدای را که نیافرید از من چیزی و روایتست که پرسیدند از ابی
عبدالله علیه السلم که سبب تراشیدن سر فرزند چیست آنحضرت گفت
که سبب آنست که پاک شود از موی رحم و روایتست که پرسید علی بن
ابی جعفر برادر خود موسی بن جعفر را که از فرزندی که سر او را تراشیده
باشند او منقولست از کتاب نوادر الحکمة که گفت امام جعفر صادق
علیه السلم که بمالید در کام فرزند خود آب فرات و تربت امام حسین
و امام حسین در روزی که متولد شدند

فصل هفتم

در بیان ختنه کردن و انچه متعلق است بان گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم که ختنه کردن مردانرا سبب بزرگواری ...
و روایتست که نوشت عبدالله بن جعفر الحمیری بامام حسن عسکری
که روایتست از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم که گفتند ختنه
کنید فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان تا پاک شوند
بدرستی که زمین در ناله می آید از بول کسی که او را ختنه نکرده باشند
چون بول او بزمین برسد و بگوید که نیست مسلمانی که نیکو دانند ختنه

کردن

کردن را و خوب ختنه تواند کرد در روز هفتم و نزد ما حجام یهودی
هست که نیکو میداند آیا جایزست که یهودی ختنه کند فرزندان
مسلمانانرا یا نه آنحضرت در جواب نوشت که ختنه کنید روز هفتم
فرزندان خود را و مخالفت سنت مکنید و گفت امام جعفر صادق
علیه السلم که هرگاه طفلی را ختنه کنید بگوئید اللهم هذه سنتک
وسنة نبیک صلواتک علیه واله واتباع منا لک وکتبک
بمشیتک وارادتک وقضائک لامر اردته وقضاء حتمته وامر
انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه وحجامته لامر انت اعرف
به اللهم طهره من الذنوب وزد فی عمره وادفع الآفات عن بدنه
والاوجاع عن جسمه وزده من الغنی وادفع عنه الفقر فانک
تعلم ولا نعلم و روایتست که امام موسی علیه السلم اشارت کرد
بامام رضا علیه السلم و گفت این فرزند من ختنه کرده متولد
شد و پاک و پاکیزه بود ولیکن پاکی را میگذرانم بر او تا سنت بجای
آورده باشم و پی روی دین ابراهیم کرده باشم و گفت امام موسی
علیه السلم که هر مرد که ان دعائی که مذکور شد نخواند یا
در وقت ختنه کردن فرزند خود باید که آن دعا را بخواند بران فرزند
پیش از انکه ان فرزند محتلم شود پس اگر نخواند آن دعا را فرزندان
تیغ ایمن شود یعنی بر تیغ کشته نشود و زخمی باو نرسد و منقولست
از کتاب طب الائمه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

که ختنه کنید فرزندان خود را روز هفتم از ولادت ایشان بدرستی
که موجب پاکیزه کیست و زودتر کوشت میرویید و زمین نجس میشود
چهل روز ببول کسی که ختنه نکرده باشند او را و کفت امام جعفر
صادق علیه السلم که سوراخ کردن کوش پسر سنتست و ختنه
کردن او روز هفتم سنتست و ختنه کردن زنان موجب بزرکواری
ایشانست و سنت نیست و کدام چیز فاضلتراست از بزرکواری
و منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که کفت امام جعفر صادق
علیه السلم که آمدند جمع زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم در میان ایشان زنی بود که او را ام حبیبه میکفتند
و او ختنه میکرد دختران را چون آنحضرت او را دید کفت ای ام حبیبه
آن عملی که میکردی حالا میکنی ام حبیبه کفت بلی یا رسول الله میکنم
مکر آنکه حرام باشد و تو منع کنی مرا آنحضرت کفت که حرام
نیست بلکه حلال است پس آنحضرت کفت که ای ام حبیبه نزدیک
شو من تا تعلیم کنم بتو ختنه کردن دختران را ام حبیبه نزدیک
آنحضرت رفت آنحضرت کفت ای ام حبیبه هرکاه ختنه کنی دختر
از بیخ مبر و اندکی ببر بدرستی که روشن و درخشنده میکند
روی او را و قدر و منزلت او نزد شوهر بیشتر میشود و ام حبیبه را
خواهری بود که او را ام عطیه میکفتند و او مشاطه بود پس ام عطیه
متوجه خدمت آنحضرت شد و خبر داد با نحضرت انچه خواهر او

اذان

با و کفته بود آنحضرت کفت ای ام عطیه نزدیک شو من چون نزدیک
آنحضرت آمد کفت که وقتی که آرایش میکنی دختران را روی ایشانرا بخرقه
مشو بدرستی که میبرد طراوت روی را
فصل نهم
در بیان خصلتهای بد که متعلق است بزنان روایتست که رسول خدا صلعم
هرکاه میخواست که بجنک رود زنان خود را میطلبید و با ایشان مشورت
میکرد و خلاف سخن ایشان میکرد و روایتست که شکایت کرد مردی
نزد امیر المؤمنین علی علیه السلم از زنان خود آنحضرت برخواست
و خطبه خواند پس کفت ای کروه مردان فرمان برداری زنان مکنید
بهیچ حال و ایمن مباشید از ایشان بر مال خود و امکذارید ایشانرا تدبیر
کار عیالان خود را بدرستی که اکر زنانرا بکذارید با ختیار اراده ایشانست
کارهای بد میکنند و در مهلکه می افتند و در میکذرند از حکم شوهر
خود بدرستی که ایشانرا ورع و پرهیزکاری نیست در ایشان وقتی که محتاج
شوند بچیزی و صبر نیست ایشانرا در وقت شهوت و کردن کشی و نافرمانی
لازم ایشانست و اکرچه پیر باشند و عجب و تکبر می باشد ایشانرا و اکرچه
عاجز شوند شکر نمیکنند نعمت بسیار را هرکاه اندک چیزی از ایشان منع
کرده شود و فراموش میکنند نیکوئی را و در خاطر نکاه میدارند
بدی را و فراموش نمیکنند و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی
میکنند و کار شیطان میکنند پس نیکوئی کنید با ایشان بهرحال و بزبان
خوش با ایشان سخن کنید امید هست که ایشان افعال و کردار خود را نیکو

آنحضرت
بدل بجزفه

سازند وگفت رسول خدا که فرمان برداری زن پشیمانی میآرد وروایت
که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زنان سوار زین
شوند وگفت حضرت پیغمبر لعنت کرده است خدایتعالی زنانی را که سوار
شوند وگفت امیرالمؤمنین که سوار مکنید زنانرا بر اسپ بدرستی که
شهوت ایشان در حرکت می آید ومنقولست از کتاب اللباس که روایت
کرده است ابو عبدالله از پدر خود که ذکر کرد رسول خدا زنانرا پس
گفت که پند دهید ایشانرا به نیکوئی پیش ازانکه امر کنند ایشان شما را
به بدی وپناه جوئید بخدایتعالی از شر ایشان وبر حذر باشید از
زنان نیکو وگفت ابو جعفر که مشورت مکنید با زنان در کارهای
پنهان خود وسر خود با ایشان مگوئید وفرمان برداری ایشان مکنید
واگرچه خویش شما باشند بدرستی که زن وقتی که پیر شد خیر او بتمام
میرود وباقی میماند شر او وجمال او میرود وفرزند نمیشود او را وزبان
میشود زبان او ومرد هرگاه پیر شد شر او بتمام میرود وباقی میماند خیر
ومحکم میشود عقل ورای او وکم میشود جهل ونادانی او وگفت امیرالمؤمنین
مردی که بتدبیر زن کار کند او ملعونست ونیز گفت که در خلاف کردن
با زنان برکتست وروایت کرده است ابو عبدالله از پدران خود علیهم السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که فرمان برداری
زن خود کند خدای تعالی او را در دوزخ اندازد پرسیدند از انحضرت که
فرمان برداری زن کدامست انحضرت گفت فرمان برداری زن آنست که

اورا

او را رخصت دهد که بحمام برود وبعروسی وعیدگاه وتعزیت برود وجامه
تنک بپوشد وگفت ابو جعفر علیه السلام که باید که زن بیرون نرود
بمشایعت ونرود ونزد زنان شوهردار واگر پیش دختران بکر رود باکی
نیست وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا
فرمود که مگذارید زنانرا که بازی کنند وتعلیم مکنید با ایشان
نوشتن را وبفرمائید که چرخ بریسند وتعلیم کنید ایشانرا سوره
نور ونیز گفت امام جعفر صادق از پدران خود علیهم السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم باید که لمس نکنند مردی بمردی
مگر آنکه میان ایشان جامه بوده باشد وروایتست که لعنت کرده است
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم مخنثانرا وفرمود که بیرون
کنید ایشانرا از خانهای خود وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
باید که ~~در یک جامه دو زن خواب نکنند~~ مگر آنکه ضرورت باشد وگفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که نباید زنان خود را با یکدیگر
مثل غلام یا زوجی مردانست پس هر زنی که چنین کند البته بکشید او را
ونیز گفت باید که در یک جامه خواب نکنند مگر آنکه ضرورت باشد
پس خواب کند هر یک بزیر جامه خود وبعد از ان یک لحاف بپوشند
وحکم دو زن همچنین است وباید که خواب نکند دختر با پدر وپسر با مادر
خود در یک لحاف ومنقولست از کتاب محاسن که گفت ابو عبدالله
که مراد از ما ظهر که در قول خدایتعالی واقع است که قل انما ربی الفواحش

دو زن در یک جامه خواب نکنند

ماظهر منها و ما بطن روي و ساق دست و معنی ایه اینست که بکو
ای محمد که حرام کرد پروردکار من کناهانرا انچه ظاهر است که آن سر
کشیدن و انکشتری در دست کردن است زنانرا و در روایتی دیکر واقع
شده است که ان انکشتری و دستینه است و اینست انچه ظاهر است
از زینت و باید که ظاهر نکنند زنان زینت خود را که آن کردن بند
و کوشواره و بازوبند و خلخال است و نیز کفت در تفسیر قول خدای
تعالی وَلَا یَعْصِینَكَ فِي مَعْرُوفٍ که مراد از معروف آنست که زنان
در تعزیت کریبان پاره نکنند و طبانچه بر خود نزنند و روی خود را
نخراشند و واویلا نکویند و بر سر قبر نروند و جامه سیاه نکنند
و موی خود را پریشان نکنند و نیز کفت که خدای تعالی فرمود زنانرا
که در تعزیت نوحه نکنند و نخراشند روی و سینه خود را و ننشینند
پی مردان در انخانه و نیز کفت که رسول خدا پرسید از اصحاب در
حالتی که امیر المؤمنین علی علیه السلم حاضر بود زنانرا چه چیز بهتر است
هیچکس جوابی نکفت بعد از ان امیر المؤمنین ع بخانه خود آمد و بحضرت
فاطمه کفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم این نوع سوالی
کرد هیچکس جوابی نکفت حضرت که زنانرا بهتر آنست که مردان نامحرم را
نه بینند و مردان نامحرم ایشانرا نه بینند و بعد از ان امیر المؤمنین علی
نزد حضرت پیغمبر آمد و عرض کرد با نحضرت که فاطمه چنین کفت انحضرت
فرمود که فاطمه از منست و کفت ام سلمه که بودم نزد حضرت پیغمبر و میمونه

زوجه انحضرت نیز نزد انحضرت بود پس آمد ابن مکتوم و او
مردی نابینا بود و این وقتی بود که امر شده بود که زنان از مردان
حجاب کنند انحضرت کفت بما که بپوشید روی خود را کفتیم یا رسول
الله این مرد نابیناست و نمی بیند مارا انحضرت فرمود که شما خود
نابینا نیستید و می بینید او را **فصل دهم** در بیان چیزهایی
نادر که در نکاح می باشد کفت امام جعفر صادق علیه السلم که رسول
خدا باز کشت از جنکی و در ان جنک بسیاری از مسلمانان شهید شده
بودند پس زنان استقبال کردند انحضرت را احوال کسان خود
پرسیدند زنی نزدیک انحضرت رفت و کفت یا رسول الله چه شد
فلانکس انحضرت کفت که او چه کس تو بود آن زن کفت برادر من بود
انحضرت کفت که حمد بکو خدای تعالی را و بکو اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ
رَاجِعُونَ بدرستی کم او شهید شد پس ان زن چنین کرد و بعد از ان
کفت یا رسول الله فلانکس چه شد انحضرت کفت که او چه کس تو بود
آن زن کفت که شوهر من بود انحضرت کفت حمد بکو خدای تعالی را
و بکو اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ بدرستی که او شهید شد پس آن
زن فریاد بر آورد و کفت چه خوار و بیکس شدم انحضرت کفت که
کمان نمی بردم که زنی شوهر خود را اینمقدار محبت داشته باشد تا این
زن را دیدم و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نمازی
که زن تنها بکذارد در خانه فاضلتر است از نمازی که بجماعت بکذارد

به بیست و پنج درجه و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خدای
تعالی خاص گردانیده است رسول خود را با خلاق نیکو پس امتحان
کنند نفس خود را پس اگر یافت در شما از آن اخلاق حمد بگوید خدای
تعالی را و میل کنید بزیاده کردن آن پس ذکر کرد حضرت امام علیه السلام
از اخلاق نیکو ده چیز را یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و
خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت و روایت
که مذکور شد نزد امام جعفر صادق علیه السلام که چه چیز
شوم است آنحضرت گفت که شومی در سه چیز است زن و چهارپا
و سرا اما زن شوم که کابین او بسیار باشد و فرمان برداری
شوهر نکند و اما چهارپای شوم آنست که بدفعل باشد و نگذارد
که برو سوار شوند و او را پاک کنند و اما خانه شوم آنست که تنگ
و همسایه بد داشته باشد و عیب بسیار داشته باشد و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که کسی بعیسی علیه السلام گفت که
چرا زن نمیخواهی حضرت عیسی گفت که چه میکنم فرزند را بدرستی که
اگر زنده باشد فتنه میکند و اگر بمیرد اندوهگین میسازد پدر و
مادر او را و روایت کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلام
که ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد و ثواب آنرا
پس زنی گفت یا رسول الله نیست زنانرا از جهاد و ثواب او چیزی
آنحضرت که زنانرا وقت آبستن شدن تا زاییدن تا شیر باز گرفتن فرزند

ثواب است برابر ثواب کسی که مهیا شده باشد که جهاد کند در راه خدا
و اگر بمیرند در میان این ایشانرا منزلت و ثواب شهید خواهد بود
و گفت امام محمد باقر علیه السلام که امام زین العابدین فرمود که
بیشتر اهل بهشت زنان ضعیف خواهند بود بجهت آنکه میداند خدای
تعالی ضعف ایشانرا پس رحم میکند برایشان و نیز گفت که امام
زین العابدین در وقت زاییدن زن میگفت که بیرون کنید زنانرا
از خانه تا آنکه اول بار نظر نکنند بعورت طفل و گفت معاذ که روایت
کرده است امام جعفر صادق علیهم السلام از پدران خود که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که کراهت دارد خدای تعالی از شما ای امت
من زیاده از بیست خصلت را و منع کرده شما را از آن خصلتها و آن
خصلتها کار عبث کردنست در نماز و نقصان کردن در نماز و خنده
کردن در گورستان و نظر کردن در سراهای مردم و نظر کردن
در فرج زنان زیرا که کوری میآورد و سخن کردن در وقت جماع
زیرا که گنگ میسازد کسی را و خواب کردن پیش از گذاردن نماز خفتن
و سخن کردن بعد از نماز خفتن و غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ
و جماع کردن در زیر آسمان و در آمدن بجوهای آب بی لنگ زیرا که
در جوهای آب جماعتی از فرشتگان ساکنند و رفتن بحمام بی لنگ
و سخن کردن میان اذان و اقامت در نماز صبح تا فارغ شدن از نماز
و در کشتی نشستن در وقت طوفان و موج دریا و خواب کردن

دربامي که محرم نداشته باشد تنها خوابیدن و با زن حایض جماع کردن
واکر درین حال فرزندي حاصل شود جذام یا برص می‌آورد باید که
ملامت نکند مکر خود را و جماع کردن بعد از احتلام و پیش از غسل
کردن واکر فرزندي که حاصل شود جذام داشته باشد باید که ملامت نکند — بزن خود م
مکر خود را و سخن کردن با اهل [جذام] مکروهست مکر آنکه یک کز فاصله — این کار بکند م
داشته باشد زیرا که آنحضرت فرمود که بکریزید از کسی که جذام
داشته باشد همچنانکه از شیر میکریزید و بول کردن بر کنار جوي آب
وحدث کردن در زیر درخت خرما و هر درختي که میوه دهد و
ایستاده پلخشر نعلین پوشیدن و بی‌چراغ درآمدن در خانهٔ تاریک و
باد کردن بدهن در میان نماز و کفت ابو عبد الله که بیشترین — ...... وآتش دم
اهل بهشت زنان ضعیفانند بجهت آنکه میداند خدا تعالی ضعف ایشان را
پس رحم میکند بر ایشان و کفت اسحاق بن عمار که کفتم بابي عبد الله
که آیا جایز است که نظر کند غلامي که بندهٔ زني بوده باشد بموي این زن
آنحضرت کفت بلی جایز است که نظر کند بمو و ساق او و منقولست از کتاب
مجمع البیان که کفت امام جعفر صادق علیه السلم که حضرت پیغمبر ص
رفت نزد حضرت فاطمه جامهٔ از پشم شتر پوشیده و دستاس میکرد — ...ید که حضرت فاطمه م
و شیر میداد فرزند خود را آنحضرت چون فاطمه را چنان دید در کریه
شد و کفت اي دختر من تعجیل کن در قبول کردن تلخي دنیا تا آنکه بحلاوت
و شیریني برسي [آخرت] بدرستی که خدا تعالی فرو فرستاده است بر سر این

این آیه وَلَسَوْفَ یُعْطِیكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى یعنی زود باشد که بدهد
بتو پروردکار تو در آخرت انقدار چیزي که راضی و خشنود شوي
و منقولست از کتاب لباس که [کفت] محمد بن اسحق که کفتم بامام رضا ع
که آیا جایز است که مردي را که خصي کرده باشند برود نزد زنان و
آب وضو بایشان بدهد و ببیند موي ایشان را آنحضرت کفت جایز
نیست و روایتست که امیر المؤمنین علي علیه السلم سلام میکرد
بر زنان و کراهیت میداشت که سلام کند بر زن جوان و میکفت که
میترسم که در شکفت می‌آورد مرا صورت آن زن و کناه حاصل شود — ...... مرا
بیشتر از ثواب سلام کردن و روایتست که پرسید ابو بصیر از ابي عبد الله
که آیا جایز است که مصافحه کند مرد با زني که محرم او نباشد آنحضرت
کفت که جایز نیست مکر وقتی که جامهٔ آستین [دست] حایل باشد و روایتست
که پرسید عمار ساباطي از ابي عبد الله علیه السلم که زنان چکونه
سلام کنند هرکاه درایند نزد مردمان آنحضرت کفت که زن بکوید
علیکم السلم و مرد بکوید السلام علیکم و کفت ابو عبد الله که
امیر المؤمنین علي علیه السلم که مردي که موي وي بسیار است
شهوت او کم است و کفت محمد بن اسحق که ابو جعفر فرمود که آیا میداني
که از جهت چه کابین زنان چهار هزار درهم شده است کفتم نمیدانم کفت
بجهت آنکه ام حبیبه که دختر ابو سفیانست و در حبشه مي بود چون حضرت — ...... پیغمبر ص
نکاح کرد او را نجاش که حاکم حبشه بود چهار هزار درهم مهر او فرستاد

پس از پیغمبر است که مردمان کابین چهار هزار درهم میکنند اما اصل
کابین دوازده اوقیه است ونیم وهر اوقیه چهل درهم است وکفت روزی
که امیرالمؤمنین علی علیه السلم میکذشت براهی دید که چهارپایی را
بر چهارپایی دیکر میکشند درمیان راه انحضرت روکردانید کسی
کفت چرا چنین کردی انحضرت کفت که سزاوار نیست که این کار بکنند
مکر درجائی که نه بیند مرد ونه زن وکفت امام جعفر صادق علیه
السلم انکسی که نظر کند بزنی وبردارد چشم خود را ازان زن وبآسمان
نکاه کند یا انکه چشم خود را برهم نهد هنوز چشم باز نکرده باشد که
خدای تعالی نکاح کند با او حورعین ونیز کفت که نظر کردن اول مرتبه
بزنان ضرری ندارد ودر مرتبه دوم حرامست ودر مرتبه سیوم
موجب هلاکتست یعنی کناه عظیم دارد وکفت امام محمد باقر علیه
السلام که باکی نیست که نظر کند بموی مادر وخواهر ودختر خود ومنقولست
از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلم از پدران خود
علیهم السلام که کفت امیرالمؤمنین که زن را ده عورتست هرکاه شوهر
کرد یک عورت او پوشیده شد وهرکاه مرد تمام عورتهای او پوشیده
شد ومنقولست از کتاب محاسن که کفت ابوعبدالله علیه السلام
که حضرت موسی کفت که بار خدایا کدام عمل فاضلتراست وبهتر نزد تو
حق تعالی فرمود که دوستی اطفال بدرستی که من افریده ام ایشانرا بر
وجهی که اعتقاد دارند بوحدانیت ویکانکی من پس اکر بمیرانم ایشانرا

میبرم

١٤٧

میبرم بهشت برحمت خود ونیز منقولست از کتاب محاسن که کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بزرکترین کناهان سه است
وکشتن چهارپای ونادادن کابین زن ومزد مزدور ومنقولست
از کتاب نوادر الحکمه که کفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که
بسیار مکنید کابین زنانرا تا سبب دشمنی نشود وکفت ابویعفور
که کفتم بامام جعفر صادق علیه السلام که میخواهم که نکاح کنم
زنی را وپدر ومادر من میخواهند که من دیکری را نکاح کنم انحضرت
کفت نکاح کن آن زن را که تو میخواهی وبکذار آن زن را که پدر و
مادر تو میخواهند وروایت کرده است امام جعفر صادق از
پدران خود علیهم السلم که کفت حضرت پیغمبر که هر زنی که بخشد
کابین خود را بشوهر خود پیش از آنکه دخول کند بنویسد خدای
تعالی بعدد هر دینار برای او ثواب آزادی بنده کسی کفت یا
رسول الله چکونه است بخشیدن کابین بعد از دخول آن حضرت کفت
که بخشیدن کابین بعد از دخول دوستی والفت میباشد
وکفت حسین بن مختار که سلمان نکاح کرد زنی را که مالدار
بود پس درآمد بخانه آن زن دید دران فرشها انداخته اند کفت
که خانه شما حرم کعبه است که زینت داده اید اورا وکنیزی دید که انکشتری
درانکشت داشت کفت این کنیز از کیست کفتند از زن تست کفت
انکسی که کنیز داشته باشد ودخول نکند باو کنیز زنا کند کناه آن

بیش از آنکه متوجه باو

و آن کنیز م

کنیز برانکس است وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که
انکسی که کنیزی داشته باشد باید که چهل روز یکبار با او جماع کند
کند ونیز کفت که وقتی مجامعت کند مرد بکنیز خود وبعد ازان
خواهد که مجامعت کند باکنیز دیکر باید که وضو بسازد ونیز
ونیز کفت که امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمود که مکذارید
که شیر دهد زنی بی عقل طفل شما را بدرستی که شیر اثر میکند
در طبیعت آن طفل وکفت حضرت پیغمبر که مکذارید که زن
بی عقل شیر دهد فرزند شما را بدرستی که پرورش می یابد
بشیر ومنقولست از کتاب فردوس که کفت عمرو بن سلمه که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که خدای تعالی
چاراده بخش کرده است نه بخش را بزنان داده است ویک
بخش بمردان واکر چنین نمی بود نمی افتادند زنان در زیر مردان و
همچنانکه می افتند چهارپایان ماده در زیر چهارپایان نر
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که زنانرا در وقت
آبستن شدن تا زائیدن واز زائیدن تا از شیر باز کردن فرزند
ثوابیست برابر ثواب کسی که مهیا شده باشد برای جهاد کردن
در راه خدای تعالی واکر درمیان ان بمیرند ایشانرا ثواب شهید
خواهد بود ونیز کفت که مخنثانرا رحم هست همچون رحم زنان و
لیکن رحم واژکونست ونیز کفت که هرکاه زن زائید باید که

اول چیزیکه بخورد خرمای تر باشد واکر خرمای تر یافت نشود
خرمای خشك بخورد بدرستی که اکر چیزی بهتر از خرما می بود خدای
تعالی انرا بمریم میداد در وقتی که زائید عیسی را وکفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا فرمود که زنا مکنید
بدرستی که لذت نمی یابید از زنان خود وپرهیزکاری کنید تا
انکه پرهیزکاری کنند زنان شما بدرستی که فلان قوم مردان
ایشان زنا کردند پس زنان ایشان نیز زنا کردند وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که حلال نیست زنانرا خواب
کردن تا انکه عرض کند نفس خود را بدن او وهرکاه چنین کرد عرض
کرد خود را بر شوهر خود وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
که هر مردی که جماع داده باشد حرام کردانیده است خدای تعالی
نشستن را بر دیبای بهشت یعنی ببهشت نخواهد رفت وکفت حضرت
پیغمبر که انکسی که ببوسد پسر را بشهوت خدای تعالی در روز قیامت ... لجامی از
آتش دوزخ در دهن او کند وکفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه
السلام که رغبت کند که از روی شهوت با و بازی کند خدای بد
با وشهوت زنان وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که خدای تعالی
کردانیده است شهوت مومنانرا در پشت ایشان وشهوت کافرانرا در
دبر ایشان ونیز کفت که انکسی که نکاح کند دختری که کار خود را
بکسی که شراب میخورد بدرستی که قطع خویشی کرده است میان

خود میان دختر خود و منقولست از کتاب فردوس که کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که دوک در دست زن صالح
همچون نیزه است در دست کسی که پیاده جهاد کند در راه خدا
تعالی و نیز کفت که بفرمایید زنان خود را که چرخ بریسند بدرستیکه
بهتر است ایشانرا و زینت میدهد و کفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود باید که هیچ کار نکنید شما تا انکه مشورت
کنید بمردی و اکر مردی نیابید باید که مشورت کنید بزنی و انچه
و آن زن بکوید خلاف آن بکنید بدرستی که در مخالفت کردن
بزنان برکتست و نیز آنحضرت فرمود که خوب مشغولیست چرخ
رشتن زن صالحه را و نیز فرمود که حضرت ابراهیم غیرت داشت
و غیرت من زیاده از واست و خدا تعالی خوار و ذلیل کرداند
مومنی را که غیرت ندارد و کفت امام محمد باقر علیه السلام
که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است بدرستی که زنان
هرکاه غیرت میکنند در غضب میشوند و هرکاه در غضب شدند
کافر میشوند مکر انکه زنانی که مسلمان باشند و کفت جابر که
امام محمد باقر علیه السلام کفت بمن که خدا تعالی بزنان غیرت
نداد و غیرت را مخصوص مردان کردانید بجهت انکه خدا تعالی حلال
کردانید چهار زن را و از کنیزان انچه مالك شوند و حلال نکردانید
بر زنان مکر یك شوهر پس اکر نافرمانی کند با شوهر خود اندری

غیرت نزد خدا تعالی زنا کردن است و غیرت میدارند زنان
بد و نافرمانی میکنند شوهر خود را و اما زنان مومن غیرت
ندارند و نافرمانی نمیکنند و کفت محمد بن اسمعیل بن بزیع
که پرسیدم حضرت امام رضا را از رو پوشیدن زنان از مردانی
که خصی کرده باشند ایشانرا آنحضرت کفت که [illegible] میرفتند
نزد دختران ابو الحسن علیه السلام و ایشان روی خود را
نمی پوشیدند کفتم آن مردان آزاد بودند کفت نی کفتم اکر آزاد
باشند زنان روی خود را بپوشند کفت نی

باب نهم

در بیان آداب سفر و انچه متعلق بآن و درین باب منقولست
از کتاب من لا یحضره الفقیه و از کتاب مجموع که از مصنفات پدر
منست طول الله عمره

فصل اول

در بیان سفر کردن و اوقاتی
که سفر نیکوست و اوقاتی که سفر بد است کفت عمرو بن ابی
المقداد که ابو عبد الله فرمود که مذکور است در حکمت آل
داود که باید که عاقل سفر نکند مکر برای سه چیز برای توشه
راه آخرت و کارسازی معاش و لذت نفس در غیر حرام
و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سفر کنید تا صحت
یابید و جهاد کنید تا غنیمت بکیرید و حج کنید تا غنی و مالدار
شوید و نیز کفت که سفر کنید بدرستی که اکر مالی حاصل نکنید
از سفر عقل شما کامل خواهد شد و کفت امیر المومنین علیه السلام

که سفر میزان قوم است یعنی مردم را میتوان سنجید و نیک
و بد ایشانرا در سفر معلوم توان کرد و کفت ابو عبدالله هر کاه
خواهد خدایتعالی که بنده را روزی دهد در زمینی میکرداند
او را بآن زمین و نیز کفت انکسی که خواهد سفر کند باید که
در روز شنبه سفر کند بدرستی که اکر فرسنکی دور شود
در روز شنبه باز میکرداند خدایتعالی او را بجای خود
وانکسی که حاجت او بر آورده نمی شود باید که طلب حاجت خود
کند در روز سه شنبه بدرستی که روز سه شنبه روزیست
که خدایتعالی نرم کرده است در ان روز آهن را برای داود
علیه السلم و کفت ابراهیم بن یحیی مداینی که ابو عبدالله فرمود
که باکی نیست در شب جمعه بسفر رفتن و کفت ابو جعفر علیه
السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم سفر میکرد
در روز پنجشنبه و کفت که روز پنجشنبه روزیست که دوست
میدارد خدا و رسول و فرشتکان این روز را و کفت انس
که دوسترین روزها نزد رسول خدا برای سفر روز جمعه بود
وانحضرت چون میخواست که سفر کند بجانبی پنهان میداشت و جان
میکرد که مردمان کمان میبردند که بجانب دیکر میرود و مروی است
که نوشتند بعضی از اهل بغداد بابی الحسن دویم که چون است
سفر کردن در روز چهارشنبه انحضرت در جواب نوشت

بسفر

محتاج

که انکسی

که انکسی که سفر کند در روز چهارشنبه بجهت مخالفت کسانی
که فال بد میزنند و روز چهارشنبه را نحس میدانند نکاه
داشته شود از جمیع آفتها و عافیت یابد از جمیع بلاها و بر آورد
خدایتعالی حاجت او را و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم که بر شما باد که شبکیر کنید در سفر بدرستی که زمین
در نوردیده میشود در شب و زود قطع مسافت میشود
و کفت ابو عبدالله علیه السلام که زمین در نوردیده می
شود در آخر شب و نیز کفت که بیرون مروید روز جمعه
بجهة حاجت پس هر کاه روز شنبه شود و آفتاب برآید بیرون
روید بجهة حاجت خود و روایتست که پرسید ابو ایوب خراز
از ابی عبدالله در تفسیر قول خدایتعالی که فَاِذَا قُضِيَتِ
الصَّلوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِی الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللهِ
انحضرت فرمود که مراد از صلوة در این آیه روز جمعه است و مراد
از انتشار روز سه شنبه است و معنی آیه اینست که پس چون
کذارده شود نماز جمعه پراکنده شوید در زمین بجهة مهمات
خود و بجوئید از فضل خدایتعالی حاجت های خود را و کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که سفر مکنید در روز
سیم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم ماه بدرستی که
این ایام نحس است و نیز کفت که بسفر مروید و طلب حاجت

مکنید در روز شنبه و منقولست از کتاب عیون الاخبار
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که روز
سه شنبه روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز
عروسی و بنا نهادنست و در روز دوشنبه روز سفر و
طلب حاجت است و سه شنبه روز جنگست و خون ریزیست
و روز چهارشنبه روز شوم است و روزیست که پاکیزه
میکنند مردمان خود را دران روز و روز پنجشنبه روز
رفتن است نزد امرا و حکام و روز بر آوردن حاجتهاست
و روز جمعه روز خطبه و نکاح است و گفت ابو ایوب خراز
که میخواستم که بسفر روم آمدم سلام کنم ابا عبد الله را
آنحضرت گفت که گویا شما میخواهید برکت را در روز دوشنبه
گفتم بلی گفت کدام روز شوم تر است از روز دوشنبه این
روزیست که حضرت پیغمبر از دنیا رحلت فرمود و درین
روز وحی منقطع شد از ما باید که سفر نکنید در روز دوشنبه
و در روز سه شنبه سفر کنید و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که انکسی که سفر کند یا نکاح کند و قمر در برج عقرب باشد
و نیکوئی نه بیند از ان سفر و نکاح و گفت عبد الملک بن اعین
که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که من مبتلا شده ام بعلم نجوم

پس اگر اراده حاجتی میکنم نظر میکنم در طالع وقت و می بینم
که طالع نیکست یا بد پس اگر بد است ترک آن کار میکنم دران
وقت بطلب حاجت نمیروم و اگر نیکست بطلب آن حاجت میروم
آنحضرت گفت بمن که عمل میکنی آنچه بگویم گفتم بلی گفت بسوزان
کتابهای نجوم خود را و روایتست که حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام کراهت میداشت که کسی بسفر رود یا نکاح
کند و قمر در محاق باشد و محاق سه روز از آخر ماهست
و گفت امام موسی علیه السلام که پنج چیز شوم است مسافر را
اول در راه کلاغی بانگ کند از جانب راست او و پر اکنده کند خود را
و دوم کرکی که بانگ کند از جانب راست در روی او و بر دم
خود نشسته باشد و بانگ کند و بعد از ان خود را بلند و
پت کند سه بار و سوم آهوی که از جانب راست مسافر بیاید و بجانب
چپ برود و چهارم بومی که فریاد کند و پنجم خرماده که گوش و بینی
یا لب او را بریده باشند پس آنکس که یکی ازینها پیش او بیاید
و در خاطر او دغدغه پیدا شود باید که بگوید اِعْتَصَمْتُ
بِکَ یا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ فی نَفْسی فَاعْصِمْنی مِنْ ذٰلِکَ
و گفت که هر که این دعا را بخواند نگاه داشته میشود از شآمت
اینها و گفت جلی که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام آیا مکروه است
سفر کردن در روزی از روزها که مردمان مکروه میدارند

انروز را چون روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت کفت که
هرکاه خواهی که سفر روی ابتدا کن بصدقه و آیة الکرسی
بخوان و هر روزی که میخواهی سفر کن. وکفت ابو عبدالله ع
که امام زین العابدین فرمود که حج کنید و بکنارید عمره تا صحت
یابد بدن شما و فراخ شود روزی شما و کفایت شود روزی
شما و کفایت مؤنت شما و عیال شما و نیز کفت ابو عبدالله
علیه السلام که اکر مردی پیاده بحج رود و سورهٔ انا انزلنا
بخواند از پیاده رفتن مشقتی نیابد و نیز کفت که انکسی که سورهٔ
انا انزلنا بخواند در وقت سوار شدن بر چهارپا سالم باشد
و آمرزیده شود و نیز کفت که خوانندهٔ انا انزلنا کران ترا است بر
چهارپا از آهن یعنی چهارپا عاجز است در دست او و نمی تواند
انداخت اورا و نیز که شتری که برو سوار شده باشد و هفت نوبت
بحج رفته باشد میکردد از چهارپایان بهشت وکفت ابو جعفر ع
که اکر چیزی پیشی میکرفت قضا و قدر را هر آینه میکفتم که
کسی که انا انزلنا بخواند در وقت سفر کردن یا از منزل بیرون
رفتن زود باز میکردد بمنزل خود **فصل دوم**
در بیان در بیان ابتدا کردن سفر بصدقه و غیر آن
صدقه وکفت عبدالرحمن ابن حجاج که ابو عبدالله فرمود
که میخواهی سفر کنی صدقه بده و بیرون رو هر روزی که میخواهی

وکفت

۱۸۵

وکفت حماد بن عثمان که با بی عبدالله علیه السلام که ایا مکروه است
سفر کردن در روزی از روزها که مکروه میدانند مردمان
ان روز را چون روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت کفت که اول
صدقه بده و بعد ازان بیرون رو بسفر هر روزی که میخواهی
و آیة الکرسی بخوان و حجامت کن هر روز که میخواهی وکفت ابو عمیر
که میدانستم علم نجوم و اوقات را نظر میکردم دران هرکاه میخواستم
کاری کنم و دغدغه در خاطر من پیدا میشد پس شکایت کردم
ازین جهة نزد امام موسی آنحضرت کفت که واقع شود در خاطر
تو دغدغه تصدق کن بر اول مسکینی که بتو برسد و بعد
ازان کار بکن بدرستی که خدای تعالی دفع میکند آن نحوست را
و بدی آنروز را و منقولست از کتاب محاسن که کفت عبدالله
بن سلیمان که کفت امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر
صادق علیه السلام که پدر من وقتی که بسفر میرفت در روز
چهارشنبه یا در روزی که مردمان مکروه میدانند سفر
کردن را در ان روز بجهة بودن قمر در محاق و غیر آن صدقه
میداد و بعد ازان بیرون میرفت بسفر وکفت محمد بن مسلم
که ابو عبدالله فرمود که هرکاه کسی خواهد که بسفری بیرون رود
باید برود نزد مادر خود و طلب سلامتی کند از خدای تعالی
بصدقه دادن از انچه میسر شود در وقتی که سوار میشود هرکاه

بسلامت دارد خدایتعالی اورا وباز کردد از سفر باید که حمد کو
خدایتعالی را وشکر کند وتصدق کند بانچه میسر شود و
نیز کفت که وقتی که خواهی که سفر کنی طلب سلامتی کن از پروردگار
خود بصدقه دادن بانچه خوش آید ترا ودر وقت صدقه دادن
بکو اللهم انی ارید سفر کذا وکذا وانی قد اشتریت سلامتی
فی سفری هذا بهذا ومراد از کذا وکذا انست که تعیین انجا که
میروی وتعیین مطلوبی که داری بکنی وصدقه را بهر کسی که
صلاحیت داری بدهی ودر وقتی که رسیدی بجایی که مقصد تست
نیز صدقه بده بجهت شکر انکه بمقصود رسیدی **در بیان**
برداشتن عصا منقولست از کتاب که روایت کرده است انس
بن مالک که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که آیا
عاجزید که بکیرید بدست خود عصایی که در پایین او سنان نیز
باشد که تکیه کنید بر وقتی که مانده شوید وبیرون آورید
بان آب را ودور کنید بان از راه چیزهایی که موجب ایذا میشود
وبکشید بان کزنده ها را وجنک کنید بان با درنده ها ودر
پیش خود بجانب قبله فرو برید در صحرا در وقت نماز کردن
ونیز روایت کرده است انس که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که برداشتن عصا علامت مومن است وسنت
پیغمبران است وکفت اسلمه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله

وسلم

وسلم فرمود که راه رفتن با عصا از تواضع است وتوشه
میشود برای او بهر کامی که بر میدارد هزار حسنه وبلند
میشود مرتبه او هزار درجه وکفت امیر المومنین علی علیه السلم
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که انکسی که
بیرون رود بسفری وبا او عصای از بادام تلخ بوده باشد
واین آیتها را بخواند که وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي
أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ
أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي
لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ
أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ
الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا
يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ
إِنِّي
أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ
أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي
إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ایمن
کرداند خدایتعالی اورا از شر هر درنده که ضرر رساند وهر

دزدي و هر كزنه بي تا وقتي كه بازكردد در منزل خود ونيز
كفت كه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود انكسي
كه عصا بدست كيرد دور شود از وي درويشي و شيطان نزديك
او نشود كفت حضرت پيغمبر انكسي كه ميخواهد كه زمين در هم
نورديده شود براي او در راه رفتن بايد كه عصاي بادام تلخ
بدست بكيرد ونيز كفت كه عصاي بادام تلخ بدست بكيرد ونيز
كفت كه عصاي بدست بكيرد بدرستي كه از سنتهاي پيغمبران است
و بني اسرائيل خورد و بزرك ايشان راه ميرفتند تا انكه تكبر
نكنند در راه رفتن خود **در بيان** تحت الحنك بستن
بطريق دستار منقولست از كتاب ثواب الاعمال كه كفت امام جعفر صادق
عليه السلام كه من ضامنم كسي را كه بيرون رود از منزل خود
و تحت الحنك بسته باشد بطرف دستار كه بسلامت بازكردد
با اهل خود ونيز كفت كه انكسي كه بيرون رود بسفري و تحت الحنك
نه بندد بطرف دستار و برسد باو المي و دردي كه دوا ندانند
باشد بايد كه ملامت نكند مكر خود را وكفت ابو الحسن عليه
السلام كه من ضامنم كسي را كه بيرون رود بسفري و تحت الحنك بسته
باشد بطرف دستار كه دزد باو نرسد و غرق نشود و نسوزد

فصل سيوم در بيان انچه سنتست بجا آوردن
وقت بيرون رفتن بسفر **و خواندن** دعاي وقت بيرون رفتن

عصا بدست گرفتن
الحنك

بسفر كفت رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم كسي كه بسفر
بيرون ميرود نميكذارد براي اهل خود چيزي كه فاضلتر باشد از دو
نماز و بايد كه بكويد در وقت وداع كردن اهل خود اللهم اني
استودعك اليوم نفسي و مالي و اهلي و ولدي و جيراني
و اهل خزانتي الشاهد منا و الغائب و جميع ما انعمت به علي
اللهم اجعلنا في كنفك و منعك و عياذك و عزك عز جارك
و جل ثناؤك و امتنع عائذك و لا اله غيرك توكلت على
الحي الذي لا يموت الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك
في الملك و لم يكن له ولي من الذل و كبره تكبيرا و الحمد
لله كثيرا و سبحان الله بكرة و اصيلا روايتست كه
ابو جعفر عليه السلام چون ميخواست كه بسفر رود جمع ميكرد
عيالان خود را در خانه و بعد از ان اين دعا كه كذشت ميخواند
و كفت صباح الحذا كه شنيدم از امام موسى عليه السلام
كه ميكفت هر كاه خواهيد كه سفر كنيد بايد كه بايستد بر در سراي
خود برابر انجا كه متوجه ايد پس يكنوبت فاتحه بخوانيد و بجانب
پيش خود بدميد و يكنوبت ديكر فاتحه بخوانيد و بجانب راست
خود بدميد و اية الكرسي را نيز و بعد از ان بكوئيد اللهم
احفظني و احفظ ما معي و بلغني و بلغ ما معي ببلاغك الحسن بدرستي كه
چون چنين كنيد نكاه ميدارد خدايتعالى شما را و انچه با شماست

ركعت
الله اكبر كبيرا
آية الكرسي
و يكنوبت ديكر فاتحه بخوانيد و بجانب چپ خود بدميد
و سلمني و سلم ما معي

وبسلامت میدارد خدایتعالی شمارا وانچه باشماست ومیرساند
شمارا بمنزل که مقصود شماست بعد ازان کفت امام موسی
علیه السلم که ای صباح ایاندیدی که نکاه داشته شود و
انمرد بسلامت باشد وانچه بااوست بسلامت نباشد واو
برسد بانجاکه میخواهید وانچه بااوست نرسد کفتم فدای تو کردم
بلی دیدم ودر روایتیست که امام جعفر صادق وقتی که میخواست
بسفر رود میکفت که اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَاَحْسِنْ مَسِیرَنَا
واعظم عاقبتنا وکفت امام رضا علیه السلم که وقتی که بیرون میروی
ازمنزل خود درسفر یا در حضر بکو بسم الله امنت بالله توکلت
علی الله ماشاء الله لاحول ولاقوة الا بالله پس اکر شیطان
پیش تو آید بزنند فرشتها بر روی او وکویند بااو که ترا دست
دستی نیست برو بجهة انکه بسم الله کفته است وایمان
آورده است بخدایتعالی وتوکل کرده است برخدایتعالی
وکفته است ماشاء الله لاحول ولاقوة الا بالله وکفت ابوجعفر
علیه السلم که انکسی که بکوید در وقت بیرون رفتن از منزل
خود که اعوذ بالله مما عاذت منه ملائکة الله من شر هذا الیوم
ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن شر الجن
والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم
کلها اجیر نفسی بالله من کل شیء بیامرزد خدایتعالی او را وقبول

اوّل وام

و در روایتیست که ابو عبدالله
وقتی که بسفر میرفت

کند توبه او را وکفایت کند مهمات او را ونکاه دارد از مکروها
وازکردن فعلهای ناشایست وکفت انس بن مالک که رسول
خدا هرکاه قصد سفر میکرد وقتی که برمیخواست از جای خود
میکفت اَللّٰهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ وَاِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ
اَنْتَ ثِقَتِی وَرَجَائِی اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَا اَهَمَّنِی وَمَا لَا اَهْتَمُّ لَهُ
وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی اَللّٰهُمَّ زَوِّدْنِی التَّقْوٰی وَاغْفِرْ لِی وَوَجِّهْنِی
اِلَی الْخَیْرِ حَیْثُ مَا تَوَجَّهْتُ وبعد ازان بیرون میرفت بسفر
میکفت اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی وَاحْفَظْ مَا مَعِی وَبَلِّغْنِی وَبَلِّغْ مَا مَعِی
بَلَاغَكَ الْحَسَنَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَاٰلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِی کُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ کُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِی
مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ اَکْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَاصْرِفْ عَنِّی مِنَ الشَّرِّ اَکْثَرَ مِمَّا
اَحْذَرُ فِی عَافِیَةٍ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ونیز میکفت اَسْاَلُ اللّٰهَ الَّذِی
بِیَدِهِ مَا دَقَّ وَجَلَّ وَبِیَدِهِ اَقْوَاتُ الْمَلَائِکَةِ اَنْ یَهَبَ لَنَا فِی
سَفَرِنَا اَمْنًا وَاِیمَانًا وَسَلَامَةً وَاِسْلَامًا وَفِقْهًا وَتَوْفِیقًا
وَبَرَکَةً وَهُدًی وَشُکْرًا وَعَافِیَةً وَمَغْفِرَةً عَزْمًا لَا یَغَادِرُ
ذَنْبًا وکفت ابوعبدالله علیه السلام که در وقت بیرون رفتن
ازمنزل خود بکوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر بِسْمِ اللّٰهِ دَخَلْتُ
وَبِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ وَعَلَی اللّٰهِ تَوَکَّلْتُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی فِی وَجْهِی

هذا الخیر اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی و من شر غیری
و من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم خدا یتعالی ضامن است که بسلامت دارد او را تا انکه
باز کردد بمنزل خود و نیز کفت که باید که بعد از ان خواندن این
دعا که مذکور شد بکوید توکلت علی الله ماشاء الله لا قوة الا
بالله اللهم انی اسئلك خیر ما خرجت له و اعوذ بك من شر
ما خرجت له اللهم اوسع علی من فضلك و اتمم علی من نعمتك
و اجعل رغبتی فیما عندك و توفنی فی سبیلك علی ملتك و ملة
رسولك بعد از ان آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس بخواند و بجانب پیش خود بدمد و یکنوبت
دیکر بخواند و بالای سر خود بدمد و یکنوبت دیکر بخواند و بجانب
بالای راست خود بدمد و سه نوبت دیکر بخواند و بجانب چپ
خود بدمد و توکل کند بخدا یتعالی امن مدهم

و بعد از ان سه نوبت قل هو الله احد

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم میخواند وقتی که بسفر
میرفت و شب نزدیك بود یا ارض ربی و ربك الله و اعوذ بالله
من شرك و شر ما فیك و سوء ما یدب علیك و اعوذ بالله
من اسد و اسود و من شر الحیة و العقرب و من شر ساکن
البلد و من والد و ما ولد اللهم رب السموات السبع و ما اظللن
و رب الارضین السبع و ما اقللن و رب الریاح و ما ذرین و رب

الشیاطین

الشیاطین و ما اضللن اسئلك ان تصلی علی محمد و آل محمد و اسئلك
خیر هذه اللیلة و خیر هذه الیوم و خیر هذا الشهر و خیر
هذه السنة و خیر هذه البلد و اهله و خیر هذه القریة و اهلها
و خیر ما فیها و اعوذ بالله من شرها و شر ما فیها و شر کل دابة
ربی اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم در بیان
انچه می باید در وقت سوار شدن خواند در روایت که امام
جعفر صادق علیه السلام وقتی که پای خود را بر رکاب
می نهاد می کفت سبحان الله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین
و هفت نوبت سبحان الله میکفت و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت
لا اله الا الله و کفت اصبغ بن نباته که کرفتم رکاب امیر المؤمنین
علی علیه السلام وقتی که میخواست که سوار شود پس انحضرت
سر خود را بر داشت و متوجه آسمان شد و تبسم کرد کفتم یا امیر
المؤمنین دیدم ترا که سر خود را بر داشتی و تبسم کردی این
چه بود انحضرت کفت ای اصبغ من کرفتم رکاب رسول خدا را همچنانکه
تو کرفتی رکاب مرا پس انحضرت سر خود را بر داشت و متوجه آسمان
شد و تبسم کرد پرسیدم همچنانکه تو پرسیدی از من و زود
باشد که خبر دهم بتو انچه خبر داد بمن انحضرت پس کفت که کرفتم
رکاب حضرت پیغمبر را وقتی که سوار شد بر استر سفیدی
پس انحضرت سر خود را بر داشت و متوجه آسمان شد و تبسم کرد

مستحب

کفتم یا رسول الله سبب این چه بود انحضرت کفت یا علی هر کسی که سوار
شود بر چهار پایی که خدا تعالی باو داده است و بعد ازان بخواند
آیه سخره را که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة
ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین
ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا
ان رحمت الله قریب من المحسنین وبعد ازان بکوید استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی
ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بکوید ای فرشتکان
من بنده میداند که نمی آمرزد کناهانرا غیر از من کواه باشید که
آمرزیدم کناهان او را و کفت امام رضا علیه السلم که رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم فرمود وقتی که کسی سوار شود بر چهار
پایی و بسم الله بکوید در عقب وی فرشته سوار میشود
ونکاه میدارد او را تا انکه فرود آید بمنزل و اکر سوار شود و بسم الله
نکوید شیطان در عقب او سوار شود و میکوید باو که خواندکی
کن پس اکر بکوید که خواندن نمیتوانم کرد شیطان بکوید باو که
آرزو کن پس انکس آرزوهای باطل کند تا وقت فرود آمدن بمنزل
کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که در وقت

سوار شدن بکوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله والحمد لله
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین نکاه داشته شود او
و چهار پای او تا وقتی که فرود آید بمنزل از جمیع بلاها و نیز کفت
که در وقت سوار شدن میباید کفت که الحمد لله الذی هدانا للاسلام
وعلمنا القران ومن علینا بمحمد صلی الله علیه واله وسلم سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان
علی الامر وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال
والولد اللهم انت عضدی وناصری چون برای چهار پایی دور ا
بکو خرجت بحول الله وقوته برئت الیک یا رب من الحول والقوة
اللهم اسئلک برکة سفری هذا وبرکة اهله اللهم انی اسئلک
من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خافض
فی عافیة بقوتک وقدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة
منی بغیرک ولا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک شکرک وعافیتک
ووفقنی لطاعتک وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضا

در بیان

مشایعت
کردن روایتست که مشایعت کرد حضرت پیغمبر جعفر طیار را رحمة الله
علیه در وقتی که میفرستاد او را بجانب حبشه وانحضرت این
کلماترا خواند و توشه راه او ساخت این کلماترا تا در راه بسلامت
باشد که اللهم الطف به فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر

اِلَيْكَ يَسِيرًا اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ وَالْمُعَافَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ و
روايت است كه وداع كرد رسول خدا مرديرا وكفت كه زوّدك
الله التقوي وغفر ذنبك ولقاك الخير حيث كفت وروايت
كه چون مشايعت كرد امير المؤمنين علي عليه السلام اباذر غفاري
رحمة الله عليه مشايعت كردند اباذر را امام حسن وامام
حسين وعقيل بن ابي طالب وعبد الله جعفر وعمار بن ياسر
نيز پس كفت امير المؤمنين علي عليه السلام كه وداع كنيد برادر
خود را بدرستي كه ناچار است مسافر را كه برود وانكسي را كه
مشايعت ميكند كه بازكردد پس هر كدام سخني كفتند در وقت
وداع كردن پس كفت امام حسين عليه السلام بابي ذر كه
رحمت كند بر تو خداي تعالى اباذر بدرستي كه قوم خوار كردند ترا
بجهت انكه باز داشتي از ايشان دين خود را وتابع ايشان نشدي
پس ايشان باز داشتند از تو دنياي خود را پس چه محتاج اند ايشان
بان چيزي كه باز داشتي از ايشان وچه غني وبي نيازي تو از انچه
باز داشتند ايشان از تو اباذر كفت كه رحمت خداي بر شما باد
اي اهل بيت پيغمبر بدرستي كه از خواري خود باكي ندارم وغم شما
دارم ومرا اندوهي نيست در دنيا غير از اندوه شما بدرستي كه
هركاه ياد ميكنم شما را بسبب شما ياد ميكنم رسول خدا را ودر وقتي
كه رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم وقتي كه وداع ميكرد

ای

مؤمني را ميكفت زَوَّدَكُمُ اللهُ التَّقْوَي وَوَجَّهَكُمْ اِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَى
لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ وكفت
ابو جعفر عليه السلام كه حضرت رسالت پناهي هركاه ميكرد وداع
مسافر بر دست آن را ميكرفت وبعد از ان ميكفت احسن الله لك
الصحابة واكمل لك المعونة وسهل لك الحزونة وقرب لك البعيد
وكفاك المهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتيم عملك ووجهك
لكل خير عليك بتقوي الله استودع الله نفسك سر على
بركة الله عز وجل در بيان وداع روايتست كه
كسي كه خواهد وداع كند كسي را بايد كه بكويد كما استودع الله
دينك وامانتك وخواتيم عملك احسن الله لك الصحابة واعظم
لك العافية وقضى لك الحاجة وزودك التقوي ووجهك
للخير ما توجهت ورددك سالما غانما ومنقول است از كتاب محاسن
كه كفت امام جعفر صادق كه وداع كرد رسول خدا صلى الله عليه
واله وسلم مردي را پس كفت بان مرد كه سلمك الله وغنمك فصل
چهارم در بيان اخلاق نيكو در سفر در بيان نيك صحبت
داشتن در سفر ونكاه داشتن حقوق وطلب كردن رفيق
كفت ابو ربيع الشامي كه بوديم نزد ابو عبد الله در خانه وانخانه
پر بود از فرزندان وخويشان انحضرت كه از شيعه ما نيست كسي كه
نيك صحبت ندارد بمصاحبان خود ونيك همراهي نكند با رفيقان

الى سالمين

پس كفت انحضرت

خود وچیزی نخورد بانکسی که باو چیزی منخورد وخوش
خلقی نکند باکسی که خوش خلقی میکند باو وکفت ابو عبدالله
علیه السلم که پدر من فرمود که اعتباری ندارد کسی که قصد
خانهٔ کعبه کند ودرو سه خصلت نباشد خلقی که خوش خلقی
کند بیاران خود وحلمی که نکاهدارد غضب اورا وورع وپرهیزکاری
که خبر دهد کسی با نجه پیش آمده است اورا در سفر از خیر وشر
وکفت عمار بن مروان که ابو عبدالله بمن کفت که وصیت میکنم ترا
بتقوی وپرهیز وادای امانت وراست کفتن ونیك صحبت داشتن
بکسی که مصاحبت کند بتو وکفت ابو بصیر که کفتم بامام جعفر صادق
علیه السلم که چونست که مردی بسفر بیرون رود که اندك
مالی داشته باشد وبا قومی که مالدار باشند پس ایشان بیرون
آورند توشهٔ خودرا وآنمرد قادر نباشد که بیرون آورد توشهٔ مثل
توشهٔ ایشان آنحضرت کفت که دوست نمیدارم که خوار کرداند
مردی خودرا باید که بسفر بیرون رود باکسی که مثل او باشد
در مال وکفت ابو جعفر علیه السلم که بانکسی که اختلاط میکنی
اکر قدرت داری که تو باو نفقه بدهی چنین کن وکفت حضرت
پیغمبر که اول رفیق پیدا کنید وبعد از آن سفر کنید ونیز کفت
که دو کس که بایکدیکر مصاحبت میکنند آنکسی که ملایمت
او بیشتر است با مصاحب ثواب او بیشتر است وخدایتعالی

کادی

اورا

۱۸۶

ورا بیشتر دوست میدارد وکفت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام که مصاحبت مکن در سفر باکسی ترا از خود
بهتر نداند همچنانکه تو اورا از خود بهتر میدانی وکفت رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم که سنتست که هرکاه قومی بیرون
روند بسفر توشهٔ خودرا بیرون آورند بدرستی که این بهتر
است برای ایشان وکفت ابو عبدالله که مصاحبت کن باکسی که
تو باو زینت یابی ونیز کفت که کسی شب در خانه تنها باشد
شیطان با اوست واکر دو کس باشند از جن ضررها رسد بایشان
واکر سه کس باشند بایکدیکر انس میکیرند وکفت شهاب بن عبد ربه
که کفتم بابی عبدالله که میدانی حال مرا وتوانکری مرا واین که من
چیزی بسیار نفقه میکنم برای برادر المومن آیا مصاحبت بکنم
با برادران مومن در راه مکه وچیزی بسیار برای ایشان صرف
بکنم آنحضرت کفت که چنین مکن بدرستی که اکر چیزی بسیار صرف
کنی وایشان نیز چیزی بسیار صرف کنند نقصان بایشان میرسد
واکر ایشان چیزی بسیار صرف نکنند خواری بایشان میرسد
پس مصاحبت کن باکسانی که مانند تو باشند در توانکری وکفت
ابو جعفر علیه السلام وقتی که خواهی بکسی مصاحبت کنی بکنی
باکسی که مثل تو باشد در توانکری ومصاحبت مکن باکسی که
مونت تو باشد بدرستی که این نوع مصاحبت موجب خواری

مصاحبت بکی

مومن است وکفت رسول خدا که بهترین مصاحبت ها نزد
خدایتعالی انست که جهار کس بایکدیکر مصاحبت کنند وقومی که
زیاده ازهفت باشند بسیار شود آواز وکفت وکوی ایشان
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که حق مسافر آنست
که سه روز بایستد برای برادر مومن وقتی که بیمار شود
در راه ونیز کفت که حضرت پیغمبر فرمود که هیچ نفقه دوست
تر نیست نزد خدای تعالی از نفقه که نه بسیار باشد ونه
کم ودشمن میدارد خدایتعالی اسراف را مکر در حج وعمره
وکفت حضرت پیغمبر در سفری که بحج میرفت که انکسی که بد
خلق باشد وبهمسایه خود بد سلوک کند در سفر باید که مصاحبت
کنند بایکدیکر ودرمیان ایشان بعضی توانکر باشند وبعضی
نباشند که آیا نفقه بکنند توانکر بر غیر توانکر انحضرت کفت بلی
اکر خوشحال شود غیر توانکر باین نفقه کردن وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که بهترین قوم انکسی است که خدمت
ایشان بکند در سفر ومنقولست از کتاب شرف النبی که رسول خدا
فرمود اصحاب خود را در سفری که کوسفندی بکشید یکی از اصحاب
بکفت بکشت که من اینکار میکنم ودیکری کفت که من می پزم
انحضرت کفت که من هیزم جمع میکنم برای شما اصحاب کفتند یا
رسول الله شما تشویش مکشید بدران وما دران ما فدای تو باد

ما اینخدمت را بجا می آریم انحضرت کفت که میدانم که شما میکنید
این کار را ولیکن خدایتعالی مکروه میدارد از بنده خود که بایاران
خود باشد وایشان همه کاری کنند واو هیچ کاری نکند پس
انحضرت برخواست وهیزم جمع میکرد برای ایشان دربیان
اداب مسافر روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
وقتی که سفر میکرد شانه ومسواک وسرمه دانی با خود برمیداشت
وروایت کرده است حماد بن عیسی از ابی عبدالله که لقمان
حکیم به پسر خود کفت که وقتی سفر کنی با جماعتی بسیار مشورت
کن با ایشان درکار خود ودرکار ایشان وبسیار تبسم کن در روی
ایشان وتوشه خود را با ایشان بده وقتی که ترا طلب کنند قبول
کن وهرکاه ایشان طلب یاری کنند از تو یاری کن ایشانرا و
بسیار خاموش باش بسیار نماز بکذار وسخاوت کن بانچه
داری از چهارپا وتوشه وآب ووقتی که طلب کواهی کنند کواهی بده
برای ایشان هرچه میدانی وهرکاه مشورت کنند با تو جهد کن
که انچه خیر ایشانست با ایشان بکوی وجواب مده مشورت ایشانرا
تا انکه برخیزی وبنشینی وخواب کنی وچیزی بخوری ونماز
بکذاری وفکر وحکمت خویش را دران مشورت بکار بری یعنی
باید که تامل کنی در جواب دادن ایشان وزود جواب ندهی
بدرستی که انکس که خالص نسازد نصیحت خود را برای انکس که

باخود

ازتو

مشورت با او برطرف کند خدا یتعالی عقل وفکر وامانت او را
وهرکاه به بینی که مصاحبان تو میروند تو هم برو با ایشان
کاری بکن وهرکاه ایشان تصدق کنند وچیزی بقرض بدهند
تو هم موافقت کن با ایشان وبشنو سخن کسی را که بسال از
تو بزرکتر است وهرکاه ترا کاری بفرمایند وچیزی از تو بطلبند
قبول کن وابا مکن بدرستی که نی کفتن خوب نیست وموجب
سرزنش میشود وهرکاه راه کم کنید ونیابید فرود آئید وهرکاه
شک کنید در راه راست توقف کنید وهرکاه کسی تنها ببینید
در راه از وی راه مپرسید طلب راه منمائید از وی مکنید بدرستی که
مرد تنها در بیابان در شک می اندازد مردم را ومیتواند بود که
جاسوس دزدان باشد یا انکه او شیطانی باشد که حیران وسر کردان
کند شما را وحذر کنید از دو مرد نیز اکر در راه به بینید وبدانید
از ایشان انچه من نمی بینم ونمیدانم یعنی مکر انکه آثار صلاح
از ایشان ظاهر باشد بدرستی که عاقل وقتی که به بیند بچشم
خود چیزی را میداند حق را وکسی که حاضر است می بیند چیزی را
که غایب نمی بیند ای فرزند من هرکاه وقت نماز شود تاخیر مکن
در نماز بجهة چیزی ونماز بکذار وخود را فارغ ساز بدرستی که
نماز قرض است ونماز را بجماعت بکذار واکرچه بالای سنان
نیزه باشد وخواب مکن بالای چهارپا بدرستی که پشت او زود

جراحت میشود واین کار حکیمان نیست مکر انکه در کجاوه باشی
که توانی دست وپای خود را دراز کنی پس هرکاه بمنزل نزدیک
شوی فرود آئی از چهارپای خود واول چهارپا را علف بده و
بعد از ان چیزی بخور وهرکاه خواهی که فرود آئی بر تو باد که
در زمینی که فرود آئی که رنک او نیکوتر باشد وکیاه او بیشتر
باشد از زمینهای دیکر وهرکاه فرود آئی بمنزل دو رکعت نماز
بکذار پیش از انکه بنشینی وهرکاه خواهی بقضای حاجت روی
دور شو از مردم وهرکاه بار کنی باید که دو رکعت نماز بکذاری
وبعد از ان وداع کنی زمینی را که در او فرود آمده بودی وسلام
کنی بران زمین وبر اهل زمین بدرستی که در هر قطعه از زمین جمعی
از فرشتکان باشند اکر قدرت داری در طعام دادن یا انکه
از طعام خود چیزی تصدق کنی وبر تو باد که قرآن بخوانی مادام
که در سفر باشی وبر تو باد که تسبیح بکوئی مادام که در کاری مشغول باشی
وبر تو باد که دعا کنی همیشه بر مومنان وبپرهیز از انکه از اول
شب تا آخر شب راه روی وبپرهیز از انکه آواز خود را بلند کنی
در وقت راه رفتن در بیان بخشش کردن توشه و
متعت کردن در سفر کفت رسول خدا که اشرف مرد آنست
که نیکو کرداند توشهٔ خود را وقتی که بیرون میرود در سفر
و روایتست که امام زین العابدین علیه السلام وقتی که بمکه میرفت

توشه

بجهة گذاردن حج وعمره توشهٔ او بهترین توشهها بود وآن با ادام و
شکر وتلخان بود ومنقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر
صادق علیه السلم که از مروت نیست که خبر دهد مرد از انچه
با او رسیده است از خیر وشر ونیز گفت که رسول خدا فرمود
که از شرف مرد انست که نیکو گرداند توشهٔ خود را وقتی که بیرون
میرود بسفر وروایتست که ابوذر رحمة الله علیه برخواست نزد
خانهٔ کعبه وگفت که من جندب بن سکنم پس مردمان گرد او
در آمدند ابوذر گفت اگر شما خواهید که سفر کنید هر اینه توشهٔ
خود بسازید چیزیرا که صلاح شما در ان باشد آیا برای سفر آخرت
توشه که صلاح شما در انست چرا مهیا نمی سازید مردی برخواست
وگفت ای اباذر راه نمائی کن وبگو که این توشه کدامست ابوذر گفت
که روزه داری روزی که بسیار گرم باشد تا گرمای قیامت
بر تو آسان بگذرد وحج بکن تا آسان شود بر تو مشکلاتی که ترا
پیش آید وقت مردن وبعد از ان دو رکعت نماز بگذار در نیم
شب برای وحشت وتنهائی در قبر وسخن خیر بگو وسخن بد
مگو وصدقه بده بمسکینان امید هست که نجات یابی در روز
قیامت وانچه حاصل کنی در دنیا دو حصه کن یک حصه را صرف
عیال خود کن وحصهٔ دیگر را صرف کن برای آخرت وانچه درهم
اینها صرف کنی ضرر میکند ترا وسخنانی که در دنیا میگوئی می

وبگردان بادبان کشتی را توکل بخدا تعالی

درهم

باید که از دو وجه بیرون نباشد یکی برای طلب حلال باشد
ودیگری برای طلب آخرت وهرچه غیر این میگوئی ضرر میکند
بعد از ان گفت ابوذر که هلاک ساخت مرا غم روز قیامت وگفت
لقمان پسر خود را که ای پسر دنیا دریای بی پایانست وهلاک
شدند در وی مردم بسیار پس بگردان کشتی خود را در دنیا ایمان
بخدا تعالی وبگردان توشهٔ خود را تقوی وپرهیزکاری پس اگر
نجات یابی درین دریا از رحمت خدا تعالی خواهد بود واگر هلاک شوی
بگناهان تو خواهد بود ای پسر من سفر کن با شمشیر وموزه ودستار
وخیمه ومشک وریسمان ودرفش وبردار با خود از دواها انچه ترا
وبانکسی که با تو باشد فایده دهد وموافقت کن با مصاحبان خود
در همه چیز مگر در گناه وبعضی از روایات آمده که سفر کن با اسب
خود روایتست که ذکر کردند مردمان جوانمردی را نزد امام
جعفر صادق علیه السلم آنحضرت گفت که گمان می برید که جوانمردی
بفسق وفجور میشود چنین نیست بلکه جوانمردی ومروت طعام
دادن وبخشش است ونیکوئی کردن بهمه کس وایذا ناکردن کسی را
بعد از ان آنحضرت گفت که بحق خدا تعالی که مروت آن نیست
که خوان طعام بر سرای خود بنهند که هر کس خواهد بخورد ولیکن
مروت دو نوعست یکی در حضر ودیگری در سفر اما مروت در
حضر قرآن خواندنست ودایم بمسجد رفتن وسعی کردن در بر آوردن

حاجت برادر مومن ونعمت دادن بخادم خود بدرستی که نعمت داد
غلام خود شاد میسازد دوست را وخوار میکرداند دشمن را واما
مروت در سفر بسیاری خوبی توشه است وعطا دادن توشه بهر
کسی که باتو باشد وپنهان داشتن انچه دیدی از مصاحبان
خود بعد از جدا شدن از ایشان وبسیار مزاح کردن در چیزی
که خدایتعالی را در غضب نیاورد وبعد ازان انحضرت کفت که
بحق انکسی که فرستاد جد مرا به پیغمبری که خدایتعالی روزی
میدهد بنده را بقدر مروت او بدرستی که یاری میکند
خدایتعالی بنده خود را بقدر مشقت ورنج وصبر میدهد بقدر
سختی وبلا **فصل پنجم** دربیان نکاهداشتن متاع واستخاره
کردن وطلب حاجت کردن **دربیان** نکاهداشتن
متاع کفت امام جعفر صادق علیه السلم که انکسی که ایة الکرسی
بخواند هرشب در سفر وبکوید اللهم اجعل مسیری عبرا وصمتی
تفکرا وکلامی ذکرا بسلامت ماند او وانچه بااوست ومنقول
از مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی که روایت
کرده است محمد بن عیسی که کفت مردی که فرستادند برای حضرت
امام رضا علیه السلم از خراسان جامه ودرمیان آن جامه اندکی
خاکی بود کفتم بانکسی که جامه اورده بود که این چه چیزست انکس
کفت تربت امام حسین است وکفت که هرچیزی که بکسی بفرستند

وبا او تربت امام حسین باشد هیچ آفتی بآن چیز نرسد ومحفوظ
باشد باذن الله تعالی وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که
آمدند دو برادر نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و
کفتند یا رسول الله ما میخواهیم که بشام برویم بجهت تجارت تعلیم
کن مارا که در راه بکوییم که نفع دهد مارا انحضرت فرمود در منزل
بعد ازانکه جا کیرید بمنزل خود و نماز خفتن بکذارید پس هرکاه
بنهید پهلوی خود را بر فراش بعد از نماز باید که تسبیح فاطمه زهرا
بکویید وآن سی وچهار بار تکبیر است وسی وسه بار الحمد است وسی
وسه بار سبحان الله وبعد ازان آیة الکرسی بدرستی که چون
چنین کنید محفوظ میمانید از هر بلای پس ایشان بسفر رفتند ودزدان
در عقب ایشان نیز بکمین رفتند تا آنکه ایشان فرود آمدند پس
دزدان فرستادند جاسوس را که ایشان در چکار اند ویکی ازان
دو برادر پهلوی خود را در فراش نهاده بود وانچه پیغمبر فرموده
بجای آورده بود وجاسوس آمد بجانب ایشان فدیواری دید
در کرد ایشان وهرچند بر کرد ایشان کشت هیچ چیز ندید مکر دو
دیوار آن جاسوس باز کشت وبمصاحبان خود کفت که بحق خدا که
ندیدم مکر دو دیوار دزدان کفتند بآن پس که خدایتعالی خوار
ورسوا کرداند ترا بدرستی که دروغ میکویی بلکه ترسیدی
وبیدل شدی ونرفتی که ببینی که ایشان در خواب اند یا بیدار پس دزدان

خاک

چیزی

پس برو تا که نظر کند
که ایشان درخواب
اند یا بیدار

برخاستند و رفتند و نظر کردند هیچ ندیدند مکر دو دیوار
پس کرد آن دیوار رفتند هیچ آدمی ندیدند باز کشتند و بجای
خود آمدند چون روز شد دزدان نزد آن دو برادر بیامدند
و پرسیدند که شما کجا بودید ایشان کفتند که همین جا بودیم
وجای دیکر نرفتیم پس دزدان کفتند که ما شب آمدیم و در بجای
شما را ندیدیم مکر دو دیوار پس خبر دهید ما را از قصهٔ خود
ایشان کفتند وقتی که بیرون می آمدیم بسفر برفتیم نزد رسول
خدا و آنحضرت تعلیم کرد ما را که آیة الکرسی و تسبیح فاطمه
زهرا در وقت خواب بخوانید ما چنین کردیم دزدان کفتند
که بروید بحق خدا که ما هرکز در عقب شما نخواهیم آمد و قادر
نخواهد شد بر شما هیچ دزدی بعد از انکه انجه آنحضرت کفت
بخوانید در بیان استخاره در باب تجارت کفت
عبد الرحمن بن سیابه که رفتم سالی بجانب مکه و متاع جامه بود
و بازار جامه کساد بود و رواجی نداشت مصاحبان من کفتند
که این متاع را بمصر ببر یا بیمن و باز مکردان بکوفه پس مختلف شد
رای ایشان درین پس رفتم نزد امام موسی و بعد از روز سیم
عید قربان بیکروز و با آنحضرت خبر دادم انچه مصاحبان بمن کفته
بودند و کفتم فدای تو کردم چه میفرمائی تا چنان کنم آنحضرت کفت
که قرعه بزن میان مصر و یمن و بعد از ان کار خود را بخدای بکذار

پس قرعه بزن بنام هر شهر که بیاید متاع خود را آنجا ببر کفتم فدای
تو کردم چکونه قرعه بزنم کفت بنویس بر کاغذ پارهٔ
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله الذی لا اله الا
عالم الغیب والشهادة انت العالم وانا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین
خیر لی حتی اتوکل علیک فیه واعمل به و بعد از ان بنویس انجه در کاغذ
پارهٔ اول ~~دیکر بنویس انجه در کاغذ~~ نوشتهٔ و بعد از ان بنویس یمن
ان شاء الله تعالی و بنویس بر کاغذ پارهٔ دیکر انجه دران دو کاغذ
نوشتهٔ و بعد از ان بنویس درین کاغذ پارهٔ بجلس المتاع ولا بعث
ولا بلد منهما و بعد از ان جمع کن هر سه کاغذ پاره را و بکسی بده که
بپوشد کاغذ پاره ها را از تو بعد از ان دست دراز کن و یکی از ان
سه کاغذ پاره را بردار پس هر کدام بدست تو در آید توکل کن بر خدای
و بان عمل کن که خیر تو دران خواهد بود ان شاء الله تعالی و کفت امام
جعفر صادق علیه السلم که امام زین العابدین هرکاه قصد میکرد
که حج یا عمره بکذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد وضو
میکرد و دو رکعت نماز استخاره میکرد و درین دو رکعت فاتحه
و سورهٔ الرحمن و سورهٔ حشر میخواند چون فارغ میشد از نماز
دویست نوبت میکفت استخیر الله و بعد از ان قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس میخواند و بعد از ان
میکفت همت بامر علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی

مصر ان شاء الله تعالی و بر پارهٔ کاغذ دیکر بنویس

ودنياي وآخرتي منها قدرة لي وان كنت تعلم انه
شر لي في ديني ودنياي وآخرتي فاصرف عني رب اعزم
علي ارشدي وان كرهت ذلك واهبت نفسي بسم الله
الرحمن الرحيم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وحسبي الله ونعم الوكيل وبعد از آن كار ميكرد

در بيان طلب كردن حاجت چون خواهي كه صباح
متوجه كاري شوي وآفتاب برآمده باشد وسرخي آفتاب
برآمده طرف شده باشد دو ركعت نماز بگذارد در ركعت اول
فاتحه وقل هو الله بخوان ودر ركعت دوم فاتحه وقل يا ايها
الكافرون بخوان وهرگاه سلام دهي بگو اللهم اني غدوت
التمس من فضلك كما امرتني فارزقني من فضلك رزقا حسنا واسعا
حلالا طيبا واعطني فيما رزقتني العافية غدوت بحول الله و
قوته غدوت بغير حول مني ولا قوة ولكن بحولك وقوتك
وابرأ اليك من الحول والقوة اللهم اني اسئلك بركة
هذا اليوم فبارك لي في جميع اموري يا ارحم الراحمين وصلى
الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين چون ببازار برسي بگو اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي و
يميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء
قدير واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم اني اسئلك من خير ما

وخير

وخير اهلها واعوذ بك من شرها وشر اهلها اللهم اني اعوذ
بك ان ابغي او يبغى علي او ان اظلم او اظلم او اعتدي او يعتدى
علي واعوذ بك من ابليس وجنوده وفسقة العرب والعجم حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وهرگاه خواهي
كه چيزي بخري بگو يا حي يا قيوم يا دائم يا رؤف يا رحيم اسئلك
بقوتك وقدرتك وما احاط به علمك ان تقسم لي من التجارة اليوم
اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخيرها لي عاقبة لانه لا خير فيما
لا عاقبة له وهرگاه چهارپاي پاينده بخري بگو اللهم ارزقني
اطولها حيوة واكثرها منفعة وخيرها عاقبة وچون چيزي
بخري از متاع وغير متاع تكبير بگو وسه نوبت اللهم اني اشتريته
التمس فيه من رزقك فاجعل لي فيه رزقا اين دعاها كه مذكور شد
در طلب حاجت از امام جعفر صادق عليه السلام

فصل ششم

در آداب راه رفتن وكراهت تنهائي در سفر ودعاهائي متفرقه كه مي
بايد خواند **در بيان** آداب راه رفتن گفت امام جعفر صادق
عليه السلام كه در سفر شتاب كنيد در راه رفتن بدرستي كه بشتاب رفتن
آسانتر است ومشقت سفر زودتر برطرف ميشود وروايتست كه
كه حضرت پيغمبر رسيد بجماعتي كه پياده ميرفتند آن جماعت شكايت
كردند نزد آنحضرت از مشقت راه رفتن فرمود كه بشتاب برويد و
گفت ابو عبد الله كه بشتاب رفتن ميبرد قدر ومنزلت مومن را وبين

کفت که مشقت راه رفتن برابر مشقت بازکشتن بیمار نیست
وکفت حضرت پیغمبر که بشتاب رفتن می برد قدر وزیبایی مردرا
وروایتست که پرسید معاویة بن عمار از ابا عبدالله
از حال مردی که قرض داشته باشد که آیا بر و واجبست حج کردن آنحضرت
کفت که حج اسلام واجبست بر مسلمانی که طاقت پیاده رفتن داشته باشد
وبیشتر کسانیکه حج میکردند با رسول خدا پیاده بودند و روایت
که کذشت رسول خدا بموضعی که آنرا کراع غمیم میکفتند پس جماعتی
شکایت کردند از سختی وماندکی آنحضرت کفت که محکم بر بندید لنک
خود را بر بالای جامه پس چنین کردند آن سختی وماندکی رفت از ایشان و
روایتست که آنحضرت دعا کرد از برای ایشان وکفت که بر شما باد که
بشتاب بروید وشبکیر کنید و در پاس قوت شب بروید بدرستی که
در نوردیده میشود در شب وکفت ابو بصیر که پرسیدم ابا عبدالله
را از تفسیر قول خدایتعالی را که وَلِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً آنحضرت کفت که مراد اینست که پیاده کسی که
انتظار چیزی نداشته باشد که تمام راه سوار شود کفتم اکر قدرت
نداشته باشد بر پیاده رفتن چه کند کفت بعضی راه را پیاده برود و پاره
راه سوار شود کفتم اکر قدرت نداشته باشد بر بعضی پیاده رفتن چه کند
کفت خدمت مردم بکند وبا ایشان برود ومعنی آیه اینست که مر خدا راست
بر مردمان قصد خانه کعبه هر که توانایی دارد که برود بسوی آنخانه

وکف

وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که آمدند جماعتی از نهایة که پیاده
میرفتند نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم وشکایت کردند
از ماندکی آنحضرت کفت که بشتاب بروید پس چنین کردند و رفت
از ایشان ماندکی ونیز کفت که رفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
واله وسلم که آنرا کراع غمیم میکفتند پس صف کشیدند جماعتی که
پیاده میرفتند کفتند یا رسول الله دعا کن برای ما آنحضرت کفت
اللهم اعظم اجرهم وقوهم وبعد از آن کفت که اکر بشتاب بروید شما
سبک میشود بدن شما وزود راه قطع میشود پس چنین کردند
سبک شد بدن ایشان ونیز کفت که رسول خدا فرمود که سوار
سزاوارتر است که بجاده راه رود از پیاده وپا برهنه سزاوارتر است
که بجاده برود از کسی که کفش پوشیده باشد ونیز کفت که سزاوار
نیست که زن در میان راه برود وسزاوار است که کنار راه برود

در بیان کراهیت تنهایی در سفر کفت ابو عبدالله علیه السلام
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرمود که آیا خبر دهم بشما که
بدترین مردمان آنکس است که تنها سفر کند وبخیلی کند وبزند بنده
خود را ونیز کفت که حضرت پیغمبر کفت با امیر المؤمنین علی علیه السلام
که یا علی تنها بسفر مرو بدرستی که شیطان باکسی است که تنها است و
واز دو کس دورتر است وکفت امام موسی علیه السلام که لعنت کرده است
رسول خدا سه کس را اول کسی که توشه خود را تنها بخورد ودوم کسی که

کیست کفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت کفت که بد
ترین مردمان ۲

توضئه در خانه تنها خواب بکند سیم کسی که تنها سواره رود دریا
وگفت اسمعیل بن جابر که بودم نزد امام جعفر صادق علیه السلم
در مکه آمد مردی از مدینه نزد آنحضرت گفت آنحضرت با آنمرد که
بود همراه تو در راه آنشخص گفت که هیچکس همراه من نبود آنحضرت گفت
که اگر بیش ازین ملاقات میشد میان من و تو هر آئینه بصلاح
می آوردم کار ترا بعد از آن گفت که کسی تنها باشد شیطان با اوست
واگر دو کس باشند مصاحب یکدیگرند شیطان با ایشان نیست و اگر
چهار کس باشند رفیقان اند وگفت امام موسی که آنکس که تنها
بسفر میرود باید که بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم آنس وحشتی واعنی علی وحدتی واد غیبتی

در بیان دعائی که می باید خواند کسی که راه گم کرده باشد گفت
امام جعفر صادق علیه السلم که وقتی که راه گم کنی ندا کن و بگو یا
صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و روایتست که صا
لح موکل براست و حمزه موکل بحراست و نیز گفت که گمراه سازد غول
بانگ نماز بگوید ابو عبیده الحذا که بود با امام محمد باقر در سفری که
پس گم شد شتری من آنحضرت گفت که دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن
بگو اللهم راد الضالة هادیا من الضلالة رد علی ضالتی فانها من فضلک
وعطائک بعد از آن که دو رکعت نماز گذاردم و این دعا بخواندم
آنحضرت گفت یا ابا عبید سوار شو پس با آنحضرت چون پاره راه رفتیم

دو شیطان با ایشان هست و اگر سه کس باشند

سوار شدم

ناگاه سیاهی دیدیم در راه آنحضرت گفت یا ابا عبید این شتر
تست پس نگاه کردم شتر من بود در بیان دعائی که
میباید خواند در وقت فرود آمدن در منزل گفت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم با امیر المؤمنین علی علیه السلم که یا علی در سفر
هرگاه فرود آئی در منزل بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت
خیر المنزلین و در روایت دیگر آمده است که این دعا را نیز می
باید خواند وایدنی بما ایدت به الصالحین وهب لی السلامة و
العافیة فی کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات کلها
من شر ما خلق وذرأ وبرأ بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بگو
اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا
من جناها واعذنا من وبائها وحببنا الی اهلها الینا وهرگاه خواهی
که کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار وطلب کن از خدا تعالی که نگاه
دارد ترا و وداع کن آن موضع را بدرستی که در هر موضعی
فرشتگانند ساکن و بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین والسلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین ورحمة الله وبرکاته

در بیان دعائی که می باید خواند در وقت بازگشتن از سفر
وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم چون بازگشت
از جنگ خیبر گفت آیبون تائبون ان شاء الله تعالی عابدون راکعون
ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی

٤

مکانا

وحببنا الی اهلها

موضع را و اهل آن

سفري وحضري اللهم اجعل اوبتي هذه مباركة ميمونة مقرو
بتوبة نصوحا توجب لي بها السعادة يا ارحم الراحمين **در بيان**
دعائي كه ميبايد خواند در وقت آمدن بشهري يا دهي گفت رسول
خدا با مير المؤمنين علي عليه السلم كه يا علي هركاه خواهي كه بشهري
يا دهي در آيي بگو در وقت ديدن آن شهر يا آن ده اللهم اني
اسئلك خيرها واعوذ بك من شرها اللهم حببنا الى اهلها
وحبب صالحي اهلها الينا **در بيان** دعائي كه مي بايد خواند
در وقت راه رفتن گفت ابو عبد الله عليه السلم كه رسول خدا در
سفرها هركاه بنشيبي ميرفت تسبيح ميگفت وهركاه از پستي بر بلندي
بر مي آمد تكبير ميگفت وگفت رسول خدا صلى الله عليه وآله
وسلم كه بحق آنكسي كه نفس ابو القاسم در يد قدرت اوست كه هركاه
كه تكبير وتهليل بگويد بر جاي بلندي بسبب تهليل او وتهليل گويد هر
چيزيكه در عقب اوست وبسبب تكبير او تكبير گويد هر چيزي كه در
پيش اوست از فرشته وغير آن تا انقطاع زمين **در بيان**
آنچه مي بايد خواند در وقت كشتي نشستن بسم الله الملك الرحمن
وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء
قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه
قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤكم
قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون بسم الله مجريها ومرسيها ان

از بلندي ٢

ربي لغفور رحيم **در بيان** دعائي كه مي بايد خواند و
در وقت گذشتن پل هركاه برسي بر پلي وقتي كه پاي خود را بر پلي
نهي بگو بسم الله اللهم ادحر عني الشيطان الرجيم وگفت امام
جعفر صادق عليه السلم كه بالاي هر پلي شيطاني ساكن است
پس هركاه بر پلي برسي بسم الله بگو تا شيطان دور شود ونيز گفت
وقتي كه در سفر يا در بيابان باشي وبترسي از جني يا از آدمي
بدست راست خود را بر ميان سر خود بخوان باواز بلند
افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعا
وكرها واليه ترجعون **در بيان** آنچه مي بايد گفت بكسي كه
از سفر حج يا غير حج آمده باشد گفت امام جعفر صادق عليه السلم
كه حضرت پيغمبر ميگفت بكسي كه از حج مي آمد كه تقبل الله منك
عليك ونفقتك واغفر ذنبك ونيز گفت كه آنكسي كه دست در
گردن حاجي غبار آلوده كند ودر بر گيرد او را همچنانست كه
حجر الاسود را بر گرفته باشد وروايتست كه از ائمه معصومين
عليه السلم كه وقتي كه كسي از سفر بيايد وبمنزل خود در آيد سنت
وارديست كه مشغول نشود بچيزي كه تا آنكه غسل كند ودو ركعت
نماز بگذارد وسجده كند وصد نوبت شكر بگويد خدا يتعالى را وروايتست
كه چون جعفر طيار باز گشت از طايف در بر گرفت رسول خدا او را
وبوسيد ميان دو چشم خود را او را وگفت كه نميدانم كه بكدام

واخلف ٢

بك

ازین دو کار بیشتر خوشحالی کنم یا با آمدن جعفر طیار یا بفتح خیبر
روایتست که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه
میکردند با یکدیگر هرگاه با هم میرسیدند و هرگاه یکی از ایشان
از سفر می آمد بدیدن او می رفتند و دست در گردن او میکردند
و در بر میگرفتند **فصل هشتم** رعایت کردن چهارپا و حق
او بر صاحب گفت ابوذر که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم میگفت که چهارپا میگوید که اللهم ارزقنی ملیک صدق
یشبعنی ویسقینی ولا یحملنی ما لا اطیق یعنی بار خدایا روزی کن مرا
صاحب راستگویی که سیر کند مرا و آب دهد و بار نکند آنقدر که
طاقت نداشته باشم و گفت امام جعفر صادق علیه السلم هر
کسی که چهارپای را بخرد آن چهارپا میگوید اللهم اجعله بی
رحیما یا بگردان آنکسی را مرا خریده است بر من رحیم و نیز گفت که
چهارپا نگاه دارید بدرستی که زینتست و بر آورده میشود
از و حاجتها و روزی او بر خدا تعالی است و روایت کرده است
سکونی که گفت رسول خدا که [illegible] دوست میدارد که مدارا
کنید بچهارپایان و وقتی که سوار شوید بر چهارپای لاغر باید که
چند مرتبه فرود آئید تا بمنزل رسیدن پس اگر زمین خالی از گیاه
باشد بروید و اگر علف داشته باشد فرود آئید در منزلها که در
راه می باشد تا بمنزل رسیدن و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم

که آنکسی که سفر کند و چهارپای داشته باشد وقتی که فرود آید
باید که اول علف و آب بدهد آن چهارپا را و گفت ابو جعفر علیه
السلم که هرگاه که در سفر بزمین خشکی که گیاه نداشته باشد تند
بروید و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که آنکسی که چهارپای
بخرد مرا او راست که سواری کند و بر خداست روزی آن چهار
پای او و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که حق چهار
پا بر صاحب آنست وقتی که فرود آید اول علف دهد او را و وقتی که بآب
برسد بگذارد که او آب بخورد و چیزی بر روی او نزنند و بدرستی
که چهارپا تسبیح و حمد میگوید خدا تعالی را و توقف نکنند بر پشت
چهارپا گاهی که میرانند او را در راه خدا و بار نکنند او را زیاده از
طاقت او و نرانند او را از انچه طاقت اوست و گفت امام جعفر صادق
علیه السلم که از نیکبختی مردست از نگاه داشتن چهارپایی که خوب
سوار شود بجهت حاجت خود و حاجت برادران مؤمن و نیز گفت
که زین مرکب ملعونست برای زنان یعنی باید که زنان بر چهارپای
که زین داشته باشد سوار نشود و نیز گفت که از بدبختی است مرکب
بد نگاه داشتن و نیز گفت که سواری بعوینداست و روایتست که
پرسید مردی از امام جعفر صادق علیه السلم که کی بزنم چهار
پای را که سوار باشم آنحضرت گفت وقتی بزن که راه نرود در زیر تو
همچنانکه میرود بجای که می بندند او را و چیزی میدهند و نیز

کفت که بزنید چهارپارا بجهة پس درآمدن و مزنید اورا بجهة
رمیدن بدرستی که او چیزی می بیند که شما نمی بینید و کفت حضرت
پیغمبر هرکاه چهارپا بسر درآید و بکوید بانکسی که بر او سوار است
که هلاک شدی ان چهارپا بکوید هلاک شود کسی که عاصی تر است
پروردکار را و کفت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم که هرکز چهارپا
من بسر در نیامد کسی پرسید که بچه سبب آنحضرت کفت که بجهة
آنکه هرکز درکشت زاری نرانم چهارپای خود را و کفت که مزنید
روی چهارپایان خود را و لعنت مکنید ایشانرا بدرستی که خدای
تعالی لعنت کرده است لعنت کننده چهارپا را و کفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله هرکاه کسی لعنت کند چهارپایانرا البته ایشان
هم لعنت میکنند شما را و نیز کفت که منشینید بر سر وی چهارپا و توقف
مکنید بر پشت او کاهی که نمیرانید او را و نیز کفت با امیرالمؤمنین
علی علیه السلم که یا علی باید که سه کس بر چهارپا سوار نشوند بدرستی
که آنکه در پیش سوار است ملعون است و نیز کفت که هر چیزی را
حرمتی است و حرمت چهارپا در روی اوست و کفت سکونی که
حضرت پیغمبر دید که ماده شتر را که زانوهای او بسته بودند
و بران شتر جهازی بود آنحضرت کفت که صاحب این شتر امروه
دو راست بدرستی که این شتر در روز قیامت با او خصومت خواهد
کرد و روایتست که چهل حج کرد امام زین العابدین علیه السلم

بر شتر ماده که داشت و نزد آن شتر تازیانه و کفت ام سلمه
که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که کفت که دور
میشوند فرشتکان از قافله که چهارپایان خود را بسته باشند
در بیان روایتی که واقع شده در باب شتر کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که شتر سرخ مخرید بدرستی که عمر او
کوتاه تر است از عمر شتران دیکر و شتر سیاه بدشکل بخرید بدرستی
که عمر او درازتر است از عمر شتران دیکر و روایتست که منع کرد
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از کذشتن درمیان قطار شتر
کسی کفت یا رسول الله جهة این چیست آنحضرت کفت که جهة آنست که
هر قطار شتری که هست میان هر دو شتر شیطانیست و منع کرد
از خوردن کوشت شتری که نجاست خوار باشد و از آشامیدن شیر او
و از بار کردن نان خورش بر پشت او تا آنکه چهل شبانه روز علف بدهید
او را **در بیان** روایتی که واقع شده است در باب اسب و
غیر آن کفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که همیشه با اسب
خیر است تا روز قیامت و کسی که نفقه کند با اسب در راه خدای تعالی
همچنانست که صدقه میداده باشد و نیز کفت که مبرید موی پیشانی
اسب و یال و دم او را بدرستی که خیر در پیشانی اسب است و یال او
کرم است و دم او مکس ران او است و نیز کفت که مبارکی و خجستکی
در اسب سرخ است که مایل بسیاهی باشد و در اسب سیاه که پیشانی

او سفید باشد مطلق الیمین باشد و گفت امام رضا علیه السلام
که در سوراخ بینی هر چهارپای شیطانیست پس هرگاه خواهید
که لجام کنید او را باید که بسم الله بگویید و روایت کرده است ابو
عبیده که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که
هر چهارپای که دشوار باشد بر صاحب لجام کردن او
و رمنده باشد باید که در گوش او یا بر او بخواند که افغیر الله یبغون
وله اسلم من في السماوات والارض طوعا وكرها واليه ترجعون
و نیز بگوید اللهم سخرها و بارك لي فيها بحق محمد و آل محمد و سوره
انا انزلناه بخواند و گفت امام محمد باقر علیه السلام که بهترین
شتران نزد من شتر سرخ است و روایتست که رسول خدا سوار
میشد بر دراز گوش که نام او یعفور بود

فصل هشتم

در بیان چیزهای نادر که در سفر می باشد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم با امیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی چون سفر کنی
در رود خانه فرود میا بدرستی که رودخانه جایگاه درندگان و مار
است و منقولست از کتاب محاسن که ذکر کردند مردی را نزد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یکی از اصحاب گفت که او مرد نیکی
است جمعی از اصحاب گفتند یا رسول الله او در راه حج با ما بود وقتی
که فرود می آمدیم همیشه تهلیل میگفت تا آنکه کوچ میکردیم چون
کوچ میکردیم همیشه ذکر خدا تعالی میگفت تا فرود می آمدیم آنحضرت

گفت که کدام یک از شما علف میداد شتر خود را و طعام می پخت
در این سفر آن جماعت گفتند که ما همه این کار میکردیم آنحضرت گفت
که همه شما بهتر بودید و گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا
در سفر بر شتری سوار بود پس ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد
چون سوار شد اصحاب گفتند یا رسول الله دیدیم ترا که کاری
کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت بلی جبرئیل آمد و بشارتها
داد مرا از خدای تعالی پس سجده شکر بجای آوردم برای هر
بشارتی و گفت اسحق بن عمار که بیرون رفتم با ابا عبد الله علیه
السلام بسفری و آنحضرت با خود چیزی میگفت بعد از آن رو بقبله
آورد و سجده کرد و در سجده مکث بسیاری کرد و بعد از آن روی
راست خود را بر خاک نهاد و مکث بسیاری کرد و بعد از آن دست
بر روی خود مالید و سوار شد گفتم با آنحضرت که پدر و مادر من
فدای تو باد کاری کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت که ای
اسحق بیاد آمد مرا نعمتی از نعمتهای که خدا تعالی بمن داده است پس
دوست داشتم که خوار گردانم نفس خود را و بعد از آن گفت ای اسحق
هر بنده که خدا تعالی نعمتی باو بدهد و حق آن نعمت را بداند
بدل و آشکارا حمد گوید خدا تعالی را بر آن نعمت پیش از آنکه فارغ
شود از آن نعمت خدا تعالی زیاده گرداند آن نعمت او را در دنیا
و آخرت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که وقتی که بسفر

روید وباز آیید از سفر بتر د عیال خود باید که هدیه بیارید برای
ایشان وچیزی نیکو تحفه بیارید واکرچه سنکی باشد ونیز کفت که
وقتی که مانده شوید از راه رفتن باید که تند بروید وکفت
امام جعفر صادق علیه السلم که ابو جعفر فرمود که مضایقه
مکنید در خریدن چهار چیز قربانی وکفن وبنده وکرایه راه مکه
وکفت امام زین العابدین علیه السلم وقتی که خواهی که چیزی
بخری که در راه حج بآن احتیاج می باشد بخر ومضایقه مکن
در بها وکفت جابر بن عبد الله که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که سفر پاره ایست از عذاب پس وقتی که سفر کنید باید که
زود باز کردید باهل خانه خود وکفت امام جعفر صادق علیه السلم
که سفر کردن نیست میکند توانکر را وبد میکند خلق را وکهنه میکند
جامه را وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که وقتی که
راه کم کنید بدست راست بروید وکفت امام جعفر صادق
علیه السلم که بر بالای هر بلندی شیطانیست پس هر کاه به بلندی برسی
بسم الله بکو تا دور شود از تو شیطان وروایتست که پرسید شخصی
از امام رضا علیه السلم که آیا سوار میتواند شد بر زین ولجامی
که درو نقره باشد آنحضرت کفت اکر آن زین روی اندوده باشد
ونتواند نقره را کندن باکی نیست واکر تمام نقره باشد یا توان نقره را
کندن سوار مشو وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

که انکسی که یاری کند مومن مسافر را ببرد خدایتعالی ازو
هفتاد وسه اندوه وبرهاند خدایتعالی او را از غم واندوه وببرد
ازو اندوه عظیم را در روزی که درمانده باشند مردمان بنفس
خود وآن روز قیامت است وکفت یعقوب بن سالم که کفتم
بابی عبد الله علیه السلم که با من چند درهم است که دران صورتهاست
ومن احرام حج بسته ام وآن درهمها را در میان همیانی کرده ام
ومحکم بسته ام آیا قصوری ندارد آنحضرت کفت که باکی نیست آن
درهمها نفقه تست وبعد از لطف خدایتعالی اعتماد تو بران است وکفت
ابو عبد الله علیه السلم وقتی که سفر کنید سفره بردارید ونیکو
کنید دران سفره وکفت نضر خادم که نظر کردم امام موسی علیه
السلم بسفره که از و حلقهای از روی بود پس کفت که بکنید
این حلقها وبجای آن حلقها حلقها از آهن بنهید بدرستی که هر کاه
حلقه سفره از آهن باشد نزدیک نمیشوند حشرات زمین بآن
در سفره است وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که توشه
مسافر خدای کردن خواندن شعریست که درو فحش نباشد
ومنقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه
السلم که رسول خدا فرمود که بپرهیزید از فرود آمدن در آخر
شب درمیان راه ودرمیان رود خانه بدرستی که راه کذر درنده
وجای مار است ونیز کفت امام جعفر صادق علیه السلم که هر کاه

مصاحبت کنی بجماعتی مگو بایشان که [عمل] فرود آید و انجا فرود میا
بدرستی که در میان ایشان کسی است که میداند که بکجا فرود می آید
آمد و احتیاج بگفتن تو نیست **باب دهم** در بیان دعاها
و آنچه متعلق است بآن و درین باب پنج فصلست مصنف کتاب میگوید
که بدرستی که چند مجموعه است که جمع کرده است دعاها دران مجموعها
پس خواستم که انتخاب کنم ازان مجموعها باب مختصری که لایق باشد
باین کتاب و جمع باشد دران باب دعای نیکو و آنچه متعلق
است بدعا پس استخاره کردم بخدای تعالی در جمع کردن این باب
و بتوفیق خدای تعالی بابی انتخاب کردم که جمع است در و آنچه
میخواستم و میخواهم از خدای تعالی که توفیق دهد که عمل کنیم بآنچه
درین باب است بدرستی که خدای تعالی شنواست و بفضل و
کرم خود اجابت میکند **فصل اول** در فضیلت دعا و کیفیت
دعا خواندن **در بیان** روایتی که واقع شده است در فضیلت
دعا گفت رسول خدا که هیچ چیز بزرگتر نیست نزد خدای تعالی
از دعا و روایت کرده است حنان بن سدیر که گفت پدر من که
پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که کدام عبادت فاضلتر
و بهتر است نزد خدای تعالی آنحضرت گفت که نیست چیزی بهتر نزد
خدای تعالی از کسی که تکبر کند از عبادت او و سوال نکند و نطلبد
چیزی را که نزد خدای تعالی است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که انکسی که سوال نکند از خدای تعالی و طلب نکند از فضل و کرم
او محتاج شود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
که دفع نمیکند بلا را مگر دعا و نیز گفت که دعا سلاح مومن
و ستون دین است و نور آسمان و زمین است و نیز گفت که آیا
دلالت کنم شما را بر سلاحی که نجات دهد شما را گفتند بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت که دعا کنید و طلب حاجت خود کنید
از پروردگار خود شب و روز بدرستی که سلاح مومن دعا
است و گفت امام حسین علیه السلام که رسول خدا برمیداشت
دستهای خود را وقتی که تضرع و دعا میکرد همچنانکه طفل
طلب طعام کند در ویشی و گفت حضرت پیغمبر که عاجزترین مردمان
کسی است که عاجز باشد از دعا یعنی دعا نکند و بخیلترین مردمان
کسی است که بخیلی کند بسلام و نیز [گفت] که هر مسلمانی که دعا کند و نباشد
دران دعا قطع رحم و طلب چیزی که موجب گناه باشد بدهد خدای تعالی
او را بسبب آن دعا یکی از سه خصلت یا انکه دعای او را زود مستجاب
کند یا انکه آن دعا را ذخیره سازد برای او در آخرت یا انکه دور کند
از و بدی را مثل آن دعا و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که حقیر مشمرید
دعای کسی را بدرستی که گاهی مستجاب میشود دعای نیکی که
یهودی کند در حق شما و مستجاب نمیشود دعای یهودی در حق
خودش و نیز گفت که بهترین عملها نزد خدای تعالی در زمین دعا است

اندشمنان و پیوسته گرداند روزی شما را

گفت

وفاضلترین عبادت پرهیزکاریست وگفت عبدالله بن سنان که
دعا رد میکند قضا را بعد از انکه آن قضا محکم شده باشد پس بسیار
دعا کن بدرستی که دعا کلید هر رحمتست وسبب روان شدن هر
حاجتست ونمیرسد بنده بانچه نزد خدا یتعالی است مگر بدعا
وهر کس بگوید دری را بسیار گشوده میشود آن در برای او وروایت
از عبدالله میمون القداح که گفت عبدالله علیه السلم که دعا معدن
اجابتست همچنانکه ابر معدن بارانست ونیز گفت که هر بنده بردارد
دست خود را بسوی آسمان خدا یتعالی شرم میدارد که خالی باز گرداند
دست بنده او را وبدهد باز فضل ورحمت خود انچه خواهد پس هرگاه
دست بردارید ودعا کنید باید که باز نگردانید دست خود را تا انکه بمالید
برسر وروی خود وروایتست از هشام بن سالم که گفت ابو عبدالله
علیه السلم که آیا میدانید که کدام بلا بسیار میماند وکدام بلا
زود برطرف میشود گفتیم نی آنحضرت گفت که هرگاه ملهم شوید بدعا
کردن وبخاطر شما برسد که دعا می باید کرد در وقتی که بلا متوجه شما
شود بدانید که آن بلا زود برطرف میشود ونیز گفت که دعا در حالت
عافیت سبب استجابت دعا میشود وبرآوردن حاجت میشود در حالت
بلا ونیز گفت که وحی کرد خدا یتعالی بداود علیه السلم وگفت که یاد کن
مرا در خوشحالی تا مستجاب گردانم ترا در حالت سختی ونیز گفت انکسی که
بترسد از بلائی وپیش از انکه آن بلا برسد دعا کند ننماید خدا یتعالی آن

بلا را باو هرگز وروایتست از ابی عبدالله علیه السلم وابی جعفر
که گفتند که بحق خدای عز وجل که الحاح ومبالغه نماید در دعا مستجاب
گرداند خدا یتعالی دعای او را وگفت ابو عبدالله علیه السلم که
انکسی که وضو نیکو بسازد وبعد از ان دو رکعت نماز بگذارد و
رکوع وسجود را نیکو بجای آورد وبعد از ان سلام دهد وحمد
وثنا بگوید خدا یتعالی را وصلوة بفرستد بر رسول وآل او علیهم
السلم وبعد از ان حاجت خود را طلب کند از خدا یتعالی بدرستی
که طلب کرده است خیر را در محل خود وانکسی که طلب خیر کند در
محل خود ناامید نشود ومنقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که بلا متعلقست میان آسمان وزمین
مثل قندیل پس هرگاه طلب کند بنده از خدا یتعالی عافیت را بگرداند
خدا یتعالی آن بلا را از و ونیز گفت که طلب کنید از خدا یتعالی هر حاجتی
که دارید تا انکه بند نعلین خود را از خدا یتعالی طلب کنید بدرستی که
اگر خدا یتعالی چیز را میسر نگرداند انچیز میسر نمیشود ونیز گفت که باید
که طلب کنید از پروردگار هر حاجتی که دارید تا انکه بند نعلین شما
وقتی که گسسته شود از خدا یتعالی طلب کنید وگفت امام جعفر صادق
علیه السلم که گردانیده است خدا یتعالی روزی مومنانرا از جائی
که ایشان گمان نمیبرند واین بجهة آنست که هرگاه بنده نمیداند که روزی
او از کجاست بسیار دعا میکند ونیز گفت انکسی که خواهد که دعای

او مستجاب شود در حالتی سختی باید که در حالت صحت وعافیت
وخوشحالی دعا کند وگفت امام رضا علیه السلم که یک دعای پنهانی
برابری میکند بهفت دعای آشکارا وگفت ابو عبدالله علیه السلم
که خدایتعالی میداند آنچیزیرا که بنده میخواهد وقتی که بنده دعا
میکند ولیکن خدایتعالی دوست میدارد که بنده اظهار کند بسوی
او حاجتهای خودرا ونیز گفت خدایتعالی اجابت نمیکند دعای کسی را
که دل او غافل باشد پس هرگاه دعا کنی متوجه بدل خود شو ویقین کن
که دعای تو مستجاب میشود ونیز گفت که خدایتعالی کراهت میدارد
که مردمان مبالغه کنند از چیزی طلبیدن از یکدیگر ودوست میدارد
که مبالغه کنند در سوال کردن از و بدرستی که خدایتعالی دوست
میدارد که سوال کنید وطلب نمائید چیزیرا که نزد اوست وگفت امام
رضا علیه السلم باصحاب خود که برشما باد بسلاح پیغمبران کسی
پرسید که سلاح پیغمبران کدام است آنحضرت گفت دعاست وگفت
گفت امام جعفر صادق علیه السلم که دعا تیز میکند از سر نیزه
یعنی از سر دعا بیشتر است از تاثیر سر نیزه وگفت حماد بن عثمان
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلم که میگفت که
دعا رد میکند قضارا وگسسته میشود قضا بسبب دعا همچنانکه
گسسته میشود رشته واگرچه آن قضا محکم شده باشد وگفت
حضرت امام موسی ع که برشما باد که دعا کنید بدرستی که دعا

کردن وطلب کردن از خدایتعالی رد میکند بلارا واگرچه آن بلا
مقدر شده باشد وحکم شده باشد بنزول آن بلا وموقوف
باشد نزول آن بلا مگر باجرای آن حکم پس هرگاه دعا کنید و
سوال کنید از خدای تعالی بگرداند خدایتعالی آن بلارا وگفت امام
جعفر صادق علیه السلم که بر تو باد که دعا کنی بدرستی که در دعا
شفاست از هر دردی ونیز گفت که آنکسی که دعا کند پیش از فرود
آمدن بلا مستجاب میشود دعای او در وقت فرود آمدن بلا
وفرشتها میگویند که این آواز آشناست وبسیار شنیده ایم وباز
داشته نمیشود آواز او از آسمان وآنکسی که دعا نکند پیش از فرود
آمدن بلا مستجاب نمیشود دعا او در وقت فرود آمدن بلا ومیگویند
فرشتها که این آوازیست که نشنیده ایم وگفت امام زین العابدین
علیه السلم که دعا بعد از نزول بلا فایده نمیدهد وگفت امام جعفر
صادق علیه السلم که هرگاه دعا کنی متوجه شو بدل خود چنین
بدان که حاجت تو روا شده است ونیز گفت که هر بنده مومنی که
مبالغه کند در طلب حاجت خود از خدایتعالی برآورد حاجت او را
گفت حضرت پیغمبر که رحمت کند خدایتعالی بنده را که طلب حاجت خود کند
از خدایتعالی ومبالغه نماید در دعا خواه دعای او مستجاب شود و
خواه نشود وآنحضرت خواند این آیه را که وَادْعُوا رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ

بدعای ربی شقیا یعنی میخواهم پرهیز کار خود را نا امید و بی
بهره و کفت امیر المومنین علی علیه السلم که بنده که مبتلا باشد بلای
واکرچه آن بلا بزرک باشد سزاوارتر نیست بدعا کردن از بنده که عافیت
داشته باشد و ایمن باشد از بلا در بیان اوقاتی که امید
اجابت دعاست و روایت کرده است زید شحام که کفت ابو عبد الله
علیه السلم که در چهار وقت دعا کنید وقت وزیدن بادها و وقت
زوال آفتاب و وقت باریدن باران و وقت بزمین رسیدن اول
قطرهٔ خون مومنی که بناحق کشته شود بدرستی که درهای آسمان
کشوده میشود درین اوقات و نیز کفت که دعا مستجاب میشود
در چهار وقت وقت نماز وتر و بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب
و کفت امیر المومنین علیه السلم که غنیمت دانید دعا کردن را در
چهار وقت وقت قرآن خواندن و وقت بانک نماز کفتن و وقت باریدن
باران و هر وقت رسیدن لشکر اسلام بلشکر کفار برای جهاد و
کفت ابو جعفر علیه السلم که پدر من هرکاه حاجتی داشت بخدای
تعالی طلب آن حاجت میکرد وقت زوال و کفت ابو عبد الله که
هرکاه رقت شود شما را باید که دعا کنید بدرستی که دل رقت
پیدا نمیکند مادام که خالص نشود و کفت معاویه بن عمار که ابو
عبد الله علیه السلم هرکاه حاجتی داشت طلب آن حاجت میکرد از
خدای تعالی وقت زوال پس هرکاه میخواست که طلب حاجت کند اول چیزی

نشدن میکرد و بوی خوش بکار میبرد و بمسجد میرفت و بعد از آن
دعا میکرد بجهت حاجت خود و کفت ابو عبد الله علیه السلام که هرکاه
بلرزه در آید تن تو از ترس خدای تعالی و اشک بریزد چشمهای تو
پس درینوقت دعا کن و روایت کرده است ابو الصباح که کفت ابو
جعفر علیه السلم که دوست میدارد خدای تعالی از بندهٔ مومن آن
بنده را که بسیار دعا کند پس شما باد که بسیار دعا کنید در صبح
تا بر آمدن آفتاب بدرستی که درینوقت درهای آسمان کشوده
میشود و روزی بندکان و بر آورده میشود حاجتهای بزرک
و کفت عمر بن اذینه که شنیدم ابو عبد الله علیه السلم میکفت که
در هر شب ساعتی است که هرکاه دریابد بندهٔ مسلمان آن ساعت را
و نماز کذارد و دعا کند دران ساعت مستجاب میشود دعای وی
او پرسیدم که آن ساعت کدامست آنحضرت کفت که سدس اول از
نصف آخر شب و کفت ابو اسحق علیه السلم که ابو عبد الله فرمود
که هرکاه دعا کنید بجهت ترس باید که کف دست خود را بجانب آسمان
کنید و کفت ابو عبد الله علیه السلم که مراد از تبتل که در قول خدای
تعالی است وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا آنست که دعا کند و بانکشت اشارت
کند و معنی قول خدای تعالی که بریده شو از خلق و توجه کن بسوی
خدای تعالی بعبادت بریدن کامل و هرکاه دعا کنید از روی تضرع
و زاری باید که اشارت کنید بانکشت خود و حرکت دهید انکشت را و دعا

از روی ابتهال که هر دو دست خود را بر دارید و بکشید و ابتهال
زاری کردنست با گریه و روایتست که ابو عبدالله علیه السلم گرد
هر دو دست خود را بسوی آسمان کرد و گفت دعای که بجهت طلب
چیزی باشد از خدای تعالی باین کیفیت می باید که پشت دست
خود را بجانب آسمان کرد و گفت دعائی که بجهت ترس باشد چنین
می باید که حرکت داد انگشتان خود را بجانب راست و بجانب چپ و
گفت دعائی که از روی تضرع باشد چنین باید که برداشتن انگشتان
خود را و یکبار فرود آورد و گفت دعای که از روی تبتل باشد
چنین می باید که برداشت دست خود را برابر روی خود بسوی قبله
و گفت که دعائی که از روی ابتهال باشد باین کیفیت می باید و گفت هرون
بن خارجه که پرسیدم ابا عبدالله را از کیفیت دعا کردن و دست
برداشتن در حالت دعا کردن آنحضرت گفت که چهار وجه باشد اگر
دعا بجهت پناه جستن باشد کف هر دو دست خود را بسوی قبله کند
و اگر بجهت طلب رزقست بگشاید هر دو دست خود را بجانب آسمان و
اگر تبتل است اشارت باید کرد بانگشت شهادت خود و اگر ابتهالست بر
دارد هر دو دست خود را و بگذراند از سر خود و همچنین کند در دعای
تضرع **در بیان** چیزهای که پیش از دعا بجای می باید
آورد و گفت ابن مغیره که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلم میگفت که هرگاه
خواهید که طلب کنید از خدای تعالی حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت

آنست

باید که ابتدا کنید بمدح و ثنای خدای تعالی و صلوات بفرستید
بر پیغمبر و آل او علیهم السلم و بعد از ان طلب حاجت خود کنید و
روایتست از محمد بن مسلم از ابی عبدالله علیه السلم که در کتاب
زهد امیر المؤمنین علی علیه السلم واقعست که آنحضرت گفت که اول
مدح خدای تعالی می باید گفت و بعد از ان طلب می باید کرد حاجت خود را
از خدای تعالی پس وقتی که خواهی که دعا کنی و طلب حاجت خود کنی تحمید
کن خدای تعالی را یعنی ببزرگی یاد کن و بعد از ان دعا کن گفت محمد بن
مسلم که پرسیدم چگونه تحمید کنم ابو عبدالله علیه السلم گفت که بگو
یَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ یَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ یَا مَنْ هُوَ
بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَی یَا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ و گفت عثمان بن مغیره
که ابو عبدالله فرمود که هرگاه خواهی که دعا کنی تحمید کنی خدای تعالی را
و حمد و تسبیح و تهلیل بگو و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوات بفرست
بر نبی و آل او علیهم السلم و بعد از ان طلب حاجت خود کن تا خدای
تعالی حاجت ترا بر آورد و گفت ابو عبدالله علیهم السلم که وقتی که
طلب حاجت خود کنید از خدای تعالی باید که مدح و ثنا بگوئید خدای
تعالی را و بعد از ان طلب حاجت کنید بدرستی که هرگاه کسی طلب
کند از سلطانی آنقدر که میتواند سخنان میگوید که او را خوش آید
پس هرگاه طلب حاجت کنید از خدای تعالی تحمید کنید خدای تعالی را
و مدح و ثنا بگوئید باین طریق که یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَی یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ

کرده است

يا ارحم من استرحم يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفواً احد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من
يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ويقضي ما احب يا من يحول
بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير وبسيار از نامهاى حق تعالى بگويد بدرستى كه
نامهاى حق تعالى بسيار است وصلوات بفرستيد بر محمد وآل او
عليهم السلم وبگويد اللهم اوسع علي من رزقك الحلال ما اكف
به وجهي واودي به عني امانتي واصل به رحمي ويكون عونا على
الحج والعمرة وگفت ابو عبد الله عليه السلم كه آمد مردى بمسجد ودو
ركعت نماز گذارد وبعد از ان طلب حاجت خود كرد از خدا يتعالى
رسول خدا گفت كه تعجيل كرد اين بنده در طلب حاجت از پروردگار
خود مردى ديگر آمد بمسجد ودو ركعت نماز گذارد وبعد از ان
مدح وثناي خدا يتعالى بجاي آورد وصلوات فرستاد بر نبي وآل
او عليهم السلم پس آنحضرت گفت با انمرد كه طلب حاجت خود كن از
خدا يتعالى كه بتو ميدهد انچه ميخواهي وروايت كرده است درست
بن ابي منصور از ابي خالد كه گفت ابو عبد الله عليهم السلم كه هرگاه
چهل كس جمع شوند دعا كنند مستجاب كرداند خدا يتعالى ايشانرا
واگر چهل كس نباشد چهار كس ده بار دعا كنند مستجاب ميشود دعا
واگر چهار كس نباشد يك كس چهل بار دعا كنند مستجاب ميشود دعاي او

ونيز گفت كه پدر من هرگاه بجهت چيزي حزين وغمگين ميشد جمع ميكرد
اهل وعيال خود را وبعد از ان دعا ميكرد وايشان آمين ميگفتند
ونيز گفت كه كسى كه دعا كند وكسى كه آمين ميگويد شريك اند در دعا
وروايت كرده است هشام بن سالم كه گفت ابو عبد الله عليه السلم
كه دعا مستجاب نميشود تا آنكه صلوات بر محمد وآل نفرستند ونيز
گفت آنكسى كه دعا كند وصلوات بفرستد بر پيغمبر آن دعا بالا ميرود
ونيز گفت كه مردي آمد نزد حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم
وگفت يا رسول الله ميگردانم ثلث دعاي خود را بلكه نصف دعاء
خود را بلكه تمام دعاي خود را براي تو آنحضرت گفت كه اين هنگام
بر آورده ميشود حاجت دنيا و آخرت تو ابو البصير وابو الحكم
گفتند كه پرسيديم از ابي عبد الله عليه السلم كه چه معني سخن آنمرد
كه گفت بحضرت پيغمبر كه ميگردانم تمام دعاي خود را براي تو ابو عبد
الله عليه السلم كه اين معني دارد كه پيش از طلب هر حاجتي صلوات
ميفرستم بر تو ونيز گفت كه رسول خدا فرمود كه مگردانيد مرا مثل
قدحي كه راكب همراه خود ميدارد بدرستى كه هرگاه ميخواهد پر آب
ميكند وهرگاه نميخواهد فراموش ميكند وذكر كنيد در اول وآخر
وميان دعا ونيز گفت كسى را كه بخدا يتعالى حاجتي باشد بايد كه
ابتدا كند بصلوات بر محمد وآل او عليهم السلم وبعد از ان طلب حاجت
خود كند وختم كند بصلوات بر محمد وآل او عليهم السلم بدرستى كه

او

دارد

خدایتعالی کریم تراست از انکه قبول کند هر دو طرف را و قبول نکند
میان را بجهت انکه صلوات بر نبی وال او و میان خدایتعالی هیچ چیز
حجاب نمیشود و چون هیچ چیز حجاب نشود قبول میکند و نیز کفت
که رسول خدا فرمود که هر قومی که جمع شوند در مجلس و ذکر
خدایتعالی نکنند و صلوات نفرستند بر پیغمبر آن مجلس حسرت
و وبال شود بر ایشان **در بیان** انکسی که مستجاب میشود دعای
او کفت ابو عبدالله که دعای سه طایفه مستجاب میشود دعای حاج
دعای کسی که جهاد کند در راه خدایتعالی و دعای مریض پس تعرض
مکنید باو و دلتنگ مکنید او را و مرنجانید و نیز کفت که پدر من
فرمود که دعا پنج کس مستجاب میشود و دعای پادشاه عادل و دعای
مظلوم که خدایتعالی بمظلوم میکوید که داد ترا میستانم از ظالم
و اکرچه بعد از مدتی باشد و دعای فرزند صالح برای پدر خود و دعای
پدر صالح برای فرزند خود و دعای مؤمن برای برادر مؤمن غایبانه
و میکوید فرشته که موکل است بآن بنده که دعای میکند برادر مؤمن
که مر تراست مثل آن یعنی آن دعا در حق تو نیز مستجابست و منقولست
از کتاب فردوس که کفت حضرت پیغمبر که دعای سه طایفه مستجابست
و هیچ شکی نیست دران دعای پدر برای فرزند و دعای مظلوم در حق ظالم
و دعای مسافر و نیز کفت که کسب حلال کن تا دعای تو مستجاب شود
بدرستی که مردی یك لقمه حرام بخورد مستجاب نمیشود دعای او

چهل روز روایت کرده است فضل بن یسار که کفت ابو جعفر ع
که نزدیك ترین دعای باجابت دعای مومنست برای برادر مومن
غایبانه پیوسته میسازد روزیرا و دفع میکند مکروه را و کفت
یحیی بن معاذ که ابو جعفر علیه السلم بمن کفت که وقتی که حاجتی
داشته باشی این دعا بخوان اللّهمّ انتَ ولیّ نعمتی و انتَ القادر
علی طلبتی و تعلم حاجتی فاسئلك بحقّ محمّدٍ و آل محمّد لما قضیتها لی
من ضامنم که خدایتعالی حاجت ترا برآورد و کفت امام جعفر صادق
علیه السلم دعا کردن برای برادر مومن غایبانه زیاده میکند روزیرا
و میکرداند بلا را و حق سبحانه و تعالی میکوید بدعا کننده که ترا هم
مثل اینست و نیز کفت که حذر کنید از دعای مظلوم بدرستی که دعای
مظلوم میرود باسمان و نیز کفت که انکسی که پیش از دعا چهل مومن را
یاد کند نام یکیك را بکوید و برای ایشان دعا کند و بعد از ان کند
دعای او مستجاب میشود و نیز کفت انکسی که دعا کند برای برادر
مومن غایبانه موکل سازد خدایتعالی بدعا کننده فرشته که بکوید ترا
دو برابر آنست و روایتست که کفت مردی کفتم بابی عبدالله علیه السلم
که دو آیتست در کتاب خدایتعالی یکی دلالت میکند برانکه هرکاه دعا
کنید مستجاب میشود و آیه دیکر دلالت میکند برانکه هرکاه چیزی نفقه
کنند در راه خدایتعالی عوض میدهد انحضرت کفت که کدام است آن دو
آیه کفتم یکی آنست ادعوا استجب لکم یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما

است بوقت صبح و شام گفت عبد الکریم بن عینیه که امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که آنکسی که ده بار بگوید پیش از بر آمدن
آفتاب و پیش از فرو رفتن آفتاب لا اله الا الله وحده لا شریک له
الملک وله الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر کفارت گناهان او میشود و گفت حفص
بن البختری که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت نوح
علیه السلام در وقت صباح ده نوبت و در وقت شام ده نوبت
میگفت اللهم انی اشهدک انه ما اصبح و امسی لی من نعمة و عافیة
فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک الحمد لک الشکر به علی
حتی ترضی و بعد الرضی و بجهت خواندن این دعا در هر صباح و شام
حق تعالی حضرت نوح را عبد شکور نامید و گفت مسمع بن عبد الملک
کردین که جمل صباح با بی عبد الله علیه السلام نماز گذاردم هر گاه آنحضرت
فارغ میشد از نماز دست خود را بر میداشت بسوی آسمان و میگفت
اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم انا عبیدک اللهم احفظنا من حیث نحفظ
و من حیث نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر و من حیث لا نستتر
اللهم استرنا بالغنی و العافیة اللهم ارزقنا العافیة و ارزقنا الشکر
علی العافیة

در بیان دعائی که میباید خواند در صباح و قتی که

خوف و ترسی باشد و گفت ابو السری بن یعقوب که لقب او ابی نواس
است که گفتم با بی الحسن علی بن العسکری علیهما السلام که ای سید من

نحفظ

سهل

و هرچند دعای میکنم مستجاب نمیشود آنحضرت گفت پس چرا دعای تو
مستجاب نمیشود گفتم نمیدانم آنحضرت گفت که خبر دهم بتو آنکسی که طاعت
و فرمان برداری خدا تعالی کند بانچه امر کرده است و دعا کند بآن
طریق که می باید کرد مستجاب میگرداند خدا تعالی دعای او را گفتم
طریق دعا کدام است گفت آنست که اول حمد و ثنا بگوئی خدا تعالی را
و تمجید کنی و به بزرگی یاد کنی خدا تعالی را و ذکر کنی نعمتهائی را که بتو
داده است پس شکر آن نعمتها بجای آوری و بعد از آن صلوات بفرستی
بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از آن ذکر کنی گناهان خود را و بعد از آن
استغفار کنی از گناهان و بعد از آن دعا کنی اینست طریق دعا کردن بعد از آن
گفت آنحضرت که آیه کدام است گفتم اینست که و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه
یعنی آنچه نفقه میکنید از چیزی که شما راست در راه خدا تعالی عوض
میدهد و من هرچند نفقه میکنم عوض نمی یابم آنحضرت گفت که گمان
تو اینست که خدا تعالی خلاف وعده میکند گفتم نی گفت هر چه
که نفقه میکنی و عوض نمی یابی گفتم نمیدانم گفت اگر شما کسب مال کنید از
وجه حلال و صرف در محل خودش کنید هر درمی که ~~صرف~~ کند خدا تعالی
عوض میدهد و گفت سلمان فارسی که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم که شرم میدارد خدا تعالی که نا امید سازد بنده را که بسته
باشد دستهای خود را بدعا و دستهای او را تهی باز گرداند

فصل دوم

در بیان دعاها بر گزینه که تعلق بروز و شب دارد دعاهای که مخصوص

من خبر داده است بمن حسن بن عبد الله بن مطهر که روایت کرده است
محمد بن سلیمان الدیلمی از پدر خود که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که در هر ماه کدام روزها سعد است و کدام نحس است و من میخواهم که
عرض کنم بتو که ملاحظه کنی که انچه بمن رسیده است یا نی آنحضرت گفت
که عرض کن چون عرض کردم و تصحیح کردم گفتم ای سید و پیشوای من در
بیشتر روزها موانع از شروع در مقاصد هست بجهت آنکه بیشتر روزها

دونها

نحس است در آن روزها خوفی هست که ضرورت میشود که توجه کنم بطلب
حاجت در آن روزهای نحس میخواهم که تعلیم کنی مرا چیزی که اگر در
روزهای نحس متوجه حاجتی شوم ضرری بمن نرسد پس آنحضرت گفت
بمن که ای سهل شیعیان ما را دوستی ما نگاه میدارد از جمیع بلاها
که اگر بدوستی ما بروند در میان دریاهای عمیق و بیابانهای دور
بی پایان میان درندها و گرگها و دشمنان از دیو و آدمی هر آینه ایمن میباشند
از شر ایشان بدوستی ما پس اعتقاد کن بر خدای تعالی و از روی اخلاص
و اعتقاد دوست دار ائمه معصومین و اهل بیت طیبین و طاهرین را
صلوات الله علیهم اجمعین و توجه کن بهر جا که میخواهی و هر کاریکه
میخواهی بکن و گفت ای سهل در هر صباح سه نوبت بگو اللهم اصبحت
معتصماً بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من شر كل غاشم
وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق

معتصما

في جنة من كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محتجباً

من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم
والتمسك بحبلهم جميعا موقنا ان الحق لهم ومعهم وفيهم
وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا واحارب من حاربوا

من الولد

فصل على محمد وآله فاعذني اللهم بهم من شر كل ما اتقيه
يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات والارض انا جعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
و در عصر این دعا را سه نوبت بخوان و بجای اصبحت امسیت بگو بعد
که چون چنین کنی ایمن شوی از انچه میترسی پس هر گاه میخواهی که توجه کنی
بکاری در روز نحس که خوف و ترسی داشته باشی از نحوست آن روز
پیش از توجه آنکار فاتحه و اخلاص و معوذتین و آیة الکرسی و انا انزلناه

بخوان

و پنج آیه از آخر سوره آل عمران و آن آیها اینست لا يغرنك تقلب الذين
كفروا في البلاد متاع قليل ثم مأويهم جهنم وبئس المهاد
لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين
فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير للابرار وان من اهل الكتاب
لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم وما انزل اليهم خاشعين لله
لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم
ان الله سريع الحساب يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا
واتقوا الله لعلكم ~~تحوى~~ و بعد از ان بگو اللهم بك يصول الصائل

تفلحون

وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة

بمنار هاذ وتقوم الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك
محمد نبيك وعترته وسلالته وعليهم السلام فصل عليهم
واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه واقض في
متصرفاتي بحسن العاقبة وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية
الطاغية المغوية وكل ذي قدرة على اذية حتى اكون في
جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيه امنا
ومن العوائق فيه يسرا لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق
من اذى البلاد انك على كل شيء قدير والامور بصير يا من ليس كمثله
شيء وهو السميع البصير در سپاس دعائی که میباید خواند
در هر صباح وشام روایتست که امام جعفر صادق علیه السلم در
هر صباح میکفت که بسم الله وبالله والی الله ومن الله وفی الله
في سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم اليك اسلمت نفسي واليك
فوضت امري واليك وجهت وجهي وعليك توكلت يا رب العالمين
اللهم احفظني بحفظ الايمان من بين يدي ومن خلفي وعن يميني
وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي لا اله الا انت لا قوة الا
بالله اسئلك العفو والعافية من كل سوء في الدنيا والاخرة اللهم
اني اعوذ بك من عذاب القبر ومن ضيق القبر ومن ضغطة القبر
واعوذ بك من سطوات الليل والنهار اللهم رب الشهر الحرام
ورب البيت الحرام ورب البلد الحرام ورب الحل والحرام ابلغ محمدا

واله عني السلام اللهم اني اعوذ بدرعك الحصينة واعوذ بجمعك ان لا
تميتني غرقا او حرقا او شرقا او قودا او صبرا او هدما او ترديا في
بئر او اكيل السبع او موت الفجاءة او بشيء من ميتة السوء لكن
امتني على فراشي في طاعتك وطاعة رسولك صلواتك عليه واله
مصيبا للحق غير مخطي او في الصف الذي نعت اهله في كتابك كانهم
بنيان مرصوص مصيبا للحق غير مخطي اعيذ نفسي وديني ومالي
واهلي وولدي وما رزقني ربي بالله الواحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اعيذ نفسي واهلي ومالي وما رزقني
ربي برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد اعيذ نفسي واهلي ومالي
وولدي وما رزقني ربي برب الناس ملك الناس اله الناس من
شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس
ونیز میکفت که الحمد لله عدد ما خلق الله والحمد لله عدد مثل ما
خلق الله والحمد لله مداد كلماته والحمد لله زنة عرشه الحمد لله
رضا نفسه لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما بينهما
ورب العرش العظيم اللهم اني اعوذ بك من درك الشقاء واعوذ بك
من شماتة الاعداء واعوذ بك من الفقر والوقر واعوذ بك من سوء
المنظر في الاهل والمال والولد ده نوبت صلوات میفرستاد بر نبی واله

او علیهم السلام در بیان دعاهائی که میباید خواند بعد از نمازهای
فریضه در اخبار آمده است هر کسی که تسبیح زهرا بگوید بعد از نماز فریضه
پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را یعنی بهمان کیفیت که در وقت تشهد
نشسته بود آمرزیده شود گناهان او و گفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام بمردی از بنی سعید که آیا خبر دهم بتو از حال خود و فاطمه زهرا
علیهما السلام آب میکشید بمشک تا آنکه اثر کرده بود تسمه مشک در
سینه او و آرد میکرد بدستاس تا آنکه آبله کرده بود دستهای او و
جاروب میکرد خانه را تا آنکه غبار آلوده شده بود جامهای او و
آتش کرده بود در زیر دیک تا آنکه بوی دود میکرد جامهای او پس بجهت
این کارها تشویش بسیار بفاطمه رسید گفتم باو که اگر بروی بنزد پدر
خود و طلب کنی از و خدمتکاری خلاص میشوی ازین تشویشات
فاطمه علیها السلام رفت نزد آنحضرت در وقتی که نزد آن حضرت
بزرگواری بود شرم کرد و هیچ نگفت و باز گشت آن حضرت دانست که فاطمه
بجهت حاجتی نزد او آمده بود آنحضرت روز دیگر آمد نزد ما و ما در زیر
جامه خواب خسپیده بودیم آنحضرت گفت السلام علیکم ما جواب نگفتیم
و شرم کردیم بجهت آنکه در زیر جامه خواب بودیم باز آنحضرت گفت
السلام علیکم ما جواب نگفتیم باز آنحضرت گفت السلام علیکم
پس ترسیدیم که اگر جواب سلام نگوئیم آنحضرت باز گردد زیرا که
عادت آنحضرت چنین بود که بجائی که میرفت سه بار سلام میکرد اگر جواب

آنحضرت گفت که فاطمه...

سه بار

میدادند و اذن می یافت در می آمد و اگر جواب نمیدادند
و اذن نمی یافت باز میگشت پس گفتیم علیک السلام یا رسول الله
در آئید آنحضرت در آمد و بر سر بالین ما نشست گفت ای فاطمه
حاجت تو چه بود دیروز نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم ترسیدم
که اگر فاطمه جواب ندهد برخیزد و برود پس سر خود را
بیرون کردم از جامه خواب و گفتم بحق خدائی که خبر دهم
بتو یا رسول الله از جانب فاطمه بدرستی که فاطمه آب کشید بمشک
تا آنکه تسمه مشک اثر کرد در سینه او و آرد کرد بدستاس
تا آنکه آبله کرد دستهای او و جاروب میکرد خانه را تا آنکه
غبار آلود میشد جامهای او و آتش میکرد در زیر دیک
تا آنکه جامهای او بوی دود میکرد پس گفتم باو که اگر بروی
نزد پدر خود و خدمتکاری طلب می کنی تا خلاص ازین تشویشات
آنحضرت گفت بیاموزم بشما چیزی که بهتر باشد شما را از خدمتکار
هر گاه خواهید که خواب کنید سی و چهار بار الله اکبر و سی و
سه نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله بگوئید پس
فاطمه سر خود را بیرون آورد و سه نوبت گفت که راضی
و خشنود شدم از خدا و رسول خدا و منقولست از مسموعات
سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی که گفت ابو خالد قماط
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که تسبیح فاطمه

میشوی

زهرا در عقب هر نماز فریضه دوستر است نزد من از هزار رکعت
نماز نافله در هر روز و کفت امام جعفر صادق علیه السلم
که آن کسی که تسبیح فاطمه زهرا در عقب هر نماز فریضه بکوید
پیش از انکه بر کرداند پاهای خود را آمرزیده شود و کفت
امام موسی علیه السلم که مومن می باید که خالی نباشد از
پنج چیز مسواک و شانه و سجاده و تسبیح سی و چهار دانه
وانکشتری عقیق و کفت ابراهیم بن محمد بن الثقفی که رشته
که تسبیح میکفت فاطمه زهرا با آن از پشم بود که تافته بود آنرا و سی
و چهار کره زده بود بعدد تکبیرات و تسبیح میکفت تا انکه
سید شهدا حمزه بن عبد المطلب شهید شد پس حضرت فاطمه
از تربت حمزه تسبیح ساخت و مردمان نیز چنین میکردند چون
حضرت امام حسین علیه السلم شهید شد مردمان تربت حمزه را
کذاشتند و از حضرت امام حسین تسبیح میساختند بجهت فضیلت
تربت امام حسین ع و مذکور است در کتاب حسن بن محبوب که
پرسیدند از ابی عبد الله ع که تسبیح تربت حمزه فاضل تر و بهتر است
یا تسبیح تربت حضرت امام حسین آنحضرت کفت که تسبیح
که تربت حضرت امام حسین باشد تسبیح میکوید در دست کسی
بی انکه تسبیح کوید و روایتست که چون حور عین هر کاه می بینند
که فرشتها از آسمان بزمین می آیند بجهت کاری میکویند بان فرشتها

که تسبیح تربت امام حسین برای ما بهدیه بیارد و کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که آن کسی که میخواهد که بیرون
رود از دنیا و پاک باشد از کناهان همچون طلائی که دروغش نیست
و هیچکس از و طلب مظلمه و وبال نکند باید که در عقب فرایض
یومیه دوازده بار قل هو الله احد بخواند و بعد از ان دست خود را
بردارد و بکوید که اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ
الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ وَسُلْطانِکَ
الْقَدیمِ یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساری وَیا فَکّاکَ الرِّقابِ
مِنَ النّارِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی
مِنَ النّارِ وَتُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا آمِناً وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سالِماً وَ
اَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً اِنَّکَ
اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ و کفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلم
این که مذکور شد سریست از اسرار که تعلیم کفته است بمن رسول
خدا فرموده است که تعلیم کن با امام حسن و امام حسین علیهما السلم
منقولست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم روایتست که
هر که این دعا را در عقب هر نماز فریضه بخواند محفوظ شود نفس او
و سر او و مال او و فرزندان او دعا اینست اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی ما قَدَّمْتُ
وَما اَخَّرْتُ وَما اَسْرَرْتُ وَما اَعْلَنْتُ وَاِسْرافی عَلی نَفْسی وَما
اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

بعلمك الغيب وقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحيوة خيرا لي
فاحيني وتوفني اذا علمت الوفات خيرا لي اللهم اني اسئلك خشيتك
في السر والعلانية وكلمة الحق في الغضب والرضاء والقصد
في الفقر والغناء واسئلك نعيما لا ينفد وقرة عين لا تنقطع
والرضا بالقضاء غير ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم زينا
بزينة الايمان واجعلنا هداة مهتدين اللهم اهدنا
في من هديت اللهم اني عزيمة الرشاد والثبات في الامور
والرشد فاسئلك شكر نعمتك وحسن عافيتك واداء حقك
واسئلك يا رب قلبا سليما ولسانا صادقا واستغفرك لما
تعلم واعوذ بك من شر ما تعلم فانك تعلم ولا نعلم وانت علام
الغيوب **دعاء دیکر** کفت امام جعفر صادق علیه السلام که آن
کسی که بکوید این کلمات را در عقب نماز فریضه محفوظ شود
نفس وخانه ومال وفرزندان او وکلمات اینست که اجیر نفسي
ومالي وولدي وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد الذي
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي وولدي
وكل ما هو مني برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب
ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد وبرب
الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي
يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس وبالله الذي لا اله

الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في السموات الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه
يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكراه في الدين
ومنقولست از مسموعات سید تاج الدین ابی البرکات
که کفت امیر المومنین علی علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود که یا علی در عقب هر نماز فریضه آیة
الکرسی بخوان بدرستی که این کار نمیکند مکر پیغمبری یا صدیقی
یا شهیدی کفت امام جعفر صادق علیه السلم که کمترین دعائی
که اکتفا توان کرد بآن بعد از نماز فریضه اینست که اللهم صل علی
محمد وآل محمد اللهم انا نسئلك من كل خير احاط به علمك
اللهم انا نسئلك عافيتك في اموري كلها ونعوذ بك من
خزي الدنيا وعذاب الاخرة **دیکر** کفت امام جعفر صادق ع
که جبرئیل فرود آمد بیوسف علیه السلم وقتی که یوسف
در زندان بود وکفت ای یوسف بکو در عقب هر نماز فریضه که
اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا اللهم اهدني من عندك
وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل
علي من برکاتك کفت حلقان بن ابی حلقام که آمد نزد

امام موسی علیه السلام وگفتم که فدای تو گردم بیاموز مرا دعا
که مختصری که فائده دهد مرا در دنیا وآخرت آنحضرت گفت
در عقب هر نماز صبح تا برآمدن آفتاب بگو سبحان الله العظیم
وبحمده واستغفر الله واسئله من فضله گفت هلقام که من
درویش ترین اهل بیت خود بودم چون مداومت نمودم باین
دعا اوردند برای من میراث مردی که گمان نمی بردم که میان
من واو خویشاوندی بوده باشد وامروز من مالدارترم از
اهل بیت خود ونیست این مگر بجهت انچیزیکه آموخته است بمن
مولای من امام موسی کاظم علیه السلام دعاء دیگر بخوان بعد از نماز
فریضه این دعا را اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وال
محمد واسئلک خیر ما لا ارجوا واعوذ بک من شر ما احذر وفاتحه
وآیة الکرسی بخوان واین آیه را بخوان شهد الله انه لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین
اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن
یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب وآیه سخره را بخوان وآیه
سخره اینست ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق
والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة

انه

انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها
خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وسه بار
بگوید که اللهم صل علی محمد واجعل لی من امری فرجا و
مخرجا وارزقنی من حیث لا احتسب یا رب محمد وال محمد
واعتق رقبتی من النار روایتست که هر که این دعا بخواند
در عقب هر نماز فریضه ومداومت نماید باین دعا آنقدر زند
که ملول شود از زندگی دعا اینست اللهم صل علی محمد وال
محمد ان رسولک الصادق المصدق صلواتک علیه واله
قال انک قلت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض
روح عبدی المؤمن یکره الموت وانا اکره مسائته اللهم صل
وال محمد وعجل لاولیائک الفرج والنصر والعافیة ولا تسؤنی
فی نفسی ولا فی فلان یعنی نام هر کسی را که خواهد بگوید دعاء دیگر
روایتست که محاسن خود را بگیرد بدست راست ودست چپ خود را
دراز کند بر وجهی که کف دست او بسوی آسمان باشد وسه نوبت
بگوید یا ذو الجلال والاکرام صل علی محمد وال محمد واجرنی
من النار بعد از آن دست راست خود را بردارد وکف دست را بجانب
آسمان کند وسه بار بگوید که یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم
وبعد از آن هر دو دست را بسوی آسمان کند وسه بار بگوید صل
علی محمد وال محمد واجرنی من العذاب الالیم وبعد از آن فرود

وال محمد
احتسب من حیث
گانی کند
علی محمد

فرو آورد هر دو دست را و بگوید که صلّ علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ

فِي الدِّينِ وَحَبِّبْنِي إِلَى الْمُسْلِمِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِ

وَارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ

عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَعْمِلَنِي بِمَا عَرَّفْتَنِي مِنْ حَقِّكَ

وَأَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

حَسْبِيَ اللهُ لِدِينِي وَحَسْبِيَ اللهُ لِدُنْيَايَ وَحَسْبِيَ اللهُ لِآخِرَتِي وَحَسْبِيَ

اللهُ لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ مَسْأَلَةِ

الْقَبْرِ وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَحَسْبِيَ

اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

واین دعاها از دعاهای وترات روایتست که گفت حق تعالی بحضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که یا محمد امتی که خواهد که ثواب

نماز او را مضاعف گرداند باید که در عقب هر نماز فریضه هر دو

دست خود را بردارد و بگوید که یَا مُبْدِئَ الْأَسْرَارِ يَا مُبَيِّنَ الْكِتْمَانِ

يَا شَارِعَ الْأَحْكَامِ يَا رَاوِيَ الْأَنْعَامِ وَيَا فَارِضَ الطَّاعَةِ وَيَا مُلْزِمَ الدِّينِ

وَيَا مُوجِبَ التَّعَبُّدِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تَزْكِيَةِ كُلِّ صَلَوٰةٍ زَكَّيْتَهَا وَبِحَقِّ

مَنْ زَكَّيْتَهَا بِهِ أَنْ تَجْعَلَ صَلَوَاتِي هٰذِهِ زَاكِيَةً مُتَقَبَّلَةً بِتَقَبُّلِهَا

وَتُصَيِّرَكَ دِينِي بِهَا زَاكِيًا وَإِلْهَامَكَ قَلْبِي حُسْنَ الْمُحَافَظَةِ عَلَيْهَا حَتَّى

تَجْعَلَنِي مِنْ أَهْلِهَا الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فِيهَا بِالْخُشُوعِ أَنْتَ وَلِيُّ الْحَمْدِ

كُلِّهِ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ حَمْدًا أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ

وَأَنْتَ وَلِيُّ التَّوْحِيدِ كُلِّهِ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّوْحِيدُ كُلُّهُ بِكُلِّ

تَوْحِيدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيُّ التَّهْلِيلِ كُلِّهِ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّهْلِيلُ

كُلُّهُ بِكُلِّ تَهْلِيلٍ أَنْتَ وَلِيُّ التَّكْبِيرِ كُلِّهِ بِكُلِّ التَّكْبِيرِ أَنْتَ لَهُ

وَلِيُّ التَّسْبِيحِ كُلِّهِ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّسْبِيحُ كُلُّهُ بِكُلِّ

أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ رَبِّ عُدْ عَلَيَّ فِي صَلَوَاتِي هٰذِهِ بِرَفْعِهَا زَاكِيَةً مُتَقَبَّلَةً

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بدرستی که وقتی که بخواند این دعا را

نماز او مضاعف نوشته شود در لوح محفوظ و روایت

کرده است محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر با امام جعفر

صادق علیه السلام که دعا خواندن در عقب نماز فریضه

فاضل‌تر است از دعا خواندن در عقب نماز سنت همچنانکه نماز

فریضه فاضل‌تر است از گذاردن نماز سنت و روایت کرده است

ابوالحسن العسکری از پدران خود علیهم السلام که گفت

امیر المؤمنین علی علیه السلام که آن کسی که نماز فریضه بگذارد

خاص از برای خدای بی ریا دعای که در عقب آن نماز کند مستجاب

شود در بیان سجدهٔ شکر گفت اسحق بن عمار که ابو عبد الله

علیه السلام فرمود که موسی بن عمران هرگاه که نماز می‌گذارد

بعد از نماز سجده میکرد و روی راست خود را بر زمین می‌نهاد

و گفت ابو جعفر علیه السلام که وحی کرد خدای تعالی بموسی بن عمران

که آیا میدانی که چرا برگزیدم ترا بسخن گفتن نه دیگری را موسی

کفت نبینداتم ای پروردکار من حق تعالی کفت ای موسی من بنده
بار و بتو کردم بندکان خودرا و تفحص و تجسس احوال ایشان کردم
نیافتم درمیان ایشان کهتر نفس و ذلیل و شکسته تر باشد
از برای من از تو بجهت این ترا برکزیدیم ای موسی بدرستی
که وقتی که نماز می کذاری میمنهی روی خودرا برخاک و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام وقتی که بنده سجده شکر کند و
در سجده بکوید یا رب تا نفس او منقطع شود حق تعالی میکوید
لبیک ای بنده من چیست حاجت تو تا بر آورم و کفت مرازم
که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که سجده شکر واجبست
بر هر مسلمانی بدرستی که تمام می شود نماز بسجده شکر و خشنود
میشود بسبب آن پروردکار و خشنود میشوند فرشتکان
و بنده هرکاه نماز کذارد و بعد از ان سجده بجا می آورد می بر
میدارد خدا تعالی حجاب را از میان آن بنده و فرشتکان و
میکوید ای فرشتکان من نظر کنید به بنده من بجا آورده است
انچه برو واجب کردانیدم و وفا کرده است بعهد من و بعد از آن
سجده شکر می کند بجهت آن نعمت که باو داده ام چیست جزای
او فرشتکان می کویند ای پروردکار ما جزای او کفایت کردن
مهمات اوست همچنین خدا تعالی می کوید بفرشتها که جزای او چیست
و فرشتها جواب میکویند تا انکه هیچ جزا و باقی نماند بعد از ان حق

تعالی میکوید ای فرشتکان من چیست جزای آن بنده میکویند
ای پروردکار ما غیر اینها نمیدانیم خدا تعالی میکوید که جزای
آن بنده اینست که شکر کویم من اورا همچنانکه شکر کفته است اومرا
و متوجه او شوم بفضل و رحمت خود و بنمایم باو دیدار خود
یعنی اورا انکشاف حاصل شود و روایتست که امام زین العابدین
علیه السلم در سجده شکر می کفت اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ
فَاِنّا قَدْ اَطَعْتُکَ فِی اَحَبِّ الْاَشْیاءِ اِلَیْکَ وَهُوَ الْاِیمانُ بِکَ مَنّاً
مِنْکَ اَلْاِمْتِنانُ مِنِّی عَلَیْکَ تَرَکْتُ مَعْصِیَتَکَ فِی بَعْضِ الْاَشْیاءِ
عَلیٰ غَیْرِ وَجْهِ مُکابَرَةٍ وَلَا مُعانَدَةٍ وَلَا اِسْتِکْبارٍ عَنْ عِبادَتِکَ
وَلَا جُحُودٍ لِرُبُوبِیَّتِکَ وَلٰکِنِ اتَّبَعْتُ هَوایَ وَاسْتَزَلَّنِی الشَّیْطانُ
بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبُرْهانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِذُنُوبِی غَیْرَ ظالِمٍ وَاِنْ تَغْفِرْ لِی
وَتَرْحَمْنِی فَبِجُودِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ و کفت ابراهیم بن عبدالحمید
که کفت امام جعفر صادق علیه السلم بمردی که هرکاه غمی
واندوهی بتو رسد سجده شکر کن و چون سر از سجده برداری
دست راست خودرا بر موضع سجده بنه و بعد از ان بردار دست راست
خودرا و بکش از پایین روی جب بر بالا و بکذران بر پیشانی و
بجانب روی راست فرود آر سه بار این کار بکن و هر سه بار این دعا
بخوان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ
الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَالْحُزْنَ و روایتست

که آن کسی که در سجدهٔ شکر بگوید یا ربّاه یا سیّداه تا انکه نفس
او منقطع شود خدا تعالی جواب دهد او را و بگوید که طلب
کن از من حاجت خود را و روایتست که بعضی که از ائمهٔ معصومین
علیه السّلم در سجدهٔ شکر میگفتند سَجَدَ لَکَ یا رَبِّ طالِبٌ مِن نُورِ
سَجَدَ لَکَ هارِبٌ مِن عِقابِکَ سَجَدَ لَکَ خائِفٌ مِن سَخَطِکَ و بعد
ازان میگفتند یا اَللّٰه یا رَبّاه یا اَللّٰه یا رَبّاه تا انکه نفس منقطع میشد
و گفت امام جعفر صادق علیه السّلم که گذشت رسول خدا صلعم
بمردی که در سجده بود و گفت یا رَبِّ ما عَلَیکَ اَن تُرضی کُلَّ
مَن کانَ لَهُ عِندی تَبِعَةٌ وَاَن تَغفِرَ لی ذُنُوبی وَاَن تُدخِلَنی الجَنَّةَ
بِرَحمَتِکَ فَاِنَّما عَفوُکَ عَنِ الظّالِمینَ وَاَنا مِنَ الظّالِمینَ فَلیَسَعنی رَحمَتُکَ
یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ پس گفت رسول خدا صلّی اللّٰه علیه واله وسلم
بان مرد که بردار سر خود را که دعای تو مستجاب شد بدرستی که
دعا کردی بدعای پیغمبری که در زمان عاد بود در بیان
دعاها که میباید خواند در وقت خواب کردن گفت امام جعفر صادق
علیه السّلم که خدا تعالی دشمن میدارد خواب کردن بسیار را
و نیز گفت که خواب بسیار میبرد دین و دنیا را و نیز گفت که رسول خدا
که خواب اول روز شوم است و خواب نیم روز می افزاید نعمت را
و بعد از عصر حماقت و نادانی می آرد و خواب در میان شام و خفتن
محروم میکرداند بنده را از روزی و نیز گفت که انکسی که وضو

بسازد و بعد ازان جا کند در فراش خود همچنانست که شب روز
آورده باشد در جای نماز خود و فراش او همچو جای نماز اوست
پس اگر یادش آید که وضو ندارد باید که تیمم کند بجامهٔ خواب
انجه باشد پس اگر چنین کند همچنانست که همیشه در نماز باشد
و ذکر خدا تعالی گوید و نیز گفت که وقتی که نزد تو چراغ بیارند
بگو که اَللّٰهُمَّ اجعَل لَنا نُوراً نَمشی بِهِ فِی النّاسِ وَلا تُحَرِّمنا نُورَکَ
یَومَ نَلقاکَ وَاجعَلنا نُوراً اَبَداً نُوراً اَبَداً لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ وهر گاه
چراغ بمیرد بگو اَللّٰهُمَّ اَخرِجنا مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ و گفت
و گفت محمد بن مسلم که ابو جعفر فرمود که چون کسی روی
راست خود را بر بالین نهد در وقت خواب کردن باید که بگوید
بِسمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسلَمتُ نَفسی اِلَیکَ وَوَجَّهتُ وَجهی
اِلَیکَ وَفَوَّضتُ اَمری اِلَیکَ وَاَلجَأتُ ظَهری اِلَیکَ تَوَکَّلتُ عَلَیکَ
رَهبَةً مِنکَ وَرَغبَةً اِلَیکَ لا مَلجَأَ وَلا مَنجا اِلّا اِلَیکَ آمَنتُ
بِکِتابِکَ الَّذی اَنزَلتَ وَبِرَسُولِکَ الَّذی اَرسَلتَ و بعد ازان
تسبیح زهرا بگوید و انکسی که در خواب می ترسد باید که در وقت
خواب کردن قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی
بخواند و گفت امام جعفر صادق علیه السّلم که قل هو اللّٰه و قل
یا ایها الکافرون بخواند در وقت خواب کردن بدرستی که قل
یا ایها الکافرون امانست از شرک و قل هو اللّٰه نسب پروردگار است

وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که شنیدم که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم بر بالای منبر میگفت که انکسی که
آیة الکرسی در عقب هر نماز فریضه بخواند او را از دخول جنت هیچ مانع
نیست مگر موت پس مداومت نمیکند باین مگر صدیقی یا عابدی
وانکسی که آیة الکرسی در عقب هر نماز فریضه بخواند و را از جمله
انبیا خواهند ساخت وانکسی که آیة الکرسی بخواند وقتی که جا گیرد
در فراش خود بجهت خواب ایمن گرداند خدا یتعالی او را و همسایه
او را و خانه او را و خانهای که در حوالی اوست وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که قل هو الله احد بخواند وقتی که
جا کند در فراش خود بجهت خواب بیامرزد خدا یتعالی پنجاه سال
گناهان او را خدا یتعالی عفو کند و روایت کرده است محمد بن
مسلم که گفت امام محمد باقر علیه السلم با امام جعفر صادق علیه السلم
باید که کسی ترک نکند وقت خواب کردن خواندن این دعا را
اعیذ نفسی وذریتی واهل بیتی ومالی بکلمات الله التامات من
کل شیطان وهامة ومن کل عین لامة بدرستی که این دعا را
جبرئیل تعویذ امام حسن و امام حسین علیهم السلم ساخت وگفت
امام جعفر صادق علیه السلم انکسی که در وقت خواب کردن
سه نوبت بگوید الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن
فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی

الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر پاک شود از جمیع
گناهان همچون آنروز که از مادر متولد شده باشد وگفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که سورة الهیکم التکاثر
بخواند در وقت خواب کردن ایمن شود از عذاب قبر **دربیان**
دعایی که می باید خواند کسی که میترسد در شب گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم که چون در شب کسی بترسد باید بگو
اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده ومن
همزات الشیاطین وان یحضرون و روایتست که برای
در شب آیة الکرسی بخواند و این آیه نیز بخواند اذ یغشیکم النعاس
امنة منه وینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به ویذهب
عنکم رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام
و این آیه را هم بخواند وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا اللیل
لباسا وجعلنا النهار معاشا **دربیان** عملی که باید کرد کسی را
که از دزد میترسد گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم وقتی که خوا
خواب کنید باید که بپهلوی راست بخوابید و دست راست خود را
در زیر روی راست بنهید و بگوئید که بسم الله وضعت جنبی لله
علی ملة ابراهیم ودین محمد وولایة من افترض الله طاعته ما
شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء

قدير بدرستي كه انكسي اين دعا بخواند در محل خواب كردن ايمن
شود از دزد و از فرود آمدن خانه بالاي او و استغفار كنند فرشتها (كنند)
براي او و انكسي كه قل هو الله بخواند در وقت خواب كردن
پنجاه فرشته را خدا يتعالى موكل سازد كه نگاه دارند او را
دران شب و روايتست انكسي كه از دزد ميترسد بايد كه در
وقت خواب كردن بخواند اين ايه را كه قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت
بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره
تكبيرا **در بيان** دعائي كه ميبايد خواند بجهت انكه محتلم
نشود و گفت امام جعفر صادق عليه السلم چون جا كني در
فراش بگو اللهم اني اعوذ بك من الاحتلام ومن سوء الاحلام
ومن ان يتلاعب الشيطان في اليقظة والمنام **در بيان** دعائي كه
ميبايد خواند بجهت خواب آمدن كسي را كه خواب نميبرد هر گاه مي
ترسي از بيخوابي وقتي كه جا كني در فراش خود بگو سبحان الله
ذي الشان دائم السلطان عظيم البرهان كل يوم هو في شان
وبعد از ان بگو يا مشبع البطون الجائعة ويا كاسي الجنوب العارية
ويا مسكن الضروب العروق الضاربة ويا منوم العيون الساهرة

(كه بايد محتلم نشود)

سكن عروق الضاربة واذن بعيني نوما عاجلا و در روايت ديگر
واقعست كه بجهت بيخوابي اية الكرسي بخوان و اين ايه نيز بخوان واذ
يغشيكم النعاس امنة منه وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم
به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم ويثبت به
الاقدام و اين ايه را هم وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل
لباسا وجعلنا النهار معاشا **در بيان** دعائي كه ميبايد خواند
بجهت انكه خانه يا ديواري بر سر كسي نيفتد روايتست كه هر گاه بترسي
وقتي كه زلزله خانه يا ديواري بر سر تو بيفتد اين آيه در وقت خواب
كردن بخوان ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا ٥
در وقت سحر بايد خواند بجهت بيدار شدن براي نماز شب گفت امام جعفر صادق
عليه السلم كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه انكسي كه
خواهد براي نماز برخيزد وقتي كه خواب ميكند بايد كه بگويد اللهم
لا تؤمني مكرك ولا تنسني ذكرك ولا تجعلني من الغافلين اقوم
ساعة كذا وكذا يعني نام برد آن ساعت از شب را كه ميخواهد برخيزد
بدرستي كه هر گاه چنين كند خدا يتعالى موكل سازد باو فرشته را كه
بيدار كند او را دران ساعت و روايتست كه رسول خدا صلى الله
عليه واله وسلم ميخواست كه خواب كند بر پهلوي راست ميخوابيد

ودست راست را در زیر روی راست مینهاد وگفت ابو عبدالله
ع که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتی که خواهید که
جا گیرید در فراش خود بدرستی که نمیدانید باید که بمالید کنار
جامهٔ خود را بر فراش خود بدرستی که نمیدانید شما که چه چیز جا
شده است بر فراش وبعد از ان بگوید اللهم ان امسکت نفسی
فی منامی واغفر لها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ عبادک
الصالحین در بیان دعائی که میباید خواند در وقت بیدار شد
از خواب روایتست که ابو عبدالله علیه السلم وقتی که بیدار می
شد در آخر شب باواز بلند میگفت همچنانکه اهل خانه میشنیدند
آوازا ورا که اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضطجع
وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت وگفت ابو
ابو عبدالله ع که رسول خدا صلی الله علیه واله هرگاه از خواب
بیدار میشد سجده میکرد خدایتعالی را و روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وقتی که خواب میکرد چشمهای
آنحضرت در خواب بود ودل او بیدار می بود ومنتظر وحی میبود وروایتست
وقتی که آنحضرت چیز خوبی در خواب میدید همان در بیداری
واقع میشد از وقتی که بیدار میشد از خواب ومیگفت سبحان الله
یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر وآنحضرت هرگاه بر میخواست

میگفت که دل من ع

از خواب

از برای نماز ومیگفت الحمد لله نور السموات والارض والحمد لله
رب العالمین السموات والارض وما فیهن انت الحق وقولک
ولقاؤک حق والجنة والنار حق والساعة حق اللهم اسلمت
وبک امنت وعلیک توکلت والیک انبت وبک خاصمت والیک
حاکمت فاغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت
انت الهی لا اله الا انت وبعد از ان مسواک میکرد پیش از وضو و
گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم وقتی که از خواب بیدار میشد ومیگفت الحمد لله الذی
بعثنی من مرقدی هذا ولو شاء لجعله ساکنا الی یوم القیمة
الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا والنوم سباتا وجعلنا
النهار معاشا نشورا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
والحمد لله الذی لا تحجبه منه النجوم ولا تکن منه النشور
ولا یخفی علیه ما فی الصدور وگفت امام جعفر صادق علیه
السلم فرمود وقتی که از خواب بیدار شوید باید که بگوید لا
اله الا الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان رب النبیین
واله المرسلین سبحان رب السموات السبع وما فیهن ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین چون بشنید پیش از اذان
باید که بگوید حسبی الرب من العباد وحسبی الذی هو حسبی
منذ قط حسبی الله ونعم الوکیل در بیان دعای که در وقت بیدار شد

الحق

الحمد لله الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا
امیر المؤمنین علی علیه السلام

از

از خواب میباید خواند الحمد لله الذي ردّ علی روحي لاحمده واعبده
و وقتی که از خواب بیدار شوی چون نظر کنی بسوی آسمان بگو
یا نور النور یا مدبّر الامور یا من بلی التدبیر ویمضي المقادیر انظر
مقادیر یومي هذا الی السلامة والعافیة وبعد از آن این آیة از
سورة ال عمران بخوان که انّ في خلق السموات والارض ربّنا ما
خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار ربّنا انّك من تدخل
النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربّنا انّنا سمعنا منا
دیا ینادي للایمان ان امنوا بربّکم فامنّا ربّنا فاغفر لنا ذنوبنا
وکفّر عنّا سیّئاتنا وتوفّنا مع الابرار ربّنا واتنا ما وعدتنا
علی رسلك ولا تخزنا یوم القیمة انّك لا تخلف المیعاد در بیان
دعائی که میباید خواند در وقت بانگ کردن خروس کفت امام جعفر
صادق علیه السلم وقتی که بانک خروس بشنوی بکو سبّوح قدّوس
ربّ الملائکة والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الّا انت
ونیز کفت که پنج خصلت از خروس بیاموزید اول محافظت
اوقات نماز و غیرت و سخاوت و شجاعت و بسیار جماع و نیز کفت
ونیز کفت که سه خصلت از کلاغ بیاموزید پنهان داشتن جماع
و بکاه رفتن طلب روزي و حذر کردن در بیان دعائی که
در نیم شب میباید خواند روایتست که امام زین العابدین علیه السلم
در شب وقتی که مردمان می آرامیدند و در خواب میشدند این دعا

الحمد لله الذي احیانا بعد ما اماتنا والیه النشور

بخواند الهي غارت نجوم سمائك ونامت عیون انامك وهدأت
اصوات عبادك وانعامك وغلّقت الملوك علیها ابوابها وطاف
علیها حرّاسها واحتجبوا عمّن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة
وانت الهي حيّ قیّوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا یشغلك شيء
من شيء ابواب سمائك لمن دعاك مفتّحات وخزائنك غیر مغلقات
وابواب رحمتك غیر محجوبات وفوائدك لمن سألكها غیر
بل هي مبذولات انت الهي الکریم الذي لا تردّ سائلا من المؤمنین
سألك ولا تحتجب عن احد منهم ارادك وجلالك لا تختزل
حوائجهم دونك ولا یقضیها احد غیرك اللهمّ وقد تری
وقوفي وذلّ مقامي بین یدیك وتعلم سریرتي وتطّلع علی ما
في قلبي وما یصلح به امر اخرتي ودنیاي اللهمّ ذکرت الموت
وهول المطّلع والوقوف بین یدیك یقضّني مطعمي ومشربي
واغصّني بریقي واقلقني عن وسادي ومنعني رقادي کیف ینام
من یخاف بیات ملك الموت علیه السلم في طوارق اللیل والنهار کیف
ینام العاقل وملك الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار یطلب
قبض روحي بالبیات او في اناء الساعات وبعد از آن سجده
میکرد روي خود را بر خاك مینهاد ومیکفت اسألك الروح و
الراحة عند الموت والعفو حین القاك وکفت حضرت پیغمبر
صلّی الله علیه وآله وسلّم در وصیّتی که کرد با میر المؤمنین علی علیه السلم

که یا علی نماز بکنار در پاره از شب واگر مقدار دوشیدن گوسفند
باشد دعا کن در سحرها که رد نمیشود بدرستی که خدای تعالی
مدح کرده است کسانی را که دعا و استغفار میکنند در سحرها و
فرموده است که والمستغفرین بالاسحار در بیان دعا که در نماز
وتر میباید خواند گفت معروف بن خربود که گفت امام محمد باقر
علیه السلام که امام جعفر صادق علیه السلام که در نماز وتر بگو
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله
زین السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت
الله عماد السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین وانت
الله غیاث المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت الله
المروح عن المغمومین وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله
اله العالمین وانت الله الرحمن الرحیم وانت الله کاشف السوء وانت الله
بک منزل کل حاجة یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی منک
الا التضرع الیک هب لی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة
من سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع ما فی البلاد وبها
تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر لی وترحمنی وتعرفنی
الاجابة فی دعائی وارزقنی العافیة الی منتهی اجلی واقلنی عثرتی ولا

تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن ذا
یضعنی وان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان اهلکتنی
فمن ذا الذی یحول بینک وبینی یتعرض لک فی شیء من امری
وقد علمت ولیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة انما یعجل من
یخاف الفوت وانما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک
یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا ولا لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی
واقلنی عثرتی ولا تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی
وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر بک من النار
فاجرنی واسئلک الجنة فلا تحرمنی بعد از ان طلب کن از خدا
انچه میخواهی و هفتاد نوبت استغفر الله و انقدر که میتوانی
استغفار کن واین نوع نیز استغفار کن اللهم انی استغفرک
واتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک عندی فایما عبد
من عبیدک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی بدنه او فی
عرضه او ماله لا استطیع اداء ذلک الیه ولا تحللها منه
فارضه عنی بما شئت وکیف شئت وانی شئت وهبها لی وما
بعذابی یا رب وقد وسعت رحمتک کل شیء وما علیک یا رب
ان تکرمنی برحمتک ولا تهینی بعذابک وما ینقصک یا رب
ان تفعل بی ما سألتک وانت واجد لکل ان استغفری ایاک مع
اصراری لؤم وان ترکی الاستغفار لک مع سعة رحمتک

لعزّ اللهم كم تحبّب اليّ وانت عنّي وكم اتبغّض اليك وانا اليك
فقير فسبحان من اذا وعد وفا واذا توعّد عفا

روايتست كه امام زين العابدين عليه السلم بعد از نماز شب اين دعا
ميخواند اناجيك يا موجود في كل مكان لعلّك تسمع ندائي فقد
عظم جرمي وقلّ حيائي مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكّر
وايّها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى
مرّة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه و
اغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدوّي قد استكلب عليّ
ومن دنيا قد تزيّنت لي ومن نفس امّارة بالسوء الا ما رحم ربّي مولاي
يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني يا قابل التوبة اقبلني يا من لم
ازل اتعرّف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء
ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلّدا عملي قد تبرّء
جميع الخلق منّي نعم وابي وامّي ومن كان له كدّي وسعيي فان لم
ترحمني ومن مؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا
خلوت بعملي وسائلتني عمّا انت اعلم به منّي فان قلت نعم فاين المهرب
من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد
عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل سرابيل القطران عفوك
عفوك يا الاهي قبل ان تغلّ الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين

يا مولاي

فمن يرحمني

وخير الغافرين   كه در وقت خوابيدن بر پهلوي ميبايد
خواند هرگاه دو ركعت نماز سنت فجر بگذاري وسلام دهي بر پهلوي
راست بخواب وروي راست خود را بر دست راست بنه وبگو استمسكت
بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين
واعوذ بالله من شر فسقة الجن والانس ربّي الله آمنت بالله
توكّلت على الله الجأت ظهري الى الله فوّضت امري الى الله اطلب
حاجتي من الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكّل على الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله
ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي
ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح والحمد
لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم المعاش
الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير
العزيز العليم اللهم صلّ على محمد وآل محمد واجعل في قلبي نورا
وفي بصري نورا وعلى لساني نورا وبين يديّ نورا وعن يميني نورا واعظم
لي النور واجعل لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك
آية الكرسي وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق ودو آية از سوره
آل عمران كه ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
لآيات لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم
ويتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته
وما للظالمين من انصار ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي
للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك
ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد بعد ازان برخيز
وبنشين وتسبيح فاطمه زهرا بكو وصد بار صلوة بفرست بر محمد
وال محمد عليهم السلام بعد از نماز فجر و پيش از انكه نماز صبح بكذارد نكا
دارد خدا يتعالى روي او را از آتش دوزخ وانكسي در بين وقت
صد نوبت بكويد سبحان ربي العظيم وبحمده استغفر الله ربي و
اتوب اليه بنا كند خدا يتعالى براي او خانه در بهشت وآن كسي كه
چهل نوبت قل هو الله احد بخواند خدا يتعالى بيامرزد او را وبكو
بعد ازان اللهم افتح لي باب الامر الذي فيه اليسر والعافية اللهم
هيئ لي سبيله وبصرني مخرجه اللهم وان قضيت لاحد من خلقك
على مقدرة بسوء فخذه عني من بين يديه ومن خلفه وعن
يمينه وعن شماله ومن تحت قدميه ومن فوق راسه واكفنيه
ما شئت وهفت بار بكو بسم الله الرحمن الرحيم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وبعد ازان دو ركعت
نماز فجر بجاي آور وسجده كن پيش از انكه بر پهلو بخوابي يا بعد ازان
ودر سجده بكو يا خير المسئولين يا اجود المعطين صل على محمد و

ال محمد واغفر لي وارزقني وارزق عيالي من فضلك انك ذو
فضل عظيم وسنت است كه دعا كند براي برادران مومن در
جمعه ونام برد يك يك را وبكويد اللهم رب الفجر والليالي
العشر والوتر والليل اذا يسر ورب كل شيء صل على محمد
وال محمد وافعل بي وبفلان وفلان يعني نام برادران مومن
را ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانك اهل التقوى
واهل المغفرة وبعد ازان متوجه شو به سنتي كه نماز فريضه را
در مسجد كذاردن فاضلتر وبهتر است ونماز نافله را در خانه
ومنزل

فضيلت رفتن بمسجد وكيفيت آن ودعا

خواندن در وقت درآمدن بمسجد كفت امام جعفر صادق
عليه السلام انكسي كه بمسجد ميرود پاي را بر هر چه مينهد تسبيح
ميكويد براي او انچه در زير قدمهاي اوست تا هفتم طبقه زمين
ودر توريت مذكور است كه بشارت ده بنور درخشنده در
روز قيامت انكساني را كه در تاريكي شب بمسجد ميروند وكفت
رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم كه حق تعالى فرمود كه خانهاي
من در زمين مسجد است روشن ميسازند مسجدهاي آسمان را
براي اهل وهمچنانكه روشن ميكنند ستارهاي زمين را براي
اهل او خوشحال كسي كه مسجدها خانه ايشان باشد يعني اكثر
اوقات در مسجدها بسر برند وعبادت كنند خوشا حال بنده كه

والله كل شيء
ومليك كل شيء
وخالق كل شيء

وضو کند در خانهٔ خود بعد از آن زیارت کند مرا در خانهٔ من یعنی
بمسجد رود بطاعت وعبادت مشغولی نماید بدرستی که واجبست
بر کسی که او را زیارت کنند که اکرام و تعظیم کنند زایر خود را و بشارت
دهید بنور درخشنده در روز قیامت آنکسی را که در تاریکی شب
بمسجد میروند پس هرگاه خواهی که بمسجد درآیی پای راست را پیشتر
بنه و بکو بسم الله وبالله والی الله وخیر الاسماء کلها لله
توکلت علی الله ولا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل
علی محمد وال محمد وافتح لی ابواب رحمتک وتوبتک واغلق عنی
ابواب معصیتک واجعلنی من زوارک وعمار مساجدک وممن
یناجیک باللیل والنهار ومن الذینهم فی صلوتهم خاشعون وادحر
عنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین وبعد از آیة
الکرسی را و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و هفت
بار سبحان الله و هفت بار الحمد لله و هفت الله اکبر و هفت بار لا اله
الا الله بکو و بعد از آن بکو اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی ولک
الحمد علی ما فضلتنی ولک الحمد علی ما شرفتنی ولک الحمد
علی کل بلاء حسن ابقیتنی اللهم تقبل صلوتی ودعائی
وطهر لی قلبی واشرح صدری وتب علی انک انت التواب الرحیم
وچون بمسجد درآیی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بکذار بنیت
تحیت مسجد و اگر فجر بکذاری احتیاج بنماز تحیت مسجد نیست

لليل و

دعائی که می باید خواند وقت توجه بقبله اللهم الیک توجهت
ورضاک طلبت وثوابک ابتغیت وبک امنت وعلیک توکلت اللهم
صل علی محمد وال محمد وافتح لی مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی
دینک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک
انت الوهاب　　　　آنچه می باید خواند نزد شنیدن بانک
نماز روایتست که هرگاه موذن الله اکبر بکوید و هرگاه اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمد رسول الله بکوید واشهد ان
محمد رسول الله اکتفی بها عن کل من ابی وجحد واعین بها من اقر
وشهد وا در روایت دیکر واقع است که وقتی موذن اشهد
ان محمد رسول الله بکوید صلی الله علیه واله الطاهرین الطیبین
اللهم اجعل عملی برا ومودة ال محمد فی قلبی مستقرا وادر
علی الرزق و وقتی که بکوید حی علی الصلوة حی علی الفلاح
بکو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم　دو روایتست که آنکسی که
بانک نماز بشنود و بکوید آنچه موذن می کوید زیاده شود روزی
او　　　　آنچه میباید خواند در وقت طلوع صبح چون
صبح بدمد ونظر کنی بسوی او ومتوجه آسمان شو و بکو که اللهم
انت ربنا وولینا وصاحبنا فصل علی محمد وال محمد وتفضل علینا
بما انت اهله وانقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات
فصل علی محمد وال محمد واتمها علینا بعد از آن سه بار بکوید غایبا

توجهت

و انا اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا

بالله من النار و بعد از ان بکو یا فالق من حیث لا اری و مخرج
من حیث صل علی محمد وال محمد و اجعل اول یومنا هذا صلاحا
و اوسطه فلاحا و اخره نجاحا و بعد از ان بکو الحمد لله فالق
الاصباح سبحان الله رب المساء و الصباح اللهم صبح ال محمد
ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین و رزق واسع اللهم
انک تنزل فی اللیل و النهار ما تشاء و انزل علی و علی اهل
اهل بیتی من برکة السموات و الارض رزقا تغنینی عن جمیع
خلقک انچه می باید کفت وقت نماز صبح اللهم انی اسئلک با
قبال نهارک و ادبار لیلک و حضور صلوتک و اصوات دعائک
ان تصلی علی محمد وال محمد و ان تتوب علی انک انت التواب
الرحیم انچه می باید کفت در میان بانگ و اقامت چون
فارغ شوی از بانگ نماز سجده کن و بکو لا اله الا انت ربی سجدت
لک خاضعا خاشعا ذلیلا فصل علی محمد و ال محمد و اغفر لی
و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم انچه در میان
اذان و اقامت می باید کفت اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و
اجعل لی عند قبر رسولک صلواتک علیه مستقرا و قرارا
و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که دو ساعت
که کشوده میشود درهای آسمان و کم است که دعا رد شود دران
دو ساعت یکی وقت بانگ نماز بجهت بانگ نماز و دیکر در وقت که

صفها

آنا

وابتغاء

صفها راست شود بجهت جهاد کردن در راه خدا
انچه میباید کفت بعد از سجده پس هرکاه سر خود را بر داری
از سجده بکو سبحان من لا یبید معالمه سبحان من لا یبلی
من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی
و لا بواب یرشی و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه
احسن الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا
یزداد علی کثرة العطاء الا کرما و جودا سبحان من هو
هکذا لا هکذا غیره فضیلت نماز کفت ابو عبدالله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که چون
وقت نماز شود ندا میکند و میکوید ای مردمان برخیزید و بنشانید
آتش کناهی که افروخته اید بنماز کذاردن و کفت ابو یعفور که ابو
عبدالله علیه السلام کفت بمن که نماز را در وقت بکذار همچون نماز
انکسی که ترسد که دیکر میسر نشود او را نماز کذاردن یعنی بخضوع
و خشوع تمام نماز بکذار و نظر در موضع سجود کن پس بدانی که
کیست در جانب راست و چپ تو نیکو بجا می اوری نماز را و بدانی که
در پیش کیست نماز میکنی که می بیند ترا و تو نمی بینی او را و کفت ابو
عبدالله علیه السلام که نماز کذارنده را سه خصلت است هرکاه برمی
خیزد بنماز رحمت فرود می اید از آسمان بر سر او و فرشتها در کرد
او در می آیند از زیر قدم او تا آسمان و فرشته ندا می کند و می کوید

سبحان

اقوله

ای مصلی اکر بدانی که بکه مناجات میکنی هرکز ترک نمیکنی نمازرا
و برنمیکردی از نماز و نیز کفت که انکسی که دو رکعت نماز بکذارد
و بداند انچه میکوید در نماز یعنی دل او غافل نباشد و متوجه
نماز باشد خدا تعالی جمیع کناهان اورا بیامرزد و کفت امیر
المؤمنین علی علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم کفت
دو رکعت نمازی که سبک بکذارند با تفکر بهتر است از کذاردن
نماز تمام شب بی تفکر و کفت امام جعفر صادق علیه السلم که
وقتی که بنده مشغول شود بنماز متوجه شود خدا تعالی بوجه
کریم خود باو و موکل کرداند فرشته را باو که بکیرد قرانرا بدهن آن
بنده و اکر اعراض کند بنده از نماز او و متوجه نماز نشود اعراض کند
خدا تعالی اورا و متوجه نشود بوجه کریم خود و اکر بنده متوجه
بنماز خود متوجه شود خدا تعالی بوجه کریم خود و نماز او کامل شود
و نماز او باسمان برده شود و اکر سهو کند در نماز یا غافل شود یا مشغول شود
بر چیزی دیکر باسمان برده شود از نماز او آن قدر که متوجه شده است
بدل و کسی که غافل شود هیچ ثوابی نمیدهند و نیز کفت که دریافتن
نماز در اول وقت بهتر است مؤمن را از فرزند و مال و نیز کفت که
فضیلت اول وقت بر اخر وقت همچون فضیلت آخرت است بر دنیا

تعقیب — ذکر بعد از نماز صبح کفت امام حسن علیه السلم که
شنیدم از پدر خود علی ابن ابی طالب علیه السلم که میکفت رسول

یکشب

خدا

خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هر مسلمانی که بنشیند در جای
نماز که صبح تا بر آمدن آفتاب ثواب او برابر ثواب کسی که حج کذارده
باشد و آمرزیده شود کناهان کذشته او و اکر بنشیند در جای نماز
تا انکه در آید ساعتی که مکروه نباشد در آن ساعت نماز کذاردن یعنی
آفتاب بلند شود و بعد از آن دو رکعت نماز بکذارد یا چهار
رکعت بیامرزد خدا تعالی کناهان کذشته اورا و ثواب او برابر ثواب
کسی است که حج اکبر را کرده باشد و روایت کرده است جابر که کفت
ابو جعفر علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
فرمود که خدا تعالی کفته است که ای فرزند ادم یاد کن مرا
و ذکر بکو بعد از طلوع صبح یکساعت و بعد از عصر یکساعت تا
بر آورم حاجتهای ترا

انچه مخصوص است بر تعقیب نماز
صبح چون فارغ شوی از نماز صبح و سلام دهی و بکو لا اله الا الله
الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره الکافرون لا اله الا الله ربنا
و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وانجز وعده و نصر
عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد
یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر
اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک من تشاء الی
صراط مستقیم بعد از آن سه بار بکو استغفر الله لا اله الا هو

کذارده است
وذکر خدا تعالی
بکوید

وحده وحده

الحی القیوم ذی الجلال والاکرام واتوب الیه بعد از آن
بکو اللهم اهدنی من عندك وافض علی من فضلك وانشر
علی من رحمتك وانزل علی من فضلك برکاتك سبحانك
لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب
کلها جمیعا الا انت وبعد از آن تسبیح زهرا بکو وآن سی و
چهار بار تکبیرات وسی وسه بار الحمد لله وسی وسه بار سبحان الله
وکفت امام جعفر صادق علیه السلم که تسبیح فاطمه زهرا در
عقب هر نماز فریضه دوست تر است نزد من از هزار رکعت نماز
نافله در هر روز ونیز کفت که آنکسی که تسبیح فاطمه زهرا بکوید
در عقب نماز فریضه وبعد از آن لا اله الا الله بکوید آمرزیده
شود وبهتر آنست که مهیا کند برای شمردن تسبیح فاطمه زهرا
از تربت حضرت امام حسین علیه السلم بدرستی که روایتست از
امام جعفر صادق علیه السلم که کفت آنکسی که بکرداند تسبیح
تربت حضرت امام حسین ع ویکبار استغفار کند یا ذکر دیکر
بکوید بنویسند ازین یکبار را هفتاد بار وسجده کردن بتربت حضرت
امام حسین ع برطرف میکند حجاب هفت آسمانها را دعای
دیکر که بعد از نماز باید خواند این دعائیست که روایت کرده
معویه بن عمار از ابی عبد الله علیه السلم بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین الاخیار الانقیاء الا

اول تکبیر بکو بعد از آن الحمد لله وبعد از آن سبحان الله

بکار

۲۰۳

برار الذی اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا وافوض امری
الی الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
ما شاء الله کان حسبنا ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم ومن همزات الشیاطین واعوذ
بك رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله ومستحقه وکما ینبغی
لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار و
الحمد لله الذی اذهب باللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار
مبصرا برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیته وسلامته
وستره وجمیل صنعه مرحبا بخلق الله الجدید والیوم العتید
والملك الشهید مرحبا بهما من ملکین کریمین وحیاکم الله من
کاتبین حافظین اشهد فاشهدا لی واکتبا شهادتی معکما حتی
القاه بها ربی انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق
لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون وان الدین کما شرع
وان الاسلام کما وصف والقول کما حدث وان الله هو الحق
والرسول حق والقران حق والموت حق والمسائلة منکر ونکیر
والقبر حق والبعث حق والصراط حق والمیزان حق والجنة حق

والنار حق والساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور فصل على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك
مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد لك
بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا ولك ولدا ولك صاحبة
ولك شريكا او معك خالقا او رازقا فانا بريء منه لا اله الا
انت تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم
شهادتي مكان شهادتهم واحيني على ذلك وامتني على ذلك
وابعثني عليه وادخلني برحمتك في عبادك الصالحين اللهم
صل على محمد وآل محمد وصبحني منك واجعل اول يومي
هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا واعوذ بك من اوله
فزع واخره وجع اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
خير يومي هذا وخير ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من
شره وشر ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على
محمد وآله وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير
ولا تغلقه عني ابدا واغلق عني باب كل شيء شر فتحته
على ابدا واغلق اللهم صل على محمد وآله واجعلني مع محمد
وآل محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل وفي
كل شدة ورخاء في كل عافية وبلاء اللهم صل على
محمد وآل محمد واغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا

وأوسطه جزع
وخير ما فيه

ولا

ولا خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك لما اعطيتك من نفسي ولم اوف
به واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على
محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدا
من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين
سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف
رحيم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا
ولم يجعلني من الغافلين بعد از آن سه بار يا چهار بار بگويد در عقب
نماز صبح پيش از آنكه سخن كني الحمد لله ملاء الميزان ومنتهى الرضا
وزنة العرش لا اله الا الله منتهى الرضا وزنة العرش وبعد از آن
بگو كه اللهم اني اسئلك مسئلة العبد الذليل ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضي لنا حوائجنا في الدنيا والآخرة
في يسر منك وعافية **ترتيب** اذكاري كه در عقب نماز صبح
مي بايد خواند گفت چون فارغ شوي از تعقيب نماز صبح صد بار قل هو
الله احد بخوان وصد بار بگو استغفر الله واتوب اليه وصد بار
بگو لا اله الا الله الملك الحق المبين وصد بار بگو ما شاء الله كان لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصد بار بگو كه اسئل الله العافية و
وصد بار بگو استجير بالله من النار وصد بار بگو كه اسئل الجنة و
صد بار بگو اسئل الله الحور العين وصد بار بگو اللهم قد رضيت
بقضائك وسلمت لامرك اللهم اقض لي بالحسنى واكفني ما اهمني

من كل ذنب تبت
اليك منه ثم عدت
فيه استغفرك

صد بار بگو
سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر

وصد بار اللهم اوسع فی رزقی واشدد لی فی عمری واغفر لی ذنبی
واجعلنی ممن تنتصر لدینك واكر میسر نباشد كه صد بار بكوید از بهر
ذكر هاده بار بكو وبعد از ان پانزده بار این دعا بخوان لا اله الا الله
حقاً حقاً لا اله الا الله ایماناً وصدقاً لا اله الا الله عبودیة
ورقاً وآن قدر كه میتوانی بكو سبحان الله العلی العظیم وبحمده
استغفر الله واسأله من فضله بدرستی كه هر كه این تسبیح
بكوید زیاده كند خدای تعالی روزی او را وكفت حضرت پیغمبر صلی الله
كه از مكه بمدینه هجرت كرده اند وبر شما باد كه لازم آید كه از تسبیح
وتهلیل وتقدیس را فراموش نكنید رحمت حق تعالی را وبشمرید بانكشتان
تسبیح وتهلیل وتقدیس را بدرستی كه انكشتان سوال خواهند كرد
وایشان بسخن درخواهند آمد وكفت امام جعفر صادق علیه
السلام انكسی كه نماز صبح بكذارد ومكث كند بر جای نماز خود تا
انكه بر آید آفتاب ومشغول شود بدعا وذكر بیشتر روزی
میرسد با و از انكه یك ماه سفر كند بجهت روزی دعائی كه
میباید خواند وقت بیرون آمدن از مسجد وقتی كه خواهی از
مسجد بیرون آئی بكو اللهم دعوتنی فاجبت دعوتك و
صلیت مكتوبتك وانتشرت فی ارضك كما امرتنی فاسئلك من فضلك
العمل بطاعتك واجتناب معصیتك والكفاف من الرزق برحمتك
انچه می باید خواند در وقت برخواستن از جای نماز

وقتی شود... (margin)

فاجبت

چون فارغ شوی از نماز صبح وهر نماز كه باشد وخواهی كه برخیزی
از جای نماز بكو سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی
المرسلین والحمد لله رب العالمین بدرستی كه كفت حضرت
امیر المومنین علی علیه السلام هر كسی كه خواهد ثواب او بسیار
باشد باید كه اخر سخن او این باشد سبحان ربك رب العزة عما یصفون
وسلام على المرسلین والحمد لله رب العالمین بدرستی كه آن
كسی كه این را بكوید در آخر نماز هر سخن وبعد هر سلامی ثواب و
ایت ودر وقت بیرون آمدن از مسجد پای چپ را در پیش نه وبكو كه
اللهم صل علی محمد وال محمد وافتح لی باب فضلك ورحمتك یا ارحم
الراحمین وجهد كن كه سخن نكنی پیش از بیرون آمدن آفتاب ومشغول
باشی بدعا وخواندن قرآن بدرستی كه كفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم انكسی كه بنشیند بر جای نماز خود بعد از نماز صبح تا بر آمدن
آفتاب ومشغول باشد بدعا ونكاه دارد ذكر را ونكاه دارد او را
خدای تعالی از آتش دوزخ وكفت امیر المومنین علی علیه السلام
كه بحق خدای تعالی كه بسبب ذكر كفتن بعد از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب
زودتر روزی میرسد كه بسبب جهاد وكفت جابر كه ابو جعفر ع
فرمود كه لشكر شیطان را پراكنده میسازد لشكر شب از وقت فرو
رفتن آفتاب تا وقت فرو رفتن شفق ولشكر روز را از وقت طلوع
صبح تا بر آمدن آفتاب ونیز فرمود كه حضرت پیغمبر صلی الله علیه

السلم فرمود بسیار ذکر بگویند درین وقت بدرستی که این روی
ساعت غفلتست وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که
خواب صبح شوم است وبر طرف میکند روزیرا وزشت میسازد
رنگ وروی آدمیرا وتغیر میدهد روزی را بدرستی که قسمت
میکند روزیرا از طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب پس حذر کنید خواب
کردن درینوقت وگفت امام محمد باقر علیه السلام که خواب اول
روز نادانی می آرد وخواب نیم روز می افزاید روزی را وخواب
بعد از عصر حماقت می آورد وخواب میان شام خفتن محروم میکند
بنده را از روزی وگفت امام رضا علیه السلام که مراد از
که در قول خدای تعالی والقسمت فالمقسمات امرا وفرشتها یند که
قسمت میکنند روزی بنی آدم را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
بر آنکسی که درینوقت خواب کند محروم شود از روزی خود وگفت
معمر بن خلاد که امام رضا علیه السلم وقتی که در خراسان بود
چون نماز صبح میگذارد ومی نشست بجای نماز خود تا طلوع آفتاب
وبعد از آن خریطه مسواکها می آوردند که در وی سه مسواک بودی
وحضرت مسواک بهریک از آن میکرد وبعد از آن مصطکی میخاوید
وبعد تلاوت قران میکرد

در بیان ذکر

وصلوة فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم واستغفار کردن
تسبیح وتحمید وتهلیل وتکبیر گفت ابو عبدالله

علیه السلم که رسول خدا متوجه اصحاب شد وگفت که فرا گیرید سپری
اصحاب گفتند یا رسول الله فرا گیریم سپری از دشمن که نزدیک شده
است بما آنحضرت گفت نی ولیکن بگیرید سپری که نگاه دارد شمارا
از آتش دوزخ اصحاب گفتند که آن سپر کدامست آنحضرت فرمود
گفتن این تسبیح است که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَاللهُ اَکْبَرُ بدرستی که می آیند این تسبیحات در روز قیامت و
در پیش وپس این تسبیحات فرشته خواهند بود ومراد از باقیات
صالحات که در قران واقع است این تسبیحاتست وگفت ابو بصیر که
ابو عبدالله علیه السلم فرمود که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم روزی گفت با صحاب که آیا اگر جمع کنند آنچه نزد شماست
از جامها وظرفها وبعضی را بر بالای بعضی نهند وباسمان برسند
اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت وقتی که فارغ شوید از
نماز فریضه سه نوبت بگویید که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ بدرستی که اصل این تسبیحات در زمین است
وشاخ آنها در آسمان وآنکسی که این تسبیحات بگوید ایمن شود از
فرود آمدن خانه ودیوار بر سر او واز سوختن وغرق شدن و
در چاه افتادن وخوردن درنده وفرود آمدن بلاها از آسمان در آن
روز واین تسبیحات باقیات صالحاتست وروایت کرده است
ابو عبدالله علیه السلم از پدران خود علیهم السلم که رسول خدا صلی الله

علیه واله وسلم فرمود که چهار خصلت است که در هر کرا باشد خدا
تعالی اورا از اهل بهشت می نویسد گفتن کلمهٔ لا اله الا الله و اورا پنا
خود ساختن و گفتن الحمد لله وقتی که خدایتعالی باو نعمتی بدهد و
استغفار کردن وقتی که گناهی بکند و گفتن انا لله وانا الیه راجعون
چون مصیبتی باو برسد و نیز روایت کرده است ابو عبد الله علیه
السلام آمدند جماعتی نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
و گفتند توانگران بندگان دارند آزاد می کنند و ما نداریم و مال دارند
که حج میکنند و ما نداریم و چیزی دارند تصدق میکنند و ما نداریم
و قدرت دارند که جهاد میکنند و ما نداریم آنحضرت گفت که
انکسی که صد بار بگوید الله اکبر بگو ثواب بیشتر است از ثواب
کسی که صد بنده آزاد کرده باشد و انکسی که صد بار بگوید سبحان
الله ثوابا و بیشتر است از ثواب کسی که صد شتر همراه خود بحج ببرد
بجهت قربانی و انکسی که صد بار الحمد لله بگوید ثواب او زیاده است
از ثواب کسی که صد اسپ با زین و لجام بدهد در راه خدایتعالی جهاد
بکنند و انکسی که صد بار بگوید لا اله الا الله عمل او فاضلتر و بهتر
است از عمل مردان دیگر مگر کسی که زیاده از صد بار بگوید این حدیث
بتوانگران رسید و ایشان نیز چنین کردند باز فقیران آمدن نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و گفتند یا رسول الله انچه
فرمودی بتوانگران رسید و ایشان نیز بجای آوردند آنحضرت

گفت توانگری فضل و بخشش خدایتعالیست هر که خواهد میدهد
و گفت ابو عبد الله که گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر دوست تراست نزد خدایتعالی از هر چه بر و آفتاب می تابد
یعنی از همه چیز
حمد گفتن خدایتعالی ا گفت
ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا حمد میگفت خدایتعالی را
در هر روز سیصد و شصت بار بعدد رگهای که در بدن آدمی است
باین طریق الحمد لله کثیرا علی کل حال و در حدیث واقع است که در
شب نیز سیصد و شصت نوبت میگفت این حمد را و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اول کسانیکه به بهشت میروند
آن کسانند که بسیار حمد گفتند خدایتعالی را در وقت خوشحالی
و سختی و روایتست که پرسیدند از رسول خدا که باغ بهشت در دنیا
کدامست گفت که مجلس ذکر است پس اول روز و آخر روز مشغول
شوید بذکر خدایتعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که شکر هر نعمتی و اگرچه آن نعمت بزرگ باشد انست که حمد گوید
خدایتعالی را بر آن نعمت و نیز گفت هر نعمتی که از خدایتعالی
به بندهٔ مومن برسد و آن بنده حمد گوید خدایتعالی را بر آن نعمت
و آن حمد فاضلتر خواهد بود از آن نعمت و وزن او زیاده خواهد
بود در ترازوی اعمال و روایتست که استر ابی جعفر علیه السلام
گریخت در میان مکه و مدینه و آنحضرت گفت اگر باز گرداند خدا

تعالی این استر را بسوی من شکر بکویم خدایتعالی را بانجه حق
شکرات جون یافت استر را سه بار کفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
وبعد از ان سه بار کفت شکرا وکفت ابو حمزه که ابو جعفر علیه السلام
کفت آیا خبر دهم ترا بحمدی که کفایت کند کفتم بلی کفت بکو اَللّٰهُمَّ
رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا حَتّٰی يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ اِلٰی مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی
وکفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که در وقت صباح جهار
بار بکوید که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بدرستی که شکر آن روز را بجا
آورده است وکفت زید هشام که ابو عبد الله علیه السلام فرمود
الحمد لله انکسی که بکوید كَمَا هُوَ اَهْلُهُ ان فرشتها که ثواب می نویسند بکویند
بار خدایا نمیدانیم که ثواب این حمد چیست تا بنویسیم حق تعالی بکوید
که بنویسید انجه بنده من کفته است بر منست ثواب آن وکفت
ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
فرمود انکسی که بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَمْ
نَعْلَمْ عَلٰی كُلِّ حَالٍ يُوَازِي نِعَمَهُ وَيُكَافِي مَزِيدَهُ عَلَيْهِ وَعَلٰی جَمِيعِ
خَلْقِهِ خدایتعالی بکوید که مبالغه کرده است بنده من در رضای
ومن میرسانم او را برضای او در بهشت وروایتست که آمد مردی
نزد ابی عبد الله ع وکفت فدای تو کردم من بسیار پیر شدم بیاموز
دعای جامع که فایده دهد دنیا و آخرت آنحضرت کفت حمد بکو
خدای تعالی را بدرستی که وقتی که حمد بکوئی خدایتعالی را هر نمازی که

کذاری هست دعا میکند برای تو در وقتی که سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
میکویند وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا ص
فرمود که در بدن آدمی سیصد و شصت رکست که حرکت میکند
هشتاد وصد و رک است که حرکت نمی کند پس اکر ساکن شوند آن رکها که حرکت
میکنند یا در حرکت ایند رکهای ساکن آدمی ملاک شود وروایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم هر روز وقت بیرون
آمدن آفتاب سیصد و شصت بار میکفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
خدای تعالی یعنی بسیار که
طَيِّبًا عَلٰی كُلِّ حَالٍ
یاد کردن خدایتعالی را کفت زراره که کفتم بابی جعفر علیه السلام که کدام
عمل دوست تر و بهتر است نزد خدای تعالی آنحضرت کفت تحمید کردن
خدایتعالی را وکفت ابو عبد الله علیه السلام که خدایتعالی
تحمید میکند خود را در هر روز و هر شب سه بار پس انکس که
تحمید کند خدا را حق تعالی او را نیکبخت کرداند وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم هر دعای که پیش از و تحمید نباشد
آن دعا ناتمام اول تحمید کند و بعد از ان دعا کنید راوی کوید
که کفتم کمترین انجه کافیست در تحمید کدام است آنحضرت کفت بکو
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ
دونک شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ
وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ
کفت یونس بن یعقوب

که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که انکسی که صد بار بگوید سبحان الله
داخل آن کسان میشود که بسیار ذکر کنند خدایتعالی را آنحضرت
گفت بلی وگفت ابوجعفر علیه السلام انکسی که سبحان الله بگوید
نه از روی تعجب خلق کند خدایتعالی از این تسبیح گوید خدایتعالی
برای انکس درمیان مسبحان تا روز قیامت ومثل اینست گفتن
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وگفت امیر
المؤمنین علیه السلام که تسبیح نصف ترازوی اعمال را پر می کند
وحمد تمام ترازوی اعمال را پر می کند وتکبیر میان زمین وآسمان را
پر می کند ونیز گفت انکسی که سه بار بگوید در وقت شام فسبحان
الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات و
والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود هیچ چیز از ان
روز ومکروهی بد ونرسد گفت ابن عباس
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که نیست کلمه
دوست تر نزد خدای تعالی از کلمه لا اله الا الله وهر بنده که
لا اله الا الله بگوید در وقت گفتن بکشد آواز خود را چون فارغ
شود گناهان او بپاشد در زیر قدمهای او همچنانکه برگ درخت
در زیر درخت بپاشد وگفت سکونی که روایت کرده است ابو
عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام فرمود که
بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله است ومنقولست از کتاب عیون

الاخبار

الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که خدایتعالی را ستونیست از یاقوت سرخ
که سر آن ستون در زیر عرش است وپایهای او بر پشت ماهی است
که در زیر طبقه هفتم زمین است پس هرگاه بنده لا اله الا الله
بگوید عرش در حرکت می آید وآن ستون وماهی نیز در حرکت
می آیند پس خدایتعالی گوید ساکن شو ای عرش من عرش میگوید
که چگونه ساکن شوم که گوینده کلمه لا اله الا الله را نیامرزیدی
پس حق تعالی گوید که گواه باشید ای ساکنان آسمان که من آمرزیدم
که گوینده کلمه لا اله الا الله را وگفت جابر که ابو الطفیل را
روایت کرده است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
هر بنده مسلمانی که لا اله الا الله بگوید بالا رود وبشکافد
آسمانها را وهر گناهی از گناهان او که بگذرد محو کند آن گناهان را
تا آنکه برسد بحسنات او پس بایستد وگفت امام جعفر صادق
علیه السلام که گفتن لا اله الا الله بهای بهشت است یعنی بنده
چون لا اله الا الله بگوید خدایتعالی بعوض آن او را بهشت
می برد ومنقولست از کتاب ثواب الاعمال که گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم تلقین کنید کلمه لا اله الا الله
بکسانیکه نزدیک شوند بمردن بدرستی که کلمه لا اله الا
الله میریزاند گناهانرا اصحاب گفتند یا رسول الله انکسی که در حال

صحت این کلمه بکوید کناهان او میریزد بدرستی که کفتن لا اله
الا الله را ایمن میسازد مومن را در حال حیات و در وقت مردن
و در وقتی که بر انکیخته شود از قبر و کفت ابو عبد الله علیه السلام
انکسی که صد بار بکوید لا اله الا الله فاضلترین مردمانست
از روی عمل دران روز مکر از کسی که صد بار بکوید یا زیاده و کفت
زید بن ارقم که حضرت پیغمبر صلی الله فرمود آنکسی که لا اله الا الله
بکوید از روی اخلاص بهشت میرود و اخلاص و این کلمه
اینست ان چیزی که حرام کرده است خدایتعالی از وی دور باشد
و کفت ابو سعید الخدری که کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود نکفتم من و انکسانیکه پیش از من بوده اند کلمه
که ثواب بیشتر باشد کلمه لا اله الا الله و کفت ابو عمران العجلی
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود مومنی که لا
اله الا الله بکوید محو میکند این کلمه کناهانرا که در نامه اعمال
ثبت شده است تا انکه برسد بحسنات
تکبیر و غیر آن کفت ابو حمزه ثمالی که شنیدم از امام زین العابدین
علیه السلام میکفت آنکسی که صد بار بکوید تکبیر بدرستیکه
ثواب او برابر کسی که صد بنده آزاد کرده باشد و کفت امام رضا
علیه السلام بدرستیکه میکفت انکسی که لا حول و لا قوة الا بالله
بکوید بکرداند خدایتعالی از و نود نه بلا را از بلاهای دنیا

که آسانترین آن بلاها خناق است و خناق مرضیست که در حلق
پیدا شود بجهت خون و سبب آن کلو کرفته میشود و کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم انکسی که صباح بیرون رود از
خانه خود و بکوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی توکلت علی الله
بکویند آن دو فرشته که موکل اویند که کفایت شد مهمات تو
و محفوظ شدی و راه راست یافتی و کفت ابو عبد الله علیه السلام
انکسی که ده بار بکوید یا الله خدایتعالی بکوید لبیک چیست
حاجت تو و آنکسی که ده بار بکوید یا رب یا رب حق تعالی بکوید
لبیک یا عبدی چیست حاجت تو و انکسی که هفتاد بار بکوید ما
شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی بکرداند خدایتعالی
از و هفتاد نوع بلا را که آسانترین آن بلاها خناق باشد و روایت
کرده است ابو عبد الله علیه السلام انکسی که در هر روزی سی بار
بکوید لا اله الا الله الملک الحق المبین توانکری روی باو آورد
و درویشی پشت باو کند و بهشت رود و کفت پیغمبر صلی الله
علیه و اله و سلم خانه که ذکر خدایتعالی درو نکویند اهل آن
خانه مانند مرده اند و نیز کفت هر قومی که بنشینند و ذکر خدای
تعالی بکویند و فرشتها در کرد ایشان در آیند و بپوشانند ایشانرا
حلهای رحمت خدایتعالی و فرود آید بر ایشان آرامش و ذکر
کند خدایتعالی ایشانرا نزد فرشتها و روایتست که پرسید مردی

از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بکدام سنت از سنتها امر
میکنی مرا آنحضرت کفت باین که زبان تو همیشه مشغول باشد
بذکر خدایتعالی ومنقولست از امالی شیخ ابی جعفر بابویه که کفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا فرمود که پیشی کیرید
بباغ بهشت در دنیا اصحاب کفتند یا رسول الله باغ بهشت در دنیا
کدام است آنحضرت کفت که حلقهٔ ذکر است ومنقولست از کتاب
فردوس کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم انقدار
ذکر بکوئید خدایتعالی را که شما را مردم دیوانه بکویند ومنقولست
از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که صاعقه نمیرسد بکسی که ذکر
خدایتعالی میکوید ومنقولست از کتاب محاکه روایت کرده است
یونس بن عبد الرحمن کفت یکی از ائمهٔ معصومین علیهم السلام کفت بپسر
خود که ای پسر من حذر کن از مجلسها پس اکر ببینی قومی ذکر میکنند
خدایتعالی را با ایشان بنشین بدرستی که اکر عالم باشی فایده میدهد
ترا علم ودانش تو وزیاده میکرداند ایشان علم ودانش ترا واکر
جاهلان باشند زیاده میکنند ایشان جهل ونادانی ترا ومیتواند
بود که خدایتعالی ایشانرا عقوبت کند وان عقوبت بتو نیز برسد
ومنقولست از کتاب روضه کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم هر قومی بنشینند وذکر خدایتعالی بکویند ونداکند
فرشته از آسمان که برخیزید که سیئات شما بحسنات مبدل شد

وآمرزید خدایتعالی همه شما را وهر جماعتی که بنشینند وذکر خدا
بکویند وفرشتها درکرد ایشان درآیند خدایتعالی بر ایشان رحمت
کند وفرود آید بر ایشان آرامش وذکر کند خدایتعالی ایشانرا نزد
فرشتکان وروایتست که پرسیدند از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم باغهای بهشت در دنیا کدامست آنحضرت فرمود
مجلسهای ذکر است پس صباح وشام بروید بمجلسهای ذکر و
ذکر بکوئید خدایتعالی را   صلوات فرستادن
بر نبی وال او علیهم السلام کفت ابو بصیر که ابو عبد الله فرمود
وقتی که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم مذکور
شد بسیار صلوات بفرستید برو بدرستی آنکسی که یکنوبت
صلوات بفرستد بر پیغمبر هزار نوبت فرشتکان صلوات بفرستند برو و
هر مخلوقی از مخلوقات خدایتعالی صلوات بفرستند بر آنکس که
بجهت صلوات فرستادن وخدایتعالی صلوات میفرستد برو و
فرشتکان نیز برو صلوات میفرستند برو پس آنکس که رغبت نکند
در صلوات فرستادن بر پیغمبر پس مغرور وجاهل است ورسول
خدا از وبیزارند وروایت کرده است امام جعفر صادق ع
از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا فرمود که من در روز
قیامت حاضرم آنجا که میسنجند عملهای بندکان را پس آنکسی که
زیاده باشد سیئات او بر حسنات می آورم صلوات را که بر من فرستاده است

تا انکه زیاده شود حسنات او بر سیئات و گفت حارث بن اعور
که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود هر دعائی که هست باسمان
نمیرسد تا صلوات بفرستد بر محمد وال او علیهم السلام یافتم در
بعضی از کتابها انکسی که صلوات بفرستد بر پیغمبر خدا تعالی
بنویسد برای او صد حسنه وانکسی که صلوات بفرستد بر محمد
واهل بیت او بنویسند خدا تعالی برای او هزار حسنه و گفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم نزدیکترین مردمان
بمن در روز قیامت انکسانند که بیشتر صلوات فرستاده اند
بر من ونیز گفت که بخیل انکسیست ونام من نزد او مذکور شود
واو صلوات نفرستد بر من ونیز گفت انکسی که از امت من
یکبار صلوات بفرستد بر من از روی اخلاص وحضور دل
ده صلوات بفرستد خدا تعالی بر او ده درجه بلند گرداند
مرتبهٔ او را وبنویسد برای او ده حسنه ومحو کند از نامه اعمال
او ده گناه و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول
خدا فرمود که بلند کنید آواز خود را در وقت صلوات فرستادن
بر من باین طریق می برد نفاق را

استغفار

وگریه کردن روایت کرده است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم
السلام گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هر دردی را
دوائیست ودوای گناه استغفار و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام

عجبست از کسی که ناامید شود از رحمت خدا تعالی وحال انکه با او
چیزی باشد که نجات دهد او را از عذاب خدا تعالی پرسیدند
از ان حضرت که آن چیز کدامست فرمود که استغفار است ومنقولست
از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که
سه آوازست که دوست میدارد خدا تعالی یکی آواز خروس
دوم آواز قرآن خوان سیوم آواز کسی که استغفار کند در سحرها
و گفت ابو عبد الله علیه السلام که صد بار استغفر الله بگوید
در شب وقت خواب کردن بریزد گناهان او ودران شب همچنانکه
میریزد برگ درختان در وقت خزان گویا هیچ گناه نداشته باشد
ونیز گفت انکسی که هفتاد نوبت استغفار بعد از عصر بیامرزد
خدا تعالی هفتصد گناه او را دران روز پس اگر او را گناهی نباشد
هفتصد گناه از گناهان پدر را وبیامرزد واگر پدر او را گناهی نباشد
از گناهان مادر را وبیامرزد واگر خواهر او را گناهی نباشد یا
از خویشانی که نزدیکتر باشند او را بیامرزد و گفت اسمعیل
بن سهل که نوشتم بابی جعفر دوم علیه السلم که بیاموز مرا چیزی
که هرگاه بگویم آنرا با شما باشم در دنیا وآخرت انحضرت نوشت
بخط مبارک خود که بسیار بخوان سورهٔ انا انزلناه را وبسیار
استغفار کن وروایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلم
از پدران خود علیهم السلم گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم

که خوشا حال کسی که یافت شود در روز قیامت در نامهٔ اعمال
او وبعد از کناه استغفاری وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
هرکاه بنده استغفار کند بالا میرود نامهٔ اعمال او درخشنده
ونیز کفت که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم برنمیخواست
از مجلسی واکر اندکی نشسته بود تا آنکه استغفار میکرد بیست
وپنج نوبت ونیز کفت که کسی که توبه کند از کناه همچنانست که
هرکز کناه نکرده است وکسی که کناه کند واستغفار بجا آرد
وهمچنان مصر باشد بر کناه کردن کویا مسخرکی میکند ونیز کفت که
بنده وقتی که کناهی بکند وخدایتعالی باو نعمتی بدهد واو استغفار
نکند از آن کناه خدایتعالی او را اندك هلاك میسازد بهلاك و عذاب
ونیز کفت که بود از جمله سوکندهای حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم لا استغفر الله ونیز کفت هر مومنی که کناه کند نمی
نویسند آن کناه را تا شب اکر استغفار کرد آن کناه را نمی نویسند
ونیز کفت که خدایتعالی کناه مومن را بیاد او میدهد بعد از بیست
وسه سال روایت دیکر سی سال تا آنکه استغفار کند از آن کناه
وخدایتعالی او را بیامرزد ونیز کفت که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که استغفار کردن وکفتن لا اله الا الله بهتر
عبادتهاست زیرا که خدایتعالی کفته است فاعلم انه لا اله الا الله
واستغفر لذنبك یعنی پس بدان که معبود بحق نیست الا خدایتعالی

وبعد از استغفار طلب آمرزش کن برای کناه خود وروایتست که
مردی نزد امیر المومنین علی علیه السلام کفت استغفر الله آن
حضرت کفت بآن مرد که نوحه کناد مادر بر تو آیا میدانی که استغفار
چیست بدرستی که استغفار کردن درجهٔ بزرکانست واستغفار دارد
برشش معنی اطلاق میکنند اول پشیمانی از کناه کذشته دوم قصد
کردن که آن کناه هرکز نکند سیم رسانیدن حق مردم برایشان
تا آنکه ملاقات کنی خدایتعالی را وکسی را که حقی نباشد برتو
چهارم قصد کردن هر فریضه که از تو فوت شود ادا کنی پنجم
قصد کردن که کوشتی که رویده است بکدازانی آنرا بحزن
واندوه تا بچسپد کوشت بدن باستخوان وکوشت تازه پیدا شود
ششم چشانیدن بدن را الم ومشقت طاعت همچنانکه چشانیده
نفس حلاوت وشیرینی معصیت پس بعد از آنکه این کارها کرده
باشی استغفر الله بکو ومنقولست از کتاب روضة الواعظین
که کفت امیر المومنین علی علیه السلام که در زمین دو چیز است
که سبب امانست از عذاب خدایتعالی یکی نمانده است ودیکری
نزد شما است پس چنك در زنید بانچه نزد شما است امانی که
نمانده است رسول خداست وامانیکه باقیست نزد شما است
استغفار است وقول خدایتعالی دلالت میکند برانکه این دو
چیز امانست از عذاب خدایتعالی زیرا که کفته است وما کان الله

لِيُعَذِّبَهُمُ اللهُ وَمَا كَانَ اللهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ
يعني نيست خدايتعالى كه عذاب كند ايشانرا وحال انكه ايشان
استغفار كنند ونيز كفت نيست خير در دنيا مكر دو كس را يكى
مردي كه كناه كرده باشد وتدارك وتلافى آن كند بتوبه وديكر
كس كه شتافت كند در خيرات وآنكسى كه توفيق توبه كردن يافت
محروم نميشود از قبول توبه وانكسى كه توفيق استغفار يافت
محروم نميشود از آمرزش ومصدق اين سخن قول خدايتعالى
وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللهَ يَجِدِ اللهَ
غَفُورًا رَحِيمًا يعني هركه بدي بكند از ان ضرر بغيري برسد يا ستم
كند بر نفس خود پس استغفار و توبه كند بيابد خدايتعالى را آمرزنده
كناهان ومهربان واين قول خدايتعالى است كه إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللهِ
لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ
اللهُ وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا يعني جز اين نيست كه قبول
توبه بر خداست براي كسانيكه بدي ميكنند بنادانى پس توبه ميكنند وبا
كشت مينمايند بخدايتعالى از زمانى نزديك يعني پيش از انكه بميرند
پس انكروه كه توفيق توبه يافته بعد از كناه توبه دهد خدايتعالى
ايشانرا ورحمت كند برايشان وخدايتعالى داناست بتوبه ايشان
وحكم كننده است بانچه تائب را بآن عقوبت نباشد وكفت امام
جعفر صادق عليه السلام كه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم

هرروز

هرروز هفتاد نوبت استغفار ميكرد كسي پرسيد كه چكونه
استغفار ميكرد آنحضرت كفت كه هفتاد بار استغفر الله ميكفت
وهفتاد بار واتوب اليه ميكفت وكفت حسن بن حماد كه امام
جعفر صادق عليه السلام فرمود اكر كسى بعد از هر نماز فريضه پيش
از انكه بركرداند پاهاي خود را يعني بهمان كيفيت كه در حال تشهد
نشسته باشد بكويد أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خدايتعالى بيامرزد كناهان اورا
اكرچه كناهان او برابر كف دريا باشد ودر روايتست آنكسى كه استغفار
هرروز بكويد خدايتعالى بيامرزد چهل كناهان كبيره اورا

كريستن منقولست از كتاب روضه كه كفت حضرت
پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم هرچشمى كه خواهد كريست در
روز قيامت مكر سه چشم چشمى كه كريه كرده باشد در دنيا از ترس
خدايتعالى وچشمى كه نكاه نكرده باشد چيزهاي كه خدايتعالى
حرام كرده است وچشمى كه بيدار بوده باشد در راه خدايتعالى
ومنقولست از كتاب عيون الاخبار كه كفت امام رضا عليه السلام
انكسى كه ياد كند مصيبت مارا كه اهل بيتيم بكريد وبكرياند چشم
او در روزي كه چشمها كريان باشند يعني در روز قيامت و
منقولست از كتاب روضة الواعظين كه كفت امام جعفر صادق
عليه السلام پنج كس بسيار كريه كرده اند آدم ويعقوب ويوسف

وفاطمه بنت محمد وامام زين العابدين عليه السلام آدم عليه السلام
چندان كريست در فراق بهشت كه جويها در روي او پيدا شد و
واما يعقوب چندان كريست در فراق يوسف عليه السلام كه
نابينا شد وكفتند باو كه تالله تذكر يوسف حتى تكون حرضا
او تكون من الهالكين يعني بحق خداي كه هميشه بناله وزاري
ياد كني يوسف را تا وقتي كه بيمار شوي بيماري مشرف بر موت
يا باشي از جملهٔ هلاك شدكان واما يوسف عليه السلام چندان
كريست در مفارقت يعقوب كه بتنك آمدند اهل زندان از كريهٔ
او وكفتند باو كه روز كريه كن وشب خاموش باش يا شب كريه
كن ودر روز خاموش باش صلح كرد با اهل زندان يكي از اين دو
واما فاطمه بنت محمد صلى الله عليه واله وسلم چندان كريست
بجهت پدر خود كه اهل مدينه بتنك آمدند وباو كفتند كه ايذا
كشيديم از بسياري كريه تو پس فاطمه بيرون ميرفت از مدينه
وميرفت بر سر قبر شهيدان وميكريست آنقدر كه ميخواست و
بعد از ان باز ميكشت وبمنزل خود مي آمد واما زين العابدين
بيست سال كريست بروايت ديكر چهل سال بجهت حضرت امام حسين
عليه السلام وهركاه طعامي نزديك آنحضرت مي آوردند بسيار
ميكريست تا انكه يكي از خدمتكاران آنحضرت كفت يابن رسول الله
فداي تو كردم ميترسم از كريه كردن تو مبادا هلاك شوي آنحضرت

كفت انما اشكوا بثي وحزني الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون
يعني جز اين نيست كه شكايت ميكنم غم واندوه خود را بخداي
تعالى انچه شما نميدانيد زيرا كه كس بيكسان وچاره ساز كار
اوست وميدانم از خداي تعالى انچه بر شما پوشيده است بدرستيكه
كه هركاه ياد ميكنم موضعي را كه بني فاطمه شهيد شدند بي اختيار
كريه مي آيد مرا وكفت موسى عليه السلام كه بار خدايا چيست
جزاي كسي كه اشك فرو ريزد چشمان او از ترس خداي تعالى
كفت جزاي او اينست كه نكاه دارم روي او را از آتش دوزخ وايمن
كردانم او را از هول روز قيامت وكفت امام جعفر صادق عليه السلام
كه چون وفات حضرت امام حسن عليه السلام نزديك شد آن
حضرت در پي كريه شد كسي كفت يابن رسول الله چرا كريه ميكني
وحال انكه ميداني كه جاي تو نزد رسول خدا خواهد بود وحضرت
پيغمبر در حق تو كفت وتو بيست نوبت پياده حج كرده وقسمت
كرده مال خود را در راه خداي تعالى سه نوبت تا انكه نعلين
خود را نيز بمردم دادي آنحضرت كفت كه بجهت دو چيز ميكريم
هول روز قيامت وفراق دوستان وكفت حضرت پيغمبر صلى الله
عليه واله وسلم اكر كسي كريه كند بجهت كناه خود تا انكه فرو ريزد
اشك بر محاسن حرام كرداند خداي تعالى روي او را بر آتش دوزخ
ونيز كفت انكسي كه بيرون آرد اشك را از چشمهاي خود برابر مكسي

از ترس خدایتعالی ایمن کرداند خدایتعالی او را در روز قیامت
و منقولست از کتاب زهد امام جعفر صادق علیه که وحی کرد
خدایتعالی بموسی ع که بندکان من نزدیک نمیشوند بمن بچیزی
که دوست باشد نزد من از سه خصلت کدام است حق تعالی فرمود
زهد در دنیا و پرهیزکاری از معصیتها و کریستن از ترس و خوف
من کفت موسی علیه السلام ای پروردکار من چیست جزای آن
کسانیکه این سه خصلت داشته باشند خدایتعالی وحی کرد
که ای موسی ایا بدان بتو حلم مؤمن که ایشانرا ببهشت برند و اما
آنها که کریستند از ترس من ایشانرا از شراب بهشت میدهم که شریک
نباشند با ایشان کسی و اما پرهیزکاران از کناهان بدرستی که من
سخت میکیرم و سختی نمیکنم با ایشان و کفت امام جعفر صادق ع
که چندان کریست یحیی بن زکریا علیه السلام که رفت کوشت روی
او از آب چشم و استخوانهای روی او نمایان کشت و نمد مینهاد بر استخوانهای
خود تا آنکه آب چشم بر آن نمد کذر کند پس پدرش با او کفت که ای
پسرک من بدرستی بر بالای دوزخ پلی است لغزنده که نمی توان
کذشتن از آن پل مکر کسی که بسیار کریسته باشد از ترس خدایتعالی
و میترسم که چون از آن پل خواهم بکذرم کمراه شوم پس کریست زکریا
علیه السلام که کریستن چشمها و ترسیدن دلها از رحمت خدای
تعالیست پس وقتی که بیابید رحمت خدایتعالی یعنی وقتی که چشم

چنانکه بهوش شد و کفت امیرالمؤمنین علیه السلام

شما کریان شود و در دل شما ترس پیدا شود غنیمت شمرید
این وقت و اکر یک بنده بکرید در دنیا امتی رحم کند خدایتعالی بر همه آن
امت بجهت کریه او و نیز کفت که کاه ترا کریه نیاید خود را بکریه
دار پس اکر اشک بیرون آید از چشم تو برابر سر مکس بسیار
پسندیده است و کفت محمد بن مسلم که شنیدم از ابی جعفر
علیه السلام که میکفت هر چیزی که هست او را کیل و وزنی هست
مکر آب چشم بدرستی که وقتی که چشم اشک بریزد حرام کرداند
خدایتعالی آتش دوزخ را برو پس اکر روان شود اشک بر رخسار
بنده تنکی نه بیند در معاش و خواری نه بیند هرکز و یک قطره
اشک فرو مینشاند دریاهای آتش را و کفت ابراهیم علیه السلم
که بارخدایا چیست جزای آنکس که تر شود روی او به آب چشم از ترس
خدایتعالی فرمود که جزای او آمرزش و خشنودی منست و کفت
ابو جعفر صادق علیه السلام که دعا کنید وقت برخاستن موی
از بدن از ترس خدایتعالی و وقت روان شدن اشک و نزد باریدن
باران و وقتی که آفتاب میان آسمان باشد تا وقتی که آفتاب میل
بجانب مغرب بدرستی که درین ساعت درهای آسمان کشوده
میشود و امید یاریست از فرشتها درین ساعتها و امید اجابت دعاست
از خدایتعالی و نیز کفت که تضرع و زاری بنده و رحمت خدایتعالی
باهم می باشند و وقتی بنده سجده کند خدایتعالی پس اکر روان شود

اشك از چشم او رحمت فرود می‌آید درین وقت پس غنیمت دانید
درین وقت طلب حاجت را و بسیار رسیدانید آن چیز را که طلب
میکنید و حقیر مشمرید اندك حاجت را که دارید بدرستی که
دوستترین مردمان نزد خدا تعالی آنکس است بیشتر انچه
خواهد از اندك و بسیار از خدا تعالی طلب کند و گفت امام محمد
باقر علیه السلام که رفتم نزد پدر خود امام زین العابدین
علیه السلام و آنحضرت رسانیده بود عبادت را بجائی که هیچ
کس بآن مرتبه نرسانیده بود پس دیدم که رنگ آنحضرت زرد
شده بود از بیخوابی و بخته شده است گوشت چشم او از گریه و پیشانی
ورم کرده است بجهت بسیاری نماز پس بی اختیار در گریه شدم
چون دیدم خود را باین حال رسانید بجهت انکه مرا رحم آمد بر و
آنحضرت در فکر بود بعد از ساعتی متوجه من شد و گفت ای
فرزند من بده بآن ازین ورقها که عبادت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام درو نوشته است پس دادم از آن ورقها را
و آنحضرت خواند آن ورقها را اندکی و بعد از آن بگذاشت آن
ورقها را بجهت انکه دلتنك شد و گفت که قوت دارد که بجای
آورد عبادت علی ابن ابی طالب را و روایت است که امام زین
العابدین وقتی که وضو میساخت زرد می‌شد رنگ او پرسیدند
ازو که چه چیز است که ترا بیهوش میکرداند آنحضرت گفت که

آیا میدانید کسی را که من مهیا میشوم برای ایستادن به پیش
او و روایت است که امام موسی ع می‌گریست از ترس خدا تعالی
تا انکه تر میشد محاسن مبارك آنحضرت بآب چشم

استخاره گفت امام جعفر صادق

علیه السلام وقتی که خواهی کاری کنی مشورت مکن در آن
کار با کسی پیش از آن مشورت کنی با پروردگار خود آنحضرت
گفت که صد بار بگو استخیر الله و بعد از آن مشورت کن با مردمان
بدرستی که انچه خیر است خدا تعالی جاری میسازد بر زبان
آنکسی که ترا دوست میدارد و منقولست از کتاب محاسن که
گفت حلبی که گفت ابو عبدالله علیه السلام فرمود که مشورت را
چهار حد است پس آنکسی که بداند آن حدها را نفع او از آن مشورت
بیشتر از ضرر خواهد بود اول با آنکسی که کنی باید که عاقل باشد
دوم انکه آزاد و با دیانت باشد سیوم انکه دوست تو باشد
و با تو حق برادری داشته باشد چهارم انکه مطلع کردانی
او را بر سر خود تا دانش او بآن کار همچون دانش تو باشد و بعد
ازان
آنحضرت بیان کرد فایده آن چهار حد را و گفت بدرستی که آنکس
با او مشورت میکنی هرگاه عاقل باشد نفع می‌یابی بمشورت کردن
او و هرگاه آزاد و با دیانت باشد جهت میکند در نیك خواهی
و هرگاه دوست باشد و حق برادری داشته باشد می‌پوشد

ستر ترا وهرکاه مطلع کردانی او را بر سر خود و علم و دانش او
بآن کار همچون علم و دانش تو باشد بان کار تمام میشود مشو
تو و کامل میشود نیکو خواهی او برای تو و کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که مشورت کن بمردم عاقل و پرهیزکار بدرستی که
خلاف کردن بایشان هم در دین و در دنیا بداست و نیز کفت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که مشورت
کردن با مردم نیکو خواه مبارکست و راه راست یافتن و توفیق
از خدا یتعالی پس وقتی که عاقل نیک خواه اشارت کند ترا بکاری
و کاری بفرماید بپرهیز از خلاف کردن با و موجب هلاکت
و کفت حسن بن جهم که بودیم نزد امام رضا علیه السلام کفت
پس ذکر کردیم پدر آن حضرت را امام رضا علیه السلام کفت که
با عقل پدر من برابری نمی کرد با عقل دیکران و با وجود این
بسیار از اوقات مشورت میکرد با غلام سیاهی از غلامان خود
کسی کفت مشورت میکنی باین نوع کسی آنحضرت کفت که کاه باشد
که بکشاید بر زبان او و کفت امام رضا علیه السلام کاهی غلامان
سیاه اشارت میکردند به پدر من در کار عمارت و باغ و بستان
و آنحضرت عمل میکرد بسخن ایشان و کفت امام جعفر صادق ع
السلام که کسی پرسید از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
که زیرکی و دانائی در کار کدامست آنحضرت کفت مشورت

کردن

کردن بکسی که صاحب رائی و عقل باشد و پیروی عقل او کردن
و نیز کفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نیست
پناهی محکم تر از مشورت و نیست عقلی همچون صلاح اندیشیدن
و نیز کفت که ظاهر ساختن چیزی را که پیش از آنکه محکم کردانیده
چیز را موجب فساد آن چیز میشود و کفت یحیی بن عمران الحلبی
که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که مشورت را چند حدهاست
پس انکسی که نداند حدهای او را ضرر آن مشورت بیشتر
از فائده او خواهد بود اول انکسی که با و مشورت میکنید باید
که عاقل باشد و روایت کرده است عثمان بن عفان عیسی کفت
شخصی که کفتم بابی عبد الله علیه السلام کیست دوستترین خلق
نزد خدا یتعالی کفت ... که دشمن ترین خلق نزد خدا یتعالی
کیست کفت انکسی که تهمت میکند خدا یتعالی را کفتم آیا کسی که
تهمت میکند خدا یتعالی را کفت بلی انکسی که استخاره کند بخدا یتعالی
واستخاره او بر وجهی باید که خیر او در آن باشد و او کراهت
داشته باشد از آن و خشم کیرد پس او تهمت کرده است خدای
تعالی را و کفت حماد بن عثمان که امام جعفر صادق علیه السلام
که طریق استخاره انیست که چون دو رکعت نماز سنت صبح بکذاری
در سجده آخر رکعت دوم صد بار استخیر الله بکوئی و یکبار حمد بکوئی

خدایتعالی را وصلوات بفرستی بر نبی وال او علیهم السلام و بعد
ازان پنجاه نوبت استخیر الله بکو وبعد ازان حمد بکو خدایتعالی را
وصلوات بفرستی بر پیغمبر وال او علیهم السلام وتمام کنی صد
ویک را یعنی پنجاه بار دیکر استخیر الله بکوئی وصلوات بفرستی
بر نبی وال او علیه السلام وروایتست که پرسید محمد بن خالد
القسري ابا عبد الله را از کیفیت استخاره آنحضرت کفت که صد بار
استخاره کن بخدایتعالی دو رکعت آخر از نماز شب هر وقتی که
در سجده باشی کفت محمد بن خالد که چکونه بکویم آنحضرت کفت
که صد بار بکو استخیر الله برحمته وروایتست که حضرت امیر
المؤمنین علی علیه السلام بجهت استخاره دو رکعت نماز میکذارد
وصد بار در عقب آن نماز میکفت استخیر الله وبعد ازان میکفت
که اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ عَلِمْتَهُ فَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَيْرٌ لِي
فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَيَسِّرْهُ لِي وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي
فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي كَرِهَتْ نَفْسِي ذٰلِكَ اَمْرٌ
هَبَّتْ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وبعد ازان قصد
کار میکرد وآنکار را پیش میکرفت وروایتست که مردی کفت
بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو کردم بسیار است که من کاری را
پیش میکیرم وپشیمان میشوم ازان کار آنحضرت کفت وقتی که نماز
سنت صبح بکذاری هر دو دست خود را بردار برابر روی خود

وبکو

وبکو اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ فَصَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخِرْ لِي فِي جَمِيعِ مَا عَزَمْتُ بِهِ مِنْ اُمُورِي
خِيَارًا بَرَكَةً وَعَافِيَةً ومنقولست از کتاب تهذیب الاحکام که
کفت معویة بن میسر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود بنده
که استخاره کند هفتاد بار بخدایتعالی باین استخاره برساند
خدایتعالی انچه خیر اوست واستخاره اینست يَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ
وَيَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَيَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَخِرْ لِي كَذَا وَكَذَا
یعنی حاجت وکاری دارد نام برد وبعد ازان سجده کند وصد بار
دران سجده بکوید اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ اَسْتَقْدِرُ اللّٰهَ فِي عَافِيَةٍ
بِقُدْرَتِهِ وبعد ازان طلب حاجت خود کند بدرستی که چون
چنین کند انچه خیر اوست باو خواهد رسید بهر حال وباید که
تهمت نکند پروردکار خود را دران کار که پیش او می آید خواه
بان راضی باشد وخواه نباشد   نماز استخاره روایت
که پرسید حسن بن جهم از ابی الحسن علیه السلام برای سفر
کردن ابن اسباط حاضر بود آنحضرت کفت چه اندیشه میکنی
برای ابن اسباط ابن جهم کفت که ذکر کریم براه دریا وخشکی را
تا مصر وخبر دادیم باو که راه خشکی بهتر است آنحضرت کفت که بمسجد
برو ودر غیر وقت نماز فریضه دو رکعت نماز بکذار ودویست

بار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از آن نظر کن که چه چیز در دل
تو می آید بآن عمل کن گفت حسن بن جهم که راه خشکی نزد من اولی
بهتر است و منقول است از کتاب محاسن که گفت جابر که امام محمد
باقر علیه السلام فرمود که امام زین العابدین علیه السلام
هرگاه قصد میکرد که حج کند یا عمره بگذارد یا چیزی بفروشد
یا بخرد یا بنده آزاد کند طهارت میکرد و بعد از آن دو رکعت
نماز استخاره میکرد و درین دو رکعت سورهٔ فاتحه و حشر
و الرحمن و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
احد میخواند و بعد از آن میگفت اللهم ان کان کذا و کذا یعنی ذکر
میکرد آنکار را که میخواست که بکند خیرا لی فی دینی و خیرا لی فی
دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره لی رب اعظم لی علی یسره
و ان کرهت ذلک فانته نفسی عن ناحیة و روایتست که ابو عبد الله
علیه السلام وقتی که میخواست که بنده یا چهارپای بخرد و یا طلب
حاجت سبکی یا چیزی اندکی هفت بار استخاره میکرد بخدای تعالی
دیگر برای استخاره گفت مرازم که ابو عبد الله
علیه السلام فرمود وقتی که اراده چیزی کنید باید که دو رکعت
نماز بگذارید و حمد و ثنای خدای تعالی بگوئید و بعد از آن صلوات
بفرستید بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از آن بگوئید اللهم ان
کان هذا الامر خیرا لی فی دینی و دنیای فیسره و قدره و ان کان

الامر

الامر علی غیر ذلک فاصرفه عنی گفت مرازم که پرسیدم از ابی
عبد الله علیه السلام که چه چیز بخوانم درین دو رکعت آنحضرت
گفت که هر چه میخواهی بخوان و اگر نه قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد بخوان   برای استخاره گفت اسحق
ابن عمار که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که بسیار است که من قصد
کاری میکنم بعضی میگویند که این کار را بکن و بعضی میگویند
مکن آنحضرت گفت که هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز بگذار
و صد و یکبار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از آن منتظر باش
که بکدام یک ازین دو چیز میکنی پس آنرا بکن بدرستی
که خیر در آنست انشاء الله تعالی و لیکن استخارهٔ تو می باید که در
طلب عافیت باشد بدرستی که بسیار است که خیر آدمی در بریدن
دست اوست و در مردن و مردن فرزندان او و رفتن مال
دیگر برای استخاره گفت هارون بن خارجه که ابو عبد الله ع
فرمود که هرگاه خواهی که کاری بکنی بگیر شش پاره کاغذ و
بنویس بسم الله الرحمن الرحیم من الله
العزیز الحکیم الفلان بن فلانة لا تفعل و بعد از آن این رقعها را
در زیر جای نماز خود بنه و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار
چون فارغ شوی از نماز سجده کن در سجده صد بار بگو استخیر الله
برحمته خیرة فی عافیة و بعد از آن بنشین و بگو اللهم خر لی

فِي جَمِيعِ اُمُورِي بِيُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ و بعد ازان دست بزن بر رقعها و بر
کنن سه از انها را و بیرون آر آن رقعها را یك یك پس اکر سه رقعه پی در
آید پی درپی که درو افعل نوشته است آن کار را بکن و اکر بیرون آید
که افعل نوشته است ویکی لا تفعل بیرون آر آن رقعها را تا پنج بار
ونظر کن که افعل بیشتر است یا لا تفعل هرکدام که بیشتر است بان عمل کن
ورقعهٔ ششم را بکذار و بیرون میار که احتیاج باو نیست و کفت
ابوجعفر علیه السلام که هرکاه امام زین العابدین علیه السلام
میخواست که حج کنید یا عمره بکذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد
طهارت میکرد و دو رکعت نماز استخاره می کذارد و در هر دو رکعت
سورهٔ الرحمن و حشر میخواند چون فارغ میشد از نماز دویست تو
میکفت استخیر الله و بعد ازان قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس میخواند و بعد ازان میکفت اللهم
اِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ قَدْ عَلِمْتَهُ وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي
وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاقْدِرْهُ لِي وان كنت تعلم انه شر لي في دنياي
وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ اَعْظِمْ لِي عَلَى رُشْدِي
اِلَّا بِاللهِ حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نعم المولى وَنِعْمَ النَّصِيرُ و بعد ازان
میرفت و آن کار میکرد

برای استخاره روایت

کرده است محمد بن یعقوب از علی بن محمد که بعضی از اصحاب بسند
از بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام کسی که خواهد کاری

بکند

بکند و کسی نباید که باو مشورت کند چه کند آنحضرت کفت باید
که مشورت به پروردکار خود کند انکس کفت چکونه مشورت
کنم آنحضرت کفت که قصد کن آن حاجت را در دل خود و دو رقعه
بنویس در یکی لا و دیکری نعم و هر کدام را علیحده در میان اندك
کل پنهان کن و بعد ازان دو رکعت نماز بکذار و آن هر دو کل در زیر
دامن خود بنه و بکو یا الله اِنِّي اُشَاوِرُكَ فِي اَمْرِي هٰذَا وَاَنْتَ خَيْرُ
مُسْتَشَارٍ وَمُشِيرٍ فَاَشِرْ عَلَيَّ بِمَا فِيهِ خَيْرٌ وَصَلَاحٌ وَحُسْنُ عَافِيَةٍ
و بعد ازان دست دراز کن و یکی را بیرون آر پس اکر دران رقعه که
بیرون آوردی نعم باشد بکن آن کار را و اکر لا باشد مکن این
چنین مشورت کن به پروردکار خود

برای استخاره

کفت جابر بن عبد الله که رسول خدا آموخت ما را استخاره همچنانکه
آموخت ما را سورهٔ از قرآن و کفت هر که خواهد که کاری بکند
باید که دو رکعت نماز بکذارد و بعد ازان بکوید اللهم انی استخیرك
بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْاَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ
فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ
اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ هٰذَا الْاَمْرَ تُسَمِّيهِ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ
اَمْرِي فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ
شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ اَمْرِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي
عَنْهُ وَاقْدِرْ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ مَا كَانَ وَرَضِّنِي بِهِ و منقولست

از کتاب محاسن که گفت سعد بن صدقه که شنیدم از امام جعفر
صادق ع که میگفت باید که بجای اللهم انی استخیرک
بعلمک واستقدرک الخیر بقدرتک بگوید اللهم انی استخیرک
برحمتک واستقدرک الخیر بقدرتک علیه بجهت انکه در
قول اللهم انی استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک هم
خیر وهم شر هست پس هرگاه شرط کنید خیر وشر را در قول خود
پس انچه شرط کرده اید مستجاب خواهد شد برای شما و لکن
باید که بگوئید اللهم انی استخیرک برحمتک واستقدرک
الخیر بقدرتک علیه انک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
فاسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد کما صلیت علی ابراهیم
وال ابراهیم انک حمید مجید اللهم ان کان هذا الامر الذی
اریده خیرا لی فی دینی ودنیای واخرتی فیسره وان کان غیر
ذلک فاصرفه عنی واصرفنی عنه وگفت مسعده که امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که بعضی از پدران من علیهم السلام
در وقت استخاره میگفتند اللهم لک الحمد وبیدک الخیر
کله اللهم انی استخیرک برحمتک الخیر بقدرتک علیه
انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب
اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد من معصیتک
وارضا لنفسک واقضی بحقک فیسره لی وان کان غیر ذلک فا

صرفه عنی واصرفنی عنه فانک لطیف لذلک والقادر علیه
وگفت عمرو بن حرب که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که چون
خواهی که استخاره کنی دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان استخاره
کن بخدای تعالی بحق خدای که استخاره نمیکند بخدای تعالی مسلمانی
مگر انکه خدای تعالی خیر میدهد او را البته
گرفتن از مصحف چون خواهی که فال بگیری از مصحف نماز جعفر بکذار
چهار رکعات هر دو رکعت بیک تشهد است ویک سلام در رکعت
اول یکبار فاتحه بخوان ویکبار اذا زلزلت الارض بعد از ان پانزده
بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد
رکوع کن و در رکوع ده بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر و بعد از انکه سر برداری از رکوع همین تسبیح را
ده بار بگو و بعد از ان سجده کن و همین تسبیح را ده بار بگو و باز
در سجدهٔ دوم نیز همین تسبیح را ده بار بگو و بعد از انکه سر از
سجدهٔ دوم برداری همین تسبیح را ده بار بگو و بعد از انکه سر از
سجده ودر رکعت دوم یکبار فاتحه بخوان ویکبار والعادیات
ودر رکعت سیوم بعد از فاتحه اذا جاء نصر الله بخوان ودر رکعت
چهارم بعد از فاتحه یکبار قل هو الله بخوان وآن تسبیح که مذکور
شد بهمان کیفیت که در رکعت اول خواندی در رکعت دوم
وسیم وچهارم نیز بخوان ودر سجدهٔ آخر رکعت چهارم بگو

سبحان الله من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان من احصى
كل شيء علمه سبحان ذا المن والنعم سبحان ذي القدرة و
الكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي القوة
والطول اللهم اني اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى
الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي
تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد واهل بيته وان تفعل
بي كذا وكذا چون از نماز فارغ شوي تسبيح فاطمه زهرا بگو وبعد
از آن اين دعا بخوان يا من لا تخفى عليه اللغات ولا تشتبه
به عليه الاصوات يا من هو كل يوم هو في شان يا مدبر الا
مور يا باعث من في القبور يا محيي العظام وهي رميم يا بطاش
ذو البطش الشديد يا فعال لما يريد يا رازق الجنين والطفل
الصغير ويا راحم الشيخ الكبير ويا جابر العظم الكسير ويا مدرك
الهاربين ويا غاية الطالبين يا من لا يعلم ما في الضمير وما تكن
الصدور يا رب الارباب وسيد السادات واله الالهة
وجبار الجبابرة ومالك الدنيا والآخرة يا مجري الماء في النبات
يا مكون طعم الثمار اسألك باسمك الذي لا يقوم له شيء ولا
يقوم له ارض ولا سماء اسألك باسمك الذي شققته من
عظمتك واسألك بعظمتك التي اشتققتها من كبريائك التي

اشتققتها

اشتققتها من كينونتك التي اشتققتها من جودك واسألك بجودك
الذي شققته واسألك بعزك الذي شققته من كرامتك
واسألك بكرمك الذي شققته من رحمتك واسألك التي
شققتها من حلمك واسألك بحلمك الذي شققته من لطفك
واسألك بلطفك الذي من قدرتك واسألك باسمائك التي
كلها واسألك باسمك المهيمن العزيز القدير على ما يشاء من
امرك يا من سمك السماء بغير عمد واقام الارض بغير سند
وخلق الخلق من غير حاجة اليهم الا افاضة لاحسانه ونعمه و
ابانة الحكمة واظهار القدرة اشهد يا سيدي انك لم
تانس بابداعهم لاجل وحشة لتفردك ولم تستعن بغيرك
على شيء من امرك اسألك بغناك عن خلقك وبحاجتهم
اليك وفقرهم وفاقتهم اليك ان تصلي على خيرتك من خلقك
محمد واهل بيته الطيبين الراشدين وان تجعل لعبدك
الذليل بين يديك من امره فرجا ومخرجا يا سيدي صل على
محمد وآله وارزقني الخوف منك والخشية يا حلو يا سيدي
ارحم عبدك الاسير بين يديك سيدي ارحم عبدك المرتهن
بعمله يا سيدي انقذ عبدك غريق في بحر العطايا يا سيدي
ارحم عبدك المقر بذنبه وجرءته عليك يا سيد الوبيل
هذا مقام المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام الفقير البائس

الحقير المحتاج الى ملك كريم يا ويلتى ما اغفلني عما يرى
ادبي يا سيدي هذا مقام المذنب المستجير بعفوك
من عقوبتك هذا مقام انقطعت حيلته وخاب رجاؤه
الا منك هذا مقام الا في الاسير هذا مقام الطريد الشديد
يا سيدي اقلني عثرتي يا مقيل العثرات يا سيدي اعطني
سؤلي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق الذي لا قوة له
على حر النار يا سيدي ارحمني فاني عبدك ابن عبدك
بين يديك وفي قبضتك لا طاقة لي بالخروج من سلطانك
سيدي وكيف لي بالنجاة ولا تصاب الا لديك وكيف
بالرحمة ولا تصاب الا من عندك يا اله الانبياء وولي
الاتقياء وبديع مزيد الكرامة اليك قصدت وبك انزلت
حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغيث
فاغثني وانقذني برحمتك مما اجترحت عليك سيدي
يا ويلتي اين اهرب ممن الخلائق كلهم في قبضته والنواصي
كلها بيده يا سيدي منك هربت ووقعت بين يديك
متضرعا اليك راجيا لما عندك لديك يا الهي وسيدي حاجتي
التي ان اعتينها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسألك فكاك رقبتي من النار سيدي قد
علمت وايقنت انك اله الخلق والملك الحق الذي لا شبيه له

اعطيتنيها

ولا

ولا شريك له يا سيدي انا عبد مقر لك بوحدانيتك وبـ
ربوبيتك انت الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا تعب
ولا نصب انت المعبود غيرك اسألك باسمك الذي تحشر
به الموتى الى الحشر يا من لا يقدر على ذلك احد غيره واسألك
باسمك الذي يحيي العظام وهي رميم ان تغفر لي وترحمني
وتعافيني وتعطيني وتلقيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر
على ذلك احد غيرك يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون يا من احاط كل شيء علما واحصى كل شيء
عددا اسألك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك و
نبيك وخاصتك وخالصتك وصفيك وخيرتك من خلقك
وامينك على وحيك وموضع سرك ورسولك الذي
ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا
استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر
بالاليم من عقابك اللهم فصل عليه بكل فضيلة من
فضائله وبكل منقبة من مناقبه وبكل حال من حالاته
وبكل موقف من مواقفه صلوة تكرم بها وجهه واعطه الدرجة
والوسيلة والرفعة والفضيلة اللهم شرف في القيامة
مقامه وعظم بنيانه واعلى درجته وتقبل شفاعته في
امته واعطه سؤله وارفعه في الفضيلة الى غايتها اللهم

صل على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنائك في
خلقك واصفيائك في عبادك وحججك في ارضك ومنار
في بلادك الصابرين على بلائك الطالبين رضاك الموفين
بعهدك غير شاكين فيك ولا جاحدين في عبادتك
واوليائك وسلائل اوليائك وخزان علمك والذين
جعلتهم مصابيح الهدى ونور الدجى عليهم صلواتك و
رحمتك ورضوانك اللهم صل على محمد وال محمد وعلى
مبارك في عبادك الداعي اليك باذنك القائم بامرك المؤدي
عن رسولك عليه واله السلام اللهم اذا اظهرته فانجز
له ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه
افضل عمل ان يصل امله واعطه سؤله وجدد به عن
واهل بيته بعد الذل الذي قد نزل بهم بعد نبيك فصاروا
مستذلين مطرودين مشردين خائفين غير امنين
لقوا في جنبك الاذى ابتغاء مرضاتك وطاعتك والتكذيب
فصبروا على ما اصابهم فيك راضين بذلك مسلمين لك
في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم عجل فرج قائمهم
بامرك وانصره دينك الذي غير وبدل وجدد به ما امتحى
وبدل بعد نبيك صلى الله عليه واله وسلم اللهم صل على
جميع المرسلين والنبيين الذين بلغوا عنك الهدى واعتقدوا

لك المواثيق بالطاعة اللهم صل على محمد عليهم وعلى ارواحهم
واجسادهم والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم
صل على ملائكتك المقربين واولو العزم من انبيائك
وعبادك الصالحين برحمتك يا ارحم الراحمين واعطني
سؤالي في دنياي واخرتي يا ارحم الراحمين اللهم كما
دعوتك لنفسي لا لعاجل الدنيا واجل الاخرة فاعطه
جميع اهلي واخواني فيك وجميع شيعة ال محمد المستضعفين
في ارضك بين عبادك الخائفين منك الذين صبروا على الاذى
والتكذيب فيك وفي رسولك واهل بيته عليهم السلام افضل
ما يأملون واكفهم ما اهمهم يا ارحم الراحمين وبعد از آن
مصحف بردارد وقصد بر ظهور صاحب الزمان كند در اول نوبت
ونوبت دوم كه براي خود فال بگيرد نيز اين قصد كن وبعد از آن
بگو اللهم ان كان في قضائك وقدرك ان تفرج عن وليك
وحجتك في خلقك في عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا
رأس آية من كتابك نستدل بها على ذلك وبعد از آن بگشايد
مصحف را وهفت ورق بشمرد واز پشت ورق هفتم ده سطر
بشمرد ونظر در آن چيزي كه مي آيد در سطر يازدهم وبعد از آن
همين كار كند براي خود بدرستي كه ظاهر ميشود حاجت تو
ان شاء الله تعالى ومنقولست از كتاب تهذيب الاحكام كه گفت

يسمع قمي كه كفتم بابي عبد الله عليه السلام كه كاه چيزي ميكنم
واستخاره ميكنم دران چيز بخدايتعالى و توفيق نمييابد
فكر من كه انرا بكنم انحضرت كفت وقتي كه برخيزي براي نماز
وان وقتي است كه شيطان دور مي شود از آدمي نظر كن كه
چه چيز در دل تو مي افتد پس انچيز را در دل خود نكاه دار و
بكشا مصحف و نظر كن باول چيزيكه مي بيني در مصحف پس انكا
كن وكفت امير المومنين علي عليه السلام انكسي كه خواهد
بيرون رود از خانه خود نكين انكشتر را بجانب كف دست و سوره
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخواند و بعد از ان بكويد آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى نَبِيِّهِمْ نه بيند دران روز
هيچ مكروهي   كفت سماعه بن مهران كه ابو
عبد الله عليه السلام فرمود وقتي كه شما بيمار شويد طبيب
مي طلبيد و چيزي ميدهيد باو و هر كاه حاجتي داريد
بسلطان رشوت ميدهيد و دربانان سلطانرا نيز چيزي
ميدهيد پس اكر شما را كاري سختي پيش آيد بايد كه جزع
كنيد بخدايتعالى و طهارت كنيد و چيزي بصدقه بدهيد
خواه كم باشد و خواه بسيار و بعد از ان بمسجد برويد و
دو ركعت نماز بكذاريد و حمد و ثناي خدايتعا بكوئيد
و صلوة بفرستيد بر نبي و ال او عليهم السلام و بعد از ان

بكويد

بكويد اللَّهُمَّ إِنْ عَافَيْتَنِي مِمَّا أَخَافُ مِنْ كَذَا وَكَذَا نام انچيز
ببريد كه ازو مي ترسيد بدرستي كه چون چنين كنيد
خدا تعالى شما را نجات ميدهد   ديكر براي
حاجت چون حاجتي داشته باشي وقتي كه نصف شب شود
غسل كن و دو ركعت نماز بكذار و در ركعت اول بعد از فاتحه
با صد مرتبه قل هو الله بخوان و در ركعت دوم بعد از فاتحه
سورة حشر بخوان لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمُ الْفَائِزُونَ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ   هُوَ (والله) الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللهُ الْخَا لِقُ
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يُولِجُ
اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ وبعدازان رکوع وسجود کن وتشهد
بخوان وثنا بکو خدایتعالی که حاجت تو برآورده میشود
واکر حاجت تو برآورده نشود مرتبهٔ دیکر این کار بکن و
اکر مرتبهٔ دوم برآورده نشود مرتبهٔ سیم این کار بکن
دیکر برای حاجت کفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی ترا حاجت ضروری باشد بخدایتعالی روز چهارشنبه
وپنجشنبه وادینه این سه روز پی در پی روزه بکیر چون
روز ادینه شود غسل کن وجامهٔ پاك بپوش وبلندترین
بام سرای خود بالا رو ودر آنجا دو رکعت نماز بکذار و
بردار دست خود را بجانب آسمان وبکوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ
بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمَدَانِيَّتِكَ وَإِنَّهُ لَا قَادِرَ
عَلَى حَاجَتِي غَيْرُكَ فَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبِّ إِنَّهُ كُلَّمَا تَظَاهَرَتْ
نِعَمُكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ وَقَدْ طَرَقَنِي هَمُّ كَذَا وَأَنْتَ
بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ وَأَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَنُسِفَتْ وَعَلَى السَّمَاءِ
فَانْشَقَّتْ وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ وَعَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ
وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَأَنْ تُيَسِّرَ لِي عُسْرَهَا
وَتَكْفِيَنِي مُهِمَّهَا فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ
الْحَمْدُ غَيْرَ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ وَلَا مُتَّهَمٍ فِي قَضَائِكَ وَلَا حَائِفٍ
فِي عَدْلِكَ وبعدازان روی خود را بر زمین بنه وبکو اَللّٰهُمَّ إِنَّ
يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَبْدَكَ دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ
أَنَا عَبْدُكَ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ وبعدازان کفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی که مرا حاجتی باشد این عمل بجا آورده واین دعا میخوانم
حاجت من برآورده میشود برای حاجت
کفت امام موسی علیه السلام که هرکاه ترا کاری عظیم پیش
آید تصدق کن در آن روز شصت مسکین بهر مسکین نصف
صاعی بصاعی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم از خرما
یا کندم یا جو پس هرکاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب
وبعدازان دو رکعت نماز بکذار ودر رکعت اول فاتحه وقل
هو الله بخواند ودر رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و
چون در رکعت آخر سر بسجده بنهد لا اله الا الله بکوید وپاکی
وبزرکی یاد کند خدایتعالی را وبعدازان یاد کند خود را واقرار
کند بتمام کناهان خود آنچه داند وآنچه نداند وبعدازان سر
خود را از سجده بردارد چون سر بسجدهٔ دوم بنهد صد بار
بکوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وبعدازان بخواند خدایتعا

با آنچه میخواهد از نامهای او و بعد از آن بگوید یا کائن قبل کل شی
و یا مکون کل شی یا کائن کل شی افعل بی کذا و کذا یعنی
حاجت خود را نام برد و هرگاه استخاره کنی هر دو زانوی
خود را بر زمین بنه و بردار تا آنکه برهنه شود هر دو زانوی
تو و لنگ را از میان ران خود بگذران بدرستی که هرگاه چنین
کنی امید می دارم که برآورده شود حاجت تو و ابتدا کن بصلوة
بر پیغمبر و آل او علیهم السلام دیگر برای حاجت گفت حضرت
امام رضا علیه السلام وقتی که اندوهگین سازد ترا کاری
دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و آیة الکرسی بخوان
و در رکعت دوم بعد از فاتحه انا انزلنا بخوان و بعد از آن بگیر
مصحف را و بردار بالای سر خود و بگو اللهم بحق من ارسلته
الی خلقک و بحق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیک
و لا نعرف احدا اعرف بحقک منک و ده بار بگو یا سیدی
یا مولای الله و ده بار بگو بحق محمد و ده بار بگو بحق علی و ده
بار بگو بحق فاطمه و نام هر یک از ائمه را بگیرد باین طریق تا صاحب
الزمان برسی بدرستی که هرکه چنین کند هنوز از جای خود
برنخواسته باشی که خدا تعالی حاجت ترا برآورد
برای حاجت گفت مقاتل که گفتم با امام رضا علیه السلام که فدای
تو کردم دعائی بیاموز بمن بجهت برآمدن حاجت آن حضرت

گفت

گفت هرگاه ترا حاجت ضروری باشد بخدا تعالی غسل کن و
جامه پاک بپوش و چیزی از بوی خوش بکار برد و برود
جایی که میان تو و آسمان حائلی نباشد و دو رکعت نماز بگذارد
باین کیفیت که افتتاح نماز و یکبار فاتحه و پانزده بار قل هو الله
بخواند بطریق نماز تسبیح بگذار این نماز را و فرق میان تسبیح
که اورا نماز جعفر میگویند و کیفیت گذاردن از پیش گذشت
که درین نماز قل هو الله را بخوان پانزده بار بعد از فاتحه و در
رکوع و در سجود و بعد از سجود و از نماز تسبیح بعد از سوره پانزده
بار تسبیح میباید گفت و همچنین بعد از رکوع و در سجود و بعد
از سجود ده بار تسبیح می باید گفت چون فارغ شوی از نماز سجده
کن و در سجده بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک الی
قرار ارضک فهو باطل سواک فانک انت الحق المبین اقض لی
حاجة کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه کن در آن چیز
که میخواهی چون حاجت تو برآورده شود نماز شکر بگذار

در بیان نماز شکر روایت کرده است هرون
بن خارجه که ابو عبدالله علیه السلام گفت اول فاتحه و قل
هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
بخوان و در رکوع و سجود رکعت اول بگو الحمد لله شکرا شکرا
و حمدا و در رکوع و سجود رکعت دوم الحمد لله الذی استجاب دعائی

وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي و منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت
امام جعفر صادق ع که عافیت نعمتی است پنهانی یعنی مردمان
غافلند از عافیت و قدر او را نمی دانند پس هرگاه عافیت داری
فراموش میکنی ازو و هرگاه عافیت نداری یاد میکنی او را
و عافیت نعمتی است که عاجزند مردمان از شکر گفتن آن و
گفت امام زین العابدین علیه السلام که انکسی که الحمد لله
بگوید بدرستی که بجا آورده است شکر هر نعمتی را که خدا تعالی
باو داده است

عفو هرگاه بیابی در نفس خود اندوهی

دران وقت نماز بگذار و این نماز دو رکعتست و در هر رکعت
بعد از فاتحه انا انزلنا بعد از قرأت پانزده نوبت بگو رب عفوك
عفوك و بعد از آن رکوع کن و در رکوع ده بار بگو همین را و
تمام کن این دو رکعت را مثل نماز جعفر که در پیش گذشت

بجهت وسوسه نفس گفت امام جعفر صادق ع

هر مومنی که چهل صباح برو بگذرد البته وسوسه در نفس او
پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و پناه جوید بخدای
تعالی بو سوسه نفس خود و نیز گفت که شکایت کرد حضرت آدم
علیه السلام از وسوسه نفس خود پس جبرئیل علیه السلام
از وسوسه نفس خود فرود آمد و گفت بگو لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حضرت آدم گفت این کلمه را وسوسه نفس

او رفت پس گفت امام جعفر صادق علیه السلام که اینست
اصل لا حول و لا قوة الا بالله یعنی بجهت این نازل شد و گفت امام
محمد باقر علیه السلام که آمد مردی نزد رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم و شکایت کرد از وسوسه نفس و از
بسیاری قرض و درویشی آنحضرت گفت بآن مرد که بگو
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا آن مرد تکرار کرد
این را چند بار و اندک زمانی بر آمد که نزد حضرت پیغمبر آمد که
که رفت از من وسوسه نفس و ادا شد قرض من و توانگر شدم
به برکت این دعا

استغفار و طلب روزی

گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که در
معاش تو تنگی پیدا شود و در کار تو دشواری پدید آید
عرض کن حاجت خود را بخدای تعالی و نماز استغفار بگذار
و این نماز دو رکعت است باین کیفیت که تکبیر احرام بگو و در
هر رکعت فاتحه و انا انزلنا بخوان و بعد از قرائت پانزده بار
استغفر الله بگو و رکوع کن و ده بار بگو باز استغفر الله
و این نماز را نیز بطریق نماز جعفر بگذار تا خدای تعالی
صلاح آورد جمیع کارهای ترا انشاء الله تعالی

بجهت کفایت مهمات گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که چون ترا مهمی پیش آید دو رکعت نماز بگذار و سلام بده
و سجده کن و حمد و ثنا بگو خدا یتعالی را صلوة بفرست
بر نبی و آل او علیهم السلام و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل
اکفیانی مما انا فیه فانکما کافیان احفظان روایتست که
انکسی که سی و پنج بار سورة انا انزلنا بر قدح آب بخواند
و بر جامهٔ نو بیفشاند و بپوشد فراخ روزی باشد تا انکه
آن جامه کهنه شود   نماز انکسی که او را غم و اندوه
یا حاجتی داشته باشد گفت حضرت امام رضا علیه السلام
که چون غمی برسد یا حاجتی پیش آید دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا انزلنا سیزده بار بخواند چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و بگو اللهم یا فارج الهم و یا کاشف
الضر و مجیب دعوة المضطرین و رحمن الدنیا و رحیم الاخرة
صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة یطفی بها عنی غضبک و
سخطک و تغنینی بها رحمة من سواک و بعد از ان روی راست
بر زمین بنه و بگو یا مذل کل جبار و معز کل ذلیل قد وحقک
بلغ المجهود منی فی امر کذا فرج عنی و بعد از ان روی چپ را
بر زمین بنه و همین را بگو بدرستی که حق تعالی می برد غم و
اندوه ترا و بر آورد ترا حاجت   برای رستگاری یاد
شدت گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که چون ترا اندوه

بپش آید دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه و ده بار
قل هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و یکبار قل هو الله بخوان
و بعد از ان تشهد بخوان و سلام بده و دعای فرج بخوان و دعای
فرج بخوان اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون
یا من یصفه الواصفون یا من لا تغیره الدهور یا من لا یخشی
الدوائر یا من یذوق الموت یا من یخشی الفوت یا من لا یضره
الذنوب و لا ینقصه المغفرة یا من لا یعلم مثاقیل الجبال و کیل
البحور و عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و
لا یواری منه سماء و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا
جبل ما فی وعره یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و
ما اظلم علیه و اشرق عنه النهار اسئلک باسمک المخزون
المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخصصت به لنفسک
لنفقت به اسمک فانک انت الله لا اله الا وحدک وحدک
لا شریک لک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت
و اسئلک بحق انبیائک المرسلین و بحق حملة عرشک و بحق
ملائکتک المقربین و بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
بحق محمد و عترته صلواتک علیهم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تجعل خیر عمری آخره و خیر اعمالی خواتیمها و اسئلک
مغفرتک و رضوانک یا ارحم الراحمین

براي خلاصي از غم و اندوه چون کسی با لمي و کربتي برسد بايد
دو رکعت نماز بکذارد و بهردو دست بکيرد مصحف را و بلند
بردارد و بکويد اَللّهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ بِمافيهِ اِسمِكَ الاَكبَرِ وَ
وَاَسمائِكَ الحُسنىٰ وَمايُخافُ وَيُرجىٰ اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقضِيَ حاجَتي وحاجتي که دارد نام برد

استغاثه بحضرت فاطمه عليها السّلم چون خواهي که
استغاثه کنی بحضرت فاطمه دو رکعت نماز بکذار و بعد از آن
سجده کن و صد بار بکو يا فاطمه و بعد از آن بکو يا آمِنًا مِن كُلِّ
شَيءٍ وَكُلِّ شَيءٍ مِنكَ خائِفٌ حَذِرٌ اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ
مُحَمَّدٍ وان تُعطِيَني اَمانًا لِنَفسي وَاَهلي وَمالي وَوَلَدي حَتّىٰ
لا اَخافُ اَحَدًا وَلا اَحذَرُ مِن شَيءٍ اَبَدًا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ

استغاثه چون خواهي که در شب خواب کنی بر بالاي سر خود ظرفی
پاکی بنه و در و آب پاک باشد و حرقه پاك بر سر آن ظرف باشد
يعني بپوشاند هرکاه بيدار شوي براي نماز در آخر شب سه جرعه
از آن آب بياشام و بعد از آن وضو کن با آنچه مانده باشد از آن
آب و متوجه شو بقبله و اذان و قامت بکو و دو رکعت بکذار
و در اين دو رکعت آنچه ميسر شود از قرآن بخوان چون فارغ
شوي از قرائت رکوع کن و در رکوع بيست و پنج بار بکو يا غياث
المُستَغيثينَ و بعد از آن سر خود را از رکوع بردار و مثل اين

بکو

بکو و بعد از آن سجده کن و در آن نيز همين را بکو و بعد از آن سر از
سجده بردار و همين را بکو و بعد از آن سجده دوم کن و مثل اين
بکو و بعد از آن بنشين و همين را بکو و رکعت دوم نيز همين کيفيت
بجا آر و سلام بده پس تو در اين سيصد بار که کفتي يا غياث
المستغيثين و بعد از آن بردار سر خود را و متوجه آسمان شو
و سي بار بکو مِنَ العَبدِ الذَّليلِ اِلَى المَولَى الجَليلِ و ذکر کن حاجت
خود را بدرستي که زود حاجت تو برآورده ميشود

براي فرياد رسيدن کفت ابو عبد الله عليه السّلم
وقتي که شما را استغاثه باشد بخدا تعالی بايد که دو رکعت
نماز بکذاريد و بعد از آن سجده کنيد و در سجده بکوئيد که يا
مُحَمَّدُ يا رَسولَ اللهِ يا عَلِيُّ يا وَلِيَّ اللهِ يا سَيِّدَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ
بِكُما اَستَغيثُ اِلَى اللهِ يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ اَستَغيثُ بِكُما يا غَوثاهُ يا
اَللهُ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ و نام ائمه عليهم السّلم يك يك بکوئيد
تا صاحب الزمان و بعد از آن بکوئيد بِكُم اَتَوَسَّلُ اِلَى اللهِ جَلَّ
وَعَزَّ بدرستي که چون چنين کنی در ساعت بفرياد تو ميرسند
باذن خدا تعالی براي دفع ضرر و درويشي دو رکعت نماز
بکذارد و بعد از نماز سجده کند و در سجده بکويد يا ماجِدُ يا
واجِدُ يا اَحَدُ يا كَريمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحمَةِ يا رَسولَ
اللهِ اِنّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكَ كُلِّ شَيءٍ وَاَسئَلُكَ يا الله

ان تصلي على محمد وآله واسئلك نفحة من نفحاتك فتحا قريبا
ورزقا واسعا الم به شعثي واقضي ديني واستعين بها
على عيالي   كفت ابو عبدالله عليه السلام كسي راكه غم
وسختي برسد بايد كه غسل كند ودو ركعت نماز بكذارد وبعد
ازان بر پهلو بخوابد وروي راست خود بنهد وبكويد يا معز كل
ذليل يا مذل كل عزيز وحقك لقد شق علي كذا وكذا يعني نام
برد آن غم وسختي راكه باو رسيده است   بجهت طلب
ياري براي دفع دشمن كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه
جون خواهي كه دفع دشمن كني وضو بساز هر وقتي كه خواهي
بعد ازان دو ركعت نماز بكذار جون فارغ شوي از نماز روي
خود را بر زمين بنه وبكو يا رباه تا انكه نفس منقطع شود
وبعد ازان بكو يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح
من قبل انهم كانوا هم اظلم واتقى والموتفكات اهوى
فغشيها ما غشي ان كان فلان بن فلان يعني نام انكسي دشمن تو است
ونام پدر اورا بكو ظالما فيما ان تكبتني به فاجعل عليه منك
وعدا ولا تجعل له في علمك نصيبا يا اقرب الاقربين
نماز مظلوم بجهت دفع ظالمي كه بر تو ظلم كرده است
جون ظالمي ظلم كند بر تو وضو بساز ودو ركعت نماز بكذار
وسر خود را بردار بجانب آسمان وبكشا دستهاي خود را وبكو

اللهم

اللهم رب محمد وآل محمد واهلك عدوهم اللهم ان فلان
بن فلان يعني نام آن ظالم ونام پدر اورا بكو قد ظلمني ولا
احد من اصول به غيرك فاستوف منه ظلامتي الساعة
الساعة بحق من جعلنا له عليك حقا وبحق عليهم الا
فعلت ذلك يا مخوف الاحكام والاخذ يا مرجو البطش
يا مالك الفضل   بجهت انتقام كشيدن از ظالم
كفت ابو عبدالله عليه السلام هركاه خواهي كه انتقام بكشي
از ظالم بجهت ظلمي كه بر تو كرده است دعاء بد مكن بر ظالم بدرستي كه
هركاه مظلوم بر ظالم دعاء بد كند ظالم ميشود وليكن هركاه كسي
ظلم كند بر تو غسل كن ودو ركعت نماز بكذار در جائي ميان تو
وآسمان خالي نباشد وجون از نماز فارغ شوي بكو اللهم ان فلان
بن فلان يعني نام ظالم ونام پدر اورا بكويد وبعد ازان بخواند
ظلمني وليس لي احد اصول به غيرك فاستوف لي ظلامتي الساعة
الساعة بالاسم الذي سالك به المضطر كشفت ما به من ضر
ومكنت له في الارض وجعلته خليفتك على خلقك
فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تستوفي لي ظلامتي
الساعة الساعة بدرستي كه هركاه جنين كني پي درنك مقصود
تو حاصل شود   ديكر براي انتقام كشيدن كفت
يونس بن عمار كه شكايت كردم نزد ابي عبدالله عليه السلام

ازمردي که ایذا میکرد مرا آنحضرت کفت دعاي بدکن اورا
کفتم دعاء بد کردم اثر نکرد آنحضرت کفت که طریق دعا بد
کردن بر ظالم چنین نیست بلکه از کناهان خود توبه کن و روزه
بدار و نماز بکذار و صدقه بده پس چون آخر شب شود وضو
بساز و دو رکعت نماز بکذار و بعد از نماز سجده کن و در سجده
بکو اللهم ان فلان بن فلان یعني نام ظالم و پدرش را بکوید و
این دعا بخواند قد آذاني اللهم اسقم بدنه واقطع اثره
وانقص اجله وعجل له ذلك في عامه هذا یونس بن عمار کفت
که چنین کردم پس درنک نشد که آنکس هلاک شد

بجهت دفع دشواري کفت ابو عبد الله علیه السلام
وقتی که دشوار شود بر تو دو رکعت نماز بکذار وقت زوال
و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله و رکعت دوم فاتحه و الم
نشرح بخوان و این مجربست براي دفع دشواري

بجهة مهمات کفت امام حسین علیه السلام هرکاه مهمی داشته
باشد چهار رکعت نماز بکذار و نیکو بجاي آر قنوتها وارکان
آن نماز را و در رکعت اول یکبار فاتحه بخوان و هفت بار حسبنا
الله ونعم الوکیل و در رکعت دوم بعد از فاتحه هفت مرتبه ما شاء
الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منك مالا وولدا و در
رکعت سیوم یکبار فاتحه و هفت کرة لا اله الا انت سبحانك

اني کنت من الظالمین و در رکعت چهارم بعد از فاتحه هفت
بار وافوض امري الی الله ان الله بصیر بالعباد و بعد از ان
حاجت خود را طلب کن کسی که او را مصیبتی
رسیده باشد باید که چهار رکعت نماز بکذارد و در هر رکعت
بعد از فاتحه هفت بار قل هو الله و یکمرتبه ایة الکرسي و وقتی
که سلام دهد بکوید صلی الله علی محمد النبي الامي الذي
واله علیهم السلام و بعد از ان تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
بکوید بدرستی که آنکسی که چنین کند بدهد خدای تعالی
انچه وعده کرده است باهل معصیت بجهت طلب
روزي کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که جبرئیل
کفت که براي طلب روزی دو رکعت نماز بکذار و در رکعت
اول یکبار فاتحه و سه بار انا اعطینا و سه مرتبه قل هو الله و در
رکعت دوم بعد از فاتحه سه بار قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه
قل اعوذ برب الناس بجهت دفع درویشي
کفت مبشر بن عبد العزیز که کفت بودم نزد ابي عبد الله ع
که درآمد یکی از اصحاب با و کفت با آنحضرت که فداي تو کردم
بدرستی که من مرد درویش و محتاجم بیاموز بمن چیزي که
از درویشي خلاص شوم آنحضرت کفت با و روز چهارشنبه
و پنجشنبه و جمعه روزه بکیر چون چاشت روز جمعه شود

زیارت کن رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بر بالای خانهٔ
خود یا در صحرایی که کسی ترا نه بیند وبعد از ان دو رکعت
نماز بگذار وبعد از ان زانوهای خود را برهنه کن وبر زمین بنه
ومتوجه قبله شو دست راست را بر بالای دست چپ بنه
وبگو اللهم انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا
فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل لي من
امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا
احتسب وبعد از ان روی خود را بر زمین بنه وبگو یا مغیث
اجعل لي رزقا من فضلك پس هرگاه چنین کنی بدرستی که خدا
تعالی روز شنبه ترا روزی دهد ورواینست که هرگاه اهل بیت
درویش میشدند انحضرت میگفت که ای اهل بیت من نماز
بگذارید مراد از مبالغه است   پدر برای فرزند واین
چهار رکعتست در رکعت اول فاتحه یکبار وده بار بگو که رب
اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا وتقبل دعائي ربنا
اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ودر رکعت دوم
بعد از فاتحه ده مرتبه ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا
قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ودر رکعت سیم یکبار فاتحه
بخواند وده مرتبه رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت
علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في

ذريتي

۲۱

ذريتي اني تبت اليك واني من المسلمين پس وقتی که سلام دهد
ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين
واجعلنا للمتقين اماما   فرزند برای پدر و
مادر واین نماز دو رکعتست در هر رکعت اول بعد از فاتحه
ده بار رب اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب
ودر رکعت دوم یکمرتبه فاتحه بخواند وده کرت رب اغفر لي
ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات
پس وقتی که سلام دهد ده بار بگوید رب ارحمهما كما ربياني
صغيرا   برای پدر ومادر واین نماز دو رکعتست
در هر رکعت بعد از فاتحه بیست بار بخواند رب ارحمهما كما ربياني
صغيرا چون فارغ شود از نماز سجده کند وده بار بخواند همین
ایه را که مذکور شد   جهت توانگری واین نماز
دو رکعتست در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند وده بار قل اللهم ما
لك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء
قدير وقتی که سلام دهد ده بار بگوید رب اغفر وارحم وانت
خير الراحمين وده بار بگوید اللهم صل على محمد وال محمد
وبعد از ان سجده کند ودر سجده بگوید رب اغفر لي وهب لي
ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب

بجهت توانكري واين نماز نيز دو ركعتست در هر ركعتي فاتحه
يكبار وسورة لايلاف پانزده بار بخواند وسلام دهد ده مرتبه
صلوات بفرستد بر نبي وال او عليهم السلام وبعد از ان سجده
كند ودر سجده ده بار بكويد اللهم اغنني بفضلك عن
خلقك   بجهت اداي قرض اين نماز چهار ركعتست
در ركعت اول يكبار فاتحه بخواند وده بار قل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس وده بار قل يا ايها الكافرون وده
وده بار اين ايتها را كه امن الرسول بما انزل اليه من ربه
والمؤمنون كل امن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق
بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك
المصير لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها
ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا
تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا
ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولينا
فانصرنا على القوم الكافرين وچون سلام دهد ده بار بكويد
سبحان الله ابدا لابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله
الفرد الصمد سبحان الله الذي رفع السموات بغير عمد
ترونها المنفرد صاحبة ولا ولدا ودر ركعت سيوم يكبار فاتحه
بخواند وسه بار سورة الهيكم التكاثر وسه بار سورة والعصر وسه

مرتبه سورة انا اعطينا ودر ركعت چهارم يكبار بخواند فاتحه
وسه بار انا انزلنا وسه بار سورة اذا زلزلت الارض چون سلام
دهد سجده كند ودر سجده هفت بار بكويد اللهم اني اسئلك
التيسير في كل عسير فان تيسير العسير عليك يسير وبعد از ان
سر خود را از سجده بردارد وده بار بكويد فلله الحمد رب
السموات والارض رب العالمين وله الكبرياء في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم   بجهت دفع
كرسنكي كفت ابو عبد الله عليه السلام كه انكسي كه كرسنه
باشد بايد كه دو ركعت نماز بكذارد وبكويد رب اطعمني فاني
جايع بدرستي كه چون چنين كند خدا يتعالى در ساعت باو
طعام برساند ونيز كفت كه دعاء مرد غايبانه برادر مومن زياده
مي كند روزي او دفع ميكند بلا را ونيز كفت كه آمد حضرت
فاطمه نزد حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم شكايت كرد
از كرسنكي آن سرور بحضرت فاطمه كفت بكو يا مشبع الجوعة
ويا رافع الوضعة لا تجع فاطمة بنت محمد   بجهت
زياده شدن روزي روايتست كه آمد مردي نزد رسول
خدا صلى الله عليه واله وسلم وكفت يا رسول الله من عيال
بسيار دارم وقرض نيز دارم واحوال بسختي ميكذرانم دعاي
بياموز مرا كه هر كاه بخوانم آن دعا را خدا يتعالى انقدار چيزي

میدهد بمن که قرض خود ادا کنم و معاش عیالان خود بگذرانم
آنحضرت فرمود که ای بنده خدا وضو نیکو بساز و
بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و در رکوع و سجود را نیکو بجا
آر و بعد از آن بگو یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه الیک بمحمد
نبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله
ربی و ربکما و رب کل شیء واسأله ان تصلی علی محمد و
علی اهل بیته واسئلک نفحة کریمة من نفحاتک فتحا یسیرا
ورزقا واسعا الم به شعثی واقضی به دینی واستعین به علی
عیالی دیگر برای حاجت گفت ابو عبد الله
علیه السلم کسی که حاجت داشته باشد چون ثلثی از شب بگذرد
برخیزد و دو رکعت اول فاتحه و سوره تبارک بخواند و در رکعت
دوم فاتحه و سوره حم سجده بخواند و بعد از آن رو بقبله
کن و بگو یا رب قد نامت العیون وغارت النجوم وانت الحی
القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم لن تواری عنک لیل داج ولا
سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا بحر لجی ولا
ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الاسرار وغیاث المستغیثین
برحمتک استغیث فصل علی محمد وآله واقض لی حاجة کذا و
کذا یعنی حاجت خود را نام برد ولا تردنی خائبا ولا محروما
یا ارحم الراحمین بدرستی که این نماز بجهت بر آوردن حاجتها

میمون الکسی که دستگیری میکند بجهت دفع سختی
گفت حضرت امام موسی علیه السلام وقتی ترا سختی پیش آید
نماز بگذار انچه میخواهی از قرآن بخوان چون فارغ شوی از
نماز روی خود را بر زمین بنه و سه بار بگو یا قوة کل ضعیف
یا مذل کل جبار قد وحقک وبلغ خوفک مجهودی
ففرج عنی و بعد از آن روی راست بر زمین بنه و سه بار
بگو یا مذل کل جبار یا معز کل ذلیل قد وحقک اعیا صبری
ففرج عنی و بعد از آن روی چپ را بر زمین بنه و سه بار
بگو اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک
باطل الا وجهک تعلم کربتی ففرج عنی و بعد از آن بنشین
و سه بار آهسته بگو اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم
الخالق البارئ الممیت المبدئ البدیع لک الکرم ولک الحمد
ولک المن ولک الجود وحدک لا شریک یا واحد یا احد یا صمد
یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله ربی
و بعد از آن بگو صل علی محمد وآل محمد الصادقین وافعل بی کذا وکذا
مظلوم برای ظالم چون کسی بر تو ظلم کند دو رکعت
نماز بگذار و هر چه از قرآن میخواهی بخوان در این دو رکعت و صلوات
بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام آنقدر که میتوانی و بگو
اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی

وجزعي لا يبلغان بي الصبر على اناتك وحلمك وقد علمت ان فلانا
يعني نام ان ظالم را بكو ظلمني واعتدى علي بقوته على ضعفي
فاسئلك يا رب العزة وقاصم الجبابرة وناصر المظلومين ان
تريه قدرتك اقسمت عليك يا رب العزة الساعة الساعة
ديكر براي ظالم كفت حسن صفار كه كفتم
يكي از ائمه معصومين عليه السلام كه فلان ظلم كرد بر من آنحضرت
كفت كه نيكو وضو بساز و دو ركعت نماز بكذار و بعد از ان بكو
اللهم اني مظلوم فانتصر وخاموش شو زود خدا تعالى او را
ياري كند
براى مهمات روايتست كه امام زين
العابدين عليهم السلام وقتى كه اندوكين ميساخت او را پاك
ترين جامهاي خود مي پوشيد و وضوي نيكو ميكرد و بربام
سراي خود ميرفت و چهار ركعت نماز ميكذارد و در ركعت اول
فاتحه و اذا زلزلت الارض ميخواند و در ركعت دوم فاتحه و اذا
جاء نصر الله و ركعت سيوم بعد از فاتحه قل يا ايها الكافرون
و ركعت چهارم فاتحه و قل هو الله احد ميخواند و بعد از ان بر ميداشت
هر دو دست خود را بجانب آسمان و كفت اللهم اني اسئلك
باسمائك التي اذا دعيت بها على ابواب السماء انفتحت واذا
دعيت على مضائق الارضين للفرج انفرجت واسئلك
باسمائك التي اذا دعيت بها على ابواب العسر لتيسر تيسرت

واسئلك

واسئلك باسمائك التي اذا دعيت بها على القبور انتشرت
صل على محمد وال محمد واقلبني بقضاء حاجتي راوي ميكويد
بحق خداي كه امام زين العابدين از جاي خود بر نمي خواست تا
انكه بر اورده ميشد حاجت او
ديكر بجهت
مهمات كفت امام جعفر عليه السلام هر كاه مهمي داشته باشي
دو ركعت نماز بكذار بهر كيفيت كه ميخواهي و بعد از نماز بكو
اللهم انبت رجاك في قلبي واقطع رجاك من سواك حتى
لا ارجو الا اياك ولا اثق الا بك
بجهت طلب فرزند
كفت امير المؤمنين علي عليه السلام وقتي كه فرزند ميخواهي وضو
نيكو بساز و دو ركعت نماز بكذار و اركان نماز را نيكو بجاي آر
و بعد از نماز سجده كن و در سجده بكو استغفر الله و بعد از ان
بزن خود مجامعت كن و در مجامعت بكو اللهم ان ترزقني
ولدا لاسمينه باسم نبيك صلى الله عليه واله وسلم و كفت
امير المؤمنين عليه السلام انكسي كه چنين كند خدا تعالى او را
فرزند ميدهد بد رستي كه من امر كردم ترا بوضو ساختن زيرا كه
خدا تعالى فرموده است كه ويحب المتطهرين يعني خدا تعالى
دوست ميدارد پاكانرا و امر كردم بنماز كذاردن زيرا كه شنيدم
از رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم ميكفت كه نزديكي
بنده بخدا تعالى حاصل ميشود وقتي كه بنده در ركوع و سجود

بالسجود باشد در هیچ وقت دیگر نمیشود و امر کردم ترا باستغفا
زیرا که خدایتعالی گفته که استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین یعنی
آمرزش طلبید از پروردگار خود بتوبه بدرستی که خدایتعالی
آمرزنده توبه کنندگان است و چون شما توبه و استغفار کنید
میفرستد بر شما بارندگی در پی و مدد کند شما را بمالها
و فرزندان و نیز خدایتعالی فرموده است بپیغمبر خود که ان تستغفر لهم
سبعین مرة فلن یغفر الله لهم یعنی اگر آمرزش طلبی برای ایشان
هفتاد بار پس آمرزش نمی کند خدایتعالی ایشانرا هرگز پس امر کردم
ترا که زیاده از هفتاد نوبت استغفار کنی بجهت کسی که
میترسد از ظالم گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام هرگاه ترسی
داشته باشی از ظالمی غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و رو برهنه
کن زانوهای خود را نزدیک بجائی که سجده میکنی و صد بار
بگو یا حی یا قیوم یا حی یا لا اله الا انت برحمتک استغیث
فصل علی محمد و آل محمد و ان تلطف لی و ان تغلب لی و ان تمکر لی
و ان تخدع لی و ان تکفینی مؤنة فلان یعنی نام آن ظالم را
بگوید بلا مؤنه بدرستی که این دعائیست که حضرت پیغمبر
در روز احد خوانده است بجهت کفایت مهمات گفت
ابو عبدالله الحسین بن محمد السروفی انکسی که او را حاجتی باشد

بخدایتعالی باید که غسل کند در شب جمعه بعد از نصف
شب و بیاید بجای نماز خود و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد بار
بگوید و در مرتبه صدم تا آخر بخواند و بعد از آن یکبار قل
هو الله بخواند و رکوع و سجود کند و در هر یک از رکوع و سجود
هفت بار تسبیح بگوید و رکعت دوم نیز بهمین کیفیت بجای
آرد و بعد از آن این دعا بخواند البته خدایتعالی حاجت او را
برآورد هر چه باشد مگر قطع رحم دعا اینست اللهم ان اطعتک
فالمحمدة لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک
سبحان من انعم و شکر سبحان من قدر و غفر الهی ان کنت
قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو
الایمان بک لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک
به علی لا منا منی به علیک و قد عصیتک یا الهی علی غیر
وجه المکابرة و لا الخروج عن عبودیتک و لا الجحود لربوبیتک
و لکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان فلک الحجة علی و البیان
فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحمنی فانک
جواد کریم یا کریم یا کریم چندان بگوید که نفس منقطع
شود و بعد از آن بگوید امنا من کل شیء منک ان تصلی علی
محمد و آله و ان تعطینی امانا لنفسی و اهلی و ولدی و سائر

مما انعمت به علی حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شیء ابدا
انک علی کل شیء قدیر حسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابراهیم
ونمرود ویا کافی موسی وفرعون اسئلک ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تکفینی شر فلان بن فلان یعنی نام ظالم ونام پدر
او را بگوید وتستکفینی شر من یخاف شره وبعد ازان سجده
کند وطلب نماید حاجت خود را از خدای تعالی وتضرع وزاری
کند بدرستی که روایتست هر مومنی ومومنه که این نماز را
بگذارد واین دعا بخواند از روی اخلاص گشاده شود ودر
های آسمان بجهت اجابت دعای او ودعای او مستجاب شود
در همان وقت یا در شب آینده هر چه باشد واین اجابت دعا از
فضل خدای تعالی است بر ما که اهل بیتیم وبر مردمان
نماز بجهت زیاده شدن فهم ونیکو شدن حافظه روایت کرده
است سدیر از امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهم السلام
که بزعفران بنویس فاتحه وآیة الکرسی وسوره انا انزلناه ویس
واذا وقعت وحشر وسبح لله وتبارک وقل هو الله وقل اعوذ
برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بر ظرفی پاک وبعد ازان
بشوی آنرا باب زمزم یا باب باران یا باب پاکی وبعد ازان
در آب مثقالی شیر بریزد وده مثقال شکر وده مثقال عسل
وبعد ازان ظرف را در زیر آسمان بنه وآهن بر سر او بنه و

بعد ازان در آخر شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی یکبار
فاتحه وپنجاه بار قل هو الله چون فارغ شوی از نماز آن آبرا بیاشامد
بدرستی که نیکو مجربست برای حفظ   نماز بجهت حفظ
قرآن چون خواهی قرآن حفظ کنی چهار رکعت نماز بگذار در روز
جمعه یا در شب جمعه در رکعت اول فاتحه ویس ودر رکعت
دوم فاتحه وحم دخان بخوان ودر رکعت سیوم فاتحه
وحم سجده بخوان ودر رکعت چهارم فاتحه وتبارک بخوان
چون سلام دهی حمد وثنای بگو خدای تعالی را وصلوات بفرست
بر پیغمبر او علیهم السلام وصد بار استغفار کن برای مومنان
باین طریق که اللهم اغفر للمؤمنین وبعد ازان بگو اللهم ارحمنی
بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنی وارحمنی من ان اتکلف طلب
ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام والعزة التی
لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک بجلالک وبجلالک وبنور وجهک
ان تنور بکتابک بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح
صدری وتستعمل به بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه
فانه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق له الا انت ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم   بجهت گم شده ودعای
آن گفت جابر انصاری که حضرت پیغمبر آموخت این دعا را بالمیر

المؤمنین علی علیه السلام وحضرت فاطمه علیهما السلام وگفت
که هرگاه بشما مصیبتی برسد یا بترسد از جور سلطان یا خبر
گم شود وضو بسازید و دو رکعت نماز بگذارید و برآرید دستهای
خود ر بجانب آسمان وبگویید یا عالم الغیب والسرائر یا مطاع
ویا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد
فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم
نوح من الغرق یا راحم عبده یعقوب یا کاشف ضر ایوب
یا منجی ذا النون من الظلمات یا فاعل یا هادی الی کل خیر
یا آمر بکل خیر یا خالق الخیر انت الله رغبت الیک فیما قد علمت
وانت علام الغیوب واسئلک ان تصلی علی محمد وآل
محمد وبعد از آن طلب کنید حاجت خود را که مستجاب میشود

انشاء الله تعالی

عملی که می باید کرد وقت دیدن

ماه نو چون ببینی هلال را بانگشت شهادت دست راست بر دست
چپ بنویس محمد علی فاطمه الحسن الحسین تا آخر دوازده امام
وبنویس قل هو الله را تا آخر وبعد از آن بگو اللهم ان الناس
اذا نظروا الی الهلال نظر بعضهم الی وجوه بعض وتبرک بعضهم
ببعض وانی نظرت الی اسمائک واسم نبیک وولیک واو
لیائک علیهم السلام والی کتابک فاعطنی کل الذی احب ان
تصرفه عنی من الشر وزدنی من فضلک ما انت اهله ولا حو

ولا قوة

ولا قوة الا بالله العلی العظیم

آنچه میباید خواند

در رقعه بقلمی که سیاهی وغیر آن نداشته باشد چون خواهی که
رقعه بنویسی بنویس این کلمات را بقلمی که از سیاهی ومانند آن
چیزی باو نباشد در میان سطرهای کتابت یا رقعه که بجهت حاجتی
که بکسی مینویسی محمد وعلی وخضر علیهم السلام ابو تراب
بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین ان الله وعد
الصابرین مخرجا مما یکرهون ورزقا حسنا من حیث
لا یحتسبون ان الله هو السمیع العلیم جعلنا الله وایاکم
من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی اسئلک
بحق محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسین وعلی ابن الحسین
ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی
ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة الخلف القائم
المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین وسلم تسلیما وان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تیسر امری وتسهله وتغلبه وترزقنی
خیره وتصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین وگفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا امر کرد مرا که
وقت ختم قران این دعا بخوان اللهم انی اسئلک اخبات
المؤمنین المخبتین واخلاص الموقنین ومرافقة الابرار
واستحقاق حقائق الایمان والغنیمة من کل بر والسلامة

مِنْ كُلِّ اِسْمٍ وَ وَجُوبِ بِرَحْمَتِكَ وَعَزَائِمِ بِمَغْفِرَتِكَ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةِ مِنَ النَّارِ

در دعاهاي نادر دعائي كه ميبايد خواند در وقت برداشتن مصحف روايتست كه ابو عبد الله عليه السلام وقتي كه ميخواست كه قران بخواند جون بر ميداشت مصحف را اين دعا ميخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّ هٰذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ اِلَى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا وَفِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيَكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَائَتِي قِرَائَةً لَا تَدَبُّرَ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي اَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَاَحْكَامَهُ اٰخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَائَتِي هَذْرًا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ

دُعائي كه مي بايد خواند وقت فارغ شدن از قراءت وقتي كه فارغ شوي از قراءت قران بكو اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَ عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَاجْعَلْهُ اُنْسًا فِي قَبْرِي وَاُنْسًا فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرَقِّيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَاَهَا دَرَجَةً فِي اَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و وقتي كه بشنوي جيزي از عزائم قران كه در و سجده واجبست بر تو باد كه سجده كني بي تكبير و در ان سجده سنت است كه بكوئي لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِيمَانًا وَتَصْدِيقًا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا لَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا اَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ و بعد از ان سر خود را بردار و تكبير بكو و كفت امام جعفر صادق عليه السلام انكسي كه صد آيه از قران هر جا كه خواهد بخواند و بعد ازان هفت بار بكويد يا الله اكر دعا كند بر سنك شكافته شود

دعائي كه در و اسم اعظم است كفت معاذ بن جبل كه فرستاد مرا رسول خدا روزي نزد عبد الله بن سلام كه او را طلب كنم بخدمت آنحضرت و جماعتي از صحابه نزد آنحضرت بودند عبد الله بن سلام آمد نزد آنحضرت كفت آنحضرت كه يا عبد الله خبر ده بمن كه آيا يافتي در توريت آن ده كلمه را كه حق تعالى تعليم كفت بحضرت ابراهيم عليه السلام در روزي كه آنحضرت را در آتش انداخته بودند كفت عبد الله كه يا نبي الله پدر و مادر من فداي تو باد آيا فرود آمد بتو در باب اين كلمات جيزي بدرستي كه من يافتم ثواب اين كلمات را در توريت و اين كلمات ده دعاست كه در و اسم اعظم است پس كفت رسول خدا صلى الله

علیه واله وسلم که ایا تعلیم کرد خدایتعالی این کلمات را با
موسی علیه السلام عبدالله کفت که خدایتعالی تعلیم نکرد
این کلمات را بغیر از ابراهیم پس آنحضرت کفت که چه یافتی از ثواب این
کلمات در توریت عبدالله کفت یا رسول الله که استطاعت و
قدرت دارد که بیان کند ثواب این کلمات را لکن نوشته یافتیم
در توریت که هر بنده که منت نهد خدایتعالی برو والقا کند
این کلمات را در دل او بکرداند نوری از مجلس او تا عرش که
بدرخشنده وتفاخر کند با وبر فرشتها در هر روز دو باری
کرداند حکمت را بر زبان او و روزی کند او را یاد کرفتن کتابی
که نازل شده است از آسمان واکر شوق نداشته باشد باز و دانا
کرداند او را در دین و ببیند از محبت او را در دل بندکان خود
وایمن کرداند او را از عذاب قبر واز فتنهٔ دجال واز ترس هول
روز قیامت وحشر کند او را با شهیدان واکرام کند او را
وبدهد با وانچه داده است به پیغمبران بکرم خود ونترسد
آن بنده وقتی که مردمان می ترسند یعنی روز قیامت و
اندوه کین نشود وقتی که مردمان اندوهکین شوند وبنویسند
او را نزد خدایتعالی صدیق وحشر کنند او را در روز قیامت
ودل مطمئن وآرامیده باشد واز جملهٔ کسانی شود که بوسند
خدایتعالی او را با حضرت ابراهیم علیه السلام از جملهٔ بهشت

وهرچه

وهرچه طلب کند از خدایتعالی باین کلمات بدهد آن چیز را باو
واکر سوکند بخدایتعالی راست شود سوکند او ونزدیک شود
بخدایتعالی در دار الجلال واو را ثوابی هر شهیدی باشد که
در راه خدایتعالی از آن زمانیکه دنیا را آفریده است تا قیامت
آنحضرت کفت یا ابن سلام دار الجلال کجاست ابن سلام کفت که
دار الجلال عبارت از بهشت عدن است وجای عرش حق تعالی
وآنکسی که این کلمات بخواند در جوار حق تعالی خواهد بود وابن
سلام کفت یا رسول الله تعلیم کن این کلمات را بر ما ومنت بنه
بر ما همچنانکه منت نهاده است خدایتعالی بر تو وآنحضرت کفت
که سجده کنید حق تعالی را پس اصحاب سجده کردند چون سر از سجده
برداشتند آنحضرت فرمود بکوئید یا الله یا الله یا الله انت المحتجب
منک جمیع خلقک یا نور النور انت الذی احتجبت دون عرشک
فلا یدرک نورک نور یا الله یا الله یا الله انت الرفیع الذی
ارتفعت فوق عرشک من فوق سمائک فلا یصف عظمتک
احد من خلقک یا نور النور قد استنار بنورک اهل سمائک و
استضاء بضوئک اهل ارضک یا الله یا الله یا الله انت الله
الذی لا اله غیرک تعالیت عن ان یکون لک شریک وتعظمت
عن ان یکون لک ولد وتکبرت عن ان یکون لک ند
وتجبرت عن ان یکون لک ضد فانت الله المحمود بکل لسان

وانت المعبود في كل مكان وانت المذكور في كل وان وزمان
يا نور النور كل نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى
غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن
الرحيم ارحمني رحمة تطفي بها غضبك وتكف بها عذابك و
ترزقني بها سعادة من عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها
خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من اظهر القبيح وستر
الجميل يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم
العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل شكوى يا كريم
الصفح يا عظيم المن يا مبتدي بالنعم قبل استحقاقها يا رباه
يا سيداه ويا املاه ويا غايب رغبتاه اسئلك يا الله
يا الله يا الله يا الله ان لا تشوي خلقي في النار وان تغفر لي
ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني حوائج
الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد
وآله اجمعين اسئلك وبمحمد صلى الله عليه وآله وعلي
وفاطمة والحسن والحسين والعباد والباقر والصادق
والكاظم والرضا والتقي والنقي والعسكري والمهدي
ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله
ان لا تشوي خلقي في النار وان لا تفعل في النار وان تفعل

بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله عبد الله بن سلام
گفت يا رسول الله چيست ثواب كسي كه اين كلمات بگويد آنحضرت
گفت كه هيهات هيهات نميتوان كرد بيان ثواب اين كلمات را
بدرستي كه اگر جمع شوند فرشتهاي هفت طبقه آسمان و زمين وخواهند
كه ثواب اين كلمات را بيان كنند از هزار يكي را بيان نميتوانند كرد
تا روز قيامت وبيان كرده است آنحضرت براي كلمات ثواب
وفضيلت بسيار واز اينجا مقام ذكر آن نيست بنا بر اختصار
كرديم بر ذكر مقصود كه آن دعا است بجهت خوف طويل
آنكسي كه خواهد رود از خانهٔ خود بطلب
حاجت بايد كه در وقت بيرون رفتن بگويد بسم الله
وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله توكلت على الله در پيش
خود بدمد ويكبار بخواند وبجانب چپ خود بدمد ويكبار ديگر
بخواند وبالاي سر خود بدمد ومرتبهٔ ديگر وبزير قدم خود
بدمد وهرگاه خواهد كه باز گردد وبخانهٔ خود بيايد در وقتي
كه در مي آيد بخانهٔ خود بايد كه بگويد بسم الله وبالله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله وبعد از آن سلام كند بر اهل خانهٔ خود اگر در خانه
كسي نباشد شهادتين بگويد السلام على محمد بن عبد الله خاتم
النبيين وآله الهادين المهديين السلام علينا وعلى عباد

الصّالحین وقتی که ببازار درآید وبگوید اشهد ان لا اله
الّا الله وحده لا شریک له واشهد انّ محمداً عبده ورسوله

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بجهة
حاجت میخواند اینست لا اله الّا الله وحده لا شریک له الحکیم
الحلیم الکریم لا اله الّا الله وحده لا شریک له العلیّ العظیم
الحمد لله الذی بنعمته تتمّ الصالحات یا هو یا هو یا من لیس
هو الّا هو یا هو یا من لا هو الّا هو طلب حاجت
میباید خواند گفت ابو عبدالله علیه السلام که پدر من هرگاه
حاجتی داشت سجده میکرد بیقراءت و در سجده هفت بار
میگفت یا ارحم الراحمین و هر مومنی که این کلمه را بگوید
حق تعالی میگوید که من ارحم الراحمین ام حاجت خود را طلب
کن از من تا بر آورم حاجت ترا و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم با میر المومنین علی علیه السلام که یا علی
وقتی که بیرون می آیی از منزل خود بطریق سیر یا بحاجتی آیة
الکرسی بخوان بدرستی که حاجت تو بر آورده میشود انشاء الله
تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام آنکسی که بطلب
حاجت خود برود بی وضو بر آورده نمیشود حاجت او و باید که ملامت
نکند مگر خود را و منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت
کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام

که

که گفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام وقتی که حاجت داشته
باشید باید که طلب آن حاجت کنید روز پنجشنبه در وقت صبح
وقتی که خواهید بیرون روید از منزل خود آخر آیه سورة آل عمران
و آیة الکرسی و انّا انزلنا و سورة فاتحه بخوانید بدرستی که روز
پنجشنبه بر آورده میشود حاجتهای دنیا و آخرت

انچه بجا می باید آورد بجهت بر آمدن مهمات گفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی که بکسی اندوهی یا سختی برسد باید که برهنه کند هر دو زانو
وهر دو دست خود تا مرفق و بر زمین بنهند و بعد از آن دعا کند
برای مهمات گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام بفرزند
خود وقتی که پیش آید ترا کاری بزرگی در دین یا در دنیا وضو کن
و بردار هر دو دست خود را و هفت بار بگو یا الله یا الله بدرستی که
دعای تو مستجاب شود دیگر بجهت مهمات گفت ابو الحسن
اوّل آنکسی که غمی و المی برسد و او بردارد سر خود را بجانب آسمان
و بعد از آن سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بدرستی که بردارد
خدای تعالی غم و اندوه او را دعائی که میباید خواند
بجهت ادای قرض گفت حسین بن خالد که من سیصد هزار درهم
قرض داشتم در بغداد و من نیز چهار صد هزار درهم از مردم طلب
داشتم قرضخواهان نگذاشتند مرا که زر خود را از مردم بستانم
و بایشان بدهم و وعده ادای قرض ایشان رسید پس بیرون رفتم

از منزل خود بطریق سیر و خواستم که بروم بخدمت ابی الحسن
نتوانستم پس نوشتم بآنحضرت کتابتی بیان حال خود و انچه من
نزد مردم داشتم و مردم نیز از من طلب داشتند آنحضرت
نوشت در کنار کتابت که بعد از هر نماز فریضه سه بار بکو اللهم
إِنّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِي
بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بدرستی که برآورده
میشود حاجت تو انشاء الله تعالی و من مداومت کردم باین
دعا بحق خدا یتعالی که زیاده از چهار ماه نکذشت که انچه
من نزد مردم داشتم بمن دادند و من نیز دین مردم از کردن
خود ساقط کردم و صد هزار درهم دیکر برای من ماند

بد کردن بظالم کفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم وقتی که بترسی از کسی و خواهی که شر او را از خود دور کنی
چون ماه نو ببینی بایست و اشارت کن بماه نو کویا که خطاب باو
میکنی و بکو أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَلَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ
وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ
در وقتی که فاحترقت برسی سه مرتبه بکو و بعد از ان این دعا
اَللّٰهُمَّ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغُمَّهُ بِالْغَمَاءِ غَمًّا وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ
وَطَيْرِكَ الْأَبَابِيلِ يَا عَظِيمُ و بعد ازان بخوان همین دعا را در شب

اللهم إني أسألك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت

دوم ماه و در شب سیوم

بکو

اکر نرسید انچه تو میخواهی بر ظالم در ماه دوم نیز این کار بکن
و اکر در ماه دوم نرسید در ماه سیوم نیز این کار بکن و
بعد ازان در ماه سیوم احتیاج نخواهد بود باین کار کردن
باذن خدا یتعالی

بر ظالم روایتست که آمد
مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام و شکایت کرد
از کسی که بر و ظلم کرده بود انحضرت کفت که بکو یا ناصر المظلوم
للبغی علیه ان کان فلان بن فلان یعنی نام ظالم و نام پدر او
قد ظلمنی و بغی علی فاسئله بفقر لا تجبره و بلاء لا تسترة و ان
کسی که سه بار دعا کند بر ظالمی که بر و ظلم کرده است البته برص
بپیشانی آن ظالم پیدا شود و بعد ازان محتاج شود

دیکر بر ظالم
چون بروی نزد سلطان جابری بکو خَيْرُكَ بَيْنَ عَيْنَيْكَ وَ
شَرُّكَ تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَأَنَا أَسْتَعِينُ بِاللهِ عَلَيْكَ

دیکر
بر ظالم کفت امام رضا علیه السلام که چون خواهید که دعا
کنید بر دشمن باید که بکوئید اَللّٰهُمَّ اطْرُقْهُ بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَ
لَهَا وَالْأُخْرَى حَرِيمِهِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي مَؤُونَتَهُ

دیکر بر ظالم
چون بترسی از کسی بکو اَللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اِمْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ
وَامْتَنَعْتُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

اکر

بالله روزی کفت امام رضا علیه السلام که شکا
کرد مردی نزد ابی عبدالله علیه السلام از درویشی خود
کفت که هر کاه بانک نماز بشنوی بکو انچه مؤذن میکوید
بدرستی که چون چنین کنی میشوی وکفت امام جعفر صادق
علیه السلام که در طلب روزی این دعا باید خواند اللهم
ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاظهره
وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه وان کان
قد اعطیتنیه فبارک لی وجنبنی عن المعاصی والتردی
که بجهت ترس میباید خواند کفت امام جعفر صادق علیه السلام
وقتی که در سفر باشی یا در دریا باشی و بترسی از جنی بنه دست
راست خود را بر میان سر خود و باواز بلند بکو افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
والیه ترجعون وروایتست که این ایه را می باید خواند در
کوش چهارپایی که نمی کذارد که لجام کشد واین دعا را میباید
خواند اللهم سخرها وبارک فیها بحق محمد واله وسوره انا
انزلنا نیز بخواند وکفت امیر المومنین علی علیه السلام که
بسر در نیاید چهارپایی من هرکز دعائی که میباید
خواند کسی که از شیر بترسد که ضرر باو و کوسفندان برساند
کفت ابو عبدالله علیه السلام که باید که خطی بکشد برکرد

کوسفندان

کوسفندان خود و بکوید اللهم رب دانیال والجب ورب
کل اسد مستاسد احفظنی واحفظ علی غنمی وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم با امیر المومنین علی علیه السلم
یا علی وقتی که ببینی شیر را وکار بر تو دشوار شود سه بار
تکبیر بکو الله واجل واعز واعظم من کل شیء والله اکبر واعز من
خلقه واقدر اعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر
چون این کار کنی حق سبحانه وتعالی از شر او نکاه دارد
انچه میباید خواند کسی را که از درندها و سک
میترسد چون از درنده یا از سکی کزند بترسی بکو قل للذین
امنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا
یکسبون واذا قرات القران جعلنا بینک وبین الذین
لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل ایة لا یؤمنوا بها حتی
اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین
وروایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم دوست
میداشت فال نیکو را وکراهت میداشت فال بد را وکفت رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم که چیزی مکروهی ببیند و
از ان جز فال بد بکیرد باید که بکوید اللهم لا یوتی بالخیر الا
انت ولا یدفع السیئات الا انت ولا حول ولا قوة الا بک

دیکر بجهة ترس روایتست که امام جعفر صادق

علیه السلام این دعا میخواند وقت در آمدن بنزد منصور

در غضب بود چون این دعا میخواند غضب او تسکین میافت

یا عدتی عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک

التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام   الخ می باید

خواند کسی را که از دزد میترسد روایتست انکسی که از دزد می

ترسد باید که بخواند بر حلقه قفل در خانه خود قل ادعوا

الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی

ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا

الخ تسکین میدهد غضب را کفت امام جعفر

صادق علیه السلام که هر کسی که در غضب شود پس اکر ایستاده

باشد بنشیند بدرستی که چون چنین کند میرود بدی

شیطان وانکسی که غضب کند بر خویشان خود باید که مس کند

او را تا تسکین یابد غضب او ونیز کفت وقتی که در غضب

شوید وبکوئید که اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی

ذنبی واجرنی من مضلات الفتن اسئلک رضاک واعوذ

بک من نارک اسئلک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله

اسئلک حسنتک اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب و

اجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل ونیز کفت

که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم یاد کن مرا وقت غضب تا یاد

کنم ترا در وقت غضب خود هلاک نکردانم ترا در میان انکسانیکه

هلاک میکردانم ونیز کفت که انکسی که باز دارد غضب خود را

از مردمان وباز دارد خدا یتعالی غضب خود را ازو در روز

قیامت و روایتست که بجهة تسکین غضب صلوة الله بر نبی واله

علیه السلام می باید فرستاد ونیز میباید کفت که یذهب غیظ قلوبهم

اللهم اغفر ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان

الرجیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم   الخ میباید

کفت در وقت اندوه وتنهایی روایتست که شکایت کردم نزد

رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم از وحشت تنهایی آن

حضرت کفت که بسیار بکوئی سبحان رب الملائکة القدوس

ورب الملائکة والروح خلق السموات والارض ذی العزة

والجبروت آن مرد این کلمات کفت وبر دارد خدایتعالی اندوه

ووحشت را   الخ می باید کفت بجهة رفع غم واندوه کفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که این دعا

بخواند اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک

ماض فی حکمک عدل فی قضائک اسئلک اسم به سمیت به نفسک

او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت

به فی علم الغیب انک ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور صدری

وَجَلاءَ حُزْنِي وَذَهابَ هَمِّي ببرد خدا يتعالی غم واندوه راز
از دل وبدل کند اندوه او را بخوشحالی — انچه باید خو
در وقت دیدن اهل بلا روایتست انکسی که ببیند کسی را که بلا
مبتلا است باید که آهسته بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا
اِبْتَلاهُ بِهِ وَلَوْشَاءَ فَعَلَ وگفت ابوجعفر علیه السلام وقتی
که ببینی مبتلائی را سه بار بگو چنانچه او نشنود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلاهُ بِهِ وَلَوْشَاءَ اللّٰهُ فَعَلَ وانکسی که
بگوید این کلمه را نرسد با و آن بلا هرگز وگفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم هرگاه ببیند اهل بلا را بگوئید حمد
خدا یتعالی را چنانچه ایشان نشنوند بدرستی که از شنیدن
این اندوهگین می شوند — انچه می باید گفت وقت
دیدن جنازه روایتست که شنیدند از زین العابدین علیه السلام
وقتی که جنازه میدید و میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ
السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ ونیز میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ
وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ — انچه میباید خواند وقتی که
امری مشکل پیش کسی آید روایتست هرگاه کسی را مشکلی پیش آید
وخواهد که بداند سبب مشکل را و بچه وجهی ازان مشکل خلاص
میتوان شد سزاوار است وقتی که بفراش خواب میرود سوره
والشمس والليل هریک را هفت بار بخواند بدرستی که چون

چنین کردی فی الحال درخواب ببینی شخصی را که تعلیم کند
با و طریق خلاص شدن و نجات یافتن ازان مشکل دعا که
حضرت پیغمبر میخواند اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ
شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ومنقولست از کتاب روضه
که گفت رسول خدا صلی الله عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ کسی که ببیند
یهودی یا نصرانی یا مجوسی یا کسی را که بر دین اسلام نباشد
وبگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا
وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ اِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً
یعنی جمع نکند خدا یتعالی میان او و کافر در دوزخ یعنی او را
بدوزخ نفرستد — انکه طلب چیزی کردن از خدا یتعالی
بطریق جزم میباید وسنت است کسی را که طلب چیزی میکند و
دعا میکند که جزم کند در طلب کردن زیرا که رسول خدا فرموده
است که لَا يَقُلْ اَحَدُكُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي اِنْ شِئْتَ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي
اِنْ شِئْتَ وَلْيَعْزِمِ الْمَسْئَلَةَ فَاِنَّهُ لَا مُكْرِهَ لَهُ یعنی باید که نگوید
یکی از شما که بار خدایا بیامرز مرا اگر خواهی بار خدایا رحم
کن بر من اگر خواهی و باید که جزم کند در طلب کردن از خدای
تعالی بدرستی که مکروه نیست نزد خدا یتعالی جزم کردن
در طلب چیزی از خدا یتعالی و وقتی که مستجاب میشود دعا
دعای کسی را باید که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِعِزَّتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ

یتعالی
نجات

وهرگاه دیر مستجاب میشود دعای من وباید که دائم
دعا کند وطلب از حق تعالی و ملول نشود از دعا زیرا که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرموده یستجاب
للعبد ما لم یجعل ویقول قد دعوت فلم یستجب لی یعنی
مستجاب میشود دعای بنده ما دام تعجیل وشتاب نکند
ونگوید که دعا کردم مستجاب نشد دعای من وهرگاه
از خدای تعالی حاجتی خواهی بگو اللهم انی اسئلك باسمك
الاعلى الاكبر الاجل الاعظم الاكرم ان تفعل لي كذا
بدرستی که هرگاه این کلمات را بگوئی حاجت تو برآورده می
شود ورد نمیشود   انچه میباید گفت کسی را که در ورطه
ومهلکه نیفتد گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
بامیر المؤمنین علی علیه السلام که در ورطه بیفتی بگو
بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم اياك نعبد واياك نستعين بدرستی
که هرگاه این کلمات را بگوئی دفع میکند آن بلا را
اسم اعظم گفت امام زین العابدین علی علیه السلام که من طلب می
کردم از حق تعالی یکسال در عقب هر نماز که تعلیم کند بمن اسم
اعظم خود را روزی نماز صبح گذاردم و خواب بر من غلبه
کرد و من نشسته بودم وچشم من بخواب رفت دیدم که شخصی

پیش من ایستاده است و میگوید که طلب کردی از حق تعالی اسم
اعظم را بتو تعلیم کند گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلك باسمك
الله الله الله الذي لا اله الا هو رب العرش العظيم
امام زین العابدین که بحق خدای که برای هر حاجتی که
باین کلمات دعا کردم برآورده شد آن حاجت   انچه می
باید گفت در وقت رعد وصاعقه هرگاه آواز رعد بشنوی
وصاعقه ببینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك
وعافنا قبل ذلك   انچه می باید گفت در وقت باریدن
باران هرگاه باران ببارد بگو هنيئا هنيئا   انچه میباید
می باید گفت در وقت وزیدن باد و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام وقتی که باد می وزد بسیار تکبیر بگو اللهم انی
اسئلك خير ما جاءت به الرياح وخير ما فيها واعوذ بك
من شرها وشر ما فيها اللهم اجعلها علينا رحمة وعلى الكافرين
عذابا وصلى الله على محمد واله   انچه میباید گفت وقت
زراعت کردن گفت ابو جعفر علیه السلام وقتی خواهی که
زراعت کنی بگیر یک مشت تخم و رو بقبله کن و سه بار بگو ءانتم
تزرعونه ام نحن الزارعون وبعد از ان بگو اللهم اجعله
حرثا ومباركا وارزقنا فيه السلامة والثمار واجعله حبا
متراكبا ولا تحرمني خير ما ابتغي ولا تفتني بما منعتني بحق

محمد وآله الطیبین و بعد از آن بپاش آن تخم را تا خدای تعالی
برکت دهد ان شاء الله تعالی انچه میباید خواند
در تنهایی یا ارض ربی وربک الله اعوذ بالله من شرک
وشر ما فیک وشر ما خلق فیک ومن شر ما یحاذر علیک
اعوذ بالله من شر کل اسد واسود وحیة وعقرب ومن
ساکن البلد ومن شر والد وما ولد افغیر دین الله یبغون
وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علینا اللهم صاحبنا السفر وافضل
علینا بانعمه لا حول ولا قوة الا بالله و بعد از آن الهیکم التکاثر
بخوان بدرستی که چنین کسی را ایذا نرساند بتو هیچ درنده گزنده
اگر خواب کنی بر بالای ماری قصد نکند بر تو باذن خدای تعالی
انچه می باید کفت بعد از عطسه کردن کفت ابو عبد الله
علیه السلام انکسی که عطسه کند پس حمد و ثنا بگوید خدای تعالی
را و صلوات بفرستد بر محمد و ال بیت محمد علیهم السلام
بدرستی که او را درد دندان نباشد و چشم نیز درد نکند
و بعد از آن کفت که اگر کسی بشنود عطسه باید که ترک نکند
حمد و ثنای خدای تعالی را و صلوات بر محمد و ال او علیهم السلام
و اگر چه میان او و انکس که عطسه کرده است برابر دریا فاصله
باشد و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام انکسی که عطسه

کند

کند و بعد از عطسه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال
ما کان او را درد گوش نشود و کفت ابو جعفر علیه السلام
وقتی که کسی سه بار عطسه کند دعا کن برای او و اگر زیاده از
سه بار کند احتیاج دعا کردن نیست و کفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود
که اگر دعا کنید برای برادر مؤمن وقتی که عطسه کند طلب
خواهد کرد آن برادر مؤمن در روز قیامت حق خود را از شما
و حکم خواهد کرد حق تعالی که حق آن برادر مؤمن را بدهید
و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم وقتی که عطسه
کند مرد مسلمانی و بعد از آن بگوید الحمد لله رب العالمین
بجهت مرضی که داشته باشد فرشتها برای او میگویند
الحمد لله رب العالمین و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین
فرشتها میگویند یغفر الله لک و کفت نسیم خادم امام حسن
عسکری علیه السلام که رفتم نزد صاحب الزمان بعد از انکه از
ولادت آن حضرت یک شب کذشته بود پس عطسه کردم صاحب
الزمان علیه السلام کفت که آیا بشارت دهم ترا بعطسه کردن
کفتم بلی عطسه کردن امانست از مردن تا سه روز کفت ابو مریم که
عطسه کرده کسی نزد ابی جعفر علیه السلام آنحضرت کفت که خوب
چیزیست عطسه در روز راحت بدنست و بسبب او یاد میکنند حق تعالی را

وصلوات میفرستند بر نبی و آل او علیهم السلام نمی باید که صلوات
فرستند در وقت بعد از عطسه کردن و در وقت ذبح کردن و در
جماع کردن آنحضرت گفت بار خدایا اگر محمدیان دروغ گویند باید که
نرسانی بایشان شفاعت حضرت محمد را و گفت ابو عبدالله علیه السلام
انکسی که بگوید وقتی که بشنود عطسه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ کُلِّ حالٍ ما کانَ
مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بدرستی که هیچ
علتی بدهن او نرسد و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که انکسی پیش از عطسه کردن حمد بگوید خدایتعالی او را عافیت
یابد از درد دندان و درد پهلو و نیز گفت که هرگاه کسی عطسه کند
و بعد از آن بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ [وحده] لا شَرِیکَ لَهُ و اگر بنده
این را بگوید آن دو فرشته بگویند صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ و اگر بنده این را
بگوید آن دو فرشته نیز گویند وَعَلیٰ آلِ مُحَمَّدٍ و اگر این را هم بگوید
آن دو فرشته بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و گفت اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علی علیه
السلام در حدیث طویلی وارد است وقتی که کسی عطسه کند
برای او پس اگر بگوید یَرْحَمُکَ اللّٰهُ شما بگوئید یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکُمْ وَیَرْحَمُکُمْ
بدرستی که خدایتعالی گفته است وَاِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِاَحْسَنَ
مِنْها اَوْ رُدُّوها پس وقتی که کسی عطسه کند شما را پس دعا کند
شما او را بهتر از آن یاد کنید بهمان دعا و گفت عبدالله بن ابی یعفور
که حاضر بودم در مجلس ابی عبدالله شخصی که عطسه کرد در آن

مجلس

۲۷۱

مجلس آنحضرت گفت که یَرْحَمُکَ اللّٰهُ جماعتی از اصحاب که حاضر
بودند گفتند آمین آنحضرت عطسه کرد اصحاب شرمنده شدند
و نتوانستند که دعا کنند برای آنحضرت پس گفت آنحضرت که بگو
عَلَی اللّٰهِ ذِکْرُکَ که روایتست که ائمه معصومین علیهم السلام گفتند
وقتی که عطسه کنی سزاوارتست که بنهی انگشت شهادت را
بر پشت بینی خود و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ رَغِمَ اَنْفِی رَغْماً داخِراً صاغِراً غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ
وَلا مُسْتَحْسِرٍ وقتی که عطسه کند دیگری یکبار یا دو بار یا
سه بار بگو یَرْحَمُکَ اللّٰهُ پس اگر زیاده از سه بار عطسه کند
بگو شَفاکَ اللّٰهُ و هرگاه مرد مؤمنی عطسه کند بگو یَرْحَمُکَ
اللّٰهُ و چون زنی عطسه کند بگو عافاکَ و چون طفلی عطسه کند
زَرَعَکَ اللّٰهُ و چون بیمار عطسه کند بگو شَفاکَ اللّٰهُ و چون کافر
ذمی عطسه کند بگو هَداکَ اللّٰهُ اگر پیغمبری یا امامی عطسه
کند بگو صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ و هرگاه کسی عطسه کند و دیگری دعا
کند برای او باید که انکسی عطسه کرده است رد کند بر او و بگوید که
یَغْفِرُ اللّٰهُ لَنا وَلَکُمْ و گفت ابو بصیر که ابو عبدالله علیه السلام فرمود
که بسیار عطسه کردن ایمن میسازد صاحب عطسه را از رنج
جذام و باد بد که در سر و رو پیدا شود و فرود آمدن آب سیاه
بچشم و سده دماغ و بیرون آمدن موی زیادتی از چشم

وروایتست که شخصی عطسه بسیار می کرد گفت ابو عبدالله
علیه السلام باو که اگر خواهی که کم شود عطسه کردن تو روغن
مرزنجوش را در دماغ خود کن گفت چه مقدار آنحضرت فرمود
که یکدانگ پس پنج روز چنین کردم رفت عطسهٔ من وگفت
ابو عبدالله علیه السلام که آنکسی که عطسهٔ کند در مرضی ایمن
شود از مردن دران مرض وگفت که خمیازه کشیدن ازجانب
شیطانست وعطسه کردن ازجانب حق تعالیست ونیز گفت که
رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود وقتی که کسی سخن بگوید
ودرمیان سخن گفتن کسی عطسه کند آن عطسه گواه است بر صدق
این سخن بگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که
عطسه کردن عافیت وراحت بدن است برای بیمار
علاج فراموشی گفت سکونی که ابو عبدالله علیه السلام فرمود
وقتی که فراموش کرداند از خاطر تو شیطان چیزی را بنه دست
خود را بر پیشانی خود بگو اللّهمّ انّی اسئلک یا مذکّر الخیر
وفاعله والآمر به ان تصلّی علی محمّد وال محمّد وتذکّرنی
ما انسانیه الشیطان

در آداب مریض وعلاج
او وانچه متعلق است بآن ودرین باب پنج فصل است وانچه
مذکورست درین باب اختیار کرده شده است از کتاب طبّ الائمّه
وازکتاب دعوات که پدر من جمع کرده است

در آداب

مریض

مریض وعیادت کنند وعلاج مریض

ثواب مریض

گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا فرمود که تب پیک
مرگست وخبر ازمرگ میدهد وزندان حق تعالی است در زمین
وشدت وحرارت تب از دوزخ است وانچه نصیب مؤمن میرسد از
دوزخ همین تب است وروایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله
وقتی که جوشش میدهد در بدن خود پناه میجست بخدا تعالی
وتضرع وزاری میکرد بخدای خود کسی گفت یا رسول الله باکی
نیست ازین جوشش آنحضرت گفت که حق تعالی اگر خواهد چیزی
خورد را بزرگ میکرداند وچیزی بزرگ را خورد میکرداند وگفت
ابو عبدالله علیه السلام که هر مرضی ودردی ونکبتی که بکسی
میرسد بجهت گناهی است که کرده است واینست معنی قول خدای
تعالی فرموده است در کتاب خود وَمَا اَصَابَکُم مِن مُصِیبَةٍ فَبِمَا
کَسَبَت اَیدِیکُم وَیَعفُو عَن کَثِیرٍ یعنی آنچه بشما میرسد
ای مومنان از مصیبتی وآفتی که بمال شما یا بتن شما یا باهل وعیال
شما میرسد بسبب آنچیزیست که کسب کرده است دستهای شما
یعنی بسبب گناهان شماست وحال آنکه خدای تعالی عفو میکند
از گناهان شما بیشتر است از آنچه مواخذه میکند وبسبب آن بشما
تشویش میرساند وگفت امام زین العابدین علیه السلام که خو
دردیست تب میرساند بهر عضوی حصّهٔ از بلا وخیر نیست کسی که

مبتلا نشود ببلایی و روایت کرده است محمد بن احمد از یوسف
بن اسمعیل که گفت یکی از ائمه علیه السلام وقتی که مومن را
یک تب میشود فرو میریزد گناهان او همچنانکه برگ از درخت
فرو میریزد و اگر صاحب فراش شود نالهٔ او تسبیحات و فریاد
او تهلیل است و اگر دیدن او بر روی فراش همچنانست که شمشیر زند
در راه خدا یتعالی و اگر متوجه عبادت خدا یتعالی شود خوشا
حال او و اگر بمیرد وای بر او اگر زنده بماند و گناه کند و صحت و عافیت
دوست تر است نزد ما از بیماری و گفت امام زین علیه السلام که
تب یکشبه کفارت گناهان یکساله است بجهت آنکه الم آن تب
یکسال در بدن می ماند و گفت ابو عبد الله علیه السلام که تب
یک شبه کفارت گناهان نیست که پیش از این تب کرده و بعد از این
تب کرده است و بعد ازین تب خواهد کرد و نیز گفت که آنکسی که
یک شب بیماری بکشد و صبر کند بران بیماری و شکر خدا یتعالی
بجای آورد شصت ساله گناهان او آمرزیده شود و گفت امام
محمد باقر علیه السلام بیداری یک شب بجهت بیماری یا دردی
فاضلتر است و اجر و ثواب او بیشتر است از عبادت یکسال
و تب دو شب برابری میکند بعبادت شصت سال و تب سه
سه شب برابری میکند بعبادت هفتاد سال گفت ابو حمزه که گفتم
شاید و بدرو مادر او هفتاد سالگی نرسند آن ثواب از که

خواهد بود گفت از همسایهای او و گفت امام رضا علیه السلام که
بیماری مومن را پاک از گناهان و رحمت و کافر را عذاب و لعنت است
و مومن آن مقدار بیماری میکشد که هیچ گناه ازو نماند و گفت ابو
عبد الله علیه السلام که درد سر یک شبه می برد جمیع گناهان را
مگر گناه کبیره را و گفت ابو ابراهیم علیه السلام که رسول خدا فرمود
که بیماری را چهار خصلت است برداشته میشود ازو یعنی گناهان
برو نمی نویسند و امر می کند خدا یتعالی فرشته را که بنویسند
برای او ثواب هر عملی که میکرد در ایام صحت خود و بیماری هر
عضوی بیرون میبرد گناهان آن عضو را و اگر بمیرد آمرزیده
میشود و اگر زنده بماند نیز آمرزیده میشود و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که بیمار شود مسلمانی می نویسد
خدا یتعالی برای او از ثواب بهتر از آنکه می نوشت در ایام صحت
و می ریزد گناهان همچنانکه برگ از درخت می ریزد و گفت ابو عبد
الله علیه السلام وقتی که خدا یتعالی دوست میدارد بنده را نظر می کند
برو و هرگاه نظر کند باو یکی از سه چیز میدهد باو تب یا درد چشم
یا درد سر و گفت امام موسی علیه السلام وقتی که مومن بیمار
شود وحی میکند خدا یتعالی بفرشتگان دست راست که بنویسید
برای بندهٔ من حسناتی که مینوشتید در ایام صحت او
صبر بر بیماری گفت ابو جعفر ع که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که خدا تعالی میگوید وقتی که بنده خود را مبتلا کنم بمرضی
و او صبر کند و شکایت نکند نزد انکسانیکه عیادت می کنند او را
بدل میکنم گوشت او را بگوشت بهتر و پوست او را بپوست بهتر
و خون او را بخون بهتر و اگر بمیرد رحمت میکنم بر او و اگر صحت یابد
هیچ نخواهد ماند بر او و گفت امام رضا علیه السلام که بیماری مومن را
پاك میگرداند از گناهان و رحمت و کافر را عذاب و سختی است
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم مصیبتها میرسد
به بنده تا آنکه هیچ گناهی بر وی نماند و گفت ابو عبد الله ع م
که عیادت کنید بیمارانرا و از ایشان طلب دعا کنید بدرستی
که دعاء ایشان برابری میکند بدعای فرشتها و انکسی که شبی
بیمار شود و در انشب شکایت نکند از ان بیماری بنویسد حق تعالی
برای او ثواب عبادت شصت سال و نیز گفت شکایت از بیماری
آنست که بیماری بگوید که بیمار شدم بمرضی که هیچ کس بآن مبتلا نشد
یا بگوید که رسید بمن مرضی که بر هیچ کس نرسید و شکایت
نیست که بگوید که شب بیخوابی کشیدم و روز تب کشیدم و مانند
این سخنان و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که بیماری اجر
و ثوابی ندارد ولیکن نمیگذارد هیچ گناه را اما ثواب بگفتن
بزبان و بعمل بدست و پا می باشد و حق تعالی می برد بسبب صدق
نیست و خلوص اعتقاد بسیاری از بندگان خود را بر بهشت

عیادت کردن بیمار گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ملاقات کند با او
سلام دهد و هرگاه بیمار شود عیادت کند او را و چون بمیرد در
عقب جنازه او برود در روایتست که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که عیادت کامل آنست که بنهید دست خود را بر بیمار
و بپرسید از و چه حال داری و صباح چگونه بودی و در شب
چگونه باشی و سلام کردن کامل آنست که با مصافحه باشد و گفت
ابو عبد الله علیه السلام که سزاوار است بیمار را که خبر کند برادران
مومن از بیماری خود تا عیادت کند او را و او ثواب یابد و ایشان
نیز ثواب یابند کسی گفت که ایشان می یابند بجهت آنکه عیادت می
کنند بیمار چگونه ثواب می یابد آنحضرت گفت بیمار ثواب می یابد
بجهة آنکه برای ایشان حسنات حاصل می کند پس نوشته می شود
برای آن بیمار حسنه و ده درجه مرتبه او بلند میشود و رفع
میشود از و گناه و نیز گفت که سزاوار آنست که خویشان میت را
خبر کنند برادران مومن از مردن او تا حاضر شوند بر جنازه او
و نماز بگذارند و طلب آمرزش کنند تا ایشانرا ثواب حاصل شود و گفت
ابو الحسن علیه السلام که امیر المومنین علی علیه السلام عیادت کرد
صعصعة بن سرحانرا پس گفت ای صعصعه فخر مکن بر برادران
مومن باین که عیادت کردم ترا و نظر کن بنفس خود بتحقیق که امر رسید

است بتو و باید که امید مشغول نگرداند ترا و منقولست از کتاب
زهد امیر المؤمنین و از کتاب جامع که گفت امام جعفر صادق ع
که عیادت نیست درد چشم را و عیادت نیست بیش از آنکه سه روز
از بیماری بگذرد و چون سه روز بگذرد از بیماری یکروز یا دو
روز در میان عیادت کن و هرگاه بیماری بطول انجامید می باید
گذاشت بیمار را با عیال خودش و گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که بزرگترین بندگان از روی خیر و ثواب نزد خدا تعالی
آنکسی است وقتی که عیادت کند برادر مومن را کم بنشیند نزد
او مگر آنکه بیمار خواهد که او بنشیند و دوست دارد او را و بگوید
که بنشین و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که عیادت کامل
آنست که بنهی دست خود را بر پشت بیماری و زود برخیزد از پیش او
بدرستی که عیادت احمقان دشوارتر است از بیماری و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که چون روز قیامت شود بیارند
بنده را نزد خدا تعالی پس حساب او بآسانی کند و بگوید که ای
بنده مومن چه چیز منع کرد ترا از عیادت کردن من وقتی که من
بیمار شدم پس آن بنده بگوید که بارخدایا تو پروردگار منی و من
بنده توام و تو حی و قیومی و نمیرسد بتو هیچ المی و بیماری و حق
تعالی بگوید بهر آنکسی که عیادت کند بنده مومن را بجهت رضای
من پس عیادت کرده است مرا و بعد از آن بگوید حق تعالی باو که آیا فلان

بن

بن فلان را می شناسی آن بنده بگوید بلی میشناسم ای پروردگار
من حق تعالی بگوید چرا عیادت نکردی او را وقتی که بیمار شد
بدرستی که اگر عیادت میکردی می یافتی مرا نزد او و اگر طلب حاجت
از من میکردی در آن وقت حاجت ترا برمی آوردم و گفت ابو الحسن
علیه السلام وقتی که بیمار شوید باید که مردمان که بعیادت
شما می آیند اذن کنید که نزد شما بیایند بدرستی که دعای یکی از
مستجاب خواهد بود و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله ع
عیادت کرد سلمان را رحمة الله علیه و چون خواست که برخیزد گفت
یا سلمان کَشَفَ اللهُ ضُرَّكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَاحْفَظ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ
اِلیٰ مُنْتَهیٰ اَجَلِكَ یعنی ای سلمان ببرد خدا تعالی بیماری ترا و
بیامرزد گناهان ترا و نگاه دارد دین و بدن ترا تا وقت رسیدن
اجل و منقولست امالی شیخ ابو جعفر بابویه که گفت امام جعفر
صادق ع که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که عیادت کرد
سلمان فارسی را پس گفت ای سلمان در بیماری سه خصلت است
یاد می کنی خدا تعالی و دعای تو مستجاب میشود دریخال
و نمیگذارد بیماری بر تو هیچ گناه را برخورداری دهد ترا از صحت
و عافیت تا وقت رسیدن اجل و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که عیادت سه بار می باشد و تعزیت رسانیدن یکبار و گفت
ابو عبد الله علیه السلام آنکسی که عیادت کرد برادر مومن را وقت

صباح مشایعت می کنند او را هفتاد هزار فرشته و وقتی که بنشیند
نزد آن بیمار حق تعالی برو رحمت می کند و فرشتها برای او استغفار
میکنند تا شب و اگر در وقت شام عیادت کند مشایعت میکنند
او را هفتاد هزار فرشته پس وقتی که بنشیند نزد ان بیمار حق تعالی
برو رحمت میکند و فرشتگان برای او استغفار می کنند تا صباح
و گفت امام محمد علیه السلام که حضرت موسی علیه السلام در
مناجات بپروردگار خود گفت که بار خدایا چیست ثواب عیادت
بیمار حق تعالی فرمود که موکل میکنم فرشته را با آن کسی که عیادت
کند بیمار که مونس او باشد در قبر تا روز قیامت و گفت امام جعفر
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که انکسی که عیادت
کند بیمار را ندا میکند فرشته از آسمان و می گوید که ای فلان
خوش باد ترا و خوش باد رفتن تو و گفت حضرت پیغمبر که بزرگترین
شما از روی اجر و ثواب در عیادت انکسی است که کم بنشیند نزد
بیمار و نیز گفت وقتی که نزد برادر مومن بجهت عیادت روید باید که
دعا کنید برای او بدرستی که دعای شما مثل دعا فرشتهاست و نیز
گفت انکسی که عیادت کند بیمار را برای خدا آن بیمار هر چه طلب
کند از حق تعالی برای او مستجاب شود و روایتست که پرسیدند امیر المومنین
علی علیه السلام را از بیماری اطفال انحضرت گفت که بیماری اطفال
انحضرت گفت کفارت گناهان پدر و مادر ایشانست و روایتست که

بعضی

بعضی از خدمتکاران امام جعفر صادق علیه السلام گفت که
بیمار شد یکی از خدمتکاران آنحضرت میرفتیم بعیادت او آنحضرت
در میان راه از برای ما پیدا شد گفت بکجا میروید گفتیم بعیادت
فلان میرویم گفت بایستید ایستادیم گفت با شما یکی از سیبی
یا بهی تا ترنجی یا اندکی از بوی خوش یا عود هست گفتیم با ما هیچ
چیز از اینها نیست گفت آیا نمیدانید که بیمار خوشحال میشود هر چه
برای او میبرید

علاج کردن بیمار

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که دوا کنید مرض را بدرستی که حق تعالی
هر دردی که فرستاد شفا برای آن درد فرستاد و نیز که مردن
آدمی بگناه بیشتر است از مردن او باجل و زندگانی آدمی به نیکویی
بیشتر است از زندگانی او بعمر و نیز گفت که نمی باشد بیماری سخت تر
از گناه و آنچه عفو میکند خدای تعالی از بنده بیشتر از آنچه مواخذه
میکند و روایتست که دو کس بیمار شدند یکی صحیح که خود را از بیماری
نگاه دارد و دایم پرهیز کند دوم بیماری پرهیز نکند و چیزها
در هم خورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که اجتناب
کن از دوا ما دام که در بدن تو قوت درد کشیدن دارد پس وقتی که
قوت درد کشیدن نداشته دوا کن و گفت ابو عبدالله علیه السلام
یکی از پیغمبران بیمار شد و گفت که دوا نمیکنم تا آنکه انکسی که بیمار
ساخت مرا شفا دهد حق تعالی وحی کرد بآن پیغمبر که شفا نمیدهم

نزا تا دوا نکنی بدرستی که شفا از منست و وقتی که دوا میکنی وکفت
امام رضا علیه السلام که اکر مردمان بیمار نمیشوند وکفت ابو عبد الله
علیه السلام که نیست پرهیز کردن از چیزی ترک کردن آن چیز
ولیکن پرهیز از چیزی کم کردن آن چیز است وکفت امام موسی ع
که پرهیز کردن اصل دواست و معده خانه دواست و عادت بده بدن را
آنچه عادت کرده و منقولست از کتاب روضة الواعظین که کفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم انکسی که بمیرد بی وصیت
کافر مرده است ونیز کفت که سزاوار نیست مسلمانرا که شبی
بروز آورد وصیت نامه او در زیر سر او نباشد ونیز کفت که
انکسی که نیکو وصیت نکنند در وقت مردن نقصانی در مروت
وعقل او هست وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام انکسی که
نیکو وصیت کند ودران وصیت جور وستمی نکند وضرر نرساند
بکسی همچنانست که تصدق کرده باشد بان چیز در حال حیوة خود
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام وصیت خواست مسلمانی
و واجبست بر وادایان حق ونیز کفت انکسی که وصیت نکند
که چیزی از مال با و بدهند بخویشاوندانی که میراث نمیبرند از و
وخاتم که عمل معصیت است

در طلب شفا کردن

بقرآن کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم انکسی که طلب
شفا نکند از قرآن شفا نمیدهد خدای تعالی او را وکفت حضرت

امام

امام جعفر صادق علیه السلام انکسی که صد آیه قرآن از هرجا که
خواهد بخواند وبعد ازان هفت بار بکوید که یا الله پس اکر دعا
کند بر سنک خارا آن سنک شکافته شود وکفت ابو الحسن ع
که هر کاه بترسی از چیزی صد آیه از قرآن بخوان از هرجا که خواهی
بخوان وبعد ازان بکو اللهم اکشف عنی البلاء سه مرتبه وکفت ابو ابراهیم
علیه السلام انکسی که طلب کفایت مهمی کند از مشرق تا بمغرب آیتی
که کفایت میشود وان مهم وقتی که از روی صدق ویقین باشد
وکفت امام موسی علیه السلام که از قرآن شفاست از هر دردی

خواص سورهای قرآن وانچه در اخبار آمده

در باب آن کفت امام موسی علیه السلام انکسی که بیماری وعلتی
داشته باشد باید که هفت بار فاتحه بخواند در کریبان خود
واکر آن علت تسکین نیابد هفتاد بار بخواند بدرستی که تسکین
می یابد وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در خواندن
فاتحه هفت شفاست از هر دردی پس اکر صد بار بخواند بر مریض
بدرستی که روح وی از بدن مفارقت کرده باشد باز کرداند خدا یتعالی
روح اورا در بدن او وکفت ابو عبد الله علیه السلام که بعد از
خواندن هفتاد بار فاتحه روح باز کردد ببدن مرده عجب نیست
وکفت امام محمد باقر علیه السلام وقتی که علتی وبیماری داشته باشی که
بترسی ازان بیماری سوره انعام بخوان بدرستی که نمی رسد بتو

ازان علت مکروهی و نیز کفت انکسی که سورهٔ نحل بخواند در ماه
ادا شود قرض او در دنیا وایمن شود از هفتاد نوع بلا که آسان
ترین بلاها جنون و دیوانکی و برص است و روایتست که محمت اختر
ازشیطان ولشکر واتباع او سورهٔ نحل باید خواند وکفت امام
محمد باقر علیه السلام انکسی که سورهٔ لقمان بخواند در شب
موکل سازد خدایتعالی فرشته را که دران شب نکاه دارد او را
از شر شیطان ولشکر او تا شب وکفت ابو عبدالله علیه السلام
که هر چیز را دلیست ودل قران یس است پس انکسی که در شب یس
بخواند پیش از انکه خواب کند موکل سازد خدایتعالی با و هزار
فرشته که نکاه دارند او را از شر شیطان واز جمیع آفتها
وانکسی که در روز بخواند پیش از انکه از خانه بیرون رود
حق تعالی او را نکاه دارد و روزی دهد تا شب واکر دران روز
بمیرد خدایتعالی او را بر بهشت برد و روایتست که یس می باید
خواند برای شرف دنیا وآخرت وبرای حفظ نفس واهل
بیت ومال از جمیع آفتها وبلاها و روایتست آن کسی که دیوانه
شود یا بیهوش شود یس بر او بخوانند وبنویسند وبشویند
باو بدهند که بیاشامد صحت یابد واکر باب زعفران بنویسند
بر ظرفی از شیشه بهتر است وکفت ابو عبدالله علیه السلام
که سورهٔ والصافات در هر روز جمعه بخواند همیشه محفوظ

باشد از جمیع آفتها ودفع شود از و هر بلیه که در دنیاست وروزی
او کشاده شود در دنیا ونکاه دارد خدایتعالی او را ومال و
فرزندان او را از شر شیطان رجیم وسلطان ظالم و روایتست که
سورهٔ والصافات می باید خواند برای شرف وبزرکی وجاه و
عزت در دنیا وآخرت وکفت ابو عبدالله علیه السلام آنکسی که
سورهٔ زمر بخواند در روز یا در شب خدایتعالی عطا کند بزرکی
دنیا وآخرت وعزیز کرداند او را واکر بی مال وبی خویشاوند باشد
وانکسی که سورهٔ واقعه بخواند جمع کند خدایتعالی برای او
خیر دنیا وآخرت را وانکسی که سورهٔ طور بخواند در هر شب
جمعه خدای تعالی او را وهمهٔ مردمان را دوست او کرداند ونه
بیند هرکز در دنیا هیچ بدی وسختی وفقر ودرویشی وآفتی از
آفتها واین سوره در شان حضرت امیر المؤمنین وفرزندان
وی علیهم السلام نازل شده است وانکسی که مداومت کند در
خواندن سورهٔ حدید ومجادله در نماز فریضه ایمن شود او واهل
ومال او از بدی واو با اهل خود هرکز روی درویشی نه بیند
وکفت امام زین العابدین علیه السلام که سورهٔ ممتحنه بخواند
در نماز واجبی وسنتی امتحان کند خدایتعالی دل او را برای ایمان
یعنی دل او را نور ایمان بدهد و روشن وپر نور کرداند چشم او را
بد بختی او وفرزندان درویشی ودیوانکی نه بینند و روایتست که

انکسی که سورهٔ ممتحنه بخواند در نماز فریضه عزیز و مکرم شود
نزد مردمان وستایش کنند اورا وکفت ابو عبد الله علیه السلام
که سورهٔ قل اوحی بخواند در نماز خفتن یا در آخر شب کواهی دهند
شب و روز با این سورهٔ بر نیکی او در روز قیامت وخدایتعالی
باورند کانی خوش بدهد ونیکو بمیراند اورا وانکسی که سورهٔ
والنّازعات بخواند درآورد اورا خدایتعالی ببهشت سیراب
وبدبخت نشود در دنیا وروایتست انکسی که زهر بخورد یا بکزد
اورا جانوری که زهر داشته باشد باید که سورهٔ البروج برآب
بخواند وبخوردن دهد بدرستی که ضرری نرساند هرکز انشاء
الله تعالی وانکسی که سورهٔ انّا انزلنا بخواند در نماز فریضه ندا کند
فرشتهٔ که ای بندهٔ خدا آمرزیده شد کناهان کذشته تو پس از
سر بکیر عمل را وانکسی که سورهٔ اذا زلزلت بخواند در نمازهای سنّت
آسیبی باو نرسد از زلزله وهرکز نمیرد از صاعقه وهیچ آفتی
از آفتهای دنیا وانکسی که سورهٔ ویل لکلّ بخواند در نمازهای فریضه
درویشی نه بیند وروزی او زیاده شود وایمن شود از مردن
بد وانکسی که سورهٔ قل یا ایّها الکافرون وقل هو الله بخواند
در نماز فریضه بیامرزد خدایتعالی و پدر و مادر او را واکر شقی
و بدبخت باشد نام او محو شود از دیوان بدبختان و بنویسند
در دیوان نیک بختان ونیک بخت کرداند حق تعالی اورا و

وشهید بمیراند اورا وشهید برانکیزاند اورا در روز قیامت
وکفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا فرمود که چون
شما را درد سر شود یا درد دیکر بکشائید هر دو دست خود را
و فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ النّاس بخواند
وبمالید هر دو دست را بر روی خود بدرستی که چون چنین
کنید برود آن درد از شما کفت امام جعفر صادق علیه السّلم
که خدایتعالی عوض فدک تب را تابع وفرمان بردار حضرت
حضرت فاطمه ساخت پس هرکسی دوست دارد حضرت فاطمه
وفرزندان او را پس اکر اورا تب شود باید که هزار بار قل هو الله
بخواند وبعد از آن بکوید که بحق فاطمه علیها السّلام که شفا
ده مرا بدرستی که چون چنین کند تب او برطرف شود باذن خدا
وانکسی که اذا جاء نصر الله در نماز سنّت یا در نماز واجب بخواند نصرت
دهد اورا بر دشمنان وکفت ابو عبد الله علیه کسی که بیمار شود
یا باو سختی برسد وقل هو الله را نخواند دران بیماری و سختی
بدرستی که او اهل دوزخ است ونیز کفت انکسی که جا کیرد در فراش
خود ویازده بار بخواند قل هو الله بخواند محفوظ شود خانهٔ او
وخانهای که در حوالی اوست   طلب شفا کردن
بآیتهای قرآن روایتست که در آیتهای که مشتمل است بر تهلیل
شفاست از جمیع مرضها وآیتهای تهلیل اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم

والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله
الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم
ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا
يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هو الذي يصوركم
في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله
فان الله سريع الحساب واذا حييتم بتحية فحيوا باحسن
منها او ردوها ان الله كان على كل شيء حسيبا الله
لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل
اتبع ما يوحى اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين
قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك
السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله
ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه
لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا
لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي
الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

بسم الله الرحمن الرحيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو

اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي
امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم
فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل
الملائكة بالروح على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله
الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انك بالواد المقدس طوى
وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني
واقم الصلوة لذكري ان الساعة اتية اكاد لتجزى
كل نفس بما تسعى انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع
كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا يوحى
اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله
الا انت اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة وله
الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة الله
عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض
لا اله الا هو فانى تؤفكون انا كذلك نفعل بالمجرمين
انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون

من امره

فاعبدون

اخفيها

ويقولون اينا لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق و
صدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق
كل شيء لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب
العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم
موقنين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب اباءكم الاولين
فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا هو واستغفر
لذنبك وللمومنين والمومنات والله يعلم متقلبكم ومثويكم
لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم انما على رسولنا
البلاغ المبين الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المومنين رب المشرق
والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا وگفت امام جعفر صادق
عليه السلام که رسول خدا صلى الله عليه واله گفت باميرالمومنين
على عليه السلام که يا على ايمن ميشوي از سوختن وقتی که بگوید

سبحان ربي لا اله الا انت عليه توكلت وانت رب
العرش العظيم يا على ايمن مي شوي از وسواس وقتی که بگوید
واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يومنون بالاخرة
حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه
وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده ولوا على
ادبارهم نفورا يا على ايمن مي شوي از بدي كسي كه ميترسي
وقتی که بگويي ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن اشهد ان الله على كل
شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء
عددا ولا حول ولا قوة الا بالله تب و درد سر گفت
ابو عبد الله عليه السلام هر كه تب و درد سر داشته باشد فاتحه
وقل هو الله و معوذتين را واين كلمات نيز بنويس بسم الله الرحمن
الرحيم رب الناس اذهب الباس واشف يا شافي فانه لا شفاء
لا يغادر سقما بيدك الخير انك على كل شيء قدير وننزل من القران
ما هو شفاء ورحمة للمومنين بسم الله الرحمن الرحيم
قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم كذلك صاحب كتاب
هذا برحمتك يا ارحم الراحمين ايها الصداع والاثم بعزة الله
اسكن بقدرة الله اسكن بجلال الله اسكن بعظمة الله اسكن
بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم الله وهو
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى

فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وكذلك ننجی المؤمنین
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله ونعم
الوكیل وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما

وغیر آن از بیماریها روایتست كه شكایت كرد یكی از اصحاب نزد ابو
عبد الله علیه السلام از حرارت تب آنحضرت گفت بگشایند گریبان
پیرهن را وسر خود را در گریبان كند اذان وقامت بگوید وهفت
بار فاتحه بخوان آنكس گفت چنین كردم واز تب خلاص شدم

گفت ابو عبد الله ع وقتی كه تو ریض ترا تب شود سر
خود را در گریبان كن اذان وقامت بگو وفاتحه وقل هو الله ومعوذتین
هر یكی راسه بار بخوان وبگو اعیذ نفسی بعزة الله وقدرة الله
وعظمة الله وسلطان الله وبجمال الله وبجمیع الله وبرسول الله
وبعترته صلی الله علیهم اجمعین وبولات امر الله من شر ما اخاف
واحذر واشهد ان الله علی كل قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اللهم
اشفنی بشفائك وداونی بدوائك وعافنی من بلائك وبنزكفت
ابو عبد الله علیه السلام كه سر خود را در گریبان كن اذان وقامت
بگو وفاتحه وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله
راسه بار بخوان واین آیه ها را نیز سه بار بخوان لو انزلنا هذا القرآن

علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم یتفكرون هو الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم الله الذی لا اله الا
هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتكبر سبحان الله عما یشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وما فی الارض وهو العزیز الحكیم وبعد از آن بگوید اعیذ
نفسی بعزة الله تا آخر آن دعا كه گذشت وگفت حماد بن عثمان
شكایت كرد مردی نزد ابی عبد بن عثمان كه شكایت كرد مردی
نزد ابی عبد الله علیه السلم از تب كه بسیار در مانده بوده وبرطرف
نمیشد آنحضرت گفت كه بنویس آیة الكرسی را بر ظرفی وبشو آنرا
باندك آبی وبیاشام روایتست از ائمه معصومین
علیهم السلام گفت كه بگیراند كی از تربت حضرت امام حسین علیه السلم
علیه السلام وتر كن آنرا بآب وبنویس بر ظرفی از شیشه بقلم فولاد این آیتها را
كه سلام قولا من رب الرحیم وامتازوا الیوم ایها المجرمون حسبی الله
ونعم الوكیل طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی الا تذكرة
لمن یخشی ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
ان امسكهما من احد من بعده انه كان حلیما غفورا یرید الله ان یخفف
عنكم الانسان خفف الله عنكم قلنا یا نار كونی بردا وعلی ابراهیم اراد

عن فلان بن فلان يعني نام بيمار ونام پدر او را بنويس واين دعا را
بنويس الحرد والبرد والبلية وجميع الالام والاسقام و
والاعراض والاوجاع والصداع طسم طس باسماء الله حمعسق كذلك
يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم والحمد لله رب العالمين وصلواته
على سيدنا محمد النبي واله الطاهرين نامن تزول الجبال ولا تزول
صل على محمد وال محمد كلما بفلان بن فلان يعني نام او ونام
مادر او را بنويس من مرض وسقم الم انك على كل شيء قدير
وحسبنا الله وحده وصلواته على سيدنا محمد النبي واله
اجمعين وبشوي اين نوشته را وبده به بيمار كه بياشامد از
براي تب بنويس اين اسما را وببند بر كسي كه تب دارد وبالحق انزلناه
وبالحق نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وما محمد الا رسول قد خلت
من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم
ومن ينقلب على عقبيه وامنوا بما نزل على محمد وهو الحق من
كفر عنهم سيئاتهم واصلح بالهم ما كان محمد ابا احد من رجالكم
ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما محمد
رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم
ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم

من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل كزرع
اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع
ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات
منهم مغفرة واجرا عظيما ومبشرا برسول ياتي من بعدي
اسمه احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين
ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
به الموتى بل لله الامر جميعا الملك لله الواحد القهار وبعد
از ان بگو بسم الله المكتوب على سرادق العرش
وتب ربع آنست كه يك روز ميگيرد ودو روز نميگيرد وروز چهارم
باز ميگيرد بنويس وببند بر بازوي راست بيمار بسم الله الرحمن الرحيم
ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به
الموتى بل لله الامر جميعا يا شافي يا معافي وبالحق انزلناه وبالحق
وبنويس بر كتف كسي كه تب ربع دارد وسورة الم نشرح واين دعا را
لا باس رب الناس اذهب الباس اشف وانت الشافي لا شفاء الا شفاؤك
قال اني وهن العظم مني واشتعل الراس شيبا ولم اكن بدعائك
رب شقيا باسم فلان بن فلان يعني نام بيمار ونام پدرش را
بنويس   از براي تب ولرز بخوان اين اسما را كه بسم الله
مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان وجعل بينهما برزخا
وحجرا محجورا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم الا ان حزب

الله هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین
انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
تب ربع گفت امام حسن عسکری که بنویس بر ورقی یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم و ببند این نوشته را بر کسی که تب کند
وقتی که او را تب بگیرد و روایت دیگر این آیه را بنویس قل الله اذن
لکم ام علی الله تفترون و بر بند بر بازوی او و بنویس بطلط
بطل طلط و بر بند بر ساق چپ او و بگو عقدت علی اسم الله
حمی فلان یعنی بر نام خدایت فلان را یعنی نام انکس را بگو از برای
تب ربع بگو الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا
ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا از برای سر درد و شقیقه
گفت ابو عبدالله علیه السلام بخوان بجهت درد سر و شقیقه
گفت ابو عبدالله علیه السلام که بخوان بجهت درد سر و شقیقه
این آیها را که ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن و
تنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ویا ارض
ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین از برای درد سر
و شقیقه فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة

من صیام او صدقة او نسک ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما
ینکث علی نفسه اسکن سکنتک یا وجع الراس بالذی سکن له ما
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم از برای درد سر
و شقیقه روایتست که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق
علیه السلام از درد سر آن حضرت گفت که بنه دست خود را بر جایی
که درد می کند و آیة الکرسی و فاتحه بخوان و بگو که الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله والله اکبر اجل واکبر مما اخاف واحذر اعوذ بالله
من عرق نعار واعوذ بالله من حر النار درد سر گفت که
عمرو بن حنظله که شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از درد سر
آن حضرت گفت وقتی که ترا درد سر شود بنه دست خود را بر میان سر خود
و بگو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا
واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رایت المنافقین
یصدون عنک صدودا درد شقیقه گفت امام رضا علیه السلام
که بگو بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت
الوهاب ربنا انک جامع الناس لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
و بنویس این دعا را و کسی که درد شقیقه دارد با خود نگاه دارد
اللهم انک لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره ولا معک
شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه ونتعوذ به

وَتَضَرَّعَ اِلَيْهِ وَتُنَحِّيكَ وَلَا اَعَانَكَ عَلٰى خَلْقِنَا مِنْ اَحَدٍ فَتَنْزِلْ بِكَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ عَافِ فلان یعنی نام کسی که درد شقیقه
دارد می باید نوشت صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ درد سر
وغیر آن از دردها گفت امام جعفر صادق علیه السلام که درد سر
و درد دیگر داشته باشد باید که بنهد دست خود را بر انجا
که درد می کند و بگوید که اُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ • و نیز گفت که حضرت پیغمبر را وقتی
که کسالت و گرانی عارض میشد میرسید یا درد سر میشد دست خود را
میکشود و قل اعوذ برب الناس • میخواند و بعد از ان می مالید دست
خود را بر روی خود پس برطرف میشد از ان حضرت آن تشویش
و گفت عمرو بن ابرهیم که شکایت کردم نزد امام رضا علیه السلام
که صفرا غالب شده است بر من و بسبب این حالتی میشود مرا مثل جنون
و درد سر غالب میشود آن حضرت گفت که بر تو باد که بگیری آن
گیا را که بر درخت می پیچد و بکوبی و بنهی بر سر خود و بفرما مردمان را
که بنهند بر سر طفلان خود بدرستی که فائده میدهد باذن خدای تعالی
عمر بن ابراهیم گفت که چنین کردم و تسکین یافت درد سر من و گفت امام
رضا علیه السلام که بجهت درد سر می باید نهاد بجهت درد
شقیقه • بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ • رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ • پس اگر بخواند این آیه را

و درد شقیقه برطرف نشود بگیرد یک نخود و نیم از نخودهای سفید و نرم
بکوب و سه بار قل هو الله بخوان بر آن و بر آب بیامیز و بر آن بمال که درد شقیقه
دارد بدرستی که بخورد و روایتست که شکایت کرد مردی از اهل مرو نزد
ابی عبد الله علیه السلام از درد سر آن حضرت گفت با مرد که نزدیک
من بیا آن مرد نزدیک آن حضرت آمد آن حضرت دست خود را بر
سر آن مالید و بعد از ان گفت اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ
تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ وَاِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا
غَفُورًا و گفت معویه بن عمار که شکایت کردند نزد ابی عبد الله علیه السلام
از باد که درد شقیقه پیدا شده بود آن حضرت گفت که وقتی که فارغ شوی
از نماز فریضه بنه انگشت شهادت دست راست بر میان هر دو چشم
خود و هفت بار بگو یا حَنَّانُ اِشْفِنِي و هر بار بکذران انگشت خود را
برابروی راست خود و بعد از ان آن انگشت را بکذران برابروی
چپ خود و بگو یا مَنَّانُ اِشْفِنِي و بعد از ان بنه کف دست راست را
بر میان سر خود و بگو یا مَنْ سَكَنَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ بَيْتِهِ وَسَكِّنْ مَا بِي و از برای درد
چشم گفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وقتی که چشم شما درد
کند باید که بخوانید بر چشم آیة الکرسی را و در دل خود بکذرانند
در دل خود که شفا خواهم یافت بدرستی که حق تعالی شفا میدهد
انشاء الله تعالی و روایتست که آن کسی که هر روز بگوید فَجَعَلْنَاهُ

سمیعاً بصیراً سالم ری ماند چشم او از آفات و روایتست که نظر کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بسلمان رحمة الله علیه و دید که چشم
او درد می کند گفت که خرما مخور و بجانب چپ خواب مکن و نیز از
برای درد چشم سه بار بر آب بخوان این دو آیه را که فکشفنا عنک
غطاءک فبصرک الیوم حدید و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا
الصراط فانی یبصرون وبعد از ان روی خود را از ان آب بشوی
از برای درد چشم این آیه را بخوان که الله نور السموات و
الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة
کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی
الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء
علیم بنویس بتربت امام حسین علیه السلام باب زمزم برجامی
وبعد ازان بشوی آنرا در شیشه کن و بمیل در چشم بکش
از برای درد چشم بخوان این آیه را که و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر
للعالمین علاج شب کوری گفت ابو یوسف المعضب که شکایت
کردم نزد ابی الحسن اول علیه السلام از شب کوری و گفتم بیاموز مرا
علاجی از برای شبکوری آن حضرت گفت که این آیه را که الله نور
السموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح فی زجاجة الزجاجة

کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور
یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله
بکل شیء علیم بنویس به تربت امام حسین علیه السلام و باب
زمزم برجامی وبعد ازان بشوی آنرا و در شیشه کن و بمیل در چشم
بکش از برای درد چشم بخوان این آیه را و ان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه
لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین شبکوری گفت یوسف
المعضب که شکایت کردم نزد ابی الحسن اول ع از شبکوری و گفتم بیاموز
مرا علاج شبکوری آن حضرت گفت که این آیه را که الله نور السموات
و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة
کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی
الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء
علیم بنویس برجام چند نوبت وبعد ازان بشوی آنرا و در
شیشه کن و بمیل در چشم بکش ابو یوسف گفت که ازان آب صد میل
در چشم خود نکشیده بودم که چشم من صحیح شد و شبکوری برطرف شد
درد گوش هفت بار بخوان بر روغن یاسمین یا بنفشه این
دو آیه را که ان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع و البصر

والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا و بریزان آن روغن را در کوش
خود   درد دندان سه بار فاتحه بخوان وسه بار قل هو الله
وبکو یا ضرس ابا الطار تسکین ام بالبارد وام بسم الله تسکین
اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض و
هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی
انشاها وهو بکل شیء علیم منها فانک تخرج ولنخرجنهم منها
اذلة وهم صاغرون فخرج منها خائفا یترقب   از برای
درد دندان بنویس این آیتها را بر نان تنک و بنه بر دندانی که درد
می کند و آیتها اینست که بسم الله لکل نبأ مستقر وسوف
تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالی عما یشرکون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم آیاته
لعلکم تعقلون من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی
انشاها اول مرة وهو بکل شیء علیم   بستن درد دندان بکیر
میخی از آهن و فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس هر یک را سه بار بخوان و بعد از ان این آیه را بخوان
من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو
بکل خلق علیم   و بعد از ان بکو یا ضرس فلان بن فلان یعنی نام
آن کسی که دندان او درد می کند و نام پدر او را بکو اکلت الحار والبارد
افا الحار تسکین ام بالبارد وتسکین   و بعد از ان این آیه را بخوان

که وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و بعد از ان
بکو سکنت داء هذا الضرس من فلان بن فلان یعنی نام کسی که
دندان او درد می کند و نام پدر او را بکوید و بعد از ان بکو که
بسم الله العظیم   بعد از ان میخ را بر دیواری بکوب و بکو
الله الله الله   از برای درد دندان بکیر برک سبزی و بنویس
بران برک سبز این آیه را که الذی جعل لکم من الشجر الاخضر
نارا فاذا انتم منه توقدون   و بعد از ان بر برک سبز را دندانی
که درد می کند وقدمی چند برو و آن برک سبز را بلند از بر بین
پشت خود و نکاه مکن به پس پشت خود بدرستی چون چنین کنی
درد دندان تسکین می یابد انشاء الله تعالی   درد دندان
بخوان این آیتها را که لله ما فی السموات وما فی الارض وان
تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به فیغفر لمن
یشاء ویعذب من یشاء والله علی کل شیء قدیر آمن الرسول
بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته
ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا
واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا
الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا ولا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی
الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا

واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

وبگو سنتیه ترید وای بقلة لاتاکله وهی باید که آنکسی که

میخواند این آیهارا وافسون میکند باوضو باشد ودراندرون

خانه نزدیک دربایستد بدرستی که درد تسکین می یابد

از برای خون آمدن در بینی بخوان این آیهارا که منها خلقناکم

وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارةً اخری یومئذٍ یتبعون

الداعی لاعوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا

یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر و

استوت علی الجودی وقیل بعداً للقوم الظالمین ومن یتق الله

یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لایحتسب ومن یتوکل علی

الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم

فهم لا یبصرون

از برای خون آمدن از بینی بنویس

در پیشانی کسی که خون از بینی او می آید بهمان خون یا بزعفران

این آیه را که وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض

الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعداً للقوم الظالمین

بدرستی که تسکین می یابد انشاء الله تعالی

از برای زکام گفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که زکام لشکریست از لشکر

های خدا تعالی که می فرستد خدا تعالی بر دردها پس می برد دردها

وگفت

وگفت ابو عبدالله علیه السلام که بجهت زکام بگیر اندکی از بنفشه و

بروغن بنفشه چرب کن ودر وقت خواب بطریق شاف بخود

بردار بدرستی که نافع است زکام را انشاء الله تعالی

وسوسهٔ

دل بگو فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله وقل اعوذ برب الفلق

وقل اعوذ برب الناس بخوان وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام

که وقتی که وسوسه کند شما را باید که پناه جوئید بخدا تعالی وبگوئید

بزبان ودل خود که آمنت بالله ورسله مخلصین له الدین

برای درد دل بخوان این آیهارا بر آب وبیاشام لئن

انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون

الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر ان الله

یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما

من احد من بعده انه کان حلیما غفورا

برای درد دل

بخوان این آیهارا بر آب وبده که بیاشامد کسی که درد دل دارد وهمین

آیهارا وبه بند در گردن آنکس واینها اینست که بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة

انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لاریب فیه

ان الله لایخلف المیعاد الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله

الا بذکر الله تطمئن القلوب الذین آمنوا وعملوا الصالحات

طوبی لهم وحسن مآب لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین

تنگی دل هفته روز هر روز دو بار الم نشرح بخوان یکبار صباح
و یکبار شام و روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله ع
از درد سینه آن حضرت گفت که طلب شفا کن از قرآن بدرستی که
خدا تعالی میگوید که فیه شفاء لما فی الصدور یعنی در قرآن شفا است
از امراضی که در سینهای شما است   درد سینه بخوان این
آیه را که و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته
لعلکم تعقلون   درد شکم بنویس سورهٔ اخلاص و این آیها را
که بسم الله الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشاها
اول مرة و هو بکل شیء علیم و لو ان قرآنا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و بند
بر آنکس که درد شکم دارد و این آیها را بخواند بر آنکسی که بسم الله الرحمن الرحیم
ما اصابکم من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل
ان نبراها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا فی ربهم
فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق الحمیم
یصهر به ما فی بطونهم و الجلود تعالی الله الملک الحق لا اله الا
هو رب العرش العظیم لا اله الا هو الله وحده لا شریک له
له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر   درد شکم بخواند این آیها را که ه

و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و هفت بار
فاتحه بخواند که این مجرب است برای درد شکم ان الله بالناس
لرؤف رحیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
درد پشت بخواند این آیها را که شهد الله انه لا اله الا هو
و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب   حبس بول بشوی هر دو پای آنکس را
که حبس بول دارد بنویس بر ساق چپ او این آیها را که ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر
و حملناه علی ذات الواح و دسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر
و گفت جران که نوشتم بابی الحسن سیم ع که فدای تو گردم نزد من مردی از
دوستان تست و او حبس بول دارد و التماس میکند که تو دعا کنی
برای او که خدا تعالی او را صحت و عافیت کرامت کند و نام او نفیس خادم است
آن حضرت در جواب نوشت که کشف کند خدا تعالی از تو ضرر را و
دفع کند از تو مکاره دنیا و آخرت را و مبالغه کن آنکس را که قرآن بخواند
و طلب شفا کند بقرآن بدرستی که شفا می یابد انشاء الله تعالی

از برای درد رحم بسم الله وبالله الذی باذنه قامت السموات
والارض فان مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام کذلک
یشفی الله فلان بنت فلان یعنی نام آنکس را که درد رحم دارد و نام
مادر او بنویس که من وجع الارحام علی ما هو کائن وعلی ما قد کان
اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما

بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و
الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر
السجود ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج
شطاه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع
لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا وعملوا الصالحات منهم
مغفرة واجرا عظیما اجیبوا عزمت علی سامعة الکلام الاجابة
هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التی ترهق الارواح والاجساد
ولا یبقی روح ولا فؤاد حب یا بسم الذی قال للسموات و
الارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد
النبی وآله الطاهرین بنویس این تعویذ را و بر بند بر کسی که درد رحم
دارد

علاج کسی که بول میکند در خواب روایتست که ائمه
معصومین علیهم السلام فرمودند که از برای کسی که بول میکند در خواب

بگیر مقداری از زعفران و دو مقدار آن سعد و سعد گیاهی است خوشبو
و هر کدام را علیحده بکوب و سعد را بریز بر بری که بیکب بافته باشند
و بعد از آن هر دو را یکجا بکوب با نیز و معجون ساز بعسلی که کف او را
گرفته باشند و بعد از آن آنرا حبها بساز برابر فندق و بنویس در جام
فولاد بزعفران این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم
ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من بعده انه کان حلیما غفورا و چندان بنویس این آیه را که جام
پر شود و بعد از آن باب خنک بشو و بریز در ظرف پاکی و نگاه دار
و بگیر کاغذ یا پوستی و بنویس در آن کاغذ یا پوست بسیاهی سوره فاتحه
و قل هو الله را سه بار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و آیة الکرسی را و آخر سوره حشر را که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و
الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک
و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و کبره تکبیرا و بعد از آن بنویس این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم

إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما
من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا • و بنويس اين كلمات را كه
يا من هو هكذا إلا هكذا غيره أمسك عن فلان بن فلانة يعنى نام آنكس
و نام مادر او را بنويس ما يجد من غلبة البول • و ببر بند اين تعويذ را
بر زانوى آنكس اگر زن باشد و اگر پسر باشد به بند بر زهار او بر بالاى
ذكر او و بگير يك حبه از آن جبها و حل كن با آبى كه در ظرف نگاه داشته
بودى و بده بآنكس كه بياشامد در وقت خواب و بايد كه آن كس از آب
كم بخورد بيد رستى كه چون چنين كند مى رود از و غلبه بول ان شاء الله تعالى
از براى دشوار زائيدن بنويس اين را كه بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله • و بالله • محمد رسول الله • كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا
إلا عشية أو ضحيها • إذا السماء انشقت • و أذنت لربها و حقت •
و إذا الأرض مدت • و ألقت ما فيها و تخلت • و لبثوا في كهفهم
ثلث مائة سنين و ازدادوا تسعا • أخرج بإذن الله من البطن
الطيبة منها خلقناكم و فيها نعيدكم و منها نخرجكم تارة أخرى
أخرج بإذن الله و قدرته و اسمه الذى لا يضر مع اسمه
داء في الأرض و لا في السماء و هو السميع العزيز الوهاب •
كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار
و بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون • أو لم ير الذين كفروا
أن السموات و الأرض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء

كل شيء حي أفلا يؤمنون • إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن •
فيكون • فسبحان الذى بيده ملكوت كل شيء و إليه ترجعون •
بسم الله الرحمن الرحيم • إذا جاء نصر الله و الفتح
و رأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا • فسبح بحمد ربك
و استغفره إنه كان توابا • و أولات الأحمال أجلهن أن يضعن
حملهن • از براى دشوار زائيدن هفت بار بنويسد بر ورقى اين آيه
كه فإن مع العسر يسرا و يكبار بنويسد اين آيه را كه بسم الله الرحمن الرحيم
يا أيها الناس اتقوا ربكم إن زلزلة الساعة شيء عظيم • يوم ترونها
تذهل كل مرضعة عما أرضعت و تضع كل ذات حمل حملها و ترى
الناس سكارى و ما هم بسكارى و لكن عذاب الله شديد • و ببندد آن
ورق را بر ران آن زن دشوار زائيدن بنويسد بر پهلوى
آن زن بسم الله • و بالله • أخرج بإذن الله • منها خلقناكم •
و فيها نعيدكم و منها نخرجكم تارة أخرى • و صلوات بفرستد
بر نبى و آل او عليهم السلام از براى دشوار زائيدن بنويسد
اين آيتها را و به بند بر ران آن زن كه بسم الله الرحمن الرحيم
فإن مع العسر يسرا • يريد الله بكم اليسر و لا يريد بكم العسر • و يهيئ
لكم من أمركم مرفقا • و يهيئ لكم من أمركم رشدا • و على الله قصد
السبيل بسره • أو لم ير الذين كفروا أن السموات و الأرض كانتا
رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون • و روا

که بنویسید سورهٔ انا انزلناه را و بشوئید و بدهید آن آب را بآن زن که
بیاشامد و از آن آب بفشانید بر فرج آن زن   از برای
زائیدن بنویسید بر کاغذی این آیتها را که اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم
یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و ببندد
بر میان آن زن پس وقتی که فرزند متولد شود جدا کنند آن تعویذ را
از وی روایتست که بخوانند نزد آن زن سورهٔ انا انزلناه   درد سر
بخوان بر دست کسی که درد سر زدارد سه بار سورهٔ اذا جاء نصر الله را
و بعد از آن سه بار بخوان این آیه را که ان الذین قالوا ربنا الله ثم
استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا و
ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون   و بعد از آن بمال هر دو دست
او را بر سر او هفت بار   از برای درد سر بنویسید این آیه را
و ببندید این آیه را بر آن موضع ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا و این آیه را که انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
قولنج بنویس به لوحی یا بر شانه سورهٔ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را و بعد از آن بشوی

این دعا را که اعوذ بوجه الله الکریم وبعزته التی لا ترام وبقدرة الله
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شرها الحمد لله وبشوی
بآب باران و بده که بیاشامد کسی که درد قولنج دارد بر ناهار و وقت خواب
کردن بدرستی که نافع و مبارکست انشاء الله تعالی   ناف و درد
اندرون بخوان بر روغن این آیتها را که بسم الله الرحمن الرحیم
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر ففتحنا
ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان یعنی نام آنکس که بیچش ناف دارد
و نام پدر او را بگو و بعد از آن بخوان این آیه را که اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض
الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا
کذلک اخرج ایتها اللوی باذن الله عز وجل   بواسیر
روایتست که شکایت کرد مردی نزد حضرت امام رضا علیه السلام
از بواسیر آن حضرت گفت که بنویس سورهٔ یس را بعسل و بآب بشوی
و بده که بیاشامد کسی که بواسیر دارد   و غیر آن روایتست که
گفت مردی بابی جعفر علیه السلام که من دختری دارم که گاهی بازوی
او کرخت میشود تا آنکه می افتد آن حضرت گفت که وقتی دختر حائض
شود شوت بپخته و عسل با وی بده که بخورد و گفت ابو جعفر علیه السلام
که بخوان بر کسی که فالج دارد یا قولنج یا ابرده یا بادی که بواسطهٔ درها

پیدا شود سورهٔ فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس را و بعد از آن بنویس بر شانه یا لوحی این دعا را که اعوذ
بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها
شیء من شر هذا الوجع و من شر ما اجد منه و بشوی آنرا باب باران
و بده بآنکس که بیاشامد برنهار و وقت خوابیدن بدرستی که صحت
می یابد انشاء الله تعالی و ابرده علتی است که از سردی و رطوبت پیدا
می شود چرب و دنبل و که بخواند و بنویسد بر آنها این را که
بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة طیبة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و انت لا تکبر
و الله یبقی و انت لا تبقی و الله علی کل شیء قدیر و روایتست که آن
کسی که درد ساق و علتی یا ماندگی بوده باشد باید که بنویسد بر ساق پای
و این بیمار را که و لقد خلقنا السموات و الارض و ما بینهما فی ستة ایام
و ما مسنا من لغوب   از برای بهق بنویسد بر موضعی که بهق دارد
این آیه را که و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر
معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و گفت
امام رضا علیه السلام که خربزه خوردن برنهار فالج می آورد
برص و جذام بخواند بر آنکس و بنویسد و ببندد بر آنکس این را که
بسم الله الرحمن الرحیم ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب

الحمد

الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة
مثنی و ثلاث و رباع   باسم فلان بن فلان یعنی نام آنکس و نام مادر آنکس را
بنویسد و روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله علیه السلام
از برص آنحضرت فرمود که بگیر تربت حضرت امام حسین علیه السلام را
و باب باران بیامیز و بخور آن مرد چنین کرد خلاص شد از آن مرض
و روایتست که مردی اندکی برصی داشت ابو عبد الله علیه السلام
فرمود بآن مرد که بنویس سورهٔ یس را بعسل و بشوی و بیاشام آن مرد
گفت چنین کردم آن مرض برطرف شد و گفت امام موسی علیه السلام
که شوربای گوشت گاو با تلخان خشک می برد برص را و روایتست که
شکایت کرد یونس بن عمار نزد امام موسی علیه السلام از برص که در
بدن او پیدا شده بود آن حضرت فرمود که مویز را در آب کن و یکشب
بگذار و بعد از آن بیاشام پس چنین کرد برطرف شد آن مرض
تولول و آنرا زخ گویند بگیر اندک نمک و بمالد بر تولول و بخوان این
آیه را که و لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض

وهو العزيز الحكيم و بعد از آن بشند از آن نمک را در تنوری که آتش
داشته باشد و زود برگرد بدرستی که تولول برطرف می شود ان شاء الله

تولول بر سه جو بخوان این آیه‌ها را که مثل کلمة خبیثة
اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار و بگردان آن سه دانه جو را
بر تولول و بعد از آن دفن کن آن سه دانه جو را در جائی که نمی داشته
باشد در دو روز آخر ماه هر گاه متعفن شد آن دانه‌های جو برطرف
میشود تولول

تولول روایتیست که گفت مردی با امام رضا
علیه السلام که بیاموز مرا چیزی که برطرف کند تولول را آن حضرت
گفت که بگیر بعدد هر تولول هفت دانه جو و بر هر دانه هفت بار بخوان
این آیه‌ها را که بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة
لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الأرض رجا
وبست الجبال بسا فکانت هباء منبثا ویسئلونک عن الجبال فقل
ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا
ولا امتا یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الأصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا و بعد از آن بمال هر دانه جو را بر تولولی
بند آن دانه‌های جو را در خرقه نوی و سنگی بر آن خرقه ببند و بند
از آن خرقه را در آن خانه پس نظر کن در روز هفتم یا هشتم بدرستی
که برطرف شود تولول و سزاوار اینست که در روز آخر ماه این کار بکند
بخوان این دعا را که او لم یر الذین کفروا ان السموات

والأرض کانتا رتقا ففتقناهما و بگردان و بگیر انگشت از انگشتهای
خود را و بجنبان در چنانکه آواز نکند و در آن حال بگوید که رگ فلان را
بجا انداختم

مرض رشته بنویسد بر موضعی که رشته بیرون
می آید وقت خارج بدن پیش از آنکه بیرون آید این آیه را که و
یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا. و صبر بمالد بر آن موضع
و نیز بنویسد این آیه را که او کالذی مر علی قریة وهی خاویة
علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله
مائة عام ثم بعثه.

صرع بخوان این آیه را بر کسی که صرع
دارد که وما لنا ان لا نتوکل علی الله وقد هدانا سبلنا ولنصبرن
علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون.

دفع ترس
طفلان بخواند بر طفلان. اذا زلزلت الأرض و این آیه‌ها
که فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم
لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا شهد الله انه لا اله الا
هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط. لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم
ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر

بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ
مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ
عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

چشم زخم گفت معمر بن خلاد که در خراسان در خدمت حضرت
امام رضا علیه السّلام می بودم آن حضرت فرمود مرا که از برای او بوی
خوش بیارم چون آوردم در عجب آورد آن حضرت را آن بوی خوش
و متوجه آن بوی خوش شد و گفت بمن که ای معمر چشم زخم می باشد بنویس
در رقعهٔ سورهٔ فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب النّاس و آیة الکرسی را و بنه در غلاف شیشهٔ بوی خوش
چشم زخم خود بر نفس خود بر دیگران پس هرگاه به ترسی از چشم کردن
خود را یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و گفت ابو عبد الله علیه السّلام که وقتی که مهیا شوید بجهت
بیرون رفتن از منزل خود بر وجهی که در عجب آورد شما را باید که در
وقت بیرون رفتن از منزل قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
النّاس بخوانید بدرستی که چشم زخم نمی رسد شما را باذن خدا تعالی
و نیز گفت که آنکسی که در عجب آورد او را چیزی از برادر مؤمن باید که

دعا بخیر کند او را بدرستی که چشم زخم می باشد و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم که چشم کردن داخل میکرداند مرد را
در قبر و شتر را در دیگ یعنی چشم کردن این مقدار اثر دارد که می
راند آدمی را و سبب کشتن شتر می شود و نیز گفت که افسون
نمی باشد مگر بجهت دو چیز گزیدن و چشم کردن
دفع خواب
بخوان این آیه را که وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ
أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ
مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى
صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.
و بمال آن آب را بر سر و روی و دستهای خود تا مرفق
گم
گفت حضرت امام رضا علیه السّلام که وقتی که بگریزد بندهٔ از تو یا گم
شود حیوانی یا متاعی از تو بگو وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ
وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ
فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.
و بعد از آن بگو اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَ
تَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
شفا از هر دردی گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلّم که تعلیم کرد جبرئیل علیه السلام مرا دوائی که با وجود آن
احتیاج بهیچ دوائی نیست یکی از اصحاب گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله

دوا کرده است آن حضرت فرمود که بگیر آب باران را پیش از آنکه بزمین برسد
و آن آب را در ظرفی پاکیزه کن و بخوان بر آن آب هر یک از سورهٔ فاتحه و
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هفتاد بار
و بعد از آن بیاشام از آن آب صباح یک قدح و شام یک قدح و گفت
حضرت که بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که چون این کار بکنی بیرون می برد
خدا تعالی دردها را از بدن و استخوانها و مغز و رگهای تو

از برای شفا از هر دردی بگیر هفت عدد سیاه دانه و برابر هفت عدس
از تربت حضرت امام حسین علیه السلام و هفت قطرهٔ عسل در آب کن
آنها را با دو روغن و بخوان بر آن آب با روغن سورهٔ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و اول سورهٔ
حدید را که بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی
السموات و ما فی الارض و هو العزیز الحکیم له ملک السموات و
الارض یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر هو الاول و الاخر و الظاهر
و الباطن و هو بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات و الارض فی
ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض و ما یخرج
منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و هو معکم اینما کنتم و الله
بما تعملون بصیر له ملک السموات و الارض و الی الله ترجع الامور
و آخر سورهٔ حشر را که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا
متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون

هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو
العزیز الحکیم گفت ابو جعفر علیه السلام که در اینها که مذکور شد
شفا است از هر دردی زیرا که خدا تعالی گفته است که و ننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یعنی فرو میفرستیم از قرآن آن چیزی که
در و شفا است بیماریها را و بخشایش است مر مؤمنان را که بدان نفع میگیرند
و نیز گفت که یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس
یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند
رنگهای او و در آن عسل شفا است مردمان را و گفته است حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم که الحبة السوداء شفاء من کل داء الا السام
یعنی سیاه دانه شفا است از هر دردی مگر مرگ و ما که اهل بیتیم میگوئیم
در بیرون کوفه قبریست که پناه نمی جوید باو کسی که بیماری و تشویشی داشته
باشد مگر آنکه خدا تعالی او را شفا میدهد و آن قبر حضرت امام حسین
علیه السلام است

در طلب شفا کردن بصدقه و دعا و نماز و غیر آن

شفا کردن بصدقه روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت صدقه
دادن دفع می کند مردن بد را و نیز گفت که صدقه دادن صلهٔ رحم معمور می

شهر را وزیاده می کند عمر را وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آن کسی که صدقه بدهد در روزی باشی ایمن می شود از افتادن خانه
یا دیوار بر سر او ضرر رسانیدن درندها و از مردن بد در آن روز که
صدقه داده است یا در آن شب که صدقه داده است وگفت ابو جعفر
علیه السلام که نیکوئی کردن و صدقه دادن می برد درویشی را و زیاده
می کند عمر را و دفع می کند هفتاد نوع مردن بد را وگفت معاذ بن مسلم
که بودم نزد ابی عبد الله علیه السلام پس ذکر کردن بیماری آن حضرت
گفت که دوا کنید بیماران خود را بصدقه باکی نیست اگر شما تصدق کنید
قوت روز خود را بدرستی که اگر خدا تعالی حکم کرده باشد بملک الموت قبض
روح آن بنده بکنید چون آن بنده تصدق کند حکم کند خدا تعالی
بملک الموت که تاخیر کن در قبض روح آن بنده وگفت ابو عبد الله علیه
که دوا کنید بیماران خود را بصدقه و نگاه دارید مالهای خود را بزکوة
و من ضامنم از تلف شدن مالی که زکوة داده باشند خواه آن مال
در دریا باشد و خواه در خشکی وگفت امام موسی علیه السلام که صدقه
دفع می کند قضای مبرم را از آسمان

شفا کردن بصدقه و دعا

گفت داود بن زرین که بیمار شدم در مدینه بیماری صعبی ابو عبد الله
واقف شد از بیماری من و نوشت بمن که خبر بیماری تو رسید بمن بخر
یک صاع گندم و به پشت بخواب و بریز آن گندم را بر سینه خود بهر کیفیت
که می خواهی و بگو که اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سالک به المضطر

كشفت ما به من ضر و مكنت له في الارض وجعله خليفتك الذي
على خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعافيني من علتي
وبعد از آن راست بنشین و جمع کن آن آب گندم را از گرد خود و همین
دعا بخوان و قسمت کن آن گندم را بمسکینان بهر مسکین یک مد و همین
دعا را بخوان در حال قسمت کردن گفت داود که چنین کردم و خلاص
شدم از آن مرض و بسیار کسان این کار کردند فائده یافتند
شفا کردن بدعا گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
که رد نمی کند قضا را مگر دعا وگفت امام جعفر صادق علیه السلام
که دعا رد می کند قضا را بعد از آنکه محکم شده باشد وگفت امام موسی
علیه السلام که بر شما باد دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از خدا تعالی
رد می کند بلا را و اگر چه آن بلا مقدر شده باشد و حکم شده باشد
بنزول آن بلا و موقوف نباشد نزول آن بلا مگر ماجرای آن حکم
پس هرگاه دعا کنید و طلب کنید از خدا تعالی رد کند آن بلا را وگفت
سلمان رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر فرمود که زیاده نمی کند عمر را مگر نیکوئی
و رد نمی کند قضا را مگر دعا وگفت امام محمد باقر علیه السلام با امام
جعفر صادق علیه السلام که ای فرزندان آن کسی که پنهان کند از مردمان
بلائی را که بآن مبتلا شده است و شکایت کند نزد خدا تعالی از آن بلا
واجبست که بر خدا تعالی که او را عافیت دهد از آن وگفت ابو عبد الله
علیه السلام که آن کسی که پیش از نزول بلا دعا کند مستجاب میشود دعای

او وقتی که بلا نازل شود و فرشتها می کویند که این آواز آشنا است بر دعای
او محجوب نمیشود از آسمان و آن کسی که پیش از بلا دعا نکند دعا مستجاب
نمیشود دعای او وقتی که بلا نازل شود و فرشتها می کویند که این آواز
نمی شناسیم و کفت امام موسی علیه السلام که هر دردی را دوائیست
کسی پرسید که دوای هر درد کدا است آن حضرت کفت که دوای هر
درد دعا است و هر درد را دعائیست پس وقتی که ملهم شود بیمار بدعا
کردن خدا تعالی شفا میدهد او را و نیز کفت که فاضل ترین دعاها
صلوات بر محمد و آل اوست علیهم السلام و بعد از ان دعا برای برادران
مؤمن و بعد از ان دعا برای خود بانچه می خواهی و نزدیکی که بنده را بخدا
تعالی حاصل میشود در وقت سجده در هیچ وقت دیکر حاصل نمی شود
و نیز کفت که دعا کردن فاضل تر است از قرآن خواندن زیرا که حق تعالی
فرموده است که قُلْ مَا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لَا دُعَاؤُکُمْ یعنی بکو ای محمد با ایشان
خود که قدری نمی باشد شما را نزد پروردکار من اکر دعا نکنید بدرستی
که خدا تعالی تاخیر می کند اجابت دعای مؤمن بجهت آنکه می خواهد
دعا کردن او را و او میکوید که آواز مومن را دوست میدارم که بشنوم و زود
اجابت می کند دعای منافق را و میکوید که نمی خواهم دعای او را بشنوم
و کفت ابو عبد الله علیه السلام که آن کسی که بترسد از بلای و پیش از آنکه
آن بلا باو برسد دعا کند نرساند خدا تعالی آن بلا را باو هرکز
بیمار از برای خود سنت است که کسی بیمار شود این دعا بخواند که لا اله الا الله

وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ
سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیرًا طَیِّبًا مُبَارَکًا فِیهِ عَلَی کُلِّ
حَالٍ وَاللهُ أَکْبَرُ کَبِیرًا کِبْرِیَاءُ رَبِّنَا وَجَلَالُهُ وَحَمْدًا قُدْرَتُهُ بِکُلِّ مَکَانٍ
اَللّٰهُمَّ إِنْ کُنْتَ أَمْرَضْتَنِی لِقَبْضِ رُوحِی فِی مَرَضِی هٰذَا فَاجْعَلْ رُوحِی فِی أَرْوَاحِ
مَنْ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْکَ الْحُسْنَی وَبَاعِدْنِی مِنَ النَّارِ کَمَا بَاعَدْتَ أُولٰئِکَ الَّذِینَ
سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْکَ الْحُسْنَی بیمار برای خود کفت ابو عبد الله علیه السلام
چون بیمار شوی بنه هر دو دست خود را بر جائی که درد میکند و سه بار
بکو اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ الَّذِی نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ وَهُوَ
عِنْدَکَ فِی أُمِّ الْکِتَابِ عَلِیٌّ حَکِیمٌ إِنْ تَشْفِیَنِی بِشِفَائِکَ وَتُدَاوِیَنِی بِدَوَائِکَ
وَتُعَافِیَنِی مِنْ بَلَائِکَ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ بَیْتِهِ بیمار را برای
خود کفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون بیمار شوی بکو
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ کَمْ مِنْ نِعْمَةِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِی عِرْقٍ سَاکِنٍ وَغَیْرِ
سَاکِنٍ عَلَی عَبْدٍ شَاکِرٍ و بکیر محاسن خود را بدست راست خود بعد از
ادای نماز فریضه و سه بار بکو اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ کُرْبَتِی وَعَجِّلْ عَافِیَتِی وَاکْشِفْ
ضُرِّی و سعی کن که در وقتی که این دعا می خوانی اشک از چشم تو بیاید
دیکر برای بیمار خود روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله
علیه السلام از دردی آن حضرت کفت با آنمرد که بکو بِسْمِ اللهِ و بعد از آن
دست خود را بمال بر آنجا که درد می کند و هفت بار بکو أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ
وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِجَمِیعِ اللهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ

واعوذ باسماء الله من شر ما اجد ومن شر ما اخاف علی نفسی آزمودم گفت که
چنین کردم شفا یافتم   برای بیمار خود گفت ابو عبد الله علیه السلام
که چون بیمار شوی بنه دست خود را بر جائی که درد می کند و بگو که بسم الله
وبالله محمد رسول الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد
و سه بار بمال دست خود را بر موضعی که درد می کند   که بر بیماری
باید خواند گفت که بنه دست خود را بر بیمار و بگو بسم الله وبالله
والی الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله
موسی نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله صلی الله علیه وعلیهم
من الارواح والاوجاع بسم الله وبالله وعزائم من الله لفلان بن
فلان یعنی نام بیمار و نام مادر بیمار را بگو لا یقربه الا کل سلیم واعیذه
بکلمات الله التامات کلها التی سال بها آدم فتاب علیه انه هو التواب
الرحیم لا ترجون ایتها الارواح والاوجاع باذن الله عز وجل لا اله
الا الله الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین و بعد از آن آیة الکرسی
و سورهٔ فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و ده آیه از سورهٔ یس بخوان و بعد از آن بگو که اللهم اشفه بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک ونساله بحق محمد وآله صلوات الله علیهم
اجمعین   بر بیماری می باید خواند گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که تب کرد رسول خدا را پس جبرئیل بعیادت آن حضرت آمد و گفت
بسم الله ارقیک وبسم الله اشفیک وبسم الله من کل داء یعنیک بسم الله

والله شافیک بسم الله خذها فلیهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و منقولست از سماعات
سید ناصح الدین ابو البرکات المشهدی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام
که تربت امام حسین علیه السلام شفاست از هر دردی پس هرگاه
خواهی که تربت حضرت امام حسین علیه السلام بخوری بگو بسم الله
وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء
انک علی کل شیء قدیر و نیز گفت که آن کسی که بیمار شود و در اول بیماری
مگر آنکه آن مرض مرض موت باشد   که بر بیماری می باید خواند
گفت ابو جعفر علیه السلام که چون کسی بیمار شود باید که از اهل آن
بیمار آن که مشفق تر است باو بنهد کف دست خود را بر دهان خود
و سه بار بگوید که بسم الله و سه بار بگوید بجلال الله و سه بار
بگوید بکلمات الله التامات و بعد از آن بمالد دست خود را بر سر و
روی آن بیمار   که بر بیماری باید خواند روایت کرده است
زراره که گفت که امام محمد باقر علیه السلام با امام جعفر صادق علیه السلام
که وقتی که بعیادت بیماری روی هفت بار بگو اعیذک بالله العظیم ورب
العرش العظیم من کل عرق نعار ومن شر حر النار   که پدر فرزند را
می باید خواند وقتی که فرزند بیمار شود گفت حسین بن ابی نعیم که شکایت
کرد یکی از فرزندان ابی عبد الله علیه السلام نزد آن حضرت از بیماری
آن حضرت گفت ای فرزند من بگو اللهم اشفنی بشفائک وداونی

بدوائك وعافني من بلائك فاني عبدك وابن عبدك ازبرای
غير فرزند روايتست که حضرت پيغمبر صلی الله عليه وآله وسلم دعائی تعليم
کرد بعضی اصحاب خود را بجهت دردی وگفت که بنه دست راست خود را
برجای که درد می کند وبگو بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
من شر ما اجد وگفت رسول خدا صلی الله عليه وآله وسلم که آن کسی که
عيادت کند بيماری را بايد که بگويد اللهم اشف عبدك ينكی عدوا
ويمشي لك الى الصلوة وروايتست که رسول خدا وقتی که بعبادت بيماری
ميرفت ميگفت امسح الباس رب الناس بيدك الشفاء لا كاشف للبلاء
الا انت ديگر که آن حضرت نزد بيمار مي خواند اذهب الباس
رب الناس واشف انت الشافي لا شفاء الا شفاؤك لا يغادر سقما
اللهم اصلح القلب والجسم واكشف السقم واجب الدعوة وگفت
رسول خدا صلی الله عليه وآله وسلم که آن کسی که عيادت کند بيماری را
که اجل او نرسيده باشد وبگويد اسأل الله العظيم رب العرش العظيم
ان يشفيك شفا می يابد آن بيمار از آن مرض وروايتست که رسول
خدا صلی الله عليه وآله وسلم رفت بعيادت بعضی از اصحاب وآن کس
شکايت کرد نزد آن حضرت از بيماری آن حضرت تعليم کرد بآن کس
که افسونی جبرئيل بآن حضرت آموخته بود وآن افسون اينست که
بسم الله ارقيك بسم الله يشفيك من كل داء يؤذيك و
من شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد بنه

دست خود را بر دهان خود وسه بار بگو که بسم الله بجلال الله
العظمة الله بكلمات الله التامات باسماء الله الحسنى وبعد از آن
بنه دست خود را برجای که درد می کند وبگو که بسم الله بسم الله
بسم الله وبعد از آن هفت بار بگو اللهم امسح ما بي وچون خدا تعالی
شفا دهد بگو الحمد لله الذي خلقني فهداني واطعمني وسقاني وصحح
جسمي وشفاني له الحمد وله الشكر برای علت خنازير گفت
امام رضا عليه السلام که از گردن کنيزک ما خنازير بيرون آمد کسی گفت که
بالعلی بگو آن کنيزک را که بسيار بگويد يا رؤوف يا رحيم يا رب يا سيدي
آن کنيزک بسيار گفت اين کلمات را شفا يافت برای درد چشم گفت
محمد بن جعفی که پدر من گفت که اکثر اوقات چشم من درد می کرد پس
شکايت کردم نزد ابي عبد الله عليه السلام از درد چشم آن حضرت
گفت که در عقب نماز صبح وشام بگو که اللهم اني اسئلك بحق محمد
وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل النور في بصري
والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة
في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني ودر روايتی
واقع است که گفت که هفت بار بخوان اين دعا را که مذکور شد در عقب
نماز صبح پيش از آنکه برخيزی از جای خود بجهت دشوار زائيدن
روايتست که اگر زنی دشوار زايد سه بار بخوانيد اين دعا را کوزه برآبی
وبدهيد که بياشامد وپاره از آن آب در ميان دو پستان آن زن ودر ميان

دو پستان او بریزند چون چنین کنید باسانی آن فرزند متولد شود
باذن خدا تعالی دعا اینست بسم الله الذی لا اله الا الله
الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
بسم الله الحلیم الکریم سبحان رب السموات ورب العرش العظیم
الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون بجهت دشوار آمدن
بول روایتست که چون بول کسی دشوار آید این دعا را بخواند که
ربنا الذی فی السماء تقدس اللهم اسمك فی السماء والارض اللهم
کما رحمتك فی السماء اجعل رحمتك فی الارض اغفر لنا حوبنا وخطایانا
انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك
علی هذا الوجع شفا یابد از برای درد زانو گفت ابو حمزه که درد
زانو داشتم پس شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از آن درد
آن حضرت گفت که چون نماز بگذاری بعد از نماز بگو یا اجود من اعطی
یا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی
من وجعی ابو حمزه گفت که چنین کردم شفا یافتم از آن مرض
از برای سنگ مثانه و فالج گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بجهت سنگ مثانه و فالج وقتی که نماز شب بگذاری ودر سجده کن
سجده بگو اللهم انی ادعوك دعاء العلیل الفقیر العلیل ادعوك دعاء
من اشتدت فاقته وقلت حیلته واضعف عمله والح علیه البلاء

دعاء مکروب ان لم تدرکه هالك ان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحیط
بی مکرك ولا تثبت علی غضبك ولا تضطرنی الی الیاس من روحك
والقنوط من رحمتك وطول الصبر علی البلاء انه لا طاقة لی ببلائك
ولا غنی لی عن رحمتك وهذا ابن حبیبك اتوجه الیك به فانك
جعلته مفزعا جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم ما سبق وما
هو کائن فاکشف لی ضری وخلصنی من هذه البلیة واغننی بما عودتنی
من رحمتك وعافیتك یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منك
کردن شفا بنماز از هر دردی وعلتی خصوصا سلعه وسلعه که هر جاست
که در بدن پیدا شود مانند غدود سه روز روزه بگیرد در روز سیم
نزدیك زوال غسل کن و چهار رکعت نماز بگذار و در این چهار رکعت
بخوان از قرآن آنچه میسر شود وجهد کن در خشوع وخضوع چون
فارغ شوی از نماز بیفکن از جامهای خود را ولنگ کن خرقه پاکی را و روی
راست خود را بر زمین بنه و بگو یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان
یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد واکشف
ما بی من ضر ومعرة والبسنی العافیة فی الدنیا والاخرة وامنن
علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد آذانی وغمنی گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که وقتی این نماز نفع میدهد ترا وخلاص می شوی
از آن علت که یقین کنی که این نماز نفع میدهد از برای جمیع بیماری
کما ابو امامه که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بنویس زعفران

برطرف باکی این کلمات را که أعوذ بكلمات الله التامة وأسمائه كلها عامة
من شر السامة والهامة والعين اللامة ومن شر حاسد إذا حسد
وبنویس سورهٔ فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس واین چند آیه را از سورهٔ البقره که وإلهكم إله واحد لا إله
إلا هو الرحمن الرحيم إن في خلق السموات والأرض واختلاف الليل
والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل الله
من السماء من ماء فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة
وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والأرض لآيات لقوم
يعقلون وبنویس آية الكرسي را واین چند آیه را از آخر سورهٔ البقره
که آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون كل آمن بالله و
ملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين أحد من رسله وقالوا
سمعنا وأطعنا غفرانك ربنا وإليك المصير لا يكلف الله نفسا
إلا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا
أو أخطأنا ربنا ولا تحمل علينا إصرا كما حملته على الذين من قبلنا
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين وبنویس ده آیه را از اول
سورهٔ آل عمران که بسم الله الرحمن الرحيم الم الله
لا إله إلا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين
يديه وأنزل التوراة والإنجيل من قبل هدى للناس وأنزل الفرقان

إن الذين

إن الذين كفروا بآيات الله لهم عذاب شديد والله عزيز
ذو انتقام إن الله لا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء
وهو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو
العزيز الحكيم هو الذي أنزل عليك الكتاب منه آيات محكمات
هن أم الكتاب وأخر متشابهات فأما الذين في قلوبهم زيغ
فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأويله وما يعلم
تأويله إلا الله والراسخون في العلم يقولون آمنا به كل من عند
ربنا وما يذكر إلا أولو الألباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب
ربنا إنك جامع الناس ليوم لا ريب فيه إن الله لا يخلف الميعاد
إن الذين كفروا لن تغني عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله
شيئا وأولئك هم وقود النار كدأب آل فرعون والذين من قبلهم
كذبوا بآياتنا فأخذهم الله بذنوبهم والله شديد العقاب
وبنویس این آیه را از آخر سورهٔ عمران که إن في خلق السموات و
الأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي الألباب الذين
يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في
خلق السموات والأرض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ربنا إنك من تدخل النار فقد أخزيته وما
للظالمين من أنصار ربنا إننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان

أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا و
توفنا مع الأبرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد • فاستجاب لهم ربهم
أني لا أضيع عمل عامل منكم من ذكر أو أنثى بعضكم من بعض
فالذين هاجروا وأخرجوا من ديارهم وأوذوا في سبيلي
وقاتلوا وقتلوا لأكفرن عنهم سيئاتهم ولأدخلنهم جنات
تجري من تحتها الأنهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن
الثواب • لا يغرنك تقلب الذين كفروا في البلاد متاع قليل
ثم مأواهم جهنم وبئس المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات
تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما
عند الله خير للأبرار • وإن من أهل الكتاب لمن يؤمن بالله
وما أنزل إليهم خاشعين لله لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا
أولئك لهم أجرهم عند ربهم إن الله سريع الحساب • يا أيها الذين
آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون •
وبنويس آيهٔ اول از سورهٔ النسا كه بسم الله الرحمن الرحيم
يا أيها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق
منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله الذي تساءلون
به والأرحام إن الله كان عليكم رقيبا • وآيه اول از سورهٔ مائده
كه بسم الله الرحمن الرحيم • يا أيها الذين آمنوا أوفوا

بالعقود

بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم غير محلي الصيد وأنتم
حرم إن الله يحكم ما يريد وآيهٔ اول از سورهٔ انعام كه بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض وجعل الظلمات والنور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون وآيهٔ اول از سورهٔ اعراف كه
بسم الله الرحمن الرحيم المص كتاب أنزل إليك
فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به وذكرى للمؤمنين واين آيه
كه إن ربكم الله الذي خلق السماوات والأرض في ستة أيام ثم استوى
على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر و
النجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين
واين آيه را كه قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيبطله إن الله
لا يصلح عمل المفسدين واين آيه را كه وألق ما في يمينك تلقف
ما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث أتى وده آيه از سورهٔ
والصافات كه بسم الله الرحمن الرحيم والصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا إن إلهكم لواحد رب
السماوات والأرض وما بينهما ورب المشارق إنا زينا السماء الدنيا
بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون إلى
الملأ الأعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب وا
إلا من خطف الخطفة فأتبعه شهاب ثاقب وبعد از ان ظرف را
سه بار بشوی و بآن آب وضو بساز و سه دم از ان آب بخور و بمال آن

صب

آب بر سر و روی و باقی اعضای خود و بعد از آن دو رکعت نماز بگذا
و طلب شفا کن از خدا تعالی و باید که سه روز این کار بکنی حسان گفت
که تجربه کردیم این را و فائده و نفع بسیار یافتیم باذن خدا تعالی
از برای مریض روایت کرده است اسمعیل بن محمد که گفت
عبد الله بن علی بن الحسین علیهم السلام که بیماری صعبی عارض شد
مرا تا آنکه نا امید شدند از من پس آمد نزد من ابو عبد الله علیه السلام
و دید که مادر من جزع بسیار میکند گفت بمادر من که وضو بساز و
دو رکعت نماز بگذار و سجده کن بعد از نماز و در سجده بگو که اللهم
أنت وهبته لي ولم يك شيئا فهبه لي هبة جديدة پس چنین
کرد مادر من صحت یافتم مادر من هریسه پخته بود و من صباح
از آن هریسه خوردم با قوم خود — بجهت تب گفت محمد بن حسن
الصفار که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و تب داشتم آن حضرت
گفت که چرا مقبوضی گفتم فدای تو گردم تب دارم گفت وقتی که شما را تب
کند باید که در آئید بخانه که در آن خانه هیچکس نباشند و دو رکعت نماز
بگذارید و روی راست خود را بر زمین نهید و ده بار بگوئید یا فاطمه
بنت محمد اشفع بك إلى الله فيما نزل بي بدرستی که صحت می یابید
ان شاء الله تعالی — دیگر بجهت تب دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعتی سه بار سورهٔ فاتحه بخواند و بعد از آن بگوید که ألا له الخلق
والأمر تبارك الله رب العالمين و بعد از نماز این دعا را که

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم أستشفع بنبيك محمد
صلى الله عليه وآله يا محمد أستشفع بك على ربي في قضاء حاجتي
وهو شفاء هذا المريض يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي
يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام برحمتك أستغيث الآن خفف الله
عنكم يريد الله أن يخفف عنكم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة
بنویسد و بشوید و بیاشامد کسی که تب دارد — بجهة درد سر
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکبار فاتحه بخواند و سه بار
قل هو الله و این آیه را بخواند که رب إني وهن العظم واشتعل الرأس
شيبا ولم أكن بدعائك رب شقيا — برای درد چشم دو رکعت
نماز بگذار و در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار قل هو الله بخوان و این
آیه را که وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر
وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمات الأرض ولا
رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين — بجهت بر طرف شدن
کوری گفت ابو حمزهٔ ثمالی که ابو جعفر علیه السلام فرمود که گذشت
کوری از پیش حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم آن حضرت گفت
بآن کور که وضوی کاملی بساز و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بگو که
اللهم إني أسألك وأرغب إليك وأتوجه بنبيك نبي الرحمة
يا محمد إني أتوجه بك إلى الله ربي وربك أن يرد علي بصري آن
نابینائی رفت و این کار کرد هنوز آن حضرت از مجلس بر نخاست که آن

تخص آمد وچشم او بپاشد   بجهت درد کردن دو رکعت نماز
بگذارد ودرهر رکعتی یکبار فاتحه بخواند ویکبار سورهٔ والضحی ودو رکعت
چهارم یکبار فاتحه بخواند وبعد از فاتحه بگوید یعلم خائنة الاعین
وما تخفی الصدور   بجهت دفع قولنج دو رکعت نماز بگذارد دو
درهر رکعتی یکبار فاتحه بخواند وبعد از فاتحه بگوید ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر وما فی الارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات
والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والاخر
والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات
والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی
الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو
معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر وآخر سورهٔ حشر را بخواند
که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من
خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
هو الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم وبعد از آن بگوید یا من هکذا غیره اجعل الدنیا
علی فلان یعنی نام کرنجنده را بگوید اضیق من مسک حمل حتی تردّه
علیّ   بجهت درد پا دو رکعت نماز بگذارد ودر رکعتی یکبار فاتحه

بخواند

بخواند واین آیتها را که آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون
کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد
من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر
لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت
ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا
کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به
واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم
الکافرین   بجهت لغو دو رکعت نماز بگذارد وبهر دو دست
خود را بر روی خود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم را شفیع
خود سازد وبعد از آن سه بار بگوید که بسم الله اخرج علیک با
لذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی من روح
القدس لما هدیت طفیت کما طفیت نار الی ابراهیم باذن الله
بجهت بازگشتن گم شده گفت امیر المومنین علی علیه السلام که دو رکعت
نماز بگذارد ودرهر رکعتی سورهٔ فاتحه ویس بخواند وچون فارغ شود
از نماز دست خود را بردارد بجانب آسمان وبگوید اللهم راد الضالة
والهادی من الضلالة صل علی محمد وآل محمد واحفظ علی ضالتی و
اردوها الی سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضل الله وعطائه
از برای گم شده گفت امیر المومنین علی علیه السلام که این
دعا را می باید خواند که اللهم لا اله الا انت لک السموات ولک الارض

وما بينهما فاجعل الاعلى كذا يعنى نام كم شده را بكويد اضيق من جلد
جمل حتى تمكننى منه انك على كل شىء قدير و كفت امام جعفر صادق
عليه السلام كه از براى بنده كه كريخته باشد بخوان دعا را كه اللهم
انت السماء ولك الارض لك وما بينهما لك فاجعل وما بينهما اضيق
على فلان يعنى نام كريخته را بكو من جلد جمل حتى ترده على وتظفرنى
به و بنويس همين دعا را بر كاغذ و بر كرد آن اين نوشته آية الكرسى
بنويس و بعد از آن آن كاغذ را در زير زمين كن در اينجا كه آن بنده
مى خوابيد و براى او چيزى كرانى بنه   از براى كريخته و كم شده
بنويس يا بخوان اين دعا را كه اللهم انت جبار فى الارض وملك
فى الارض ترد الضالة وتهدى من الضلالة لترد على فلان يعنى نام
آنكس كه چيز او كم شده است بكو يا بنويس ضالة واحفظه
كسى كه تب داشته باشد بنويس اين دعا را كه بر سه پارۀ كاغذ بخط باريك
بروجهى كه ممكن نباشد خواندن آن و هر پارۀ كاغذ را در موم بپيچ
و مدور كن مانند فندق و بده كه بخورد آنكسى كه تب ميكند بن نهار
هر روز يكپارۀ از آن كاغذ را دعا اينست كه بسم الله ذى العزة
والكبرياء والنور و اين نسخه مجربست و شيخ حسن سمرقندى اعتبار
مى كرد اين نسخه را و مداومت مينمود بنويس اين   بجهت تب
بنويس بر سه پارۀ شكر در پارۀ اول عقدت باذن الله و در پارۀ دوم
سددت باذن الله و در پارۀ سيم سكنت باذن الله و بده كه در سه صباح

برنهار بخورد كسى كه تب دارد هر روز يكپاره را   ديكر براى تب
بنويس بر پشت پاى راست كسى كه تب دارد اين دعا را كه بسم الله
يا حى الماضية المستمضية بالذى فى السماء عرشه وبالذى كلم موسى
تكليما واتخذ ابراهيم خليلا وبعث محمدا بالحق نبيا كما خرجت
من العظم الى اللحم ومن اللحم الى الجلد ومن الجلد الى الارض فاسكن
فيها ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وصلى الله على محمد
وآله وسلم كثيرا   ديكر براى تب بنويسد اين آيتها را و اين
دعا را بر كاغذى و ببندد آن كاغذ را بر پيشانى و هفت كره بزند آن ريسمان را
و بر هر كرهى سورۀ فاتحه بخوان و بعد از آن ببندد آن تعويذ را بر سر
كسى كه تب دارد و آنچه مى بايد نوشت اينست كه بسم الله الرحمن الرحيم
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين يا نار كونى بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا
كيدا فجعلناهم الاخسرين يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
يا رحمن اسكن بقدرة الجبار العظيم بقدرة المنان الكريم و سورۀ
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را نيز بنويس
ديكر كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه تب كرد رسول خدا صلى الله
عليه و آله و سلم جبرئيل آمد و خواند اين دعا را بر آن حضرت كه
بسم الله ارقيك يا محمد بسم الله اشفيك بسم الله
من كل داء يعييك بسم الله والله شافيك بسم الله خذ

فیکفیك بسم الله الرحمن الرحیم فلا أقسم بمواقع
النجوم چون کسی تب کند بنویس این تعویذ را و بربند در گردن او
بدرستی که خلاص میشود از آن تب باذن خدا تعالی و گفت امام رضا
علیه السلام که شکایت کرد کنیز من از تب و آن کنیز را قدر [illegible]
بود و نزد ما کسی بخواب من آمد و گفت که بفرما آن کنیز را که بگوید
یا ربّاه یا سیّداه صلّ علی محمّد و أهل بیته و اکشف عنّی ما أجد
فإنّ فلان بن فلان نجا من النار بحقّ هذه الدعوة   دیگر برای
تب گفت امام رضا علیه السلام که بجهت سه روز بنویس بر کاغذی
در روز اول بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف إنّك
أنت الأعلی و در روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف نجوت من القوم الظالمین و در روز سیم بسم الله الرحمن الرحیم
ألا له الخلق والأمر تبارك الله ربّ العالمین و کسی که تب میکند
سه روز بخورد این سه کاغذ را هر روز یکی را   از برای تب
بنویس این شکل را بر کاغذی و به بند بر کسی که تب داشته باشد
و شکل اینست   در بیان افسونها و تعویذها
برای جمیع بیماریها روایتست که ائمه معصومین علیهم السلام گفتند
که بنویسید این دعا را بر کاغذی و بربندید بر کسی که تب دارد دعا
اینست اللهمّ إنّی أسئلك بعزّتك و قدرتك و سلطانك
و ما أحاط به علمك أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن لا تسلّط علی

فلان بن فلان و نام آنکس که تب دارد و نام مادر او را بنویس شیئاً
ممّا خلقت بسوء وارحم جلده الرقیق وعظمه الدقیق من فورة الحرّ
أحرجنی بالأمر یا أمّ ملدم یا آکلة اللحم وشاربة الدم حرّها وبردها
من جهنّم إن کنت آمنت بالله الأعظم أن لا تأکلی لفلان بن فلان
یعنی نام آنکس که تب میکند و نام مادر او را بنویسد لحماً ولا تمصّی دماً
ولا تنهکی له عظماً ولا تثوری علیه غمّاً ولا تهیجی علیه صداعاً
وانتقلی عن شعره وبشره ولحمه ودمه إلی من زعم أنّ مع الله
إلهاً آخر لا إله إلّا هو سبحانه وتعالی عمّا یشرکون و بنویسد نام کا
برای کاغذ   برای تبها خصوصاً کاهی که می آید و کاهی که نمی آید
بنویس بر کاغذی این دعا را کما أعیذه بما استعاذ به موسی و إبراهیم
محمّداً صلّی الله علیه و آله من الحمّی والنافض والغبّ والعتیق و
الربع والصداع اللهمّ کما لم تلد مریم بنت غیر عیسی فلا تذر علی
هذا الإنسان من هذه الأورام والأوجاع إلّا نزعته عنه فلا
أقسم بما تبصرون وما لا تبصرون إنّه لقول رسول کریم
أقسمت علیك لما تترکیه ولا تأخذ به و به بند آن کاغذ را بریسمان
و چهار گره بزن طرف ریسمان که جانب راستست و سه گره بزن
آن طرف را که بجانب چپ است و سورهٔ قل هو الله و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از آن بگو که اللهمّ اشف
فلان بن فلان یعنی نام آنکس که تب میکند و نام مادر او را بگو

مِن حمّی یومٍ و یومینِ و ثلثة ایّامٍ و حمّی اربعٍ فانّک تفعل ما ترید
و تحکم ما تشاءُ و انت علی کلّ شیءٍ قدیرٌ بسم الله کتبت
و بسم الله ختمت و علیه توکّلت و هو ربّ العرش العظیم
و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و بعد از ان بر بند آن تعویذ را
بر کردن کسی که تب دارد دیگر برای تب بگیر هفت نخ ریسمان
که از پنبه رشته باشد و بخوان بران ریسمان سورۂ فاتحه و قل
هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هفت
گره بزن آن ریسمان را و بعد از ان به بند آن را بر کردن کسی که تب
می کند و بعضی گفته اند که بر هر گره این سورها باید خواند
دیگر بجهت تب گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آن کسی که
او را تب شود باید که سه روز پی در پی غسل کند و در وقت غسل
کردن بگوید که بسم الله اللّهمّ انّی انّما اغتسلت التماس
شفائک و تصدیق نبیّک چون چنین کند خدای تعالی شفا دهد او را
دیگر برای تب گفت ابن عباس که رسول خدای تعالی تعلیم کرد ما را بجهت
تمام دردها و تب و درد این دعا را و گفت که دست خود را بنهید بران
موضع که درد می کند و بگوید که بسم الله الکبیر اعوذ بالله العظیم
من شرّ کلّ عرقٍ نعارٍ و من شرّ حرّ النّار و چون برداری دست
خود را از ان موضع بگو که بسم الله و بالله محمّد رسول الله
اعوذ بالله و قدرته علی ما یشاء من شرّ ما اجد . حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم برای حضرت فاطمه علیها السلام
بجهت تب و این حرز مخصوص حضرت فاطمه علیها السلام است
و مؤمنانی که اقرار داشته باشند بجز بعضی شیعیان روایتست که
هر مؤمنی که او را تب شود بنویسد این حرز را با خود نگاه دارد شفا
یابد حرز اینست و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم
یا امّ مِلدَم ان کنت آمنت بالله العظیم و رسله الکریم فلا تهشمی
العظم و لا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم اخرجی من حامل کتابی هذا
الی من یؤمن بالله العظیم و رسوله الکریم و آله محمّد و علیّ و فاطمة
و الحسن و الحسین گفت و شاکر آمد مردی نزد حضرت امام رضا
علیه السلام آن حضرت گفت بآن مرد که چیست ترا که رنگ و روی تو
زرد است آمرد گفت که تب ربع چنین ساخت مرا آن حضرت دوات
و قلم طلبید و نوشت که بسم الله الرحمن الرحیم . بسم الله
و بالله . ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان یعنی نام آن مرد و نام
مادر او را پوست باذن الله و بعد از ان در پایین آن نوشته صورت
خاتم سلیمان را هفت بار نوشت و بعد از ان درهم پیچید آن کاغذ را
و گفت که ریسمان بیارید که آب باو نرسیده باشد و آب دهن نیز باو
نرسیده باشد آنچنان ریسمانی آوردند آن حضرت کاغذ را بان ریسمان
بست و بعد از ان گره زد آن ریسمان را و آن ریسمان را نزدیک دهن
آورد و بر یک جانب آن ریسمان چهار گره زد و بر جانب دیگر سه گره زد

و بر جانب دیگر سه گره زد و بر هر گره سورۂ فاطحه و قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی خواند و داد
این تعویذ را بآن شخص که تب ربع داشت و گفت باو که بر بازوی راست
خود بر بند این تعویذ را و در وقت بستن آیة الکرسی و بر هر کن و جماع
مکن با این تعویذ و در روایتی دیگر واقع است که بعد ازان درم بچید
آن کاغذ را و ریسمانی طلبید ریسمان تری آوردند گفت ریسمان خشک بیارید
آوردند پس میان آن ریسمان را گره زد و بر جانب راست آن ریسمان
چهار گره زد و بر جانب چپ سه گره و بر هر گره سورۂ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی خواند و بعد ازان
گفت که بگیر این تعویذ را و بر بازوی راست خود بر بند و جماع مکن
با این تعویذ   دیگر برای تب ربع روایت است که ابو زکریا
خضری ربع می کرد ابو الحسن علیه السلام نوشت باو که بنویس بر دست
راست خود بسم الله جبرئیل و بر دست چپ خود بسم الله میکائیل
و بر پای راست خود بسم الله اسرافیل و بر شانه لا یرون فیها شمسا
و لا زمهریرا   و در میان شانه خود بسم الله العزیز الجبار
تب روایت است که بنویسد بر شانه راست آن کسی که تب میکند بسم الله
جبرئیل و بر شانه چپ بسم الله میکائیل و نیز بر شانه راست او بنویسد
بسم الله اسرافیل و بر شانه چپ او لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا
تب غب و تب غب آنست که یک روز می آید و یک روز نمی آید بگیرد سه برگ از درخت

نوت

نوت و بنویسد بران برگها نام کسی را که تب میکند بر یک برگ طیسوما و بر برگ
دیگر اوحوما و بر برگ دیگر ابرحوما و ببندد آن برگها را در آب و در روایت
دیگر واقع است که بنویسد بر یک برگ ازان برگها حوما و بر برگ دیگر طیسوما
و بر برگ دیگر ابرسوما   بجهت تب بنویسد سورۂ فاتحه و این دعا را
که مذکور است مذکور میشود و ببندد بر بازوی راست کسی که تب میکند
دعا اینست بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة
والهامة والعامة واللامة و من شر طوارق اللیل والنهار و من
شر فساق العرب والعجم و من شر فسقة الجن والانس و من شر
الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا والیک انبنا
والیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا
فجعلناهم الاخسرین کونوا بردا و سلاما علی فلان بن فلان یعنی نام
کسی که تب می کند و نام مادر او را بنویسد و این آیتها را نیز بنویسد که
ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته
علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا
و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی
الله
لا اله الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح
بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا و این دعا را نیز بنویسد

لا اله الا الله وحده لا شريك له صدق وعده ونصر عبده وهزم
الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن انا و
رسلى ان الله قوى عزيز الا ان حزب الله هم الغالبون ومن يعتصم
بالله فقد هدى الى صراط المستقيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

براى جميع دردها و بعضى گفته اند كه اين افسون مخصوص درد
دندان است بنويسد و بخواند اين دعا را كه بسم الله وصلى الله
على محمد وآله الطيبين وبصنع الله الذى اتقن كل شىء انه خبير بما
تفعلون اسكن ايها الوجع سكنتك بمن سكن له ما فى السموات وما فى
الارض وهو العلى العظيم عزمت عليك ايها الوجع بالله اتخذ ابرهيم
خليلا وكلم موسى تكليما وخلق عيسى روح القدس وبعث بالحق
محمدا نبيا لما ذهبت عن فلان بن فلان يعنى نام كسى كه درد دارد و نام
مادر او را بگويد و بنويسد اى مدحوه ولا تعود اليه

از قلنسوه روايتست كه ملك نجاشى دوخت اين حرز را بر طاقيه خود درد
او تسكين يافت حرز اينست كه بسم الله الملك الحق المبين شهد الله انه
لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم لله نور وحكمة وعز وقوة وبرهان وقدرة و
سلطان ورحمة يا من لا ينام لا اله الا الله ابرهيم خليل الله لا اله
الا الله موسى كليم الله لا اله الا الله محمد رسول الله وصفيه وصفوته
وصلى الله على محمد وآله اسكن سكنتك بما سكن له ما فى الليل والنهار

وهو

وهو السميع العليم رخاء حيث اصاب والشياطين الا الى الله تصير
الامور ديگر براى درد سر بنويسد اين آيتها را بر ورقى و به بندد آن
ورق را بر پيشانى و بربندد بر سر آنكس كه درد سر دارد و آيتها اينست
كه بسم الله الرحمن الرحيم الم الله لا اله الا هو الحى القيوم
نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية
والانجيل من قبل هدى للناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا
بآيات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام ان الله
لا يخفى عليه شىء فى الارض ولا فى السماء هو الذى يصوركم فى الارحام
كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم هو الذى انزل عليك الكتاب
منه آيات محكمات هن ام الكتاب واخرج منها مذموما مدحورا

از براى درد سر گفت ابو جعفر عليه السلام كه بجهت درد سر
بنويسد اين دعا را بر كاغذى و به بندد آن كاغذ را بر آن سر كه درد
مى كند دعا اينست كه اللهم انك لست باله استحدثناه ولا برب
يبيد ذكره ولا معك شركاء تقضون معك ولا كان قبلك اله
ندعوه ونتعوذ به ونتضرع اليه وندعك ولا اعانك على
خلقنا من احد فنشك فيك لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك عاف فلانا يعنى نام كسى كه درد سر بنويسد وصلى الله على محمد وآل
بيته وروايتست كه از براى درد سر بنويسد اين دعا را كه اسألك
باسمك الذى قام به عرشك على الماء ان تصلى على محمد وآل محمد وان

تشفینی فلان بن فلان یعنی نام آن کس که درد سر دارد و نام مادر او را
بنویسد من الصداع والشقیقة فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین
عددا واسئلک باسمک الذی به آدم واتممت خلقه ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تشفینی فلانا نام کسی که درد سر دارد بنویسد
بنویسد این کلمات را بر ورقی پس اگر آنکس که درد شقیقه
دارد مرد باشد آن ورق را بر سر خود ببندد و اگر زن باشد بر میان
موی خود بنهد و کلمات اینست که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الارض الی السماء کان هبط جبرئیل فاستقبله الجد
فقال این ترید قال اذهب الی الانسان فاکل لحم عینیه ولا تشرب
من دمه انا الراقی والله الشافی وصلی الله علی محمد واهل بیته وسلم
بگیر اندک پنبه و ترکن آن پنبه را و پنبه بر چشمی که
درد می کند و بگو عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابرهیم   برای درد چشم گفت سلیمان بن عیسی که رفتم
نزد ابی عبدالله علیه السلام دیدم که آن حضرت درد چشم صعبی
دارد غمگین شدم و بیرون آمدم روزی دیگر رفتم نزد آن حضرت
دیدم که چشم آنحضرت هیچ دردی ندارد گفتم فدای تو گردم دیروز
در خدمت تو بودم و تو درد چشم داشتی بحیثیتی که من غمگین شدم
وامروز نزد تو آمدم و هیچ اثری از آن درد چشم باقی نیست آیا چیزی
علاج کردی آن حضرت گفت که نزد من تعویذی بود بآن علاج کردم

کفت آن تعویذ را بمن بیاموز پس نوشت این دعا را که اعوذ بعزة الله
واعوذ بقدرة الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجلال الله واعوذ
ببهاء الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله علی ما اجد واخاف
وعلی عینی واجده من وجع عینی اللهم رب الطیبین فکشفنا
عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم
فقال انی سقیم وصورکم فاحسن صورکم ورزقکم من الطیبات
تبارک الله رب العالمین یا علی یا عظیم یا کبیر یا جلیل
یا منیع یا فرد یا وتر رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا حلیم یا علی
یا جلیل یا جمیل یا فرد یا وتر اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
واسئلک ان لا تدعنی فی قبری فردا وانت خیر الوارثین
وان کنت الا واحد الصلوة فی قبری تمام رزقنی فی حاجة
آمین رب العالمین   خون از بینی آمدن بگیر بینی کسی را
که خون می آید و بخواند و بنویسد این کلمات را که یا من حمل الفیل
من بیتک الحرام اسکن دم فلان بن فلان یعنی نام آن کس که از بینی
او خون می آید و نام پدر او را بگوید و بنویسد با آب خاک بر زرد
رو پیشانی او بدرستی که تسکین می یابد باذن خدا تعالی
درد دندان روایت کرده است سکونی که گفت ابو عبدالله علیه السلام
که امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که در هر که درد دندان داشته باشد

باید که بگیرد اندکی خاکی از موضع سجود خود و بمالد آن خاک را بران
موضع که درد می کند و بگوید که بِسْمِ اللّٰهِ وَالْكَافِی اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ   از برای درد دندان گفت امام در افسون
که بگیرد کاروی یا برگ درخت خرما و بمالد آنرا بجائی که درد می کند
وهفت بار بگوید که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِبْرٰهِیْمُ خَلِیْلُ اللّٰهِ اُسْكُنْ یَا اَرْیُ سَكَنَ مَا فِی اللَّیْلِ
وَالنَّهَارِ بِاِذْنِهٖ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وگفت ابن عباس که رسول
خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ فرمود که آنکسی که درد دندان داشته
باشد باید که بنهد انگشت خود را بران دندان که درد می کند وهفت
بار این آیه را بخوان که هُوَ الَّذِیْ اَنْشَاَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ
وَالْاَفْئِدَةَ قَلِیْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ   دیگر برای درد دندان روایتست
که افسون کرد جبرئیل علیه السلام امام حسین علیه السلام را در وقتی
که دندان آنحضرت درد می کرد باین طریق که نهاد چوبی یا آهن بر دندان
آن حضرت وهفت بار خواند این دعا که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
العجب كل العجب دودة تكون فی الفم تاكل العظم وتنزل الدم انا الراقی
وَاللّٰهُ الشَّافِی وَالْكَافِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ فَقُلْنَا
اضْرِبُوْهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ یُحْیِ اللّٰهُ الْمَوْتٰی وَیُرِیْكُمْ اٰیٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ
از برای درد دندان گفت مفضل بن عمر که رفتم نزد ابی
عبد الله علیه السلام و دندان من درد می کرد پس شکایت کردم نزد آن

حضرت از درد دندان آن حضرت گفت که نزدیک من بیا نزدیک آن
حضرت رفتم انگشت شهادت خود را نهاد بران دندان که درد می کرد و
آهسته چیزی خواند در حال درد تسکین یافت گفت بمن که ای فضل
درد دندان تو تسکین یافت گفتم بلی پس تبسم کرد گفتم می خواهم که این
افسون را بمن بیاموزی آن حضرت گفت که حضرت فاطمه نزد رسول
خدا آمد و شکایت کرد از درد دندان آن حضرت انگشت شهادت
راست خود را نهاد بران دندان حضرت فاطمه را که درد می کرد و گفت
که بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ
عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ اِنَّ مَرْیَمَ لَمْ تَلِدْ غَیْرَ عِیْسٰی رُوْحِكَ وَكَلِمَتِكَ اِنْ تَكْشِفَ
مَا تَلْقٰی فَاطِمَةُ بِنْتُ خَدِیْجَةَ مِنَ الضُّرِّ كُلِّهٖ پس تسکین یافت درد
دندان حضرت فاطمه همچنانکه تسکین یافت درد دندان و تو من
زیاده نکردم چیزی برین دعا   از برای درد دندان گفت
عطا که شکایت کردم نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد دندان
آن حضرت گفت که بران دندان که درد می کند هفت بار بخوان این
دعا را که بِسْمِ اللّٰهِ اُسْكُنْ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَكَ فَاِنَّهٗ قَادِرٌ
مُقْتَدِرٌ عَلَیْكَ وَعَلَی الْجِبَالِ اَنْبَتَهَا وَاَنْبَتَكَ فَقَرِّحْنِیْ یَاْتِیْ مِنْكَ اَمْرُهٗ
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ   از برای درد شکم روایتست که آمد
مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام و گفت که شکم من درد می کند آن
حضرت گفت که آیا زنی داری آن مرد گفت بلی آن حضرت گفت که از مال زن

خود چیزی بطلب که زنت بآن خوشحال شود و بآن چیز عسل بخور و آن عسل را
بآب باران بیامیز و بیاشام بدرستی که خدای تعالی شفا میدهد زیرا که فرموده
است در کتاب خود که وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا یعنی فرو فرستادیم
از جانب آسمان آبی مبارک یعنی آبی بسیار منفعت و گفته است که یَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از شکمهای
زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند رنگهای او در آن عسل
شفاست مردمان را و گفته است فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ
هَنِيئًا مَرِيئًا یعنی اگر ببخشند زنان شما از کابین بشما بطیب نفس خود و دلی
پس بخورید آن چیز را که گوارنده و سازگار و خوشگوار است شما را پس هرگاه
جمع شود برکت و شفا و گوارندگی شفا میدهد خدای تعالی ان شاء الله تعالی
آن مرد گفت که آنچه امیر المؤمنین فرمود بجای آوردم شفا یافتم
برای درد پهلو روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت که وقتی که پهلوی شما درد کند سزاوار آنست که سه بار دست
خود را بر پهلوی خود بمالید و هر بار بگوید که أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ
وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که وقتی که پهلوی تو درد کند بمال دست خود را بر آن
پهلو که درد می کند بگو که بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي
و بعد از آن سه بار دست خود را بر آن پهلو بمال و بگو که بسم الله

بجهت

بجهت نفخی که در شکم پیدا می شود گفت یونس بن یعقوب که گفتم که
بابی عبدالله علیه السلام که فدای تو گردم در شکم من نفخی پیدا
شد و درد می کند آن حضرت گفت که چکار کنی یاد کن خدای تعالی را
گفتم چگونه یاد کنم گفت بگو یَا اللَّهُ یَا رَبِّي یَا رَحْمَنُ یَا رَبَّ الْأَرْبَابِ
وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ   بجهت پیچش شکم
و نفخی که در اندرون آدمی پیدا می شود و چون شکم تو درد کند
و پیچش پیدا کند بگو که بِسْمِ اللَّهِ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ
مُوسَى تَكْلِيمًا وَبَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا و بعد از آن سه بار بگوید
که یَا رِیحُ اخْرُجِی بِإِذْنِ اللَّهِ   برای علتی که در شکم آدمی
پیدا شود گفت امام موسی علیه السلام که بنویسید سوره فاتحه
و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
و بعد از آن بنویسید که أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَعِزَّتِهِ الَّتِي
لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ
مَا فِيهِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ   برای درد شکم و غیر
آن از دردها بنهد دست خود را بر آن موضع که درد می کند و هفت
بار بگوید أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و دست
راست خود را بر همان موضع بنهد و سه بار بگوید که بسم الله
برای زحیر شکم گفت عثمان بن عیسی که شکایت کرد مردی نزد

ابی الحسن علیه السلام و گفت کرا اسهال دارم هرچند سعی میکنم نمی بستد
آن حضرت گفت که چون فارغ شوی از نماز شب بگو که اللهم ما
کان لی من خیر فمنك لا احمد لی اعوذ بك ان ان کل ما احمد لی
فیه او امن ما لا عذر لی فیه برای درد رحم روایتست که
زنی درد رحم داشته باشد بخواند این دعا را چنانکه کسی نشنود
و بنویسد و با خود نگاه دارد شفا یابد دعا اینست که بسم الله
وبالله الذی باذنه قامت السموات والارض فان مریم
بنت عمران لم یضرها وجع الارحام ومن وجع عروق الارحام
اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله المستغاث
بالله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء
قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما که مه سه ی
ماما مه سه سه وه لـه ماسه که بسم الله
الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم فی التوریة
ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوی
علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا
وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظیما اجیبوا اعزمت
علی سابقة الکلام الاجابة هذا الخاتم بعزائم الشداد التی تزهق

الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فواد اجب باسم الله الذی
قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
وصلی الله علی محمد واله الطاهرین بخنازیر گفت امام رضا علیه السلام
که از کردن کنیز یا خنازیر بیرون آمد شخصی آمد و گفت یا علی کنیز را بگو
که یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی بکرم بس آن کنیز این کلمات
گفت و شفا یافت بجهت بول کردن در خواب بنویسد بر روی
که و بر بند دبر انکس هفت هف مد هد هف هف هاب هاب اما الله
کف کف هف هفف هفف سهم معر قل هو الله احد الغالب
من حیث یسحر العدو وابلیس شیخ لبنی ادم کما الذی سجد لادم الملائکة
باذن الله انه کریمة بنت کریمة وولد فلان بن فلان ه ه ه ه ه
ه ه شددت شددت سورة سورة صفه هفه ختمت بخاتم سلیمان
بن داود لله رب العالمین دیگر بجهت بول کردن در خواب
و ترسیدن در خواب بنویسد و نگاه دارد و بخواند این دعا را که
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله
النبی الامی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه واله وسلم
الی من حضر الدار من العماد اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان
یکن فاجرا مقتحما او داعی حق مبطلا او من یؤذی الولدان ویفزع
الصبیان ویبکیهم ویبلوهم علی الفراش فلیمنعوا الی اصحاب الاصنام
والی عبدة الاوثان ولیخلوا عن اصحاب القران فی جوار الرحمن ومخاری

الشيطان وعن ايمانهم الفرار وصلى الله على محمد وآله عليهم السلام

از برای ترسیدن در خواب بنویسد و بخواند این آیتها را که شهد الله

انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله فان

الله سريع الحساب الله لا اله الا هو الحی القيوم لا تأخذه سنة

ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذی يشفع عنده

الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشیء

من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده

حفظهما وهو العلی العظيم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما

تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلوتك ولا تخافت بها

وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذی لم يتخذ ولدا ولم يكن

له شريك في الملك ولم يكن له ولی من الذل وكبره تكبيرا

ان ربكم الله الذی خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى

على العرش يغشی الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم

مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين لقد جاءكم

رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين

رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو عليه توكلت

وهو رب العرش العظيم قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن

و

والمن والتحرة قل الله الواحد القهار اليوم تجزی كل نفس بما كسبت

لا ظلم اليوم ان الله سريع الحساب لمن الملك اليوم لله الواحد

القهار   از برای دشوار زائيدن گفت امام جعفر صادق عليه السلام

که چون زنی دشوار زاید بنویسد این دعا را بر ورقی و بر بندید

بران زن فرزند باسانی متولد شود دعا اینست که اللهم فارج الهموم

وكاشف الغموم ورحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما ارحم فلانة بنت فلانة رحمة تغنيها بها عن رحمة جميع

خلقك تفرج بها كربتها وتكشف بها غمها وتيسر ولادتها وقضی

بينهم بالحق وهم لا يظلمون وقيل الحمد لله رب العالمين

بجهت دشوار زائيدن هر گاه زنی با چهار پائی زاید باید که بخوانید

بروی یا خالق النفس من النفس ومخلص النفس من النفس اخلصه

بحولك وقوتك   بجهت دشوار زائيدن بنویسد این شکل

بر دو سفالی که آب برو نرسیده باشد و بنهد آن سفالها را در زیر

پای آن زن بدرستی که در حال فرزند متولد شود و شکل اینست

۲	۴	د
۱	ه	ط
و	۳	۳

و در روایتی واقع است که بنویسد این شکل و بربندد

بران راست آن زن شکل اینست

اخرج ... من هذا المجلس ادلا

۴	۹	۲
۳	۵	۹
۸	۷	۴

و بنویسد بر کاغذی این دعا را و به بندد

بران چپ آن زن دعا اینست

منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها

نخرجكم تارة اخرى يا خالق النفس

فرج عنها پس آن فرزند بی عیب و تمام اعضا متولد شود ان شاء الله تعالی

از برای دشوار زائیدن بنویسد بر پشت کپل این صورت را
و بنشینند بر بالای آن کپل زنی که دشوار زاید بدرستی که چون
چنین کند فرزند زود و آسانی متولد شود ان شاء الله تعالی و قاعده
نوشتن این صورت آنست که در سطر اول لفظ اثنین را بنویسد و بعد
از آن ثلثه را بنویسد و بعد از آن اربع را و در سطر دوم اول ثلثه را
بنویسد و بعد از آن اثنین را بنویسد و بعد از آن اربعه را تا خانه صحت
بد بدو صورت اینست

اربعه	ثلثه	اثنین
اثنین	ثلثه	اربعه

برای رشته بکند اندک
پشم از شتری بی اینکه بکارد یا بیماراض به بردو از آن
پشم انکه ریسمان بتابد و هفت گره زند برای ریسمان و بر هر گرهی سه بار
سوره فاتحه بخواند و بعد از آن سه بار این دعا را بر وی بخواند که
بسم الله الابد الابد المحصی العدد القریب لما بعد الظاهر عن الولد
العالی عن ان یولد المنجز لما وعد لعزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخفیة
یا من السموات بعد رتبه مزحات یا من الارض بعزته مدحوة یا من
الجبال بارادته مرساة یا من نجی به صاحب الفرق من کل آفة و
بلیة صلی الله علیه و آله علی محمد خیر خلقک و اشف اللهم فلان
بن فلانه یعنی نام کسی که رشته دارد و نام مادر او را بگوید بشفائک
و دواه بدوائک و عافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء و انت

ارحم الراحمین

ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله

بجهت ورم جراحت

روایتست از بعضی ائمه معصومین علیهم السلام که بگیرد کاردی
و بمالد بر موضعی که ورم و جراحت دارد و بگوید بسم الله
ارقیک من الحد و الحدید و من اثر العود و من الحجر الملبود و من
عرق العاشر و من الورم الاخر و من الطعام و حره و من الشراب
و برده بسم الله فتحت و بسم الله ختمت و بعد از آن فرو برد
آن کارد را در زمین

از برای ثولول و آنرا زخ گویند

گفت امام رضا علیه السلام که نظر کن باول ستاره که وقت شام
نمایان شود و بر دارد اندک خاکی و بمال ثولول و بگوید بسم الله و
بالله زاینتی و لم ارک سوء نظرک الله یخفی اثرک ارفع تا البلی معک
و باید که دیگر نظر نکنی در آن ستاره

برای کلف و کلف ترکی و سیاهی

است که در روی آدمی پیدا می شود خط مدوری بر گرد کلف بکشد
و بعد از آن در میان آن خط بنویسد که یوتا ترتاتا ادعی اصوانا
و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون

برای کلف بنویسد در صباح بر موضعی که کلف دارد در وقتی
که آن شخص بر نهار باشد این کلمات را که هر یقة حتی تحت الطریقة
بجهت کلف بنویسید در صباح بر نهار این کلمات را بر موضعی که
کلف دارد قهر بید فهرا بید کر هن کر وهن سلا دخسله یا دیحی الملک
القدوس

برای آبله اطفال بنویسید این صورت را

بر بازوی کسی که ابله دارد بدرستی که ابله بیرون نیاید

از برای آبله بنویسد این شکل را چهار در چهار و به بندد بر کسی که آبله دارد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
[illegible]	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که هر که در وقت شام این دعا بخواند عقرب و مار او را نگزد بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَخَذْتُ الْعَقَارِبَ وَالْحَیَّاتِ کُلَّهَا بِإِذْنِ اللهِ تَبَارَکَ وَتَعَالَی بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَقُوَاهَا عَنِّی وَعَمَّنْ أَحْبَبْتُ إِلَی ضَحْوَةِ النَّهَارِ

دیگر برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که آنکسی که این دعا بخواند مار و عقرب او را نگزد بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی فِی کَنَفِکَ وَفِی جِوَارِکَ وَاجْعَلْنِی فِی حِفْظِکَ وَاجْعَلْنِی فِی أَمْنِکَ

دیگر برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که آمدند جماعتی بخدمت حضرت امام رضا شکایت کردند از عقرب آن حضرت گفت که هفت بار در صباح و هفت بار در شام بخوانید این دعا را أَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ کُلِّهَا الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ الَّذِی لَا یَخْفَرُ جَارُهُ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَشِرْکِهِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ و گفت ابو جعفر علیه السلام که هر که این دعا بخواند در وقت شام نگزد او را

هیچ عقرب و گزنده تا صباح

حضرت سلیمان علیه السّلام برای گرفتن مار بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ خاتَمُ سُلَیْمَانَ بْنِ داود اخ دماسکه ملائکه هبواسوما روانا وادا فوادی فوادی هدیا بِسْمِ اللهِ خاتَمٌ وَبِاللهِ الخاتم چون این افسون را سه بار بر باد بخوانی مار بایستد و زبان خود را بیرون کند پس اگر خواهید می توانید که او را در آن وقت بگیرید و هر گاه خواهید که مار در خانه نیاید منزل تو بنویس این افسون را بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ هجة و سجة یهوط محا و طود بر چهار رقعه و دفن کن آن رقعها را در چهار کنج منزل خود

برای عقرب گفت اسحق بن عمار با بی عبد الله علیه السّلام که من از عقرب می ترسم آن حضرت گفت که نظر کن بنات النعش را و آن سه ستاره در پهلوی ستاره میان خود دیست که عرب آنرا سهی میگویند و ما که عجمیم آنرا اسلم میگوئیم پس هر شب نیز نظر کن در آن ستاره و سه بار بگو که اللّٰهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا اسحق بن عمار گفت که ترک نکردم خواندن این دعا را در مدت عمر مگر یکبار و در آن شب عقرب گزید مرا

دیگر برای عقرب بنویسد این افسون را صباح روز پنجم اسفندار ماه در حالی که بوضو باشید و سخن نگنید تا آنکه فارغ شوید از نوشتن آن آنگاه دار بدان نوشته را با خود بدرستی که هر چون این کار کند عقرب نگزد او را افسون اینست که بِسْمِ اللهِ تحجة نحجة قرینة برینة ملحه قطعا قطعا قطعه و این افسون را

مار نیز روایت کرده اند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
که اگر کسی بنویسد این افسون را و بنهد در شکافی دیوار خانه آن دیوار دو
پاره شود و بشکند و گفت ابرهیم نخعی که گزید کردن مرا ماری پس افسون
کردم الاسود بن یزید باین افسون و من خلاص شدم   کیک
روایتست که آمدند جماعتی بخدمت حضرت پیغمبر و شکایت کردند از
کیک آن حضرت فرمود که وقتی که جا گیرید در فراش جهت خواب بگوئید
که ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک
بام الکتاب ان لا تؤذونی و لا اصحابی الی ان ینقض اللیل و یجئ الصبح
بما جاء به و الذی نعرفه الی ان یؤوب الصبح بما آب
برای بنده که گریخته باشد بنویس بر ورقی این دعا را که بسم الله الرحمن الرحیم
یا فلان یعنی نام آن بنده را بنویس مغلولة الی عنقه اذا اخرج یده لم یکد یریها
و لمن لم یجعل الله له نورا فما له من نور و بعد از آن در هم بپیچ آن ورق را
و به بنه در میان دو چوب و بعد از آن بگذار آن نوشته را در طاق
خانه تاریکی که آن بنده در آن خانه می بود   برای علی که در دم
چهار پا پیدا می شود بگیر پاره پشمی که آب باو نرسیده باشد و بتاب آنرا
و هفت گره بزن بران و هر گره که میزنی بگو خرج عیسی ابن مریم علی حمار له
ثم لم یدخل و لم یرهض انا ارقیک والله عزوجل یشفی و بر بند آن ریسمان را
بر سمی که علت دارد برای سحر گفت محمد بن عیسی که پرسیدم از امام رضا
علیه السلام که آیا سحر می باشد و اثری دارد آن حضرت گفت بلی می باشد

وساحران ضرر می رسانند باذن خدا تعالی پس وقتی که سحر کنند ترا بردار دست
خود را برابر روی خود و بخوان بر دست خود این کلمات را که بسم الله
العظیم رب العرش العظیم الا ذهبت و انقرضت و گفت مردی که
پرسیدم از امام رضا علیه السلام که آیا زخم می باشد آن حضرت گفت
بلی می باشد پس هرگاه بتو چشم زخمی برسد دست خود را برابر روی خود
و سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس بخوان و بمال هر دو دست خود را بر پیشانی بدرستی که نفع میدهد
باذن خدا تعالی   و روایتست که کسی پرسید از ابی عبدالله
علیه السلام که اثر و خاصیتی هست سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را آن حضرت گفت که لبید بن اعصم الیهودی
سحر کرد رسول خدا را پس جبرئیل بخدمت آن حضرت آمد و این
دو سوره را آورد آن حضرت ریسمانی طلبید و دوازده گره زد بر آن
ریسمان و طلبید امیر المؤمنین علی علیه السلام را و داد با امیر المؤمنین
علی علیه السلام ریسمان را که آن حضرت بر و دوازده گره زده بود
و گفت برو در چاه ذروان و این دو سوره را بخوان و بعد دم آن
گرهی بگشا از این ریسمان پس حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
رفت و این کار کرد و بیرون آورد از چاه آن چیزی را که سحر کرده بود
لبید پس سحر او باطل شد و گفت ابن عباس که لبید بن اعصم الیهودی
سحر کرد رسول خدا را و پنهان کرد در چاه بنی زریق آن حضرت بیمار شد

پس آن حضرت در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی بر بالای سر آن حضرت نشست و دیگری بر پائین پا و خبر دادند بآن حضرت در خواب که لبید سحر کرده است و چیزی که بآن سحر کرده است در چاه ذروان در پوست شکوفه ایست و در زیر سنگی است که در ته چاه است پس بیدار شد آن حضرت و فرستاد امیر المومنین علی علیه السلام و زبیر و عمار را پس ایشان رفتند و کشیدند آب آن چاه را و آن سنگ را برداشتند و بیرون آوردند آن پوست شکوفه را پس در موی سر آن حضرت بود و دندانه آن حضرت نیز بود و آن موی را یازده گره زده بود و سوزن در آن گرهها فرو برده بود پس داشتند آنها را و بخدمت حضرت پیغمبر آوردند پس جبرئیل فرود آمد و سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و خواند این دو سوره را و هر آیه که میخواند ازین دو سوره گرهی میکشاد چون گرهها بتمام کشوده شد رسول خدا در خود سبکی و خفتی یافت و برخواست و جبرئیل علیه السلام می گفت بِسْمِ اللهِ اَرْقِیکَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ یُؤْذِیکَ مِنْ حَاسِدٍ وَعَیْنٍ وَاللهُ یَشْفِیکَ برای سحر بنویسید این آیه را بر ورقی و به بندد بر آنکسی که سحر کرده اند او را و قال موسی ما جئتم بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللهَ سَیُبْطِلُهُ اِنَّ اللهَ لَا یُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِینَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا صَاغِرِینَ دیگر برای سحر هفت بار بخواند این آیه را سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِاَخِیکَ

وَنَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَانًا فَلَا یَصِلُونَ اِلَیْکُمَا بِآیَاتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَکُمَا الْغَالِبُونَ و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که زنی گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که من شوهری دارم و دوست نمی دارد مرا و من سحر کردم که دوست دارد مرا آن حضرت گفت وای بر تو کاری کردی که لعنت می کنند بر تو فرشتهای آسمان و زمین آن زن چون این سخن بشنید از آن حضرت روز روزه میداشت و شب بعبادت مشغول میشد و سر خود را تراشید و پلاس پوشید بجهت عملی که کرده بود پس خبر رسید برسول خدا که آن زن این کارها کرد آن حضرت گفت که اینها قبول نیست کسی گفت یا رسول الله چرا قبول نیست آنحضرت گفت که بجهت آنکه سحر و نیرنگ نزدیکند بهم و خدای تعالی نیرنگ را نمی آمرزد پس سحر را نیامرزد برای چشم زخم گفت زراره که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی را که چشم رسیده باشد می باید دمید بر سوراخ راست بینی او چهار بار و در جانب سوراخ چپ سه بار و بعد از آن می باید گفت که بِسْمِ اللهِ لَا بَاسَ اَذْهِبِ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ اَنْتَ الشَّافِی لَا یَکْشِفُ الْبَاسَ اِلَّا اَنْتَ و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که اگر چیزی سبقت میگرفت بر چیزی که مقدر شده است چشم زخم می بود برای چشم زخم بخواند سورهٔ فاتحه را و بنویسد این دعا را که بِسْمِ اللهِ اُعِیذُ فلان بن فلانه یعنی بنویس نام آنکس و نام مادر او را بکلمات الله

کرد

النفاثات من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن کل عین ناظرة واذن
سامعة ولسان ناطق ان ربی علی صراط مستقیم ومن شر الشیطان
وعمل الشیطان وخیله ورجله وقال یا بنی لا تدخلوا من باب
واحد وادخلوا من ابواب متفرقة وگفت معمر بن خداد که در
خدمت حضرت امام رضا علیه السلام می بود آن حضرت فرمود
مرا که از برای او بوی خوش بیارم چون آوردم در عجب آورد او را آن
بوی خوش و متوجه آن شد و گفت بمن که ای معمر چشم زخم می باشد
بنویس در رقعه سورهٔ فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی را و بنه در غلاف شیشهٔ بوی
خوش و گفت ابو عبد الله علیه السلام که چشم زخم می باشد و ایمن
مباش از چشم خود بر خود و بر دیگران پس هرگاه بترسی از چشم کردن
خود را یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و نیز گفت که وقتی مهیا شوید بجهت بیرون رفتن از منزل برو
که در عجب آورد شما را باید که در وقت بیرون رفتن از منزل سورهٔ
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوانید بدرستی که ضرر
نمی رسد بشما از چشم باذن خدای تعالی و نیز گفت که آنکسی که در عجب آورد او را
چیزی از برادر مومن باید که دعای خیر و برکت کند بدرستی که چشم زخم
می باشد   برای چشم زخم بنویسید این دعا را و باخود نگاه دارد
چشم کار نکند باو و دعا اینست که اللهم رب مطرحا بس و حجر یابس و لیل

دابر و نطب و یابس رد العین عین المعیان علیه فی کبده و نحره
و ماله فارجع البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین
ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر

در بیان حرزها   حضرت امیر المومنین علیه الصلوة والسلام

روایتست که آن کسی که این حرز را بنویسد و باخود نگاه دارد ایمن شود
از سحر و مانند آن و از صرع و زهر و شر سلطان و شر شیطان و جمیع
آنچه آدمی از او می ترسد و از ترس دزد و درنده و مار و عقرب و جمیع
چیزهای که ایذا میرساند بآدمی و در کتاب مهج الدعوات مذکور است
که بر بازوی راست می بایست بست و حرز اینست که بسم الله الرحمن الرحیم
ای کبوس ای کبوس اره س عطسطلح یا مصطرون مر یالسون ماو ما
ساماش یا طیطسا لوس حنطوس مسمعلس مساصعوس ارفغطو
لطموس هذا و هذا و ما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی
الامر و ما کنت من الشاهدین اخرج بقوة الله منها ایها اللعین
بعزة رب العالمین اخرج منها و الا کنت من المسجونین اخرج
منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین
اخرج منها مذءوما مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت
و کان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج یا سورا
یا سوراسور بالاسم المخزون یا ططرون طرعون مراعون تبارک
الله احسن الخالقین یا هیا یا هیا شراهیا حیا قیوما بالاسم

المكتوب على جبهة اسرافيل اطردوا عن صاحب هذا الكتاب
كل جف وجنيه وشيطان وشيطانه وتابع وتابعه وكل متعبثه
وعابث يعبث يابن آدم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين .

حرحرحرحر
حرحرىمرىمرحه حلدا سل وسرحلدا سل   حضرت امام
زين العابدين عليه السلام در كتاب مهج الدعوات مذكوراست
كه آن حضرت هر صباح وهر شام مى خواند اين حرز را كه بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله سددت افوات الجن والانس والشياطين والسحرة
وابالة الجن والانس والسلاطين ومن يلوذ بهم بالله العزيز
الاعز وبالله الكبير الاكبر بسم الله الظاهر الباطن المكنون المخزون
الذى قام به السموات والارض ثم استوى على العرش بسم الله الرحمن الرحيم
ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون وقال اخسئوا فيها ولا
تكلمون وعنت الوجوه للحى القيوم وقد خاب من حمل ظلما وخشعت
الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا على قلوبهم اكنة
ان يفقهوه وفى اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك فى القرآن وحده
ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين
الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا من بين ايديهم

سدًّا ومن خلفهم سدًّا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اليوم نختم على افواههم
وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون لو انفقت ما فى
الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز
حكيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
حضرت
امام رضا عليه السلام واين حرز را رقعة الجيب ميگويند گفت حضرت
امام رضا عليه السلام كه رقعة الجيب تعويذ است براى همه چيز
وآن كسى كه اين حرز را بنويسد ونگاه دارد در گريبان جامهٔ خود
جميع بلاها از و رفع شود از شر شيطان دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا قال اخسئوا فيها ولا تكلمون
اخذت بسمعك وبصرك بسمع الله وبصره واخذت قوتك
وسلطانك بقوة الله وسلطانه الحاجز بينى وبينك بما حجز به
انبيائه ورسله وسترهم من الفراعنة وسطواتهم جبرئيل عن
يمينى وميكائيل عن يسارى ومحمد امامى والله محيط بى يحجزك
عنى ويحول بينك وبينى بحوله وقوته وحسبى الله ونعم الوكيل
ما شاء الله كان وما لم يشاء لم يكن وآية الكرسى را بنويسد
واين كلمه را نيز بنويسد كه لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
از امير المومنين على عليه السلام بسم الله وبالله
رب احترزت بك توكلت عليك وفوضت امرى اليك رب
لجانب ضعف ركنى الى قوة ركنك مستجيرا بك مستنصرا لك مستعينا

علی ذوی التعزز علی والقهر والقوة علی ضیمی والاقدام
علی ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جارک رب
فاقهر عنی قاهری بقوتک واوهن عنی مستوهنی بقدرتک
واقصم عنی ضائمی ببطشک رب فاعذنی بعیاذک بک
امتنع عائذک رب وادخل علی ذلک کله سترک ومن
یسترک فهو الامن المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا من یک ذا حیلة فی نفسه او حول
فی تقلبه او قوة الی امره فی شیء سوی الله عز وجل فان
حولی وقوتی وکل حیلتی بالله الواحد الاحد الصمد الذی
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کل ذی ملک فمملوک
الله وکل مقتدر قواه بقدرة الله وکل ظالم فلا محیص من عند الله
کل متسلط فیها مد لسطوة الله کل شیء ففی قبضة الله کل صغر
کل جبار فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استظهرت
علی کل عدو وذرات فی نحر کل عات بالله ضربت باذن
الله بینی وبین کل مترف ذی سطوة وجبار ذی نخوة ومتسلط
ذی قدرة وعات ذی مهلة ووال امرة وحاسد ذی ضیعة
وماکر ذی مکیدة وکل معان او معین علی بقالة مغربة او
حیلة مؤذیة او سعایة مشلبة او علیة مرذیة وکل

طاغ ذی کبریاء ومعجب ذی خیلاء علی کل نفس فی کل مذهب
واعددت لنفسی وذریتی منهم حجابا بما انزلت فی کتابک
واحکمت من وحیک الذی لا یؤتی بسورة من مثله وهو
الکتاب العدل العزیز الجلیل الذی لا یاتیه الباطل
من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید.
ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما
کثیرا دیگر روایتیست که این حرز را جهت تب
می باید نوشت که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله
الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من
النور وانزل النور علی الطور بقدر مقدور علی نبی محبور
الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی
السراء والضراء مشکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین
این حرزیست که تعلیم کفته است حضرت فاطمه علیها السلم
بسلمان فارسی رحمت الله علیه وگفت سلمان که آموختم
این حرز را بزیادة از هزار کس از اهل مکه ومدینه که تب میکردند
پس ایشان شفا یافتند وبه برکت این حرز باذن خدا تعالی
وچون این کتاب محل ذکر حرزهای طویل نبود اختصار کردیم باین

حرزهای مختصر   در بیان چیزهای نادر که درین
کتابست و درین باب هفت فصل است   در ذکر
حقوق فی حضرت امام زین العابدین علیه السلام بیان فرموده
است روایت کرده است اسمعیل بن فضل از ثابت بن دینار
و او روایت کرده است از سید عابدین علی بن الحسین که گفت
که حق حق تعالی بر تو آنست که بپرستی او را و شریک نکردانی
با او چیزی را پس وقتی که این کار با خلاص کنی خدا تعالی کفایت
می کند کار دنیا و آخرت تو را و حق نفس بر تو آنست که مشغول
کردانی او را بطاعت خدا تعالی و حق زبان بر تو آنست که نکاه
داری او را از فحش کفتن و عادت دهی او را بکفتن سخنان خیر
و ترک کردن سخنان بی فائده و نکوئی کردن و حق کوش بر تو
آنست که او را نکاه داری او را از شنیدن چیزی که حرام است
شنیدن آن و حق چشم آنست که نظر نکنی آن چیزی را که حرام است
بر تو دیدن آن و بنظر عبرت نکاه کنی در چیزها و حق دست آنست
که چیزی که حلال نباشد نکیری و حق پا آنست که نروی بسوی
انچه حلال نباشد تا از پل صراط باسان بکذری و نلغزد پای تو
و در دوزخ نیفتی و حق شکم آنست که حرام نخوری و از حلال زیاده
از انچه سیر می شوی نخوری و حق فرج آنست که نکاه داری او را
از زنا و از انکه نظری نامحرمی بر وی فکند و حق نماز آنست که در وقت

نماز

نماز نزد خدا تعالی ایستاده پس وقتی که دانستی این را بایستی در
نماز همچون ایستادن کسی که خوار و حقیر و ترسنده و امیدوار
باشد و فروتنی و تضرع و زاری نماید و بزرگ داند آنکسی را
که پیش او ایستاده است بسکون و وقار و توجه میکنی بنماز
بدل و ادا میکنی نماز را بشرایط و حقوق او و حق حج آنست
که بدانی که میروی نزد پروردکار خود و می کریزی بسوی
او و پناه می جوئی باو از کناهان خود و بدانی که در حج قبول
می شود توبه تو و عمل می کنی که خدای تعالی بر تو واجب کردانیده
است و حق روزه آنست که بدانی که در روز روزه نکاه می باید
داشت و کوش و چشم و شکم و فرج خود را از نامشروعات تا آنکه
روزه نکاه دارد ترا از آتش دوزخ پس اکر روزه نداری حق تعالی
ترا بدوزخ می برد و حق صدقه آنست که بدانی که صدقه ذخیره
توست نزد پروردکار تو و امانت توست نزد خدا تعالی که
احتیاج بکواه نیست و بدانی که صدقه را پنهان دادن ثواب
بیشتر است از آشکار دادن و بدانی که صدقه دفع می کند بلاها
و بیماریها از تو در دنیا و دفع می شود از تو آتش دوزخ در
آخرت و حق هدیه دادن آنست که از برای خدا تعالی بدهی
و غرض تو آن باشد که برحمت خدا برسی و نجات یابی در روز
که ملاقات میکنی به پروردکار خود یعنی در روز قیامت و حق

سلطان آنست که بدانی که تو عاجزی در دست او و او مرتبتی
که می‌خواهد بتو می‌تواند کرد پس واجبست که پر تو کاری نکنی
که سلطان خشم گیرد بر تو و خود خود را در هلاکت بیندازی
و شریک باشی در بدی که از سلطان بتو میرسد وحق معلم
بر تو آنست که تعظیم کنی او را و با ادب باشی در مجلس او و متوجه
باشی باو و نیکو گوش کنی سخنان او را و در مجلس او آهسته سخن
نکنی بکسی و نزد او کسی را غیبت نکنی و وقتی که بدی او را نزد تو
ذکر کنند منع کنی و به پوشی عیبهای او را و ظاهر کنی نیکوییهای
او را و منشین با دشمن او و دشمنی مکن با دوست او پس وقتی
که چنین کنی گواهی دهند برای تو فرشتها که قصد تو ازین طلب
علم رضای خدا تعالی است نه رضای خلق وحق آن کسی که
سیاست میکند ترا بجهت ملک آنست که فرمان برداری او کنی
و نافرمان برداری او نکنی مگر چیزی که خشم گیرد خدا تعالی را بآن
بدرستی که جائز نیست که فرمان برداری مخلوق در چیزی که
موجب نافرمانی خالق شود وحق رعیت بر سلطان آنست که
بدانی که ایشان رعیت تو اند بجهت ضعف ایشان و قوت تو
پس واجبست که عدل کنی با ایشان و نسبت با ایشان همچو پدر
مهربان باشی و شتاب نکنی بعقوبت ایشان و شکر خدا تعالی
بگوئی که ترا حاکم گردانید بر ایشان وحق آنهای که تعلیم علم می‌کنند

از

از تو آنست که بدانی که حق گردانیده است ترا معلم ایشان و داده
است این علم را بتو از خزانهٔ خود پس اگر نیکو تعلیم کنی مردمان
و دروغ نگوئی و درشتی نکنی با ایشان در وقت تعلیم زیاده گرداند
حق تعالی علم و دانش ترا از فضل و کرم خود و اگر منع کنی مردمانرا
از علم خود و دروغ گوئی با ایشان در وقت تعلیم واجبست
بر خدا تعالی که ببرد علم و رونق او را از تو و بی اعتبار و خوار
گرداند ترا در نظر مردمان وحق زن بر تو آنست که بدانی
حق تعالی گردانیده است او را مونس و مصاحب تو و بدانی
که این نعمتی است که حق تعالی بتو داده است پس باید که گرامی
داری او را و ملائمت کنی با او و اگرچه حق تو بر وی بیشتر است
اما واجبست که رحم کنی بر طعام و پوشش بدهی او را زیرا که
او اسیر است ترا و اگر از روی نادانی کاری کند عفو کنی از و وحق
بنده بر تو آنست که بدانی که آفریدهٔ اوست او را پروردگار
تو و او نیز فرزند آدم است و بدانی که تو نیافریدی او را و
هیچ عضوی از اعضای او را و بدانی که تو روزی نمیدهی باو و لیکن
حق تعالی آفریده است او را و روزی میدهد او را و مسخر
و بندهٔ تو گردانیده است و امین گردانیده است ترا و با مانت
گذاشته است ترا نزد او تا نیکوئی کند بتو پس تو نیکوئی کن باو
همچنانکه خدا تعالی نیکوئی کرده است بتو و اگر او را نخواهی بفروش

و دیگری بجرو عذاب مکن او را بجهت آنکه بندهٔ خداست و حق مادر
بر تو آنست که بدانی که نگاه داشته است ترا در شکم خود بوجهی که
نگاه نمیدارد باو چه کسی را و داده است بتو از میوهٔ دل خود چیزی
که کسی بکسی نمیدهد یعنی شیر داده است ترا و نگاه داشته است ترا بتمام
اعضاء خود و پاک نگاهداشت از گرسنگی و تشنگی و برهنگی خود و طعام
و آب میداد بتو و می پوشانید ترا از سرما و گرما تا مونس و غمخوار
او باشی بدرستی که نمی توانی شکر مادر را بجای آوردن مگر بتوفیق
و یاری حق تعالی و حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تواست
و اگر او نمی بود تو موجود نمی شدی پس هرگاه به بینی در نفس
خود چیزی خوبی که در عجب آورد ترا بدان که اصل و نسب آن
پدر تو است پس حمد و شکر بکو خدای تعالی را و خیر و شری که
در دنیا از و بوجود می آید نسبت بتو می کنند و از تو سؤال میکنند
از حسن ادب و خداشناسی او و یاری دادن تو او را در طاعت
و عبادت پس در حق او کاری بکن همچو کاری نکنی که میدانند
که ثواب می یابد بسبب احسان و نیکوئی کردن و عذاب می یابد
بسبب بدی کردن و حق برادر بر تو آنست که بدانی که مددکار تست
و عزت و قوت تو باوست پس مگردان او را آلت معصیت
خدا تعالی و ظلم بر خلق خدائی و مگذار او را بدشمن و یاری
و نصیحت کن او را بر اینکه اطاعت و فرمان برداری خدا تعالی

بکند زهی سعادت او و اگر نکند حق تعالی اکرام می کند تو را بجهت
نصیحتی که کردی و حق مولائی که ترا آزاد کرده است بر تو آنست
که بدانی که صرف کرده است مال خود را برای تو و بیرون
آورده است ترا از خواری و مذلت و بندگی و رسانیده است
ترا بعزت و حرمت آزادی پس آزاد کردانیده است و فارغ ساخته
است ترا تا عبادت پروردگار خود کنی و بدانکه سزاوارترین
خلق است بتو در حال حیوة و ممات تو و واجبست بر تو که
یاری کنی او را بنفس خود و بآنچه محتاج است بتو و حق مولای
که ترا آزاد کرده آنست که حق تعالی گردانیده است آزادی ترا
وسیلهٔ قرب بخود و پناه تو از آتش دوزخ و مزد تو درین دنیا
میراث بردن است از وقتی که نباشد او را میراث خواری و این
عوض نفقه ایست که داده باو از مال خود و مزد تو در آخرت
بهشت است و حق کسی که نیکوئی کرده است بتو آنست که شکر
او بکوئی و ذکر کنی نیکوئی او را و سعی که نیکوئی کرده است
بتو آنست اخلاص در خلوت برای او دعا کنی پس وقتی که چنین
کنی شکر او بجای آورده باشی پنهان و آشکارا و اگر روزی قدرت
یابی و توانی که عوض کنی نیکوئی او را بکن و حق مؤذن بر تو آنست
که بدانی که او یاد تو میدهد پروردگار ترا و می خواند ترا و یاری
می کند برادا کردن بر آنچه واجب گردانیده است حق تعالی بر تو

وحق پیش نماز بر تو آنست که بدانی که او سعی میکند در اصلاح
میان تو و خدای تعالی و او قرائت میکند از قبل تو و تو قرائت
نمی کنی و او دعای کند برای تو و تو دعا نمی کنی برای او و در
روز قیامت صحت و فسادی نمازی که با و اقتدا کرده از وی
پرسند نه از تو و اگر آن نماز صحیح است تو شریک او خواهی
بود در ثواب آن نماز و او را زیاده از تو ثواب خواهند
داد بجهت آن نماز پس او نگاه میدارد نفس ترا بنماز خود پس
شکر نکوئی او را بقدر و حق همنشین بر تو آنست که ملائمت کنی
با و و رعایت انصاف کنی در سخن کردن با و و برنخیزی از مجلس
مگر باذن او و همنشین تو می تواند که بی اذن تو برخیزد و
فراموش کنی بدیهای او را و بخاطر نگاه داری نیکوهای او را
و نیکوئی با و مگر سخن خیر و حق همسایه بر تو آنست که خیانت
او را نگاه داری وقتی که غائب باشد و اکرام و تعظیم کنی او را
وقتی که حاضر باشد و یاری کنی او را وقتی که کسی که با و ظلم کند
و بی روی او عیب او نکنی پس اگر مطلع شوی بر عیب او بپوشان
آنرا و اگر بدانی که نصیحت قبول می کند در خلوت نصیحت کنی
او را و تنها نگذاری او را در سختی و عفو کنی گناه او را و معاشرت نیک
کنی با و و حق مصاحبت بر تو آنست که مصاحبت کنی با و به نیکوئی
و انصاف و اکرام می کند ترا و نگذاری که بیشتر تعظیم و اکرام کند

بنفس و نماز ترا

اگر او بیشتر اکرام کند ترا عوض کنی او را و دوست داری او را
همچنانکه او دوست دارد ترا و منع کنی او را از گناه کردن و مهربان
باشی با و و عداوت نکنی با و و حق شریک بر تو آنست که اگر
غایب باشد کفایت کنی مهمات او را و اگر حاضر باشد
رعایت جانب او بکنی و حکم نکنی بی حکم او و کاری نکنی برای
خود بی مشورت او و حفظ مال او بکنی و خیانت نکنی با و در
جمیع امور خواه اندک و خواه بسیار بدرستی که برکت خدای
تعالی
با و شریکانست مادام که با یکدیگر خیانت نکنند و حق مال
بر تو آنست که او را حاصل نکنی مگر از وجه حلال و صرف
نکنی و را مگر بوجه حلال و مال خود را ندهی بکسی که ترا ستایش
نکند و در راه خدا صرف کنی و بخیلی نکنی که در آخر حسرت خواهی
خورد و پشیمان خواهی شد و حق آن کسی که اختلاط دارد بتو
آنست که فریب ندهی او را و ناراستی نکنی با و و از حق تعالی به
ترسی در کار او و حق کسی که دعوی می کند بر تو آنست که اگر دعوی
او حق باشد و خود گواه باشی بر نفس خود و ظلم نکنی با و و بتمام
بدهی حق او را و اگر دعوی او باطل باشد ملائمت کنی با و و کاری
نکنی که موجب خشم پروردگار نکنی که موجب خشم پروردگار
شود بر تو و حق آنکسی که تو دعوی میکنی بر و آنست که اگر حق بجانب
تو باشد طول ندهی آنرا و در هم نریچی و انکار حق او نکنی اگر دعوی

تو باطل باشد به ترسی از حق تعالی و توبه کنی و ترک کنی دعوی را و حق
آنکه با تو مشورت می کند آنست که اگر بدانی راه نیکوئی وا گوئی و اگر ندانی
راه نمائی او را بکسی که راه نیکوئی داشته باشد و حق آنکی که تو با او مشورت
می کنی بر تو آنست که اگر چیزی بگوید که موافق رای تو نباشد متهم
نسازی او را و اگر موافق رای تو باشد حمد بگوئی خدا تعالی را
و حق کسی که نصیحت می کند از تو آنست که نصیحت کنی او را از روی
مرحمت و مهربانی و بملائمت و حق کسی که ترا نصیحت می کند
از تو آنست که ملائمت و تواضع کنی او را و گوش کنی سخن او را پس
اگر آنچه او میگوید ثواب باشد و صلاح تو در آن باشد حمد بگوئی
حق تعالی را و اگر صواب نباشد و موافق رای تو نباشد مهربانی
کنی با او و متهم نسازی او را و بدانی که او خطا کرده است و مواخذ
نکنی او را باین خطا مگر آنکه مستحق تهمت باشد پس اعتبار مکن
سخن او را در هیچ حال و حق کسی که بسال از تو بزرگتر باشد
آنست که تعظیم کنی او را بجهت آنکه پیش از تو مسلمان بوده است
و اگر او با تو خصومت و نزاع کند برابری نکنی با او و تحمل کنی و در
راه رفتن برو سبقت نگیری و در مجلس او مقدم بنشینی برو و
او را نادان نگوئی و اگر او ترا نادان گوید تحمل کنی و اکرام و تعظیم کنی
او را بجهت اسلام و حرمت اسلام و حق آنکی که بسال از تو خرد
تر است آنست که مرحمت و مهربانی کنی با او و در تعلیم گفتن و عفو کنی

بی ادبی

بی ادبی او را و بپوشی بدی او را و مدارا کنی با او و یاری کنی او را
و حق کسی که چیزی بطلبد از تو آنست که هر چه بدهد قبول کنی و
نکو بگوئی او را و بدانی قدر و نعمت او را و اگر چیزی ندهد و عذر
بگوید قبول کنی عذر او را و حق کسی که بدی کند بتو آنست
که عفو کنی از و و اگر بدانی که عفو کردن ضرر میرساند بتو انتقام
بکشی از و زیرا که حق تعالی فرموده است که وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ
فَاُولٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ یعنی هر که کینه کشد از ظالم
ستم کرده باشد برو پس آن گروه کینه کشنده را گناهی نیست
و حق کسی که با تو هم مذهب باشد آنست که ضرر نرسانی بایشان
و مهربان باشی بایشان و مرحمت نمائی و ملائمت کنی به بدان ایشان
و الفت گیری و اصلاح حال کنی و شکر بگوئی نیکان ایشانرا و باز داری
ایذا را از ایشان و دوست داری برای ایشان آن چیز را که مکروه
میداری برای خود و پیر ایشانرا بمنزلهٔ پدر خود بدانی و جوانان ایشانرا
بمنزلهٔ برادر خود بدانی و پیر زنان ایشانرا بمنزلهٔ مادر خود بدانی
و طفلان ایشانرا بمنزلهٔ فرزندان خود بدانی و حق کافر ذمی بر تو
آنست که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعالی قبول کرده است از
ایشان و ظلم نکنی بر ایشان هر وفا کنند بعهد خود

در ذکر چیزهای که منع فرموده است حضرت رسالت پناه از آن
روایت کرده است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدر

خود علیهم السلام که گفت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از چیزی خوردن
وقتی که کسی جنب باشد و گفت که چیزی خوردن درین وقت درویشی
می آورد و منع کرد از چیدن ناخن بدندان و از مسواک
کردن و آب دهن انداختن در مسجد و از خوردن پس مانده موش
و گفت که مکرداید مسجد را راه رو و اگر خواهید که از مسجد بگذرید
دو رکعت نماز بگذارید و بروید و منع کرد از بول کردن در زیر
درخت میوه دار در میان راه و از چیزی خوردن بدست چپ
و تکیه کرده چیزی خوردن و از گچ کاری کردن قبرها و از نماز
گزاردن در گورستان و گفت که وقتی که غسل کنید در جائی که فضادا
باشد و حایلی نباشد میان شما و آسمان باید که بپوشید عورت
خود را و باید که آب نخورید از نزدیک دسته کوزه بدرستی
که نزدیک دسته محل جمع شدن چرکست و منع از بول کردن
در آب ایستاده بدرستی که دیوانگی می آورد و منع کرد که راه رود
کسی و یک پا نعلین پوشیده باشد و دیگری نپوشیده باشد و منع کرد
ایستاده نعلین را در پا کردن و از بول کردن در برابر آفتاب و ماه
و فرج او برهنه باشد و گفت که هرگاه بخلا روید که غایط کنید
اجتناب کنید از آنکه روی شما یا پشت شما بقبله باشد و منع کرد
از فریاد وقت مصیبت و از نوحه کردن و از رفتن زنان

در عقب

در عقب جنازه و از محو کردن چیزی از قرآن باب دهن و از خواب
دروغ بستن و گفت آنکسی که خواب دروغ بربندد حق تعالی تکلیف
کند او را در روز قیامت که دانه جو را گره زند و حال آنکه محالست
دانه جو را گره زدن و منع کرد از صورت حیوان ساختن و گفت آنکسی که
چنین کند تکلیف کند خدای تعالی او را در روز قیامت که در آن
صورت روح بدمد و حال آنکه نمی تواند این کار کردن و منع کرد
از سوختن حیوانات بآتش و از دشنام دادن دادن خروس بدرستی
که خروس بیدار می کند کسی را برای نماز و منع کرد که دخل کند کسی در
چیزی خریدن برادر مومن و خواهد که آن چیز را بسیار بخرد و از
بسیار سخن کردن در وقت جماع و گفت ازین جهت فرزند لنگ
می شود و گفت که شب مگذارید خاکروبه را در خانه بدرستی که آن
محل نشستن شیطانست و گفت که آن کسی که شب گذراند و دست
او چرب باشد برسد باو دیوانگی از شیاطین باید که ملامت نکند
مگر خود را و منع کرد از استنجا کردن بسرگین و استخوان و از بیرون
رفتن زن بخانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر
لعنت می کنند او را هر فرشته که در آسمانست و هر چیز یکه آن زن
برو بگذرد از جن و آدمی تا وقتی که باز گردد بخانه خود و منع کرد که زن
زینت کند برای غیر شوهر خود پس اگر چنین کند واجبست بر خدا تعالی
که بسوزاند او را بآتش دوزخ و منع کرد که زن سخن کند زن نزد غیر شوهر

خود و غیر محرمان خود بیشتر از پنج کلمه از سخنان ضروری و منع کرد
که زن برهنه بدن خود را بزن برهنه دیگر برساند و منع کرد که خبر
دهد زنی بزنی چیزی را که در خلوت میان او و شوهر گذشته است و
منع کرد از جماع کردن بزن خود رو بقبله و در میان راهی که مردمان
می آیند و می روند پس آنکسی که این کار کند لعنت خدا و فرشتها و
جمیع مردمان برو باد و منع کرد که مردی بگوید بمردی دیگر که خواهر
خود را نکاح کن بمن تا من خواهر خود را بتو نکاح کنم و منع کرد از رفتن
نزد منجم و گفت که آنکسی که نزد منجم برود و تصدیق کند سخنان او را بتحقیق
که اعتقاد ندارد بانچه خدا یتعالی فرستاده است بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم و منع کرد از باختن نرد و شطرنج و از نواختن عود و طنبور
و شنیدن آن و از غیبت کردن و گوش کردن آن و از سخن چینی و گوش
کردن بآن و گفت که به بهشت نمیرود سخن چین و منع کرد که کسی بمهمانی
فاسقانی برود و منع کرد از سوگند دروغ خوردن و گفت که سوگند
دروغ شهر و دیار را خراب می کند و گفت که آن کسی که سوگند دروغ
بخورد بجهت آنکه مال مسلمان تلف شود حق تعالی برو غضب کند مگر
آنکه توبه کند و باز گردد از ان و منع کرد از مجلس نشستن شراب و منع
کرد که کسی بحلال خود بحمام رود و هر دو برهنه باشند و گفت بحمام نروند
بی لنگ و منع کرد از سخنان گفتن بی فائدهٔ آخرت و از دست بروی
زدن و از چیزی خوردن بظرف طلا و نقره و منع کرد مردمان را از پوشیدن

جامهٔ ابریشمین و دیبا و نگینه اما پوشیدن اینها زنان را باکی نیست و منع کرد
از فروختن خرما پیش از آنکه زرد یا سرخ شود و از فروختن خرما بمویز
رساندن آن و از فروختن نرد و از خریدن شراب و از شراب دادن و ساقی
بودن و گفت که لعنت کرده است خدا یتعالی شراب را و آن کسی را که شراب
بخورد و آن کسی را که ساقی میشود و آن کسی را که شراب میخرد و می فروشد
و آنکسی را که بهای آن می خورد و آن کسی را بر میدارد و آنکسی را که تاک می
نشاند بقصد شراب و آنکسی را که انگور می افشرد بجهت شراب و آنکسی را
که بر میدارد و می برد برای مردم و آنکسی را که برای او می برند و گفت
که آن کسی که شراب بخورد حق تعالی قبول نکند نماز او را تا چهل روز
پس اگر بمیرد و در شکم او چیزی از شراب باشد واجبست بر خدای تعالی
که بخوراند او را زرداب اهل دوزخ را و آن چیزیرا که بیرون
می آید از فرج زنا کنندگان و جمع می شود در دوزخ و می خورند آنرا
اهل دوزخ و گداخته می شود پوست بدن ایشان و آنچه در شکمهای ایشانست
و منع کرد از سود خوردن و نوشتن قبالهٔ آن و گواهی ناحق دادن و گفت
که خدا یتعالی لعنت کرده است کسی را که سود می خورد و کسی را که وکیل
می شود در سود گرفتن و کسی را که چیزی می نویسد بجهت سود و
کسی را که گواهی میدهد برای سود و منع کرد که کسی بگوید که می فروشم این
متاع را بنقد بمبلغ معین و بنسیه زیاده از ان مبلغ و منع کرد که کسی که بگوید
که می فروشم این متاع را بمبلغ معین بشرط آنکه تو متاع خود را بمبلغ کمتر از آن

بمن بفروشی ومنع کرد از فروختن چیزیکه در تصرف کسی نباشد واز فروختن
چیزی که ضامن آن نباشد واز مصافحه کردن با کافر ذمی واز شعر خواندن
در مسجد واز منادی کردن برای گمشده در مسجد واز بیرون آوردن
شمشیر از غلاف در مسجد واز زدن بر روی چهارپا واز نظر کردن بفرج
برادر مؤمن وگفت که آن کسی که نظر بفرج برادر مسلمان کند لعنت کنند
او را هفتاد هزار فرشته ومنع کرد از نظر کردن زن بفرج زن دیگر واز باز
کردن بعضی طعام وآبرا واز یاد کردن بعضی موضع سجود واز نماز گذاردن
در گورستان در میان راه و بر بالای شتر و در رودخانه و در جائی که
شتر ببندند و بر بالای خانهٔ کعبه واز کشتن زنبور عسل واز داغ نهادن
بر روی چهارپا واز سوگند خوردن بسورهٔ از سورهای قرآن وگفت که
آن کسی که سوگند بخورد بسورهٔ از سورهای قرآن واجبست بر وی که بعدد
هر آیتی از سوره کفارت سوگندی بدهد پس اگر آن کفارت بدهد نیکو
کار باشد واگر ندهد فاسق باشد ومنع کرد که سوگند خورد کسی بدر
کسی واز نشستن جنب در مسجد واز برهنه شدن کسی در شب یا در روز
واز حجامت کردن در روز چهارشنبه وجمعه وسخن گفتن در روز جمعه
در وقتی که امام خطبه می خواند پس آن کسی که درین وقت سخن کند نماز
جمعهٔ او درست نیست ومنع کرد از انگشتری روی یا آهن در انگشت
کردن واز نقش کردن صورت حیوانی بر انگشتری واز نماز گذاردن
در وقت برآمدن وفرو رفتن آفتاب ووقت استوا واز روزه داشتن

در شش روز بعد از عید ماه رمضان و روز شک بنیت وجوب ودر
روز عید قربان وسه روز بعد از عید قربان وقتی که در منا باشد
واز آب خوردن همچنانکه چهارپایان آب می خورند وگفت که بیاشامید
آب را بدست خود بدرستی که دستهای شما بهترین ظرفها است ومنع
کرد از آب دهن انداختن در چاهی که از آن چاه آب میخورند واز کار
فرمودن مزدوری پیش از آنکه مزد او را تعیین کنند ومنع کرد از آنکه سه روز
بگذرد و برادران مومن یکدیگر نه بینند پس آنکسی که ملاقات نکند
برادر مؤمن را و سه روز بگذرد دوزخ اولی است باو ومنع کرد
از خرید وفروخت کردن طلا بطلا بشرط آنکه یکی زیاده باشد در وزن
بر دیگری واز مدح گفتن اهل دنیا را وگفت که خاک بپاشید بر روی
مداحان اهل دنیا وگفت که آن کسی که قبا نماید بظلمی از قبل ظالمی یا
آنکه یاری کند ظالم را بر ظلم در وقت مردن ملک الموت بشارت دهد
او را بلعنت خدا تعالی وبآتش دوزخ وگفت که آنکسی که مدح گوید
سلطان ظالمی را وخوار سازد خود را بجهت طمعی که از و داشته باشد
با آن ظالم در دوزخ خواهد بود وگفت که خدا تعالی فرموده است که
وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی میل مکنید بسوی
آن کسانی که ستم کردند یعنی فرمان ایشان مبرید ومعاونت مکنید ایشان را
بر بیداد ایشان که برسد بشما آتش دوزخ وگفت که آن کسی که عمل کند
ظالمی را وعاملی کرد او را بر ظلم در دوزخ با هامان خواهد بود وآن

وآن کس که بنا کند از روی ریا و از برای شنیدن مردم حق تعالی حکم
کند که بردارد آن بنا را در روز قیامت از هفتم طبقهٔ زمین و آن بنا
آتشی شود که شعله زند و بعد از آن طوقی شود و در گردن او افتد
و او را بکشد از در دوزخ و هیچ چیز نگاه ندارد او را تا آنکه بدوزخ
برسد مگر آنکه توبه کند کسی گفت که یا رسول الله بنا بجهت ریا و شنیدن
مردم چگونه می باشد آن حضرت گفت که باین طریق که بنا کند زیاده
بر آنچه کافیست او را بجهت آنکه تفوق جوید بر همسایهای خود
و تفاخر و مباهات کند بر برادران مؤمن و گفت که آنکسی که ظلم
کند بر مزدور در مزد دادن باطل کند خدا تعالی عمل او را و حرام
گرداند برو بوی بهشت را و حال آنکه بوی بهشت را پانصد ساله راه
می شنوند و آن کسی که خیانت کند بهمسایهٔ خود مقدار یک شبر زمین
بگرداند خدا تعالی آن زمین را که خیانت کرده است طوقی در گردن
او از هفتم طبقهٔ زمین تا آنکه ملاقات کند حق تعالی را در روز قیامت
و آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را بصاحب
باز دهد و آنکسی که بیاموزد قرآنرا و بعد از آن فراموش کند ملاقات کند
حق تعالی او را در روز قیامت عدن و بهشت نعیم و آن کسی که عرض
کنند باو دنیا و آخرت را و او اختیار کند دنیا را و بگذارد آخرت را
ملاقات کند حق تعالی او را در روز قیامت و او را هیچ حسنه و
ثوابی نباشد که نگاه دارد او را از آتش دوزخ و آن کسی که اختیار کند

آخرت را

آخرت را و ترک کند دنیا را خشنود شود حق تعالی از و بیامرزد گناهان
او را و آن کسی که بسیار نظر کند در چیزهای حرام پر کند خدای چشم او را
در روز قیامت از آتش دوزخ مگر آنکه توبه کند و باز گردد و نیز گفت
که آنکسی مصافحه کند بزنی نامحرمی بغضب حق تعالی گرفتار شود و آنکسی که
در بر گیرد زنی نامحرمی را او را با شیطان بند کنند بزنجیری از آتش
دوزخ در روز قیامت و بعد بیندازند در آتش دوزخ و آن کسی که
دروغ گوید با مسلمانی در خرید و فروخت پس او از امت من نیست
و حشر کنند او را در روز قیامت با یهود بجهت آنکه یهود دروغ گوی
ترین خلقند با مسلمانان و منع کرد از آنکه متاع خانه را بعاریت بهمسایه
ندهند چون دیگ و طبق و مانند آن و گفت که آن کسی که ندهد متاع
خانه را بهمسایه منع نکند حق تعالی خیر خود را در روز قیامت و
بگذارد او را با خودش پس چه بد خواهد بود حال او در آن روز و نیز
گفت که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را قبول نکند حق تعالی توبه و اعمال
حسنهٔ او را تا آنکه او خشنود گرداند شوهر خود را و اگرچه آن زن تمام
روز روزه دارد و شبها بیداری و بعبادت مشغولی نماید و بندها
آزاد کند و اسبهای خوب بمردم دهد که جهاد کنند چون شوهر از او راضی
نباشد در روز قیامت در میان جماعتی خواهد بود که اول بدوزخ
بروند و همچنین است حال مردی اگر ظلم کند بر زن خود و آن کسی
که طپانچه بزند بر روی مسلمانی پر کند خدا تعالی استخوانهای او را

در روز قیامت وحشر کند او را دست و گردن بسته و به برند او را
بجهنم مگر آنکه توبه کند و آن کسی که شب کذراند و در دل او کینهٔ برادر
مسلمانی باشد حق تعالی آن شب با او در غضب باشد و صباح نیز در
غضب باشد تا آنکه توبه کند و منع کرد آن حضرت از غیبت کردن و گفت
که آن کسی که غیبت کند مسلمانی را باطل شود روزهٔ او و بشکند وضوی
او و در روز قیامت از دهن او بوی بیاید بدتر از بوی مرداری که شاکی
شوند از آن بو اهل عرصات و اگر بمیرد پیش از آنکه توبه کند پس حلال باشد
که بمقتضای خشم خود عمل کند و حلم ورزد و حق تعالی بدهد باو ثواب
شهیدی و آنکسی که غیبت برادر مسلمان بشنود و نیکوئی کند باین طریق
که برطرف کند آن غیبت را ازو رد کند حق تعالی هزار نوع بدی را
در دنیا و آخرت پس اگر برطرف نکنند آن غیبت را از برادر مومن
و قادر باشد بر آن گناه او هفتاد برابر گناه غیبت کننده باشد و منع
کرد آن حضرت از خیانت کردن در امانت و گفت که آن کسی که خیانت
کند در امانت در دنیا و باز ندهد امانت را بصاحب و بمیرد پس او
مرده است بغیر دین من و در روز قیامت حق تعالی با او در غضب
باشد و نیز گفت که آن کسی که گواهی دروغ بدهد بیاویزند او را از زبان
با منافقان در نزد دوزخ و آنکسی که بخرد چیزی را که خیانت کرده باشند
و دانسته باشد که خیانت کرده اند پس او همچون آنکسی است که خیانت
کرده است و آنکسی که نگاه دارد چیزی را از برادر مسلمان را به برد خدای تعالی

بوکت

بوکت را از روزی او مگر آنکه توبه کند و آنکسی که بشنود چیزی بدی نسبت
به برادر مومن و فاش کند آنرا پس گویا او گفته است آن چیزی را نسبت به
برادر مسلمان و آن کسی که محتاج باشد و قرض طلبد از برادر مومن و او
قادر باشد بر قرض دادن و ندهد حرام کرداند خدای تعالی برو بوی بهشت را
و آنکسی که صبر کند بر بدخلقی زن خود و طمع ثواب کند بدهد حق تعالی
باو ثوابی آن کسانی که شکر خدا تعالی بجای آورده اند و هر زنی که ملائمت
و مهربانی نکند بشوهر خود و تکلیف کند او را بر چیزی که قادر نباشد
حق تعالی قبول نکند از آن زن حسنه و نیکوئی را و در روز قیامت با او
در عقب باشد و آنکسی که اکرام و تعظیم کند برادر مسلمان را حق تعالی اکرام کند
او را و منع کرد حضرت از پیش نمازی کردن برای جماعتی بی اذن ایشان
و گفت که آن کسی که پیش نمازی کند برای جماعتی باذن ایشان و ایشان
راضی باشند به پیش نمازی او و نیکو بجای آورد قیام و قرأت و رکوع
و سجود را ثواب او برابر ثواب آن جماعت باشد و از ثواب ایشان هیچ کم
نشود و نیز گفت که آن کسی که برود بدیدن خویشان و چیزی به برد برای
ایشان بجهت صلهٔ رحم بدهد حق تعالی ثواب صد شهید و بدهد بعدد
هر گامی چهل هزار حسنه و محو کند از نامهٔ اعمال او چهل هزار گناه و بلند کرداند
مرتبهٔ او را چهل هزار درجه و همچنان باشد که عبادت کرده باشد
حق تعالی صد ساله در حالی که صبر کننده و طالب ثواب باشد و آن کسی که
بر آورد حاجت نابینائی را از حاجتهای دنیا و برود از برای حاجت او تا

برآورده شود نکاه دارد حق تعالی او را از حاجتهای دنیا و همیشه در رحمت
حق تعالی باشد تا آنکه باز کردد و آنکسی که یکشبانه روز بیماری بکشد
و شکایت نکند از آن بیماری نزد آنهای که عیادت او کنند حشر کند
خدا تعالی او را در روز قیامت با ابراهیم خلیل و بکذرد از پل صراط
چون برق لامع و آنکسی که سعی کند برای حاجت بیماری خواه آن حاجت
برآورده شود و خواه نشود پاک شود از کناهان و هیچ کناه نداشته
باشد همچو روزی که از مادر متولد شده است کفت مردی از انصار
که پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله اکر آن بیمار از اهل بیت
او باشد آیا ثواب او بیشتر است آنحضرت کفت بلی و آنکسی که ببرد
از برادر مؤمن اندوهی از اندوههای دنیا ببرد حق تعالی از و هفتاد
دو اندوه از اندوههای آخرت را و هفتاد و دو اندوه از اندوههای
دنیا که آسانترین آن اندوهها درد ندان باشد و نیز کفت که
آن کسی نهد حق کسی را و قادر باشد بر ادای آن پس هر روز او را کناهی
باشد برابر کناهی که تمغاجی دارد و آن کسی که تازیانه بیاویزد در دنیا
خود و برود پیش سلطانی یا ظالمی بکرداند حق تعالی آن تازیانه را در
روز قیامت اژدرهای از آتش دوزخ که درازی آن هفتاد کز باشد
و مسلط کرداند آن اژدها را برو تا ببرد او را بدوزخ و آن کسی که ببرد
بر برادر مؤمن نیکوئی کند و منت نهد برو بسبب آن نیکوئی باطل کرداند
حق تعالی عمل او را و عوض آن کناه بنویسد و سعی او قبول نکند و بعد

ازان

ازان آن حضرت کفت که حق تعالی فرموده است که حرام است بهشت بر کسی
که منت نهد بر بخیل و سخن چین و نیز کفت که آنکسی که تصدق کند پس
او را بوزن هر درهمی بدهد برابر کوه احد از نعمتهای بهشت و آنکسی که
برساند صدقهٔ از قبل کسی بمحتاجی ثواب او برابر ثواب صاحب
صدقه باشد و کم نشود از ثواب صاحب صدقه چیزی و آن کسی که
نماز بکذارد بر میتی هفتاد هزار فرشته برای او طلب آمرزش کنند
و بیامرزد خدا تعالی کناهان کذشتهٔ او را پس اکر توقف نماید تا آنکه
دفن کنند آن میت را و خاک بریزند بر بالای او بعد هر قدمی که نهاده
است او را برابر کوه احد ثواب باشد و آن کسی که بکرید از ترس خدا تعالی
بعدد هر قطرهٔ از چشم او بدهد باو خدا تعالی کوشکی در بهشت
که مزین باشد بدر و جواهر که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ کوشی نشنیده
باشد و بخاطر هیچ کس خطور نکرده باشد و آن کسی که بمسجد برود بجهت
کذاردن نماز جماعت بدهد خدا تعالی باو بعدد هر کامی هفتاد هزار
حسنه و بلند کرداند حق تعالی مرتبهٔ او را هفتاد هزار درجه و اکر
بمیرد درین حال موکل کرداند خدا تعالی باو هفتاد هزار فرشته
که در قبر مونس او باشند در تنهائی و استغفار کنند برای او تا روز
حشر و آن کسی که بانک نماز کوید برای خدا تعالی بدهد حق تعالی
باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و شفاعت کند چهل
هزار کناهکار را از امت من و بسبب او ایشان به بهشت روند

وقتی که مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله صلوات فرستند برو
هفتاد هزار فرشته و استغفار کنند برای او و در روز قیامت در
سایهٔ عرش باشد تا آنکه خدا تعالی فارغ شود از حساب مردمان
و چون اشهد ان محمداً رسول الله بگوید چهل هزار فرشته
ثواب آنرا بنویسند و آن کسی که اهتمام کند که جا گیرد در صف اول
بجهت نماز جماعت و سعی نماید که دریابد پیش نماز را در تکبیر احرام
و ابتدای او بمسلمانی نرسد از ین جهت بدهد حق تعالی باو آن مقدار
ثواب که بمؤذن میدهد در دنیا و آخرت و آن کسی که مهتری قوی کند و
احوال ایشان بسلاطین بگوید بیارند او را در روز قیامت دست و
گردن بسته در صحرای عرصات پس اگر قیام نموده باشد بامور ایشان
موافق امر خدا تعالی رها کنند او را و اگر ظلم کرده باشد بیندازند او را
در جهنم و نیز آن حضرت گفت که حقیر مشمرید بدی را و اگر چه خرد نماید
بدیرا و اگر چه در نظر شما و بسیار مدانید نیکوئی را و اگر چه بزرگ نماید
در نظر شما بدرستی که هیچ چیز بزرگ نیست با استغفار و هیچ گناه خورد
نیست با اصرار گفت شعیب بن واقد که پرسیدم حسین بن زید را از
این حدیث که واقع شده است در باب مناهی پس گفت حسین بن زید
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که جمع کردم این حدیث را
از کتاب که بخط امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و املای حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم — در وصیت حضرت پیغمبر

صلی الله علیه

صلی الله علیه وآله وسلم که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا گفت بمن که یا علی وصیت میکنم ترا پس حفظ کن این و
صیت را که بتو خیر خواهد رسید مادام که عمل کنی بوصیت من یا علی
آن کسی که فرو خورد خشم را و قادر باشد که بمقتضای خشم خود عمل
کند ایمن گرداند حق تعالی او را در روز قیامت و حفظ کامل بیابد
از ایمان خود یا علی آن کسی که نیکو وصیت نکند در وقت مردن نقصانی
در مروت او باشد و در روز قیامت هیچ کس او را شفاعت نکند
یا علی فاضل ترین جهاد آنست که کسی صباح برخیزد و قصد ظلم
نکند بکسی یا علی آنکس که مردمان از زبان او بترسند او از اهل دوزخ
است یا علی بدترین مردمان آن کسی است که آخرت خود را بدنیای
خود بفروشد یا علی آنکسی که قبول نکند عذر کسی را که از گناه خود
بگوید خواه صادق باشد در آن عذر گفتن و خواه کاذب در نیابد
شفاعت مرا یا علی حق تعالی دوست میدارد دروغ گفتن را برای
مصلحت و دشمن میدارد راست گفتن را که موجب فساد می شود یا علی
آن کسی که ترک کند شراب خوردن را از ترس خدا تعالی بدهد خدا تعالی
باو شراب بهشت بجو خدا تعالی که بجهت حفظ نفس خود می کند پس
خدای تعالی او را می آمرزد یا علی آنکس که شراب بخورد همچو آنکس
است که بت می پرستد یا علی آنکس که شراب بخورد حق تعالی قبول نکند
نماز او را تا چهل روز پس اگر در اثنای این چهل روز بمیرد کافر مرده است

یا علی هر مست کننده حرامست و آن چیزی که بسیار از و مست کند اندکی
از و نیز حرامست یا علی کردانیده است حق تعالی همهٔ کناهانرا در
خانهٔ و کلید آن خانه شراب خوردنست یا علی کسی که شراب می خورد
می کذرد در و ساعتی که دران ساعت خدا یتعالی را نمی شناسد
یا علی آن کسی که فایده نکرفت از دین و دنیای خود خیر نیست ترا در
در مصاحبت او یا علی که در مؤمن هشت خصلت باشد تمکین
و وقار وقت فتنه و آشوب و صبر در بلا و شکر در عافیت و قناعت
بانچه خدا یتعالی باو داده است و روزی او کرده است و ظلم کردن
بر دشمنان و دشمنی ناکردن بدوستان و بدن او در مشقت باشد
و مردمان از و در راحت باشند یا علی دعای چند کس رد نمی شود
دعای پادشاه عادل و دعای پدر در حق فرزند و دعای مؤمن
در حق برادر مؤمن غائبانه و دعای مظلوم در حق ظالم بدرستی
که حق تعالی می کوید بمظلوم که بعزت و جلال من که انتقام ترا خواهم
کشید از ظالم و اکرچه بعد از مدتی باشد یا علی هشت کس اند که اکر اهانتی
بایشان برسد باید که ملامت نکنند مکر خود را کسی که بمهمانی برود
که او را نطلبیده باشند و را بان مهمان و کسی که بمنزل کسی برود و حکم
کند بر صاحب منزل و کسی که طمع نیکوئی داشته باشد از دشمنان
خود و کسی که دخل کند در میان دو کس و خواهد که مطلع شود بر سری
که در میان ایشانست و ایشان نخواهند که او مطلع شود بران سر و کسی

که اعتباری نکیرد از سلطان و کسی که بنشیند در جائی که او لایق نباشد
و کسی که سخن کوید بکسی که سخن او را کوش نکند یا علی حرامست بهشت
بر کسی که سخن فحش کوید و بی شرم باشد و باکی نداشته از آنچه میکویند
باو یا علی خوشحالی کسی که عمر او دراز باشد و عمل او نیکو باشد
یا علی مزاح مکن که می برد آب روی ترا و دروغ مکوی که می
برد نور ترا و دور دار خود را از دو خصلت دلتنکی و کاهلی بدرستی
که اکر دلتنک شوی صبر نمی کنی بر حق و اکر کاهل شوی ادا نمی کنی
حق را یا علی هر کناهی توبه دارد مکر کج خلقی یا علی چهار کس اند
که زود عقوبت می یابند کسی که احسان و نیکوئی کرده باشند
باو و او در برابر بدی کند و کسی که تو با و دشمنی نکنی و او بتو دشمنی
کند و تو با و صلهٔ رحم بجای آوری و او نسبت بتو صلهٔ رحم بجای
نیاورد یا علی آن کسی که مستولی شود بر و دلتنکی راحت از و دور
شود یا علی دوازده خصلتست که سزاوار آنست که در مسلمان
باشد در وقت طعام خوردن چهار از ان خصلتها واجبست
و چهار سنت است بکوید و چهار ادب اما آن چهار که واجبست
آنست که بداند که آنچه می خورد حلال است یا حرام و بسم الله
بکوید پیش از طعام خوردن و شکر نعمت بکوید و راضی باشد
بانچه خدا یتعالی باو داده است و اما آن چهار که سنت است
نشستن است بر پای چپ و چیزی خوردن بسه انکشت و چیزی

خوردن از پیش خود ولیسیدن انکشتان واما آن چهار که از سنت
لقمه را خورد برداشتن وبسیار خائیدن وکم نظر کردن در روی
مردمان در وقت طعام خوردن وشستن دستها یا علی حق تعالی
آفرید بهشت را از خشت طلا ونقره وکردانید دیوارهای اورا
از یاقوت وسقف اورا از زبرجد وسنگ ریزهای اورا
از مروارید وخاک اورا از زعفران وبعد از ان کفت که بهشت
سخن کند بهشت کفت که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ قَدْ سَعَدَ
مَنْ یَدْخُلُنِیْ یعنی بدرستی که نیک بخت است کسی که داخل می
شود مرا کفت خدا تعالی که بعزت وجلال من که نمی رود به بهشت
کسی که دائم شراب خورد وکسی که سخن چینی کند وکسی که دیوث
وبی عزت باشد وکسی که مخنث باشد وکسی که قبر مردم را می کشاید
بجهت دزدیدن کفن وکسی که تمغاجی باشد وکسی که صلهٔ رحم
بجای نیاورد وکسی که کوید که نیکی وبدی پیش خدا تعالی است یا علی
بحق خدای که کافرند از امت من ده کس کشندهٔ مردمان بناحق
وساحر ودیوث وجماع کردن دُبُرِ زنی که بر وحرام باشد
وجماع کنندهٔ چهارپایان وآن کسی که جماع کند بزنی که محرم او
نباشد وکسی که سعی کند در فتنه وکسی که سلاح بفروشد بکافران
حربی وکسی که زکوة ندهد وکسی که مال داشته باشد وتواند که
حج کند ونمیرد وحج نکرده باشد یا علی مهمانی نباشد مکر در پنج وقت

در وقت عروسی ووقت تولد فرزند ووقت ختنه کردن ودر وقت
خریدن منزل ودر وقت آمدن کسی یا علی سزاوار نیست عاقل را
که سفر کند مکر بجهت سه چیز کارسازی برای معاش یا برای آخرت
یا بجهت لذت در چیزی که حرام نباشد یا علی سه چیز است که
مکارم اخلاق است در دنیا وآخرت عفو کردن از کسی که ظلم کند
بتو وصلهٔ رحم بجای آوردن بکسی که قطع صلهٔ رحم کند بتو وحلم
نمودن ودرگذرانیدن از کسی که بی ادبی کند نسبت بتو یا علی
دریاب وغنیمت دان چهار چیز را پیش از چهار جوانی را پیش از
پیری وصحت را پیش از بیماری وتوانگری را پیش از درویشی
وزندگی را پیش از مردن یا علی مکروه است نزد خدا تعالی از امت
من کار عبث کردن در نماز ومنت نهادن در صدقه وجنب بمسجد
رفتن وخنده کردن در کورستان وبر آمدن بر بام خانها بجهت
نکاه کردن در سراهای مردم ونظر کردن در فرج زنان بجهت
آنکه کوری می آورد فرزند او وسخن کردن در وقت جماع بجهت
آنکه فرزند کنک می شود وخواب کردن در میان نماز شام
وخفتن بجهت آنکه محروم می سازد کسی را از روزی وغسل
کردن بی لنک در جائی که حائلی نباشد میان او وآسمان ودر
آمدن در جویهای بی لنک در آب بجهت آنکه در آب فرشتها
ساکنند ورفتن بحمام بی لنک وسخن کردن میان اذان واقامت

در نماز صبح و در کشتی نشستن در وقت طوفان و آشوب دریا و
خواب کردن در بامی که محجر نداشته باشد و گفت حضرت پیغمبر
که آن کسی که خواب کند در بامی که محجر نداشته باشد پس او خود را
در معرض هلاکت انداخته است و دور شده است از حفظ و
امان خدا تعالی و نیز مکروه است نزد حق تعالی از امت من
خواب کردن در خانهٔ تنها و جماع کردن با زن خود در وقت حیض
پس هر که این کار بکند و فرزندی که از و حاصل شود جذام
یا برص داشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز
مکروه است سخن کردن با کسی که جذام داشته باشد مگر آنکه
میان او و آنکس که جذام دارد یک گز فاصله باشد و گفت آن
حضرت که بگریزید از کسی که جذام دارد همچنانکه میگریزی از
شیر و نیز مکروه است جماع کردن با زن خود بعد از احتلام و پیش
از غسل کردن پس اگر چنین کند و فرزندی که حاصل شود دیوانه
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه هست بول کردن
بر کنار جوی آب روان و حدث کردن در زیر درخت که میوه
میدهد و ایستاده نعلین در پا کردن و در آمدن بخانهٔ تاریک
بی چراغ یا علی آفت بزرگی و فضائل مرد و افتخار تکبر است یا علی آن
کسی که از خدا می ترسد همه چیز از وی می ترسند و آن کسی که از
خدا نمی ترسد می ترساند حق او را از همه چیز یا علی نماز هشت کس

قبول نیست

قبول نیست بنده که گریخته باشد از صاحب و زنی که نافرمانی کند
بشوهر از و راضی نباشد و با و در غضب باشد و کسی که ذکوة ندهد
و کسی که ترک وضو کند و زنی که بالغ شده باشد و سر برهنه
نماز گذارد و پیش نمازی که به پیش نمازی او راضی نباشند و کسی
که مست باشد و کسی که بول و غایط را نگاه دارد و مشغول شود
بنماز گذاردن یا علی چهار چیز است که در هر که باشد بنا کند حق تعالی
برای او خانه در بهشت جاودان رحم کردن بر ضعیف و شفقت
و مهربانی کردن به پدر و مادر و ملائمت کردن بمملوک خود
یا علی آن کسی که بجای آورد چیزی را که حق تعالی برو واجب
گردانیده است او عابدترین مردمان است و آن کسی که قناعت
کند چیزی را که خدای تعالی باو داده است او توانگرترین مردمانست
و آن کسی که از این سه صفت دور باشد او فاضل ترین مردمانست
نزد حق تعالی یا علی سه چیز است که نمی تواند هیچ یک از امت
من آنرا بجای آورد برداشتن برادر مؤمن را بمال خود یعنی مضایقه
نکردن با برادر مؤمن در مال خود و انصاف دادن نسبت بمردمان
در همه چیز و یاد کردن حق تعالی را در همه حال و یاد کردن
خدا تعالی این نیست که کسی بگوید که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ بلکه اینست که هر گاه خواهد که حرامی
کند بکند یاد خدا تعالی و بترسد از خدا تعالی و ترک کند آن را یا علی

خود علیهم السلام که گفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی خوردن
وقتی که کسی جنب باشد و گفت که چیزی خوردن درین وقت درویشی
می آورد و منع کرد از چیدن ناخن بدندان و از مسواک
کردن و آب دهن انداختن در مسجد و از خوردن پس ماندهٔ موش
و گفت که مگردانید مسجد را راه رو و اگر خواهید که از مسجد بگذرید
دو رکعت نماز بگذارید و بروید و منع کرد از بول کردن در زیر
درخت میوه دار و در میان راه و از چیزی خوردن بدست چپ
و تکیه کرده چیزی خوردن و از گچ کاری کردن قبرها و از نماز
گزاردن در گورستان و گفت که وقتی که غسل کنید در جائی که فضا داشته
باشد و حائلی نباشد میان شما و آسمان باید که بپوشید عورت
خود را و باید که آب نخورید از نزدیک دستهٔ کوزه بدرستی
که نزدیک دسته محل جمع شدن چرک است و منع از بول کردن
در آب ایستاده بدرستی که دیوانگی می آورد و منع کرد که راه رود
کسی و یکپا نعلین پوشیده باشد و دیگری نپوشیده باشد و منع کرد
ایستاده نعلین را در پا کردن و از بول کردن در برابر آفتاب و ماه
و فرج او برهنه باشد و گفت که هرگاه بخلا روید که غایط کنید
اجتناب کنید از آنکه روی شما یا پشت شما بقبله باشد و منع کرد
از فریاد وقت مصیبت و از نوحه کردن و از رفتن زنان

در عقب جنازه و از محو کردن چیزی از قرآن بآب دهن و از خواب
دروغ بستن و گفت آن کسی که خواب دروغ بربندد حق تعالی تکلیف
کند او را در روز قیامت که دانهٔ جو را گره زند و حال آنکه محالست
دانهٔ جو را گره زدن و منع کرد از صورت حیوان ساختن و گفت آنکسی که
چنین کند تکلیف کند خدای تعالی او را در روز قیامت که در آن
صورت روح بدمد و حال آنکه نمی تواند این کار کردن و منع کرد
از سوختن حیوانات بآتش و از دشنام دادن خروس بدرستی
که خروس بیدار می کند کسی را برای نماز و منع کرد که دخل کند کسی در
چیزی خریدن برادر مؤمن و خواهد که آن چیز را بسیار بخرد و از
بسیار سخن کردن در وقت جماع و گفت از این جهت فرزند لنگ
می شود و گفت که شب مگذارید خاکروبه را در خانه بدرستی که آن
محل نشستن شیطانست و گفت که آن کسی که شب گذراند و دست
او چرب باشد برسد باو دیوانگی از شیاطین باید که ملامت نکند
مگر خود را و منع کرد از استنجا کردن بسرگین و استخوان و از بیرون
رفتن زن بخانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر
لعنت می کنند او را هر فرشته که در آسمانست و هر چیز که آن زن
برو بگذرد از جن و آدمی تا وقتی که باز گردد بخانهٔ خود و منع کرد که زن
زینت کند برای غیر شوهر خود پس اگر چنین کند واجبست بر خدا تعالی
که بسوزاند او را بآتش دوزخ و منع کرد که زن سخن کند زن نزد غیر شوهر

خود و غیر محرمان خود بیشتر از پنج کلمه از سخنان ضروری و منع کرد
که زن برهنه بدن خود را بزن برهنه دیگر برساند و منع کرد که خبر
دهد زنی بزنی چیزی را که در خلوت میان او و شوهر گذشته است و
منع کرد از جماع کردن بزن خود رو بقبله و در میان راهی که مردمان
می آیند و می روند پس آنکسی که این کار کند لعنت خدا و فرشتها و
جمیع مردمان برو باد و منع کرد که مردی بگوید بمردی دیگر که خواهر
خود را نکاح کن بمن تا من خواهر خود را بتو نکاح کنم و منع کرد از رفتن
نزد منجم و گفت که آنکسی که نزد منجم برود و تصدیق کند سخنان او را بتحقیق
که اعتقاد ندارد بانچه خدا یتعالی فرستاده است بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم و منع کرد از باختن نرد و شطرنج و از نواختن عود و طنبور
و شنیدن آن و از غیبت کردن و گوش کردن آن و از سخن چینی و گوش
کردن بآن و گفت که به بهشت نمیرود سخن چین و منع کرد که کسی بمهمانی
فاسقانی برود و منع کرد از سوگند دروغ خوردن و گفت که سوگند
دروغ شهر و دیار را خراب می کند و گفت که آن کسی که سوگند دروغ
بخورد بجهت آنکه مال مسلمان تلف شود حق تعالی برو غضب کند مگر
آنکه توبه کند و باز گردد از آن و منع کرد از مجلس نشستن شراب و منع
کرد که کسی بحلال خود بحمام رود و هر دو برهنه باشند و گفت بحمام نروند
بی لنگ و منع کرد از سخنان گفتن بی فائدهٔ آخرت و از دست بر روی
زدن و از چیزی خوردن بظرف طلا و نقره و منع کرد مردمان را از پوشیدن

جامهٔ ابریشمین و دیبا و نگینه اما پوشیدن اینها از زنان را باکی نیست و منع کرد
از فروختن خرما پیش از آنکه زرد یا سرخ شود و از فروختن خرما بمویز
و مانند آن و از فروختن نرد و از خریدن شراب و از شراب دادن و ساقی
بودن و گفت که لعنت کرده است خدا یتعالی شراب را و آن کسی را که شراب
بخورد و آن کسی را که ساقی میشود و آن کسی را که شراب بخرد و می فروشد
و آنکسی را که بهای آن می خورد و آن کسی را بر میدارد و آنکسی را که نگاه می
نشاند بقصد شراب و آنکسی را که انگور می افشرد بجهت شراب و آنکسی را
که برمیدارد و می برد برای مردم و آنکسی را که برای او می برند و گفت
که آن کسی که شراب بخورد حق تعالی قبول نکند نماز او را تا چهل روز
پس اگر بمیرد و در شکم او چیزی از شراب باشد واجبست بر خدای تعالی
که بخورد او بدهد زرداب اهل دوزخ را و آن چیزی را که بیرون
می آید از فرج زنا کنندگان و جمع می شود در دوزخ و می خورند آنرا
اهل دوزخ و گداخته می شود پوست بدن ایشان و آنچه در شکمهای ایشانست
و منع کرد از سود خوردن و نوشتن قباله آن و گواهی ناحق دادن و گفت
که خدا یتعالی لعنت کرده است کسی را که سوگند می خورد و کسی را که وکیل
می شود در سود گرفتن و کسی را که چیزی می نویسد بجهت سود و
کسی را که گواهی میدهد برای سود و منع کرد که کسی بگوید که می فروشم این
متاع را بنقد بمبلغ معین و بنسیه زیاده از آن مبلغ و منع کرد که کسی که بگوید
که می فروشم این متاع را بمبلغ معین بشرط آنکه تو متاع خود را بمبلغ کمتر از آن

سه کسند که اگر از روی با ایشان سلوک کنی بتو ظلم می کنند ناکس و
زوجهٔ تو و خدمتکار تو و سه کسند که انصاف از سه کس آزاد از
بنده و عالم از جاهل و قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که در
هر که باشد ایمان او کامل است و درهای بهشت از برای او
می شود وضوی کامل ساختن و نیکو گذاردن نماز و ادا کردن
زکوة مال و فرو خوردن خشم و نگاه داشتن زبان و استغفار
کردن از گناه و نصیحت کردن اهل بیت خود را یا علی لعنت کرده
است سه کس را کسی را که پنهان بخورد توشهٔ راه را و کسی را
که تنها برود به بیابان و کسی که تنها خواب کند در خانه یا علی سه
چیز است که بیم آن هست که سبب دیوانگی شود غایط کردن میان
گورستان و راه رفتن باین طریق که یکپا موزه داشته باشد
و یکپا برهنه و تنها خواب کردن در خانه یا علی سه چیز است که
نیکوست دروغ گفتن در آنها کید کردن با دشمن در جنگ و وعده
کردن با زوجهٔ خود و اصلاح کردن در میان مردمان و سه
چیز است که می میراند دل را نشستن با مردم ناکس و نشستن با توانگران
و سخن کردن با زنان یا علی سه چیز حقیقت ایمان است سه
نفقه کردن در حالت درویشی و تنگی و انصاف دادن نسبت
بمردمان و تعلیم کردن علم بکسی که طلب علم کند یا علی سه چیز است
که در هر که نباشد ناقص است عمل او و پرهیزکاری که او را منع کرده

از گناه

از گناه کردن و خلقی که مدارا کند از مردمان و حلمی که تحمل کند
از جاهلان یا علی سه چیز است که سبب فرح مؤمن میشود در
دنیا ملاقات کردن برادران مؤمن و روزه گشودن و نماز
تهجد گذاردن در آخر شب یا علی منع می کنم ترا از سه خصلت
حسد و حرص و تکبر یا علی چهار خصلت است که نشانهٔ شقاوت
است نیامدن اشک از چشم وقتی که خواهد بگرید و سخت دل بودن
و طول عمل و دوست داشتن زندگانی بسیار را یا علی سه چیز است
که موجب رفع درجاتست در آخرت و سه چیز است که موجب
کفارت گناهان است در آخرت اما آن سه چیز که رفع در
جاتست وضوی کامل ساختن است در سرمای سخت و انتظار
نماز کشیدنست بعد از نماز و شب و روز رفتن بنماز جماعت
و اما آن سه چیز که موجب کفارت گناهانست سلام کردنست
همه کس را و طعام دادنست و نماز تهجد گذاردنست وقتی که
مردمان در خواب باشند و اما آن سه چیز که موجب هلاکت
فرمان برداری نفس است در بخل و پی روی کردن آرزوی
نفس است و تکبر کردنست و اما آن سه چیز که موجب نجاتست
ترس خدا تعالی است در نهان و آشکار او صرف مالست باعتدال
در وقت درویشی و سخن راست گفتن در حال خشنودی و
غضب یا علی شیر دادن جائز نیست بعد از آنکه فرزند دو ساله شده

باشد ویتیم نیست بعد از آنکه بالغ شده باشد یا علی اگر دو سال راه
باید رفت بجهت نیکوئی کردن پدر و مادر برو و اگر یکساله راه
باید رفت بجهت صلهٔ رحم با خویشان برو و اگر ثلث فرسخ باید
رفت بجهت ملاقات برادر مؤمن برو و اگر دو فرسخ باید رفت
بجهت یاری دادن مظلوم برو و بر تو باد که همیشه استغفار کنی
یا علی مومن را سه علامتست نماز گزاردن و زکوة دادن و روزه
داشتن و کسی که بتکلیف خود را بر چیزی سپارد و سه علامتست تملق
کردن بکسی وقتی که حاضر باشد نزد آنکس و غیبت کردن وقتی که غایب
باشد و شادی کردن بمصیبت کسی و ظلم را سه علامت است غلبه
کردن بر کسی که زبونست و نافرمانی کردن نسبت بکسی که مرتبهٔ
آنکس زیاده باشد و یاری کردن ظالمانرا و اهل ریا را سه
علامتست نشاط داشتن و خوشحالی کردن در عبادت وقتی که
نزد مردمان باشد و کاهل بودن در عبادت وقتی که تنها باشد
و دوست داشتن که مردمان ستایش کنند او را در جمیع کارها
و منافق را سه علامت است دروغ گفتن وقتی که سخن کند و خلاف
وعده کردن وقتی که وعده کند و خیانت کردن وقتی که با مانت
باو بسپرند یا علی نه چیز است که فراموشی می آورد خوردن سیب
ترش و خوردن کشنیز و خوردن پنیر و خوردن پس ماندهٔ موش
و خواندن آنچه در آن می نویسند و راه رفتن میان دو زن و انداختن

شپش و حجامت کردن در مغاک پس سر و بول کردن در آب ایستاده
یا علی عیش در سه چیز است سرای گشاده و زن خوش شکل و اسب
باریک میان یا علی بحق خدای که آن کسی که تواضع و فروتنی کند اگر
در نه چاهی باشد حق تعالی او را بیرون آورد و مرتبهٔ او را بلند
گرداند از بزرگان نزد سلاطین یا علی آن کسی که نسبت دهد خود را
بغیر پدران خود لعنت کند خدای تعالی او را و آنکسی که مزد مزدور ندهد
لعنت کند خدای تعالی او را و آن کسی که بدعت احداث کند یا جا دهد
اهل بدعت را لعنت کند خدای تعالی او را کسی گفت یا رسول الله
بدعت کدام است آن حضرت گفت که خون ناحق کردن یا علی مؤمن
کسی است که ایمن باشند مسلمانان از و در مال و خون خود و مسلمان
کسی است که بسلامت باشند مسلمانان از دست و زبان او و مهاجر
کسی است که ترک گناه کرده باشد یا علی محکم ترین ایمانها ایمان کسی است
که دوستی و دشمنی او برای خدا باشد یا علی هر که فرمان برداری زن
خود کند حق تعالی او را در روی اندازد و در دوزخ و گفت حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که یا رسول الله فرمان برداری زن
کدام است آن حضرت فرمود که فرمان برداری زن آنست که اذن
دهد او را برفتن حمام و عروسی و تعزیت و پوشیدن جامهای تنک
خوب یا علی حق تعالی برده است بسبب اسلام نخوت و تکبر و جاهلیت
و کفر را و تفاخر کردن را به پدران بدرستی که مردمان همه فرزند

آدم اند و آدم از خاکست و گرامی ترین مردمان نزد حق تعالی کسی است
که تقوی و پرهیزکاری او بیشتر باشد یا علی حرام است بهای هر
حیوانی که مرده باشد و بهای سگ و بهای شراب و آن چیزی که
زن زناکننده می ستاند بجهت زنائی که با وی کنند و آنچه می گیرد
منجم و رمال بجهت علمی که میکنند یا علی آنکسی که علمی بجهت جدل
کردن بسفیهان یا عالمان یا بجهت آنکه مردمان با و میل کنند پس
او از اهل دوزخ است یا علی وقتی که بندهٔ بمیرد مردمان میگویند
که چه از و مانده است و فرشتهای گویند که پیش از مردن چه
عمل کرده است یا علی دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است
یا علی مردن فجأ راحت مؤمن است و حسرت کافر یا وحی کرده
حق تعالی که خدمت کن کسی را که خدمت من کند و در مشقت
انداز کسی را که خدمت تو کند یا علی اگر دنیا برابر پشهٔ قدر می داشت
نزد خدا یتعالی شربت آبی از دنیا بکافران نمی داد یا علی نیست
کسی از خلق اولین و آخرین مگر آنکه آرزو خواهد کرد در روز
قیامت و خواهد گفت کاشکی نمیداشتم از مال دنیا مگر قوتی یا علی
بدترین مردمان آنکس است که راضی نباشد بقضای حق تعالی
یا علی نالهٔ مؤمن که بیمار باشد تسبیح است و فریاد او تهلیل و خواب
کردن او بر فراش عبادتست و گردیدن او پهلو به پهلو جهادست
در راه خدا و اگر صحت یابد از بیماری همه گناهان او برود و پاک شود

از گناه یا علی اگر بهدیه بیارند برای من پاچهٔ گوسفندی قبول میکنم و اگر
بطلبند مرا طعامی که سر دست گوسفندی باشد قبول میکنم یا علی نیست
بر زنان نماز جمعه و نماز جماعت و بانگ نماز و قامت و عیادت
بیمار و در عقب جنازه رفتن و تند رفتن میان صفا و مروه و دست
بر گرفتن حجر الاسود سر تراشیدن در حج و قاضی شدن و مشورت
کردن با ایشان و ذبح کردن حیوانات مگر بضرورت و بلند گفتن
لبیک اللهم لبیک در حج و رفتن بزیارت قبور و شنیدن
خطبه و وکیل شدن در نکاح و بیرون رفتن از خانهٔ شوهر بی
اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر لعنت کند او را حق تعالی
و جبرئیل و میکائیل و چیزی دادن بکسی از خانهٔ شوهر بی رخصت
او و شب کذرانیدن در حالی که شوهر با و در غضب باشد و اگر چه
آن شوهر با او ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس و پوشش
او حیا است و زینت او وفا است و مروت او عمل صالح است
و ستون او پرهیزکاریست و هر چیز را اساس و بنیادیست
اساس اسلام دوستی اهل البیت یا علی کج خلقی شوم است و فرمان
برداری زن موجب ندامت و پشیمانیست یا علی اگر شومی در چیزی
می بود در زبان زنان می بود یا علی نجات یافته اند کسانی که گناه
ایشان بسیار است و علایق و اسباب دنیوی ایشان بسیار است
یا علی آنکسی که دروغ بر بندد بر من عمداً جای او در دوزخ خواهد بود

یا علی سه چیز است که زیاده می کند حافظه را و می برد بلغم را شیر
خوردن و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت
است و پاک میکند دهن را و روشن می کند چشم را و خشنود می کند
پروردگار را و سفید می کند دندانرا و می برد بوی دهن را و محکم
می کند گوشت بیخ دندانرا و اشتهامی آورد و می برد بلغم را و زیاده
میکند حفظ را و مضاعف میکند حسنات را و خوشحال می سازد
فرشتهارا یا علی خواب کردن بر چهار نوع است بر پشت خوابیدن
و این طریق خواب کردن مؤمنانست و بر جانب چپ خوابیدن
و این طریق خواب کردن مؤمنانست و بر جانب چپ خوابیدن
و این طریق خواب کردن کافران و منافقان است و برو خوابیدن
و این طریق خواب کردن شیطانست یا علی حق تعالی هر پیغمبری که
فرستاد کردانید ذریت و فرزندان او را از پشت او و کردانید
ذریت مرا از پشت تو و اگر تو نمی بودی مرا ذریت نمی بود یا علی
چهار چیز است که از جمله و چیزهائیست که می شکند پشت آدمی را
و فرمان برداری پادشاهی که نافرمانی حق تعالی کند و خیانت کردن
که شوهر محافظت و رعایت احوال او کند و درویشی و فقیری
که هیچ علاج نداشته باشد و بدی همسایه در جائی که لازم باشد
بودن در انجا یا علی عبد المطلب پیش از زمان اسلام پنج سنت
نهاده است که جاری کردانید حق تعالی آن سنتها را در اسلام یکی آنکه

حرام

حرام کردانید زن پدر را بر پسر پس فرستاد حق تعالی این آیه را
وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ یعنی نکاح میکنید و بزنی مخواهید
زنانی را که نکاح کرده اند پدران شما دوم آنکه کنجی یافت و خمس
بیرون کرد از ان کنج و داد بمستحق پس حقتعالی فرستاد این آیه را
که وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي
الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ
وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ یعنی بدانید ای مؤمنان که هر غنیمتی که کرفتید از کافران پس
بدرستی که مر خدا راست پنج یک آن و مر رسول را و مر خویشان
رسول را از اهل اسلام و یتیمان مسلمانانرا که فقیر باشند و درویشانرا
از اهل اسلام و مسافران مسلمانانرا پس خمس بدهید شما ایمان آورید
بخدا تعالی و انچه فرستاده ایم بر بندهٔ خود که محمد است از آیات
در روز جدا شدن حق از باطل که آن روز بدر بود روزی که
ملاقات کردند مسلمانان با کافران بجهت جنگ و خدای بر همیشه
قادر و توانا است سیم آنکه چون کند چاه زمزم را آن چاه را سقایة
الحاج نام کرد پس حق تعالی فرستاد این آیه را که أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ
الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ یعنی آیا میدادید آبنهائی را که آب دادند حاجیانرا

وعمارت کردند مسجد حرام را که همچو آن کسان که ایمان آورده اند
بخدا و جهاد کرده اند در راه خدا برابر نیستند این دو قوم نزد خدا تعالی
و خدا راه نمی نماید گروه کافران و ظالمان را چهارم آنکه در طواف
عددی معین نبود در میان قریش عبد المطلب برای ایشان هفت
عدد تعین کرد پس خدا تعالی جاری کرد این دین را در اسلام
یا علی عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و نخورد آن
چیزی را که ذبح کردند کافران بنام بتان خود و گفت که من بر دین
پدر خود ابراهیم علیه السلام یا علی بهترین مردمان از روی ایمان
و بزرگترین ایشان از روی یقین آن قومند که در آخر زمان
ایمان آورده باشند با وجود که بشرف ملازمت پیغمبر نرسیده اند
و صاحب الزمان غایب باشد یا علی سه چیز است که سیاه می
سازد دل را شنیدن ساز و صید کردن بطریق لهو و رفتن بدر
خانه سلاطین یا علی نماز مگذارد در پوست شیر و حیوانی که گوشت
او را نتوان خورد و نماز مگذارد در ذات الجیش و ذات الصلاصل
و ضجنان ذات الجیش موضعی است میان مکه و مدینه و ذات
الصلاصل نام موضعی است در راه مکه و ضجنان نیز نام موضعی
است در راه مکه یا علی حلالست از تخم مرغها انچه یک طرف او
باریکتر باشد از طرف دیگر و حلالست ماهی انچه فلوس دارد
و حلالست مرغها انچه در وقت پریدن خود بالهای برهم می زنند

وحلال نیس

وحلال نیست انچه در وقت پریدن بالهای خود را برهم نمی زنند
و حلالست از مرغهای که در آب می باشند انچه سنگدان
یا خار دارد یا علی هر درنده که دندان نیش دارد و هر مرغی که
چنگال درنده دارد حرام است یا علی دست بریدن نیست
جهت دزدی خرما از درخت و جهت دزدی بیخ درخت خرما
یا علی نیست بر مرد زناکننده کابین آن زن و حد نیست بر کسی
که بکتابت طلب زنا کند از زنی و شفاعت نیست در حد زنا
و سوگند نیست در قطع رحم و سوگند نیست پدر را با فرزند
خود و فرزند را با پدر خود و زن را با شوهر خود و بنده را با مالک
و صوم صمت حرام است و صوم صمت آنست که کسی نیت کند که
روزه بدارد و خاموش باشد و سخن نکند و صوم وصال حرامست
و صوم وصال آنست که دو روزه روزه دارد پی در پی و شب
افطار نکند و آنهای که هجرت کردند از مکه بمدینه جایز نیست
ایشانرا که بمواضع خود که در صحرا داشته باشند بروند وطن سازند
یا علی نمی باید کشت پدر را بجهت آنکه پدر خود را کشته باشد
یا علی قبول نمی کند حق تعالی دعائی کسی را که دل او غافل باشد
یا علی خواب کردن عالم فاضل تر است از عبادت عابد جاهل یا علی
دو رکعت نمازی که عالم بگذارد فاضل تر است از هزار رکعت نمازی
که عابد جاهل بگذارد یا علی درست نیست که زن روزهٔ سنت بدارد

بی اذن شوهر خود درست نیست که بنده روزهٔ سنت بگیرد بی اذن
مولای خود و همچنین درست نیست که مهمان روزهٔ سنت بگیرد بی
اذن صاحب منزل یا علی روزه داشتن در روز عید رمضان
و عید قربان حرامست و روزهٔ وصال حرامست و روزهٔ صمت
حرامست و روزهٔ نذر معصیت حرامست و نذر معصیت آنست
که نذر کند که اگر بر فلان معصیت قدرت بیابد بگیرد و زیاده
روزه بدارد و همیشه روزه داشتن حرامست یا علی در پیش
شش خصلت در دنیاست و سه خصلت در آخرت اما آن سه خصلت
که در دنیاست آنست که می برد صفا و زیبائی را و کوتاه می سازد
عمر را و قطع می کند روزی را و اما آن سه خصلت که در آخرتست
بدی حسابست و غضب حق تعالی همیشه در دوزخ بودن یا علی
گناه سود خوردن برابر گناه هفتاد عمل بد است که کمترین آنها آنست
که با مادر خود در خانهٔ کعبه زنا کند یا علی یکدرهم سود زر گناه او
زیاده است نزد حق تعالی از هفتاد زنا که کرده باشد در خانهٔ
کعبه بزنی که محرم او بوده باشد یا علی آن کسی که نگاه دارد نیم دانگ از
زکوة مال خود و ندهد آنرا بمستحق او مؤمن و مسلمان نیست و اورا
کرامتی نزد حق تعالی نیست یا علی آن کسی که زکوة ندهد طلب کند از
حق تعالی وقت مردن از روی حسرت که باز گرداند او را بدنیا تا آنکه
زکوة بدهد و مؤید اینست آیه که حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب

ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها
ومن ورائهم برزخ الی یوم یبعثون یعنی تا وقتی که باید یکی از
ایشانرا مرگ و بگمراهی خود دانا گردد و مرگ را معاینه ببیند و آنرا
عذاب مشاهده کند بگوید از روی حسرت که ای پروردگار من
بازگردان مرا بدنیا شاید که عملی صالحی بکنم در آن چیزی که ترک کرده ام
حاشا که او را بازگردانند بدرستی که درخواست سخنی است که بجهت
غلبهٔ حسرت بروی می گوید و از پیش ایشان چیزی هست که مانعست
از بازگشتن ایشان که آن قبرست و در آنجا خواهند بود تا روز
حشر یا علی کسی که حج نکند و قدرت داشته باشد کافرست زیرا که
حق تعالی فرموده است که ولله علی الناس حج البیت من استطاع
الیه سبیلا ومن کفر فان الله غنی عن العالمین یعنی مر خدا راست
بر مردمان قصد خانهٔ کعبه هر که توانائی دارد که برود و هر که قبول
نکند واجب بودن حج را پس بدرستی که حق تعالی بی نیازست از همه
عالمیان یا علی آن کسی که تأخیر کند در حج کردن و قدرت داشته
باشد و حج نکند و بمیرد حق تعالی برانگیزد او را در روز قیامت
یهودی یا نصرانی یا علی صدقه رد می کند بلائی را که مقدر شده
باشد یا علی صلهٔ رحم زیاده می کند عمر را یا علی در وقت طعام
خوردن افتتاح کن بنمک و ختم کن بنمک بدرستی که شفاست
از هفتاد و دو درد یا علی در قیامت وقتی که در مقام محمود باستیم

از

شفاعت خواهم کرد پدر و مادر و عم خود را اگر گناهی کرده باشند
و شفاعت خواهم کرد برادران خود را که در زمان جاهلیت بوده اند
یا علی من فرزند دو کسم که ایشانرا می خواستند که قربان کنند و آن
دو کس یکی اسمعیل است و دیگری عبد الله که پدران آن حضرت
بود و من آن کسم که دعاء پدر من ابراهیم در حق من مستجاب شد
یا علی عقل چیزیست که کسی بسبب او به بهشت میرود و بسبب
او کاری میکند که موجب خشنودی حق تعالی میشود یا علی
اول چیزی که خدا یتعالی آفرید عقل است چون حق تعالی
عقل را آفرید گفت بعقل که روی بانجانب کن عقل پشت باین
جانب کرد پس گفت عقل که بعزت و جلال من که نیافریدم
چیزی که دوست تر باشد نزد من از تو بسبب تو قبول میکنم
طاعت را و بسبب تو می بخشم چیزها را و بسبب تو ثواب میدهم
و بسبب تو عقاب میکنم یا علی صدقه بدیگری نمی باید داد وقتی
که خویشان کسی محتاج باشند یا علی یکدرهم که صرف شود در رنگ
کردن محاسن ثواب او بیشتر است از هزار درهم که در راه خدای تعالی
صرف شود و در رنگ کردن چهارده خصلتست می برد بادرا از
گوش و روشن می کند چشم را و نرم و ملائم می کند دماغ را و
خوشبو می کند دهن را و محکم می کند بیخ دندانرا و می برد بوی
بغل را و کم می کند وسوسهٔ شیطانرا و خوشحال می کند فرشتها را و

و شاد می شوند بسبب رنگ کردن مؤمنان و خشمناک می شوند
کافران و زینت است و بوی خوش است و شرم می کند منکر و نکیر
و خلاص می کند از عذاب قبر یا علی چیزی نیست در سخنی که بآن
عمل نکنند و چیزی نیست در صورت نیکو بی صفات نیکو و خیری
نیست در دوست بیوفا و خیری نیست در بازار ایستادن از حرام
بی پرهیزکاری و خیری نیست در صدقه بی نیت و خیری نیست
در زندگانی بی صحت و خیری نیست در وطن بی امنیت و خوشحالی
یا علی حرامست از گوسفند هفت چیز خوردن و ذکر و جائی که
بول در و جمع میشود و مغز مهرهٔ پشت و غدود و سپرز و زهره
یا علی مضائقه مکن در چهار چیز در خریدن قربانی و کفن و بنده
و کرایهٔ راه مکه یا علی آیا خبر دهم بتو که مشابهت بیشتر دارد بمن
در صفات امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت بلی یا رسول الله
آن کسی که حسن خلق و حلم او بیشتر باشد و نیکوئی بیشتر کند بخویشان
خود و انصاف او بیشتر باشد یا علی وقتی که کسی از امت من در
کشتی نشسته باشد ایمن می شود از غرق شدن چون بخواند
این آیتها را که بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله
مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم یا علی ایمن می شوند

ازانده و وقتی که بخواند این آیتها را که قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا یا علی ایمن می شوند امت من از انکه
دیوار یا خانه بر سر ایشان بیفتد وقتی که بخوانند این آیه را که ان
الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا علی ایمن میشوند
از غم وقتی که بگویند این کلمات را که ولا حول ولا قوة الا بالله
لا ملجاء ولا منجاء من الله الا الیه یا علی ایمن می شوند امت من
از سوختن وقتی که بخوانند این آیتها را که ان ولی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق
قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل
الکتاب الذی جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه
قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم
ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم یلعبون یا علی آن کسی که بترسد
از دزدها باید که بخواند این دو آیه را که لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین
رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه

توکلت وهو رب العرش العظیم یا علی آن کسی که سرکشی کند
چهارپای او باید که بخواند در گوش چهارپا این آیه را که وله اسلم
من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
یا علی آن کسی که در شکم او زرداب باشد باید که بنویسد بر شکم
او آیة الکرسی را و نیز بنویسد آیة الکرسی را بر ظرف و بشوید
و بیاشامد بدرستی که صحت می یابد باذن الله تعالی یا علی آن
کسی که از ساحران یا از شیاطین بترسد باید که بخواند این آیتها را
که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب
المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین یا علی
حق فرزند بر پدر آنست که پدر را بنام نخواند و وقتی که با هم
هم راه روند در پیش پدر نرود و در وقتی نشستن پشت به
پدر نکند و باید که با پدر بحمام نرود یا علی سه چیز از وسوسه است
گل خوردن و ناخن بدندان چیدن و محاسن را بدهن گرفتن
یا علی لعنت کرده است حق تعالی پدر و مادر را که باعث نافرمانی
فرزند شوند نسبت بخود یا علی لازم می شود پدر و مادر را از فرمانی

کردن بفرزند خود آنچه لازم می شود فرزند را از نافرمانی کردن
بر پدر و مادر خود یا علی رحمت کناد حق تعالی پدر و مادر را
که باعث شوند فرزند خود را بنیکوئی کردن با ایشان یا علی آن
کسی که اندوه‌گین سازد پدر و مادر را ببدرستی که نافرمانی
کرده است با ایشان یا علی آن کسی که عیب کنند نزد او برادر مسلمان را
و او قدرت داشته باشد که منع کند و منع نکند فرو گذارد
حق تعالی او را در دنیا و آخرت یا علی آن کسی که نفقه دهد یتیم را
از مال خود تا وقتی که بالغ شود واجب شود او را بهشت البته
یا علی آن کسی که دست بر سر یتیمی مالد از روی ترحم و شفقت
بدهد حق تعالی باو بعدد هر موئی که در سری یتیم است نوری
در روز قیامت یا علی هیچ درویشی سخت تر از جهل نیست و هیچ
مال نفعه دهنده تر از عقل نیست و هیچ تنهائی بر وحشت تر از
عجب و تکبر نیست و هیچ عقلی مانند تدبیر نیست و هیچ پرهیز
کاری بهتر از باز ایستادن از حرام نیست یا علی آفت سخن دروغ
گفتن است و آفت علم فراموشی است و آفت عبادت فتور است
و آفت جمال تکبر است و آفت حلم حسد است یا علی چهار چیز است
که ضایع می کند مال و ملک را و درویش میسازد کسی را چیزی
خوردن در حالت سیری و چراغ روشن کردن در روشنائی
و زراعت کردن در زمین سوره و چیزی آموختن از کسی که آن

کس

کس که فراموش کند صلوات فرستادن را بر من گم کرد راه بهشت را
یا علی به پرهیز از سبک بجای کردن در نماز و مکث نکردن در
سجده مگر بقدر نهادن کلاغ منقار خود را بر زمین بجهت برداشتن
چیزی و به پرهیز از صید شب یا علی در آوردن دستها تا مرفق
در دهن اژدها آسان تر است نزد من از چیزی طلبیدن از
مخلوق یا علی نافرمان ترین مردمان نزد حق تعالی آن کسی است
که بکشد کسی را که خون او نیست و بزند کسی را که نزده است
او را و آنکسی که دوست دارد غیر خدا تعالی و رسول و ائمه
و مؤمنان را پس کافر شده است بآن چیز که فرستاده است
حق تعالی یا علی انگشتری در دست راست کن بدرستی که فضیلت
مقربان و نزدیکان درگاه خدا در نیست و گفت حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که یا رسول الله انگشتری از چه چیز بسازم
آن حضرت فرمود که از عقیق سرخ بساز بدرستی که عقیق سرخ
حاصل شده است از کوهی که اول اقرار کرده است بواحدانیت
حق تعالی و به پیغمبری من و بوصی تو و بامامت فرزندان
تو و به بهشت رفتن شیعیان تو و بدوزخ رفتن دشمنان
تو یا علی حق تعالی نظر کرد بدنیا پس برگزید مرا از دنیا و تفضیل
داد بر مردان عالم باز نظر کرد بدنیا پس برگزیدیم ترا از دنیا
و تفضیل کرد بر مردان عالم باز نظر کرد بدنیا و برگزید فاطمه را

از دنیا و تفضیل کرد بر زنان و مردان عالم یا علی دیدم نام ترا با نام
خود در چند موضع پس انس کرفتم بتو بجهت این یکی آنکه چون
رسیدم به بیت المقدس در شب معراج دیدم که بر سنکی نوشته
بود که لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته
بوزیره یعنی تقویت کردم و یاری دادم محمد را بوزیر او پرسیدم
از جبرئیل ع که کیست وزیر من کفت که علی بن ابی طالب علیه السلام
و دیکر چون کذشتم بسدرة المنتهی و رسیدم بعرش نوشته یافتم
بر ستونهای عرش که انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی
ایدته بوزیره و نصرته بوزیره یا علی طلب کردم از حق تعالی
که چند خصلت بتو دهد پس قبول کرد حق تعالی آنها یکی آنکه
اول کسی که از قبر بیرون آید با من تو باشی دیکر آنکه اول کسی
که بر پل صراط بایستد با من تو باشی و دیکر اول کسی که ساکن شود
با من در علیین تو باشی و علیین جائیست بر آسمان هفتم در زیر
عرش و دیکر آنکه اول کسی که بیاشامد از شراب بهشت با من
تو باشی بعد از ان کفت حضرت پیغمبر که بسلمان فارسی که رحمة الله
علیه که ای سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدا تعالی
میکنی و دعای تو مستجاب میشود و کناهان تو تمام آمرزیده
می شود تمتع و برخورداری دهاد ترا حق تعالی بعافیت تا وقت
رسیدن اجل بعد از ان کفت آن حضرت باب ذر که ای اباذر به

برهیز از طلب کردن از مخلوق بدرستی که طلب کردن موجب خواری
و درویشی و احتیاج می شود در دنیا و موجب طول حسابست در
آخرت یا اباذر زندکانی خواهی کرد تنها و خواهی مرد تنها و خواهی رفت
به بهشت تنها و نیک بخت خواهند شد بجهت تو قومی از اهل عراق
که قیام نمایند بغسل دادن تو و به تجهیز و تکفین و دفن کردن تو
یا اباذر چیزی از کسی طلب مکن و اکر چیزی بتو دهند قبول کن
بعد از ان کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که آیا خبر
دهم بشما که کیست بدترین شما کفتند بلی یا رسول الله آن حضرت
کفت که بدترین شما آن کسانند که سخن چینی کنند و جدائی اندازند
میان دوستان و عیب مردمان کنند

در پند دادن حضرت رسالت پناهی ابن مسعود را رضی الله عنه
کفت عبد الله بن مسعود که روزی رفتم با پنج کس از اصحاب بخدمت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ما بسیار کرسنه بودیم و مدت
چهار ماه بغیر از آب و شیر و برک درخت چیزی دیکر نخورده بودیم
کفتیم یا رسول الله تا کی ما چنین کرسنه خواهیم بود آن حضرت کفت
همیشه چنین کرسنه خواهید بود مادام که زندکانی کنید پس شکر
کنید حق تعالی را بدرستی که من خوانده ام کتابی را که حق تعالی
فرستاده است بر من و کتابهائی را که فرستاده است بر پیغمبرانی
که پیش از من بوده اند پس نیافتم درین کتابها کسی را که به بهشت

رود و دیگران کسانی را که صابر باشند یا ابن مسعود حق تعالی فرموده
است که اِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسَابٍ یعنی جز
این نیست که داده می شود مزد صبر کنندگان بیشمار یعنی آن مقدار
مزد میدهند بایشان که بحساب و شمار در نمی آید و نیز گفته است
که اُولٰئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه صابران
جزای ایشان بهشت است بجهت آنکه صبر کردند بر مشقت و نیز
گفته است که اِنِّی جَزَیْتُهُمُ الْیَوْمَ بِمَا صَبَرُوا اَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ
بدرستی که من جزا میدهم ایشانرا امروز بر آنچه صبر کردند بر ایذا
بدرستی که ایشان رسانیدگانند بمراد و نیز گفته است که وَجَزَاهُمْ
بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِیرًا یعنی جزا دهد خدا تعالی ایشانرا
بسبب آنکه صبر کردند بوستانی که میوهٔ آنرا بخورند و جامهٔ ابریشم
بهشت که بپوشند و نیز گفته است که اُولٰئِکَ یُؤْتَوْنَ اَجْرَهُمْ
مَرَّتَیْنِ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه که ایمان آورده بودند بکتاب
خدا تعالی که پیش از قرآن نازل شده بود ایمان آوردند بقرآن
جزا داده می شوند دوبار بسبب آنکه صبر کردند و ثابت بودند بر
ایمان خود و نیز گفته است که اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا
یَاْتِکُمْ مَثَلُ الَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَاءُ وَ
الضَّرَّاءُ یعنی آیا می پندارید ای مهاجران که شما به بهشت میروید
وحال آنکه نرسیده بشما مانند محنت آنهائی که پیش از شما بودند

یعنی پیغمبران و صدیقان و متابعان شما و رسیده است بایشان
سختی و درویشی و بیماری و گرسنگی و نیز گفته است که وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ
بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ
وَبَشِّرِ الصَّابِرِینَ یعنی هر آینه می آزمائیم شما را بچیزی اندک از
بیم دشمن و گرسنگی بقحط و نقصان بعضی از مالها که بتاراج ها
رود و نقصان در نفسها به بیماری و ضعف و پیری و نقصان
میوها بآفات سماوی و ارضی یا مرگ فرزندان که ثمرهٔ باغ دلند
و بشارت صبر کنندگانرا و باز ایستاده اند از معصیت و کسب
کرده اند از وجه حلال و باعتدال نفقه کرده اند در وقت
توانگری و درویشی و بخشش کرده اند پس این جماعت رستگار شده
اند و حاجت ایشان بر آورده شده است یا ابن مسعود صابران
آن کسانند که دائم با خشوع و وقار و سکینه و فکر باشند و ملایمت
و عدل نمایند با مردم و تعلیم گیرند از مردمان و بنظر عبرت متوجه
شوند بچیزها و تدبیر کنند در امور و پرهیزکاری نمایند
و احسان و نیکوئی کنند و خود را دور دارند از گناه و دوستی
و دشمنی ایشان برای خدا باشد و ادای امانت کنند و عدل
نمایند در حکومت و اقامت شهادت کنند و یاری نمایند
اهل حق را و عفو کنند از کسی که بر ایشان ظلم کرده است یا ابن
مسعود صابران آن کسانند که وقتی که مبتلا شوند ببلائی صبر کنند

و وقتی که نعمتی بایشان برسد شکر کنند و در حکم کردن عدل
و راستی نمایند و هرگاه سخنی کنند راست بگویند و وقتی که عهدی
کنند بآن عهد وفا نمایند و هرگاه گناهی از ایشان در وجود آید
استغفار کنند و هرگاه نیکوئی کنند خوشحال شوند و چون نادانان
بایشان سخن بی ادبانه بگویند ایشان سخن سخت نگویند و ملایمت
کنند و چون بکذرند بچیزی ناپسندیده تحمل کنند و صابران آن
کسانند که شب بروز می آرند برای پروردگار خود بسجده کنند
و بر پای ایستاده یعنی مشغولی مینمایند بنماز و میگویند بمردمان
سخن نیکو یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاده مرا بحق که این جماعت
که مذکور شد صابرانند یا ابن مسعود آیا کسی که گشاده است حق تعالی
سینهٔ او را برای قبول اسلام و انقیاد ملت و متابعت سید انام
عَلَیْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ چون کسی است که سینهٔ او قبول حق نکند
پس آن گشاده سینه بر روشنی معرفتست از پروردگار خود بدانی
که نور ایمان هرگاه در دل در آید گشاده می شود دل و وسعت پیدا
می کند کسی گفت یا رسول الله آیا این کس را علامتی هست آن حضرت
فرمود که بلی علامت او اینست که میل نکند بدنیا که سرای غرورست
و میل کند بآخرت که سرای خلودست و مهیا باشد برای مردن پیش
از رسیدن اجل پس آن کسی که دوری جوید کم شود آرزوی او
و بگذارد دنیا را و آخرت را بیازماید شما را و ظاهر شود کدام

از

از شما نیکوترید از روی عمل یعنی کدام از شما زاهدتر و بیشتر است
در دنیا بدرستی که دنیا سرای غرورست و سرای کسی است که او را
سرای نیست یعنی اعتباری ندارد و جمع میکند دنیا را کسی که او را
هیچ عقلی نیست بدرستی که بی عقل ترین مردمان آن کسی است
که طلب دنیا می کند زیرا که حق تعالی فرموده است که اِعْلَمُوْا
اَنَّمَا الْحَیٰوةُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّزِیْنَةٌ وَّتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ
فِی الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ اَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَبَاتُهٗ
ثُمَّ یَهِیْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُوْنُ حُطَامًا وَفِی الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ
شَدِیْدٌ یعنی بدانید ای طالبان دنیا که زندگانی دنیا بازیچه و بیهوده
است و رنج کشیدن در طلب متاع دنیا چون تعب طفلان است
در بازیها بی حاصل و مفاخرتست میان یکدیگر بنسبت با جاه و مباهات
به بسیاری مال و فرزندان پس مثل اینها در سرعت زوال و بی انتقال
همچو بارانیست که بر زمین تشنه ببارد و تخمها که در وست زود
بروید و سبز شود پس از روی خوشی بشگفت آورد مزارعان را
آنچه رسته باشد از باران پس خشک گردد بیکی از آفات سماوی
یا ارضی پس بینی آن گیاه را زرد شده و بعد از آن درهم شکسته
و ریزه شده در آخرت عذاب سخت مر آنهائی را که همه عمر در طلب
دنیا گذرانیده اند و از حق فراموش کرده اند و نیز گفته است که
وَاٰتَیْنٰهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا یعنی دادیم هیچ زهد در دنیا وقتی که طفل بودید

ونیز گفته است حق تعالی موسی که ای موسی هیچ زینتی نزد من بهتر از
زهد نیست یا موسی هرگاه درویشی رو بتو آورد بگوی که خوش
آمدی ای شعار صالحان و هرگاه توانگری رو بتو آورد بگو
که گناهی کرده بودم که زود عقوبت آن بمن رسید یا ابن مسعود
حق تعالی فرموده است که وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً
لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا
يَظْهَرُونَ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ وَزُخْرُفًا
وَإِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ یعنی اگر نمی گشتند آدمیان یک گروه بر اختیار دنیا بر آخرت
هر آینه میگردانیدیم برای کسان که ایمان نمی آورند بحق خدا تعالی
مر خانهای ایشانرا سقفها از نقره و نردبانها که آن بر بام خانها
که بر آیند و خود را بنمایند و می ساختیم برای خانهای ایشان نقره
درهای و تختها که بر آن تکیه کنند و با وجود این ایشانرا طلا هم
دادمی و نیست هم انچه یاد کرده شد مگر برخورداری از زندگانی
دنیا و نعمت آخرت نزد پروردگار تو مر پرهیزگارانراست
که از دنیا و متاع او اجتناب نموده اند و نیز گفته است که مَنْ
كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
يَصْلٰيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا یعنی آنکسی که خواهد

نعمت این جهانرا بدهم در دنیا انچه خواهیم از نعمتها بآن کسی که
ما خواهیم از طالبان دنیا پس آماده کنیم برای او دوزخ را
در آخرت پس در آید بدوزخ در حالتی که مذموم باشد
و دور باشد از رحمت خدا تعالی و هر که خواهد آخرت را
و سعی کند برای آخرت انچه حق سعی باشد یعنی اعمال نیکو کند و حال آنکه
او مؤمن باشد پس آن گروه که این صفت داشته که طلب آخرت است
و اعمال نیکو و ایمان سعی ایشان مقبول و پسندیده است نزد خدا تعالی
یا ابن مسعود آن کسی که مشتاق بهشت است شتاب میکند در خیرات
و آن کسی که می ترسد از دوزخ ترک می کند آرزوهای نفس را و آن کسی
انتظار مرگ می برد ترک می کند لذتها را و آن کسی که زهد و پرهیزگاری
دارد در دنیا آسان می شود برو مصیبتها یا ابن مسعود خدا تعالی
فرموده است که زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَ
الْحَرْثِ ذٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ یعنی
زینت داده شد برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و پسران
و ظرفها با طلا و نقره و اسپهای خوب و دیگر چهار پایان از شتر و گاو
و گوسفند و کشت زار اینها که یاد کرده شد متاع زندگانی دنیاست
و دست خدا تعالی است نیکوئی بازگشت یا ابن مسعود بدرستی
که خدا تعالی اختیار کرد موسی را بسخن گفتن با او در وقتی که می نمود

سبزی گیاه از پوست شکم او از لاغری و طلب نکرد موسی از حق تعالی
وقتی که جا کرده بود در سایه مگر نانی که بخورد بجهت گرسنگی یا ابن
مسعود اگر می خواهی که خبر دهم از حال نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ بدرستی
که زندگانی کرد نهصد و پنجاه سال چون می شد یعنی گفت بشام بخوام
رسید و پوشش او از پشم بود و خوردنی او آرد جو بود و اگر می خواهی
شمهٔ از حال داود بگویم بدرستی که او خلیفهٔ خدا بود در روی
زمین و لباس و پوشش او علیه السلام از پشم بود و خوردنی و از آرد جو بود
و اگر می خواهی که خبر دهم بتو از حال سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ با وجود
آنکه پادشاه روی زمین بود نان جو می خورد و نان میده بمردم
میداد و پوشش او از پشم بود و هرگاه شب می شد می بست دست
خود را بر گردن خود و نماز می کرد تا صبح و اگر می خواهی خبر دهم بتو
از حال ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بدرستی که لباس او از پشم بود
و خوردنی او از نان و اگر می خواهی که بتو خبر دهم از حال عیسی علیه السلام
بدرستی که حال او عجیب تر بود میگفت که نان خورش من گرسنگی است
و شعار من ترس خداست و لباس من از پشم است و چهارپای من
پایهای منست و چراغ من در شب ماه است و آتش که با آن گرم می شود
در زمستان و میوه و ریحان من گیاه است که از زمین می روید
و خوش و در صباح و شام چیزی نیست و با وجود این نیست
در روی زمین غنی تر از من کسی یا ابن مسعود این ریاضتها که پیغمبران

می کشیدند

می کشیدند بجهت آن بود که دشمن میداشتند چیزیرا که خدا تعالی
دشمن داشت و حقیر می شمردند چیزیرا که خدا تعالی شمرد و میل
نکردند بآنچه حق تعالی او را دوست نداشت که آن دنیا است
و حق تعالی ثنا گفته است ایشان را در قرآن پس از برای نوح علیه السلام
گفته است که اِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا • بدرستی که نوح بود
بندهٔ که شکر میگفت در همه حال و از برای ابرهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ
بدرستی که نوح بود بندهٔ که شکر میگفت در همه حال و از برای
ابرهیم علیه السلام گفته است که وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا •
یعنی گرفت حق تعالی ابراهیم را دوست و از برای داود علیه السلام
گفته است که اِنَّا جَعَلْنَا خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ • یعنی ای داود ما ترا گردانیدیم
خلیفهٔ در زمین و از برای موسی علیه السلام گفته است که وَ
كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰى تَكْلِيمًا • یعنی سخن گفت حق تعالی با موسی
سخن گفتنی بی واسطه و نیز گفته است از برای موسی که وَقَرَّبْنَاهُ
نَجِيًّا یعنی نزدیک گردانیدیم موسی را بدرگاه قرب در حالتی که
راز گوینده بود با ما و از برای یحیی گفته است که وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ
صَبِيًّا یعنی دادیم ما یحیی را حکمت و فهم توریة در حالتی که کودک
بود و از برای عیسی گفته است که یَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي
عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ اِذْ اَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ
فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰيةَ

وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهِ فَتَكُونُ
طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ
الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي یعنی ای عیسی بن مریم یاد کن نعمت مرا که دادم بتو
و مادر تو وقتی که تقویت کردم ترا بجبرئیل و تو سخن میگوئی با مردم
از روی فصاحت و بلاغت در گهواره و در پیری و دیگر یاد کن
ای عیسی که چون آموختم ترا و فهم چیزها و معانی توریت و انجیل
و آنرا که می سازی از گل ساخته پس آن صورت می شود مرغ زنده
بفرمان من و از علت بیرون می آوری کور مادرزاد را و چشم
او روشن می کنی و پاک و به می سازی کسی را که برص دارد بامر من
و چون بیرون می آری مردها را از قبر ایشان و زنده می کنی بحکم
من و از برای همهٔ انبیا گفته است که إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ
فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ
یعنی بدرستی که پیغمبران بودند که می شتافتند در خیرات و می خواندند
ما را از روی رغبت بثواب و از جهت ترس از عقاب و بودند
ما را فرمان بردار یا ابن مسعود این همه ریاضتها که کشیدند
پیغمبران بجهت آن بود که ترسانیده بود حق تعالی ایشانرا باین
قول که وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ
مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ یعنی دوزخ وعده گاه متابعان شیطانست همه
ایشان مر دوزخ را هفت در است و هفت از گمراهان بهر دریست

قسمت

قسمت کرده شده و نیز ترسانیده بود ایشانرا باین قول که وَجِيءَ
بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ یعنی آوردند
پیغمبرانرا برای دعوی ابلاغ بر امت و گواهانرا برای صحت دعوی
ایشان و حکم کرده شد میان بندگان بعدل و راستی و ایشان ستم
دیده نشوند بنقصان ثواب و زیادتی عقاب یا ابن مسعود دوزخ
از برای کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت برای کسی است
که ترک زینت و لذتی را که حلال باشد بر تو باد که زهد ورزی و
ترک کنی دنیا را بدرستی که زهد چیزیست که مباهات می کند حق تعالی
بر فرشتها و سبب آن متوجه تو می شود و رحمت می کند بر تو یا ابن
مسعود زود باشد که پیدا شوند بعد از من قومی که می خورده
باشند انواع طعامهای خوب و سواری شده باشند بر اسبهای
خوب و زینت داده باشند خود را همچنانکه زنان زینت میدهند
خود را برای شوهر و آراسته میکرده باشند خود را همچو زنان
در لباس و صورت ایشان مثل پادشاهان ظالم باشند و ایشان
منافقان این امت اند در آخر زمان شراب می خورده باشند
و قماری باخته باشند و مرتکب شهوات و آرزوهای نفس
می شده باشند و ترک می کرده باشند نماز جماعت را و خواب میکرده
باشند در وقت نماز خفتن و نماز صبح نمی کرده باشند و حق تعالی
در شان این جماعت گفته است که فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا

الصلوة

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا يعنى پس ايشان فرض بد كه از
بسيارى غفلت ترک كردند نماز را و پى روى كردند آرزوهاى
نفس را از انواع معاصى پس زود باشد كه ببينند جزاى گمراهى يا
ابن مسعود مثل ايشان مثل گياه تلخ است كه سبزى و تازگى او نيكوست
وطعم او بد است سخن ايشان نيكوست وعمل ايشان بد است آيا ايشان
فكر نمى كنند در قرآن يا بر دلهاى ايشان قفلها است يا ابن مسعود
توانگر نيست كسى كه تنعم كند در دنيا و در آخرت در دوزخ باشند
ميدانند ظاهر حيات دنيا را و غافلند از آخرت بنا مى كنند سراها
وقصرها محكم و زينت ميكنند مسجدها را بطلان نيست ميل ايشان
مگر بدنيا و روى ايشان بدنيا است و اعتماد كرده اند بر دنيا و شكم
خود را مى پرستند و از خدا غافلند وحق تعالى گفته است در شان
ايشان كه وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ
جَبَّارِينَ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ يعنى فرا مى گيريد سراها و كوشكهاى
محكم گويا جاويد خواهيد بود در ان و چون سخت ميگيريد بسختى
در حالتى بى شفقت و نامهربانى پس بترسيد از خدا تعالى و فرمان
بريد و نيز گفته است در شان ايشان كه أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ
إِلٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلٰى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ
وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
يعنى آيا چون مى بينى آنرا كه فرا گرفت خداى خود را آرزوى خود يعنى

فرمان

فرمان بردارى آرزوى خود كند همچنانكه فرمان بردارى خداى بايد كرد
وچون بى بينى كه گمراه ساخت حق تعالى او را بجهت دانستى كه خدا تعالى
راست بر عافيت آنكس و مهر نهاد بر گوش او كه سخن حق نشنود و مهر
نهاد بر دل او كه تعقل آيات حق نكند و نهاد بر چشم و پوششى تا بنظر
عبرت ننگرد پس كيست راه نمايد اين كس را بعد از فرو گذاشتن
خداى تعالى آيا پند نمى گيرد يعنى بايد كه پند بگيرد و شنيده شويد يا
ابن مسعود نيست آنكس مگر منافق كه گردانيده است دين خود را
آرزوى خود و خداى خود را شكم خود يعنى پى روى آرزوى شكم
كند همچنانكه پى روى خدا تعالى و دين مى بايد كرد و هر چيزى كه
آرزو دارد از حلال و حرام باز نمى ايستد از ان و حق تعالى در شان
ايشان فرموده است كه وَفَرِحُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فِى الْآخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ
يعنى شاد شده اند بحيات دنيا آنچه از متاع دنيا بايشان داده اند
و نيست زندگانى دنيا در جنب آخرت مگر متاع اندك كه بقا و دوامى
ندارد يا ابن مسعود سخن گفتن ايشان با زنان ايشان خواهد
بود و شرف و بزرگى ايشان بطلا و نقره و همگى همت ايشان مصروف
اين خواهد شد كه شكم خود را پر كنند از طعام اين گروه بدترين اند
فتنه از ايشان خواهد بود و با ايشان باز خواهد گرديد يا ابن مسعود
خدا تعالى فرموده است كه أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ
مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنٰى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يعنى آيا دانستى كه اگر بد

خورداری دهیم ایشانرا سالها و زندگانی بخشیم پس بپاید بدیشان
آنچه وعده داده شده اند از عذاب تا دفع نکند از ایشان عذاب را
آنچه بدان برخورداری یافته بودند یعنی تمتع دنیا و نعیم آن دافع
عذاب و مانع عقاب نخواهد بود یا ابن مسعود اسلام در اول غریب
بود یعنی مسلمانان در اول زمان اسلام کم بودند و زود باشد
که غریب شود همچنانکه در اول بود پس خوشا حال آن کسانیکه مسلمان
بودند در اول زمان اسلام پس آن کسی که دریابد آخر زمان را
فرزندان شما باید که سلام نکند آن منافقانرا که در آخر زمان باشند
و حاضر نشود بر جنازهٔ ایشان و عیادت نکند بیماران ایشانرا
بدرستی که ایشان بظاهر بطریق شما سلوک می کنند و دعوی اسلام
می کنند همچنانکه شما می کنید ایشان مخالف افعال شما خواهد بود
پس ایشان خواهند مرد بغیر ملت اسلام پس ایشان از امت نیستند
و من از ایشان بیزارم یا ابن مسعود باید که نترسد کسی غیر از حق تعالی
بدرستی که حق تعالی فرموده است أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ
وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ یعنی هر کجا باشید دریابد شما را
مرگ اگرچه باشید در حصارهای محکم و نیز گفته است که يَوْمَ يَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ
قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ
بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن

مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ
الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ
مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ یعنی یاد کن آن روز را که مردان
منافقان و زنان منافقه گویند مر آن کسانی را که ایمان آوردند
که نظر کنید بما تا بگیریم از نور شما مؤمنان بایشان گویند که
باز گردید باز پس خویش یعنی بدنیا روید پس بجوئید نوری
زیرا که محشر کسب نخواهید نمود و از دنیا با خود باید آورد منافقان
فهم این معنی بتصور آنکه نور در عقب ایشانست روی باز
پس کنند پس فرشتها بحکم الهی بزنند میان منافقان دیواری زیرکه
که چون بارهٔ شهری که مر او را دوری باشد که مؤمنان بدان
در آیند اندرون آن دیوار که در و رحمت بود زیرا که نزدیک
بهشت است و بیرون آن دیوار که طرف منافقانست عذاب باشد
زیرا که نزدیکست بدوزخ اما منافقان چون باز پس نگرند
و نور نه بینند باز متوجه مؤمنان شوند دیواری بینند میان
خود و ایشان از آن در بنگرند مؤمنانرا بینند خرامان
متوجه بهشت اند بخوانند مؤمنانرا بزاری و گویند ای مؤمنان
آیا نبودیم ما با شما در دنیا که نماز گذاردیم و بموافقت شما روزه
بداشتیم گویند مؤمنان که بلی بظاهر با ما بودید و لیکن در فتنه

امکه بد نفسهای خود را بسبب نفاق و لذت معاصی و سزاوار عقوبت
کشید و تأخیر کردید در توبه و شک آوردید در نبوت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم و فریفته ساخت شما را آرزوهای
شما تا وقتی که بقبض روح شما و فریب داد شما را بخدا دنیا ناپای
دار پس امروز فرا گرفته نشود از شما چیزی که فدای خود کنید
و از عذاب برهید و فرا نگیرند نیز از آن کسان که کافر بدرستی که جای
ایشان و شما دوزخ بود و آتش سزاوارتر است بایشان و شما
و بد باکسی است آتش یا ابن مسعود بر ایشان لعنت حق تعالی
از من و جمع پیغمبران مرسل و فرشتهای مقرب و بر ایشان غضب
خدا تعالی و بدی حساب در دنیا و آخرت بدرستی که گفته است
حق تعالی که لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان
داود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا
لا یتناهون عن منکر فعلوه تری کثیرا منهم یتولون الذین
کفروا لبئس ما کانوا قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم
و فی العذاب هم خالدون و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی
و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکن کثیرا منهم
فاسقون یعنی لعنت کرده است خدا تعالی کافران بنی اسرائیل را
در زبور بلسان داود و در انجیل بزبان عیسی و این لعنت
مر ایشانرا بسبب آن بود که نافرمانی کردند و از حد در می‌گذشتند

و منع نمیکردند بعضی ازیشان بعضی را از عمل زشت که می‌کردند
بدرستی که بد چیزیست که آنچه ایشان می‌کردند می‌بینی بسیاری
از اهل کتاب را که از غایت حسد مسلمانان دوستی می‌کنند با کافران
هر آینه بد چیزیست آنچه از پیش فرستاده برای ایشان نفسهای
ایشان و آن چیز خشم گرفتن خدای تعالی است بر ایشان و ایشان
جاوید باشند از عذاب و اگر یهود ایمان می‌آوردند بخدای
و به پیغمبر خود و آنچه فرستاده شده است بآن پیغمبر هر آینه
نمیگرفتند کافرانرا بدوستی و لیکن بسیاری از منافقان بیرون
رفته اند از دائرهٔ اسلام یا ابن مسعود ظاهر میکنند منافقان
حرص و حسد را و قطع می‌کنند صلهٔ رحم را و ترک می‌کنند خیرات را
گفته است حق تعالی در شأن ایشان که و الذین ینقضون
عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل
و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار
یعنی آنانکه بشکنند عهد خدا را که از ایشان گرفته است پس از استواری
آن و عهد و قطع کنند آنچه خدا تعالی فرموده است که آنرا به پیوندند
که آن صلهٔ رحم است و فساد کنند در زمین بمخالفت حق تعالی و
متابعت نفس آن گروه مر ایشان راست لعنت و مر ایشانرا بدی
عاقبت در دنیا و آخرت و نیز فرموده است که مثل الذین حملوا التوراة
ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا یعنی مثل آنانکه حکم شد

که بار تکلیف احکام توریت را بر دارند پس بر نداشتند آن بار را
و بجز خواندن توریت را و قناعت نمودند در آنچه درو بود عمل
نکردند همچو مثل دراز گوش است که بردارد کتابها از علم یعنی رنج
می برد در برداشتن آن و از آن نفعی ندارد یا ابن مسعود بیاید
بر امت من زمانی که آن کسی که صبر کند بر دین خود و نگاه دارد دین
خود را دران زمان مثل آن کسی است که بگیرد آتش را بدست خود یا
ابن مسعود عالمان و فقیهان دران زمان خائن و فاسق و بدترین
خلق خدا خواهند بود حق و آنکسانی که تابع ایشان شوند و بیایند
نزد ایشان و از ایشان چیزی فرا گیرند و دوست دارند ایشانرا
و بنشینند با ایشان و مشورت کنند با ایشان و ایشان نیز بدترین
خلق خدا خواهند بود و حق تعالی ایشانرا بدوزخ خواهد برد و ایشان
گروه کنگ و کور خواهند بود جای ایشان در دوزخ است هر گاه
ساکن شود زبانهٔ آتش و فرو نشیند بر افروزاند حق تعالی آن پوستها را
به پوستهای دیگر تا بچشند عذاب را و چون در افکنده شوند
در دوزخ بشنوند در دوزخ آوازی مانند آواز دراز گوش یعنی
ایشانرا چون بدوزخ در آورند دوزخ بفریاد آید و بجوشد و ایشانرا
در جوش آورد و نزدیک باشد که پاره پاره شود دوزخ از خشم ایشان
و هر گاه خواهند که بیرون آیند از آتش باز گردانیده شوند در دوزخ
و گفته شود مر ایشانرا که بچشید عذاب آتش سوزنده و مر ایشانرا است

در دوزخ ناله و ایشان در دوزخ نمی شنوند سخنی که بدان شاد شوند
یا ابن مسعود ایشان دعوی خواهند کرد که بر دین و سنت و شریعت
استند دروغ میگویند بدرستی که ایشان از امت من نیستند و من از
ایشان بیزارم یا ابن مسعود منشینید با ایشان و خرید و فروخت
مکنید با ایشان در بازار و راه منمائید با ایشان و آب مدهید با ایشان
بدرستی که خدا تعالی فرموده است که مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا
وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ لَا يُبْخَسُونَ أُولٰئِكَ الَّذِينَ
لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ یعنی آن کسی که از بسی همت خواهد زندگانی دنیا و زینت
و آرایش آنرا در مقابل عمل خود بتمام باز گذاریم با ایشان جزای عملهای
ایشان را در دنیا از صحت بدن و دولت و بسیاری مال و اولاد و
در دنیا از جزای اعمال ایشان چیزی کم نشود این گروه آنانند
که نباشد ایشانرا در آخرت مگر آتش دوزخ و تباه گشت آن کارها
که کرده اند در دنیا و باطل آن عملهائی که کرده اند در دنیا و نیز
فرموده است که مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ
فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ یعنی آن کسی که خواهد بعمل خود نیکی دنیا
و سعی کند در حصول متاع دنیا آنچه نصیب اوست مر او را در آخرت
نصیب و بهره یا ابن مسعود آنچه میرسد امت من از این جماعت
که گفته شد مرا بچو که خواهد حق تعالی ایشانرا و بصورت بوزینه

وخوک خواهد ساخت ایشانرا گفت ابن مسعود که دیگر پرسید رسول
صلی الله علیه وآله وسلم وما نترسیدیم بجهت گریه آن حضرت
وگفتیم یا رسول الله چه چیز ترا در گریه آورد آن حضرت گفت که رحم
بر این بدبختان باعث گریه شد بدرستی که حق تعالی فرموده است
که ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان قريب
یعنی اگر ببینی ایشانرا وقت فزع و ترس ایشان پس هیچ عذاب
از ایشان فوت نشود و گرفته شوند از جای نزدیک از روی زمین
یعنی فرو روند از زمین یا ابن مسعود آن کسی که علم بیاموزد بجهت
دنیا و اختیار کند دوستی دنیا و زینت او را مستوجب غضب خدا تعالی
وروند
شود وجای او در دوزخ باشد با یهودی و نصاری که ایمان نیا
بقرآن بدرستی که حق تعالی فرموده است که فلما جاءهم ما عرفوا
كفروا به فلعنة الله على الكافرين یعنی پس آن کس آمد که شناخته
بودند که آن محمد است کافر شدند بدو و ایمان نیاوردند بجهت آنکه
گمان ایشان آن بود که آن از بنی اسرائیل خواهد بود چون از بنی اسمعیل
بود ایمان نیاوردند پس لعنت خدا تعالی بر کافران باد یا ابن مسعود
آن کسی که قرآن بیاموزد و عمل نکند بآن خدا تعالی حشر کند او را نابینا
و آن کسی که علم بیاموزد بجهت ریا و برای آنکه مردم بشنوند و قصد او
از آن علم آن باشد که مال دنیا حاصل کند ببرد حق تعالی برکت مال او
وتباه گرداند معیشت او را و واگذارد او را بخودش و آن کسی که حق او را

واگذارد هلاک شود بدرستی که حق فرموده است که فمن كان يرجوا لقاء
ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا یعنی پس هر که
امید میدارد که لقای پروردگار خود را در آخرت پس باید که عمل صالح
پسندیده بکند و شریک نسازد در پرستش پروردگار خود احدی را
یا ابن مسعود باید که همنشینان تو نیکان باشند و برادران تو پرهیزکاران
و زاهدان باشند بجهت آنکه حق تعالی فرموده است که الاخلاء يومئذ
بعضهم لبعض عدو الا المتقين یعنی دوستان در روز قیامت بعضی
دشمن باشند بعضی را مگر متقیان و پرهیزکاران یعنی آنهائی که دوستی
ایشان برای دنیا باشد و برای معاونت بر فسق معصیت با هم دشمن
شوند و آنهائی که محبت ایشان برای خدا باشد دوستی ایشان بجای باشد
یا ابن مسعود بدانکه آنهای که نیک را بد میدانند پس از این جهت مهر
می نهد حق تعالی بر دلهای ایشان پس نخواهد بود در میان ایشان
کسی که گواهی بحق دهد و قیام نماید بعدل بدرستی که حق تعالی گفته است
كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو على انفسكم او الوالدين
والاقربين یعنی ای گروه مومنان قیام نمائید بعدل و ادای
شهادت کنید براستی و اگر چه نفس شما یا بر پدر و مادر و خویشان
نزدیک شما باشد و گواهی بر نفس خود آنست که اقرار کند بر حقی که
در ذمه اوست یا ابن مسعود آنجماعت فخر خواهند کرد بر یکدیگر
بمال واحسان که بمردم کنند بدرستی که حق تعالی فرموده است که هو

اَهْلُ التَّقْوَى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ یعنی خدا تعالی است سزاوار آنکه ازو
ترسند و سزاوار آمرزیدن ترسندگان و نیز گفته است که رَضِيَ
اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ یعنی خشنود باشد
حق تعالی از صالحان و طاعت ایشانرا قبول کند و خشنود باشند
ایشان بجهت دادن ثواب و بهشت مر آنکسی راست که بترسد
از عقوبت پروردگار خود یا ابن مسعود بگذار چیزیرا که ازو فایده
بتو نمی رسد و کاری بکن که ازو فائده بتو رسد بدرستی که حق تعالی
فرموده است که لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ یعنی مر هر
مردی را از اهل قیامت آن روز کاریست که مشغول می گرداند
او را از همه دیگران یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه ترک کنی طاعت
را و قصد معصیت کنی بجهت شفقت اهل بیت خود زیرا که حق تعالی
فرموده است که يَا اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي
وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ
حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ یعنی ای
مردمان بترسید از عقوبت پروردگار خود و بترسید از روزی
که دفع نکند عذاب پدر را از پسر خود و نه فرزند باز دارد از پدر
خود چیزیرا بدرستی که وعده خدا بثواب و عقاب حق است و در آن
خلاف نخواهد بود پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی دنیا
و باید که مغرور نسازد شما را بعفو و کرم خدا شیطان فریب دهنده

یا ابن مسعود حذر کن از دنیا و لذتها و آرزوها و زینتهای او و از
حرام خوردن و از پسران و از نگاه داشتن اسبها و زنان و طلا
و نقره و ظرفهای پر طلا و نقره و اسباب خوب و دیگر چارپایان
و از کشت زار اینها که یاد کردیم متاع زندگانی دنیاست و نزد
حق تعالیست نیکوئی بازگشت و حق تعالی فرموده است که بگوی
ای محمد باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را به بهتر ازینها که گفته شد
برای آن کسانی که متاع دنیا را ترک کردند بدرستی که نزد پروردگار
ایشان بوستانهاست که اندکی از آن بهتر است از دنیا و آنچه
در وست و میرود در زیر قصرها و درختان آن بوستانها جویهای
آب جاودان و باشند متقیان در آنجا و مر ایشانراست خشنودی
از خدا تعالی و این از بهشت و نعیم او بهتر است و خدای بیناست
ببندگان و احوال ایشان یا ابن مسعود فریفته مشو ازینکه
خدا تعالی رحیم است و مغرور است بعمل صالح و نیکوئی و عبادت
خود یا ابن مسعود وقتی که قرآن میخوانی چون برسی بآیتی که در و
امر یا نهی باشد مکرر بخوان آن آیه را و فکر کن در آن و عبرت بگیر
و غافل مشو از آن آیه و بسهو مگذر بدرستی که نهی کردن حق تعالی
دلالت میکند بر ترک معاصی و امر کردن حق تعالی دلالت میکند بر
نیکوئی و عمل صالح بجا آوردن بدرستی که خدا تعالی فرموده است
که فَكَيْفَ اِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ یعنی پس چگونه باشد حال ایشان آن هنگام که جمع کنیم
ایشان را از برای حساب روزی که هیچ شک نیست در وقوع آن و
جزا داده شود هر نفسی را بتمام انچه کسب کرده است و ایشان ستم
دیده نشوند بنقصان حسنات و زیادتی سیئات یا ابن مسعود
هیچ گناه را حقیر مدان و اجتناب کن از گناهان کبیره بدرستی که حق
تعالی فرموده است که يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا
وَمَا عَمِلَتْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا یعنی روزی
که بیابد هر کسی از عمل کنندگان انچه کرده است از نیکوئی حاضر
کرده شده نزدیک خود و انچه کرده باشد بر بدی دوست دارد
که باشد میان او و میان آن عمل بیابانهای دور یعنی نخواهد که مطلقا
عمل خود را ببیند یا ابن مسعود وقتی که بگویند بتو که بترس از خدا تعالی
در غضب مشو بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَإِذَا قِيلَ لَهُ
اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ یعنی چون گویند
مر منافق را که بترس از خدای تعالی بگیرد او را حمیت جاهلیت
بارتکاب گناه پس بسنده است مر او را جهنم یا ابن مسعود کوتاه کن
امید خود را در دنیا پس وقتی که صباح شد بگو بشب نخواهم رسید و چون
شب شود بگو صباح نخواهم رسید و جازم باش بر مفارقت دنیا و دوست
دار لقای حق تعالی و مکروه مدان بدرستی که دوست میدارد
حق تعالی لقای کسی را که مکروه میدارد لقای حق تعالی را یا ابن مسعود

درختان

درختان منشان و جویها جاری مکن و زراعت مکن و خانهای چوبی
و عمارتها مکن و بستانها مساز بدرستی که حق تعالی فرموده است
أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ یعنی مشغول گردانید شما را بسیاری اسباب دنیا از
کار آخرت یعنی بسبب مشغول بان چیزها که مذکور شد غافل میشوید
از حق تعالی و از عبادت یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاد مرا بحق
که البته خواهد آمد بر امت من زمانی که حلال دانند شراب را
و شراب را بنبیذ نام کنند بر ایشان باد لعنت خدای تعالی و فرشتها
و جمیع آدمیان و من از ایشان بیزارم و ایشان از امت من نیستند
یا ابن مسعود خوردن می اگرچه برابر خردل باشد بدتر است نزد حق تعالی
از سود خوردن بجهت آنکه شراب کلید همه بدیها است یا ابن مسعود
این گروه که در آخر زمان خواهند بود ظلم خواهند کرد بر نیکان و
بخشش خواهند کرد بر فاسقان و فاجران حق نزد ایشان باطل خواهد بود
و باطل نزد ایشان حق اینها همه از برای دنیا است و ایشان میدانند
که بر حق نیستند و لیکن پیدا است شیطان از برای ایشان عملهای
ایشان را پس بازداشت ایشان را از راه راست پس ایشان نمی
یابند راه حق را ایشان خشنود شدند بر زندگانی دنیا و
پسندیدند آن را و آرام گرفتند بان و حق تعالی فرموده است
که آن کسی که یاد من نکند و یاد آخرت نکند و از عقاب من نترسد
و برحمت من امیدوار نباشد بر گماریم بر و شیطان را پس آن شیطان

مصاحب و دمساز و همنشین او باشد در دنیا و پیوسته بوسوسهٔ
او اشتغال نماید و بدرستی که شیاطین باز میدارند همنشینان خود را
از راه حق و گمان می برند آنکسانی که مطابعت شیطان می کنند که بسبب
پی روی شیطان راه راست می یابند • وقتی که بیایند نزد ما در
محشر پس بگوید بشیطان آنکسی که مطابعت شیطان کرده بود و شیطان
مصاحب او بود که کاشکی میان من و تو دوری می بود آن مقدار که میان
مشرق و مغربست پس بد همنشینی تو یا ابن مسعود منافقان عیب
میکنند آن کسی را که پی روی سنت من می کنند و آنچه واجب کردانیده
است حق تعالی بجای آورد بدرستی که حق تعالی فرموده است که فاتخذتموهم
سخریا حتی انسوکم ذکری وکنتم منهم تضحکون انی جزیتهم الیوم
بما صبروا انهم هم الفائزون یعنی فرا گرفتید شما آن کسان را که پی
روی حق میکنند باستهزا یعنی با ایشان استهزا کردید تا وقتی که فراموش
گردانید مشغولی بسخریت ایشان از یاد کردن و بودید شما که بر ایشان
می خندیدید از روی تعظیم و تکبر خود و تحقیر ایشان بدرستی که من
جزا میدهم ایشان را برانچه صبر کردند از ایذا و آزاری که از شما بایشان
رسید بدرستی که ایشان رسیدگانند بمراد خود یا ابن مسعود حذر کن
از سستی گناه بدرستی که حق تعالی گفته است که صم بکم عمی فهم لا یرجعون
یعنی منافقان کر و لال و کورند پس ایشان باز نمی گردند از این صفتها
و بر همین وجه حشر خواهند کرد ایشان را و نیز فرموده است که انا

جعلنا

جعلنا ما فی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا وانا
لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا یعنی بدرستی که ما گردانیدیم آن چیزها را
بر زمین است از معدنیات و نباتات و حیوانات زینت و آرایش
مر اهل زمین را تا بیازمائیم که کدام از ایشان نیکوتر است از جهت عمل
و بدرستی که ما خواهیم گردانید آن چیزها که بر روی زمین است از کوه
و درخت و بناهای زمین یعنی بآخر این عمارتها را خراب خواهیم
ساخت پس دل برو منهید و بر نیست ناپایدار و فریفته مشوید یا
ابن مسعود دنیا ملعونست و آن کسی که آرزو دارد که در دنیا باشد
ملعونست و آن کسی که طلب دنیا کند و دوست دارد دنیا را نیز
ملعونست و مصدق این سخن این آیتست که کل من علیها فان
ویبقی وجه ربک ذو الجلال والاکرام یعنی هر کس که بر روی زمین
است از صاحب روح فانی و نیست خواهند شد و باقی می ماند
ذات پروردگار تو که خداوند بزرگی و عظمت است و خداوند
گرامی ساختن بفضل و کرم خود هر کرا که مستحق آن باشد و این
آیه نیز مصدق این سخن است که کل شیء هالک الا وجهه
یعنی همه چیزها فانی است مگر ذات حق سبحانه و تعالی یا ابن مسعود
هر عملی که میکنی از روی اخلاص باشد بدرستی که حق تعالی فرموده
است که لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی هر آینه پرسیده شوید
در روز قیامت بوقت محاسبه از نعمتها که بدان مشغول شدید

یا ابن مسعود باید که مشغول نکرداند ترا دنیا و آرزوهای او از طاعت
و عبادت بدرستی که حق تعالی فرموده است که أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ
عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ یعنی آیا می پنداشتید شما از بسیاری
غفلت که شما را آفریدیم برای بازی و گمان بردید که بسوی ما باز
نمی گردید برای جزای اعمال یعنی شما را برای عبادت آفریدیم
و جزای اعمال شما مقرر کردیم یا ابن مسعود وقتی که عملی چیزی بکنی
و آن عمل از خدا تعالی بدرستی که حق تعالی فرموده است که
فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا یعنی اقامت نخواهیم کرد برای
اعمال کسانی که عمل ایشان بصورت نیکو نماید و از برای خدای
نباشد روز قیامت ترازوی اعمال که بدان بسنجند آن عملها را
یا ابن مسعود وقتی که ترا مدح کنند مردمان بگویند که تو روز
روزه میداری و شب بعبادت مشغول مینمائی و حال آنکه تو
این کار نکنی خوشحال مشو زیرا که حق تعالی فرموده است که وَلَا
تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا
فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ یعنی پنداری
محمد صلی الله علیه وسلم آنان را که شادمان می باشند بانچه کردن از پوشیدن نعمت تو
و دوست میدارند که ستوده شوند بانچه نکردند از اعمال نیکو
که ایشان رستکار می شوند از عذاب قیامت یاد دنیا و مر ایشان راست
عذاب دردناک در روز رستخیز یا ابن مسعود عمل و نیکوئی بسیار کن

بدرستی که نیکوکار و بدکردار هر دو پشیمان خواهند بود در روز قیامت
اما نیکوکار خواهد گفت که کاشکی بیشتر نیکوئی میکردم و اما بدکار خواهد
گفت که تقصیر کردم که نیکوئی نکردم و مصداق اینست قول خدا تعالی که
وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ یعنی سوگند یاد می کنم بنفسی که سرزنش
خواهد کرد خود را بجهت تقصیر در نیکوئی کردن یا ابن مسعود بیش
مفر است گناه را و تاخیر مکن در توبه و لیکن بیش مفر هست توبه را
و تاخیر کن در گناه یعنی گناه مکن و اگر بکنی چنان مکن که گناه را
بآن جهان به بری و توبه نکنی بلکه درین جهان توبه کن بدرستی
که حق تعالی فرموده است که بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ یعنی
بلکه آدمی میخواهد که دروغ گوید بانچه در پیش اوست از حساب
در آخرت یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه از تو بدعتی نماند بدرستی
که کسی از و بدعتی بماند با و باز خواهد گشت گناه آن کس که عمل کند
بآن بدعت زیرا که حق تعالی فرموده است که وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ
آثَارَهُمْ یعنی بنویسیم آنچه از پیش فرستاده اند از اعمال نیک
و بد و بنویسیم آثاری که از ایشان مانده است و نیز گفته است که يُنَبَّؤُ
الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ یعنی خبر کرده شود آدمی در روز قیامت
بانچه فرستاده است از اعمال و بانچه باز پس داشته است از اموال
یا ابن مسعود میل مکن بدنیا و آرام مگیر با و بجهت آنکه زود مفارقت
خواهی کرد از دنیا بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَأَخْرَجْنَاهُمْ

مِنْ جَنّٰاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ یعنی بیرون
می آوردیم بالایشانرا از بوستانها و از چشمه سارها و کشت زارها
و خرماستانهائی که شکوفهٔ درختان وی نازک و لطیف است یا ابن
مسعود یاد کن قرنهائی گذشته را و پادشاهان ظالمی را که پیش بوده
اند بدرستی که حقتعالی فرموده است که وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ
الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيرًا یعنی هلاک کردانیدیم قوم عاد را
بسبب آنکه ایمان نیاوردند به هود علیه السلام و قوم ثمود را
بجهت آنکه ایمان نیاوردند بصالح علیه السلام و اصحاب رس را که
پیغمبر خود را در چاه انداختند و کشتند و رس نام چاهی است و اهل
قرنها بسیار را که بودند میان قوم عاد و ثمود و اصحاب رس که جز
خدای کسی ایشانرا نداند یا ابن مسعود گناه مکن پنهان و آشکارا صغیره
و کبیره بدرستی که حق تعالی می بیند ترا هر جا که باشی و خدا تعالی با تست
پس اجتناب کن از گناه کردن یا ابن مسعود بترس از خدا تعالی
پنهان و آشکارا در صحرا و در دریاها و شب و روز بدرستی که
حق تعالی فرموده است که وَمَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ
رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ
إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا یعنی نباشند سه تن راز گوینده باهم مگر آنکه
خدا تعالی چهارم ایشانست و اطلاع دارد در سخن ایشان و نه هیچ
راز گوئی باشند مگر آنکه خدای ششم ایشان است بدانش نه کمتر باشند

از سه عدد و نه بیشتر از پنج که راز گویند مگر آنکه خدا تعالی با ایشانست
هر جا باشند در آسمان یا در زمین یا ابن مسعود شیطانرا دشمن
خود بدان بدرستی که حق تعالی فرموده است که إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ
عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا یعنی بدرستی که شیطان مر شما را دشمنی
است قدیمی میراثی پس فرا گیرید شما مر او را بدشمنی و از وی حذر
نمودن در کارها و بر وی اعتماد منمائید و نیز در این آیه حکایت کرده است
از شیطان که ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ
وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ یعنی گفت شیطان که پس
بیایم از پیش ایشان یعنی در امر آخرت و گویم که بعث و حشر و بهشت
و دوزخ نیست و در آیم از پس ایشان یعنی از جانب دنیا و آنرا
در چشم او بیارایم از جانب راست ایشان یعنی از جهت حسنات
و ایشانرا در عجب و ریا اندازم و در آیم از چپ ایشان یعنی از جهت
سیئات و آنرا در دل ایشان شیرین کردانم و نیابی تو که خداوندی
بیشتر فرزند آدم را شکر گوینده و خدای تعالی گفته است بشیطان که
قَالَ الْحَقُّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ
یعنی گفت خدای راستی از منست و راست میگویم که هر آینه پر کنم دوزخ
از تو و از هر که پیروی تو کند آنرا از آدمیان و دیوان همهٔ ایشان
یا ابن مسعود بابن که حرام نخوری و حرام نپوشی و مال حرام نگیری
و گناه نکنی و عاصی نشوی بدرگاه حق تعالی گفته است که بشیطان که

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ
رَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ
الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا یعنی بلغزان و از راه به بر از ذریت آدم ای
شیطان هر کرا توانی لغزانید فرزند آدم با آواز خود یعنی خواندن بفساد
و برانگیزان بر ایشان سواران و پیادگان خود را یعنی دیوانی که
یاری میدهند ترا در وسوسه همه را جمع کن در تسلط بر ایشان
و شرکت کن با ایشان در مالها تا از حرام جمع کنند و در معصیت صرف
نمایند و در فرزندان نیز شریک شو تا از زنا حاصل کنند و وعده
ده ایشانرا بچیزهای باطل چون انکار حشر و بهشت و دوزخ و وعده
نمی دهد شیطان ایشانرا مگر بفریب یعنی خطا را در صورت صواب
مینماید و نیز فرموده که وَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ
بِاللّٰهِ الْغَرُورُ یعنی پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی دنیا
یعنی بمتاعهای دلفریب و زینتهای آن فریفته مشوید و باید که
مغرور نسازد شما را بکرم و عفو خدا تعالی شیطان فریبنده یا ابن
مسعود نزدیکی مکن بچیزی حرام از مال و زنان بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ یعنی برای کسی
که بترسد از ایستادن پیش خدای دو بهشت عدن و بهشت نعیم
یا ابن مسعود اختیار مکن دنیا را بر آخرت بسبب لذتها و شهوتها
بدرستی که حق تعالی فرموده است که فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

فان

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ پس آنکسی که از حد برده باشد و مرتکب معاصی
شده باشد و برگزیده باشد زندگانی دنیا را و فراموش کرده باشد
آخرت پس بدرستی که دوزخ جای اوست و مراد ازین آیه اینست
که دنیا و آنچه در واست ملعونست مگر آنچه برای خدا تعالی باشد
یا ابن مسعود خیانت مکن بمال کسی و خیانت مکن با امانت بدرستی
که حق تعالی فرموده است که إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ
أَهْلِهَا یعنی بدرستی که امر کرده است خدا تعالی شما را که برسانید
امانتها را بصاحبان امانت یا ابن مسعود چیزی که ندیدی و نشنیدی
مگو بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ
إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا یعنی از
پی مرو آن چیزها که نیست ترا بآن دانائی یعنی نادانی مگو دانستم و
ناشنودی مگو شنیدم و تا نه بینی مگو دیدم بدرستی که گوش و چشم
و دل هر یک از اینها سؤال خواهند کرد که چه شنیدی و چه دیدی و چه
دانستی و نیز گفته است که سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ یعنی زود
باشد که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند روز قیامت
از آن و نیز گفته است که إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ یعنی چون فرا گیرند دو
فرشته که فرا گیرنده اقوال و اعمال بندگانند و می نویسند آن دو فرشته
که بر جانب راست و چپ بنده نشسته اند و نکو و بد بنده و هیچ سخنی

مکو نزد او نگاه بانی بود آماده که فی الحال بنویسید و نیز گفته است
که وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ ما نزدیکتریم بآدمی از رگ
جان وی یعنی دانائیم باقوال و اعمال او یا ابن مسعود غم روزی مخور
بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْاَرْضِ
اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا یعنی نیست هیچ جنبنده در زمین مگر آنکه بر خداست
روزی ایشان و نیز گفته است که وَفِي السَّمَاۤءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوْعَدُوْنَ
یعنی روزی شما در آسمانست و در آسمان آنچه شما را وعده داده اند
از ثواب زیرا که بهشت و نعیم آن در آسمانست و نیز گفته است که
وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يَّمْسَسْكَ بِخَيْرٍ
فَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ یعنی اگر برساند خدا تعالی سختی چون مرض
و درویشی هیچ بازدارنده و برنده نیست آنرا مگر او و اگر برساند
بتو نیکوئی چون توانگری و صحت پس او بهمه چیزی از ینها تواناست
یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاده مرا بخلقان بحق که آن کسی که بگذارد
تجارت دنیا را و متوجه تجارت آخرت شود بدرستی که حق تعالی نیز
تجارت کند برای او و بغیر تجارت او و از تجارت او نفع بسیار رساند
باو بدرستی که حق تعالی فرموده است که رِجَالٌ لَّا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ
وَّلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَاۤءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُوْنَ
يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيْهِ الْقُلُوْبُ وَالْاَبْصَارُ یعنی سبحان مردانند که از
غایت استغراق در تسبیح و ذکر مشغول نمی سازد و باز نمی دارد بازرگانی

پس

یعنی

یعنی خریدن متاعی که از ان سودی باشد و فروختن آن از یاد کردن
حق تعالی و از برپای داشتن نماز و از دادن زکوة می ترسند این مردان
با وجود این توجه از روزی که بگردد در ان روز دلها یعنی از هول
متحیر و مضطرب شود و بگردد در ان روز دیدها و از هر طرف بنگرد
تا به بیند که نامه اعمال او از کجا بدو می آید گفت ابن مسعود که
پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله چگونه است تجارت
آخرت آن حضرت گفت که ذکر گفتن خدا تعالی دائم باین طریق که
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ پس نیست
تجارت آخرت که سود کند بدرستی که حق تعالی فرموده است که يَرْجُوْنَ
تِجَارَةً لَّنْ تَبُوْرَ لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ یعنی امید
میدارند بدین عملها بازرگانی که زیان نبیند در روز قیامت
و این عملها کردند تا خدا تعالی بتمام ایشان برساند مزدهای کردار
ایشانرا و زیاده گرداند حسنات ایشانرا از فضل و بخشش خود یا
ابن مسعود هر چیزی که می بینی و دل تو دوست دارد آنرا پس صرف کن
آنرا در راه خدا و نیست تجارت آخرت زیرا که خدا تعالی گفته است
مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ یعنی آنچه نزد شماست از اسباب
دنیوی برطرف شود و منقضی گردد و آنچه نزد خداست از خزاین رحمت
همیشه است یا ابن مسعود وقتی که بگوئی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و ندانی حق
این کلمه را حق تعالی قبول نمی کند و گفتن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رد می کند

غضب حق تعالی را از بندگان و اگرچه دنیای ایشان سالم باشد
مادام که کاری که موجب نقصان دین ایشان باشد نکنند و اگر کاری
بکنند که موجب نقصان دین باشد و کلمهٔ لا اله الا الله میگفته باشند
حق تعالی میگوید که دروغ میگوئی صادق نیستند درین قول بندگی
که حق تعالی گفته است که اِلَیهِ یَصعَدُ الکَلِمُ الطَّیِّبُ وَالعَمَلُ الصَّالِحُ یَرفَعُهُ
یعنی بدرگاه قبول او بالا میرود سخنان پاک و عمل صالح قبول نیست
یا ابن مسعود دوست دار صالحان را بدرستی که مردمان در آخرت
با کسی می باشند که دوست داشته باشند او را در دنیا پس اگر قادر
نباشی بر عمل نیکو دوست دار علما را بدرستی که حق تعالی گفته است
که وَمَن یُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ فَاُولٰئِکَ مَعَ الَّذِینَ اَنعَمَ اللهُ عَلَیهِم
مِنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفِیقًا
یعنی آن کسانی که فرمان خدای برند و فرمان برداری رسول کنند پس
آن گروه در روز قیامت با آن کسان باشند که انعام کرده است خدای
برایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و چه نیکو باشند
این جماعت همنشینان یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه شرک آوری بحق
خدای تعالی یک چشم زدن و اگرچه اعضای ترا از یکدیگر جدا کنند
پاره پاره ترا از دار بیاویزند یا بسوزانند باتش بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَالَّذِینَ آمَنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ اُولٰئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ
یعنی آنانکه ایمان آوردند بخدای و بفرستادگان او آن گروه صدیقانند

یا ابن مسعود صبر کن و با کسانی باش که ذکر و تسبیح و تهلیل و حمد می گویند
حق تعالی را و طاعت و عبادت حق تعالی می کنند و می خوانند او را
صباح و شام بدرستی که حق تعالی گفته است که وَاصبِر نَفسَکَ مَعَ الَّذِینَ
یَدعُونَ رَبَّهُم بِالغَدٰوةِ وَالعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجهَهُ وَلَا تَعدُ
عَینَاکَ عَنهُم تُرِیدُ زِینَةَ الحَیٰوةِ الدُّنیَا یعنی شکیبائی کن با آنانکه
می پرستند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه و می خواهند
رضای پروردگار خود را و باید که در نگذرد چشمهای تو از ایشان
یعنی نظر از ایشان بر مدار و بغیر از ایشان التفات مکن و نیز گفته است
که مَا عَلَیکَ مِن حِسَابِهِم مِن شَیءٍ وَمَا مِن حِسَابِکَ عَلَیهِم
مِن شَیءٍ فَتَطرُدَهُم فَتَکُونَ مِنَ الظَّالِمِینَ یعنی نیست بر تو از حساب
اعمال آن کسانی که صبح و شام ذکر می گویند حق تعالی را چیزی و نیست
از حساب عمل بر تو ایشان چیزی تا تو برانی ایشان را از پیش خود
پس اگر برانی ایشان را باشی از ظالمان اختیار مکن بزرگی که حق تعالی
فرموده است که وَلَذِکرُ اللهِ اَکبَرُ یعنی هر آینه ذکر خدای بزرگتر است
از همه چیز و نیز گفته است که فَاذکُرُونِی اَذکُرکُم وَاشکُرُوا لِی
وَلَا تَکفُرُونِ یعنی مرا یاد کنید بعبادت تا من شما را یاد کنم بمغفرت
و شکر کنید نعمتهای مرا و ناسپاسی مکنید و نیز گفته است که وَاِذَا سَأَلَکَ
عِبَادِی عَنِّی فَاِنِّی قَرِیبٌ اُجِیبُ دَعوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ یعنی چون
بپرسند از تو ای محمد بندگان من از معامله من با ایشان در وقت دعا

پس من نزدیکم اجابت میکنم دعای خواننده را و حاجت او را می
سازم وقتی که بخواند مرا و نیز گفته است که ادعونی استجب لکم
یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما را یا ابن مسعود بر تو باد
که با سکینه و وقار و خوش خلق و ملائم و پرهیزکار و مسلمان
و بتقوی و پاکیزه و نیکوکار و پاک و راست گوی و خالص و بیغش
و بی عیب و درست و عاقل و صالح و صابر و شاکر و مؤمن و
عابد و زاهد و رحیم و عالم و فقیه باشی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که ان ابراهیم لحلیم اواه منیب یعنی بدرستی که ابراهیم
بردبار بود و آه زننده و تاسف خورنده بر آدمیان و رجوع کننده
بحضرت عزت و نیز گفته است که وعباد الرحمن الذین یمشون علی
الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما والذین یبیتون
لربهم سجدا وقیاما یعنی بندگان خدا بزرگ رحمت آنانند که میروند
بر روی زمین از روی تواضع و سکینه و وقار و بردبار و نیکوکار
وچون خطاب کنند بایشان نادانان و سخن بی ادبانه نسبت بایشان
بگویند ایشان در جواب سخنی ایشان سالم از تعرض و اعراض کنند
از مجادله و آنانکه شب بروز می آرند برای پروردگار خود سجده
کنند و بر پای ایستاده و نیز گفته است که ویقولون للناس حسنا
یعنی بگویند مر عامه مردمان را سخنی که مشتمل بر نیکوئی باشد و نیز گفته است
که واذا مروا باللغو مروا کراما یعنی چون بگذرند بچیز ناپسندیده

بگذرند

بگذرند بردباران و پرهیزکاران و نیز گفته است که والذین
یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین
واجعلنا للمتقین اماما اولئک یجزون الغرفة بما صبروا و
یلقون فیها تحیة وسلاما خالدین فیها حسنت مستقرا ومقاما
یعنی آنانکه می گویند که ای پروردگار ما ببخش ما را از زنان و فرزندان
ما کسی که روشنی دیدها که آن فرزند صالح است و بگردان ما را برای
پرهیزکاران پیشوا یعنی ما را چندان پرهیزکاری ده که شائسته امامت
متقیان شویم آن گروه که مذکور شدند پاداش داده شوند بغرفه
بهشت که آن بلندتر موضع از بهشت است بانچه صبر کردند بر مشقت
دنیا و ترک لذات و بیابند در بهشت زندگانی باقی و سلامتی از
آفات در حالتی که جاودان باشند در بهشت و جای بودنی و نیز گفته
است که قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون
والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون
والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت
ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک
هم العادون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذین هم
علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون
الفردوس هم فیها خالدون یعنی بدرستی که رستگار شدند و بمقصود
رسیدند مؤمنان آنانکه در نماز خود ترس کار اند و آنانکه ایشان

از سخن باطل وکردار ناشائست اعراض کنند وآن کسان که زکوة واجب را
ازمال خود ادا کنند وآنانکه ایشان فرجهای خود را نگاه دارند مگر بر
زنان خود یا ازانکه مالک شده است دستهای ایشان پس بدرستی
که آن کسانی نگاه دارند فرجهای خود را ملامت کرده نیستند پس آن کسی
که طلب کنند برای مباشرت غیر زنان وکنیزان خود پس آن گروه درگذرند
ازحلال ومرتکب حرام شوند وآن کسانی که مر اماتنهارا که نزد ایشان
باشند ومر اعهد هارا که بربندند رعایت کنند ونگاه دارند وآنانکه
بر نمازهای خود محافظت ومداومت نمایند این گروه وارثانند
وآنانکه از روی استحقاق میراث برند فردوس را که بلندترین درجات
بهشتست ایشان در بهشت جاوید خواهند بود ونیز گفته است
که اُولٰٓئِكَ فِي جَنّٰتٍ مُّكْرَمُوْنَ یعنی آن گروه که این صفتها دارند
در بوستانها اند روز قیامت گرامی کرده شده بثواب ابدی وجزای
سرمدی ونیز گفته است که اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ
قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ
الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ
حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ یعنی بجز این
نیست که مؤمنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای نزد ایشان
بترسد دلهای ایشان از هیبت جلال خدا واز تقصیر اعمال خود در جنب
انعام وافضال او وچون خوانده شود برایشان آیتهای خدا زیاده

کرداند آن آیتها ایمان را وبه پروردگار خود توکل کنند نه بر دنیا
واهل دنیا واین مؤمنان آنانند که از روی اخلاص بپای میدارند
نماز را بشرایط وآداب وازانچه روزی دادیم ایشانرا نفقه می کنند
آن گروه که مذکور شد ایشانند مؤمنان بایمان وراست مر این
مؤمنانراست مرتبها نزد آفریدگار ایشان وآمرزش مر تقصیرات
ایشانرا وروزی بزرگ یا ابن مسعود باید که شفقت بر زن وفرزند
تورا باعث گناه کردن نشود ترا وفعل حرام نکنی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَّلَا بَنُوْنَ اِلَّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ
یعنی روز قیامت روزیست که نفع ندهد وبکار نیاید مال وپسران
هیچ احدی را مگر کسی را که بیاید نزد خدای تعالی بدل خالص از کفر
ومعصیت یا ابن مسعود بر تو باد که یاد کنی حق تعالی را وعمل صالح
بکنی بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ
خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ اَمَلًا یعنی کارهائی ناشائسته باینکه
که ثمرهٔ آن ابدالاباد باقی ماند بهتر است نزد پروردگار تو از جهت
پاداش وبهتر است از جهت امید یا ابن مسعود باید که نباشی از کسانی
که راه می نمایند مردم را بخیر وامر می کنند ایشانرا بآن وخود غافلند
ازان وعمل نمی کنند آنرا بدرستی که حق تعالی فرموده است که اَتَأْمُرُوْنَ
النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ یعنی آیا می فرمائید مردمانرا بنیکوئی
وفراموش می کنید نفسهای خود را یعنی باید که چنین نکنید یا ابن مسعود

بر تو باد که نگاه داری زبان خود را بدرستی که حق تعالی فرموده آ
که الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ یعنی امروز مهر می نهیم بر دهنهای ایشان و
سخن گویند با ما دستهای ایشان و گواهی دهند پاهای ایشان بآنچه
در دنیا کسب کردند یا ابن مسعود بر تو باد که عبادت و نیکوئی کردی
پنهان بکنی بدرستی که حق تعالی فرموده است که يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ
فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ یعنی روزی که آشکارا شود پس نیست
آدمی را هیچ توانائی تا از عذاب خود باز دارد و نه یاری که بمدد
او بلا مندفع شود یا ابن مسعود بترس از روزی که پراکنده شود
نامهای اعمال بندگان و آشکارا شود رسوائیها بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ
شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ
یعنی وضع کنیم ترازوهای برای عدل بجهت جزای روز رستخیز پس
ستم دیده نشود نفس چیزی از حق خود یعنی از نیک و بد عملی ناسنجیده
نگذارند و اگر باشد عمل هم سنگ دانه از سپندان که خوردترین
دانها است بیاریم آنرا و نزد ترازو حاضر سازیم و بسنده ایم ما بجهت
حساب کردن عملهای بندگان یا ابن مسعود بترس از خدا تعالی
و همچنان سلوک کن که گویا می بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را
و ترا می بیند زیرا که حق تعالی فرموده است که مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ

وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ یعنی هر که
بترسد از خدا بپنهانی و بیارد دلی بازگشته بحق پس این گروه
امثال او را گویند که در آئید به بهشت با ایمنی و سلامت این روز روز
بقای جاودانیست زیرا که درین روز مرگ نباشد یا ابن مسعود انصاف
ده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن مردمان را و رحم کن بر ایشان
پس هرگاه چنین باشی و اهل شهری مستوجب حق تعالی شوند و تو در آن
شهر باشی و خواهد حق تعالی که بر ایشان عذاب بفرستد نظر کند بسوی
تو رحم کند بر ایشان بجهت تو و غضب نکند بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ
یعنی نیست پروردگار تو که هلاک کند اهل دیهها را بظلم و حال اهل آن
موضع بصلاح آورنده باشند در میان یکدیگر کارها را یا ابن مسعود
بپرهیز از آنکه ظاهر کنی ترس خدا تعالی را و تواضع را در نظر مردم
و حال آنکه بود در پنهانی مصر باشی بر گناه کردن بدرستی که خدا تعالی
فرموده است که يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ یعنی میداند
خدا تعالی خیانت چشمها را و میداند آنچه پوشیده ساخته است
سینهها یعنی حق تعالی مطلع است بر ضمائر و سرائر همه کس یا ابن مسعود
باید که نباشی از آن کسانی که دشوار می سازند کارها را بر مردمان
و آسان می کنند بر نفس خود یعنی چیزهای گویند بمردمان و خود بآن
عمل نمی کنند بدرستی که حق تعالی فرموده است لِمَ تَقُولُونَ یعنی آن

کسانی که ایمان آورده اید چرا میگوئید آن چیزی را که نمی کنید یا ابن مسعود
وقتی که می خواهی که عملی بکنی بکن آن عمل را از روی دانش و عقل
و به پرهیز از آن که کاری کنی بی تدبیر و دانش بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ
أَنْكَاثًا یعنی مباشید در عهد بستن مانند آن زنی که بشکافت و باز
کشاد ریسمان رشتهٔ خود را بعد از استحکام آن در محلی که ریسمانها
تاب داده است و قوی و محکم شده است یا ابن مسعود بر تو باد که
راست بگوئی و هرگز دروغ نگوئی و انصاف دهی مردمان را از نفس خود
و نیکوئی کنی و بخوانی مردمان را به نیکوئی و صلهٔ رحم بجای آوری و مکر
نکنی بمردمان و وفا کنی بعهدی که بمردمان کرده باشی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی بدرستی
که خدا تعالی میفرماید براستی و به نیکوئی کردن و چیزها دادن بخویشان
نزدیک و رسانیدن بدیشان آنچه بدان محتاج باشند و نهی میکند
از عمل زشت و از فعلی که انکار کنند بر مباشر آن و از ستمکاری
پند میدهد خدا تعالی شما را بامر و نهی شاید که شما پند گیرید

در وصیت رسول خدا صلی الله علیه وآله

وسلم اباذر غفاری را رحمة الله علیه مصنف کتاب میگوید که گفته
است پدر من فضل بن الحسن که این وصیت که کرده است رسول خدا

صلی الله علیه وآله وسلم اباذر غفاری را خبر داده است مرا
باین وصیت شیخ ابو الوفا عبد الجبار بن عبد الله المقری الرازی
و شیخ اجل حسن بن حسین بابویه رضی الله عنهما و ایشان هر دو
گفتند که نوشت برای ما شیخ اجل ابو جعفر محمد بن حسن الطوسی
قدس الله روحه و خبر داد باین وصیت شیخ عالم حسین بن فتح
الواعظ الجرجانی در مشهد امام رضا و گفت شیخ جرجانی که خبر داد
مرا پدر من شیخ ابو جعفر طوسی قدس الله روحه و شیخ ابو جعفر
گفت که خبر دادند مرا جماعتی از ابو الفضل محمد بن عبد الله بن محمد
بن المطلب الشیبانی و او گفت که خبر داد مرا ابو الحسین رجای یحیی
العبرتائی الکاتب در سال سیصد و چهارده از هجرت و او گفت که
خبر داد مرا محمد بن حسن بن شمون و او گفت که خبر داد مرا عبد الله
بن عبد الرحمن عاصم از فضل بن یسار و فضل بن یسار روایت
کرده است از وهب بن عبد الله الهنائی و او گفت که خبر داد مرا
ابو حرب بن ابی الاسود الدوئلی و او خبر داد از پدر خود ابو الاسود
که گفت در آمدم بشهر مدینه و رفتم نزد ابی ذر جندب جناده رضی الله
عنه پس خبر داد مرا ابوذر و گفت که روزی رفتم نزد رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم در مسجد و هیچ کس در مسجد نبود بغیر
آن حضرت و امیر المؤمنین علی علیه السلام در پهلوی آن حضرت
نشسته بود غنیمت خلوت را پس گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای

طوسی

وصیتی کن مرا که نفع دهد خدا تعالی مرا در آن وصیت آن حضرت گفت
که چنین کنم ای اباذر گرامی دارم ترا بدرستی که این وصیت جامع جمیع
چیزهاست پس اگر حفظ کنی این وصیت را حظ کاملی باشد وکافی
باشد ترا یا اباذر عبادت کن خدا تعالی را آنچنان که گویا که تو می
بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را او ترا می بیند وبدانکه اول
چیزی که واجبست شناختن حق تعالی باین طریق که پیش از همه
چیز بود وهیچ چیز پیش از و نبود ویگانه است وشریکی ندارد وهمیشه
خواهد بود وآفریننده آسمان وزمین وآنچه در آسمان وزمین
است ونیکوکار ودانا است وبر همه چیزها قادر وتوانا است
وبعد از آن واجبست ایمان آوردن بمن واقرار کردن باینکه
خدا تعالی به پیغمبری فرستاد مرا بتمام خلقان که بشارت دهم
مؤمنان ومطیعانرا به بهشت ورحمت خدا تعالی وبیم کنم کافران
وعاصیانرا از دوزخ وعذاب خدا تعالی وبخوانم بندگان را
به پرستش حق تعالی وفرمان وتوفیق او ودلیل ظاهر بر وجود
وبعد از آن واجبست دوستی اهل من آنچنان اهل بیت که دور
گردانیده است خدا تعالی از ایشان هر چیز را که منکر وناشایسته
است ومعصوم وپاک گردانیده است ایشانرا از جمیع گناهان
وبدان ای اباذر که حق تعالی گردانیده است اهل بیت مرا در میان
امت من همچو کشتی نوح هر که در آن کشتی نشست از طوفان نجات

یافت وهر که از آن کشتی تخلف کرد غرق شد یعنی هر که پیروی
اهل بیت من کرد از ظلمت وتاریکی ضلالت وگمراهی نجات یافت
وهر که پیروی ایشان نکرد در وادی ضلالت وگمراهی ماند
وهلاک شد وگردانیده است حق تعالی اهل بیت مرا همچو باب حطه
درمیان بنی اسرائیل وآن کسی که داخل شود در آن باب ایمن شود
وحطه کلمه استغفار بنی اسرائیل بود وهر گاه ایشان این کلمه را
می گفتند گناهان ایشان آمرزیده می شد ومعنی این کلمه اینست
که بیفکن از گناهان یا اباذر حفظ کن آنچه وصیت کردم بتو تا سعادت
یابی در دنیا وآخرت یا اباذر دو نعمت که بسیاری از مردمان زیان
می کنند در آن بجهت آنکه قدر آنرا نمی دانند آن دو نعمت وفراغت
غنست
یا اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از
پیری وصحت را پیش از بیماری وتوانگری را پیش از درویشی
وفراغت را پیش از مشغولی وزندگی را پیش از مردن یا اباذر
بپرهیز از تاخیر کردن در کار خود بامید آنکه زنده خواهم بود
وخواهم کرد آنرا بدرستی که زندگی امروز بجهت آنست که امروز
کار خود را نیکو کنی وبجهت آن اینست که کار خود را بعقب بیندازی
پس اگر آن روز زنده باشی همچنان باش که امروز بودی واگر
روز دیگر زنده باشی پشیمان نخواهی بود از آن کاری که کردی
یا اباذر بسا کسی که دریابند اول روزی را وبآخر آن روز نرسند

وبسا کسانیکه انتظار فردا کشند و بفردا نرسند یا اباذر اگر نظر کنی
باجل و زود رسیدن او هرآئینه دشمن بداری دنیا را و فریفته ساختن
او را یا اباذر همچنان باش در دنیا که گویا غریبی یا راه گذری بشمر
خود را از مردگان یا اباذر وقتی که در یابی صباح را مگو بنفس خود
که شام خواهم بود و چون دریابی شام را مگو که تا صبح خواهم
بود و غنیمت دان صحت را پیش از آنکه بیمار شوی و غنیمت دان
زندگی را پیش از مردن بدرستی که نمیدانی که فردا صحت خواهی داشت
یا نه و نمیدانی که زنده خواهی بود یا نه یا اباذر آن کسانی که بمانند
بعد از تو ستایش نخواهند کرد ترا بجهت آنکه گذاشتی برای ایشان
و معذور نخواهند داشت ترا حق تعالی بجهت مشغولی دنیا اگر تقصیری
در عمل تو واقع شده باشد یا اباذر صرفه کردن در عمر بیشتر می باید
از صرفه کردن درهم و دینار یعنی عمر خود را بعبث صرف نمی باید کرد
همچنانکه درهم و دینار را بعبث صرف نمی کنی یا اباذر انتظار نمی برید
شما مگر توانگری را که موجب نافرمانی میشود و درویشی را که موجب
فراموشی می شود و بیماری را که موجب فساد می شود و پیری را
که سبب بیعقلی میشود و مردن را که موجب مهیا شدن سفر آخرت
میشود و دجال را بدرستی که دجال بد غائبی است که انتظار می برید
و انتظار می برید قیامت را پس قیامت سخت تر و تلخ تر و ناخوش
تر است از همه چیز و بدترین مردمان نزد حق تعالی در روز قیامت

عالمیست که نفع نبرده باشد بعلم خود یعنی بعلم عمل نکرده باشد و آن کسی که
طلب علم کند بجهت آنکه مردمان متوجه او شوند در نیابد بوی بهشت را
یا اباذر آن کسی که علم بیاموزد بجهت آنکه مردمانرا فریب دهد در نیابد
بوی بهشت را یا اباذر وقتی که بپرسند ترا از چیزی که ندانی بگو نمیدانم
تا نجات یابی از گناه و فتوی مده بآنچه نمیدانی تا نجات یابی از عذاب
حق تعالی در روز قیامت یا اباذر خواهند دید جماعتی از اهل بهشت
جماعتی از اهل دوزخ را پس خواهند گفت بایشان که چه کار کردید
که مستحق دوزخ شدید و حال آنکه ما مستحق بهشت شده ایم بجهت
ادب و علمی است که از شما فرا گرفته ایم پس آن جماعت بگویند که ما
بجهت آن مستحق دوزخ شدیم که امر میکردیم شمارا بچیز خود بآن عمل نمی
کردیم یا اباذر بدرستی که حقوق حق تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان
بآن قیام توانند نمود و نعمتهای حق تعالی بیشتر از آنست که آنرا بندگان
توانند شمرد و لیکن صبح و شام توبه کنید یا اباذر بدرستی که در دنیا
عمر تو کوتاه است و عملهای ترا می نویسند و نگاه میدارند و مرگ ناگهان
می آید و آن کسی که تخم نیکی بکارد بدرود و آن کسی که تخم بدی بکارد
ندامت و پشیمانی حاصل شود و هر که زراعت کند بدرود بآنچه کشته
است و کسی که حرص ندارد بحظ خود میرسد و آن کسی که حرص دارد
در نمی یابد آن چیزی را که مقدر نشده از برای او و آن کسی که نیکوئی
کند حق تعالی باو نیکوئی کند و آن کسی که نگاه دارد خود را از بدی کردن

حق تعالی نگاه دارد او را از بدیها یا اباذر متقیان و پرهیزکاران بهترین
مردمانند و ظالمان راه نمایند و نشستن با ایشان زیاده می کنند
دانش را بدرستی که مؤمن می بیند گناه را همچو سنگ بزرگ بر بالای
سر خود و می ترسد که آن سنگ بر بالای او بیفتد و کافر می بیند گناه را
همچو مگس بنشیند بر بینی او یعنی باکی ندارد از گناه کردن یا اباذر بدرستی
که حق تعالی وقتی که خواهد به بندهٔ خود نیکی محو کند از خاطر او گناه دشمن
اعمال بد را یا اباذر نظر مکن بخوردی گناه و لیکن نظر کن که بکه عاصی
میشوی و نافرمانی می کنی یا اباذر وقتی که مؤمن گناه کند اضطراب بیشتر
می کند از گنجشکی که در دام افتاده باشد یا اباذر آنکسی که موافق باشد
قول او با فعل او پس نیکبخت است پس آنکسی که موافق نباشد قول او با فعل
او سرزنش کرده شود نفس او یا اباذر بدرستی که محروم می شوند مردمان
از روزی بجهت گناه کردن یا اباذر بگذار آن چیزی را که ترا بکار نمی آید
و مگو چیزی را که بتو فائده نرسد و محافظت کن زبان خود را همچنانکه
محافظت میکنی زر خود را یا اباذر بدرستی که حق تعالی خواهد برد قومی را
به بهشت و آن مقدار چیزی از نعمتهای بهشت با ایشان خواهد داد که
بتنگ آیند و بالاتر از ایشان قومی باشند در درجات بلند از بهشت چون
نظر کنند آن جماعت را باین قوم که در درجات بلند ترند بشناسند
ایشان را پس بگویند بارخدایا اینها برادران ما یند که در دار دنیا
با ما بودند بجهت چه تفضل کردی ایشان را بر ما و مرتبهٔ ایشان بلند تر

کردانیدی

گردانیدی از مرتبهٔ ما پس در جواب ایشان بگویند هیهات هیهات
ایشان در دنیا گرسنه بودند وقتی که شما سیر بودید و تشنه بودند
وقتی که شما سیراب بودید و شب بر پا می خاستند وقتی که شما در خواب
بودید و بحج و جهاد می رفتند و شما در آسائش بودید یا اباذر گردانیده
حق تعالی روشنائی چشم مرا در نماز و دوست میدارم نماز را همچنانکه
دوست میدارد گرسنه طعام را و تشنه آب را و گرسنه چون طعام خورد
سیر می شود و تشنه چون آب خورد سیراب میشود و من سیر نمی شوم
از نماز یا اباذر آنکسی که در شبانروزی دوازده رکعت نماز بگذارد
البته به بهشت میرود یا اباذر مادام که تو در نمازی میکوبی در خانهٔ
پادشاه جبار را و هر که بکوبد در خانهٔ پادشاه را گشوده شود آن در
برای او یا اباذر هر مؤمنی که برخیزد و مشغول شود بنماز ریخته شود
بر او ثواب و از او تا عرش پر از ثواب شود و موکل شود باو فرشته و ندا
کند و بگوید ای فرزند آدم اگر بدانی که چه مقدار ثواب است ترا در نماز
و با که مناجات میکنی سیر نگردی از نماز و ترک نکنی نماز گزاردن را یا اباذر
خوشا حال آن کسانی که عملها بر خواهند داشت در روز قیامت پیش از
مردمان دیگر بمسجد روند در سحرها و غیر سحرها یا اباذر نماز ستون دین است
و دین باو قائم است و صدقه محو می کند گناه را و روزه سپر است که نگاه
می دارد از آتش دوزخ یا اباذر تفاوت میان درجات بهشت در بلندی
و پستی آن مقدار می باشد که تفاوت میان آسمان و زمین بدرستی که بنده در

بگشاید چشم خود را و نظر کند بدرجهٔ بلند تر از درجهٔ خود پس بدرخشد
نوری که به بود روشنی چشم او را پس بترسد آن بنده بجهت این و بگوید
چه چیز است این حق تعالی بگوید این نور برادر تست فلان پس آن بنده
بگوید که ما باهم عمل می کردیم در دنیا پس چرا مرتبهٔ او زیاده است از مرتبهٔ
من پس بگویند که عمل او بیشتر بود از عمل تو یا اباذر دنیا زندان مؤمنست
و بهشت کافر و مؤمن صبحی در نیابد در دنیا مگر انکه اندوهگین باشد و چگونه
مؤمن اندوهگین نباشد و حال انکه حق تعالی وعده داده است و ترسانیده
مؤمن را و گفته است که هر کس که هست از دوزخ خواهد گذشت و نگفته
است که مؤمن نخواهد گذشت از دوزخ و میرسد بمؤمن بیماریها
و مصیبتها و کارها که در خشم آورد او را و ظلم برو می کنند و او انتقام نمی کشد
بجهت انکه ثواب می خواهد از حق تعالی پس مؤمن همیشه حزین و اندوهناک
است تا وقتی که از دنیا برود پس وقتی که مفارقت نماید از دنیا راحت
می یابد و بکرامت می رسد یا اباذر ثواب هیچ عبادت نزد حق برابر
ثواب بسیاری اندوه نیست یا اباذر ان کسی که علم داشته باشد
که در گریه نیاورد او را و ترس خدای آن علم نفع ندهد او را بدرستی
که حق تعالی ستایش کرده است علما را باین طریق و گفته است که
اِنَّ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلِهٖ اِذَا یُتْلٰی عَلَیْهِمْ یَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ
سُجَّدًا وَّیَقُوْلُوْنَ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ کَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا وَیَخِرُّوْنَ
لِلْاَذْقَانِ یَبْکُوْنَ وَیَزِیْدُهُمْ خُشُوْعًا یعنی بدرستی که آن کسانی که داده

شده است بایشان علم پیش از نزول قرآن چون خوانده شود برایشان
قرآن بیفتند بر ذقنهای خود یعنی برو بیفتند در حالتی که سجده کنندگانند
برای تعظیم امر خدای و بگویند پاکست پروردگار ما از خلاف وعده
بدرستی که هست وعدهٔ آفریدگار ما کرده شده یعنی واقع است و بیفتند
در رویهای خود یعنی سجده کنند و بجهت متأثر شدن از مواعظ قرآنی
بگریند و زیاده کند شنیدن قرآن فروتنی و ترس ایشانرا یا اباذر
آن کسی که قدرت نداشته بر گریستن باید که خود را اندوهگین سازد
و بگریه دارد بدرستی که دل سخت دور است از حق تعالی و لیکن
نمی دانند یا اباذر حق تعالی میگوید که در بنده جمع نمی کنم دو ترس را
ترس دنیا و ترس آخرت و جمع نمی کنم در بندهٔ خود دو ایمنی را ایمنی دنیا
و ایمنی آخرت پس وقتی که ایمن باشد از من در دنیا بترسد از من در دنیا
ایمن گردانم او را در آخرت یا اباذر اگر کسی را عملی باشد مثل عمل هفتاد
پیغمبر حقیر خواهد شمرد عمل خود را در روز قیامت و خواهد ترسید
که نجات نیابد از شر روز قیامت یا اباذر عرض کنند بر بنده گناهان
او را در روز قیامت در میان جماعتی که آن گناه کرده باشد
پس آن بنده بگوید که در وقت کردن گناه می ترسیدم از حق تعالی
پس آمرزیده شود یا اباذر بنده که عمل نیکو کند و اعتماد کند بر عمل خود
و گناهان صغیره کند تا وقت مردن حق تعالی برو غضب کند در
روز قیامت یا اباذر می گوید که گفتم بلی پدر و مادر من فدای تو باد

یا رسول الله چگونه تواند بود که کسی بسبب گناه به بهشت رود آن حضرت
گفت که با این طریق که گناهی کند وبعد از آن پشیمان شود واشک بریزد
چشمهای او وتوبه کند از آن گناه وپناه جوید بحق تعالی پس حق تعالی
او را به بهشت برد یا اباذر عاقل آن کسی است که خوار وحقیر شمرد نفس
خود را وعمل کند برای آخرت وبی عقل آن کسی است که پی روی آرزوی
نفس خود کند وتمنا کند از حق تعالی مرادات نفس را یا اباذر اول چیزی که
برطرف می شود از امت من امانت وترس خداست تا آنکه نزدیک شود
که هیچ کس ترس نداشته یا اباذر بحق آن کسی که نفس محمد بید قدرت او است
که اگر دنیا برابر پشه یا مگسی اعتبار میداشت نزد حق تعالی هرگز هیچ کافری
یک شربت آبی از دنیا نمیداد یا اباذر دنیا ملعونست وآنچه در دنیا است
نیز ملعونست مگر آن چیزی که صرف شود از برای رضای خدا ونیست
چیزی دشمن تر نزد خدا تعالی از ایمان آوردن بخدا وترک کردن
آن چیزیرا که امر کرده تبرک آن یا اباذر بدرستی که من دوست نمیدارم
دنیا را ودوست دار آخرت را بدرستی که آخرت سرای بازگشت است
وبازگشت همه بآخرت خواهد بود یا اباذر بدرستی که جبرئیل آورد
نزد من خزینهای دنیا را بر استری سفیدی وگفت بمن که ای محمد
این خزینهای دنیاست ونقصانی نمیشود در قرب ومنزلت تو نزد
حق تعالی اگر قبول کنی این را گفتم من بجبرئیل که ای دوست من حاجتی
نیست مرا بدنیا می خواهم که گاهی سیر باشم وشکر بگویم حق تعالی را وگاهی

گرسنه باشم واز حق تعالی چیزی بطلبم یا اباذر وقتی که حق تعالی خواهد
که به بنده خود چیزی دانش میدهد او را در دین وبی میل میسازد
او را بدنیا وبینا میگرداند او را بعیبهای خودش یا اباذر هر بنده که
بنده گی ترک کند دنیا را ثابت کرداند حق تعالی علم وحکمت را در دل او
وناطق سازد زبان او را بعلم وحکمت وبینا گرداند حق تعالی او را
بعیبهای دنیا وبدرد ودوای دنیا وبه برد او را از دنیا بسلامت
به بهشت یا اباذر وقتی که به بینی برادر مؤمن را که زاهد است در دنیا
یعنی ترک دنیا کرده است پس کن از او آنچه میگوید بدرستی که هرچه
میگوید حقست اباذر گفت که گفتم یا رسول الله زاهدترین مردمان
کیست آن حضرت گفت که زاهدترین مردمان آن کس است که فراموش
نکند اهل قبور را ودر یاد مردن باشد وترک کند زینت دنیا را
واختیار کند آن چیزی را که باقی می ماند که آن آخرتست برآنچه چیزی
که فانی می شود که آن دنیا است ونشمرد فردا را ایام عمر خود وخرم
نکند که فردا زنده خواهد بود وبشمرد خود را از مردگان یا اباذر وحی
نکرده است حقتعالی که مال جمع کنم ولیکن وحی کرده است بمن وگفته
است که سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ
حَتّٰى بِالْيَقِينِ یعنی تسبیح بگو پروردگار خود را تسبیح مقرون بحمد یعنی
بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ وباش از نماز گذارندگان وعبادت
وپرستش کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد بتو مرگ یا اباذر لباس

در شب می پوشم و بر روی زمین می نشینم و بعد از طعام خوردن انگشتان
خود را می لیسم و بر دراز گوش برهنه سوار می شوم و کسی را
ردیف خود می سازم پس آنکسی که سنت من بجای نمی آرد از امت من
نیست یا اباذر دوستی مال و بزرگی بیشتر می شود دین را از دو گرگی
که عادت کرده باشند به بردن گوسفند می باشند و شب می برده
باشند گوسفندان را چون صباح شود هیچ باقی نماند از آن گوسفند
گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله آن کسانی که می ترسند از حق تعالی و فروتنی
و تواضع دارد و بسیار ذکر می گویند آیا ایشان پیشتر به بهشت می روند
آن حضرت گفت نی و لیکن درویشانی که مسلمان باشند و پیشتر خواهند
رفت به بهشت بدرستی که درویشان قدم خواهند نهاد بر گردن
مردم و خواهند رفت به بهشت بپرسند خازنان بهشت بگویند
که چگونه حساب ما بکنند بحق خدای که ما پادشاهی نبودیم که ظلم
و عدل کرده باشیم و مال نداشتیم که نگاه داشته باشیم و صرف نکرده
باشیم و لیکن عبادت و پرستش حق تعالی می کردیم تا آنکه اجل ما رسید
و حضرت پروردگار خواند ما را پس اجابت کردیم و قبول نمودیم
دعوت پروردگار خود را یا اباذر دنیا مشغول میگرداند دلها و
بدنها را بخود و حق سوال خواهد کرد از آن کسانی که فراغتها کرده
باشند از وجه حلال پس چگونه خواهد بود حال آن کسانی که فراغتها
کرده باشند از وجه حرام یا اباذر بدرستی که من طلب کردم از حق تعالی

که بگرداند روزی آن کسی را که دوست میدارد مرا آن قدر که کفایت
کند او را و بدهد بآن کسی که دشمن میدارد مرا آن قدر که کفایت کند
او را و بدهد بآن کسی که دشمن میدارد مرا و فرزند بسیار یا اباذر
خوشحال آن کسانیکه ترک کرده اند دنیا را و رغبت کرده اند
بآخرت و بساط ایشان زمین است و فرش ایشان خاکست و بوی
خوش ایشان آبست و مشغولند بکتاب حق تعالی و بآن عمل می کنند
و دعا می کنند و ترک کرده اند دنیا را یا اباذر کشت آخرت عمل
صالح است و کشت دنیا مال و پسر است یا اباذر بدرستی که پروردگار
من خبر داد مرا و گفت که بعزت و جلال من که در نمی یابند عابدان مرتبه
گریه کنندگان را بدرستی که من بنا کرده ام برای گریه کنندگان قصری
در اعلا علیین که شریک نیست با ایشان در آن قصر هیچ کس گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام از مؤمنان غافلند آن حضرت گفت
که عاقل آن کسی که بیشتر یاد مردن کند و بهتر مهیا باشد برای مردن
یا اباذر وقتی که در آمد نور در دل مؤمن دل او گشاده می شود ابوذر
گفت که گفتم پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله علامت این کدام است
آن حضرت گفت که علامت این بازگشتن است از کارهای بد و متوجه
شدن بآخرت و دور شدن از دنیا که دار غرور است و مهیا شدن
برای مردن پیش از رسیدن یا اباذر بترس از حق تعالی و چنین
باش که نترسد دل تو از حق تعالی و بنمای بمردم که می ترسی از خدای

خوشحال

تعالی

بجهت آنکه مردمان ترا اکرام می کنند یا اباذر باید که در هر کاری نیت کنی حتی
خواب کردن و چیزی خوردن یا اباذر باید که بزرگ باشد عظمت و
جلال حق تعالی و سر خود را از بر انداخته اند و سر بالا نمی کنند وقتی
که اسرافیل صور بدمد در آخرت بگویند همهٔ آن فرشتها که بارخدایا پرستش
نکردم ترا همچنانکه تو سزاوار آنی یا اباذر اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر داشته
باشد اندک شمرد عمل خود را در روز قیامت از سختی آنچه به بیند در آن
روز و از دلو می از ریم و خون کنا زانند روز دوزخیان بیرون می آید
بریزند در مشرق هر آینه جوش آید از آن کاسهای سر کسانیکه در مغرب
اند و چون آواز کنند دوزخ در روز قیامت هیچ فرشتهٔ مقرب و پیغمبر
مرسلی نماند مگر آنکه بزانو در افتد و بگوید که بارخدایا که نفس مرا نگاه
دار و هیچ کس یاد کسی نکند و همه کس بخود در مانند در آن روز تا آنکه
فراموش کند حضرت ابراهیم اسحق را بگوید که بارخدایا منم خلیل تو
ابراهیم فراموش مکن مرا یا اباذر اگر زنی از زنان بهشت نمایان شود
از آسمان در شب تاریک هر آینه روشن شود زمین از جهت او
بهتر از روشن شدن زمین بماه شب چهارده و بیابند بوی خوش
او را تمام اهل زمین و اگر جامهٔ از جامهای اهل بهشت را بیارند روزی
در دنیا بیهوش شود آن کسی که نظر کند در آن جامه و تاب دیدن
آن نیارد یا اباذر بلند مکن آواز خود را در وقت حضور جنازه بری
باید که در فکر آخرت باشی و بدانی که تو هم باو لاحق خواهی شد یا اباذر

بدان که هر چیزی که فاسد شد نمک دفع فساد او نمی کند و بدانکه در شما
دو خاصیت است خنده کردن بی تعجب و کاهلی کردن بی سهو یا اباذر
دو رکعت نمازی که کسی بگذارد از روی تفکر بهتر است از عبادت شبی
که دل او غافل باشد یا اباذر سخنان حق بر دل گران و تلخ است
و سخنان باطل بر دل سبک یا اباذر بسیار است که بر روی نفس یک
ساعت سبب اندوه بسیار می شود یا اباذر کسی کمال دانش وقتی
پیدا می کند که حقیر داند مردمان را در جنب حق تعالی و خود را از همه
حقیرتر داند یا اباذر نمی رسی بحقیقت ایمان تا نه بینی مردمان را
نادان در دین و عاقل در کار دنیا یا اباذر حساب کن گناهان
خود را پیش از آنکه در قیامت حساب کنند گناهان ترا بدرستی
که این سبب آسانی حساب می شود در روز قیامت اعمال بندگان را
بتمام عرض خواهند کرد و هیچ چیز پوشیده نخواهد ماند بر حق تعالی
یا اباذر شرم دار از حق تعالی بحق آن کسی که نفس من در قبضهٔ قدرت
اوست وقتی که می روم بغایط کردن می پوشم سر و بدن خود را بجهت
آنکه شرم می دارم از آن دو فرشته که با من اند یا اباذر آیا می خواهی
که به بهشت روی گفت ابوذر که گفتم که بلی یا رسول الله آن حضرت
گفت که کوتاه کن امید را در دنیا و مرگ را برابر خود بین و شرم دار
از حق تعالی آن چنان که حق شرم است گفتم یا رسول الله همهٔ ما
شرم می داریم از حق تعالی آن حضرت گفت که شرم داشتن چنین نیست

ولیکن شرم داشتن از حق تعالی آنست که فراموش نکنی اهل قبور را
و پوسیدن ایشان را و فراموش نکنی شکم را و آنچه می خوری از طعام و آب
و بدانی که آن حلال است یا حرام و آن کسی که خواهد بزرگی آخرت را
باید که بگذارد زینت دنیا را پس وقتی که چنین باشی نزدیک می شوی
بحق تعالی یا اباذر کسی که نیکوکار است اندک دعای کافیست او را چنانکه
طعام را اندک نمکی کافی است یا اباذر مثل آن کسی که دعا کند و عمل نیکو
نداشته باشد آن کسی است که تیر اندازد و کمان او زه نداشته باشد
یا اباذر بدرستی که حق تعالی باصلاح می آورد بسبب صلاح بنده فرزند
او را و نگاه میدارد او را در خانه او و خانهائی که گرد در حوالی اوست
مادام که آن بنده صالح در میان ایشان باشد یا اباذر پروردگار
تو مباهات می کند بر فرشتها بسبب یکی مردی که در بیابانی که هیچ کس
نباشد اذان و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگذارد پس بگوید حق تعالی
بفرشتها که نظر کنید بر بنده مؤمن که نماز می گذارد در جائی که هیچ کس او را
نمی بیند غیر از من پس فرود آیند هفتاد هزار فرشته و نماز گذارند
در عقب او و استغفار کنند برای او از آن روز تا روز دیگر و مباهات
می کند بمردی که برخیزد در شب و نماز گذارد تنها و بعد از نماز سجده کند
و بخواب رود در سجده پس بگوید حق تعالی بفرشتها که نظر کنید به
بنده من که روح او نزد منست و بدن او در سجده است و دیگر مباهات
میکند بمردی که در میان گروهی بوده باشد که جهاد کنند با کافران تا آنکه

کشته

کشته شود یا اباذر هر مردی که سجده کند بر موضعی از زمین گواهی دهد
آن زمین برای او در روز قیامت و هر منزلی که فرود آیند قومی و
شب در آنجا باشند چون صباح شود آن منزل صلوات بفرستد بر ایشان
اگر عبادت کرده باشند لعنت کند بر ایشان یا اباذر نیست صباح و شام
مگر آنکه مواضع زمین ندا می کنند بعضی به بعضی و می گویند که ای همسایه
آیا گذشته است بتو کسی که ذکر کننده باشد حق تعالی را یا بنده که پیشانی
خود را بر تو نهاده باشد و سجده کرده باشد حق تعالی را بعضی گویند نی
و بعضی گویند بلی پس وقتی که بگوید آن موضع که بلی بجنبش در آید
آن موضع که پرسیده است و شکافته شود و ببیند که آن موضع را
زیادتی و فضیلتی هست بر مواضع دیگر یا اباذر بدرستی که حق تعالی
آفرید زمین را و آنچه در واست از درختها نفع میرسانید زمین
و آنچه در و بود از درختها تا آنکه گفتند فاسقان بنی آدم که اتخذ الله
ولدا یعنی فرا گرفت حق تعالی فرزندی عزیز یعنی مسیح چون این کلمه را
گفتند زمین در لرزه آمد و آن منفعت و فایده رفت یا اباذر وقتی
که باشد بنده در بیابانی که هیچ کس نباشد پس وضو بسازد یا تیمم کند
و بعد از آن اذان و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگذارد امر کند
حق تعالی بفرشتها که در عقب او نماز بگذارند پس صف کشند فرشتها
در عقب او و همچنان صفی که هیچ طرف آن نمایان نباشد و رکوع کنند
آن فرشتها وقتی که آن بنده رکوع کند و سجده کنند وقتی که او سجده کند

وآمین گویند وقتی که او دعا کند یا اباذر آن کسی که بگوید و اقامت بگوید
و اذان نگوید نماز گذارند با او ز فرشتها مگر آنکه دو فرشته که موکل
اویند یا اباذر هر جوانی که ترک کند دنیا و زینت او را برای خدا تعالی
و بگذارند جوانی را در طاعت و عبادت بدهد خدا تعالی او را
ثواب هفتاد و دو صدیق یا اباذر آن کسی که ذکر گوید در میان
غافلان همچو آن کسی است که جنگ کند با کافران و همراهان او تمام
گریخته باشند یا اباذر نشستن با کسی که صالح باشد بهتر است از تنهائی
و تنهائی بهتر است از نشستن با کسی که بد باشد و سخن خیر گفتن بهتر است
از خاموشی و خاموشی بهتر است از سخن بد گفتن یا اباذر مصاحبت
مکن مگر بمؤمن و طعام مخور مگر با پرهیزکار و طعام فاسقان مخور
یا اباذر بدرستی که حق تعالی عالم است بر سخنان همه پس باید که
نترسد کسی از حق تعالی و بداند که چه میگوید یا اباذر زیادتی مگو
و اکتفا کن در سخن گفتن بآنچه حاجت تو برآورده شود یا اباذر
همین بس است از برای آنکه کسی را دروغ گوئی بگویند که هر چه
بشنود بگوید یا اباذر از جملهٔ اکرام کردن حق تعالی است اکرام
کردن پیری که مسلمان باشد و اکرام کردن کسی که حافظ قرآن باشد
و بآن عمل کند و اکرام کردن سلطان عادل یا اباذر کسی را که زبان
خود نگاه دارد یا اباذر عیب مکن مردمان را و مدح مگو و طعنه مکن
و ستیزه و جدل مکن با مردمان یا اباذر همیشه دوری از بندهٔ

حق تعالی زیاده می شود مادام که بد باشد خلق او یا اباذر سخن خیر
گفتن صدقه است و هر قدمی که می نهد برای نماز صدقه است و هر
ندائی که آن کسی که اجابت کند و قبول نماید سخن کسی را که بخواند او را
بحق تعالی عمارت مساجد کند و جزای او از حق تعالی بهشت است
ابوذر گفت که گفتم که پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله چگونه
عمارت مساجد کنند آن حضرت گفت که باین طریق که آواز بلند
نکنند در مساجد و شروع نکنند در کار باطل در مساجد و چیزی
نخرند و نفروشند در مساجد و ترک کنند کار بی فائده را مادام که
در مسجد باشند پس اگر چنین نکنند که گفته شد عقاب کنند او را
در روز قیامت باید که ملامت نکند خود را یا اباذر مادام که نشسته
در مسجد حق تعالی میدهد ترا بعدد هر نفس درجه در بهشت و
صلوات میفرستند بر تو فرشتگان و نوشته می شود برای تو بعدد
هر نفسی که میزنی در مسجد ده حسنه و محو می شود از نامهٔ اعمال تو
ده گناه یا اباذر میدانی که در شأن چه کس فرود آمده است این
آیه که اِصْبِرُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ گفت ابوذر که
گفتم نی پدر و مادرم فدای تو باد آن حضرت گفت که این آیه
فرود آمده است در شأن کسانی انتظار نماز می برند در عقب
نمازی و معنی آیه اینست که ای گروه مؤمنان صبر کنید برادای

فرایض و شکیبائی نمائید و آماده باشید و بترسید از حق تعالی و پرهیز
کاری نمائید شاید که شما رستگار شوید یا اباذر آن کسی که وضوی
کامل بسازد در وقتی که مشقتی باشد موجب کفارت گناهان اوست
و بسیار رفتن بمساجد حکم جهاد دارد یا اباذر حق تعالی فرموده است
که دوست ترین بندگان نزد من آن کسانند که دوست دارند یکدیگر را
برای او و متوجه باشد دل ایشان بمساجد و استغفار کنند در سحرها
این گروهند که وقتی که می خواهم که اهل زمین را عقوبت کنم یاد می کنم ایشان را
و عقوبت نمیکنم اهل زمین را یا اباذر هر نه نشستن در مسجد بی فائده
است مگر نشستن از برای قرآن خواندن و ذکر گفتن حق تعالی
و پرسیدن مسائل علمی یا اباذر اهتمام تو به پرهیزکاری می باید
که زیاده باشد اهتمام تو بعمل بدرستی که هرگاه تقوی باشد اندک علم
بسیار است و چون کم باشد علمی مقبول حق تعالی است بدرستی
که حق تعالی فرموده است که اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ یعنی جز این
نیست که قبول می کند حق تعالی پرهیزکاران را یا اباذر نمی شود کسی
از متقیان مگر وقتی که حساب طلبد از نفس خود سخت از حساب شریک
خود بیند که از کجا است خوردن و آشامیدن و پوشش او آیا
از وجه حلال است یا از حرام یا اباذر آن کسی که باکی نداشته باشد
که کسب مال کند از حلال یا حرام باکی ندارد حق تعالی از بردن او را

بدورغ

بدوزخ یا اباذر آن کسی که خواهد که بزرگ ترین مردمان باشد باید
که پرهیزکاری نماید یا اباذر دوست ترین شما نزد حق تعالی آن کسی است
که بیشتر ذکر گوید حق تعالی را و یاد کند حق تعالی را و گرامی ترین شما
نزد حق تعالی پرهیزکارترین شما است و آن کسی که خواهد که نجات
او از عذاب حق تعالی بیشتر باشد یا اباذر بدرستی که متقیان آن کسانند
که پرهیز نمایند از چیزی که پرهیز کردن از و لازم نباشد از ترس آنکه
مبادا در شبهه افتد یا اباذر آن کسی که فرمان برداری حق تعالی کند
پس بتحقیق که در یاد حق تعالی است و اگرچه نماز سنتی کم بگذارد و
روزهٔ سنتی کم بدارد و کم قرآن بخواند یا اباذر اصل دین ورع و پرهیز
کاریست و سر دین طاعت و فرمان برداریست یا اباذر پرهیزکار
باش تا عابدترین مردمان باشی و بهترین کارهای شما پرهیزکاریست
یا اباذر به فضیلت علم بیشتر است یا فضیلت عبادت و بدانکه اگر شما
نماز بگذارید تا آنکه پشت شما همچو کمان خم شود و روزه بدارید
تا آنکه بدن شما همچون کمان باریک شود فائده نمیدهد شما را این نماز
و روزه بی پرهیزکاری یا اباذر بدرستی که اهل ورع و زهد در دنیا
اولیای خدا یند البته یا اباذر هر کس که سه چیز با او نباشد در روز قیامت
او زیان کار است گفت ابوذر که گفتم که پدر و مادر من فدای تو باد
یا رسول الله آن سه چیز کدام است آن حضرت گفت که پرهیزکاری که
منع کند او را از آن چیزی که حرام گردانیده است حق تعالی آنرا و حلمی که

که تحمل کند و درگذارند از جاهلان بی ادبی را و خلق که بد ادا کنند با آن
با مردمان یا اباذر اگر می خواهی که بزرگترین مردمان باشی و قوی ترین
مردمان توکل کن بر حق تعالی و اگر می خواهی که غنی ترین مردمان باشی
باید که اعتماد تو بر آن چیزی که در تحت تصرف حق تعالی است بیشتر
باشد از اعتماد تو بر چیزی که در تحت تصرف تست یا اباذر اگر همه مردمان
عمل کنند بمضمون این آیه کافیست ایشان را و آیه اینست که وَمَنْ
يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ یعنی هر که بترسد از
خدای تعالی و مرتکب گناهی نشود بگرداند خدای تعالی برای او بیرون
شدی و خلاصی یابد از اندوه دنیا و آخرت و روزی دهد او را از
جای که گمان نبرد و در شمار در نیاید و آنکسی که توکل کند بر خدا تعالی
کار در پس کافیست خدای تعالی او را در کفایت مهمات بدرستی که خدا تعالی
رساننده است کار را بهر جا که خواهد یا اباذر حق تعالی گفته است که
بعزت و جلال من که آن کس که اختیار کند آن چیزی را که من می خواهم
و ترک کند آرزوی خود را غنی گردانم نفس او را و چنان سازم که دل
او در فکر آخرت باشد و من ضامن روزی گردانم آسمان و زمین را
و بر طرف کنم تنگی معاش او را و غنی گردانم بر وجهی که احتیاج بتجارت
هیچ تاجری نداشته باشد یا اباذر اگر بنی آدم بگریزند از روزی خود
همچنانکه گریزند از مردن هر آینه روزی ایشان میرسد بایشان

همچنانکه

همچنانکه مرگ بایشان میرسد یا اباذر بیاموزم بتو کلمه چندی که فائده
دهد ترا حق تعالی باین کلمات گفت ابوذر که گفتم بلی یا رسول الله
آن حضرت فرمود که محافظت کن حق تعالی را تا محافظت کند ترا
و یاد حق کن در وقت خوشحالی تا آنکه حق تعالی متوجه تو شود در حالت
سختی و هرگاه چیزی خواهی از حق تعالی یاد حق تعالی کن و بطلب
و اگر خواهی که طلب یاری کنی طلب کن از حق تعالی بدرستی که آنچه واقع
خواهد شد تا روز قیامت نوشته شده است در لوح محفوظ پس اگر
تمام خلق جهد کنند که نفع و فائده رسانند بتو آن چیزی که نوشته نشده است
برای تو قدرت نیابند بران و اگر جهد کنند که نفع و فائده رسانند بتو
به چیزی که نوشته نشده است قادر نشوند بران پس اگر استطاعت
و قدرت داری که عمل کنی که رضای خدا تعالی در ان باشد بکن و اگر
قدرت نداری صبر کن بدرستی که در صبر کردن بر چیزهائی که مکروه است
خیر بسیار است و بدرستی که نصرت با صبر است و خوشحالی با اندوه است
و با هر دشواری آسانیست یا اباذر طلب غنا کن از حق تعالی تا غنی گرداند
ترا حق تعالی گفت ابوذر که گفتم که غنای که حق تعالی میدهد کدامست
آن حضرت فرمود که آن مقدار چیزی که صباح و شام بخوری پس آن
کسی که قناعت کند بآنچه حق تعالی روزی او کرده است او غنی ترین
مردمانست یا اباذر حق تعالی گفته است که من قبول نمیکنم سخن کسی را
که دانا باشد و لیکن نظر بنیت و قصد او میکنم پس اگر نیت او موافق

رضای بنست نیکو دائم خاموشی او را حمد و ثنای خود واگرچه بزبان حمد نکوید
یا اباذر حق تعالی نظر در صورتها و مالهای شما نمی کند بلکه نظر در دلها و
عملهای شما می کند یا اباذر تقوی اینجاست و اشارت بسینهٔ مبارک خود
کرد یا اباذر چهار خصلت است مگر در مؤمن خاموشی و این بهترین
عبادتهاست و تواضع برای خدا و ذکر حق تعالی در همه حال و مال اندک
داشتن یا اباذر قصد نیکوئی کن و اگرچه نیکوئی نکنی تا آنکه بنویسند ترا
از غافلان یا اباذر آنکسی که نگاه دارد فرج خود را از فسوق و دهان
و زبان خود را از حرام در بهشت رود گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
ما مؤاخذ خواهیم شد بر چیزی که بگوئیم گفت ای اباذر نمی اندازد مردمانرا
در دوزخ مگر زبان ایشان را بدرستی که تو همیشه بسلامتی مادام
خاموشی هرگاه سخن گفتی پس اگر سخن نیکو گفتی ثواب می نویسند برای تو
یا اباذر بدرستی که آنکسی که سخن بگوید در مجلس بجهت آنکه مردمان بخندند
وای برو وای برو یا اباذر آنکسی که خاموش باشد نجات
می یابد پس اگر سخن گفتی بر تو باد که راست بگوئی و آن کسی که دروغ بگوید
بیرون نمیرود از عقوبت دروغ گفتن هرگز گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
چیست توبهٔ کسی که دروغ گفته باشد آن حضرت گفت که استغفار و
نماز پنجگانه می شوید گناه او را یا اباذر بپرهیز از غیبت کردن بدرستی
که غیبت بدتر است از زنا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله پدر و مادر
من فدای تو باد غیبت چرا بدتر است از زنا آن حضرت گفت که جهت

الا که اگر کسی زنا کرده باشد توبه کند خدای تعالی توبهٔ او را قبول می کند و اگر
کسی غیبت کند حق تعالی نیامرزد گناه او را تا آنکه کسی که او را غیبت
کرده است بحل کند یا اباذر دشنام دادن مسلمانان فسق است و کشتن
ایشان کفر است و غیبت کردن ایشان معصیت و گرفتن مال ایشان
حرام است همچنانکه کشتن ایشان حرام است گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
غیبت کدام است آن حضرت فرمود که ذکر کردن برادر مؤمن بر وجهی که
خوش نیاید او را گفتم یا رسول الله اگر آن چیز در او باشد غیبت است
آنحضرت فرمود که بدان ای اباذر که وقتی که بگوئی چیزیرا که در مسلمان
باشد و او را گفتن آن بد آید غیبت است و اگر بگوئی چیزیرا که در او
نباشد تهمت است یا اباذر آنکسی را از غیبت کردن برادر مسلمان
واجبست بر خدا تعالی که آزاد کند او را از آتش دوزخ یا اباذر آنکسی
که غیبت کنند نزد او برادر مسلمانرا و قدرت داشته باشد که یاری
کند آن برادر مسلمانرا و منع کند از غیبت کردن او و این کار بکند
حق تعالی یاری کند او را در دنیا و آخرت و اگر یاری نکند و فرو گذارد
و قدرت داشته بر یاری کردن و فرو گذارد حق تعالی او را در دنیا
و آخرت یا اباذر سخن چین در بهشت نمیرود یا اباذر کسی که سخن چینی کند
خلاص نمی یابد از عذاب حق تعالی در آخرت یا اباذر آنکسی که دو رو و دو زبان
باشد در دنیا او دو زبان خواهد بود در آتش دوزخ یعنی عذاب او
بیشتر خواهد بود یا اباذر در مجالس بامانت باش یعنی سخنانی که در مجالس

بامانت باش یعنی سخنانی که در مجالس گفته شود که در جای دیگر نباید گفت
مگو یا اباذر فاش کردن سر برادر مومن خیانت است پس اجتناب کن
از آن واجتناب کن از رفتن بمجالس یا اباذر عرض کرده می شود عملهای
اهل دنیا بر حق تعالی در هفته دو روز روز دوشنبه و پنجشنبه پس آمرزیده
می شود گناهان بندگان مومن مگر گناه بندهٔ مومنی که میان او و میان
مومنی دیگر دشمنی باشد پس بگوید حق تعالی که بگذارید عمل این دو کس را
تا وقتی که با یک دیگر صلح کنند یا اباذر بپرهیز از ناسزا گفتن برادر مومن
بدرستی که عمل ترا حق تعالی قبول نکند مادام که دوری از برای دشنام
می کنم ترا از ناسزا گفتن برادر مومن سه روز تمام واگر عبور کند سه روز
دوزخ سزاوارتر است باو یا اباذر آن کسی که دوست دارد که مردمان
او را تعظیم کنند و برخیزند برای او جای او دوزخ است یا اباذر آن
کسی که بمیرد و در دل او ذرهٔ از تکبر باشد در نیابد بوی بهشت را مگر آنکه
توبه کند مردی گفت یا رسول الله خوش می آید مرا که با زینت باشم تا آنکه
دوست میدارم که علاقهٔ تازیانه و بند نعلین من نیکو باشد آیا این تکبر است
آن حضرت گفت که چگونه می یابی دل خود را آن مرد گفت که می یابم
دل خود را از شناسائی حق و آرمیده آن حضرت گفت که این تکبر نیست
تکبر آنست که ترک کنی حق را و بگذاری از حق و متوجه غیر حق شوی و نظر کنی
بمردمان و عرض و ناموس خود را بیشتر از عرض و ناموس مردمان دانی
دانی و حرمت خون خود را زیاده از حرمت خون دیگران دانی یا اباذر

بیشتر اهل دوزخ متکبران خواهند بود مردی گفت یا رسول الله آیا بر طرف
می توان کرد تکبر را آن حضرت فرمود که بلی بسبب پشمینه پوشیدن
و سوار شدن بر دراز گوش و دوشیدن گوسفند و نشستن با مسکینان
تکبر بر طرف می شود یا اباذر آن کسی که جامهٔ خود را از زمین
از روی تکبر نظر نکند حق تعالی باو در روز قیامت یا اباذر
لنگ مومن می باید که تا نصف ساق او باشد و باکی نیست زیاده
ازین کاهی که از کعبین درنگذرد یا اباذر کسی که جامهٔ کوتاه بپوشد
و بند و زد کفش خود را در خاک نهد در وقت بجای بدرستی
که خلاص میشود از تکبر یا اباذر آن کسی که او را دو پیراهن
باشد باید که یکی را به پوشد و دیگری را ببرادر مومن بدهد
یا اباذر زود باشد که مردمان پیدا شوند از امت من که متولد
شوند در میان نعمتها و غذای ایشان الوان نعمتها باشد و همت
ایشان خوردن طعامهای رنگ برنگ و شربتهای گوناگون
باشد و تعریف میکرده باشد طعامها و شربتها را این گروه بدترین
امت منند یا اباذر آن کسی که قادر باشد که لباسهای نیکو به
پوشد بجهت تواضع حق تعالی ذلیل و خوار گرداند نفس خود را
و صرف کند در غیر معصیت مالی را که جمع کرده است و رحم کند
بر آنهای که خود رو می کنند و مصاحبت کند با اهل علم و حکمت حق
تعالی به برد او را به بهشت یا اباذر خوشا حال کسی که با صلاح باشد

باطن او نیکو باشد ظاهر و دور کرداند از مردمان شر خود را
یا اباذر خوشا حالی کسی که عمل کند بعلم خود و صرف کند
عالی را که زیاده از معیشت اوست و نگاه دارد زبان خود را
از سخنان بی فائده یا اباذر گاهی جامهٔ درشت بپوش و
گاهی جامهٔ نازک بپوش تا تکبر بر تو راه نیابد یا اباذر در
آخر زمان قومی پیدا شوند که پشمینه پوشند در تابستان و زمستان
بجهت آنکه مردمان بایشان اعتقاد پیدا کنند این گروهند که
لعنت می کنند برایشان فرشتهای آسمان و زمین یا اباذر خبر دهم
بتو که اهل بهشت کیست گفتم بلی یا رسول الله آن حضرت گفت
که اهل بهشت آن کسیاست که ژولیده موی و گرد آلوده باشد
در نظر مردم و اگر سوگند خورد بخدا بتعالی راست گرداند
سوگند خود را گفت ابوذر رحمت الله علیه که روزی رفتم
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت در
مسجد تنها نشسته بود خلوت را غنیمت دانستم پس آن حضرت
گفت یا اباذر بدرستی که مسجد را تحیتی است گفتم یا رسول الله
تحیت مسجد کدام است آن حضرت گفت که تحیت مسجد دو ر
کعت نماز است بعد از متوجه آن حضرت شدم و گفتم یا رسول الله
امر کردی مرا بنماز پس چیست نماز آن حضرت گفت که نماز بهترین
که خدای تعالی وضع کرده است پس آنکسی که می خواهد کم می گذارد

و آن کسی که می خواهد ز می گذارد گفتم یا رسول الله کدام عمل از
عملهای بنی آدم بهتر است نزد حق تعالی آن حضرت گفت که ایمان
آوردن بحق تعالی و بعد از آن جهاد کردن در راه خدا گفتم
یا رسول الله ایمان کدام مؤمن کامل تر است آن حضرت گفت
که ایمان آن کس که کامل تر است ~~آن حضرت گفت~~ که خلق او بهتر است
گفتم که کدام مؤمن فاضل تر است آن حضرت گفت که آن کسی که
مردمان سالم باشند از دست و زبان او گفتم که دور بودن
از چه چیز فاضل تر است آن حضرت گفت که از بدی گفتم کدام
وقت از شب فاضل تر است آن حضرت گفت که نصف آخر
شب گفتم کدام نماز فاضل تر است آن حضرت گفت که نمازی
که قنوت او بیشتر است گفتم کدام صدقه فاضل تر است آن حضرت
گفت پنهانی صدقه دادن کسی که مال اندک داشته باشد گفتم
کدام روزه فاضل تر است آن حضرت گفت که روزه که واجب
باشد گفتم کدام جهاد فاضل تر است آن حضرت گفت که جهاد آن
کسی که اسب او را پی کنند و خون او ریخته شود گفتم کدام آیه
از آیهای قرآن بزرگ تر است آنحضرت گفت که آیة الکرسی گفتم
یا رسول الله صحف ابراهیم چه چیز بود آن حضرت گفت که مثلها
بود و از جملهٔ آن مثلها اینست که ای پادشاه که مبتلا شدهٔ از باد
بهیچ که نفرستادم ترا که جمع کنی دنیا را و لیکن فرستادم ترا که رد کنی

شاهی

از من دعای مظلوم را بدرستی که من رد نمی کنم دعای مظلوم را و اگرچه
آن مظلوم کافر یا فاسق باشد و مثل دیگر اینست که واجبست
بر عاقل که در هر شبانه روزی ساعتی مناجات کند بر پروردگار
خود و ساعتی فکر کند در مصنوعات حق تعالی و ساعتی حساب
نفس خود کند در آنچه گذشته است و در آنچه می آید و ساعتی
مشغول شود بخوردن و آشامیدن از وجه حلال و نیز بر عاقل
واجبست که سفر نکند مگر بجهت سه چیز برای توشهٔ آخرت و
برای معاش و برای لذتی که حرام نباشد و نیز بر عاقل واجبست
که بینا باشد بزمان یعنی اوقات خود را بعبث صرف نکند و متوجه
باشد بکار خود و نگاه دارد زبان خود را و آن کسی که سخن کردن را
از جملهٔ اعمال داند سخن نکند مگر در چیزی که ضرورت گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله صحف موسی علیه السلام چه بود آن
حضرت گفت که تمام چیزهای بود که مردمان بآن عبرت میگرفتند
و از جملهٔ آنها اینست که عجبست از کسی که یقین میداند که دوزخ
هست و می خندد و عجب است از کسی که یقین میداند که حساب
خواهد بود در روز قیامت و عمل نیکو نمی کند گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله از آن چیزهای که حق تعالی بر تو فرستاده است
در صحف ابراهیم علیه السلام و موسی هست آن حضرت گفت که مضمون
این آیتها هست که قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى

بَلْ تُؤْثِرُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَ اَبْقٰى اِنَّ هٰذَا لَفِى
الصُّحُفِ الْاُوْلٰى صُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَ مُوْسٰى یعنی بدرستی که رستگاری
یافت آنکه پاک شد از کفر و معصیت و یاد کرد نام پروردگار
خود را بدل و زبان پس نماز گذارد بلکه شما اختیار می کنید زندگانی
دنیا را و آخرت بهتر و پاینده تر است بدرستی که این سخن در
صحفهای پیشین است که پیش از قرآن نازل شده که آن صحف
ابراهیم علیه السلام و توریت موسی است گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله وصیتی کن مرا آن حضرت گفت که وصیت میکنم ترا
بتقوی و پرهیزکاری بدرستی که قرآن بهترین همهٔ نیکوئیهاست
گفتم یا رسول الله زیاده کن وصیت را آن حضرت گفت که بر تو باد
که قرآن بخوانی و ذکر حق تعالی بگوئی بدرستی که قرآن خواندن
و ذکر گفتن موجب ذکر تست در آسمان و نور تست در زمین
گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت که بر تو باد که جهاد
کنی بدرستی که جهاد بهترین عملهای امت منست گفتم یا رسول الله
زیاده کن آن حضرت گفت که بر تو باد که خاموش باشی مگر از سخن
خیر بدرستی که خاموشی دور می کند شیطان را از تو و یاری میدهد
ترا در امور دین گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت
که بر تو که جهاد کنی بدرستی که جهاد بهترین عملها امت منست گفتم
با وصفای روی را گفتم یا رسول الله زیاد کن گفت آن حضرت که

نظر کن بآن کسی که از تو درویش تر است و نظر مکن بآن کسی که از تو
غنی تر است بدرستی که این موجب آنست که شکر بگوئی نعمتی را که حق
تعالی بتو داده است و چون حق تعالی را شکر بگوئی نعمت خود را
از تو باز نگیرد گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت که صلهٔ
رحم بجای آر با خویشان خود و اگر ایشان نسبت بتو صلهٔ رحم بجای
نیارند و دوست دارد درویشان را
و بسیار با ایشان بنشین گفتم یا رسول الله زیاد کن آن حضرت
گفت که سخن حق بگو و اگر چه تلخ باشد گفتم یا رسول الله زیاده کن
گفت مترس در راه خدا از ملامت کردن مردمان ترا گفتم یا رسول الله
زیاده کن گفت مترس در راه خدا از که عیب نکنی مردمان را بچیزی که
آن چیز در تو باشد و همین بس است و همین بس است در نادانی
کسی که عیب مردمان را میداند و عیب خود را نمیداند گفت ابو ذر که
بعد از آن آن حضرت دست بر سینه زد و گفت یا ابا ذر نیست عقلی مانند
تدبیر و نیست پرهیزکاری مانند باز ایستادن از حرام و نیست
شرفی مانند خوش خلقی

در اختیارات ایام برای کارها منقول است از امام ناطق جعفر صادق
علیه و علی آبائه الصلوة و السلام که روز اول از هر ماه بهتر است و
نیکوتر است برای دیدن امرا و طلب کردن حاجتها و خرید و فروخت
و زراعت و سفر روز دوم ما نیکوست برای سفر و طلب حاجتها و روز سیوم

ماه بدست و برای هیچ کار نیک نیست و روز چهارم برای نکاح
کردن نیکوست و مکروه است سفر کردن در آن روز پنجم ماه
نحس است و بد است برای جمیع کارها روز ششم ماه مبارکست
و نیکوست برای نکاح کردن و طلب حاجت روز هفتم روز مبارکست
و نیکوست برای هرچه خواهد روز هشتم نیکوست برای هر حاجت
بغیر سفر که مکروه است درین روز روز نهم روز مبارکست
و نیکوست برای هرچه اراده کند و آن کسی که سفر کند درین
روز مال بسیاری حق تعالی روزی او کند و در سفر خود
خیر بسیار ببیند روز دهم نیکوست برای همه حاجتها بغیر رفتن
نزد سلطان و آنکسی که بگریزند درین روز از سلطان گرفتار
شود و آن کسی که بیمار شود درین روز صحت یابد روز یازدهم
نیکو است برای خرید و فروخت و برای سفر و جمیع حاجتها که بغیر
رفتن نزد سلطان و پنهان شدن درین روز دوازدهم روز
مبارکست پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را و سعی نمائید
برای حاجتهای خود بدرستی که درین روز حاجتها بر آورده می
شود و روز سیزدهم نحس است و هیچ کار را نشاید کردن پس
بپرهیزید درین روز از جمیع کارها روز چهاردهم نیکو است
برای حاجتها و برای همه کارها و روز پانزدهم نیکوست برای
حاجتها پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را بدرستی که درین

روز حاجتها بر آورده میشود و روز شانزدهم نحس است
و بد است برای جمیع کارها و هفدهم نیک است پس طلب کنید درین
روز انچه می خواهید و نیکو است نکاح کردن و خرید و فروخت
و زراعت کردن و بنا نهادن و رفتن نزد سلطان بجهت حاجت
بدرستی که درین روز حاجت بر آورده می شود روز هجدهم
مبارکست و نیکو است برای سفر و طلب حاجت و آن کسی که جنگ
کند با دشمن درین روز غالب شود بر دشمن و ظفر یابد برو
بقدرت حق تعالی روز نوزدهم روز خوبست و روز نیک است
برای جمیع کارها و فرزندی که درین روز متولد شود مبارک باشد
روز بیستم روز نیکو است و خوبست برای طلب حاجت و بنا کردن
و عروسی کردن و رفتن نزد سلطان روز بیست و یکم روز نحس است
هیچ کار را نشاید روز بیست و دوم روز مبارکست و نیکوست
برای خرید و فروخت و ملاقات سلطان و صدقه دادن و سفر
کردن روز بیست و سیم روز نیکو است خاصه برای نکاح و
تجارت و رفتن نزد سلطان روز بیست و چهارم روز نحس
و شوم است هیچ کار را نشاید روز بیست و پنجم روز بد است
حذر می باید کرد درین روز از همه کارها روز بیست و ششم
روز نیکو است برای هر حاجتی بغیر نکاح و سفر و بر شما باد که صدقه
بدهید درین روز بدرستی که نفع و فائده می یابید روز بیست

هفتم

هفتم روز نیکوست برای جمیع حاجتها و کارها و ملاقات سلطان
روز بیست و هشتم میانه است روز بیست و نهم مبارکست
و نیکوست برای جمیع حاجتها بغیر از کتابت که مکروه است و آن
کسی که بیمار شود درین روز زود صحت یابد و آن کسی که سفر کند
درین روز مال بسیاری باو برسد و آن کسی که بندهٔ او برهد
و آن کسی که بندهٔ او برسد و آن کسی که بندهٔ او بگریزد درین روز
یافت شود روز سیم روز خوبست و نیکوست برای هر کاری
و هر حاجتی از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و آن کسی که
بیمار شود درین روز زود صحت یابد و فرزندی که درین
روز متولد شود حلیم و مبارک و راست گو و وفادار باشد

انچه می باید خواند در عقب هر نماز

فریضه وقتی که مضطر شود آدمی و ضرورت باشد او را توجه
کردن در یکی ازین روزهای که منع کرده است امام جعفر صادق
علیه السلام از شر دفع کردن و این دعا از جملهٔ دعاهای فرج
است دعا اینست که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ أَفْرِجُ بِهَا كُلَّ كُرْبَةٍ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ أَفْتَحُ بِهَا كُلَّ بَابٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ شِدَّةٍ وَمُصِيبَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي مُصِيبَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ أَعْتَصِمُ بِهَا عَلَى كُلِّ مَحْذُورٍ حَاوِزِهِ لَا حَوْلَ وَلَا

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالرِّضَا مِنَ اللّٰهِ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ بِغَرَقِ اَعْدَآءَ اللّٰهِ وَغَلَبَتْ حُجَّةُ اللّٰهِ
وَبَقِيَ وَجْهُ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْوَاحِ
الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَرَبَّ الشُّعُوْرِ الْمُتَمَعِّطَةِ وَ
رَبَّ الْجُلُوْدِ الْمُمَزَّقَةِ وَرَبَّ الْعِظَامِ النَّخِرَةِ وَرَبَّ السَّاعَةِ
الْقَائِمَةِ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَافْعَلْ بِيْ ذٰلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ
يَا ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ آمِيْنَ آمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

در خاتمهٔ کتاب چون افتتاح کردم این کتاب را بخطبهٔ
امیر المؤمنین علی علیه السلام بجهت تیمن و تبرک و بجهت
انکه آن خطبه مشتمل بود بر جمیع آداب و اخلاق خواستم که
ختم کنم این کتاب را بخطبهٔ دیگر از امیر المومنین علی علیه السلام
که روش مؤمنان و صفات متقیان و پرهیزکاران از و معلوم
میشود بجهت انکه این خطبه بهترین پیشوایانست برای کسانی
که پی روی او کنند و بلیغ ترین موعظها و پندهاست
برای کسانی که پند گیرند و ختم کردم کتاب خود را باین خطبه
پس کردید ختم کتاب من بمشک روایتست که یکی از اصحاب
امیر المومنین علی علیه السلام که نام او همام بود مردی بود

بغایت

بغایت گفت روزی بامیر المؤمنین علی علیه السلام که صفت کن
برای من متقیان و پرهیزکارانرا بر وجهی که خوب ظاهر شود
احوال ایشان بر من آن حضرت مکث کرد در جواب دادن
او و بعد از ساعتی گفت ای همام پرهیزکاری و نیکوئی کن
بدرستی که حق تعالی با کسانیست که پرهیزکار و نیکوکارند همام
قناعت نکرد باین سخن و سوگند داد آن حضرت را که صفت کند
متقیانرا برای او پس آن حضرت حمد و ثنا گفت حق تعالی را
و صلوات فرستاد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن
گفت اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول بدرستی که حق تعالی
آفرید خلق را و بی نیاز است از طاعت ایشان و ایمن است
از معصیت آن کسی که نافرمانی کند و نفع نمیدهد حق تعالی را
طاعت آن کسی که فرمان برداری کند پس آنکسی که فرمان برداری
کند پس قسمت کرد میان خلقان معیشت ایشانرا و تعیین کرد
از دنیا جای ایشانرا پس متقیان در دنیا اهل فضلند سخنان
ایشانراست و صوابست و لباس ایشان میانه است نه خوب
و نه بد و راه رفتن ایشان بطریق تواضع است پوشیده اند
چشمهای خود را از انچه حرام کردانیده است حق تعالی بر ایشان
و استماع نمی کنند مگر علمی را که نافع باشد ایشانرا و سختی و خوشحالی
پیش ایشان یکسانست و اگر نبودی اجلی که حق تعالی مقرر کرده است

برای ایشان قرار نکرفتی روح در بدن ایشان یک چشم زدن بجهت
شوق بثواب و ترس از عقاب و بزرکست حق تعالی نزد ایشان
پس خورده است آنچه غیر حق تعالی است در نظر ایشان کویا بهشت را
می بینند و در بهشت تنعم می کنند و کویا که دوزخ را مشاهده می کنند
و در دوزخ معذب‌اند دلهای ایشان اندوهکین است و مردمان
از بدیهای ایشان ایمنند و بدنهای ایشان ضعیف و لاغراست و
حاجتهای ایشان اندک است و نفسهای ایشان پاکست از معصیت
و یاری کردن ایشان در اسلام بسیار است صبر کرده‌اند در مشقت
روزهای دنیا کاندکست تا راحت بسیار یابند در آخرت میسر
کردانیده است حق تعالی برای ایشان تجارتی را که سودکننده است
میخواهد دنیا ایشانرا و ایشان نمی خواهند دنیا را و دنیا می طلبد
ایشانرا و ایشان عاجز کردانیده‌اند دنیا را و اسیر کرده است
دنیا ایشانرا و ایشان باز خریده‌اند نفسهای خود را از دنیا اما در شب
قرآن می خوانند بتانی و شمرده و حزین و اندوهکین می سازند
بقرآن خواندن نفسهای خود را و حاصل می کنند از قرآن دوای
درد خود را چون برسند بآیتی که در آن تشویقی باشد میل کنند بآن
بجهت طمع رحمت و نزدیک باشد که برآید جان ایشان از شوق
آن رحمت و کمان برند که آن رحمت پیش ایشانست و چون برسند
بآیتی که در و ترسی باشد دلهای خود را متوجه آن سازند و کمان

برند

برند که ناله دوزخ در کوش ایشانست پس ایشان دوتا و بزرکی
یاد کنند پروردکار را بر زمین بنهند پیشانی و دستها و زانوها
و انکشتان پایهای خود را و طلب کنند از خدای تعالی خلاصی خود را از
آتش دوزخ و اما در روز حلیمان و دانایان و نیکمردان و پر
هیزکاران باشند و ضعیف ساخته باشد ایشانرا ترس حق تعالی
کسی که نظر کند بایشان کمان برد که ایشان بیمارند و آن کسی که نظر کند
بایشان بکوید که ایشان دیوانه‌اند و حال آنکه دیوانه ساخته است
ایشانرا امر عظیمی که آن غم آخرتست و راضی نباشند از عملهای خود
اندک و هر چند عمل خیر کنند در نظر ایشان نماید و ایشان نفس
خود را متهم سازند و کویند که عملی نیک نکردی و از عملهای خود
ترسند و چون مدح کویند ایشانرا بترسند از آنچه کفته شود
در حق ایشان و بکویند که ما داناتریم بنفس خود از غیر و پروردکار
داناتر است از ما بنفس ما بار خدایا مکیر ما را بدانچه می کویند
در حق ما و بکردان ما را بهتر از آنچه کمان می برند و بیامرز کناهها
که ایشان نمی دانند بدرستی که دانائی عیبها و پوشنده عیبهائی
پس از علامت ایشان آنست که بینی ایشانرا که قوتی داشته باشند
و ضبطی داشته باشند با وجود ملائمت و ایمان ایشان از روی
یقین باشد و حرص داشته باشند در علم و دانش داشته باشند
در حلم و میانه روی کنند در غنی و توانکری و [illegible] داشته باشند

در عبادت و توانگر نمایند خود را در درویشی و صبر کنند در سختی و طلب
حلال کنند و شادی کنند بجهت یافتن راه راست و به پرهیزند
از طمع و عملهای نیکو کنند و ایشان بر ترس باشند شام قصد
ایشان شکر باشد و صباح قصد ایشان ذکر باشد و شب بروز
آورند ترسناک و صباح فرح داشته باشند و ترس ایشان
بجهت غفلتست و فرح ایشان در صباح بسبب فضل و رحمتی است
که بایشان رسیده است و اگر صعب شمرد بر ایشان نفس ایشان
چیزی که مکروه میداند فرمان برداری نفس نکنند در انچه دوست
میدارد نفس آنرا روشنی چشم ایشان در عملهائیست که برای
آخرتست و رغبت ندارند در چیزها که باقی نمی ماند که آن امور
دنیویست و جمع کرده اند حلم را با علم و قول را با عمل می بینی ایشانرا
که نزدیکست که بامید خود و کم است لغزیدن و گناه ایشان و
ترسناکست دل ایشان و قانع است نفس ایشان و اندکست
خورش ایشان و آسانست کار ایشان و محفوظ است دین ایشان
و مرده است شهوت ایشان و فرو خورده اند خشم را و کم است
شر ایشان و بسیار است خیر ایشان و صادقست قول ایشان
و امیدوارند مردمان از خیر ایشان و ایمنند از شر ایشان و اگر
در میان غافلان می باشند ذکر می گویند و نوشته می شوند از جمله
غافلا[illegible] کسی که ظلم کند بر ایشان و چیزها بدهند

بان کسی که با ایشان چیزی ندهند و صله رحم بجای آورند نسبت بکسی
که قطع صله رحم کند با ایشان و دور باشند از سخنان فحش و ملائم
باشد گفتار ایشان کارهای ناشایسته نکنند و نیکوئی کنند و متوجه
خیر شوند و از شر احتراز کنند و در چیزهای که موجب اضطراب
شود آرمیده و با وقار باشند و در مشقتها متحمل و صبور باشند
و در آسائش شاکر باشند ظلم نکنند بر کسی که دشمنی کند با ایشان
و بدی نکنند بر کسی که دوست دارد ایشانرا اعتراف کنند بحق
پیش از انکه گواه گذرانیده شود بر ایشان ضایع نکنند آن
چیزیرا که نگاه می باید داشت و فراموش نکنند پندیرا که بایشان
بدهند و نخوانند مردم را بلقبهای بد و ضرر نرسانند بر همسایه
خود و شادی نکنند بمصیبتهای دشمن و سعی کنند که در اول وقت نماز را
بجای آورند و در نیابند در چیزهای باطل و نروند از حق اگر
خاموش باشند اندوهگین نسازد ایشانرا خاموشی و اگر سخن کنند
خطا و ناصواب نگویند و اگر بخندند بلند نشود آواز ایشان
گوش ایشان قانع است بشنیدن چیزی که برای شنیدن آن مخلوق
شده است سرکشی نکنند در حالت خشم و آرزوهای نفس و بخل بر
ایشان غالب نشود مصاحبت کنند بمردمان بجهت انکه چیزها
بیاموزند از مردمان و خاموش باشند بجهت انکه [illegible]
و چیزها بپرسند از مردمان بجهت انکه [illegible]

کنند بجهت انکه ثواب حاصل شود ایشانرا و نیکوئی بکنند بجهت انکه فخر کنند
بر مردمان بلکه بجهت رضای خدا نیکوئی کنند و تکلم ایشان بسخنان
نیکو بجهت آن نیست که تکبر کنند بر مردمان و اگر ظلم کنند بر ایشان
صبر کنند تا حق انتقام کشد برای ایشان نفس ایشان در مشقت باشد
از ایشان و مردمان از ایشان در راحت باشند در مشقت اندازند
نفس خود را برای آخرت و در راحت اندازند مردمانرا از نفس خود
و دوری کنند از انکس که پرهیزکاری و پاکیزگی ندارد و نزدیکی جویند
با انکسی که نزدیک باشد بملایمت و رحم نباشد دوری کردن
ایشان ازان جماعت از روی مکر و فریب راوی میگوید که چون
حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام این سخنانرا ادا
فرمود همام بیهوش شد و دران بیهوشی جانرا تسلیم کرد گفت
حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام که بحق خدای که
من از بوی می ترسیدم که در اول وصف نکردم سقیا را برای همام
و بعد ازان آن حضرت گفت که این چنین می کنند پندهای کامل
ما شخصی گفت که چیست حال تو یا امیر المؤمنین بجهت مردن همام
حضرت امیر المؤمنین گفت آن شخص را که وای بر تو باد بدرستی
که هر اجلی را وقتیست که در نمی گذرد ازان وقت و سببی است که
تجاوز نمیکند ازان سبب پس مثل این سخنان مگو بدرستی که شیطان
[illegible] مید هد مصنف کتاب میگوید که اینست

اراده کردیم که جمع کنیم از سیرت حضرت رسالت پناهی را و آدابی که روایت
کرده شده است ازان حضرت بدرستی که وفا کردیم بانچه شرط کرده
بودیم و سوال می کنیم از حق تعالی که توفیق دهد ما را بعمل کردن این
آداب بجهت رضای خدا و خشنودی و مغفرت او و رسیدن بر بهشت
و کرامت او بفضل و کرم و جود و رحمت او وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ تمام شد این ترجمه بعون عنایت
الهی و روحانیت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم
و ارواح حضرت ائمه معصومین و اهل بیت الطیبین الطاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین و بیمن همت حضرت خان عالیشان
مظهر آثار و خیرات احسان منبع جود و عرفان منظور انظار ملک
اللّٰهُمَّ اجْعَلْ رایات دَوْلَتِهِ مَصُونَةً مِنَ الزَّلَلِ وَآیاتِ حِشْمَتِهِ
مَحْفُوظَةً عَنِ الْخَلَلِ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ مامول و مرجو از کرم الهی
و فضل نامتناهی انکه توفیق کرامت کند خواص و عوام را که ازین
ترجمه بهره مند گردند اِنَّهُ وَلِیُّ ذٰلِکَ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
وَبِالْاِجابَةِ جَدِیرٌ و ملتمس از ناظرین درین ترجمه آنکه آمر و مترجم را
بدعای خیر یاد آوری نمایند و اگر بر قصور و خللی مطلع شوند
مترجم را معذور فرموده در اصلاح [illegible] قد فرغ من ترجمته [illegible]
خلق الله الی رحمة الله الباری نصیر الله [illegible]
فی کمله [illegible] من شهور سنه ثلث و [illegible]

۴.۴ ورق

من الآفات تمت الكتاب بعون الملك الوهاب في يوم الاربع
عشر من جمادى الآخر ۸۴ سنه كتبه العبد الاقل المذنب محمد
غفر الله ذنوبها ولوالديها ولجميع المومنين والمومنات
والمسلمين والمسلمات الى يوم الدين تم

۴۴۴

۴۴



بسفر

محتاج

که سفر میزان قوم است یعنی مردم را میتوان سنجید و نیک
و بد ایشانرا در سفر معلوم توان کرد و کفت ابو عبد الله هرگاه
خواهد خدایتعالی که بنده را روزی دهد در زمینی میکرداند
او را بآن زمین و نیز کفت انکسی که خواهد سفر کند باید که
در روز شنبه سفر کند بدرستی که اکر فرسنکی دور شود
در روز شنبه باز میکرداند خدایتعالی او را بجای خود
وانکسی که حاجت او برآورده نمیشود باید که طلب حاجت خود
کند در روز سه شنبه بدرستی که روز سه شنبه روزیست
که خدایتعالی نرم کرده است در ان روز آهن را برای داود
علیه السلام و کفت ابراهیم بن یحیی مداینی که ابو عبد الله فرمود
که باکی نیست در شب جمعه بسفر رفتن و کفت ابو جعفر علیه
السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم سفر میکرد
در روز پنجشنبه و کفت که روز پنجشنبه روزیست که دوست
میدارد خدا و رسول و فرشتکان این روز را و کفت انس
که دوسترین روزها نزد رسول خدا برای سفر روز جمعه بود
وانحضرت چون میخواست که سفر کند بجانبی پنهان میداشت و چنان
میکرد که مردمان کمان میبردند که بجانب دیکر میرود و کروهی
که نوشتند بعضی از اهل بغداد بابی الحسن دویم که چونست
سفر کردن در روز چهارشنبه انحضرت در جواب نوشت

که اکر

که انکسی که سفر کند در روز چهارشنبه بجهت مخالفت کسانی
که فال بد میزنند و روز چهارشنبه را نحس میدانند نکاه
داشته شود از جمیع آفتها و عافیت ماند از جمیع بلاها و برآورد
خدایتعالی حاجت او را و کفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم که بر شما باد که شبکیر کنید در سفر بدرستی که زمین
در نوردیده میشود در شب و زود قطع مسافت میشود
و کفت ابو عبد الله علیه السلام که زمین در نوردیده می
شود در آخر شب و نیز کفت که بیرون مروید روز جمعه
بجهة حاجت پس هرکاه روز شنبه شود و آفتاب برآید بیرون
روید بجهة حاجت خود و روایتست که پرسید ابو ایوب خراز
از ابی عبد الله در تفسیر قول خدایتعالی که فَاِذَا قُضِیَتِ
الصَّلوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِی الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللهِ
انحضرت فرمود که مراد از صلوة درآیه روز جمعه است و مراد
از انتشار روز شنبه است و معنی ایه اینست که پس چون
کذارده شود نماز جمعه پراکنده شوید در زمین بجهة مهمات
خود و بجویید از فضل خدایتعالی حاجتهای خود را و کفت
امام جعفر صادق علیه السلام که سفر مکنید در روز
سیم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم ماه بدرستی که
این ایام نحس است و نیز کفت که بسفر مروید و طلب حاجت

مکنید در روز پنجشنبه و منقولست از کتاب عیون الاخبار
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود
علیه السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که روز
سه شنبه روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز
عروسی و بنا نهادنست و در روز دوشنبه روز سفر و
طلب حاجت است و سه شنبه روز جنگست و خون ریزیست
و روز چهارشنبه روز شوم است و روزیست که پاکیزه
میکنند مردمان خود را دران روز و روز پنجشنبه روز
رفتن است نزد امرا و حکام و روز بر آوردن حاجتها است
و روز جمعه روز خطبه و نکاح است و گفت ابو ایوب خزاز
که میخواستم که بسفر روم آمدم سلام کنم ابا عبد الله را
آنحضرت گفت که گویا شما میخواهید برگردید در روز دوشنبه
گفتم بلی گفت کدام روز شوم تر است از روز دوشنبه این
روزیست که حضرت پیغمبر از دنیا رحلت فرمود و درین
روز وحی منقطع شد از ما باید که سفر نکنید در روز دوشنبه
و در روز سه شنبه سفر کنید و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که انکسی که سفر کند یا نکاح کند و قمر در برج عقرب باشد
و نیکوئی نه بیند از آن سفر و نکاح و گفت عبد الملک بن اعین
که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که من مبتلا شده ام بعلم نجوم

پس

پس اگر اراده حاجتی میکنم نظر میکنم در طالع وقت و می بینم
که طالع نیک است یا بد پس اگر بد است ترک آن کار میکنم دران
وقت بطلب حاجت نمیروم و اگر نیک است بطلب آن حاجت میروم
آنحضرت گفت بمن که عمل میکنی آنچه بگویم گفتم بلی گفت بسوزان
کتابهای نجوم خود را و در روایتست که حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام کراهت میداشت که کسی بسفر رود یا نکاح
کند و قمر در محاق باشد و محاق سه روز از آخر ماهست
و گفت امام موسی علیه السلام که پنج چیز شوم است مسافر را اول
در راه کلاغی بانگ کند از جانب راست او و پراکنده کند خود را
و دوم گرگی که بانگ کند از جانب راست در روی او و بر دم
خود نشسته باشد و بانگ کند و بعد از آن خود را بلند و
پست کند سه بار و سوم آهوئی که از جانب راست مسافر بیاید و بجانب
چپ برود و چهارم بومی که فریاد کند و پنجم خر ماده که گوش و بیخ
یال او را بریده باشند پس آنکس که یکی از اینها پیش او بیاید
و در خاطر او دغدغه پیدا شود باید که بگوید اعْتَصَمْتُ
بِكَ یا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ فی نَفْسی فَاعْصِمْنی مِنْ ذٰلِكَ
و گفت که هر که این دعا را بخواند نگاه داشته میشود از شامت
اینها و گفت حلبی که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام آیا مکروه هست
سفر کردن در روزی از روزها که مردمان مکروه میدارند

بالا

انروز را چون روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت کفت که
هرکاه خواهی که سفر روی ابتدا کن بصدقه و آیة الکرسی
بخوان و هر روزی که میخواهی سفر کن. و کفت ابو عبد الله ع
که امام زین العابدین فرمود که حج کنید و بکذارید عمره تا صحت
یابد بدن شما و فراخ شود روزی شما و کفایت شود روزی
شما و کفایت مونت شما و عیال شما و نیز کفت ابو عبد الله
علیه السلام که اکر مردی بپیاده بحج رود و سوره انا انزلنا
بخواند از پیاده رفتن مشقتی نیابد و نیز کفت که انکسی که سوره
انا انزلنا بخواند در وقت سوار شدن بر چهارپا سالم باشد
و آمرزیده شود و نیز کفت که خواننده انا انزلنا کرانتر است بر
چهارپا از آهن یعنی چهارپا عاجز است در دست او و نمی تواند
انداخت او را و نیز که شتری که بر او سوار شده باشد و هفت نوبت
بحج رفته باشد میکرداند از چهارپایان بهشت و کفت ابو جعفر ع
که اکر چیزی پیشی میکرفت قضا و قدر را هر آینه میکفتم که
کسی که انا انزلنا بخواند در وقت سفر کردن یا از منزل بیرون
رفتن زود باز میکردد بمنزل خود

فصل دوم

در بیان ابتدا کردن سفر بصدقه و غیر آن **در بیان**
صدقه و کفت عبد الرحمن ابن حجاج که ابو عبد الله فرمود فی
که میخواهی سفر کنی صدقه بده و بیرون رو هر روزی که میخواهی

کفتم

و کفت حماد بن عثمان که با بی عبد الله علیه السلام که ایا مکروه است
سفر کردن در روزی از روزها که مکروه میدانند مردمان
ان روز را چون روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت کفت که اول
صدقه بده و بعد از آن بیرون رو بسفر هر روزی که میخواهی
و آیة الکرسی بخوان و حجامت کن هر روز که میخواهی و کفت ابو عمیر
که میدانستم علم نجوم و طالع وقت را نظر میکردم در آن هر کاه میخواستم
کاری کنم و دغدغه در خاطر من پیدا میشد پس شکایت کردم
از جهت نزد امام موسی آنحضرت کفت که واقع شود در خاطر
تو دغدغه تصدق کن بر اول مسکینی که بتو برسد و بعد
از آن کار بکن بدرستی که خدای تعالی دفع میکند آن نحوست را
و بدی آنروز را و منقولست از کتاب محاسن که کفت عبد الله
بن سلیمان که کفت امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر
صادق علیه السلام که پدر من وقتی که بسفر میرفت در روز
چهارشنبه یا در روزی که مردمان مکروه میدانند سفر
کردن را در آن روز بجهة بودن قمر در محاق و غیر آن صدقه
میداد و بعد از آن بیرون میرفت بسفر و کفت محمد بن مسلم
که ابو عبد الله فرمود که هر کاه کسی خواهد که بسفری بیرون رود
باید برود نزد مادر خود و طلب سلامتی کند از خدای تعالی
بصدقه دادن از آنچه میسر شود در وقتی که سوار میشود هر کاه

بسلامت دارد خدا تعالی اورا وباز کرداند از سفر باید که حمد کند
خدا تعالی را وشکر کند وتصدق کند بانچه میسر شود و
نیز کفت که وقتی که خواهی که سفر کنی طلب سلامتی کن از پروردکار
خود بصدقه دادن بانچه خوش آید ترا ودر وقت صدقه دادن
بکو اللهم انی ارید سفر کذا وکذا وانی قد اشتریت سلامتی
فی سفری هذا بهذا ومراد از کذا وکذا انست که تعیین انجا که
میروی وتعیین مطلوبی که داری بکنی وصدقه را بهر کسی که
صلاحیت داری بده ودر وقتی که رسیدی بجایی که مقصد تست
نیز صدقه بده بجهة شکر انکه بمقصود رسیدی **در بیان**
برداشتن عصا منقولست از کتاب که روایت کرده است انس
بن مالک که کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که ایا
عاجزید که بکیرید بدست خود عصایی که در پایین او سر نیزه
باشد که تکیه کنید برو وقتی که مانده شوید وبیرون اورید
بان آب را ودور کنید بان از راه چیزهایی که موجب ایذا میشود
وبکشید بان کزندها را وجنک کنید بان با درندها ودر
پیش خود بجانب قبله فرو برید در صحرا در وقت نماز کردن
ونیز روایت کرده است انس که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم که برداشتن عصا علامت مومن است وسنت
پیغمبرانست وکفت سلمه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله

وسلم فرمود که راه رفتن با عصا از تواضع است وتوشته
میشود برای او بهر کامی که بر میدارد هزار حسنه وبلند
میشود مرتبه او هزار درجه وکفت امیر المومنین علی علیه السلم
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که انکسی که
بیرون رود بسفری وبا او عصای از بادام تلخ بوده باشد
واین ایتها را بخواند که وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي
أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ
أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ
أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ
الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا
يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي
أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ
أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي
إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ایمن
کرداند خدا تعالی اورا از شر هر درنده که ضرر رساند وهر

دزدی و هر گزندی تا وقتی که بازگردد در منزل خود و نیز
گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود آنکسی
که عصا بدست گیرد دور شود از او دزد و نیز و شیطان نزدیک
او نشود گفت حضرت پیغمبر آنکسی که میخواهد که زمین در هم
نوردیده شود برای او در راه رفتن باید که عصای بادام تلخ
بدست بگیرد ~~و نیز گفت که عصای بادام تلخ بدست بگیرد~~ و نیز
گفت که عصای بدست بگیرد بدرستی که از سنتهای پیغمبران است
و بنی اسرائیل خورد و بزرگ ایشان راه میرفتند تا آنکه تکبر
نکنند در راه رفتن خود **در بیان** تحت الحنک بستن
بطریق دستار منقولست از کتاب ثواب الاعمال که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که من ضامنم کسی را که بیرون رود از منزل خود
و تحت الحنک بسته باشد بطرف دستار که بسلامت بازگردد
باهل خود و نیز گفت که آنکسی که بیرون رود بسفری و تحت الحنک
نه بندد بطرف دستار و برسد باو المی و دردی که دوا ندا...
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و گفت ابوالحسن علیه
السلام که من ضامنم کسی را که بیرون رود بسفری و تحت الحنک بسته
باشد بطرف دستار که دزد باو نرسد و غرق نشود و نسوزد

فصل سیوم در بیان آنچه سنتست بجا آوردن
وقت بیرون رفتن بسفر **و خواندن** دعای وقت بیرون رفتن

عصا بدست گرفتن

الحنک

بسفر گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کسی که بسفر
بیرون میرود نیکتر آرد برای اهل خود چیزی که فاضلتر باشد از دو
نماز و باید که بگوید در وقت وداع کردن اهل خود اللّهمّ اِنّی
اَستَودِعُکَ الیَومَ دینی وَنَفسی وَمالی وَاَهلی وَوَلَدی وَجیرانی
وَاَهلَ خزانتی الشّاهِدَ مِنّا وَالغائِبَ وَجَمیعَ ما اَنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ
اللّهمّ اجعَلنا فی کَنَفِکَ وَمَنعِکَ وَعِیاذِکَ وَعِزِّکَ وَعَزَّ جارُکَ
وَجَلَّ ثَناؤُکَ وَامتَنَعَ عائِذُکَ وَلا اِلهَ غَیرُکَ تَوَکَّلتُ عَلَی
الحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ الحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَداً وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ
فِی المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیراً وَالحَمدُ
لِلّهِ کَثیراً وَسُبحانَ اللّهِ بُکرَةً وَاَصیلاً روایتست که
ابوجعفر علیه السلام چون میخواست که بسفر رود جمع میکرد
عیالان خود را در خانه و بعد از آن این دعا که گذشت میخواند
و گفت صباح الحذاء که شنیدم از امام موسی علیه السلام
که میگفت هرگاه خواهید که سفر کنید باید که بایستد بر در سرای
خود برابر آنجا که متوجه اید پس یکنوبت فاتحه بخوانید و بجانب
پیش خود بدمید و یکنوبت دیگر فاتحه بخوانید و بجانب راست
خود بدمید و آیة الکرسی را نیز و بعد از آن بگویید اللّهمّ
احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن بدرستی که
چون چنین کنید نگاه میدارد خدای تعالی شما را و آنچه با شماست

وسلمنی وسلم ما معی

رکعت

الله اکبر کبیرا

و یکنوبت دیگر فاتحه
بخوانید و بجانب
چپ خود بدمید

وبسلامت میدارد خدایتعالی شما را وانچه با شماست و میرساند
شما را بمنزل که مقصود شماست بعد ازان کفت امام موسی
علیه السلم که ای صباح ایاند یدی که نکاه داشته شود و
انمرد بسلامت باشد وانچه با اوست بسلامت نباشد واو
برسد بانجاکه میخواهید وانچه با اوست نرسد کفتم فدای تو کردم
بلی دیدم و در روایتست که امام جعفر صادق وقتی که میخواست
بسفر رود میکفت که اللهم خل سبیلنا واحسن مسیرنا
واعظم عافیتنا وکفت امام رضا علیه السلم که وقتی که بیرون میروی
از منزل خود در سفر یا در حضر بکو بسم الله امنت بالله توکلت
علی الله ماشاء الله لاحول ولا قوة الا بالله پس اکر شیطان
بپیش تو آید بزنند فرشتها بر روی او وکویند با او که ترا دست
دستی نیست برو بجهة انکه بسم الله کفته است وایمان
آورده است بخدایتعالی و توکل کرده است بر خدایتعالی
وکفته است ماشاء الله لاحول ولا قوة الا بالله وکفت ابو جعفر
علیه السلم که انکسی که بکوید در وقت بیرون رفتن از منزل
خود که اعوذ بالله مما عاذت منه ملائکة الله من شر هذا الیوم
ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن شر الجن
والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم
کلها اجیر نفسی بالله من کل شیء بیامرزد خدایتعالی او را و قبول

اوراد

کند توبه او را وکفایت کند مهمات او را ونکاه دارد از مکروها
واز کردن فعلهای ناشایست وکفت انس بن مالك که رسول
خدا هرکاه قصد سفر میکرد وقتی که بر میخواست از جای خود
میکفت اللهم بك انتشرت والیك توجهت وبك اعتصمت
انت ثقتی ورجائی اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم له
وما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی واغفر لی وارحمنی
وانی الخیر حیث ما توجهت وبعد ازان بیرون میرفت بسفر
میکفت اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی
ببلاغك الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه
واله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل کل صعوبة واعطنی
من الخیر کله اکثر مما ارجوا واصرف عنی من الشر اکثر مما
احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین ونیز میکفت اسأل الله الذی
بیده ما دق وجل وبید اقوات الملائکة ان یهب لنا فی
سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا
وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة عزما لا یغادر
ذنبا وکفت ابو عبدالله علیه السلام که در وقت بیرون رفتن
از منزل خود بکوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر بسم الله دخلت
وبسم الله خرجت وعلی الله توکلت ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی محمد واله اللهم افتح لی فی وجهی

و در روایتست که ابو عبدالله
وقتی که بسفر میرفت

هذا الخير اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر غيري
ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم خدا يتعالى ضامن است كه بسلامت دارد او را تا آنكه
باز كردد بمنزل خود ونيز كفت كه بايد كه بعد از آن خواندن اين
دعا كه مذكور شد بكويد توكلت على الله ما شاء الله لا قوة الا
بالله اللهم اني اسئلك خير ما خرجت له واعوذ بك من شر
ما خرجت له اللهم اوسع علي من فضلك واتمم علي من نعمتك
واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك على ملتك وملة
رسولك بعد از آن آية الكرسي وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس بخواند و بجانب پيش خود بدمد و يكنوبت
ديكر بخواند و بالاي سر خود بدمد و يكنوبت ديكر بخواند و بجانب
بالاي راست خود بدمد و سه نوبت ديكر بخواند و بجانب چپ
خود بدمد و توكل كند بخدا يتعالى
كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم ميخواند وقتى كه بسفر
ميرفت وشب نزديك بود يا ارض ربي وربك الله واعوذ بالله
من شرك وشر ما فيك وسوء ما يدب عليك واعوذ بالله
من اسد واسود ومن شر الحية والعقرب ومن شر ساكن
البلد ومن والد وما ولد اللهم رب السموات السبع وما اظللن
ورب الارضين السبع وما اقللن ورب الرياح وما ذرين ورب

وبعد از آن سه نوبت قل هو الله احد

الشياطين

۱۸۲

الشياطين وما اضللن اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك
خير هذه الليلة وخير هذه اليوم وخير هذا الشهر وخير
هذه السنة وخير هذه البلد واهله وخير هذه القرية واهلها
وخير ما فيها واعوذ بالله من شرها وشر ما فيها وشر كل دابة
ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم در بيان
آنچه ميبايد در وقت سوار شدن خواند در روايت كه امام
جعفر صادق عليه السلام وقتى كه پاي خود را بر ركاب
مي نهادمي كفت سبحان الله الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين
وهفت نوبت سبحان الله ميكفت وهفت نوبت الحمد لله وهفت نوبت
لا اله الا الله وكفت اصبغ بن نباته كه كرفتم ركاب امير المؤمنين
علي عليه السلام وقتى كه ميخواست كه سوار شود پس آنحضرت
سر خود را بر داشت ومتوجه آسمان شد وتبسم كرد كفتم يا امير
المؤمنين ديدم ترا كه سر خود را بر داشتي وتبسم كردي اين
چه بود آنحضرت كفت اي اصبغ من كرفتم ركاب رسول خدا را همچنانكه
تو كرفتي ركاب مرا پس آنحضرت سر خود را بر داشت ومتوجه آسمان
شد وتبسم كرد پرسيدم همچنانكه تو پرسيدي از من وزود
باشد كه خبر دهم بتو آنچه خبر داد بمن آنحضرت پس كفت كه كرفتم
ركاب حضرت پيغمبر را وقتى كه سوار شد بر استر سفيدي
پس آنحضرت سر خود را بر داشت ومتوجه آسمان شد وتبسم كرد

مسبب

کفتم یا رسول الله سبب این چه بود انحضرت کفت یا علی هر کسی که سوار
شود بر چهار پایی که خدایتعالی باو داده است و بعد ازان بخواند
آیه سخره را که إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ والقمر
وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و بعد ازان بکوید أَسْتَغْفِرُ
اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ حق تعالی بکوید ای فرشتکان
من بنده میداند که نمی آمرزد کناهانرا غیر از من کواه باشید که
آمرزیدم کناهان اورا و کفت امام رضا علیه السلم که رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم فرمود وقتی که کسی سوار شود بر چهار
پای و بسم الله بکوید در عقب وی فرشته سوار میشود
و نکاه میدارد اورا تا انکه فرود آید بمنزل و اکر سوار شود و بسم الله
نکوید شیطان در عقب او سوار شود و میکوید باو که خوانندکی
کن پس اکر بکوید که خوانندکی نمیتوانم کرد شیطان بکوید باو که
آرزو کن پس انکس آرزوهای باطل کند تا وقت فرود آمدن بمنزل
کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که در وقت

سوار شدن بکوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله والحمد لله
الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين نکاهداشته شود او
و چهارپای او تا وقتی که فرود آید بمنزل از جمیع بلاها و نیز کفت
که در وقت سوار شدن میباید کفت که الحمد لله الذي هدانا للاسلام
وعلمنا القرآن ومن علينا بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم سبحان
الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمين اللهم انت الحامل على الظهر والمستعان
على الامر وانت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل والمال
والولد اللهم انت عضدي وناصري چون برای چهارپای دور را
بکو خرجت بحول الله وقوته برئت اليك يا رب من الحول والقوة
اللهم اسئلك بركة سفري هذا وبركة اهله اللهم اني اسئلك
من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه الي وانا خافض
في عافية بقوتك وقدرتك اللهم اني سرت في سفري هذا بلا ثقة
مني بغيرك والا رجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك
ووفقني لطاعتك وعبادتك حتى ترضى و بعد الرضا مشایعت

در بیان

کردن روایتست که مشایعت کرد حضرت پیغمبر جعفر طیار را رحمة الله
علیه در وقتی که میفرستاد اورا بجانب حبشه و انحضرت این
کلماترا خواند و توشه راه او ساخت این کلماترا تا در راه بسلامت
باشد که اللهم الطف به في تيسير كل عسير فان تيسير العسير

الیک یسیرا اسئلک الیسر والمعافات فی الدنیا والآخرة و
روایت است که وداع کرد رسول خدا مردیرا وگفت که زودک
الله التقوی وغفر ذنبک ولقاک الخیر حیث کنت وروایت
که چون مشایعت کرد امیر المؤمنین علی علیه السلام اباذر غفاری
رحمة الله علیه مشایعت کردند اباذر را امام حسن وامام
حسین وعقیل بن ابی طالب وعبدالله جعفر وعمار بن یاسر
نیز پس گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وداع کنید برادر
خود را بدرستی که ناچار است مسافر را که برود وانکسی را که
مشایعت میکند که بازگردد پس هر کدام سخنی گفتند در وقت
وداع کردن پس گفت امام حسین علیه السلام بابی ذر که
رحمت کند بر تو خدای تعالی ابا ذر بدرستی که قوم خوار کردند ترا
بجهت انکه باز داشتی از ایشان دین خود را وتابع ایشان نشدی
پس ایشان باز داشتند از تو دنیای خود را پس چه محتاج اند ایشان
بآن چیزی که باز داشتی از ایشان وچه غنی وبی نیازی تو از انچه
باز داشتند ایشان از تو اباذر گفت که رحمت خدای بر شما باد
ای اهل بیت پیغمبر بدرستی که از خواری خود باکی ندارم وغم نمی
دارم ومرا اندوهی نیست در دنیا غیر از اندوه شما بدرستی که
هرگاه یاد میکنم شما را بسبب شما یاد میکنم رسول خدا را ودوست
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم وقتی که وداع میکرد

مؤمنی

ای م

۱۸۱

مؤمنی را میگفت زودکم الله التقوی ووجهکم الی کل خیر وقضی
لکم کل حاجة وسلم لکم دینکم ودنیاکم وردکم سالمین وگفت
ابوجعفر علیه السلام که حضرت رسالت پناهی هرگاه میکرد وداع
مسافر بر دست آن را میگرفت وبعد از ان میگفت احسن الله لک
الصحابة واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید
وکفاک المهم وحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک
لکل خیر علیک بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی
برکة الله عز وجل در بیان وداع روایتست که
انکسی که خواهد وداع کند کسی را باید که بگوید کما استودع الله
دینک وامانتک وخواتیم عملک احسن الله لک الصحابة واعظم
لک العافیة وقضی لک الحاجة وزودک التقوی ووجهک
للخیر ما توجهت وردک سالما غانما ومنقولست در کتاب محاسن
که گفت امام جعفر صادق که وداع کرد رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم مردی را پس گفت بآنمرد که سلمک الله وغنمک فصل
چهارم در بیان اخلاق نیکو در سفر در بیان نیک صحبت
داشتن در سفر ونگاهداشتن حقوق وطلب کردن رفیق
گفت ابو ربیع الشامی که بودیم نزد ابو عبدالله در خانه وانخانه
پر بود از فرزندان وخویشان انحضرت که از شیعه ما نیست کسی که
نیک صحبت ندارد بمصاحبان خود ونیک همراهی نکند با رفیقان

الی سالمین

پس گفت انحضرت

خود وچیزی نخورد بانکسی که باو چیزی میخورد وخوش
خلقی نکند باکسی که خوش خلقی میکند باو وکفت ابو عبد الله
علیه السلم که پدر من فرمود که اعتباری ندارد کسی که قصد
خانهٔ کعبه کند ودر وسه خصلت نباشد خلقی که خوش خلقی
کند بیاران خود وحلمی که نکاهدارد غضب اورا وورع وپرهیزکاری
که خبر دهد کسی با نچه پیش آمده است اورا در سفر از خیر وشر
وکفت عمار بن مروان که ابو عبد الله بمن کفت که وصیت میکنم ترا
بتقوی وپرهیز وادای امانت وراست کفتن ونیك صحبت داشتن
بکسی که مصاحبت کند بتو وکفت ابو بصیر که کفتم بامام جعفر صادق
علیه السلم که چونست که مردی بسفر بیرون رود که اندك
مالی داشته باشد وبا قومی که مالدار باشند پس ایشان بیرون
آورند توشهٔ خود را وآنمرد قادر نباشد که بیرون آورد توشهٔ مثل
توشهٔ ایشان آنحضرت کفت که دوست نمیدارم که خوار کرداند
مردی خود را باید که بسفر بیرون رود باکسی که مثل او باشد
در مال وکفت ابو جعفر علیه السلم که بانکسی که اختلاط میکنی
اکر قدرت داری که تو باو نفقه بدهی چنین کن وکفت حضرت
پیغمبر که اول رفیق پیدا کنید وبعد از ان سفر کنید ونیز کفت
که دو کس که بایکدیکر مصاحبت میکنند انکسی که ملایمت
او بیشتر است بامصاحب ثواب او بیشتر است وخدا تعالی

کادی

ورا بیشتر دوست میدارد وکفت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام که مصاحبت مکن در سفر باکسی ترا از خود
بهتر نداند همچنانکه تو اورا از خود بهتر میدانی وکفت رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم که سنتست که هرکاه قومی بیرون
روند بسفر توشهٔ خود را بیرون آورند بدرستی که این بهتر
است برای ایشان وکفت ابو عبد الله که مصاحبت کن باکسی که
تو باو زینت یابی ونیز کفت که کسی شب در خانه تنها باشد
شیطان با اوست واکر دو کس باشند از جن ضررها رسد بایشان
واکر سه کس باشند بایکدیکر انس میکیرند وکفت شهاب بن عبد ربه
که کفتم بابی عبد الله که میدانی حال مرا وتوانکری مرا واین که من
چیزی بسیار نفقه میکنم برای برادر المومن آیا مصاحبت بکنم
با برادران مومن در راه مکه وچیزی بسیار برای ایشان صرف
بکنم آنحضرت کفت که چنین مکن بدرستی که اکر چیزی بسیار صرف
کنی وایشان نیز چیزی بسیار صرف کنند نقصان بایشان میرسد
واکر ایشان چیزی بسیار صرف نکنند خواری بایشان میرسد
پس مصاحبت کن باکسانی که مانند تو باشند در توانکری وکفت
ابو جعفر علیه السلام وقتی که خواهی بکسی مصاحبت کنی بکنی
باکسی که مثل تو باشد در توانکری ومصاحبت مکن باکسی که
مؤنت تو باشد بدرستی که این نوع مصاحبت موجب خواری

مصاحبت بکی

مومن است وکفت رسول خدا که بهترین مصاحبت ها نزد
خدایتعالی انست که چهار کس بایکدیکر مصاحبت کنند وقومی که
زیاده از هفت باشند بسیار شود آواز وکفت وکوی ایشان
وکفت امام جعفر صادق علیه السّلام که حق مسافر آنست
که سه روز بایستد برای برادر مومن وقتی که بیمار شود
در راه ونیز کفت که حضرت پیغمبر فرمود که هیچ نفقه دوست
تر نیست نزد خدای تعالی از نفقه که نه بسیار باشد ونه
کم ودشمن میدارد خدایتعالی اسراف را مکر در حج وعمره
وکفت حضرت پیغمبر در سفری که بحج میرفت که انکسی که بد
خلق باشد وبهمسایه خود بد سلوك کند در سفر باید که مصاحبت
کنند بایکدیکر ودرمیان ایشان بعضی توانکر باشند وبعضی
نباشند که آیا نفقه بکند توانکر بر غیر توانکر انحضرت کفت بلی
اکر خوشحال شود غیر توانکر باین نفقه کردن وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که بهترین قوم انکسی است که خدمت
ایشان کند در سفر ومنقولست از کتاب شرف النبی که رسول خدا
فرمود اصحاب خود را در سفری که کوسفندی بکشید یکی از اصحاب
بکفت بکفت که من اینکار میکنم ودیکری کفت که من می پزم
انحضرت کفت که من هیزم جمع میکنم برای شما اصحاب کفتند یا
رسول الله شما تشویش مکشید بدان وما دران ما فدای تو باد

بوست میکنم ودیکری کفت که من بار میکنم ودیکری کفت که من

ما اینخدمت را بجا می آریم انحضرت کفت که میدانم که شما میکنید
این کار را ولیکن خدایتعالی مکروه میدارد از بنده خود که با یاران
خود باشد وایشان همه کاری کنند واو هیچ کاری نکند پس
انحضرت برخواست وهیزم جمع میکرد برای ایشان در بیان
اداب مسافر روایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
وقتی که سفر میکرد شانه ومسواك وسرمه دانی باخود برمیداشت
باخود
وروایت کرده است حماد بن عیسی از ابی عبدالله که لقمان
حکیم به پسر خود کفت که وقتی سفر کنی با جماعتی بسیار مشورت
کن با ایشان در کار خود ودر کار ایشان وبسیار تبسم کن در روی
ایشان وتوشه خود را با ایشان بده وقتی که ترا طلب کنند قبول
کن وهرکاه ایشان طلب یاری کنند از تو یاری کن ایشانرا و
بسیار خاموش باش بسیار نماز بکذار وسخاوت کن بانچه
داری از چهارپا وتوشه وآب ووقتی که طلب کواهی کنند کواهی بده
اذتو
برای ایشان هرچه میدانی وهرکاه مشورت کنند با تو جهد کن
که انچه خیر ایشانست با ایشان بکوی وجواب مده مشورت ایشانرا
تاانکه برخیزی وبنشینی وخواب کنی وچیزی بخوری ونماز
بکذاری وفکر وحکمت خویش را دران مشورت بکار بری یعنی
باید که تامل کنی در جواب دادن ایشان وزود جواب ندهی
بدرستی که انکس که خالص نسازد نصیحت خود را برای انکس که

مشورت با او بر طرف کند خدای تعالی عقل و فکر و امانت او را
و هرگاه به بینی که مصاحبان تو میروند تو هم برو با ایشان
کاری بکن و هرگاه ایشان تصدق کنند و چیزی بقرض بدهند
تو هم موافقت کن با ایشان و بشنو سخن کسی را که بسال از
تو بزرگتر است و هرگاه ترا کاری بفرمایند و چیزی از تو بطلبند
قبول کن و آبا مکن بدرستی که نی گفتن خوب نیست و موجب
سرزنش میشود و هرگاه راه گم کنید و نیابید فرود آئید و هرگاه
شك کنید در راه راست توقف کنید و هرگاه کسی تنها ببینید
در راه از وی راه مپرسید طلب راه نمائی از و مکنید بدرستی که
مرد تنها در بیابان در شك می اندازد مردمرا و میتواند بود که
جاسوس دزدان باشد یا آنکه او شیطانی باشد که حیران و سرگردان
کند شما را و حذر کنید از دو مرد نیز اگر در راه به بینید و بدانید
از ایشان آنچه من نمی بینم و نمیدانم یعنی مگر آنکه آثار صلاح
از ایشان ظاهر باشد بدرستی که عاقل وقتی که به بیند بچشم
خود چیزیرا میداند حق را و کسی که حاضر است می بیند چیزیرا
که غایب نمی بیند ای فرزند من هرگاه وقت نماز شود تاخیر مکن
در نماز بجهة چیزی و نماز بگذار و خود را فارغ ساز بدرستی که
نماز قرض است و نماز را بجماعت بگذار و اگرچه بالای سنان
نیزه باشد و خواب مکن بالای چهارپا بدرستی که پشت او زود

مشورت کنید

مگر آنکه بد بینید و بدانید

۹۱

انکه

جراحت میشود و این کار حکیمان نیست مگر آنکه در کجاوه باشی
که توانی دست و پای خودرا دراز کنی پس هرگاه بمنزل نزدیك
شوی فرود آئی از چهارپای خود و اول چهارپا را علف بده و
بعد از آن چیزی بخور و هرگاه خواهی که فرود آئی بر تو باد که
در زمینی که فرود آئی که رنگ او نیکوتر باشد و گیاه او بیشتر
باشد از زمینهای دیگر و هرگاه فرود آئی بمنزل دو رکعت نماز
بگذار پیش از آنکه بنشینی و هرگاه خواهی بقضای حاجت روی
دور شو از مردم و هرگاه بار کنی باید که دو رکعت نماز بگذاری
و بعد از آن وداع کنی زمینی را که در و فرود آمده بودی و سلام
کنی بر آن زمین و بر اهل زمین بدرستی که در هر قطعهٔ از زمین جمعی
از فرشتگان باشند اگر قدرت داری در طعام دادن یا آنکه
از طعام خود چیزی تصدق کنی و بر تو باد که قرآن بخوانی مادام
که در سفر باشی و بر تو باد که تسبیح بگوئی مادام که بکاری مشغول باشی
و بر تو باد که دعا کنی همیشه بر مومنان و بپرهیز از آنکه از اول
شب تا آخر شب راه روی و بپرهیز از آنکه آواز خود را بلند کنی
در وقت راه رفتن در بیان بخش کردن توشه و
مروت کردن در سفر گفت رسول خدا که اشرف مردم آنست
که نیکو کرداند توشهٔ خود را وقتی که بیرون میرود در سفر
و روایتست که امام زین العابدین علیه السلم وقتی که بمکه میرفت

وخاك او نرم باشد

ساکن اند

جنبی کی

بجهة کذاردن حج وحج توشه او بهترین توشها بود وآن باکرم و
شکر و تلخان بود و منقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر
صادق علیه السلم که از مروت نیست که خبر ندهد مرد از انچه
با او رسیده است از خیر و شر و نیز کفت که رسول خدا فرمود
که از شرف مرد آنست که نیکو کرداند توشه خود را وقتی که بیرون
میرود بسفر و روایتست که ابوذر رحمة الله علیه برخواست نزد
خانهٔ کعبه و کفت که من جندب بن سکنم پس مردمان کرد او
در آمدند ابوذر کفت اکر شما خواهید که سفر کنید هر اینه توشه
خود بسازید چیزیرا که صلاح شما در ان باشد آیا برای سفر آخرت
توشه که صلاح شما در انست چرا مهیا نمی‌سازید مردی برخواست
و کفت ای اباذر راه نمائی کن و بکو که این توشه کدامست ابوذر کفت
که روزه داری روزی که بسیار کرم باشد تا کرمای قیامت
بر تو آسان بکذرد و حج بکن تا آسان شود بر تو مشکلاتی که ترا
پیش آید وقت مردن و بعد از ان دو رکعت نماز بکذار در نیم
شب برای وحشت و تنهائی در قبر و سخن خیر بکو و سخن بد
مکو و صدقه بده بمسکینان امید هست که نجات یابی در روز
قیامت و انچه حاصل کنی در دنیا دو حصه کن یک حصه را صرف
عیال خود کن و حصهٔ دیکر را صرف کن برای آخرت و انچه در غیر
اینها صرف کنی ضرر میکند ترا و سخنانی که در دنیا میکوئی می

باید که از دو وجه بیرون نباشد یکی برای طلب حلال باشد
و دیکری برای طلب آخرت و هر چه غیر این میکوئی ضرر میکند
بعد از ان کفت ابوذر که هلاک ساخت مرا غم روز قیامت و کفت
لقمان پسر خود را که ای پسر دنیا مر دریای بی پایانست و هلاک
شدند درو مردم بسیار پس بکردان کشتی خود را در دنیا ایمان
بخدا تعالی و بکردان توشه خود را تقوی و پرهیزکاری پس اکر
نجات یابی درین دریا از رحمت خدا تعالی خواهد بود و اکر هلاک شوی
بکناهان تو خواهد بود ای پسر من سفر کن با شمشیر و موزه و دستار
و خیمه و مشک و ریسمان و درفش و بردار با خود از دواها انچه ترا
و بانکسی که با تو باشد فایده دهد و موافقت کن با مصاحبان خود
در همه چیز مکر در کناه و بعضی از روایات آمده که سفر کن با اسباب
خود روایتست که ذکر کردند مردمان جوانمردی را نزد امام
جعفر صادق علیه السلم انحضرت کفت که کمان می‌برید که جوانمردی
بفسق و فجور میشود چنین نیست بلکه جوانمردی و مروت طعام
دادن و بخشش است و نیکوئی کردن بهمه کس و ایذا نا کردن کسی را
بعد از ان انحضرت کفت که بحق خدا تعالی که مروت آن نیست
که خوان طعام بر سرای خود بنهند که هر کس خواهد بخورد و لیکن
مروت دو نوعست یکی در حضر و دیکری در سفر اما مروت در
حضر قرآن خواندنست و دایم بمسجد رفتن و سعی کردن در بر آوردن

وبکردان با دبان کشتی را توکل بخدا تعالی

دراهم

حاجت برادر مومن و نعمت دادن بخادم خود بدرستی که نعمت داد
خود شاد میسازد دوست را و خوار میگرداند دشمن را و اما
مروت در سفر بسیاری خوبی توشه است و دادن توشه بهر
کسی که با تو باشد و پنهان داشتن آنچه دیدی از مصاحبان
خود بعد از جدا شدن از ایشان و بسیار مزاح کردن در چیزی
که خدای تعالی را در غضب نیاورد و بعد از آن آنحضرت گفت که
بحق آنکسی که فرستاد جدّ مرا به پیغمبری که خدای تعالی روزی
میدهد بنده را بقدر مروت او بدرستی که یاری میکند
خدای تعالی بنده خود را بقدر مشقت و رنج و صبر میدهد بقدر
سختی و بلا **فصل پنجم** در بیان نگاهداشتن متاع و استخاره
کردن و طلب حاجت کردن **در بیان** نگاهداشتن
متاع گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که آیة الکرسی
بخواند هر شب در سفر و بگوید اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی
تفکرا و کلامی ذکرا بسلامت ماند او و آنچه با اوست و منقول است
از مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی که روایت
کرده است محمد بن عیسی که گفت مردی که فرستادند برای حضرت
امام رضا علیه السلام از خراسان جامه و در میان آن جامه اندکی
خاکی بود گفتم بآنکسی که جامه آورده بود که این چه چیزست آنکس
گفت تربت امام حسین است و گفت که هر چیزی که بکسی بفرستند

خاک

و با او تربت امام حسین باشد هیچ آفتی بآن چیز نرسد و محفوظ
باشد باذن الله تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
آمدند دو برادر در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و
گفتند یا رسول الله ما میخواهیم که بشام برویم بجهة تجارت تعلیم
کن ما را که در راه بگوئیم که نفع دهد ما را آنحضرت فرمود در گفت
بعد از آنکه جا گیرید بمنزل خود و نماز خفتن بگذارید پس هر گاه
بنهید پهلوی خود را بر فراش بعد از نماز باید که تسبیح فاطمه زهرا
بگوئید و آن سی و چهار بار تکبیر است و سی و سه بار الحمد لله است و سی
و سه بار سبحان الله و بعد از آن آیة الکرسی بدرستی که چون
چنین کنید محفوظ میمانید از هر بلای پس ایشان بسفر رفتند و دزدان
در عقب ایشان نیز بکمین رفتند تا آنکه ایشان فرود آمدند پس
دزدان فرستادند جاسوس را که ایشان در کجا اند و یکی از آن
دو برادر پهلوی خود را در فراش نهاده بود و آنچه پیغمبر فرموده
بجای آورده بود و جاسوس آمد بجانب ایشان قد دیواری دید
در گرد ایشان و هر چند بر گرد ایشان گشت هیچ جز ندید مگر دو
دیوار آن جاسوس باز گشت و بمصاحبان خود گفت که بحق خدا که
ندیدم مگر دو دیوار دزدان گفتند بآن پس که خدای تعالی خوار
و رسوا کرده اند ترا بدرستی که دروغ میگوئی بلکه ترسیدی
و بیدل شدی و نرفتی که ببینی ایشان در خواب اند یا بیدار پس دزدان

پس بیا که نظر کند
که ایشان در خواب
اند یا بیدار

برخواستند و رفتند و نظر کردند هیچ ندیدند مکرد و دیوار
پس کردان دیوار رفتند هیچ آدمی ندیدند باز گشتند و بجای
خود آمدند چون روز شد دزدان نزد آن دو برادر بیامدند
و پرسیدند که شما کجا بودید ایشان گفتند که همین جا بودیم
وجای دیگر نرفتیم پس دزدان گفتند که ما شب آمدیم و هیچ
شما را ندیدیم مکرد و دیوار پس خبر دهید ما را از قصهٔ خود
ایشان گفتند وقتی که بیرون می آمدیم بسفر برفتیم نزد رسول
خدا و انحضرت تعلیم کرد ما را که آیة الکرسی و تسبیح فاطمه
زهرا در وقت خواب بخوانید ما چنین کردیم دزدان گفتند
که بروید بحق خدا که ما هرگز در عقب شما نخواهیم آمد و قادر
نخواهد شد بر شما هیچ دزدی بعد ازانکه انحضرت گفت
بخوانید

در بیان استخاره در باب تجارت

گفت
عبد الرحمن بن سبابه که رفتم سالی بجانب مکه و متاع جامه بود
و بازار جامه کساد بود و رواجی نداشت مصاحبان من گفتند
که این متاع را بمصر ببر یا بیمن و باز مکردان بکوفه پس مختلف شد
رای ایشان درین پس رفتم نزد امام موسی و بعد از روز سیم
عید قربان بیکروز و بانحضرت خبر دادم انچه مصاحبان من گفته
بودند و گفتم فدای تو کردم چه میفرمائی تا چنان کنم انحضرت گفت
که قرعه بزن میان مصر و یمن و بعد ازان کار خود را بخدای بگذار

پس قرعه بزن بنام هر شهر که بباید متاع خود را انجا ببر گفتم فدای
تو کردم چگونه قرعه بزنم گفت بنویس بر کاغذ پاره
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله الذی لا اله الا انت
عالم الغیب والشهادة انت العالم وانا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین
خیر لی حتی اتوکل علیک فیه واعمل به و بعد ازان بنویس انچه در کاغذ
پاره اول ~~دیگر بنویس انچه در کاغذ~~ نوشته و بعد ازان بنویس یمن
انشاء الله تعالی و بنویس بر کاغذ پاره دیگر انچه دران دو کاغذ
نوشته و بعد ازان بنویس درین کاغذ پاره بجلس المتاع ولا تبعث
ولا بلد منهما و بعد ازان جمع کن هر سه کاغذ پاره را و بکسی بده که
بپوشد کاغذ پاره ها را از تو بعد ازان دست دراز کن و یکی ازان
سه کاغذ پاره را بردار پس هر کدام بدست تو در آید توکل کن بر خدای
و بان عمل کن که خیر تو دران خواهد بود انشاء الله تعالی و گفت امام
جعفر صادق علیه السلم که امام زین العابدین هرگاه قصد میکرد
که حج یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد وضو
میکرد و دو رکعت نماز استخاره میکرد و درین دو رکعت فاتحه
و سورة الرحمن و سورهٔ حشر میخواند چون فارغ میشد از نماز
دویست نوبت میگفت استخیر الله و بعد ازان قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس میخواند و بعد ازان
میگفت هممت بامر علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی

یعنی انشاء الله را بر کاغذ پاره دیگر بنویس

ودنیای وآخرتی منها فقدره لی وان کنت تعلم انه
شر لی فی دینی ودنیای وآخرتی فاصرف عنی رب اعزم
علی ارشدی وان کرهت ذلك واهبت نفسی بلبسم الله
الرحمن الرحيم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وحسبی الله ونعم الوکیل وبعد از آن کار میکرد
در بیان طلب کردن حاجت چون خواهی که صباح
متوجه کاری شوی وآفتاب بر آمده باشد وسرخی آفتاب
بر آمده طرف شده باشد دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
فاتحه وقل هو الله بخوان ودر رکعت دوم فاتحه وقل یا ایها
الکافرون بخوان وهرگاه سلام دهی بگو اللهم انی عدت
التمس من فضلك کما امرتنی فارزقنی من فضلك رزقا حسنا واسعا
حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله و
قوته غدوت بغیر حول منی ولا قوة ولکن بحولك وقوتك
وابرأ الیك من الحول والقوة اللهم انی اسئلك برکة
هذا الیوم فبارك لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی
الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین چون ببازار برسی بگو اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی و
یمیت ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسئلك خیرها

وخیر اهلها واعوذ بك من شرها وشر اهلها اللهم انی اعوذ
بك ان ابغی او یبغی علی او ان اظلم او اظلم او اعتدی او یعتدی
علی واعوذ بك من ابلیس وجنوده وفسقة العرب والعجم حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم وهرگاه خواهی
که چیزی بخری بگو یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلك
بقوتك وقدرتك وما احاط به علمك ان تقسم لی من التجارة الیوم
اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها لی عاقبة لانه لا خیر فیما
لا عاقبة له وهرگاه چهارپای پاینده بخری بگو اللهم ارزقنی
اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة وچون چیزی
بخری از متاع وغیر متاع تکبیر بگو وسه نوبت اللهم انی اشتریته
التمس فیه من رزقك فاجعل لی فیه رزقا این دعاها که مذکور شد
در طلب حاجت از امام جعفر صادق علیه السلام فصل ششم
در آداب راه رفتن وکراهت تنهائی در سفر ودعاهای متفرقه که می
باید خواند در بیان آداب راه رفتن گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که در سفر شتاب کنید در راه رفتن بدرستی که بشتاب رفتن
آسان تر است ومشقت سفر زودتر برطرف میشود ودر روایتست که
که حضرت پیغمبر رسید بجماعتی که پیاده میرفتند آن جماعت شکایت
کردند نزد آنحضرت از مشقت راه رفتن فرمود که بشتاب بروید و
گفت ابو عبد الله که بشتاب رفتن میبرد قدر ومنزلت مومن را وبین

كفت كه مشقت راه رفتن برابر مشقت بازكشتن بيمار نيست
وكفت حضرت پيغمبر كه بشتاب رفتن مي برد قدر و زيبائي مرد را
و روايتست كه پرسيد معاويه بن عمار از ابا عبدالله
از حال مردي كه قرض داشته باشد كه آيا برو واجبست حج كردن آنحضرت
كفت كه حج اسلام واجبست بر مسلماني كه طاقت پياده رفتن داشته باشد
و بيشتر كسانيكه حج ميكردند با رسول خدا پياده بودند و روايت
كه كذشت رسول خدا بموضعي كه آنرا كراع غميم ميكفتند پس جماعتي
شكايت كردند از سختي و ماندكي آنحضرت كفت كه محكم بربنديد لنك
خود را بر بالاي جامه پس چنين كردند آن سختي و ماندكي رفت از ايشان و
روايتست كه آنحضرت دعا كرد از براي ايشان وكفت كه بر شما باد كه
بشتاب برويد وشبكير كنيد ودر پاس آخر شب برويد بدرستيكه
در نورديده ميشود در شب وكفت ابو بصير كه پرسيدم ابا عبدالله
را از تفسير قول خدا تعالى را كه وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا آنحضرت كفت كه مراد اينست كه پياده كسي كه
اقتدار چيزي نداشته باشد كه تمام راه سوار شود كفتم اكر قدرت
نداشته باشد بر پياده رفتن چكند كفت بعضي راه را پياده برود و پاره
راه سوار شود كفتم اكر قدرت بر بعضي نداشته باشد بر پياده رفتن چكند
كفت خدمت مردم بكند با ايشان برود و معني آيا اينست كه مر خدا راست
بر مردمان قصد خانه كعبه هر كه توانائي دارد كه برود بسوي آنخانه

وكفت امام جعفر صادق عليه السلام كه آمدند جماعتي ازنهائي كه پياده
ميرفتند نزد رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم وشكايت كردند
از ماندكي آنحضرت كفت كه بشتاب برويد پس چنين كردند و رفت
از ايشان ماندكي ونيز كفت كه رفت رسول خدا صلى الله عليه واله
واله وسلم كه آنرا كراع غميم ميكفتند پس صف كشيدند جماعتي كه
پياده ميرفتند كفتند يا رسول الله دعا كن براي ما آنحضرت كفت
اللهم اعظم اجرهم وقوهم وبعد از ان كفت كه اكر بشتاب برويد شما
سبك ميشود بدن شما و زود راه قطع ميشود پس چنين كردند
سبك شد بدن ايشان ونيز كفت كه رسول خدا فرمود كه سوار
سزاوارتر است كه بجاده راه رود از پياده و پابرهنه سزاوارتر است
كه بجاده برود از كسي كه كفش پوشيده باشد ونيز كفت كه سزاوار
نيست كه زن در ميان راه برود وسزاوار است كه كنار راه برود

در بيان كراهيت تنهائي در سفر كفت ابو عبدالله عليه السلم
كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله وسلم فرمود كه آيا خبر دهم بشما كه
بدترين مردمان آنكس است كه تنها سفر كند وبخيلي كند و بزند بنده
خود را ونيز كفت كه حضرت پيغمبر كفت با امير المؤمنين علي عليه السلام
كه يا علي تنها بسفر مرو بدرستي كه شيطان با كسي است كه تنهاست و
واز دو كس دورست وكفت امام موسى عليه السلم كه لعنت كرده است
رسول خدا سه كس را اول كسي كه توشه خود را تنها بخورد ودوم كسي كه

كفت كفتند بلي يا رسول الله
آنحضرت كفت كه بد
ترين مردمان

[illegible] درخانه تنها خواب بکند سیم کسی که تنها سواره رود در بیا
وگفت اسمعیل بن جابر که بودم نزد امام جعفر صادق علیه السلام
در مکه آمد مردی از مدینه نزد آنحضرت گفت آنحضرت با آنمرد که
بود همراه تو در راه آنشخص گفت که هیچکس همراه من نبود آنحضرت گفت
که اگر پیش ازین ملاقات میشد میان من و تو هر آئینه بصلاح
می آوردم کار ترا بعد ازان گفت که کسی تنها باشد شیطان با اوست
واگر دو کس باشند مصاحب یکدیگرند شیطان با ایشان نیست و اگر
چهار کس باشند رفیقان اند و گفت امام موسی که آنکس که تنها
بسفر بیرون رود باید که بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم آنس وحشتی واعنی علی وحدتی واد غیبتی

دو شیطان با ایشان است و اگر سه کس باشند

در بیان دعائی که می باید خواند کسی که راه گم کرده باشد گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که راه گم کنی ندا کن و بگو یا
صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و روایتست که صالح
موکل براست و حمزه موکل بجراست و نیز گفت که گمراه سازد غول
بانگ نماز بگوید ابو عبیدة الحذاء که بود با امام محمد باقر در سفری
پس گم شد شتری من انحضرت گفت که دو رکعت نماز بگذار و بعد ازان
بگو اللهم راد الضالة هادیا من الضلالة رد علی ضالتی فانها من فضلک
وعطائک بعد ازان که دو رکعت نماز گذاردم و این دعا بخواندم
آنحضرت گفت یا ابا عبید سوار شو پس با آنحضرت چون پاره راه رفتیم

سوار شدم

ناگاه سیاهی دیدیم در راه انحضرت گفت یا ابا عبید این شتر
تست پس نگاه کردم شتر من بود **در بیان** دعائی که
میباید خواند در وقت فرود آمدن در منزل گفت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم بامیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی در سفر
هرگاه فرود آئی در منزل بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت
خیر المنزلین ودر روایت دیگر آمده است که این دعا را نیز می
باید خواند وأیدنی بما أیدت به الصالحین وهب لی السلامة و
العافیة فی کل وقت وحین أعوذ بکلمات الله التامات کلها
من شر ما خلق وذرأ وبرأ بعد ازان دو رکعت نماز بگذار و بگو
اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة وأعذنا من شرها اللهم أطعمنا
من جناها وأعذنا من وبائها وحببنا الی أهلها الینا وهرگاه خواهی
که کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار و طلب کن از خدای تعالی که نگاه
دارد ترا و وداع کن ان موضع را بدرستی که در هر موضعی
فرشتگانند ساکن و بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین والسلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین ورحمة الله وبرکاته

کما

وحببنا صالحی اهلها

موضع را و اهل آن [illegible]

در بیان دعائی که می باید خواند در وقت بازگشتن از سفر
و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم چون بازگشت
از جنگ خیبر گفت آیبون تائبون ان شاء الله تعالی عابدون راکعون
ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی

سفري وحضري اللهم اجعل اوبتي هذه مباركة ميمونة مقرونة

بتوبة نصوحا توجب لي بها السعادة يا ارحم الراحمين **در بيان**

دعائي كه ميبايد خواند در وقت آمدن بشهري يا دهي كفت رسول

خدا باميرالمؤمنين علي عليه السلم كه يا علي هر كاه خواهي كه بشهري

يا دهي در آيي بكو در وقت ديدن آن شهر يا آن ده اللهم اني

اسئلك خيرها واعوذ بك من شرها اللهم حببنا الى اهلها

وحبب صالحي اهلها الينا **در بيان** دعائي كه مي بايد خواند

در وقت راه رفتن كفت ابو عبد الله عليه السلم كه رسول خدا در

سفرها هر كاه بنشيب ميرفت تسبيح ميكفت و هر كاه از پستي بر بلندي

بر مي آمد تكبير ميكفت وكفت رسول خدا صلى الله عليه وآله

وسلم كه بحق آنكسي كه نفس ابو القاسم در يد قدرت اوست كه هر كاه

كه تكبير و تهليل بكويد بر جاى بلندي بسبب تهليل و تهليل كويد هر

چيزيكه در عقب اوست و بسبب تكبير او تكبير كويد هر چيزي كه در

پيش اوست از فرشته و غير آن تا انقطاع زمين **در بيان**

انچه مي بايد خواند در وقت كشتي نشستن بسم الله الملك الرحمن

وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء

قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه

قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤكم

قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون بسم الله مجريها ومرسيها ان

از بلندي ٢

ربي لغفور رحيم **در بيان** دعائي كه مي بايد خواند

در وقت كذشتن پل هر كاه برسي به پلي وقتي كه پاي خود را بر پلي

نهي بكو بسم الله اللهم ادحر عني الشيطان الرجيم وكفت امام

جعفر صادق عليه السلم كه بالاي هر پلي شيطاني ساكن است

پس هر كاه به پلي برسي بسم الله بكو تا شيطان دور شود ونيز كفت

وقتي كه در سفر يا در بيابان باشي و بترسي از جني يا از آدمي

بدست راست خود را بر ميان سر خود بخوان باواز بلند

افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعا

وكرها واليه ترجعون **در بيان** انچه مي بايد كفت بكسي كه

از سفر حج يا غير حج آمده باشد كفت امام جعفر صادق عليه السلم

كه حضرت پيغمبر ميكفت بكسي كه از حج مي آمد كه تقبل الله منك

عليك ونفقتك واغفر ذنبك ونيز كفت كه آنكسي كه دست در

كردن حاجي غبار آلوده كند ودر بر كيرد او را همچنانست كه

حجر الاسود را بر كرفته باشد وروايت كه از ائمه معصومين

عليه السلم كه وقتي كه كسي از سفر بيايد و بمنزل خود در آيد سنت

وارد است كه مشغول نشود بچيزي كه تا آنكه غسل كند و دو ركعت

نماز بكذارد و سجده كند وصد نوبت شكر بكويد خداي تعالى را و روايت

كه چون جعفر طيار باز كشت از طايف در بر كرفت رسول خدا او را

وبوسيد ميان دو چشم خود او را وكفت كه نميدانم كه بكدام

واخلف ٢

بك

ازین دو کار بیشتر خوشحالی کنم یا با آمدن جعفر طیار یا بفتح خیبر
روایتست که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه
میکردند بایکدیگر هرگاه با هم میرسیدند و هرگاه یکی از ایشان
از سفر می آمد بدیدن او می رفتند و دست در گردن او میکردند
و در بر میگرفتند **فصل هفتم** رعایت کردن چهارپا و حق
او بر صاحب گفت ابوذر که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم میگفت که چهارپا میگوید که اللهم ارزقني علیک صدق
یشبعني ویسقیني ولا یحملني ما لا اطیق یعنی بارخدایا روزی کن مرا
صاحب راستگوئی که سیر کند مرا و آب دهد و بار نکند آنقدر که
طاقت نداشته باشم و گفت امام جعفر صادق علیه السلم هر
کسی که چهارپای را بخرد آن چهارپا میگوید اللهم اجعله لي
رحیما یا بگردان آنکسی را مرا خریده است بر من رحیم و نیز گفت که
چهارپا نگاه دارید بدرستی که زینتست و بر آورده میشود
از و حاجتها و روزی او بر خدا تعالی است و روایت کرده است
سکونی که گفت رسول خدا که [illegible] دوست میدارد که مدارا
کنید بچهارپا پس وقتی که سوار شوید بر چهارپای لاغر باید که
چند مرتبه فرود آئید تا بمنزل رسیدن پس اگر زمین خالی از گیاه
باشد بروید و اگر علف داشته باشد فرود آئید در منزلها که در
راه می باشد تا بمنزل رسیدن و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم

روایتست از ابی عبدالله که

بارخدایا

کتاب

که آنکسی که سفر کند و چهارپای داشته باشد وقتی که فرود آید
باید که اول علف و آب بدهد آن چهارپا را و گفت ابو جعفر علیه
السلم که هرگاه که در سفر بزمین خشکی که گیاه نداشته باشد بشتاب
بروید و گفت امام جعفر صادق علیه السلم که آنکسی که چهارپا
بخرد مر او راست که سواری کند و بر خداست روزی آن چهار
پای او و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که حق چهار
پا بر صاحب آنست وقتی که فرود آید اول علف دهد او را و وقتی که بآب
برسد بگذارد که او آب بخورد و چیزی بر روی او نزنند و بدرستی
که چهارپا تسبیح و حمد میگوید خدا تعالی را و توقف نکنید بر پشت
چهارپا گاهی که سیر اند او را در راه خدا و بار نکنید او را زیاده از
طاقت او و نرانند او را از آنچه طاقت اوست و گفت امام جعفر صادق
علیه السلم که از نیکبختی مردست از نگاه داشتن چهارپائی که خوب
سوار شود بجهت حاجت خود و حاجت برادران مؤمن و نیز گفت
که زین مرکب ملعونست برای زنان یعنی باید که زنان بر چهارپای
که زین داشته باشد سوار نشود و نیز گفت که از بدبختی است مرکب
بد نگاه داشتن و نیز گفت که سواری تعویذ است و روایتست که
پرسید مردی از امام جعفر صادق علیه السلم که کی بزنم چهار
پای را که سوار باشم آنحضرت گفت که وقتی بزن که راه نرود در زیر تو
همچنانکه میرود بجائی که میبندند او را و چیزی میدهند و نیز

برسید

برو

گفت که بزنید چهارپایانرا بجهة پس درآمدن و مزنید او را بجهة
رمیدن بدرستی که او چیزی می بیند که شما نمی بینید و گفت حضرت
پیغمبر هرگاه چهارپا بسر درآید و بگوید با نکسی که برو سوار است
که هلاک شدی ان چهارپا بگوید هلاک شود کسی که عاصی تر است
پروردگار را و گفت حضرت امیر المؤمنین علیه السلم که هرگز چهارپای
من بسر درنیامد کسی پرسید که بچه سبب انحضرت گفت که بجهة
انکه هرگز درکشت زاری نراندم چهارپای خود را و گفت که مزنید
روی چهارپایان خود را و لعنت مکنید ایشانرا بدرستی که خدای
تعالی لعنت کرده است لعنت کننده چهارپا را و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله هرگاه کسی لعنت کند چهارپایانرا البته ایشان
هم لعنت میکنند شما را و نیز گفت که منشینید بر سرون چهارپا و توقف
مکنید بر پشت او گاهی که نمی رانید او را و نیز گفت با میر المؤمنین
علی علیه السلم که یا علی باید که سه کس بر چهارپا سوار نشوند بدرستی
که انکه در پیش سوار است ملعون است و نیز گفت که هر چیزی را
حرمتی است و حرمت چهارپا در روی اوست و گفت سکونی که
حضرت پیغمبر دید که ماده شتر را که زانوهای او بسته بودند
و بران شتر جهازی بود انحضرت گفت که صاحب این شتر از مروت
دور است بدرستی که این شتر در روز قیامت با او خصومت خواهد
کرد و روایتست که چهل حج کرد امام زین العابدین علیه السلم

بر شتر ماده که داشت و نزد آن شتر را تازیانه و گفت ام سلمه
که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که گفت که دور
میشوند فرشتگان از قافله که چهارپایان خود جرس بسته باشند
در بیان روایتی که واقع شده در باب شتر گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که شتر سرخ مخرید بدرستی که عمر او
کوتاه تر است از عمر شتران دیگر و شتر سیاه بد شکل بخرید بدرستی
که عمر او درازتر است از عمر شتران دیگر و روایتست که منع کرد
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از گذشتن در میان قطار شتر
کسی گفت یا رسول الله جهت این چیست انحضرت گفت که جهت آنست که
هر قطار شتری که هست میان هر دو شتر شیطانیست و منع کرد
از خوردن گوشت شتری که نجاست خوار باشد و از آشامیدن شیر او
و از بار کردن نان خورش بر پشت او تا انکه چهل شبانروز علف بدهید
او را در بیان روایتی که واقع شده است در باب اسپ و
غیر آن گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که همیشه با اسپ
خیر است تا روز قیامت و کسی که نفقه کند با اسب در راه خدای تعالی
همچنانست که صدقه میداده باشد و نیز گفت که مبرید موی پیشانی
اسب و یال و دم او را بدرستی که خیر در پیشانی اسبست و یال او
گرم است و دم او مگس ران او است و نیز گفت که مبارکی و خجستگی
در اسب سرخ است که مایل بسیاهی باشد و در اسب سیاه که پیشانی

او سفید باشد مطلق الیمین باشد وگفت امام رضا علیه السلام
که در سوراخ بینی هر چهار پای شیطانست پس هرگاه خواهید
که لجام کنید او را باید که بسم الله بگویید و روایت کرده است ابو
عبیده که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که
هر چهار پای که دشوار باشد بر صاحب لجام کردن او
ورمنده باشد باید که در گوش او یا بر و بخواند که أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
ونیز بگوید اللهم سخرها و بارک لی فیها بحق محمد و آل محمد وسوره
انا انزلناه بخواند وگفت امام محمد باقر علیه السلام که بهترین
شتران نزد من شتر سرخ است و روایتست که رسول خدا سوار
میشد بر دراز گوش که نام او یعفور بود **فصل هشتم**
در بیان چیزهای نادر که در سفر می باشد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم با میر المومنین علی علیه السلام که یا علی چون سفر کنی
در رود خانه فرود میا بدرستی که رودخانه جایگاه درندگانست و ما
راست و منقولست از کتاب محاسن که ذکر کردند مردی را نزد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم یکی از اصحاب گفت که او مرد نیکی
است جمعی از اصحاب گفتند یا رسول الله او در راه حج با ما بود وقتی
که فرود می آمدیم همیشه تحلیل میگفت تا آنکه کوچ میکردیم چون
کوچ میکردیم همیشه ذکر خدا تعالی میگفت تا فرود می آمدیم آنحضرت

گفت که کدام یک از شما علف میداد شتر خود را و طعام می پخت
درین سفر آن جماعت گفتند که ما همه این کار میکردیم آنحضرت گفت
که همه شما بهتر بودید از او گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا
در سفر بر شتری سوار بود پس ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد
چون سوار شد اصحاب گفتند یا رسول الله دیدیم ترا که کاری
کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت بلی جبرئیل آمد و بشارتها
داد مرا از خدای تعالی پس سجده شکر بجای آوردم برای هر
بشارتی وگفت اسحق بن عمار که بیرون رفتم با ابا عبد الله علیه
السلام بسفری و آنحضرت با خود چیزی میگفت بعد از آن رو بقبله
آورد و سجده کرد و در سجده مکث بسیاری کرد و بعد از آن روی
راست خود را بر خاک نهاد و مکث بسیاری کرد و بعد از آن دست
بر روی خود مالید و سوار شد گفتم با آنحضرت که پدر و مادرم
فدای تو باد کاری کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت که ای
اسحق بیاد آمد مرا نعمتی از نعمتهای که خدای تعالی بمن داده است پس
دوست داشتم که خوار گردانم نفس خود را و بعد از آن گفت ای اسحق
هر بنده که خدا تعالی نعمتی باو بدهد و حق آن نعمت را بداند
بدل و آشکارا حمد گوید خدای تعالی را بر آن نعمت پیش از آنکه فارغ
شود از آن نعمت خدای تعالی زیاده گرداند آن نعمت او را در دنیا
و آخرت وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که وقتی که بسفر

روید وباز آیید از سفر بتند عیال خود باید که هدیه بیارید برای
ایشان وچیزی نیکو تحفه بیارید واکرچه سنکی باشد ونیز کفت که
وقتی که مانده شوید از راه رفتن باید که تند بروید وکفت
امام جعفر صادق علیه السلم که ابو جعفر فرمود که مضایقه
مکنید در خریدن چهار چیز قربانی وکفن وبنده وکرایه راه مکه
وکفت امام زین العابدین علیه السلم وقتی که خواهی که چیزی
بخری که در راه حج بآن احتیاج می باشد بخر ومضایقه مکن
در بها وکفت جابر بن عبد الله که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که سفر پاره ایست از عذاب پس وقتی که سفر کنید باید که
زود باز کردید باهل خانه خود وکفت امام جعفر صادق علیه السلم
که سفر کردن نیست مکنید توشه را وبد مکنید خلق را وکهنه مکنید
جامه را وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که وقتی که
راه کم کنید بدست راست بروید وکفت امام جعفر صادق
علیه السلم که بر بالای هر پلی شیطانیست پس هرکاه به پلی برسی
بسم الله بکو تا دور شود از تو شیطان وروایتست که پرسیدند
از امام رضا علیه السلم که آیا سوار میتواند شد بر زین ولجامی
که در و نقره باشد آنحضرت کفت اکر آن زین روی اندوده باشد
ونتواند نقره را کندن باکی نیست واکر تمام نقره باشد یا توان نقره را
کندن سوار مشو وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

که آنکسی که یاری کند مومن مسافری را ببرد خدای تعالی ازو
هفتاد وسه اندوه وبرهاند خدای تعالی اورا از غم واندوه وبرد
از واندوه عظیم را در روزی که در مانده باشند مردمان بنفس
خود وآن روز قیامت است وکفت یعقوب بن سالم که کفتم
بابی عبد الله علیه السلم که با من چند درهم است که در ان صورتها
ومن احرام حج بسته ام وآن درهمها را در میان همیانی کرده ام
ومحکم بسته ام آیا قصوری ندارد آنحضرت کفت که باکی نیست آن
درهمها نفقه تست وبعد از لطف خدای تعالی اعتماد تو بران است وکفت
ابو عبد الله علیه السلم وقتی که سفر کنید سفره بردارید ونیکو
کنید در ان سفره وکفت نضر خادم که نظر کردم امام موسی علیه
السلم بسفره که از و حلقهای از روی بود پس کفت که بکنید
این حلقها وبجای آن حلقها حلقها از آهن بنهید بدرستی که هرکاه
حلقه سفره از آهن باشد نزدیک نمیشوند حشرات زمین با
در سفره است وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که توشه
مسافر خدای کردن خواندن شعریست که درو فحش نباشد
ومنقولست از کتاب محاسن که کفت امام جعفر صادق علیه
السلم که رسول خدا فرمود که بپرهیزید از فرود آمدن در آخر
شب در میان راه ودر میان رودخانه بدرستی که راه کذر درنده
وجای مار است ونیز کفت امام جعفر صادق علیه السلم که هرکاه

که

مصاحبت کنی بجماعتی مکو با ایشان که فرود آیید و انجا فرود آییم
بدرستی که در میان ایشان کسی است که میداند که بکجا فرود می آییم
آمد و احتیاج بکفتن تو نیست **باب دهم** در بیان دعاها
وانچه متعلق است بآن و درین باب پنج فصلست مصنف کتاب میکوید
که بدرستیکه مرا چند مجموعه است که جمع کرده است دعاها دران مجموعها
پس خواستم که انتخاب کنم ازان مجموعها بابی مختصری که لایق باشد
باین کتاب و جمع باشد دران باب دعای نیکو وانچه متعلق
است بدعا پس استخاره کردم بخدای تعالی در جمع کردن این باب
وبتوفیق خدای تعالی بابی انتخاب کردم که جمع است در وانچه
میخواستم و میخواهم از خدای تعالی که توفیق دهد که عمل کنیم بانچه
درین باب است بدرستی که خدای تعالی شنواست و بفضل و
کرم خود اجابت میکند **فصل اول** در فضیلت دعا و کیفیت
دعا خواندن **در بیان** روایتی که واقع شده است در فضیلت
دعا کفت رسول خدا که هیچ چیز بزرکتر نیست نزد خدای تعالی
از دعا و روایت کرده است حنان بن سدیر که کفت پدر من که
پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که کدام عبادت فاضلتر
و بهتر است نزد خدای تعالی آنحضرت کفت که نیست چیزی بهتر نزد
خدای تعالی از کسی که تکبر کند از عبادت او و سوال نکند و نطلبد
چیزی را که نزد خدای تعالی است و کفت امام جعفر صادق علیه السلام

که انکسی که سوال نکند از خدای تعالی و طلب نکند از فضل و کرم
او محتاج شود و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
که دفع نمیکند بلا را مکر دعا و نیز کفت که دعا سلاح مومن
وستون دین است و نور آسمان و زمین است و نیز کفت که آیا
دلالت کنم شما را بر سلاحی که نجات دهد شما را کفتند بلی
یا رسول الله آنحضرت کفت که دعا کنید و طلب حاجت خود کنید
از پروردکار خود شب و روز بدرستی که سلاح مومن دعا
است و کفت امام حسین علیه السلام که رسول خدا برمیداشت
دستهای خود را وقتی که تضرع و دعا میکرد همچنانکه طفل
طلب طعام کند در ویشی و کفت حضرت پیغمبر که عاجزترین مردمان
کسی است که عاجز باشد از دعا یعنی دعا نکند و بخیلترین مردمان
کسی است که بخیلی کند بسلام و نیز کفت که هر مسلمانی که دعا کند و نباشد
دران دعا قطع رحم و طلب چیزی که موجب کناه باشد بدهد خدای تعالی
او را بسبب آن دعا یکی از سه خصلت یا انکه دعای او را زود مستجاب
کند یا انکه آن دعا را ذخیره سازد برای او در آخرت یا انکه دور کند
از و بدی را مثل آن دعا و کفت امیر المومنین علی علیه السلام که حقیر مشمرید
دعای کسی را بدرستی که کاهی مستجاب میشود دعای نیکی که
یهودی کند در حق شما و مستجاب نمیشود دعای یهودی در حق
خودش و نیز کفت که بهترین عملها نزد خدای تعالی در زمین دعا است

اندشمنان و برسنر کرداند روزی شما را

کفت

وفاضلترین عبادت پرهیزکاریست وکفت عبدالله بن سنان که
دعا رد میکند قضارا بعد ازانکه آن قضا محکم شده باشد پس بسیار
دعا کن بدرستی که دعا کلید هر رحمت است وسبب روان شدن هر
حاجت است ونمیرسد بنده بانچه نزد خدا تعالی است مکر بدعا
وهرکس بکوید دری را بسیار کشوده میشود آن در برای او وروایتست
از عبدالله میمون القداح که کفت عبدالله علیه السلم که دعا معدن
اجابتست همچنانکه ابر معدن بارانست ونیز کفت که هر بنده بردارد
دست خود را بسوی آسمان خدا تعالی شرم میدارد که خالی بازکرداند
دست بنده او را وبدهد بازفضل ورحمت خود انچه خواهد پس هرکاه
دست برداریده ودعا کنید باید که باز نکردانید دست خود را تا انکه بمالید
برسر وروی خود وروایتست از هشام بن سالم که کفت ابو عبدالله
علیه السلم که آیا میدانید که کدام بلا بسیار میماند وکدام بلا
زود برطرف میشود کفتم نی آنحضرت کفت که هرکاه ملهم شوید بدعا
کردن وبخاطر شما برسد که دعا می باید کرد وقتی که بلا متوجه شما
شود بدانید که آن بلا زود برطرف میشود ونیز کفت که دعا در حالت
عافیت سبب استجابت دعا میشود وبرآوردن حاجت میشود در حالت
بلا ونیز کفت که وحی کرد خدا تعالی بداود علیه السلم وکفت که یاد کن
مرا در خوشحالی تا مستجاب کردانم ترا در حالت سختی ونیز کفت انکسی که
بترسد از بلائی وپیش ازانکه آن بلا برسد دعا کند نمیاید خدا تعالی آن

دعاء م

بلارا باو هرکز وروایتست از ابی عبدالله علیه السلم وابی جعفر
که کفتند که بتحقیق خدای عز وجل که الحاح ومبالغه نماید در دعا مستجاب
کرداند خدا تعالی دعای او را وکفت ابو عبدالله علیه السلم که
انکسی که وضو نیکو بسازد وبعد ازان دو رکعت نماز بکذارد و
رکوع وسجود را نیکو بجای آورد وبعد ازان سلام دهد وحمد
وثنا بکوید خدا تعالی را وصلوة بفرستد بر رسول وآل او علیهم
السلم وبعد ازان حاجت خود را طلب کند از خدا تعالی بدرستی
که طلب کرده است خیر را در محل خود وانکسی که طلب خیر کند در
محل خود ناامید نشود ومنقولست از کتاب فردوس که کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که بلا متعلق است میان آسمان وزمین
مثل قندیل پس هرکاه طلب کند بنده از خدا تعالی عافیت را بکرداند
خدا تعالی آن بلارا ازو ونیز کفت که طلب کنید از خدا تعالی هر حاجتی
که دارید تا انکه بند نعلین خود را از خدا تعالی طلب کنید بدرستی که
اکر خدا تعالی جیر برا میسر نکرداند انچیز میسر نمیشود ونیز کفت که باید
که طلب کنید از پروردکار هر حاجتی که دارید تا انکه بند نعلین شما
وقتی که کسسته شود از خدا تعالی طلب کنید وکفت امام جعفر صادق
علیه السلم که کردانیده است خدا تعالی روزی مومنانرا ازجای
که ایشان کمان نمیبرند واین بجهة آنست که هرکاه بنده نمی داند که روزی
او از کجااست بسیار دعا میکند ونیز کفت انکسی که خواهد که دعای

او مستجاب شود در حالتی سختی باید که در حالت صحت و عافیت
و خوشحالی دعا کند و گفت امام رضا علیه السلم که یک دعای پنهانی
برابری میکند بهفت دعای آشکارا و گفت ابو عبد الله علیه السلم
که خدا یتعالی میداند انچیز یرا که بنده میخواهد وقتی که بنده دعا
میکند ولیکن خدا یتعالی دوست میدارد که بنده اظهار کند بسوی
او حاجتهای خود را و نیز گفت خدا یتعالی اجابت نمیکند دعای کسی را
که دل او غافل باشد پس هرگاه دعا کنی متوجه بدل خود شو و یقین کن
که دعای تو مستجاب میشود و نیز گفت که خدا یتعالی کراهت میدارد
که مردمان مبالغه کنند از چیزی طلبیدن از یکدیگر و دوست میدارد
که مبالغه کنند در سوال کردن از و بدرستی که خدا یتعالی دوست
میدارد که سوال کنید وطلب نمائید چیز یرا که نزد اوست و گفت امام
رضا علیه السلم باصحاب خود که بر شما باد بسلاح پیغمبران که
پرسید که سلاح پیغمبران کدام است آنحضرت گفت دعاست و
گفت امام جعفر صادق علیه السلم که دعا تیز میکند از سر نیزه
یعنی از سر دعا بیشتر است از تاثیر سر نیزه و گفت حماد بن عثمان
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلم که میگفت که
دعا رد میکند قضا را و گسسته میشود قضا بسبب دعا همچنانکه
گسسته میشود رشته و اگرچه آن قضا محکم شده باشد و گفت
حضرت امام موسی ع که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا

بدل عیسی

کردن وطلب کردن از خدا یتعالی رد میکند بلا را و اگرچه آن بلا
مقدر شده باشد و حکم شده باشد بنزول آن بلا و موقوف
باشد نزول آن بلا مگر باجرای آن حکم پس هرگاه دعا کنید و
سوال کنید از خدای تعالی بگرداند خدا یتعالی آن بلا را و گفت امام
جعفر صادق علیه السلم که بر تو باد که دعا کنی بدرستی که در دعا
شفا است از هر دردی و نیز گفت که آنکسی که دعا کند پیش از فرود
آمدن بلا مستجاب میشود دعای او در وقت فرود آمدن بلا
و فرشتها میگویند که این آواز آشناست و بسیار شنیده ایم و باز
داشته نمیشود آواز او از آسمان و انکسی که دعا نکند پیش از فرود
آمدن بلا مستجاب نمیشود دعا او در وقت فرود آمدن بلا و میگویند
فرشتها که این آواز نیست که نشنیده ایم و گفت امام زین العابدین
علیه السلم که دعا بعد از نزول بلا فایده نمیدهد و گفت امام جعفر
صادق علیه السلم که هرگاه دعا کنی متوجه شو بدل خود چنین
بدان که حاجت تو روا شده است و نیز گفت که هر بنده مومنی که
مبالغه کند در طلب حاجت خود از خدا یتعالی برآورد حاجت او را و
گفت حضرت پیغمبر که رحمت کند خدا یتعالی بنده را که طلب حاجت خود کند
از خدا یتعالی و مبالغه نماید در دعا خواه دعای او مستجاب شود و
خواه نشود و آنحضرت خواند این آیه را که وَادْعُوا رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ

خدا اسیعاء ام

بدعای ربی شقیا یعنی میخواهم بود که رخود را نا امید ولی
بهر وکفت امیر المومنین علی علیه السلم که بنده که مبتلا باشد بلای
واکر آن بلا بزرک باشد سزاوار نیست بدعا کردن از بنده که وقت عا[فیت]
که داشته باشد وایمن باشد از بلا **در بیان** اوقاتی که امید
اجابت دعاست و روایت کرده است زید شحام که کفت ابو عبد الله
علیه السلم که در چهار وقت دعا کنید وقت وزیدن بادها و وقت
زوال آفتاب و وقت باریدن باران و وقت بزمین رسیدن اول
قطره خون مومنی که بناحق کشته شود بدرستی که درهای آسمان
کشوده میشود درین اوقات و نیز کفت که دعا مستجاب میشود
در چهار وقت [illegible] وقت نماز وتر و بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب
و کفت امیر المومنین علی علیه السلم که غنیمت دانید دعا کردن را در
چهار وقت وقت قرآن خواندن و وقت بانک نماز کفتن و وقت باریدن
باران و هر وقت رسیدن لشکر اسلام بلشکر کفار برای جهاد و
کفت ابو جعفر علیه السلم که پدر من هرکاه حاجتی داشت بخدای
تعالی طلب آن حاجت میکرد وقت زوال و کفت ابو عبد الله که
هرکاه رقت شود شما را باید که دعا کنید بدرستی که دل رقت
پیدا نمیکند مادام که خالص نشود و کفت معاویه بن عمار که ابو
عبد الله علیه السلم هرکاه حاجتی داشت طلب آن حاجت میکرد از
خدای تعالی وقت زوال پس هرکاه میخواست که طلب حاجت کند اول چیزی

وقت زوال

تصدق میکرد و بوی خوش بکار میبرد و بمسجد میرفت و بعد از آن
دعا میکرد بجهت حاجت خود و کفت ابو عبد الله علیه السلام که هرکاه
بلرزه در آید تن تو از ترس خدای تعالی و اشک بریزد چشمهای تو
پس درین وقت دعا کن و روایت کرده است ابو الصباح که کفت ابو
جعفر علیه السلم که دوست میدارد خدای تعالی از بندهٔ مومن آن
بنده را که بسیار دعا کند بر شما باد که بسیار دعا کنید در صبح
تا بر آمدن آفتاب بدرستی که درین وقت درهای آسمان کشوده
میشود و روزی بندکان و بر آورده میشود حاجتهای بزرک
و کفت عمر بن اذینه که شنیدم ابو عبد الله علیه السلم میکفت که
در هر شب ساعتی است که هرکاه دریابد بندهٔ مسلمان آن ساعت را
و نماز کذارد و دعا کند دران ساعت مستجاب میشود دعای
او پرسیدم که آن ساعت کدام است آنحضرت کفت که سدس اول از
نصف آخر شب و کفت ابو اسحق علیه السلم که ابو عبد الله فرمود
که هرکاه دعا کنید بجهت ترس باید که کف دست خود را بجانب آسمان
کنید و کفت ابو عبد الله علیه السلم که مراد از تبتل که در قول خدای
تعالی است وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا آنست که دعا کند و بانکشت اشارت
کند و معنی قول خدای تعالی که بریدن شو از خلق و توجه کردن بسوی
خدای تعالی بعبادت بریدن کامل و هرکاه دعا کنید از روی تضرع
و زاری باید که اشارت کنید بانکشت خود و حرکت دهید انکشت را و دعا

مومن
و قسمت کرده میشود
زدیند
پشت
النت

از روی ابتهال که هر دو دست خود را بردارید و بکشید و ابتهال
زاری کردنست باکریه و روایتست که ابو عبدالله علیه السلام کرد
هر دو دست خود را بسوی آسمان کرد و گفت دعای که بجهت طلب
چیزی باشد از خدا یتعالی باین کیفیت می باید که پشت دست
خود را بجانب آسمان کرد و گفت دعائی که بجهت ترس باشد چنین
می باید که حرکت داد انگشتان خود را بجانب راست و بجانب چپ و
گفت دعائی که از روی تضرع باشد همچنین باید که برداشتن انگشتان
خود را و یکبار فرود آورد و گفت دعای که از روی تبتل باشد
چنین می باید که برداشت دست خود را برابر روی خود بسوی قبله
و گفت که دعائی که از روی ابتهال باشد باین کیفیت می باید و گفت هرون
بن خارجه که پرسیدم ابا عبدالله را از کیفیت دعا کردن و دست
برداشتن در حالت دعا کردن آنحضرت گفت که چهار وجه باشد اگر
دعا بجهت پناه جستن باشد کف هر دو دست خود را بسوی قبله کند
و اگر بجهت طلب رزق است بگشاید هر دو دست خود را بجانب آسمان و
اگر تبتل است اشارت باید کرد بانگشت سبابه دست خود و اگر ابتهال است بر
دارد هر دو دست خود را و بگذراند از سر خود و همچنین کند در دعای
تضرع **در بیان** چیزهای که پیش از دعا بجا می باید
آورد و گفت ابن مغیره که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام میگفت که هرگاه
خواهید که طلب کنید از خدا یتعالی حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت

آیت ۳

باید که ابتدا کنید بمدح و ثنای خدا یتعالی و صلوات بفرستید
بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و بعد از آن طلب حاجت خود کنید و
روایتست از محمد بن مسلم از ابی عبدالله علیه السلام که در کتاب
زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام واقع است که آنحضرت گفت که اول
مدح خدای تعالی می باید گفت و بعد از آن طلب می باید کرد حاجت خود را
از خدا یتعالی پس وقتی که خواهی که دعا کنی و طلب حاجت خود کنی تحمید
کن خدا یتعالی را یعنی به بزرگی یاد کن و بعد از آن دعا کن گفت محمد بن
مسلم که پرسیدم چگونه تحمید کنم ابو عبدالله علیه السلام گفت که بگو
یَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ
بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ و گفت عثمان بن مغیره
که ابو عبدالله فرمود که هرگاه خواهی که دعا کنی تحمید کنی خدا یتعالی را
و حمد و تسبیح و تهلیل بگو و ثنا بگو خدا یتعالی را و صلوات بفرست
بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از آن طلب حاجت خود کن تا خدای
تعالی حاجت ترا بر آورد و گفت ابو عبدالله علیهم السلام که وقتی که
طلب حاجت خود کنید از خدا یتعالی باید که مدح و ثنا بگوئید خدای
تعالی را و بعد از آن طلب حاجت کنید بدرستی که هرگاه کسی طلب
کند از سلطانی آنقدر که میتواند سخنان میگوید که او را خوش آید
پس هرگاه طلب حاجت کنید از خدا یتعالی تحمید کنید خدا یتعالی را
و مدح و ثنا بگوئید باین طریق که یَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

کرده است

ونیز کفت که پدر من هرکاه بجهت جیزی حزین وغمکین میشد جمع میکرد
اهل وعیال خود را وبعد ازان دعا میکرد وایشان آمین میکفتند
ونیز کفت که کسی که دعا کند وکسی که آمین میکوید شریک اند در دعا
وروایت کرده است هشام بن سالم که کفت ابو عبد الله علیه السلم
که دعا مستجاب نمیشود تا آنکه صلوات بر محمد وآل او نفرستد ونیز
کفت آنکسی که دعا کند وصلوات بفرستد بر پیغمبر آن دعا بالا میرود
ونیز کفت که مردی آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
وکفت یا رسول الله میکردانم ثلث دعای خود را بلکه نصف دعای
خود را بلکه تمام دعای خود را برای تو آنحضرت کفت که این هنکام
برآورده میشود حاجت دنیا و آخرت تو ابو البصیر وابو الحکم
کفتند که پرسیدیم از ابی عبد الله علیه السلم که چه معنی سخن آنمرد
که کفت بحضرت پیغمبر که میکردانم تمام دعای خود را برای تو ابو عبد
الله علیه السلم که این معنی دارد که پیش از طلب هر حاجتی صلوات
میفرستم بر تو ونیز کفت که رسول خدا فرمود که مکردانید مرا مثل
قدحی که راکب همراه خود میدارد بدرستی که هرکاه میخواهد پر آب
میکند وهرکاه نمیخواهد فراموش میکند وذکر کنید در اول وآخر
ومیان دعا ونیز کفت کسی را که بخدا یتعالی حاجتی باشد باید که
ابتدا کند بصلوات بر محمد وآل او علیهم السلم وبعد ازان طلب حاجت
خود کند وختم کند بصلوات بر محمد وال او علیهم السلم بدرستی که

يا ارحم من استرحم يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من
يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ويقضي ما احب يا من يحول
بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير وبسيار از نامهای حق تعالی بکوید بدرستی که
نامهای حق تعالی بسیار است وصلوات بفرستید بر محمد وآل او
علیهم السلم وبکوید اللهم اوسع علی من رزقک الحلال ما اکف
به وجهی واودی به عنی امانتی واصل به رحمی ویکون عونا لی علی
الحج والعمرة وکفت ابو عبد الله علیه السلم که آمد مردی بمسجد ودو
رکعت نماز کذارد وبعد ازان طلب حاجت خود کرد از خدا یتعالی
رسول خدا کفت که تعجیل کرد این بنده در طلب حاجت از پروردکار
خود مردی دیکر آمد بمسجد ودو رکعت نماز کذارد وبعد ازان
مدح وثنای خدا یتعالی بجای آورد وصلوات فرستاد بر نبی وآل
او علیهم السلم پس آنحضرت کفت با آنمرد که طلب حاجت خود کن از
خدا یتعالی که بتو میدهد آنچه میخواهی وروایت کرده است درست
بن ابی منصور از ابی خالد که کفت ابو عبد الله علیهم السلم که هرکاه
چهل کس جمع شوند دعا کنند مستجاب کرداند خدا یتعالی ایشانرا
واکر چهل کس نباشد چهار کس ده بار دعا کنند مستجاب میشود دعا
واکر چهار کس نباشد یک کس چهل بار دعا کند مستجاب میشود دعای او

خدایتعالی کریم تراست ازانکه قبول کند هردو طرف را وقبول نکند
میان را بجهة انکه صلوات بر نبی وال او ومیان خدایتعالی هیچ چیز
حجاب نمیشود وچون هیچ چیز حجاب نشود قبول میکند ونیز کفت
که رسول خدا فرمود که هر قومی که جمع شوند در مجلس وذکر
خدایتعالی نکنند وصلوات نفرستند بر پیغمبر آن مجلس حسرت
ووبال شود بر ایشان **در بیان** انکسی که مستجاب میشود دعای
او کفت ابو عبد الله که دعای سه طایفه مستجاب میشود دعای حاج
دعای کسی که جهاد کند در راه خدایتعالی ودعای مریض پس تعرض
مکنید باو ودلتنك مکنید اورا ومرنجانید ونیز کفت که پدر من
فرمود که دعا پنج کس مستجاب میشود ودعای پادشاه عادل ودعای
مظلوم که خدایتعالی بمظلوم میکوید که داد ترا میستانم از ظالم
واکرچه بعد از مدتی باشد ودعای فرزند صالح برای پدر خود ودعای
پدر صالح برای فرزند خود ودعای مومن برای برادر مومن غایبانه
ومیکوید فرشته که موکل است باآن بنده که دعای میکند برادر مومنی
که مر تراست مثل آن یعنی آن دعا در حق تو نیز مستجابست ومنقولست
از کتاب فردوس که کفت حضرت پیغمبر که دعای سه طایفه مستجابست
وهیچ شکی نیست دران دعای پدر برای فرزند ودعای مظلوم در حق ظالم
ودعای مسافر ونیز کفت که کسب حلال کن تا دعای تو مستجاب شود
بدرستی که مردی یك لقمه حرام بخورد مستجاب نمیشود دعای او

چهل روز روایت کرده است فضل بن یسار که کفت ابو جعفر ع
که نزدیك ترین دعای باجابت دعای مومنست برای برادر مومن
غایبانه پیوسته میسازد روزیرا ودفع میکند مکروه را وکفت
یحیی بن معاذ که ابو جعفر علیه السلم بمن کفت که وقتی که حاجتی
داشته باشی این دعا بخوان اللهم انت ولی نعمتی وانت القادر
علی طلبتی وتعلم حاجتی فاسئلك بحق محمد وال محمد لما قضیتها
من ضامنم که خدایتعالی حاجت ترا براورد وکفت امام جعفر صادق
علیه السلم دعا کردن برای برادر مومن غایبانه زیاده میکند روزیرا
ومیکرداند بلارا وحق سبحانه وتعالی میکوید بدعا کننده که ترا هم
مثل اینست ونیز کفت که حذر کنید از دعای مظلوم بدرستی که دعای
مظلوم میرود باسمان ونیز کفت که انکسی که پیش از دعا چهل مومن را
یاد کند ونام یکیك را بکوید وبرای ایشان دعا کند وبعد ازان کند
دعای او مستجاب میشود ونیز کفت انکسی که دعا کند برای برادر
مومن غایبانه موکل سازد خدایتعالی بدعا کننده فرشته که بکوید ترا
دو برابر انست وروایتست که کفت مردی کفتم بابی عبد الله علیه السلم
که دو آیتست در کتاب خدایتعالی یکی دلالت میکند برانکه هرکاه دعا
کنید مستجاب میشود وآیه دیکر دلالت میکند برانکه هرکاه چیزی نفقه
کنند در راه خدایتعالی عوض میدهد انحضرت کفت که کدام است آن دو
ایه کفتم یکی انست ادعوا استجب لکم یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما

و هرچند دعاي ميكنم مستجاب نميشود آنحضرت گفت پس چرا دعاي تو
مستجاب نميشود گفتم نميدانم آنحضرت گفت كه خبر دهم بتو اگر كسي كه طاعة
و فرمان برداري خدايتعالى كند بانچه امر كرده است و دعا كند بآن
طريق كه مي بايد كرد مستجاب ميگرداند خدايتعالى دعاي او را گفتم
طريق دعا كدام است گفت آنست كه اول حمد و ثنا بگوئي خدايتعالى را
و تحميد كني و ببزرگي ياد كني خدايتعالى را و ذكر كني نعمتهاي را كه بتو
داده است پس شكر آن نعمتها بجاي آوري و بعد از آن صلوات بفرستي
بر نبي و آل او عليهم السلم و بعد از آن ذكر كني گناهان خود را و بعد از آن
استغفار كني از گناهان و بعد از آن دعا كني اينست طريق دعا كردن بعد از آن
گفت آنحضرت كه آيه ديگر كدام است گفتم اينست كه وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ
يعني آنچه نفقه ميكنيد از چيزي كه شما راست در راه خدايتعالى عوض
ميدهد و من هرچند نفقه ميكنم عوض نمي يابم آنحضرت گفت كه گمان
تو اينست كه خدايتعالى خلاف وعده ميكند گفتم ني گفت هر چه
كه نفقه ميكني و عوض نمي يابي گفتم نمي دانم گفت اگر شما كسب مال كنيد از
وجه حلال و صرف در محل خودش كنيد هر درمي ~~كه صرف كند~~ خدايتعالى
عوض ميدهد و گفت سلمان فارسي كه گفت حضرت پيغمبر صلى الله عليه
و آله و سلم كه شرم ميدارد خدايتعالى كه نااميد سازد بندهٔ را كه بسته
باشد دستهاي خود را بدعا و دستهاي او را تهي باز گرداند فصل دوم
دربيان دعاي برگزيده كه تعلق بروز و شب دارد دعاهاي كه مخصوص

است بوقت صبح و شام گفت عبد الكريم بن عيينه كه امام جعفر
صادق عليه السلام فرمود كه آنكسي كه ده بار بگويد پيش از برآمدن
آفتاب و پيش از فرو رفتن آفتاب لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كفارت گناهان او ميشود و گفت حفص
بن البختري كه امام جعفر صادق عليه السلم فرمود كه حضرت نوح
عليه السلام در وقت صباح ده نوبت و در وقت شام ده نوبت
ميگفت اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ
فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ لَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَيَّ
حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَى و بجهت خواندن اين دعا در هر صباح و شام
حق تعالى حضرت نوح را عبد شكور ناميد و گفت مسمع بن عبد الملك
كردين كه جمل صباح با بي عبد الله عليه السلم نماز گذاردم هرگاه آنحضرت
فارغ ميشد از نماز دست خود را بر ميداشت بسوي آسمان و ميگفت
أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ اللَّهُمَّ إِنَّا عَبِيدُكَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَفِظُ
وَمِنْ حَيْثُ نَحْتَرِسُ اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَتِرُ وَمِنْ حَيْثُ لَا نَسْتَتِرُ
اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا بِالْغِنَى وَالْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَارْزُقْنَا الشُّكْرَ
عَلَى الْعَافِيَةِ دربيان دعائي كه ميبايد خواند در صباح وقتي كه
خوف و ترسي باشد و گفت ابو السري بن يعقوب كه لقب او ابي نواس
است كه گفتم بابي الحسن علي بن العسكري عليهما السلم كه اي سيد من

مخفظ
ومن حيث لا نحترس
مسهل

من خبر داده است بمن حسن بن عبد الله بن مطهر که روایت کرده است
محمد بن سلیمان الدیلمی که از پدر خود که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که در هر ماه کدام روزها سعد است و کدام نحس است و من میخواهم که
عرض کنم بتو که ملاحظه کنی که آنچه بمن رسیده است یا بی آنحضرت گفت
که عرض کن چون عرض کردم و تصحیح کردم گفتم ای سید و پیشوای من در
بیشتر روزها موانع از شروع در مقاصد هست بجهت آنکه بیشتر روزها
نحس است در آن روزها خوفی هست که ضرورت میشود که توجه کنم بطلب
حاجت در آن روزهای نحس میخواهم که تعلیم کنی مرا چیزی که اگر در
روزهای نحس متوجه حاجتی شوم ضرری بمن نرسد پس آنحضرت گفت
بمن که ای سهل شیعیان ما را دوستی ما نگاه میدارد از جمیع بلاها
که اگر بدوستی ما بروند در میان دریاهای عمیق و بیابانهای دور
بی پایان میان درندها و گرگها و دشمنان از دیو و آدمی هر آینه ایمن میباشند
از شر ایشان بدوستی ما پس اعتقاد کن بر خدای تعالی و از روی اخلاص
و اعتقاد دوست دار ائمه معصومین و اهل بیت طیبین و طاهرین را
صلوات الله علیهم اجمعین و توجه کن بهر جا که میخواهی و هر کاریکه
میخواهی بکن و گفت ای سهل در هر صباح سه نوبت بگو اللهم اصبحت
معتصما بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من شر كل غاشم
وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق
في جنة من كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محجبا

دونها

معتصما

من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم
والتمسك بحبلهم جميعا موقنا ان الحق لهم ومعهم وفيهم
وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا واحارب من حاربوا
فصل على محمد واله فاعذني اللهم بهم من شر كل ما اتقيته
يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات والارض انا جعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
و در شب این دعا را سه نوبت بخوان و بجای اصبحت امسیت بگو بدرستی
که چون چنین کنی ایمن شوی از آنچه میترسی پس هر گاه میخواهی که توجه کنی
بکاری در روز نحس که خوف و ترسی داشته باشی از نحوست آن روز
پیش از توجه آنکار فاتحه و اخلاص و معوذتین و آیة الکرسی و انا انزلناه
و پنج آیه از آخر سوره آل عمران و آن آیه‌ها اینست لا يغرنك تقلب الذين
كفروا في البلاد متاع قليل ثم مأواهم جهنم وبئس المهاد
لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين
فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير للابرار وان من اهل الكتاب
لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم وما انزل اليهم خاشعين لله
لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم
ان الله سريع الحساب يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا
واتقوا الله لعلكم تفلحون وبعد از آن بگو اللهم بك تصول الصائل
وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة

من والوا

بخوان

تفلحون

بما زاد وقوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك
محمد نبيك وعترته وسلالته وعليهم السلام فصل عليهم
واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه واقض لي
متصرفاتي بحسن العاقبة وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكيد
الطاغية المغوية وكل ذي قدرة على اذية حتى اكون في
جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيه امنا
ومن العوائق فيه يسرا لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق
من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله
شيء وهو السميع البصير **در بیان** دعائی که میباید خواند
در هر صباح وشام روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام در
هر صباح میکفت که بسم الله وبالله والی الله ومن الله وفی الله
في سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم اليك اسلمت نفسي واليك
فوضت امري واليك وجهت وجهي وعليك توكلت يا رب العالمين
اللهم احفظني بحفظ الايمان من بين يدي ومن خلفي وعن يميني
وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي لا اله الا انت لا قوة الا
بالله اسألك العفو والعافية من كل سوء في الدنيا والاخرة اللهم
اني اعوذ بك من عذاب القبر ومن ضيق القبر ومن ضغطة القبر
واعوذ بك من سطوات الليل والنهار اللهم رب المشعر الحرام
ورب البيت الحرام ورب البلد الحرام ورب الحل والحرام ابلغ محمدا

صلّ عليه يا الطاغية حتى

٢١٢

واله عني اللهم اني اعوذ بدرعك الحصينة واعوذ بجمعك ان لا
تميتني غرقا او حرقا او شرقا او قودا او صبرا او هدما او ترديا في
بئر او اكيل السبع او موت الفجاءة او بشيء من ميتة السوء لكن
امتني على فراشي في طاعتك وطاعة رسولك صلواتك عليه واله
مصيبا للحق غير مخطئ او في الصف الذي نعت اهله في كتابك كانهم
بنيان مرصوص مصيبا للحق غير مخطئ اعيذ نفسي وديني ومالي
واهلي وولدي وما رزقني ربي بالله الواحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اعيذ نفسي واهلي ومالي وما رزقني
ربي برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد اعيذ نفسي واهلي ومالي
وولدي وما رزقني ربي برب الناس ملك الناس اله الناس من
شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة
ونیز میکفت که الحمد لله عدد ما خلق الله والحمد لله ملء ما
خلق الله والحمد لله مداد كلماته والحمد لله زنة عرشه الحمد لله
رضا نفسه لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما بينهما
ورب العرش العظيم اللهم اني اعوذ بك من درك الشقاء واعوذ بك
من شماتة الاعداء واعوذ بك من الفقر والوقر واعوذ بك من سوء
المنظر في الاهل والمال والولد ده نوبت صلوات میفرستاد برنبی و آل

السلام
والناس

او علیهم السلام در بیان دعاهایی که میباید خواند بعد از نمازها
فریضه در اخبار آمده است هر کسی که تسبیح زهرا بگوید بعد از نماز فرض
پیش از آنکه بر گرداند پاهای خود را یعنی بهمان کیفیت که در وقت تشهد
نشسته بود آمرزیده شود گناهان او و گفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام بمردی از بنی سعید که آیا خبر دهم بتو از حال خود و فاطمه زهرا
علیهما السلام آب میکشید بمشك تا آنکه اثر کرده بود تسمه مشك در
سینه او و آرد میکرد بدستاس تا آنکه آبله کرده بود دستهای او و
جاروب میکرد خانه را تا آنکه غبار آلوده شده بود جامهای او و
آتش کرده بود در زیر دیك تا آنکه بوی دود می کرد جامهای او پس بجهت
این کارها تشویش بسیار بفاطمه رسید گفتم باو که اگر بروی بنزد پدر
خود و طلب کنی ازو خدمتکاری خلاص میشوی ازین تشویشات
فاطمه علیها السلام رفت نزد آنحضرت در وقتی که نزد آن حضرت
بزرگواری بود شرم کرد و هیچ نگفت و بازگشت آن حضرت دانست که فاطمه
بجهت حاجتی نزد او آمده بود آنحضرت روز دیگر آمد نزد ما و ما در زیر
جامه خواب خسپیده بودیم آنحضرت گفت السلام علیکم ما جواب نگفتیم
و شرم کردیم بجهت آنکه در زیر جامه خواب بودیم باز آنحضرت گفت
السلام علیکم ما جواب نگفتیم باز آنحضرت گفت السلام علیکم
پس ترسیدیم که اگر جواب سلام نگوییم آنحضرت باز گردد زیرا که
عادت آنحضرت چنین بود که بجایی که میرفت سه بار سلام میکرد اگر جواب

میدادند و اذن می یافت در می آمد و اگر جواب نمیدادند
و اذن نمی یافت باز می گشت پس گفتیم علیك السلام یا رسول الله
در آیید آنحضرت در آمد و بر سر بالین ما نشست گفت ای فاطمه
حاجت تو چه بود دیروز نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم ترسیدم
که اگر فاطمه جواب ندهد برخیزد و برود پس سر خود را
بیرون کردم از جامه خواب و گفتم بحق خدای که خبر دهم
بتو یا رسول الله از جانب فاطمه بدرستی که فاطمه آب کشید بمشك
تا آنکه تسمه مشك اثر کرد در سینه او و آرد کرد بدستاس
تا آنکه آبله کرد دستهای او و جاروب میکرد خانه را تا آنکه
غبار آلود میشد جامهای او و آتش میکرد در زیر دیك
تا آنکه جامهای او بوی دود میکرد پس گفتم باو که اگر بروی
نزد پدر خود و خدمتکاری طلب می کنی تا خلاص ازین تشویشات
آنحضرت گفت بیاموزم بشما چیزی که بهتر باشد شما را از خدمتکار
هرگاه خواهید که خواب کنید سی و چهار بار الله اکبر و سی و
سه نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله بگویید پس
فاطمه سر خود را بیرون آورد و سه نوبت گفت که راضی
و خشنود شدم از خدا و رسول خدا و منقولست از مسموعات
سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی که گفت ابو خالد قماط
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که تسبیح فاطمه

آنحضرت که فاطمه...

میشوی

سه بار

زهرا در عقب هر نماز فریضه دوستر است نزد من از هزار رکعت
نماز نافله در هر روز و گفت امام جعفر صادق علیه السلم
که آن کسی که تسبیح فاطمه زهرا در عقب هر نماز فریضه بگوید
پیش از انکه بر گرداند پاهای خود را آمرزیده شود و گفت
امام موسی علیه السلم که مومن می باید که خالی نباشد از
پنج چیز مسواک و شانه و سجاده و تسبیح سی و چهار دانه
وانگشتری عقیق و گفت ابراهیم بن محمد بن الثقفی که رشته
که تسبیح میگفت فاطمه زهرا بآن از ابریشم بود که تافته بود آنرا و سی
و چهار گره زده بود بعدد تکبیرات و تسبیح میگفت تا آنکه
سید شهدا حمزه بن عبد المطلب شهید شد پس حضرت فاطمه
از تربت حمزه تسبیح ساخت و مردمان نیز چنین میکردند چون
حضرت امام حسین علیه السلم شهید شد مردمان تربت حمزه را
گذاشتند و از حضرت امام حسین تسبیح میساختند بجهت فضیلت
تربت امام حسین ع و مذکور است در کتاب حسن بن محبوب که
پرسیدند از ابی عبد الله ع که تسبیح تربت حمزه فاضل ترست
یا تسبیح تربت حضرت امام حسین آنحضرت گفت که تسبیح
که تربت حضرت امام حسین باشد تسبیح میگوید در دست کسی
بی انکه تسبیح گوید و روایتست که چون حور عین هرگاه میبینند
که فرشتها از آسمان بزمین می‌آیند بجهت کاری میگویند بان فرشته

میکرد امداد انرا
بدست خود تکبیر

یا

تربت م

که تسبیح تربت امام حسین برای ما بهدیه بیارد و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آن کسی که میخواهد که بیرون
رود از دنیا و پاک باشد از گناهان همچون طلائی که در روغن نیست
و هیچکس از و طلب مظلمه و وبال نکند باید که در عقب فرایض
پیوسته دوازده بار قل هو الله احد بخواند و بعد از ان دستهای خود را
بردارد و بگوید که اللهم انی اسئلك باسمك المكنون المخزون
الطاهر الطهر المبارك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك
القديم يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب
من النار اسئلك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تعتق رقبتى
من النار وتخرجنى من الدنيا امنا وتدخلنى الجنة سالما و
ان تجعل دعائى اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره صلاحا انك
انت علام الغيوب و گفت حضرت امیر المومنین علی علیه السلم
این که مذکور شد سریست از اسرار که تعلیم کرده است بمن رسول
خدا فرموده است که تعلیم کن با امام حسن و امام حسین علیه السلم
منقولست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایتست که
هر که این دعا را در عقب هر نماز فریضه بخواند محفوظ شود نفس او
و سر او و مال او و فرزندان او دعا اینست اللهم اغفر لی ما قدمت
وما اخرت وما اسررت وما اعلنت واسرافى على نفسى وما
انت اعلم به منى اللهم انت المقدم وانت المؤخر لا اله الا انت

ان

بعلمك الغيب وقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحيوة خيرا لي
فاحيني وتوفني اذا علمت الوفات خيرا لي اللهم اني اسئلك خشيتك
في السر والعلانية وكلمة الحق في الغضب والرضاء والقصد
في الفقر والغناء واسئلك نعيما لا ينفد وقرة عين لا تنقطع
والرضا بالقضاء غير ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم زينا
بزينة الايمان واجعلنا هداة مهتدين اللهم اهدنا
فيمن هديت اللهم اني عزيمة الرشاد والثبات في الامور
والرشد فاسئلك شكر نعمتك وحسن عافيتك واداء حقك
واسئلك يا رب قلبا سليما ولسانا صادقا واستغفرك لما
تعلم واعوذ بك من شر ما تعلم فانك تعلم ولا نعلم وانت علام
الغيوب دعاء دیگر گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آن
کسی که بگوید این کلمات را در عقب نماز فریضه محفوظ شود
نفس وخانه ومال وفرزندان او وکلمات اینست که اجیر نفسی
ومالي وولدي وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد الذي
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي وولدي
وكل ما هو مني برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب
ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد وبرب
الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي
يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس وبالله الذي لا اله

الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في السموات الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه
يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكراه في الدين
ومنقولست از مسموعات سید تاج الدین ابي البرکات
که گفت امیر المؤمنین علي علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم فرمود که یا علي در عقب هر نماز فریضه آیة
الکرسي بخوان بدرستي که این کار نمیکند مگر پیغمبري یا صدیقي
یا شهیدي گفت امام جعفر صادق علیه السلم که کمترین دعائي
که اکتفا توان کرد بآن بعد از نماز فریضه اینست که اللهم صل علی
محمد وال محمد اللهم انا نسئلك من كل خير احاط به علمك
اللهم انا نسئلك عافيتك في اموري كلها ونعوذ بك من
خزي الدنيا وعذاب الاخرة دیگر گفت امام جعفر صادق ۴
که جبرئیل فرود آمد بیوسف علیه السلم وقتي که یوسف
در زندان بود وگفت یوسف بگو در عقب هر نماز فریضه که
اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا اللهم اهدني من عندك
وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل
علي من برکاتك گفت حلقان بن ابي حلقام که آمد نزد

امام موسى عليه السلم وكفتم كه فداي تو كردم بياموز مرا دعا

كه مختصري كه فائده دهد مرا در دنيا وآخرت آنحضرت كفت

در عقب هر نماز صبح تا برآمدن آفتاب بكو سُبحَانَ اللهِ العَظِيمِ

وَبِحَمدِهِ وَاستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ مِن فَضلِهِ كفت هلقام كه من

درويش ترين اهل بيت خود بودم چون مداومت نمودم باين

دعا اورد ند براي من ميراث مردي كه كمان نمي بردم كه ميان

من واو خويشاوندي بوده باشد وامروز من مالدارترم از

اهل بيت خود ونيست اين مكر بجهت اينچيزيكه آموخته است بمن

مولاي من امام موسى كاظم عليه السلم دعاء ديكر بخوان بعد از نماز

فريضه اين دعا را اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ اَن تُصَلّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَسئَلُكَ خَيرَ ما لا اَرجُوا وَاَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما اَحذَرُ وفاتحه

وآية الكرسي بخوان واين آيه را بخوان شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ

العَزِيزُ الحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِندَ اللهِ الاِسلامُ وَمَا اختَلَفَ الَّذِينَ

اُوتُوا الكِتابَ اِلّا مِن بَعدِ ما جاءَهُمُ العِلمُ بَغياً بَينَهُم وَمَن

يَكفُر بِآياتِ اللهِ فَاِنَّ اللهَ سَرِيعُ الحِسابِ واين سخره را بخوان وآيه

سخره اينست اِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالاَرضَ

فِي سِتَّةِ اَيّامٍ ثُمَّ استَوىٰ عَلَى العَرشِ يُغشِي اللَّيلَ النَّهارَ يَطلُبُهُ

حَثِيثاً وَالشَّمسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِاَمرِهِ اَلا لَهُ الخَلقُ

وَالاَمرُ تَبارَكَ اللهُ رَبُّ العالَمِينَ اُدعُوا رَبَّكُم تَضَرُّعاً وَخُفيَةً

انه لا يُحِبُّ المُعتَدِينَ وَلا تُفسِدُوا فِي الاَرضِ بَعدَ اِصلاحِها

خَوفاً وَطَمَعاً اِنَّ رَحمَتَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ المُحسِنِينَ وسه بار

بكويد كه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاجعَل لِي مِن اَمرِي فَرَجاً وَ

مَخرَجاً وَارزُقنِي مِن حَيثُ لا اَحتَسِبُ يا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاَعتِق رَقَبَتِي مِنَ النّارِ روايتست كه هر كه اين دعا بخواند

در عقب هر نماز فريضه ومداومت نمايد باين دعا آنقدر زنده

كه ملول شود از زندكي دعا اينست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ اِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ المُصَدَّقَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَآلِهِ

قالَ اِنَّكَ قُلتَ ما تَرَدَّدتُ فِي شَيءٍ اَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبضِ

رُوحِ عَبدِيَ المُؤمِنِ يَكرَهُ المَوتَ وَاَكرَهُ مَساءَتَهُ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّل لِاَولِيائِكَ الفَرَجَ وَالنَّصرَ وَالعافِيَةَ وَلا تَسُؤنِي

فِي نَفسِي وَلا فِي فُلانٍ يعني نام هر كسي را كه خواهد بكويد دعاء ديكر

روايتست كه محاسن خود را بكيرد بدست راست ودست چپ خود را

دراز كند بر وجهي كه كف دست او بسوي آسمان باشد وسه نوبت

بكويد يا ذا الجلال والاكرام صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرنِي

مِنَ النّارِ بعد از ان دست راست خود را بر دارد وكف دست را بجانب

آسمان كند وسه بار بكويد كه يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا غَفُورُ يا رَحِيمُ

وبعد از ان هر دو دست را بسوي آسمان كند وسه بار بكويد صَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرنِي مِنَ العَذابِ الاَلِيمِ وبعد از ان فرود

وآل محمد

احتسب من حيث

كافي بكند

على محمد

فرو آورد هر دو دست را و بگوید که صل علی محمد و آل محمد و قوّنی
فی الدین و حببنی الی المسلمین واجعل لی لسان صدق فی الآخرین
وارزقنی هیبة المتقین یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق من حقه
علیک عظیم ان تصلی علی محمد و ان تستعملنی بما عرفتنی من حقه
و ان تبسط علی من حلال رزقک بسم الله الرحمن الرحیم
حسبی الله لدینی و حسبی الله لدنیای و حسبی الله لآخرتی و حسبی
الله لمن بغی علی و حسبی الله عند الموت و حسبی الله عند مسألة
القبر و حسبی الله عند المیزان و حسبی الله عند الصراط و حسبی
الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
و این دعا از دعاهای وترات روایتست که گفت حق تعالی بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که یا محمد اگر کسی که خواهد که ثواب
نماز او را مضاعف گرداند باید که در عقب هر نماز فریضه هر دو
دست خود را بردارد و بگوید که یا مبدئ الاسرار یا مبین الکتمان
یا شارع الاحکام یا راوی الانعام و یا فارض الطاعة و یا ملزم الدین
و یا موجب التعبد اسئلک بحق تزکیة کل صلوة زکیتها و بحق
من زکیتها به ان تجعل صلواتی هذه زاکیة متقبلة بقبولها
و تصیرک دینی بها زاکیا و الهامک قلبی حسن المحافظة علیها حتی
تجعلنی من اهلها الذین ذکرتهم فیها بالخشوع انت ولی الحمد
کله فلا اله الا انت فلک الحمد کله حمد انت له ولی

و انت ولی التوحید کله فلا اله الا انت فلک التوحید کله بکل
توحید انت له ولی التهلیل کله فلا اله الا انت فلک التهلیل
کله بکل تهلیل انت ولی التکبیر کله بکل التکبیر انت له
ولی التسبیح کله فلا اله الا انت فلک التسبیح کله بکل
انت له ولی رب عد علی فی صلوتی هذه برفعها زاکیة متقبلة
انک انت السمیع العلیم بدرستی که وقتی که بخواند این دعا را
نماز او مضاعف نوشته شود در لوح محفوظ و روایت
کرده است محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر
صادق علیه السلام که دعا خواندن در عقب نماز فریضه
فاضل تراست از دعا خواندن در عقب نماز سنت همچنانکه نماز
فریضه فاضل تراست از گذاردن نماز سنت و روایت کرده است
ابوالحسن العسکری از پدران خود علیهم السلام که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که آن کسی که نماز فریضه بگذارد
خاص از برای خدای بی ریا دعای که در عقب آن نماز کند مستجاب
شود دربیان سجده شکر گفت اسحق بن عمار که ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که موسی بن عمران هر گاه که نماز می گذارد
بعد از نماز سجده میکرد و روی راست خود را بر زمین می نهاد
و گفت ابو جعفر علیه السلام که وحی کرد خدای تعالی بموسی بن عمران
که آیا میدانی که چرا برگزیدم ترا بسخن گفتن نه دیگری را موسی

کفت نیدانم ای پروردکار من حق تعالی کفت ای موسی من بشت
بار و پتو کردم بندکان خود را و تفحص و تجسس احوال ایشان کردم
نیافتم در میان ایشان کهتر نفس و ذلیل تر و شکسته تر باشد
از برای من از تو بجهت این ترا بر کزیدیم ای موسی بدرستی
که وقتی که نماز می کذاری مینهی روی خود را بر خاک و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام وقتی که بندهٔ سجدهٔ شکر کند و
در سجده بکوید یا رب تا نفس او منقطع شود حق تعالی میکوید
لبیک ای بندهٔ من چیست حاجت تو تا بر آورم و کفت مرازم
که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که سجدهٔ شکر واجبست
بر هر مسلمانی بدرستی که تمام می شود نماز بسجدهٔ شکر و خشنود
میشود بسبب آن پروردکار و خشنود میشوند فرشتکان
و بنده هرکاه نماز کذارد و بعد از ان سجدهٔ شکر بجا می آورد و بر
میدارد خدا تعالی حجاب را از میان آن بنده و فرشتکان و
میکوید ای فرشتکان من نظر کنید به بندهٔ من بجا آورده است
انچه برو واجب کردانیدم و وفا کرده است بعهد من و بعد از آن
سجدهٔ شکر می کند بجهت آن نعمت که باو داده ام چیست جزای
او فرشتکان می کویند ای پروردکار ما جزای او کفایت کردن
مهمات اوست همچنین خدا تعالی می کوید بفرشتها که جزای او چیست
و فرشتها جواب میکویند تا انکه هیچ جزا و باقی نماند بعد از ان حق

تعالی میکوید ای فرشتکان من چیست جزای آن بنده میکویند
ای پروردکار ما غیر اینها نمیدانیم خدا تعالی میکوید که جزای
آن بنده اینست که شکر کویم من او را همچنانکه شکر کفته است او مرا
و متوجه او شوم بفضل و رحمت خود و بنمایم باو دیدار خود
یعنی او را انکشاف حاصل شود و روایتست که امام زین العابدین
علیه السلام در سجدهٔ شکر می کفت اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ
فَاِنّا قَدْ اَطَعْتُکَ فِی اَحَبِّ الْاَشْیاءِ اِلَیْکَ وَهُوَ الْاِیمانُ بِکَ مَنّاً
مِنْکَ الْاَمْنا مِنّی عَلَیْکَ تَرَکْتُ مَعْصِیَتَکَ فِی بَعْضِ الْاَشْیاءِ
عَلی غَیْرِ وَجْهِ مُکابَرَةٍ وَلا مُعانَدَةٍ وَلا اِسْتِکْبارٍ عَنْ عِبادَتِکَ
وَلا جُحُودٍ لِرُبُوبِیَّتِکَ وَلٰکِنِ اتَّبَعْتُ هَوایَ وَاسْتَزَلَّنِی الشَّیْطانُ
بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبُرْهانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِذُنُوبِی غَیْرَ ظالِمٍ وَاِنْ تَغْفِرْ لِی
وَتَرْحَمْنِی فَبِجُودِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ و کفت ابراهیم بن عبدالحمید
که کفت امام جعفر صادق علیه السلام بمردی که هرکاه غمی
واندوهی بتو رسد سجدهٔ شکر کن و چون سر از سجده بر داری
دست راست خود را بر موضع سجده بنه و بعد از ان بر دار دست راست
خود را و بکش از پایین روی جب بر بالا و بکذران بر پیشانی و
بجانب روی راست فرود آر سه بار این کار بکن و هر سه بار این دعا
بخوان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ
الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَالْحُزْنَ و روایت

که آن کسی که دو سجدهٔ شکر بکوید یا ربّاه یا سیّداه تا آنکه نفس
او منقطع شود خدای تعالی جواب دهد اورا و بکوید که طلب
کن از من حاجت خود را و روایتست که بعضی که از ائمّهٔ معصومین
علیه السّلم در سجدهٔ شکر میکفتند سَجَدَ لَکَ یا رَبِّ طالِبٌ مِن نور
سَجَدَ لَکَ هاربٌ مِن عِقابِکَ سَجَدَ لَکَ خائِفٌ مِن سَخَطِکَ و بعد
ازان میکفتند یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه تا آنکه نفس منقطع میشد
و کفت امام جعفر صادق علیه السّلم که کذشت رسول خدا
بمردی که در سجده بود و کفت یا ربِّ ما عَلَیکَ اَن تُرضِیَ کُلَّ
مَن کانَ لَهُ عِندِی تَبِعَةٌ وَ اَن تَغفِرَ لِی ذُنُوبِی وَ اَن تُدخِلَنِی الجَنَّةَ
بِرَحمَتِکَ فَاِنَّما عَفوُکَ عَنِ الظّالِمِینَ وَ اَنا مِنَ الظّالِمِینَ فَلیَسَعنِی رَحمَتُکَ
یا اَرحَمَ الرّاحِمِینَ پس کفت رسول خدا صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلم
بآن مرد که بردار سر خود را که دعای تو مستجاب شد بدرستی که
دعا کردی بدعای پیغمبری که در زمان عاد بود **در بیان**
دعاها که میباید خواند در وقت خواب کردن کفت امام جعفر صادق
علیه السّلم که خدای تعالی دشمن میدارد خواب کردن بسیار را
و نیز کفت که خواب بسیار میبرد دین و دنیا را و نیز کفت که رسول خدا
که خواب اوّل روز شوم است و خواب نیم روز می افزاید نعمت را
و بعد از عصر حماقت و نادانی می آرد و خواب در میان شام و خفتن
محروم میکرداند بنده را از روزی و نیز کفت که آنکسی که وضو

بسازد و بعد ازان جا کند در فراش خود همچنانست که شب روز
آورده باشد در جای نماز خود و فراش او همچو جای نماز او ست
پس اکر بیادش آید که وضو ندارد باید که تیمم کند بجامهٔ خواب
انجه باشد پس اکر چنین کند همچنانست که همیشه در نماز باشد
و ذکر خدای تعالی کوید و نیز کفت که وقتی که نزد تو چراغ بیارند
بکو که اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ نُوراً یَمشِی بِهِ فِی النّاسِ وَ لا تُحرِمنا نُورَکَ
یَومَ نَلقاکَ وَ اجعَلنا نُوراً اَنلَکَ نُوراً اَنلَکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ و هرکاه
چراغ بمیرد بکو اَللّٰهُمَّ اَخرِجنا مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ و کفت
و کفت محمد بن مسلم که ابو جعفر فرمود که چون کسی روی
راست خود را بر بالین نهد در وقت خواب کردن باید که بکوید
بِسمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسلَمتُ نَفسِی اِلَیکَ وَ وَجَّهتُ وَجهِی
اِلَیکَ وَ فَوَّضتُ اَمرِی اِلَیکَ وَ اَلجَأتُ ظَهرِی اِلَیکَ تَوَکَّلتُ عَلَیکَ
رَهبَةً مِنکَ وَ رَغبَةً اِلَیکَ لا مَلجَأَ وَ لا مَنجا اِلّا اِلَیکَ آمَنتُ
بِکِتابِکَ الَّذِی اَنزَلتَ وَ بِرَسُولِکَ الَّذِی اَرسَلتَ و بعد ازان
تسبیح زهرا بکوید و آنکسی که در خواب می ترسد باید که در وقت
خواب کردن قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی
بخواند و کفت امام جعفر صادق علیه السّلم که قل هو الله و قل
یا ایها الکافرون بخواند در وقت خواب کردن بدرستی که قل
یا ایها الکافرون امانست از شرک و قل هو الله نسب پروردکار

وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که شنیدم که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم بر بالای منبر میگفت که انکسی که
آیة الکرسی در عقب هر نماز فریضه بخواند اورا از دخول جنت هیچ مانع
نیست مگر موت پس مداومت نمیکند باین مگر صدیقی یا عابدی
وانکسی که آیة الکرسی در عقب هر نماز فریضه بخواند ورا از جمله منتهیا
انبیا خواهند ساخت وانکسی که ایة الکرسی بخواند وقتی که جا گیرد
در فراش خود بجهت خواب ایمن گرداند خدا یتعالی اورا وهمسایه
اورا وخانهٔ اورا وخانهای که در حوالی اوست وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم که انکسی که قل هو الله احد بخواند وقتی که
جا کند در فراش خود بجهت خواب بیامرزد خدا یتعالی پنجاه ساله
گناهان اورا خدا یتعالی عفو کند وروایت کرده است محمد بن
مسلم که گفت امام محمد باقر علیه السلم بامام جعفر صادق علیه السلم
باید که کسی ترک نکند وقت خواب کردن خواندن این دعارا
اُعِیذُ نَفْسِی وَذُرِّیَّتِی وَاَهْلَ بَیْتِی وَمَالِی بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ
کُلِّ شَیْطَانٍ هَامَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ بدرستی که این دعارا
جبرئیل تعویذ امام حسن وامام حسین علیهم السلم ساخت وگفت
امام جعفر صادق علیه السلم آنکسی که در وقت خواب کردن
سه نوبت بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ
فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُحْیِی

الْمَوْتٰی وَیُمِیتُ الْاَحْیَاءَ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پاک شود از جمیع
گناهان همچون آنروز که از مادر متولد شده باشد وگفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که سورة اَلْهٰیکُمُ التَّکَاثُرُ
بخواند در وقت خواب کردن ایمن شود از عذاب قبر **دربیان**
دعایی که می باید خواند کسی را که میترسد در شب گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم که چون شب کسی بترسد ده بار بگوید
اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللهِ مِنْ غَضَبِهٖ وَمِنْ عِقَابِهٖ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهٖ وَمِنْ
هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَاَنْ یَحْضُرُونَ وروایتست که برای ترس
در شب آیة الکرسی بخواند واین آیه نیز بخواند اِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعَاسَ
اَمَنَةً مِنْهُ وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِیُطَهِّرَکُمْ بِهٖ وَیُذْهِبَ
عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلٰی قُلُوبِکُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ
واین آیه را هم بخواند وَجَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ
لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا **دربیان** عملی که باید کرد کسی را
که از دزد می ترسد گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم وقتی که خواب
خواب کنید باید که بپهلوی راست بخوابید ودست راست خودرا
در زیر روی راست بنهید وبگوئید که بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِی لِلّٰهِ
عَلٰی مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ وَوِلَایَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهٗ مَا
شَاءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَاْ لَمْ یَکُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ

قدير بدرستي كه انكسي اين دعا بخواند در محل خواب كردن ايمن
شود از دزد و از فرود آمدن خانه بالاى او و استغفار فرشتها
براي او وانكسي كه قل هو الله بخواند در وقت خواب كردن
پنجاه فرشته را خدا يتعالى موكل سازد كه نكاه دارند او را
دران شب و روايتست انكسي كه از دزد ميترسد بايد كه در
وقت خواب كردن بخواند اين ايه را كه قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ
اَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ
بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ
تَكْبِيرًا **در بيان** دعائي كه ميبايد خواند بجهة انكه محتلم
نشود و كفت امام جعفر صادق عليه السلم چون جا كني در
فراش بكو اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلَامِ
وَمِنْ اَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ **در بيان** دعائي كه
ميبايد خواند بجهت خواب آمدن كسي را كه خواب نبرد هركاه بي
ترسي از بيخوابي وقتي كه جا كني در فراش خود بكو سُبْحَانَ اللهِ
ذِي الشَّانِ دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِيمِ الْبُرْهَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَانٍ
وبعد ازان بكو يا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُنُوبِ الْعَارِيَةِ
وَيَا مُسَكِّنَ الضُّرُوبِ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ الصَّاحِيَةِ

كنند ٤

كه بايد محتلم نشود ٤

سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَاْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا و در روايت ديكر
واقعست كه بجهت بخواب ايه الكرسي بخوان واين ايه نيز بخوان وَاِذْ
يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ
بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ
الْاَقْدَامَ واين ايه را هم وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ
لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا **در بيان** دعائي كه ميبايد خواند
بجهت انكه خانه يا ديواري برسر كسي نيفتد روايتست كه هركاه بترسي
وقتيكه زلزله خانه يا ديواري برسر تو بيفتد اين آيه در وقت خواب
كردن بخوان اِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ٥
در بيان
انچه بايد خواند بجهت بيدار شدن براي نماز شب كفت امام جعفر صادق
عليه السلم كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه انكسي كه
خواهد براي نماز برخيزد وقتي كه خواب ميكند بايد كه بكويد اللّٰهُمَّ
لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ اَقُومُ
سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا يعني نام برد آنساعت از شب را كه ميخواهد برخيزد
بدرستي كه هركاه چنين كند خدا يتعالى موكل سازد با او فرشته را كه
بيدار كند او را دران ساعت و روايتست كه رسول خدا صلى الله
عليه واله وسلم ميخواست كه خواب كند بر پهلوي راست ميخوابيد

كم

ودست راست را در زیر روی راست مینهاد وگفت ابو عبدالله

ع که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتی که خواهید که

جا گیرید در فراش خود بدرستی که نمیدانید باید که بمالید کنار

جامهٔ خود را بر فراش خود بدرستی که نمیدانید شما که چه چیزها درش

شده است بر فراش وبعد از ان بگوئید اللّٰهمّ إن أمسكتَ نفسي

في منامي واغفر لها وإن أرسلتها فاحفظها بما تحفظ عبادك

الصالحين در بیان دعائی که میباید خواند در وقت بیدار شدن

از خواب روایتست که ابو عبدالله علیه السلم وقتی که بیدار می

شد در آخر شب با آواز بلند میگفت همچنانکه اهل خانه میشنیدند

آواز او را که اللّٰهمّ أعنّي على هول المطلع ووسّع على المضطجع

وارزقني خير ما قبل الموت وارزقني خير ما بعد الموت وگفت ابو

ابو عبدالله ع که رسول خدا صلی الله علیه واله هرگاه از خواب

بیدار میشد سجده میکرد خدا یتعالی را و روایتست که حضرت

پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وقتی که خواب میکرد چشمهای

آنحضرت در خواب بود ودل او بیدار می بود و منتظر وحی میبود و روایت

وقتی که آنحضرت چیز خوبی در خواب میدید همان در بیداری

واقع میشد او وقتی که بیدار میشد از خواب و میگفت سبحان الله

يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير وآنحضرت هرگاه بر میخواست

از برای نماز و میگفت الحمد لله نور السموات والأرض والحمد لله

رب العالمين السموات والأرض وما فيهن أنت الحق وقولك

ولقاؤك حق والجنة والنار حق والساعة حق اللّٰهمّ أسلمت

وبك آمنت وعليك توكلت وإليك أنبت وبك خاصمت وإليك

حاكمت فاغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت

أنت إلهي لا إله إلا أنت وبعد از ان مسواک میکرد پیش از وضو و

گفت امیر المؤمنین علی علیه السلم که رسول خدا صلی الله علیه

واله وسلم وقتی که از خواب بیدار میشد و میگفت الحمد لله الذي

بعثني من مرقدي هذا ولو شاء لجعله ساكنا إلى يوم القيمة

الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم سباتا وجعلنا

النهار معاشا نشورا لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين

والحمد لله الذي لا يحجبه منه النجوم ولا تكن منه النشور

ولا يخفى عليه ما في الصدور وگفت امام جعفر صادق علیه

السلم فرمود وقتی که از خواب بیدار شوید باید که بگوئید لا

إله إلا الله الحي القيوم وهو على كل شيء قدير سبحان رب النبيين

وإله المرسلين سبحان رب السموات السبع وما فيهن ورب

العرش العظيم والحمد لله رب العالمين چون بنشینید پیش از انکه برخیزید

باید که بگوئید حسبي الرب من العباد وحسبي الذي هو حسبي

منذ قط حسبي الله ونعم الوكيل در بیان دعای که در وقت بیدار شدن

ازخواب میباید خواند الحمد لله الذی ردّ علی روحی لاحمده واعبده
و وقتی که ازخواب بیدار شوی چون نظر کنی بسوی آسمان بگو
یا نور النور یا مدبّر الامور یا من بلی التدبیر ویمضی المقادیر انظر
مقادیر یومی هذا الی السلامة والعافیة وبعد از ان این آیه از
سورهٔ ال عمران بخوان که انّ فی خلق السموات والارض ربنا ما
خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل
النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منا
دیا ینادی للایمان ان امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد دربیان
دعائی که میباید خواند در وقت بانگ کردن خروس گفت امام جعفر
صادق علیه السلم وقتی که بانگ خروس بشنوی بگو سبّوح قدّوس
ربّ الملائکة والروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت
ونیز گفت که پنج خصلت از خروس بیاموزید اول محافظت
اوقات نماز وغیرت وسخاوت وشجاعت وبسیار جماع ونیز گفت
ونیز گفت که سه خصلت از کلاغ بیاموزید پنهان داشتن جماع
وبگاه رفتن طلب روزی وحذر کردن دربیان دعائی که
در نیم شب میباید خواند روایتست که امام زین العابدین علیه السلم
درشب وقتی که مردمان می آرامیدند و درخواب میشدند این دعا

بخواند الهی غارت نجوم سمائک ونامت عیون انامک وهدأت
اصوات عبادک وانعامک وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف
علیها حراسها واحتجبوا عمن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة
وانت الهی حیّ قیوم لا تاخذک سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء
من شیء ابواب سمائک لمن دعاک مفتحات وخزائنک غیر
وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک لمن سألکها غیر
بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا ترد سائلا من المؤمنین
سألک ولا تحجب عن احد منهم ارادک وجلالک لا اختزل
حوائجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی
وقوفی وذل مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی وتطلع علی ما
فی قلبی وما یصلح به امر اخرتی ودنیای اللهم ذکرت الموت
وهول المطلع والوقوف بین یدیک یقضنی مطعمی ومشربی
واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی کیف ینام
من یخاف بیات ملک الموت علیه السلم فی طوارق اللیل والنهار ام کیف
ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار یطلب
قبض روحی بالبیات او فی اناء الساعات وبعد از ان سجده
میکرد روی خود را برخاک مینهاد ومیگفت اسئلک الروح و
الراحة عند الموت والعفو حین القاک وگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه واله وسلم در وصیتی که کرد با امیر المومنین علی علیه السلم

که یا علی نماز بگذار در پاره از شب و اگر مقدار دوشیدن گوسفند
باشد دعا کن در سحرها که رد نمیشود بدرستی که خدا تعالی
مدح کرده است کسانی که دعا و استغفار میکنند در سحرها و
فرموده آیت که والمستغفرین بالاسحار در سحرها دعا که در نماز
وتر میباید خواند گفت معروف بن خربوذ که گفت امام محمد باقر
علیه السلم که امام جعفر صادق علیه السلم که در نماز وتر بگو
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله
زین السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت
الله عماد السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین وانت
الله غیاث المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت الله
المروح عن المغمومین وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله
اله العالمین وانت الله الرحمن الرحیم وانت الله کاشف السوء وانت الله
بک منزل کل حاجة یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی منک
الا التضرع الیک هب لی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة
من سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع ما فی البلاد وبها
تنشر میتات العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر وترحمنی وتعرفنی
الاجابة فی دعائی وارزقنی العافیة الی منتهی اجلی واقلنی عثرتی ولا

دعا
یا
السموات سبحان الله رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم

تشمت

تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن ذا
یضعنی وان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان اهلکتنی
فمن ذا الذی یحول بینک وبینی یتعرض لک فی شیء من امری
وقد علمت ولیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة انما یعجل من
یخاف الفوت انما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک
یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا ولا لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی
واقلنی عثرتی ولا تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی
وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر بک من النار
فاجرنی واسئلک الجنة فلا تحرمنی بعد از ان طلب کن از خدا
انچه میخواهی و هفتاد نوبت استغفر الله و انقدر که میتوانی
استغفار کن و این نوع نیز استغفار کن اللهم انی استغفرک
واتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک عندی فایما عبد
من عبیدک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی بدنه او فی
عرضه او ماله لا استطیع اداء ذلک الیه ولا تحللها منه
فارضه عنی بما شئت وکیف شئت وانی شئت وهبها لی وما
یعذابی یا رب وقد وسعت رحمتک کل شیء وما علیک یا رب
ان تکرمنی برحمتک ولا تهینی بعذابک وما ینقصک یا رب
ان تفعل بی ما سالک وانت واجد لکل ان استغفری ایاک مع
اصراری لکوم وان ترکی الاستغفار لک مع سعة رحمتک

الذی
ونفسنی
یتعا
تضع
خبر

لعبد اللهم كم تحبب الي وانت غني عني وكم اتبغض اليك وانا اليك
فقير فسبحان من اذا وعد وفا واذا توعد عفا

روايتست كه امام زين العابدين عليه السلام بعد از نماز شب اين دعا
ميخواند اناجيك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد
عظم جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر
وايها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى
مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا
غوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي
ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي
يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم
ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء
ارحمني يوم اتيتك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا عملي قد تبرء
جميع الخلق مني نعم وابي وامي ومن كان له كدي وسعيي فان لم
ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا
خلوت بعملي وسائلتني عما انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب
من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد
عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل سرابيل القطران عفوك
عفوك يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين

وخير الغافرين
که در وقت خوابیدن بر پهلوی میباید
خواند هرگاه دو رکعت نماز سنت فجر بگذاری و سلام دهی بر پهلوی
راست بخواب و روی راست خود را بر دست راست بنه و بگو استمسكت
بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين
واعوذ بالله من شر فسقة الجن والانس رضيت بالله امنت بالله
توكلت على الله الجأت ظهري الى الله فوضت امري الى الله اطلب
حاجتي من الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله
ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي
ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح والحمد
لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم المعاش
الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير
العزيز العليم اللهم صل على محمد وال محمد واجعل في قلبي نورا
وفي بصري نورا وعلى لساني نورا وبين يدي نورا وعن يميني نورا واعظم
لي النور واجعل لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك
اية الكرسي وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق و پنج ايه از سوره
ال عمران كه ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
لايات لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم
ويتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزیته
وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا
سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلك
ولا تخزنا یوم القیمة انك لا تخلف المیعاد بعد از ان برخیز
وبنشین وتسبیح فاطمه زهرا بکو وصد بار صلوة بفرست بر محمد
وآل محمد علیهم السلم بعد از نماز فجر وپیش از آنکه نماز صبح بگذارد نگاه
دارد خدا تعالی روی او را از آتش دوزخ وانکسی درین وقت
صد نوبت بکوید سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله ربی و
اتوب الیه بنا کند خدا تعالی برای او خانه در بهشت وآن کسی که
چهل نوبت قل هو الله احد بخواند خدا تعالی بیامرزد او را وبکو
بعد از ان اللهم افتح لی باب الامر الذی فیه الیسر والعافیة اللهم
هیئ لی سبیله وبصرنی مخرجه اللهم وان قضیت لاحد من خلقك
علی مقدرة بسوء فخذه عنی من بین یدیه ومن خلفه وعن
یمینه وعن شماله ومن تحت قدمیه ومن فوق راسه واکفنیه
ما شئت وهفت بار بکو بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبعد از ان دو رکعت
نماز فجر بجای آور وسجده کن پیش از آنکه بر پهلو بخوابی یا بعد از ان
ودر سجده بکو یا خیر المسئولین یا اجود المعطین صل علی محمد و

والله کل شیء
وملیك کل شیء
وخالق کل شیء

آل محمد واغفر لی وارزقنی وارزق عیالی من فضلك انك ذو
فضل عظیم وسنت است که دعا کند برای برادران مؤمن در
جمعه ونام برد یك یك را وبکوید اللهم رب الفجر واللیالی
العشر والوتر واللیل اذا یسر ورب کل شیء صل علی محمد
وآل محمد وافعل بی وبفلان وفلان یعنی نام برادران مؤمن
را ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانك اهل التقوی
واهل المغفرة وبعد از ان متوجه شود به سنتی که نماز فریضه را
در مسجد گذاردن فاضلتر وبهتر است ونماز نافله را در خانه
ومنزل فضیلت رفتن بمسجد وکیفیت آن ودعا
خواندن در وقت در آمدن بمسجد گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که انکسی که بمسجد میرود پای را بر هر چه مینهد تسبیح
میکوید برای او انچه در زیر قدمهای اوست تا هفتم طبقه زمین
ودر توریت مذکور است که بشارت ده بنور درخشنده در
روز قیامت انکسانی را که در تاریکی شب بمسجد میروند وکفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که حق تعالی فرموده که خانها
ی من در زمین مسجدهاست روشن میسازند مسجدهای آسمان را
برای اهل وهمچنانکه روشن میکنند ستارهای زمین را برای
اهل او خوشحال کسی که مسجد ها خانه ایشان باشد یعنی اکثر
اوقات در مسجد ها بسر برند وعبادت کنند خوشا حال بنده که

وضو کند در خانهٔ خود بعد از ان زیارت کند مراد در خانهٔ من یعنی
بمسجد رود بطاعت و عبادت مشغولی نماید بدرستی که واجبست
بر کسی که او را زیارت کنند که اکرام و تعظیم کنند زایر خود را و بشارت
دهید بنور درخشنده در روز قیامت انکسی را که در تاریکی شب
بمسجد میروند پس هرگاه خواهی که بمسجد در آئی پای راست را پیشتر
بنه و بکو بسم الله و بالله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله
توکلت علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل
علی محمد و ال محمد و افتح لی باب رحمتک و توبتک و اغلق عنی
ابواب معصیتک و اجعلنی من زوارک و عمار مساجدک و ممن
یناجیک باللیل و النهار و من الذینهم فی صلوتهم خاشعون و ادحر
عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین و بعد از ان آیة
الکرسی را و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و هفت
بار سبحان الله و هفت بار الحمد لله و هفت الله اکبر و هفت بار لا اله
الا الله بکو و بعد از ان بکو اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی و لک
الحمد علی ما فضلتنی و لک الحمد علی ما شرفتنی و لک الحمد
علی کل بلاء حسن ابقیتنی اللهم تقبل صلوتی و دعائی
و طهر لی قلبی و اشرح صدری و تب علی انک انت التواب الرحیم
و چون بمسجد در آئی پیش از انکه بنشینی دو رکعت نماز بکذار تحیت
تحیت مسجد و اکر فجر بکذاری احتیاج بنماز تحیت مسجد نیست

دعائی که می باید خواند وقت توجه بقبله اللهم الیک توجهت
و رضاک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک امنت و علیک توکلت اللهم
صل علی محمد و ال محمد و افتح لی مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی
دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک
انت الوهاب   انچه می باید خواند نزد شنیدن بانک
نماز روایتست که هرگاه موذن الله اکبر بکوید و هرگاه اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله بکوید و اشهد ان
محمد رسول الله الفی بها عن کل من ابی و جحد و اعین بها من اقر
و شهد و در روایت دیکر واقع است که وقتی موذن اشهد
ان محمد رسول الله بکوید صلی الله علیه و اله الطاهرین الطیبین
اللهم اجعل عملی برا و مودة ال محمد فی قلبی مستقرا و ادر
علی الرزق و وقتی که بکوید حی علی الصلوة حی علی الفلاح
بکو لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دو روایتست که انکسی که
بانک نماز بشنود و بکوید انچه موذن کوید زیاده شود روزی
او   انچه میباید خواند در وقت طلوع صبح چون
صبح بدمد و نظر کنی بسوی او و متوجه آسمان شوی بکو که اللهم
انت ربنا و ولینا و صاحبنا فصل علی محمد و ال محمد و تفضل علینا
بما انت اهله و انقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات
فصل علی محمد و ال محمد و اتممها علینا بعد از ان سه بار بکوید عایذا

کند

تو بحی الله اکبر بکوی

و انا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد

باللیل و

بالله من النار و بعد از ان بگو یا فالق من حیث لا اری و مخرج
من حیث صل علی محمد و ال محمد و اجعل اول یومنا هذا صلاحا
و اوسطه فلاحا و اخره نجاحا و بعد از ان بگو الحمد لله فالق
الاصباح سبحان الله رب المساء و الصباح اللهم صبح ال محمد
ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین و رزق واسع اللهم
انک تنزل فی اللیل و النهار ما تشاء و انزل علی و علی اهل
اهل بیتی من برکة السموات و الارض رزقا تغنینی عن جمیع
خلقک انچه می باید گفت وقت نماز صبح اللهم انی اسئلک با
قبال نهارک و ادبار لیلک و حضور صلوتک و اصوات دعاتک
ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تتوب علی انک انت التواب
الرحیم انچه می باید گفت در میان بانگ و اقامت چون
فارغ شوی از بانگ نماز سجده کن و بگو لا اله الا انت ربی سجدت
لک خاضعا خاشعا ذلیلا فصل علی محمد و ال محمد و اغفر لی
و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم انچه در میان
اذان و اقامت می باید گفت اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و
اجعل لی عند قبر رسولک صلواتک علیه مستقرا و قرارا
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که دو ساعت است
که گشوده میشود درهای آسمان و کم است که دعا رد شود در ان
دو ساعت یکی وقت بانگ نماز بجهت بانگ نماز و دیگر در وقت که

صفها راست شود بجهت جهاد کردن در راه خدا
انچه میباید گفت بعد از سجده پس هر گاه سر خود را بر داری
از سجده بگو سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا ینسی
من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی
و لا بواب یرشی و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه
احسن الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا
یزداد علی کثرة العطاء الا کرما و جودا سبحان من هو
هکذا لا هکذا غیره فضیلت نماز گفت ابو عبد الله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که چون
وقت نماز شود ندا میکند و میگوید ای مردمان برخیزید و بنشانید
آتش گناهی که افروخته اید بنماز گذاردن و گفت ابو یعفور که ابو
عبد الله علیه السلام گفت بمن که نماز را در وقت بگذار همچون نماز
آنکسی که بترسد که دیگر میسر نشود او را نماز گذاردن یعنی بخضوع
و خشوع تمام نماز بگذار و نظر در موضع سجود کن پس بدانی که
کیست در جانب راست و چپ تو نیکو بجا می آوری نماز را و بدانی که
در پیش کسی نماز میکنی که می بیند ترا و تو نمی بینی او را و گفت ابو
عبد الله علیه السلام که نماز گذارنده را سه خصلتست هر گاه بر می
خیزد بنماز رحمت فرود می آید از آسمان بر سر او و فرشتها در گرد
او در می آیند از زیر قدم او تا آسمان و فرشته ندا میکند و میگوید

اي مصلي اگر بداني که با که مناجات ميکني هرگز ترك نميکني نماز را
و بر نميگردي از نماز و نيز گفت که انکسي که دو رکعت نماز بگذارد
و بداند انچه ميگويد در نماز يعني دل او غافل نباشد و متوجه
نماز باشد خدا تعالی جميع گناهان او را بيامرزد و گفت امير
المؤمنين علي عليه السلم که رسول خدا صلی الله عليه واله وسلم گفت
دو رکعت نمازي که سبك بگذارند با تفکر بهتر است از گذاردن
نماز تمام شب بي تفکر و گفت امام جعفر صادق عليه السلم که
وقتي که بنده مشغول شود بنماز متوجه شود خدا تعالی بوجه
کريم خود باو و موکل گرداند فرشته را باو که بگيرد قرانرا بدهن آن
بنده و اگر اعراض کند بنده از نماز او و متوجه نماز نشود اعراض کند
خدا تعالی او را و متوجه نشود بوجه کريم خود و اگر بنده متوجه
بنماز خود متوجه شود خدا تعالی بوجه کريم خود و نماز او کامل شود
و نماز او باسمان برده شود و اگر سهو کند در نماز يا غافل شود يا مشغول
بر چيزي ديگر شود باسمان برده شود از نماز او آن قدر که متوجه شده است
بدل و کسي که غافل شود هيچ ثوابي نميدهند و نيز گفت که دريافتن
نماز در اول وقت بهتر است مومن را از فرزند و مال و نيز گفت که
فضيلت اول وقت بر آخر وقت همچون فضيلت آخرت است بر دنيا
تعقيب ذکر بعد از نماز صبح گفت امام حسن عليه السلم که
شنيدم از پدر خود علي ابن ابي طالب عليه السلم که ميگفت رسول

خدا صلی الله عليه واله وسلم فرمود که هر مسلماني که بنشيند در جاي
نماز که صبح تا بر آمدن آفتاب ثواب او برابر ثواب کسي که حج گذارده
باشد و آمرزيده شود گناهان گذشته او و اگر بنشيند در جاي نماز
تا آنکه در آيد ساعتي که نماز نباشد در آن ساعت نماز گذاردن يعني
آفتاب بلند شود و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد يا چهار
رکعت بيامرزد خدا تعالی گناهان گذشته او را و ثواب او برابر ثواب
کسي است که حج اکبر را کرده باشد و روايت کرده است جابر که گفت
ابو جعفر عليه السلم که رسول خدا صلی الله عليه واله وسلم
فرمود که خدا تعالی گفته است که اي فرزند آدم ياد کن مرا و
ذکر بگو بعد از طلوع صبح يکساعت و بعد از عصر يکساعت تا
بر آورم حاجتهاي ترا انچه مخصوص است بر تعقيب نماز
صبح چون فارغ شوي از نماز صبح و سلام دهي و بگو لا اله الا الله
الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا اياه
مخلصين له الدين و لو کره الکافرون لا اله الا الله ربنا
و رب آبائنا الاولين لا اله الا الله وحده و انجز وعده و نصر
عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملك و له الحمد
يحيي و يميت و هو حي لا يموت بيده الخير و هو علی کل شيء قدير
اللهم اهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الی
صراط مستقيم بعد از آن سه بار بگو استغفر الله لا اله الا هو

الحيّ القيّوم ذي الجلال والاكرام واتوب اليه بعد از آن
بگو اللّهمّ اهدني من عندك وافض عليّ من فضلك وانشر
عليّ من رحمتك وانزل عليّ من فضلك بركاتك سبحانك
لا اله الّا انت اغفر لي ذنوبي كلّها جميعًا فانّه لا يغفر الذّنوب
كلّها جميعًا الّا انت وبعد از آن تسبيح زهرا بگو و آن سي و
چهار بار تكبيرات وسي سه بار الحمد لله وسي وسه بار سبحان الله
وگفت امام جعفر صادق عليه السّلم كه تسبيح فاطمه زهرا در
عقب هر نماز فريضه دوست تر است نزد من از هزار ركعت نماز
نافله در هر روز ونيز گفت كه آنكسي كه تسبيح فاطمه زهرا بگويد
در عقب نماز فريضه وبعد از آن لا اله الّا الله بگويد آمرزيده
شود وبهتر آنست كه مهيّا كند براي شمردن تسبيح فاطمه زهرا
از تربت حضرت امام حسين عليه السّلم بدرستي كه روايت از
امام جعفر صادق عليه السّلم كه گفت آنكسي كه بگرداند تسبيح
تربت حضرت امام حسين ع و يكبار استغفار كند يا ذكر ديگر
بگويد بنويسد يكبار را هفتاد بار وسجده كردن بر تربت حضرت
امام حسين ع برطرف ميكند حجاب هفت آسمانها را دعاي
ديگر كه بعد از نماز بايد خواند اين دعائيست كه روايت كرده
معويه بن عمار از ابي عبد الله عليه السلم بسم الله الرّحمن الرّحيم
وصلّى الله على محمّد واهل بيته الطّاهرين الاخيار الانقياء الا

اول تكبير بگو بعد از آن الحمد لله و بعد از آن سبحان الله

برار الذي اذهب الله عنهم الرّجس وطهّرهم تطهيرًا وافوّض امري
الى الله وما توفيقي الّا بالله عليه توكّلت ومن يتوكّل على الله
فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لكلّ شيء قدرًا
ما شاء الله كان حسبنا ونعم الوكيل واعوذ بالله السّميع
العليم من الشّيطان الرّجيم ومن همزات الشّياطين واعوذ
بك ربّ ان يحضرون ولا حول ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم
الحمد لله ربّ العالمين كثيرًا كما هو اهله ومستحقّه وكما ينبغي
لكرم وجهه وعزّ جلاله على ادبار اللّيل واقبال النّهار و
الحمد لله الذي اذهب به اللّيل مظلمًا بقدرته وجاء بالنّهار
مبصرًا برحمته خلقًا جديدًا ونحن في عافيته وسلامته
وستره وجميل صنعه مرحبًا بخلق الله الجديد واليوم العتيد
والملك الشّهيد مرحبًا بهما من ملكين كريمين وحيّاكم الله من
كاتبين حافظين اشهد فاشهدا لي واكتبا شهادتي معكما حتّى
القّاها ربّي انّي اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له و
اشهد انّ محمّدًا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحقّ
ليظهره على الدّين كلّه ولو كره المشركون وانّ الدّين كما شرع
وانّ الاسلام كما وصف والقول كما حدّث وانّ الله هو الحقّ
والرّسول حقّ والقرآن حقّ والموت حقّ والسّائلة منكر ونكير
والقبر حقّ والبعث حقّ والصّراط حقّ والميزان حقّ والجنّة حقّ

والنار حق والساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور فصل على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك
مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد لك
بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا ولك ولدا ولك صاحبة
ولك شريكا او معك خالقا او رازقا فانا بريء منه لا اله الا
انت تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم
شهادتي مكان شهادتهم واحيني على ذلك وامتني على ذلك
وابعثني عليه وادخلني برحمتك في عبادك الصالحين اللهم
صل على محمد وآل محمد وصبحني منك واجعل اول يومي
هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك من اوله
فزع وآخره وجع اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
خير يومي هذا وخير ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من
شره وشر ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على
محمد وآله وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير
ولا تغلقه عني ابدا واغلق عني باب كل شيء شر فتحته
على ابدا واغلق اللهم صل على محمد وآله واجعلني مع محمد
وآل محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل وفي
كل شدة ورخاء في كل عافية وبلاء اللهم صل على
محمد وآل محمد واغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا

واوسطه نجاحا
وخير ما فيه

و لا

من كل ذنب تبت
اليك منه ثم عدت
فيه استغفرك

ولا خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك لما اعطيتك من نفسي ولم اوف
به واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على
محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدا
من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين
سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف
رحيم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا
ولم يجعلني من الغافلين بعد از ان سه بار يا چهار بار بگويد در عقب
نماز صبح پيش از انكه سخن كند الحمد لله ملاء الميزان ومنتهى الرضا
وزنة العرش لا اله الا الله منتهى الرضا وزنة العرش وبعد از ان
بگو كه اللهم اني اسئلك مسئلة العبد الذليل ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضي لنا حوائجنا في الدنيا والآخرة
في يسر منك وعافية **ترتيب** اذكاري كه در عقب نماز صبح
مي بايد خواند گفت چون فارغ شوي از تعقيب نماز صبح صد بار قل هو
الله احد بخوان وصد بار بگو استغفر الله واتوب اليه وصد بار
بگو لا اله الا الله الملك الحق المبين وصد بار بگو ما شاء الله كان لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصد بار بگو كه اسأل الله العافية و
وصد بار بگو استجير بالله من النار وصد بار بگو كه اسأل الجنة و
صد بار بگو اسأل الله الحور العين وصد بار بگو اللهم قد رضيت
بقضائك وسلمت لامرك اللهم اقض لي بالحسنى واكفني ما اهمني

صد بار بگو
سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر

وصد بار اللهم اوسع في رزقي واشدد لي في عمري واغفر لي ذنبي
واجعلني ممن تنتصر لدينك واكر ميسر نباشد كه صد بار بكويد
ذكر هاده بار بكو وبعد از ان بانزده بار اين دعا بخوان لا اله الا الله
حقا حقا لا اله الا الله ايمانا وصدقا لا اله الا الله عبودية
ورقا وآن قدر كه ميتواني بكو سبحان الله العلي العظيم وبحمده
استغفر الله واساله من فضله بدرستي كه هر كه اين تسبيح
بكويد زياده كند خدايتعالى روزي اورا وكفت حضرت پيغمبر ص بزناني
كه از مكه بمدينه هجرت كرده اند وبر شما باد كه لازم آيد كه از تسبيح
وتهليل وتقديس را فراموش نكنيد رحمت حق تعالى را وبشمريد بانكشتان
تسبيح وتهليل وتقديس را بدرستي كه انكشتان سوال خواهند كرد
وايشان بسخن در خواهند آمد وكفت امام جعفر صادق عليه
السلام انكسي كه نماز صبح بكذارد ومكث كند برجاي نماز خود تا
انكه بر آيد آفتاب ومشغول شود بدعا وذكر بيشتر روزي
ميرسد باو از انكه يك ماه سفر كند بجهت روزي دعائي كه
ميبايد خواند وقت بيرون آمدن از مسجد وقتي كه خواهي از
مسجد بيرون آئي بكو اللهم دعوتني فاجبت دعوتك و
صليت مكتوبتك وانتشرت في ارضك كما امرتني فاسالك من فضلك
العمل بطاعتك واجتناب معصيتك والكفاف من الرزق برحمتك
الخ مي بايد خواند در وقت برخواستن از جاي نماز خود

فاجبت

جون

جون فارغ شوي از نماز صبح وهر نماز كه باشد وخواهي كه برخيزي
از جاي نماز بكو سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين بدرستي كه كفت حضرت
امير المومنين على عليه السلام هر كسي كه خواهد ثواب او بسيار
باشد بايد كه اخر سخن او اين باشد سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين بدرستي كه آن
كسي كه اين را بكويد در آخر نماز هر سخن وبعد هر سلامي ثواب وحسنه
ابد ودر وقت بيرون آمدن از مسجد پاي چپ را در پنه وبكو كه
اللهم صل على محمد وال محمد وافتح لي باب فضلك ورحمتك يا ارحم
الراحمين وجهد كن كه سخن نكني پيش از بيرون آمدن آفتاب ومشغول
باشي بدعا وخواندن قران بدرستي كه كفت حضرت پيغمبر صلى الله عليه واله
وسلم انكسي كه بنشيند برجاي نماز خود بعد از نماز صبح تا بر آمدن
آفتاب ومشغول باشد بدعا ونكاه دارد ذكر را ونكاه دارد اورا
خدايتعالى از آتش دوزخ وكفت امير المومنين على عليه السلام
كه بحق خدايتعالى كه بسبب ذكر كفتن بعد از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب
زود تر روزي ميرسد كه بسبب جهاد وكفت جابر كه ابو جعفر ع
فرمود كه لشكر شيطان را پراكنده ميسازد لشكر شب از وقت فرو
رفتن آفتاب تا وقت فرو رفتن شفق ولشكر روز را از وقت طلوع
صبح تا بر آمدن آفتاب ونيز فرمود كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه

السلام فرمود بسیار ذکر بگویید درین وقت بدرستی که این دو
ساعت غفلتست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
خواب صبح شوم است و بر طرف میکند روزیرا و زشت میسازد
رنگ و روی آدمیرا و تغیر میدهد روزی را بدرستی که قسمت
میکند روزیرا از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس حذر کنید خواب
کردن درینوقت و گفت امام محمد باقر علیه السلام که خواب اول
روز نادانی می آرد و خواب نیم روز می افزاید روزی را و خواب
بعد از عصر حماقت می آورد و خواب میان شام و خفتن محروم میکند
بنده را از روزی و گفت امام رضا علیه السلام که مراد از
که در قول خدای تعالی فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا و فرشتها اند که
قسمت میکنند روزی بنی آدم را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
پس آنکسی که درینوقت خواب کند محروم شود از روزی خود و گفت
معمر بن خلاد که امام رضا علیه السلام وقتی که در خراسان بود
چون نماز صبح میگذارد و می نشست بجای نماز خود تا طلوع آفتاب
و بعد از آن خریطه مسواکها می آوردند که در وی سه مسواک بودی
و حضرت مسواک بهر یک از آن میکرد و بعد از آن مصطکی میخاوید
و بعد تلاوت قران میکرد

در بیان ذکر

و صلوة فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم و استغفار کردن
تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر گفت ابوعبدالله

علیه السلام که رسول خدا متوجه اصحاب شد و گفت که فرا گیرید سپری
اصحاب گفتند یا رسول الله فرا گیریم سپری از دشمن که نزدیک شده
است بما آنحضرت گفت نی و لیکن بگیرید سپری که نگاه دارد شما را
از آتش دوزخ اصحاب گفتند که آن سپر کدامست آنحضرت فرمود
گفتن این تسبیح است که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَاللهُ أَكْبَرُ بدرستی که می آیند این تسبیحات در روز قیامت و
در پیش و پس این تسبیحات فرشته خواهند بود و مراد از باقیات
صالحات که در قران واقع است این تسبیحاتست و گفت ابو بصیر که
ابوعبدالله علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم روزی گفت با اصحاب که آیا اگر جمع کنند آنچه نزد شما است
از جامها و ظرفها و بعضی را بر بالای بعضی نهند و باسمان میرسند
اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت وقتی که فارغ شوید از
نماز فریضه سه نوبت بگویید که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ بدرستی که اصل این تسبیحات در زمین است
و شاخ آنها در آسمان و آنکسی که این تسبیحات بگوید ایمن شود از
فرود آمدن خانه و دیوار بر سر او و از سوختن و غرق شدن و
چاه افتادن و خوردن درنده و فرود آمدن بلاها از آسمان در آن
روز و این تسبیحات باقیات صالحات است و روایت کرده است
ابوعبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله

علیه واله وسلم فرمود که چهار خصلت است که در هر کرا باشد خدا
تعالی اورا از اهل بهشت می نویسد کفتن کلمهٔ لا اله الا الله واورا پناه
خود ساختن وکفتن الحمد لله وقتی که خدایتعالی باو نعمتی بدهد و
استغفار کردن وقتی که کناهی بکند وکفتن انا لله وانا الیه راجعون
چون مصیبتی باو برسد ونیز روایت کرده است ابو عبد الله علیه
السلام آمدند جماعتی نزد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
وکفتند توانکران بندکان دارند آزاد می کنند وما نداریم ومال دارند
که حج میکنند وما نداریم وچیزی دارند تصدق میکنند وما نداریم
وقدرت دارند که جهاد میکنند وما نداریم آنحضرت کفت که
انکسی که صد بار بکوید الله اکبر بکو ثواب بیشتر است از ثواب
کسی که صد بنده آزاد کرده باشد وانکسی که صد بار بکوید سبحان
الله ثواب او بیشتر است از ثواب کسی که صد شتر همراه خود بحج ببرد
بجهت قربانی وانکسی که صد بار الحمد لله بکوید ثواب او زیاده است
از ثواب کسی که صد اسپ با زین ولجام بدهد در راه خدایتعالی تا جهاد
بکنند وانکسی که صد بار بکوید لا اله الا الله عمل او فاضلتر
است از عمل مردان دیکر مکر کسی که زیاده از صد بار بکوید این حدیث
بتوانکران رسید وایشان نیز چنین کردند باز فقیران آمدن نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم وکفتند یا رسول الله انچه
فرمودی بتوانکران رسید وایشان نیز بجای آوردند آنحضرت

کفت توانکری فضل وبخشش خدایتعالیست هر که خواهد میدهد
وکفت ابو عبد الله که کفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر دوست تراست نزد خدایتعالی از هر چه بر او آفتاب می تابد
یعنی از همه چیز حمد کفتن خدایتعالی را کفت
ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا حمد میکفت خدایتعالی را
در هر روز سیصد وشصت بار بعدد رکهایی که در بدن آدمی است
باین طریق الحمد لله کثیرا علی کل حال ودر حدیث واقع است که در
شب نیز سیصد وشصت نوبت میکفت این حمد را وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اول کسانیکه به بهشت میروند
آن کسانند که بسیار حمد کفتند خدایتعالی را در وقت خوشحالی
وسختی ودر روایت که پرسیدند از رسول خدا که باغ بهشت در دنیا
کجاست کفت که مجلس ذکر است پس اول روز وآخر روز مشغول
شوید بذکر خدایتعالی وکفت امام جعفر صادق علیه السلام
که شکر هر نعمتی واکرچه آن نعمت بزرک باشد آنست که حمد کویند
خدایتعالی را بر آن نعمت ونیز کفت هر نعمتی که از خدایتعالی
ببندهٔ مومن برسد وان بنده حمد کوید خدایتعالی را بر آن نعمت
وآن حمد فاضلتر خواهد بود از آن نعمت ووزن او زیاده خواهد
بود در ترازوی اعمال ودر روایتست که استر ابی جعفر علیه السلام
کریخت در میان مکه ومدینه وآنحضرت کفت اکر باز کرداند خدا

تعالی این استر را بسوی من شکر بکویم خدایتعالی را بانجه حق
شکرات جون یافت استر را سه بار کفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
وبعد ازان سه بار کفت شکرا وکفت ابو حمزه که ابو جعفر علیه السلم
کفت ایا خبر دهم ترا بحمدی که کفایت کند کفتم بلی کفت بکو اَللّٰهُمَّ
لَکَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِکَ کُلِّهَا حَتّٰی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ اِلٰی مَا یُحِبُّ رَبُّنَا وَیَرْضٰی
وکفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که در وقت صباح جهار
بار بکوید که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بدرستی که شکر آن روز را بجا
آورده است وکفت زید هشام که ابو عبد الله علیه السلام فرمود
انکسی که بکوید کَمَا هُوَ اَهْلُهُ ان فرشتها که ثواب می نویسند بکویند
بارخدایا نمیدانیم که ثواب این حمد جیست تا بنویسیم حق تعالی بکوید
که بنویسید انجه بندهٔ من کفته است بر منست ثواب آن وکفت
ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
فرمود انکسی که بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَحَامِدِهٖ کُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَمْ
نَعْلَمْ عَلٰی کُلِّ حَالٍ یُوَازِی نِعَمَهٗ وَیُکَافِی مَزِیْدَهٗ عَلَیَّ وَعَلٰی جَمِیْعِ
خَلْقِهٖ خدایتعالی بکوید که مبالغه کرده است بندهٔ من در رضای
ومن میرسانم اورا برضای او در بهشت وروایتست که آمد مردی
نزد ابی عبد الله ع وکفت فدای تو کردم من بسیار پیر شدم بیاموز
دعای جامع که فایده دهد دنیا واخرت انحضرت کفت حمد بکو
خدای تعالی را بدرستی که وقتی که حمد بکویی خدایتعالی را هر نمازی که

ربّنا

الحمد لله

کذاری هست دعا میکند برای تو در وقتی که سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهٗ
میکویند وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا
فرمود که در بدن آدمی سیصد وشصت رکست که حرکت میکند
وصد وارکست که حرکت نمی کند پس اکر ساکن شوند آن رکها که حرکت
میکنند یا در حرکت ایند رکهای ساکن آدمی ملاک شود وروایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم هر روز وقت بیرون
آمدن آفتاب سیصد وشصت بار میکفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
کَثِیْرًا عَلٰی کُلِّ حَالٍ خدای تعالی یعنی بزرکی
یاد کردن خدایتعالی را کفت زراره که کفتم بابی جعفر علیه السلم که کدام
عمل دوست تر وبهتر است نزد خدای تعالی انحضرت کفت تحمید کردن
خدایتعالی را وکفت ابو عبد الله علیه السلم که خدایتعالی
تحمید میکند خود را در هر روز وهر شب سه بار پس انکس که
تحمید کند خدا برا حق تعالی او را نیکبخت کرداند وکفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم هر دعای که پیش از و تحمید نباشد
آن دعا ناتمام اول تحمید کنند وبعد ازان دعا کنید راوی کوید
که کفتم کمترین انجه کافیست در تحمید کدام است انحضرت کفت بکو
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ
شَیْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُوْنَکَ شَیْءٌ
وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ الْعَلِیْمُ کفت یونس بن یعقوب

هشتاد

دونک

که گفتم بابي عبدالله علیه السّلام که انکسی که صد بار بگوید سبحان الله
داخل آن کسان میشود که بسیار ذکر کنند خدا یتعالی را آنحضرت
گفت بلی وگفت ابوجعفر علیه السّلام انکسی که سُبحان الله بگوید
نه از روی تعجب خلق کند خدا یتعالی ازین تسبیح گوید خدا یتعالی
برای انکس در میان مُسبحان تا روز قیامت ومثل اینست گفتن
سُبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وگفت امیر
المؤمنین علیه السّلام که تسبیح نصف ترازوی اعمال را بر میکند
وحمد ترازوی اعمال را سر می کند وتکبیر میان زمین وآسمان را تمام
بر می کند ونیز گفت انکسی که سه بار بگوید در وقت شام فسبحان
الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السّموات و
والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود هیچ خیر از ان
روز ومکروهی بد و نرسد گفت ابن عباس
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که نیست کلمه
دوست تر نزد خدای تعالی از کلمه لا اله الا الله وهر بنده که
لا اله الا الله بگوید در وقت گفتن بکشد آواز خود را چون فارغ
شود گناهان او باشد در زیر قدمهای او همچنانکه برگ درخت
در زیر درخت باشد وگفت سکونی که روایت کرده است ابو
عبدالله علیه السّلام از پدران خود علیهم السّلام فرمود که
بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله است و منقولست از کتاب عیون

الاخبار که گفت امام رضا علیه السّلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم فرمود که خدا یتعالی را ستونیست از یاقوت سرخ
که سر آن ستون در زیر عرش است وپای او بر پشت ماهی است
که در زیر طبقه هفتم زمین است پس هرگاه بنده لا اله الا الله
بگوید عرش در حرکت می آید وآن ستون وماهی نیز در حرکت
می آیند پس خدا یتعالی گوید ساکن شو ای عرش من عرش میگوید
که چگونه ساکن شوم که گوینده کلمه لا اله الا الله را نیامرزیده
پس حق تعالی گوید که گواه باشید ای ساکنان آسمان که من آمرزیدم
که گوینده کلمه لا اله الا الله را وگفت جابر که ابو الطفیل را
روایت کرده است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السّلام که
هر بنده مسلمانی که لا اله الا الله بگوید بالا رود وبشکافد
آسمانها را وهر گناهی از گناهان او که بگذرد محو کند آن گناهان را
تا انکه برسد بحسنات او پس بایستد وگفت امام جعفر صادق
علیه السّلام که گفتن لا اله الا الله بهای بهشت است یعنی بنده
چون لا اله الا الله بگوید خدا یتعالی بعوض آن او را ببهشت
می برد ومنقولست از کتاب ثواب الاعمال که گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم تلقین کنید کلمه لا اله الا الله را
بکسانیکه نزدیک شوند بمردن بدرستی که کلمه لا اله الا
الله میریزاند گناهانرا اصحاب گفتند یا رسول الله انکسی که در حال

صحت این کلمه بکوید کناهان او میریزد بدرستی که کفتن لا اله
الا الله را ایمن میسازد مومن را در حال حیات و در وقت مردن
و در وقتی که بر انکیخته شود از قبر و کفت ابو عبد الله علیه السلام
انکسی که صد بار بکوید لا اله الا الله فاضلترین مردمانست
از روی عمل در ان روز مکر از کسی که صد بار بکوید یا زیاده و کفت
زید بن ارقم که حضرت پیغمبر صلی الله فرمود آنکسی که لا اله الا الله
بکوید از روی اخلاص بهشت میرود و اخلاص و این کلمه
اینست ان چیزی که حرام کرده است خدا یتعالی از و دور باشد
و کفت ابو سعید الخدری که کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود نکفتم من و انکسانیکه پیش از من بوده اند کلمه
که ثواب بیشتر باشد کلمه لا اله الا الله و کفت ابو عمران العجلی
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود مومنی که لا
اله الا الله بکوید محو میکند این کلمه کناهانرا که در نامه اعمال
ثبت شده است تا انکه برسد بحسنات

تکبیر و غیر آن کفت ابو حمزه ثمالی که شنیدم از امام زین العابدین
علیه السلام میکفت آنکسی که صد بار بکوید تکبیر در شبانکاه
ثواب او برابر کسی که صد بنده آزاد کرده باشد و کفت امام رضا
علیه السلام بدرستی میکفت انکسی که لا حول و لا قوة الا بالله
بکوید بکرداند خدا یتعالی از و نود نه بلا را از بلاهای دنیا

که اسانترین آن بلاها خناق است و خناق مرضیست که در حلق
پیدا شود بجهت خون و سبب آن کلو کرفته میشود و کفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم انکسی که صباح بیرون رود از
خانه خود و بکوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی توکلت علی الله
بکویند آن دو فرشته که موکل اویند که کفایت شد مهمات تو
و محفوظ شدی و راه راست یافتی و کفت ابو عبد الله علیه السلام
انکسی که ده بار بکوید یا الله خدا یتعالی بکوید لبیک چیست
حاجت تو و آنکسی که ده بار بکوید یا رب یا رب حق تعالی بکوید
لبیک یا عبدی چیست حاجت تو و انکسی که هفتاد بار بکوید ما
شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی بکرداند خدا یتعالی
از و هفتاد نوع بلا را که آسان ترین آن بلاها خناق باشد و روایت
کرده است ابو عبد الله علیه السلام انکسی که در هر روزی سی بار
بکوید لا اله الا الله الملک الحق المبین توانکری روی باو آورد
و درویشی پشت باو کند و بهشت رود و کفت پیغمبر صلی الله
علیه و اله و سلم خانه که ذکر خدا یتعالی در و نکویند اهل آن
خانه مانند مرده اند و نیز کفت هر قومی که بنشینند و ذکر خدای
تعالی بکویند و فرشتها در کرد ایشان در آیند و بپوشانند ایشانرا
حلهای رحمت خدا یتعالی و فرود آید بر ایشان آرامش و ذکر
کند خدا یتعالی ایشانرا نزد فرشتها و روایتست که پرسید مردی

از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بکدام سنت از سنتهای ما
میکنی مرا آنحضرت گفت باین که زبان تو همیشه مشغول باشد
بذکر خدایتعالی و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر بابویه که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا فرمود که پیشی گیرید
بباغ بهشت در دنیا اصحاب گفتند یا رسول الله باغ بهشت در دنیا
کدام است آنحضرت گفت که حلقهٔ ذکر است و منقولست از کتاب
فردوس گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آنمقدار
ذکر بگویید خدایتعالی را که شما را مردم دیوانه بگویند و منقولست
از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه که صاعقه نمیرسد بکسی که ذکر
خدایتعالی میگوید و منقولست از کتاب محاکه روایت کرده است
یونس بن عبد الرحمن گفت یکی از ائمهٔ معصومین علیهم السلام گفت بپسر
خود که ای پسر من حذر کن از مجلسها پس اگر به بینی قومی ذکر میگویند
خدایتعالی را با ایشان بنشین بدرستی که اگر عالم باشی فایده میدهد
ترا علم و دانش تو و زیاده میگردانند ایشان علم و دانش ترا و اگر
جاهلان باشند زیاده میکنند ایشان جهل و نادانی ترا و میتواند
بود که خدایتعالی ایشانرا عقوبت کند وان عقوبت بتو نیز برسد
و منقولست از کتاب روضه گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم هر قومی بنشینند و ذکر خدایتعالی بگویند و ندا کند
فرشته از آسمان که برخیزید که سیئات شما بحسنات مبدل شد

وآمرزید خدایتعالی همه شما را و هر جماعتی که بنشینند و ذکر خدا
بگویند و فرشتها در گرد ایشان در آیند خدایتعالی بر ایشان رحمت
کند و فرود آید بر ایشان آرامش و ذکر کند خدایتعالی ایشانرا نزد
فرشتگان و روایتست که پرسیدند از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم باغهای بهشت در دنیا کدامست آنحضرت فرمود
مجلسهای ذکر است پس صباح و شام بروید بمجلسهای ذکر و
ذکر بگویید خدایتعالی را

صلوات فرستادن
بر نبی وال او علیهم السلام گفت ابو بصیر که ابو عبد الله فرمود
وقتی که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم مذکور
شد بسیار صلوات بفرستید برو بدرستی آنکسی که یکنوبت
صلوات بفرستد بر پیغمبر هزار نوبت فرشتگان صلوات بفرستند برو و
هر مخلوقی از مخلوقات خدایتعالی صلوات بفرستند بر آنکسی که
بجهت صلوات فرستادن و خدایتعالی صلوات میفرستد برو و
فرشتگان نیز برو صلوات میفرستند برو پس آنکس که رغبت نکند
در صلوات فرستادن بر پیغمبر پس مغرور و جاهل است و رسول
خدا ازو بیزارند و روایت کرده است امام جعفر صادق ع
از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا فرمود که من در روز
قیامت حاضرم آنجا که میسنجند عملهای بندگان را پس آنکسی که
زیاده باشد سیئات او بر حسنات می آورم صلوات را که بر من فرستاده است

تا انکه زیاده شود حسنات او بر سیئات وکفت حارث بن اعور
که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود هر دعائی که هست باسمان
نمیرسد تا صلوات بفرستد بر محمد وال او علیهم السلام یافتم در
بعضی از کتابها انکسی که صلوات بفرستد بر پیغمبر خدایتعالی ام
بنویسد برای او صد حسنه وانکسی که صلوات بفرستد بر محمد
واهل بیت او بنویسند خدایتعالی برای او هزار حسنه وکفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم نزدیک ترین مردمان
بمن در روز قیامت آنکسانند که بیشتر صلوات فرستاده اند
بر من ونیز کفت که بخیل انکسیست که نام من نزد او مذکور شود
واو صلوات نفرستد بر من ونیز کفت انکسی که از امت من
یکبار صلوات بفرستد بر من از روی اخلاص وحضور دل
ده صلوات بفرستد خدایتعالی بر وی وده درجه بلند کرداند
مرتبه او را وبنویسد برای او ده حسنه ومحو کند از نامه اعمال
او ده کناه وکفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول
خدا فرمود که بلند کنید آواز خود را در وقت صلوات فرستادن
بر من باین طریق می برد نفاق را

استغفار

وکریه کردن روایت کرده است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم
السلام کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هر دردی را
دوائیست ودوای کناه استغفار وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام

عجبست از کسی که ناامید شود از رحمت خدایتعالی وحال انکه با او
چیزی باشد که نجات دهد او را از عذاب خدایتعالی پرسیدند
از ان حضرت که آن چیز کدامست فرمود که استغفار است ومنقولست
از کتاب فردوس که کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که
سه آوازاست که دوست میدارد خدایتعالی یکی آواز خروس
دوم آواز قرآن خوان سیوم آواز کسی که استغفار کند در سحرها
وکفت ابو عبد الله علیه السلام که صد بار استغفر الله بکوید
در شب وقت خواب کردن بریزد کناهان او دران شب همچنانکه
میریزد برک درختان در وقت خزان کویا هیچ کناه نداشته باشد
ونیز کفت انکسی که هفتاد نوبت استغفار بعد از عصر بیامرزد
خدایتعالی هفصد کناه او را دران روز پس اکر او را کناهی نباشد
هفصد کناه از کناهان پدر را وبیامرزد واکر پدر او را کناهی نباشد
از کناهان مادر را وبیامرزد واکر خواهر او را کناهی نباشد یا
از خویشانی که نزدیک تر باشند او را بیامرزد وکفت اسمعیل
بن سهل که نوشتم بابی جعفر دوم علیه السلم که بیاموز مرا چیزی
که هر کاه بکویم آنرا باشما باشم در دنیا وآخرت آنحضرت نوشت
بخط مبارک خود که بسیار بخوان سوره انا انزلناه را وبسیار
استغفار کن وروایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدران خود علیهم السلم کفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم

كه خوشحال كسي كه يافت شود در روز قيامت در نامه اعمال
او بعد از كناه استغفاري وكفت امام جعفر صادق عليه السلام
هر كاه بنده استغفار كند بالا ميرود نامه اعمال او درخشنده
ونيز كفت كه رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم برنمي خيزد
از مجلسي واكر اندكي نشسته بود تا آنكه استغفار ميكرد بيست
وپنج نوبت ونيز كفت كه كسي كه توبه كند از كناه همچنانست كه
هركز كناه نكرده است وكسي كه كناه كند واستغفار بجا آرد
وهمچنان مصر باشد بر كناه كردن كويا مسخركي ميكند ونيز كفت كه
بنده وقتي كه كناهي بكند وخدايتعالى باو نعمتي بدهد واو استغفار
نكند از كناه خدايتعالى او را اندك هلاك ميسازد بهلاك وعذاب
ونيز كفت كه بود از جمله سوكندهاي حضرت پيغمبر صلى الله عليه
واله وسلم لا استغفر الله ونيز كفت هر مومني كه كناه كند نمي
نويسند آن كناه را تا شب اكر استغفار كرد آن كناه را نمي نويسند
ونيز كفت كه خدايتعالى كناه مومن را بياد او ميدهد بعد از بيست
وسه سال روايت ديكر سي سال تا آنكه استغفار كند از آن كناه
وخدايتعالى او را بيامرزد ونيز كفت كه رسول خدا صلى الله عليه
واله وسلم فرمود كه استغفار كردن وكفتن لا اله الا الله بهترين
عبادتهاست زيرا كه خدايتعالى كفته است فاعلم انه لا اله الا الله
واستغفر لذنبك يعني پس بدان كه معبود بحق نيست الا خدا يتعالى

وبعد از استغفار طلب آمرزش كن براي كناه خود وروايت كه
مردي نزد امير المومنين علي عليه السلام كفت استغفر الله آن
حضرت كفت بآن مرد كه نوحه كناد مادر در برتو آيا ميداني كه استغفار
چيست بدرستي كه استغفار كردن درجه بزركانست واستغفار
برشش معني اطلاق ميكنند اول پشيماني از كناه كذشته دوم قصد
كردن كه آن كناه هركز نكند سيم رسانيدن حق مردم برايشان
تا آنكه ملاقات كني خدايتعالى را وكسي را كه حقي نباشد برتو
چهارم قصد كردن هر فريضه كه از تو فوت شود ادا كني پنجم
قصد كردن كه كوشتي كه روييده است بكدازاني آنرا بحزن
واندوه تا بچسبد كوشت بدن باستخوان وكوشت تازه پيدا شود
ششم چشانيدن بدن را الم ومشقت طاعت همچنانكه چشانيدي
نفس حلاوت وشيريني معصيت پس بعد از آنكه اين كارها كرده
باشي استغفر الله بكو ومنقولست از كتاب روضة الواعظين
كه كفت امير المومنين علي عليه السلام كه در زمين دو چيز است
كه سبب امانست از عذاب خدايتعالى يكي نمانده است وديكري
نزد شما است پس چنك در زنيد بآنچه نزد شما است اماني كه
نمانده است رسول خداست وامانيكه باقيست نزد شما است
استغفار است وقول خدايتعالى دلالت ميكند بر آنكه اين دو
چيز امانند از عذاب خدايتعالى زيرا كه كفته است وما كان الله

لیعذبهم الله و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون

یعنی نیست خدایتعالی که عذاب کند ایشانرا و حال آنکه ایشان

استغفار کنند و نیز گفت نیست خیر در دنیا مگر دو کسرا یکی

مردی که گناه کرده باشد و تدارک و تلافی آن کند بتوبه و دیگر

کس که شتافت کند در خیرات و آنکسی که توفیق توبه کردن یافت

محروم نمیشود از قبول توبه و آنکسی که توفیق استغفار یافت

محروم نمیشود از آمرزش و مصدق این سخن قول خدایتعالی

و من یعمل سوءً او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله

غفوراً رحیماً یعنی هر که بدی بکند از ان ضرر بغیری برسد یا ستم

کند بر نفس خود بر استغفار و توبه کند بیابد خدایتعالی آمرزنده

گناهان و مهربان و این قول خدایتعالی است که انما التوبة علی الله

للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئک یتوب

الله و کان الله علیماً حکیماً یعنی جز این نیست که قبول

توبه بر خداست برای کسانیکه بدی میکنند بنادانی پس توبه میکنند و با

گشت مینمایند بخدایتعالی از زمانی نزدیک یعنی پیش از آنکه بمیرند

پس آنگروه که توفیق توبه یافته بعد از گناه توبه دهد خدایتعالی

ایشانرا و رحمت کند بر ایشان و خدایتعالی داناست بتوبه ایشان

و حکم کننده است بآنچه تائب را بآن عقوبت نباشد و گفت امام

جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

هر روز هفتاد نوبت استغفار میکرد کسی پرسید که چگونه

استغفار میکرد آنحضرت گفت که هفتاد بار استغفر الله میگفت

و هفتاد بار و اتوب الیه میگفت و گفت حسن بن حماد که امام

جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر کسی بعد از هر نماز فریضه پیش

از آنکه برگرداند پاهای خود را یعنی بهمان کیفیت که در حالت تشهد

نشسته باشد بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم

ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه خدایتعالی بیامرزد گناهان اورا

اگرچه گناهان او برابر کف دریا باشد و در روایتی آنکسی که استغفار

هر روز بگوید خدایتعالی بیامرزد چهل گناهان کبیره اورا

گریستن منقولست از کتاب روضه که گفت پیغمبر

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر چشمی که خواهد گریست در

روز قیامت مگر سه چشم چشمی که گریه کرده باشد در دنیا از ترس

خدایتعالی و چشمی که نگاه نکرده باشد چیزهای که خدایتعالی

حرام کرده است و چشمی که بیدار بوده باشد در راه خدایتعالی

و منقولست از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام

آنکسی که یاد کند مصیبت مارا که اهل بیتیم بگرید و بگریاند چشم

او در روزی که چشمها گریان باشند یعنی در روز قیامت و

منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق

علیه السلام پنج کس بسیار گریه کرده اند آدم و یعقوب و یوسف

و فاطمه بنت محمد و امام زین العابدین علیه السلام آدم علیه السلام
چندان کریست در فراق بهشت که جویها در روی او پیدا شد و
و اما یعقوب چندان کریست در فراق یوسف علیه السلام که
نابینا شد و کفتند باو که تَاللّٰهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتّٰى تَكُونَ حَرَضًا
أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ یعنی بحق خدای که همیشه بناله و زاری
یاد کنی یوسف را تا وقتی که بیمار شوی بیماری مشرف بر موت
یا باشی از جملهٔ هلاك شدکان و اما یوسف علیه السلام چندان
کریست در مفارقت یعقوب که بتنك آمدند اهل زندان از کریهٔ
او و کفتند باو که روز کریه کن و شب خاموش باش یا شب کریه
کن و در روز خاموش باش صلح کرد با اهل زندان بیکی از این دو
و اما فاطمه بنت محمد صلی الله علیه واله وسلم چندان کریست
بجهت پدر خود که اهل مدینه بتنك آمدند و باو کفتند که ایذا
کشیدیم از بسیاری کریهٔ تو پس فاطمه بیرون میرفت از مدینه
و میرفت بر سر قبر شهیدان و می کریست آنقدر که میخواست و
بعد از آن باز میکشت و بمنزل خود می آمد و امام زین العابدین
بیست سال کریست بروایت دیکر چهل سال بجهت حضرت امام حسین
علیه السلام و هرکاه طعامی نزدیك آنحضرت می آوردند بسیار
میکریست تا آنکه یکی از خدمتکاران آنحضرت کفت یا ابن رسول الله
فدای تو کردم میترسم از کریه کردن تو مبادا هلاك شوی آنحضرت

کفت إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللّٰهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ
یعنی جز این نیست که شکایت میکنم غم و اندوه خود را بخدای
تعالی آنچه شما نمیدانید زیرا که کس بیکسان و چاره ساز بیچارکان
اوست و میدانم از خدای تعالی آنچه بر شما پوشیده است بدرستی
که هرکاه یاد میکنم موضعی را که بنی فاطمه شهید شدند بی اختیار
کریه می آید مرا و کفت موسی علیه السلام که بارخدایا چیست
جزای کسی که اشك فرو ریزد چشمان او از ترس خدای تعالی
کفت جزای او اینست که نکاه دارم روی او را از آتش دوزخ و ایمن
کردانم او را از هول روز قیامت و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون وفات حضرت امام حسن علیه السلام نزدیك شد آن
حضرت در رنج کریه شد کسی کفت یا ابن رسول الله چرا کریه میکنی
و حال آنکه میدانی که جای تو نزد رسول خدا خواهد بود و حضرت
پیغمبر در حق تو کفت و تو بیست نوبت پیاده حج کرده و قسمت
کرده مال خود را در راه خدای تعالی سه نوبت تا آنکه نعلین
خود را نیز بمردم دادی آنحضرت کفت که بجهت دو چیز میکریم
هول روز قیامت و فراق دوستان و کفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم اکر کسی کریه کند بجهت کناه خود تا آنکه فرو ریزد
اشك بر محاسن حرام کرداند خدای تعالی روی او را بر آتش دوزخ
و نیز کفت آنکسی که بیرون آرد اشك را از چشمهای خود برابر مکسی

از ترس خدایتعالی ایمن کرداند خدایتعالی او را در روز قیامت
ومنقولست از کتاب زهد امام جعفر صادق علیه که وحی کرد
خدایتعالی بموسی ع که بندکان من نزدیك نمیشوند بمن بچیزی
که دوست باشد نزد من از سه خصلت کدام است حق تعالی فرمود
زهد در دنیا و پرهیزکاری از معصیتها وکریستن از ترس من
کفت موسی علیه السلام ای پروردکار من چیست جزای آن
کسانیکه این سه خصلت داشته باشند خدایتعالی وحی کرد
که ای موسی اما بدان بتحقیق مومن که ایشانرا بر بهشت برند واما
آنها که کریستند از ترس من ایشانرا از شراب بهشت میدهم که شریك
نباشند با ایشان کسی واما پرهیزکاران از کناهان بدرستی که من
سخت میکیرم و سختی میکنم با ایشان وکفت امام جعفر صادق ع
که چندان کریست یحیی بن ذکریا علیه السلام که رفت کوشت روی
او از آب چشم واستخوانهای روی او نمایان کشت ونمد مینهاد بر استخوانهای
خود تا آنکه آب چشم بر آن نمد کذر کند پس پدرش با او کفت که ای
پسرك من بدرستی بر بالای دوزخ پلی است لغزنده که نمی توان
کذشتن از آن پل مکر کسی که بسیار کریسته باشد از ترس خدایتعالی
ومیترسم که چون از آن پل خواهم بکذرم کمراه شوم پس کریست ذکریا
علیه السلام که کریستن چشمها وترسیدن دلها از رحمت خدای
تعالیست پس وقتی که بیابید رحمت خدایتعالی یعنی وقتی که چشم

چنانکه بعوض شد وکفت امیرالمومنین علیه السلام

شما کریان شود ودر دل شما ترس پیدا شود غنیمت شمرید
این وقت واکر یك بنده بکرید در دنیا امتی رحم کند خدایتعالی بر همه آن
امت بجهت کریه او ونیز کفت که کاه ترا کریه نیاید خود را بکریه
دار پس اکر اشك بیرون آید از چشم تو برابر سر مکس بسیار
پسندیده است وکفت محمد بن مسلم که شنیدم از ابی جعفر
علیه السلام که میکفت هر چیزی که هست او را کیل ووزنی هست
مکر آب چشم بدرستی که وقتی که چشم اشك بریزد حرام کرداند
خدایتعالی آتش دوزخ را بر او پس اکر روان شود اشك بر رخسار
بنده تنکی نه بیند در معاش وخواری نه بیند هرکز ویك قطره
اشك فرو مینشاند دریاهای آتش را وکفت ابراهیم علیه السلام
که بارخدایا چیست جزای آنکس که تر شود روی او به آب چشم از ترس
خدایتعالی فرمود که جزای او آمرزش وخشنودی منست وکفت
ابو جعفر صادق علیه السلام که دعا کنید وقت برخواستن موی
از بدن از ترس خدایتعالی ووقت روان شدن اشك ونزد باریدن
باران ووقتی که آفتاب میان آسمان باشد تا وقتی که آفتاب میل
بجانب مغرب بدرستی که درین ساعت درهای آسمان کشوده
میشود وامید یاریست از فرشتها درین ساعتها وامید اجابت دعاست
از خدایتعالی ونیز کفت که تضرع وزاری بنده ورحمت خدایتعالی
باهم می باشند ووقتی بنده سجده کند خدایتعالی پس اکر روان شود

شما

اشک از چشم او رحمت فرود می‌آید درین وقت پس غنیمت دانید
درین وقت طلب حاجت را و بسیار رسیدانید آن چیز را که طلب
میکنید و حقیر مشمرید اندک حاجت را که دارید بدرستی که
دوسترین مردمان نزد خدایتعالی آنکس است بیشتر انچه
خواهد از اندک و بسیار از خدایتعالی طلب کند و گفت امام محمد
باقر علیه السلام که رفتم نزد پدر خود امام زین العابدین
علیه السلام و آنحضرت رسانیده بود عبادت را بجائی که هیچ
کس بآن مرتبه نرسانیده بود پس دیدم که رنگ آنحضرت زرد
شده بود از بیخوابی و بخته شده است گوشت چشم او از گریه و پیشانی
ورم کرده است بجهت بسیاری نماز پس بی اختیار در گریه شدم
چون دیدم خود را باین حال رسانید بجهت انکه مرا رحم آمد بر و
آنحضرت در فکر بود بعد از ساعتی متوجه من شد و گفت ای
فرزند من بده بمن ازین ورقها که عبادت حضرت امیرالمومنین
علی علیه السلام در و نوشته است پس دادم از آن ورقها را
و آنحضرت خواند آن ورقها را اندکی و بعد از ان بگذاشت آن
ورقها را بجهت انکه دلتنگ شد و گفت که قوت دارد که بجای
آورد عبادت علی ابن ابی طالب را و روایت است که امام زین
العابدین وقتی که وضو میساخت زرد می شد رنگ او پرسیدند
ازو که چه چیز است که ترا بیهوش میکرداند آنحضرت گفت که

آیا میدانید کسی را که من مهیا میشوم برای ایستادن به پیش
او و روایت است که امام موسی ع می گریست از ترس خدایتعالی
تا انکه تر میشد محاسن مبارک آنحضرت باب چشم
استخاره گفت امام جعفر صادق
علیه السلام وقتی که خواهی کاری کنی مشورت مکن در آن
کار بکسی پیش از ان مشورت کنی بپروردگار خود آنحضرت
گفت که صد بار بگو استغفر الله و بعد از ان مشورت کن بمردمان
بدرستی که انچه خیر تست خدایتعالی جاری میسازد بر زبان
انکسی که ترا دوست میدارد و منقولست از کتاب محاسن که
گفت حلبی که گفت ابو عبدالله علیه السلام فرمود که مشورت را
چهار حد است پس انکسی که بداند آن حدها را نفع او از ان مشورت
بیشتر از ضرر خواهد بود اول آنکسی که کنی باید که عاقل باشد
دوم انکه آزاد و با دیانت باشد سیوم انکه دوست تو باشد
و با تو حق برادری داشته باشد چهارم انکه مطلع کردانی
او را بر سر خود تا دانش او بآن کار همچون دانش تو باشد و بعد
آنحضرت بیان کرد فائده آن چهار حد را و گفت بدرستی که انکس
با او مشورت میکنی هر گاه عاقل باشد فا می یابی بمشورت کردن
او و هر گاه آزاد و با دیانت باشد جهت میکند در نیک خواهی
و هر گاه دوست باشد و حق برادری داشته باشد می پوشد

ازان

ستر ترا و هرگاه مطلع گردانی او را بر سر خود و علم و دانش او
بآن کار همچون علم و دانش تو باشد بان کار تمام میشود
تو و کامل میشود نیکوخواهی او برای تو و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که مشورت کن بمردم عاقل و پرهیزکار بدرستی
خلاف کردن بایشان هم در دین و در دنیا بداست و نیز گفت
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که مشورت
کردن با مردم نیکوخواه مبارکست و راه راست یافتن و توفیق
از خدایتعالی پس وقتی که عاقل نیک خواه اشارت کند ترا بکاری
و کاری بفرماید بپرهیز از خلاف کردن با و موجب هلاکت
و گفت حسن بن جهم که بودیم نزد امام رضا علیه السلام گفت
پس ذکر کردیم پدر آن حضرت را امام رضا علیه السلام گفت که
با عقل پدر من برابری نمی کرد با عقل دیگران و با وجود این
بسیار از اوقات مشورت میکرد با غلام سیاهی از غلامان خود
کسی گفت مشورت میکنی با این نوع کسی آنحضرت گفت که گاه باشد
که بگشاید بر زبان او و گفت امام رضا علیه السلام گاهی غلامان
سیاه اشارت میکردند به پدر من در کار عمارت و باغ و بستان
و آنحضرت عمل میکرد بسخن ایشان و گفت امام جعفر صادق علیه
السلام که کسی پرسید از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
که زیرکی و دانائی در کار کدامست آنحضرت گفت مشورت

کردن

کردن بکسی که صاحب رائی و عقل باشد و پیروی عقل او کردن
و نیز گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که نیست
پناهی محکم تر از مشورت و نیست عقلی همچون صلاح اندیشیدن
و نیز گفت که ظاهر ساختن چیزی را که پیش از انکه محکم گردانید
چیز را موجب فساد آن چیز میشود و گفت یحیی بن عمران الحلبی
که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که مشورت را چند حدی است
پس انکسی که نداند حدهای او را ضرر آن مشورت بیشتر
از فایدهٔ او خواهد بود اول انکسی که با او مشورت میکنید باید
که عاقل باشد و روایت کرده است عثمان بن عیسی گفت
شخصی که گفتم بابی عبدالله علیه السلام کیست دوسترین خلق
نزد خدایتعالی گفت ... گفتم که دشمن ترین خلق نزد خدایتعالی
کیست گفت انکسی که که تهمت میکند خدایتعالی را گفتم آیا کسی که
تهمت میکند خدایتعالی را گفت بلی انکسی که استخاره کند بخدایتعالی
و استخارهٔ او بر وجهی باید که خیر او در آن باشد و او کراهت
داشته باشد از آن و خشم گیرد پس او تهمت کرده است خدای
تعالی را و گفت حماد بن عثمان که امام جعفر صادق علیه السلام
که طریق استخاره اینست که چون دو رکعت نماز سنت صبح بگذاری
در سجدهٔ آخر رکعت دوم صد بار استخیر الله بگوئی و یکبار حمد بگوئی

آنحضرت گفت کسی که بیشتر از [illegible]

خدایتعالی را وصلوات بفرستی بر نبی وال او علیهم السلام وبعد
ازان چهار نوبت استغفر الله بکو وبعد ازان حمد بکو خدایتعالی را
وصلوات بفرستی بر پیغمبر وال و علیهم السلام وتمام کنی صد
ویك را یعنی چهار بار دیکر استغفر الله بکو پس وصلوات بفرستی
بر نبی وال او علیه السلام وروایتست که پرسید محمد بن خالد
القسری ابا عبد الله را از کیفیت استخاره آنحضرت کفت که صد بار
استخاره کن بخدایتعالی در رکعت آخر از نماز شب هر وقتی که
در سجده باشی کفت محمد بن خالد که چکونه بکویم آنحضرت کفت
که صد بار بکو استخیر الله برحمته وروایتست که حضرت امیر
المؤمنین علی علیه السلام بجهت استخاره دو رکعت نماز میکذارد
وصد بار در عقب آن نماز میکفت استخیر الله وبعد ازان میکفت
که اللهم انی قد هممت بامر علمته فان کنت تعلم انه خیر لی
فی دینی ودنیای واخرتی فیسره لی وان کنت تعلم انه شر لی
فی دینی ودنیای واخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ذلك ام ا
حببت فانك تعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب وبعد ازان قصد
کار میکرد وانکار را پیش میکرفت وروایتست که مردی کفت
بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو کردم بسیار است که من کاری
پیش میکیرم وپشیمان میشوم ازان کار آنحضرت کفت وقتی که نماز
سنت صبح بکذاری هر دو دست خود را بردار برابر روی خود

وبکو

وبکو اللهم انك تعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب فصل
علی محمد وال محمد وخر لی فی جمیع ما عزمت به من اموری
خیار برکة وعافیة ومنقولست از کتاب تهذیب الاحکام که
کفت معویة بن میسر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود بنده
که استخاره کند هفتاد بار بخدایتعالی باین استخاره برساند
خدایتعالی انچه خیر اوست واستخاره اینست یا ابصر الناظرین
ویا اسمع السامعین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین
ویا احکم الحاکمین صل علی محمد واهل بیته وخر لی کذا وکذا
یعنی حاجت وکاری دارد نام برد وبعد ازان سجده کند وصد بار
دران سجده بکوید استخیر الله برحمته استقدر الله فی عافیة
بقدرته وبعد ازان طلب حاجت خود کند بدرستی که چون
چنین کند انچه خیر اوست باو خواهد رسید بهر حال وباید که
تهمت نکند پروردکار خود را دران کار که پیش او می آید خواه
بان راضی باشد وخواه نباشد

نماز استخاره روایتست
که پرسید حسن بن جهم از ابی الحسن علیه السلام برای سفر
کردن ابن اسباط حاضر بود آنحضرت کفت چه اندیشه میکنی
برای ابن اسباط ابن جهم کفت که ذکر کردیم براه دریا وخشکی را
تا مصر وخبر دادیم باو که راه خشکی بهتر است آنحضرت کفت که بمسجد
برو ودر غیر وقت نماز فریضه دو رکعت نماز بکذار ودویست

بار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از آن نظر کن که چه چیز در دل
تو می آید با آن عمل کن کفت حسن بن جهم که راه خشکی نزد ما اولی
بهتر است و منقولست از کتاب محاسن که کفت جابر که امام محمد
باقر علیه السلام فرمود که امام زین العابدین علیه السلام
هرکاه قصد میکرد که حج کند یا عمره بکذارد یا چیزی بفروشد
یا بخرد یا بنده آزاد کند طهارت میکرد و بعد از آن دو رکعت
نماز استخاره میکرد و در این دو رکعت سورهٔ فاتحه و حشر
و الرحمن و اقل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
احد میخواند و بعد از آن میکفت اللهم ان کان کذا و کذا یعنی ذکر
میکرد آن کار را که میخواست که بکند خیرا لی فی دینی و خیرا لی فی
دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره لی رب اعظم لی علی یسره
و ان کرهت ذلک فانته نفسی عن ناحیة و روایتست که ابو عبد الله
علیه السلام وقتی که میخواست که بنده یا چهارپای بخرد و یا طلب
حاجت سبکی یا چیزی اندکی هفت بار استخاره میکرد بخدای تعالی
دیکر برای استخاره کفت مرازم که ابو عبد الله
علیه السلام فرمود وقتی که اراده چیزی کنید باید که دو رکعت
نماز بکذارید و حمد و ثنای خدای تعالی بکویید و بعد از آن صلوات
بفرستید بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از آن بکویید اللهم ان
کان هذا الامر خیرا لی فی دینی و دنیای فیسره و قدره و ان کان

الامر

الامر علی غیر ذلک فاصرفه عنی کفت مرازم که پرسیدم از ابی
عبد الله علیه السلام که چه چیز بخوانم در این دو رکعت آنحضرت
کفت که چه میخواهی بخوان و اکر نه قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد بخوان برای استخاره کفت اسحق
ابن عمار که کفتم با بی عبد الله علیه السلام که بسیارست که من قصد
کاری میکنم بعضی میکویند که این کار را بکن و بعضی میکویند
مکن آنحضرت کفت که هرکاه چنین باشد دو رکعت نماز بکذار
و صد و یکبار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از آن منتظر باش
که بکدام یک ازین دو چیز میکنی پس آنرا بکن بدرستی
که خیر در آنست انشاء الله تعالی و لیکن استخارهٔ تو می باید که در
طلب عافیت باشد بدرستی که بسیارست که خیر آدمی بریدن
دست اوست و در مردن و مردن فرزندان او و رفتن مال
دیکر برای استخاره کفت هارون بن خارجه که ابو عبد الله ع
فرمود که هرکاه خواهی که کاری بکنی بکیر شش پاره کاغذ و
بنویس بسم الله الرحمن الرحیم من الله
العزیز الحکیم الفلان بن فلانة لا تفعل و بعد از آن این رقعها را
در زیر جای نماز خود بنه و بعد از آن دو رکعت نماز بکذار
چون فارغ شوی از نماز سجده کن در سجده صد بار بکو استخیر الله
برحمته خیرة فی عافیة و بعد از آن بنشین و بکو اللهم خر لی

فی جمیع اموری بیسر منک و عافیة و بعد از آن دست بزن بر رقعها و بیرون
کن سه از آنها را و بیرون آر آن رقعها را یک یک پس اگر سه رقعه پی
آید پی در پی که در وافعل نوشته است آن کار را بکن و اگر بیرون آید
که افعل نوشته است و یکی لا تفعل بیرون آر آن رقعها را تا پنج بار
و نظر کن که افعل بیشتر است یا لا تفعل هر کدام که بیشتر است بآن عمل کن
و رقعه ششم را بگذار و بیرون میار که احتیاج باو نیست و گفت
ابو جعفر علیه السلام که هرگاه امام زین العابدین علیه السلام
میخواست که حج کند یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد
طهارت میکرد و دو رکعت نماز استخاره می گذارد و درین دو رکعت
سوره الرحمن و حشر میخواند چون فارغ میشد از نماز دویست بار
میگفت استخیر الله و بعد از آن قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس میخواند و بعد از آن میگفت اللهم
انی قد هممت بامر قد علمته و ان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی
و دنیای و آخرتی فاقدره لی و ان کنت تعلم انه شر لی فی دنیای
و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی رب اعظم لی علی رشدی
الا بالله حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و بعد از آن
میرفت و آن کار میکرد برای استخاره روایت
کرده است محمد بن یعقوب از علی بن محمد که بعضی از اصحاب بسند
از بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام کسی که خواهد کاری

بکند

بکند و کسی نباید که باو مشورت کند چه کند آنحضرت گفت باید
که مشورت به پروردگار خود کند آنکس گفت چگونه مشورت
کنم آنحضرت گفت که قصد کن آن حاجت را در دل خود و دو رقعه
بنویس در یکی لا و دیگری نعم و هر کدام را علیحده در میان اندک
گلی پنهان کن و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و آن هر دو گل در زیر
دامن خود بنه و بگو یا الله انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر
مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه خیر و صلاح و حسن عافیة
و بعد از آن دست دراز کن و یکی را بیرون آر پس اگر در آن رقعه که
بیرون آوردی نعم باشد بکن آن کار را و اگر لا باشد مکن این
چنین مشورت کن به پروردگار خود برای استخاره
گفت جابر بن عبد الله که رسول خدا آموخت ما را استخاره همچنانکه
آموخت ما را سوره از قرآن و گفت هر که خواهد که کاری بکند
باید که دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید اللهم انی استخیرک
بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم
فانک تقدر و لا اقدر تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم
ان کنت تعلم هذا الامر تسمیه خیراً لی فی دینی و معاشی و عاقبة
امری فاقدره لی و یسره و بارک لی فیه و ان کنت تعلم انه
شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاصرفه عنی و اصرفنی
عنه و اقدر لی الخیر حیث ما کان و رضنی به و منقول است

از کتاب محاسن که کفت سعد بن صدقه که شنیدم از امام جعفر
صادق ع که میکفت باید که بجای اللهم انی استخیرک
بعلمک واستقدرک الخیر بقدرتک بکوید اللهم انی استخیرک
برحمتک واستقدرک الخیر بقدرتک علیه بجهت آنکه در
قول اللهم انی استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک هم
خیر وهم شر هست پس هرکاه شرط کنید خیر وشر را در قول خود
پس آنچه شرط کرده اید مستجاب خواهد شد برای شما وکیر
باید که بکوئید اللهم انی استخیرک برحمتک واستقدرک
الخیر بقدرتک علیه انک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
فاسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد کما صلیت علی ابراهیم
وال ابراهیم انک حمید مجید اللهم ان کان هذا الامر الذی
اریده خیرا لی فی دینی ودنیای واخرتی فیسره وان کان غیر
ذلک فاصرفه عنی واصرفنی عنه وکفت مسعده که امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که بعضی از پدران من علیهم السلام
در وقت استخاره میکفتند اللهم لک الحمد وبیدک الخیر
کله اللهم انی استخیرک برحمتک الخیر بقدرتک علیه
انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب
اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد من معصیتک
وارضا لنفسک واقضی بحقک فیسره لی وان کان غیر ذلک فا

صرفه عنی واصرفنی عنه فانک لطیف لذلک والقادر علیه
وکفت عمرو بن حرب که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که هر چیز
خواهی که استخاره کنی دو رکعت نماز بکذار وبعد از ان استخاره
کن بخدا یتعالی بحق خدای که استخاره نمی کند بخدا یتعالی مسلمانی
مکر آنکه خدا یتعالی خیر میدهد او را البته
کرفتن از مصحف چون خواهی که فال بکیری از مصحف نماز جعفر بکذار
که چهار رکعات است هر دو رکعت بیک تشهد است ویک سلام در رکعت
اول یکبار فاتحه بخوان ویکبار اذا زلزلت الارض بعد از ان پانزده
بار بکو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وبعد
رکوع کن ودر رکوع ده بار بکو سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر وبعد از انکه سر برداری از رکوع همین تسبیح را
ده بار بکو وبعد از ان سجده کن وهمین تسبیح را ده بار بکو وباز
در سجده دوم نیز همین تسبیح را ده بار بکو وبعد از انکه سر از
سجده دوم برداری همین تسبیح را ده بار بکو وبعد از انکه سر از
سجده ودر رکعت دوم یکبار فاتحه بخوان ویکبار والعادیات
ودر رکعت سیوم بعد از فاتحه اذا جاء نصر الله بخوان ودر رکعت
چهارم بعد از فاتحه یکبار قل هو الله بخوان وآن تسبیح که مذکور
شد بهمان کیفیت که در رکعت اول خواندی در رکعت دوم
وسیم وچهارم نیز بخوان ودر سجده آخر رکعت چهارم بکو

سبحان الله من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان من احصى
كل شيء علمه سبحان ذا المن والنعم سبحان ذي القدرة و
الكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي القوة
والطول اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى
الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي
تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد واهل بيته وان تفعل
بي كذا وكذا چون از نماز فارغ شوي تسبيح فاطمه زهرا بگو وبعد
از آن اين دعا بخوان يا من لا تخفى عليه اللغات ولا تشتبه
به عليه الاصوات يا من هو كل يوم هو في شأن يا مدبر الا
مور يا باعث من في القبور يا محيي العظام وهي رميم يا باطش
ذو البطش الشديد يا فعال لما يريد يا رازق الجنين والطفل
الصغير ويا راحم الشيخ الكبير ويا جابر العظم الكسير ويا مدرك
الهاربين ويا غاية الطالبين يا من لا يعلم ما في الضمير وما تكن
الصدور يا رب الارباب وسيد السادات واله الالهة
وجبار الجابرة ومالك الدنيا والاخرة يا مجري الماء في النبات
يا مكون طعم الثمار اسئلك باسمك الذي لا يقوم له شيء ولا
يقوم له ارض ولا سماء اسئلك باسمك الذي شققته من
عظمتك واسئلك بعظمتك التي اشتققتها من كبريائك التي

واسئلك بكبريائك

اشتققتها من كينونتك التي اشتققتها من جودك واسئلك بجودك
الذي شققته واسئلك بعزك الذي شققته من كرامتك
واسئلك بكرمك الذي شققته من رحمتك واسئلك التي
شققتها من حلمك واسئلك بحلمك الذي شققته من لطفك
واسئلك بلطفك الذي من قدرتك واسئلك باسمائك
كلها واسئلك باسمك المهيمن العزيز القدير على ما يشاء من
امرك يا من سمك السماء بغير عمد واقام الارض بغير سند
وخلق الخلق من غير حاجة اليهم الا افاضة لاحسانه ونعمه و
ابانة الحكمة واظهار القدرة اشهد يا سيدي انك لم
تانس بابداعهم لاجل وحشة لتفردك ولم تستعن بغيرك
على شيء من امرك اسئلك بغناك عن خلقك وبحاجتهم
اليك وفقرهم وفاقتهم اليك ان تصلي على خيرتك من خلقك
محمد واهل بيته الطيبين الراشدين وان تجعل لعبدك
الذليل بين يديك من امره فرجا ومخرجا يا سيدي صل على
محمد واله وارزقني الخوف منك والخشية يا حولي سيدي
ارحم عبدك الاسير بين يديك سيدي ارحم عبدك المرتهن
بعمله يا سيدي انقذ عبدك غريق في بحر العطايا يا سيدي
ارحم عبدك المقر بذنبه وجرءته عليك يا سيد الويل
هذا مقام المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام الفقير البائس

الحقير المحتاج الى ملك كريم ياويلتى ما اغفلني عما يرى
ادبي ياسيدي هذا مقام المذنب المستجير بعفوك
من عقوبتك هذا مقام انقطعت حيلته وخاب رجاؤه
الا منك هذا مقام الانفي الاسير هذا مقام الطريد الشريد
ياسيدي اقلني عثرتي يامقيل العثرات ياسيدي اعطني
سؤلي ارحم بدني الضعيف وجلد الرقيق الذي لاقوة له
على حر النار ياسيدي ارحمني فاني عبدك ابن عبدك
بين يديك وفي قبضتك لا طاقة لي بالخروج من سلطانك
سيدي وكيف لي بالنجاة ولاتصاب الا لديك وكيف
بالرحمة ولاتصاب الا من عندك ياإله الانبياء وولي
الاتقياء وبديع مزيد الكرامة اليك قصدت وبك انزلت
حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغيث
فاغثني وانقذني برحمتك مما اجترحت عليك سيدي
ياويلتي اين اهرب ممن الخلائق كلهم في قبضته والنواصي
كلها بيده ياسيدي منك هربت ووقعت بين يديك
متضرعا اليك راجيا لما عندك لديك يا الهي وسيدي حاجتي
التي ان اعطيتنيها لم يضرني لما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من النار سيدي قد
علمت وايقنت انك اله الخلق والملك الحق الذي لا شريك له

اعطيتنيها

ولا

ولا شريك له ياسيدي انا عبد مقر لك بوحدانيتك وبوجود
ربوبيتك انت الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا تعب
ولا نصب انت المعبود غيرك اسئلك باسمك الذي تحشر
به الموتى الى الحشر يامن لا يقدر على ذلك احد غيره واسئلك
باسمك الذي يحيي العظام وهي رميم ان تغفر لي وترحمني
وتعافيني وتعطيني وتلقيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر
على ذلك احد غيرك يامن امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون يامن احاط كل شيء علما واحصى كل شيء
عددا اسئلك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك و
نبيك وخاصتك وخالصتك وصفيك وخيرتك من خلقك
وامينك على وحيك وموضع سرك ورسولك الذي
ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا
استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر
بالاليم من عقابك اللهم فصل عليه بكل فضيلة من
فضائله وبكل منقبة من مناقبه وبكل حال من حالاته
وبكل موقف من مواقفه صلوة تكرم بها وجهه واعطه الدرجة
والوسيلة والرفعة والفضيلة اللهم شرف في القيامة
مقامه وعظم بنيانه واعل درجته وتقبل شفاعته في
امته واعطه سؤله وارفعه في الفضيلة الى غايتها اللهم

اهل

صل على نبيه ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنائك في
خلقك واصفيائك في عبادك وحججك في ارضك ومنار
في بلادك الصابرين على بلائك الطالبين رضاك الموفين
بعهدك غير شاكين فيك ولا جاحدين في عبادتك
واوليائك وسلائل اوليائك وخزان علمك والذين
جعلتهم مصابيح الهدى ونور الدجى عليهم صلواتك و
رحمتك ورضوانك اللهم صل على محمد وال محمد وعلى
منارك في عبادك الداعي اليك باذنك القائم بامرك المؤدي
عن رسولك عليك واله السلام اللهم اذا اظهرته فانجز
له ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه
افضل امله واعطه سؤله وجدد به عن
واهل بيته بعد الذل الذي قد نزل بهم بعد نبيك فصاروا
واستولين مطرودين مشردين خائفين غير امنين
لقوا في جنبك الاذى ابتغاء مرضاتك وطاعتك والتكذيب
فصبروا على ما اصابهم فيك راضين بذلك مسلمين لك
في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم عجل فرج قائمهم
بامرك وانصره دينك الذي غير وبدل وجدد به ما انمحى
وبدل بعد نبيك صلى الله عليه واله وسلم اللهم صل على
جميع المرسلين والنبيين الذين بلغوا عنك الهدى واعتقدوا

لك

لك المواثيق بالطاعة اللهم صل على محمد عليهم وعلى ارواحهم
واجسادهم والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم
صل على ملائكتك المقربين واولوا العزم من انبيائك
وعبادك الصالحين برحمتك يا ارحم الراحمين واعطني
سؤالي في دنياي واخرتي يا ارحم الراحمين اللهم كما
دعوتك لنفسي لا لعاجل الدنيا واجل الاخرة فاعطه
جميع اهلي واخواني فيك وجميع شيعة ال محمد المستضعفين
في ارضك بين عبادك الخائفين منك الذين صبروا على الاذى
والتكذيب فيك وفي رسولك واهل بيته عليهم السلام افضل
ما يأملون واكفهم ما اهمهم يا ارحم الراحمين وبعد از ان
مصحف بر دارد و قصد بر ظهور صاحب الزمان كند در اول نوبت
و نوبت دوم كه براى خود فال بگيرد نيز اين قصد كن و بعد از ان
بگو اللهم ان كان في قضائك وقدرك ان تفرج عن وليك
وحجتك في خلقك في عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا
راس اية من كتابك نستدل بها على ذلك و بعد از ان بگشايد
مصحف را و هفت ورق بشمرد و از پشت ورق هفتم ده سطر
بشمرد و نظر در ان چيزى كه مى آيد در سطر يازدهم و بعد از ان
همين كار كند براى خود بدرستى كه ظاهر ميشود حاجت تو
انشاء الله تعالى و منقولست از كتاب تهذيب الاحكام كه گفت

يَسْمَعُ فَقي که کفتم بابي عبدالله عليه السلام که کاهي جيزي ميکنم
واستخاره ميکنم دران جيز بخدايتعالی و توفيق نميابد
فکرمن که انرا بکنم آنحضرت کفت وقتي که برخيزي براي نماز
وان وقتي است که شيطان دور مي شود از آدمي نظر کن که
جه جيز در دل تو مي افتد پس آنجيز را در دل خود نکاه دار و
بکشا مصحف و نظر کن باول جيزيکه مي بيني در مصحف پس انکار
کن وکفت امير المومنين علي عليه السلام انکسي که خواهد
بيرون رود از خانه خود نکين انکشتر را بجانب کف دست وسوره
اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند و بعد ازان بکويد اٰمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لا
شَرِيكَ لَهُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى نَبِيِّهِمْ نه بيند دران روز
هيج مکروهي   کفت سماعة بن مهران که ابو
عبدالله عليه السلام فرمود وقتي که شما بيمار شويد طبيب
مي طلبيد و جيزي ميدهيد باو و هرکاه حاجتي داريد
بسلطان رشوت ميدهيد و دربانان سلطانرا نيز جيزي
ميدهيد پس اکر شما را کاري سختي پيش آيد بايد که جزع
کنيد بخدايتعالی و طهارت کنيد و جيزي بصدقه بدهيد
خواه کم باشد و خواه بسيار و بعد ازان بمسجد برويد و
دو رکعت نماز بکذاريد و حمد و ثناي خدايتعالی بکوييد
وصلوة بفرستيد بر نبي وال او عليهم السلام و بعد ازان

بکويد

بکويد اَللّٰهُمَّ ان عافيتني مِمَّا اَخَافُ مِنْ کذا وکذا نام آنجيز
ببريد که ازو مي ترسيد بدرستي که جون جنين کنيد
خدايتعالی شما را نجات ميدهد   ديکر براي
حاجت جون حاجتي داشته باشي وقتي که نصف شب شود
غسل کن و دو رکعت نماز بکذار و در رکعت اول بعد از فاتحه
با صد مرتبه قل هو الله بخوان و در رکعت دوم بعد از فاتحه
سوره حشر بخوان لَا يَسْتَوِي اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمُ الْفَائِزُونَ لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ   هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللهُ الْخَالِقُ
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ   هُوَ الَّذِي خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

لو

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَی اللهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ یُولِجُ
اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَهُوَ عَلِیمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ وبعدازان رکوع وسجود کن وتشهد
بخوان وثنا بکو خدایتعالی که حاجت تو برآورده میشود
واکر حاجت تو برآورده نشود مرتبهٔ دیکر این کار بکن و
اکر مرتبهٔ دوم برآورده نشود مرتبهٔ سیم این کار بکن
دیکر برای حاجت کفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی ترا حاجت ضروری باشد بخدایتعالی روز چهارشنبه
وپنجشنبه وادینه این سه روز پی درپی روزه بکیر جون
روز ادینه شود غسل کن وجامهٔ پاک بپوش وبلندترین
بام سرای خود بالا رو ودر آنجا دو رکعت نماز بکذار و
بردار دست خود را بجانب آسمان وبکوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَحْلَلْتُ
بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِی بِوَحْدَانِیَّتِكَ وَصَمَدَانِیَّتِكَ وَاَنَّهُ لَا قَادِرَ
عَلٰی حَاجَتِی غَیْرُكَ فَقَدْ عَلِمْتُ یَا رَبِّ اَنَّهُ كُلَّمَا تَظَاهَرَتْ
نِعَمُكَ عَلَیَّ اَشْتَهَدَتْ فَاقَتِی اِلَیْكَ وَقَدْ طَرَقَنِی هَمُّ كَذَا وَاَنْتَ
بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ وَاسِعٌ غَیْرُ مُتَكَلِّفٍ وَاَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِی وَضَعْتَهُ عَلَی الْجِبَالِ فَنُسِفَتْ وَعَلَی السَّمَاءِ
فَانْشَقَّتْ وَعَلَی النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ وَعَلَی الْاَرْضِ فَسُطِحَتْ
وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الَّذِی جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ اَنْ تُصَلِّیَ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ حَاجَتِی وَاَنْ تُیَسِّرَ لِی عُسْرَهَا
وَتَكْفِیَنِی مُهِمَّهَا فَاِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ
الْحَمْدُ غَیْرُ جَائِرٍ فِی حُكْمِكَ وَلَا مُتَّهَمٍ فِی قَضَائِكَ وَلَا حَائِفٍ
فِی عَدْلِكَ وبعدازان روی خود را بر زمین بنه وبکو اللهم ان
یونس بن متی عَبْدَكَ دَعَاكَ فِی بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ
اَنَا عَبْدُكَ اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ وبعدازان کفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی که مرا حاجتی باشد این عمل بجا آورده واین دعا میخوانم
حاجت من برآورده میشود
برای حاجت
کفت امام موسی علیه السلام که هرکاه ترا کاری عظیم پیش
آید تصدق کن در آن روز شصت مسکین بهر مسکین نصف
صاعی بصاعی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم از خرما
یا کندم یا جو پس هرکاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب
وبعدازان دو رکعت نماز بکذار ودر رکعت اول فاتحه وقل
هو الله بخواند ودر رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و
جون در رکعت آخر سر بسجده بنهد لا اله الا الله بکوید وپاکی
وبزرکی یاد کند خدایتعالی را وبعدازان یاد کند خود را واقرار
کند بتمام کناهان خود آنچه داند وآنچه نداند وبعدازان سر
خود را از سجده بردارد جون سر بسجدهٔ دوم بنهد صد بار
بکوید اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَجِیرُكَ بِعِلْمِكَ وبعدازان بخواند خدایتعا

بانچه میخواهد از نامهای او و بعد از ان بکوید یا کائن قبل کل
و یا مکون کل شئ یا کائن کل شئ افعل بی کذا و کذا یعنی
حاجت خود را نام برد و هر کاه استخاره کنی هر دو زانوی
خود را بر زمین بنه و بردار تا انکه برهنه شود هر دو زانوی
تو و لنك را از میان ران خود بکذران بدرستی که هر کاه چنین
کنی امید می دارم که بر آورده شود حاجت تو و ابتدا کن بصلوة
بر پیغمبر و آل او علیهم السلام دیکر برای حاجت کفت حضرت
امام رضا علیه السلام وقتی که اندوه کین سازد ترا کاری
دو رکعت نماز بکذار در رکعت اول فاتحه و ایة الکرسی بخوان
و در رکعت دوم بعد از فاتحه انا انزلنا بخوان و بعد از ان بکیر
مصحف را و بردار بالای سر خود و بکو اللهم بحق من ارسلته
الی خلقك و بحق کل ایة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیك
و لا نعرف احدا اعرف بحق منك و ده بار بکو یا سیدی
یا مولای الله و ده بار بکو بحق محمد و ده بار بکو بحق علی و ده
بار بکو بحق فاطمه و نام هر یك از ائمه را بکیرد باین طریق تا صاحب
الزمان برسی بدرستی که هر کاه چنین کند هنوز از جای خود
برنخواسته باشی که خدا تعالی حاجت ترا بر آورد
برای حاجت کفت مقاتل که کفتم بامام رضا علیه السلام که فدای
تو کردم دعائی بیاموز بمن بجهت بر آمدن حاجت آن حضرت

کفت هر کاه ترا حاجت ضروری باشد بخدا تعالی غسل کن و
جامهٔ پاك بپوش و چیزی از بوی خوش بکار برد و برود
جای که میان تو و آسمان حائلی نباشد و دو رکعت نماز بکذارد
باین کیفیت که افتتاح بنماز و یکبار فاتحه و پانزده بار قل هو الله
بخواند بطریق نماز تسبیح بکذارد این نماز را و فرق میان تسبیح
که انرا نماز جعفر میکویند و کیفیت کذاردن از پیش کذشت
که درین نماز قل هو الله را بخوان پانزده بار بعد از فاتحه و در
رکوع و در سجود و بعد از سجود و از نماز تسبیح بعد از سوره پانزده
بار تسبیح میباید کفت و همچنین بعد از رکوع و در سجود و بعد
از سجود ده بار تسبیح می باید کفت چون فارغ شوی از نماز سجده
کن و در سجده بکو اللهم ان کل معبود من لدن عرشك الی
قرار ارضك فهو باطل سواك فانك انت الحق المبین اقض لی
حاجة کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه کن در ان چیز
که بخواهی چون حاجت تو بر آورده شود نماز شکر بکذار
در بیان نماز شکر روایت کرده است هرون
بن خارجه که ابو عبد الله علیه السلام کفت اول فاتحه و قل
هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
بخوان و در رکوع و سجود رکعت اول بکو الحمد لله شکرا شکرا
و حمدا و در رکوع و سجود رکعت دوم الحمد لله الذی استجاب دعائی

واعطانی مسئلتی و منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت
امام جعفر صادق ع که عافیت نعمتی است پنهانی یعنی مردمان
غافلند از عافیت و قدر او را نمی دانند پس هرگاه عافیت داری
فراموش میکنی ازو و هرگاه عافیت نداری یاد میکنی او را
و عافیت نعمتی است که عاجزند مردمان از شکر گفتن آن و
گفت امام زین العابدین علیه السلام که انکسی که الحمد لله
بگوید بدرستی که بجا آورده است شکر هر نعمتی را که خدای تعالی
باو داده است

عفو هرگاه بیابی در نفس خود اندوهی

دران وقت نماز بگذار و این نماز دو رکعتست و در هر رکعت
بعد از فاتحه انا انزلنا بعد از قرأت پانزده نوبت بگو ربی عفوک
عفوک و بعد ازان رکوع کن و در رکوع ده بار بگو همین را و
تمام کن این دو رکعت را مثل نماز جعفر که در پیش گذشت

بجهت وسوسه نفس گفت امام جعفر صادق ع

هر مومنی که چهل صباح برو بگذرد البته وسوسه در نفس او
پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و پناه جوید بخدای
تعالی بوسوسه نفس خود و نیز گفت که شکایت کرد حضرت آدم
علیه السلام از وسوسه نفس خود پس جبرئیل علیه السلام
از وسوسه نفس خود فرود آمد و گفت بگو لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم حضرت آدم گفت این کلمه را وسوسه نفس

او رفت پس گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آیت
اصل لا حول و لا قوة الا بالله یعنی بجهت این نازل شد و گفت امام
محمد باقر علیه السلام که آمد مردی نزد رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم و شکایت کرد از وسوسه نفس و از
بسیاری قرض و درویشی آنحضرت گفت بآن مرد که بگو
توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا آن مرد تکرار کرد
این را چند بار و اندک زمانی بر آمد که نزد حضرت پیغمبر آمد که
که رفت از من وسوسه نفس و ادا شد قرض من و توانگر شدم
به برکت این دعا

استغفار و طلب روزی

گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که در
معاش تو تنگی پیدا شود و در کار تو دشواری پدید آید
عرض کن حاجت خود را بخدای تعالی و نماز استغفار بگذار
و این نماز دو رکعت است باین کیفیت که تکبیر احرام بگو و در
هر رکعت فاتحه و انا انزلنا بخوان و بعد از قرائت پانزده بار
استغفر الله بگو و رکوع کن و ده بار بگو باز استغفر الله
و این نماز را نیز بطریق نماز جعفر بگذار تا خدای تعالی
صلاح آورد جمیع کارهای ترا ان شاء الله تعالی

بجهت کفایت مهمات گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که چون ترا مهمی بیش آید دو رکعت نماز بگذار و سلام بده
و سجده کن و حمد و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوة بفرست
بر نبی و آل او علیهم السلام و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل
اکفیانی مما انا فیه فانکما کافیان احفظانی روایتست که
انکسی که سی و پنج بار سوره انا انزلنا بر قدح آب بخواند
و بر جامه نو بیفشاند و بپوشد فراخ روزی باشد تا انکه
آن جامه کهنه شود   نماز انکسی که او را غمی و اندوه
یا حاجتی داشته باشد گفت حضرت امام رضا علیه السلام
که چون غمی برسد یا حاجتی بیش آید دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا انزلنا سیزده بار بخواند چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و بگو اللهم یا فارج الهم و یا کاشف
الضر و مجیب دعوة المضطرین و رحمن الدنیا و رحیم الآخرة
صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة یطفی بها عنی غضبک و
سخطک و تغنینی بها رحمة من سواک و بعد از آن روی راست
بر زمین بنه و بگو یا مذل کل جبار و معز کل ذلیل قد وحقک
بلغ المجهود منی فی امر کذا فرج عنی و بعد از آن روی چپ را
بر زمین بنه و همین را بگو بدرستی که حق تعالی می برد غم و
اندوه ترا و بر آورد ترا حاجت   برای رستگاری از
شدت گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که چون ترا اندیشی

بیش آید دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه و هزار بار
قل هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و یکبار قل هو الله بخوان
و بعد از آن تشهد بخوان و سلام بده و دعای فرج بخوان و دعای
فرج بخوان اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون
یا من یصفه الواصفون یا من لا تغیره الدهور یا من لا یخشی
الدوائر یا من یذوق الموت یا من یخشی الفوت یا من لا تضره
الذنوب و لا تنقصه المغفرة یا من لا یعلم مثاقیل الجبال و کیل
البحور و عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و
لا یواری منه سماء و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا
جبل ما فی وعره یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و
ما اظلم علیه و اشرق عنه النهار اسئلک باسمک المخزون
المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخصصت به لنفسک
تنفقت به اسمک فانک انت الله لا اله الا وحدک وحدک
لا شریک لک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت
و اسئلک بحق انبیائک المرسلین و بحق حملة عرشک و بحق
ملائکتک المقربین و بحق جبرئیل و میکائل و اسرافیل و
بحق محمد و عترته صلواتک علیهم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تجعل خیر عمری آخره و خیر اعمالی خواتیمها و اسئلک
مغفرتک و رضوانک یا ارحم الراحمین

براي خلاصي از غم و اندوه چون کسی با لمي و کربتی برسد باید
دو رکعت نماز بکذارد و بعد و دست بکیرد مصحف را و بلند
بردارد و بکوید اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ بِمٰا فِيهِ اِسْمُكَ الْاَكْبَرُ وَ
وَاَسْمٰائُكَ الْحُسْنىٰ وَمٰا يُخٰافُ وَيُرْجىٰ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضىٰ حاجَتي و هم حاجتی که دارد نام برد

استغاثه بحضرت فاطمه علیها السلم چون خواهی که

استغاثه کنی بحضرت فاطمه دو رکعت نماز بکذار و بعد از آن
سجده کن و صد بار بکو یا فاطمه و بعد از آن بکو یا آمِنًا مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خائِفٌ حَذِرٌ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ
مُحَمَّدٍ وان تُعْطِيَني اَمٰانًا لِنَفْسي وَاَهْلي وَمٰالي وَوَلَدي حَتّىٰ
لا اَخافُ اَحَدًا وَلا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

استغاثه چون خواهی که در شب خواب کنی بر بالاي سر خود ظرف
پاکی بنه و در و آب پاک باشد و حرقه پاک بر سر آن ظرف باشد
یعنی بپوشاند هرکاه بیدار شوي براي نماز در آخر شب سحر
از آن آب بیاشام و بعد از آن وضو کن با انچه مانده باشد از آن
آب و متوجه شو بقبله و اذان و قامت بکو و دو رکعت بکذار
و در این دو رکعت انچه میسر شود از قران بخوان چون فارغ
شوي از قرائت رکوع کن و در رکوع بیست و پنج بار بکو یا غیاث
الْمُسْتَغيثينَ و بعد از آن سر خود را از رکوع بردار و مثل این

بکو و بعد از آن سجده کن و در نیز همین را بکو و بعد از آن سر از
سجده بردار و همین را بکو و بعد از آن سجده دوم کن و مثل این
بکو و بعد از آن بنشین و همین را بکو و رکعت دوم نیز همین کیفیت
بجا آر و سلام بده پس تو در این سیصد بار که کفتی یا غیاث
المستغیثین و بعد از آن بردار سر خود را و متوجه آسمان شو
و سی بار بکو مِنَ الْعَبْدِ الذَّليلِ اِلَى الْمَوْلَى الْجَليلِ و ذکر کن حاجت
خود را بدرستی که زود حاجت تو بر آورده میشود

براي فریاد رسیدن کفت ابو عبد الله علیه السلم

وقتی که شما را استغاثه باشد بخدا یتعالی باید که دو رکعت
نماز بکذارید و بعد از آن سجده کنید و در سجده بکوئید که یا
مُحَمَّدُ يٰا رَسُولَ اللهِ يٰا عَلِيُّ يٰا وَلِيَّ اللهِ يٰا سَيِّدَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ
بِكُمٰا اَسْتَغيثُ اِلَى اللهِ يٰا مُحَمَّدُ يٰا عَلِيُّ اَسْتَغيثُ بِكُمٰا يٰا غَوْثٰاهُ يٰا
اللهُ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفٰاطِمَةَ و نام ائمه علیهم السلم یک یک بکوید
تا صاحب الزمان و بعد از آن بکوئید بکم اَتَوَسَّلُ اِلَى اللهِ جَلَّ
وَعَزَّ بدرستی که چون چنین کنی در ساعت بفریاد تو میرسند
باذن خدایتعالی براي دفع ضرر و درویشي دو رکعت نماز
بکذارد و بعد از نماز سجده کند و در سجده بکوید يٰا مٰاجِدُ يٰا
وٰاجِدُ يٰا اَحَدُ يٰا كَريمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يٰا رَسُولَ
اللهِ اِنّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْئَلُكَ يٰا الله

ان تصلي على محمد واله واسئلك نفحة من نفحاتك فتحا
ورزقا واسعا الم به شعثي واقضي ديني واستعين بها
على عيالي   كفت ابو عبدالله عليه السلام كسي راكه غم
وسختي برسد بايدكه غسل كند ودو ركعت نماز بكذارد وبعد
ازان بر پهلو بخوابد وروي راست خود بنهد وبكويد يا معز كل
ذليل يا مذل كل عزيز وحقك لقد شق علي كذا وكذا يعني نام
برد آن غم وسختي راكه باو رسيده است
بجهت طلب
ياري براي دفع دشمن كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه
جون خواهي كه دفع دشمن كني وضو بساز هر وقتي كه خواهي
بعد ازان دو ركعت نماز بكذار جون فارغ شوي از نماز روي
خود را بر زمين بنه وبكو يا رباه تا انكه نفس منقطع شود
وبعد ازان بكو يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح
من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكات اهوى
فغشيها ما غشي ان كان فلان بن فلان يعني نام انكسي دشمن تو است
ونام پدر او را بكو ظالما فيما ان تكفيني به فاجعل عليه منك
وعدا ولا تجعل له في علمك نصيبا يا اقرب الاقربين
نماز مظلوم بجهت دفع ظالمي كه بر وظلم كرده است
جون ظالمي ظلم كند بر تو وضو بساز ودو ركعت نماز بكذار
وسر خود را بردار بجانب آسمان وبكشا دستهاي خود را وبكو

اللهم

اللهم رب محمد وال محمد واهلك عدوهم اللهم ان فلان
بن فلان يعني نام آن ظالم ونام پدر او را بكو قد ظلمني ولا
احد من اصول به غيرك فاستوف منه ظلامتي الساعة
الساعة بحق من جعلنا له عليك حقا وبحق عليهم الا
فعلت ذلك يا مخوف الاحكام والاخذ يا مرجوب البطش
يا مالك الفضل   بجهت انتقام كشيدن از ظالم
كفت ابو عبدالله عليه السلام هر كاه خواهي كه انتقام بكشي
از ظالم بجهت ظلمي كه بر تو كرده است دعاء بد مكن بر ظالم بدرستي كه
هر كاه مظلوم بر ظالم دعاء بد كند ظالم ميشود وليكن هر كاه كسي
ظلم كند بر تو غسل كن ودو ركعت نماز بكذار در جائي ميان تو
وآسمان خالي نباشد وجون از نماز فارغ شوي بكو اللهم ان فلان
بن فلان يعني نام ظالم ونام پدر او را بكويد وبعد ازان بكو انه
ظلمني وليس لي احد اصول به غيرك فاستوف لي ظلامتي الساعة
الساعة بالاسم الذي سالك به المضطر فكشفت ما به من ضر
ومكنت له في الارض وجعلته خليفتك على خلقك
فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تستوفي لي ظلامتي
الساعة الساعة بدرستي كه هر كاه جنين كني بي درنك مقصود
تو حاصل شود   ديكر براى انتقام كشيدن كفت
يونس بن عمار كه شكايت كردم نزد ابي عبدالله عليه السلام

از مردی که ایذا میکرد مرا آنحضرت کفت دعای بد کن او را
کفتم دعاء بد کردم اثر نکرد آنحضرت کفت که طریق دعاء بد
کردن بر ظالم جنین نیست بلکه از کناهان خود توبه کن و روزه
بدار و نماز بکذار و صدقه بده پس جون آخر شب شود وضو
بساز و دو رکعت نماز بکذار و بعد از نماز سجده کن و در سجده
بکو اللّٰهُمَّ اِنَّ فلان بن فلان یعنی نام ظالم و پدرش را بکوید و
این دعا بخواند قَدْ آذانی اَللّٰهُمَّ اَسْقِمْ بَدَنَهُ وَاقْطَعْ اَثَرَهُ
وَانْقُصْ اَجَلَهُ وَعَجِّلْ لَهُ ذٰلِكَ فی عامِهِ هٰذا یونس بن عمار کفت
که جنین کردم پس درنک نشد که آنکس هلاک شد

بجهت دفع دشواری کفت ابو عبد الله علیه السلام
وقتی که دشوار شود بر تو دو رکعت نماز بکذار وقت زوال
و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله و رکعت دوم فاتحه و الم
نشرح بخوان و این مجربست برای دفع دشواری

بجهة مهمات کفت امام حسین علیه السلام هرکاه مهمی داشته
باشد جهار رکعت نماز بکذار و نیکو بجای آر قنوتها و ارکان
آن نماز را و در رکعت اول یکبار فاتحه بخوان و هفت بار حَسْبُنَا
اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ و در رکعت دوم بعد از فاتحه هفت مرتبه ما شاءَ
اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مالًا وَوَلَدًا و در
رکعت سیوم یکبار فاتحه و هفت کرة لا اله اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ

اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ و در رکعت جهارم بعد از فاتحه هفت
بار وَاُفَوِّضُ اَمْری اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصیرٌ بِالْعِبادِ و بعد از آن
حاجت خود را طلب کن

کسی که او را مصیبتی
رسیده باشد باید که جهار رکعت نماز بکذارد و در هر رکعت
بعد از فاتحه هفت بار قل هو الله و یک مرتبه آیة الکرسی و وقتی
که سلام دهد بکوید صلی الله عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ الَّذی
وآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
بکوید بدرستی که آنکسی که جنین کند بدهد خدای تعالی
آنجه وعده کرده است باهل معصیت

بجهت طلب
روزی کفت حضرت پیغمبر صلی الله عَلَیْهِ و آله وسلم که جبرئیل
کفت که برای طلب روزی دو رکعت نماز بکذار و در رکعت
اول یکبار فاتحه و سه بار اِنّا اَعْطَیْنا و سه مرتبه قل هو الله و در
رکعت دوم بعد از فاتحه سه بار قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه
قل اعوذ برب النّاس

بجهت دفع درویشی
کفت مبشر بن عبد العزیز که کفت بودم نزد ابی عبد الله ع
که در آمد یکی از اصحاب او و کفت با آنحضرت که فدای تو کردم
بدرستی که من مرد درویش و محتاجم بیاموز بمن جیزی که
از درویشی خلاص شوم آنحضرت کفت با او روز جهارشنبه
و پنجشنبه و جمعه روزه بکیرد جون جاشت روز جمعه شود

زیارت کن رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بر بالای خانهٔ
خود یا در صحرائی که کسی ترا نه بیند وبعد از ان دو رکعت
نماز بگذار وبعد از ان زانوهای خود را برهنه کن وبر زمین بنه
ومتوجه قبله شو دست راست را بر بالای دست چپ بنه
وبگو اللهم انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا
فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل لي من
امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا
احتسب وبعد از ان روی خود را بر زمین بنه وبگو یا مغیث
اجعل لي رزقا من فضلك پس هر گاه چنین کنی بدرستی که خدا
تعالی روز شنبه تو روزی دهد وروایتست که هر گاه اهل بیت
درویش میشدند آنحضرت میگفت که ای اهل بیت من نماز
بگذارید مراد از مبا الغراست   پدر برای فرزند واین
چهار رکعتست در رکعت اول فاتحه یکبار وده بار بگو که رب
اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا وتقبل دعائي ربنا
اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ودر رکعت دوم
بعد از فاتحه ده مرتبه ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا
قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ودر رکعت سیم یکبار فاتحه
بخواند وده مرتبه رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت
علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في

ذريتي

ذريتي اني تبت اليك واني من المسلمين پس وقتی که سلام دهد
ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين
واجعلنا للمتقين اماما   فرزند برای پدر و
مادر واین نماز دو رکعتست در هر رکعت اول بعد از فاتحه
ده بار ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب
ودر رکعت دوم یکمرتبه فاتحه بخواند وده کرت ربنا اغفر لي
ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين وللمؤمنات
پس وقتی که سلام دهد ده بار بگوید رب ارحمهما كما ربياني
صغيرا   برای پدر ومادر واین نماز دو رکعتست
در هر رکعت بعد از فاتحه بیست بار بخواند رب ارحمهما كما ربياني
صغيرا چون فارغ شود از نماز سجده کند وده بار بخواند همین
آیه را که مذکور شد   بجهت توانگری واین نماز
دو رکعتست در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند وده بار قل اللهم ما
لك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء
قدير وقتی که سلام دهد ده بار بگوید رب اغفر وارحم وانت
خير الراحمين وده بار بگوید اللهم صل على محمد وال محمد
وبعد از ان سجده کند ودر سجده بگوید رب اغفر لي وهب لي
ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب

بجهت توانگری واین نماز نیز دو رکعتست در هر رکعتی فاتحه
یکبار وسوره لایلاف پانزده بار بخواند وسلام دهد ده مرتبه
صلوات بفرستد بر نبی وال او علیهم السلام وبعد از ان سجده
کند ودر سجده ده بار بگوید اللهم اغننی بفضلك عن
خلقك   بجهت ادای قرض این نماز چهار رکعتست
در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند وده بار قل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس وده بار قل یا ایها الکافرون وده
وده بار این ایتهارا که امن الرسول بما انزل الیه من ربه
والمؤمنون کل امن بالله وملائکته وکتبه ورسله لانفرق
بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا والیك
المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها
ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا
تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا
ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا
فانصرنا علی القوم الکافرین وچون سلام دهد ده بار بگوید
سبحان الله ابدا لابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله
الفرد الصمد سبحان الله الذی رفع السموات بغیر عمد
ترونها المنفرد صاحبة ولا ولدا ودر رکعت سیوم یکبار فاتحه
بخواند وسه بار سوره الهکم التکاثر وسه بار سوره والعصر وسه

مرتبه سوره انا اعطینا ودر رکعت چهارم یکبار بخواند فاتحه
وسه بار انا انزلنا وسه بار سوره اذا زلزلت الارض چون سلام
دهد سجده کند ودر سجده هفت بار بگوید اللهم انی اسئلك
التیسیر فی کل عسیر فان تیسیر العسیر علیك یسیر وبعد از ان
سر خود را از سجده بردارد وده بار بگوید فلله الحمد رب
السموات والارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم   بجهت دفع
گرسنگی گفت ابو عبد الله علیه السلام که انکسی که گرسنگی
باشد باید که دو رکعت نماز بگذارد وبگوید رب اطعمنی فانی
جائع بدرستی که چون چنین کند خدا تعالی در ساعت باو
طعام برساند ونیز گفت که دعای مرد غایبانه برادر مومن زیاده
می کند روزی او ودفع میکند بلا را ونیز گفت که آمد حضرت
فاطمه نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم شکایت کرد
از گرسنگی آن سرور بحضرت فاطمه گفت بگو یا مشبع الجوعة
ویا رافع الوضعة لا تجع فاطمة بنت محمد   بجهت
زیاده شدن روزی روایتست که آمد مردی نزد رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم وگفت یا رسول الله من عیال
بسیار دارم وقرض نیز دارم واحوال بسختی میگذرانم دعای
بیاموز مرا که هر گاه بخوانم آن دعا را خدا تعالی آنقدر چیزی

میدهد بمن که قرض خود ادا کنم و معاش عیالان خود بگذرانم
آنحضرت فرمود که ای بندهٔ خدا وضو نیکو بساز و
بعد از ان دو رکعت نماز بکذار و در رکوع و سجود راینکو بجا
آر و بعد از ان بکو یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه الیک بمحمد
نبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله
ربی و ربکما و رب کل شیء واساله ان تصلی علی محمد و
علی اهل بیته واسئلک نفحة کریمة من نفحاتک فتحا یسیرا
ورزقا واسعا الم به شعثی واقضی به دینی واستعین به علی
عیالی دیکر برای حاجت کفت ابو عبد الله
علیه السلم کسی که حاجت داشته باشد چون ثلثی از شب بکذرد
برخیزد و دو رکعت اول فاتحه و سورهٔ تبارک بخواند و در رکعت
دوم فاتحه و سورهٔ حم سجده بخواند و بعد از ان رو بقبله
کن و بکو یا رب قد نامت العیون و غارت النجوم وانت الحی
القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم لن نواری عنک لیل داج ولا
سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا بحر لجی ولا
ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الاسرار و غیاث المستغیثین
برحمتک استغیث فصل علی محمد واله واقض لی حاجة کذا
کذا یعنی حاجت خود را نام برد ولا تردنی خایبا ولا محروما
یا ارحم الراحمین بدرستی که این نماز بجهت بر آوردن حاجتها

بجهت

میمون الکسی که دستکیری میکند بجهت دفع سختی
کفت حضرت امام موسی علیه السلام وقتی ترا سختی پیش آید
نماز بکذار انچه میخواهی از قران بخوان چون فارغ شوی از
نماز روی خود را بر زمین بنه و سه بار بکو یا قوة کل ضعیف
یا مذل کل جبار قد وحقک و بلغ خوفک مجهودی
ففرج عنی و بعد از ان روی راست بر زمین بنه و سه بار
بکو یا مذل کل جبار یا معز کل ذلیل قد وحقک اعیا صبری
ففرج عنی و بعد از ان روی چپ را بر زمین بنه و سه بار
بکو اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک
باطل الا وجهک تعلم کربتی ففرج عنی و بعد از ان بنشین
و سه بار آهسته بکو اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم
الخالق البارئ الممیت المبدئ البدیع لک الکرم ولک الحمد
ولک المن ولک الجود وحدک لا شریک یا واحد یا احد یا صمد
یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله ربی
و بعد از ان بکو صل علی محمد وال محمد الصادقین وافعل لی کذا وکذا
مظلوم برای ظالم چون کسی بر تو ظلم کند دو رکعت
نماز بکذار و هرچه از قرآن میخواهی بخوان در این دو رکعت و صلوات
بفرستد بر محمد وال او علیهم السلام انقدر که میتوانی و بکو
اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی

وَجَزَعِي لَا يَبْلُغَانِ بِيَ الصَّبْرَ عَلَى أَنَاتِكَ وَحِلْمِكَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ فُلَا
یعنی نام آن ظالم را بکو ظَلَمَنِي وَاعْتَدَى عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلَى ضَعْفِي
فَأَسْئَلُكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَقَاصِمَ الْجَبَابِرَةِ وَنَاصِرَ الْمَظْلُومِينَ أَنْ
تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

دیکر برای ظالم کفت حسن صفار که کفتم
یکی از ائمه معصومین علیه السلام که فلان ظلم کرد بر من آنحضرت
کفت که نیکو وضو بساز و دو رکعت نماز بکذار و بعد از آن بکو
اللَّهُمَّ إِنِّي مَظْلُومٌ فَانْتَصِرْ و خاموش شو زود خدا یتعالی او را
یاری کند

برای مهمات روایتست که امام زین
العابدین علیهم السلام وقتی که اندوکین میساخت او را پاک
ترین جامهای خود می پوشید و وضوی نیکو میکرد و بر بام
سرای خود میرفت و چهار رکعت نماز میکذارد و در رکعت اول
فاتحه و اذا زلزلت الارض میخواند و در رکعت دوم فاتحه و اذا
جاء نصر الله و رکعت سیوم بعد از فاتحه قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
و رکعت چهارم فاتحه و قل هو الله احد میخواند و بعد از آن بر میداشت
هر دو دست خود را بجانب آسمان و کفت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا دُعِيتَ بِهَا عَلَى أَبْوَابِ السَّمَاءِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا
دُعِيتَ عَلَى مَضَائِقِ الْأَرَضِينَ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَأَسْئَلُكَ
بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا دُعِيتَ بِهَا عَلَى أَبْوَابِ الْعُسْرِ لِلتَّيْسِيرِ تَيَسَّرَتْ

وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا دُعِيتَ بِهَا عَلَى الْقُبُورِ انْتَشَرَتْ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي راوی میکوید
بحق خدای که امام زین العابدین از جای خود بر نمی خواست تا
آنکه بر آورده میشد حاجت او

دیکر بجهت
مهمات کفت امام جعفر علیه السلام هرگاه مهمی داشته باشی
دو رکعت نماز بکذار بهر کیفیت که میخواهی و بعد از نماز بکو
اللَّهُمَّ أَثْبِتْ رَجَاكَ فِي قَلْبِي وَاقْطَعْ رَجَاكَ مِنْ سِوَاكَ
حَتَّى لَا أَرْجُوا إِلَّا إِيَّاكَ وَلَا أَثِقَ إِلَّا بِكَ

بجهت طلب فرزند
کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام وقتی که فرزند میخواهی وضو
نیکو بساز و دو رکعت نماز بکذار و ارکان نماز را نیکو بجای آر
و بعد از نماز سجده کن و در سجده بکو استغفر الله و بعد از آن
بزن خود مجامعت کن و در مجامعت بکو اللَّهُمَّ أَنْ تَرْزُقَنِي
وَلَدًا لَأُسَمِّيَنَّهُ بِاسْمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و کفت
امیر المؤمنین علیه السلام آنکسی که چنین کند خدا یتعالی او را
فرزند میدهد بدرستی که من امر کردم ترا بوضو ساختن زیرا که
خدا یتعالی فرموده است که وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ یعنی خدا یتعالی
دوست میدارد پاکانرا و امر کردم بنماز کذاردن زیرا که شنیدم
از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ میکفت که نزدیکی
بنده بخدا یتعالی حاصل میشود وقتی که بنده در رکوع و سجود

بالسجود باشد در هیچ وقت دیگر نمیشود و امر کردم ترا باستغفار
زیرا که خدای تعالی گفته که استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین یعنی
آمرزش طلبید از پروردگار خود بتوبه بدرستی که خدای تعالی
آمرزنده توبه کنندگان است و چون شما توبه و استغفار کنید
میفرستد برابر شما بارندگی در پی و مدد کند شما را بمالها
و فرزندان و نیز خدای تعالی فرموده است به پیغمبر خود که ان تستغفر لهم
سبعین مرة فلن یغفر الله لهم یعنی اگر آمرزش طلبی برای ایشان
هفتاد بار پس آمرزش نمی کند خدای تعالی ایشان را هرگز پس امر کردم
ترا که زیاده از هفتاد نوبت استغفار کنی بجهت کسی که
میترسد از ظالم گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام هرگاه ترسی
داشته باشی از ظالمی غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و روبرهنه
کن زانوهای خود را نزدیک بجائی که سجده میکنی و صد بار
بگو یا حی یا قیوم یا حی یا لا اله الا انت برحمتک استغیث
فصل علی محمد وآل محمد وان تلطف لی وان تغلب لی وان تمکر لی
وان تخدع لی وان تکفینی مؤنة فلان یعنی نام آن ظالم را
بگوید بلا مؤنة بدرستی که این دعائیست که حضرت پیغمبر
در روز احد خوانده است بجهت کفایت مهمات گفت
ابو عبدالله الحسین بن محمد السروفری انکسی که او را حاجتی باشد

بخدای تعالی باید که غسل کند در شب جمعه بعد از نصف
شب و باید بجای نماز خود و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد [بار]
بگوید و در مرتبه صدم تا آخر بخواند و بعد از آن یکبار قل
هو الله بخواند و رکوع و سجود کند و در هر یک از رکوع و سجود
هفت بار تسبیح بگوید و رکعت دوم نیز بهمین کیفیت بجای
آرد و بعد از آن این دعا بخواند البته خدای تعالی حاجت او را
بر آورد هر چه باشد مگر قطع رحم دعا اینست اللهم ان اطعتک
فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة لک منک الروح ومنک
سبحان من انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی ان کنت
قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو
الایمان بک لم اتخذ لک ولدا ولم ادع لک شریکا منا منک
به علی لا منا منی به علیک وقد عصیتک یا الهی علی غیر
وجه المکابرة ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک
ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان
فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانک
جواد کریم یا کریم یا کریم چندان بگوید که نفس منقطع
شود و بعد از آن بگوید امنا من کل شیء منک ان تصلی علی
محمد وآله وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسائر

ما انعمت به علی حتی لا اخاف احداً ولا احذر من شیء ابداً
انک علی کل شیء قدیر حسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابرهیم
ونمرود ویا کافی موسی وفرعون اسئلک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تکفینی شر فلان بن فلان یعنی نام ظالم ونام پدر
اورا بگوید وتستکفینی شر من یخاف شره وبعد ازان سجده
کند وطلب نماید حاجت خودرا از خدای تعالی وتضرع وزاری
کند بدرستی که روایتست هر مومنی ومومنه که این نماز را
بگذارد واین دعا بخواند از روی اخلاص گشاده شود درها
های آسمان بجهت اجابت دعای او ودعای او مستجاب شود
درهمان وقت یا در شب آینده هرچه باشد واین اجابت دعا از
فضل خدای تعالی است بر ما که اهل بیتیم وبر مردمان

نماز بجهت زیاده شدن فهم ونیکو شدن حافظه روایت کرده
است سدیر از امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهم السلام
که بزعفران بنویس فاتحه وآیة الکرسی وسورة انا انزلناه ویس
واذا وقعت وحشر وسبح لله وتبارک وقل هو الله وقل اعوذ
برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بر ظرفی پاک وبعد ازان
بشوی آنرا باب زمزم یا باب باران یا باب پاکی وبعد ازان
در آب مثقالی شیر بریزد وده مثقال شکر وده مثقال عسل
وبعد ازان ظرف را در زیر آسمان بنه وآهن بر سر او بنه و

بعد

بعد ازان در آخر شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی یکبار
فاتحه وپنجاه بار قل هو الله چون فارغ شوی از نماز آن آبرا بیاشام
بدرستی که نیکو مجربست برای حفظ

نماز بجهت حفظ

قرآن چون خواهی قرآن حفظ کنی چهار رکعت نماز بگذارد در روز
جمعه یا در شب جمعه در رکعت اول فاتحه ویس ودر رکعت
دوم فاتحه وحم دخان بخوان ودر رکعت سیوم فاتحه
وحم سجده بخوان ودر رکعت چهارم فاتحه وتبارک بخوان
چون سلام دهی حمد وثنای بگو خدای تعالی را وصلوات بفرست
بر پیغمبر او علیهم السلام وصد بار استغفار کن برای مومنان
باین طریق که اللهم اغفر للمؤمنین وبعد ازان بگو اللهم ارحمنی
بترک معاصیک ابداً ما ابقیتنی وارحمنی من ان اتکلف طلب
ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام والعزة التی
لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک باهلک بجلالک وبنور وجهک
ان تنور بکتابک بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح
صدری وتستعمل به بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه
فانه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق له الا انت ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم

بجهت کم شدن ودعای

آن گفت جابر انصاری که حضرت پیغمبر آموخت این دعا را بامیر

المؤمنين علي عليه السلام وحضرت فاطمه عليها السلام وگفت
كه هرگاه بشما مصيبتي برسد يا بترسيد از جور سلطان يا حجز
كم شود وضو بسازيد ودو ركعت نماز بگذاريد وبرداريد دست
خود بجانب آسمان وبگوييد يا عالم الغيب والسرائر يا مطاع
ويا عليم يا الله يا الله يا الله يا هازم الاحزاب لمحمد يا كائد
فرعون لموسى يا منجي عيسى من ايدي الظلمة يا مخلص قوم
نوح من الغرق يا راحم عبده يعقوب يا كاشف ضر ايوب
يا منجي ذا النون من الظلمات يا فاعل يا هادي الى كل خير
يا آمر بكل خير يا خالق الخير انت الله رغبت اليك فيما قد علمت
وانت علام الغيوب واسئلك ان تصلي على محمد وآل
محمد وبعد از ان طلب كنيد حاجت خود را كه مستجاب ميشود
انشاء الله تعالى عملي كه ميبايد كرد وقت ديدن
ماه نو چون ببيني هلال را بانگشت شهادت دست راست بر
جبين بنويس محمد علي فاطمة الحسن الحسين تا آخر دوازده امام
وبنويس قل هو الله را تا آخر وبعد از ان بگو اللهم ان الناس
اذا نظروا الى الهلال نظر بعضهم الى وجوه بعض وتبرك بعضهم
ببعض واني نظرت الى اسمائك واسم نبيك ووليك واو
ليائك عليهم السلام والى كتابك فاعطني كل الذي احب ان
تصرفه عني من الشر وزدني من فضلك ما انت اهله ولا حو

ولا قوة

ولا قوة الا بالله العلي العظيم ايچه ميبايد خواند
در رقعه بقلي كه سياهي وغير آن نداشته باشد چون خواهي كه
رقعه بنويسي بنويس اين كلمات را بقلي كه از سياهي ومانند آن
چيزي با او نباشد درميان سطرهاي كتابت يا رقعه كه بجهت حاجتي
كه بكسي مينويسي محمد وعلي وخضر عليهم السلام ابو تراب
بسم الله الرحمن الرحيم الملك الحق المبين ان الله وعد
الصابرين مخرجا مما يكرهون ورزقا حسنا من حيث
لا يحتسبون ان الله هو السميع العليم جعلنا الله واياكم
من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسئلك
بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ابن الحسين
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة الخلف القائم
المنتظر صلوات الله عليهم اجمعين وسلم تسليما وان تصلي
على محمد وآل محمد وان تيسر امري وتسهله وتغلبه وترزقني
خيره وتصرف عني شره برحمتك يا ارحم الراحمين وگفت
امير المؤمنين علي عليه السلام كه رسول خدا امر كرد مرا كه
وقت ختم قران اين دعا بخوان اللهم اني اسئلك اخبات
المؤمنين المخبتين واخلاص الموقنين ومرافقة الابرار
واستحقاق حقائق الايمان والغنيمة من كل بر والسلامة

زقني

مِن كُلِّ اِسمٍ وَوُجُوبِ بِرَحمَتِكَ وَعَزائِمِ بِمَغفِرَتِكَ وَالفَوزِ بِالجَنَّةِ
وَالنَّجاةِ مِنَ النّارِ　　　　درد عاهای نادر دعائی که
میباید خواند در وقت برداشتن مصحف روایتست که ابو عبد
الله علیه السلام وقتی که میخواست که قران بخواند چون بر میداشت
مصحف را این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اِنّي اَشهَدُ اَنَّ هٰذا كِتابُكَ المُنزَلُ
مِن عِندِكَ عَلىٰ رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّٰهِ وَكَلامُكَ النّاطِقُ عَلىٰ
لِسانِ نَبِيِّكَ جَعَلتَهُ هادِيًا مِنكَ اِلىٰ خَلقِكَ وَحَبلًا مُتَّصِلًا
فِيما بَينَكَ وَبَينَ عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي نَشَرتُ عَهدَكَ وَكِتابَكَ
اَللّٰهُمَّ فَاجعَل نَظَري فِيهِ عِبادَةً وَقِراءَتي فِيهِ فِكرًا وَفِكري
فِيهِ اِعتِبارًا وَاجعَلني مِمَّن اَتَّعِظُ بِبَيانِ مَواعِظِكَ فِيهِ
وَاجتَنِبَ مَعاصِيَكَ وَلا تَطبَع عِندَ قِراءَتي قِراءَةً لا تَدَبُّرَ فِيها
بَلِ اجعَلني اَتَدَبَّرُ آياتِهِ وَاَحكامَهُ آخِذًا بِشَرائِعِ دِينِكَ
وَلا تَجعَل نَظَري فِيهِ غَفلَةً وَلا قِراءَتي هَذرًا اِنَّكَ اَنتَ
الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ　　　　دعائی که می باید خواند وقت
فارغ شدن از قراءت وقتی که فارغ شوی از قراءت قران بگو
اَللّٰهُمَّ اِنّي قَد قَرَأتُ ما قَضَيتَ مِن كِتابِكَ الَّذي اَنزَلتَ عَلىٰ
نَبِيِّكَ الصّادِقِ فَلَكَ الحَمدُ رَبَّنا اَللّٰهُمَّ اجعَلني مِمَّن يُحِلُّ حَلالَهُ
وَيُحَرِّمُ حَرامَهُ وَيُؤمِنُ بِمُحكَمِهِ وَمُتَشابِهِهِ وَاجعَلهُ اُنسًا في قَبري
وَاُنسًا في حَشري وَاجعَلني مِمَّن تَرقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأها دَرَجَةً

فِي اَعلىٰ عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ العالَمِينَ　　وقتی که بشنوی
چیزی از عزائم قران که در و سجدهٔ واجبست بر تو باد که
سجده کنی بی تکبیر و در ان سجده سنتست که بگوئی لا اله الا
الله حَقًّا حَقًّا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِيمانًا وَتَصدِيقًا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
عُبُودِيَّةً وَرِقًّا لا مُستَنكِفًا وَلا مُستَكبِرًا اَنا عَبدٌ
ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خائِفٌ مُستَجِيرٌ و بعد از ان سر خود را بر دارد
و تکبیر بگو و گفت امام جعفر صادق علیه السلام انکسی که
صد آیه از قران هر جا که خواهد بخواند و بعد از ان هفت بار
بگوید یا اللّٰهُ اگر دعا کند بر سنگ شکافته شود
دعائی که در و اسم اعظم است گفت معاذ بن جبل که فرستاد
مرا رسول خدا روزی نزد عبد الله بن سلام که او را طلب
کنم بخدمت آنحضرت و جماعتی از صحابه نزد آنحضرت بودند
عبد الله بن سلام آمد نزد آنحضرت گفت آنحضرت که یا عبد الله
خبر ده بمن که آیا یافتی در توریت آن ده کلمه را که حق تعالی
تعلیم گفت بحضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که آنحضرت
را در آتش انداخته بودند گفت عبد الله که یا نبی الله پدر و مادر
من فدای تو باد آیا فرود آمد بتو در باب این کلمات چیزی
بدرستی که من یافتم ثواب این کلمات را در توریت و این کلمات
ده دعاست که در و اسم اعظم است پس گفت رسول خدا صلی الله

علیه واله وسلم که ایا تعلیم کرد خدایتعالی این کلمات را با
موسی علیه السلام عبدالله گفت که خدایتعالی تعلیم نکرد
این کلمات را بغیر از ابراهیم پس آنحضرت گفت که چه یافتی از ثواب این
کلمات در توریت عبدالله گفت یا رسول الله که استطاعت و
قدرت دارد که بیان کند ثواب این کلمات را لکن نوشته یافتیم
در توریت که هر بندهٔ که منت نهد خدایتعالی برو و القا کند
این کلمات را در دل او بگرداند نوری از مجلس او تا عرش که
بدرخشنده و تفاخر کند باو بر فرشتها در هر روز دو باری
گرداند حکمت را بر زبان او و روزی کند او را یاد گرفتن کتابی
که نازل شده است از آسمان و اگر شوق نداشته باشد باز او دانا
گرداند او را در دین و ببیند از محبت او را در دل بندگان خود
و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و از فتنهٔ دجال و از ترس هول
روز قیامت و حشر کند او را با شهیدان و اکرام کند او را
و بدهد باو آنچه داده است بر پیغمبران بکرم خود و نترسد
آن بنده وقتی که مردمان می ترسند یعنی روز قیامت و
اندوهگین نشود وقتی که مردمان اندوهگین شوند و بنویسند
او را نزد خدایتعالی صدیق و حشر کنند او را در روز قیامت
و دل مطمئن و آرامیده باشد و او از جملهٔ کسانی شود که بو سد
خدایتعالی او را با حضرت ابراهیم علیه السلام از جملهٔ بهشت

و هرچه طلب کند از خدایتعالی با این کلمات بدهد آن چیز را باو
و اگر سوگند بخدایتعالی راست شود سوگند او و نزدیک شود
بخدایتعالی در دار الجلال و او را ثوابی هر شهیدی باشد که
در راه خدایتعالی از آن زمانیکه دنیا را آفریده است تا قیامت
آنحضرت گفت یا ابن سلام دار الجلال کدامست ابن سلام گفت که
دار الجلال عبارت از بهشت عدن است و بجای عرش حق تعالی
و آنکسی که این کلمات بخواند در جوار حق تعالی خواهد بود و ابن
سلام گفت یا رسول الله تعلیم کن این کلمات را بر ما و منت بنه
بر ما همچنانکه منت نهاده است خدایتعالی بر تو و آنحضرت گفت
که سجده کنید حق تعالی را پس اصحاب سجده کردند چون سر از سجده
برداشتند آنحضرت فرمود بگوئید یا الله یا الله یا الله انت الذي هو
منك جميع خلقك يا نور النور انت الذي احتجبت دون عرشك
فلا يدرك نورك نورًا يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي
ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك
احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك و
استضاء بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت الله
الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك شريك وتعظمت
عن ان يكون لك ولد وتكبرت عن ان يكون لك كفؤ
وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان

وانت المعبود في كل مكان وانت المذكور في كل وان وزمان
يا نور النور كل نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى
غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن
الرحيم ارحمني رحمة تطفئ بها غضبك وتكف بها عذابك و
ترزقني بها سعادة من عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها
خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من اظهر القبيح وستر
الجميل يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم
العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل شكوى يا كريم
الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ بالنعم قبل استحقاقها يا رباه
يا سيداه ويا املاه ويا غاية رغبتاه اسئلك يا الله
يا الله يا الله يا الله ان لا تشوي خلقي في النار وان تغفر لي
ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني خير
الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد
واله اجمعين اسئلك وبمحمد صلى الله عليه واله وعلي
وفاطمة والحسن والحسين والعباد والباقر والصادق
والكاظم والرضا والتقي والنقي والعسكري والمهدي
ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله
ان لا تشوي خلقي في النار وان لا تفعل في النار وان تفعل

بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله عبد الله بن سلام
گفت يا رسول الله چيست ثواب كسى كه اين كلمات بگويد آنحضرت
گفت كه هيهات هيهات نميتوان كرد بيان ثواب اين كلمات را
بدرستى كه اگر جمع شوند فرشتهاى هفت طبقه آسمان و زمين و خواهند
كه ثواب اين كلمات را بيان كنند از هزار يكى را بيان نميتوانند كرد
تا روز قيامت و بيان كرده است آنحضرت براى كلمات ثواب
و فضيلت بسيار و از اينجا مقام ذكر آن نيست بنا بر اختصار
كرديم بر ذكر مقصود كه آن دعا است بجهت خوف طويل

آنكسى كه خواهد رود از خانه خود طلب
حاجت بايد كه در وقت بيرون رفتن بگويد بسم الله
وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله توكلت على الله در پيش
خود بدمد و يكبار بخواند و بجانب چپ خود بدمد و يكبار ديگر
بخواند و بالاى سر خود بدمد و مرتبه ديگر و بزير قدم خود
بدمد و هرگاه خواهد كه باز گردد و بخانه خود بيايد در وقتى
كه در مى آيد بخانه خود بايد كه بگويد بسم الله وبالله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله و بعد از ان سلام كند بر اهل خانه خود اگر در خانه
كسى نباشد شهادتين بگويد السلام على محمد بن عبد الله خاتم
النبيين وآله الهادين المهديين السلام علينا وعلى عباد

الصالحین وقتی که بازار درآید و بگوید اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که بجهت
حاجت میخواند اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له الحکیم
الحلیم الکریم لا اله الا الله وحده لا شریک له العلی العظیم
الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات یا هو یا هو یا من لیس
هو الا هو یا هو یا من لا هو الا هو   طلب حاجت
میباید خواند گفت ابو عبدالله علیه السلام که پدر من هرگاه
حاجتی داشت سجده میکرد بی قراءت و در سجده هفت بار
میگفت یا ارحم الراحمین و هر مومنی که این کلمه را بگوید
حق تعالی میگوید که من ارحم الراحمین ام حاجت خود را طلب
کن از من تا بر آورم حاجت ترا و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم با امیرالمومنین علی علیه السلام که یا علی
وقتی که بیرون می آیی از منزل خود بطریق سیر یا بحاجتی آیة
الکرسی بخوان بدرستی که حاجت تو بر آورده میشود انشاء الله
تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام انکسی که بطلب
حاجت خود برود بی وضو بر آورده نمیشود حاجت او و باید که ملامت
نکند مگر خود را و منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت
کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام

که

که گفت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام وقتی که حاجتی داشته
باشید باید که طلب آن حاجت کنید روز پنجشنبه در وقت صبح
وقتی که خواهید بیرون روید از منزل خود آخر آیه سوره آل عمران
و آیة الکرسی و انا انزلنا و سوره فاتحه بخوانید بدرستی که روز
پنجشنبه بر آورده میشود حاجتهای دنیا و آخرت
انچه بجای باید آورد بجهت بر آمدن مهمات گفت ابو عبدالله علیه السلام
وقتی که بکسی اندوهی یا سختی برسد باید که برهنه کند هر دو زانو [نو]
و هر دو دست خود تا مرفق و بر زمین بنهند و بعد از آن دعا کند
برای مهمات گفت امیرالمومنین علی علیه السلام بفرزند
خود وقتی که پیش آید ترا کاری بزرگ در دین یا در دنیا وضو کن
و بر دار هر دو دست خود را و هفت بار بگو یا الله یا الله بدرستی که
دعای تو مستجاب شود   دیگر بجهت مهمات گفت ابو الحسن
اول انکسی که غمی و المی برسد و او بر دارد سر خود را بجانب آسمان
و بعد از آن سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بدرستی که بر دارد
خدای تعالی غم و اندوه او را   دعای که میباید خواند
بجهت ادای قرض گفت حسین بن خالد که من سیصد هزار درهم
قرض داشتم در بغداد و من نیز چهارصد هزار درهم از مردم طلب
داشتم قرضخواهان نگذاشتند مرا که زر خود را از مردم بستانم
و با ایشان بدهم و وعده ادای قرض ایشان رسید پس بیرون رفتم

ازمنزل خود بطریق سیر و خواستم که بروم بخدمت ابی الحسن
نتوانستم پس نوشتم باآنحضرت کتابتی بیان حال خود وانچه من
نزد مردم داشتم و مردم نیز از من طلب داشتند آنحضرت
نوشت در کنار کتابت که بعد از هر نماز فریضه سه بار بکو اللهم
اِنّی اَسئَلُكَ یا لا اله اِلّا انت بحق لا اله اِلّا انتَ اَن تَرحَمَنی
بلا اله اِلّا اَنتَ اَن تَغفِرلی بلا اله اِلّا اَنتَ بدرستی که بواسطهٔ
میشود حاجت تو انشاء الله تعالی و من مداومت کردم باین
دعا بحق خدا تعالی که زیاده از چهار ماه نکذشت که انچه
من نزد مردم داشتم بمن دادند و من نیز دین مردم از کردن
خود ساقط کردم و صد هزار درهم دیکر برای من ماند

اللهم انی اسئلك یا لا اله الا انت [illegible]

بد کردن بظالم کفت رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم وقتی که بترسی از کسی و خواهی که شر او را از خود دور کنی
چون ماه نو ببینی بایست و اشارت کن بماه نو کویا که خطاب باو
میکنی و بکو اَیَوَدُّ اَحَدُکُم اَن تَکُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِن نَخِیلٍ وَاَعنابٍ
تَجرِی مِن تَحتِهَا الاَنهارُ وَلَهُ فِیهَا مِن کُلِّ الثَّمَراتِ وَاَصابَهُ الکِبَرُ
وَلَهُ ذُرِّیَّةٌ ضُعَفاءُ فَاَصابَها اِعصارٌ فِیهِ نارٌ فَاحتَرَقَت
در وقتی که فاحترقت برسی سه مرتبه بکو و بعد ازان این دعا بخواند
اَللّهُمَّ بِالبَلاءِ طَمّاً وَغَمِّهِ بِالغَماءِ غَمّاً وَارمِهِ بِحِجارَةٍ مِن سِجّیلٍ
وَطَیرِكَ الاَبابِیلَ یا عَظِیمُ و بعد ازان بخوان همین دعا را در شب

دوم ماه و در شب سیوم

اگر نرسید انچه تو میخواهی بر ظالم در ماه دوم نیز این کار بکو
و اگر در ماه دوم نرسید در ماه سیوم نیز این کار بکن و
بعد ازان در ماه سیوم احتیاج نخواهد بود باین کار کردن
باذن خدا تعالی   بر ظالم روایتست که آمد
مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام و شکایت کرد
از کسی که برو ظلم کرده بود انحضرت کفت که بکو یا ناصر المظلوم
للبغی علیه ان کان فلان بن فلان یعنی نام ظالم و نام پدر او
قد ظلمنی و بغی علیّ فاسئله بِفَقرٍ لا تَجبُرُهُ وَبَلاءٍ لا تَستُرُهُ و
کسی که سه بار دعا کند بر ظالمی که برو ظلم کرده است البته برص
بپیشانی آن ظالم پیدا شود و بعد از محتاج شود   دیکر برا ظالم

بکو

چون بروی نزد سلطان جابری بکو خَیرُكَ بَینَ عَینَیكَ و
شَرُّكَ تَحتَ قَدَمَیكَ وَاَنَا اَستَعِینُ بِاللهِ عَلَیكَ   دیکر
بر ظالم کفت امام رضا علیه السلام که چون خواهید که دعا
کنید بر دشمن باید که بکوئید اَللّهُمَّ اَطرِقهُ بِلَیلَةٍ لا اُختَ
لَها وَالاخر حریمه یا مَن یَکفِی مِن کُلِّ شَیءٍ وَلا یَکفِی مِنهُ شَیءٌ صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکفِنِی مَؤُنَةً   دیکر بر ظالم
چون بترسی از کسی بکو اَللهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَهُوَ
رَبُّ العَرشِ العَظِیمِ اِمتَنَعَ بِحَولِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِن حَولِهِم وَقُوَّتِهِم
وَامتَنَعَ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا

بِاللهِ روزي کفت امام رضا علیه السلام که نکاه

کرد مردي نزد ابي عبد الله علیه السلام از درویشی نخ

کفت که هر کاه بانك نماز بشنوي بکو انجه موذن میکوید

بدرستی که جون جنین کنی میشوی وکفت امام جعفر صادق

علیه السلام که در طلب روزي این دعا باید خواند اَللّٰهُمَّ

اِنْ کَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاَنْزِلْهُ وَاِنْ کَانَ فِي الْاَرْضِ فَاَظْهِرْهُ

وَاِنْ کَانَ بَعِیدًا فَقَرِّبْهُ وَاِنْ کَانَ قَرِیبًا فَاَعْطِنِیهِ وَاِنْ کَانَ

قَدْ اَعْطَیْتَنِیهِ فَبَارِكْ لِي وَجَنِّبْنِي عَنِ الْمَعَاصِي وَالرَّدِي

که بجهت ترس میباید خواند کفت امام جعفر صادق علیه السلام

وقتی که در سفر باشی یا در بیابانی و بترسی از جنی بنه دست

راست خود را بر میان سر خود و باواز بلند بکو اَفَغَیْرَ دِینِ اللهِ

یَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا

وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ و روایتست که این ایه را می باید خواند در

کوش جهار پای که نمی کذارد که لجام کشد واین دعا را میباید

خواند اَللّٰهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِیهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وسوره انا

انزلنا نیز بخواند وکفت اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علی علیه السلام که

بسر در بنا یدجهار پایی من هر کز دعائی که میباید

خواند کسی که از شیر بترسد که ضرر باو و کوسفندان برساند

کفت ابو عبد الله عَلَیْهِ السَّلَامُ که باید که خطی بکشد بر کرد

کوسفندان

کوسفندان خود و بکوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَالْجُبِّ وَرَبَّ

کُلِّ اَسَدٍ مُسْتَاسِدٍ اِحْفَظْنِي وَاحْفَظْ عَلَى غَنَمِي وکفت حضرت

پیغمبر صلی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ وسلم با امیر المؤمنین علی علیه السلام

یا علی وقتی که ببینی شیر را و کار بر تو دشوار شود سه بار

تکبیر بکو الله واجل واعز واعظم من کل شیء واکبر واعز من

خَلْقِهِ وَاَقْدَرُ اَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ

جون این کار کنی حق سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى از شر او نکاه دارد

انجه میباید خواند کسی را که از درندها و سك

میترسد جون از درنده یا از سکی کزنده بترسي بکو قُلْ لِلَّذِینَ

آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لَا یَرْجُونَ اَیَّامَ اللهِ لِیَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا کَانُوا

یَکْسِبُونَ وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَیْنَكَ وَبَیْنَ الَّذِینَ

لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ اَکِنَّةً

اَنْ یَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَةٍ لَا یُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى

اِذَا جَاؤُكَ یُجَادِلُوا الَّذِینَ کَفَرُوا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسَاطِیرُ الْاَوَّلِینَ

و روایتست که حضرت پیغمبر صَلَّى اللهُ علیه وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوست

میداشت فال نیکو را و کراهت میداشت فال بد را وکفت رسول

خدا صَلَّى اللهُ علیه واله وسلم که جیزي مکروهي ببیند و

از ان جز فال بد بکیرد باید که بکوید اَللّٰهُمَّ لَا یُؤْتِي بِالْخَیْرِ اِلَّا

اَنْتَ وَلَا یَدْفَعُ السَّیِّئَاتِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ

دیکر بجهة ترس روایتست که امام جعفر صا
علیه السلام این دعا میخواند وقت در آمدن بنزد منصور
در غضب بود چون این دعا میخواند غضب او تسکین میافت
یا عدتی عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینك
التی لا تنام واکنفنی برکنك الذی لا یرام   الخ می باید
خواند کسی را که از دزد میترسد روایتست انکسی که از دزد می
ترسد باید که بخواند بر حلقهٔ قفل در خانهٔ خود قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بین ذلك سبیلا
الخ تسکین میدهد غضب را کفت امام جعفر
صادق علیه السلام که هر کسی که در غضب شود پس اگر ایستاده
باشد بنشیند بدرستی که چون چنین کند میرود بدی
شیطان وانکسی که غضب کند بر خویشان خود باید که مس کند
او را تا تسکین یابد غضب او ونیز کفت وقتی که در غضب
شوید وبکوئید که اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی
ذنبی واجرنی من مضلات الفتن اسئلك رضاك واعوذ
بك من نارك اسئلك الخیر کله واعوذ بك من الشر کله
اسئلك حسنتك اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب و
اجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل ونیز کفت

که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم یاد کن مرا وقت غضب تا یاد
کنم ترا در وقت غضب خود هلاك نکردانم ترا در میان انکسانیکه
هلاك میکردانم ونیز کفت که انکسی که باز دارد غضب خود را
از مردمان وباز دارد خدایتعالی غضب خود را ازو در روز
قیامت وروایتست که بجهة تسکین غضب صلوة الله بر نبی واله
علیه السلام می باید فرستاد ونیز میباید کفت که یذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان
الرجیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم   الخ میباید
کفت در وقت اندوه وتنهائی روایتست که شکایت کردم نزد
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم از وحشت تنهائی آن
حضرت کفت که بسیار بکوئی سبحان رب الملائکة القدوس
ورب الملائکة والروح خلق السموات والارض ذی العزة
والجبروت آن مرد این کلمات کفت وبر دارد خدایتعالی اندوه
ووحشت را   الخ می باید کفت بجهة رفع غم واندوه کفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم انکسی که این دعا
بخواند اللهم انی عبدك وابن عبدك وابن امتك ناصیتی بیدك
ماض فی حکمك عدل فی قضائك اسئلك اسم به سمیت به نفسك
او انزلته فی کتابك او علمته احدا من خلقك او استاثرت
به فی علم الغیب انك ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور صدری

وجلاء حزني وذهاب همي ببرد خدا یتعالی غم واندوه راز
ازدل وبدل کند اندوه او را بخوشحالی انچه باید خو
در وقت دیدن اهل بلا روایتست انکسی که ببیند کسی را که به بلا
مبتلا است باید که آهسته بگوید الحمد لله الذي عافاني مما
ابتلاه به ولو شاء فعل وگفت ابو جعفر علیه السلام وقتی
که ببیني مبتلائی را سه بار بگو چنانچه او نشنو که الحمد لله
الذي عافاني مما ابتلاه به ولو شاء الله فعل وانکسی که
بگوید این کلمه را نرسد باو آن بلا هرگز وگفت رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم هرگاه ببیند اهل بلا را بگوید حمد
خدا یتعالی را چنانچه ایشان نشنوند بدرستی که از شنیدن
این اندوهگین مي شوند انچه مي باید گفت وقت
دیدن جنازه روایتست که شنیدند از زین العابدین علیه السلام
وقتی که جنازه میدید و میگفت الحمد لله الذي لم یجعلني من
السواد المخترم ونیز میگفت الحمد لله الذي تعزز بالقدرة
وقهر عباده بالموت انچه میباید خواند وقتی که
امري مشکل پیش کسی آید روایتست هرگاه کسی را مشکلی پیش آید
وخواهد که بداند سبب مشکل را وبچه وجهی از ان مشکل خلاص
میتوان شد سزاوار است وقتی که بفراش خواب میرود سورة
والشمس واللیل هر یك را هفت بار بخواند بدرستی که چون

چنین کردي في الحال در خواب ببیني شخصي را که تعلیم کند
باو طریق خلاص شدم ونجات یافتن از ان مشکل دعا ها که
حضرت پیغمبر میخواند اینست اللهم اني اسئلك العافیة و
شکر العافیة في الدنیا والاخرة ومنقولست از کتاب روضه
که گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم کسی که ببیند
یهودي یا نصراني یا مجوسي یا کسی را که بر دین اسلام نباشد
بگو الحمد لله فضلني علیك بالاسلام دینا وبالقران کتابا
وبمحمد نبیا وبعلي اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة
یعني جمع نکند خدا یتعالی میان او وکافر در دوزخ یعني او را
بدوزخ نفرستد انکه طلب چیزي کردن از خدا یتعالی
بطریق جزم میباید وسنت است کسي را که طلب چیزي میکند و
دعا میکند که جزم کند در طلب کردن زیرا که رسول خدا فرموده
است که لا یقل احدکم اللهم اغفر لي ان شئت اللهم ارحمني
ان شئت ولیعزم المسئلة فانه لا یکرم له یعني باید که نگوید
یکی از شما که بار خدایا بیامرز مرا اگر خواهي بار خدایا رحم
کن بر من اگر خواهي وباید که جزم کند در طلب کردن از خدای
تعالی بدرستی که مکروه نیست نزد خدا یتعالی جزم کردن
در طلب چیزي از خدا یتعالی و وقتی که مستجاب میشود خد یتعالی
دعاي کسی را باید که بگوید الحمد لله الذي بعزته تتم الصالحات

وهرگاه دیر مستجاب میشود دعای من وباید که دائم
دعا کند وطلب از حق تعالی وملول نشود از د[عا] زیرا که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرموده است یستجاب
للعبد ما لم یعجل ویقول قد دعوت فلم یستجب لی یعنی
مستجاب میشود دعای بنده مادام تعجیل وشتاب نکند
ونگوید که دعا کردم مستجاب نشد دعای من وهرگاه
از خدا تعالی حاجتی خواهی بگو اللهم انی اسئلك باسمك
الاعلی الاکبر الاجل الاعظم الاکرم ان تفعل لی کذا
بدرستی که هرگاه این کلمات را بگوئی حاجت تو برآورده می
شود ورد نمیشود الخ میباید گفت کسی را که در ور[طه]
ومهلکه نیفتد گفت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
باامیر المؤمنین علی علیه السلام که در ورطه بیفتی بگو
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم اللهم ایاك نعبد وایاك نستعین بدرستی
که هرگاه این کلمات را بگوئی دفع میکند آن بلا را
اسم اعظم گفت امام زین العابدین علی علیه السلام که من طلب می
کردم از حق تعالی یکسال در عقب هر نماز که تعلیم کند بمن اسم
اعظم خود را روزی نماز صبح گذاردم وخواب بر من غلبه
کرد ومن نشسته بودم وچشم من بخواب رفت دیدم که شخصی

پیش من ایستاده است ومیگوید که طلب کردی از حق تعالی اسم
اعظم را بتو تعلیم کند گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلك باسمك
الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم
امام زین العابدین که بحق خدای که برای هر حاجتی که
باین کلمات دعا کردم برآورده شد آن حاجت الخ می
باید گفت در وقت رعد وصاعقه هرگاه آواز رعد بشنوی
وصاعقه ببینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذا بك
وعافنا قبل ذلك الخ میباید گفت در وقت باریدن
باران هرگاه باران ببارد بگو هنیئا هنیئا الخ میباید
میباید گفت در وقت وزیدن باد وگفت امام جعفر صادق
علیه السلام وقتی که باد می وزد بسیار تکبیر بگو اللهم انی
اسئلك خیر ما جاءت به الریاح وخیر ما فیها واعوذ بك
من شرها وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکا فرین
عذابا وصلی الله علی محمد واله الخ میباید گفت وقت
زراعت کردن گفت ابو جعفر علیه السلام وقتی خواهی که
زراعت کنی بگیر یك مشت تخم ورو بقبله کن وسه بار بگو انتم
تزرعونه ام نحن الزارعون وبعد از آن بگو اللهم اجعله
حبا ومبارکا وارزقنا فیه السلامة والثمار واجعله حبا
متراکبا ولا تحرمنی خیر ما ابتغی ولا تفتنی بما منعتنی بحق

محمد وآله الطيبين وبعد از آن بپاش آن تخم تا خدا یتعالی
برکت دهد انشاء الله تعالی — تخم می باید خواند
در تهامی یا ارض ربی وربك الله اعوذ بالله من شرك
وشر ما فیك وشر ما خلق فیك ومن شر ما یحاذر علیك
اعوذ بالله من شر كل اسد واسود وحية وعقرب ومن
ساكن البلد ومن شر والد وما ولد افغير دين الله يبغون
وله اسلم من في السموت والارض طوعا وكرها واليه يرجعون
الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علينا اللهم صاحبنا السفر وافضل
علينا بانته لا حول ولا قوة الا بالله وبعد از آن الهيكم التكاثر
بخوان بدرستی که چنین کسی ایذا نرساند بتو هیچ درنده گزنده
اگر خواب کنی بر بالای ماری قصد نکند بر تو باذن خدا یتعالی
انچه می باید گفت بعد از عطسه کردن گفت ابو عبد الله
علیه السلام آنکسی که عطسه کند پس حمد وثنا بگوید خدا یتعالی
را وصلوات بفرستد بر محمد وآل بیت محمد علیهم السلام
بدرستی که او را درد دندان نباشد وچشم نیز درد نکند
وبعد از آن گفت که اگر کسی بشنود عطسه باید که ترک نکند
حمد وثنای خدا یتعالی را وصلوات بر محمد وآل او علیهم السلام
واگرچه میان او وآنکس که عطسه کرده است برابر دریا فاصله
باشد وگفت امیر المؤمنین علی علیه السلام آنکسی که عطسه

کند

کند وبعد از عطسه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال
ما کان او را درد گوش نشود وگفت ابو جعفر علیه السلام
وقتی که کسی سه بار عطسه کند دعا کن برای او واگر زیاده از
سه بار کند احتیاج دعا کردن نیست وگفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
که اگر دعا کنید برای برادر مؤمن وقتی که عطسه کند طلب
خواهد کرد آن برادر مؤمن در روز قیامت حق خود را از شما
وحکم خواهد کرد حق تعالی که حق آن برادر مؤمن را بدهید
وگفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وقتی که عطسه
کند مرد مسلمانی وبعد از آن بگوید الحمد لله رب العالمین
بجهت مرضی که داشته باشد فرشتها برای او میگویند
الحمد لله رب العالمین واگر بگوید الحمد لله رب العالمین
فرشتها میگویند یغفر الله لك وگفت نسیم خادم امام حسن
عسکری علیه السلام که رفتم نزد صاحب الزمان بعد از آنکه از
ولادت آن حضرت یك شب گذشته بود پس عطسه کردم صاحب
الزمان علیه السلام گفت که آیا بشارت دهم ترا بعطسه کردن
گفتم بلی عطسه کردن امانست از مردن تا سه روز گفت ابو مریم که
عطسه کرده کسی نزد ابی جعفر علیه السلام آنحضرت گفت که خوب
چیزیست عطسه در و راحت بدنست وبسبب او یاد میکنند حق تعالی را

وصلوات میفرستند بر نبی و آل او علیهم السلام نمی باید که صلوات
فرستند در وقت بعد از عطسه کردن و در وقت ذبح کردن و در
جماع کردن آنحضرت گفت بار خدایا اگر محدثان دروغ گویند باید که
نرسانی بایشان شفاعت حضرت محمد را وگفت ابو عبد الله علیه السلام
انکسی که بگوید وقتی که بشنود عطسه اَلحَمدُ لِلّٰهِ عَلیٰ کُلِّ حالٍ ما کانَ
مِن اَمرِ الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بدرستی که هیچ
علتی بدهن او نرسد ونیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که انکسی پیش از عطسه کردن حمد بگوید خدای تعالی را عافیت
یابد از درد دندان و درد پهلو ونیز گفت که هرگاه کسی عطسه کند
وبعد از ان بگوید اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ لا شَریکَ لَهُ واگر بنده
این را بگوید آن دو فرشته بگویند صَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ واگر بنده این را
بگوید آن دو فرشته نیز گویند وَعَلیٰ آلِ مُحَمَّدٍ واگر این را هم بگوید
آن دو فرشته بگویند یَرحَمُکَ اللهُ وگفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام در حدیث طویلی وارد است وقتی که کسی عطسه کند
برای او پس اگر بگوید یَرحَمُکَ اللهُ شما بگویید یَغفِرُ اللهُ لَکُم وَیَرحَمُکُم
بدرستی که خدای تعالی گفته است وَاِذا حُیِّیتُم بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِاَحسَنَ
مِنها اَو رُدُّوها پس وقتی که کسی دعای عطسه کند شما را پس دعا کنید
شما او را بهتر از ان یاد کنید بهمان دعا وگفت عبد الله بن ابی یعفور
که حاضر بودم در مجلس ابی عبد الله شخصی که عطسه کرد در ان

مجلس آنحضرت گفت که یَرحَمُکَ اللهُ جماعتی از اصحاب که حاضر
بودند گفتند آمین آنحضرت عطسه کرد اصحاب شرمنده شدند
ونتوانستند که دعا کنند برای آنحضرت پس گفت آنحضرت که بگوید
عَلَی اللهِ ذِکرُه که روایتست که ائمه معصومین علیه السلام گفتند
وقتی که عطسه کنی سزاوار اینست که بنهی انگشت شهادت را
بر پشت بینی خود وبگو اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ رَغِمَ اَنفی رَغماً داخِراً صاغِراً غَیرَ مُستَنکِفٍ
وَلا مُستَحسِرٍ وقتی که عطسه کند دیگری یکبار یا دو بار یا
سه بار بگو یَرحَمُکَ اللهُ پس اگر زیاده از سه بار عطسه کند
بگو شَفاکَ اللهُ وهرگاه مرد مومنی عطسه کند بگو یَرحَمُکَ
اللهُ وچون زنی عطسه کند بگو عافاکَ وچون طفلی عطسه کند
زَرَعَکَ اللهُ وچون بیمار عطسه کند بگو شَفاکَ اللهُ وچون کافر
ذمی عطسه کند بگو هَداکَ اللهُ اگر پیغمبری یا امامی عطسه
کند بگو صَلَّی اللهُ عَلَیکَ وهرگاه کسی عطسه کند ودیگری دعا
کند برای او باید که انکسی عطسه کرده است رد کند برو وبگوید که
یَغفِرُ اللهُ لَنا وَلَکُم وگفت ابو بصیر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود
که بسیار عطسه کردن ایمن میسازد صاحب عطسه را از رنج [illegible]
جذام وباد بد که در سر وروی پیدا شود وفرود آمدن آب سیاه
بچشم وسده دماغ وبیرون آمدن موی زیادتی از چشم

وروایتست که شخصی عطسه بسیار می کرد گفت ابو عبدالله ع
علیه السلام باو که اگر خواهی که کم شود عطسه کردن تو روغن
مرزنجوش را در دماغ خود کن گفت چه مقدار آنحضرت فرمود
که یکدانگ پس پنج روز چنین کردم رفت عطسهٔ من وگفت
ابو عبدالله علیه السلام که انکسی که عطسه کند در مرضی ایمن
شود از مردن دران مرض وگفت که خمیازه کشیدن از جانب
شیطانست وعطسه کردن از جانب حق تعالیست ونیز گفت که
رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود وقتی که کسی سخن بگوید
ودرمیان سخن گفتن کسی عطسه کند آن عطسه گواه است بر صدق
این سخن بگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که
عطسه کردن عافیت وراحت بدن است برای بیمار

علاج فراموشی گفت سکونی که ابو عبدالله علیه السلام فرمود
وقتی که فراموش کرداند از خاطر تو شیطان چیزی را بنه دست
خود را بر پیشانی خود بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ
وَفاعِلِهِ وَالْاٰمِرِ بِهِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَکِّرَنی
ما اَنْسانیهِ الشَّیْطانُ

در آداب مریض و علاج
او وانچه متعلق است بآن ودرین باب پنج فصل است وانچه
مذکور است درین باب اختیار کرده شده است از کتاب طب الائمه
واز کتاب دعوات که پدر من جمع کرده است

در آداب

مریض وعیادت کنند و علاج مریض

ثواب مریض

گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا فرمود که تب پیک
مرگست وخبر از مرگ میدهد وزندان حق تعالی است در زمین
وشدت وحرارت تب از دوزخ است وانچه نصیب من میرسد از
دوزخ همین تب است وروایتست که رسول خدا صلی الله علیه واله
وقتی که جوشش میدهد در بدن خود پناه میجست بخدا تعالی
وتضرع وزاری میکرد بخدای خود کسی گفت یا رسول الله باکی
نیست ازین جوشش آنحضرت گفت که حق تعالی اگر خواهد چیزی
خورد را بزرگ میکرداند وچیزی بزرگ را خورد میکرداند وگفت
ابو عبدالله علیه السلام که هر مرضی ودردی ونکبتی که بکسی
میرسد بجهت گناهی است که کرده است واینست معنی قول خدای
تعالی فرموده است در کتاب خود وَما اَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَةٍ فَبِما
کَسَبَتْ اَیْدیکُمْ وَیَعْفُو عَنْ کَثیرٍ یعنی انچه بشما میرسد
ای مومنان از مصیبتی وآفتی که بمال شما یا بتن شما یا باهل وعیال
شما میرسد بسبب آنچیزیست که کسب کرده است دستهای شما
یعنی بسبب گناهان شماست وحال انکه خدای تعالی عفو میکند
از گناهان شما بیشتر است از انچه مواخذه میکند وبسبب آن بشما
تشویش میرساند وگفت امام زین العابدین علیه السلام که خوب
دردیست تب میرساند بهر عضوی حصهٔ از بلا وخیر نیست کسی که

مبتلا نشود ببلائی و روایت کرده است محمد بن احمد از یوسف
بن اسمعیل که گفت یکی از ائمه علیه السلام وقتی که مؤمن را
یک تب میشود فرو میریزد گناهان او همچنانکه برگ از درخت
فرو میریزد و اگر صاحب فراش شود نالهٔ او تسبیحات و فریاد
او تهلیل است و اگر دیدن او بر روی فراش همچنانست که شمشیر زند
در راه خدا تعالی و اگر متوجه عبادت خدا تعالی شود خوشا
حال او و اگر بمیرد وای بر او اگر زنده بماند و گناه کند و صحت و عافیت
دوست تر است نزد ما از بیماری و گفت امام زین علیه السلام که
تب یکشبه کفارت گناهان یکساله است بجهت آنکه الم آن تب
یکسال در بدن می ماند و گفت ابو عبدالله علیه السلام که تب
یک شبه کفارت گناهان نیست که پیش از این تب کرده و بعد از این
تب کرده است و بعد از این تب خواهد کرد و نیز گفت که آنکسی که
یکشب بیماری بکشد و صبر کند بر آن بیماری و شکر خدا تعالی
بجای آورد شصت ساله گناهان او آمرزیده شود و گفت امام
محمد باقر علیه السلام بیداری یک شب بجهت بیماری یا دردی
فاضلتر است و اجر و ثواب او بیشتر است از عبادت یکساله
و تب دو شب برابری میکند بعبادت شصت ساله و تب سه
سه شب برابری میکند بعبادت هفتاد ساله گفت ابو حمزه که گفتم
شاید و بد روماند را و هفتاد ساله کی نرسند آن ثواب از که

خواهد بود گفت از همسایهای او و گفت امام رضا علیه السلام که
بیماری مومن را پاک از گناهان و رحمت و کافر را عذاب و لعنت است
و مؤمن آن مقدار بیماری میکشد که هیچ گناه از او نماند و گفت ابو
عبدالله علیه السلام که درد سر یک شبه می برد جمیع گناهان را
مگر گناه کبیره را و گفت ابو ابراهیم علیه السلام که رسول خدا فرمود
که بیماری را چهار خصلت است برداشته میشود از و یعنی گناه
بر او نمی نویسند و امر می کند خدا تعالی فرشته را که بنویسند
برای او ثواب هر عملی که میکرد در ایام صحت خود و بیماری هر
عضوی بیرون میبرد گناهان آن عضو را و اگر بمیرد آمرزیده
میشود و اگر زنده بماند نیز آمرزیده میشود و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که بیمار شود مسلمانی می نویسد
خدا تعالی برای او از ثواب بهتر از آنکه می نوشت در ایام صحت
و می ریزد گناهان همچنانکه برگ از درخت می ریزد و گفت ابو عبد
الله علیه السلام وقتی که خدا تعالی دوست میدارد بنده نظر می کند
بر او و هر گاه نظر کند باو یکی از سه چیز میدهد باو تب یا درد چشم
یا درد سر و گفت امام موسی علیه السلام وقتی که مؤمن بیمار
شود وحی میکند خدا تعالی بفرشتگان دست راست که بنویسید
برای بندهٔ من حسناتی که مینوشتید در ایام صحت او
صبر بر بیماری گفت ابو جعفر ع که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که خدایتعالی میکوید وقتی که بندهٔ خود را مبتلا کنم بمر
واو صبر کند وشکایت نکنند نزد انکسانیکه عیادت می کنند او را
بدل میکنم کوشت او را بکوشت بهتر و پوست او را بپوست بهتر
وخون او را بخون بهتر واکر بمیرد در رحمت میکنم برو واکر صحت یابد
هیچ نخواهد ماند برو وکفت امام رضا علیه السلام که بیماری مومن را
باك میکرداند از کناهان و رحمتست وکافر را عذاب وسختی است
وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم مصیبتها میرسد
به بندهٔ تا انکه هیچ کناهی برو نمی ماند وکفت ابو عبدالله ع
که عیادت کنید بیماران را واز ایشان طلب دعا کنید بدرستی
که دعاء ایشان برابری میکند بدعای فرشتها وانکسی که شبی
بیمار شود و در انشب شکایت نکند از ان بیماری بنویسد حق تعالی
برای او ثواب عبادت شصت سال ونیز کفت شکایت از بیماری
آنست که بیماری بکوید که بیمار شدم بمرضی که هیچ کس بان مبتلا نشد
یا بکوید که رسید بمن مرضی که بر هیچ کس نرسید وشکایت
نیست که بکوید که شب بیخوابی کشیدم و روز تب کشیدم وما نند
این سخنان وکفت امیر المومنین علی علیه السلام که بیماری اجر
وثوابی ندارد ولیکن نمیکذارد هیچ کناه را اما ثواب بکفتن
بزبان وبعمل بدست وبا می باشد وحق تعالی می برد بسبب صدق
نیست وخلوص اعتقاد بسیاری از بندکان خود را بهشت

عیادت کردن بیمار کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ملاقات کند باو
سلام دهد وهرکاه بیمار شود عیادت کند او را وچون بمیرد در
عقب جنازهٔ او برود در روایتست که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که عیادت کامل آنست که بنهید دست خود را بر بیمار
وبپرسید از و چه حال داری وصباح چکونه بودی ودر شب
چکونه باشی وسلام کردن کامل آنست که با مصافحه باشد وکفت
ابو عبدالله علیه السلام که سزاوار است بیمار را که خبر کند برادران
مومن از بیماری خود تا عیادت کنند او را واو ثواب یابد وایشان
نیز ثواب یابند کسی کفت که ایشان می یابند بجهت انکه عیادت می
کنند بیمار چکونه ثواب می یابد آنحضرت کفت بیمار ثواب می یابد
بجهة انکه برای ایشان حسنات حاصل می کند پس نوشته می شود
برای آن بیمار حسنهٔ وده درجه مرتبهٔ او بلند میشود ورفع
میشود از و کناه ونیز کفت که سزاوار آنست که خویشان میت را
خبر کنند برادران مومن از مردن او تا حاضر شوند بر جنازهٔ او
ونماز بکذارند وطلب آمرزش کنند تا ایشان را ثواب حاصل شود وکفت
ابوالحسن علیه السلام که امیر المومنین علی علیه السلام عیادت کرد
صعصعة بن سرحان را پس کفت ای صعصعه فخر مکن بر برادران
مومن باین که عیادت کردم ترا و نظر کن بنفس خود بتحقیق که امر رسید

است بتو و باید که امید مشغول نکرداند ترا و منقولست از کتاب
زهد امیر المؤمنین و از کتاب جامع که کفت امام جعفر صادق ع م
که عیادت نیست درد چشم را و عیادت نیست بیش از آنکه سه روز
از بیماری بکذرد و چون سه روز بکذرد از بیماری یک روز یا دو
روز در میان عیادت کن و هرکاه بیماری بطول انجامید می باید
کذاشت بیماری را با عیال خودش و کفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که بزرکترین بندکان از روی خیر و ثواب نزد خدا تعالی
آنکسی است وقتی که عیادت کند برادر مؤمن را کم بنشیند نزد
او مکر آنکه بیمار خواهد که او بنشیند و دوست دارد او را و بکوید
که بنشین و کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که عیادت کامل
آنست که بنهی دست خود را بر پشت بیمار و زود برخیزد از پیش او
بدرستی که عیادت احمقان دشوارتر است از بیماری و کفت امام
جعفر صادق علیه السلام که چون روز قیامت شود بیارند
بنده را نزد خدا تعالی پس حساب او بآسانی کند و بکوید که ای
بنده مؤمن چه چیز منع کرد ترا از عیادت کردن من وقتی که من
بیمار شدم پس آن بنده بکوید که بارخدایا تو پروردکار منی و من
بنده توام و تو حی و قیومی و نمیرسد بتو هیچ المی و بیماری و حق
تعالی بکوید به بنده کسی که عیادت کند بنده مؤمن را بجهت رضای
من پس عیادت کرده است مرا و بعد از آن بکوید حق تعالی باو که آیا فلان

بن فلان را می شناسی آن بنده بکوید بلی میشناسم ای پروردکار
من حق تعالی بکوید چرا عیادت نکردی او را وقتی که بیمار شد
بدرستی که اکر عیادت میکردی می یافتی مرا نزد او و اکر طلب حاجت
از من می کردی در آن وقت حاجت ترا بر می آوردم و کفت ابو الحسن
علیه السلام وقتی که بیمار شوید باید که مردمان که بعیادت
شما می آیند اذن کنید که نزد شما بیایند بدرستی که دعای یکی از
نها
مستجاب خواهد بود و روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله ع م
عیادت کرد سلمان را رحمة الله علیه و چون خواست که برخیزد کفت
یا سلمان کَشَفَ اللهُ ضُرَّكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَاحْفَظْ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ
اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِكَ یعنی ای سلمان ببرد خدا تعالی بیماری ترا و
بیامرزد کناهان ترا و نکاه دارد دین و بدن ترا تا وقت رسیدن
اجل و منقولست امالی شیخ ابو جعفر بابویه که کفت امام جعفر
صادق ع م که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که عیادت کرد
سلمان فارسی را پس کفت ای سلمان در بیماری سه خصلت است
یاد می کنی خدا تعالی و دعای تو مستجاب می شود دربخال
ونمیکذارد بیماری بر تو هیچ کناه را برخورداری دهد ترا از صحت
و عافیت تا وقت رسیدن اجل و کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که عیادت سه بار می باشد و تعزیت رسانیدن یکبار و کفت
ابو عبد الله علیه السلام آنکسی که عیادت کرد برادر مؤمن را وقت

صباح مشایعت می کنند او را هفتاد هزار فرشته و وقتی که بنشیند
نزد آن بیمار حق تعالی بر او رحمت می کند و فرشتها برای او استغفار
میکنند تا شب واگر در وقت شام عیادت کند مشایعت میکنند
او را هفتاد هزار فرشته پس وقتی که بنشیند نزد آن بیمار حق تعالی
بر او رحمت میکند و فرشتگان برای او استغفار میکنند تا صباح
وگفت امام محمد علیه السلام که حضرت موسی علیه السلام در
مناجات بپروردگار خود گفت که بارخدایا چیست ثواب عیادت
بیمار حق تعالی فرمود که موکل میکنم فرشته را بآن کسی که عیادت
کند بیمار که مونس او باشد در قبر تا روز قیامت وگفت امام جعفر
که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمود که آنکسی که عیادت
کند بیمار را ندا میکند فرشته از آسمان و می گوید که ای فلان
خوش باد ترا وخوش باد رفتن تو وگفت حضرت پیغمبر که بزرگترین
شما از روی اجر و ثواب در عیادت آنکسی است که کم بنشیند نزد
بیمار و نیز گفت وقتی که نزد برادر مومن بجهت عیادت باید که
دعا کنید برای او بدرستی که دعای شما مثل دعا فرشتهاست و نیز
گفت آنکسی که عیادت کند بیمار را برای خدا آن بیمار هر چه طلب
کند از حق تعالی برای او مستجاب شود و روایتست که پرسیدند امیر المؤمنین
علی علیه السلام را از بیماری اطفال آنحضرت گفت که بیماری اطفال
آنحضرت گفت کفارت گناهان پدر و مادر ایشانست و روایتست که

بعضی از خدمتکاران امام جعفر صادق علیه السلام گفت که
بیمار شد یکی از خدمتکاران آنحضرت میرفتیم بعیادت او آنحضرت
در میان راه از برای ما پیدا شد گفت بکجا میروید گفتیم بعیادت
فلان میرویم گفت بایستید ایستادیم گفت با شما یکی از سیبی
یا بهی یا ترنجی یا اندکی از بوی خوش یا عود هست گفتیم با ما هیچ
چیز از اینها نیست گفت آیا نمیدانید که بیمار خوشحال میشود هر چه
برای او میبرید

علاج کردن بیمار

حضرت پیغمبر گفت
صلی الله علیه واله وسلم که دوا کنید مرض را بدرستی که حق تعالی
هر دردی که فرستاد شفا برای آن درد فرستاد و نیز که مردن
آدمی بگناه بیشتر است از مردن او باجل و زندگانی آدمی بنیکوئی
بیشتر است از زندگانی او بعمر و نیز گفت که نمی باشد بیماری مگر
از گناه و آنچه عفو میکند خدای تعالی از بنده بیشتر از آنچه مواخذه
میکند و روایتست که دو کس بیمار شدند یکی صحی که خود را از بیماری
نگاه دارد و دایم پرهیز کند دوم بیماری پرهیز نکند و چیزها
درهم خورد وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که اجتناب
کن از دوا مادام که در بدن تو قوت درد کشیدن دارد پس وقتی که
قوت درد کشیدن نداشته دوا کن وگفت ابو عبدالله علیه السلام که
یکی از پیغمبران بیمار شد وگفت که دوا نمیکنم تا آنکه آنکسی که بیمار
ساخت مرا شفا دهد حق تعالی وحی کرد بآن پیغمبر که شفا نمیدهم

ترا تا دوا نکنی بدرستی که شفا از منست و وقتی که دوا میکنی وکفت
امام رضا علیه السلام که اکر مردمان بیمار نمیشوند وکفت ابوعبدالله
علیه السلام که نیست پرهیز کردن از چیزی ترک کردن آن چیز
ولیکن پرهیز از چیزی کم کردن آن چیز است وکفت امام موسی ع
که پرهیز کردن اصل دواست و معده خانهٔ دواست و خو داد بدن را
آنچه عادت کرده و منقولست از کتاب روضة الواعظین که کفت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم آنکسی که بمیرد بی وصیت
کافر مرده است ونیز کفت که سزاوار نیست مسلمانرا که شبی
بروز آورد وصیت نامهٔ او در زیر سر او نباشد ونیز کفت که
آنکسی که نیکو وصیت نکنند در وقت مردن نقصانی در مروت
وعقل او هست وکفت امیر المؤمنین علی علیه السلام آنکسی که
نیکو وصیت کند ودران وصیت جور وستمی نکند وضرر نرساند
بکسی همچنانست که تصدق کرده باشد بآن چیز در حال حیات خود
وکفت امام جعفر صادق علیه السلام وصیت خواست مسلمانی
وواجبست بر واداء آن حق ونیز کفت آنکسی که وصیت نکند
که چیزی از مال با و بدهند بخویشاوندانی که میراث نمیبرند از و
وخاتم که عمل معصیت است

در طلب شفا کردن

بقرآن کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم آنکسی که طلب
شفا نکند از قرآن شفا نمیدهد خدایتعالی او را وکفت حضرت

امام

پرهیز کنند

امام جعفر صادق علیه السلام آنکسی که صد آیه قرآن از
هرجاکه
خواهد بخواند و بعد از آن هفت بار بکوید که یا الله پس اکر دعا
کند بر سنک خارا آن سنک شکافته شود وکفت ابوالحسن ع
که هرکاه بترسی از چیزی صد آیه از قرآن بخوان از هرجا که خواهی
بخوان و بعد از آن بکو اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلَاءَ وکفت ابو ابراهیم
سه مرتبه
علیه السلام آنکسی که طلب کفایت مهمی کند از مشرق تا بمغرب پایان
که کفایت میشود وان مهم وقتی که از روی صدق و یقین باشد
وکفت امام موسی علیه السلام که از قرآن شفاست از هر دردی

خواص سورهای قرآن وآنچه در اخبار آمده

درباب آن کفت امام موسی علیه السلام آنکسی که بیماری وعلتی
داشته باشد باید که هفت بار فاتحه بخواند در کریبان خود
واکر آن علت تسکین نیابد هفتاد بار بخواند بدرستی که تسکین
می یابد وکفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در خواندن
فاتحه هفت شفاست از هر دردی پس اکر صد بار بخواند بر مرده
بدرستی که روح وی از بدن مفارقت کرده باشد باز کرداند خدا
یتعالی
روح او را در بدن او وکفت ابوعبدالله علیه السلام که بعد از
خواندن هفتاد بار فاتحه روح باز کردد ببدن مرده عجب نیست
وکفت امام محمد باقر علیه السلام وقتی که علتی و بیماری داشته باشی که
بترسی از آن بیماری سورهٔ انعام بخوان بدرستی که نمی رسد بتو

ازان علت مکروهی و نیز کفت انکسی که سورهٔ نحل بخواند در ماه
ادا شود قرض او در دنیا و ایمن شود از هفتاد نوع بلا که آسان
ترین بلاها جنون و دیوانکی و برص است و روایتست که محمد حنفیه
از شیطان و لشکر و اتباع او سورهٔ نحل باید خواند و کفت امام
محمد باقر علیه السلام انکسی که سورهٔ لقمان بخواند در شب
موکل سازد خدایتعالی فرشته را که دران شب نکاه دارد اورا
از شر شیطان و لشکر او تا شب و کفت ابو عبدالله علیه السلام
که هر چیز را دلیست و دل قران یس است پس انکسی که در شب یس
بخواند پیش ازانکه خواب کند موکل سازد خدایتعالی با و هزار
فرشته که نکاه دارند او را از شر شیطان و از جمیع آفتها
و انکسی که در روز بخواند پیش ازانکه از خانه بیرون رود
حق تعالی او را نکاه دارد و روزی دهد تا شب و اکر دران روز
بمیرد خدایتعالی او را بر بهشت برد و روایتست که یس می باید
خواند برای شرف دنیا و آخرت و برای حفظ نفس و اهل
بیت و مال از جمیع آفتها و بلاها و روایتست آن کسی که دیوانه
شود یا بیهوش شود یس برو بخوانند و بنویسند و بشویند
باو بدهند که بیاشامد صحت یابد و اکر باب زعفران بنویسند
بر ظرفی از شیشه بهتر است و کفت ابو عبدالله علیه السلام
که سورهٔ والصافات در هر روز جمعه بخواند همیشه محفوظ

باشد از جمیع آفتها و دفع کرده شود از وی هر بلیه که در دنیاست و روزی
او کشاده شود در دنیا و نکاه دارد خدایتعالی او را و مال و
فرزندان او را از شر شیطان رجیم و سلطان ظالم و روایتست که
سورهٔ والصافات می باید خواند برای شرف و بزرکی و جاه و
عزت در دنیا و آخرت و کفت ابو عبدالله علیه السلام آنکسی که
سورهٔ زمر بخواند در روز یا در شب خدایتعالی عطا کند بزرکی
دنیا و آخرت و عزیز کرداند او را و اکر بی مال و بی خویشان باشد
وانکسی که سورهٔ واقعه بخواند جمع کند خدایتعالی برای او
خیر دنیا و آخرت را و انکسی که سورهٔ طور بخواند در هر شب
جمعه خدای تعالی او را و همه مردمان را دوست او کرداند و نه
بیند هرکز در دنیا هیچ بدی و سختی و فقر و درویشی و آفتی از
آفتها و این سوره در شان حضرت امیر المؤمنین و فرزندان
وی علیهم السلام نازل شده است و انکسی که مداومت کند در
خواندن سورهٔ حدید و مجادله در نماز فریضه ایمن شود او و اهل
و مال او از بدی و او با اهل خود هرکز روی درویشی نه بیند
و کفت امام زین العابدین علیه السلام که سورهٔ ممتحنه بخواند
در نماز واجبی و سنتی امتحان کند خدایتعالی دل او را برای ایمان
یعنی دل او را نور ایمان بدهد و روشن و پر نور کرداند چشم او را
بدبختی او و فرزندان درویشی و دیوانکی نه بینند و روایتست که

انکسی که سورهٔ ممتحنه بخواند در نماز فریضه عزیز و مکرم شود
نزد مردمان و ستایش کنند او را و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که سورهٔ قل اوحی بخواند در نماز خفتن یا در آخر شب گواهی دهند
شب و روز با این سورهٔ بر نیکی او در روز قیامت و خدایتعالی
باو زندگانی خوش بدهد و نیکو بمیراند او را و انکسی که سورهٔ
والنازعات بخواند در آورد او را خدایتعالی ببهشت سیراب
و بدبخت نشود در دنیا و روایتست انکسی که زهر بخورد یا بگزد
او را جانوری که زهر داشته باشد باید که سورهٔ البروج بر آب
بخواند و بخوردن دهد بدرستی که ضرری نرساند هرگز انشاء
الله تعالی و انکسی که سورهٔ انا انزلنا بخواند در نماز فریضه ندا کند
فرشتهٔ که ای بندهٔ خدا آمرزیده شد گناهان گذشتهٔ تو پس از
سر بگیر عمل را و انکسی که سورهٔ اذا زلزلت بخواند در نمازهای سنت
آسیبی باو نرسد از زلزله و هرگز نمیرد از صاعقه و هیچ آفتی
از آفتهای دنیا و انکسی که سورهٔ ویل لکل بخواند در نمازهای فریضه
درویشی نه بیند و روزی او زیاده شود و ایمن شود از مردن
بد و انکسی که سورهٔ قل یا ایها الکافرون و قل هو الله بخواند
در نماز فریضه بیامرزد خدایتعالی و پدر و مادر او را و اگر شقی
و بدبخت باشد نام او محو شود از دیوان بدبختان و بنویسند
در دیوان نیک بختان و نیک بخت گرداند حق تعالی او را و

و شهید بمیراند او را و شهید برانگیزاند او را در روز قیامت
و گفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا فرمود که چون
شما را درد سر شود یا درد دیگر بگشائید هر دو دست خود را
و فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوانید
و بمالید هر دو دست را بر روی خود بدرستی که چون چنین
کنید برود آن درد از شما گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خدایتعالی عوض فدک تب را تابع و فرمان بردار حضرت
حضرت فاطمه ساخت پس هر کسی دوست دارد حضرت فاطمه
و فرزندان او را پس اگر او را تب شود باید که هزار بار قل هو الله
بخواند و بعد از آن بگوید که بحق فاطمه علیها السلام که شفا
ده مرا بدرستی که چون چنین کند تب او برطرف شود باذن خدا
و انکسی که اذا جاء نصر الله در نماز سنت یا در نماز واجب بخواند نصرت
دهد او را بر دشمنان و گفت ابو عبد الله علیه کسی که بیمار شود
یا با او سختی برسد و قل هو الله را نخواند در آن بیماری و سختی
بدرستی که او اهل دوزخ است و نیز گفت انکسی که جا گیرد در فراش
خود و یازده بار بخواند قل هو الله بخواند محفوظ شود خانهٔ او
و خانهای که در حوالی اوست

طلب شفا کردن

بآیتهای قرآن روایتست که در آیتهای که مشتمل است بر تهلیل
شفاست از جمیع مرضها و آیتهای تهلیل اینست بسم الله الرحمن الرحیم

والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله
الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم
ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا
يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هو الذي يصوركم
في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله
فان الله سريع الحساب واذا حييتم بتحية فحيوا باحسن
منها او ردوها ان الله كان على كل شيء حسيبا الله
لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل
اتبع ما يوحى اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين
قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك
السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله
ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه
لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا
لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي
الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو

اذا

اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي
آمنت به بنو اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم
فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل
الملائكة بالروح على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله
الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انك بالواد المقدس طوى
وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني
واقم الصلوة لذكري ان الساعة آتية اكاد اخفيها لتجزى
كل نفس بما تسعى انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع
كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي
اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله
الا انت اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو له الحمد في الاولى والآخرة وله
الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة الله
عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض
لا اله الا هو فانى تؤفكون انا كذلك نفعل بالمجرمين
انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون

من امره

فاعبدون

اخفيها

ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق و
صدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق
كل شئ لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب
العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم
موقنين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين
فانّى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر
لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثويكم
لو انزلنا هذا القران علي جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
هو الله الخالق الباري المصور له الاسماء الحسنى يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم انما علي رسولنا
البلاغ المبين الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق
والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا وكفت امام جعفر صادق
عليه السلام كه رسول خدا صلي الله عليه واله كفت باميرالمؤمنين
علي عليه السلام كه يا علي ايمن ميشوي از سوختن وقتي كه بگوي

فانى تؤفكون هو الحي لا اله الا هو

الله

سبحان ربي لا اله الا انت عليه توكلت وانت رب
العرش العظيم يا علي ايمن مي شوي از وسواس وقتي كه بگوي
واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالا خرة
حجابا مستورا وجعلنا علي قلوبهم اكنة ان يفقهوه
وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده ولوا علي
ادبارهم نفورا يا علي ايمن مي شوي از بدي كسي كه مي ترسي
وقتي كه بگوئي ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن اشهد ان الله علي كل
شئ قدير وان الله قد احاط بكل شئ علما واحصى كل شئ
عددا ولا حول ولا قوة الا بالله تب و درد سر كفت
ابو عبد الله عليه السلام هر كه تب و درد سر داشته باشد فاتحه
وقل هو الله و معوذتين را واين كلمات نيز بنويس بسم الله الرحمن
الرحيم رب الناس اذهب الباس واشف انت الشافي فانه لا شفاء
لا يغادر سقما بيدك الخير انك علي كل شئ قدير وننزل من القران
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين بسم الله الرحمن الرحيم
قلنا يا نار كوني بردا وسلاما علي ابراهيم كذلك صاحب كتابي
هذا رحمتك يا ارحم الراحمين ايها الصداع والاثر بعزة الله
اسكن بقدرة الله اسكن بجلال الله اسكن بعظمة الله اسكن
بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم الله وهو
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى

فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وكذلك ننجی المؤمنین
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله ونعم
الوكیل وصلی الله علی محمد واله وسلم تسلیما

وغیر آن از بیماریها روایتست كه شكایت كرد یكی از اصحاب نزد ابو
عبد الله علیه السلام از حرارت تب آنحضرت گفت بگشایند گریبان
پیرهن را و سر خود را در گریبان كند اذان و قامت بگوید و هفت
بار فاتحه بخوان انكس گفت چنین كردم و از تب خلاص شدم

گفت ابو عبد الله ع وقتی كه تو ریض ترا تب شود سر
خود را در گریبان كن اذان و قامت بگو و فاتحه و قل هو الله و معوذتین
هر یكی راسه بار بخوان و بگو اعیذ نفسی بعزة الله وقدرة الله
وعظمة الله وسلطان الله وبجمال الله وبجمیع الله وبرسول الله
وبعترته صلی الله علیهم اجمعین وبولاة امر الله من شر ما اخاف
واحذر واشهد ان الله علی كل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اللهم
اشفنی بشفائك وداونی بدوائك وعافنی من بلائك ونیز گفت
ابو عبد الله علیه السلام كه سر خود را در گریبان كن اذان و قامت
بگو و فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
راسه بار بخوان و این آیه ها را نیز سه بار بخوان لو انزلنا هذا القرآن

علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم یتفكرون هو الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم الله الذی لا اله الا
هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتكبر سبحان الله عما یشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وما فی الارض وهو العزیز الحكیم و بعد از ان بگوید اعیذ
نفسی بعزة الله تا اخر آن دعا كه گذشت و گفت حماد بن عثمان
شكایت كرد مردی نزد ابی عبد بن عثمان كه شكایت كرد مردی
نزد ابی عبد الله علیه السلام از تب كه بسیار در مانده بود و بر طرف
نمیشد آنحضرت گفت كه بنویس آیة الكرسی را بر ظرفی و بشو آنرا
باندك آبی و بیاشام روایتست از ائمه معصومین
علیهم السلام گفت كه بگیرانند كی از تربت حضرت امام حسین علیه
السلام و تر كن آنرا باب و بنویس بر ظرفی از شیشه بقلم فولاد این آیتها را
كه سلام قولا من رب الرحیم وامتازوا الیوم ایها المجرمون حسبی الله
ونعم الوكیل طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی الا تذكرة
لمن یخشی ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
ان امسكهما من احد من بعده انه كان حلیما غفورا یرید الله ان یخفف
عنكم الان خفف الله عنكم قلنا یا نار كونی بردا و علی ابراهیم اراد وبه

سلاما

عن فلان بن فلان يعني نام بيمار و نام پدر او را بنويس و اين دعا نيز
بنويس الحرد و البرد و الليلة و جميع الالام و الاسقام و
و الاعراض و الاوجاع و الصداع طسم طس باسماء الله حمعسق كذلك
يوحي اليك و الى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلي العظيم و الحمد لله رب العالمين و صلوته
على سيدنا محمد النبي و اله الطاهرين امن تزول الجبال و لا يزول
صل على محمد و ال محمد كلما بفلان بن فلان يعني نام او و نام
مادر او را بنويس من مرض و سقم الم انك على كل شيء قدير
و حسبنا الله وحده و صلواته على سيدنا محمد النبي و اله
اجمعين و بشوي اين نوشته را و بده به بيمار كه بياشامد از
براي تب بنويس اين اسما را و ببند بر كسي كه تب دارد و بالحق انزلناه
و بالحق نزل و ما ارسلناك الا مبشرا و نذيرا و ننزل من القران
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين و ما محمد الا رسول قد خلت
من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم
و من ينقلب على عقبيه و امنوا بما نزل على محمد و هو الحق من ربهم
كفر عنهم سيئاتهم و اصلح بالهم ما كان محمد ابا احد من رجالكم
و لكن رسول الله و خاتم النبيين و كان الله بكل شيء عليما محمد
رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم
ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله و رضوانا سيماهم في وجوههم

من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية و مثلهم في الانجيل كزرع
اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع
ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين امنوا و عملوا الصالحات
منهم مغفرة و اجرا عظيما و مبشرا برسول ياتي من بعدي
اسمه احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين
و لو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
به الموتى بل لله الامر جميعا الملك لله الواحد القهار و بعد
از ان بگو بسم الله المكتوب على سرادق العرش
و تب ربع آنست كه يك روز ميگيرد و دو روز نميگيرد و روز چهارم
باز ميگيرد بنويس و ببند بر بازوي راست بيمار بسم الله الرحمن الرحيم
و لو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به
الموتى بل لله الامر جميعا يا شافي يا معافي و بالحق انزلناه و بالحق
و بنويس بر كتف كسي كه تب ربع دارد و سورة الم نشرح و اين دعا را
لا باس رب الناس اذهب الباس اشف و انت الشافي لا شفاء الا شفاءك
قال اني وهن العظم مني و اشتعل الراس شيبا و لم اكن بدعائك
رب شقيا باسم فلان بن فلان يعني نام بيمار و نام پدرش را
بنويس   از براي تب و لرز بخوان اين اسما را كه بسم الله
مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان و جعل بينهما برزخا
و حجرا محجورا يا نار كوني بردا و سلاما على ابراهيم الا ان حزب

خ

الله هم الغالبون ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين
انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
تب ربع گفت امام حسن عسکری که بنویس بر ورقی یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم وببند این نوشته را بر کسی که تب کند
وقتی که او را تب بگیرد و روایت دیگر این آیه را بنویس قل الله اذن
لکم ام علی الله تفترون و بر بند بر بازوی او و بنویس بطلط
بطل طلط و به بند بر ساق چپ او و بگو عقدت علی اسم الله
حمی فلان یعنی بر نام خدایت فلان را یعنی نام آنکس را بگو از برای
تب ربع بگو الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا
ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا   از برای سر درد و شقیقه
گفت ابو عبد الله علیه السلام بخوان بجهت درد سر و شقیقه
گفت ابو عبد الله علیه السلام که بخوان بجهت درد سر و شقیقه
این آیه را که ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن و
تنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ویا ارض
ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی فقیل بعدا للقوم الظالمین   از برای درد سر
وشقیقه فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة

من صیام او صدقة او نسک ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما
ینکث علی نفسه اسکن سکنتک یا وجع الراس بالذی سکن له ما
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم   از برای درد سر
وشقیقه روایتست که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق
علیه السلام از درد سر آن حضرت گفت که بنه دست خود را بر جای
که درد می کند و آیة الکرسی و فاتحه بخوان و بگو که الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله والله اکبر اجل واکبر مما اخاف واحذر اعوذ بالله
من عرق نعار واعوذ بالله من حر النار   درد سر گفت که
عمرو بن حنظله که شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از درد سر
آن حضرت گفت وقتی که ترا درد سر شود بنه دست خود را بر سر خود
و بگو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا
واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رایت المنافقین
یصدون عنک صدودا   درد شقیقه گفت امام رضا علیه السلام
که بگو بسم الله الرحمن الرحیم • ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت
الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
و بنویس این دعا را و کسی که درد شقیقه دارد با خود نگاه دارد •
اللهم انک لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره ولا معک
شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه ونتعوذ به

ونتضرع اليه ونملكه ولا اعانك على خلقنا من احد فتشفيه
لا اله الا انت وحده لا شريك له عاف فلان یعنی نام کسی که درد شقیقه
دارد می باید نوشت صلی الله علی محمد واهل بیته
در ذکر
وغیر آن از دردها گفت امام جعفر صادق علیه السلام که درد سر
ودرد دیگر داشته باشد باید که بنهد دست خود را بر آنجا
که درد می کند وبگوید که اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی
اللیل والنهار وهو السمیع العلیم • ونیز گفت که حضرت پیغمبر را وقتی
که کسالت وگرانی عارض میشد مبرسید یا درد سر میشد دست خود را
میکشود وقل اعوذ برب الناس • میخواند وبعد از آن می مالید دست
خود را بر روی خود پس برطرف میشد از آن حضرت آن تشویش
وگفت عمرو بن ابرهیم که شکایت کردم نزد امام رضا علیه السلام
که صفرا غالب شده است بر من وبسبب این حالتی میشود مرا مثل جنون
ودرد سر غالب میشود آن حضرت گفت که بر تو باد که بگیری آن
گیاه را که بر درخت می پیچد وبکوبی وبنهی بر سر خود وبفرما مردمان را
که بنهند بر سر طفلان خود بدرستی که فائده میدهد باذن خدای تعالی
عمرو بن ابراهیم گفت که چنین کردم وتسکین یافت درد سر من وگفت امام
رضا علیه السلام که بجهت درد سر می باید نهاد بجهت درد
شقیقه • بسم الله الرحمن الرحیم • ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا انک انت الوهاب • پس اگر بخواند ابر آیه را

ودرد شقیقه برطرف نشود بگیرد یک نخود ونیم از نخودهای سفید ودم
بکوب وسه بار قل هو الله بخوان بر آن وبر آب بیامیز وبده بر آنکس که درد شقیقه
دارد بدهد که بخورد ودر روایتست که شکایت کرد مردی از اهل مرو نزد
ابی عبد الله علیه السلام از درد سر آن حضرت گفت با آنمرد که نزدیک
من بیا آن مرد نزدیک آن حضرت آمد آن حضرت دست خود را بر
سر آن مالید وبعد از آن گفت ان الله یمسک السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا وگفت معویه بن عمار که شکایت کردند نزد ابی عبد الله علیه السلام
از باد که درد شقیقه پیدا شده بود آن حضرت گفت که وقتی که فارغ شوی
از نماز فریضه بنه انگشت شهادت دست راست بر میان هر دو چشم
خود وهفت بار بگو یا حنان اشفنی وهر بار بگذران انگشت خود را
برابروی راست خود وبعد از آن آن انگشت را بگذران برابروی
چپ خود وبگو یا منان اشفنی وبعد از آن بنه کف دست راست را
برمیان سر خود وبگو یا من سکن له باللیل والنهار وما فی السموات
والارض صل علی محمد واهل بیته وسکن ما بی از برای درد
چشم گفت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وقتی که چشم شما درد
کند باید که بخواند بر چشم آیة الکرسی را ودر دل خود بگذراند
در دل خود که شفا خواهم یافت بدرستی که حق تعالی شفا میدهد
انشاء الله تعالی ودر روایتست که آن کسی که هر روز بگوید فجعلناه

سميعاً بصيراً سالم میماند چشم او از آفات و روایتست که نظر کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بسلمان رحمة الله علیه و دید که چشم
او درد می کند گفت که خرما مخور و بجانب چپ خواب مکن و بعد از
برای درد چشم سه بار بر آب بخوان این دو آیه را که فَكَشَفْنَا عَنْكَ
غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ و لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ و بعد از آن روی خود را از آن آب بشوی
از برای درد چشم این آیه را بخوان که اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ
كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي
اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ بنویس بتربت امام حسین علیه السلام بآب زمزم بر جامی
و بعد از آن بشوی آنرا در شیشه کن و بمیل در چشم بکش
از برای درد چشم بخوان این آیه را که وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ
بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِلْعَالَمِينَ   علاج شب کوری گفت ابو یوسف المعضب که شکایت
کردم نزد ابی الحسن اول علیه السلام از شب کوری و گفتم بیاموز مرا
علاجی از برای شب کوری آن حضرت گفت که این آیه را که اللَّهُ نُورُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ

كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ
يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بنویس به تربت امام حسین علیه السلام و بآب
زمزم بر جامی و بعد از آن بشوی آنرا و در شیشه کن و بمیل در چشم
بکش   از برای درد چشم بخوان این آیه را وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ
لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ   شبکوری گفت یوسف
المعضب که شکایت کردم نزد ابی الحسن اول ع از شبکوری و گفتم بیاموز
مرا علاج شبکوری آن حضرت گفت که این آیه را که اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ
كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي
اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ بنویس بر جام چند نوبت و بعد از آن بشوی آنرا و در
شیشه کن و بمیل در چشم بکش ابو یوسف گفت که از آن آب صد میل
در چشم خود نکشیده بودم که چشم من صحیح شد و شبکوری بر طرف شد
درد گوش هفت بار بخوان بر روغن یاسمین یا بنفشه این
دو آیه را که كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا وبریزان آن روغن را در گوش
خود   درد دندان سه بار فاتحه بخوان وسه بار قل هو الله
وبگو یا ضرس ابا الطار تسکین ام بالبار وام بسم الله تسکین
اسکن سکنتک بالذی سکن له ما في السموات وما في الارض و
هو السميع العليم قال من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي
انشاها وهو بكل شيء عليم منها فانك تخرج ولنخرجنهم منها
اذلة وهم صاغرون فخرج منها خائفا يترقب   از برای
درد دندان بنویس این آیتها را بر نان تنک و بنه بر دندانی که درد
می کند و آیتها اینست که بسم الله لكل نبأ مستقر وسوف
تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالی عما يشركون
فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته
لعلكم تعقلون من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي
انشاها اول مرة وهو بكل شيء عليم   بستن درد دندان بگیر
میخی از آهن و فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس هر یک را سه بار بخوان وبعد ازان این آیه را بخوان
من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشاها اول مرة وهو
بكل خلق عليم وبعد ازان بگو یا ضرس فلان بن فلان یعنی نام
آن کسی که دندان او درد می کند ونام پدر او را بگو اکلت الحار والبارد
افالحار تسکین امر بالبار و تسکین   وبعد ازان این آیه را بخوان

که وله ما سکن في الليل والنهار وهو السميع العليم وبعد ازان
بگو سکنت دات داء هذا الضرس من فلان بن فلان یعنی نام کسی که
دندان او درد می کند ونام پدر او را بگوید وبعد ازان بگو که
بسم الله العظيم   بعد ازان میخ را بر دیواری بکوب وبگو
الله الله الله   از برای درد دندان بگیر برگ سبزی و بنویس
بران برگ سبز این آیه را که الذي جعل لكم من الشجر الاخضر
نارا فاذا انتم منه توقدون   وبعد ازان بر برگ سبز را دندانی
که درد می کند وقدمی چند برو وآن برگ سبز را بلند از بس
پشت خود و نگاه مکن به پس پشت خود بدرستی چون چنین کنی
درد دندان تسکین می یابد انشاء الله تعالی   درد دندان
بخوان این آیتها را که لله ما في السموات وما في الارض وان
تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن
يشاء ويعذب من يشاء والله على كل شيء قدير امن الرسول
بما انزل اليه من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته
ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا
واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله نفسا
الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا
ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على
الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا

واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین
وبگو سنتنه تریدوا ای بقلة لا تاکله وهی باید که آنکسی که
می خواند این آیتها را وافسون می کند باوضو باشد ودر اندرون
خانه نزدیک در بایستد بدرستی که درد تسکین می یابد
از برای خون آمدن از بینی بخوان این آیتها را که منها خلقناکم
وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا
یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر و
استوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ومن یتق الله
یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون   از برای خون آمدن از بینی بنویس
در پیشانی کسی که خون از بینی او می آید بهمان خون یا بزعفران
این آیه را که وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض
الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
بدرستی که تسکین می یابد انشاء الله تعالی   از برای زکام گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که زکام لشکریست از لشکر
های خدا تعالی که می فرستد خدا تعالی بر دردها پس می برد دردها

وگفت

وگفت ابو عبد الله علیه السلام که بجهت زکام بگیر اندکی از پنبه و
بروغن بنفشه چرب کن ودر وقت خواب بطریق شاف بخود
بردار بدرستی که نافع است زکام را انشاء الله تعالی   وسوسه
دل بگو فاذا قرات القران فاستعذ بالله وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس بخوان وگفت امیر المومنین علی علیه السلام
که وقتی که وسوسه کند شما را باید که پناه جوئید بخدا تعالی وبگوئید
بر زبان ودل خود که آمنت بالله ورسله مخلصین له الدین
برای درد دل بخوان این آیتها را بر آب وبیاشام لئن
انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون
الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر ان الله یم
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا   برای درد دل
بخوان این آیتها را بر آب وبده که بیاشامد کسی که درد دل دارد و همین
آیتها را وبه بند در گردن آنکس واینها اینست که بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة
انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه
ان الله لا یخلف المیعاد الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله
الا بذکر الله تطمئن القلوب الذین آمنوا وعملوا الصالحات
طوبی لهم وحسن مآب لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین

تنگی دل هفت روز هر روز دو بار الم نشرح بخوان یکبار صباح
و یکبار شام و روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله ع
از درد سینه آن حضرت گفت که طلب شفا کن از قرآن بدرستیکه
خدا تعالی میگوید که فیه شفاء لما فی الصدور یعنی در قرآن شفا است
از امراضی که در سینهای شما است   درد سینه بخوان این
آیه را که واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته
لعلکم تعقلون   درد شکم بنویس سورهٔ اخلاص و این آیه‌ها را
که بسم الله الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشاها
اول مرة وهو بکل شیء علیم ولو ان قرآنا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و بند
بر آنکس که درد شکم دارد و این آیه‌ها را بخواند بر آنکسی که بسم الله الرحمن الرحیم
ما اصابکم من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل
ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا فی ربهم
فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق الحمیم
یصهر به ما فی بطونهم والجلود تعالی الله الملک الحق لا اله الا
هو رب العرش العظیم لا اله الا هو الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر   درد شکم بخواند این آیه‌ها را که ه

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین و هفت بار
فاتحه بخواند که این مجرب است برای درد شکم ان الله بالناس
لرؤف رحیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
درد پشت بخواند این آیه‌ها را که شهد الله انه لا اله الا هو
والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب   حبس بول بشوی هر دو پای آنکس را
که حبس بول دارد بنویس بر ساق چپ او این آیه‌ها را که ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر
وحملناه علی ذات الواح و دسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر
و گفت خیران که نوشتم بابی الحسن سیم ع که فدای تو گردم نزد من مردی از
دوستان تست و او حبس بول دارد و التماس میکند که تو دعا کنی
برای او که خدا تعالی او را صحت و عافیت کرامت کند و نام او نفیس خادم است
آن حضرت در جواب نوشت که کشف کند خدا تعالی از تو ضرر را و
دفع کند از تو مکاره دنیا و آخرت را و مبالغه کن آنکس را که قرآن بخواند
و طلب شفا کند بقرآن بدرستیکه شفا می یابد انشاء الله تعالی

از برای درد رحم بسم الله وبالله الذی باذنه قامت السموات
والارض فان مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام کذلک
یشفی الله فلان بنت فلان یعنی نام آنکس راکه درد رحم دارد و نام
مادر او را بنویس که من وجع الارحام علی ما هو کائن وعلی ما قد کان
اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما

بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و
الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر
السجود ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج
شطاه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع
لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا وعملوا الصالحات منهم
مغفرة واجرا عظیما اجیبوا عزمت علی سامعة الکلام الا اجابة
هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التی تزهق الارواح والاجساد
ولا یبقی روح ولا فواد حب یا ببسم الذی قال للسموات و
الارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد
النبی وآله الطاهرین بنویس این تعویذ را و بربند بر کسی که درد رحم
دارد   علاج کسی که بول میکند در خواب روایتست که ائمه
معصومین علیهم السلام فرمودند که از برای کسی که بول میکند در خواب

بگیر مقداری از زعفران و دو مقدار آن سعد و سعد گیاهی است خوشبو
و هر کدام را علیحده بکوب و سعد را بریز بر حریری که بیک یافته باشند
و بعد از آن هر دو را یکجا بگیر با مزه و معجون ساز بعسلی که کف او را
گرفته باشند و بعد از آن آنرا حبها بساز برابر فندق و بنویس در جام
فولاد بزعفران این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم
ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من بعده انه کان حلیما غفورا و چندان بنویس این آیه را که جام
پر شود و بعد از آن بآب خنک بشو و بریز در ظرف پاکی و نگاه دار
و بگیر کاغذ یا پوستی و بنویس در آن کاغذ یا پوست بسیاهی سورهٔ فاتحه
و قل هو الله را سه بار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و آیة الکرسی را و آخر سورهٔ حشر را که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و
الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک
ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا و بعد از آن بنویس این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم

إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما
من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا • وبنويس اين كلمات را كر
يا من هو هكذا إلا هكذا غيره أمسك عن فلان بن فلانه يعني نام آنكس
و نام مادر او را بنويس ما يجد من غلبة البول • و برښد اين تعويذ را
بر زانوی آنکس اگر زن باشد و اگر پسر باشد به بند بر زهار او بر بالای
ذکر او و بکير يك حب ازان جتها و حل کن با آبی که در ظرف نگاه داشته
بودی و بده بآنکس که بیاشامد در وقت خواب و باید که آن کس آب
کم بخورد بد رستی که چون چنین کند میرود از و غلبه بول انشاء الله تعالی
از برای دشوار زائيدن بنويس اين را کر بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله • وبالله • محمد رسول الله • كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا
إلا عشية أو ضحيها • إذا السماء انشقت • وأذنت لربها وحقت
وإذا الأرض مدت • وألقت ما فيها وتخلت • ولبثوا في كهفهم
ثلث مائة سنين وازدادوا تسعا • أخرج بإذن الله من البطن
الطيبة منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخرى
أخرج بإذن الله وقدرته واسمه الذي لا يضر مع اسمه
داء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العزيز الوهاب •
كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار
بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون • أولم ير الذين كفروا
أن السموات والأرض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء

كل شيء حي أفلا يؤمنون • إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن
فيكون • فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون •
بسم الله الرحمن الرحيم • إذا جاء نصر الله والفتح
ورأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا • فسبح بحمد ربك
واستغفره إنه كان توابا • وأولات الأحمال أجلهن أن يضعن
حملهن • از برای دشوار زائيدن هفت بار بنويسد بر ورقی اين آيه
که فإن مع العسر يسرا و يکبار بنويسد اين آيه را کر بسم الله الرحمن الرحيم
يا أيها الناس اتقوا ربكم إن زلزلة الساعة شيء عظيم • يوم ترونها
تذهل كل مرضعة عما أرضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى
الناس سكارى وما هم بسكارى ولكن عذاب الله شديد • و برښد آن
ورق را بر ران آن زن دشوار زائيدن بنويسد بر پهلوی
آن زن بسم الله • وبالله • أخرج بإذن الله • منها خلقناكم
وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخرى • وصلوات بفرستد
بر نبی و آل او عليهم السلام از برای دشوار زائيدن بنويسد
اين آيتها را و به بند بر ران آن زن که بسم الله الرحمن الرحيم
فإن مع العسر يسرا • يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر • ويهيئ
لكم من أمركم مرفقا • ويهيئ لكم من أمركم رشدا • وعلى الله قصد
السبيل • يسره • أولم ير الذين كفروا أن السموات والأرض كانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون • ورد

که بنویسید سورهٔ انا انزلناه را و بشوئید و بدهید آن آب را بآن زن که
بیاشامد و از آن آب بفشانید بر فرج آن زن   از برای [illegible]
زائیدن بنویسید بر کاغذی این آیها را که اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ
حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ كَأَنَّهُمْ
يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ و ببندد
بر میان آن زن پس وقتی که فرزند متولد شود جدا کنند آن تعویذ را
از وی روایتست که بخوانند نزد آن زن سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ   درد سپرز
بخوان بر دست کسی که درد سپرز دارد سه بار سورهٔ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ را
و بعد از ان سه بار بخوان این آیه را که اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ
أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ   و بعد از ان بمال هر دو دست
او را بر سپرز او هفت بار   از برای درد سپرز بنویسید این آیه را
و ببندد این آیه را بر ان موضع اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا   و این آیه را که اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
قولنج بنویس به لوحی یا بر شانهٔ سورهٔ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را و بعد از ان بنویس

این دعا را که اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَةِ اللّٰهِ
الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْهُ و بشوی
بآب باران و بده که بیاشامد کسی که درد قولنج دارد بر ناهار و وقت خواب
کردن بدرستی که نافع و مبارکست ان شاء الله تعالی   ناف و درد
اندرون بخوان بر روغن این آیها را که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى
الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ فَفَتَحْنَا
أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ باسم فلان بن فلان یعنی نام آنکس که پیچش ناف دارد
و نام پدر او را بگو و بعد از ان بخوان این آیه را که اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ
إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
كَذٰلِكَ أَخْرُجْ أَيَّتُهَا الْأُولَىٰ بِإِذْنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ   بواسیر
روایتست که شکایت کرد مردی نزد حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ
از بواسیر آن حضرت گفت که بنویس سورهٔ یس را بعسل و بآب بشوی
و بده که بیاشامد کسی که بواسیر دارد   و غیر آن روایتست که
گفت مردی بابی جعفر علیه السلام که من دختری دارم که گاهی بار وی
او کرخت میشود تا آنکه می افتد آن حضرت گفت که وقتی دختر حائض
شود شونت پخته و عسل با وی بده که بخورد و گفت ابو جعفر علیه السلام
که بخوان بر کسی که فالج دارد یا قولنج یا ابرده یا بادی که بواسطهٔ درها

پیدا شود سورهٔ فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس را و بعد از آن بنویس بر شانه یا الوجع این دعا را که اعوذ
بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها
شیء من شر هذا الوجع و من شر ما اجد منه و بشوی آنرا با آب باران
و بده بآنکس که بیاشامد بر ناهار و وقت خوابیدن بدرستی که صحت
می یابد ان شاء الله تعالی و ابرده علتی است که از سردی و رطوبت پیدا
می شود چرب و دنبل و که بوی بخواند و بنویسد بر آنها این را که
بسم الله الرحمن الرحیم ومثل کلمة طیبة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و انت لا کبیر
و الله یبقی و انت لا تبقی و الله علی کل شیء قدیر و روایتست که آن
کسی که بر ساق و علتی یا مانند آن که بوده باشد باید که بنویسد بر ساق
و این بیمار را که و لقد خلقنا السموات و الارض و ما بینهما فی ستة ایام
و ما مسنا من لغوب   از برای بهق بنویسد بر موضعی که بهق دارد
این آیه را که و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر
معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و گفت
امام رضا علیه السلام که خربزه خوردن بر ناهار فالج می آورد
برص و جذام بخواند بر آنکس و بنویسد و بر بندد بر آنکس این را که
بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب

الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة
مثنی و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلان یعنی نام آنکس و نام مادر آنکس را
بنویسد و روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله علیه السلام
از برص آنحضرت فرمود که بگیر تربت حضرت امام حسین علیه السلام را
و با آب باران بیامیز و بخور آن مرد چنین کرد خلاص شد از آن مرض
و روایتست که مردی اندکی برصی داشت ابو عبد الله علیه السلام
فرمود بآن مرد که بنویس سورهٔ یس را بعسل و بشوی و بیاشام آن مرد
گفت چنین کردم آن مرض برطرف شد و گفت امام موسی علیه السلام
که شوربای گوشت گاو و بادنجان خشک می برد برص را و روایتست که
شکایت کرد یونس بن عمار نزد امام موسی علیه السلام از برصی که در
بدن او پیدا شده بود آن حضرت فرمود که مویز را در آب کن و یکشب
بگذار و بعد از آن بیاشام پس چنین کرد برطرف شد آن مرض
ثؤلول و آنرا زخ گویند بگیر اندک نمک و بمال بر ثؤلول و بخوان این
آیه را که و لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض

وهو العزیز الحکیم وبعد از آن بشند از آن نمک باد رتنوری که آتش
داشته باشد و زود بر کرد بدرستی که تولول بر طرف می شود ان شاء الله تعالی
تولول بر سه جو بخوان این آیتها را که مثل کلمة خبیثة
اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و بکردان آن سه دانه جو را
بر تولول و بعد از آن دفن کن آن سه دانه جو را در جائی که نمی داشته
باشد در دو روز آخر ماه هر گاه متعفن شد آن دانهای جو بر طرف
میشود تولول   تولول روایتیست که گفت مردی با امام رضا
علیه السلام که بیاموز مرا چیزی که بر طرف کند تولول را آن حضرت
گفت که بگیر بعدد هر تولول هفت دانه جو و بر هر دانه هفت بار بخوان
این آیتها را که بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة
لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا
وبست الجبال بسا فکانت هباء منبثا ویسئلونک عن الجبال فقل
ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا ترى فیها عوجا
ولا امتا یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا وبعد از آن بمالد هر دانه جو را بر تولول و
بند آن دانهای جو را در خرقه نوی و سنگی بر آن خرقه ببندد و
از آن خرقه را در آن خانه بس نظر کند در روز هفتم یا هشتم بدرستی
که بر طرف شود تولول و سزاوار اینست که در روز آخر ماه این کار بکند
بخوان این دعا را که اولم یر الذین کفروا ان السموات

والارض کانتا رتقا ففتقناهما و بگردان و بگیر انگشت از انگشتهای
خود را و بجنباند چنانکه آواز نکند و در آن حال بگوید که رگ فلان را
بجا انداختم   مرض رشته بنویسد بر موضعی که رشته بیرون
می آید وقت خارید بیش از آنکه بیرون آید این آیه را که و
یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا ترى فیها عوجا ولا امتا و صبر بمالد بر آن موضع
و نیز بنویسد این آیه را که او کالذی مر على قریة وهی خاویة
على عروشها قال انى یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله
مائة عام ثم بعثه   صرع بخوان این آیه را بر کسی که صرع
دارد که وما لنا الا نتوکل على الله وقد هدانا سبلنا ولنصبرن
على ما آذیتمونا وعلى الله فلیتوکل المؤمنون   دفع ترس
طفلان بخوانند بر طفلان اذا زلزلت الارض و این آیتها
که فضربنا على آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم
لنعلم ای الحزبین احصى لما لبثوا امدا شهد الله انه لا اله الا
هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم
ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر

بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز
علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم.
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
چشم زخم گفت معمر بن خلاد که در خراسان در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام می بودم آن حضرت فرمود مرا که از برای او بوی
خوش بیارم چون آوردم در عجب آورد آن حضرت را آن بوی خوش
ومتوجه آن بوی خوش شد وگفت بمن که ای معمر چشم زخم می باشد بنویس
در رقعه سورهٔ فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ
برب الناس وآیة الکرسی را وبنه در غلاف شیشهٔ بوی خوش
چشم زخم خود بر نفس خود بر دیگران پس هرگاه بترسی از چشم کردن
خود را یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وگفت ابو عبد الله علیه السلام که وقتی که مهیا شوید بجهت
بیرون رفتن از منزل خود بر وجهی که در عجب آورد شما را باید که در
وقت بیرون رفتن از منزل قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس بخوانید بدرستی که چشم زخم نمی رسد شما را باذن خدا تعالی
ونیز گفت که آنکسی که در عجب آورد او را چیزی از برادر مؤمن باید که

دعا بخیر کند او را بدرستی که چشم زخم می باشد وگفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که چشم کردن داخل میگرداند مرد را
در قبر وشتر را در دیگ یعنی چشم کردن این مقدار اثر دارد که می
راند آدمی را وسبب کشتن شتر می شود ونیز گفت که افسون
نمی باشد مگر بجهت دو چیز گزیدن وچشم کردن   دفع خواب
بخوان این آیه را که ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب
ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر
مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا وخر موسی
صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک وانا اول المؤمنین.
وبمال آن آب را بر سر وروی ودستهای خود تا مرفق
گفت حضرت امام رضا علیه السلام که وقتی که بگریزد بندهٔ از تو یا گم
شود حیوانی یا متاعی از تو بگو وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو
ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة
فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین.
وبعد از آن بگو اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی و
ترد الضالة صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ورد ضالتی وصل
علی محمد وآله وسلم   شفا از هر دردی گفت رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم که تعلیم کرد جبرئیل علیه السلام مرا دوائی که با وجود
او احتیاج بهیچ دوائی نیست یکی از اصحاب گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله

دو اکراست آن حضرت فرمود که بگیر آب باران را پیش از انکه بزمین برسد
و آن آب را در ظرفی پاکی کن و بخوان بر آن آب هر یک از سورهٔ فاتحه و
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هفتاد بار
و بعد از ان بیاشام از ان آب صباح یک قدح و شام یک قدح و گفت
حضرت که بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که چون این کار بکنی بیرون می برد
خدا تعالی دردها را از بدن و استخوانها و مغز و رگهای تو
از برای شفا از هر دردی بگیر هفت عدد سیاه دانه و برابر هفت عدد
از تربت حضرت امام حسین علیه السلام و هفت قطرهٔ عسل در آب کن
آنها را با دو روغن و بخوان بر آن آب با روغن سورهٔ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و اول سورهٔ
حدید را که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي
السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ لَهُ مُلْکُ السَّمٰوَاتِ وَ
الْاَرْضِ یُحْیِي وَیُمِیْتُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ
وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي
سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ
مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیْهَا وَهُوَ مَعَکُمْ اَیْنَمَا کُنْتُمْ وَاللهُ
بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِیْرٌ لَهُ مُلْکُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَی اللهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ
و آخر سورهٔ حشر را که لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْیَةِ اللهِ وَتِلْکَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُوْنَ

هو الله

هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیْزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا یُشْرِکُوْنَ هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ
الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ گفت ابو جعفر علیه السلام که در اینها که مذکور شد
شفا است از هر دردی زیرا که خدا تعالی گفته است که وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یعنی فرو میفرستیم از قرآن آن چیزی که
در و شفا است بیماری ها را و بخشایش است مر مومنان را که بدان نفع میگیرند
و نیز گفت که یَخْرُجُ مِنْ بُطُوْنِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهُ فِیْهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ
یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند
رنگهای او و در ان عسل شفا است مردمان را و گفته است حضرت پیغمبر
صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ که اَلْحَبَّةُ السَّوْدَاءُ شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ اِلَّا السَّامَ
یعنی سیاه دانه شفا است از هر دردی مگر مرگ و ما که اهل بیتیم میگوئیم
در بیرون کوفه قبریست که پناه نمی جوید باو کسی که بیماری و تشویشی داشته
باشد مگر انکه خدا تعالی او را شفا دهد و آن قبر حضرت امام حسین
علیه السلام است

در طلب شفا کردن بصدقه و دعا و نماز و غیر آن

شفا کردن بصدقه روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت صدقه
دادن دفع می کند مردن بد را و نیز گفت که صدقه دادن صلهٔ رحم معمور می

سازد

شهر را و زیاده می کند عمر را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آن کسی که صدقه بدهد در روزی که باشی ایمن می شود از افتادن خانه
یا دیوار بر سر او و ضرر رسانیدن درندها و از مردن بد در آن روز که
صدقه داده است یا در آن شب که صدقه داده است و گفت ابو جعفر
علیه السلام که نیکوئی کردن و صدقه دادن می برد درویشی را و زیاده
می کند عمر را و دفع می کند هفتاد نوع مردن بد را و گفت معاذ بن مسلم
که بودم نزد ابی عبد الله علیه السلام پس ذکر کردند بیماری را آن حضرت
گفت که دوا کنید بیماران خود را بصدقه باکی نیست اگر شما تصدق کنید
قوت روز خود را بدرستی که اگر خدا تعالی حکم کرده باشد بملک الموت قبض
روح آن بنده بکنید چون آن بنده تصدق کند حکم کند خدا تعالی
بملک الموت که تاخیر کن در قبض روح آن بنده و گفت ابو عبد الله عم
که دوا کنید بیماران خود را بصدقه و نگاه دارید مالهای خود را بزکوة
و من ضامنم از تلف شدن مالی که زکوة داده باشند خواه آن مال
در دریا باشد و خواه در خشکی و گفت امام موسی علیه السلام که صدقه
دفع می کند قضای مبرم را از آسمان

شفا کردن بصدقه و دعا

گفت داود بن زربی که بیمار شدم در مدینه بیماری صعبی ابو عبد الله
واقف شد از بیماری من و نوشت بمن که خبر بیماری تو رسید بمن بخر
یک صاع گندم و به پشت بخواب و بریز آن گندم را بر سینه خود بهر کیفیت
که می خواهی و بگو که اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سألک به المضطر

کشفت

کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک الذی
علی خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی
و بعد از آن راست بنشین و جمع کن آن آب گندم را از گرد خود و همین
دعا بخوان و قسمت کن آن گندم را بمسکینان بهر مسکین یک مد و همین
دعا را بخوان در حال قسمت کردن گفت داود که چنین کردم و خلاص
شدم از آن مرض و بسیار کسان این کار کردند فائده یافتند

شفا کردن بدعا

گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
که رد نمی کند قضا را مگر دعا و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که دعا رد می کند قضا را بعد از آنکه محکم شده باشد و گفت امام موسی
علیه السلام که بر شما باد دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از خدا تعالی
رد می کند بلا را و اگرچه آن بلا مقدر شده باشد و حکم شده باشد
بنزول آن بلا و موقوف نباشد نزول آن بلا مگر ما جرای آن حکم
پس هر گاه دعا کنید و طلب کنید از خدا تعالی رد کند آن بلا را و گفت
سلمان رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر فرمود که زیاده نمی کند عمر را مگر نیکوئی
و رد نمی کند قضا را مگر دعا و گفت امام محمد باقر علیه السلام بامام
جعفر صادق علیه السلام که ای فرزند آن کسی که پنهان کند از مردمان
بلائی را که بآن مبتلا شده است و شکایت کند نزد خدا تعالی از آن بلا
واجب است که بر خدا تعالی که او را عافیت دهد از آن و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که آن کسی که پیش از نزول بلا دعا کند مستجاب میشود دعای

او وقتی که بلا نازل شود و فرشتها می گویند که این آواز آشنا است بر دعا
او محجوب نمیشود از آسمان و آن کسی که پیش از بلا دعا نکند دعا مستجاب
نمیشود دعای او وقتی که بلا نازل شود و فرشتها می گویند که این آواز
نمی شناسیم و گفت امام موسی علیه السلام که هر دردی را دوائیست
کسی پرسید که دوای هر درد کدا است آن حضرت گفت که دوای هر
درد دعا است و هر درد را دعائیست پس وقتی که ملهم شود بیمار بدعا
کردن خدا تعالی شفا میدهد او را و نیز گفت که فاضل ترین دعاها
صلوات بر محمد و آل اوست علیهم السلام و بعد از آن دعا برای برادران
مؤمن و بعد از آن دعا برای خود با نچه می خواهی و نزدیکی که بنده را بخدا
تعالی حاصل میشود در وقت سجده در هیچ وقت دیگر حاصل نمی شود
و نیز گفت که دعا کردن فاضل تر است از قرآن خواندن زیرا که حق تعالی
فرموده است که قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم یعنی بگو ای محمد با ایشان
خود که قدری نمی باشد شما را نزد پروردگار من اگر دعا نکنید بدرستی
که خدا تعالی تاخیر می کند اجابت دعای مؤمن بجهت آنکه می خواهد
دعا کردن او را و میگوید که آواز مومن را دوست میدارم که بشنوم و زود
اجابت می کند دعای منافق را و میگوید که نمی خواهم دعای او را بشنوم
و گفت ابو عبد الله علیه السلام که آن کسی که بترسد از بلای و پیش از آنکه
آن بلا باو برسد دعا کند نرساند خدا تعالی آن بلا را باو هرگز
بیمار از برای خود سنت است که کسی بیمار شود این دعا بخواند که لا اله الا الله

وحده

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل
حال والله اکبر کبیرا کبریاء ربنا وجلاله وحمدا قدرته بکل مکان
اللهم ان کنت امرضتنی لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح
من سبقت لهم منک الحسنی وباعدنی من النار کما باعدت اولئک الذین
سبقت لهم منک الحسنی بیمار برای خود گفت ابو عبد الله علیه السلام
چون بیمار شوی بنه هر دو دست خود را بر جائی که درد میکند و سه بار
بگو اللهم انی اسئلک بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین وهو
عندک فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک وتداوینی بدوائک
وتعافینی من بلائک وصلی الله علی محمد واهل بیته بیمار را برای
خود گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون بیمار شوی بگو
بسم الله وبالله کم من نعمة الله عز وجل فی عرق ساکن وغیر
ساکن علی عبد شاکر و بگیر محاسن خود را بدست راست خود بعد از
ادای نماز فریضه و سه بار بگو اللهم فرج کربتی وعجل عافیتی واکشف
ضری و سعی کن که در وقتی که این دعا می خوانی اشک از چشم تو بیاید
دیگر برای بیمار خود روایتست که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله
علیه السلام از دردی آن حضرت گفت با آن مرد که بگو بسم الله و بعد از آن
دست خود را بمال بر آنجا که درد می کند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله
واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله

واعوذ باسماء الله من شر ما اجد ومن شر ما اخاف علی نفسی آنمرد گفت که
چنین کردم شفا یافتم   برای بیمار خود گفت ابو عبد الله علیه السلام
که چون بیمار شوی بنه دست خود را بر جائی که درد می کند و بگو که بسم الله
وبالله محمد رسول الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد
وسه بار بمال دست خود را بر موضعی که درد می کند   که بر بیماری
باید خواند گفت که بنه دست خود را بر بیمار و بگو بسم الله وبالله
والی الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله
موسی نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله صلی الله علیه وعلیهم
من الارواح والاوجاع بسم الله وبالله وعزائم من الله لفلان بن
فلان یعنی نام بیمار و نام مادر بیمار را بگو لا یقربه الا کل مسلم واعیذه
بکلمات الله التامات کلها التی سأل بها آدم فتاب علیه انه هو التواب
الرحیم الا ترجعون ایتها الارواح والاوجاع باذن الله عز وجل لا اله
الا الله الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین وبعد از آن آیة الکرسی
وسورهٔ فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
وده آیه از سورهٔ یس بخوان وبعد از آن بگو که اللهم اشفه بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک ونسأله بحق محمد وآله صلوات الله وعلیهم
اجمعین   بر بیماری می باید خواند گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که تب کرد رسول خدا را پس جبرئیل بعیادت آن حضرت آمد و گفت
بسم الله ارقیک وبسم الله اشفیک وبسم الله من کل داء یعییک بسم الله

صادق علیه السلام

واللّه شافیک بسم الله خذها فلیهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله   ومنقولست از مسموعات
سید ناصح الدین ابو البرکات المشهدی رحمة الله علیه که گفت امام جعفر
که تربت امام حسین علیه السلام شفاست از هر دردی پس هر گاه
خواهی که تربت حضرت امام حسین علیه السلام بخوری بگو بسم الله
وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء
انک علی کل شیء قدیر   ونیز گفت که آن کسی که بیمار شود و در اول بیماری
مگر آنکه آن مرض مرض موت باشد   که بر بیماری می باید خواند
گفت ابو جعفر علیه السلام که چون کسی بیمار شود باید که از اهل آن
بیمار آن که مشفق تر است باو بنهد کف دست خود را بر دهان خود
وسه بار بگوید که بسم الله وسه بار بگوید بجلال الله وسه بار
بگوید بکلمات الله التامات وبعد از آن بمالد دست خود را بر سر و
روی آن بیمار   که بر بیماری باید خواند روایت کرده است
زراره که گفت که امام محمد باقر علیه السلام با امام جعفر صادق علیه السلام
که وقتی که بعیادت بیماری روی هفت بار بگو اعیذک بالله العظیم ورب
العرش العظیم من کل عرق نعار ومن شر حر النار   که پدر فرزند را
می باید خواند وقتی که فرزند بیمار شود گفت حسین بن ابی نعیم که شکایت
کرد یکی از فرزندان ابی عبد الله علیه السلام نزد آن حضرت از بیماری
آن حضرت گفت ای فرزند من بگو اللهم اشفنی بشفائک وداونی

بدوائك وعافنی من بلائك فانی عبدك وابن عبدك — ازبرای
غم فرزند روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دعای تعلیم
کرد بعضی اصحاب خود را بجهت دردی وگفت که بنه دست راست خود را
برجای که درد می کند وبگو بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
من شر ما اجد وگفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که آن کسی که
عیادت کند بیماری را باید که بگوید اللهم اشف عبدك ینكی عدوا
ویمشی لك الی الصلوة و روایت است که رسول خدا وقتی که بعیادت بیماری
میرفت میگفت امسح الباس رب الناس بیدك الشفاء لا کاشف للبلاء
الا انت — دیگر که آن حضرت نزد بیمار می خواند اذهب الباس
رب الناس واشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤك لا یغادر سقما
اللهم اصلح القلب والجسم واکشف السقم واجب الدعوة وگفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که آن کسی که عیادت کند بیماری را
که اجل او نرسیده باشد وبگوید اسأل الله العظیم رب العرش العظیم
ان یشفیك شفا می یابد آن بیمار از آن مرض — و روایت است که رسول
خدا صلی الله علیه وآله وسلم رفت بعیادت بعضی از اصحاب وآنکس
شکایت کرد نزد آن حضرت از بیماری آن حضرت تعلیم کرد بآن کس
که افسونی جبرئیل بآن حضرت آموخته بود وآن افسون اینست که
بسم الله ارقیك بسم الله یشفیك من کل داء یؤذیك و
من شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد — بنه

دست خود را بر دهان خود وسه بار بگو که بسم الله بجلال الله
العظمة الله بکلمات الله التامات باسماء الله الحسنی وبعد از آن
بنه دست خود را برجای که درد می کند وبگو که بسم الله بسم الله
بسم الله وبعد از آن هفت بار بگو اللهم امسح ما بی وچون غذای
شفا دهد بگو الحمد لله الذی خلقنی فهدانی واطعمنی وسقانی وصحح
جسمی وشفانی له الحمد وله الشکر — برای علت خنازیر گفت
امام رضا علیه السلام که از گردن کنیزی ما خنازیر بیرون آمد کسی گفت که
بالعلی بگو آن کنیز را که بسیار بگوید یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی
آن کنیز بسیار گفت این کلمات را شفا یافت — برای درد چشم گفت
محمد بن جعفی که پدر من گفت که اکثر اوقات چشم من درد می کرد پس
شکایت کردم نزد ابی عبدالله علیه السلام از درد چشم آن حضرت
گفت که در عقب نماز صبح وشام بگو که اللهم انی اسألك بحق محمد
وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لك ابدا ما ابقیتنی — ودر روایتی
واقع است که گفت که هفت بار بخوان این دعا را که مذکور شد در عقب
نماز صبح پیش از آنکه برخیزی از جای خود — بجهت دشوار زائیدن
روایت است که اگر زنی دشوار زاید سه بار بخوانید این دعا را کوزه که آب
وبدهید که بیاشامد و پاره از آن آب در میان دو پستان آن زن [illegible]

دو پستان او بریزند چون چنین کنید بآسانی آن فرزند متولد شود
باذن خدا تعالی دعا اینست بسم الله الذی لا اله الا الله
الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
بسم الله الحلیم الکریم سبحان رب السموات و رب العرش العظیم
الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون   بجهت دشوار آمدن
بول روایتست که چون بول کسی دشوار آید این دعا را بخواند که
ربنا الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء و الارض اللهم
کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا حوبنا و خطایانا
انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک و شفاء من شفائک
علی هذا الوجع شفا یابد   از برای درد زانو گفت ابو حمزه که درد
زانو داشتم پس شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از آن درد
آن حضرت گفت که چون نماز بگذاری بعد از نماز بگو یا اجود من اعطی
یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی
من وجعی ابو حمزه گفت که چنین کردم شفا یافتم از آن مرض
از برای سنگ مثانه و فالج گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بجهت سنگ مثانه و فالج وقتی که نماز شب بگذاری و در سجده کن
سجده بگو اللهم انی ادعوک دعاء العلیل الفقیر الذلیل ادعوک دعاء
من اشتدت فاقته و قلت حیلته و ضعف عمله و الح علیه البلاء

دعاء مکروب ان لم تدرکه هالک ان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تبطش
بی بمکرک و لا تثبت علی غضبک و لا تضطرنی الی الیاس من روحک
و القنوط من رحمتک و طول الصبر علی البلاء انه لا طاقة لی ببلائک
و لا غنی لی عن رحمتک و هذا ابن حبیبک اتوجه الیک به فانه
جعلته مفزعا جعلته مفزعا للخائف و استودعته علم ما سبق و ما
هو کائن فاکشف لی ضری و خلصنی من هذه البلیة و اعذنی ما عودتنی
من رحمتک و عافیتک یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منک
کردن شفا بنماز از هر دردی و علتی خصوصا سلعه و سلعه گره ایست
که در بدن پیدا می شود مانند غدود سه روز روزه بگیرد در روز سیم
نزدیک زوال غسل کن و چهار رکعت نماز بگذار و در این چهار رکعت
بخوان از قرآن آنچه میسر شود و جهد کن در خشوع و خضوع چون
فارغ شوی از نماز بیفکن از جامهای خود را و لنگ کن خرقه پاکی را و روی
راست خود را بر زمین بنه و بگو یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان
یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف
ما بی من ضر و معرة و البسنی العافیة فی الدنیا و الاخرة و امنن
علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فانه قد آذانی و غمنی گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که وقتی این نماز نفع میدهد ترا و خلاص می شوی
از آن علت که یقین کنی که این نماز نفع میدهد   از برای جمیع بیماری
کما ابو امامه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بنویس زعفران

برطرف بالکه این کلمات را که اعوذ بکلمات الله التامة و اسمائه کلها عامة
من شر السامة والهامة والعین اللامة ومن شر حاسد اذا حسد
و بنویس سورة فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و این چند آیه را از سورة البقره که و الهکم اله واحد لا اله
الا هو الرحمن الرحیم ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل
والنهار والفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس وما انزل الله
من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة
وتصریف الریاح والسحاب المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم
یعقلون و بنویس آیة الکرسی را و این چند آیه را از آخر سورة البقره
که امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل امن بالله و
ملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا
الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا
او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین و بنویس ده آیه را از اول
سورة آل عمران که بسم الله الرحمن الرحیم الم الله
لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین
یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان

ان الذین

ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز
ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء
وهو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو
العزیز الحکیم هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات
هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ
فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأویله وما یعلم
تأویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند
ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد
ان الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله
شیئا فاولئک وقود النار کدأب آل فرعون والذین من قبلهم
کذبوا بآیاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شدید العقاب
و بنویس این آیه را از آخر سورة عمران که ان فی خلق السموات و
الارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین
یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی
خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک
فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما
للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان

ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا و
توفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد • فاستجاب لهم ربهم
انی لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم من بعض
فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم واوذوا فی سبيلی
وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنات
تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن
الثواب • لا يغرنك تقلب الذين كفروا فی البلاد متاع قليل
ثم مأويهم جهنم وبئس المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات
تجری من تحتها الانهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما
عند الله خير للابرار • وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله
وما انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا
اولئك لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب • يا ايها الذين
آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون •
وبنويس آيه اول از سوره النساء كه بسم الله الرحمن الرحيم
يا ايها الناس اتقوا ربكم الذی خلقكم من نفس واحدة وخلق
منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله الذی تساءلون
به والارحام ان الله كان عليكم رقيبا • وآيه اول از سوره مائده
كه بسم الله الرحمن الرحيم • يا ايها الذين آمنوا اوفوا

بالعقود

بالعقود احلت لكم بهيمة الانعام الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد وانتم
حرم ان الله يحكم ما يريد وآيه اول از سوره انعام كه بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون وآيه اول از سوره اعراف كه
بسم الله الرحمن الرحيم المص كتاب انزل اليك
فلا يكن فی صدرك حرج منه لتنذر به وذكرى للمؤمنين واين آيه را
كه ان ربكم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ايام ثم استوى
على العرش يغشی الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر و
النجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
واين آيه را كه قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله
لا يصلح عمل المفسدين واين آيه را كه والق ما فی يمينك تلقف
ما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى وده آيه از سوره
والصافات كه بسم الله الرحمن الرحيم والصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب
السموات والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا
بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى
الملأ الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب وا
الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب وبعد از آن ظرفی را
سه بار بشوی وبآن آب وضو بساز وسه دم از آن آب بخور وبمالد آن

صب

آب بر سر و روی و باقی اعضای خود و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد
و طلب شفا کن از خدا تعالی و باید که سه روز این کار بکنی حسان گفت
که تجربه کردیم این را و فائده و نفع بسیار یافتیم باذن خدا تعالی
از برای مریض روایت کرده است اسمعیل بن محمد که گفت
عبد الله بن علی بن الحسین علیهم السلام که بیماری صعبی عارض شد
مرا تا آنکه نا امید شدند از من پس آمد نزد من ابو عبد الله علیه السلام
و دید که مادر من جزع بسیار میکند گفت بمادر من که وضو بساز و
دو رکعت نماز بگذار و سجده کن بعد از نماز و در سجده بگو که اللّهُمَّ
أَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً نَهَبُهُ لِي هِبَةً جَدِيدَةً پس چنین
کرد مادر من صحت یافتم مادر من هریسه پخته بود و من صباح
از آن هریسه خوردم با قوم خود بجهت تب گفت محمد بن حسن
الصفار که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و تب داشتم آن حضرت
گفت که چرا مقبوضی گفتم فدای تو گردم تب دارم گفت وقتی که شما را تب
کند باید که در آئید بخانه که در آن خانه هیچکس نباشند و دو رکعت نماز
بگذارید و روی راست خود را بر زمین نهید و ده بار بگوئید یا فاطمه
بِنْتَ مُحَمَّدٍ أَشْفَعُ بِكِ إِلَى اللهِ فِيمَا نَزَلَ بِي بدرستی که صحت می یابید
ان شاء الله تعالی دیگر بجهت تب دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعتی سه بار سورهٔ فاتحه بخواند و بعد از آن بگوید که أَلَا لَهُ الْخَلْقُ
وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ و بعد از نماز این دعا را که

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّهُمَّ أَسْتَشْفِعُ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ أَسْتَشْفِعُ بِكَ عَلَى رَبِّي فِي قَضَاءِ حَاجَتِي
وَهُوَ شِفَاءُ هٰذَا الْمَرِيضِ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ
يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ يَسْتَغِيثُ الْآنَ خَفَّفَ اللهُ
عَنْكُمْ يُرِيدُ اللهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ ذٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ
بنویسد و بشوید و بیاشامد کسی که تب دارد بجهة درد سر
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکبار فاتحه بخواند و سه بار
قل هو الله و این آیه را بخواند که رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ
شَيْباً وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيّاً برای درد چشم دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار قل هو الله بخواند و این
آیه را که وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا
رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بجهت برطرف شدن
کوری گفت ابو حمزهٔ ثمالی که ابو جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که گذشت
کوری از پیش حضرت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن حضرت گفت
بآن کور که وضوی کاملی بساز و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بگو که
اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَتَوَجَّهُ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ أَنْ يَرُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي آن
نابینائی رفت و این کار کرد هنوز آن حضرت از مجلس برنخواست که آن

شخص آمد و چشم او بپاشد   بجهت درد کردن دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند و یکبار سورهٔ وَالضُّحَى و در رکعت
چهارم یکبار فاتحه بخواند و بعد از فاتحه بگوید يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ
وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ   بجهت دفع قولنج دو رکعت نماز بگذارد دو
در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند و بعد از فاتحه بگوید فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ
السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ
وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي
الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ و آخر سورهٔ حشر را بخواند
که لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ
خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و بعد از آن بگوید يَا مَنْ هَكَذَا غَيْرُهُ اجْعَلِ الدُّنْيَا
عَلَى فلان یعنی نام گریخته را بگوید أَضْيَقَ مِنْ مَسْكِ جَمَلٍ حَتَّى تَرُدَّهُ
عَلَيَّ   بجهت درد پا دو رکعت نماز بگذارد و در رکعتی یکبار فاتحه

بخواند

بخواند و این آیتها را که آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ
كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا
كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ
وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ   بجهت لقوه دو رکعت نماز بگذارد و به هر دو دست
خود را بر روی خود حضرت پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را شفیع
خود سازد و بعد از آن سه بار بگوید که بِسْمِ اللَّهِ أَخْرِجْ عَلَيْكَ يَا
لَمَّا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ عِيسَى مِنْ رُوحِ
الْقُدُسِ لَمَّا هَدَيْتَ طَفِئَتْ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ بِإِذْنِ اللَّهِ
بجهت بازگشتن گم‌شده گفت امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی سورهٔ فاتحه و یس بخواند و چون فارغ شود
از نماز دست خود را بردارد بجانب آسمان و بگوید اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ
وَالْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَ
أَرْدُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ
از برای گم شده گفت امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که این
دعا را می‌باید خواند که اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ السَّمَاوَاتِ وَلَكَ الْأَرْضِ

وما بينهما فاجعل الاعلى كذا يعنى نام كم شده را بكويد اضيق من جلد
جمل حتى تمكينى منه انك على كل شيء قدير وكفت امام جعفر صادق
عليه السلام كه از براى بنده كه كريخته باشد بخوان دعا را كه اللهم
انت السماء ولك الارض لك وما بينهما لك فاجعل وما بينهما اضيق
على فلان يعنى نام كريخته را بكو من جلد جمل حتى تردده على وتظفرنى
به وبنويس همين دعا را بر كاغذ و بر كرد آن اين نوشته آية الكرسى
بنويس وبعد از ان آن كاغذ را در زير زمين كن در انجا كه آن بنده
مى خوابيد و براى او چيزى كرانى بنه   از براى كريخته و كم شده
بنويس يا بخوان اين دعا را كه اللهم انت جبار فى الارض وملك
فى الارض ترد الضالة وتهدى من الضلالة لترد على فلان يعنى نام
آنكس كه چيز او كم شده است بكو يا بنويس ضالته واحفظه
كسى كه تب داشته باشد بنويس اين دعا را كه بر سه پارهٔ كاغذ بخط باريك
بر وجهى كه ممكن نباشد خواندن آن وهر پارهٔ كاغذ را در موم بپيچ
ومدور كن مانند فندق وبده كه بخورد آنكسى كه تب ميكند برنهار
هر روز يكپارهٔ از ان كاغذ را دعا اينست كه بسم الله ذى العزة
والكبرياء والنور واين نسخه مجربست وشيخ حسن سمرقندى اعتبار
مى كرد اين نسخه را ومداومت مينمود بنويس اين   بجهت تب
بنويس بر سه پارهٔ شكر در پارهٔ اول عقدت باذن الله ودر پارهٔ دوم
سددت باذن الله ودر پاره سيم سكنت باذن الله وبده كه در سه صباح

برنهار بخورد كسى كه تب دارد هر روز يكپاره را   ديكر براى تب
بنويس بر پشت پاى راست كسى كه تب دارد اين دعا را كه بسم الله
بالحى الماضية المستمضية بالذى فى السماء عرشه وبالذى كلم موسى
تكليما واتخذ ابراهيم خليلا وبعث محمدا بالحق نبيا كما خرجت
من العظم الى اللحم ومن اللحم الى الجلد ومن الجلد الى الارض فسكن
فيها ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وصلى الله على محمد
وآله وسلم كثيرا   ديكر براى تب بنويسد اين آيتها را واين
دعا را بر كاغذى ببند آن كاغذ را بر پيشانى وهفت كره بزن آن را بريسمان
وبر هر كرهى سورهٔ فاتحه بخوان وبعد از ان به بند آن تعويذ را بر سر
كسى كه تب دارد وانچه مى بايد نوشت اينست كه بسم الله الرحمن الرحيم
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين يا نار كونى بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا
به كيدا فجعلناهم الاخسرين يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
يا رحمن اسكن بقدرة الجبار العظيم بقدرة المنان الكريم وسورهٔ
قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را نيز بنويس
ديكر كفت امام جعفر صادق عليه السلام كه تب كرد رسول خدا صلى الله
عليه وآله وسلم جبرئيل آمد وخواند اين دعا را بر آن حضرت كه
بسم الله ارقيك يا محمد بسم الله اشفيك بسم الله
من كل داء يعنيك بسم الله والله شافيك بسم الله اخذ

فیکفیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع
النجوم چون کسی تب کند بنویس این تعویذ را و به بند در گردن او
بدرستی که خلاص میشود از آن تب باذن خدا تعالی و گفت امام رضا
علیه السلام که شکایت کرد کنیز من از تب و آن کنیز را قدر و منزلت
بود و نزد ما کسی بخواب من آمد و گفت که بفرما آن کنیز را که بگوید
یا رباه یا سیداه صل علی محمد و اهل بیته و اکشف عنی ما احد
فان فلان بن فلان نجا من النار بحق هذه الدعوة دیگر برای
تب گفت امام رضا علیه السلام که بجهت سه روز بنویس بر کاغذی
در روز اول بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک
انت الاعلی و در روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف نجوت من القوم الظالمین و در روز سیم بسم الله الرحمن الرحیم
الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین و کسی که تب میکند
سه روز بخورد این سه کاغذ را هر روز یکی را از برای تب
بنویس این شکل را بر کاغذی و به بند بر کسی که تب داشته باشد
و شکل اینست در بیان افسونها و تعویذها
برای جمیع بیماریها روایتست که ائمه معصومین علیهم السلام گفتند
که بنویسید این دعا را بر کاغذی و به بندید بر کسی که تب دارد دعا
اینست اللهم انی اسئلک بعزتک و قدرتک و سلطانک
و ما احاط به علمک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تسلط علی

فلان بن فلان و نام آنکس که تب دارد و نام مادر او را بنویس شیئا
مما خلقت بسوء و ارحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق من فورة الحر
اخرجی یا ام ملدم یا آکلة اللحم و شاربة الدم حرها و بردها
من جهنم ان کنت آمنت بالله الاعظم ان لا تاکلی لفلان بن فلان
یعنی نام آنکس که تب میکند و نام مادر او را بنویسد لحما و لا تمصی دما
و لا تنهکی له عظما و لا تثوری علیه غما و لا تهیجی علیه صداعا
و انتقلی عن شعره و بشره و لحمه و دمه الی من زعم ان مع الله
الها آخر لا اله الا هو سبحانه و تعالی عما یشرکون و بنویسد نام کا
برای کاغذ برای تبها خصوصا گاهی که می آید و گاهی که نمی آید
بنویس بر کاغذی این دعا را کما اعیذه بما استعاذ به موسی و ابراهیم
محمدا صلی الله علیه و آله من الحمی و النافض و الغب و العتیق و
الربع و الصداع اللهم کما لم تلد مریم بنت غیر عیسی فلا تدع علی
هذا الانسان من هذه الاورام و الاوجاع الا نزعته عنه فلا
اقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون انه لقول رسول کریم
اقسمت علیک لما تترکیه و لا تاخذ به و به بند آن کاغذ را بریسمانی
و چهار گره بزن طرف ریسمان که جانب راستست و سه گره بزن
آن طرف را که بجانب چپ است و سورهٔ قل هو الله و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از آن بگو که اللهم اشف
فلان بن فلان یعنی نام آنکس که تب میکند و نام مادر او را بگو

من حمّی یوم ویومین وثلثة ایام وحمّی اربع فانک تفعل ما ترید
وتحکم ما تشاء وانت علی کل شیء قدیر بسم الله کتبت
وبسم الله ختمت وعلیه توکلت وهو رب العرش العظیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبعد ازان بر بند آن تعویذ را
بر گردن کسی که تب دارد   دیگر برای تب بگیر هفت نخ ریسمان
که از پنبه رشته باشد وبخوان بران ریسمان سورهٔ فاتحه وقل
هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را هفت
گره بزن آن ریسمان را وبعد ازان به بند آن را بر گردن کسی که تب
می کند وبعضی گفته اند که بر هر گرهی این سورها می باید خواند
دیگر بجهت تب گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که آن کسی که
او را تب شود باید که سه روز پی در پی غسل کند ودر وقت غسل
کردن بگوید که بسم الله اللهم انی انما اغتسلت التماس
شفائک وتصدیق نبیک چون چنین کند خدا تعالی شفا دهد او را
دیگر برای تب گفت ابن عباس که رسول خدا تعالی تعلیم کرد ما را بجهت
تمام دردها وتب ودرد این دعا را وگفت که دست خود را بنهید بران
موضع که درد می کند وبگوید که بسم الله الکبیر اعوذ بالله العظیم
من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار وچون برداری دست
خود را ازان موضع بگو که بسم الله وبالله محمد رسول الله
اعوذ بالله وقدرته علی ما یشاء من شر ما احذر.   حضرت پیغمبر

صلی الله علیه وآله وسلم برای حضرت فاطمه علیها السلام
بجهت تب واین حرز مخصوص حضرت فاطمه علیها السلام است
ومؤمنانی که اقرار داشته باشند بجز بعضی شیعیان روایت کرده
هر مومنی که او را تب شود بنویسد این حرز را با خود نگاه دارد شفا
یابد حرز اینست • وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله العظیم ورسوله الکریم فلا تهشمی
العظم ولا تأکلی اللحم ولا تشربی الدم اخرجی من حامل کتابی هذا
الی من یؤمن بالله العظیم ورسوله الکریم وآله محمد وعلی وفاطمة
والحسن والحسین   گفت وشاکر آمد مردی نزد حضرت امام رضا
علیه السلام آن حضرت گفت بآن مرد که چیست ترا که رنگ وروی تو
زرد است آن مرد گفت که تب ربع چنین ساخت مرا آن حضرت دوات
وقلم طلبید ونوشت که بسم الله الرحمن الرحیم • بسم الله
وبالله • ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان یعنی نام آن مرد ونام
مادر او را بوست باذن الله وبعد ازان در پایین آن نوشته صورت
خاتم سلیمان را هفت بار نوشت وبعد ازان درهم پیچید آن کاغذ را
وگفت که ریسمانی بیارید که آب باو نرسیده باشد وآب دهن نیز باو
نرسیده باشد آنچنان ریسمانی آوردند آن حضرت کاغذ را بآن ریسمان
بست وبعد ازان گره زد آن ریسمان را وآن ریسمان را نزدیک دهن
آورد وبر یک جانب آن ریسمان چهار گره زد وبر جانب دیگر سه گره زد

و بر جانب دیگر سه گره زد و بوهر گرهی سورهٔ فاتحه و قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی خواند و داد
این تعویذ را بآن شخص که تب ربع داشت و گفت باو که بر بازوی راست
خود بر بند این تعویذ را و در وقت بستن آیة الکرسی و پرهیز کن و جماع
مکن با این تعویذ و در روایتی دیگر واقع است که بعد از آن در هم پیچید
آن کاغذ را و ریسمانی طلبید ریسمانی آوردند گفت ریسمان خشک بیارید
آوردند پس میان آن ریسمان را گره زد و بر جانب راست آن ریسمان
چهار گره زد و بر جانب چپ سه گره و بر هر گرهی سورهٔ فاتحه و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی خواند و بعد از آن
گفت که بگیر این تعویذ را و بر بازوی راست خود بر بند و جماع مکن
با این تعویذ دیگر برای تب ربع روایتست که ابو زکریا
خضری ربع می کرد ابو الحسن علیه السلام نوشت باو که بنویس بر دست
راست خود بسم الله جبرئیل و بر دست چپ خود بسم الله میکائیل
و بر پای راست خود بسم الله اسرافیل و بر شانه او لا یرون فیها شمسا
و لا زمهریرا و در میان شانه خود بسم الله العزیز الجبار
تب روایتست که بنویسد بر شانه راست آن کسی که تب میکند بسم الله
جبرئیل و بر شانه چپ بسم الله میکائیل و نیز بر شانه راست او بنویسد
بسم الله اسرافیل و بر شانه چپ او لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا
تب غب و تب غب آنست که یک روز می آید و یک روز نمی آید بگیرد سه برگ درخت

نوت و بنویسد بر آن برگها نام کسی را که تب میکند بر یک برگ طیسوما و بر برگ
دیگر اوحوما و بر برگ دیگر ابرحوما و بیندازد آن برگها را در آب و در روایت
دیگر واقع است که بنویسد بر یک برگ از آن برگها کوما و بر برگ دیگر طیسوما
و بر برگ دیگر ابرسوما بجهت تب بنویسد سورهٔ فاتحه و این دعا را
که مذکور اکه مذکور میشود و ببندد بر بازوی راست کسی که تب میکند
دعا اینست بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة
و الهامة و العامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من
شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر
الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم. ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا
و الیک المصیر. یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا
فجعلناهم الاخسرین. کونوا بردا و سلاما علی فلان بن فلان یعنی نام
کسی که تب می کند و نام مادر او را بنویسد و این آیتها را نیز بنویسد که
ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته
علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا
و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین. رب
لا اله الا هو فاتخذه وکیلا. و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح
بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا. و این دعا را نیز بنویسد

الله

لا اله الا الله وحده لا شريك له صدق وعده ونصر عبده وهزم
الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن انا و
رسلي ان الله قوي عزيز الا ان حزب الله هم الغالبون ومن يعتصم
بالله فقد هدي الى صراط المستقيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

براى جميع دردها و بعضى گفته اند كه اين افسون مخصوص درد
دندانست بنويسد و بخواند اين دعا را كه بسم الله وصلى الله
على محمد وآله الطيبين وبصنع الله الذى اتقن كل شىء انه خبير بما
تفعلون اسكن ايها الوجع سكنتك سكن له ما فى السموات وما فى
الارض وهو العلى العظيم عزمت عليك ايها الوجع بالله اتخذ ابرهيم
خليلا وكلم موسى تكليما وخلق عيسى روح القدس وبعث بالحق
محمدا نبيا لما ذهب عن فلان بن فلان يعنى نام كسى كه درد دارد و نام
مادر او را بگويد و بنويسد اى مدح حوبه ولا نعود اليه

از قلنسوه روايتست كه ملك نجاشى دوخت اين حرز را بر طاقيه خود درد
او تسكين يافت حرز اينست كه بسم الله الملك الحق المبين شهد الله انه
لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم لله نور وحكمة وعز وقوة وبرهان وقدرة و
سلطان ورحمة يا من لا ينام لا اله الا الله ابرهيم خليل الله لا اله
الا الله موسى كليم الله لا اله الا الله محمد رسول الله وصفيه وصفوته
وصلى الله على محمد وآله اسكن سكنتك بما سكن له ما فى الليل والنهار

وهو

وهو السميع العليم رخاء حيث اصاب والشياطين الا الى الله تصير
الامور ديگر براى درد سر بنويسد اين آيتها را بر ورقى و به بند آن
ورق را بر پيشانى و بر بند بر سر آنكس كه درد سر دارد و آيتها اينست
كه بسم الله الرحمن الرحيم الم الله لا اله الا هو الحى القيوم
نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية
والانجيل من قبل هدى للناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا
بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام ان الله
لا يخفى عليه شىء فى الارض ولا فى السماء هو الذى يصوركم فى الارحام
كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم هو الذى انزل عليك الكتاب
منه آيات محكمات هن ام الكتاب واخرج منها مذموما مدحورا

از براى درد سر گفت ابو جعفر عليه السلام كه بجهت درد سر
بنويسد اين دعا را بر كاغذى و به بند آن كاغذ را بر آن سر كه درد
مى كند دعا اينست كه اللهم انك لست باله استحدثناه ولا برب
يبيد ذكره ولا معك شركاء تقضون معك ولا كان قبلك اله
ندعوه ونتعوذ به ونتضرع اليه وندعك ولا اعانك على
خلقنا من احد فنشك فيك لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك عاف فلانا يعنى نام كسى كه درد سر بنويسد وصلى الله على محمد واهل
بيته وروايتست كه از براى درد سر بنويسد اين دعا را كه اسئلك
باسمك الذى قام به عرشك على الماء ان تصلى على محمد وآل محمد وان

تشفینی فلان بن فلان یعنی نام آن کس که درد سر دارد و نام مادر او را
بنویسد من الصداع والشقیقة فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین
عددا واسئلک باسمک الذی به آدم واتممت خلقه ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تشفینی فلانا نام کسی که درد سر دارد بنویسد
بنویسد این کلمات را بر ورقی پس اگر آنکس که درد شقیقه
دارد مرد باشد آن ورق را بر سر خود ببندد و اگر زن باشد بر میان
موی خود نهد و کلمات اینست که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الارض الی السماء کان هبط جبرئیل فاستقبله الاجدع
فقال این ترید قال اذهب الی الانسان فآکل لحم عینیه ولا تشرب
من دمه انا الراقی والله الشافی وصلی الله علی محمد واهل بیته وسلم
بگیر اندک پنبه و نرم کن آن پنبه را و پنبه بر چشمی که
درد می کند و بگو عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابراهیم

برای درد چشم گفت سلیمان بن عیسی که رفتم
نزد ابی عبدالله علیه السلام دیدم که آن حضرت درد چشم صعب
دارد غمگین شدم و بیرون آمدم روزی دیگر رفتم نزد آن حضرت
دیدم که چشم آنحضرت هیچ دردی ندارد گفتم فدای تو گردم دیروز
در خدمت تو بودم و تو درد چشم داشتی بحیثیتی که من غمگین شدم
و امروز نزد تو آمدم و هیچ اثری از آن درد چشم باقی نیست آیا چیزی
علاج کردی آن حضرت گفت که نزد من تعویذی بود بآن علاج کردم

گفت

گفت آن تعویذ را بمن بیاموز پس نوشت این دعا را که اعوذ بعزة الله
واعوذ بقدرة الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجلال الله واعوذ
ببهاء الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله علی ما اجد واخاف
وعلی عینی واجده من وجع عینی اللهم رب الطیبین فکشفنا
عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم
فقال انی سقیم وصورکم فاحسن صورکم ورزقکم من الطیبات
فتبارک الله رب العالمین یا علی یا عظیم یا کبیر یا جلیل
یا منیع یا فرد یا وتر رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا حلیم یا علی
یا جلیل یا جمیل یا فرد یا وتر اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
واسئلک ان لا تدعنی فی قبری فردا وانت خیر الوارثین
وان کنت الا واحد الصلوة فی قبری ثم ارزقنی فی حاجة
آمین رب العالمین

خون از بینی آمدن بگیر بینی کسی را
که خون می آید و بخواند و بنویسد این کلمات را که یا من حمل الفیل
من بیتک الحرام اسکن دم فلان بن فلان یعنی نام آن کس که از بینی
او خون می آید و نام پدر او را بگوید و بنویسد با آب خنک بریزد
سر و پیشانی او بدرستی که تسکین می یابد باذن خدا تعالی

درد دندان روایت کرده است سکونی که گفت ابوعبدالله علیه السلام
که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که هر که درد دندان داشته باشد

باید که بگیرد اندکی خاکی از موضع سجود خود و بمالد آن خاک را بران
موضع که درد می کند و بگوید که بسم الله والکافی الله ولا حول
ولا قوة الا بالله   از برای درد دندان گفت امام در افسون
که بگیرد کاردی یا برگ درخت خرما و بمالد آنرا بجائی که درد می کند
و هفت بار بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله
محمد رسول الله ابرهیم خلیل الله اسکن یا اری سکن ما فی اللیل
والنهار باذنه وهو علی کل شیء قدیر و گفت ابن عباس که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکسی که درد دندان داشته
باشد باید که بنهد انگشت خود را بران دندان که درد می کند و هفت
بار این آیه را بخوان که هو الذی انشاکم وجعل لکم السمع والابصار
والافئدة قلیلا ما تشکرون   دیگر برای درد دندان روایت
که افسون کرد جبرئیل علیه السلام امام حسین علیه السلام را در وقتی
که دندان آنحضرت درد می کرد باین طریق که نهاد چوبی یا آهن بر دندان
آن حضرت و هفت بار خواند این دعا که بسم الله الرحمن الرحیم
العجب کل العجب دودة تکون فی الفم تاکل العظم وتنزل الدم انا الراقی
والله الشافی والکافی لا اله الا الله مخرج ما کنتم تعلمون فقلنا
اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون
از برای درد دندان گفت مفضل بن عمر که رفتم نزد ابی
عبد الله علیه السلام و دندان من درد می کرد پس شکایت کردم نزد آن

حضرت

حضرت از درد دندان آن حضرت گفت که نزدیک من بیا نزدیک آن
حضرت رفتم انگشت شهادت خود را نهاد بران دندان که درد می کرد و
آهسته چیزی خواند در حال درد تسکین یافت گفت بمن که ای مفضل
درد دندان تو تسکین یافت گفتم بلی پس تبسم کرد گفتم می خواهم که این
افسون را بمن بیاموزی آن حضرت گفت که حضرت فاطمه نزد رسول
خدا آمد و شکایت کرد از درد دندان آن حضرت انگشت شهادت
راست خود را نهاد بران دندان حضرت فاطمه را که درد می کرد و گفت
که بسم الله وبالله اسئلک بعزتک وجلالک وقدرتک
علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحک وکلمتک ان تکشف
ما تلقی فاطمة بنت خدیجة من الضر کله پس تسکین یافت درد
دندان حضرت فاطمه همچنانکه تسکین یافت درد دندان و تو من
زیاده نکردم چیزی برین دعا   از برای درد دندان گفت
عطا که شکایت کردم نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد دندان
آن حضرت گفت که بران دندان که درد می کند هفت بار بخوان این
دعا را که بسم الله اسکن بقدرة الله الذی خلقک فانه قادر
مقتدر علیک وعلی الجبال التی انبتها وانبتک فقرحتی یاتی منک امره
وصلی الله علی محمد وآله   از برای درد شکم روایت است که آمد
مردی نزد امیر المومنین علیه السلام و گفت که شکم من درد می کند آن
حضرت گفت که آیا زنی داری آن مرد گفت بلی آن حضرت گفت که از مال زن

خود چیزی بطلب که زن بآن خوشحال شود و بآن چیز عسل بخر و آن عسل را
بآب باران بیامیز و بیاشام بدرستی که خدای تعالی شفا میدهد زیرا که فرموده
است در کتاب خود که وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا یعنی فرو فرستادیم
از جانب آسمان آبی مبارک یعنی آبی بسیار منفعت و گفته است که یَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از شکمهای
زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند رنگهای او در آن عسل
شفا است مردمان را و گفته است فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ
هَنِيئًا مَرِيئًا یعنی اگر ببخشند زنان شما از کابین بشما بطیب نفس خود و دلی
پس بخورید آن چیز را که گوارنده و سازگار و خوشگوار است شما را پس هر گاه
جمع شود برکت و شفا و گوارندگی شفا میدهد خدای تعالی ان شاء الله تعالی
آن مرد گفت که آنچه امیر المومنین فرمود بجای آوردم شفا یافتم
برای درد پهلو روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت که وقتی که پهلوی شما درد کند سزاوار آنست که سه بار دست
خود را بر پهلوی خود بمالید و هر بار بگوئید که أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ
وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که وقتی که پهلوی تو درد کند بمال دست خود را بر آن
پهلو که درد می کند بگو که بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي
و بعد از آن سه بار دست خود را بر آن پهلو بمال و بگو که بسم الله

بجهت

بجهت نفخی که در شکم پیدا می شود گفت یونس بن یعقوب که گفتم که
بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو گردم در شکم من نفخی پیدا
شده و درد می کند آن حضرت گفت که یگانگی یاد کن خدای تعالی را
گفتم چگونه یاد کنم گفت بگو يَا اللهُ يَا رَبِّي يَا رَحْمٰنُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ
وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ بجهت پیچش شکم
و نفخی که در اندرون آدمی پیدا می شود و چون شکم تو درد کند
و پیچش پیدا کند بگو که بِسْمِ اللهِ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ
مُوسَى تَكْلِيمًا وَبَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا و بعد از آن سه بار بگوید
که يَا رِيحُ اخْرُجِي بِإِذْنِ اللهِ برای علتی که در شکم آدمی
پیدا شود گفت امام موسی علیه السلام که بنویسید سوره فاتحه
و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
و بعد از آن بنویسید که أَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِيمِ وَعِزَّتِهِ الَّتِي
لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ
مَا فِيهِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ برای درد شکم و غیر
آن از دردها بنهد دست خود را بر آن موضع که درد می کند و هفت
بار بگوید أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَجَلَالِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و دست
راست خود را بر همان موضع بنهد و سه بار بگوید که بسم الله
برای زحیر شکم گفت عثمان بن عیسی که شکایت کرد مردی نزد

ابی الحسن علیه السلام و گفت که اسهال دارم هرچند سعی میکنم نمی ایستد
آن حضرت گفت که چون فارغ شوی از نماز شب بگو که اللهم ما
کان لی من خیر فمنک لا احمد لی اعوذ بک ان ان کل ما احمد لی
فیه او امن ما لا اعذر لی فیه   برای درد رحم روایتست که
زنی درد رحم داشته باشد بخواند این دعا را چنانکه کسی نشنود
و بنویسد و با خود نگاه دارد شفا یابد دعا اینست که بسم الله
و بالله الذی باذنه قامت السموات والارض فان مریم
بنت عمران لم تضرها وجع الارحام ومن وجع عرق الارحام
اسکن اسکن بسم الله الحی القیوم بسم الله المستغاث
بالله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء
قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما که مه سمه ی
ما ما ما سمه سمه وه لمه ماسه که بسم الله
الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریة
ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوی
علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا
وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظیما اجیبوا عزائم
علی سابقة الکلام الاجابة هذا الخاتم بعزائم الشداد التی تزهق

الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فواد اجب باسم الله الذی
قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین   بخنازیر گفت امام رضا علیه السلام
که از گردن کنیز یا خنازیر بیرون آمد شخصی آمد و گفت یا علی کنیزک را بگو
که یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی بکرم پس آن کنیزک این کلمات
گفت و شفا یافت   بجهت بول کردن در خواب بنویسد بر وی
که وبه بند در انکس هف هف هد هد هف هف هاب هاب اما الله
کف کف هف هفف هفف سهم معر قل هو الله احد الغالب
من حیث یسحر العدو ابلیس شیخ لبنی آدم کما الذی یسجد لآدم الملائکة
باذن الله انه کریمة بنت کریمة و ولد فلان بن فلان ههههه
هه شددت شددت سورة سورة صفه هفه ختمت بخاتم سلیمان
بن داود لله رب العالمین   دیگر بجهت بول کردن در خواب
و ترسیدن در خواب بنویسد و نگاه دارد و بخواند این دعا را که
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله
النبی الامی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه وآله وسلم
الی من حضر الدار من العماد اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان
یکن فاجرا مقتحما او داعی حق مبطلا او من یؤذی المولدان و یفزع
الصبیان و یبکیهم و یبولوهم علی الفراش فلیمنعوا الی اصحاب الاصنام
والی عبدة الاوثان ولیخلوا عن اصحاب القرآن فی جوار الرحمن و یخادع

الشیطان وعن ایمانهم الفرار وصلی الله علی محمد وآله علیهم السلام

از برای نرسیدن در خواب بنویسد وبخواند این آیتها را که شهد الله

انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان

الله سریع الحساب الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة

ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده

الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء

من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده

حفظهما وهو العلی العظیم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما

تدعوا فله الاسماء الحسنی فلا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها

وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن

له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی

علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم

مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین لقد جاءکم

رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین

رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

وهو رب العرش العظیم قل من یکلؤکم باللیل والنهار من الرحمن

والجن والسحرة قل الله الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب لمن الملک الیوم لله الواحد

القهار از برای دشوار زائیدن گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که چون زنی دشوار زاید بنویسد این دعا را بر ورقی و بربندید

بران زن فرزند باسانی متولد شود دعا اینست که اللهم فارج الهموم

وکاشف الغموم ورحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما ارحمنی رحمة تجمع

خلقک تفرج بها کربتها وتکشف بها عنها وتیسره ولادتها وقضی

بینهم بالحق وهم لا یظلمون وقیل الحمد لله رب العالمین

بجهت دشوار زائیدن هر کاه زنی یا چهارپائی زاید باید که بخوانید

برو یا خالق النفس من النفس ومخلص النفس من النفس خلصه

بحولک وقوتک بجهت دشوار زائیدن بنویسد این شکل

بر دو سفالی که آب برو نرسیده باشد وبنهد آن سفالها را در زیر

پای آن زن بدرستی که در حال فرزند متولد شود وشکل اینست

۲	۱	د
۱	ه	ط
و	م	۳

ودر روایتی واقع است که بنویسید این شکل و برببندد

بران راست آن زن شکل اینست

اخرج تغنی من هذا المجلس ادلا

۴	۹	۲
۳	۵	۹
۸	۷	۴

وبنویسید بر کاغذی این دعا را وبه بند

بران چپ آن زن دعا اینست

منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها

نخرجکم تارة اخری یا خالق النفس

فرج عنها پس آن فرزند بی عیب و تمام اعضا متولد شود ان شاء الله تعالی

از برای دشوار زائیدن بنویسید بر پشت کبل این صورت را

و بنشیند بر بالای آن کبل زنی که دشوار زاید بدرستی که چون
چنین کند فرزند زود و آسانی متولد شود ان شاء الله تعالی و قاعدهٔ
نوشتن این صورت آنست که در سطر اول لفظ اثنین را بنویسید و بعد
از آن ثلثه را بنویسید و بعد از آن اربع را و در سطر دوم اول ثلثه را
بنویسید و بعد از آن اثنین را بنویسید و بعد از آن اربعه را تا خاصیت
بدهد و صورت اینست

اثنین	ثلثه	اربعه
اربعه	ثلثه	اثنین

برای رشته بکند اندک
پشم از شتر بی اینکه بکارد یا بمقراض ببرد و از آن
پشم اندک ریسمانی بتابد و معقد کرده زند برای ریسمان و بر هم کوهی سه بار
سورهٔ فاتحه بخواند و بعد از آن سه بار این دعا را بر وی بخواند که
بسم الله الابد الابد المحصی لعدد القریب لما بعد الظاهر عن الولد
العالی عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخفیة
یا من السموات بغیر عمد رتبه مزججات یا من الارض بعزته مدحوة یا من
الجبال بارادته مرساة یا من نجی به صاحب الغرق من کل آفة و
بلیة صلی الله علیه و آله علی محمد خیر خلقک و اشف اللهم فلان
بن فلانه یعنی نام کسی که رشته دارد و نام مادر او را بگوید بشفائک
و داوه بدوائک و عافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء و انت

ارحم الراحمین

ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله

بجهت ورم جراحت

روایت است از بعضی ائمهٔ معصومین علیهم السلام که بگیرد کاردی
و بمالد بر موضعی که ورم و جراحت دارد و بگوید بسم الله
ارقیک من الحد و الحدید و من اثر العود من الحجر الملبود و من
عرق العاشر و من الورم الاخر و من العظام و حرقة و من التراب
و تردة بسم الله فتحت و بسم الله ختمت و بعد از آن فرو برد
آن کارد را در زمین

از برای ثولول و آنرا زخ گویند

گفت امام رضا علیه السلام که نظر کن باول ستاره که وقت شام
نمایان شود و بر دار اندک خاکی و بمال ثولول و بگو که بسم الله و
بالله زائنی و لم ارک سو نصرک الله یخفی اثرک ارفع تا ابلی معک
و باید که نیز نظر کنی در آن ستاره

برای کلف و کلف ترکی و سیاهی

است که در روی آدمی پیدا می شود خط مدوری بر گرد کلف بکشد
و بعد از آن در میان آن خط بنویسد که بوتا ترتا تا ادعی صوانا
و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون

برای کلف بنویس در صباح بر موضعی که کلف دارد در وقتی
که آن شخص بر ناهار باشد این کلمات را که هر یقه حتی تحت الطریقة

بجهت کلف بنویسید در صباح بر ناهار این کلمات را بر موضعی که
کلف دارد قسرید فهرایند کرهن کروهن سلا دخسلک یا دیجی الملک
القدوس

برای آبله اطفال بنویسید این صورت را

بر بازوی کسی که آبله دارد ببندد تا آبله بیرون نیاید

از برای آبله بنویسد این شکل را چهار در چهار و به بندد بر کسی که آبله دارد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
[illegible]	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که هر که در وقت شام این دعا بخواند عقرب و مار او را نگزد بسم الله و بالله وصلّی الله علی محمّدٍ و آله اخذت العقارب والحیّات کلّها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و ابصارها و قواها عنّی و عمّن احببت الی ضحوة النّهار

دیگر برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که آنکسی که این دعا بخواند مار و عقرب او را نگزد بسم الله و بالله توکّلت علی الله و من یتوکّل علی الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره اللّهمّ اجعلنی فی کنفک و فی جوارک واجعلنی فی حفظک واجعلنی فی امنک

دیگر برای عقرب و مار گفت امام جعفر صادق علیه السّلام که آمدند جماعتی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و شکایت کردند از عقرب آن حضرت گفت که هفت بار در صباح و هفت بار در شام بخوانید این دعا را که اعوذ بکلمات الله التّامّات کلّها الّتی لا یجاوزهنّ برٌّ و لا فاجرٌ الّذی لا یخفر جاره من شرّ ما ذرء و من شرّ ما برء و من شرّ الشّیطان و شرکه و من شرّ کلّ دابّةٍ هو آخذٌ بناصیتها انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم و گفت ابو جعفر علیه السلام که هر که این دعا را بخواند در وقت شام نگزد او را

هیچ عقرب و گزنده تا صباح

حضرت سلیمان علیه السّلام

برای گرفتن مار بسم الله الرّحمن الرّحیم خاتم سلیمان بن داود اخ اح دماسکه ملائکة هبوا سوما روانا وادا فوادی فوادی هدیا بسم الله خاتم و بالله الخاتم چون این افسون را سه بار بر سوراخ مار بخوانی مار بایستد و زبان خود را بیرون کند پس اگر خواهید می توانید گرفت او را در آن وقت و هرگاه خواهید که مار در نیاید بمنزل تو بنویس این افسون را بسم الله الرّحمن الرّحیم هجة و سجة یهوط بحا و طود بر چهار رقعه و دفن کن آن رقعها را در چهار کنج منزل خود

برای عقرب گفت اسحق بن عمار بابی عبد الله علیه السّلام که من از عقرب می ترسم آن حضرت گفت که نظر کن بنات النعش را و آن سه ستاره در پهلوی ستاره میان خود دیست که عرب آنرا سهی میگویند و ما که عجمیم آنرا اسلم میگوئیم پس هر شب نیز نظر کن در این ستاره و سه بار بگو که اللّهمّ ربّ اسلم صلّ علی محمّدٍ و عجّل فرجهم و سلّمنا اسحق بن عمار گفت که ترک نکردم خواندن این دعا را در مدت عمر مگر یکبار و در آن شب عقرب گزید مرا

دیگر برای عقرب بنویسد این افسون را صباح روز پنجم اسفندار ماه در حالی که با وضو باشید و سخن نگوید تا آنکه فارغ شود از نوشتن آن انگاه دار پس آن نوشته را با خود بدارد و اگر چون این کار کند عقرب نگزد او را و افسون اینست که بسم الله نجة نجة قرینة برینة ملجه قعطا قعطا قعطه و این افسون را بر

مار نیز روایت کرده اند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
که اگر کسی بنویسد این افسون را و بنهد در شکافی دیوار خانه آن دیوار دو
پاره شود و بشکند و گفت ابرهیم نخعی که زید کردن مرا ماری پس افسون
کرد مرا اسود بن یزید با این افسون و من خلاص شدم کیک
روایتست که آمدند جماعتی بخدمت حضرت پیغمبر و شکایت کردند از
کیک آن حضرت فرمود که وقتی که جا گیرید در فراش جهت خواب بگوئید
که ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک
بام الکتاب ان لا تؤذونی و لا اصحابی الی ان ینقض اللیل و یجی الصبح
بما جاء به و الذی نعرفه الی ان یؤب الصبح بما آب
برای بنده که گریخته باشد بنویس بر ورقی این دعا را که بسم الله الرحمن الرحیم
یا فلان یعنی نام آن بنده را بنویس مغلولة الی عنقی اذا اخرج یده لم یکد یراها
و لمن لم یجعل الله له نورا فما له من نور و بعد از آن درهم به پیچ آن ورق را
و به بنه در میان دو چوب و بعد از آن بنه از آن نوشته را در طاق
خانهٔ تاریکی که آن بنده در آن خانه می بود برای علتی که دردسر
چهار پا پیدا می شود بگیر پارهٔ پشمی که آب باو نرسیده باشد و بتاب آنرا
و هفت گره بزن بران و هر گره که میزنی بگو خرج عیسی ابن مریم علی حمار
ثم لم یدخل و لم یرهض انا ارقیك والله عزوجل یشفی و بر بند آن ریسمانرا
بر سمی که علت دارد برای سحر گفت محمد بن عیسی که پرسیدم از امام رضا
علیه السلام که آیا سحر می باشد و اثری دارد آن حضرت گفت بلی می باشد

وساحران

وساحران ضرری رسانند باذن خدا تعالی پس وقتی که سحر کنند ترا بردار دست
خود را برابر روی خود و بخوان بر دست خود این کلمات را که بسم الله
العظیم رب العرش العظیم الا ذهبت و ان قرضت و گفت مردی که
پرسیدم از امام رضا علیه السلام که آیا زخم می باشد آن حضرت گفت
بلی می باشد پس هر گاه بتو چشم زخمی رسد دارد دست خود را برابر روی خود
و سورهٔ فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس بخوان و بمال هر دو دست خود را بر پیشانی بدرستی که نفع میدهد
باذن خدا تعالی و روایتست که کسی پرسید از ابی عبد الله
علیه السلام که اثر و خاصیتی هست سورهٔ قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را آن حضرت گفت که لبید بن اعصم الیهودی
سحر کرد رسول خدا را پس جبرئیل بخدمت آن حضرت آمد و این
دو سوره را آورد آن حضرت ریسمانی طلبید و دوازده گره زد بر آن
ریسمان و طلبید امیر المؤمنین علی علیه السلام را و داد با میر المؤمنین
علی علیه السلام ریسمانی را که آن حضرت بر و دوازده گره زده بود
و گفت برو در چاه ذروان و این دو سوره را بخوان و بعد دم آنرا
گرهی بگشا ازین ریسمان پس حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
رفت و این کار کرد و بیرون آورد از چاه آن چیزی را که سحر کرده بود
لبید پس سحر او باطل شد و گفت ابن عباس که لبید بن اعصم الیهودی
سحر کرد رسول خدا را و پنهان کرد در چاه بنی زریق آن حضرت بیمار شد

پس آن حضرت در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی بر بالای سر آن
حضرت نشست و دیگری بر پائین پا و خبر دادند بآن حضرت در خواب
که لبید سحر کرده است و چیزی که بآن سحر کرده است در چاه ذروان در
پوست شکوفه ایست و در زیر سنگی است که در ته چاه است پس بیدار
شد آن حضرت و فرستاد امیر المومنین علی علیه السلام و زبیر و عمار را
پس ایشان رفتند و کشیدند آب آن چاه را و آن سنگ را برداشتند
و بیرون آوردند آن پوست شکوفه را پس در موی سر آن حضرت بود
و دندانه آن حضرت نیز بود و آن موی را یازده گره زده بود و سوزن
در آن گرهها فرو برده بود پس داشتند آنها را و بخدمت حضرت
پیغمبر آوردند پس جبرئیل فرود آمد و سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب النّاس و خواند این دو سوره را و هر آیه که میخواند
از این دو سوره گرهی میکشاد چون گرهها بتمام کشوده شد رسول خدا
در خود سبکی و خفتی یافت و برخواست و جبرئیل علیه السّلام
میگفت بِسْمِ اللهِ اَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ حَاسِدٍ
وَعَيْنٍ وَاللهُ يَشْفِيكَ   برای سحر بنویسید این آیه را بر
ورقی و به بندد بر آنکسی که سحر کرده اند او را و قال موسى ما جئتم
بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا صَاغِرِينَ
دیگر برای سحر هفت بار بخواند این آیه را سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيكَ

وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ اِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا
الْغَالِبُونَ وگفت امام جعفر صادق علیه السّلام که زنی گفت
بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که من شوهری دارم و دوست
نمی دارد مرا و من سحر کردم که دوست دارد مرا آن حضرت گفت
وای بر تو کاری کردی که لعنت می کنند بر تو فرشتهای آسمان و زمین
آن زن چون این سخن بشنید از آن حضرت روز روزه میداشت
و شب بعبادت مشغول میشد و سر خود را تراشید و پلاس پوشید
بجهت عملی که کرده بود پس خبر رسید برسول خدا که آن زن این کارها کرد
آن حضرت گفت که اینها قبول نیست کسی گفت یا رسول الله چرا قبول
نیست آنحضرت گفت که بجهت آنکه سحر و شرک نزدیکند بهم و خدای تعالی
شرک را نمی آمرزد پس سحر را نیامرزد   برای چشم زخم گفت
زراره که امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود که کسی را که چشم
رسیده باشد می باید دمید بر سوراخ راست بینی او چهار بار و در
جانب سوراخ چپ سه بار و بعد از آن می باید گفت که بِسْمِ اللهِ لَا بَاْسَ
اَذْهِبِ الْبَاْسَ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ اَنْتَ الشَّافِي لَا يَكْشِفُ الْبَاْسَ
اِلَّا اَنْتَ وگفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که اگر چیزی
سبقت میگرفت بر چیزی که مقدر شده است چشم زخم می بود
برای چشم زخم بخواند سوره فاتحه را و بنویسد این دعا را که بسم الله
اُعِيذُ فلان بن فلانه یعنی بنویس نام آنکس و نام مادر او را بکلمات الله

التّامّات من شرّ ما خلق وذرأ وبرأ ومن کلّ عینٍ ناظرةٍ واذنٍ
سامعةٍ ولسانٍ ناطقٍ انّ ربّی علی صراطٍ مستقیمٍ ومن شرّ الشیطان
وعمل الشیطان وخیله ورجله وقال یا بنیّ لا تدخلوا من بابٍ
واحدٍ وادخلوا من ابوابٍ متفرّقةٍ وگفت معمر بن خداد که در خرا
در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام می بود آن حضرت فرمود
مرا که از برای او بوی خوش بیارم چون آوردم در عجب آورد او را آن
بوی خوش ومتوجه آن شد وگفت بمن که ای معمر چشم زخم می باشد
بنویس در رقعه سورهٔ فاتحه وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب النّاس وآیة الکرسی را وبنه در غلاف شیشهٔ بوی
خوش وگفت ابو عبد الله علیه السلام که چشم زخم می باشد وایمن
مباش از چشم خود بر خود وبر دیگران پس هرگاه بترسی از چشم کردن
خود را یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الّا بالله العلی
العظیم ونیز گفت که وقتی مهیا شوید بجهت بیرون رفتن از منزل برو…
که در عجب آورد شما را باید که در وقت بیرون رفتن از منزل سورهٔ
قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب النّاس بخوانید بدرستی که ضرر
نمی رسد بشما از چشم باذن خدا تعالی ونیز گفت که آنکسی که در عجب آورد او را
چیزی از برادر مومن باید که دعای خیر وبرکت کند بدرستی که چشم زخم
می باشد   برای چشم زخم بنویسید این دعا را وبا خود نگاه دارد
چشم کار نکند باو ودعا اینست که اللّهم ربّ مطر حابس وحجر یابس ولیل

دایر ونکب وبابس ردّ العین عین المعیان علیه فی کبده ونحره
وماله فارجع البصر هل تری من فطور ثمّ ارجع البصر کرّتین
ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر

در بیان حرزها   حضرت امیر المؤمنین علیه الصّلوة والسّلام

روایتست که آن کسی که این حرز را بنویسد وباخود نگاه دارد ایمن شود
از سحر ومانند آن واز صرع وزهر وشر سلطان وشر شیطان وجمیع
آنچه آدمی ازو می ترسد واز ترس دزد ودرنده ومار وعقرب وجمیع
چیزهای که ایذا میرساند بآدمی ودر کتاب مهج الدعوات مذکور است
که بر بازوی راست می بایست بست وحرز اینست که بسم الله الرحمن الرحیم
ای کبوس ای کبوس اره س عطسطسلح یا مصطرون مریالسون ماو ما
ساماش یا طیطسا لوس حنطوس مسفعلس مساصعوس ارفغطو
لطعوس هذا وهذا وما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی
الامر وما کنت من الشّاهدین اخرج بقوّة الله منها ایها اللّعین
بعزّة ربّ العالمین اخرج منها والّا کنت من المسجونین اخرج
منها فما یکون لک ان تتکبّر فیها فاخرج انّک من الصّاغرین
اخرج منها مذموما مدحورا ملعونا کما لعنّا اصحاب السّبت
وکان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج یا سورا
یا سورا سور بالاسم المخزون یا ططرون طرعون مراعون تبارک
الله احسن الخالقین یا هیا یا هیا شراهیا حیا قیوما بالاسم

المکتوب علی جبهة اسرافیل اطردوا عن صاحب هذا الکتاب
کل جف وجنیه وشیطان وشیطانه وتابع وتابعه وکل متعبثه
وعابث یعبث یابن آدم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین .

حرحرحرحر
حرحر ... حلدا سل وسرحلدا سل

حضرت امام
زین العابدین علیه السلام در کتاب مهج الدعوات مذکور است
که آن حضرت هر صباح وهر شام می خواند این حرز را که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وبالله سددت افوات الجن والانس والشیاطین والسحرة
والابالة الجن والانس والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز
الاعز وبالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون
الذی قام به السموات والارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم
ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون وقال اخسئوا فیها ولا
تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما وخشعت
الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده
ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین
الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا من بین ایدیهم

سدّاً

سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم
وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون لو انفقت ما فی
الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز
حکیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین
حضرت
امام رضا علیه السلام واین حرز را رقعة الجیب میگویند گفت حضرت
امام رضا علیه السلام که رقعة الجیب تعویذ است برای همه چیز
وآن کسی که این حرز را بنویسد ونگاه دارد در گریبان جامه خود
جمیع بلاها ازو رفع شود از شر شیطان دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا قال اخسئوا فیها ولا تکلمون
اخذت بسمعک وبصرک بسمع الله وبصره واخذت قوتک
وسلطانک بقوة الله وسلطانه الحاجز بینی وبینک بما حجز به
انبیائه ورسله وسترهم من الفراعنة وسطواتهم جبرئیل عن
یمینی ومیکائیل عن یساری ومحمد امامی والله محیط بی یحجزک
عنی ویحول بینک وبینی بحوله وقوته وحسبی الله ونعم الوکیل
ما شاء الله کان وما لم یشاء لم یکن وآیة الکرسی را بنویسد
واین کلمه را نیز بنویسد که لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
انا امیر المومنین علی علیه السلام بسم الله وبالله
رب احترزت بک توکلت علیک وفوضت امری الیک رب
لجأت ضعف رکنی الی قوة رکنک مستجیرا بک مستنصرا لک مستغیثا بک

علی ذوی التعزز علی والقهر والقوة علی ضیمی والاقدام
علی ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جارک رب
فاقهر عنی قاهری بقوتک واوهن عنی مستوهنی بقدرتک
واقصم عنی ضائمی ببطشک رب فاعذنی بعیاذک بک
امتنع عائذک رب وادخل علی ذلک کله شرک ومن
یسترک فهو الآمن المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا من یک ذا حیلة فی نفسه او حول
فی تقلبه او قوة الی امره فی شیء سوی الله عز وجل فان
حولی وقوتی وکل حیلتی بالله الواحد الاحد الصمد الذی
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کل ذی ملک فمملوک
الله وکل مقتدر فقواه بقدرة الله وکل ظالم فلا محیص من عدل الله
کل متسلط فیها مد لسطوة الله کل شیء ففی قبضة الله کل صغر
کل جبار فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استظهرت
علی کل عدو وذات فی نحر کل عات بالله ضربت باذن
الله بینی وبین کل مترف ذی سطوة وجبار ذی نخوة ومتسلط
ذی قدرة وعات ذی مهلة ووال امرة وحاسد ذی ضیعة
وماکر ذی مکیدة وکل معان او معین علی بقالة مغربة او
حیلة مؤذیة او سعایة مثلبة او غلیة مرذیة وکل

طاغ

طاغ ذی کبریاء ومعجب ذی خیلاء علی کل نفس فی کل مذهب
واعددت لنفسی وذریتی منهم حجابا بما انزلت فی کتابک
واحکمت من وحیک الذی لا یؤتی بسورة من مثله وهو
الکتاب العدل العزیز الجلیل الذی لا یاتیه الباطل
من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید.
ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما
کثیرا — دیگر روایتیست که این حرز را بجهت تب
می باید نوشت که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله
الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من
النور وانزل النور علی المرفوع بقدر مقدور علی نبی محبور
الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی
السراء والضراء مشکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین
این حرزیست که تعلیم کفته است حضرت فاطمه علیها السلم
بسلمان فارسی رحمت الله علیه وکفت سلمان که آموختم
این حرز را بزیادة از هزار کس از اهل مکه ومدینه که تب میکردند
پس ایشان شفا یافتند وبه برکت این حرز باذن خدا تعالی
وچون این کتاب محل ذکر حرزهای طویل نبود اختصار کردیم باین

حرزهای مختصر در بیان چیزهای نادر که درین
کتابست و درین باب هفت فصل است در ذکر
حقوق فی حضرت امام زین العابدین علیه السلام بیان فرموده
است روایت کرده است اسمعیل بن فضل از ثابت بن دینار
و او روایت کرده است از سید عابدین علی بن الحسین که گفت
که حق حق تعالی بر تو آنست که بپرستی او را و شریک نکردانی
با و چیزی را پس وقتی که این کار باخلاص کنی خدا یتعالی کفایت
می کند کار دنیا و آخرت تو را و حق نفس بر تو آنست که مشغول
کردانی او را بطاعت خدا یتعالی و حق زبان بر تو آنست که نکاه
داری او را از فحش کفتن و عادت دهی او را بکفتن سخنان خیر
و ترک کردن سخنان بی فائده و نیکوئی کردن و حق کوش بر تو
آنست که او را نکاه داری او را از شنیدن چیزی که حرام است
شنیدن آن و حق چشم آنست که نظر نکنی آن چیزی را که حرام است
بر تو دیدن آن و بنظر عبرت نکاه کنی در چیزها و حق دست آنست
که چیزی که حلال نباشد نکیری و حق پا آنست که نروی بسوی
انچه حلال نباشد تا از پل صراط باسان بکذری و نلغزد پای تو
و در دوزخ نیفتی و حق شکم آنست که حرام نخوری و از حلال زیاده
از انچه سیر می شوی نخوری و حق فرج آنست که نکاه داری او را
از زنا و از انکه نظری نامحرمی برو بیفتد و حق نماز آنست که در وقت

نماز نزد خدا یتعالی ایستاده پس وقتی که دانستی این را بایستی در
نماز همچون ایستادن کسی که خوار و حقیر و ترسنده و امیدوار
باشد و فروتنی و تضرع و زاری نماید و بزرک داند آنکسی را
که پیش او ایستاده است بسکون و وقار و توجه میکنی بنماز
بدل و ادا میکنی نماز را بشرایط و حقوق او و حق حج آنست
که بدانی که میروی نزد پروردکار خود و می کریزی بسوی
او و پناه می جوئی با و از کناهان خود و بدانی که در حج قبول
می شود توبه تو و عمل می کنی که خدای تعالی بر تو واجب کردانیده
است و حق روزه آنست که بدانی که در روز روزه نکاه می باید
داشت کوش و چشم و شکم و فرج خود را از نامشروعات تا انکه
روزه نکاه دارد ترا از آتش دوزخ پس اکر روزه نداری حق تعالی
ترا بدوزخ می برد و حق صدقه آنست که بدانی که صدقه ذخیره
توست نزد پروردکار تو و امانت توست نزد خدا یتعالی که
احتیاج بکواه نیست و بدانی که صدقه را پنهان دادن ثواب
بیشتر است از آشکارا دادن و بدانی که صدقه دفع می کند بلاها
و بیماریها از تو در دنیا و دفع می شود از تو آتش دوزخ در
آخرت و حق هدیه دادن آنست که از برای خدا یتعالی بدهی
و غرض تو آن باشد که برحمت خدا برسی و نجات یابی در روز
که ملاقات میکنی به پروردکار خود یعنی در روز قیامت و حق

سلطان آنست که بدانی که تو عاجزی در دست او و او مربّی
که می‌خواهید بتو می‌تواند کرد پس واجبست که پر تو کاری نکنی
که سلطان خشم گیرد بر تو و خود را در هلاکت بیندازی
و شریک باشی در بدی که از سلطان بتو میرسد و حق معلّم
بر تو آنست که تعظیم کنی او را و با ادب باشی در مجلس او و متوجه
باشی باو و نیکو گوش کنی سخنان او را و در مجلس او آهسته سخن
نکنی بکسی و نزد او کسی را غیبت نکنی و وقتی که بدی او را نزد تو
ذکر کنند منع کنی و بپوشی عیبهای او را و ظاهر کن نیکوییهای
او را و منشین با دشمن او و دشمنی مکن با دوست او پس وقتی
که چنین کنی گواهی دهند برای تو فرشتها که قصد تو ازین طلب
علم رضای خدا یتعالی است نه رضای خلق و حق آن کسی که
سیاست میکند ترا بجهت ملک آنست که فرمان برداری او کنی
و نافرمان برداری او نکنی مگر چیزی که خشم گیرد خدا یتعالی را بآن
بدرستی که جائز نیست که فرمان برداری مخلوق در چیزی که
موجب نافرمانی خالق شود و حق رعیت بر سلطان آنست که
بدانی که ایشان رعیت تواند بجهت ضعف ایشان و قوت تو
پس واجبست که عدل کنی با ایشان و نسبت با ایشان همچو پدر
مهربان باشی و شتاب نکنی بعقوبت ایشان و شکر خدا یتعالی
بگویی که ترا حاکم گردانید بر ایشان و حق آنهایی که تعلیم علم میکنند

از تو آنست که بدانی که حق گردانیده است ترا معلّم ایشان و داده
است این علم را بتو از خزانهٔ خود پس اگر نیکو تعلیم کنی مردمان
و دروغ نگویی و درشتی نکنی با ایشان در وقت تعلیم زیاده گرداند
حق تعالی علم و دانش ترا از فضل و کرم خود و اگر منع کنی مردمانرا
از علم خود و دروغ گویی با ایشان در وقت تعلیم واجبست
بر خدا یتعالی که ببرد علم و رونق او را از تو و بی اعتبار و خوار
گرداند ترا در نظر مردمان و حق زن بر تو آنست که بدانی
حق تعالی گردانیده است او را مونس و مصاحب تو و بدانی
که این نعمتی است که حق تعالی بتو داده است پس باید که گرامی
داری او را و ملائمت کنی باو و اگرچه حق تو بر وی بیشتر است
امّا واجبست که رحم کنی بر طعام و پوشش بدهی او را زیرا که
او اسیر است ترا و اگر از روی نادانی کاری کند عفو کنی ازو حق
بنده بر تو آنست که بدانی که آفریدهٔ اوست او را پروردگار
تو و او نیز فرزند آدم است و بدانی که تو نیافریدی او را و
هیچ عضوی از اعضای او را و بدانی که تو روزی نمیدهی باو و لیکن
حق تعالی آفریده است او را و روزی میدهد و او را مسخر
و بندهٔ تو گردانیده است و امین گردانیده است ترا و با امانت
گذاشته است ترا نزد او تا نیکویی کند بتو پس تو نیکویی کن باو
همچنانکه خدا یتعالی نیکویی کرده است بتو و اگر او را نخواهی بفروش

ودیکری بخرو عذاب مکن او را بجهت انکه بنده خداست وحق مادر
بر تو آنست کبدانی کہ نکاه داشته است ترا در شکم خود بوجهی کہ
نکاه نمیدارد باوجه کسی را و داده است بتو از میوهٔ دل خود چیزی
کہ کسی بکسی نمیدهد یعنی شیر داده است ترا و نکاه داشته است ترا بتمام
اعضاء خود و پاک نکاشت از کرسنکی و تشنکی و برهنکی خود و طعام
و آب میداد بتو و می پوشانید ترا از سرما و کرما تا مونس و غم خوار
او باشی بدرستی کہ نمی توانی شکر مادر را بجای آوردن مکر بتوفیق
و یاری حق تعالی وحق پدر بر تو آنست کہ بدانی کہ او اصل تو است
واکر او نمی بود تو موجود نمی شدی پس هر کاه به بینی در نفس
خود چیزی خوبی کہ در عجب آورد ترا بدان کہ اصل و نسب آن
پدر تو است پس حمد و شکر بکو خدای تعالی را و خیر و شری کہ
در دنیا از و بوجود می آید نسبت بتو می کنند و از تو سؤال میکنند
از حسن ادب و خداشناسی او و یاری دادن تو او را در طاعت
و عبادت پس در حق او کاری بکن همچو کاری نکنی کہ میداند
کہ ثواب می یابد بسبب احسان و نیکوئی کردن و عذاب می یابد
بسبب بدی کردن وحق برادر بر تو آنست کہ بدانی کہ مددکار تست
و عزت و قوت تو باوست پس مکردان او را آلت معصیت
خدا تعالی و ظلم بر خلق خدائی و مکذار او را بدشمن و یاری
و نصیحت کن او را بیر اکر اطاعت و فرمان برداری خدا تعالی

بکند

بکند زهی سعادت او و اکر نکند حق تعالی اکرام می کند تو را بجهت
نصیحتی کہ کردی وحق مولائی کہ ترا آزاد کرده است بر تو آنست
کہ بدانی کہ صرف کرده است مال خود را برای تو و بیرون
آورده است ترا از خواری و مذلت و بندکی و رسانیده است
ترا بعزت و حرمت آزادی پس آزاد کردانیده است و فارغ ساخته
است ترا تا عبادت پروردکار خود کنی و بدانکه سزاوارترین
خلق است بتو در حال حیوة و ممات تو و واجبست بر تو کہ
یاری کنی او را بنفس خود و بانچه محتاج است بتو وحق مولای
کہ ترا آزاد کرده آنست کہ حق تعالی کردانیده است آزاد او را
وسیلهٔ قرب بخود و پناه تو از آتش دوزخ و مزد تو درین دنیا
میراث بردنست از وقتی کہ نباشد او را میراث خواری و این
عوض نفقه ایست کہ دادهٔ باو از مال خود و مزد تو در آخرت
بهشت است وحق کسی کہ نیکوئی کرده است بتو آنست کہ شکر
او نکوئی و ذکر کنی نیکوئی او را و سعی کہ نیکوئی کرده است
بتو آنست اخلاص در خلوت برای او دعا کنی پس وقتی کہ چنین
کنی شکر او بجای آورده باشی پنهان و آشکارا و اکر روزی قدرت
یابی و توانی کہ عوض کنی نیکوئی او را بکن وحق مؤذن بر تو آنست
کہ بدانی کہ او یاد تو میدهد پروردکار ترا و می خواند ترا و یاری
می کند ترا در ادا کردن بر آنچه واجب کردانیده است حق تعالی بر تو

وحق پیش نماز بر تو آنست که بدانی که او سعی میکند در اصلاح
میان تو و خدای تعالی و او قرأت میکند از قبل تو و تو قرأت
نمی کنی و او دعا می کند برای تو و تو دعا نمی کنی برای او و در
روز قیامت صحت و فسادی نمازی که با و اقتدا کرده از وی
پرسند نه از تو و اگر آن نماز صحیح است تو شریک او خواهی
بود در ثواب آن نماز و او را زیاده از تو ثواب خواهند
داد بجهت آن نماز پس او نگاه میدارد نفس ترا بنماز خود پس
شکر نکوئی او را بقدر و حق همنشین بر تو آنست که ملایمت کنی
با او و رعایت انصاف کنی در سخن کردن با او و بر نخیزی از مجلس
مگر باذن او و همنشین تو می تواند که بی اذن تو برخیزد و
فراموش کنی بدیهای او را و بخاطر نگاه داری نیکوهای او را
و نیکوئی با او مگر سخن خیر و حق همسایه بر تو آنست که خیانت
او را نگاه داری وقتی که غائب باشد و اکرام و تعظیم کنی او را
وقتی که حاضر باشد و یاری کنی او را وقتی که کسی که با او ظلم کند
و بی روی او عیب او نکنی پس اگر مطلع شوی بر عیب او بپوشانی
آنرا و اگر بدانی که نصیحت قبول می کند در خلوت نصیحت کنی
او را و تنها نگذاری او را در سختی و عفو کنی گناه او را و معاش نیک
کنی با او و حق مصاحبت بر تو آنست که مصاحبت کنی با او به نیکوئی
و انصاف و اکرام می کند ترا و نگذاری که بیشتر تعظیم و اکرام کند

بنفس و نماز ترا

اگر او بیشتر

اگر او بیشتر اکرام کند ترا عوض کنی او را و او دوست داری او را
همچنانکه او دوست دارد ترا و منع کنی او را از گناه کردن و مهربان
باشی با او و عداوت نکنی با او و حق شریک بر تو آنست که اگر
غایب باشد کفایت کنی مهمات او را و اگر حاضر باشد
رعایت جانب او بکنی و حکم نکنی بی حکم او و کاری نکنی برای
خود بی مشورت او و حفظ مال او بکنی و خیانت نکنی با او در
جمیع امور خواه اندک و خواه بسیار بدرستی که برکت خدای
با دو شریک است مادام که با یکدیگر خیانت نکنند و حق مال
بر تو آنست که او را حاصل نکنی مگر از وجه حلال و صرف
نکنی او را مگر بوجه حلال و مال خود را ندهی بکسی که ترا ستایش
نکند و در راه خدا صرف کنی و بخیلی نکنی که در آخر حسرت خواهی
خورد و پشیمان خواهی شد و حق آن کسی که اختلاط دارد بتو
آنست که فریب ندهی او را و ناراستی نکنی با او و از حق تعالی به
ترسی در کار او و حق کسی که دعوی می کند بر تو آنست که اگر دعوی
او حق باشد و خود گواه باشی بر نفس خود و ظلم نکنی با او و تمام
بدهی حق او را و اگر دعوی او باطل باشد ملایمت کنی با او و کاری
نکنی که موجب خشم پروردگاری نکنی که موجب خشم پروردگار
شود بر تو و حق آنکسی که تو دعوی میکنی بر او آنست که اگر حق بجانب
تو باشد طول ندهی آنرا و در هم نریجی و انکار حق او نکنی اگر دعوی

تعالی

تو باطل باشد به ترسی از حق تعالی و توبه کنی و ترک کنی دعوی را و حق
آنکسی که با تو مشورت می کند آنست که اگر بدانی راه نیکوئی و اگر ندانی
راه نمائی او را بکسی که راه نیکوئی داشته باشد و حق آنکسی که تو با او مشورت
می کنی بر تو آنست که اگر چیزی بگوید که موافق رای تو نباشد متهم
نسازی او را و اگر موافق رای تو باشد حمد بگوئی خدا تعالی را
و حق کسی که نصیحت می کند از تو آنست که نصیحت کنی او را از روی
مرحمت و مهربانی و بملائمت و حق کسی که ترا نصیحت می کند
از تو آنست که ملائمت و تواضع کنی او را و گوش کنی سخن او را پس
اگر آنچه او میگوید ثواب باشد و صلاح تو در آن باشد حمد بگوئی
حق تعالی را و اگر صواب نباشد و موافق رای تو نباشد مهربانی
کنی با او و متهم نسازی او را و بدانی که او خطا کرده است و مواخذه
نکنی او را باین خطا مگر آنکه مستحق تهمت باشد پس اعتبار مکن
سخن او را در هیچ حال و حق کسی که بسال از تو بزرگتر باشد
آنست که تعظیم کنی او را بجهت آنکه پیش از تو مسلمان بوده است
و اگر او با تو خصومت و نزاع کند برابری نکنی با او و تحمل کنی و در
راه رفتن بر او سبقت نگیری و در مجلس او مقدم بنشینی بر او
او را نادان نگوئی و اگر او ترا نادان گوید تحمل کنی و اکرام و تعظیم کنی
او را بجهت اسلام و حرمت اسلام و حق آنکسی که بسال از تو خرد
تر است آنست که مرحمت و مهربانی کنی با او و در تعلیم گفتن و عفو کنی

بی ادبی

بی ادبی او را و بپوشی بدی او را و مدارا کنی با او و یاری کنی او را
و حق کسی که چیزی بطلبد از تو آنست که هر چه بدهد قبول کنی و
شکر بگوئی او را و بدانی قدر و نعمت او را و اگر چیزی ندهد و عذر
بگوید قبول کنی عذر او را و حق کسی که بدی کند بتو آنست
که عفو کنی از او و اگر بدانی که عفو کردن ضرر میرساند بتو انتقام
بکشی از او زیرا که حق تعالی فرموده است که وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ
فَاُولٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ یعنی هر که کینه کشد از ظالم
ستم کرده باشد بر او پس آن گروه کینه کشنده گناه نیست
و حق کسی که با تو هم مذهب باشد آنست که ضرر نرسانی بایشان
و مهربان باشی بایشان و مرحمت نمائی و ملائمت کنی به بدان ایشان
و الفت گیری و اصلاح حال کنی و شکر بگوئی نیکان ایشان را و باز داری
ایذا را از ایشان و دوست داری برای ایشان آن چیزی را که مکروه
بداری برای خود و پیر ایشان را بمنزلهٔ پدر خود بدانی و جوانان ایشان را
بمنزلهٔ برادر خود بدانی و پیرزنان ایشان را بمنزلهٔ مادر خود بدانی
و طفلان ایشان را بمنزلهٔ فرزندان خود بدانی و حق کافر ذمی بر تو
آنست که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعالی قبول کرده است از
ایشان و ظلم نکنی بر ایشان هر و فا کنند بعهد خود
در ذکر چیزهای که منع فرموده است حضرت رسالت پناه از آن
روایت کرده است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدر گ

خود علیهم السلام که گفت حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی خوردن
وقتی که کسی جنب باشد و گفت که چیزی خوردن در این وقت درویشی
می آورد و منع کرد از چیدن ناخن بدندان و از مسواک
کردن و آب دهن انداختن در مسجد و از خوردن پس مانده موش
و گفت که مگردانید مسجد را راه رو و اگر خواهید که از مسجد بگذرید
دو رکعت نماز بگذارید و بروید و منع کرد از بول کردن در زیر
درخت میوه دار در میان راه و از چیزی خوردن بدست چپ
و تکیه کرده چیزی خوردن و از گچ کاری کردن قبرها را و از نماز
گزاردن در گورستان و گفت که وقتی که غسل کنید در جائی که فضا داشته
باشد و حائلی نباشد میان شما و آسمان باید که بپوشید عورت
خود را و باید که آب نخورید از نزدیک دسته کوزه بدرستی
که نزدیک دسته محل جمع شدن چرکست و منع از بول کردن
در آب ایستاده بدرستی که دیوانگی می آورد و منع کرد که راه رود
کسی و یکپا نعلین پوشیده باشد و دیگری نپوشیده باشد و منع کرد
ایستاده نعلین را در پا کردن و از بول کردن در برابر آفتاب و ماه
و فرج او برهنه باشد و گفت که هر گاه بخلا روید که غایط کنید
اجتناب کنید از آنکه روی شما یا پشت شما بقبله باشد و منع کرد
از فریاد وقت مصیبت و از نوحه کردن و از رفتن زنان

در عقب جنازه و از محو کردن چیزی از قرآن بآب دهن و از خواب
دروغ بستن و گفت آن کسی که خواب دروغ به بندد حق تعالی تکلیف
کند او را در روز قیامت که دانه جو را گره زند و حال آنکه محالست
دانه جو را گره زدن و منع کرد از صورت حیوان ساختن و گفت آنکسی که
چنین کند تکلیف کند خدای تعالی او را در روز قیامت که در آن
صورت روح بدمد و حال آنکه نمی تواند این کار کردن و منع کرد
از سوختن حیوانات بآتش و از دشنام دادن دادن خروس بدرستی
که خروس بیدار می کند کسی را برای نماز و منع کرد که دخل کند کسی در
چیزی خریدن برادر مومن و خواهد که آن چیز را بسیار بخرد و از
بسیار سخن کردن در وقت جماع و گفت از این جهت فرزند لنگ
می شود و گفت که شب مگذارید خاکروبه را در خانه بدرستی که آن
محل نشستن شیطانست و گفت که آن کسی که شب گذراند و دست
او چرب باشد برسد باو دیوانگی از شیاطین باید که ملامت نکند
مگر خود را و منع کرد از استنجا کردن بسرگین و استخوان و از بیرون
رفتن زن بخانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر
لعنت می کنند او را هر فرشته که در آسمانست و هر چیز که آن زن
رو بگذرد از جن و آدمی تا وقتی که باز گردد بخانه خود و منع کرد که زن
زینت کند برای غیر شوهر خود پس اگر چنین کند واجبست بر خدا تعالی
که بسوزاند او را بآتش دوزخ و منع کرد که زن سخن کند زن نزد غیر شوهر

خود و غیر محرمان خود بیشتر از پنج کلمه از سخنان ضروری و منع کرد
که زن برهنه بدن خود را بزن برهنه دیگر برساند و منع کرد که خبر
دهد زنی بزنی چیزی را که در خلوت میان او و شوهر گذشته است و
منع کرد از جماع کردن بزن خود رو بقبله و در میان راهی که مردمان
می آیند و می روند پس آنکسی که این کار کند لعنت خدا و فرشتها و
جمیع مردمان برو باد و منع کرد که مردی بگوید بمردی دیگر که خواهر
خود را نکاح کن بمن تا من خواهر خود را بتو نکاح کنم و منع کرد از رفتن
نزد منجم و گفت که آنکسی که نزد منجم برود و تصدیق کند سخنان او را بتحقیق
که اعتقاد ندارد بآنچه خدای تعالی فرستاده است بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلّم و منع کرد از باختن نرد و شطرنج و از نواختن عود و طنبور
و شنیدن آن و از غیبت کردن و گوش کردن آن و از سخن چینی و گوش
کردن بآن و گفت که به بهشت نمیرود سخن چین و منع کرد که کسی بمهمانی
فاسقانی برود و منع کرد از سوگند دروغ خوردن و گفت که سوگند
دروغ شهر و دیار را خراب می کند و گفت که آن کسی که سوگند دروغ
بخورد بجهت آنکه مال مسلمان تلف شود حق تعالی برو غضب کند مگر
آنکه توبه کند و بازگردد از آن و منع کرد از مجلس نشستن شراب و منع
کرد که کسی با حلال خود بحمام رود و هر دو برهنه باشند و گفت بحمام نروید
بی لنگ و منع کرد از سخنان گفتن بی فائدهٔ آخرت و از دست بروی
زدن و از چیزی خوردن بظرف طلا و نقره و منع کرد مردمان را از پوشیدن

جامهٔ

جامهٔ ابریشمین و دیبا و گجینه اما پوشیدن اینها از زنان را باکی نیست و منع کرد
از فروختن خرما پیش از آنکه زرد یا سرخ شود و از فروختن خرما و مویز
و ماندن آن و از فروختن نرد و از خریدن شراب و از شراب دادن و ساقی
بودن و گفت که لعنت کرده است خدای تعالی شراب را و آن کسی را که شراب
بخورد و آن کسی را که ساقی میشود و آن کسی را که شراب میخرد و میفروشد
و آنکسی را که بهای آن می خورد و آن کسی را که بر میدارد و آنکسی را که نگاه می
نشاند بقصد شراب و آنکسی را که انگور می افشرد بجهت شراب و آنکسی را
که بر میدارد و می برد برای مردم و آنکسی را که برای او می برند و گفت
که آن کسی که شراب بخورد حق تعالی قبول نکند نماز او را تا چهل روز
پس اگر بمیرد و در شکم او چیزی از شراب باشد واجبست بر خدای تعالی
که بخوراند او را زرداب اهل دوزخ را و آن چیزیست که بیرون
می آید از فرج زناکنندگان و جمع می شود در دوزخ و می خورند آنرا
اهل دوزخ و گداخته می شود پوست بدن ایشان و آنچه در شکمهای ایشانست
و منع کرد از سود خوردن و نوشتن قبالهٔ آن و گواهی ناحق دادن و گفت
که خدای تعالی لعنت کرده است کسی را که سوگند می خورد و کسی را که وکیل
می شود در سود گرفتن و کسی را که چیزی می نویسد بجهت سود و
کسی را که گواهی میدهد برای سود و منع کرد که کسی بگوید که می فروشم این
متاع را بنقد بمبلغ معین و بنسیه زیاده از آن مبلغ و منع کرد که کسی که بگوید
که می فروشم این متاع را بمبلغ معین بشرط آنکه تو متاع خود را بمبلغ کمتر از آن

بمن بفروشی ومنع کرد از فروختن چیزیکه در تصرف کسی نباشد و از فروختن
چیزی که ضامن آن نباشد و از مصافحه کردن با کافر ذمی و از شعر خواندن
در مسجد و از منادی کردن برای گم شده در مسجد و از بیرون آوردن
شمشیر از غلاف در مسجد و از زدن بر روی چهارپا و از نظر کردن بفرج
برادر مؤمن و گفت که آن کسی که نظر بفرج برادر مسلمان کند لعنت کنند
او را هفتاد هزار فرشته ومنع کرد از نظر کردن زن بفرج زن دیگر و از باد
کردن بدهن طعام و آب را و از باد کردن بدهن موضع سجود و از نماز گذاردن
در گورستان در میان راه و بر بالای شتر و در رودخانه و در جائی که
شتر را می بندند و بر بالای خانهٔ کعبه و از کشتن زنبور عسل و از داغ نهادن
بر روی چهارپا و از سوگند خوردن بسورهٔ از سورهای قرآن و گفت که
آن کسی که سوگند بخورد بسورهٔ از سورهای قرآن واجبست برو که بعدد
هر آیتی از سوره کفارت سوگندی بدهد پس اگر آن کفارت بدهد نیکو
کار باشد و اگر ندهد فاسق باشد ومنع کرد که سوگند خورد کسی بدز
کسی و از نشستن جنب در مسجد و از برهنه شدن کسی در شب یا در روز
و از حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه و سخن گفتن در روز جمعه
در وقتی که امام خطبه می خواند پس آن کسی که درین وقت سخن کند نماز
جمعهٔ او درست نیست ومنع کرد از انگشتری روی یا آهن در انگشت
کردن و از نقش کردن صورت حیوانی بر انگشتری و از نماز گذاردن
در وقت بر آمدن و فرو رفتن آفتاب و وقت استوا و از روزه داشتن

در

در شش روز بعد از عید ماه رمضان و روز شک بنیت وجوب و در
روز عید قربان و سه روز بعد از عید قربان وقتی که در منا باشد
و از آب خوردن همچنانکه چهارپایان آب می خورند و گفت که بیاشامید
آب را بدست خود بدرستی که دستهای شما بهترین ظرفهاست ومنع
کرد از آب دهن انداختن در چاهی که در آن چاه آب میخورند و از کار
فرمودن مزدوری پیش از آنکه مزد او را تعیین کنند ومنع کرد از آنکه سه روز
بگذرد و برادران مومن یکدیگر را نه بینند پس آنکسی که ملاقات نکند
برادر مؤمن را و سه روز بگذرد دوزخ اولی است باو ومنع کرد
از خرید و فروخت کردن طلا بطلا بشرط آنکه یکی زیاده باشد در وزن
بر دیگری و از مدح گفتن اهل دنیا را و گفت که خاک بپاشید بر روی
مداحان اهل دنیا و گفت که آن کسی که قبا نماید بظلمی از قبل ظالمی یا
آنکه یاری کند ظالم را بر ظلم در وقت مردن ملک الموت بشارت دهد
او را بلعنت خدای تعالی و بآتش دوزخ و گفت که آنکسی که مدح گوید
سلطان ظالمی را و خوار سازد خود را بجهت طمعی که ازو داشته باشد
با آن ظالم در دوزخ خواهد بود و گفت که خدای تعالی فرموده است که
وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی میل مکنید بسوی
آن کسانی که ستم کردند یعنی فرمان ایشان مبرید و معاونت مکنید ایشان را
بر بیداد ایشان که برسد بشما آتش دوزخ و گفت که آن کسی که عمل کند
ظالمی را و عاملی کرد او را بر ظلم در دوزخ با هامان خواهد بود و آن

وآن کس که بنا کند از روی ریا و از برای شنیدن مردم حق تعالی حکم
کند که بردارد آن بنا را در روز قیامت از هفتم طبقهٔ زمین و آن بنا
آتشی شود که شعله زند و بعد از آن طوقی شود و در گردن او افتد
و او را باشد از در دوزخ و هیچ چیز نگاه ندارد او را تا آنکه به دوزخ
برسد مگر آنکه توبه کند کسی گفت که یا رسول الله بنا بجهت ریا و شنیدن
مردم چگونه می باشد آن حضرت گفت که باین طریق که بنا کند زیاده
بر آنچه کافیست او را بجهت آنکه تفوق جوید بر همسایهای خود
و تفاخر و مباهات کند بر برادران مؤمن و گفت که آنکسی که ظلم
کند بر مزد ور در مزد دادن باطل کند خدا یتعالی عمل او را و حرام
گرداند بر و بوی بهشت را و حال آنکه بوی بهشت را پانصد ساله راه
می شنوند و آن کسی که خیانت کند بهمسایهٔ خود مقدار یک شبر زمین
بگرداند خدا یتعالی آن زمین را که خیانت کرده است طوقی در گردن
او از هفتم طبقهٔ زمین تا آنکه ملاقات کند حق تعالی را در روز قیامت
و آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را بصاحب
باز دهد و آنکسی که بیاموزد قرآن را و بعد از آن فراموش کند ملاقات کند
حق تعالی او را در روز قیامت عدن و بهشت نعیم و آن کسی که عرض
کند با و دنیا و آخرت را و او اختیار کند دنیا را و بگذارد آخرت را
ملاقات کند حق تعالی او را در روز قیامت و او را هیچ حسنه و
ثوابی نباشد که نگاه دارد او را از آتش دوزخ و آن کسی که اختیار کند

آخرت را

آخرت را و ترک کند دنیا را خشنود شود حق تعالی از و بیامرزد گناهان
او را و آن کسی که بسیار نظر کند در چیزهای حرام برکند خدای چشم او را
در روز قیامت از آتش دوزخ مگر آنکه توبه کند و باز گردد و نیز گفت
که آنکسی مصافحه کند بزنی نا محرمی بغضب حق تعالی گرفتار شود و آنکسی که
در بر گیرد زنی نا محرمی را او را با شیطان بند کنند بزنجیری از آتش
دوزخ در روز قیامت و بر بیندازند در آتش دوزخ و آن کسی که
دروغ گوید با مسلمانی در خرید و فروخت پس او از است من نیست
و حشر کنند او را در روز قیامت با یهود بجهت آنکه یهود دروغ گوی
ترین خلقند با مسلمانان و منع کرد از آنکه متاع خانه را بعاریت بهمسایه
ندهند چون دیگ و طبق و مانند آن و گفت که آن کسی که ندهد متاع
خانه را بهمسایه منع نکند حق تعالی خیر خود را در روز قیامت و
بگذارد او را با خودش پس چه بد خواهد بود حال او در آن روز و نیز
گفت که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را قبول نکند حق تعالی توبه و اعمال
حسنهٔ او را تا آنکه او خشنود گرداند شوهر خود را و اگر چه آن زن تمام
روز روزه دارد و شبها بیداری و بعبادت مشغولی نماید و بندها
آزاد کند و اسبهای خوب بمردم دهد که جهاد کنند چون شوهر از و راضی
نباشد در روز قیامت در میان جماعتی خواهد بود که اول بدوزخ
بروند و همچنین است حال مردی که ظلم کند بر زن خود و آن کسی
که طپانچه بزند بر روی مسلمانی بر کند خدا یتعالی استخوانهای او را

در روز قیامت وحشر کند او را دست وگردن بسته وبه برند او را
بجهنم مگر آنکه توبه کند وآن کسی که شب کذراند ودر دل او کینهٔ برادر
مسلمانی باشد حق تعالی آن شب با او در غضب باشد وصباح نیز در
غضب باشد تا آنکه توبه کند ومنع کرد آن حضرت از غیبت کردن وگفت
که آن کسی که غیبت کند مسلمانی را باطل شود روزهٔ او وبشکند وضوی
او ودر روز قیامت از دهن او بوی بیاید بدتر از بوی مرداری که [illegible]
شوند از آن بو اهل عرصات واگر بمیرد پیش از آنکه توبه کند پس حلال باشد
که بمقتضای خشم خود عمل کند وحلم ورزد وحق تعالی بدهد باو ثواب
شهیدی وآنکسی که غیبت برادر مسلمان بشنود ونیکوئی کند باین طریق
که برطرف کند آن غیبت را ورد کند حق تعالی هزار نوع بدی را
در دنیا وآخرت پس اگر برطرف نکنند آن غیبت را از برادر مؤمن
وقادر باشد بران گناه او هفتاد برابر گناه غیبت کننده باشد ومنع
کرد آن حضرت از خیانت کردن در امانت وگفت که آن کسی که خیانت
کند در امانت در دنیا وباز ندهد امانت را بصاحب وبمیرد پس او
مرده است بغیر دین من ودر روز قیامت حق تعالی با او در غضب
باشد ونیز گفت که آن کسی که گواهی دروغ بدهد بیاید وبزنند او را از زبان
با منافقان در ته دوزخ وآنکسی که بخرد چیزی را که خیانت کرده باشند
ودانسته باشد که خیانت کرده اند پس او همچون آنکس است که خیانت
کرده است وآنکسی که نگاه دارد چیزی را برادر مسلمانرا به برد خدا لی بغ

بوکت

بوکت را از روی او مگر آنکه توبه کند وآنکسی که بشنود چیزی بدی نسبت
به برادر مؤمن وفاش کند آنرا پس گویا او گفته است آن چیزی را نسبت به
برادر مسلمان وآن کسی که محتاج باشد وقرض طلبد از برادر مؤمن واو
قادر باشد بر قرض دادن وندهد حرام کرداند خدای تعالی برو بوی بهشت را
وآنکسی که صبر کند بر بدخلقی زن خود وطمع ثواب کند بدهد حق تعالی
باو ثوابی آن کسانی که شکر خدا تعالی بجای آورده اند وهر زنی که ملائمت
ومهربانی نکند بشوهر خود وتکلیف کند او را بر چیزی که قادر نباشد
حق تعالی قبول نکند از آن زن حسنه ونیکوئی را در روز قیامت باو
در عقب باشد وآنکسی که اکرام وتعظیم کند برادر مسلمانرا حق تعالی اکرام کند
او را ومنع کرد حضرت از پیش نمازی کردن برای جماعتی بی اذن ایشان
وگفت که آن کسی که پیش نمازی کند برای جماعتی باذن ایشان وایشان
راضی باشند بر پیش نمازی او ونیکو بجای آورد قیام وقرأت ورکوع
وسجود را ثواب او برابر ثواب آن جماعت باشد واز ثواب ایشان هیچ کم
نشود ونیز گفت که آن کسی که برود بدیدن خویشان وچیزی به برد برای
ایشان بجهت صلهٔ رحم بدهد حق تعالی ثواب صد شهید وبدهد بعدد
هر گامی چهل هزار حسنه ومحو کند از نامهٔ اعمال او چهل هزار گناه وبلند کرداند
مرتبهٔ او را چهل هزار درجه وهمچنان باشد که عبادت کرده باشد
حق تعالی صد سال در حالی که صبر کننده وطالب ثواب باشد وآن کسی که
برآورد حاجت نابینائی را از حاجتهای دنیا وبرود از برای حاجت او تا

برآورده شود نکاه دارد حق تعالی او را از حاجتهای دنیا و همیشه در رحمت
حق تعالی باشد تا انکه باز کردد و آنکسی که یکشبانروز بیماری بکشد
و شکایت کند از ان بیماری نزد آنهای که عیادت او کنند حشر کند
خدا تعالی او را در روز قیامت با ابراهیم خلیل و بکذرد از پل صراط
چون برق لامع و آنکسی که سعی کند برای حاجت بیماری خواه آن حاجت
برآورده شود و خواه نشود پاک شود از کناهان و هیچ کناه نداشته
باشد همچو روزی که از مادر متولد شده است کفت مردی از انصار
که پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله اکر آن بیمار از اهل بیت
او باشد آیا ثواب او بیشتر است آنحضرت کفت بلی و آن کسی که بر برد
از برادر مؤمن اندوهی از اندوههای دنیا را ببرد حق تعالی از و هفتاد
دو اندوه از اندوههای آخرت را و هفتاد و دو اندوه از اندوههای
دنیا را که آسان ترین آن اندوهها درانداختن باشد و نیز کفت که
آن کسی نهد حق کسی را و قادر باشد بر ادای آن پس هر روز او را کناهی
باشد برابر کناهی که تمغاچی دارد و آن کسی که تازیانه بیاویزد در دنیا
خود و برود پیش سلطانی یا ظالمی بکرداند حق تعالی آن تازیانه را در
روز قیامت اژدرهای از آتش دوزخ که درازی آن هفتاد کز باشد
و مسلط کرداند آن اژدها را بر و تا ببرد او را بدوزخ و آن کسی که بر
برادر مؤمن نیکوئی کند و منت نهد بر وی سبب آن نیکوئی باطل کرداند
حق تعالی عمل او را و عوض آن کناه بنویسد و سعی او قبول نکند و بعد

ازان آن حضرت کفت که حق تعالی فرموده است که حرامست بهشت بر کسی
که منت نهد بر بخیل و سخن چین و نیز کفت که آنکسی که تصدق کند بی
او را بوزن هر درهمی بدهد برابر کوه احد از نعمتهای بهشت و آنکسی که
برساند صدقه از قبل کسی بمحتاجی ثواب او برابر ثواب صاحب
صدقه باشد و کم نشود از ثواب صاحب صدقه چیزی و آن کسی که
نماز بکذارد بر میتی هفتاد هزار فرشته برای او طلب آمرزش کنند
و بیامرزد خدا تعالی کناهان کذشته او را پس اکر توقف نماید تا انکه
دفن کنند آن میت را و خاک بریزند بر بالای او بعدد هر قدمی که نهاده
است او را برابر کوه احد ثواب باشد و آن کسی که بکریه از ترس خدا تعالی
بعدد هر قطره از چشم او بفند بدهد با و خدا تعالی کوشکی در بهشت
که مزین باشد بدر و جواهر که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ کوشی نشنیده
باشد و بخاطر هیچ کس خطور نکرده باشد و آن کسی که بمسجد برود بجهت
کذاردن نماز جماعت بدهد خدا تعالی با و بعدد هر کامی هفتاد هزار
حسنه و بلند کرداند حق تعالی مرتبه او را هفتاد هزار درجه و اکر
بمیرد درین حال موکل کرداند خدا تعالی با و هفتاد هزار فرشته
که در قبر مونس او باشند در تنهائی و استغفار کنند برای او تا روز
حشر و آن کسی که بانک نماز کوید برای خدا تعالی بدهد حقتعالی
با و ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و شفاعت کند چهل
هزار کناهکار را از امت من و بسبب او ایشان به بهشت روند

وقتی که مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله صلوات فرستند برو
هفتاد هزار فرشته و استغفار کنند برای او و در روز قیامت در
سایهٔ عرش باشد تا آنکه خدا تعالی فارغ شود از حساب مردمان
و چون اشهد ان محمداً رسول الله بگوید چهل هزار فرشته
ثواب آنرا بنویسند و آن کسی که اهتمام کند که جا گیرد در صف اول
بجهت نماز جماعت و سعی نماید که دریابد پیش نماز را در تکبیر احرام
و ایذای او بمسلمانی نرسد از این جهت بدهد حق تعالی باو آن مقدار
ثواب که بمؤذن میدهد در دنیا و آخرت و آن کسی که متصدی قوی کند و
احوال ایشان بسلاطین بگوید بیارند او را در روز قیامت دست و
گردن بسته در صحرای عرصات پس اگر قیام نموده باشد بامور ایشان
موافق امر خدا تعالی رها کنند او را و اگر ظلم کرده باشد بیندازند او را
در جهنم و نیز آن حضرت گفت که حقیر مشمرید بدی را و اگرچه خرد نماید
بدیرا و اگرچه در نظر شما و بسیار مدانید نیکوئی را و اگرچه بزرگ نماید
در نظر شما بدرستی که هیچ چیز بزرگ نیست با استغفار و هیچ گناه خورد
نیست با اصرار گفت شعیب بن واقد که پرسیدم حسین بن زید را از معنی
این حدیث که واقع شده است در باب مناهی پس گفت حسین بن زید
که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که جمع کردم این حدیث را
از کتاب که بخط امیر المومنین علی علیه السلام بود و املای حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم   در وصیت حضرت پیغمبر

صلی الله علیه

صلی الله علیه وآله وسلم که گفت امیر المومنین علی علیه السلام
که رسول خدا گفت بمن که یا علی وصیت میکنم ترا پس حفظ کن این و
صیت را که بتو خیر خواهد رسید مادام که عمل کنی بوصیت من یا علی
آن کسی که فرو خورد خشم را و قادر باشد که بمقتضای خشم خود عمل
کند ایمن گرداند حق تعالی او را در روز قیامت و حفظ کامل یابد
از ایمان خود یا علی آن کسی که نیکو وصیت نکند در وقت مردن نقصانی
در مروت او باشد و در روز قیامت هیچ کس او را شفاعت نکند
یا علی فاضل ترین جهاد آنست که کسی صباح برخیزد و قصد ظلم
نکند بکسی یا علی آنکس که مردمان از زبان او بترسند او از اهل دوزخ
است یا علی بدترین مردمان آن کسی است که آخرت خود را بدنیا
خود بفروشد یا علی آنکسی که قبول نکند عذر کسی را که از گناه خود
نیکو بد خواه صادق باشد در آن عذر گفتن و خواه کاذب در نیابد
شفاعت مرا یا علی حق تعالی دوست میدارد دروغ گفتن را برای
مصلحت و دشمن میدارد راست گفتن را که موجب فساد می شود یا علی
آن کسی که ترک کند شراب خوردن را از ترس خدا تعالی بدهد خدا تعالی
باو شراب بهشت بجو خدا تعالی که بجهت حفظ نفس خود می کند پس
خدای تعالی او را می آمرزد یا علی آنکس که شراب بخورد همچو آنکس
است که بت می پرستد یا علی آنکس که شراب بخورد حق تعالی قبول نکند
نماز او را تا چهل روز پس اگر در اثنای این چهل روز بمیرد کافر مرده است

یا علی هر سست کننده حرامست و آن چیزی که بسیار از وی مست کنند اندکی
از وی نیز حرامست یا علی گردانیده است حق تعالی همهٔ گناهان را در
خانهٔ و کلید آن خانه شراب خوردنست یا علی کسی که شراب می خورد
می گذرد در وساعتی که در آن ساعت خدا تعالی را نمی شناسند
یا علی آن کسی که فائده نگرفت از دین و دنیای خود خیر نیست ترا در
در مصاحبت او یا علی که در مؤمن هشت خصلت باشد تمکین
و وقار وقت فتنه و آشوب و صبر در بلا و شکر در عافیت و قناعت
بانچه خدا تعالی باو داده است و روزی او کرده است و ظلم کردن
بر دشمنان و دشمنی نا کردن بدوستان و بدن او در مشقت باشد
و مردمان از و در راحت باشند یا علی دعای چند کس رد نمی شود
دعای پادشاه عادل و دعای پدر در حق فرزند و دعای مؤمن
در حق برادر مؤمن غائبانه و دعای مظلوم در حق ظالم بدرستی
که حق تعالی می گوید بمظلوم که بعزت و جلال من که انتقام ترا خواهم
کشید از ظالم و اگرچه بعد از مدتی باشد یا علی هشت کس اند که اگر اهانتی
بایشان برسد باید که ملامت نکنند مگر خود را کسی که بمهمانی برود
که او را نطلبیده باشند و او را بآن مهمان و کسی که بمنزل کسی برود و حکم
کند بر صاحب منزل و کسی که طمع نیکوئی داشته باشد از دشمنان
خود و کسی که دخل کند در میان دو کس و خواهد که مطلع شود بر سری
که در میان ایشانست و ایشان نخواهند که او مطلع شود بر آن سر و کسی

که اعتباری نگیرد از سلطان و کسی که بنشیند در جائی که او لایق آن جا نباشد
و کسی که سخن گوید بکسی که سخن او را گوش نکند یا علی حرامست بهشت
بر کسی که سخن فحش گوید و بی شرم باشد و باکی نداشته از آنچه میگویند
باو یا علی خوشحالی کسی که عمر او دراز باشد و عمل او نیکو باشد
یا علی مزاح مکن که می برد آب روی ترا و دروغ مگوی که می
برد نور ترا و دور دار خود را از دو خصلت دلتنگی و کاهلی بدرستی
که اگر دلتنگ شوی صبر نمی کنی بر حق و اگر کاهل شوی ادا نمی کنی
حق را یا علی هر گناهی توبهٔ دارد مگر بد خلقی یا علی چهار کس اند
که زود عقوبت می یابند کسی که احسان و نیکوئی کرده باشند
باو و او در برابر بدی کند و کسی که تو با او دشمنی نکنی و او با تو دشمنی
کند و تو با وصلهٔ رحم بجای آوری و او نسبت بتو صلهٔ رحم بجای
نیاورد یا علی آن کسی که مستولی شود بر و دلتنگی راحت از و دور
شود یا علی دوازده خصلت است که سزاوار آنست که در مسلمان
باشد در وقت طعام خوردن چهار از آن خصلتها واجبست
و چهار سنت است بگوید و چهار ادب اما آن چهار که واجبست
آنست که بداند که آنچه می خورد حلال است یا حرام و بسم الله
بگوید پیش از طعام خوردن و شکر نعمت بگوید و راضی باشد
بانچه خدا تعالی باو داده است و اما آن چهار که سنت است
نشستن است بر پای چپ و چیزی خوردن بسه انگشت و چیزی

خوردن از پیش خود و لیسیدن انکشتان و اما آن چهار که از
لقمه را خورد برداشتن و بسیار خائیدن و کم نظر کردن در روی
مردمان در وقت طعام خوردن و شستن دستها یا علی حق تعالی
آفرید بهشت را از خشت طلا و نقره و کردانید دیوارهای او را
از یاقوت و سقف او را از زبرجد و سنگ ریزهای او را
از مروارید و خاک او را از زعفران و بعد از ان کفت که به بهشت
سخن کند بهشت کفت که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ قَدْ سَعِدَ
مَنْ یَدْخُلُنِیْ یعنی بدرستی که نیک بخت است کسی که داخل می
شود مرا کفت خدا تعالی که بعزت و جلال که نمی رود به بهشت
کسی که دائم شراب خورد و کسی که سخن چینی کند و کسی که دیوث
و بی عزت باشد و کسی که مخنث باشد و کسی که قبر مردم را می کشاید
بجهت دزدیدن کفن و کسی که تمغاجی باشد و کسی که صلهٔ رحم
بجای نیاورد و کسی که کوید که نیکی و بدی پیش خدا تعالی است یا علی
بجز خدای که کافر بخدا از امت من ده کس کشندهٔ مردمان بناحق
و ساحر و دیوث و جماع کردن دُبُر زنی که بر او حرام باشد
و جماع کنندهٔ چهارپایان و آن کسی که جماع کند بزنی که محرم او
باشد و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که سلاح بفروشد بکافران
حربی و کسی که زکوة ندهد و کسی که مال داشته باشد و تواند که
حج کند و بمیرد و حج نکرده باشد یا علی نه مهمانی باشد مکروه در وقت

در وقت عروسی و وقت تولد فرزند و وقت ختنه کردن و در وقت
خریدن منزل و در وقت آمدن کسی یا علی سزاوار نیست عاقل را
که سفر کند مگر بجهت سه چیز کارسازی برای معاش یا برای آخرت
یا بجهت لذت در چیزی که حرام نباشد یا علی سه چیز است که
مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو کردن از کسی که ظلم کند
بتو و صلهٔ رحم بجای آوردن بکسی که قطع صلهٔ رحم کند بتو و حلم
نمودن و درکذرانیدن از کسی که بی ادبی کند نسبت بتو یا علی
دریاب و غنیمت دان چهار چیز را پیش از چهار جوانی را پیش از
پیری و صحت را پیش از بیماری و توانکری را پیش از درویشی
و زندکی را پیش از مردن یا علی مکروه است نزد خدا تعالی از امت
من کار عبث کردن در نماز و منت نهادن در صدقه و جنب بمسجد
رفتن و خنده کردن در کورستان و برآمدن بر بام خانها بجهت
نکاه کردن در سراهای مردم و نظر کردن در فرج زنان بجهت
انکه کوری می آورد فرزند او و سخن کردن در وقت جماع بجهت
انکه فرزند کنک می شود و خواب کردن در میان نماز شام
و خفتن بجهت انکه محروم می سازد کسی را از روزی و غسل
کردن بی لنک در جائی که حائلی نباشد میان او و آسمان و در
آمدن در جویهای بی لنک در آب بجهت انکه در آب فرشتها
باشند و رفتن بحمام بی لنک و سخن کردن میان اذان و اقامت

در نماز صبح و در کشتی نشستن در وقت طوفان و آشوب دریا و
خواب کردن در بامی که محجر نداشته باشد و گفت حضرت پیغمبر
که آن کسی که خواب کند در بامی که محجر نداشته باشد پس او خود را
در معرض هلاکت انداخته است و دور شده است از حفظ و
امان خدا تعالی و نیز مکروه است نزد حق تعالی از امت من
خواب کردن در خانهٔ تنها و جماع کردن با زن خود در وقت حیض
پس هر که این کار بکند و فرزندی که از و حاصل شود جذام
یا برص داشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز
مکروه است سخن کردن با کسی که جذام داشته باشد مگر آنکه
میان او و آنکس که جذام دارد یک گز فاصله باشد و گفت آن
حضرت که بگریزید از کسی که جذام دارد همچنانکه میگریزی از
شیر و نیز مکروه است جماع کردن با زن خود بعد از احتلام و پیش
از غسل کردن پس اگر چنین کند و فرزندی که حاصل شود دیوانه
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه هست بول کردن
بر کنار جوی آب روان و حدث کردن در زیر درخت که میوه
میدهد و ایستاده نعلین در پا کردن و در آمدن بخانهٔ تاریک
بی چراغ یا علی آفت بزرگی و فضائل مرد و افتخار تکبر است یا علی آن
کسی که از خدا می ترسد همه چیز از وی می ترسند و آن کسی که از
خدا نمی ترسد می ترساند حق او را از همه چیز یا علی نماز هشت کس

قبول نیست

قبول نیست بندهٔ که گریخته باشد از صاحب و زنی که نافرمانی کند
شوهر از و راضی نباشد و با و در غضب باشد و کسی که زکوة ندهد
و کسی که ترک وضو کند و زنی که بالغ شده باشد و سر برهنه
نماز گزارد و پیش نمازی که به پیش نمازی او راضی نباشند و کسی
که مست باشد و کسی که بول و غایط را نگاه دارد و مشغول شود
بنماز گذاردن یا علی چهار چیز است که در هر که باشد بنا کند حق تعالی
برای او خانهٔ در بهشت جاودان رحم کردن بر ضعیف و شفقت
و مهربانی کردن به پدر و مادر و ملائمت کردن بمملوک خود
یا علی آن کسی که بجای آورد چیزی را که حق تعالی بر و واجب
گردانیده است او عابدترین مردمان است و آن کسی که قناعت
کند چیزی را که خدای تعالی باو داده است او توانگرترین مردمانست
و آن کسی که از این سه صفت دور باشد او فاضل ترین مردمانست
نزد حق تعالی یا علی سه چیز است که نمی تواند هیچ یک از امت
من آنرا بجای آورد برداشتن برادر مؤمن را بمال خود یعنی مضایقه
نکردن با برادر مؤمن در مال خود و انصاف دادن نسبت بمردمان
در همه چیز و یاد کردن حق تعالی را در همه حال و یاد کردن
خدا تعالی این نیست که کسی بگوید که سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ
وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ بلکه اینست که هر گاه خواهد که حرامی
کند بکند یاد خدا تعالی و بترسد از خدا تعالی و ترک کند آنرا یا علی

سه کسند که اگر از روی با ایشان سلوک کنی بتو ظلم می کنند ناکس و
زوجهٔ تو و خدمتکار تو و سه کسند که انصاف از سه کس آزاد از
بنده و عالم از جاهل و قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که در
هر که باشد ایمان او کامل است و درهای بهشت از برای او
می شود وضوی کامل ساختن و نیکو گذاردن نماز و ادا کردن
زکوة مال و فرو خوردن خشم و نگاه داشتن زبان و استغفار
کردن از گناه و نصیحت کردن اهل بیت خود را یا علی لعنت کرده
است سه کس را کسی را که پنهان بخورد توشهٔ راه را و کسی را
که تنها برود به بیابان و کسی که تنها خواب کند در خانه یا علی سه
چیز است که بیم آن هست که سبب دیوانگی شود غایط کردن میان
گورستان و راه رفتن باین طریق که یکپا موزه داشته باشد
و یکپا برهنه و تنها خواب کردن در خانه یا علی سه چیز است که
نیکوست دروغ گفتن در آنها کید کردن با دشمن در جنگ و وعده
کردن با زوجهٔ خود و اصلاح کردن در میان مردمان و سه
چیز است که می میراند دل را نشستن با مردم ناکس و نشستن با توانگران
و سخن کردن با زنان یا علی سه چیز حقیقت ایمان است سه
نفقه کردن در حالت درویشی و تنگی و انصاف دادن نسبت
بمردمان و تعلیم کردن علم بکسی که طلب علم کند یا علی سه چیز است
که در هر که نباشد ناقص است عمل او و پرهیزکاری که او را منع کرد

از گناه کردن و خلقی که مدارا کند از مردمان و حلمی که تحمل کند
از جاهلان یا علی سه چیز است که سبب فرح مؤمن میشود در
دنیا ملاقات کردن برادران مؤمن و روزه گشودن و نماز
تهجد گذاردن در آخر شب یا علی منع می کنم ترا از سه خصلت
حسد و حرص و تکبر یا علی چهار خصلت است که نشانهٔ شقاوت
است نیامدن اشک از چشم وقتی که خواهد بگرید و سخت دل بودن
و طول امل و دوست داشتن زندگانی بسیار را یا علی سه چیز است
که موجب رفع درجاتست در آخرت و سه چیز است که موجب
کفارت گناهان است در آخرت اما آن سه چیز که رفع در
جاتست وضوی کامل ساختن است در سرمای سخت و انتظار
نماز کشیدنست بعد از نماز و شب و روز رفتن بنماز جماعت
و اما آن سه چیز که موجب کفارت گناهانست سلام کردنست
همه کس را و طعام دادنست و نماز تهجد گذاردنست وقتی که
مردمان در خواب باشند و اما آن سه چیز که موجب هلاکت
فرمان برداری نفس است در بخل و پی روی کردن آرزوی
نفس است و تکبر کردنست و اما آن سه چیز که موجب نجاتست
ترس خدا تعالی است در نهان و آشکارا و صرف مال است با اعتدال
در وقت درویشی و سخن راست گفتن در حال خشنودی و
غضب یا علی شیر دادن جائز نیست بعد از آنکه فرزند دو ساله شده

باشد ویتیم نیست بعد از آنکه بالغ شده باشد یا علی اگر دو ساله راه
باید رفت بجهت نیکوئی کردن پدر و مادر برو و اگر یکساله راه
باید رفت بجهت صلهٔ رحم با خویشان برو و اگر ثلث فرسخ باید
رفت بجهت ملاقات برادر مؤمن برو و اگر دو فرسخ باید رفت
بجهت یاری دادن مظلوم برو و بر تو باد که همیشه استغفار کنی
یا علی مومن را سه علامتست نماز گزاردن و زکوة دادن و روزه
داشتن و کسی که بتکلیف خود را بر چیزی بیارد و سه علامتست تملق
کردن بکسی وقتی که حاضر باشد نزد آنکس و غیبت کردن وقتی که غایب
باشد و شادی کردن بمصیبت کسی و ظالم را سه علامت است غلبه
کردن بر کسی که زبونست و نافرمانی کردن نسبت بکسی که مرتبهٔ
آنکس زیاده باشد و یاری کردن ظالمانرا و اهل ریا را سه
علامتست نشاط داشتن و خوشحالی کردن در عبادت وقتی که
نزد مردمان باشد و کاهل بودن در عبادت وقتی که تنها باشد
و دوست داشتن که مردمان ستایش کنند او را در جمیع کارها
و منافق را سه علامت است دروغ گفتن وقتی که سخن کند و خلاف
وعده کردن وقتی که وعده کند و خیانت کردن وقتی که بامانت
باو سپرند یا علی نه چیز است که فراموشی می آورد خوردن سیب
ترش و خوردن کشنیز و خوردن پنیر و خوردن پس ماندهٔ موش
و خواندن آنچه در آن می نویسند و راه رفتن میان دو زن و انداختن

شش

شش و حجامت کردن در مغاک پس سر و بول کردن در آب ایستاده
یا علی عیش در سه چیز است سرای گشاده و زن خوش شکل و اسب
باریک میان یا علی بحق خدای که آن کسی که تواضع و فروتنی کند اگر
در نه چاهی باشد حق تعالی او را بیرون آورد و مرتبهٔ او را بلند
دیگر داند از بزرگان نزد سلاطین یا علی آن کسی که نسبت دهد خود را
بغیر پدران خود لعنت کند خدا تعالی او را و آنکسی که مزد مزدور ندهد
لعنت کند خدا تعالی او را و آن کسی که بدعت احداث کند یا جا دهد
اهل بدعت را لعنت کند خدای تعالی او را کسی گفت یا رسول الله
بدعت کدام است آن حضرت گفت که خون ناحق کردن یا علی مؤمن
کسی است که ایمن باشند مسلمانان از وی در مال و خون خود و مسلمان
کسی است که بسلامت باشند مسلمانان از دست و زبان او و مهاجر
کسی است که ترک گناه کرده باشد یا علی محکم ترین ایمانها ایمان کسی است
که دوستی و دشمنی او برای خدا باشد یا علی هر که فرمان برداری زن
خود کند حق تعالی او را در روی اندازد و در دوزخ و گفت حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که یا رسول الله فرمان برداری زن
کدام است آن حضرت فرمود که فرمان برداری زن آنست که اذن
دهد او را برفتن حمام و عروسی و تعزیت و پوشیدن جامهای تنک
خوب یا علی حق تعالی برده است بسبب اسلام نخوت و تکبر و جاهلیت
و تفاخر بآبا و تفاخر کردن را به پدران بدرستی که مردمان همه فرزند

آدم اند و آدم از خاکست و کرامی ترین مردمان نزد حق تعالی کسی است
که تقوی و پرهیزکاری او بیشتر باشد یا علی حرام است بهای هر
حیوانی که مرده باشد و بهای سگ و بهای شراب و آن چیزی که
زن زناکننده می ستاند بجهت زنائی که با وی کنند و آنچه می گیرد
منجم و رمال بجهت علمی که میکنند یا علی آنکسی که علمی بجهت جدل
کردن بسفیهان یا عالمان یا بجهت آنکه مردمان باو میل کنند پس
او از اهل دوزخ است یا علی وقتی که بندهٔ بمیرد مردمان میگویند
که چه از و مانده است و فرشتهای گویند که پیش از مردن چه
عمل کرده است یا علی دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است
یا علی مردن تحفهٔ راحت مؤمن است و حسرت کافر یا وحی کرده
حق تعالی که خدمت کن کسی را که خدمت من کند و در مشقت
انداز کسی را که خدمت تو کند یا علی اگر دنیا برابر پشهٔ قدر می داشت
نزد خدای تعالی شربت آبی از دنیا بکافران نمی داد یا علی نیست
کسی از خلق اولین و آخرین مگر آنکه آرزو خواهد کرد در روز
قیامت و خواهد گفت کاشکی نمیداشتم از مال دنیا مگر قوتی یا علی
بدترین مردمان آنکس است که راضی نباشد بقضای حق تعالی
یا علی ناله مؤمن که بیمار باشد تسبیح است و فریاد او تهلیل و خواب
کردن او بر فراش عبادتست و گردیدن او پهلو به پهلو جهادست
در راه خدا و اگر صحت یابد از بیماری همه گناهان او برود و پاک شود

ازگناه

از گناه یا علی اگر بهدیه پیش آرند برای من پاچهٔ گوسفندی قبول میکنم و اگر
بطلبند مرا طعامی که سردست گوسفندی باشد قبول میکنم یا علی نیست
بر زنان نماز جمعه و نماز جماعت و بانگ نماز و قامت و عیادت
بیمار و در عقب جنازه رفتن و تند رفتن میان صفا و مروه و دست
بر گرفتن حجر الاسود سر تراشیدن در حج و قاضی شدن و مشورت
کردن با ایشان و ذبح کردن حیوانات مگر بضرورت و بلند گفتن
لبیک اللهم لبیک در حج و رفتن بزیارت قبور و شنیدن
خطبه و وکیل شدن در نکاح و بیرون رفتن از خانهٔ شوهر بی
اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر لعنت کند او را حق تعالی
و جبرئیل و میکائیل و چیزی دادن بکسی از خانهٔ شوهر بی رخصت
او و شب گذرانیدن در حالی که شوهر باو در غضب باشد و اگر چه
آن شوهر باو ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس وی
و حیا است و زینت او وفا است و مروت او عمل صالح است
و ستون او پرهیزکاریست و هر چیز را اساس و بنیادیست
اساس اسلام دوستی اهل البیت یا علی کج خلقی شوم است و فرمان
برداری زن موجب ندامت و پشیمانیست یا علی اگر شومی در چیزی
می بود در زبان زنان می بود یا علی نجات یافته اند کسانی که گناه
ایشان بسیار است و علایق و اسباب دنیوی ایشان بسیار است
یا علی آنکسی که دروغ به بندد بر من عمداً جای او در دوزخ خواهد بود

یا علی سه چیز است که زیاده می کند حافظه را و می برد بلغم را شیر
خوردن و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت
است و پاک میکند دهن را و روشن می کند چشم را و خشنود می کند
پروردکار را و سفید می کند دندانرا و می برد بوی دهن را و محکم
می کند گوشت بیخ دندانرا و اشتهای می آورد و می برد بلغم را و زیاده
میکند حفظ را و مضاعف میکند حسنات را و خوشحال می سازد
فرشتها را یا علی خواب کردن بر چهار نوع است بر پشت خوابیدن
و این طریق خواب کردن مؤمنانست و بر جانب چپ خوابیدن
و این طریق خواب کردن مؤمنانست و بر جانب چپ خوابیدن
و این طریق خواب کردن کافران و منافقان است و بر رو خوابیدن
و این طریق خواب کردن شیطانست یا علی حق تعالی هر پیغمبری که
فرستاد کردانید ذریت و فرزندان او را از پشت او و کردانید
ذریت مرا از پشت تو و اگر تو نمی بودی مرا ذریت نمی بود یا علی
چهار چیز است که از جمله و چیزهائیست که می شکند پشت آدمی را
و فرمان برداری پادشاهی که نافرمانی حق تعالی کند و خیانت کردن
که شوهر محافظت و رعایت احوال او کند و درویشی و فقیری
که هیچ علاج نداشته باشد و بدی همسایه در جائی که لازم باشد
بودن در انجا یا علی عبد المطلب پیش از زمان اسلام پنج سنت
نهاده است که جاری کردانید حق تعالی آن سنتها را در اسلام یکی آنکه

حرام کردانید زن پدر را بر پسر پس فرستاد حق تعالی این آیه را
ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء یعنی نکاح میکنید و بزنی مخواهید
زنانی را که نکاح کرده اند پدران شما دوم آنکه گنجی یافت و خمس
بیرون کرد از ان گنج و داد بمستحق پس حقتعالی فرستاد این آیه را
که واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه وللرسول ولذی
القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله
وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان والله علی کل شیء
قدیر یعنی بدانید ای مؤمنان که هر غنیمتی که گرفتید از کافران پس
بدرستی که مر خدا نراست پنج یک آن و مر رسول را و مر خویشان
رسول را از اهل اسلام و یتیمان مسلمانانرا که فقیر باشند و درویشانرا
از اهل اسلام و مسافران مسلمانانرا پس خمس بدهید شما ایمان آورید
بخدا تعالی و آنچه فرستاده ایم بر بندهٔ خود که محمد است از آیات
در روز جدا شدن حق از باطل که آن روز بدر بود روزی که
ملاقات کردند مسلمانان با کافران بجهت جنگ و خدای بر همیشه
قادر و توانا است سیم آنکه چون کند چاه زمزم را آن چاه را سقایت
الحاج نام کرد پس حق تعالی فرستاد این آیه را که اجعلتم سقایة
الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر و
جاهدوا فی سبیل الله لا یستوون عند الله والله لا یهدی
القوم الظالمین یعنی آیا میدادید آنهائی را که آب دادند حاجیانرا

وعمارت کردند مسجد حرام را که همچو آن کسان که ایمان آورده اند
بخدا وجهاد کرده اند در راه خدا برابر نیستند این دو قوم نزد خدا تعالی
وخدا راه نمی نماید گروه کافران وظالمان را چهارم آنکه در طواف
عددی معین نبود در میان قریش عبد المطلب برای ایشان هفت
عدد تعین کرد پس خدا تعالی جاری کرد این دین را در اسلام
یا علی عبد المطلب قمار نباخت وبت نپرستید ونخورد آن
چیزی را که ذبح کردند کافران بنام بتان خود وگفت که من بر دین
پدر خود ابراهیم علیه السلام یا علی بهترین مردمان از روی ایمان
وبزرگترین ایشان از روی یقین آن قومند که در آخر زمان
ایمان آورده باشند با وجود که بشرف ملازمت پیغمبر نرسیده اند
وصاحب الزمان غایب باشد یا علی سه چیز است که سیاه می
سازد دل را شنیدن ساز وصید کردن بطریق لهو ورفتن بدر
خانه سلاطین یا علی نماز مگذار در پوست شیر وحیوانی که گوشت
او را نتوان خورد ونماز مگذار در ذات الجیش وذات الصلاصل
وضجنان ذات الجیش موضعی است میان مکه ومدینه وذات
الصلاصل نام موضعی است در راه مکه وضجنان نیز نام موضعی
است در راه مکه یا علی حلالست از تخم مرغها انچه یک طرف او
باریکتر باشد از طرف دیگر وحلالست ماهی انچه فلوس دارد
وحلالست مرغها انچه در وقت پریدن خود بالهای برهم می زنند

وحلال نیست انچه در وقت پریدن بالهای خود را برهم نزنند
وحلالست از مرغهای که در آب می باشند انچه سنگدان
یا خار دارد یا علی هر درنده که دندان نیش دارد وهر مرغی که
چنگال درنده دارد حرامست یا علی دست بریدن نیست
جهت دزدی خرما از درخت وجهت دزدی پیه درخت خرما
یا علی نیست بر مرد زناکننده کابین آن زن وحد نیست بر کسی
که بکتابت طلب زنا کند از زنی وشفاعت نیست در حد زنا
وسوگند نیست در قطع رحم وسوگند نیست پدر را با فرزند
خود وفرزند را با پدر خود وزن را با شوهر خود وبنده را با مالک
وصوم صمت حرامست وصوم صمت آنست که کسی نیت کند که
روزه بدارد وخاموش باشد وسخن نکند وصوم وصال حرامست
وصوم وصال آنست که دو روزه روزه دارد پی در پی وشب
افطار نکند وآنهای که هجرت کردند از مکه بمدینه جایز نیست
ایشانرا که بمواضع خود که در صحرا داشته باشند بروند وطن سازند
یا علی نمی باید کشت پدر را بجهت آنکه پدر خود را کشته باشد
یا علی قبول نمی کند حق تعالی دعای کسی را که دل او غافل باشد
یا علی خواب کردن عالم فاضل تر است از عبادت عابد جاهل یا علی
دو رکعت نمازی که عالم بگذارد فاضل تر است از هزار رکعت نمازی
که عابد جاهل بگذارد یا علی درست نیست که زن روزه سنت بدارد

بی اذن شوهر خود و درست نیست که بندهٔ روزهٔ سنت بگیرد بی اذن
مولای خود و همچنین درست نیست که مهمان روزهٔ سنت بگیرد بی
اذن صاحب منزل یا علی روزه داشتن در روز عید رمضان
وعید قربان حرامست و روزهٔ وصال حرامست و روزهٔ صمت
حرامست و روزهٔ نذر معصیت حرامست و نذر معصیت آنست
که نذر کند که اگر بر فلان معصیت قدرت بیابد یک روز یا زیاده
روزه بدارد و همیشه روزه داشتن حرام است یا علی در پیش
شش خصلت در دنیاست و سه خصلت در آخرت اما آن سه خصلت
که در دنیا است آنست که می برد صفا و زیبائی را و کوتاه می سازد
عمر را و قطع می کند روزی را و اما آن سه خصلت که در آخرت
بدی حسابست و غضب حق تعالی همیشه در دوزخ بودن یا علی
گناه سود خوردن برابر گناه هفتاد عمل بد است که کمترین آنها آنست
که با مادر خود در خانهٔ کعبه زنا کند یا علی یک درم سود زر گناه او
زیاده است نزد حق تعالی از هفتاد زنا که کرده باشد در خانهٔ
کعبه بزنی که محرم او باشد یا علی آن کسی که نگاه دارد نیم دانگ از
زکوة مال خود و ندهد آنرا بمستحق او مؤمن و مسلمان نیست و او را
کرامتی نزد حق تعالی نیست یا علی آن کسی که زکوة ندهد طلب کند از
حق تعالی وقت مردن از روی حسرت که بازگرداند او را بدنیا تا آنکه
زکوة بدهد و مؤید اینست آیه که حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب

ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها
ومن ورائهم برزخ الی یوم یبعثون یعنی تا وقتی که بیاید یکی از
ایشان را مرگ و بگیرد اهل خود دانا گردد و مرگ را معائنه ببیند و آنرا
عذاب مشاهده کند بگوید از روی حسرت که ای پروردگار من
بازگردان مرا بدنیا شاید که عملی صالح بکنم در آن چیزی که ترک کرده ام
حاشا که او را بازگردانند بدرستی که درخواست سخنی است که بجهت
غلبهٔ حسرت بر وی گوید و از پیش مردگان چیزی هست که مانعست
از بازگشتن ایشان که آن قبرست و در آنجا خواهند بود تا روز
حشر یا علی کسی که حج نکند و قدرت داشته باشد کافر است زیرا که
حق تعالی فرموده است که ولله علی الناس حج البیت من استطاع
الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین یعنی مر خدا تعالی راست
بر مردمان قصد خانهٔ کعبه هر که توانائی دارد که برود و هر که قبول
نکند واجب بودن حج را پس بدرستی که حق تعالی بی نیازست از همه
عالمیان یا علی آن کسی که تأخیر کند در حج کردن و قدرت داشته
باشد و حج نکند و بمیرد حق تعالی برانگیزد او را در روز قیامت
یهودی یا نصرانی یا علی صدقه رد می کند بلائی را که مقدر شده
باشد یا علی صلهٔ رحم زیاده می کند عمر را یا علی در وقت طعام
خوردن افتتاح کن بنمک و ختم کن بنمک بدرستی که شفا است
از هفتاد و دو درد یا علی در قیامت وقتی که در مقام محمود بایستم

شفاعت خواهم کرد پدر و مادر و عم خود را اگر گناهی کرده باشند
و شفاعت خواهم کرد برادران خود را که در زمان جاهلیت بوده اند
یا علی من فرزند دو کسم که ایشانرا می خواستند که قربان کنند و آن
دو کس یکی اسمعیل است و دیگری عبد الله که پدران آن حضرت
بود و من آن کسم که دعاء پدر من ابراهیم در حق من مستجاب شد
یا علی عقل چیزیست که کسی بسبب او به بهشت میرود و بسبب
او کاری میکند که موجب خشنودی حق تعالی میشود یا علی
اول چیزی که خدا یتعالی آفرید عقل است چون حق تعالی
عقل را آفرید گفت بعقل که روی باینجانب کن عقل پشت باین
جانب کرد پس گفت عقل که بعزت و جلال من که نیافریدم
چیزی که دوست تر باشد نزد من از تو بسبب تو قبول میکنم
طاعت را و بسبب تو می بخشم چیزها را و بسبب تو ثواب میدهم
و بسبب تو عقاب میکنم یا علی صدقه بدیگری نمی باید داد وقتی
که خویشان کسی محتاج باشند یا علی یک درهم که صرف شود در رنگ
کردن محاسن ثواب او بیشتر است از هزار درهم که در راه خدا تعالی
صرف شود و در رنگ کردن چهارده خصلتست می برد باد را از
گوش و روشن می کند چشم را و نرم و ملائم می کند دماغ را و
خوشبو می کند دهن را و محکم می کند بیخ دندانرا و می برد بوی
بغل را و کم می کند وسوسه شیطانرا و خوشحال می کند فرشتها را و

و شادی می شوند بسبب رنگ کردن مؤمنان و خشمناک می شوند
کافران و زینت است و بوی خوش است و شرم می کند منکر و نکیر
و خلاص می کند از عذاب قبر یا علی چیزی نیست در سخنی که بآن
عمل نکنند و چیزی نیست در صورت نیکو بی صفات نیکو و خیری
نیست در دوست بی وفا و خیری نیست در بازار ایستادن از حرام
بی پرهیزکاری و خیری نیست در صدقه بی نیت و خیری نیست
در زندگانی بی صحت و خیری نیست در وطن بی امنیت و خوشحالی
یا علی حرامست از گوسفند هفت چیز خوردن و ذکر و جائی که
بول در و جمع میشود و مغز مهرهٔ پشت و غدود و سپرز و زهره
یا علی مضائقه مکن در چهار چیز در خریدن قربانی و کفن و بنده
و کرایهٔ راه مکه یا علی آیا خبر دهم بتو که مشابهت بیشتر دارد بمن
در صفات امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت بلی یا رسول الله
آنکسی که حسن خلق و حلم او بیشتر باشد و نیکوئی بیشتر کند بخویشان
خود و انصاف او بیشتر باشد یا علی وقتی که کسی از امت من در
کشتی نشسته باشد ایمن می شود از غرق شدن چون بخواند
این آیتها را که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَمَا قَدَرُوا
حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ
مَطْوِیّٰتٌ بِیَمِیْنِهٖ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ بِسْمِ اللهِ
مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ یا علی ایمن می شوند

الله

ازانده وقتی که بخوانند این آیتها را که قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا یا علی ایمن می شوند امت من از آنکه
دیوار یا خانه بر سر ایشان بیفتد وقتی که بخوانند این آیه را که ان
الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا علی ایمن میشوند
از غم وقتی که بگویند این کلمات را که ولا حول ولا قوة الا بالله
لا ملجا ولا منجا من الله الا الیه یا علی ایمن می شوند امت من
از سوختن وقتی که بخوانند این آیتها را که ان ولی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق
قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل
الکتاب الذی جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه
قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم
ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم یلعبون یا علی آن کسی که بترسد
از دزدها باید که بخوانند این دو آیه را که ولقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین
رءوف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه

توکلت

توکلت وهو رب العرش العظیم یا علی آن کسی که سرکشی کند
چهارپای او باید که بخوانند در گوش چهارپا این آیه را که وله اسلم
من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون
یا علی آن کسی که در شکم او زرداب باشد باید که بنویسند بر شکم
او آیة الکرسی را و نیز بنویسند آیة الکرسی را بر ظرف و بشویند
و بیاشامد بدرستی که صحت می یابد باذن الله تعالی یا علی آن
کسی که از ساحران یا از شیاطین بترسد باید که بخواند این آیتها را
که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب
المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین یا علی
حق فرزند بر پدر آنست که پدر را بنام نخواند و وقتی که باهم
هم راه روند در پیش پدر نرود و وقتی نشستن پشت به
پدر نکند و باید که با پدر بحمام نرود یا علی سه چیز است از وسوسه
گل خوردن و ناخن بدندان چیدن و محاسن را بدهن گرفتن
یا علی لعنت کرده است حق تعالی پدر و مادری را که باعث نافرمانی
فرزند شوند نسبت بخود یا علی لازم می شود پدر و مادر را از فرمانی

کردن بفرزند خود انچه لازم می شود فرزند را از نافرمانی کردن
بر پدر و مادر خود یا علی رحمت کناد حق تعالی پدر و مادر را
که باعث شوند فرزند خود را بنیکوئی کردن بایشان یا علی آن
کسی که اندوهگین سازد پدر و مادر را ببدرستی که نافرمانی
کرده است بایشان یا علی آن کسی که عیب کنند نزد او برادر مسلمان را
و او قدرت داشته باشد که منع کند و منع نکند فرو گذارد
حق تعالی او را در دنیا و آخرت یا علی آن کسی که نفقه دهد یتیم را
از مال خود تا وقتی که بالغ شود واجب شود او را بهشت البته
یا علی آن کسی که دست بر سر یتیمی مالد از روی ترحم و شفقت
بدهد حق تعالی باو بعدد هر موئی که در سری یتیم است نوری
در روز قیامت یا علی هیچ درویشی سخت تر از جهل نیست و هیچ
مال نفقه دهنده تر از عقل نیست و هیچ تنهائی بر وحشت تر از
عجب و تکبر نیست و هیچ عقلی مانند تدبیر نیست و هیچ پرهیز
کاری بهتر از باز ایستادن از حرام نیست یا علی آفت سخن دروغ
گفتن است و آفت علم فراموشی است و آفت عبادت فتور است
و آفت جمال تکبر است و آفت حلم حسد است یا علی چهار چیز است
که ضایع می کند مال و ملک را و درویش میسازد کسی را چیزی
خوردن در حالت سیری و چراغ روشن کردن در روشنائی
و زراعت کردن در زمین سوره و چیزی آموختن از کسی که آن

کسی که فراموش کند صلوات فرستادن را بر من گم کرد راه بهشت را
یا علی به پرهیز از سبک بجا کردن در نماز و مکث نکردن در
سجده مگر بقدر نهادن کلاغ منقار خود را بر زمین بجهت برداشتن
چیزی و به پرهیز از صید شیر یا علی در آوردن دستها تا مرفق
در دهن اژدها آسان تر است نزد من از چیزی طلبیدن از
مخلوق یا علی نافرمان ترین مردمان نزد حق تعالی آن کسی است
که بکشد کسی را که خون او نیست و بزند کسی را که نزد او است
او را و آنکسی که دوست دارد غیر خدا تعالی و رسول و ائمه
و مؤمنان را پس کافر شده است بآن چیز که فرستاده است
حق تعالی یا علی انگشتری در دست راست کن بدرستی که فضیلت
مقربان و نزدیکان درگاه خدا در نیست و گفت حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام که یا رسول الله انگشتری از چه چیز بسازم
آن حضرت فرمود که از عقیق سرخ بساز بدرستی که عقیق سرخ
حاصل شده است از کوهی که اول اقرار کرده است بواحدانیت
حق تعالی و به پیغمبری من و بوصی تو و بامامت فرزندان
تو و به بهشت رفتن شیعیان تو و بدوزخ رفتن دشمنان
تو یا علی حق تعالی نظر کرد بدنیا پس برگزید مرا از دنیا و تفضیل
داد بر مردان عالم باز نظر کرد بدنیا پس برگزیدیم ترا از دنیا
و تفضیل کرد بر مردان عالم باز نظر کرد بدنیا و برگزید فاطمه را

از دنیا و تفضیل کرد بر زنان و مردان عالم یا علی دیدم نام ترا با نام
خود در چند موضع پس انس کرفتم بتو بجهت این یکی آنکه چون
رسیدم به بیت المقدس در شب معراج دیدم که بر سنکی نوشته
بود که لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره ونصرته
بوزیره یعنی تقویت کردم و یاری دادم محمد را بوزیر او پرسیدم
از جبرئیل ع که کیست وزیر من کفت که علی بن ابی طالب علیه السلام
و دیکر چون کذشتم بسدرة المنتهی و رسیدم بعرش نوشته یافتم
بر ستونهای عرش که انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی
ایدته بوزیره ونصرته بوزیره یا علی طلب کردم از حق تعالی
که چند خصلت بتو دهد پس قبول کرد حق تعالی آنرا یکی آنکه
اول کسی که از قبر بیرون آید با من تو باشی دیکر آنکه اول کسی
که بر پل صراط بایستد با من تو باشی و دیکر اول کسی که ساکن شود
با من در علیین تو باشی و علیین جائیست بر آسمان هفتم در زیر
عرش و دیکر آنکه اول کسی که بیاشامد از شراب بهشت با من
تو باشی بعد از آن کفت حضرت پیغمبر که بسلمان فارسی که رحمة الله
علیه که ای سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدا تعالی
میکنی و دعای تو مستجاب میشود و کناهان تو تمام آمرزیده
می شود تمتع و برخورداری دهاد ترا حق تعالی بعافیت تا وقت
رسیدن اجل بعد از آن کفت آن حضرت باب ذر که ای اباذر به

برهیز

پرهیز از طلب کردن از مخلوق بدرستی که طلب کردن موجب خواری
و درویشی و احتیاج می شود در دنیا و موجب طول حساب است در
آخرت یا اباذر زندکانی خواهی کرد تنها و خواهی مرد تنها و خواهی رفت
به بهشت تنها و نیک بخت خواهند شد بجهت تو قومی از اهل عراق
که قیام نمایند بغسل دادن تو و به تجهیز و تکفین و دفن کردن تو
یا اباذر چیزی از کسی طلب مکن و اکر چیزی بتو دهند قبول کن
بعد از آن کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که آیا خبر
دهم بشما که کیست بدترین شما کفتند بلی یا رسول الله آن حضرت
کفت که بدترین شما آن کسانند که سخن چینی کنند و جدائی اندازند
میان دوستان و عیب مردمان کنند

در پند دادن حضرت رسالت پناهی ابن مسعود را رضی الله عنه
کفت عبدالله بن مسعود که روزی رفتم با پنج کس از اصحاب بخدمت
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و ما بسیار کرسنه بودیم و مدت
چهار ماه بغیر از آب و شیر و برک درخت چیزی دیکر نخورده بودیم
کفتیم یا رسول الله تا کی ما چنین کرسنه خواهیم بود آن حضرت کفت
همیشه چنین کرسنه خواهید بود مادام که زندکانی کنید پس شکر
کنید حق تعالی را بدرستی که من خوانده ام کتابی را که حق تعالی
فرستاده است بر من و کتابهائی را که فرستاده است بر پیغمبرانی
که پیش از من بوده اند پس یافتم در این کتابها کسی را که به بهشت

رود و دیگر آن کسانی را که صابر باشند یا ابن مسعود حق تعالی فرموده
است که إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز
این نیست که داده می شود مرد صبر کننده کان بیشمار یعنی آن مقدار
مزد میدهند بایشان که بحساب و شمار در نمی آید و نیز گفته است
که أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه صابران
جزای ایشان بهشت است بجهت آنکه صبر کردند بر مشقت و نیز
گفته است که إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ
بدرستی که من جزا میدهم ایشانرا امروز برانچه صبر کردند برایذا
بدرستی که ایشان رسانید کانند بمراد و نیز گفته است که وَجَزَاهُمْ
بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا یعنی جزا دهد خدا تعالی ایشانرا
بسبب آنکه صبر کردند بوستانی که میوهٔ آنرا بخورند و جامهٔ ابریشم
بهشت که بپوشند و نیز گفته است که أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ
مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا یعنی آن گروه که ایمان آورده بودند بکتاب
خدا تعالی که پیش از قرآن نازل شده بود ایمان آوردند بقرآن
جزا داده می شوند دوبار بسبب آنکه صبر کردند و ثابت بودند بر
ایمان خود و نیز گفته است که أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا
يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَ
الضَّرَّاءُ یعنی آیا می پندارید ای مهاجران که شما به بهشت میروید
و حال آنکه نرسیده بشما مانند محنت آنهائی که پیش از شما بودند

یعنی

یعنی پیغمبران و صدیقان و متابعان شما و رسیده است بایشان
سختی و درویشی و بیماری و گرسنگی و نیز گفته است که وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ
بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ
وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ یعنی هر آینه می آزمائیم شما را بچیزی اندک از
بیم دشمن و گرسنگی بقحط و نقصان بعضی از مالها که بتاراج حا
رود و نقصان در نفسها به بیماری و ضعف و پیری و نقصان
میوه‌ها بآفات سماوی و ارضی یا مرگ فرزندان که ثمرهٔ باغ دل‌اند
و بشارت صبر کنندگانرا و باز ایستاده اند از معصیت و کسب
کرده اند از وجه حلال و باعتدال نفقه کرده اند در وقت
توانگری و درویشی و بخشش کرده اند پس این جماعت رستگار شده
اند و حاجت ایشان برآورده شده است یا ابن مسعود صابران
آن کسانند که دائم با خشوع و وقار و سکینه و فکر باشند و ملازمت
و عمل نمایند با مردم و تعلیم گیرند از مردمان و بنظر عبرت متوجه
شوند بچیزها و تدبیر کنند در امور و پرهیزکاری نمایند
و احسان و نکوئی کنند و خود را دور دارند از گناه و دوستی
و دشمنی ایشان برای خدا باشد و ادای امانت کنند و عدل
نمایند در حکومت و اقامت شهادت کنند و یاری نمایند
اهل حق را و عفو کنند از کسی که بر ایشان ظلم کرده است یا ابن
مسعود صابران آن کسانند که وقتی که مبتلا شوند ببلائی صبر کنند

دنات

و وقتی که نعمتی بایشان برسد شکر کنند و در حکم کردن عدل
و راستی نمایند و هرگاه سخنی کنند راست بگویند و وقتی که عهدی
کنند بآن عهد وفا نمایند و هرگاه گناهی از ایشان در وجود آید
استغفار کنند و هرگاه نیکوئی کنند خوشحال شوند و چون نادانان
بایشان سخن بی ادبانه بگویند ایشان سخن سخت نگویند و ملایمت
کنند و چون برکنند بچیزی ناپسندیده تحمل کنند و صابران آن
کسانند که شب بروز می آرند برای پروردگار خود بسجده کنند
و برپای ایستاده یعنی مشغولی مینمایند بنماز و می گویند بمردمان
سخن نیکو یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاد مرا بحق که این جماعت
که مذکور شد صابرانند یا ابن مسعود آیا کسی که گشاده است حق تعالی
سینهٔ او را برای قبول اسلام و انقیاد ملت و متابعت سید انام
علیه الصلوة والسلام چون کسی است که سینهٔ او قبول حق نکند
پس آن گشاده سینه بر روشنی معرفت است از پروردگار خود بدانکه
که نور ایمان هرگاه در دل در آید گشاده می شود دل و وسعت پیدا
می کند کسی گفت یا رسول الله آیا این کس را علامتی هست آن حضرت
فرمود که بلی علامت او اینست که میل نکند بدنیا که سرای غرور است
و میل کند بآخرت که سرای خلود است و مهیا باشد برای مردن پیش
از رسیدن اجل پس آن کسی که دوری جوید کم شود آرزوی او
و بگذارد دنیا را و آخرت را بیازماید شما را او ظاهر شود کدام

از شما نیکوترند از روی عمل یعنی کدام از شما زاهدتر و بینتر است
در دنیا بدرستی که دنیا سرای غرور است و سرای کسی است که او را
سرای نیست یعنی اعتباری ندارد و جمع میکند دنیا را کسی که او را
هیچ عقلی نیست بدرستی که بی عقل ترین مردمان آن کسی است
که طلب دنیا می کند زیرا که حق تعالی فرموده است که اعْلَمُوا
اَنَّمَا الْحَیٰوةُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِیْنَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ
فِی الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ اَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَبَاتُهٗ
ثُمَّ یَهِیْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُوْنُ حُطَامًا وَفِی الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ
شَدِیْدٌ یعنی بدانید ای طالبان دنیا که زندگانی دنیا بازیچه و بیهوده
است و رنج کشیدن در طلب متاع دنیا چون لعب طفلان است
در بازیها بی حاصل و مفاخرتست میان یکدیگر بنسبت با جاه و مباهات
به بسیاری مال و فرزندان پس مثل اینها در سرعت زوال و انتقال
همچو بارانیست که بر زمین تشنه ببارد و تخمها که در روست زود
بروید و سبز شود پس از روی خوشی بشگفت آورد مزارعان را
لیکن رسته باشد از باران پس خشک گردد بیکی از آفات سماوی
یا ارضی پس بینی آن گیاه را زرد شده و بعد از آن درهم شکسته
و ریزه شده در آخرت عذاب سخت مر آنهائی را که همه عمر در طلب
دنیا گذرانیده اند و از حق فراموش کرده اند و نیز گفته است که
وَاٰتَیْنٰهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا یعنی دادیم هیچ زهد در دنیا وقتی که طفل بودید

ونیز گفته است حق تعالی بموسی که ای موسی هیچ زینتی نزد من بهتر از
زهد نیست یا موسی هرگاه درویشی رو بتو آورد بگوی که خوش
آمدی ای شعار صالحان و هرگاه توانگری رو بتو آورد بگو
که گناهی کرده بودم که زود عقوبت آن بمن رسید یا ابن مسعود
حق تعالی فرموده است که وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً
لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا
يَظْهَرُونَ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ وَزُخْرُفًا
وَإِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ یعنی اگر نمی گشتند آدمیان یک گروه بر اختیار دنیا بر آخرت
هر آینه میگردانیدیم برای کسان که ایمان نمی آورند بحق خدا تعالی
مر خانهای ایشانرا سقفها از نقره و نردبانها که آن بر بام خانها
که بر آیند و خود را بنمایند و می ساختیم برای خانهای ایشان نقره
درهای و تختها که بر آن تکیه کنند و با وجود این ایشانرا طلا هم
دادمی و نیست هم آنچه یاد کرده شد مگر برخورداری از زندگانی
دنیا و نعمت آخرت نزد پروردگار تو مر پرهیزگارانرا است
که از دنیا و متاع او اجتناب نموده اند و نیز گفته است که مَنْ
كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
يَصْلٰيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا یعنی آنکسی که خواهد

نعمت

نعمت این جهانرا بدهم در دنیا آنچه خواهیم از نعمتها بآن کسی که
ما خواهیم از طالبان دنیا پس آماده کنیم برای او دوزخ را
در آخرت پس در آید بدوزخ در حالتی که مذموم باشد
و دور باشد از رحمت خدا تعالی و هر که خواهد آخرت را
و سعی کند برای آخرت آنچه حق سعی باشد یعنی اعمال نیکو کند و حال آنکه
او مؤمن باشد پس آن گروه که این صفت داشته که طلب آخرت است
و اعمال نیکو و ایمان سعی ایشان مقبول و پسندیده است نزد خدا تعالی
یا ابن مسعود آنکسی که مشتاق بهشت است شتاب میکند در خیرات
و آنکسی که می ترسد از دوزخ ترک می کند آرزوهای نفس را و آنکسی که
انتظار مرگ می برد ترک می کند لذتها را و آنکسی که زهد و پرهیزگاری
دارد در دنیا آسان می شود برو مصیبتها یا ابن مسعود خدا تعالی
فرموده است که زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَ
الْحَرْثِ ذٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ یعنی
زینت داده شد برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و پسران
و ظرفها بطلا و نقره و اسپهای خوب و دیگر چهار پایان از شتر و گاو
و گوسفند و کشت زار اینها که یاد کرده شد متاع زندگانی دنیاست
و دست خدا تعالی است نیکوئی بازگشت یا ابن مسعود بدرستی
که خدا تعالی اختیار کرد موسی را بسخن گفتن با او در وقتی که می نمود

سبزی کیاه از پوست شکم او از لاغری وطلب نکرد موسی از حق تعالی
وقتی که جا کرده بود در سایه مکر نانی که بخورد بجهت کرسنکی یا ابن
مسعود اکر می خواهی که خبر دهم از حال نوح عَلَیْهِ السَّلَام بدرستی
که زندکانی کرد نهصد و پنجاه سال چون می شد ی کفت بشام نخواهم
رسید و پوشش او از پشم بود و خوردنی او آرد جو بود و اکر می خواهی
شمهٔ از حال داود بکویم بدرستی که او خلیفهٔ خدا بود در روی
زمین ولباس و پوشش او علیه السلام از پشم بود و خوردنی او از آرد جو بود
و اکر می خواهی که خبر دهم بتو از حال سلیمان عَلَیْهِ السَّلَام با وجود
آنکه پادشاه روی زمین بود نان جو می خورد و نان میده بمردم
میداد و پوشش او از پشم بود و هرکاه شب می شد می بست دست
خود را بر کردن خود و نماز میکرد تا صبح و اکر می خواهی خبر دهم بتو
از حال ابراهیم خلیل علیه السلام بدرستی که لباس او از پشم بود
و خوردنی او از نان و اکر می خواهی که بتو خبر دهم از حال عیسی علیه السلام
بدرستی که حال او عجیب تر بود میکفت که نان خورش من کرسنکی است
و شعار من ترس خداست و لباس من از پشم است و چهارپای من
پایهای منست و چراغ من در شب ماه است و بآتش که بآن کرم می شود
در زمستان و میوه و ریحان من کیاه است که از زمین می روید
و جوش و در صباح و شام چیزی نیست و با وجود این نیست
در روی زمین غنی تر از من کسی یا ابن مسعود این ریاضتها که پیغمبران

میکشیدند بجهت آن بود که دشمن میداشتند چیزی را که خدا تعالی
دشمن داشت و حقیر می شمردند چیزی را که خدا تعالی شمرد و میل
نکردند با نچه حق تعالی او را دوست نداشت که آن دنیا است
و حق تعالی ثنا کفته است ایشان را در قرآن پس از برای نوح علیه السلام
کفته است که اِنَّهُ کَانَ عَبْدًا شَکُورًا • بدرستی که نوح بود
بندهٔ که شکر میکفت در همه حال و از برای ابرهیم عَلَیْهِ السَّلَام
بدرستی که نوح بود بندهٔ که شکر میکفت در همه حال و از برای
ابراهیم علیه السلام کفته است که وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلًا •
یعنی کرفت حق تعالی ابراهیم را دوست و از برای داود علیه السلام
کفته است که اِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیْفَةً فِی الْاَرْضِ • یعنی ای داود ما ترا کردانیدیم
خلیفهٔ در زمین و از برای موسی علیه السلام کفته است که وَ
کَلَّمَ اللّٰهُ مُوْسٰی تَکْلِیْمًا • یعنی سخن کفت حق تعالی با موسی
سخن کفتنی بی واسطه و نیز کفته است از برای موسی که وَقَرَّبْنَاهُ
نَجِیًّا یعنی نزدیک کردانیدیم موسی را بدرکاه قرب در حالتی که
راز کوینده بود با ما و از برای یحیی کفته است که وَآتَیْنَاهُ الْحُکْمَ
صَبِیًّا یعنی دادیم ما یحیی را حکمت و فهم توریة در حالتی که کودک
بود و از برای عیسی کفته است که یَا عِیْسَی بْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِیْ
عَلَیْکَ وَعَلٰی وَالِدَتِکَ اِذْ اَیَّدْتُکَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ
فِی الْمَهْدِ وَکَهْلًا وَاِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَالتَّوْرٰیةَ

وَالْاِنْجِيلَ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهِ فَتَكُونُ
طَيْرًا بِاِذْنِي وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِي وَاِذْ تُخْرِجُ
الْمَوْتٰى بِاِذْنِي یعنی ای عیسی بن مریم یاد کن نعمت مرا که دادم بتو
و مادر تو وقتی که تقویت کردم ترا بجبرئیل و تو سخن میکوئی با مردم
از روی فصاحت و بلاغت در گهواره و در پیری و دیگر یاد کن
ای عیسی که چون آموختم ترا و فهم چیزها و معانی توریت و انجیل
و آنرا که می سازی از گل ساخته پس آن صورت می شود مرغ زنده
بفرمان من و از علت بیرون می آوری کور مادرزاد را و چشم
او روشن می کنی و پاک و به می سازی کسی را که برص دارد بامر من
و چون بیرون می آری مردها را از قبر ایشان و زنده می کنی بحکم
من و از برای همه انبیا گفته است که اِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ
فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ
یعنی بدرستی که پیغمبران بودند که می شتافتند در خیرات و می خواندند
ما را از روی رغبت بثواب و از جهت ترس از عقاب و بودند
ما را فرمان بردار یا ابن مسعود این همه ریاضتها که کشیدند
پیغمبران بجهت آن بود که ترسانیده بود حق تعالی ایشانرا باین
قول که وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ
مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ یعنی دوزخ وعده گاه متابعان شیطانست همه
ایشان مر دوزخ را هفت در است و هفت از گمراهان بهر یکیست

قسمت کرده شده و نیز ترسانیده بود ایشانرا باین قول که وَجِايْءَ
بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ یعنی آورده شدند
پیغمبرانرا برای دعوی ابلاغ بر امت و گواهانرا برای صحت دعوی
ایشان و حکم کرده شد میان بندگان بعدل و راستی و ایشان ستم
دیده نشوند بنقصان ثواب و زیادتی عقاب یا ابن مسعود دوزخ
از برای کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت برای کسی است
که ترک زینت و لذتی را که حلال باشد بر تو باد که زهد ورزی و
ترک کنی دنیا را بدرستی که زهد چیزیست که مباهات می کند حق تعالی
بر فرشتها و سبب آن متوجه تو می شود و رحمت می کند بر تو یا ابن
مسعود زود باشد که پیدا شوند بعد از من قومی که می خورده
باشند انواع طعامهای خوب و سوار می شده باشند بر اسبهای
خوب و زینت داده باشند خود را همچنانکه زنان زینت میدهند
خود را برای شوهر و آراسته میکرده باشند خود را همچو زنان
در لباس و صورت ایشان مثل پادشاهان ظالم باشند و ایشان
منافقان این امت اند در آخر زمان شراب می خورده باشند
و قمار می باخته باشند و مرتکب شهوات و آرزوهای نفس
می شده باشند و ترک می کرده باشند نماز جماعت را و خواب میکرده
باشند در وقت نماز خفتن و نماز صبح نمی کرده باشند و حق تعالی
در شان این جماعت گفته است که فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا يعنى پس ايشان فرض بد كه از
بسيارى غفلت ترك كردند نماز را و پى روى كردند آرزوهاى
نفس را از انواع معاصى پس زود باشد كه به بينند جزاى گمراهى يا
ابن مسعود مثل ايشان مثل گياه تلخ است كه سبزى و تازگى او نيكوست
وطعم او بد است سخن ايشان نيكوست و عمل ايشان بد است آيا ايشان
فكر نمى كنند در قرآن يا بر دلهاى ايشان قفلها است يا ابن مسعود
توانگر نيست كسى كه تنعم كند در دنيا و در آخرت در دوزخ باشند
سيدانند نظام حيات دنيا را و غافلند از آخرت بنا مى كنند سراها
و قصرها محكم و زينت ميكنند مسجدها را بطلان نيست ميل ايشان
مگر به دنيا و روى ايشان به دنيا است و اعتماد كرده اند بر دنيا و شكم
خود را مى پرستند و از خدا غافلند و حق تعالى گفته است در شان
ايشان كه وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ
جَبَّارِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ يعنى فرا مى گيريد سراها و كوشكهاى
محكم گويا جاويد خواهيد بود در ان و چون سخت ميگيريد بسختى
در حالتى بى شفقت و نامهربانى پس بترسيد از خدا تعالى و فرمان
بريد و نيز گفته است در شان ايشان كه أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ
إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ
وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
يعنى آيا چون مى بينى آنرا كه فرا گرفت خداى خود را آرزوى خود يعنى

فرمان بردارى آرزوى خود كند همچنانكه فرمان بردارى خداى بايد كرد
و چون مى بينى كه گمراه ساخت حق تعالى او را بجهت دانشى كه خدا تعالى
راست بر عاقبت آنكس و مهر نهاد بر گوش او كه سخن حق نشنود و مهر
نهاد بر دل او كه تعقل آيات حق نكند و نهاد بر چشم و پوشش تا بنظر
عبرت ننگرد پس كيست راه نمايد اين كس را بعد از فرو گذاشتن
خداى تعالى آيا پند نمى گيريد يعنى بايد كه پند بگيريد و متنبه شويد يا
ابن مسعود نيست آنكس مگر منافق كه گردانيده است دين خود را
آرزوى خود و خداى خود را شكم خود يعنى پى روى آرزوى شكم
كند همچنانكه پى روى خدا تعالى و دين مى بايد كرد و هر چيزى كه
آرزو دارد از حلال و حرام باز نمى ايستد از ان و حق تعالى در شان
ايشان فرموده است كه وَفَرِحُوا بِالْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ
يعنى شاد شده اند بحيات دنيا آنچه از متاع دنيا با ايشان داده اند
و نيست زندگانى دنيا در جنب آخرت مگر متاع اندك كه بقا و دوامى
ندارد يا ابن مسعود سخن گفتن ايشان با زنان ايشان خواهد
بود و شرف و بزرگى ايشان بطلا و نقره و همگى همت ايشان مصروف
اين خواهد شد كه شكم خود را پر كنند از طعام اين گروه بدترين اند
فتنه از ايشان خواهد بود و با ايشان باز خواهد گرديد يا ابن مسعود
خدا تعالى فرموده است كه أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُم
مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يعنى آيا دانستى كه اگر بر

خورداری دهیم ایشانرا سالها و زندگانی بخشیم پس بباید بدیشان
آنچه وعده داده شده اند از عذاب تا دفع نکنند از ایشان عذاب را
آنچه بدان برخورداری یافته بودند یعنی تمتع دنیا و نعیم آن دافع
عذاب و مانع عقاب نخواهد بود یا ابن مسعود اسلام در اول غریب
بود یعنی مسلمانان در اول زمان اسلام کم بودند و زود باشد
که غریب شود همچنانکه در اول بود پس خوشا حال آن کسانی که مسلمان
بودند در اول زمان اسلام پس آن کسی که در یابد آخر زمان را
فرزندان شما باید که سلام نکنند آن منافقانرا که در آخر زمان باشند
و حاضر نشود بر جنازهٔ ایشان و عیادت نکنند بیماران ایشانرا
بدرستی که ایشان بظاهر بطریق شما سلوک می کنند و دعوی اسلام
می کنند همچنانکه شما می کنید ایشان مخالف افعال شما خواهد بود
پس ایشان خواهند مرد بغیر ملت اسلام پس ایشان از امت نیستند
و من از ایشان بیزارم یا ابن مسعود باید که نترسد کسی غیر از حق تعالی
بدرستی که حق تعالی فرموده است أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ
وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ یعنی هر کجا باشید در یابد شما را
مرگ اگرچه باشید در حصارهای محکم و نیز گفته است که يَوْمَ يَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ
قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ
بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن

مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ
الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ
مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ یعنی یاد کن آن روز را که مردان
منافقان و زنان منافقه گویند مر آن کسانی را که ایمان آوردند
که نظر کنید بما تا بگیریم از نور شما مؤمنان با ایشان گویند که
باز گردید باز پس خویش یعنی بدنیا روید پس بجوئید نوری
زیرا که محشر کسب نخواهید نمود و از دنیا با خود باید آورد منافقان
فهم این معنی بتصور آنکه نور در عقب ایشانست روی باز
پس کنند پس فرشتها بحکم الهی بزنند میان منافقان دیواری بزرگ
که چون بارهٔ شهری که مر او را دری باشد که مؤمنان بدان
در آیند اندرون آن دیوار که در و رحمت بود زیرا که نزدیک
بهشت است و بیرون آن دیوار که طرف منافقانست عذاب باشد
زیرا که نزدیک است بدوزخ اما منافقان چون باز پس نگرند
و نور نه بینند باز متوجه مؤمنان شوند دیواری بینند میان
خود و ایشان از آن در بنگرند مؤمنانرا به بینند خرامان
متوجه بهشت اند بخوانند مؤمنانرا بزاری و گویند ای مؤمنان
آیا نبود بهر ما با شما در دنیا که نماز گذاردیم و بموافقت شما روزه
میداشتیم گویند مؤمنان که بلی بظاهر با ما بودید ولیکن در فتنه

امکه بر نفسهای خود را بسبب نفاق و لذت معاصی و سزاوار عقوبت

کنید و تأخیر کردید در توبه و شک آوردید در نبوت حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم و فریفته ساخت شما را آرزوهای

شما تا وقتی که بقبض روح شما و فریب داد شما را بجناب دنیاء ناپای

دار پس امروز فرا گرفته نشود از شما چیزی که فدای خود کنید

و از عذاب برهید و فرا نگیرند نیز از آن کسان که کافر بدرستی که جای

ایشان و شما دوزخ بود و آتش سزاوارتر است با ایشان و شما

و بد باکسی است آتش یا ابن مسعود بر ایشان لعنت حق تعالی

از من و جمع پیغمبران مرسل و فرشتهای مقرب و بر ایشان غضب

خدا تعالی و بدی حساب در دنیا و آخرت بدرستی که گفته است

حق تعالی که لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ

دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا

لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ

كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا كَانُوا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ

فَاسِقُونَ یعنی لعنت کرده است خدا تعالی کافران بنی اسرائیل را

در زبور بلسان داود و در انجیل بزبان عیسی و این لعنت

مر ایشانرا بسبب آن بود که نافرمانی کردند و از حد در می گذشتند

و منع نمیکردند بعضی از ایشان بعضی را از عمل زشت که می کردند

بدرستی که بد چیزیست که آنچه ایشان می کردند می بینی بسیاری

را از اهل کتاب که از غایت حسد مسلمانان دوستی می کنند با کافران

هر آینه بد چیزیست آنچه از پیش فرستاده برای ایشان نفسهای

ایشان و آن چیز خشم گرفتن خدای تعالی است بر ایشان و ایشان

جاوید باشند از عذاب و اگر یهود ایمان می آوردند بخدای

و به پیغمبر خود و آنچه فرستاده شده است بآن پیغمبر هر آینه

نمیگرفتند کافرانرا بدوستی و لیکن بسیاری از منافقان بیرون

رفته اند از دائره اسلام یا ابن مسعود ظاهر میکنند منافقان

حرص و حسد را و قطع می کنند صلهٔ رحم را و ترک می کنند خیرات را

و گفته است حق تعالی در شان ایشان که وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ

عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

یعنی آنانکه بشکنند عهد خدا را که از ایشان گرفته است پس از استواری

آن وعهد و قطع کنند آنچه خدا تعالی فرموده است که آنرا به پیوندند

که آن صلهٔ رحم است و فساد کنند در زمین بمخالفت حق تعالی و

متابعت نفس آن گروه مر ایشان راست لعنت و مر ایشانرا بدی

عاقبت در دنیا و آخرت و نیز فرموده است که مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ

ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا یعنی مثل آنانکه حکم شدند

که بار تکلیف احکام توریت را بر دارند پس بر ننداشتند آن بار را
و بجز خواندند توریت را و قناعت نمودند در انچه درو بود عمل
نکردند همچو مثل دراز گوش است که بردارد کتابها از علم یعنی رنج
می برد در برداشتن آن و از آن نفعی ندارد یا ابن مسعود بیاید
بر امت من زمانی که آن کسی که صبر کند بر دین خود و نگاه دارد دین
خود را دران زمان مثل آن کسی است که بگیرد آتش را بدست خود یا
ابن مسعود عالمان و فقیهان دران زمان خائن و فاسق و بدترین
خلق خدا خواهند بود حق و آنکسانی که تابع ایشان شوند و بیایند
نزد ایشان و از ایشان چیزی فرا گیرند و دوست دارند ایشانرا
و بنشینند با ایشان و مشورت کنند با ایشان و ایشان نیز بدترین
خلق خدا خواهند بود و حق تعالی ایشانرا بدوزخ خواهد برد و ایشان
گروه کنگ و کور خواهند بود جای ایشان در دوزخ است هر گاه
ساکن شود زبانهٔ آتش و فرو نشیند برافروزاند حق تعالی آن پوستهای ایشانرا
به پوستهای دیگر تا بچشند عذاب را و چون در افکنده شوند
در دوزخ بشنوند در دوزخ آوازی مانند آواز دراز گوش یعنی
ایشانرا چون بدوزخ در آورند دوزخ بفریاد آید و بجوشد و ایشانرا
در جوش آورد و نزدیک باشد که پاره پاره شود دوزخ از خشم ایشان
و هر گاه خواهند که بیرون آیند از آتش باز گردانیده شوند در دوزخ
و گفته شود مر ایشانرا که بچشید عذاب آتش سوزنده و مر ایشانرا است

در دوزخ ناله و ایشان در دوزخ نمی شنوند سخنی که بدان شاد شوند
یا ابن مسعود ایشان دعوی خواهند کرد که بر دین و سنت و شریعت
منند دروغ میگویند بدرستی که ایشان از امت من نیستند و من از
ایشان بیزارم یا ابن مسعود منشینید با ایشان و خرید و فروخت
مکنید با ایشان در بازار و راه منمائید با ایشان و آب مدهید با ایشان
بدرستی که خدا تعالی فرموده است که مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا
وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ لَا يُبْخَسُونَ أُولٰئِكَ الَّذِينَ
لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ یعنی آن کسی که از پسی همت خواهد زندگانی دنیا و زینت
و آرایش آنرا در مقابل عمل خود بتمام باز گذاریم با ایشان جزای عملهای
ایشان را در دنیا از صحت بدن و دولت و بسیاری مال و اولاد و
در دنیا از جزای اعمال ایشان چیزی کم نشود این گروه آنانند
که نباشد ایشانرا در آخرت مگر آتش دوزخ و تباه گشت آن کارها
که کرده اند در دنیا و باطل آن عملهائی که کرده اند در دنیا و نیز
فرموده است که مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ
فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ یعنی آن کسی که خواهد بعمل خود نیکی دنیا
و سعی کند در حصول متاع دنیا آنچه نصیب اوست مر او را در آخرت
نصیب و بهرهٔ یا ابن مسعود آنچه میرسد امت من از این جماعت
که گفته شد مرا بجوی که خواهد حق تعالی ایشانرا و بصورت بوزینه

وخوک خواهد ساخت ایشانرا کفت ابن مسعود کهٔ در کریستند رسول
صلّی الله علیه وآله وسلّم وما نیز کریستیم بجهت کریهٔ آن حضرت
وکفتیم یا رسول الله چه چیز ترا در کریه آورد آن حضرت کفت که رحم
بر ین بدبختان باعث کریستن شد بدرستی که حق تعالی فرموده است
که وَلَو تَرىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ
یعنی اکر ببینی ایشانرا وقت فزع و ترس ایشان پس هیچ عذاب
از ایشان فوت نشود وکرفته شوند از جای نزدیک از روی زمین
یعنی فرو روند از زمین یا ابن مسعود آن کسی که علم بیاموزد بجهت
دنیا واختیار کند دوستی دنیا و زینت او را مستوجب غضب خدای تعالی
شود وجای او در ته دوزخ باشد با یهودی و نصاری که ایمان نیاوردند
بقرآن بدرستی که حق تعالی فرموده است که فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا
كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْكَافِرِينَ یعنی پس آن کس آمد که شناخته
بودند که آن محمد است کافر شدند بدو ایمان نیاوردند بجهت آنکه
کمان ایشان آن بود که آن از بنی اسرائیل خواهد بود چون از بنی اسمعیل
بود ایمان نیاوردند پس لعنت خدای تعالی بر کافران باد یا ابن مسعود
آن کسی که قرآن بیاموزد و عمل نکند بآن خدای تعالی حشر کند او را نابینا
وآن کسی که علم بیاموزد بجهت ریا و برای آنکه مردم بشنوند وقصد او
از آن علم آن باشد که مال دنیا حاصل کند ببرد حق تعالی برکت مال او
وتنک کرداند معیشت او را و واکذارد او را بجوذش وآن کسی که حق او را

واکذارد

واکذارد هلاک شود بدرستی که حق فرموده است که فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا یعنی پس هر که
امید میدارد که لقای پروردکار خود را در آخرت پس باید که عملی صالح
پسندیده بکند وشریک نسازد در پرستش پروردکار خود احدی را
یا ابن مسعود باید که همنشینان تو نیکان باشند وبرادران تو پرهیزکاران
وزاهدان باشند بجهت آنکه حق تعالی فرموده است که الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ یعنی دوستان در روز قیامت بعضی
دشمن باشند بعضی را مکر متقیان و پرهیزکاران یعنی آنهائی که دوستی
ایشان برای دنیا باشد وبرای معاونت بر فسق معصیت باهم دشمن
شوند وآنهائی که محبت ایشان برای خدا باشد دوستی ایشان بجای باشد
یا ابن مسعود بدانکه آنهای که نیک را بد میدانند پس از ین جهت مهر
می نهد حق تعالی بر دلهای ایشان پس نخواهد بود در میان ایشان
کسی که کواهی بحق دهد و قیام نماید بعدل بدرستی که حق تعالی کفته است
كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ
وَالْأَقْرَبِينَ یعنی ای کروه مؤمنان قیام نمائید بعدل و ادای
شهادت کنید براستی و اکرچه نفس شما یا بر پدر و مادر و خویشان
نزدیک شما باشد و کواهی بر نفس خود آنست که اقرار کند بر حقی که
در ذمّهٔ اوست یا ابن مسعود آنجماعت فخر خواهند کرد بر یکدیکر
بمال واحسابکه بمردم کنند بدرستی که حق تعالی فرموده است که هُوَ

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ یعنی خدا تعالی است سزاوار آنکه ازو
ترسند و سزاوار آمرزیدن ترسندگان و نیز گفته است که رَضِيَ
اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ یعنی خشنود باشد
حق تعالی از صالحان و طاعت ایشان را قبول کند و خشنود باشند
ایشان بجهت دادن ثواب و بهشت مر آنکسی راست که بترسد
از عقوبت پروردگار خود یا ابن مسعود بگذار چیزی را که از و فائده
بتو نمی رسد و کاری بکن که از و فائده بتو رسد بدرستی که حق تعالی
فرموده است که لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ یعنی مر هر
مردی را از اهل قیامت آن روز کاریست که مشغول میگرداند
او را از همه دیگران یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه ترک کنی طاعت
را و قصد معصیت کنی بجهت شفقت اهل بیت خود زیرا که حق تعالی
فرموده است که يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي
وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ
حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ یعنی ای
مردمان بترسید از عقوبت پروردگار خود و بترسید از روزی
که دفع نکند عذاب پدر را از پسر خود و نه فرزند باز دارد از پدر
خود چیزی را بدرستی که وعدهٔ خدا بثواب و عقاب حق است و در آن
خلاف نخواهد بود پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی دنیا
و باید که مغرور نسازد شما را بعفو و کرم خدا شیطان فریب دهنده

یا ابن مسعود حذر کن از دنیا و لذتها و آرزوها و زینتهای او و از
حرام خوردن و از پسران و از نگاه داشتن اسبها و زنان و طلا
و نقره و ظرفهای پر طلا و نقره و اسباب خوب و دیگر چارپایان
و از کشت زارها اینها که یاد کردیم متاع زندگانی دنیا است و نزد
حق تعالی است نیکوئی بازگشت و حق تعالی فرموده است که بگوی
ای محمد باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را به بهتر از اینها که گفته شد
برای آن کسانی که متاع دنیا را ترک کردند بدرستی که نزد پروردگار
ایشان بوستانهاست که اندکی از آن بهتر است از دنیا و آنچه
در وست و میرود در زیر قصرها و درختان آن بوستانها جویهای
آب جاودان و باشند متقیان در آنجا و مر ایشان راست خشنودی
از خدا تعالی و این از بهشت و نعیم او بهتر است و خدای بیناست
به بندگان و احوال ایشان یا ابن مسعود فریفته مشو از ینکه
خدا تعالی رحیم است و مغرور است بعمل صالح و نیکوئی و عبادت
خود یا ابن مسعود وقتی که قرآن میخوانی چون برسی بآیتی که در و
امر یا نهی باشد مکرر بخوان آن آیه را و فکر کن در آن و عبرت بگیر
و غافل مشو از آن آیه و بهوش کن بدرستی که نهی کردن حق تعالی
دلالت میکند بر ترک معاصی و امر کردن حق تعالی دلالت میکند بر
نیکوئی و عمل صالح بجا آوردن بدرستی که خدا تعالی فرموده است
که فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ یعنی پس چگونه باشد حال ایشان آن هنگام که جمع کنیم
ایشانرا از برای حساب روزی که هیچ شك نیست در وقوع آن و
جزا داده شود هر نفسی را بتمام انچه کسب کرده است و ایشان ستم
دیده نشوند بنقصان حسنات و زیادتی سیئات یا ابن مسعود
هیچ گناه را حقیر مدان و اجتناب کن از گناهان کبیره بدرستی که حق
تعالی فرموده است که يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا
وَمَا عَمِلَتْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ اَمَدًا بَعِيدًا یعنی روزی
که بیابد هر کسی از عمل کنندگان انچه کرده است از نیکوئی حاضر
کرده شده نزدیك خود و انچه کرده باشد بر بدی دوست دارد
که باشد میان او و میان آن عمل بی اندازه دور یعنی نخواهد که مطلقا
عمل خود را به بیند یا ابن مسعود وقتی که بگویند بتو که بترس از خدا تعالی
در غضب مشو بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَاِذَا قِيلَ لَهُ
اتَّقِ اللّٰهَ اَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْاِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ یعنی چون گویند
مر منافق را که بترس از خدای تعالی بگیرد او را حمیت جاهلیت
بارتکاب گناه پس بسنده است مر او را جهنم یا ابن مسعود کوتاه کن
امید خود را در دنیا پس وقتی که صباح شد بگو بشب نخواهم رسید و چون
شب شود بگو بصباح نخواهم رسید و جازم باش بر مفارقت دنیا و دوست
دار لقای حق تعالی و مکروه مدان بدرستی که دوست میدارد
حق تعالی لقای کسی را که مکروه میدارد لقای حق تعالی را یا ابن مسعود

درختان منشان و جویها جاری مکن و زر اندود مکن خانهای چوبی
و عمارتها مکن و بستانها مساز بدرستی که حق تعالی فرموده است
اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ یعنی مشغول گردانید شمارا بسیاری اسباب دنیا از
کار آخرت یعنی بسبب مشغول بآن چیزها که مذکور شد غافل می شوید
از حق تعالی و از عبادت یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاده مرا بحق
که البته خواهد آمد بر امت من زمانی که حلال دانند شراب را
و شراب را بنبیذ نام کنند بر ایشان باد لعنت خدا تعالی و فرشتها
و جمیع آدمیان و من از ایشان بیزارم و ایشان از امت من نیستند
یا ابن مسعود کردن [illegible] اگرچه برابر خردل باشد بدتر است نزد حق تعالی
از سود خوردن بجهت آنکه شراب کلید همه بدیهاست یا ابن مسعود
این گروه که در آخر زمان خواهند بود ظلم خواهند کرد بر نیکان و
بخشش خواهند کرد بر فاسقان و فاجران حق نزد ایشان باطل خواهد بود
و باطل نزد ایشان حق اینها همه از برای دنیاست و ایشان میدانند
که بر حق نیستند و لیکن پیدا است شیطان از برای ایشان عملهای
ایشانرا پس باز داشت ایشانرا از راه راست پس ایشان نمی
یابند راه حق را ایشان خشنود شدند بر زندگانی دنیا و
پسندیدند آنرا و آرام گرفتند بدان و حق تعالی فرموده است
که آن کسی که یاد من نکند و یاد آخرت نکند و از عقاب من نترسد
و برحمت من امیدوار نباشد بر گماریم بر او شیطانرا پس آن شیطان

مصاحب و دمساز و همنشین او باشد در دنیا و پیوسته بوسوسهٔ
او اشتغال نماید و بدرستی که شیاطین باز میدارند همنشینان خود را
از راه حق وگمان می برند آنکسانی که مطابعت شیطان می کنند که بسبب
پی روی شیطان راه راست می یابند ۞ وقتی که بیایند نزد ما در
محشر پس بگوید بشیطان آنکسی که مطابعت شیطان کرده بود و شیطان
مصاحب او بود که کاشکی میان من و تو دوری می بود آن مقدار که میان
مشرق و مغربست پس بد همنشینی تو یا ابن مسعود منافقان عیب
میکنند آن کسی را که پی روی سنت من می کنند و آنچه واجب کرده اند
است حق تعالی بجای آورد بدرستی که حق تعالی فرموده است که فاتخذتموهم
سخریا حتی انسوکم ذکری وکنتم منهم تضحکون انی جزیتهم الیوم
بما صبروا انهم هم الفائزون یعنی فرا گرفتید شما آن کسانی که پی
روی حق میکنند باستهزا یعنی با ایشان استهزا کردید تا وقتی که فراموش
گردانید مشغولی بسخریت ایشان از یاد کردن و بودید شما که بر ایشان
می خندیدید از روی تعظیم و تکبر خود و تحقیر ایشان بدرستی که من
جزا میدهم ایشان را برانچه صبر کردند از ایذا و آزاری که از شما بایشان
رسید بدرستی که ایشان رسیدگانند بمراد خود یا ابن مسعود حذر کن
از ستی گناه بدرستی که حق تعالی گفته است که صم بکم عمی فهم لا یرجعون
یعنی منافقان از کر و لال و کورند پس ایشان باز نمی گردند ازین صفتها
و برهمین وجه حشر خواهند کرد ایشان را و نیز فرموده است که انا

جعلنا ما فی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا و انا
لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا یعنی بدرستی که ما گردانیدیم آن چیز را
بر زمین است از معدنیات و نباتات و حیوانات زینت و آرایش
مر اهل زمین را تا بیازمائیم که کدام از ایشان نیکوتر است از جهت عمل
و بدرستی که ما خواهیم گردانید آن چیز را که بر روی زمین است از کوه
و درخت و بناهای زمین یعنی باخر این عمارتها را خراب خواهیم
ساخت پس دل برو منهید و بر زینت ناپایدار و فریفته مشوید یا
ابن مسعود دنیا ملعونست و آن کسی که آرزو دارد که در دنیا باشد
ملعونست و آن کسی که طلب دنیا کند و دوست دارد دنیا را نیز
ملعونست و مصدق این سخن این آیتست که کل من علیها فان
و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام یعنی هر کس که بر روی زمین
است از صاحب روح فانی و نیست خواهند شد و باقی می ماند
ذات پروردگار تو که خداوند بزرگی و عظمت است و خداوند
گرامی ساختن بفضل و کرم خود هر کرا که مستحق آن باشد و این
آیه نیز مصدق این سخن است که کل شیء هالک الا وجهه
یعنی همه چیزها فانی است مگر ذات حق سبحانه و تعالی یا ابن مسعود
هر عملی که میکنی از روی اخلاص باشد بدرستی که حق تعالی فرموده
است که لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی هر آینه پرسیده شوید
در روز قیامت بوقت محاسبه از نعمتها که بدان مشغول شدید

یا ابن مسعود باید که مشغول نکرداند ترا دنیا و آرزوهای او از طاعت
و عبادت بدرستی که حق تعالی فرموده است که أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ
عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ یعنی آیا می پنداشتید شما از بسیاری
غفلت که شما را آفریدیم برای بازی و گمان بردید که بسوی ما باز
نمی گردید برای جزای اعمال یعنی شما را برای عبادت آفریدیم
و جزای اعمال شما مقرر کردیم یا ابن مسعود وقتی که عملی چیزی بکنی
و آن عمل از خدا تعالی بدرستی که حق تعالی فرموده است که
فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا یعنی اقامت نخواهیم کرد برای
اعمال کسانی که عمل ایشان بصورت نیکو نماید و از برای خدای
نباشد روز قیامت ترازوی اعمال که بدان بسنجند آن عملها را
یا ابن مسعود وقتی که ترا مدح کنند مردمان بگویند که تو روز
روزه میداری و شب بعبادت مشغول مینمائی و حال آنکه تو
این کار نکنی خوشحال مشو زیرا که حق تعالی فرموده است که وَلَا
تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا
فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ یعنی پنداری
محمد صلی الله علیه وسلم آنان را که شادمان می باشند بانچه کردن از پوشیدن نعمت تو
و دوست میدارند که ستوده شوند بانچه نکردند از اعمال نیکو
که ایشان رستگار می شوند از عذاب قیامت یاد دنیا و مر ایشان راست
عذاب دردناک در روز رستخیز یا ابن مسعود عمل و نیکوئی بسیار کن

بدرستی

بدرستی که نیکوکار و بدکردار هر دو پشیمان خواهند بود در روز قیامت
اما نیکوکار خواهد گفت که کاشکی بیشتر نیکوئی میکردم و اما بدکار خواهد
گفت که تقصیر کردم که نیکوئی نکردم و مصداق اینست قول خدا تعالی که
وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ یعنی سوگند یاد می کنم بنفسی که سرزنش
خواهد کرد خود را بجهت تقصیر در نیکوئی کردن یا ابن مسعود بیش
مغفرت است گناه را و تاخیر مکن در توبه ولیکن بیش مغفرت توبه را
و تاخیر کن در گناه یعنی گناه مکن و اگر بکنی چنان مکن که گناه را
بآن جهان به بری و توبه نکنی بلکه درین جهان توبه کن بدرستی
که حق تعالی فرموده است که بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ یعنی
بلکه آدمی میخواهد که دروغ گوید بانچه در پیش اوست از حساب
در آخرت یا ابن مسعود به پرهیز از آنکه از تو بدعتی نماند بدرستی
که کسی که از و بدعتی بماند باو باز خواهد گشت گناه آن کس که عمل کند
بآن بدعت زیرا که حق تعالی فرموده است که وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ
آثَارَهُمْ یعنی بنویسیم آنچه از پیش فرستاده اند از اعمال نیک
و بد و بنویسیم آثاری که از ایشان مانده است و نیز گفته است که يُنَبَّؤُا
الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ یعنی خبر کرده شود آدمی در روز قیامت
بانچه فرستاده است از اعمال و بانچه باز پس داشته است از اموال
یا ابن مسعود میل مکن بدنیا و آرام مگیر باو بجهت آنکه زود مفارقت
خواهی کرد از دنیا بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَأَخْرَجْنَاهُمْ

مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ یعنی برون
می آوردیم با ایشانرا از بوستانها و از چشمه سارها و کشت زارها
و خرماستانهائی که شکوفهٔ درختان وی نازک و لطیف است یا ابن
مسعود یاد کن قرنهائی گذشته را و پادشاهان ظالمی را که پیش بوده
اند بدرستی که حقتعالی فرموده است که وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ
الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا یعنی هلاک کردانیدیم قوم عاد را
بسبب آنکه ایمان نیاوردند به هود علیه السلام و قوم ثمود را
بجهت آنکه ایمان نیاوردند بصالح علیه السلام و اصحاب رس را که
پیغمبر خود را در چاه انداختند و کشتند و رس نام چاهی است و اهل
قرنها بسیار را که بودند میان قوم عاد و ثمود و اصحاب رس که جز
خدای کسی ایشانرا نداند یا ابن مسعود گناه مکن پنهان و آشکارا صغیره
و کبیره بدرستی که حق تعالی می بیند ترا هر جا که باشی و خدا تعالی با تست
پس اجتناب کن از گناه کردن یا ابن مسعود بترس از خدا تعالی
پنهان و آشکارا در صحرا و در دریاها و شب و روز بدرستی که
حق تعالی فرموده است که وَمَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ
رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ
إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا یعنی نباشند سه تن راز گوینده با هم مگر آنکه
خدا تعالی چهارم ایشانست و اطلاع دارد در سخن ایشان و نه هیچ
راز گوئی باشند مگر آنکه خدای ششم ایشان است بدانش نشسته باشند

از سه عدد و نه بیشتر از پنج که راز گویند مگر آنکه خدا تعالی با ایشانست
هر جا باشند در آسمان یا در زمین یا ابن مسعود شیطانرا دشمن
خود بدان بدرستی که حق تعالی فرموده است که إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ
عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا یعنی بدرستی که شیطان مر شما را دشمنی
است قدیمی میراثی پس فراگیرید شما مر او را بدشمنی و از و حذر
نمودن در کارها و بر وا اعتماد منمائید و نیز در این آیه حکایت کرده است
از شیطان که ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ
وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ یعنی گفت شیطان که پس
بیایم از پیش ایشان یعنی در امر آخرت و گویم که بعث و حشر و بهشت
و دوزخ نیست و در آیم از پس ایشان یعنی از جانب دنیا و آنرا
در چشم او بیارایم از جانب راست ایشان یعنی از جهت حسنات
و ایشانرا در عجب و ریا اندازم و در آیم از چپ ایشان یعنی از جهت
سیئات و آنرا در دل ایشان شیرین کردانم و نیابی تو که خداوندی
بیشتر فرزند آدم را شکر گوینده و خدای تعالی گفته است بشیطان که
قَالَ الْحَقُّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ
یعنی گفت خدای راستی از منست و راست میگویم که هر آینه پر کنم دوزخ را
از تو و از هر که پیروی تو کند آنرا از میان و دیوان همه ایشان
یا ابن مسعود بپرهیز که حرام نخوری و حرام نپوشی و مال حرام نگیری
و گناه نکنی و عاصی نشوی بدرگاه حق تعالی گفته است که بشیطان که

واستفزز من استطعت منهم بصوتك واجلب عليهم بخيلك و
رجلك وشاركهم في الاموال والاولاد وعدهم وما يعدهم
الشيطان الا غرورا يعني بلغزان وازواه به براز ذريت آدم اى
شيطان هر كرا توانى لغزانيد فرزند آدم با آواز خود يعنى خواندن بفساد
و برانگيران بر ايشان سواران و پيادگان خود را يعنى ديوانى كه
يارى ميدهند ترا در وسوسه همه را جمع كن در تسلط بر ايشان
و شركت كن با ايشان در مالها تا از حرام جمع كنند و در معصيت صرف
نمايند و در فرزندان نيز شريك شو تا از زنا حاصل كنند و وعده
ده ايشانرا بچيزهاى باطل چون انكار حشر و بهشت و دوزخ و عده
نمى دهد شيطان ايشانرا مگر بفريب يعنى خطا را در صورت صواب
مينمايد و نيز فرموده كه ولا تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم
بالله الغرور يعنى پس بايد كه فريب ندهد شما را زندگانى دنيا
يعنى بمتاعهاى دلفريب و زينتهاى آن فريفته مشويد و بايد كه
مغرور نسازد شما را بكرم و عفو خدا تعالى شيطان فريبنده يا ابن
مسعود نزديكى مكن بچيزى حرام از مال و زنان بدرستى كه حق تعالى
فرموده است كه ولمن خاف مقام ربه جنتان يعنى براى كسى
كه بترسد از ايستادن پيش خداى دو بهشت عدن و بهشت نعيم
يا ابن مسعود اختيار مكن دنيا را بر آخرت بسبب لذتها و شهوتها
بدرستى كه حق تعالى فرموده است كه فاما من طغى و آثر الحيوة الدنيا

فان الجحيم هي الماوى پس آن كسى كه از حد برده باشد و مرتكب معاصى
شده باشد و بر گزيده باشد زندگانى دنيا را و فراموش كرده باشد
از آخرت پس بدرستى كه دوزخ جاى اوست و مراد ازين آيه اينست
كه دنيا و آنچه در واست ملعونست مگر آنچه براى خدا تعالى باشد
يا ابن مسعود خيانت مكن بمال كسى و خيانت مكن بامانت بدرستى
كه حق تعالى فرموده است كه ان الله يامركم ان تؤدوا الامانات الى
اهلها يعنى بدرستى كه امر كرده است خدا تعالى شما را كه برسانيد
امانتها را بصاحبان امانت يا ابن مسعود چيزى كه نديدى و نشنيدى
مگو بدرستى كه حق تعالى فرموده است كه ولا تقف ما ليس لك به
ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤلا يعنى از
پى مرو آن چيزها كه نيست ترا بآن دانائى يعنى نادانى مگو دانستم و
ناشنودى مگو شنيدم و تا نه بينى مگو ديدم بدرستى كه گوش و چشم
و دل هر يك از اينها سؤال خواهند كرد كه چه شنيدى و چه ديدى و چه
دانستى و نيز گفته است كه ستكتب شهادتهم ويسألون يعنى زود
باشد كه نوشته شود گواهى ايشان و پرسيده شوند روز قيامت
از آن و نيز گفته است كه اذ يتلقى المتلقيان عن اليمين وعن الشمال
قعيد ما يلفظ من قول الا لديه رقيب عتيد يعنى چون فرا گيرند دو
فرشته كه فرا گيرنده اقوال و اعمال بندگانند و بنويسند آن دو فرشته
كه بر جانب راست و چپ بنده نشسته اند و نكو و بد بنده و هيچ سخنى

مکو نزد او نکاه بانی بود آماده که فی الحال بنویسید و نیز کفته است
که وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیْدِ ما نزدیکتریم بآدمی از رک
جان وی یعنی دانائیم باقوال و اعمال او یا ابن مسعود غم روزی مخور
بدرستی که حق تعالی فرموده است که وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْاَرْضِ
اِلَّا عَلَی اللّٰهِ رِزْقُهَا یعنی نیست هیچ جنبنده در زمین مکر آنکه بر خداست
روزی ایشان و نیز کفته است که وَفِی السَّمَآءِ رِزْقُکُمْ وَمَا تُوْعَدُوْنَ
یعنی روزی شما در آسمانست و در آسمان آنچه شما را وعده داده اند
از ثواب زیرا که بهشت و نعیم آن در آسمانست و نیز کفته است که
وَاِنْ یَّمْسَسْکَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهٗ اِلَّا هُوَ وَاِنْ یَّمْسَسْکَ بِخَیْرٍ
فَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ یعنی اکر برساند خدا تعالی سختی چون مرض
و درویشی هیچ بازدارنده و برنده نیست آنرا مکر او و اکر برساند
بتو نیکوئی چون توانکری و صحت پس او بهمه چیزی از اینها تواناست
یا ابن مسعود بحق آن کسی که فرستاد مرا بخلقان بحق که آن کسی که بکذارد
تجارت دنیا را و متوجه تجارت آخرت شود بدرستی که حق تعالی نیز
تجارت کند برای او و بغیر تجارت او و از تجارت او نفع بسیار رساند
باو بدرستی که حق تعالی فرموده است که رِجَالٌ لَّا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ
وَّلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِیْتَآءِ الزَّکٰوةِ یَخَافُوْنَ
یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِیْهِ الْقُلُوْبُ وَالْاَبْصَارُ یعنی سبحان مردانند که از
غایت استغراق در تسبیح و ذکر مشغول نمی سازد و باز نمی دارد بازرکانی

پس

یعنی

یعنی خریدن متاعی که از آن سودی باشد و فروختن آن از یاد کردن
حق تعالی و از بپای داشتن نماز و از دادن زکوة می ترسند این مردان
با وجود این توجه از روزی که بکردد در آن روز دلها یعنی از هول
متحیر و مضطرب شود و بکردد در آن روز دیدها و از هر طرف بنکرد
تا به بیند که نامهٔ اعمال او از کجا بدو می آید کفت ابن مسعود که
پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله چکونه است تجارت
آخرت آن حضرت کفت که ذکر کفتن خدا تعالی دائم باین طریق که
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ پس نیست
تجارت آخرت که سود کند بدرستی که حق تعالی فرموده است که یَرْجُوْنَ
تِجَارَةً لَّنْ تَبُوْرَ لِیُوَفِّیَهُمْ اُجُوْرَهُمْ وَیَزِیْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ یعنی امید
میدارند بدین عملها بازرکانی که زیان بدان نرسد در روز قیامت
و این عملها کردند تا خدا تعالی بتمام ایشان برساند مزدهای کردار
ایشانرا و زیاده کرداند حسنات ایشانرا از فضل و بخشش خود یا
ابن مسعود هر چیزی که می بینی و دل تو دوست دارد آنرا بس صرف کن
آنرا در راه خدا و نیست تجارت آخرت زیرا که خدا تعالی کفته است
مَا عِنْدَکُمْ یَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ یعنی آنچه نزد شماست از اسباب
دنیوی برطرف شود و منقضی کردد و آنچه نزد خداست از خزاین رحمت
همیشه است یا ابن مسعود وقتی که بکوئی لا اله الا الله و نداند حق
این کلمه را حق تعالی قبول نمی کند و کفتن لا اله الا الله رد می کند

غضب حق تعالی را از بندگان و اگرچه دنیای ایشان سالم باشد
مادام که کاری که موجب نقصان دین ایشان باشد نکنند و اگر کاری
بکنند که موجب نقصان دین باشد و کلمهٔ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ میگفته باشند
حق تعالی میگوید که دروغ میگوئی صادق نیستند درین قول بدلیل
که حق تعالی گفته است که اِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ
یعنی بدرگاه قبول او بالا میرود سخنان پاک و عمل صالح قبول نیست
یا ابن مسعود دوست دار صالحان را بدرستی که مردمان در آخرت
با کسی می باشند که دوست داشته باشند او را در دنیا پس اگر قادر
نباشی بر عمل نیکو دوست دار علما را بدرستی که حق تعالی گفته است
که وَمَنْ یُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ فَاُولٰئِکَ مَعَ الَّذِیْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ
مِنَ النَّبِیّٖنَ وَالصِّدِّیْقِیْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِیْنَ وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفِیْقًا
یعنی آن کسانی که فرمان خدای برند و فرمان برداری رسول کنند پس
آن گروه در روز قیامت بآن کسان باشند که انعام کرده است خدای
برایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و چه نیکو یارند
این جماعت همنشینان یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه شرک آوری بحق
خدا تعالی یک چشم زدن و اگرچه اعضای ترا ازیکدیگر جدا کنند
پاره پاره ترا از دار بیاویزند یا بسوزانند باتش بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ اُولٰئِکَ هُمُ الصِّدِّیْقُوْنَ
یعنی آنانکه ایمان آوردند بخدای و بفرستادگان او آن گروه صدیقان‌اند

یا ابن

یا ابن مسعود صبر کن و با کسانی باش که ذکر و تسبیح و تهلیل و حمد می‌گویند
حق تعالی را و طاعت و عبادت حق تعالی می‌کنند و می‌خوانند او را
صباح و شام بدرستی که حق تعالی گفته است که وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِیْنَ
یَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیْدُوْنَ وَجْهَهٗ وَلَا تَعْدُ
عَیْنَاکَ عَنْهُمْ تُرِیْدُ زِیْنَةَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا یعنی شکیبائی کن با آنانکه
می‌پرستند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه و می‌خواهند
رضای پروردگار خود را و باید که درنگذرد چشمهای تو از ایشان
یعنی نظر از ایشان برمدار و بغیر از ایشان التفات مکن و نیز گفته است
که مَا عَلَیْکَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ وَّمَا مِنْ حِسَابِکَ عَلَیْهِمْ
مِنْ شَیْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَکُوْنَ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ یعنی نیست بر تو از حساب
اعمال آن کسانی که صبح و شام ذکر می‌گویند حق تعالی را چیزی و نیست
از حساب عمل بر تو ایشان چیزی تا تو برانی ایشان را از پیش خود
پس اگر برانی ایشان را باشی از ظالمان اختیار مکن بزرگی که حق تعالی
فرموده است که وَلَذِکْرُ اللّٰهِ اَکْبَرُ یعنی هر آینه ذکر خدای بزرگتر است
از همه چیز و نیز گفته است که فَاذْکُرُوْنِیْ اَذْکُرْکُمْ وَاشْکُرُوْا لِیْ
وَلَا تَکْفُرُوْنِ یعنی مرا یاد کنید بعبادت تا من شما را یاد کنم بمغفرت
و شکر کنید نعمتهای مرا و ناسپاسی مکنید و نیز گفته است که وَاِذَا سَاَلَکَ
عِبَادِیْ عَنِّیْ فَاِنِّیْ قَرِیْبٌ اُجِیْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ یعنی چون
بپرسند از تو ای محمد بندگان من از معامله من با ایشان در وقت دعا

پس من نزدیکم اجابت میکنم دعای خواننده را و حاجت او را می
سازم وقتی که بخواند مرا و نیز کفته است که ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما را یا ابن مسعود بر تو باد
که با سکینه و وقار و خوش خلق و ملائم و پرهیزکار و مسلمان
و بتقوی و پاکیزه و نیکوکار و پاک و راست کوی و خالص و یقین
و بی عیب و درست و عاقل و صالح و صابر و شاکر و مؤمن و
عابد و زاهد و رحیم و عالم و فقیه باشی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ یعنی بدرستی که ابراهیم
بردبار بود و آه زننده و تاسف خورنده بر آدمیان و رجوع کننده
بحضرت عزت و نیز کفته است که وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى
الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ
لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا یعنی بندکان خدا بزرک رحمت آنانند که میروند
بر روی زمین از روی تواضع و سکینه و وقار و بردبار و نیکوکار
و چون خطاب کنند با ایشان نادانان و سخن بی ادبانه نسبت با ایشان
بکویند ایشان در جواب سخنی ایشان سالم از تعرض و اعراض کنند
از مجادله و آنانکه شب بروز می آرند برای پروردکار خود سجده
کنندم و بر پای ایستاده و نیز کفته است که وَيَقُولُونَ لِلنَّاسِ حُسْنًا
یعنی بکویند مر عامه مردمان را سخنی که مشتمل بر نیکوئی باشد و نیز کفته است
که وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا یعنی چون بکذرند بچیز ناپسندیده

بکذرند

بکذرند بردباران و پرهیزکاران و نیز کفته است که وَالَّذِينَ
يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ
يُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا
یعنی آنانکه می کویند که ای پروردکار ما ببخش ما را از زنان و فرزندان
ما کسی که روشنی دیدها که آن فرزند صالح است و بکردان ما را برای
پرهیزکاران پیشوا یعنی ما را چندان پرهیزکاری ده که شایسته امامت
متقیان شویم آن کروه که مذکور شدند پاداش داده شوند بغرفه
بهشت که آن بلندتر موضع از بهشت است بآنچه صبر کردند بر مشقت
دنیا و ترک لذات و بیابند در بهشت زندکانی باقی و سلامتی از
آفات در حالتی که جاودان باشند در بهشت و جای بودنی و نیز کفته
است که قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ
وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْعَادُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ
عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ
الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ یعنی بدرستی که رستکار شدند و بمقصود
رسیدند مؤمنان آنانکه در نماز خود ترس کارانند و آنانکه ایشان

از سخن باطل و کردار ناشایست اعراض کنند و آن کسان که زکوة واجب را
از مال خود ادا کنند و آنانکه ایشان فرجهای خود را نگاه دارند مگر بر
زنان خود یا از آنکه مالک شده است دستهای ایشان پس بدرستی
که آن کسانی نگاه دارند فرجهای خود را ملامت کرده نیستند پس آن کسی
که طلب کند برای مباشرت غیر زنان و کنیزان خود پس آن گروه درگذرند
از حلال و مرتکب حرام شوند و آن کسانی که مر امانتها را که نزد ایشان
باشند و مر عهدها را که ببندند رعایت کنند و نگاه دارند و آنانکه
بر نمازهای خود محافظت و مداومت نمایند این گروه وارثانند
و آنانکه از روی استحقاق میراث برند فردوس را که بلندترین درجات
بهشت است ایشان در بهشت جاوید خواهند بود و نیز گفته است
که اولئک فی جنات مکرمون یعنی آن گروه که این صفتها دارند
در بوستانها اند روز قیامت گرامی کرده شده بثواب ابدی و جزای
سرمدی و نیز گفته است که انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت
قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا وعلی ربهم یتوکلون
الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون
حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق کریم یعنی بجز این
نیست که مؤمنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای نزد ایشان
بترسد دلهای ایشان از هیبت جلال خدا و از تقصیر اعمال خود در جنب
انعام و افضال او و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای خدا زیاده

گرداند آن آیتها ایمان را و به پروردگار خود توکل کنند نه بر دنیا
و اهل دنیا و این مؤمنان آنانند که از روی اخلاص بپای میدارند
نماز را بشرایط و آداب و از آنچه روزی دادیم ایشانرا نفقه می کنند
آن گروه که مذکور شد ایشانند مؤمنان بایمان و راست مر این
مؤمنانراست مرتبها نزد آفریدگار ایشان و آمرزش مر تقصیرات
ایشان را و روزی بزرگ یا ابن مسعود باید که شفقت بر زن و فرزند
تو را باعث گناه کردن نشود ترا و فعل حرام نکنی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم
یعنی روز قیامت روزیست که نفع ندهد و بکار نیاید مال و پسران
هیچ احدی را مگر کسی را که بیاید بنزد خدای تعالی بدل خالص از کفر
و معصیت یا ابن مسعود بر تو باد که یاد کنی حق تعالی را و عمل صالح
بکنی بدرستی که حق تعالی فرموده است که والباقیات الصالحات
خیر عند ربک ثوابا وخیر املا یعنی کارهائی شائسته باشد
که ثمرهای آن ابد الآباد باقی ماند بهتر است نزد پروردگار تو از جهت
پاداش و بهتر است از جهت امید یا ابن مسعود باید که نباشی از کسانی
که راه می نمایند مردم را بخیر و امر می کنند ایشانرا بآن و خود غافلند
از آن و نمی کنند آنرا بدرستی که حق تعالی فرموده است که اتأمرون
الناس بالبر وتنسون انفسکم یعنی آیا می فرمائید مردمانرا به نیکوئی
و فراموش می کنید نفسهای خود را یعنی باید که چنین نکنید یا ابن مسعود

بر تو باد که نگاه داری زبان خود را بدرستی که حق تعالی فرموده است
که اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ یعنی امروز مهر می نهیم بر دهنهای ایشان و
سخن گویند با ما دستهای ایشان و گواهی دهند پاهای ایشان بآنچه
در دنیا کسب کردند یا ابن مسعود بر تو باد که عبادت و نیکوئی کردن
پنهان بکنی بدرستی که حق تعالی فرموده است که يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ
فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ یعنی روزی که آشکارا شود پس نیست
آدمی را هیچ توانائی تا از عذاب خود باز دارد و نه یاری که بمدد کاری
او بلا دفع شود یا ابن مسعود بترس از روزی که پراکنده شود
نامهای اعمال بندگان و آشکارا شود رسوائیها بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ
شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ
یعنی وضع کنیم ترازوهای برای عدل بجهت جزای روز رستخیز پس
ستم دیده نشود نفس چیزی از حق خود یعنی از نیک و بد عملی ناسنجیده
نگذارند و اگر باشد عمل هم سنگ دانه از سپندان که خوردترین
دانهها است بیاریم آنرا و نزد ترازو حاضر سازیم و بسنده ایم ما بجهت
حساب کردن عملهای بندگان یا ابن مسعود بترس از خدا تعالی
و همچنان سلوک کن که گویا می بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را
و ترا می بیند زیرا که حق تعالی فرموده است که مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ

وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ یعنی هر که
بترسید از خدا به پنهانی و بیارد دلی بازگشته بحق پس این گروه
امثال او را گویند که در آئید به بهشت با ایمنی و سلامت این روز روز
بقای جاودانی است زیرا که درین روز مرگ نباشد یا ابن مسعود انصاف
ده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن مردمان را و رحم کن بر ایشان
پس هرگاه چنین باشی و اهل شهری مستوجب حق تعالی شوند و تو در آن
شهر باشی و خواهد حق تعالی که بر ایشان عذاب بفرستد نظر کند بسوی
تو رحم کند بر ایشان بجهت تو و غضب نکند بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ
یعنی نیست پروردگار تو که هلاک کند اصل دیهها را بظلم و حال اهل آن
موضع بصلاح آورنده باشند در میان یکدیگر کارها را یا ابن مسعود
بپرهیز از آنکه ظاهر کنی ترس خدا تعالی را و تواضع را در نظر مردم
و حال آنکه بوده در پنهانی مصر باشی بر گناه کردن بدرستی که خدا تعالی
فرموده است که يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ یعنی میداند
خدا تعالی خیانت چشمها را و میداند آنچه پوشیده ساخته است
سینهها یعنی حق تعالی مطلع است بر ضمائر و سرائر همه کس یا ابن مسعود
باید که نباشی از آن کسانی که دشوار می سازند کارها را بر مردمان
و آسان می کنند بر نفس خود یعنی چیزهای گویند بمردمان و خود بآن
عمل نمی کنند بدرستی که حق تعالی فرموده است لِمَ تَقُولُونَ یعنی آن

کنا کہ ایمان آورده اید چرا میگوئید آن چیزی را که نمی کنید یا ابن مسعود
وقتی که می خواهی که عمل بکنی بکن آن عمل را از روی دانش و عقل
و به پرهیز از آن که کاری بکنی بی تدبیر و دانش بدرستی که حق تعالی
فرموده است که وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ
أَنْكَاثًا یعنی مباشید در عهد بستن مانند آن زنی که بشکافت و باز
کشاد ریسمان رشته خود را بعد از استحکام آن در محلی که ریسمانها
تاب داده است و قوی و محکم شده است یا ابن مسعود بر تو باد که
راست بگوئی و هرگز دروغ نگوئی و انصاف دهی مردمان را از نفس خود
و نیکوئی کنی و بخوانی مردمان را به نیکوئی و صله رحم بجای آوری و مکر
نکنی بمردمان و وفا کنی بعهدی که بمردمان کرده باشی بدرستی که حق تعالی
فرموده است که إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی بدرستی
که خدای تعالی میفرماید براستی و بنیکوئی کردن چیزهای دادن بخویشان
نزدیک و رسانیدن بدیشان آنچه بدان محتاج باشند و نهی میکند
از عمل زشت و از فعلی که انکار کنند بر مباشر آن و از ستمکاری
پند میدهد خدای تعالی شما را بامر و نهی شاید که شما پند گیرید
در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم اباذر غفاری را رحمة الله علیه مصنف کتاب میگوید که گفته
است پدر من فضل بن الحسن که این وصیت که کرده است رسول خدا

صلی الله و آله وسلم

صلی الله علیه و آله وسلم اباذر غفاری را خبر داده است مرا
بابن وصیت شیخ ابو الوفا عبد الجبار بن عبد الله المقری الرازی
و شیخ اجل حسن بن حسین بابویه رضی الله عنهما و ایشان هر دو
گفتند که نوشت برای ما شیخ اجل ابو جعفر محمد بن حسن الطوسی
قدس الله روحه و خبر داد باین وصیت شیخ عالم حسین بن فتح
الواعظ الجرجانی در مشهد امام رضا و گفت شیخ جرجانی که خبر داد
مرا بدین شیخ ابو جعفر طوسی قدس الله روحه و شیخ ابو جعفر
گفت که خبر دادند مرا جماعتی از ابو الفضل محمد بن عبد الله بن محمد
بن المطلب الشیبانی و او گفت که خبر داد مرا ابو الحسین رجای بجلی
العبرتائی الکاتب در سال سیصد و چهارده از هجرت و او گفت که
خبر داد مرا احمد بن حسن بن سیمون و او گفت که خبر داد مرا عبد الله
بن عبد الرحمن عاصم از فضل بن یسار و فضل بن یسار روایت
کرده است از وهب بن عبد الله الهنائی و او گفت که خبر داد مرا
ابو حرب بن ابی الاسود الدوئلی و او خبر داد از پدر خود ابو الاسود
که گفت در آمدم بشهر مدینه و رفتم نزد ابی ذر جندب جناده رضی الله
عنه پس خبر داد مرا ابوذر و گفت که روزی رفتم نزد رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد و هیچ کس در مسجد نبود بغیر
آن حضرت و امیر المومنین علی علیه السلام در پهلوی آن حضرت
نشسته بود غنیمت خلوت را پس گفتم یا رسول الله پدر و مادر من فدای

طوسی

تو باد

وصیتی کن مرا که نفع دهد خدای تعالی مرا دران وصیت آن حضرت گفت
که چنین کنم ای اباذر گرامی دارم ترا بدرستی که این وصیت جامع جمیع
چیزهاست پس اگر حفظ کنی این وصیت را حفظ کاملی باشد و کافی
باشد ترا یا اباذر عبادت کن خدای تعالی را آنچنان که گویا که تو می
بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را او ترا می بیند و بدانکه اول
چیزی که واجبست شناختن حق تعالی باین طریق که پیش از همه
چیز بود و هیچ چیز پیش از و نبود و یگانه است و شریکی ندارد و همیشه
خواهد بود و آفریننده آسمان و زمین و آنچه در آسمان و زمین
است و نیکو کار و داناست و بر همه چیزها قادر و تواناست
و بعد ازان واجبست ایمان آوردن بمن و اقرار کردن باینکه
خدای تعالی به پیغمبری فرستاده مرا بتمام خلقان که بشارت دهم
مؤمنان و مطیعانرا به بهشت و رحمت خدای تعالی و بیم کنم کافران
و عاصیانرا از دوزخ و عذاب خدای تعالی و بخوانم بندگان را
بر پرستش حق تعالی و فرمان و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود
و بعد ازان واجبست دوستی اهل من آن چنان اهل بیت که دور
گردانیده است خدای تعالی از یشان هر چیزی که نا نیکو و ناشایسته
است و معصوم و پاک گردانیده است ایشانرا از جمیع گناهان
و بدان ای اباذر که حق تعالی گردانیده است اهل بیت مرا در میان
امت من همچو کشتی نوح هر که دران کشتی نشست از طوفان نجات

یافت و هر که ازان کشتی تخلف کرد غرق شد یعنی هر که پیروی
اهل بیت من کرد از ظلمت و تاریکی ضلالت و گمراهی نجات یافت
و هر که پی روی ایشان نکرد در وادی ضلالت و گمراهی ماند
و هلاک شد و گردانیده است حق تعالی اهل بیت مرا همچو باب حطه
در میان بنی اسرائیل و آن کسی که داخل شود در ین باب ایمن شود
و حطه کلمه استغفار بنی اسرائیل بود و هر گاه ایشان این کلمه را
می گفتند گناهان ایشان آمرزیده می شد و معنی این کلمه اینست
که بفکن از گناهان یا اباذر حفظ کن آنچه وصیت کردم بتو تا سعادت
یابی در دنیا و آخرت یا اباذر دو نعمت که بسیاری از مردمان زیان
می کنند دران بجهت آنکه قدر آنرا نمی دانند آن دو نعمت و فراغتست
یا اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از
پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری را پیش از درویشی
و فراغت را پیش از مشغولی و زندگی را پیش از مردن یا اباذر
بپرهیز از تاخیر کردن در کار خود بامید آنکه زنده خواهم بود
و خواهم کرد آنرا بدرستی که زندگی امروز بجهت آنست که امروز
کار خود را بکنی و بجهت آن اینست که کار خود را بعقب بیندازی
پس اگر آن روز زنده باشی همچنان باش که امروز بودی و اگر
روز دیگر زنده باشی پشیمان نخواهی بود ازان کاری که کردی
یا اباذر بسا کسی که دریابد اول روزی را و بآخر آن روز نرسد

وبسا کسانیکه انتظار فردا کشند و بفردا نرسند یا اباذر اگر نظر کنی
باجل و زود رسیدن او هر آینه دشمن میداری دنیا را و فریفته ساختن
او را یا اباذر همچنان باش در دنیا که گویا غریبی یا راه گذری بشمر
خود را از مردگان یا اباذر وقتی که دریابی صباح را مگو بنفس خود
که شام خواهم بود و چون دریابی شام را مگو که تا صبح خواهم
بود و غنیمت دان صحت را پیش از آنکه بیمار شوی و غنیمت دان
زندگی را پیش از مردن بدرستی که نمیدانی که فردا صحت خواهی داشت
یا نه و نمیدانی که زنده خواهی بود یا نه یا اباذر آن کسانی که بمانند
بعد از تو ستایش نخواهند کرد ترا بجهت آنکه گذاشتی برای ایشان
و بعد از تو نخواهند داشت ترا حق تعالی بجهت مشغولی دنیا اگر تقصیری
در عمل تو واقع شده باشد یا اباذر صرف کردن در عمر بیشتر می باید
از صرف کردن درهم و دینار یعنی عمر خود را بعبث صرف نمی باید کرد
همچنانکه درهم و دینار را بعبث صرف نمی کنی یا اباذر انتظار نمی برید
شما مگر توانگری را که موجب نافرمانی میشود و درویشی را که موجب
فراموشی می شود و بیماری را که موجب فساد می شود و پیری را
که سبب بیعقلی میشود و مردن را که موجب مهیا شدن سفر آخرت
میشود و دجال را بدرستی که دجال بد غائبی است که انتظار می برید
و انتظار می برید قیامت را پس قیامت سخت تر و تلخ تر و ناخوش
تر است از همه چیز و بدترین مردمان نزد حق تعالی در روز قیامت

عالمیت

عالمیت که نفع نبرده باشد بعلم خود یعنی بعلم عمل نکرده باشد و آن کسی که
طلب علم کند بجهت آنکه مردمان متوجه او شوند در نیابد بوی بهشت را
یا اباذر آن کسی که علم بیاموزد بجهت آنکه مردمان را فریب دهد در نیابد
بوی بهشت را یا اباذر وقتی که به پرسند ترا از چیزی که ندانی بگو نمیدانم
تا نجات یابی از گناه و فتوی مده بانچه نمیدانی تا نجات یابی از عذاب
حق تعالی در روز قیامت یا اباذر خواهند دید جماعتی از اهل بهشت
جماعتی از اهل دوزخ را پس خواهند گفت بایشان که چه کار کردید
که مستحق دوزخ شدید و حال آنکه ما مستحق بهشت شده ایم بجهت
ادب و علمی است که از شما فرا گرفته ایم پس آن جماعت بگویند که ما
بجهت آن مستحق دوزخ شدیم که امر میکردیم شما را بخیر خود بآن عمل نمی
کردیم یا اباذر بدرستی که حقوق حق تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان
بآن قیام توانند نمود و نعمتهای حق تعالی بیشتر از آنست که آنرا بندگان
توانند شمرد و لیکن صبح و شام توبه کنید یا اباذر بدرستی که در دنیا
عمر تو کوتاه است و عملهای ترا می نویسند و نگاه میدارند و مرگ ناگهان
می آید و آن کسی که تخم نیکی بکارد بدرود و آن کسی که تخم بدی بکارد
ندامت و پشیمانی حاصل شود و هر که زراعت کند بدرود بانچه کشته
است و کسی که حرص ندارد بحظ خود میرسد و آن کسی که حرص دارد
در نمی یابد آن چیزی را که مقدر نشده از برای او و آن کسی که نیکوئی
کند حق تعالی با و نیکوئی کند و آن کسی که گناه دارد خود را از بدی کردن

حق تعالی نگاه دارد او را از بدیها یا اباذر متقیان و پرهیزکاران بهترین
مردمانند و ظالمان راه نمایند و نشستن با ایشان زیاده می کند
دانش را بدرستی که مؤمن می بیند گناه را همچو سنگ بزرگ بر بالای
سر خود و می ترسد که آن سنگ بر بالای او بیفتد و کافر می بیند گناه را
همچو مگس بنشیند بر بینی او یعنی باکی ندارد از گناه کردن یا اباذر بدرستی
که حق تعالی وقتی که خواهد به بندهٔ خود نیکی می کند از خاطر او گناه را [illegible]
اعمال بد را یا اباذر نظر مکن بخوردی گناه و لیکن نظر کن که بکه عاصی
میشوی و نافرمانی می کنی یا اباذر وقتی که مؤمن گناه کند اضطراب بیشتر
می کند از گنجشکی که در دام افتاده باشد یا اباذر آن کسی که موافق باشد
قول او با فعل او پس نیکبخت است پس آنکسی که موافق نباشد قول او با فعل
او سرزنش کرده شود نفس او یا اباذر بدرستی که محروم می شوند مردمان
از روزی بجهت گناه کردن یا اباذر بگذار آن چیز را که ترا بکار نمی آید
و مگو چیزی را که بتو فائده نرسد و محافظت کن زبان خود را همچنانکه
محافظت میکنی زر خود را یا اباذر بدرستی که حق تعالی خواهد برد قومی را
به بهشت و آن مقدار چیزی از نعمتهای بهشت بایشان خواهد داد که
بتنگ آیند و بالاتر از ایشان قومی باشند در درجات بلند از بهشت چون
نظر کنند آن جماعت را بآن قوم که در درجات بلند ترند بشناسند
ایشان را پس بگویند بار خدایا اینها برادران ما بودند که در دار دنیا
با ما بودند بجهت چه تفضل کردی ایشان را بر ما و مرتبهٔ ایشان بلند

کردانیدی

گردانیدی از مرتبهٔ ما پس در جواب ایشان بگویند هیهات هیهات
ایشان در دنیا گرسنه بودند وقتی که شما سیر بودید و تشنه بودند
وقتی که شما سیراب بودید و شب بر پا می خاستند وقتی که شما در خواب
بودید و بحج و جهاد می رفتند و شما در آسایش بودید یا اباذر گردانید
حق تعالی روشنائی چشم مرا در نماز و دوست میدارم نماز را همچنانکه
دوست میدارد گرسنه طعام را و تشنه آب را و گرسنه چون طعام خورد
سیر می شود و تشنه چون آب خورد سیراب میشود و من سیر نمی شوم
از نماز یا اباذر آن کسی که در شبانه روزی دوازده رکعت نماز بگذارد
البته به بهشت میرود یا اباذر مادام که تو در نمازی میکوبی در خانهٔ
پادشاه جبار را و هر که بکوبد در خانهٔ پادشاه را گشوده شود آن در
برای او یا اباذر هیچ مومنی که برخیزد و مشغول شود بنماز ریخته شود
برو ثواب و از او تا عرش پر از ثواب شود و موکل شود باو فرشته و ثنا
کند و بگوید ای فرزند آدم اگر بدانی که چه مقدار ثواب است ترا در نماز
و بکه ثنا جای گفتی سیر نکردی از نماز و ترک نکنی نماز گزاردن را یا اباذر
خوشا حال آن کسانی که عملها بر خواهند داشت در روز قیامت پیش از
مردمان دیگر بمسجد روند در سحرها و غیر سحرها یا اباذر نماز ستون دین است
و دین باو قائم است و صدقه محو می کند گناه را و روزه سپریست که نگاه
می دارد از آتش دوزخ یا اباذر تفاوت میان درجات بهشت در بلندی
و پستی آن مقدار می باشد که تفاوت میان آسمان و زمین بدرستی که بنده در

بگشاید چشم خود را و نظر کند بدرجهٔ بلند تر از درجهٔ خود پس بدرخشد
نوری که ببرد روشنی چشم او را پس بترسد آن بنده بجهت این و بگوید
چه چیز است این حق تعالی بگوید این نور برادر تست فلان پس آن بنده
بگوید که ما با هم عمل می کردیم در دنیا پس چرا مرتبهٔ او زیاده است از مرتبهٔ
من پس بگویند که عمل او بیشتر بود از عمل تو یا اباذر دنیا زندان مؤمنست
و بهشت کافر و مؤمن صبح در نیاید در دنیا مگر آنکه اندوهگین باشد و چگونه
مؤمن اندوهگین نباشد و حال آنکه حق تعالی وعده داده است و ترسانیده
مؤمن را و گفته است که هر کس که هست از دوزخ خواهد گذشت و نگفته
است که مؤمن نخواهد گذشت از دوزخ و میرسد بمؤمن بیماریها
و مصیبتها و کارها که در خشم آورد او را و ظلم بر او می کنند و او انتقام نمی کشد
بجهت آنکه ثواب می خواهد از حق تعالی پس مؤمن همیشه حزین و اندوهناک
است تا وقتی که از دنیا برود پس وقتی که مفارقت نماید از دنیا راحت
می یابد و بکرامت می رسد یا اباذر ثواب هیچ عبادت نزد حق برابر
ثواب بسیاری اندوه نیست یا اباذر آن کسی که علم داشته باشد
که در گریه نیاورد او را از ترس خدای آن علم نفع ندهد او را بدرستی
که حق تعالی ستایش کرده است علما را باین طریق و گفته است که
إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ
سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخِرُّونَ
لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا یعنی بدرستی که آن کسانی که داده

شده است

شده است بایشان علم پیش از نزول قرآن چون خوانده شود بر ایشان
قرآن بیفتند بر ذقنهای خود یعنی بر رو بیفتند در حالتی که سجده کنندگانند
برای تعظیم امر خدای و بگویند پاکست پروردگار ما از خلاف وعده
بدرستی که هست وعدهٔ آفریدگار ما کرده شده یعنی واقع است و بیفتند
در رویهای خود یعنی سجده کنند و بجهت متاثر شدن از مواعظ قرآنی
بگریند و زیاده کند شنیدن قرآن فروتنی و ترس ایشان را یا اباذر
آن کسی که قدرت نداشته بر گریستن باید که خود را اندوهگین سازد
و بگریه بدارد بدرستی که دل سخت دور است از حق تعالی ولیکن
نمی دانند یا اباذر حق تعالی میگوید که در بنده جمع نمی کنم دو ترس را
ترس دنیا و ترس آخرت و جمع نمی کنم در بندهٔ خود دو ایمنی را ایمنی دنیا
و ایمنی آخرت پس وقتی که ایمن باشد از من در دنیا بترسد از من در دنیا
ایمن گردانم او را در آخرت یا اباذر اگر کسی را عملی باشد مثل عمل هفتاد
پیغمبر حقیر خواهد شمرد عمل خود را در روز قیامت و خواهد ترسید
که نجات نیابد از شر روز قیامت یا اباذر عرض کنند بر بنده گناهان
او را در روز قیامت در میان جماعتی که آن گناه کرده باشد
پس آن بنده بگوید که در وقت کردن گناه می ترسیدم از حق تعالی
پس آمرزیده شود یا اباذر بنده که عمل نیکو کند و اعتماد کند بر عمل خود
و گناهان صغیره کند تا وقت مردن حق تعالی بر او غضب کند در
روز قیامت یا اباذر می گوید که گفتم پدر و مادر من فدای تو باد

یا رسول الله چگونه تواند بود که کسی بسبب گناه به بهشت رود آن حضرت
گفت که باینطریق که گناهی کند و بعد از آن پشیمان شود و اشک بریزد
چشمهای او و توبه کند از آن گناه و پناه جوید بحق تعالی پس حق تعالی
او را به بهشت برد یا اباذر عاقل آن کسی است که خوار و حقیر شمرد نفس
خود را و عمل کند برای آخرت و بیعقل آن کسی است که پیروی آرزوی
نفس خود کند و تمنا کند از حق تعالی مرادات نفس را یا اباذر اول چیزی که
برطرف می شود از امت من امانت و ترس خداست تا آنکه نزدیک شود
که هیچ کس ترس نداشته یا اباذر بحق آن کسی که نفس محمد بید قدرت اوست
که اگر دنیا برابر پشه یا مگسی اعتبار میداشت نزد حق تعالی هرگز هیچ کافری
یک شربت آبی از دنیا نمیداد یا اباذر دنیا ملعونست و آنچه در دنیا است
نیز ملعونست مگر آن چیزی که صرف شود از برای رضای خدا و نیست
چیزی دشمن تر نزد خدای تعالی از ایمان آوردن بخدا و ترک کردن
آن چیزی را که امر کرده به ترک آن یا اباذر بدرستی که من دوست نمیدارم
دنیا را و دوست دار آخرت را بدرستی که آخرت سرای بازگشت است
و بازگشت همه بآخرت خواهد بود یا اباذر بدرستی که جبرئیل آورد
نزد من خزینهای دنیا را بر استری سفیدی و گفت بمن که ای محمد
این خزینهای دنیاست و نقصانی نمیشود در قرب و منزلت تو نزد
حق تعالی اگر قبول کنی این را گفتم من بجبرئیل که ای دوست من حاجتی
نیست مرا بدنیا می خواهم که گاهی سیر باشم و شکر بگویم حق تعالی را و گاهی

گرسنه

گرسنه باشم و از حق تعالی چیزی بطلبم یا اباذر وقتی که حق تعالی خواهد
که به بندهٔ خود چیزی دانش میدهد او را در دین و بی میل می سازد
او را بدنیا و بینا میگرداند او را بعیبهای خودش یا اباذر هر بندهٔ که
بندهٔ که ترک کند دنیا را ثابت کرداند حق تعالی علم و حکمت را در دل او
و ناطق سازد زبان او را بعلم و حکمت و بینا گرداند حق تعالی او را
بعیبهای دنیا و بدرد و دوای دنیا و به برد او را از دنیا بسلامت
به بهشت یا اباذر وقتی که به بینی برادر مؤمن را که زاهد است در دنیا
یعنی ترک دنیا کرده است پس کن از و آنچه میگوید بدرستی که هر چه
می گوید حقست اباذر گفت که گفتم یا رسول الله زاهدترین مردمان
کیست آن حضرت گفت که زاهدترین مردمان آن کس است که فراموش
نکند اهل قبور را و در یاد مردن باشد و ترک کند زینت دنیا را
و اختیار کند آن چیزی را که باقی می ماند که آن آخرتست بر آن چیزی
که فانی می شود که آن دنیا است و نشمرد فردا را ایام عمر خود و جزم
نکند که فردا زنده خواهد بود و بشمرد خود را از مردگان یا اباذر وحی
نکرده است حق تعالی که مال جمع کنم و لیکن وحی کرده است بمن و گفته
است که سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ
حَتّٰى بِالْيَقِينِ یعنی تسبیح بگو پروردگار خود را تسبیح مقرون بحمد یعنی
بگو سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ و باش از نمازگذارندگان و عبادت
و پرستش کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد بتو مرگ یا اباذر لباس

در شب می پوشم و بر روی زمین می نشینم و بعد از طعام خوردن انگشتان
خود را می لیسم و بر دراز گوش برهنه سوار می شوم و کسی را
ردیف خود می سازم پس آنکسی که سنت من بجای نمی آرد از امت من
نیست یا اباذر دوستی مال و بزرگی بیشتر می شود دین را از دو گرگی
که عادت کرده باشند بر بردن گوسفند می باشند و شب می برده
باشند گوسفند را چون صباح شود هیچ باقی نماند از آن گوسفند
گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله آن کسانی که می ترسند از حق تعالی و فروتنی
و تواضع دارد و بسیار ذکر می گویند آیا ایشان پیشتر به بهشت می روند
آن حضرت گفت نی ولیکن درویشانی که مسلمان باشند و پیشتر خواهند
رفت به بهشت بدرستی که درویشان قدم خواهند نهاد بر گردن
مردم و خواهند رفت به بهشت برسند خازنان بهشت بگویند
که چگونه حساب ما بکنند بحق خدای که ما پادشاهی نبودیم که ظلم
و عدل کرده باشیم و مال نداشتیم که نگاه داشته باشیم و صرف نکرده
باشیم ولیکن عبادت و پرستش حق تعالی می کردیم تا آنکه اجل ما رسید
و حضرت پروردگار خواند ما را پس اجابت کردیم و قبول نمودیم
دعوت پروردگار خود را یا اباذر دنیا مشغول میکرداند دلها و
بدنها را بخود و حق سوال خواهد کرد از آن کسانی که فراغتها کرده
باشند از وجه حلال پس چگونه خواهد بود حال آن کسانی که فراغتها
کرده باشند از وجه حرام یا اباذر بدرستی که من طلب کردم از حق تعالی

که بگرداند روزی آن کسی را که دوست میدارد مرا آن قدر که کفایت
کند او را و بدهد بآن کسی که دشمن میدارد مرا آن قدر که کفایت کند
او را و بدهد بآن کسی که دشمن میدارد مرا و فرزند بسیار یا اباذر
خوشحال آن کسانیکه ترک کرده اند دنیا را و رغبت کرده اند
بآخرت و بساط ایشان زمین است و فرش ایشان خاکست و بوی
خوش ایشان آبست و مشغولند بکتاب حق تعالی و بآن عمل می کنند
و دعا می کنند و ترک کرده اند دنیا را یا اباذر کشت آخرت عمل
صالح است و کشت دنیا مال و پسر است یا اباذر بدرستی که پروردگار
من خبر داد مرا او گفت که بعزت و جلال من که در نمی یابند عابدان مرتبه
گریه کنندگان را بدرستی که من بنا کرده ام برای گریه کنندگان قصری
در اعلا علیین که شریک نیست با ایشان در آن در آن قصر هیچ کس گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام از مؤمنان غافلند آن حضرت گفت
که عاقل آن کسی که بیشتر یاد مردن کند و بهتر مهیا باشد برای مردن
یا اباذر وقتی که در آمد نور در دل مؤمن دل او گشاده می شود ابوذر
گفت که گفتم پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله علامت این کدام
آن حضرت گفت که علامت این بازگشتن است از کارهای بد و متوجه
شدن بآخرت و دور شدن از دنیا که دار غرور است و مهیا شدن
برای مردن پیش از رسیدن یا اباذر بترس از حق تعالی و چنین
باش که نترسد دل تو از حق تعالی و بنمای بمردم که می ترسی از خدای

خوشحال

تعالی

بجهت آنکه مردمان ترا اکرام می کنند یا اباذر باید که در هر کاری نیتی کنی حتی
خواب کردن و چیزی خوردن یا اباذر باید که بزرگ باشد عظمت و
جلال حق تعالی و سر خود را از بر انداخته اند و سر بالا نمی کنند وقتی
که اسرافیل صور بدمد در آخرت بگویند همهٔ آن فرشتها که بارخدایا پرستش
نکردم ترا همچنانکه تو سزاوار آنی یا اباذر اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر داشته
باشد اندک شمرد عمل خود را در روز قیامت از سختی آنچه به بیند در آن
روز و از دلو می از ریم و خون که از اندرون دوزخیان بیرون می آید
بریزند در مشرق هر آینه جوش آید از آن کاسهای سر کسانیکه در مغرب
اند و چون آواز کنند دوزخ در روز قیامت هیچ فرشتهٔ مقرب و پیغمبر
مرسلی نماند مگر آنکه بزانو در افتد و بگوید که بارخدایا که نفس مرا نگاه
دار و هیچ کس یاد کسی نکند و همه کس بخود در مانند در آن روز تا آنکه
فراموش کند حضرت ابراهیم اسحق را بگوید که بارخدایا منم خلیل تو
ابراهیم فراموش مکن مرا یا اباذر اگر زنی از زنان بهشت نمایان شود
از آسمان در شب تاریک هر آینه روشن شود زمین از جهت او
بهتر از روشن شدن زمین بماه شب چهارده و بیابند بوی خوش
او را تمام اهل زمین و اگر جامهٔ از جامهای اهل بهشت را بیارند روزی
در دنیا بیهوش شود آن کسی که نظر کند در آن جامه و تاب دیدن
آن نیارد یا اباذر بلند مکن آواز خود را در وقت حضور جنازه بر وی
باید که در فکر آخرت باشی و بدانی که تو هم با ولاحق خواهی شد یا اباذر

بدان که هر چیزی که فاسد شد نمک دفع فساد او نمی کند و بدانکه در شما
دو خاصیت است خنده کردن بی تعجب و کاهلی کردن بی سهو یا اباذر
دو رکعت نمازی که کسی بگذارد از روی تفکر بهتر است از عبادت شبی
که دل او غافل باشد یا اباذر سخنان حق بر دل گران و تلخ است
و سخنان باطل بر دل سبک یا اباذر بسیار است که بر روی نفس یک
ساعت سبب اندوه بسیار می شود یا اباذر کسی کمال دانش وقتی
پیدا می کند که حقیر داند مردمان را در جنب حق تعالی و خود را از همه
حقیرتر داند یا اباذر نمی رسی بحقیقت ایمان تا نه بینی مردمان را
نادان در دین و عاقل در کار دنیا یا اباذر حساب کن گناهان
خود را پیش از آنکه در قیامت حساب کنند گناهان ترا بدرستی
که این سبب آسانی حساب می شود در روز قیامت اعمال بندگان ترا
بتمام عرض خواهند کرد و هیچ چیز پوشیده نخواهد ماند بر حق تعالی
یا اباذر شرم دار از حق تعالی بحق آن کسی که نفس من در قبضهٔ قدرت
اوست وقتی که می روم بغایط کردن می پوشم سر و بدن خود را بجهت
آنکه شرم می دارم از آن دو فرشتهٔ که با من اند یا اباذر آیا می خواهی
که به بهشت روی گفت ابوذر که گفتم که بلی یا رسول الله آن حضرت
گفت که کوتاه کن امید را در دنیا و مرگ را برابر خود ببین و شرم دار
از حق تعالی آن چنانکه حق شرم است گفتم یا رسول الله همهٔ ما
شرم می داریم از حق تعالی آن حضرت گفت که شرم داشتن چنین نیست

ولیکن شرم داشتن از حق تعالی آنست که فراموش نکنی اهل قبور را
و پوسیدن ایشان را و فراموش نکنی شکم را و آنچه می خوری از طعام و آب
و بدانی که آن حلال است یا حرام و آن کسی که خواهد بزرگی آخرت را
باید که بگذارد زینت دنیا را پس وقتی که چنین باشی نزدیک می شوی
بحق تعالی یا اباذر کسی که نیکوکار است اندک دعای کافیست او را چنانکه
طعام را اندک نمکی کافی است یا اباذر مثل آن کسی که دعا کند و عمل نیکو
نداشته باشد آن کسی است که تیر اندازد و کمان او زه نداشته باشد
یا اباذر بدرستی که حق تعالی باصلاح می آورد بسبب صلاح بندهٔ فرزند
او را و نگاه میدارد او را در خانهٔ او و خانها که در حوالی اوست
مادام که آن بندهٔ صالح در میان ایشان باشد یا اباذر پروردگار
تو مباهات می کند بر فرشتها بسه کس یکی بمردی که در بیابانی که هیچ کس
نباشد اذان و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگذارد پس بگوید حق تعالی
بفرشتها که نظر کنید بر بندهٔ مؤمن که نماز می گذارد در جائی که هیچ کس او را
نمی بیند غیر از من پس فرود آیند هفتاد هزار فرشته و نماز گذارند
در عقب او و استغفار کنند برای او از آن روز تا روز دیگر و مباهات
می کند بمردی که برخیزد در شب و نماز گذارد تنها و بعد از نماز سجده کند
و بخواب رود در سجده پس بگوید حق تعالی بفرشتها که نظر کنید به
بندهٔ من که روح او نزد منست و بدن او در سجده است و دیگر مباهات
میکند بمردی که در میان گروهی بوده باشد که جهاد کنند با کافران تا آنکه

کشته

کشته شود یا اباذر هر مردی که سجده کند بر موضعی از زمین گواهی دهد
آن زمین برای او در روز قیامت و هر منزلی که فرود آیند قومی و
شب در آنجا باشند چون صباح شود آن منزل صلوات بفرستد بر ایشان
اگر عبادت کرده باشند لعنت کند بر ایشان یا اباذر نیست صباح و شام
مگر آنکه مواضع زمین ندا می کنند یعنی بعضی به بعضی و می گویند که ای همسایه
آیا گذشته است بتو کسی که ذکر گفته باشد حق تعالی را یا بنده که پیشانی
خود را بر تو نهاده باشد و سجده کرده باشد حق تعالی را بعضی گویند نی
و بعضی گویند بلی پس وقتی که بگوید آن موضع که بلی بجنبش در آید
آن موضع که پرسیده است و شکافته شود و به بیند که آن موضع را
زیادتی و فضیلتی هست بر مواضع دیگر یا اباذر بدرستی که حق تعالی
آفرید زمین را و آنچه در وست از درختها نفع میرسانید زمین
و آنچه دروغ بود از درختها تا آنکه گفتند فاسقان بنی آدم که اتخذ الله
ولدا • یعنی فرا گرفت حق تعالی فرزندی عزیر یعنی مسیح چون این کلمه را
گفتند زمین در لرزه آمد و آن منفعت و فایده رفت یا اباذر وقتی
که باشد بندهٔ در بیابانی که هیچ کس نباشد پس وضو بسازد یا تیمم کند
و بعد از آن اذان و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگذارد امر کند
حق تعالی بفرشتها که در عقب او نماز بگذارند پس صف کشند فرشتها
در عقب او همچنان صفی که هیچ طرف آن نمایان نباشد و رکوع کنند
آن فرشتها وقتی که آن بنده رکوع کند و سجده کنند وقتی که او سجده کند

و آمین گویند وقتی که او دعا کند یا اباذر آن کسی که بگوید و اقامت بگوید
و اذان نگوید نماز نگذارند با او از فرشتها مگر آنکه دو فرشته که موکل
اویند یا اباذر هر جوانی که ترک کند دنیا و زینت او را برای خدای تعالی
و بگذارند جوانی را در طاعت و عبادت بدهد خدای تعالی او را
ثواب هفتاد و دو صدیق یا اباذر آن کسی که ذکر گوید در میان
غافلان همچو آن کسی است که جنگ کند با کافران و همراهان او تمام
گریخته باشند یا اباذر نشستن با کسی که صالح باشد بهتر است از تنهائی
و تنهائی بهتر است از نشستن با کسی که بد باشد و سخن خیر گفتن بهتر است
از خاموشی و خاموشی بهتر است از سخن بد گفتن یا اباذر مصاحبت
مکن مگر با مؤمن و طعام مخور مگر با پرهیزکار و طعام فاسقان مخور
یا اباذر بدرستی که حق تعالی عالم است بر سخنان همه پس باید که
نترسد کسی از حق تعالی و بداند که چه میگوید یا اباذر زیادتی مگو
و اکتفا کن در سخن گفتن با آنچه حاجت تو بر آورده شود یا اباذر
همین بس است از برای آنکه کسی را دروغ گوئی بگویند که هر چه
بشنود بگوید یا اباذر از جملهٔ اکرام کردن حق تعالی است اکرام
کردن پیری که مسلمان باشد و اکرام کردن کسی که حافظ قرآن باشد
و بآن عمل کند و اکرام کردن سلطان عادل یا اباذر کسی را که زبان
خود نگاه دارد یا اباذر عیب مکن مردمان را و مدح مگو و طعنه مکن
و ستیزه و جدال مکن با مردمان یا اباذر همیشه دوری از بندهٔ

حق تعالی زیاده می شود مادام که بد باشد خلق او یا اباذر سخن خیر
گفتن صدقه است و هر قدمی که می نهد برای نماز صدقه است و هر
ندی که آن کسی که اجابت کند و قبول نماید سخن کسی را که بخواند او را
بحق تعالی عمارت مساجد کند و جزای او از حق تعالی بهشت است
ابوذر گفت که گفتم که پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله چگونه
عمارت مساجد کنند آن حضرت گفت که باین طریق که آواز بلند
نکنند در مساجد و شروع نکنند در کار باطل در مساجد و چیزی
نخرند و نفروشند در مساجد و ترک کنند کار بی فائده را مادام که
در مسجد باشند پس اگر چنین نکنند که گفته شد عتاب کنند او را
در روز قیامت باید که ملامت نکند خود را یا اباذر مادام که نشسته
در مسجد حق تعالی میدهد ترا بعدد هر نفس درجهٔ در بهشت و
صلوات میفرستند بر تو فرشتگان و نوشته می شود برای تو بعدد
هر نفسی که میزنی در مسجد ده حسنه و محو می شود از نامهٔ اعمال تو
ده گناه یا اباذر میدانی که در شان چه کس فرود آمده است این
آیه که اِصْبِرُوا وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ گفت ابوذر که
گفتم نی پدر و مادر من فدای تو باد آن حضرت گفت که این آیه
فرود آمده است در شان کسانی که انتظار نماز می برند در عقب
نمازی و معنی آیه اینست که ای گروه مؤمنان صبر کنید بر ادای

فرایض و شکیبائی نمائید و آماده باشید و بترسید از حق تعالی و پرهیز
کاری نمائید شاید که شما رستگار شوید یا اباذر آن کسی که وضوی
کاملی بسازد در وقتی که مشقتی باشد موجب کفارت گناهان اوست
و بسیار رفتن بمساجد حکم جهاد دارد یا اباذر حق تعالی فرموده است
که دوست ترین بندگان نزد من آن کسانند که دوست دارند یکدیگر را
برای او و متوجه باشد دل ایشان بمساجد و استغفار کنند در سحرها
این گروهند که وقتی که می خواهم که اهل زمین را عقوبت کنم یاد می کنم ایشان را
و عقوبت نمیکنم اهل زمین را یا اباذر هر نه نشستن در مسجد بی فائده
است مگر نشستن از برای قرآن خواندن و ذکر گفتن حق تعالی
و پرسیدن مسائل علمی یا اباذر اهتمام تو به پرهیزکاری می باید
که زیاده باشد اهتمام تو بعمل بدرستی که هرگاه تقوی باشد اندک علم
بسیار است و چون کم باشد علمی مقبول حق تعالا است بدرستی
که حق تعالی فرموده است که اِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ یعنی جز این
نیست که قبول می کند حق تعالی پرهیزکاران را یا اباذر نمی شود کسی
از متقیان مگر وقتی که حساب طلبد از نفس خود سخت از حساب شریک
خود بس بداند که از کجا است خوردن و آشامیدن و پوشش او آیا
از وجه حلال است یا از حرام یا اباذر آن کسی که باکی نداشته باشد
که کسب مال کند از حلال یا حرام باکی ندارد حق تعالی از بردن او را

بدوزخ

بدوزخ یا اباذر آن کسی که خواهد که بزرگ ترین مردمان باشد باید
که پرهیزکاری نماید یا اباذر دوست ترین شما نزد حق تعالی آن کسی است
که بیشتر ذکر گوید حق تعالی را و یاد کند حق تعالی را و گرامی ترین شما
نزد حق تعالی پرهیزکارترین شما است و آن کسی که خواهد که نجات
او از عذاب حق تعالی بیشتر باشد یا اباذر بدرستی که متقیان آن کسانند
که پرهیز نمایند از چیزی که پرهیز کردن از او لازم نباشد از ترس آنکه
مبادا در شبهه افتد یا اباذر آن کسی که فرمان برداری حق تعالی کند
پس بتحقیق که در یاد حق تعالی است و اگرچه نماز سنتی کم بگذارد و
روزهٔ سنتی کم بدارد و کم قرآن بخواند یا اباذر اصل دین ورع و پرهیز
کاریست و سر دین طاعت و فرمان برداریست یا اباذر پرهیزکار
باش تا عابد ترین مردمان باشی و بهترین کارهای شما پرهیزکاریست
یا اباذر به فضیلت علم بیشتر است یا فضیلت عبادت و بدانکه اگر شما
نماز بگذارید تا آنکه پشت شما همچو کمان خم شود و روزه بدارید
تا آنکه بدن شما همچو زه کمان باریک شود فائده نمیدهد شما را این نماز
و روزه بی پرهیزکاری یا اباذر بدرستی که اهل ورع و زهد در دنیا
اولیا آنخدایند البته یا اباذر هر کس که سه چیز با او نباشد در روز قیامت
او زیان کار است گفت ابوذر که گفتم که پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله آن سه چیز کدام است آن حضرت گفت که پرهیزکاری که
منع کند او را از آن چیزی که حرام گردانیده است حق تعالی آنرا و حلمی که

که تحمل کند و در گذارند از جاهلان بلی اذیت را و خلق که بد ادا کنند با آن
با مردمان یا اباذر اگر می خواهی که بزرگ ترین مردمان باشی و قوی ترین
مردمان توکل کن بر حق تعالی و اگر می خواهی که غنی ترین مردمان باشی
باید که اعتماد تو بآن چیزی که در تحت تصرف حق تعالی است بیشتر
باشد از اعتماد تو بر چیزی که در تحت تصرف تست یا اباذر اگر همه مردمان
عمل کنند بمضمون این آیه کافیست ایشانرا و آیه اینست که وَمَنْ
يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ يعنی هر که بترسد از
خدای تعالی و مرتکب گناهی نشود بگرداند خدای تعالی برای او بیرون
شدنی و خلاصی یابد از اندوه دنیا و آخرت و روزی دهد او را از
جای که گمان نبرد و در شمار در نیاید و آنکسی که توکل کند بر خدا تعالی
کار در پس کافیست خدای تعالی او را در کفایت مهمات بدرستی که خدای تعالی
رساننده است کار را بهر جا که خواهد یا اباذر حق تعالی گفته است که
بعزت و جلال من که آن کس که اختیار کند آن چیزی را که من می خواهم
و ترک کند آرزوی خود را غنی گردانم نفس او را و چنان سازم که دل
او در فکر آخرت باشد و من ضامن روزی گردانم آسمان و زمین را
و برطرف کنم تنگی معاش او را و غنی گردانم بر وجهی که احتیاج بتجارت
هیچ تاجری نداشته باشد یا اباذر اگر بنی آدم بگریزند از روزی خود
همچنانکه می گریزند از مردن هر آینه روزی ایشان میرسد بایشان

همچنانکه

همچنانکه مرگ بایشان میرسد یا اباذر بیاموزم بتو کلمهٔ چندی که فائده
دهد ترا حق تعالی باین کلمات گفت ابوذر که گفتم بلی یا رسول الله
آن حضرت فرمود که محافظت کن حق تعالی را تا محافظت کند ترا
و یاد حق کن در وقت خوشحالی تا آنکه حق تعالی متوجه تو شود در حالت
سختی و هرگاه چیزی خواهی از حق تعالی یاد حق تعالی کن و بطلب
و اگر خواهی که طلب یاری کنی طلب کن از حق تعالی بدرستی که آنچه واقع
خواهد شد تا روز قیامت نوشته شده است در لوح محفوظ پس اگر
تمام خلق جهد کنند که نفع و فائده رسانند بتو آن چیزی که نوشته نشده است
برای تو قدرت نیابند بران و اگر جهد کنند که نفع و فائده رسانند بتو
به چیزی که نوشته نشده است قادر نشوند بران پس اگر استطاعت
و قدرت داری که عمل کنی که رضای خدا تعالی در ان باشد بکن و اگر
قدرت نداری صبر کن بدرستی که در صبر کردن بر چیزهائی که مکروه است
خیر بسیار است و بدرستی که نصرت با صبر است و خوشحالی با اندوه است
و با هر دشواری آسانیست یا اباذر طلب غنا کن از حق تعالی تا غنی گرداند
ترا حق تعالی گفت ابوذر که گفتم که غنائی که حق تعالی میدهد کدام است
آن حضرت فرمود که آن مقدار چیزی که صباح و شام بخوری پس آن
کسی که قناعت کند بآنچه حق تعالی روزی او کرده است او غنی ترین
مردمانست یا اباذر حق تعالی گفته است که من قبول نمیکنم سخن کسی را
که دانا باشد ولیکن نظر بنیت و قصد او می کنم پس اگر نیست او موافق

رضای منست نیکو دائم خاموشی او را حمد و ثنای خود و اگرچه بزبان حمد نگوید
یا اباذر حق تعالی نظر در صورتها و مالهاشما نمی کند بلکه نظر در دلها و
عملهاشما می کند یا اباذر تقوی اینجاست و اشارت بسینهٔ مبارک خود
کرد یا اباذر چهار خصلت است مگر در مؤمن خاموشی و این بهترین
عبادتهاست و تواضع برای خدا و ذکر حق تعالی در همه حال و مال اندک
داشتن یا اباذر قصد نیکوئی کن و اگرچه نیکوئی نکنی تا آنکه بنویسند ترا
از غافلان یا اباذر آن کسی که نگاه دارد فرج خود را از فسوق و دهان
و زبان خود را از حرام در بهشت رود گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
ما مؤاخذ خواهیم شد بر چیزی که بگوئیم گفت ای اباذر نمی اندازد مردمان را
در دوزخ مگر زبان ایشان را بدرستی که تو همیشه بسلامتی مادام
خاموشی هرگاه سخن گفتی پس اگر سخن نیکو گفتی ثواب می نویسند برای تو
یا اباذر بدرستی که آنکسی که سخن بگوید در مجلس بجهت آنکه مردمان بخندند
وای برو وای برو وای برو یا اباذر آنکسی که خاموش باشد نجات
می یابد پس اگر سخن گفتنی بر تو باد که راست بگوئی و آن کسی که دروغ بگوید
بیرون نمیرود از عقوبت دروغ گفتن هرگز گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
چیست توبهٔ کسی که دروغ گفته باشد آن حضرت گفت که استغفار و
نماز پنجگانه می شوید گناه او را یا اباذر بپرهیز از غیبت کردن بدرستی
که غیبت بدتر است از زنا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله پدر و مادر
من فدای تو باد غیبت چرا بدتر است از زنا آن حضرت گفت که بجهت

آنکه اگر کسی زنا کرده باشد توبه کند خدای تعالی توبهٔ او را قبول می کند و اگر
کسی غیبت کند حق تعالی نمی آمرزد گناه او را تا آنکه کسی که او را غیبت
کرده است بحل کند یا اباذر دشنام دادن مسلمانان فسق است و کشتن
ایشان کفر است و غیبت کردن ایشان معصیت و گرفتن مال ایشان
حرام است همچنانکه کشتن ایشان حرام است گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
غیبت کدام است آن حضرت فرمود که ذکر کردن برادر مؤمن بر وجهی که
خوشش نیاید او را گفتم یا رسول الله اگر آن چیز در او باشد غیبت است
آنحضرت فرمود که بدان ای اباذر که وقتی که بگوئی چیزی را که در مسلمان
باشد و او را گفتن آن بد آید غیبت است و اگر بگوئی چیزی را که در او
نباشد تهمت است یا اباذر آن کسی را از غیبت کردن برادر مسلمان
واجبست بر خدای تعالی که آزاد کند او را از آتش دوزخ یا اباذر آن کسی
که غیبت کنند نزد او برادر مسلمان او را و قدرت داشته باشد که یاری
کند آن برادر مسلمان را و منع کند از غیبت کردن او و این کار بکند
حق تعالی یاری کند او را در دنیا و آخرت و اگر یاری نکند و فرو گذارد
و قدرت داشته بر یاری کردن و فرو گذارد حق تعالی او را در دنیا
و آخرت یا اباذر سخن چین به بهشت نمیرود یا اباذر کسی که سخن چینی کند
خلاص نمی یابد از عذاب حق تعالی در آخرت یا اباذر آن کسی که دو رو و دو زبان
باشد در دنیا او دو زبان خواهد بود در آتش دوزخ یعنی عذاب او
بیشتر خواهد بود یا اباذر در مجالس با امانت باش یعنی سخنانی که در مجالس

بامانت باش یعنی سخنانی که در مجالس گفته شود که در جای دیگر نباید گفت
مگو یا اباذر فاش کردن ستر برادر مومن خیانت است پس اجتناب کن
از آن واجتناب کن از رفتن بمجالس یا اباذر عرض کرده می شود عملهای
اهل دنیا بر حق تعالی در هفته دو روز روز دوشنبه و پنجشنبه پس امرزیده
می شود گناهان بندگان مومن مگر گناه بندهٔ مومنی که میان او و میان
مومنی دیگر دشمنی باشد پس بگوید حق تعالی که بگذارید عمل این دو کس را
تا وقتی که با یک دیگر صلح کنند یا اباذر بپرهیز از ناد یدن برادر مومن
بدرستی که عمل ترا حق تعالی قبول نکند مادام که دوری از برادر مومن منع
می کنم ترا از ناد یدن برادر مومن سه روز تمام و اگر بمیرد در این سه روز
دوزخ سزاوارتر است باو یا اباذر آن کسی که دوست دارد که مردمان
او را تعظیم کنند و برخیزند برای او جای او دوزخ است یا اباذر آن
کسی که بمیرد و در دل او ذرهٔ از تکبر باشد در نیابد بوی بهشت را مگر آنکه
توبه کند مردی گفت یا رسول الله خوش می آید مرا که با زینت باشم تا آنکه
دوست میدارم که علاقهٔ تازیانه و بند نعلین من نیکو باشد آیا این تکبر است
آن حضرت گفت که چگونه می یابی دل خود را آن مرد گفت که می یابم
دل خود را از شناسائی حق و آرمیده آن حضرت گفت که این تکبر نیست
تکبر آنست که ترک کنی حق را و بکناری از حق و متوجه غیر حق شوی و نظر کنی
بمردمان و عرض و ناموس خود را بیشتر از عرض و ناموس مردمان دانی
دانی و حرمت خون خود را زیاده از حرمت خون دیگران دانی یا اباذر

بهتر اهل دوزخ متکبران خواهند بود مردی گفت یا رسول الله آیا بر طرف
می توان کرد تکبر را آن حضرت فرمود که بلی بسبب پشمینه پوشیدن
و سوار شدن بر دراز گوش و دوشیدن گوسفند و نشستن با مسکینان
تکبر بر طرف می شود یا اباذر آن کسی که جامهٔ خود را از زمین
از روی تکبر نظر نکند حق تعالی باو در روز قیامت یا اباذر
لنگ مومن می باید که تا نصف ساق او باشد و باکی نیست زیاده
از این کاهی که از کعبین در نگذرد یا اباذر کسی که جامهٔ کوتاه بپوشد
و بدوزد کفش خود را در خاک نهد در وقت سجده بدرستی
که خلاص میشود از تکبر یا اباذر آن کسی که او را دو پیراهن
باشد باید که یکی را بپوشد و دیگری را به برادر مومن بدهد
یا اباذر زود باشد که مردمان پیدا شوند از امت من که متولد
شوند در میان نعمتها و غذای ایشان الوان نعمتها باشد و همت
ایشان خوردن طعامهای رنگ برنگ و شربتهای گوناگون
باشد و تعریف میکرده باشد طعامها و شربتها را این گروه بدترین
امت منند یا اباذر آن کسی که قادر باشد که لباسهای نیکو به
پوشد بجهت تواضع حق تعالی ذلیل و خوار کرداند نفس خود را
و صرف کند در غیر معصیت مالی را که جمع کرده است و رحم کند
بر آنهای که خود رو می کنند و مصاحبت کند با اهل علم و حکمت حق
تعالی به برد او را به بهشت یا اباذر خوشا حال کسی که با صلاح باشد

باطن او نیکو باشد ظاهر و دور کرداند از مردمان شر خود را
یا اباذر خوشا حالی کسی که عمل کند بعلم خود و صرف کند
عالی را که زیاده از معیشت اوست و نگاه دارد زبان خود را
از سخنان بی فائده یا اباذر گاهی جامهٔ درشت بپوش و
گاهی جامهٔ نازک بپوش تا تکبر بر تو راه نیابد یا اباذر در
آخر زمان قومی پیدا شوند که پشمینه پوشند در تابستان و زمستان
بجهت آنکه مردمان بایشان اعتقاد پیدا کنند این گروهند که
لعنت می کنند برایشان فرشتهای آسمان و زمین یا اباذر خبر دهم
بتو که اهل بهشت کیست گفتم بلی یا رسول الله آن حضرت گفت
که اهل بهشت آن کسی است که ژولیده موی و گرد آلوده باشد
در نظر مردم و اگر سوگند خورد بخدای تعالی راست گرداند
سوگند خود را گفت ابوذر رحمت الله علیه که روزی رفتم
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت در
مسجد تنها نشسته بود خلوت را غنیمت دانستم پس آن حضرت
گفت یا اباذر بدرستی که مسجد را تحیتی است گفتم یا رسول الله
تحیت مسجد کدام است آن حضرت گفت که تحیت مسجد دو ر
کعت نماز است بعد از متوجه آن حضرت شدم و گفتم یا رسول الله
امر کردی مرا بنماز پس چیست نماز آن حضرت گفت که نماز
که خدای تعالی وضع کرده است پس آنکسی که می خواهد کم می گذارد

و آن کسی که می خواهد زیاده می گذارد گفتم یا رسول الله کدام عمل از
عملهای بنی آدم بهتر است نزد حق تعالی آن حضرت گفت که ایمان
آوردن بحق تعالی و بعد از آن جهاد کردن در راه خدا گفتم
یا رسول الله ایمان کدام مؤمن کامل تر است آن حضرت گفت
که ایمان آن کس که کامل تر است ~~آن حضرت گفت~~ که خلق او بهتر است
گفتم که کدام مؤمن فاضل تر است آن حضرت گفت که آن کسی که
مردمان سالم باشند از دست و زبان او گفتم که دور بودن
از چه چیز فاضل تر است آن حضرت گفت که از بدی گفتم کدام
وقت از شب فاضل تر است آن حضرت گفت که نصف آخر
شب گفتم کدام نماز فاضل تر است آن حضرت گفت که نمازی
که قنوت او بیشتر است گفتم کدام صدقه فاضل تر است آن حضرت
گفت پنهانی صدقه دادن کسی که مال اندک داشته باشد گفتم
کدام روزه فاضل تر است آن حضرت گفت که روزه که واجب
باشد گفتم کدام جهاد فاضل تر است آن حضرت گفت که جهاد آن
کسی که اسب او را پی کنند و خون او ریخته شود گفتم کدام آیه
از آیتهای قرآن بزرگ تر است آنحضرت گفت که آیة الکرسی گفتم
یا رسول الله صحف ابراهیم چه چیز بود آن حضرت گفت که مثلها
بود و از جملهٔ آن مثلها اینست که ای پادشاه که مبتلا شدهٔ از یاد
بعبث که نفرستادم ترا که جمع کنی دنیا را و لیکن فرستادم ترا که رد کنی

از من دعای مظلوم را بدرستی که من رد نمی کنم دعای مظلوم را و اگرچه
آن مظلوم کافر یا فاسق باشد و مثل دیگر اینست که واجبست
بر عاقل که در هر شبانه روزی ساعتی مناجات کند بر پروردگار
خود و ساعتی فکر کند در مصنوعات حق تعالی و ساعتی حساب
نفس خود کند در انچه گذشته است و در انچه می آید و ساعتی
مشغول شود بخوردن و آشامیدن از وجه حلال و نیز بر عاقل
واجبست که سفر نکند مگر بجهت سه چیز برای توشهٔ آخرت و
برای معاش و برای لذتی که حرام نباشد و نیز بر عاقل واجبست
که بینا باشد بزمان یعنی اوقات خود را بعبث صرف نکند و متوجه
باشد بکار خود و نگاه دارد زبان خود را و آن کسی که سخن کردن را
از جملهٔ اعمال داند سخن نکند مگر در چیزی که ضرورت گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله صحف موسی علیه السلام چه بود آن
حضرت گفت که تمام چیزهای بود که مردمان بآن عبرت میگرفتند
و از جملهٔ آنها اینست که عجبست از کسی که یقین میداند که دوزخ
هست و می خندد و عجب است از کسی که یقین میداند که حساب
خواهد بود در روز قیامت و عمل نیکو نمی کند گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله از آن چیزهای که حق تعالی بر تو فرستاده است
در صحف ابراهیم علیه السلام و موسی هست آن حضرت گفت که مضمون
این آیتها هست که قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَّأَبْقٰى إِنَّ هٰذَا لَفِي
الصُّحُفِ الْأُولٰى صُحُفِ إِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى یعنی بدرستی که رستگاری
یافت آنکه پاک شد از کفر و معصیت و یاد کرد نام پروردگار
خود را بدل و زبان پس نماز گذارد بلکه شما اختیار می کنید زندگانی
دنیا را و آخرت بهتر و پاینده تر است بدرستی که این سخن در
صحفهای پیشین است که پیش از قرآن نازل شده که آن صحف
ابراهیم علیه السلام و توریت موسی است گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله وصیتی کن مرا آن حضرت گفت که وصیت میکنم ترا
بتقوی و پرهیزکاری بدرستی که قرآن بهترین همهٔ نیکوئیهاست
گفتم یا رسول الله زیاده کن وصیت را آن حضرت گفت که بر تو باد
که قرآن بخوانی و ذکر حق تعالی بگوئی بدرستی که قرآن خواندن
و ذکر گفتن موجب ذکر تست در آسمان و نور تست در زمین
گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت که بر تو باد که جهاد
کنی بدرستی که جهاد بهترین عملهای امت منست گفتم یا رسول الله
زیاده کن آن حضرت گفت که بر تو باد که خاموشی باشی مگر از سخن
خیر بدرستی که خاموشی دور می کند شیطانرا از تو و یاری میدهد
ترا در امور دین گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت
که بر تو که جهاد کنی بدرستی که جهاد بهترین عملهای امت منست گفتم
با وصفای روی را گفتم یا رسول الله زیاده کن گفت آن حضرت که

نظر کن بآن کسی که از تو درویش تر است و نظر مکن بآن کسی که از تو
غنی تر است بدرستی که این موجب آنست که شکر بگوئی نعمتی را که حق
تعالی بتو داده است و چون حق تعالی را شکر بگوئی نعمت خود را
از تو باز نگیرد گفتم یا رسول الله زیاده کن آن حضرت گفت که صلهٔ
رحم بجای آر با خویشان خود و اگر ایشان نسبت بتو صلهٔ رحم بجای
نیارند و دوست رحم بجای نیارند و دوست دارد درویشان را
و بسیار با ایشان بنشین گفتم یا رسول الله زیاد کن آن حضرت
گفت که سخن حق بگو و اگر چه تلخ باشد گفتم یا رسول الله زیاده کن
گفت مترس در راه خدا از ملامت کردن مردمان ترا گفتم یا رسول الله
زیاده کن گفت مترس در راه خدا از که عیب نکنی مردمان را بچیزی که
آن چیز در تو باشد و همین بس است و همین بس است در نادانی
کسی که عیب مردمان را امید اند و عیب خود را غید اند گفت ابوذر که
بعد از آن آن حضرت دست بر سینه زد و گفت یا اباذر نیست عقلی مانند
تدبیر و نیست پرهیزکاری مانند باز ایستادن از حرام و نیست
شرفی مانند خوش خلقی

در اختیارات ایام برای کارها منقولست از امام ناطق جعفر صادق
علیه و علی آبائه الصلوة والسلام که روز اول از هر ماه بهتر است و
نیکوتر است برای دیدن امرا و طلب کردن حاجتها و خرید و فروخت
و زراعت و سفر روز دوم ما نیکوست برای سفر و طلب حاجتها و روز سیوم

ماه بدست و برای هیچ کار نیک نیست و روز چهارم برای نکاح
کردن نیکوست و مکروه است سفر کردن در آن روز پنجم ماه
نحس است و بلا است برای جمیع کارها روز ششم ماه مبارکست
و نیکوست برای نکاح کردن و طلب حاجت روز هفتم روز مبارکست
و نیکوست برای هرچه خواهد روز هشتم نیکوست برای هر حاجت
بغیر سفر که مکروه است درین روز روز نهم روز مبارکست
و نیکوست برای هرچه اراده کند و آن کسی که سفر کند درین
روز مال بسیاری حق تعالی روزی او کند و در سفر خود
خیر بسیار ببیند روز دهم نیکوست برای همه حاجتها بغیر رفتن
نزد سلطان و آنکسی که بگریزد درین روز از سلطان گرفتار
شود و آن کسی که بیمار شود درین روز صحت یابد روز یازدهم
نیکو است برای خرید و فروخت و برای سفر و جمیع حاجتها که بغیر
رفتن نزد سلطان و پنهان شدن درین روز دوازدهم روز
مبارکست پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را و سعی نمائید
برای حاجتهای خود بدرستی که درین روز حاجتها بر آورده می
شود و روز سیزدهم نحس است و هیچ کار را نشاید کردن پس
بپرهیزید درین روز از جمیع کارها روز چهاردهم نیکو است
برای حاجتها و برای همه کارها و روز پانزدهم نیکوست برای
حاجتها پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را بدرستی که درین

روز حاجتها برآورده میشود و روز شانزدهم نحس است
و بد است برای جمیع کارها و هفدهم نیک است پس طلب کنید درین
روز انچه میخواهید و نیکو است نکاح کردن و خرید و فروخت
و زراعت کردن و بنا نهادن و رفتن نزد سلطان بجهت حاجت
بدرستی که درین روز حاجت برآورده می شود روز هیجدهم
مبارکست و نیکو است برای سفر و طلب حاجت و آن کسی که جنگ
کند با دشمن درین روز غالب شود بر دشمن و ظفر یابد برو
بقدرت حق تعالی روز نوزدهم روز خوبست و روز نیک است
برای جمیع کارها و فرزندی که درین روز متولد شود مبارک باشد
روز بیستم روز نیکو است و خوبست برای طلب حاجت و بنا کردن
و عروسی کردن و رفتن نزد سلطان روز بیست و یکم روز نحس است
هیچ کار را نشاید روز بیست و دوم روز مبارکست و نیکوست
برای خرید و فروخت و ملاقات سلطان و صدقه دادن و سفر
کردن روز بیست و سیم روز نیکو است خاصه برای نکاح و
تجارت و رفتن نزد سلطان روز بیست و چهارم روز نحس
و شوم است هیچ کار را نشاید روز بیست و پنجم روز بد است
حذر می باید کرد درین روز از همه کارها روز بیست و ششم
روز نیکو است برای هر حاجتی بغیر نکاح و سفر و بر شما باد که صدقه
بدهید درین روز بدرستی که نفع و فائده می یابید روز بیست

هفتم روز نیکوست برای جمیع حاجتها و کارها و ملاقات سلطان
روز بیست و هشتم میانه است روز بیست و نهم مبارکست
و نیکوست برای جمیع حاجتها بغیر از کتابت که مکروه است و آن
کسی که بیمار شود درین روز زود صحت یابد و آن کسی که سفر کند
درین روز مال بسیاری باو برسد و آن کسی که بندهٔ او برسد
و آن کسی که بندهٔ او برسد و آن کسی که بندهٔ او بگریزد درین روز
یافت شود روز سیم روز خوبست و نیکوست برای هر کاری
و هر حاجت از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و آن کسی که
بیمار شود درین روز زود صحت یابد و فرزندی که درین
روز متولد شود حلیم و مبارک و راست گو و وفادار باشد

انچه می باید خواند در عقب هر نماز

فریضه وقتی که مضطر شود آدمی و ضرورت باشد او را توجه
کردن در یکی ازین روزهای که منع کرده است امام جعفر صادق
علیه السلام از شر دفع کردن و این دعا از جملهٔ دعاهای فرج
است دعا اینست که لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَفْرِجُ بِهَا كُلَّ كُرْبَةٍ
لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَفْتَحُ بِهَا كُلَّ بَابٍ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا
بِاللهِ اَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ شِدَّةٍ وَمُصِيبَةٍ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا
بِاللهِ اَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ اَمْرٍ يَنْزِلُ بِي مُصِيبَةٍ لَاحَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَعْتَصِمُ بِهَا عَلَى كُلِّ مَحْذُورٍ حَاذِرَهُ لَاحَوْلَ وَلَا

قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالرِّضَا مِنَ اللهِ
لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ بِفَرْقِ اَعْدَآءِ اللهِ وَغَلَبَتْ حُجَّةُ اللهِ
وَبَقِيَ وَجْهُ اللهِ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْوَاحِ
الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَرَبَّ الشُّعُورِ الْمُتَمَعِّطَةِ وَ
رَبَّ الْجُلُودِ الْمُمَزَّقَةِ وَرَبَّ الْعِظَامِ النَّخِرَةِ وَرَبَّ السَّاعَةِ
الْقَائِمَةِ اَسْئَلُكَ يَارَبِّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَافْعَلْ بِي ذٰلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ
يَاذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

در خاتمهٔ کتاب چون افتتاح کردم این کتاب را بخطبهٔ
امیرالمؤمنین علی علیه السّلام بجهت تیمن و تبرک و بجهت
انکه آن خطبه مشتمل بود بر جمیع آداب و اخلاق خواستم که
ختم کنم این کتاب را بخطبهٔ دیگر از امیرالمومنین علی علیه السّلام
که روش مؤمنان و صفات متقیان و پرهیزکاران ازو معلوم
میشود بجهت انکه این خطبه بهترین پیشوایانست برای کسانی
که پیروی او کنند و بلیغ ترین موعظها و پندهاست
برای کسانی که پند گیرند و ختم کردم کتاب خود را باین خطبه
پس کردید ختم کتاب من بمشک روایتست که یکی از اصحاب
امیرالمومنین علی علیه السّلام که نام او همام بود مردی بود

بغایت

بغایت کفت روزی بامیرالمؤمنین علی علیه السّلام که صفت کن
برای من متقیان و پرهیزکارانرا بر وجهی که خوب ظاهر شود
احوال ایشان بر من آن حضرت مکث کرد در جواب دادن
او و بعد از ساعتی کفت ای همام پرهیزکاری و نیکوئی کن
بدرستی که حق تعالی با کسانیست که پرهیزکار و نیکوکارند همام
قناعت نکرد باین سخن و سوکند داد آن حضرت را که صفت کند
متقیانرا برای او پس آن حضرت حمد و ثنا کفت حق تعالی را
و صلوات فرستاد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن
کفت اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول بدرستی که حق تعالی
آفرید خلق را و بی نیاز است از طاعت ایشان و ایمن است
از معصیت آن کسی که نافرمانی کند و نفع نمیدهد حق تعالی را
طاعت آن کسی که فرمان برداری کند پس آنکسی که فرمان برداری
کند پس قسمت کرد میان خلقان معیشت ایشانرا و تعیین کرد
از دنیا جای ایشانرا پس متقیان درین دنیا اهل فضلند سخنان
ایشانراست و صوابست و لباس ایشان میانه است نه خوب
و نه بد و راه رفتن ایشان بطریق تواضع است پوشیده اند
چشمهای خود را از انچه حرام کردانیده است حق تعالی بر ایشان
و استماع نمی کنند مکر علمی را که نافع باشد ایشانرا و سختی و خوشحالی
بنزد ایشان یکسانست و اکر نبودی اجلی که حق تعالی مقرر کرده است

برای ایشان قرار نگرفتی روح در بدن ایشان یک چشم زدن بجهت
شوق بثواب و ترس از عقاب و بزرگست حق تعالی نزد ایشان
پس خورده است انچه غیر حق تعالی است در نظر ایشان گویا بهشت را
می بینند و در بهشت تنعم می کنند و گویا که دوزخ را مشاهده می کنند
و در دوزخ معذبند دلهای ایشان اندوهگین است و مردمان
از بدیهای ایشان ایمنند و بدنهای ایشان ضعیف و لاغراست و
حاجتهای ایشان اندک است و نفسهای ایشان پاکست از معصیت
و یاری کردن ایشان در اسلام بسیار است صبر کرده اند در مشقت
روزهای دنیا که اندکست تا راحت بسیار یابند در آخرت بیشتر
کردانید است حق تعالی برای ایشان تجارتی را که سود کننده است
میخواهد دنیا ایشانرا و ایشان نمی خواهند دنیا را و دنیا می طلبد
ایشانرا و ایشان عاجز کردانیده اند دنیا را و اسیر کرده است
دنیا ایشانرا و ایشان باز خریده اند نفسهای خود را از دنیا امّا در شب
قرآن می خوانند بتانی و شمرده و حزین و اندوهگین می سازند
بقرآن خواندن نفسهای خود را و حاصل می کنند از قرآن دوای
درد خود را چون برسند بآیتی که در ان شوقی باشد میل کنند بآن
بجهت طمع رحمت و نزدیک باشد که برآید جان ایشان از شوق
آن رحمت و گمان برند که آن رحمت پیش ایشانست و چون برسند
بآیتی که در و ترسی باشد دلهای خود را متوجه آن سازند و گمان

برند که ناله دوزخ در گوش ایشانست پس ایشان دوتا و بزرگی
یاد کنند پروردگار را بر زمین بنهند پیشانی و دستها و زانوها
و انگشتان پاهای خود را و طلب کنند از خدای تعالی خلاصی خود را از
آتش دوزخ و امّا در روز حلیمان و دانایان و نیک مردان و پر
هیزکاران باشند و ضعیف ساخته باشد ایشانرا ترس حق تعالی
کسی که نظر کند بایشان گمان برد که ایشان بیمارند و آن کسی که نظر کند
بایشان بگوید که ایشان دیوانه اند و حال آنکه دیوانه ساخته است
ایشانرا امر عظیمی که آن غم آخرتست و راضی نباشند از عملهای خود
باندکی و هرچند عمل خیر کنند در نظر ایشان نماید و ایشان نفس
خود را متهم سازند و گویند که عملی نیک نکردی و از عملهای خود
بترسند و چون مدح گویند ایشانرا بترسند از آنچه گفته شود
در حق ایشان و بگویند که ما داناتریم بنفس خود از غیر و پروردگار
داناتر است از ما بنفس ما بار خدایا مگیر ما را بانچه می گویند
در حق ما و بگردان ما را بهتر از آنچه گمان می برند و بیامرز گناهان ما را
که ایشان نمی دانند بدرستی که دانائی عیبها و پوشنده عیبهائی
پس از علامت ایشان آنست که بینی ایشانرا که قوتی داشته باشند
و ضبطی داشته باشند با وجود ملائمت و ایمان ایشان از روی
یقین باشد و حرص داشته باشند در علم و دانش داشته باشند
در حلم و میانه روی کنند در غنی و توانگری و [illegible] داشته باشند

در عبادت و توانگری نمایند خود را در درویشی و صبر کنند در سختی و طلب
حلال کنند و شادی کنند بجهت یافتن راه راست و به پرهیزند
از طمع و عملهای نیکو کنند و ایشان بر ترس باشند شام قصد
ایشان شکر باشد و صباح قصد ایشان ذکر باشد و شب بروز
آورند ترسناک و صباح فرح داشته باشند و ترس ایشان
بجهت غفلتست و فرح ایشان در صباح بسبب فضل و رحمتی است
که بایشان رسیده است و اگر صعب شمرد بر ایشان نفس ایشان
چیزیکه مکروه میداند فرمان برداری نفس نکنند در آنچه دوست
میدارد نفس آنرا روشنی چشم ایشان در عملهائیست که برای
آخرتست و رغبت ندارند در چیزها که باقی نمی ماند که آن امور
دنیویست و جمع کرده اند حلم را با علم و قول را با عمل می بینی ایشانرا
که نزدیکست که امید خود و کم است لغزیدن و گناه ایشان و
ترسناکست دل ایشان و قانع است نفس ایشان و اندکست
خورش ایشان و آسانست کار ایشان و محفوظ است دین ایشان
و مرده است شهوت ایشان و فرو خورده اند خشم را و کم است
شر ایشان و بسیار است خیر ایشان و صادقست قول ایشان
و امیدوارند مردمان از خیر ایشان و ایمنند از شر ایشان و اگر
در میان غافلان می باشند ذکر می گویند و نوشته می شوند از جمله
غافلا[illegible] کسی که ظلم کند بر ایشان و چیزی بدهند

بآن کسی که بایشان چیزی ندهند و صلهٔ رحم بجای آورند نسبت بکسی
که قطع صلهٔ رحم کند بایشان و دور باشند از سخنان فحش و ملایم
باشد گفتار ایشان کارهای ناشائسته نکنند و نیکوئی کنند و متوجه
خیر شوند و از شر احتراز کنند و در چیزهای که موجب اضطراب
شود آرمیده و با وقار باشند و در مشقتها متحمل و صبور باشند
و در آسائش شاکر باشند ظلم نکنند بر کسی که دشمنی کند بایشان
و بدی نکنند بر کسی که دوست دارد ایشانرا اعتراف کنند بحق
پیش از آنکه گواه گذرانیده شود بر ایشان ضایع نکنند آن
چیزیرا که نگاه می باید داشت و فراموش نکنند پندیرا که بایشان
بدهند و نخوانند مردم را بلقبهای بد و ضرر نرسانند بر همسایهٔ
خود و شادی نکنند بمصیبتهای دشمن و سعی کنند که در اول وقت نماز را
بجای آورند و در نیابند در چیزهای باطل و نروند از حق اگر
خاموش باشند اندوهگین نسازد ایشانرا خاموشی و اگر سخن کنند
خطا و ناصواب نگویند و اگر بخندند بلند نشود آواز ایشان
گوش ایشان قانع است بشنیدن چیزی که برای شنیدن آن مخلوق
شده است سرکشی نکنند در حالت خشم و آرزوهای نفس و بخل بر
ایشان غالب نشود مصاحبت کنند بمردمان بجهت آنکه چیزها
بیاموزند از مردمان و خاموش باشند بجهت آنکه سالم [illegible] باشند
و چیزها بپرسند از مردمان بجهت آنک[illegible] تجارت [illegible]

کنند بجهت آنکه ثواب حاصل شود ایشانرا و نیکوئی بکنند بجهت آنکه فخر کنند
بر مردمان بلکه بجهت رضای خدا نیکوئی کنند و تکلم ایشان بسخنان
نیکو بجهت آن نیست که تکبر کنند بر مردمان و اگر ظلم کنند بر ایشان
صبر کنند تا حق انتقام کشد برای ایشان نفس ایشان در مشقت باشد
از ایشان و مردمان از ایشان در راحت باشند در مشقت اندازند
نفس خود را برای آخرت و در راحت اندازند مردمانرا از نفس خود
و دوری کنند از آنکس که پرهیزکاری و پاکیزگی ندارد و نزدیکی جویند
با آنکسی که نزدیک باشد بملایمت و رحم نباشد دوری کردن
ایشان از آن جماعت از روی مکر و فریب راوی میگوید که چون
حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام این سخنانرا بیان
فرمود همام بیهوش شد و در آن بیهوشی جانرا تسلیم کرد گفت
حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام که بحق خدای که
من از وی می ترسیدم که در اول وصف نکردم سقیا را برای همام
و بعد از آن آن حضرت گفت که این چنین می کند پندهای کاملی
ما شخصی گفت که چیست حال تو یا امیر المؤمنین بجهت مردن همام
حضرت امیر المؤمنین گفت آن شخص را که وای بر تو باد بدرستی
که هر اجلی را وقتیست که در نمیگذرد از آن وقت و سببی است که
تجاوز نمیکند از آن سبب پس مثل این سخنان مگو بدرستی که شیطان
[...] مید هد مصنف کتاب میگوید که اینست آنچه

اراده کردیم که جمع کنیم از سیرت حضرت رسالت پناهی و آدابی که روایت
کرده شده است از آن حضرت بدرستی که وفا کردیم بآنچه شرط کرده
بودیم و سوال می کنیم از حق تعالی که توفیق دهد ما را بعمل کردن این
آداب بجهت رضای خدا و خشنودی و مغفرت او و رسیدن به بهشت
و کرامت او بفضل و کرم و جود و رحمت او وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ تمام شد این ترجمه بعون عنایت
الهی و روحانیت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم
و ارواح حضرت ائمه معصومین و اهل بیت الطیبین الطاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین و بیمن همت حضرت خان عالیشان
مظهر آثار و خیرات احسان منبع جود و عرفان منظور انظار ملک و [...]
اللّٰهُمَّ اجْعَلْ رَایَاتِ دَوْلَتِهِ مَصُونَةً مِنَ الزَّلَلِ وَآیَاتِ حِشْمَتِهِ
مَحْفُوظَةً عَنِ الْخَلَلِ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ مأمول و مرجو از کرم الهی
و فضل نامتناهی آنکه توفیق کرامت کند خواص و عوام را که از این
ترجمه بهره مند گردند اِنَّهُ وَلِیُّ ذٰلِکَ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
وَبِالْاِجَابَةِ جَدِیرٌ و ملتمس از ناظرین در این ترجمه آنکه آمر و مترجم را
بدعای خیر یاد آوری نمایند و اگر بر قصور و خللی مطلع شوند
مترجم را معذور فرموده در اصلاح [...] قد فرغ من ترجمته [...]
[...] خلق الله الی رحمة الله الملک الباری نصیر الـ[...]
فی کملة [...] من شهور سنه ثلث و [...]

٤٠٤ ورق

من الآفات تمت الكتاب بعون الملك الوهاب في يوم الاربع
عشر من جمادى الاخر ١٠٨٤ سنة كتبه العبد الاقل المذنب محمد
غفر الله ذنوبها ولوالديها ولجميع المؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الى يوم الدين تم

٤٤٤

٤٤



















